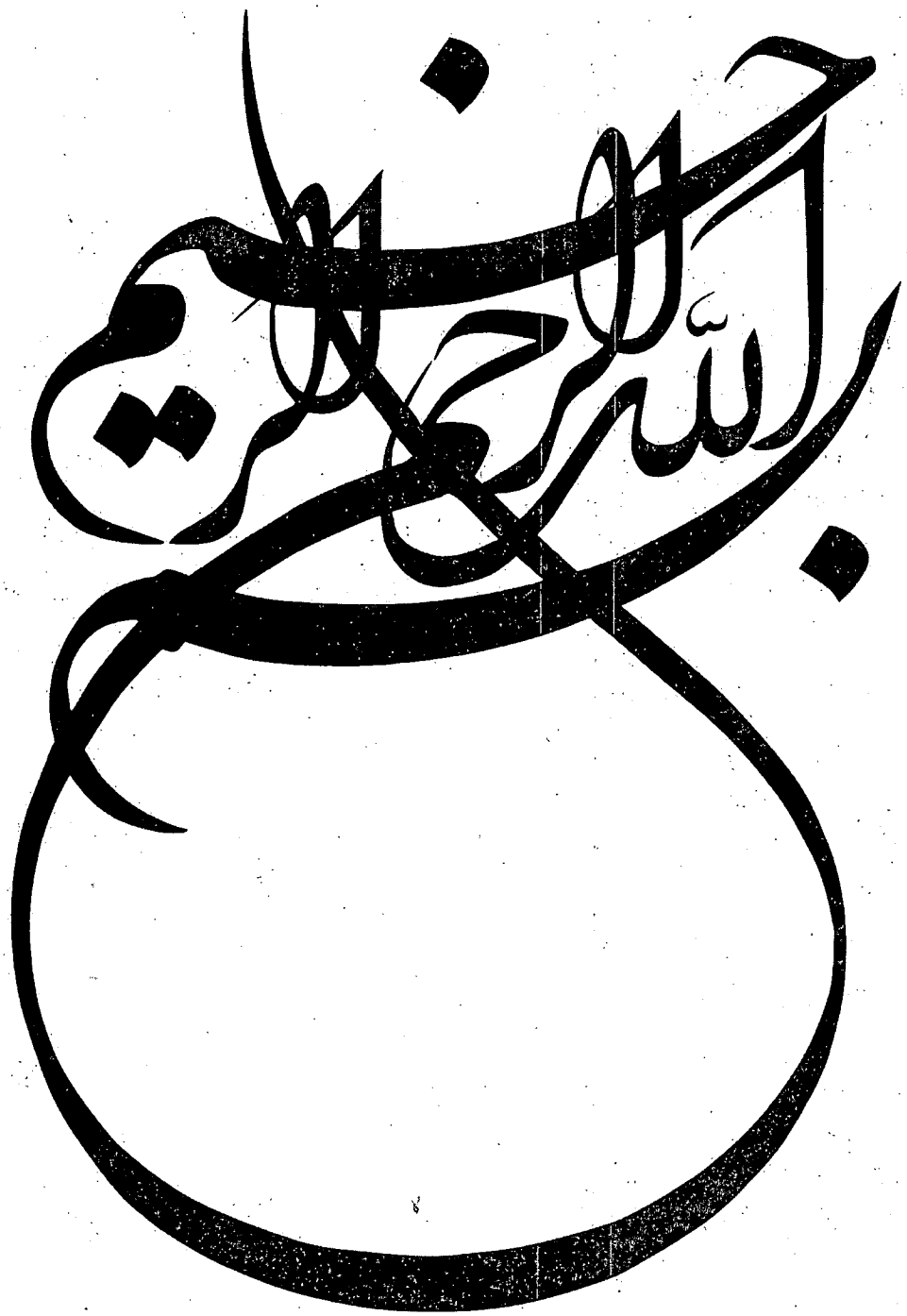
بسم الله الرحمن الرحيم

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران

گروه پژوهشی اصطلاح‌شناسی

اصطلاحنامه فنی و مهندسی

تدوین:

ملوک‌السادات حسینی بهشتی

مریم نوروزی اقبالی

مهرداد نوروزی اقبالی

جلد اول

۱۳۸۲

حسینی‌بهشتی، ملوک‌السادات، ۱۳۳۳-
اصطلاحنامه فنی و مهندسی/ ملوک‌السادات حسینی‌بهشتی، مریم نوروزی‌اقبالی، مهرداد نوروزی‌اقبالی؛ گروه پژوهشی اصطلاح‌شناسی. ــ تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۸۲.
۲ج.
ISBN 964-91798-9-5 (دوره).
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
ص.ع.به انگلیسی: Moluksadat Hosseini Beheshti, Maryam Noroozi Eghbali, Mehrdad Noroozi Eghbali. Thesaurus of Engineering.
واژه‌نامه.
۱. سرعنوانهای موضوعی فارسی ــ مهندسی.
۲. مهندسی ــ اصطلاحها و تعبیرها. الف. نوروزی‌اقبالی، مریم ۱۳۴۷-
ب. نوروزی‌اقبالی، مهرداد، ۱۳۵۳- ج. مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران. گروه پژوهشی اصطلاح‌شناسی. د. مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران. هـ عنوان.
Z۶۹۵/۱/م۸ب۹
۰۲۵/۴۹۶۲
کتابخانه ملی ایران
م۸۲-۱۸۰۸۸

انتشار نسخه الکترونیکی رایگان توسط ایران انداک
www.irandoc.ac.ir

عنوان کتاب: اصطلاحنامه فنی و مهندسی
تدوین: ملوک‌السادات حسینی‌بهشتی، مریم نوروزی‌اقبالی، مهرداد نوروزی‌اقبالی
ناشر: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: چاپخانه مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران
تاریخ انتشار: ۱۳۸۲
ویرایش: اول
جلد: اول
قیمت دوره: ۱۰۰۰۰۰ ریال
شابک: ۵-۹-۹۱۷۹۸-۹۶۴

پیشگفتار

تدوین "اصطلاحنامه‌ جامع" مصوب کمیسیون اطلاع‌رسانی، شورای پژوهشهای علمی کشور بر مبنای ساختار واژگانی و روابط مفهومی صورت گرفته و تاکنون مراحل دشواری را طی نموده است. متخصصان و کارشناسان زیر رشته‌های گوناگون حوزه‌های علمی عمدتاً ترجیح می‌دهند که از واژه‌ها و اصطلاحات لاتین بجای معادلهای فارسی آنها در محاوره‌های تخصصی استفاده نمایند، زیرا هنوز درگیر معادل‌یابی فارسی برای اصطلاحات لاتین می‌باشند و حصول توافق بر سر معادلهای مناسب این واژه‌ها با مشکلات متعدد مواجه است.

در سالهای اخیر واژه‌نامه‌های گوناگون در دسترس همگان قرار گرفته، لکن براساس تجربه می‌توان گفت که یکی از غنی‌ترین منابع واژگانی در رشته‌های تخصصی،حاصل فعالیتهای معادل یابی و واژه گزینی مرکز نشر دانشگاهی است که نتایج تلاش و تجربه بسیاری از اساتید فن و متخصصان این رشته‌ها را دربرمی‌گیرد. بر این مبنا نتایج گردآوری واژگان علوم پایه، مهندسی و کشاورزی و گزینش معادلهای مناسب فارسی برای اصطلاحات لاتین صورت گرفت و جهت نظرخواهی اساتید و کارشناسان محترم فرهنگستان ارسال شد و مورد بررسی و تدقیق اساتید فن گروه واژه گزینی قرار گرفت که با کمال سخاوت معادلهای مناسب را پیشنهاد و راهنمائیهای مفید و مؤثری در این زمینه نمودند که جا دارد از تمامی این عزیزان کمال تشکر و قدردانی بعمل آید.

از ناظرین محترم طرح آقایان دکتر فریبرز خسروی، دکتر سیدحسن شهرستانی و دکتر حسین غریبی که در طول چهار سال حوصله و دقت‌نظر کافی جهت بررسی گزارشات مرحله‌ای این طرح پژوهشی ملی صرف نموده و با راهنمائیها و ارشادات تخصصی ما را تا سر منزل مقصود همراهی نمودند، بسیار سپاسگزاریم و توفیق روزافزون این اساتید محترم را از درگاه ایزد منان خواستاریم.

در اینجا لازم است بعنوان مجری طرح ملی «اصطلاحنامه جامع» از تمامی همکاران سخت‌کوش و پرتلاش که در بخش‌های فنی- مهندسی: خانم مریم نوروزی، شیمی: آقای تقی رجبی، زمین‌شناسی: خانم مهری صدیقی، زیست‌شناسی: آقای اسماعیل اکبری، فیزیک: خانم مریم نوروزی و کشاورزی: خانم فرخنده اصغری، با تحمل سختی‌های ناشی از این کار سنگین، ما را در به ثمر رساندن و تدوین اصطلاحنامه جامع

یاری نمودند، کمال تشکر و قدردانی شود و برای آنان و همکاران محترمشان آرزوی توفیق روزافزون را داریم.

از زحمات جناب آقای مهندس مهرداد نوروزی که با تلاش شبانه‌روزی نرم‌افزار مورد نیاز تدوین اصطلاحنامه "قاموس" را طراحی و در تمامی مراحل تدوین ساختار و ویرایشهای متعدد اصطلاحنامه، ما را همراهی نمودند قدردانی می‌شود.

ملوک‌السادات حسینی‌بهشتی

مجری طرح ملی «اصطلاحنامه جامع»

مدیر گروه پژوهشی اصطلاح‌شناسی

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران

مقدمه:

در عرصهٔ مدیریت اطلاعات، اصطلاحنامه[1] ابزاری ضروری جهت ذخیره‌سازی، ساماندهی و بازیابی اطلاعات است. هرچند امروزه کاربردهای گسترده رایانه دسترسی به اطلاعات موردنیاز هر کاربر را بسیار آسان تر از گذشته کرده است ولی این امر از اهمیت و جایگاه اصطلاحنامه در جستجوی اطلاعات نکاسته است.

نیاز به اصطلاحنامه ناشی از مشکلات ذاتی جستجو و نمایه‌سازی زبان طبیعی است، نویسندگان مقالات، نمایه‌سازان و کاربران مفاهیم یکسان را با واژه‌های مختلف تعریف می‌کنند و کاربران هنگام جستجوی اطلاعات ممکن است مفهومی را به کار برند که عیناً در مدرک موردنظر ذکر نشده باشد.

اصطلاحنامه که از نظر کارکرد، وسیله‌ای برای کنترل واژه‌ها و برگرداندن زبان طبیعی مدارک به زبان کنترل شده، می‌باشد، به این مشکلات با ایجاد روابط معنایی[2]، رده‌ای[3] و سلسله مراتبی[4] فائق آمده است.

تا پیش از تدوین این مجموعه، هیچ اصطلاحنامه‌ای به زبان فارسی در مبحث علوم مهندسی تهیه نشده بود و همین امر انگیزه‌ای شد که با وجود امکانات محدود، اولین اصطلاحنامه فنی و مهندسی به زبان فارسی را ارائه دهیم. از آنجا که علوم مهندسی، علومی کاربردی هستند و از بسیاری از شاخه‌های علوم بهره می‌گیرند، شاهد گسترهٔ موضوعی این علوم هستیم که ما را نیازمند تخصص‌های گوناگون می‌کند و این گسترهٔ موضوعی یکی از مسائل مهمی است که علاوه بر سایر مشکلات تهیه هر اصطلاحنامه‌ای پیش روی ما قرار داشت.

در اولین اقدام پس از بررسی تعدادی از اصطلاحنامه‌های موجود مهندسی به زبان انگلیسی، اصطلاحنامه Engineering Information Thesaurus (EI) انتخاب شد. این اصطلاحنامه از دو جهت بر سایر موارد برتری داشت:

الف. بیشتر رشته‌های مهندسی را دربر می‌گرفت.

---

1. Thesaurus
2. Semantic relations
3. Classified relations
4. Hierarchical relations

ب. برای هر واژه شناسه‌ای داشت که امکان تفکیک واژه‌ها براساس تخصص موردنظر را مقدور می‌ساخت.

پس از تهیهٔ اصطلاحنامه EI، مراحل زیر جهت تدوین اصطلاحنامهٔ فارسی انجام گرفت.

۱- شناسایی و تهیه فرهنگها، واژه‌نامه‌ها و منابع مورد نیاز

۲- تفکیک مدخل‌های واژگانی براساس رشته‌های مختلف مهندسی

۳- استخراج ترجمه‌ها و معادل‌های فارسی هر مدخل از منابع تهیه شده

۴- انتخاب واژه‌های مرجح و تدوین ساختار اصطلاحنامه

۵- هماهنگ‌سازی معادل‌ها و ویرایش نهایی

۶- تهیه نرم‌افزار رایانه‌ای و ورود اطلاعات به نرم‌افزار

در بین مراحل تهیه اصطلاحنامه که به اختصار ذکر گردید، واژه‌گزینی توان و زمان زیادی را به خود اختصاص داد، که با اولویت قرار دادن واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی و واژه‌نامه‌های مرکز نشر دانشگاهی انجام گرفته است.

روابط بین مدخل‌های واژگانی توسط نرم‌افزار «قاموس» و براساس روابط موجود در اصطلاحنامهٔ EI ایجاد شده است. استخراج ساختار درختی، تهیه نمایه گردان و فهرست الفبایی انگلیسی نیز توسط این نرم‌افزار انجام گرفته است.

این اصطلاحنامه شامل ۸۰۹۲ مدخل واژگانی است و عمده‌ترین رشته‌هایی که این اصطلاحنامه در بر دارد به قرار زیر می‌باشد:

۱- مهندسی عمران	۲- مصالح ساختمانی	۳- حمل و نقل
۴- مهندسی بهداشت	۵- زیست‌مهندسی	۶- زمین‌شناسی مهندسی
۷- مهندسی معدن	۸- مهندسی نفت	۹- فناوری سوخت
۱۰- مهندسی متالورژی	۱۱- مهندسی مکانیک	۱۲- فناوری هسته‌ای
۱۳- مهندسی هوا و فضا	۱۴- مهندسی دریا	۱۵- مهندسی راه‌آهن
۱۶- مهندسی جابه‌جایی مواد	۱۷- مهندسی الکترونیک	۱۸- مهندسی مخابرات
۱۹- فیزیک مهندسی	۲۰- مهندسی کنترل	۲۱- مهندسی شیمی

۲۲- تجهیزات اندازه‌گیری ۲۳- مدیریت مهندسی ۲۴- ریاضی مهندسی

۲۵- علوم رایانه و پردازش اطلاعات ۲۶- مهندسی کشاورزی و فناوری غذایی

با وجود تمام تلاشهایی که برای تهیهٔ اصطلاحنامهٔ فنی و مهندسی صورت گرفته است، این اصطلاحنامه نقایصی دارد که خود بر بسیاری از آنها واقفیم و امید آن داریم متخصصین و صاحبنظران این تلاش را گامی در خدمت به جامعهٔ علمی دانسته و با ارائه نظرات و پیشنهادات ما را در بهینه‌سازی این مجموعه یاری دهند.

مریم نوروزی‌اقبالی

راهنمای استفاده از اصطلاحنامه

بخش اول اصطلاحنامه، نمایه الفبایی اصطلاحات است. در زیر هر اصطلاح مجموعه اطلاعات مربوط به آن قرار گرفته است. این اصطلاحات بر دو گونه‌اند: ۱- توصیفگر[5] ۲- مدخل (غیرتوصیفگر)[6]. توصیفگرها اصطلاحاتی هستند که در ساختار اصطلاحنامه به کار آمده‌اند و برای نمایه‌سازی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

مدخل‌ها اصطلاحاتی هستند که برای نمایه‌سازی از آنها استفاده نمی‌شود بلکه با ارجاع به توصیفگر مناسب کاربران را راهنمایی می‌کند. در این اصطلاحنامه، اصطلاحات مدخل با حروف مایل چاپ شده‌اند. اطلاعات مربوط به هر اصطلاح با علائم مورد استفاده در اصطلاحنامه‌ها مشخص شده‌اند. بخشی از این اطلاعات، روابط بین اصطلاحات را مشخص می‌کند که شامل موارد زیر می‌باشد:

۱- رابطه ترجیحی[7]

این رابطه ترجیح داشتن اصطلاحی را بر اصطلاح دیگر بیان می‌کند.

- **ب ک**[8] به معنای «به کار برید» در زیر هر مدخل آمده است که کاربر را از اصطلاح نامرجح[9] به اصطلاح مرجح[10] (توصیفگر) راهنمایی می‌کند.
- **ب ج**[11] به معنای «به جای» اصطلاحی را مشخص می‌کند که به جای اصطلاح نامرجح به کار می‌رود.

مثال:

ردگیری مدار

ب ک ردگیری مدار الکترونیکی

ردگیری مدار الکترونیکی

ب ج ردگیری مدار

او شبکه (مدار)

او کوک

ان Electronic ciruit tracking

۲- رابطه سلسله مراتبی[12]

این رابطه، بیان‌کننده رابطه کلی و جزئی بین مفاهیم است که در واقع، اصطلاحنامه‌ها را از واژه‌های تخصصی یا فرهنگها متمایز می‌کند. روابط سلسله مراتبی در این اصطلاحنامه تا سه سطح بالاتر/پایین‌تر نشان داده شده است.

---

5 . Descriptor

6 . Non- descriptor

7 . Preferential Relation

8 . Use

9 . Non-Preferred

10 .Preferred

11 .Used For (UF)

12 .Hierarchical Relation

- **اع**[13] به معنای «اصطلاح اعم یا کلی‌تر» که به یک مفهوم کلی‌تر از آنچه مورد بحث است دلالت می‌کند.
- **اخ**[14] به معنای «اصطلاح اخص یا جزئی‌تر» که به یک مفهوم جزئی‌تر دلالت می‌کند.

مثال:

انتقال مادون قرمز

اع۱ انتقال نور

اع۲ انتقال موج الکترومغناطیسی

اع۳ انتقال موج

او تابش مادون قرمز

او شیشه

ان Infrared transmission

انتقال موج

ی‌د در مایعات و جامدات، برای انتقال در گازها، اصطلاح «انتشار موج» را به کار بزید.

اخ۱ انتقال موج الکترومغناطیسی

اخ۲ انتقال نور

اخ۳ انتقال مادون قرمز

اخ۲ تراگسیل تلویزیونی

اخ۱ انتقال موج صوتی

اخ۲ انتقال فراصوتی

او انتشار موج

او بازتاب

او تضعیف

او موج

ان Wave transmission

۳- رابطه همبستگی/ وابستگی[15]

واژه‌هایی که از نظر مفهوم به هم نزدیکند ولی رابطه کلی و جزئی با هم ندارند، واژه‌های وابسته شمرده می‌شوند. این رابطه در مواقعی استفاده می‌شود که احتمال می‌رود به این نوع روابط در بازیابی احتیاج پیدا شود

13 .Broader Term (BT)

14 .Narrower Term (NT)

15 . Associative Relation

در حقیقت ممکن است اصطلاحی که رابطه وابستگی با اصطلاح انتخاب شده را دارد، برای کاربر جالب باشد و احتمال توفیق کاربر به دسترسی به اطلاعات جامع‌تر را فراهم سازد.

او[16] به معنای «اصطلاح وابسته» که از جهت مفهوم با اصطلاح دیگر وابسته است ولی از لحاظ سلسله مراتب با آن ارتباط ندارد.

مثال:

انرژی پیوند

ب‌ج انرژی بستگی کل

او پیوند شیمیایی

او تراز انرژی الکترونی

ان Binding energy

مورد دیگری که ممکن است در این اصطلاحنامه در زیر یک توصیفگر ذکر شده باشد، یادداشت دامنه می‌باشد.

ی‌د[17] به معنای «یادداشت دامنه» موردی است که اگر معنی یا کاربرد یک اصطلاح به طور کامل از خود اصطلاح یا از روابط آن استنباط نشود، معنی و کاربرد آن را معلوم می‌کند.

مثال:

ابریشم

ی‌د شامل ابریشم خام، جوشانده شده، تابیده شده و ریسیده

اع۱ الیاف طبیعی

اع۲ الیاف

اع۳ مواد

ان Silk

بخش دوم اصطلاحنامه **ساختار درختی**[18] می‌باشد که در آن اصطلاحات در مجموعه‌ها و گروههای هم موضوع دسته‌بندی شده‌اند. این بخش کلیه روابط سلسله مراتبی را از عام‌ترین تا خاص‌ترین مفهوم در یک گروه اصطلاحات نمایش می‌دهد.

بخش سوم اصطلاحنامه، **نمایه‌گردان**[19] می‌باشد. این بخش به منظور دستیابی به واژه‌های دوم و سوم و چهارم و یا هر واژه دیگری که در یک اصطلاح چند کلمه‌ای آمده است، شکل گرفته است به طوری که

16 . Related Term (RT)

17 . Scope Note (SN)

18 .Hierarchical Structure

19 .Rotated Descriptor Display

هربار یکی از کلمات اصطلاح، مدخل قرار می‌گیرد و همراه سایر واژه‌هایی که در ترکیب آن منظور شده است، به صورت افقی گردش می‌کند. فایده دیگر این فهرست‌ها آن است که ترتیب الفبایی آنها امکان دارد تصادفاً واژه‌هایی را یکجا گرد آورد که مربوط به جنبه‌های گوناگون موضوع واحدی می‌باشند ولی در بخش الفبایی (یعنی بخش اول) از هم جدا افتاده‌اند.

بخش چهارم اصطلاحنامه **واژه‌نامه انگلیسی به فارسی** می‌باشد. در بخش اول اصطلاحنامه، معادل انگلیسی هر توصیفگر آمده است. در این بخش، این معادل‌ها به ترتیب الفبایی انگلیسی ذکر شده‌اند.

دبیر شورای علمی و مجری طرح اصطلاحنامه جامع:

ملوک‌السادات حسینی‌بهشتی (عضو هیئت علمی گروه اصطلاح‌شناسی)

همکاران اصلی:

تقی رجبی	عضو هیئت علمی گروه اصطلاح‌شناسی (اصطلاحنامه شیمی)
مهری صدیقی	عضو هیئت علمی گروه علوم اطلاع‌رسانی (اصطلاحنامه زمین‌شناسی)
اسماعیل اکبری	دکتری فیزیولوژی (اصطلاحنامه علوم زیستی)
فرخنده اصغری	مهندسی کشاورزی (اصطلاحنامه کشاورزی)
مریم نوروزی	مهندسی نساجی (اصطلاحنامه فیزیک و مهندسی)
مهرداد نوروزی	مهندسی کامپیوتر (نرم‌افزار قاموس)

مشاوران علمی:

دکتر گرهارد بودین (عضو هیئت علمی گروه زبانشناسی، دانشگاه وین اتریش)
دکتر رضا منصوری (عضو هیئت علمی گروه فیزیک، دانشگاه صنعتی شریف)
دکتر فریبرز خسروی (عضو هیئت علمی، کتابخانهٔ ملی ایران)
دکتر سیدحسن شهرستانی (عضو هیئت علمی، دانشگاه هنر)
دکتر حسین غریبی (عضو هیئت علمی گروه شیمی، دانشگاه تربیت مدرس)
دکتر شهین نعمت‌زاده (عضو هیئت علمی گروه زبان انگلیسی، دانشگاه الزهرا)
دکتر سیدمهدی سمایی (عضو هیئت علمی گروه اصطلاح‌شناسی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران)
مهندس امیر پارسی‌اصفهانی (متخصص تکنولوژی اطلاعات، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران)
و اساتید محترم گروه‌های واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی

دیگر همکاران:

بهنام باهمت	مهندسی کامپیوتر
شبنم باهمت	مهندسی نساجی
مهدیه یوسفی	مهندسی مکانیک
امیرحسین لباسچی	دکتری پزشکی عمومی
مهرخ ملکیان	کارشناسی ارشد زیست‌شناسی
بهروز قابوسی	دکتری تخصصی ویروس‌شناسی
شکوفه نوری	کارشناسی ارشد شیمی
صفا علی‌عسگری	کارشناسی ارشد شیمی آلی
شهناز آقاجانی	کارشناسی زبان انگلیسی
آذر طاعی	کارشناسی ارشد کشاورزی
پویا قابوسی	دکتری پزشکی عمومی

نسرین آخوندی	کارشناسی ارشد زبانشناسی
عذرا حلاج	کارشناسی ارشد کشاورزی
یلدا معتدل‌رو	کارشناسی ارشد کشاورزی
زهرا رحیمی‌راغب	مهندسی متالورژی
علی امینی	کارشناسی زمین‌شناسی
نوشین مهربان	کارشناسی ارشد زمین‌شناسی
مریم قاسمی	کارشناسی کشاورزی
لیلا مظفری‌پور	کارشناسی شیمی
لیلا اسماعیلی	کارشناسی ارشد شیمی معدنی
زهرا دهسرایی	کارشناسی شیمی محض
فرنوش اصغری	کارشناسی علوم آزمایشگاهی
زهره حمیدی	کارشناسی کشاورزی
عصمت براتی	کارشناسی شیمی
زهرا گودرزی	مهندسی شیمی
مهدی میرزانبی‌خانی	مهندسی عمران
محبوبه درخشانی	کارشناسی کشاورزی
مریم سلکی	مهندسی متالورژی
محمد ایرانشاهی	کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی
اشرف‌السادات فولادی	کارشناسی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی
معصومه‌السادات کشفی	ورود اطلاعات کامپیوتری
لیلا کاظمی	ورود اطلاعات کامپیوتری
مریم عزیزی	ورود اطلاعات کامپیوتری

فهرست منابع:

۱ آرمیان، فرهنگ فنی نفت. تهران: انتشارات بهار، ۱۳۵۵.

۲ آریا، ناصر. فرهنگ اصطلاحات کامپیوتر و شبکه‌های کامپیوتری. سازمان حسابرسی، ۱۳۷۲.

۳ آریانپور کاشانی، عباس. فرهنگ کامل انگلیسی فارسی. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹.

٤ آریانپور کاشانی، عباس؛ آریانپور کاشانی، منوچهر. فرهنگ دانشگاهی انگلیسی فارسی. مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳٦۸.

۵ آیت‌اله‌زاده‌شیرازی، محمدرضا. فرهنگ تشریحی اصطلاحات شبکه‌های کامپیوتری. کانون نشر علوم، ۱۳۷٤.

٦ ابهری، کاظم. واژگان مهندسی مکانیک. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹.

۷ ارگانی، عبدالله. فرهنگ اصطلاحات الکترونیک کاربردی. تهران: چاپ و نشر بنیاد، ۱۳٦۹.

۸ استفن، جی.اولیور؛ ام.وارد، جان. فرهنگ مهندسی ژنتیک. ترجمه محمدرضا نوری‌دلویی و دیگران. انتشارات مرکز ملی تحقیقات مهندسی و ژنتیک و تکنولوژی زیستی، ۱۳۷۳.

۹ امیردیوانی، ا. فرهنگ مصور فنی (ابزارشناسی). انتشارات نشر آذربایجان، ۱۳۷۲.

۱۰ امینی، سیدمحمد. واژگان فیزیک. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ویرایش دوم، ۱۳۷۰.

۱۱ انجمن ریاضی ایران با همکاری گروه ریاضی و آمار مرکز نشر دانشگاهی. واژه‌نامه ریاضی و آمار. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰.

۱۲ انستیتوی کنترل آلودگی آب انگلستان. فرهنگ لغات و اصطلاحات فنی فاضلاب. طرح تهیه استانداردهای مهندسی آب کشور، وزارت نیرو، ۱۳۷۳.

۱۳ اولاف‌فنکاچ، هانس. فرهنگ هیدروژئولوژی. کمیته واژه‌های هیدروژئولوژی، طرح تهیه استانداردهای مهندسی آب، ۱۳۷٤.

۱٤ بالازاده، پرویز. فرهنگ علوم و تکنولوژی. مؤسسه نشر کلمه، ۱۳۷۳.

۱۵ بدیعی، مجید. فرهنگ مکانیک خاک. تهران: انتشارات تهران، ۱۳۵۵.

۱٦ بهشتی، ملوک‌السادات. اصطلاحنامه (نما): نظام مبادله اطلاعاتی علمی فنی. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۵.

۱۷ پارتیو، واروژان. فرهنگ بتن. تهران: فرهنگان، ۱۳۷٦.

۱۸ پارسای، کیومرث. فرهنگ کاربردی کامپیوتر. انتشارات آقابیگ، ۱۳۷٤.

۱۹ پرهامی، سالم. فرهنگ مصور فنی الکتریسیته، الکترونیک، کامپیوتر. دهخدا، ۱۳۵۲.

۲۰ پهلویانی، علی. فرهنگ مهندسی راه و ساختمان. انتشارات معین، ۱۳۷۵.

۲۱ پورجوادی، علی. واژگان شیمی و مهندسی شیمی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹.

۲۲ پورمهابادیان، محمد. واژه‌نامه بهداشت حرفه‌ای. انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳٦۳.

۲۳ تایلر، ژل؛ تایلر، جی.ه.ق. فرهنگ مکانیک عمومی. ترجمه محسن الهی گهر. چاپ نقش جهان، ۱۳۶۳.

۲٤ توانایی، حسین. واژه‌نامه نساجی. اصفهان: اردکان، ۱۳۷٦.

۲۵ توفیقی، ابوالفضل. فرهنگ نفت و گاز. دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۰.

۲٦ جهاد دانشگاهی صنعتی شریف. فرهنگ اصطلاحات مهندسی‌شیمی. جهاد دانشگاهی صنعتی شریف، ۱۳۷۰.

۲۷ حاج‌سقطی، اصغر. فرهنگ لغات و اصطلاحات فنی به انضمام علائم اختصاری تأسیسات. تهران: دانشکده علم و صنعت ایران، ۱۳۵۷.

۲۸ حاجی‌شریفی، محسن. فرهنگ لغات رنگرزی و چاپ پارچه. انتشارات رز، ۱۳٦۱.

۲۹ حسنوی، رضا. فرهنگ اصطلاحات کامپیوتری. نشر رایزن، ۱۳۷۱.

۳۰ حسینی‌الست، حسن. واژه‌نامه مخابرات و ارتباطات راه دور. تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی، ۱۳٦٤.

۳۱ داهی، محمدرضا؛ مصلحی‌سطح‌آبادی، فاطمه. واژگان کشاورزی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.

۳۲ داوری. لغت‌نامه فنی سدسازی. شرکت مهندسی مشاور مهاب قدس، ۱۳٦۵.

۳۳ راسترو، محمد. فرهنگ مدیریت و بازرگانی. مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷٦.

۳٤ رجبی، تقی؛ غریبی، حسین. اطلاعات شیمی و مهندسی شیمی ایران. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۸.

۳۵ رحیم‌خانی، محمدعلی. فرهنگ اصطلاحات فنی و علائم نقشه‌کشی برق و الکترونیک. انتشارات اتحاد، ۱۳٦۱.

۳٦ زاهدی، شمس‌السادات و دیگران. فرهنگ جامع مدیریت. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷٦.

۳۷ ساعتچی، محمد. فرهنگ دانشگاهی یادواره. تهران یادواره، ۱۳۷۱.

۳۸ سلطان‌پوردهکردی، زهرا. واژگان متالوژی (مواد). تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷٤.

۳۹ سماوی، مجید. فرهنگ تشریحی اصطلاحات کامپیوتری میکروسافت. کانون نشر علوم، ۱۳۷۵.

٤۰ سیپل، چارلز. فرهنگ کامپیوتر. ترجمه مینو میرزاصادقی. هیرمند، ۱۳٦۸.

٤۱ شاه‌حسینی، ابراهیم؛ بینا، احمد. واژه‌نامه دریانوردی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷٤.

٤۲ شایان، سیاوش. فرهنگ اصطلاحات جغرافیای طبیعی. تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۷۳.

٤۳ شرکت مهندسی و تحقیقات صنایع لاستیک. فرهنگ صنعت لاستیک. تهران: سحر، ۱۳۷۱.

٤٤ شفیعا، محمدعلی. واژگان مهندسی صنایع. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.

٤۵ شورتز و دیگران. فرهنگ لغات مهندسی مکانیک. پنج زبانه. تبریز: دارالترجمه رسمی بهاران، ۱۳٦۹.

٤٦ صادقی‌تهرانی، مهدی. فرهنگ لغات فنی و هواپیمایی. تهران: انتشارات پیک ایران، ۱۳٦۱.

۴۷ صدری‌افشار، غلامحسین؛ حکمی، نسترن؛ حکمی، نسرین. واژه‌نامه فنی. تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۵.

۴۸ صدیق‌پور، عبدالرضا. واژه‌نامه علوم و صنایع غذایی.

۴۹ صفرزاده‌لنکرانی، شهاب؛ زیارتی، بهرام. واژگان مهندسی معدن. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.

۵۰ عادلی، علی‌اکبر. واژه‌نامه مکانیک. تهران: انتشارات کاوش، ۱۳۷۰.

۵۱ علیخان‌زاده، امیر. فرهنگ کامپیوتر. ۱۳۷۱.

۵۲ فتاحی، کامیار؛ بهروزی، کمال. واژه‌نامه حمل و نقل و ترافیک. شرکت چاپ بهمن، ۱۳۶۰.

۵۳ فرزان‌پی، رضا. واژگان زیست‌شناسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷.

۵۴ فرشاد، مهدی؛ فیروزبخش، کیخسرو. فرهنگ فنی و مهندسی. تهران: انتشارات پژوهش، ۱۳۷۰.

۵۵ فرهمند، فریبرز. واژگان مهندسی عمران. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.

۵۶ فرهنگ، پرویز. فرهنگ جامع متالوژی و مواد. انتشارات دنیا، ۱۳۶۹.

۵۷ فرهنگ، پرویز. فرهنگ متالورژی. انتشارات تهران دنیا، ۱۳۶۵.

۵۸ فرهنگ‌باقری، عیسی. واژگان حمل و نقل درون شهری. مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، وزارت کشور، ۱۳۷۵.

۵۹ فرهنگستان زبان و ادب فارسی. مصوبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی. گروه واژه‌گزینی، ۱۳۸۰.

۶۰ فلاحی‌مقیمی، محمد. فرهنگ علوم مهندسی. تهران: دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۷۵.

۶۱ قنبری، عبدالله. واژه‌نامه فنی و مهندسی. انتشارات پرهام، ۱۳۷۰.

۶۲ قوطانیان، روبرت. فرهنگ فیزیک، مکانیک و الکترونیک. انتشارات بهار.

۶۳ کتیرایی، عباس‌علی. فرهنگ ماشین‌های الکتریکی. کمیسیون بین‌المللی الکتروتکنیک، ۱۳۷۲.

۶۴ کرمی، ذبیح‌الله. فرهنگ لغات فنی هواپیمایی. چاپ آرین، ۱۳۶۹.

۶۵ کشانی، غلامعلی. واژه‌نامه راه‌آهن. دفتر آموزش فنی، ۱۳۶۵.

۶۶ کمیته اصطلاحات فنی سازمان برنامه و بودجه. واژه‌نامه فنی راه‌سازی. مرکز اسناد و مدارک فنی، ۱۳۵۵.

۶۷ کمیسیون بین‌المللی سدهای بزرگ. فرهنگ فنی سدها. ترجمه کمیته واژه‌های آب، وزارت نیرو، ۱۳۷۴.

۶۸ کیهانی، علی. فرهنگ علمی و فنی. انتشارات پیروز، ۱۳۷۴.

۶۹ گانگ‌لیندکه، والف. فرهنگ اصطلاحات فنی تأسیسات. ترجمه م.مجید.

۷۰ گروه مهندسی سازه. واژه‌نامه مهندسی ساحل. جهاد دانشگاهی صنعتی شریف، ۱۳۷۱.

۷۱ گروه مهندسی صنایع جهاد دانشگاهی. واژه‌نامه مهندسی صنایع. انتشارات جهاد دانشگاهی واحد علم و صنعت، ۱۳۷٦.

۷۲ گلستانی‌داریانی، نادر. فرهنگ فنی دانشگاهی برای رشته‌های برق، مکانیک، ساختمان، ماشین‌های افزار و متالورژی. انتشارات علمی، تابستان ۱۳۷۲.

۷۳ گلستانی‌داریانی، نادر. واژه‌نامه تخصصی مهندسی برق و الکترونیک. جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۰.

۷٤ گودکه، ورنر. فرهنگ نوین الکترونیک. ترجمه شکری هراتی. کرج: جعفری، ۱۳۷۰.

۷۵ مؤسسه مالی حسابداری. فرهنگ اصطلاحات ماشین‌های محاسبات الکترونیک، ۱۳۷٤.

۷٦ مجیدزاده، بهنام. فرهنگ لغات برق، الکترونیک و الکتروتکنیک. انتشارات کتابسرا، ۱۳٦٤.

۷۷ محمدی‌فر، محمدرضا. واژه‌نامه جامع مهندسی برق. انتشارات سروش، ۱۳۷۵.

۷۸ محمدی‌فر، محمودرضا. واژه‌نامه کامپیوتر. فرهنگ معاصر، ۱۳۷۳.

۷۹ محمودزاده، علی‌اکبر. فرهنگ جامع مهندسی مکانیک. تبریز: انتشارات نیاز، ۱۳۷٤.

۸۰ مرکز نشر دانشگاهی و پژوهشکده هواشناسی. واژه‌نامه ژئوفیزیک و هواشناسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ویرایش دوم، ۱۳۷۷.

۸۱ مرکز نشر دانشگاهی. واژه‌نامه زمین‌شناسی و معدن. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳٦۵.

۸۲ مرکز نشر دانشگاهی. واژه‌نامه شیمی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹.

۸۳ مرکز نشر دانشگاهی. واژه‌نامه فیزیک. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ویرایش دوم، ۱۳۷۷.

۸٤ مرکز نشر دانشگاهی، شاخه واژه‌گزینی الکترونیک، گروه فیزیک. واژه‌نامه الکترونیک. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.

۸۵ مظاهری‌کلهرودی، اصغر. فرهنگ جامع و کامل الکترونیک-برق-ارتباطات. تهران: شرکت کتاب برای همه، ۱۳٦۳.

۸٦ معروف، حبیب. واژه‌نامه راه و ساختمان و معماری، ویرایش ۲. تهران: آزاده، ۱۳٦۹.

۸۷ معینی، صغری. فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات مدیریت و سازمان. وزارت کشاورزی، ۱۳۷۰.

۸۸ مقدم، اسماعیل. فرهنگ مصور اصطلاحات فنی و مهندسی. انتشارات منیرآذر، ۱۳۷۸.

۸۹ منصوری، رضا. واژه‌نامه علوم و تکنولوژی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.

۹۰ نامجوفرد، جواد. فرهنگ فنی (مشتمل بر لغات و اصطلاحات فنی ماشین‌آلات صنعتی). تهران: انتشارات واژه، ۱۳٦۸.

۹۱ وحید، سعید. فرهنگ واژگان شبکه. مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات، ۱۳۷٤.

۹۲ وزارت برنامه و بودجه، دفتر تحقیقات و معیارهای فنی، معاونت فنی. واژه‌نامه بتن. تهران: سازمان برنامه و بودجه. مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۱.

۹۳ ولوی، میرحسن. فرهنگ اختصارات کامپیوتری. تهران: انتشارات مهر، ۱۳۷۲.

نمایه الفبایی

آ.پی.ال.(زبان برنامه‌نویسی)

اع۱	زبان سطح بالا
اع۲	زبان برنامه‌نویسی رایانه
ان	*APL (programming language)*

آب

اع۱	ترکیبات معدنی هیدروژنی
اع۲	ترکیبات معدنی
اع۳	ترکیبات شیمیایی
اخ۱	آب آشامیدنی
اخ۱	آب زیرزمینی
اخ۱	آب سرمایش
اخ۱	آب سنگین
اخ۱	آب شور
اخ۲	آب دریا
اخ۲	آب نمک
اخ۱	پساب
او	آب سطحی
او	آب‌رسانی
او	آلودگی آب
او	باران
او	باکتری‌شناسی آب
او	بخار(آب)
او	برف
او	بقای آب
او	پالیدن آب
او	تراز آب
او	تصفیه آب
او	جذب آب
او	جریان آب
او	چاه آب
او	چگالش بخار
او	فرسایش
او	کنترل آلودگی آب
او	لایه‌بندی گرمایی
او	مایع
او	منبع آب
او	موج آب
او	نیروی آب
او	هوادهی آب
او	یخ
او	یخچال طبیعی
ان	*Water*

آب طلاکاری

اع۱	آبکاری
اع۲	فن اندایش
اع۳	نهشت
او	طلا
ان	*Gold plating*

آب آشامیدنی

اع۱	آب
اع۲	ترکیبات معدنی هیدروژنی
اع۳	ترکیبات معدنی
او	آب‌رسانی
او	تصفیه آب
او	کیفیت آب
او	منبع آب
او	منبع ذخیره‌سازی آب
ان	*Potable water*

آب‌ایستی

ی‌د	جمع‌شدگی آب روی بام
او	بام
او	زه‌کشی
او	نشت(مایع)
ان	*Ponding*

آب‌باخت

او	آب سطحی
او	تبخیر سطحی
او	منبع آب
ان	*Evapotranspiration*

آب‌برگردان رودخانه

او	رودخانه
او	طرح حوضه رودخانه
او	کنترل رودخانه
ان	*River diversion*

آب‌بندی

اع۱	نشت‌بند
اع۲	اجزا
او	تلمبه
او	حلقه پیستون
او	خطلوله
او	سوپاپ
او	یاتاقان(قسمت‌های ماشین)

ان *Packing*

آب‌پخشان

بج حوضه *آبگیر*
او آب سطحی
او آب‌رسانی
او باران
او دریاچه
او رواناب
او رودخانه
او کاربری زمین
او منبع آب
او منبع طبیعی
ان *Watershed*

آبپوشی

اع۱ واکنش شیمیایی
او آب‌گیری
او هیدارت
ان *Hydration*

آب‌پیما

اع۱ وسیله نقلیه
اخ۱ قایق
اخ۲ تجهیزات قایق
اخ۳ دکل(قایق)
اخ۳ سنج‌افزار قایق
اخ۳ ضربه‌گیر(قایق)
اخ۲ دوبه
اخ۳ دوبه لوله‌گذاری
اخ۲ شناور
اخ۲ قایق آزمایشی
اخ۲ قایق ترابری
اخ۳ گذرگاه قطار
اخ۲ قایق تفریحی
اخ۲ قایق جنگی
اخ۲ قایق موتوری
اخ۲ قایق نجات
اخ۲ قایق یدک‌کش
اخ۲ کشتی ماهی‌گیری
اخ۱ قطعات و تجهیزات آب‌پیما
اخ۲ پایدارساز(کشتی دریایی)
اخ۲ تجهیزات کشتی
اخ۳ پیشران کشتی
اخ۳ تجهیزات الکترونیکی کشتی
اخ۳ تجهیزات برقی کشتی
اخ۳ تجهیزات گارد ساحلی
اخ۳ تجهیزات هدایت کشتی
اخ۳ جرثقیل کشتی
اخ۳ دریچه
اخ۳ دودکش کشتی
اخ۳ روکش دریچه
اخ۳ سنج‌افزار کشتی
اخ۳ قایق‌بالابر
اخ۳ کابل لنگر
اخ۳ لنگر
اخ۳ مخزن بالاست
اخ۲ دیگ بخار دریایی
اخ۲ موتور دریایی
اخ۱ کشتی
اخ۲ بدنه(کشتی)
اخ۲ تجهیزات کشتی
اخ۳ پیشران کشتی
اخ۳ تجهیزات الکترونیکی کشتی
اخ۳ تجهیزات برقی کشتی
اخ۳ تجهیزات گارد ساحلی
اخ۳ تجهیزات هدایت کشتی
اخ۳ جرثقیل کشتی
اخ۳ دریچه
اخ۳ دودکش کشتی
اخ۳ روکش دریچه
اخ۳ سنج‌افزار کشتی
اخ۳ قایق‌بالابر
اخ۳ کابل لنگر
اخ۳ لنگر
اخ۳ مخزن بالاشت
اخ۲ زیردریایی
اخ۳ زیردریایی اقیانوس‌شناسی
اخ۲ عرشه(کشتی)
اخ۲ کابل‌گذار
اخ۲ کشتی کمکی زیردریایی
اخ۲ کشتی بخار
اخ۲ کشتی پیش‌ساخته
اخ۲ کشتی حفاری
اخ۲ کشتی مخزن‌دار
اخ۲ کشتی یخ‌شکن
اخ۲ ناقل کان‌سنگ
اخ۱ کشتی بادبانی
اخ۱ کشتی نجات
او کشتی‌سازی
ان *Water craft*

آب‌خاک‌پیما

اع۱ وسیله نقلیه
اخ۱ خودروی آبی‌خاکی
اخ۱ هواگرد آبی‌خاکی
او زیردریایی
او شناور
او نیمه‌غوطه‌ور
ان *Amphibious vehicle*

آب‌خیز

او آب زیرزمینی
او آب‌رسانی
او تجدید بارگیری(آب زیرزمینی)
او زمین‌چهر
او زمین‌شناسی
او سنگ
او منبع آب زیرزمینی
ان *Aquifer*

آب‌درمانی

ب‌ک فیزیوتراپی

آب دریا

اع۱ آب شور
اع۲ آب
اع۳ ترکیبات معدنی هیدروژنی
او اثر آب دریا
او اقیانوس‌شناسی
او آلودگی دریایی
او خوردگی ناشی از آب دریا
او نمک‌زدایی
او نیروی موج
او یخ دریایی
ان *Seawater*

آبدهی

اع۱ عملیات حرارتی
او ابرسیری
او جو محافظ
او ریسندگی مذاب
او سخت‌گردانی
او عملیات حرارتی فولاد
ان *Quenching*

آب‌رسانی

او آب
او آب آشامیدنی
او آب‌پخشان
او آب‌خیز
او آب‌شناسی
او آبیاری
او اکتشاف منبع آب
او آلودگی آب
او اندازه‌گیری بارش برف
او باران
او بازگردانی آب
او باکتری‌شناسی آب
او برج آب
او برج سرمایش
او برف
او برنامه‌ریزی شهری
او برنامه‌ریزی منطقه‌ای
او پالیدن آب
او تاسیسات تلمبه‌زنی
او تجزیه آب
او تصفیه آب
او تصفیه‌خانه آب
او تونل آب‌رسانی
او چاه آب
او خط‌لوله آب
او دریاچه
او رواناب
او رودخانه
او سازه آبی
او سد
او سیستم آب‌رسانی
او سیستم توزیع آب
او سیستم لوله‌کشی آب
او کنترل آلودگی آب
او کنترل سیل
او کنتور آب
او کیفیت آب
او مخزن آب
او منبع آب
او منبع ذخیره‌سازی آب
ان *Water supply*

آب‌روبی چاه نفت

او بهره‌برداری از چاه نفت

او چاه نفتی
ان *Oil well flooding*

آب‌زدایی
اع۱ جداسازی
اع۲ عملیات شیمیایی
او آب‌گیری
او استخراج
او پالیدن
او پرعیارسازی
او تبخیر سطحی
او چگالش
او خشک‌سازی
او زه‌کشی
او غلظت(فرایند)
او مرکزگریزانی
ان *Dewatering*

آب زیرزمینی
اع۱ آب
اع۲ ترکیبات معدنی هیدروژنی
اع۳ ترکیبات معدنی
او آب سطحی
او آب‌خیز
او آلودگی آب زیرزمینی
او تجدید بارگیری(آب زیرزمینی)
او جریان آب زیرزمینی
او چشمه(آب)
او رسانایی هیدرولیکی
او زمین‌شیمی آب زیرزمینی
او منبع آب زیرزمینی
ان *Groundwater*

آب سرمایش
اع۱ آب
اع۲ ترکیبات معدنی هیدروژنی
اع۳ ترکیبات معدنی
اع۱ سردکننده
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
ان *Cooling water*

آب سطحی
اخ۱ حوضه خورشیدی
اخ۱ دریاچه
اخ۱ رودخانه
اخ۱ مصب رودخانه
او آب
او آب زیرزمینی
او آب‌باخت
او آب‌پخشان
او آب‌شناسی
او آبیاری
او استخر ماهی
او ترابری آبی
او چشمه(آب)
او راه آبی درون‌مرزی
او زمین‌شیمی آب طبیعی
او سیل
او کرانه(کناره آب)
او منبع آب سطحی
ان *Surface water*

آب‌سنگ
اع۱ زمین‌چهر
او اقیانوس‌شناسی
او سنگ
ان *Reef*

آب سنگین
بج اکسید دوتریم
اع۱ آب
اع۲ ترکیبات معدنی هیدروژنی
اع۳ ترکیبات معدنی
اع۱ ترکیبات دوتریم
اع۲ ترکیبات معدنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او ایزوتوپ پرتوزا
او تعدیل‌کننده
ان *Heavy water*

آبشار(مکانیک سیالات)
اع۱ مکانیک‌سیالات
اع۲ مکانیک
او دینامیک سیالات
او ماشین‌آلات توربو
او هواشکن
ان *Cascades (fluid mechanics)*

آب‌شستگی

اع۱ سایش مواد
او سیل
او فرسایش
ان *Scour*

آب‌شکست

اع۱ ایجاد شکستگی(چاه نفت)
اع۲ تولید
او چاه آب
او چاه نفتی
او سیال سازندشکافی
ان *Hydraulic fracturing*

آب‌شکن(سازه آبی)

ب‌ک اسکله کوچک

آب‌شناسی

اع۱ علوم زمین
اع۲ علوم طبیعی
او آب سطحی
او آب‌رسانی
او اقیانوس‌شناسی
او تجدید بارگیری(آب زیرزمینی)
او دوردریافتگری
او زمین(سیاره)
او زمین‌شیمی
او سنج‌افزار آب‌شناسی
او سیل
او کنترل سیل
او منبع آب
ان *Hydrology*

آب شور

اع۱ آب
اع۲ ترکیبات معدنی هیدروژنی
اع۳ ترکیبات معدنی
اخ۱ آب دریا
اخ۱ آب نمک
او اندازه‌گیری شوری
او منبع آب
ان *Saline water*

آب‌فلزکاری

ب‌ک آبکاری

آبکاری

ب‌ج *آب‌فلزکاری*
اع۱ فن اندایش
اع۲ نهشت
اخ۱ آب طلاکاری
اخ۱ آبکاری آلومینیوم
اخ۱ آبکاری آهن
اخ۱ آبکاری الکتریکی
اخ۱ آبکاری ایریدیم
اخ۱ آبکاری ایندیم
اخ۱ آبکاری بدون برق
اخ۱ آبکاری برنج
اخ۱ آبکاری برنز
اخ۱ آبکاری بیسموت
اخ۱ آبکاری تنگستن
اخ۱ آبکاری تیتانیم
اخ۱ آبکاری رنیم
اخ۱ آبکاری رودیم
اخ۱ آبکاری سرب
اخ۱ آبکاری مس
اخ۱ آبکاری مولیبدن
اخ۱ آب‌کیالت‌دهی
اخ۱ آب‌کرم‌کاری
اخ۱ آب‌نیکل‌کاری
اخ۲ آبکاری با قلع و نیکل
اخ۱ اندود روی
اخ۲ گالوانیزه‌کاری
اخ۱ سیم‌اندودکاری
اخ۱ قلع‌اندودی
اخ۲ آبکاری با قلع و نیکل
اخ۱ کادمیم‌کاری
او آلیاژ
او بستر
او چندلا
او روکش‌کاری(پوشش)
او سخت‌پوشی
او عملیات سطحی
او فلز
او فلزپوشی
او نهشت برقی
ان *Plating*

آبکاری آلومینیوم

اع۱ آبکاری
اع۲ فن اندایش

اع۳ نهشت
او آلومینیوم
ان *Aluminum plating*

آبکاری آهن
اع۱ آبکاری
اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت
او آهن
ان *Iron plating*

آبکاری الکتریکی
اع۱ آبکاری
اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت
اع۱ نهشت برقی
اع۲ نهشت
او الکتروفورز
او شکل‌دهی الکترولیتی
او فراورده آبکاری الکتریکی
او کارگاه آبکاری الکتریکی
او محلول آبکاری برقی
ان *Electroplating*

آبکاری ایریدیم
اع۱ آبکاری
اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت
او ایریدیم
ان *Iridium plating*

آبکاری ایندیم
اع۱ آبکاری
اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت
او ایندیم
ان *Indium plating*

آبکاری با قلع و نیکل
اع۱ آب‌نیکل‌کاری
اع۲ آبکاری
اع۳ فن اندایش
اع۱ قلع‌اندودی
اع۲ آبکاری
اع۳ فن اندایش
او حلبی
او قلع
او نیکل
ان *Tin nickel plating*

آبکاری بدون برق
اع۱ آبکاری
اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت
ان *Electroless plating*

آبکاری برنج
اع۱ آبکاری
اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت
او برنج
ان *Brass plating*

آبکاری برنز
اع۱ آبکاری
اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت
او برنز
ان *Bronze plating*

آبکاری بیسموت
اع۱ آبکاری
اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت
او بیسموت
ان *Bismuth plating*

آبکاری تنگستن
اع۱ آبکاری
اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت
او تنگستن
ان *Tungsten plating*

آبکاری تیتانیم
اع۱ آبکاری
اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت

او تیتانیم
ان *Titanium plating*

آبکاری در استوانه گردان
اع۱ تکمیل
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
ان *Barreling*

آبکاری در خلأ
ب‌ک نهشت با بخار

آبکاری رنیم
اع۱ آبکاری
اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت
او رنیم
ان *Rhenium plating*

آبکاری رودیم
اع۱ آبکاری
اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت
او رودیم
ان *Rhodium plating*

آبکاری سرب
اع۱ آبکاری
اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت
او خیساندن
او سرب
ان *Lead plating*

آبکاری قلع
ب‌ک قلع‌اندودی

آبکاری مس
اع۱ آبکاری
اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت
او مس
ان *Copper plating*

آبکاری مولیبدن
اع۱ آبکاری
اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت
او مولیبدن
ان *Molybdenum plating*

آب‌کافت
اع۱ تجزیه
اع۲ واکنش شیمیایی
اخ۱ قندی‌شدگی
او صابونی‌شدگی
ان *Hydrolysis*

آب‌کبالت‌دهی
اع۱ آبکاری
اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت
او کبالت
ان *Cobalt plating*

آب‌کرم‌کاری
اع۱ آبکاری
اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت
او کروم
ان *Chromium plating*

آب‌گذر
اع۱ سازه آبی
اع۲ سازه
او پل
او جاده آب‌گذر
او جاده و خیابان
او زه‌کشی
ان *Culvert*

آب‌گرمکن
اع۱ تجهیزات گرمایش
اع۲ تجهیزات
اخ۱ آب‌گرمکن خورشیدی
اخ۱ پیش‌گرم‌کن آب مصرفی
او دستگاه الکتریکی
او گرمایش آب گرم

او مبادله‌کن گرما
او وسیله خانگی
ان *Water heaters*

آب‌گرمکن خورشیدی
اع۱ آب‌گرمکن
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
اع۱ تجهیزات خورشیدی
اع۲ تجهیزات
ان *Solar water heater*

آب‌گیری
اع۱ واکنش شیمیایی
او آبپوشی
او آب‌زدایی
او پخت
او خشک‌سازی
او شوره‌زدگی
ان *Dehydration*

آب‌متالورژی
اع۱ متالورژی استخراجی
اع۲ متالورژی
او پالایش فلز
او تبادل یونی
او تراکافت الکتریکی
او تف‌متالورژی
ان *Hydrometallurgy*

آب‌میوه
اع۱ نوشابه
اع۲ فراورده غذایی
او میوه
ان *Fruit juice*

آب نمک
اع۱ آب شور
اع۲ آب
اع۳ ترکیبات معدنی هیدروژنی
او چاه آب
او چاه زمین‌گرمایی
او میدان نفتی
ان *Brine*

آب‌نیکل‌کاری
اع۱ آبکاری
اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت
اع۱ آبکاری با قلع و نیکل
او نیکل
ان *Nickel plating*

آب‌وهواشناسی
اع۱ هواشناسی
اع۲ علوم زمین
اع۳ علوم طبیعی
او اثر گلخانه‌ای
او بارش(هواشناسی)
او تغییر آب‌وهوا
او جو زمین
او خشکسالی
ان *Climatology*

آبیاری
اع۱ کشاورزی
اع۲ صنعت
او آب سطحی
او آب‌رسانی
او تاسیسات تلمبه‌زنی
او خط‌لوله آب
او سیستم آب‌فشان(آبیاری)
او سیستم لوله‌کشی آب
او نهر آبیاری
ان *Irrigation*

آپارتمان
ب‌ک کاشانه

آتش‌خاموش‌کن
اع۱ تجهیزات اطفای حریق
اع۲ تجهیزات
او ابزار ایمنی
او اسفنج
ان *Fire extinguisher*

آتش‌زنی(مصالح)
او مواد سرامیکی
او مواد نسوز

ان *Firing (of materials)*

آتش‌زنی دیگ بخار

اخ۱ آتش‌زنی سوخت چندگانه
اخ۱ سوختن سوخت درجهٔ پایین
او احتراق
او تحت‌فشارقراردادن
او سوخت‌رسان کوره
او سوخت‌گیری
ان *Boiler firing*

آتش‌زنی سوخت چندگانه

اع۱ آتش‌زنی دیگ بخار
ان *Multiple fuel firing*

آتش‌سوزی

اخ۱ آتش‌سوزی چاه نفت
اخ۱ آتش‌سوزی معدن
او احتراق
او احتراق خودبه‌خود
او جستجوی شعله
او حادثه
او حفاظت در مقابل آتش‌سوزی
او خطر آتش‌سوزی
او مقاومت در برابر آتش
ان *Fire*

آتش‌سوزی چاه نفت

اع۱ آتش‌سوزی
او چاه نفتی
او خطر آتش‌سوزی
ان *Oil well fire*

آتش‌سوزی معدن

اع۱ آتش‌سوزی
او انفجار معدن
او خطر
او معدن
او معدن‌کاری
او نجات در معدن
ان *Mine fire*

آتشفشان

اع۱ زمین‌چهر
او انرژی زمین‌گرمایی
او زلزله
او زمین‌شناسی
او سنگ آتشفشانی
ان *Volcano*

آجر

اع۱ مصالح بنایی
اع۲ مصالح ساختمانی
اع۳ مواد
اخ۱ آجر آهکی
اخ۱ آجر سیلیسی
او آجرپزی
او ساخت آجری
او ساختمان آجری
او مواد نسوز
ان *Brick*

آجر آهکی

اع۱ آجر
اع۲ مصالح بنایی
اع۳ مصالح ساختمانی
اع۱ مواد نسوز
اع۲ مواد
او آجر سیلیسی
ان *Lime brick*

آجرپزی

اع۱ ساختن
اع۲ تولید
او آجر
او خاکستر سبک
او کوره آجرپزی
ان *Brickmaking*

آجر سیلیسی

اع۱ آجر
اع۲ مصالح بنایی
اع۳ مصالح ساختمانی
اع۱ مواد نسوز
اع۲ مواد
او آجر آهکی
او سیلیس
ان *Silica brick*

آدا(زبان برنامه‌نویسی رایانه‌ای)

اع۱	زبان رویه‌گرا
اع۲	زبان سطح بالا
اع۳	زبان برنامه‌نویسی رایانه
او	پاسکال(زبان برنامه‌نویسی)
ان	*Ada (programming language)*

آدمک

اع۱	تجهیزات
اخ۱	آدمک برنامه‌پذیر
اخ۱	آدمک پیمانه‌ای
اخ۱	آدمک چندمنظوره
اخ۱	آدمک شبیه انسان
اخ۱	آدمک صنعتی
اخ۱	آدمک متحرک
اخ۱	آدمک هوشمند
اخ۱	بازوی آدمکی
او	آدمک‌شناسی
او	برنامه‌ریزی حرکت
او	برنامه‌نویسی آدمک
او	بینایی دوچشمی
او	تجهیزات کنترل
او	حس‌گر تماسی
او	حس‌گر همجواری
او	دید رایانه‌ای
او	سیبرنتیک
او	کاربرد آدمک
او	مکانیسم فرمان‌یار
او	ناوبری
او	نظریه خودکارافزار
او	هوش مصنوعی
او	یادگیری آدمک
ان	*Robot*

آدمک برنامه‌پذیر

اع۱	آدمک
اع۲	تجهیزات
او	آدمک صنعتی
او	آدمک هوشمند
ان	*Programmable robot*

آدمک پیمانه‌ای

اع۱	آدمک
اع۲	تجهیزات
او	آدمک صنعتی
ان	*Modular robot*

آدمک تطبیقی

ب‌ک	آدمک هوشمند

آدمک جابجاساز

ب‌ک	آدمک هوشمند

آدمک چندمنظوره

اع۱	آدمک
اع۲	تجهیزات
او	آدمک صنعتی
ان	*Multipurpose robot*

آدمک شبیه انسان

اع۱	آدمک
اع۲	تجهیزات
او	آدمک صنعتی
ان	*Anthropomorphic robot*

آدمک‌شناسی

او	آدمک
او	آدمک صنعتی
او	برنامه‌ریزی حرکت
او	برنامه‌نویسی آدمک
او	خودکارسازی
او	دید رایانه‌ای
او	سیبرنتیک
او	کاربرد آدمک
او	نظریه خودکارافزار
او	همگذاری آدمکی
او	هوش مصنوعی
ان	*Robotics*

آدمک صنعتی

اع۱	آدمک
اع۲	تجهیزات
او	ادراک عمق
او	آدمک برنامه‌پذیر
او	آدمک پیمانه‌ای
او	آدمک چندمنظوره
او	آدمک شبیه انسان
او	آدمک متحرک
او	آدمک‌شناسی

او بازوی آدمکی
او برنامه‌نویسی آدمک
او تجهیزات کنترل
او جابه‌جایی مواد
او حس‌گر تماسی
او حس‌گر همجواری
او خودکارسازی کارخانه
او دست‌ماشینی
او دید رایانه‌ای
او سیستم خبره
او فراورش
او کاربرد آدمک
او کنترل
او نرم‌افزار رایانه
او همگذاری آدمکی
او یادگیری آدمک
ان *Industrial robot*

آدمک متحرک

اع۱ آدمک
اع۲ تجهیزات
او اجتناب از تصادف
او آدمک صنعتی
ان *Mobile robot*

آدمک هوشمند

ب‌ج *آدمک تطبیقی*
ب‌ج *آدمک جابجاساز*
اع۱ آدمک
اع۲ تجهیزات
او آدمک برنامه‌پذیر
او سیستم خبره
ان *Intelligent robot*

آدنوزین تری فسفات

اع۱ استر
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ کوآنزیم
اع۲ آنزیم
اع۳ پروتئین
اع۳ کاتالیزور زیستی
اع۳ مواد زیست‌شناختی
او عضله
او فسفات
ان *Adenosinetriphosphate*

آذرخش

اع۱ الکتریسیته جوی
اع۲ الکتریسیته
اع۱ تخلیه الکتریکی
اع۲ اثر میدان الکتریکی
اع۳ اثر
او برق‌گیر
او توفان تندری
او جرقه الکتریکی
او جونوفه
او محافظت از آذرخش
ان *Lightning*

آر.ان.آ.

ب‌ج *ریبونوکلئیک اسید*
اع۱ اسید هسته‌ای
اع۲ اسید آلی
اع۳ اسید
اع۳ ترکیبات آلی
اع۲ درشت‌ملکول
اع۳ مولکول
اع۲ زیست‌بسپار
اع۳ بسپار طبیعی
اع۲ مواد زیست‌شناختی
اع۳ مواد
ان *RNA*

آرایش رشته‌ای

ب‌ک مواد تقویت‌شده رشته‌ای

آرایش مولکولی

ب‌ج *صف‌بندی مولکولی*
او بلور مایع
او جهت بلور
ان *Molecular orientation*

آرایه

اخ۱ آرایه آنتن
اخ۲ شبکه تنظیم فازی آنتن
اخ۱ آرایه پیل خورشیدی
اخ۱ آرایه صوتی
او حس‌گر

ان Array

آرایه آنتن

اع۱ آرایه
اع۱ آنتن
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اخ۱ شبکه تنظیم فازی آنتن
او تلسکوپ رادیویی
ان *Antenna array*

آرایه پیل خورشیدی

اع۱ آرایه
اع۱ تجهیزات خورشیدی
اع۲ تجهیزات
او پیل خورشیدی
ان *Solar cell array*

آرایه سیستولی

اع۱ آرایه یاخته‌ای
اع۲ مدار مجتمع رقمی
اع۳ مدار رقمی
اع۳ مدارمجتمع
او پردازش سیگنال رقمی
او سیستم پردازش موازی
ان *Systolic array*

آرایه صوتی

اع۱ آرایه
اع۱ تجهیزات صوتی
اع۲ تجهیزات
او تابشگر صوتی
او گیرنده صوتی
او مولد صوتی
ان *Acoustic array*

آرایه‌گری

اع۱ تکمیل
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
او حکاکی(با اسید)
او رنگ‌کاری
او رنگ‌کردن
او فلزنگاری

ان *Decoration*

آرایه یاخته‌ای

اع۱ مدار مجتمع رقمی
اع۲ مدار رقمی
اع۳ شبکه(مدار)
اع۲ مدارمجتمع
اع۳ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ شبکه(مدار)
اخ۱ آرایه سیستولی
او پی‌رام
ان *Cellular array*

آرسنید گالیم نیم‌رسانا

ب‌ج *مواد آرسنید گالیم*
اع۱ ترکیبات گالیم نیم‌رسانا
اع۲ ترکیبات گالیم
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۲ مواد نیم‌رسانا
اع۳ مواد
ان *Semiconducting gallium arsenide*

آرسنیک

اع۱ شبه فلز
اع۲ نافلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او ترکیبات آرسنیک
او کانی آرسناتی
ان *Arsenic*

آرگون

اع۱ گاز بی‌اثر
اع۲ گاز
اع۳ سیال
اع۲ نافلز
اع۳ عنصر شیمیایی
ان *Argon*

آروماتیک اسید

ب‌ک کربوکسیلیک‌اسید

آروماتیک‌کردگی

اع۱ واکنش شیمیایی
او پالایش نفت

او هیدروکربن آروماتیک
ان *Aromatization*

آزادراه
ب‌ک سیستم بزرگراه

آزمایش
اخ۱ آزمایش ایمنی
اخ۲ آزمایش اشتعال
اخ۱ آزمایش تجهیزات
اخ۲ آزمایش تجهیزات الکترونیکی
اخ۳ آزمایش دستگاه الکترونی
اخ۳ آزمایش رایانه
اخ۲ آزمایش خودرو
اخ۲ آزمایش سنج‌افزار
اخ۲ آزمایش کشتی
اخ۲ آزمایش ماشین‌آلات الکتریکی
اخ۲ آزمایش مبدل الکتریکی
اخ۱ آزمایش حرارت پایین
اخ۱ آزمایش خودکار
اخ۱ آزمایش دمای بالا
اخ۱ آزمایش ضربه
اخ۱ آزمایش محیطی
اخ۱ آزمایش مکانیکی
اخ۲ آزمایش پیچش
اخ۲ آزمایش خاک
اخ۲ آزمایش خزش
اخ۲ آزمایش خستگی
اخ۲ آزمایش سختی
اخ۲ آزمایش شکست
اخ۲ آزمایش شوک
اخ۲ آزمایش فشردگی
اخ۲ آزمایش کششی
اخ۳ آزمایش کششی میله شکاف‌دار
اخ۲ آزمایش مومسانی
اخ۱ آزمایش مواد
اخ۲ آزمایش اشتعال
اخ۲ آزمایش انفجاری
اخ۲ آزمایش بارگذاری
اخ۲ آزمایش بتن
اخ۲ آزمایش برقاصوتی
اخ۲ آزمایش سطح
اخ۲ آزمایش عایق‌بندی الکتریکی
اخ۳ آزمایش ایمپالس
اخ۲ آزمایش فلز
اخ۳ آزمایش فولاد
اخ۳ آزمایش کششی میله شکاف‌دار
اخ۲ آزمایش کشسانی
اخ۲ آزمایش لاستیک
اخ۲ برآورد رطوبت
اخ۱ آزمایش نوری
اخ۱ آزمون آماری
اخ۱ آزمون استخدامی کارکنان
اخ۲ آزمایش شایستگی
اخ۲ آزمون ذهنی
اخ۱ امتحان غیرمخرب
اخ۲ آزمایش با جریان گردابی
اخ۲ آزمایش گسیل صوتی
اخ۱ تشخیص لیزری
اخ۱ چاه‌آزمایی
اخ۲ آزمایش چاه نفت
او ارزشیابی
او استاندارد
او استانداردکردن
او اندازه‌گیری
او بازرسی
او تجزیه و تحلیل
او تسهیلات آزمون
او خطا
او عملکرد
او قابلیت اطمینان
او کنترل کیفیت
ان *Testing*

آزمایش ابزار نیم‌رسانا
اع۱ آزمایش دستگاه الکترونی
اع۲ آزمایش تجهیزات الکترونیکی
اع۳ آزمایش تجهیزات
او ابزار نیم‌رسانا
ان *Semiconductor device testing*

آزمایش اشتعال
اع۱ آزمایش ایمنی
اع۲ آزمایش
اع۱ آزمایش مواد
اع۲ آزمایش
او آزمایش تجهیزات
او قابلیت اشتعال
ان *Flammability testing*

آزمایش انفجاری

اع۱ آزمایش مواد
اع۲ آزمایش
او انفجار (ترکشی)
ان *Explosion testing*

آزمایش ایمپالس

اع۱ آزمایش عایق‌بندی الکتریکی
اع۲ آزمایش مواد
اع۳ آزمایش
ان *Impulse testing*

آزمایش ایمنی

اع۱ آزمایش
اخ۱ آزمایش اشتعال
او آزمایش تجهیزات
او آزمایش مواد
ان *Safety testing*

آزمایش با جریان گردابی

اع۱ امتحان غیرمخرب
اع۲ آزمایش
ان *Eddy current testing*

آزمایش بارگذاری

اع۱ آزمایش مواد
اع۲ آزمایش
او مکانیک خاک
ان *Load testing*

آزمایش بتن

اع۱ آزمایش مواد
اع۲ آزمایش
او بتن
ان *Concrete testing*

آزمایش برقاصوتی

اع۱ آزمایش مواد
اع۲ آزمایش
ان *Electroacoustic testing*

آزمایش پیچش

اع۱ آزمایش مکانیکی
اع۲ آزمایش

او آزمایش کششی
او پیچش‌سنج
او تنش پیچشی
او تنش تسلیم
او ضریب کشسانی
ان *Torsion testing*

آزمایش تجهیزات

اع۱ آزمایش
اخ۱ آزمایش تجهیزات الکترونیکی
اخ۲ آزمایش دستگاه الکترونی
اخ۳ آزمایش ابزار نیم‌رسانا
اخ۳ آزمایش لامپ الکترونی
اخ۳ آزمایش مدار چاپی
اخ۳ آزمایش مدارمجتمع
اخ۲ آزمایش رایانه
اخ۳ اشکال‌زدایی رایانه
اخ۱ آزمایش خودرو
اخ۱ آزمایش سنج‌افزار
اخ۱ آزمایش کشتی
اخ۱ آزمایش ماشین‌آلات الکتریکی
اخ۱ آزمایش مبدل الکتریکی
او آزمایش اشتعال
او آزمایش ایمنی
او آزمایش حرارت پایین
او آزمایش خودکار
او آزمایش دمای بالا
او آزمایش شوک
او آزمایش ضربه
او امتحان غیرمخرب
او اندازه‌گیری
او تشخیص لیزری
او واگن آزمون مسیر
ان *Equipment testing*

آزمایش تجهیزات الکترونیکی

اع۱ آزمایش تجهیزات
اع۲ آزمایش
اخ۱ آزمایش دستگاه الکترونی
اخ۲ آزمایش ابزار نیم‌رسانا
اخ۲ آزمایش لامپ الکترونی
اخ۲ آزمایش مدار چاپی
اخ۲ آزمایش مدارمجتمع
اخ۱ آزمایش رایانه
اخ۲ اشکال‌زدایی رایانه

او تجهیزات الکترونیکی
ان *Electronic equipment testing*

آزمایش چاه نفت
اع۱ چاه‌آزمایی
اع۲ آزمایش
او بهره‌برداری از چاه نفت
او چاه نفتی
ان *Oil well testing*

آزمایش حرارت پایین
اع۱ آزمایش
او آزمایش تجهیزات
او آزمایش کششی
او آزمایش مواد
او آزمایش مومسانی
او رسانندگی گرمایی
او عملیات فرودمایی
او ویژگی ترمودینامیکی
او ویسکوالاستیسیته
ان *Low temperature testing*

آزمایش خاک
اع۱ آزمایش مکانیکی
اع۲ آزمایش
ان *Soil testing*

آزمایش خزش
اع۱ آزمایش مکانیکی
اع۲ آزمایش
او خزش
ان *Creep testing*

آزمایش خستگی
اع۱ آزمایش مکانیکی
اع۲ آزمایش
او آزمایش سختی
او آزمایش ضربه
او آزمایش کششی
او انباشتگی تنش
او خستگی مصالح
ان *Fatigue testing*

آزمایش خودرو
اع۱ آزمایش تجهیزات
اع۲ آزمایش
او آزمونگاه خودرو
او خودرو
ان *Automobile testing*

آزمایش خودکار
اع۱ آزمایش
او آزمایش تجهیزات
او آزمایش مواد
او خودکارسازی
ان *Automatic testing*

آزمایش دستگاه الکترونی
اع۱ آزمایش تجهیزات الکترونیکی
اع۲ آزمایش تجهیزات
اع۳ آزمایش
اخ۱ آزمایش ابزار نیم‌رسانا
اخ۱ آزمایش لامپ الکترونی
اخ۱ آزمایش مدار چاپی
اخ۱ آزمایش مدارمجتمع
او تولید دستگاه الکترونی
او دستگاه الکترونی
ان *Electron device testing*

آزمایش دمای بالا
اع۱ آزمایش
او ارزش گرمایی
او آزمایش تجهیزات
او آزمایش سختی
او آزمایش فشردگی
او آزمایش کششی
او آزمایش مواد
او امتحان غیرمخرب
او تردی
او چکش‌خواری
او خزش
او خستگی مصالح
او شکستگی
او عملکرد دمای بالا
او کاربرد دمای بالا
او کشسانی
او کمانش
او کنترل کیفیت
او مومسانی

او ویژگی ترمودینامیکی
او ویسکوالاستیسیته
ان *High temperature testing*

آزمایش رایانه

اع۱ آزمایش تجهیزات الکترونیکی
اع۲ آزمایش تجهیزات
اع۳ آزمایش
اخ۱ اشکال‌زدایی رایانه
او رایانه
ان *Computer testing*

آزمایش سختی

اع۱ آزمایش مکانیکی
اع۲ آزمایش
او آزمایش خستگی
او آزمایش دمای بالا
او آزمایش ضربه
او آزمایش فلز
او آزمایش کششی
او فلز
ان *Hardness testing*

آزمایش سطح

اع۱ آزمایش مواد
اع۲ آزمایش
او رویه
ان *Surface testing*

آزمایش سنج‌افزار

اع۱ آزمایش تجهیزات
اع۲ آزمایش
او سنج‌افزار
ان *Instrument testing*

آزمایش سیالیت

ب‌ک آزمایش فلز
ب‌ک سیالیت

آزمایش شایستگی

اع۱ آزمون استخدامی کارکنان
اع۲ آزمایش
او کارکنان
او مهندسی فاکتورهای انسانی
ان *Ability testing*

آزمایش شکست

اع۱ آزمایش مکانیکی
اع۲ آزمایش
او آزمایش کششی
او انباشتگی تنش
او شکستگی
ان *Fracture testing*

آزمایش شوک

اع۱ آزمایش مکانیکی
اع۲ آزمایش
او آزمایش تجهیزات
او آزمایش ضربه
او آزمایش مواد
او کشتی
او مساله شوک
ان *Shock testing*

آزمایش ضربه

اع۱ آزمایش
او آزمایش تجهیزات
او آزمایش خستگی
او آزمایش سختی
او آزمایش شوک
او آزمایش فشردگی
او آزمایش مواد
او استحکام کششی
او انباشتگی تنش
او آهنگ کرنش
او تراکم‌پذیری جامد
او مقاومت ضربه‌ای
ان *Impact testing*

آزمایش عایق‌بندی الکتریکی

اع۱ آزمایش مواد
اع۲ آزمایش
اخ۱ آزمایش ایمپالس
او عایق‌بندی الکتریکی
او مکان‌یابی عیب الکتریکی
ان *Electric insulation testing*

آزمایش غیرمخرب

ب‌ک امتحان غیرمخرب

آزمایش فشردگی
اع۱ آزمایش مکانیکی
اع۲ آزمایش
او آزمایش دمای بالا
او آزمایش ضربه
او آزمایش کششی
او تراکم‌پذیری
او تنش تسلیم
او مقاومت فشردگی
ان *Compression testing*

آزمایش فلز
ب‌ج *آزمایش سیالیت*
اع۱ آزمایش مواد
اع۲ آزمایش
اخ۱ آزمایش فولاد
اخ۱ آزمایش کششی میله شکاف‌دار
او آزمایش سختی
او فلز
ان *Metal testing*

آزمایش فولاد
اع۱ آزمایش فلز
اع۲ آزمایش مواد
اع۳ آزمایش
او پژوهش فولاد
او فولاد
ان *Steel testing*

آزمایش کشتی
اع۱ آزمایش تجهیزات
اع۲ آزمایش
او شبیه‌ساز کشتی
او کشتی
او مدل کشتی
ان *Ship testing*

آزمایش کشسانی
اع۱ آزمایش مواد
اع۲ آزمایش
او آزمایش کششی
او کشسانی
ان *Elasticity testing*

آزمایش کشش
ب‌ک آزمایش کششی

آزمایش کششی
ب‌ج *آزمایش کشش*
اع۱ آزمایش مکانیکی
اع۲ آزمایش
اخ۱ آزمایش کششی میله شکاف‌دار
او آزمایش پیچش
او آزمایش حرارت پایین
او آزمایش خستگی
او آزمایش دمای بالا
او آزمایش سختی
او آزمایش شکست
او آزمایش فشردگی
او آزمایش کشسانی
او استحکام کششی
او آهنگ کرنش
او تنش تسلیم
او سفتی
او ضریب کشسانی
او ویژگی کششی
ان *Tensile testing*

آزمایش کششی میله شکاف‌دار
اع۱ آزمایش فلز
اع۲ آزمایش مواد
اع۳ آزمایش
اع۱ آزمایش کششی
اع۲ آزمایش مکانیکی
اع۳ آزمایش
ان *Notched bar tensile testing*

آزمایشگاه
اع۱ تسهیلات
اخ۱ آزمایشگاه بالینی
اخ۱ آزمایشگاه پرتو ایکس
اخ۱ آزمایشگاه پژوهشی
اخ۱ آزمایشگاه شیمی
اخ۱ آزمایشگاه صنعتی
اخ۱ آزمایشگاه صوت‌شناسی
اخ۲ اتاق بی‌پژواک
اخ۱ آزمایشگاه مداری

اخ۱ آزمایشگاه مواد
اخ۱ آزمایشگاه نیروگاه
اخ۱ آزمایشگاه هیدرولیکی
او تسهیلات آزمون
او تسهیلات مهندسی
او تونل باد
او سترون‌کننده
او کوره آزمایشگاهی
او مخزن مدل کشتی
ان *Laboratory*

آزمایشگاه بالینی

اع۱ آزمایشگاه
اع۲ تسهیلات
او آزمایشگاه شیمی
او بیمارستان
ان *Clinical laboratory*

آزمایشگاه پرتو ایکس

اع۱ آزمایشگاه
اع۲ تسهیلات
او پرتونگاری پرتو ایکس
او تحلیل پرتو ایکس
او دستگاه پرتو ایکس
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *X ray laboratory*

آزمایشگاه پژوهشی

اع۱ آزمایشگاه
اع۲ تسهیلات
او پژوهش
ان *Research laboratory*

آزمایشگاه شیمی

اع۱ آزمایشگاه
اع۲ تسهیلات
او آزمایشگاه بالینی
او تجهیزات شیمیایی
او شیمی
ان *Chemical laboratory*

آزمایشگاه صنعتی

اع۱ آزمایشگاه
اع۲ تسهیلات
او تسهیلات آزمون
او واحد صنعتی
ان *Industrial laboratory*

آزمایشگاه صوت‌شناسی

اع۱ آزمایشگاه
اع۲ تسهیلات
اخ۱ اتاق بی‌پژواک
او صوت‌شناسی
ان *Acoustics laboratory*

آزمایشگاه مداری

اع۱ آزمایشگاه
اع۲ تسهیلات
اع۱ فضاپیما
اع۲ وسیله نقلیه
ان *Orbital laboratory*

آزمایشگاه مواد

اع۱ آزمایشگاه
اع۲ تسهیلات
او آزمایش مواد
او دستگاه آزمایش مواد
ان *Materials testing laboratory*

آزمایشگاه نیروگاه

اع۱ آزمایشگاه
اع۲ تسهیلات
اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
ان *Power plant laboratory*

آزمایشگاه هیدرولیکی

اع۱ آزمایشگاه
اع۲ تسهیلات
ان *Hydraulic laboratory*

آزمایش گسیل صوتی

اع۱ امتحان غیرمخرب
اع۲ آزمایش
او گسیل صوتی
ان *Acoustic emission testing*

آزمایش لاستیک

اع۱ آزمایش مواد
اع۲ آزمایش
او لاستیک
ان *Rubber testing*

آزمایش لامپ الکترونی
اع۱ آزمایش دستگاه الکترونی
اع۲ آزمایش تجهیزات الکترونیکی
اع۳ آزمایش تجهیزات
او لامپ الکترونی
ان *Electron tube testing*

آزمایش ماشین‌آلات الکتریکی
اع۱ آزمایش تجهیزات
اع۲ آزمایش
او ماشین‌آلات الکتریکی
ان *Electric machinery testing*

آزمایش مبدل الکتریکی
اع۱ آزمایش تجهیزات
اع۲ آزمایش
او مبدل الکتریکی
ان *Electric transformer testing*

آزمایش محیطی
اع۱ آزمایش
او تهویه
او توزیع دما
او کنترل دما
او مهندسی محیط
او هوازدگی
ان *Environmental testing*

آزمایش مدار چاپی
اع۱ آزمایش دستگاه الکترونی
اع۲ آزمایش تجهیزات الکترونیکی
اع۳ آزمایش تجهیزات
او آزمایش مدارمجتمع
او تولید مدار چاپی
او طراحی مدار چاپی
او مدار چاپی
ان *Printed circuit testing*

آزمایش مدارمجتمع
اع۱ آزمایش دستگاه الکترونی
اع۲ آزمایش تجهیزات الکترونیکی
اع۳ آزمایش تجهیزات
او آزمایش مدار چاپی
او مدارمجتمع
ان *Integrated circuit testing*

آزمایش مکانیکی
اع۱ آزمایش
اخ۱ آزمایش پیچش
اخ۱ آزمایش خاک
اخ۱ آزمایش خزش
اخ۱ آزمایش خستگی
اخ۱ آزمایش سختی
اخ۱ آزمایش شکست
اخ۱ آزمایش شوک
اخ۱ آزمایش فشردگی
اخ۱ آزمایش کششی
اخ۲ آزمایش کششی میله شکاف‌دار
اخ۱ آزمایش مومسانی
او ابزار پیزوالکتریکی
او اندازه‌گیری کرنش
او تراگذار
او تنش
او کرنش‌سنج
او مهندسی مکانیک
ان *Mechanical testing*

آزمایش مواد
اع۱ آزمایش
اخ۱ آزمایش اشتعال
اخ۱ آزمایش انفجاری
اخ۱ آزمایش بارگذاری
اخ۱ آزمایش بتن
اخ۱ آزمایش برقاصوتی
اخ۱ آزمایش سطح
اخ۱ آزمایش عایق‌بندی الکتریکی
اخ۲ آزمایش ایمپالس
اخ۱ آزمایش فلز
اخ۲ آزمایش فولاد
اخ۲ آزمایش کششی میله شکاف‌دار
اخ۱ آزمایش کشسانی
اخ۱ آزمایش لاستیک
اخ۱ برآورد رطوبت
او آزمایش ایمنی

او آزمایش حرارت پایین
او آزمایش خودکار
او آزمایش دمای بالا
او آزمایش شوک
او آزمایش ضربه
او آزمایشگاه مواد
او امتحان غیرمخرب
او اندازه‌گیری
او انطباق و رواداری
او تشخیص لیزری
او دستگاه آزمایش مواد
او مواد
او نقص
او واجذبی برنامه‌ریزی‌شده دما
ان *Materials testing*

آزمایش مومسانی

اع۱ آزمایش مکانیکی
اع۲ آزمایش
او آزمایش حرارت پایین
او مومسانی
ان *Plasticity testing*

آزمایش نوری

اع۱ آزمایش
او اندازه‌گیری متغیر نوری
او تابع انتقال نوری
او سنج‌افزار نوری
او نورشناسی
ان *Optical testing*

آزمون آماری

اع۱ آزمایش
اع۱ روش آماری
اع۲ فن ریاضی
او آمار
او خطای اندازه‌گیری
او روش همبستگی
او قابلیت اطمینان
او نظریه اعتمادپذیری
ان *Statistical test*

آزمون استخدامی کارکنان

اع۱ آزمایش
اخ۱ آزمون ذهنی
او آموزش کارکنان
او کارکنان
او گزینش کارکنان
او مهندسی فاکتورهای انسانی
ان *Personnel testing*

آزمون ذهنی

اع۱ آزمون استخدامی کارکنان
اع۲ آزمایش
او مهندسی فاکتورهای انسانی
ان *Subjective testing*

آزمونگاه خودرو

اع۱ تسهیلات
او آزمایش خودرو
او خودرو
او ساختن خودرو
ان *Automobile proving ground*

آزمون میکروسکپی

ب‌ج میکروسکوپی
اخ۱ شکست‌نگاری
اخ۱ میکروسکپی نیروی اتمی
اخ۱ میکروسکوپی الکترونی
اع۲ میکروسکوپی الکترونی انتقالی
اع۲ میکروسکوپی روبشگری الکترون
اخ۱ میکروسکوپی تونل‌زنی روبشگری
اخ۱ میکروسکوپی نوری
او آماده‌سازی نمونه
او تحلیل درشتی ذره
او میکروسکوپ
ان *Microscopic examination*

آزئوتروپ

اع۱ آمیزه
اع۲ مواد
ان *Azeotrope*

آژیره

ب‌ک سیرن

آستر چاه معدن

اع۱ آستره

اع۱ چاه معدن
اع۲ معدن
اع۳ تسهیلات
ان *Mine shaft lining*

آستره

اخ۱ آستر چاه معدن
اخ۱ آستره تلمبه
اخ۱ آستره فاضلاب‌رو
اخ۱ آستره کوره
اخ۱ آستره لوله
اخ۱ آستره مخزن
اخ۱ پوشش تونل
اخ۱ پوشش کانال
اخ۱ پوشش دودکش
اخ۱ پوشش مخزن
اخ۱ لنت ترمز
او چاه‌کنی
او درزبندی
او نشت(مایع)
ان *Lining*

آستره تلمبه

اع۱ آستره
اع۱ تلمبه
اع۲ تجهیزات
ان *Pump lining*

آستره فاضلاب‌رو

اع۱ آستره
اع۱ فاضلاب‌رو
اع۲ تسهیلات
ان *Sewer lining*

آستره کوره

اع۱ آستره
اع۱ کوره
اع۲ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
ان *Furnace lining*

آستره لوله

اع۱ آستره
اع۱ لوله
اع۲ اجزا
او خط‌لوله
ان *Pipe lining*

آستره مخزن

اع۱ آستره
اع۱ مخزن(بارگنج)
اع۲ بارگنج
ان *Tank lining*

آستنیت

اع۱ فاز فلزنگاری
او تبدیل آستنیتی
او فلزنگاری فولاد
ان *Austenite*

آسفالت

اع۱ مواد قیری
اع۲ مواد
او پیاده‌رو
او قطران
او کارخانه آسفالت
او مواد فرش‌کردن قیری
ان *Asphalt*

آسمان‌خراش

ب‌ک ساختمان بلند

آسیاب

اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ آسیاب گلوله‌ای
اخ۱ پودرکننده زغال‌سنگ
او آسیاب‌کردن
او دانه‌ساز
او زباله‌سوز
او سنگ‌شکن
ان *Grinding mill*

آسیاب‌کردن

ب‌ج *سنگ‌زنی(خردایش)*
اع۱ خردسازی
اع۲ فراورش

اع۳ ساختن
او آسیاب
او فروپاشی
ان *Grinding (comminution)*

آسیاب‌کردن گلوله‌ای
اع۱ سنگ‌زنی(تراشکاری)
اع۲ برش سایشی
اع۳ برش
اع۲ ماشین‌کاری
او آسیاب گلوله‌ای
او آلیاژسازی مکانیکی
ان *Ball milling*

آسیاب‌کردن نیشکر
اع۱ قندسازی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
ان *Sugar cane milling*

آسیاب گلوله‌ای
اع۱ آسیاب
اع۲ ماشین‌آلات
او آسیاب‌کردن گلوله‌ای
او دانه‌ساز
ان *Ball mill*

آسیاب لوله‌ای
اع۱ دستگاه نورد
اع۲ واحد صنعتی
او فرایند دستگاه نورد
ان *Tube mill*

آسیب تابشی
اع۱ اثر تابش
اع۲ اثر
او حفاظت تابشی
او خطر تابش
او محافظ تابش
ان *Radiation damage*

آسیب لیزری
ب‌ک اثر باریکه لیزری

آسیل‌دارکردگی
اع۱ واکنش شیمیایی
ان *Acylation*

آشپزخانه
اع۱ تسهیلات
او عمل‌آوری مواد غذایی
ان *Kitchen*

آشکارساز
اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
اخ۱ آشکارساز تابش
اخ۲ آشکارساز ذره‌ای
اخ۳ آشکارساز پرتو کیهانی
اخ۳ اتاقک ابر
اخ۳ اتاقک جرقه
اخ۳ اتاقک یونش
اخ۳ اطاقک حباب
اخ۳ نوترون‌بین
اخ۲ آشکارساز نوری
اخ۳ آشکارساز فرابنفش
اخ۳ آشکارساز مادون قرمز
اخ۲ پرتوسنج
اخ۳ تابش‌سنج
اخ۱ آشکارساز حریق
اخ۲ آشکارساز دود
اخ۱ آشکارساز فلز
اخ۱ آشکارساز ماهی
اخ۱ آشکارساز همبستگی
اخ۲ همبسته‌ساز
اخ۱ حس‌گر
اخ۲ پویش‌گر چندطیفی
اخ۲ حس‌گر آمپرسنجی
اخ۲ حس‌گر پتانسیل‌سنجی
اخ۲ حس‌گر تصویر
اخ۲ حس‌گر تماسی
اخ۲ حس‌گر دو رگه
اخ۲ حس‌گر سیلیسیمی
اخ۲ حس‌گر شیمیایی
اخ۳ حس‌گر اکسیژن
اخ۳ حس‌گر الکتروشیمیایی
اخ۳ حس‌گر پ‌هاش
اخ۳ حس‌گر یون کلسیم
اخ۲ حس‌گر فشار جزئی

اخ۲	حس‌گر نوری
اخ۳	حس‌گر تار نوری
اخ۲	حس‌گر همجواری
اخ۲	زیست‌حس‌گر
اخ۳	الکترود میکروبی
اخ۳	حس‌گر آنزیم
اخ۳	حس‌گر ایمنی
اخ۳	حس‌گر داروی یونی
اخ۳	حس‌گر گلوکز
اخ۳	حس‌گر نوک کاتتر
اخ۱	سونار
اخ۱	سیستم هشدار رادار
اخ۱	گازیاب
اخ۱	مانع‌یاب
او	ابزار نیم‌رسانا
او	آشکارسازی آلودگی
او	الگوشناسی
او	اندازه‌گیری
او	پایش
او	تجهیزات بازشناسی کاراکتر
او	سیستم اخطار
او	گیرنده سیگنال
او	لامپ شمارش
او	نشت‌یابی
او	وامدوله‌سازی
ان	*Detector*

آشکارساز پرتو کیهانی

اع۱	آشکارساز ذره‌ای
اع۲	آشکارساز تابش
اع۳	آشکارساز
اع۲	سنج‌افزار گزینی هسته‌ای
اع۳	سنج‌افزار
او	اندازه‌گیری پرتو کیهانی
او	پرتو کیهانی
ان	*Cosmic ray detector*

آشکارساز تابش

اع۱	آشکارساز
اع۲	سنج‌افزار
اع۳	تجهیزات
اخ۱	آشکارساز ذره‌ای
اخ۲	آشکارساز پرتو کیهانی
اخ۲	اتاقک ابر
اخ۲	اتاقک جرقه
اخ۲	اتاقک یونش
اخ۲	اطاقک حباب
اخ۲	نوترون‌بین
اخ۱	آشکارساز نوری
اخ۲	آشکارساز فرابنفش
اخ۲	آشکارساز مادون قرمز
اخ۱	پرتوسنج
اخ۲	تابش‌سنج
او	اندازه‌گیری پرتوزایی
او	تابش‌شمار
او	شب‌تاب
او	مقدارسنج
ان	*Radiation detector*

آشکارساز حریق

اع۱	آشکارساز
اع۲	سنج‌افزار
اع۳	تجهیزات
اع۱	ابزار ایمنی
اع۲	تجهیزات
اخ۱	آشکارساز دود
او	آشکارساز مادون قرمز
او	حفاظت در مقابل آتش‌سوزی
ان	*Fire detector*

آشکارساز دود

اع۱	آشکارساز حریق
اع۲	آشکارساز
اع۳	سنج‌افزار
اع۲	ابزار ایمنی
اع۳	تجهیزات
او	حفاظت در مقابل آتش‌سوزی
او	سیستم اخطار
ان	*Smoke detector*

آشکارساز ذره‌ای

اع۱	آشکارساز تابش
اع۲	آشکارساز
اع۳	سنج‌افزار
اع۱	سنج‌افزار گزینی هسته‌ای
اع۲	سنج‌افزار
اع۳	تجهیزات
اخ۱	آشکارساز پرتو کیهانی
اخ۱	اتاقک ابر
اخ۱	اتاقک جرقه

اخ۱	اتاقک یونش
اخ۱	اطاقک حباب
اخ۱	نوترون‌بین
او	جداساز ذره
او	مدار شمارش
او	مقدارسنج
او	مقدارسنجی
ان	*Particle detector*

آشکارساز رادیویی

ب‌ک	وامدوله‌ساز

آشکارساز سوسوزن

ب‌ک	شمارگر سوسوزن

آشکارساز فرابنفش

اع۱	آشکارساز نوری
اع۲	آشکارساز تابش
اع۳	آشکارساز
اع۲	ابزار فتوالکتریکی
اع۳	ابزار دیدالکترونیک
اع۱	ابزار فرابنفش
اع۲	ابزار نوری
اع۳	تجهیزات
او	تابش فرابنفش
او	نورسنج
ان	*Ultraviolet detector*

آشکارساز فلز

ی‌د	مکان‌یابی فلز
اع۱	آشکارساز
اع۲	سنج‌افزار
اع۳	تجهیزات
او	آلیاژ
او	فلز
ان	*Metal detector*

آشکارساز مادون قرمز

اع۱	آشکارساز نوری
اع۲	آشکارساز تابش
اع۳	آشکارساز
اع۲	ابزار فتوالکتریکی
اع۳	ابزار دیدالکترونیک
اع۱	ابزار مادون قرمز
اع۲	ابزار نوری
اع۳	تجهیزات
او	آشکارساز حریق
او	اندازه‌گیری متغیر گزمایی
او	پرتوسنج
او	پرتوسنجی
او	تابش‌سنج
ان	*Infrared detector*

آشکارساز ماهی

اع۱	آشکارساز
اع۲	سنج‌افزار
اع۳	تجهیزات
او	شیلات
او	کشتی ماهی‌گیری
ان	*Fish detector*

آشکارساز نور

ب‌ک	آشکارساز نوری

آشکارساز نوری

ب‌ج	*آشکارساز نور*
اع۱	آشکارساز تابش
اع۲	آشکارساز
اع۳	سنج‌افزار
اع۱	ابزار فتوالکتریکی
اع۲	ابزار دیدالکترونیک
اع۳	ابزار نوری
اع۳	تجهیزات الکترونیکی
اخ۱	آشکارساز فرابنفش
اخ۱	آشکارساز مادون قرمز
او	پیل فتوالکتریک
او	ترانزیستور نوری
او	دیود نوری
او	مدار مجتمع نورالکترونیکی
او	مواد فوتورسانش
او	نور
او	نورسنج
ان	*Photodetector*

آشکارساز همبستگی

ب‌ج	*آشکارساز همبستگی تقاطعی*
اع۱	آشکارساز
اع۲	سنج‌افزار
اع۳	تجهیزات
اخ۱	همبسته‌ساز

او پردازش سیگنال
او شبکه(مدار)
ان *Correlation detector*

آشکارساز همبستگی تقاطعی
ب‌ک آشکارساز همبستگی

آشکارسازی آلودگی
او آشکارساز
او آلودگی
او کنترل آلودگی
ان *Pollution detection*

آشکارسازی سیگنال
اع۱ پردازش سیگنال
او گیرنده سیگنال
او نظریه اطلاعات
او وامدوله‌سازی
ان *Signal detection*

آشکارسازی لبه
اع۱ الگوشناسی
او استخراج ویژگی
او تصویر پردازی
ان *Edge detection*

آشوب(نظریه اطلاعات)
اع۱ نظریه اطلاعات
ان *Clutter (information theory)*

آشوب راداری
اع۱ تداخل راداری
اع۲ تداخل در سیگنال
او تولید پارازیت
او رادار
او صفحه نمایش رادار
ان *Radar clutter*

آشیانه هواپیما
اع۱ ساختمان فرودگاهی
اع۲ ساختمان
اع۳ سازه
اع۲ فرودگاه
اع۳ تسهیلات
ان *Hangar*

آغاز ترک
ب‌ج *ترک‌خوردگی(شکست)*
ب‌ج *ریزترک‌خوردگی*
او انتشار ترک
او ترک
او ریزترک
ان *Crack initiation*

آغازگر(شیمیایی)
اع۱ عامل
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او کاتالیزور
ان *Initiator (chemical)*

آغازی
ب‌ک تک‌یاخته

آغشته‌سازی
او تخلخل
او چوب
او روان‌سازی
او مواد متخلخل
او نفوذپذیری سطحی
ان *Impregnation*

آفت‌کش
اع۱ پادزیست
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
اخ۱ حشره‌کش
اخ۱ علف‌کش
اخ۱ قارچ‌کش
او اثر آفت‌کش
او دوددادن
او کنترل آفت
ان *Pesticide*

آفلاتوکسین
اع۱ سرطانزا
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد

اع۱ مواد خطرناک
اع۲ مواد
او قارچ
ان *Aflatoxin*

آکتینید
اع۱ عنصر پرتوزا
اع۲ عنصر شیمیایی
اع۲ مواد پرتوزا
اع۳ مواد
اع۱ فلز غیرآهنی
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اخ۱ آکتینیم
اخ۱ اورانیم
اخ۱ پروتاکتینیم
اخ۱ توریم
اخ۱ عنصر فرااورانیوم
اخ۲ آمریکیم
اخ۲ اینشتینیم
اخ۲ برکلیم
اخ۲ پلوتونیم
اخ۲ فرمیوم
اخ۲ کالیفرنیم
اخ۲ کورچاتوویم
اخ۲ کوریم
اخ۲ لورنسیم
اخ۲ مندلویم
اخ۲ نپتونیم
اخ۲ نوبلیم
ان *Actinide*

آکتینیم
اع۱ آکتینید
اع۲ عنصر پرتوزا
اع۳ عنصر شیمیایی
اع۳ مواد پرتوزا
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
ان *Actinium*

آکریلیک
اع۱ گرمانرم
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اخ۱ پلی‌آکریلونیتریل
اخ۱ پلی‌آکریلیت
اخ۱ پلی‌متیل متاکریلات
او الیاف مصنوعی
او تکپار آکریلی
ان *Acrylic*

آکوستیک
ب‌ک صوت‌شناسی

آلات موسیقی
اع۱ مولد صوتی
اع۲ تجهیزات صوتی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ آلات موسیقی الکترونیکی
اخ۱ ارگ(آلات موسیقی)
او زنگ
ان *Musical instrument*

آلات موسیقی الکترونیکی
اع۱ آلات موسیقی
اع۲ مولد صوتی
اع۳ تجهیزات صوتی
اع۱ بسامدساز
اع۲ مولد سیگنال
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
او موسیقی رایانه‌ای
ان *Electronic musical instrument*

آلدهید
اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ زایلوز
اخ۱ فرم‌آلدهید
ان *Aldehyde*

آلرژی
او ایمنی‌شناسی
او بیماری
او پزشکی
او مهندسی زیست‌پزشکی
او واکنش پادگن‌پادتن

ان *Allergy*

آلکان
ب‌ک پارافین

آلکانوئیک اسید
ب‌ک کربوکسیلیک‌اسید

آلکن
ب‌ک اولفین

آلکیل‌دارکردگی
اع۱ واکنش شیمیایی
او پالایش نفت
ان *Alkylation*

آلودگی
اع۱ آلودگی آب
اع۲ آلودگی آب زیرزمینی
اع۲ آلودگی دریایی
اع۱ آلودگی خاک
اع۱ آلودگی روغنی سردکن
اع۱ آلودگی گرمایی
اع۱ آلودگی نوفه
اع۱ آلودگی هوا
اع۲ آلودگی هوای محیط کار
او اثر آفت‌کش
او آشکارسازی آلودگی
او آلوده‌شدن
او حس‌گر تار نوری
او خطر بهداشتی
او خوردگی ناشی از آلودگی
او سمیت
او سنج‌افزار نوری
او کنترل آلودگی
او لیزر
ان *Pollution*

آلودگی آب
اع۱ آلودگی
اع۱ آلودگی آب زیرزمینی
اع۱ آلودگی دریایی
او آب
او آب‌رسانی
او اثر آفت‌کش
او آلودگی خاک
او آلودگی گرمایی
او بازیافت پساب
او باکتری‌شناسی آب
او بهسازی پساب
او پساب
او پسمانده پرتوزا
او پسمانده صنعتی
او تجزیه آب
او ترکیبات آلی فرار
او تصفیه فاضلاب
او خوردگی ناشی از آلودگی
او دفع پساب
او راه آبی درون‌مرزی
او رواناب کشاورزی
او سرریز مواد خطرناک
او سرریز نفت
او فسفات
او کنترل آلودگی آب
او کود شیمیایی
او کیفیت آب
او مهندسی محیط
او مواد پرتوزا
ان *Water pollution*

آلودگی آب زیرزمینی
اع۱ آلودگی آب
اع۲ آلودگی
او آب زیرزمینی
او منبع آب زیرزمینی
ان *Groundwater pollution*

آلودگی اقیانوس
ب‌ک آلودگی دریایی

آلودگی خاک
اع۱ آلودگی
او اثر آفت‌کش
او آلودگی آب
او خاک
او رواناب کشاورزی
او سرریز مواد خطرناک
او سرریز نفت
او کنترل آلودگی خاک

ان *Soil pollution*

آلودگی دریایی

ب‌ج *آلودگی اقیانوس*
اع۱ آلودگی آب
اع۲ آلودگی
او آب دریا
او آلودگی گرمایی
او زیست‌شناسی دریایی
او سرریز نفت
ان *Marine pollution*

آلودگی روغنی سردکن

اع۱ آلودگی
او سردسازی
او سردکن
ان *Oil pollution of refrigerant*

آلودگی‌زدایی

اع۱ تمیزکاری
او اندود محافظ
او پاکسازی
او خالص‌سازی
او سترون‌سازی(تمیزکاری)
ان *Decontamination*

آلودگی گرمایی

اع۱ آلودگی
او آلودگی آب
او آلودگی دریایی
او آلودگی هوا
او زیست‌شناسی دریایی
او گرمای بازمانده
ان *Thermal pollution*

آلودگی نوفه

اع۱ آلودگی
او کاهش نوفه
او مهندسی فاکتورهای انسانی
او موج صوتی
او نوفه صوتی
ان *Noise pollution*

آلودگی هوا

اع۱ آلودگی
اع۱ آلودگی هوای محیط کار
او اثر گلخانه‌ای
او اکسید نیتروژن
او آلودگی گرمایی
او اوزون
او باران اسیدی
او پسمانده صنعتی
او ترکیب جوی
او ترکیبات آلی فرار
او تغییر آب‌وهوا
او جهش‌زا
او جو زمین
او خالص‌سازی هوا
او خروجی گازی
او خوردگی ناشی از آلودگی
او دود
او دودادن
او دوده
او غبار اتمی
او غبار معدن
او کربن دی‌اکسید
او کربن منواکسید
او کنترل آلودگی هوا
او کیفیت هوا
او گرد زغال
او مهندسی محیط
او هواپالا
او هوامیز
او هوامیز جوی
ان *Air pollution*

آلودگی هوای محیط کار

اع۱ آلودگی هوا
اع۲ آلودگی
او هواپالا
ان *Indoor air pollution*

آلودن(مواد اضافی)

اع۱ افزودنی
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
اخ۱ آلودن نیم‌رسانا
او کشت یونی
ان *Doping (additive)*

آلودن نیم‌رسانا

اع۱ آلودن(مواد اضافی)
اع۲ افزودنی
اع۳ مواد شیمیایی
او ابزار نیم‌رسانا
او کشت یونی
او مواد نیم‌رسانا
ان *Semiconductor doping*

آلوده‌شدن

او اتاق شستشو
او آلودگی
او جرم‌گرفتگی
او حادثه
او خطر
او غبار اتمی
او ناخالصی
ان *Contamination*

آلوده‌گر

ب‌ک ناخالصی

آلومین

اع۱ اکسید
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات آلومینیوم
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ آلومین فعال‌شده
اخ۱ آلومین متخلخل
اخ۱ کوروندوم
او آلومین هیدراته
او آلومینیوم
او پودر فلز
او ذخیره کوروندوم
او فراورده فلزی پودری
او کانی
ان *Alumina*

آلومیناتری هیدرات

ب‌ک آلومین هیدراته

آلومین فعال‌شده

اع۱ آلومین
اع۲ اکسید
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ ترکیبات آلومینیوم
اع۳ جسم مرکب فلزی
او جاذب سطحی
او کاتالیزور
ان *Activated alumina*

آلومین متخلخل

اع۱ آلومین
اع۲ اکسید
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ ترکیبات آلومینیوم
اع۳ جسم مرکب فلزی
او خشته
او کلوخه‌سازی
ان *Sintered alumina*

آلومین هیدراته

ب‌ج *آلومیناتری هیدرات*
اع۱ ترکیبات آلومینیوم
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او آلومین
ان *Hydrated alumina*

آلومینیوم

ب‌ج *بازیابی آلومینیوم*
اع۱ فلز سبک
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آبکاری آلومینیوم
او آلومین
او آلیاژ آلومینیوم
او بارگنج آلومینیومی
او پل آلومینیومی
او ترکیبات آلومینیوم
او تیر و شاه‌تیر آلومینیومی
او خوردگی آلومینیوم
او ذخیره بوکسیت
او روکش‌کاری آلومینیومی
او عمل‌آوری کان‌سنگ بوکسیت
او فرایند ریخته‌گری آلومینیم
او فلزنگاری آلومینیوم
او فولاد آلومینیم‌اندود

او قطعه ریختگی آلومینیومی
او لوله آلومینیومی
او متالورژی آلومینیوم
او معدن بوکسیت
او ورق آلومینیوم
او ورقه آلومینیومی
ان *Aluminum*

آلیاژ

اع۱ مواد
اخ۱ آلیاژ ایندیم
اخ۱ آلیاژ آلومینیوم
اخ۲ آلیاژ آلومینیم مس
اخ۱ آلیاژ اریخت
اخ۱ آلیاژ اورانیم
اخ۱ آلیاژ پلوتونیم
اخ۱ آلیاژ پلونیوم
اخ۱ آلیاژ توریم
اخ۱ آلیاژ خاک کمیاب
اخ۲ آلیاژ اربیم
اخ۲ آلیاژ اروپیم
اخ۲ آلیاژ ایتربیم
اخ۲ آلیاژ پرازئودیمیم
اخ۲ آلیاژ تربیم
اخ۲ آلیاژ تولیم
اخ۲ آلیاژ دیسپروزیم
اخ۲ آلیاژ ساماریم
اخ۲ آلیاژ سریم
اخ۲ آلیاژ گادولینیم
اخ۲ آلیاژ لانتان
اخ۲ آلیاژ لوتتیم
اخ۲ آلیاژ نئودیمیم
اخ۲ آلیاژ هولومیم
اخ۱ آلیاژ دندانسازی
اخ۱ آلیاژ دوتایی
اخ۱ آلیاژ ژرمانیم
اخ۱ آلیاژ سیلیسیم
اخ۱ آلیاژ فلز سنگین
اخ۲ آلیاژ آنتیموان
اخ۲ آلیاژ بیسموت
اخ۲ آلیاژ تالیم
اخ۲ آلیاژ سرب
اخ۲ آلیاژ قلع
اخ۳ برنز
اخ۳ پیوتر
اخ۲ آلیاژ کادمیم
اخ۲ ملغمه جیوه
اخ۳ ملغمه دندانی
اخ۱ آلیاژ فلز قلیایی
اخ۲ آلیاژ پتاسیم
اخ۲ آلیاژ روبیدیم
اخ۲ آلیاژ سدیم
اخ۲ آلیاژ سزیم
اخ۲ آلیاژ لیتیم
اخ۱ آلیاژ فلز قلیایی خاکی
اخ۲ آلیاژ استرون‌سازیسم
اخ۲ آلیاژ باریم
اخ۲ آلیاژ بریلیم
اخ۲ آلیاژ کلسیم
اخ۲ آلیاژ منیزیم
اخ۱ آلیاژ فلز واسطه
اخ۲ آلیاژ آهن
اخ۳ آهن اسفنجی
اخ۳ آهن ورزیده
اخ۳ چدن
اخ۳ چدن ریخته‌گری
اخ۳ فولاد
اخ۲ آلیاژ اسکاندیم
اخ۲ آلیاژ ایتریم
اخ۲ آلیاژ تیتانیم
اخ۲ آلیاژ روی
اخ۳ برنج
اخ۳ ورشو
اخ۲ آلیاژ زیرکونیم
اخ۲ آلیاژ فلز گرانبها
اخ۳ آلیاژ طلا
اخ۳ آلیاژ فلز گروه پلاتین
اخ۳ آلیاژ نقره
اخ۲ آلیاژ کادمیم
اخ۲ آلیاژ کبالت
اخ۳ استلیت
اخ۲ آلیاژ مس
اخ۳ آلیاژ آلومینیم مس
اخ۳ برنج
اخ۳ برنز
اخ۳ پیوتر
اخ۳ فلز مونل
اخ۳ ورشو
اخ۲ آلیاژ منگنز
اخ۲ آلیاژ نسوز
اخ۳ آلیاژ تانتال
اخ۳ آلیاژ تنگستن

اخ۳ آلیاژ رنیم
اخ۳ آلیاژ کروم
اخ۳ آلیاژ مولیبدن
اخ۳ آلیاژ نیوبیم
اخ۳ آلیاژ وانادیم
اخ۲ آلیاژ نیکل
اخ۳ فلز مونل
اخ۳ ورشو
اخ۲ آلیاژ هافنیم
اخ۲ ملغمه جیوه
اخ۳ ملغمه دندانی
اخ۱ آلیاژ گالیم
اخ۱ آلیاژ مقاوم در برابر خوردگی
اخ۱ ابرآلیاژ
اخ۲ استلیت
اخ۱ بین‌فلزی
اخ۲ بین‌فلزی نیم‌رسانا
اخ۱ فروآلیاژ
او آبکاری
او آشکارساز فلز
او آلیاژسازی
او آنالیز فلز
او پالایش فلز
او پرداخت فلز
او تراوش(حالت جامد)
او جسم مرکب فلزی
او جوشکاری
او خوردگی
او روزن‌رانی فلز
او روکش فلز
او شبه فلز
او شکل‌دهی فلز
او شیشه فلزی
او عنصر آلیاژی
او فلز
او فلزنگاری
او قابلیت ماشین‌کاری
او محلول جامد
او مواد مختلط
ان *Alloy*

آلیاژ ایندیم

اع۱ آلیاژ
اع۲ مواد
او ایندیم
او ترکیبات ایندیم
ان *Indium alloy*

آلیاژ آلومینیم مس

ب‌ج *دورآلومین*
اع۱ آلیاژ آلومینیوم
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
اع۱ آلیاژ مس
اع۲ آلیاژ فلز واسطه
اع۳ آلیاژ
ان *Aluminum copper alloy*

آلیاژ آلومینیوم

اع۱ آلیاژ
اع۲ مواد
اخ۱ آلیاژ آلومینیم مس
او آلومینیوم
او ترکیبات آلومینیوم
او قطعه ریختگی آلومینیومی
ان *Aluminum alloy*

آلیاژ آنتیموان

اع۱ آلیاژ فلز سنگین
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
او آنتیموان
او پیوتر
او ترکیبات آنتیموان
ان *Antimony alloy*

آلیاژ آهن

اع۱ آلیاژ فلز واسطه
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
اخ۱ آهن اسفنجی
اخ۱ آهن ورزیده
اخ۱ چدن
اخ۱ چدن ریخته‌گری
اخ۲ چدن چکشخور
اخ۲ قطعه ریختگی آهن چکش‌خور
اخ۱ فولاد
اخ۲ فولاد آلومینیم‌اندود
اخ۲ فولاد ابزار
اخ۲ فولاد روکش‌مسی
اخ۲ فولاد زنگ‌نزن

اخ۲ فولاد سیلیسیمی
اخ۲ فولاد کربنی
اخ۲ فولاد مارتنزیتی کهنه‌شونده
او ترکیبات آهن
او فروآلیاژ
ان *Iron alloy*

آلیاژ اربیم

اع۱ آلیاژ خاک کمیاب
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
او اربیم
او ترکیبات اربیم
ان *Erbium alloy*

آلیاژ اروپیم

اع۱ آلیاژ خاک کمیاب
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
او اروپیم
او ترکیبات اروپیم
ان *Europium alloy*

آلیاژ اریخت

اع۱ آلیاژ
اع۲ مواد
اع۱ مواد اریخت
اع۲ مواد
ان *Amorphous alloy*

آلیاژ استرون‌سازیسم

اع۱ آلیاژ فلز قلیایی خاکی
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
اع۱ مواد پرتوزا
اع۲ مواد
او استرونسیم
او ترکیبات استرونسیم
ان *Strontium alloy*

آلیاژ اسکاندیم

اع۱ آلیاژ فلز واسطه
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
او اسکاندیم
او ترکیبات اسکاندیم
ان *Scandium alloy*

آلیاژ اسمیم

اع۱ آلیاژ فلز گروه پلاتین
اع۲ آلیاژ فلز گرانبها
اع۳ آلیاژ فلز واسطه
او اسمیم
او ترکیبات اسمیم
ان *Osmium alloy*

آلیاژ اورانیم

اع۱ آلیاژ
اع۲ مواد
اع۱ مواد پرتوزا
اع۲ مواد
او اورانیم
او ترکیبات اورانیم
ان *Uranium alloy*

آلیاژ ایتربیم

اع۱ آلیاژ خاک کمیاب
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
او ایتربیم
او ترکیبات ایتربیم
ان *Ytterbium alloy*

آلیاژ ایتریم

اع۱ آلیاژ فلز واسطه
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
او ایتریم
او ترکیبات ایتریم
ان *Yttrium alloy*

آلیاژ ایریدیم

اع۱ آلیاژ فلز گروه پلاتین
اع۲ آلیاژ فلز گرانبها
اع۳ آلیاژ فلز واسطه
او ایریدیم
او ترکیبات ایریدیم
ان *Iridium alloy*

آلیاژ باریم
اع۱ آلیاژ فلز قلیایی خاکی
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
او باریم
او ترکیبات باریم
ان *Barium alloy*

آلیاژ بریلیم
اع۱ آلیاژ فلز قلیایی خاکی
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
او بریلیم
او ترکیبات بریلیم
او تعدیل‌کننده
ان *Beryllium alloy*

آلیاژ بیسموت
اع۱ آلیاژ فلز سنگین
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
او بیسموت
او ترکیبات بیسموت
ان *Bismuth alloy*

آلیاژ پالادیم
اع۱ آلیاژ فلز گروه پلاتین
اع۲ آلیاژ فلز گرانبها
اع۳ آلیاژ فلز واسطه
او پالادیم
او ترکیبات پالادیم
ان *Palladium alloy*

آلیاژ پتاسیم
اع۱ آلیاژ فلز قلیایی
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
او پتاسیم
او ترکیبات پتاسیم
ان *Potassium alloy*

آلیاژ پرازئودیمیم
اع۱ آلیاژ خاک کمیاب
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
او پرازئودیمیم
او ترکیبات پرازئودیمیم
ان *Praseodymium alloy*

آلیاژ پلاتین
اع۱ آلیاژ فلز گروه پلاتین
اع۲ آلیاژ فلز گرانبها
اع۳ آلیاژ فلز واسطه
او پلاتین
او ترکیبات پلاتین
ان *Platinum alloy*

آلیاژ پلوتونیم
اع۱ آلیاژ
اع۲ مواد
او پلوتونیم
او ترکیبات پلوتونیم
ان *Plutonium alloy*

آلیاژ پلونیوم
اع۱ آلیاژ
اع۲ مواد
او پولونیم
او ترکیبات پولونیم
ان *Polonium alloy*

آلیاژ تالیم
اع۱ آلیاژ فلز سنگین
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
او تالیم
او ترکیبات تالیم
ان *Thallium alloy*

آلیاژ تانتال
اع۱ آلیاژ نسوز
اع۲ آلیاژ فلز واسطه
اع۳ آلیاژ
اع۲ مواد نسوز
اع۳ مواد
او تانتال
او ترکیبات تانتال
ان *Tantalum alloy*

آلیاژ تربیم

اع۱	آلیاژ خاک کمیاب
اع۲	آلیاژ
اع۳	مواد
او	تربیم
او	ترکیبات تربیم
ان	*Terbium alloy*

آلیاژ تنگستن

اع۱	آلیاژ نسوز
اع۲	آلیاژ فلز واسطه
اع۳	آلیاژ
اع۳	مواد نسوز
اع۳	مواد
اخ۱	استلیت
او	ترکیبات تنگستن
او	تنگستن
ان	*Tungsten alloy*

آلیاژ توریم

اع۱	آلیاژ
اع۲	مواد
اع۱	مواد پرتوزا
اع۲	مواد
او	ترکیبات توریم
او	توریم
ان	*Thorium alloy*

آلیاژ تولیم

اع۱	آلیاژ خاک کمیاب
اع۲	آلیاژ
اع۳	مواد
او	ترکیبات تولیم
او	تولیم
ان	*Thulium alloy*

آلیاژ تیتانیم

اع۱	آلیاژ فلز واسطه
اع۲	آلیاژ
اع۳	مواد
او	ترکیبات تیتانیم
او	تیتانیم
ان	*Titanium alloy*

آلیاژ خاک کمیاب

اع۱	آلیاژ
اع۲	مواد
اخ۱	آلیاژ اربیم
اخ۱	آلیاژ اروپیم
اخ۱	آلیاژ ایتربیم
اخ۱	آلیاژ پرازئودیمیم
اخ۱	آلیاژ تربیم
اخ۱	آلیاژ تولیم
اخ۱	آلیاژ دیسپروزیم
اخ۱	آلیاژ ساماریم
اخ۱	آلیاژ سریم
اخ۱	آلیاژ گادولینیم
اخ۱	آلیاژ لانتان
اخ۱	آلیاژ لوتتیم
اخ۱	آلیاژ نئودیمیم
اخ۱	آلیاژ هولومیم
او	اضافات خاک کمیاب
او	ترکیبات خاک کمیاب
او	عنصر خاکی کمیاب
ان	*Rare earth alloy*

آلیاژ دندانسازی

اع۱	آلیاژ
اع۲	مواد
اع۱	مواد دندانپزشکی
اع۲	مواد زیستی
اع۳	مواد
ان	*Dental alloy*

آلیاژ دوتایی

اع۱	آلیاژ
اع۲	مواد
او	اوتکتیک
او	سیستم(متالورژیکی)
او	محلول جامد
او	نمودار فازی
ان	*Binary alloy*

آلیاژ دیسپروزیم

اع۱	آلیاژ خاک کمیاب
اع۲	آلیاژ
اع۳	مواد
او	ترکیبات دیسپروسیم
او	دیسپروزیم

ان *Dysprosium alloy*

آلیاژ رنیم

اع۱ آلیاژ نسوز
اع۲ آلیاژ فلز واسطه
اع۳ آلیاژ
اع۲ مواد نسوز
اع۳ مواد
او ترکیبات رنیم
او رنیم
ان *Rhenium alloy*

آلیاژ روبیدیم

اع۱ آلیاژ فلز قلیایی
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
او ترکیبات روبیدیم
او روبیدیم
ان *Rubidium alloy*

آلیاژ روتنیم

اع۱ آلیاژ فلز گروه پلاتین
اع۲ آلیاژ فلز گرانبها
اع۳ آلیاژ فلز واسطه
او ترکیبات روتنیم
او روتنیم
ان *Ruthenium alloy*

آلیاژ رودیم

اع۱ آلیاژ فلز گروه پلاتین
اع۲ آلیاژ فلز گرانبها
اع۳ آلیاژ فلز واسطه
او ترکیبات رودیم
او رودیم
ان *Rhodium alloy*

آلیاژ روی

اع۱ آلیاژ فلز واسطه
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
اخ۱ برنج
اخ۱ ورشو
او آلیاژ لحیم‌کاری
او ترکیبات روی
او روی
ان *Zinc alloy*

آلیاژ زیرکونیم

اع۱ آلیاژ فلز واسطه
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
او ترکیبات زیرکونیم
او زیرکونیم
ان *Zirconium alloy*

آلیاژ ژرمانیم

اع۱ آلیاژ
اع۲ مواد
او ترکیبات ژرمانیم
او ژرمانیم
ان *Germanium alloy*

آلیاژسازی

اخ۱ آلیاژسازی گاز
اخ۱ آلیاژسازی مکانیکی
او اضافات خاک کمیاب
او آلیاژ
او عنصر آلیاژی
او فروآلیاژ
او متالورژی
او محلول جامد
ان *Alloying*

آلیاژسازی گاز

اع۱ آلیاژسازی
او نهشت با بخار
ان *Gas alloying*

آلیاژسازی مکانیکی

ب‌ج *فرزکاری انرژی بالا*
اع۱ آلیاژسازی
اع۱ آمیختگی
اع۲ عملیات شیمیایی
او آسیاب‌کردن گلوله‌ای
او پیرسختی
او متالورژی پودر
او مواد مختلط
ان *Mechanical alloying*

آلیاژ ساماریم

اع۱	آلیاژ خاک کمیاب
اع۲	آلیاژ
اع۳	مواد
او	ترکیبات ساماریم
او	ساماریم
ان	*Samarium alloy*

آلیاژ سدیم

اع۱	آلیاژ فلز قلیایی
اع۲	آلیاژ
اع۳	مواد
او	ترکیبات سدیم
او	سدیم
ان	*Sodium alloy*

آلیاژ سرب

اع۱	آلیاژ فلز سنگین
اع۲	آلیاژ
اع۳	مواد
او	آلیاژ لحیم‌کاری
او	ترکیبات سرب
او	خیساندن
او	سرب
ان	*Lead alloy*

آلیاژ سریم

اع۱	آلیاژ خاک کمیاب
اع۲	آلیاژ
اع۳	مواد
او	ترکیبات سریم
او	سریم
ان	*Cerium alloy*

آلیاژ سزیم

اع۱	آلیاژ فلز قلیایی
اع۲	آلیاژ
اع۳	مواد
او	سزیم
ان	*Cesium alloy*

آلیاژ سیلیسیم

اع۱	آلیاژ
اع۲	مواد
او	ترکیبات سیلیسیم
او	سیلیسیم
ان	*Silicon alloy*

آلیاژ طلا

اع۱	آلیاژ فلز گرانبها
اع۲	آلیاژ فلز واسطه
اع۳	آلیاژ
او	ترکیبات طلا
او	طلا
ان	*Gold alloy*

آلیاژ فلز سنگین

اع۱	آلیاژ
اع۲	مواد
اخ۱	آلیاژ آنتیموان
اخ۱	آلیاژ بیسموت
اخ۱	آلیاژ تالیم
اخ۱	آلیاژ سرب
اخ۱	آلیاژ قلع
اخ۲	برنز
اخ۲	پیوتر
اخ۱	آلیاژ کادمیم
اخ۱	ملغمه جیوه
اخ۲	ملغمه دندانی
او	ترکیبات فلز سنگین
او	فلز سنگین
ان	*Heavy metal alloy*

آلیاژ فلز قلیایی

اع۱	آلیاژ
اع۲	مواد
اخ۱	آلیاژ پتاسیم
اخ۱	آلیاژ روبیدیم
اخ۱	آلیاژ سدیم
اخ۱	آلیاژ سزیم
اخ۱	آلیاژ لیتیم
او	ترکیبات فلز قلیایی
او	فلز قلیایی
ان	*Alkali metal alloy*

آلیاژ فلز قلیایی خاکی

اع۱	آلیاژ
اع۲	مواد
اخ۱	آلیاژ استرون‌سازیسم

اخ۱ آلیاژ باریم
اخ۱ آلیاژ بریلیم
اخ۱ آلیاژ کلسیم
اخ۱ آلیاژ منیزیم
او ترکیبات فلز قلیایی خاکی
او فلز قلیایی خاکی
ان *Alkaline earth metal alloy*

آلیاژ فلز گرانبها

اع۱ آلیاژ فلز واسطه
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
اخ۱ آلیاژ طلا
اخ۱ آلیاژ فلز گروه پلاتین
اخ۲ آلیاژ اسمیم
اخ۲ آلیاژ ایریدیم
اخ۲ آلیاژ پالادیم
اخ۲ آلیاژ پلاتین
اخ۲ آلیاژ روتنیم
اخ۲ آلیاژ رودیم
اخ۱ آلیاژ نقره
او ترکیبات فلز گرانبها
او فلز گرانبها
ان *Precious metal alloy*

آلیاژ فلز گروه پلاتین

اع۱ آلیاژ فلز گرانبها
اع۲ آلیاژ فلز واسطه
اع۳ آلیاژ
اخ۱ آلیاژ اسمیم
اخ۱ آلیاژ ایریدیم
اخ۱ آلیاژ پالادیم
اخ۱ آلیاژ پلاتین
اخ۱ آلیاژ روتنیم
اخ۱ آلیاژ رودیم
او ترکیبات فلز گروه پلاتین
او فلز گروه پلاتین
ان *Platinum metal alloy*

آلیاژ فلز واسطه

اع۱ آلیاژ
اع۲ مواد
اخ۱ آلیاژ آهن
اخ۲ آهن اسفنجی
اخ۲ آهن ورزیده
اخ۲ چدن
اخ۲ چدن ریخته‌گری
اخ۳ چدن چکشخور
اخ۳ قطعه ریختگی آهن چکش‌خور
اخ۲ فولاد
اخ۳ فولاد آلومینیم‌اندود
اخ۳ فولاد ابزار
اخ۳ فولاد روکش‌مسی
اخ۳ فولاد زنگ‌نزن
اخ۳ فولاد سیلیسیمی
اخ۳ فولاد کربنی
اخ۳ فولاد مارتنزیتی کهنه‌شونده
اخ۱ آلیاژ اسکاندیم
اخ۱ آلیاژ ایتریم
اخ۱ آلیاژ تیتانیم
اخ۱ آلیاژ روی
اخ۲ برنج
اخ۲ ورشو
اخ۱ آلیاژ زیرکونیم
اخ۱ آلیاژ فلز گرانبها
اخ۲ آلیاژ طلا
اخ۲ آلیاژ فلز گروه پلاتین
اخ۳ آلیاژ اسمیم
اخ۳ آلیاژ ایریدیم
اخ۳ آلیاژ پالادیم
اخ۳ آلیاژ پلاتین
اخ۳ آلیاژ روتنیم
اخ۳ آلیاژ رودیم
اخ۲ آلیاژ نقره
اخ۱ آلیاژ کادمیم
اخ۱ آلیاژ کبالت
اخ۲ استلیت
اخ۱ آلیاژ مس
اخ۲ آلیاژ آلومینیم مس
اخ۲ برنج
اخ۲ برنز
اخ۲ پیوتر
اخ۲ فلز مونل
اخ۲ ورشو
اخ۱ آلیاژ منگنز
اخ۱ آلیاژ نسوز
اخ۲ آلیاژ تانتال
اخ۲ آلیاژ تنگستن
اخ۳ استلیت
اخ۲ آلیاژ رنیم
اخ۲ آلیاژ کروم

اخ۳	استلیت
اخ۲	آلیاژ مولیبدن
اخ۲	آلیاژ نیوبیم
اخ۲	آلیاژ وانادیم
اخ۱	آلیاژ نیکل
اخ۲	فلز مونل
اخ۲	ورشو
اخ۱	آلیاژ هافنیم
اخ۱	ملغمه جیوه
اخ۲	ملغمه دندانی
ان	*Transition metal alloy*

آلیاژ قلع

اع۱	آلیاژ فلز سنگین
اع۲	آلیاژ
اع۳	مواد
اخ۱	برنز
اخ۱	پیوتر
او	آلیاژ لحیم‌کاری
او	ترکیبات قلع
او	قلع
ان	*Tin alloy*

آلیاژ کادمیم

اع۱	آلیاژ فلز سنگین
اع۲	آلیاژ
اع۳	مواد
اع۱	آلیاژ فلز واسطه
اع۲	آلیاژ
اع۳	مواد
او	ترکیبات کادمیم
او	کادمیم
ان	*Cadmium alloy*

آلیاژ کبالت

اع۱	آلیاژ فلز واسطه
اع۲	آلیاژ
اع۳	مواد
اخ۱	استلیت
او	ترکیبات کبالت
او	کبالت
ان	*Cobalt alloy*

آلیاژ کروم

اع۱	آلیاژ نسوز
اع۲	آلیاژ فلز واسطه
اع۳	آلیاژ
اع۲	مواد نسوز
اع۳	مواد
اخ۱	استلیت
او	ترکیبات کروم
او	فولاد زنگ‌نزن
او	کروم
ان	*Chromium alloy*

آلیاژ کلسیم

اع۱	آلیاژ فلز قلیایی خاکی
اع۲	آلیاژ
اع۳	مواد
او	ترکیبات کلسیم
او	کلسیم
ان	*Calcium alloy*

آلیاژ گادولینیم

اع۱	آلیاژ خاک کمیاب
اع۲	آلیاژ
اع۳	مواد
او	ترکیبات گادولینیم
او	گادولینیم
ان	*Gadolinium alloy*

آلیاژ گالیم

اع۱	آلیاژ
اع۲	مواد
او	ترکیبات گالیم
او	گالیم
ان	*Gallium alloy*

آلیاژ لانتان

اع۱	آلیاژ خاک کمیاب
اع۲	آلیاژ
اع۳	مواد
او	ترکیبات لانتان
او	لانتان
ان	*Lanthanum alloy*

آلیاژ لحیم‌کاری

ب‌ج	*لحیم*
اع۱	فلز پرکننده

اع۲ مواد
او آلیاژ روی
او آلیاژ سرب
او آلیاژ قلع
او آلیاژ مس
او لحیم‌کاری
ان *Soldering alloy*

آلیاژ لوتتیم

اع۱ آلیاژ خاک کمیاب
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
او لوتتیم
ان *Lutetium alloy*

آلیاژ لیتیم

اع۱ آلیاژ فلز قلیایی
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
او ترکیبات لیتیم
او لیتیم
ان *Lithium alloy*

آلیاژ مس

اع۱ آلیاژ فلز واسطه
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
اخ۱ آلیاژ آلومینیم مس
اخ۱ برنج
اخ۱ برنز
اخ۱ پیوتر
اخ۱ فلز مونل
اخ۱ ورشو
او آلیاژ لحیم‌کاری
او ترکیبات مس
او مس
ان *Copper alloy*

آلیاژ مقاوم حرارتی

ب‌ک ابرآلیاژ

آلیاژ مقاوم در برابر خوردگی

اع۱ آلیاژ
اع۲ مواد
او خوردگی
او فلز
او مقاومت در برابر اکسایش
او مقاومت در برابر خوردگی
او مواد مقاوم شیمیایی
ان *Corrosion resistant alloy*

آلیاژ منگنز

اع۱ آلیاژ فلز واسطه
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
او ترکیبات منگنز
او منگنز
ان *Manganese alloy*

آلیاژ منیزیم

اع۱ آلیاژ فلز قلیایی خاکی
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
اع۱ منیزیم
اع۲ فلز قلیایی خاکی
اع۳ فلز غیرآهنی
او ترکیبات منیزیم
او منیزیم
ان *Magnesium alloy*

آلیاژ مولیبدن

اع۱ آلیاژ نسوز
اع۲ آلیاژ فلز واسطه
اع۳ آلیاژ
اع۲ مواد نسوز
اع۳ مواد
او ترکیبات مولیبدن
او فولاد زنگ‌نزن
او مولیبدن
ان *Molybdenum alloy*

آلیاژ نسوز

اع۱ آلیاژ فلز واسطه
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
اع۱ مواد نسوز
اع۲ مواد
اخ۱ آلیاژ تانتال
اخ۱ آلیاژ تنگستن

اخ۲ استلیت
اخ۱ آلیاژ رنیم
اخ۱ آلیاژ کروم
اخ۲ استلیت
اخ۱ آلیاژ مولیبدن
اخ۱ آلیاژ نیوبیم
اخ۱ آلیاژ وانادیم
او ترکیبات فلزی دیرگداز
او فلز دیرگداز
ان *Refractory alloy*

آلیاژ نقره

اع۱ آلیاژ فلز گرانبها
اع۲ آلیاژ فلز واسطه
اع۳ آلیاژ
او ترکیبات نقره
او نقره
ان *Silver alloy*

آلیاژ نیکل

اع۱ آلیاژ فلز واسطه
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
اخ۱ فلز مونل
اخ۱ ورشو
او ترکیبات نیکل
او فولاد زنگ‌نزن
او نیکل
ان *Nickel alloy*

آلیاژ نیوبیم

اع۱ آلیاژ نسوز
اع۲ آلیاژ فلز واسطه
اع۳ آلیاژ
اع۲ مواد نسوز
اع۳ مواد
او ترکیبات نیوبیم
او نیوبیم
ان *Niobium alloy*

آلیاژ نئودیمیم

اع۱ آلیاژ خاک کمیاب
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
او ترکیبات نئودیم
او نئودیمیم
ان *Neodymium alloy*

آلیاژ وانادیم

اع۱ آلیاژ نسوز
اع۲ آلیاژ فلز واسطه
اع۳ آلیاژ
اع۲ مواد نسوز
اع۳ مواد
او ترکیبات وانادیم
او وانادیم
ان *Vanadium alloy*

آلیاژ هافنیم

اع۱ آلیاژ فلز واسطه
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
او ترکیبات هافنیم
او هافنیم
ان *Hafnium alloy*

آلیاژ هولومیم

اع۱ آلیاژ خاک کمیاب
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
او ترکیبات هولمیم
او هولمیم
ان *Holmium alloy*

آماده‌سازی زغال‌سنگ

بج *تمیزکاری زغال*
بج *شستشوی زغال‌سنگ*
اخ۱ شکست زغال‌سنگ
او پودرکننده زغال‌سنگ
او تمیزکاری
او جداسازی نیمه‌سنگین
او زغال‌سنگ
او سنگ‌شکن
او صنعت زغال‌سنگ
او مخلوط سازی
ان *Coal preparation*

آماده‌سازی نمونه

او آزمون میکروسکپی

او شکست‌نگاری
او فلزنگاری
او میکروسکوپی الکترونی
او میکروسکوپی روبشگری الکترون
ان *Specimen preparation*

آمار
اخ۱ آمار جامعه
اخ۱ آمار خطا
او احتمال
او آزمون آماری
او خطای اندازه‌گیری
او روش آماری
او کنترل کیفیت
ان *Statistics*

آمار جامعه
اع۱ آمار
او برنامه‌ریزی منطقه‌ای
او جنبه اجتماعی
ان *Population statistics*

آمار خطا
اع۱ آمار
او خطا
ان *Error statistics*

آمار ریاضی
ب‌ک روش آماری

آماس
ب‌ج *تورم*
او انبساط
او انبساط گرمایی
او پایداری ابعادی
او رشد(مواد)
او هوازدگی
ان *Swelling*

آمبولانس
اع۱ وسیله نقلیه اورژانسی
اع۲ وسیله نقلیه
او مراقبت بهداشتی
او واگن آمبولانس
ان *Ambulance*

آمپرسنج
اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او اندازه‌گیری جریان الکتریکی
او اهم‌سنج
او ولت‌سنج
ان *Ammeter*

آمپلی‌دین
ب‌ک تقویت‌کننده مغناطیسی چرخان

آمریکیم
اع۱ عنصر فراورانیوم
اع۲ آکتینید
اع۳ عنصر پرتوزا
اع۳ فلز غیرآهنی
ان *Americium*

آموزش
اخ۱ آموزش پزشکی
اخ۱ آموزش کارکنان
اخ۲ آموزش رانندگی
اخ۱ آموزش مهندسی
اخ۱ بسط آموزش به کمک رایانه
اخ۱ تدریس
او اشاعه اطلاعات
او فیلم آموزشی
او کاربرد رایانه در آموزش
او نمایش فنی
او واکنشگاه هسته‌ای آموزشی
ان *Education*

آموزش پزشکی
اع۱ آموزش
او پزشکی
ان *Medical education*

آموزش رانندگی
اع۱ آموزش کارکنان

اع۲ آموزش
او راننده اتوبوس
او راننده خودرو
او راننده کامیون
او راه‌آهن
او راه‌آهن برقی
او لکوموتیو
ان *Driver training*

آموزش کارکنان

اع۱ آموزش
اخ۱ آموزش رانندگی
او آزمون استخدامی کارکنان
او آموزش مهندسی
او بعد حرفه‌ای
او شبیه‌ساز خودرو
او کارکنان
او کارورز
او هواگرد آموزشی
او واحد صنعتی
ان *Personnel training*

آموزش مهندسی

اع۱ آموزش
او آموزش کارکنان
او مهندسی
ان *Engineering education*

آمونیاک

اع۱ ترکیبات نیتروژن
اع۲ ترکیبات شیمیایی
او ترکیبات آمونیم
او سردکن
ان *Ammonia*

آمیختگی

اع۱ عملیات شیمیایی
اخ۱ آلیاژسازی مکانیکی
اخ۱ بتن‌سازی
اخ۱ مخلوط سازی
او امولسیون‌سازی
او آمیزه
او انحلال‌پذیری
او پخشیدگی
او تلاطم
او شارش گردابی
او هم‌زن(ماشین‌آلات)
ان *Mixing*

آمیزه

ب‌ج *مخلوط*
اع۱ مواد
اخ۱ آزئوتروپ
اخ۱ آمیزه آبی زغال‌سنگ
اخ۱ آمیزه دوتایی
اخ۱ آمیزه روغنی زغال‌سنگ
اخ۱ محلول
اخ۲ محلول آبکاری برقی
اخ۲ محلول ضدیخ
او آمیختگی
او پاشیدگی
ان *Mixture*

آمیزه آبی زغال‌سنگ

اع۱ آمیزه
اع۲ مواد
او زغال‌سنگ
او لجن زغالی
ان *Coal water mixture*

آمیزه دوتایی

اع۱ آمیزه
اع۲ مواد
ان *Binary mixture*

آمیزه روغنی زغال‌سنگ

اع۱ آمیزه
اع۲ مواد
اع۱ سوخت
اع۲ مواد
او روغن سوختی
او زغال‌سنگ
او لجن زغالی
ان *Coal oil mixture*

آمیزه‌کاری(شیمیایی)

اع۱ عملیات شیمیایی
اخ۱ آمیزه‌کاری لاستیک
او پلاستیک

ان *Compounding (chemical)*

آمیزه‌کاری لاستیک

اع۱ آمیزه‌کاری(شیمیایی)
اع۲ عملیات شیمیایی
او لاستیک
ان *Rubber compounding*

آمین

اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات نیتروژن
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ کیتین
اخ۱ نیتروزامین
او آمین‌دارکردگی
ان *Amine*

آمین‌دارکردگی

اع۱ واکنش شیمیایی
او آمین
ان *Amination*

آمینواسید

اع۱ اسید آلی
اع۲ اسید
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ مواد زیست‌شناختی
اع۲ مواد
او پروتئین
او پلی‌پپتید
ان *Amino acid*

آنالیز آهن

اع۱ آنالیز فلز
اع۲ تجزیه شیمیایی
اع۳ تجزیه و تحلیل
او آنالیز فولاد
او آهن
ان *Iron analysis*

آنالیز فلز

اع۱ تجزیه شیمیایی
اع۲ تجزیه و تحلیل
اخ۱ آنالیز آهن
اخ۱ آنالیز فولاد
او آلیاژ
او فلز
او فلزنگاری
او متالورژی
ان *Metal analysis*

آنالیز فولاد

اع۱ آنالیز فلز
اع۲ تجزیه شیمیایی
اع۳ تجزیه و تحلیل
او آنالیز آهن
او فولاد
ان *Steel analysis*

آنالیزور انرژی الکترونی

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او الکترون
ان *Electron energy analyzer*

آنتالپی

ب‌ج *گرمای کل*
اع۱ ویژگی ترمودینامیکی
او انرژی آزاد گیبس
او ترمودینامیک
ان *Enthalpy*

آنتراسیت

اع۱ زغال‌سنگ
اع۲ سوخت فسیلی
اع۳ سوخت
اع۳ منبع انرژی
ان *Anthracite*

آنتروپی

ب‌ک درگاشت

آنتن

ب‌ج *آنتن هوایی*
اع۱ تجهیزات مخابراتی

اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ آرایه آنتن
اخ۲ شبکه تنظیم فازی آنتن
اخ۱ آنتن استوانه‌ای
اخ۱ آنتن پخش رادیویی
اخ۱ آنتن تلویزیون
اخ۱ آنتن جهت‌دار
اخ۲ آنتن حلقوی
اخ۱ آنتن دوقطبی
اخ۱ آنتن رادار
اخ۱ آنتن روبشگر
اخ۱ آنتن ریزموج
اخ۱ آنتن ریزنوارکی
اخ۱ آنتن سهموی
اخ۱ آنتن سیار
اخ۱ آنتن شیاردار
اخ۱ آنتن شیپوری
اخ۱ آنتن گیرنده
اخ۱ آنتن مارپیچی
اخ۱ آنتن موج پیشرونده
او تابش آنتن
او تجهیزات تلویزیونی
او تجهیزات رادیویی
او تلسکوپ
او تلسکوپ رادیویی
او شکلواره جهتی(آنتن)
او فرستنده
او فرستنده رادیویی
او گیرنده سیگنال
او لوازم آنتن
او محرک الکتریکی
او موجبر
ان *Antenna*

آنتن هوایی
ب‌ک آنتن

آنتن استوانه‌ای
اع۱ آنتن
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
ان *Cylindrical antenna*

آنتن پخش رادیویی
اع۱ آنتن
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او پخش
ان *Broadcasting antenna*

آنتن تلویزیون
اع۱ آنتن
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ تجهیزات تلویزیونی
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او ایستگاه تلویزیونی
او فرستنده تلویزیونی
او گیرنده تلویزیونی
ان *Television antenna*

آنتن جهت‌دار
اع۱ آنتن
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اخ۱ آنتن حلقوی
ان *Directive antenna*

آنتن حلقوی
اع۱ آنتن جهت‌دار
اع۲ آنتن
اع۳ تجهیزات مخابراتی
ان *Loop antenna*

آنتن دوقطبی
اع۱ آنتن
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
ان *Dipole antenna*

آنتن رادار
اع۱ آنتن
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ تجهیزات رادار
اع۲ بردیاب
اع۳ سنج‌افزار

او ایستگاه رادار
او پوشش آنتن
او سطح مقطع رادارى
ان *Radar antenna*

آنتن روبشگر
اع۱ آنتن
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
ان *Scanning antenna*

آنتن ریزموج
اع۱ آنتن
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ ابزار ریزموج
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او آنتن ریزنوارکی
ان *Microwave antenna*

آنتن ریزنوارکی
اع۱ آنتن
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ ابزار ریزنوارکی
اع۲ ابزار دی‌الکتریک
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۲ ابزار فیلم‌نازک
اع۳ ابزار حالت جامد
او آنتن ریزموج
ان *Microstrip antenna*

آنتن سهموی
اع۱ آنتن
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
ان *Parabolic antenna*

آنتن سیار
اع۱ آنتن
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
ان *Mobile antenna*

آنتن شیاردار
اع۱ آنتن
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
ان *Slot antenna*

آنتن شیپوری
اع۱ آنتن
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
ان *Horn antenna*

آنتن گیرنده
اع۱ آنتن
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او گیرنده سیگنال
ان *Receiving antenna*

آنتن مارپیچی
اع۱ آنتن
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
ان *Helical antenna*

آنتن موج پیشرونده
اع۱ آنتن
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
ان *Traveling wave antenna*

آنتی‌ژن
ب‌ک پادگن

آنتی‌بادی
ب‌ک پادتن

آنتی بیوتیک
ب‌ک پادزی

آنتیموان
اع۱ فلز سنگین
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز

اخ۱ آنتیموان نیم‌رسانا
او آلیاژ آنتیموان
او ترکیبات آنتیموان
او ذخیره آنتیموان
او عمل‌آوری کان‌سنگ آنتیموان
او متالورژی آنتیموان
او معدن آنتیموان
ان *Antimony*

آنتیموان نیم‌رسانا
اع۱ آنتیموان
اع۲ فلز سنگین
اع۳ فلز غیرآهنی
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
ان *Semiconducting antimony*

آند
اع۱ الکترود
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او اجزای لامپ الکترونی
او اکسایش آندی
او حفاظت آندی
او قطبش آندی
ان *Anode*

آندکاری
ب‌ک اکسایش آندی

آندوسکوپی
ب‌ک درون‌بینی

آنزیم
اع۱ پروتئین
اع۲ زیست‌بسپار
اع۳ بسپار طبیعی
اع۳ مواد زیست‌شناختی
اع۱ کاتالیزور زیستی
اع۲ کاتالیزور
اع۳ عامل
اع۱ مواد زیست‌شناختی
اع۲ مواد
اخ۱ کوآنزیم
اخ۲ آدنوزین تری فسفات
او بی‌جنبش‌سازی آنزیم
او تخمیر
او جنبش‌شناسی آنزیمی
او حس‌گر آنزیم
او سوخت و ساز
او قندی‌شدگی
او مهار آنزیم
ان *Enzyme*

آنژیوگرافی
ب‌ک رگ‌نگاری

آواشناسی
ب‌ک تجزیه و تحلیل گفتار

آوانگار
ب‌چ *گرامافون*
اع۱ تجهیزات شنیداری
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او برگیر
او تقویت‌کننده بسامد شنیداری
او صفحه آوانگار
ان *Phonograph*

آونگ
اع۱ اجزا
او اندازه‌گیری زمان
او گرانش
او نوسان
او نوسانگر(مکانیکی)
ان *Pendulum*

آویز نورسان
اع۱ تجهیزات
او چشمه نور
او روشنایی
او لامپ الکتریکی
ان *Lighting fixture*

آهارزنی(عمل تکمیل)
اع۱ تکمیل
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن

او بست‌مایه
او پرکننده
او تکمیل نساجی
او فرایند نساجی
او کاغذسازی
ان *Sizing (finishing operation)*

آهک

ب‌چ *آهک زنده*
ب‌چ *کلسیم اکسید*
اع۱ ترکیبات کلسیم
اع۲ ترکیبات فلز قلیایی خاکی
اع۳ جسم مرکب فلزی
او آهک هیدراته
او تصفیه آب
او سنگ آهک
او سیمان سرباره‌ای
او مصالح راه‌سازی
ان *Lime*

آهک زنده
ب‌ک آهک

آهک مرده
ب‌ک آهک هیدراته

آهک هیدراته

ب‌چ *آهک مرده*
ب‌چ *کلسیم هیدروکسید*
اع۱ ترکیبات کلسیم
اع۲ ترکیبات فلز قلیایی خاکی
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ ترکیبات معدنی هیدروژنی
اع۲ ترکیبات معدنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او آهک
ان *Hydrated lime*

آهکی‌شدن(زیست‌شیمی)

اع۱ واکنش شیمیایی
او زیست‌شیمی
او کلسیم
ان *Calcification (biochemistry)*

آهن

اع۱ فلز واسطه
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او آبکاری آهن
او آنالیز آهن
او آهن‌زدایی(تصفیه آب)
او پژوهش آهن
او پودر آهن
او ترکیبات آهن
او تصفیه کان‌سنگ آهن
او چدن ریخته‌گری
او صنعت آهن و فولاد
او فلزکاری آهن
او فلزنگاری آهن
او فولاد
او قراضه آهن
او کارخانه ذوب آهن
او کارگاه ریخته‌گری آهن
او معدن آهن
ان *Iron*

آهن اسفنجی

اع۱ آلیاژ آهن
اع۲ آلیاژ فلز واسطه
اع۳ آلیاژ
اع۱ مواد متخلخل
اع۲ مواد
ان *Sponge iron*

آهنربا

اع۱ ابزار مغناطیسی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ آهنربای الکتریکی
اخ۲ آهنربای ابررسانشی
اخ۲ آهنربای بالابر
اخ۱ آهنربای دائمی
اخ۱ آهنربای شتاب‌دهنده
او مدار مغناطیسی
او مغناطش
او مغناطیس
او مواد فرومغناطیسی
او مواد مغناطیسی
او میدان مغناطیسی
او هسته مغناطیسی

ان *Magnet*

آهنربای ابررسانشی

اع۱ آهنربای الکتریکی
اع۲ آهنربا
اع۳ ابزار مغناطیسی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ ابزار ابررسانشی
اع۲ تجهیزات
ان *Superconducting magnet*

آهنربای الکتریکی

اع۱ آهنربا
اع۲ ابزار مغناطیسی
اع۳ تجهیزات
اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ آهنربای ابررسانشی
اخ۱ آهنربای بالابر
او الکترومغناطیس
او پیچه الکتریکی
او سیم‌لوله
او کارانداز
او هسته مغناطیسی
ان *Electromagnet*

آهنربای بالابر

اع۱ آهنربای الکتریکی
اع۲ آهنربا
اع۳ ابزار مغناطیسی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۲ تجهیزات
ان *Lifting magnet*

آهنربای دائمی

اع۱ آهنربا
اع۲ ابزار مغناطیسی
اع۳ تجهیزات
ان *Permanent magnet*

آهنربای شتاب‌دهنده

اع۱ آهنربا
اع۲ ابزار مغناطیسی
اع۳ تجهیزات
اع۱ شتاب‌دهنده ذره
اع۲ تجهیزات
ان *Accelerator magnet*

آهن‌زدایی(تصفیه آب)

اع۱ جداسازی شیمیایی(تصفیه آب)
اع۲ تصفیه آب
اع۲ جداسازی
اع۳ عملیات شیمیایی
اع۲ دورسازی
او آهن
ان *Iron removal (water treatment)*

آهنگری

ی‌د برای فرایند به کار برید، برای فراورده اصطلاح "پتکه" را به کار ببرید.
اع۱ شکل‌دهی فلز
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
اخ۱ افزایش مقطع(شکل‌دهی)
او آهنگری سرد
او پتکه
او غلتش
او قالب آهنگری
او گرم‌کاری
او ماشین پتک‌کاری افقی
او مهرزنی فلز
ان *Forging*

آهنگری سرد

اع۱ شکل‌دهی فلز
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
او آهنگری
او پرس‌کاری(شکل‌دهی)
او حلبی‌خم‌کن
او سردکاری
او گرم‌کاری
ان *Swaging*

آهنگ کرنش

او آزمایش ضربه

او آزمایش کششی
او کرنش
ان *Strain rate*

آهن ورزیده

اع۱ آلیاژ آهن
اع۲ آلیاژ فلز واسطه
اع۳ آلیاژ
او چدن
ان *Wrought iron*

آی.سی.یو
ب‌ک بخش مراقبت ویژه

آیرودینامیک

ب‌ج *جریان آیرودینامیکی*
ب‌ج *هواکشسانی*
اع۱ دینامیک گازها
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
اخ۱ آیرودینامیک زیرصوتی
اخ۱ آیرودینامیک فراصوتی
اخ۱ آیرودینامیک فروصوتی
اخ۱ آیرودینامیک هماصوتی
اخ۱ اثر زمین
اخ۱ برآر
اخ۱ دینامیک پرواز
اخ۱ لرزش(آیرودینامیک)
او انتقال گرما
او بار آیرودینامیکی
او بازگشت(فضانوردی)
او بال
او پسار
او تلاطم
او تلاطم جوی
او تونل باد
او جت
او جریان تراکم‌پذیر
او جریان زیرصوت
او جریان فروصوتی
او جریان گرانرو
او جریان متلاطم
او جریان ناپایا
او جریان هماصوتی
او شارش سیال
او گاز
او گرمایش آیرودینامیکی
او لایه مرزی
او لوله شوک
او موج شوکی
او هواشکن
او هواگرد
او هیدرودینامیک
ان *Aerodynamics*

آیرودینامیک زیرصوتی

اع۱ آیرودینامیک
اع۲ دینامیک گازها
اع۳ دینامیک سیالات
او آیرودینامیک فراصوتی
او آیرودینامیک هماصوتی
او هواپیمای زیرصوت
ان *Supersonic aerodynamics*

آیرودینامیک فراصوتی

اع۱ آیرودینامیک
اع۲ دینامیک گازها
اع۳ دینامیک سیالات
او آیرودینامیک زیرصوتی
او جریان فراصوتی
ان *Hypersonic aerodynamics*

آیرودینامیک فروصوتی

اع۱ آیرودینامیک
اع۲ دینامیک گازها
اع۳ دینامیک سیالات
او جریان فروصوتی
ان *Subsonic aerodynamics*

آیرودینامیک هماصوتی

اع۱ آیرودینامیک
اع۲ دینامیک گازها
اع۳ دینامیک سیالات
او آیرودینامیک زیرصوتی
او تونل باد
او جریان هماصوتی
ان *Transonic aerodynamics*

آیروسل

ب‌ک هوامیز

آینه

ب‌چ *بازتابگر نوری*
اع۱ ابزار نوری
اع۲ تجهیزات
او باریکه شکاف نوری
او بازتاب
او پرداخت
او تلسکوپ
او لوازم لیزر
او مواد نوری
او نورشناسی
ان *Mirror*

آیین‌نامه ساختمانی

اع۱ شناسه(استاندارد)
اع۲ استاندارد
او برنامه‌ریزی شهری
او رمز الکتریکی
او شناسه بالابر
او شناسه تهویه
او شناسه جوشکاری
او قانون و قانونگزاری
ان *Building code*

ابر

اع۱ جو زمین
او بارش(هواشناسی)
او بارورسازی ابر
او توفان
او توفان تندری
او رطوبت هوا
او هواشناسی
ان *Clouds*

ابرآلیاژ

ب‌چ *آلیاژ مقاوم حرارتی*
اع۱ آلیاژ
اع۲ مواد
اع۱ استلیت
او فلز دیرگداز
او مقاومت حرارتی
ان *Superalloy*

ابرباز تولید

او گیرنده رادیویی
او مدار آشکارساز
ان *Superregeneration*

ابررایانه

اع۱ رایانه رقمی
اع۲ رایانه
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او سیستم پردازش موازی
ان *Supercomputer*

ابررسانا

ب‌ک مواد ابررسانا

ابررسانای اکسیدی

اع۱ اکسید
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ مواد ابررسانا
اع۲ مواد
او ترکیبات استرونسیم
او ترکیبات ایتریم
او ترکیبات باریم
او ترکیبات بیسموت
او ترکیبات سرب
ان *Oxide superconductor*

ابررسانای دمای بالا

اع۱ مواد ابررسانا
اع۲ مواد
او دمای گذار ابررسانش
او عملکرد دمای بالا
او کاربرد دمای بالا
ان *High temperature superconductor*

ابررسانایی

اع۱ رسانایی الکتریکی
اع۲ ویژگی الکتریکی
اع۳ ویژگی فیزیکی
او ابزار ابررسانشی
او اثر میدان مغناطیسی
او جریان بحرانی
او دمای گذار ابررسانش
او رسانایی الکتریکی جامدات

او سرمایش‌شناسی
او مواد ابررسانا
او هلیم ابرسیال
ان *Superconductivity*

ابرسیری
اع۱ اشباع(ترکیب مواد)
او آبدهی
او تبلور
او ته‌نشینی(شیمیایی)
او عملیات حرارتی
او محلول
او محلول جامد
ان *Supersaturation*

ابرشبکه
اع۱ شبکه بلور
اع۲ ساختار بلور
اع۳ ساختار(ترکیب)
اخ۱ ابرشبکه فلزی
اخ۱ ابرشبکه نیم‌رسانا
او چندلایه‌ای
او ریزساختار بلور
او ساختار اتمی بلور
او محلول جامد
ان *Superlattice*

ابرشبکه فلزی
اع۱ ابرشبکه
اع۲ شبکه بلور
اع۳ ساختار بلور
او لایه فلزی
ان *Metallic superlattice*

ابرشبکه نیم‌رسانا
اع۱ ابرشبکه
اع۲ شبکه بلور
اع۳ ساختار بلور
او ترانزیستور با حرکت‌پذیری الکترون بالا
او ترانزیستور دوقطبی با پیوندگاه ناهمگون
او چاه کوانتمی نیم‌رسانا
ان *Semiconductor superlattice*

ابرگرم‌کن
ی‌د برای ابرگرمایش با بخار، برای ابرگرم‌کن موجی، اصطلاح "لوله شوک" را به کار برید.
اع۱ مولد بخار
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
اخ۱ لوله ابرگرم‌کن
او بخار(آب)
او دیگ بخار
او مبادله‌کن گرما
ان *Superheate*

ابرمومسانی
اع۱ مومسانی
اع۲ ویژگی مکانیکی
او تغییرشکل
ان *Superplasticity*

ابریشم
ی‌د شامل ابریشم خام، جوشانده شده، تابیده شده و ریسیده
اع۱ الیاف طبیعی
اع۲ الیاف
اع۳ مواد
ان *Silk*

ابریشم مصنوعی
اع۱ الیاف مصنوعی
اع۲ الیاف
اع۳ مواد
او منسوجات ابریشم مصنوعی
او نخ ابریشم مصنوعی
ان *Rayon*

ابزار
اع۱ تجهیزات
اخ۱ ابزار الکتریکی
اخ۱ ابزار بادی
اخ۱ ابزار به‌کاراندازی مواد منفجره
اخ۱ ابزار تراش
اخ۲ ابزار تراش الماسه
اخ۳ مته الماسی
اخ۲ ابزار تراش دندان
اخ۲ ابزار تراش کاربید
اخ۲ ابزار تراشکاری سرامیک
اخ۲ ابزار حفره‌کنی
اخ۳ چاله‌کن

اخ۲ اره
اخ۳ اره فلزکاری
اخ۲ برقو
اخ۲ جیگ
اخ۲ چرخ سنگ‌زنی
اخ۲ خان‌کش
اخ۲ دنده‌تراش
اخ۲ سوهان و چوب‌سای
اخ۳ سرمته
اخ۲ قالب پیچ‌تراشی
اخ۲ قلاویز
اخ۲ ماشین شکاف‌زنی
اخ۲ ماشین شیارزن
اخ۲ ماشین شیشه‌بری
اخ۲ مته
اخ۳ دریل هیدرولیکی
اخ۳ دستگاه حفاری چاه نفت
اخ۳ مته الکتریکی
اخ۳ مته الماسی
اخ۳ مته بادی
اخ۳ مته توربینی
اخ۳ مته سنگ‌شکن
اخ۳ مته معدن‌کاری
اخ۲ نگهدارنده بیتی
اخ۱ ابزار خم‌کاری
اخ۱ ابزار سرامیکی
اخ۲ ابزار تراشکاری سرامیک
اخ۱ ابزار کاربید
اخ۲ ابزار تراش کاربید
اخ۲ قالب کاربید
اخ۱ ابزار گیرش
اخ۱ ابزار نجاری
اخ۱ ابزار هیدرولیکی
اخ۱ برس
اخ۱ دست‌افزار
اخ۲ چکش
اخ۱ سه‌نظام
اخ۱ ماشین‌ابزار
اخ۲ ابزار فلزکاری
اخ۳ اره فلزکاری
اخ۳ تیغه فرز
اخ۳ صفحه‌تراش افقی فلزکاری
اخ۳ صفحه‌تراش دروازه‌ای فلزکاری
اخ۲ پرس منگنه
اخ۲ پیچ جلوبر
اخ۲ دستگاه تراش
اخ۳ دستگاه تراش برجک‌دار
اخ۲ صفحه‌تراش دروازه‌ای
اخ۳ صفحه‌تراش دروازه‌ای فلزکاری
اخ۲ قالب آهنگری
اخ۳ قالب انتقالی
اخ۳ قالب پیچ‌تراشی
اخ۳ قالب خمش
اخ۳ قالب روزن‌رانی
اخ۳ قالب سرامیک
اخ۳ قالب شکل‌دهی پلاستیک
اخ۳ قالب شکل‌دهی لاستیک
اخ۳ قالب کاربید
اخ۳ قالب کشش
اخ۲ ماشین پرچ‌کاری
اخ۲ ماشین‌آلات نجاری
اخ۲ ماشین‌ابزار فراصوتی
اخ۲ ماشین‌ابزار مخصوص
اخ۲ ماشین برش اکسیژنی
اخ۲ ماشین پرداخت
اخ۲ ماشین جلاکاری
اخ۲ ماشین جوشکاری
اخ۳ ماشین جوشکاری لیزری
اخ۳ ماشین جوش مقاومتی
اخ۲ ماشین چرخ‌دنده‌تراشی
اخ۲ ماشین حفاری(ابزار ماشینی)
اخ۲ ماشین حفره‌کنی(ابزار ماشینی)
اخ۲ ماشین خان‌کشی
اخ۲ ماشین سنگ‌زنی
اخ۳ سنگ‌زنی رزوه
اخ۲ ماشین سنگ‌کاری پرداخت
اخ۲ ماشین شکاف‌زنی
اخ۲ ماشین شیارزن
اخ۲ ماشین شیشه‌بری
اخ۲ ماشین صیقل‌کاری
اخ۲ مرکز ماشین‌کاری
او بیل
او پرس(ابزار ماشینی)
او سخت‌افزار
او گیره
او مکانیزه‌کردن
او نشانه‌گذاری(فلزکاری)
ان *tools*

ابزار ابررسانشی

اغ۱ تجهیزات
اغ۱ آهنربای ابررسانشی

اخ۱ ابزار پیوند ژوزف‌سون
اخ۱ خط الکتریکی ابررسانشی
اخ۱ کابل ابررسانشی
اخ۱ کریوترون
او ابررسانایی
او پیچه الکتریکی
او ذخیره سرماالکتریکی
او مواد ابررسانا
ان *Superconducting device*

ابزار اثر گان
ب‌ک ابزار گان

ابزار اثر هال
ب‌ج *مولد هال*
اع۱ ابزار مغناطیسی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ تراگذار اثر هال
او ابزار نیم‌رسانا
او اثر هال
ان *Hall effect device*

ابزار الکترومکانیکی
اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ ابزار ریزالکترومکانیکی
اخ۱ پالایه الکترومکانیکی
اخ۲ پالایه بلوری
ان *Electromechanical device*

ابزار الکترونوری
اع۱ ابزار نوری
اع۲ تجهیزات
اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
او الکتروزخشانی
او دوپایداری نوری
او سودهی Q
او لیزر با سوئیچ Q
او مدوله‌ساز نوری
او نمایشگر بلور مایع
ان *Electrooptical device*

ابزار الکتریکی
اع۱ ابزار
اع۲ تجهیزات
اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
ان *Electric tools*

ابزار ام.آی.اس.
اع۱ ابزار نیم‌رسانای اثر میدانی
اع۲ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ ابزار حالت جامد
اخ۱ ابزار انتقال بار
اخ۲ ابزار تزویج بار
او ترانزیستور اثر میدانی
او ساختار ابزار نیم‌رسانا
ان *MIS device*

ابزار ام.آی.ام.
اع۱ ابزار حالت جامد
اع۲ دستگاه الکترونی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
ان *MIM device*

ابزار انتقال بار
اع۱ ابزار ام.آی.اس.
اع۲ ابزار نیم‌رسانای اثر میدانی
اع۳ ابزار نیم‌رسانا
اخ۱ ابزار تزویج بار
ان *Charge transfer device*

ابزار ایمنی
اع۱ تجهیزات
اخ۱ آشکارساز حریق
اخ۲ آشکارساز دود
اخ۱ ابزار ایمنی خودرو
اخ۲ کمربند ایمنی خودرو
اخ۲ کیسه هوای خودرو
اخ۱ عینک ایمنی
اخ۱ گوشی استحفاظی
اخ۱ ماسک گاز
او آتش‌خاموش‌کن
او برق‌گیر
او پوشاک محافظ
او پیشگیر ترکیدگی
او پیشگیری حادثه
او تجهیزات اطفای حریق

او تجهیزات گارد ساحلی
او چتر نجات
او حفاظت
او حفاظت واکنشگاه
او خطر
او سوپاپ اطمینان
او سیستم آب‌پاشی(اطفای حریق)
او سیستم اخطار
او سیستم اخطار حریق
او سیستم امنیتی
او شیشه ایمنی
او گازیاب
او نرده محافظ
ان *Safety device*

ابزار ایمنی خودرو

اع۱ ابزار ایمنی
اع۲ تجهیزات
اع۱ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۲ خودرو
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اخ۱ کمربند ایمنی خودرو
اخ۱ کیسه هوای خودرو
ان *Automobile safety device*

ابزار بادی

اع۱ ابزار
اع۲ تجهیزات
اع۱ تجهیزات بادی
اع۲ تجهیزات
ان *Pneumatic tools*

ابزار با لایه نازک مغناطیسی

اع۱ ابزار فیلم‌نازک
اع۲ ابزار حالت جامد
اع۳ دستگاه الکترونی
اع۱ ابزار مغناطیسی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ ذخیره با فیلم مغناطیسی
اخ۲ ذخیره با سیم روکشدار
او ابزار حباب مغناطیسی
او حافظه حباب مغناطیسی
او لایه نازک مغناطیسی
ان *Magnetic thin film device*

ابزار برهم‌کنشی

اع۱ تجهیزات جانبی رایانه
اع۲ سخت‌افزار رایانه
اع۳ رایانه
اخ۱ جانشین صفحه‌کلید رایانه(خدمات معلولین)
اخ۱ صفحه‌کلید رایانه
اخ۱ قلم نوری
اخ۱ موشی(دستگاه جنبی رایانه)
اخ۱ نمایشگر رایانه
اخ۱ ورودی فعال صدا
او پایانه رایانه
او پرده فلورسانس
او سیستم رایانه‌ای برهم‌کنشی
او سیمابین کاربر
ان *Interactive device*

ابزار به‌کاراندازی مواد منفجره

اع۱ ابزار
اع۲ تجهیزات
اع۱ دستگاه به‌کاراندازی مواد منفجره
اع۲ تجهیزات
ان *Explosive actuated tools*

ابزار پارامتری

اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ تقویت‌کننده پارامتری
اخ۱ نوسان‌ساز پارامتری
او لامپ الکترونی
او میزر
ان *Parametric devices*

ابزار پلاسما

اع۱ تجهیزات
اخ۱ ابزار توکامک
اخ۱ ابزار نمایش پلاسما
اخ۱ تفنگ پلاسما
اخ۱ دیود پلاسما
اخ۱ شتاب‌دهنده پلاسما
اخ۱ مشعل پلاسمایی
اخ۱ موجبر پلاسمایی
او پلاسما
او سوخت‌پاش پلاسما

او کاربرد پلاسما
او مبدل مغناطوهیدرودینامیک
او محصورسازی پلاسما
ان *Plasma device*

ابزار پیزوالکتریکی

اع۱ ابزار دی‌الکتریک
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ پالایه بلوری
اخ۱ تراگذار پیزوالکتریکی
اخ۱ تشدیدگر بلوری
او آزمایش مکانیکی
او اندازه‌گیری متغیر صوتی
او پیزوالکتریسیته
او سونار
او مبدل فراصوتی
او مواد پیزوالکتریکی
ان *Piezoelectric device*

ابزار پیوند ژوزف‌سون

اع۱ ابزار ابررسانشی
اع۲ تجهیزات
او پیوند تونلی
او ترانزیستور اثر میدانی پیوندی
ان *Josephson junction device*

ابزار تداخل کوانتومی

او ترانزیستور با حرکت‌پذیری الکترون بالا
او چاه کوانتمی نیم‌رسانا
او دیود تونلی
ان *Quantum interference device*

ابزار تراش

ی‌د یک اصطلاح خیلی عام، ترجیحا ابزار خاصی را به کار برید.
اع۱ ابزار
اع۲ تجهیزات
اع۱ تجهیزات برش
اع۲ تجهیزات
اخ۱ ابزار تراش الماسه
اخ۲ مته الماسی
اخ۱ ابزار تراش دندان
اخ۱ ابزار تراش کاربید
اخ۱ ابزار تراشکاری سرامیک
اخ۱ ابزار حفره‌کنی
اخ۲ چاله‌کن
اخ۱ اره
اخ۲ اره فلزکاری
اخ۱ برقو
اخ۱ جیگ
اخ۱ چرخ سنگ‌زنی
اخ۱ خان‌کش
اخ۱ دنده‌تراش
اخ۱ سرمته
اخ۱ سوهان و چوب‌سای
اخ۲ سرمته
اخ۱ قالب پیچ‌تراشی
اخ۱ قلاویز
اخ۱ ماشین شکاف‌زنی
اخ۱ ماشین شیارزن
اخ۱ ماشین شیشه‌بری
اخ۱ مته
اخ۲ دریل هیدرولیکی
اخ۲ دستگاه حفاری چاه نفت
اخ۲ مته الکتریکی
اخ۲ مته الماسی
اخ۲ مته بادی
اخ۲ مته توربینی
اخ۲ مته سنگ‌شکن
اخ۲ مته‌معدن‌کاری
اخ۱ نگهدارنده بیتی
او ابزار فلزکاری
او ابزار نجاری
او بور نیترید مکعبی
او دست‌افزار
او قالب آهنگری
ان *Cutting tools*

ابزار تراش الماسه

ی‌د ابزارهایی که در آنها الماس به عنوان یک ماده برشی به کار می‌رود.
اع۱ ابزار تراش
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات برش
اع۳ تجهیزات
اخ۱ مته الماسی
او ازه
او الماس
او چرخ سنگ‌زنی

ان *Diamond cutting tools*

ابزار تراش دندان

اع۱ ابزار تراش
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات برش
اع۳ تجهیزات
اع۱ تجهیزات دندانپزشکی
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
ان *Dental cutting tools*

ابزار تراش کاربید

اع۱ ابزار تراش
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات برش
اع۳ تجهیزات
اع۱ ابزار کاربید
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
او قالب کاربید
او کاربید
ان *Carbide cutting tools*

ابزار تراشکاری سرامیک

اع۱ ابزار تراش
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات برش
اع۳ تجهیزات
اع۱ ابزار سرامیکی
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ فراورده سرامیکی
او قالب سرامیک
ان *Ceramic cutting tools*

ابزار تزویج بار

اع۱ ابزار انتقال بار
اع۲ ابزار ام.آی.اس.
اع۳ ابزار نیم‌رسانای اثر میدانی
ان *Charge coupled device*

ابزار توکامک

اع۱ ابزار پلاسما
اع۲ تجهیزات
اع۱ واکنشگاه هم‌جوشی
اع۲ تسهیلات
او محصورسازی پلاسما
ان *Tokamak device*

ابزار جلوگیری‌کننده(هواگرد)

اع۱ ارابه فرود(هواگرد)
اع۲ قطعات و تجهیزات هواگرد
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ هواگرد
ان *Arresting device (aircraft)*

ابزار جمع‌کردن ارابه فرود

اع۱ ارابه فرود(هواگرد)
اع۲ قطعات و تجهیزات هواگرد
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ هواگرد
ان *Landing gear retracting device*

ابزار حافظه

ب‌ک تجهیزات ذخیره داده‌ها

ابزار حالت جامد

اع۱ دستگاه الکترونی
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ ابزار ام.آی.ام.
اخ۱ ابزار فیلم‌ضخیم
اخ۱ ابزار فیلم‌نازک
اخ۲ ابزار با لایه نازک مغناطیسی
اخ۳ ذخیره با فیلم مغناطیسی
اخ۲ ابزار ریزنوارکی
اخ۳ آنتن ریزنوارکی
اخ۲ ترانزیستور فیلم‌نازک
اخ۱ ابزار نیم‌رسانا
اخ۲ ابزار زمان گذر
اخ۳ دیود ایمپات
اخ۲ ابزار سرباریکه‌ای
اخ۲ ابزار گان
اخ۳ دیود گان
اخ۲ ابزار نیم‌رسانای اثر میدانی
اخ۳ ابزار ام.آی.اس.

اخ۳	ترانزیستور اثر میدانی	
اخ۲	ابزار نیم‌رسانای دوقطبی	
اخ۳	ترانزیستور دوقطبی	
اخ۲	اسپیسیستور	
اخ۲	ترانزیستور	
اخ۳	ترانزیستور اثر میدانی	
اخ۳	ترانزیستور دوقطبی	
اخ۳	ترانزیستور فیلم‌نازک	
اخ۳	ترانزیستور نوری	
اخ۲	تیریستور	
اخ۲	دیود سد شاتکی	
اخ۲	دیود نیم‌رسانا	
اخ۳	دیود بهمنی	
اخ۳	دیود تونلی	
اخ۳	دیود زنر	
اخ۳	دیود گان	
اخ۳	دیود نورگسیل	
اخ۳	دیود نوری	
اخ۳	واراکتور	
اخ۲	زله نیم‌رسانا	
اخ۲	سوده نیم‌رسانا	
اخ۲	شمارگر نیم‌رسانا	
اخ۲	لیزر نیم‌رسانا	
اخ۳	لیزر تزریقی	
اخ۳	لیزر چاه کوانتمی	
اخ۲	مدارمجتمع	
اخ۳	مدار فیلم‌ضخیم	
اخ۳	مدار فیلم‌نازک	
اخ۳	مدار مجتمع تک‌پارچه‌ای	
اخ۳	مدار مجتمع خطی	
اخ۳	مدار مجتمع دو رگه	
اخ۳	مدار مجتمع دو قطبی	
اخ۳	مدار مجتمع رقمی	
اخ۳	مدار مجتمع زیزموج	
اخ۳	مدار مجتمع نورالکترونیکی	
اخ۲	نیم‌رسانای نوسانگر	
اخ۲	واریستور	
اخ۱	لیزر حالت جامدی	
اخ۲	لیزر نئودیمیم‌دار	
اخ۲	لیزر تاری	
اخ۱	نوسان‌ساز حالت جامد	
اخ۱	یک‌سوساز حالت جامد	
او	ابزار مغناطیسی	
او	تراوش(حالت جامد)	
او	ساختار ابزار حالت جامد	
او	فیزیک حالت جامد	
او	مرز مشترک عایق فلزی	
ان	*Solid state device*	

ابزار حباب مغناطیسی

اع۱	ابزار مغناطیسی	
اع۲	تجهیزات	
اخ۱	حافظه حباب مغناطیسی	
او	ابزار با لایه نازک مغناطیسی	
او	حباب مغناطیسی	
ان	*Magnetic bubble device*	

ابزار حفره‌کنی

اع۱	ابزار تراش	
اع۲	ابزار	
اع۳	تجهیزات	
اع۲	تجهیزات برش	
اع۳	تجهیزات	
اخ۱	چاله‌کن	
او	حفره‌کنی	
او	ماشین‌ابزار	
ان	*Boring tools*	

ابزار خم‌کاری

اع۱	ابزار	
اع۲	تجهیزات	
او	خمش(شکل‌دهی)	
او	قالب خمش	
او	ماشین خم‌کن	
ان	*Bending tools*	

ابزار درخشایی

اع۱	چشمه نور	
اخ۱	پرده فلورسانس	
اخ۱	شمارگر سوسوزن	
اخ۱	لامپ فلورسانت	
او	درخشایی	
او	شب‌تاب	
ان	*Luminescent device*	

ابزار دگرسانی مغناطیسی

اع۱	ابزار مغناطیسی	
اع۲	تجهیزات	
او	اندازه‌گیری متغیر صوتی	
او	اندازه‌گیری متغیر مکانیکی	

او تراگذار
او دگرسانی مغناطیسی
او سونار
ان *Magnetostrictive device*

ابزار دی‌الکتریک

اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ ابزار پیزوالکتریکی
اخ۲ پالایه بلوری
اخ۲ تراگذار پیزوالکتریکی
اخ۲ تشدیدگر بلوری
اخ۱ ابزار ریزنوارکی
اخ۲ آنتن ریزنوارکی
اخ۱ تقویت‌کننده دی‌الکتریکی
اخ۱ خازن
اخ۲ خازن برق‌کافتی
اخ۲ خازن سرامیکی
اخ۲ خازن کاغذی
اخ۲ واراکتور
اخ۱ دستگاه فروالکتریکی
اخ۱ عایق الکتریکی
اخ۱ موجبر دی‌الکتریک
اخ۲ موجبر نوری
او الکترت
او فراورده سرامیکی
او گرمایش دی‌الکتریکی
او مواد دی‌الکتریک
ان *Dielectric device*

ابزار دیدالکترونیک

اع۱ ابزار نوری
اع۲ تجهیزات
اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ ابزار فتوالکتریکی
اخ۲ آشکارساز نوری
اخ۳ آشکارساز فرابنفش
اخ۳ آشکارساز مادون قرمز
اخ۲ ابزار فوتورسانش
اخ۳ دیود نوری
اخ۲ پیل فتوالکتریک
اخ۳ پیل فوتوولتایی
اخ۲ رله فوتوالکتریک
اخ۲ فوتولوله
اخ۳ تکثیرکن فوتونی
اخ۲ میکروسکوپ فتوالکتریک
اخ۱ تقویت‌کننده تصویر(حالت جامد)
اخ۱ حس‌گر تصویر
اخ۱ دیود نورگسیل
اخ۱ مدار مجتمع نورالکترونیکی
او ابزار صوتی‌نوری
او اثر صوتی‌نوری
ان *Optoelectronic device*

ابزار ذخیره داده‌های رقمی

ب‌ک ذخیره رقمی

ابزار رقمی

اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ کارت هوشمند
او رایانه رقمی
او سنج‌افزار رقمی
او مدار رقمی
او ولت‌سنج رقمی
ان *Digital device*

ابزار ریزالکترومکانیکی

اع۱ ابزار الکترومکانیکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
ان *Microelectromechanical device*

ابزار ریزموج

ب‌ج *تجهیزات رادیویی ریزموجی*
اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ آنتن ریزموج
اخ۱ ابزار صوتی ریزموج
اخ۱ ابزار موج میلیمتری
اخ۱ اجاق ریزموجی
اخ۱ پالایه ریزموج
اخ۱ تقویت‌کننده ریزموج
اخ۲ تقویت‌کننده دیودی
اخ۲ میزر
اخ۱ جداساز ریزموج
اخ۱ دایره‌زن ریزموج
اخ۱ لامپ ریزموجی
اخ۲ ارتعاش‌سنج دیاپازونی

اخ۲ لامپ موج الکترونی
اخ۳ لامپ کلیسترون
اخ۳ لامپ مدوله‌سازی سرعت
اخ۳ لامپ موج پیشرونده
اخ۳ مگنترون
اخ۱ محدودساز ریزموج
اخ۱ مدوله‌زدای ریزموج
اخ۱ نوسانگر ریزموجی
اخ۲ نوسان‌ساز گان
او بازتاب‌سنج
او تجهیزات رادیویی
او ریزموج
او موجبر
ان *Microwave device*

ابزار ریزنوارکی

اع۱ ابزار دی‌الکتریک
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ ابزار فیلم‌نازک
اع۲ ابزار حالت جامد
اع۳ دستگاه الکترونی
اخ۱ آنتن ریزنوارکی
او خط ریزنوارکی
ان *Microstrip device*

ابزار زمان گذر

اع۱ ابزار نیم‌رسانا
اع۲ ابزار حالت جامد
اع۳ دستگاه الکترونی
اخ۱ دیود ایمپات
او دیود بهمنی
ان *Transit time device*

ابزار زمان‌گیری

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
اخ۱ ابزار زمان‌گیری الکترونیکی
اخ۱ ساعت
اخ۲ ساعت مکانیکی
اخ۳ زمان‌سنج
اخ۲ ساعت اتمی
اخ۲ ساعت الکتریکی
اخ۱ ساعت مچی
اخ۲ زمان‌گیر
اخ۲ ساعت مچی الکتریکی
او اندازه‌گیری زمان
او مدار زمان‌گیری
ان *Timing device*

ابزار زمان‌گیری الکترونیکی

اع۱ ابزار زمان‌گیری
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
او اندازه‌گیری زمان
ان *Electronic timing device*

ابزار سرامیکی

اع۱ ابزار
اع۲ تجهیزات
اع۱ فراورده سرامیکی
اخ۱ ابزار تراشکاری سرامیک
او تیغه فرز
ان *Ceramic tools*

ابزار سربارنیکه‌ای

اع۱ ابزار نیم‌رسانا
اع۲ ابزار حالت جامد
اع۳ دستگاه الکترونی
او مدار مجتمع دو رگه
او مدارمجتمع
ان *Beam lead device*

ابزار صوتی

اع۱ تجهیزات صوتی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ ابزار صوتی ریزموج
اخ۱ ابزار صوتی‌نوری
اخ۲ پیل براگ
اخ۱ ابزار فراصوتی
اخ۲ خط تاخیر فراصوتی
اخ۲ مبدل فراصوتی
اخ۱ ابزار موج حجمی صوتی
اخ۱ ابزار موج سطحی صوتی
اخ۲ پالایه موج سطحی صوتی
اخ۱ تراگذار صوتی
اخ۲ برگیر
اخ۲ تراگذار برقاصوتی

اخ۳ بلندگو
اخ۳ صدابر
اخ۳ گوشی
اخ۳ هدفون
اخ۳ هیدروفون
اخ۲ مبدل فراصوتی
اخ۱ خط تاخیر صوتی
اخ۲ خط تاخیر فراصوتی
او تجهیزات شنیداری
او تولید دوباره صدا
او سنج‌افزار
او سیستم شنیداری
او صوت‌شناسی
ان *Acoustic device*

ابزار صوتی ریزموج

اع۱ ابزار ریزموج
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ ابزار صوتی
اع۲ تجهیزات صوتی
اع۳ تجهیزات
او صوت‌شناسی ریزموجی
او مبدل فراصوتی
ان *Microwave acoustic device*

ابزار صوتی‌نوری

اع۱ ابزار صوتی
اع۲ تجهیزات صوتی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ پیل براگ
او ابزار دیدالکترونیک
او اثر صوتی‌نوری
او سنج‌افزار نوری
او صوت‌شناسی
او نورشناسی
ان *Acoustooptical device*

ابزار فتوالکتریکی

اع۱ ابزار دیدالکترونیک
اع۲ ابزار نوری
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ آشکارساز نوری
اخ۲ آشکارساز فرابنفش
اخ۲ آشکارساز مادون قرمز
اخ۱ ابزار فوتوریانش
اخ۲ دیود نوری
اخ۱ پیل فتوالکتریک
اخ۲ پیل فتوولتایی
اخ۱ رله فوتوالکتریک
اخ۱ فوتولوله
اخ۲ تکثیرکن فوتونی
اخ۱ میکروسکوپ فتوالکتریک
او فوتوالکتریسیته
ان *Photoelectric device*

ابزار فرابنفش

اع۱ ابزار نوری
اع۲ تجهیزات
اخ۱ آشکارساز فرابنفش
او تابش فرابنفش
او سنج‌افزار فرابنفش
او لامپ فرابنفش
ان *Ultraviolet device*

ابزار فراصوتی

اع۱ ابزار صوتی
اع۲ تجهیزات صوتی
اع۳ تجهیزات
اع۱ تجهیزات فراصوتی
اع۲ تجهیزات صوتی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ خط تاخیر فراصوتی
اخ۱ مبدل فراصوتی
او اثر فراصوتی
او پیل براگ
او فراصوت‌شناسی
او کاربرد فراصوتی
ان *Ultrasonic device*

ابزار فریتی

ی‌د ابزارهای بر پایه فریت
اع۱ ابزار مغناطیسی
اع۲ تجهیزات
او اجزای موجبر
او انتقال‌دهنده فاز
او ژیراتور
او فریت

او کاربرد فریت
او هسته مغناطیسی
او هسته مغناطیسی پودری
ان *Ferrite device*

ابزار فلزکاری

اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ اره فلزکاری
اخ۱ تیغه فرز
اخ۱ صفحه‌تراش افقی فلزکاری
اخ۱ صفحه‌تراش دروازه‌ای فلزکاری
او ابزار تراش
او فلزکاری
ان *Metal working tools*

ابزار فوتورسانش

اع۱ ابزار فتوالکتریکی
اع۲ ابزار دیدالکترونیک
اع۳ ابزار نوری
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اخ۱ دیود نوری
او ابزار نیم‌رسانا
او پیل فتوالکتریک
او فوتورسانندگی
او فوتومقاومت
او مواد فوتورسانش
ان *Photoconducting device*

ابزار فیلم‌ضخیم

اع۱ ابزار حالت جامد
اع۲ دستگاه الکترونی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او فیلم ضخیم
او مدار فیلم‌ضخیم
ان *Thick film device*

ابزار فیلم‌نازک

اع۱ ابزار حالت جامد
اع۲ دستگاه الکترونی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اخ۱ ابزار با لایه نازک مغناطیسی
اخ۲ ذخیره با فیلم مغناطیسی
اخ۳ ذخیره با سیم روکشدار
اخ۱ ابزار ریزنوارکی
اخ۲ آنتن ریزنوارکی
اخ۱ ترانزیستور فیلم‌نازک
او فیلم نازک
او مدار فیلم‌نازک
ان *Thin film device*

ابزار کاربید

اع۱ ابزار
اع۲ تجهیزات
اخ۱ ابزار تراش کاربید
اخ۱ قالب کاربید
او تیغه فرز
او قلاویز
او کاربید
ان *Carbide tools*

ابزار کنترل الکتریکی نهایی

اع۱ تجهیزات کنترل الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات کنترل
اع۳ تجهیزات
اع۱ وسایل کنترل نهایی
اع۲ تجهیزات کنترل
اع۳ تجهیزات
او ترمز برقی
او سوده الکتریکی
او کلاچ الکتریکی
او موتور الکتریکی
ان *Electric final control device*

ابزار کنترل چشم

اع۱ تجهیزات توانبخشی انسانی
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
او مهندسی توانبخشی انسانی
ان *Eye controlled device*

ابزار کنترل نهایی غیرالکتریکی

اع۱ وسایل کنترل نهایی
اع۲ تجهیزات کنترل
اع۳ تجهیزات
او بادامک

او تجهیزات کنترل مکانیکی
او ترمز بادی
او ترمز هیدرولیکی
او تقویت‌کننده سیالی
او مبدل گشتاور نیرو
ان *Nonelectric final control device*

ابزار گان

ب‌ج *ابزار اثر گان*
اع۱ ابزار نیم‌رسانا
اع۲ ابزار حالت جامد
اع۳ دستگاه الکترونی
اخ۱ دیود گان
او اثر گان
او نوسان‌ساز گان
ان *Gunn device*

ابزار گریز هواگرد

اع۱ قطعات و تجهیزات هواگرد
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ هواگرد
او خروج اضطراری هواگرد
ان *Aircraft escape device*

ابزار گسیل فوتونی

اع۱ تجهیزات
اخ۱ کاتد فوتوالکتریک
او فوتوالکتریسیته
او فوتولوله
او گسیل فوتونی
ان *Photoemissive device*

ابزار گیرش

اع۱ ابزار
اع۲ تجهیزات
او سه‌نظام
او گیره
ان *Clamping device*

ابزار مادون قرمز

اع۱ ابزار نوری
اع۲ تجهیزات
اخ۱ آشکارساز مادون قرمز
اخ۱ طیف‌سنج مادون قرمز
اخ۲ طیف‌نورسنج مادون قرمز
اخ۱ طیف‌نگار مادون قرمز
او تابش مادون قرمز
او تلویزیون مادون قرمز
او سنج‌افزار مادون قرمز
او لامپ مادون قرمز
ان *Infrared device*

ابزار مسفت

ب‌ج *ترانزیستور اثرمیدانی نیم‌رسانای فلزی*
اع۱ ترانزیستور اثر میدانی
اع۲ ابزار نیم‌رسانای اثر میدانی
اع۳ ابزار نیم‌رسانا
اع۲ ترانزیستور
اع۳ ابزار نیم‌رسانا
ان *MESFET device*

ابزار مغناطیسی

اع۱ تجهیزات
اخ۱ آهنربا
اخ۲ آهنربای الکتریکی
اخ۳ آهنربای ابررسانشی
اخ۳ آهنربای بالابر
اخ۲ آهنربای دائمی
اخ۲ آهنربای شتاب‌دهنده
اخ۱ ابزار اثر هال
اخ۲ تراگذار اثر هال
اخ۱ ابزار با لایه نازک مغناطیسی
اخ۲ ذخیره با فیلم مغناطیسی
اخ۳ ذخیره با سیم روکشدار
اخ۱ ابزار حباب مغناطیسی
اخ۲ حافظه حباب مغناطیسی
اخ۱ ابزار دگرسانی مغناطیسی
اخ۱ ابزار فریتی
اخ۱ ابزار منطقی مغناطیسی
اخ۱ ابزار نور مغناطیسی
اخ۱ پالایه مغناطیسی
اخ۱ ترازوی مغناطیسی
اخ۱ تقویت‌کننده مغناطیسی
اخ۲ تقویت‌کننده مغناطیسی چرخان
اخ۱ تلمبه الکترومغناطیسی
اخ۱ جداساز مغناطیسی
اخ۱ جریان‌سنج مغناطیسی
اخ۱ ذخیره مغناطیسی

اخ۲ حافظه حباب مغناطیسی
اخ۲ ذخیره با فیلم مغناطیسی
اخ۳ ذخیره با سیم روکشدار
اخ۲ ذخیره دیسک مغناطیسی
اخ۳ ذخیره دیسک سخت
اخ۳ ذخیره دیسک لرزان
اخ۲ ذخیره نوار مغناطیسی
اخ۲ ذخیره هسته مغناطیسی
اخ۲ هد مغناطیسی
اخ۱ عدسی مغناطیسی
اخ۱ مگنترون
اخ۱ مگنتو
اخ۱ یاتاقان مغناطیسی
او ابزار حالت جامد
او حباب مغناطیسی
او فراورده لاستیک مغناطیسی
او مواد مغناطیسی
او هسته مغناطیسی
ان *Magnetic device*

ابزار منطقی

بج *عنصر مدار منطقی*
اع۱ تجهیزات
اخ۱ ابزار منطقی مغناطیسی
اخ۱ دستگاه منطقی سیالی
اخ۱ عنصر آستانه‌ای
اخ۱ گیت منطقی
او طراحی منطقی
او مدار منطقی
ان *Logic device*

ابزار منطقی مغناطیسی

اع۱ ابزار مغناطیسی
اع۲ تجهیزات
اع۱ ابزار منطقی
اع۲ تجهیزات
ان *Magnetic logic device*

ابزار موج حجمی صوتی

اع۱ ابزار صوتی
اع۲ تجهیزات صوتی
اع۳ تجهیزات
ان *Acoustic bulk wave device*

ابزار موج سطحی صوتی

اع۱ ابزار صوتی
اع۲ تجهیزات صوتی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ پالایه موج سطحی صوتی
ان *Acoustic surface wave device*

ابزار موج میلیمتری

اع۱ ابزار ریزموج
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او ریزموج
ان *Millimeter wave device*

ابزار موسفت

بج *ترانزیستور اثر میدانی گیت عایق‌شده*
بج *ترانزیستور اثرمیدانی نیم‌رسانای اکسید فلزی*
اع۱ ترانزیستور اثر میدانی
اع۲ ابزار نیم‌رسانای اثر میدانی
اع۳ ابزار نیم‌رسانا
اع۲ ترانزیستور
اع۳ ابزار نیم‌رسانا
ان *MOSFET device*

ابزار میسفت

ی‌د ترانزیستور اثر میدانی نیم رسانای عایق فلزی
بج *ترانزیستور اثرمیدانی نیم‌رسانای عایق فلزی*
اع۱ ترانزیستور اثر میدانی
اع۲ ابزار نیم‌رسانای اثر میدانی
اع۳ ابزار نیم‌رسانا
ان *MISFET device*

ابزار نجاری

اع۱ ابزار
اع۲ تجهیزات
او ابزار تراش
او اره
او ماشین‌آلات نجاری
او نجاری
ان *Woodworking tools*

ابزار نرم‌افزار

ب‌ک مهندسی نرم‌افزار به کمک رایانه

ابزار نشانه‌روی بمب

اع۱ بمب‌افکن
اع۲ هواپیمای نظامی
اع۳ تجهیزات نظامی
اع۳ هواگرد
اع۱ سنج‌افزار هواگرد
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات هواگرد
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ هواگرد
او بردیاب
ان *Bombsight*

ابزار نمایش

ب‌چ *تجهیزات نمایش*
ب‌چ *نمایشگر*
ب‌چ *نمایشگر(صفحه‌تصویر)*
اع۱ تجهیزات
اخ۱ ابزار نمایش پلاسما
اخ۱ پرده فلورسانس
اخ۱ نمایشگر بلور مایع
اخ۱ نمایشگر رایانه
اخ۱ نمایشگر سنج‌افزار
اخ۲ صفحه نمایش رادار
او دیود نورگسیل
او سه‌بعدی
او سیستم بازخوانی
او کنسول راه دور
او لامپ پرتو کاتدی
او لامپ تصویر تلویزیون
او لرزش‌نگار پرتو کاتدی
او لوله تخلیه گازی
ان *Display device*

ابزار نمایش پلاسما

اع۱ ابزار پلاسما
اع۲ تجهیزات
اع۱ ابزار نمایش
اع۲ تجهیزات
او پلاسما
او کاربرد پلاسما
ان *Plasma display device*

ابزار نورمغناطیسی

اع۱ ابزار مغناطیسی
اع۲ تجهیزات
اع۱ ابزار نوری
اع۲ تجهیزات
او اثر نورمغناطیسی
ان *Magnetooptical device*

ابزار نوری

ب‌چ *عنصر نوری*
اع۱ تجهیزات
اخ۱ آینه
اخ۱ ابزار الکترونوری
اخ۱ ابزار دیدالکترونیک
اخ۲ ابزار فتوالکتریکی
اخ۳ آشکارساز نوری
اخ۳ ابزار فوتورسانش
اخ۳ پیل فتوالکتریک
اخ۳ رله فوتوالکتریک
اخ۳ فوتولوله
اخ۳ میکروسکوپ فتوالکتریک
اخ۱ ابزار فرابنفش
اخ۲ آشکارساز فرابنفش
اخ۱ ابزار مادون قرمز
اخ۲ آشکارساز مادون قرمز
اخ۲ طیف‌سنج مادون قرمز
اخ۳ طیف‌نورسنج مادون قرمز
اخ۲ طیف‌نگار مادون قرمز
اخ۱ ابزار نورمغناطیسی
اخ۱ افشان(نوری)
اخ۱ باریکه شکاف نوری
اخ۱ پالایه نوری
اخ۱ پروژکتور نوری
اخ۱ پنجره لیزری
اخ۱ تشدیدگر نوری
اخ۲ تشدیدکننده لیزری
اخ۱ حس‌گر نوری
اخ۲ حس‌گر تار نوری
اخ۳ حس‌گر شیمیایی تار نوری
اخ۱ دوربین دوچشمی
اخ۱ شاتر نوری
اخ۲ شاتر دوربین
اخ۱ شبکه پراش
اخ۱ عدسک
اخ۱ عدسی داخل چشمی
اخ۱ عدسی سنج‌افزار نوری
اخ۲ عدسی دوربین
اخ۱ عدسی مومسان

اخ۱ عنصر نوری تمام‌نگاری
اخ۱ منشور
اخ۱ موازی‌ساز نوری
اخ۱ موجبر نوری
او انباره دیسک نوری
او برشگر(مدار)
او تجهیزات عکاسی
او سنج‌افزار نوری
او سیستم نوری
او عدسی
او فیلم نوری
او لوازم عکاسی
او مواد نوری
او نورشناسی
ان *Optical device*

ابزار نیم‌رسانا

اع۱ ابزار حالت جامد
اع۲ دستگاه الکترونیک
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اخ۱ ابزار زمان گذر
اخ۲ دیود ایمپات
اخ۱ ابزار سرباریکه‌ای
اخ۱ ابزار گان
اخ۲ دیود گان
اخ۱ ابزار نیم‌رسانای اثر میدانی
اخ۲ ابزار ام.آی.اس
اخ۳ ابزار انتقال بار
اخ۲ ترانزیستور اثر میدانی
اخ۳ ابزار مسفت
اخ۳ ابزار موسفت
اخ۳ ابزار میسفت
اخ۳ ترانزیستور اثر میدانی پیوندی
اخ۳ ترانزیستور اثر میدانی حساس شیمیایی
اخ۳ ترانزیستور اثر میدانی حساس یونی
اخ۳ ترانزیستور با حرکت‌پذیری الکترون بالا
اخ۳ گیت(ترانزیستوز)
اخ۱ ابزار نیم‌رسانای دوقطبی
اخ۲ ترانزیستور دوقطبی
اخ۳ ترانزیستور دوقطبی با پیوندگاه ناهمگون
اخ۱ اسپیسیستور
اخ۱ ترانزیستور
اخ۲ ترانزیستور اثر میدانی
اخ۳ ابزار مسفت
اخ۳ ابزار موسفت
اخ۲ ترانزیستور دوقطبی
اخ۲ ترانزیستور فیلم‌نازک
اخ۲ ترانزیستور نوری
اخ۱ تیریستور
اخ۱ دیود سد شاتکی
اخ۱ دیود نیم‌رسانا
اخ۲ دیود بهمنی
اخ۳ دیود ایمپات
اخ۲ دیود تونلی
اخ۲ دیود زنر
اخ۲ دیود گان
اخ۲ دیود نورگسیل
اخ۲ دیود نوری
اخ۲ واراکتور
اخ۱ رله نیم‌رسانا
اخ۱ سوده نیم‌رسانا
اخ۱ شمارگر نیم‌رسانا
اخ۱ لیزر نیم‌رسانا
اخ۲ لیزر تزریقی
اخ۲ لیزر چاه کوانتمی
اخ۱ مدارمجتمع
اخ۲ مدار فیلم‌ضخیم
اخ۲ مدار فیلم‌نازک
اخ۲ مدار مجتمع تک‌پارچه‌ای
اخ۳ مدار ال.اس.آی
اخ۳ مدار مجتمع ریزموج تک‌پارچه‌ای
اخ۳ مدارمجتمع سی‌ماس
اخ۳ مدارمجتمع کاربردویژه
اخ۲ مدار مجتمع خطی
اخ۲ مدار مجتمع دو رگه
اخ۲ مدار مجتمع دو قطبی
اخ۲ مدار مجتمع رقمی
اخ۳ آرایه یاخته‌ای
اخ۳ تراشه ریزپرداز
اخ۲ مدار مجتمع ریزموج
اخ۳ مدار مجتمع ریزموج تک‌پارچه‌ای
اخ۲ مدار مجتمع نورالکترونیکی
اخ۱ نیم‌رسانای نوسانگر
اخ۱ واریستور
او ابزار اثر هال
او ابزار فوتورسانش
او اثر فوتوولتایی
او آزمایش ابزار نیم‌رسانا
او آشکارساز
او آلودن نیم‌رسانا
او پیوند نیم‌رسانا
او پیوندگاه ناهمگون

او تولید ابزار نیم‌رسانا
او چاپ سنگی
او حافظه نیم‌رسانا
او حکاکی خشک
او رشد نیم‌رسانا
او ساختار ابزار نیم‌رسانا
او سخت‌گردانی تابشی
او فوتورسانندگی
او ماسک
او مدل ابزار نیم‌رسانا
او مرز فلزی نیم‌رسانا
او مرز مشترک عایق فلزی
او مواد نیم‌رسانا
او نوسانگر(الکترونیک)
او نوفه سیگنال مزاحم
او یک‌سوساز الکتریکی
او یک‌سوساز حالت جامد
ان *Semiconductor device*

ابزار نیم‌رسانای اثر میدانی

اع۱ ابزار نیم‌رسانا
اع۲ ابزار حالت جامد
اع۳ دستگاه الکترونی
اخ۱ ابزار ام.آی.اس.
اخ۲ ابزار انتقال بار
اخ۳ ابزار تزویج بار
اخ۱ ترانزیستور اثر میدانی
اخ۲ ابزار مسفت
اخ۲ ابزار موسفت
اخ۲ ابزار میسفت
اخ۲ ترانزیستور اثر میدانی پیوندی
اخ۲ ترانزیستور اثر میدانی حساس شیمیایی
اخ۲ ترانزیستور اثر میدانی حساس یونی
اخ۲ ترانزیستور با حرکت‌پذیری الکترون بالا
اخ۲ گیت(ترانزیستور)
او میدان الکتریکی
ان *Field effect semiconductor device*

ابزار نیم‌رسانای دوقطبی

اع۱ ابزار نیم‌رسانا
اع۲ ابزار حالت جامد
اع۳ دستگاه الکترونی
اخ۱ ترانزیستور دوقطبی
اخ۲ ترانزیستور دوقطبی با پیوندگاه ناهمگون
ان *Bipolar semiconductor device*

ابزار هیدرولیکی

اع۱ ابزار
اع۲ تجهیزات
اع۱ تجهیزات هیدرولیکی
اع۲ تجهیزات
ان *Hydraulic tools*

ابزاریابی(چاه نفت)

او تجهیزات حفاری چاه نفت
او چاه آزمایشی
او حفاری جهتی
او حفاظ چاه نفت
ان *Fishing (oil well)*

اپتیک

ب‌ک نورشناسی

اپیدمیولوژی

ب‌ک همه‌گیری‌شناسی

اتاق فوریت‌ها

اع۱ بیمارستان
اع۲ ساختمان
اع۳ سازه
ان *Emergency room*

اتاق بی‌پژواک

اع۱ آزمایشگاه صوت‌شناسی
اع۲ آزمایشگاه
اع۳ تسهیلات
او اندازه‌گیری متغیر صوتی
او بازآوایش
او تسهیلات آزمون
او صوت‌شناسی ساختمانی
ان *Anechoic chamber*

اتاق تصویراندازی

اع۱ تسهیلات
او نمایش‌سرای سینمایی
ان *Projection room*

اتاق شستشو

اع۱ تسهیلات
او آلوده‌شدن

او تولید ابزار نیم‌رسانا
او تولید مدارمجتمع
او مهندسی محیط
او همگذاری
ان *Clean room*

اتاق عمل

اع۱ بیمارستان
اع۲ ساختمان
اع۳ سازه
او تجهیزات زیست‌پزشکی
او جراحی
ان *Operating room*

اتاق فرمان(رادیو)

ب‌ک استودیوی رادیویی

اتاقک ابر

اع۱ آشکارساز ذره‌ای
اع۲ آشکارساز تابش
اع۳ آشکارساز
اع۲ سنج‌افزارگزینی هسته‌ای
اع۳ سنج‌افزار
او اتاقک یونش
ان *Cloud chamber*

اتاقک بالابر معدن

او بالابر معدن
او تجهیزات جابه‌جایی مواد
ان *Cage (mine hoists)*

اتاقک تشدید

ب‌ک بازآواگر کاواکی

اتاقک جرقه

اع۱ آشکارساز ذره‌ای
اع۲ آشکارساز تابش
اع۳ آشکارساز
اع۲ سنج‌افزارگزینی هسته‌ای
اع۳ سنج‌افزار
او اتاقک یونش
او اطاقک حباب
ان *Spark chamber*

اتاقک خلبان هواگرد

ب‌ک کابین خلبان(هواگرد)

اتاقک راننده کامیون

اع۱ کامیون
اع۲ وسیله نقلیه زمینی
اع۳ وسیله نقلیه
ان *Cab (truck)*

اتاق کنترل(نیروگاه)

اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
او تجهیزات کنترل
ان *Control room (power plant)*

اتاقک یونش

ب‌ج *اتاقک یونی*
اع۱ آشکارساز ذره‌ای
اع۲ آشکارساز تابش
اع۳ آشکارساز
اع۲ سنج‌افزارگزینی هسته‌ای
اع۳ سنج‌افزار
او اتاقک ابر
او اتاقک جرقه
او اطاقک حباب
او شمارگر تناسبی
او شمارگر گیگر
او یون
او یونش
ان *Ionization chamber*

اتاقک یونی

ب‌ک اتاقک یونش

اتان

اع۱ پارافین
اع۲ هیدروکربن
اع۳ ترکیبات آلی
ان *Ethane*

اتانول

ب‌ج *اتیل الکل*
ب‌ج *الکل تخمیری*
اع۱ الکل

اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او حلال
او سوخت اتانولی
او گازول
ان *Ethanol*

اتانوئیک اسید
ب‌ک استیک اسید

اتر
اع۱ هیدروکربن
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او اتر تاجی
او حلال
او نمک
ان *Ether*

اتر تاجی
اع۱ پلی‌اتر
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
او اتر
ان *Crown ether*

اتصال
اخ۱ اتصال کابل
اخ۱ پرچ‌کاری
اخ۱ پیچ‌کردن سنگ
اخ۱ مهار کشتی
اخ۲ مهار تک‌نقطه‌ای
او اتصال(اجزای سازه‌ای)
او جازنی انقباضی
او چفت
ان *Joining*

اتصال(اجزای سازه‌ای)
اع۱ عضو سازه‌ای
اع۲ اجزا
اع۲ سازه
اخ۱ اتصال انبساطی
اخ۱ اتصال پیچ‌شده
اخ۱ اتصال چسبنده
اخ۱ اتصال لحیم‌شده
اخ۱ اتصال لوله
اخ۱ جوش
او اتصال
او بست(سازه‌ای)
او پیوندزنی
او چفت
او درزبند
او سازه فولادی
او نشت‌بند
ان *Joint (structural components)*

اتصالات شلنگ
اع۱ شلنگ
اع۲ تجهیزات
ان *Hose fitting*

اتصال ارتباطی برون‌زمینی
ب‌ج *اتصال ارتباطی بین‌سیاره‌ای*
اع۱ خط ارتباط مخابراتی
اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
اخ۱ اتصال ماهواره‌ای
او پرواز بین‌سیاره‌ای
او پژوهش فضایی
او سفر فضایی
او مبنای قمری
ان *Extraterrestrial communication link*

اتصال ارتباطی بین‌سیاره‌ای
ب‌ک اتصال ارتباطی برون‌زمینی

اتصال الکتریکی
اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ اتصال اهمی
اخ۱ تماس نقطه‌ای
او بست الکتریکی
او تجهیزات سودهی تلفن
او جابه‌جاگر الکتریکی
او رسانای الکتریکی
او رسانای جارویی
او سوده الکتریکی
ان *Electric contact*

اتصال انبساطی

اع۱ اتصال(اجزای سازه‌ای)
اع۲ عضو سازه‌ای
اع۳ اجزا
اع۳ سازه
او اتصال لوله
او انبساط
ان *Expansion joint*

اتصال انفجاری

اع۱ پیوندزنی
او جوشکاری انفجاری
ان *Explosive bonding*

اتصال اهمی

اع۱ اتصال الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
ان *Ohmic contact*

اتصال به زمین
ب‌ک اتصال زمین الکتریکی

اتصال پیچ‌شده

اع۱ اتصال(اجزای سازه‌ای)
اع۲ عضو سازه‌ای
اع۳ اجزا
اع۳ سازه
او پیچ نر
ان *Bolted joint*

اتصال چسبنده

اع۱ اتصال(اجزای سازه‌ای)
اع۲ عضو سازه‌ای
اع۳ اجزا
اع۳ سازه
او پیوندزنی
او چسب
او چسب مومسان
او چسب‌زنی
او چسبندگی
او ساخت چوبی
او فراورده چوبی
ان *Adhesive joint*

اتصال زمین آنتن

اع۱ لوازم آنتن
اع۲ لوازم
او اتصال زمین الکتریکی
ان *Antenna ground*

اتصال زمین الکتریکی

ب‌چ *اتصال به زمین*
او اتصال زمین آنتن
او الکترود اتصال زمین
او الکتریسیته
او جرقه الکتریکی
او جریان اتصال کوتاه
او جریان معیوب الکتریکی
او جهش جرقه
او حفاظت رله‌ای
او محافظت تجهیزات الکتریکی
ان *Electric grounding*

اتصال زنجیره‌ای

اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
ان *Cascade connection*

اتصال سیستم نیروی برق

ب‌چ *سیستم توان هم‌پیوند*
او سیستم نیروی برق
او شبکه انتقال نیروی برق
ان *Electric power system interconnection*

اتصال کابل

ی‌د کابل الکتریکی
ب‌چ *محل اتصال کابل*
اع۱ اتصال
او بست الکتریکی
او رسانای الکتریکی
او کابل الکتریکی
او کابل نوری
ان *Cable jointing*

اتصال لحیم‌شده

اع۱ اتصال(اجزای سازه‌ای)
اع۲ عضو سازه‌ای
اع۳ اجزا

اع۳ سازه
او جوش
او لحیم‌کاری
ان *Soldered joint*

اتصال لوله

اع۱ اتصال(اجزای سازه‌ای)
اع۲ عضو سازه‌ای
اع۳ اجزا
اع۳ سازه
اع۱ لوله
اع۲ اجزا
او اتصال انبساطی
او جوش
او خط‌لوله
او فلنج
او واشر فیبری
ان *Pipe joint*

اتصال ماهواره‌ای

اع۱ اتصال ارتباطی برون‌زمینی
اع۲ خط ارتباط مخابراتی
اع۳ سیستم مخابراتی
او ترانسپوندر
او سیستم رله ماهواره
او ماهواره
ان *Satellite link*

اتلاف الکتریکی

اع۱ اتلاف انرژی
او اندازه‌گیری زاویه اتلاف الکتریکی
او تضعیف
او مبدل الکتریکی
ان *Electric losses*

اتلاف انرژی

پ‌ج *افت انرژی*
اخ۱ اتلاف الکتریکی
اخ۱ اتلاف گرما
او اتلافگر انرژی
او انتقال انرژی
ان *Energy dissipation*

اتلاف بار الکتریکی

پ‌ج *اتلاف بار خارجی*
اع۱ بار مبدل الکتریکی
اع۲ بار الکتریکی
ان *Electric load loss*

اتلاف بار خارجی

پ‌ک اتلاف بار الکتریکی

اتلافگر انرژی

اع۱ سازه
اخ۱ حوضچه آرامش
او اتلاف انرژی
او سازه آبی
ان *Energy dissipator*

اتلاف گرما

اع۱ اتلاف انرژی
او بام
او عایق‌کاری گرمایی
او گرمایش
او مخزن(بارگنج)
ان *Heat loss*

اتم

او ایزوتوپ
او رادیکال آزاد
او صورتبندی
او طیف‌نمایی اتمی
او فیزیک اتمی
او مولکول
او یون
ان *Atom*

اتم‌پاشی

پ‌ج *روکش فلزی کاتدی*
اخ۱ کند و پاش مگنترون
اخ۱ نهشت با اتم‌پاشی
او باریکه یونی
ان *Sputtering*

اتم‌ساز

اع۱ تجهیزات شیمیایی
اع۲ تجهیزات
او اتم‌سازی

ان *Atomizer*

اتم‌سازی

او اتم‌ساز
او دانه‌سازی
او سوخت
او سوخت مایع
او مایع
او هوامیز
ان *Atomization*

اتوبوس

اع۱ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ وسیله نقلیه
او پایانه اتوبوس
او ترابری اتوبوسی
او راننده اتوبوس
ان *Bus*

اتوزنی مصنوع نساجی

اع۱ تکمیل نساجی
اع۲ تکمیل
اع۳ فراورش
اع۲ فرایند نساجی
اع۳ فراورش
ان *Textile pressing*

اتوکلاو

اع۱ بارگنج
او بیمارستان
او پخت
او تجهیزات زیست‌پزشکی
او دیگ فشار
او سترون‌کننده
او واکنشگاه شیمیایی
ان *Autoclave*

اتیل الکل

ب‌ک اتانول

اتیلن

اع۱ اولفین
اع۲ هیدروکربن
اع۳ ترکیبات آلی
او پلی‌اتیلن
ان *Ethylene*

اثبات نظریه

اع۱ نظریه محاسبه
اع۲ نظریه
او حل مساله
او منطق صوری
او هوش مصنوعی
ان *Theorem proving*

اثر

اع۱ اثر آب دریا
اع۲ خوردگی ناشی از آب دریا
اع۱ اثر آفت‌کش
اع۱ اثر اجتماعی و اقتصادی
اع۱ اثر باد
اع۲ تنش باد
اع۱ اثر پهاش
اع۱ اثر تابش
اع۲ آسیب تابشی
اع۲ اثر باریکه لیزری
اع۳ برهم‌کنش بافت لیزر
اع۳ فرساب لیزر
اع۲ روشنایی کاتدی
اع۱ اثر ترکیب
اع۱ اثر تندباد
اع۱ اثر خوردگی
اع۱ اثر زلزله
اع۱ اثر فرودمایی
اع۲ اثر سردی
اع۱ اثر فشار
اع۱ اثر فشار قوی
اع۲ اثر فشار قوی در جامدات
اع۱ اثر گرانشی
اع۱ اثر گرما
اع۲ اثر دمای بالا
اع۱ اثر موج
اع۲ اثر پخش موج رادیویی
اع۲ اثر موج آب
اع۲ اثر موج صوتی
اع۳ اثر برقاصوتی
اع۳ اثر صوتی‌نوری
اع۳ اثر فراصوتی
اع۳ درخشایی صوتی

اخ۱ اثر میدان الکتریکی
اخ۲ اثر الکترونوری
اخ۳ اثر الکترونوری کر
اخ۳ الکتروکرومیسم
اخ۲ اثر برقاصوتی
اخ۲ اثر گان
اخ۲ اثر مغناطوالکتریکی
اخ۲ الکترورخشانی
اخ۲ الکتروهیدرودینامیک
اخ۲ انبارش بار در فضای محدود
اخ۲ انقباض الکتریکی
اخ۲ پیزوالکتریسیته
اخ۲ تخلیه الکتریکی
اخ۳ آذرخش
اخ۳ تخلیه پرتوی
اخ۳ تخلیه سطحی
اخ۳ تخلیه نسبی
اخ۳ جرقه الکتریکی
اخ۳ جرقه‌زنی الکتریکی
اخ۳ جونوفه
اخ۳ قوس الکتریکی
اخ۲ مهاجرت الکتریکی
اخ۱ اثر میدان مغناطیسی
اخ۲ اثر الکترونورمغناطیسی
اخ۲ اثر گالوانومغناطیسی
اخ۳ اثر هال
اخ۳ مقاومت مغناطیسی
اخ۲ اثر مغناطوالکتریکی
اخ۲ اثر مغناطوصوتی
اخ۲ اثر میدان الکترومغناطیسی
اخ۲ اثر نورمغناطیسی
اخ۳ اثر فارادی
اخ۳ پدیده نورمغناطیسی کر
اخ۲ تعلیق مغناطیسی
اخ۲ جداسازی مغناطیسی
اخ۲ دگرسانی مغناطیسی
اخ۲ مغناطوهیدرودینامیک
اخ۱ اثر یخبندان
ان *Effect*

اثر آب دریا

اع۱ اثر
اخ۱ خوردگی ناشی از آب دریا
او آب دریا
ان *Seawater effect*

اثر آفت‌کش

اع۱ اثر
او آفت‌کش
او آلودگی
او آلودگی آب
او آلودگی خاک
او کنترل آفت
ان *Pesticide effect*

اثر آهنرباصوتی

ب‌ک اثر مغناطوصوتی

اثر اجتماعی

ب‌ک اثر اجتماعی و اقتصادی

اثر اجتماعی و اقتصادی

ب‌چ *اثر اجتماعی*
ب‌چ *اثر اقتصادی*
اع۱ اثر
او استخدام
او اقتصاد
او انتقال فناوری
او پژوهش رفتاری
او پیش‌بینی فناورانه
او جنبه اجتماعی
او علوم اجتماعی
او فناوری
او کارکنان
ان *Economic and social effect*

اثر اقتصادی

ب‌ک اثر اجتماعی و اقتصادی

اثر الکترواکوستیک

ب‌ک اثر برقاصوتی

اثر الکترومغناطیسی

ب‌ک اثر مغناطوالکتریکی

اثر الکترونورمغناطیسی

اع۱ اثر میدان مغناطیسی
اع۲ اثر
اع۱ فوتوالکتریسیته
اع۲ ویژگی الکتریکی

اع۳ ویژگی فیزیکی
او الکترومغناطیس
ان *Photoelectromagnetic effect*

اثر الکترونوری

بج *الکترونوری*
اع۱ اثر میدان الکتریکی
اع۲ اثر
اخ۱ اثر الکترونوری کر
اخ۱ الکتروکرومیسم
او اثر نورمغناطیسی
او الکترورخشانی
او قطبش
او مدوله‌ساز نوری
او مدوله‌سازی نوری
او نورشناسی الکترونی
او نورشناسی غیرخطی
او ویژگی نوری
ان *Electrooptical effect*

اثر الکترونوری کر

اع۱ اثر الکترونوری
اع۲ اثر میدان الکتریکی
اع۳ اثر
او اثر کر نوری
او دوشکستی
ان *Kerr electrooptical effect*

اثر باد

اع۱ اثر
اخ۱ تنش باد
او اثر تندباد
او باد
او تندباد
او توفان
او طراحی سازه
او فرسایش
ان *Wind effect*

اثر باریکه لیزری

بج *آسیب لیزری*
بج *خسارت القاشده لیزری*
اع۱ اثر تابش
اع۲ اثر
اخ۱ برهم‌کنش بافت لیزر
اخ۱ فرساب لیزر
او باریکه لیزری
او کاربرد لیزر
ان *Laser beam effect*

اثربخشی هزینه

او تحقیق در عملیات
او حسابداری هزینه
او مدیریت صنعتی
او هزینه
ان *Cost effectiveness*

اثر برقاصوتی

بج *اثر الکتروآکوستیک*
اع۱ اثر موج صوتی
اع۲ اثر موج
اع۳ اثر
اع۱ اثر میدان الکتریکی
اع۲ اثر
او مواد نیم‌رسانا
ان *Acoustoelectric effect*

اثر پخش موج رادیویی

اع۱ اثر موج
اع۲ اثر
او ارسال رادیویی
او پس‌پراکندگی
ان *Radiowave propagation effect*

اثر پوسته

ی‌د تمایل جریان متناوب به شارش در نزدیکی سطح یک رسانا
بج *اثر پوسته‌ای رسانا*
بج *اثر کلوین*
او الکترودینامیک
او جریان الکتریکی
او دوفلزی
او رسانای الکتریکی
او مواد رسانا
ان *Skin effect*

اثر پوسته‌ای رسانا
ب‌ک اثر پوسته

اثر پ‌هاش
اع۱ اثر
او پ‌هاش
ان *PH effect*

اثر تابش
اع۱ اثر
اخ۱ آسیب تابشی
اخ۱ اثر باریکه لیزری
اخ۲ برهم‌کنش بافت لیزر
اخ۲ فرساب لیزر
اخ۱ روشنایی کاتدی
او تابش
او حفاظت تابشی
او خطر تابش
او محافظ تابش
او مقدارسنج
او مقدارسنجی
او هوازدگی
ان *Radiation effect*

اثر ترکیب
اع۱ اثر
او ترکیب(نسبت اجزای سازنده)
ان *Composition effect*

اثر تندباد
اع۱ اثر
او اثر باد
او اثر موج آب
او تندباد
او تنش باد
او ساختمان
او سازه
او طراحی سازه
او مقاومت در برابر تندباد
او هواشناسی
ان *Hurricane effect*

اثر تنگش
او پلاسما
او محصورسازی پلاسما
او میدان مغناطیسی
ان *Pinch effect*

اثر تونل
ب‌ک تونل‌زنی الکترونی

اثر حافظه شکلی
اع۱ ویژگی مکانیکی
او گرماکشسانی
او مصالح هوشمند
ان *Shape memory effect*

اثر خوردگی
ب‌چ *ویژگی خوردگی*
اع۱ اثر
او خوردگی
او مقاومت در برابر خوردگی
ان *Corrosive effect*

اثر درخشش
اع۱ دید
او درخشش
ان *Glare effect*

اثر دمای بالا
اع۱ اثر گرما
اع۲ اثر
او دما
او عملکرد دمای بالا
او کاربرد دمای بالا
او مهندسی دمای بالا
ان *High temperature effect*

اثر دوپلر
ب‌چ *انتقال دوپلر*
او انتشار موج‌صوتی
او تابشگر صوتی
او تندی
او رادار
او رادار دوپلر
او سرعت
او موج
او موج الکترومغناطیسی
او موج صوتی
او ناوبری
او نور
ان *Doppler effect*

اثر رامان

ب‌ک پراکندگی رامان

اثر زلزله

اع۱ اثر
او زلزله
او مقاومت در برابر زلزله
ان *Earthquake effect*

اثر زمین

اع۱ آیرودینامیک
اع۲ دینامیک گازها
اع۳ دینامیک سیالات
او برآر
او رد
او وسیله نقلیه با بالشتک هوا
ان *Ground effect*

اثر زنر

اع۱ جرقه‌زنی الکتریکی جامدات
اع۲ جرقه‌زنی الکتریکی
اع۳ تخلیه الکتریکی
اع۱ ویژگی الکتریکی
اع۲ ویژگی فیزیکی
او تونل‌زنی الکترونی
او دیود زنر
او مواد نیم‌رسانا
ان *Zener effect*

اثر سردی

اع۱ اثر فرودمایی
اع۲ اثر
او اثر یخبندان
او پدیده فرودما
او دما
او ساختمان شمالگان
او مساله آب‌وهوای سرد
او هیپوترمی
او ویژگی دمای پایین
ان *Cold effect*

اثر شلیک

ب‌ک نوفه شلیک

اثر صوتی‌نوری

ب‌ج *صوت نورشناسی*
اع۱ اثر موج صوتی
اع۲ اثر موج
اع۳ اثر
اع۱ ویژگی نوری
اع۲ ویژگی فیزیکی
او ابزار دیدالکترونیک
او ابزار صوتی‌نوری
او تراگذار صوتی
او فراصوت‌شناسی
او مدوله‌ساز نوری
او مدوله‌سازی نوری
او نور
او نور همدوس
ان *Acoustooptical effect*

اثر فارادی

اع۱ اثر نورمغناطیسی
اع۲ اثر میدان مغناطیسی
اع۳ اثر
او چرخش نوری
او قطبش نور
ان *Faraday effect*

اثر فتوالکتریک

ب‌ک فوتوالکتریسیته

اثر فراصوتی

اع۱ اثر موج صوتی
اع۲ اثر موج
اع۳ اثر
او ابزار فراصوتی
او تجهیزات فراصوتی
او فراصوت‌شناسی
او موج فراصوتی
ان *Ultrasonic effect*

اثر فرودمایی

اع۱ اثر
اع۱ اثر سردی
او تولید فرودما
او عملیات فرودمایی
او مهندسی فرودمایی
ان *Low temperature effect*

اثر فشار
اع۱ اثر
او اندازه‌گیری فشار
او فشار
او کنترل فشار
ان *Pressure effect*

اثر فشار قوی
پ‌ج *پدیده فشار بالا*
اع۱ اثر
اخ۱ اثر فشار قوی در جامدات
او فشار
او مهندسی فشار قوی
ان *High pressure effect*

اثر فشار قوی در جامدات
اع۱ اثر فشار قوی
اع۲ اثر
ان *High pressure effect in solids*

اثر فوتوولتایی
اع۱ فوتوالکتریسیته
اع۲ ویژگی الکتریکی
اع۳ ویژگی فیزیکی
او ابزار نیم‌رسانا
او پیل خورشیدی
او پیل فوتوولتایی
او مواد نیم‌رسانا
ان *Photovoltaic effect*

اثر کر نوری
اع۱ ویژگی نوری
اع۲ ویژگی فیزیکی
او اثر الکترونوری کر
او قطبش نور
او ناهمسانگردی
ان *Optical Kerr effect*

اثر کلوین
پ‌ک اثر پوسته

اثر گالوانومغناطیسی
اع۱ اثر میدان مغناطیسی
اع۲ اثر
اخ۱ اثر هال
اخ۱ مقاومت مغناطیسی
ان *Galvanomagnetic effect*

اثر گان
اع۱ اثر میدان الکتریکی
اع۲ اثر
اع۱ ویژگی الکتریکی
اع۲ ویژگی فیزیکی
او ابزار گان
او دیود گان
او مواد نیم‌رسانا
او نوسان‌ساز گان
ان *Gunn effect*

اثر گرانشی
اع۱ اثر
او گرانش
ان *Gravitational effect*

اثر گرما
اع۱ اثر
اخ۱ اثر دمای بالا
او انبساط گرمایی
او اندازه‌گیری متغیر گرمایی
او پخش گرمایی
او تجزیه گرمایی
او تنش گرمایی
او رسانندگی گرمایی
او کنترل متغیر گرمایی
او گرماآکسایش
او مساله آب‌وهوای گرم
او مساله گرما
او نوقه گرمایی
ان *Thermal effect*

اثر گرماالکتریکی
پ‌ک گرماالکتریکی

اثر گرماصوتی
پ‌ک اثر نوری‌صوتی

اثر گلخانه‌ای
اع۱ تغییر آب‌وهوا

او آب‌وهواشناسی
او آلودگی هوا
او تابش گرمایی
او دمای جوی
او کربن دی‌اکسید
او گرمایش
ان *Greenhouse effect*

اثر محیطی
ب‌ک نشانزد محیطی

اثر مغناطوالکتریکی
ب‌ج *اثر الکترومغناطیسی*
اع۱ اثر میدان الکتریکی
اع۲ اثر
اع۱ اثر میدان مغناطیسی
اع۲ اثر
او اثر میدان الکتریکی
او اثر میدان مغناطیسی
او اثر هال
او الکترومغناطیس
او ویژگی مغناطیسی
ان *Magnetoelectric effect*

اثر مغناطوصوتی
ب‌ج *اثر آهنرباصوتی*
اع۱ اثر میدان مغناطیسی
اع۲ اثر
او اثر موج صوتی
ان *Magnetoacoustic effect*

اثر موج
اع۱ اثر
اخ۱ اثر پخش موج رادیویی
اخ۱ اثر موج آب
اخ۱ اثر موج صوتی
اخ۲ اثر برقاصوتی
اخ۲ اثر صوتی‌نوری
اخ۲ اثر فراصوتی
اخ۲ درخشایی صوتی
او موج
ان *Wave effect*

اثر موج آب
اع۱ اثر موج
اع۲ اثر
او اثر تندباد
او موج آب
ان *Water wave effect*

اثر موج صوتی
اع۱ اثر موج
اع۲ اثر
اخ۱ اثر برقاصوتی
اخ۱ اثر صوتی‌نوری
اخ۱ اثر فراصوتی
اخ۱ درخشایی صوتی
او اثر مغناطوصوتی
او انتشار موج صوتی
او مهندسی فاکتورهای انسانی
او موج صوتی
ان *Acoustic wave effect*

اثر میدان الکترومغناطیسی
اع۱ اثر میدان مغناطیسی
اع۲ اثر
او اثر میدان الکتریکی
ان *Electromagnetic field effect*

اثر میدان الکتریکی
اع۱ اثر
اخ۱ اثر الکترونوری
اخ۲ اثر الکترونوری کر
اخ۲ الکترزوکرومیسم
اخ۱ اثر برقاصوتی
اخ۱ اثر گان
اخ۱ اثر مغناطوالکتریکی
اخ۱ الکترورخشانی
اخ۱ الکتروهیدرودینامیک
اخ۱ انبارش بار در فضای محدود
اخ۱ انقباض الکتریکی
اخ۱ پیزوالکتریسیته
اخ۱ تخلیه الکتریکی
اخ۲ آذرخش
اخ۲ تخلیه پرتوی
اخ۲ تخلیه سطحی
اخ۳ تخلیه هاله‌ای
اخ۲ تخلیه نسبی
اخ۲ جرقه الکتریکی

اخ۲ جرقه‌زنی الکتریکی
اخ۳ جرقه‌زنی الکتریکی جامدات
اخ۳ جرقه‌زنی الکتریکی گازها
اخ۳ جرقه‌زنی الکتریکی مایعات
اخ۲ جونوفه
اخ۲ قوس الکتریکی
اخ۳ قوس مدارشکن
اخ۱ مهاجرت الکتریکی
او اثر مغناطوالکتریکی
او اثر میدان الکترومغناطیسی
او الکتروشیمی
او الکتروفورز
او رسانایی الکتریکی
او میدان الکتریکی
او نورشناسی ذره‌ای
ان *Electric field effect*

اثر میدان مغناطیسی

اع۱ اثر
اخ۱ اثر الکترونورمغناطیسی
اخ۱ اثر گالوانومغناطیسی
اخ۲ اثر هال
اخ۲ مقاومت مغناطیسی
اخ۱ اثر مغناطوالکتریکی
اخ۱ اثر مغناطوصوتی
اخ۱ اثر میدان الکترومغناطیسی
اخ۱ اثر نورمغناطیسی
اخ۲ اثر فارادی
اخ۲ پدیده نورمغناطیسی کر
اخ۱ تعلیق مغناطیسی
اخ۱ جداسازی مغناطیسی
اخ۱ دگرسانی مغناطیسی
اخ۱ مغناطوهیدرودینامیک
او ابررسانایی
او اثر مغناطوالکتریکی
او اندازه‌گیری متغیر مغناطیسی
او میدان مغناطیسی
او نورشناسی ذره‌ای
او ویژگی مغناطیسی
ان *Magnetic field effect*

اثرناپذیرسازی

اع۱ بازدارنده خوردگی
او اکسایش
او اندود محافظ
ان *Passivation*

اثر نورمغناطیسی

ب‌ج *نورمغناطیسی*
اع۱ اثر میدان مغناطیسی
اع۲ اثر
اخ۱ اثر فارادی
اخ۱ پدیده نورمغناطیسی کر
او ابزار نورمغناطیسی
او اثر الکترونوری
او دوشکستی
او قطبش
او قطبش موج الکترومغناطیسی
او قطبش نور
او ویژگی مغناطیسی
او ویژگی نوری
ان *Magnetooptical effect*

اثر نوری‌صوتی

ب‌ج *اثر گرماصوتی*
ب‌ج *نوری‌صوتی*
او صوت‌شناسی
او طیف‌نمایی نوری‌صوتی
او مولد صوتی
ان *Photoacoustic effect*

اثر ویژه

او پخش تلویزیونی
او عکاسی
او کاربرد رایانه
او موسیقی رایانه‌ای
او نگاره‌سازی رایانه‌ای
ان *Special effect*

اثر هال

ب‌ج *ثابت هال*
اع۱ اثر گالوانومغناطیسی
اع۲ اثر میدان مغناطیسی
اع۳ اثر
او ابزار اثر هال
او اثر مغناطوالکتریکی
ان *Hall effect*

اثر یخبندان

اع۱ اثر
او اثر سردی
او جاده و خیابان
او حفاظت از یخبندان
او خاک
او خاک یخزده
او مساله آب‌وهوای سرد
او مقاومت در برابر یخبندان
ان *Frost effect*

اجاق

اع۱ تجهیزات گرمایش
اع۲ تجهیزات
اخ۱ اجاق الکتریکی
اخ۲ اجاق ریزموجی
اخ۱ اجاق صنعتی
اخ۲ اجاق ککسازی
اخ۲ پس‌سوز(اجاق)
او دستگاه الکتریکی
او کوره عملیات حرارتی
او کوره گرمایش
او گرمایش الکتریکی
او گرمایش صنعتی
ان *Oven*

اجاق الکتریکی

اع۱ اجاق
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
اخ۱ اجاق ریزموجی
او بخاری الکتریکی
او دستگاه الکتریکی
ان *Electric oven*

اجاق ریزموجی

اع۱ ابزار ریزموج
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ اجاق الکتریکی
اع۲ اجاق
اع۳ تجهیزات گرمایش
او دستگاه الکتریکی
ان *Microwave oven*

اجاق صنعتی

اع۱ اجاق
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
اخ۱ اجاق ککسازی
اخ۱ پس‌سوز(اجاق)
او بخاری صنعتی
او کوره
او کوره آجرپزی
او گاز خروجی
او نانوایی
ان *Industrial oven*

اجاق ککسازی

اع۱ اجاق صنعتی
اع۲ اجاق
اع۳ تجهیزات گرمایش
اع۱ واحد صنعتی ککسازی
اع۲ واحد صنعتی
او تقطیر تخریبی زغال‌سنگ
ان *Coke oven*

اجتناب از تصادف

او آدمک متحرک
او برنامه‌ریزی حرکت
او پیشگیری حادثه
او مراقبت پرواز
او ناوبری
ان *Collision avoidance*

اجزا

ب‌ج *قطعه*
اخ۱ آونگ
اخ۱ اجزای پل
اخ۲ بافه پل
اخ۲ پایه پل
اخ۲ پایه‌بان(پل)
اخ۲ تکیه‌گاه پل
اخ۲ راه پل
اخ۲ عرشه پل
اخ۱ اجزای تار نوری
اخ۱ اجزای شبکه
اخ۲ مقاومت
اخ۳ پتانسیل‌سنج(مقاومت)
اخ۳ پوزیستور
اخ۳ فوتومقاومت

اخ۳	مقاومت گرمایی
اخ۳	وارسیتور
اخ۲	واکنشگاه الکتریکی
اخ۳	القاگر الکتریکی
اخ۳	بوبین محدودساز جریان
اخ۳	خازن
اخ۳	واکنشگاه هسته‌ای اشباع‌پذیر
اخ۱	اجزای لامپ الکترونی
اخ۲	تفنگ الکترونی
اخ۲	گازربا
اخ۲	یوغ انحراف
اخ۱	اجزای ماشین
اخ۲	بادامک
اخ۲	پیستون موتور
اخ۲	تسمه
اخ۳	تسمه سایا
اخ۳	تسمه سیمی
اخ۲	چرخ‌دنده
اخ۳	چرخ‌دنده حلزونی
اخ۳	چرخ‌دنده خورشیدی
اخ۳	چرخ‌دنده ساده
اخ۳	چرخ‌دنده غیرفلزی
اخ۳	چرخ‌دنده مارپیچی
اخ۳	چرخ‌دنده مخروطی
اخ۳	دندانه چرخ‌دنده
اخ۳	کاهنده سرعت
اخ۲	راه‌انداز
اخ۲	صفحه(اجزای ماشین)
اخ۳	صفحه چرخان
اخ۳	صفحه گسیختگی
اخ۲	غلتک(اجزای ماشین)
اخ۲	قفل گاردان
اخ۲	محرک
اخ۳	رانه الکتریکی
اخ۳	مبدل گشتاور نیرو
اخ۳	محرک بادی
اخ۳	محرک با سرعت وردش‌پذیر
اخ۳	محرک مکانیکی
اخ۳	محرک هیدرولیکی
اخ۲	محور(اجزای ماشین)
اخ۳	پیچ جلوبر
اخ۳	میل‌لنگ
اخ۲	میل بادامک
اخ۲	نمدساز
اخ۲	نورد(اجزای ماشین)
اخ۲	هزارخار
اخ۲	یاتاقان(قسمت‌های ماشین)
اخ۳	بالشتک یاتاقان
اخ۳	یاتاقان آب‌ایستایی
اخ۳	یاتاقان پیشرانه
اخ۳	یاتاقان راه‌آهن
اخ۳	یاتاقان سر محور
اخ۳	یاتاقان صفحه‌ای
اخ۳	یاتاقان ضداصطکاک
اخ۳	یاتاقان غیرفلزی
اخ۳	یاتاقان کوچک
اخ۳	یاتاقان مغناطیسی
اخ۱	اجزای موجبر
اخ۲	پیوندگاه موجبر
اخ۲	تضعیفگر موجبر
اخ۲	جداساز موجبر
اخ۲	جفت‌ساز موجبر
اخ۲	دایره‌زن موجبر
اخ۲	مبدل موجبر
اخ۱	برگه آب‌بر
اخ۱	بست(سازه‌ای)
اخ۱	بوش
اخ۱	پیستون
اخ۲	پیستون موتور
اخ۱	تکیه‌گاه
اخ۲	پشتیبانی خط الکتریکی
اخ۳	برج الکتریکی
اخ۲	تکیه‌گاه زمینی
اخ۲	تکیه‌گاه سطح جاده
اخ۲	دیرک
اخ۲	نگهدارنده سقف معدن
اخ۱	جفت‌ساز
اخ۲	جفت‌ساز انعطاف‌پذیر
اخ۲	جفت‌ساز دریایی
اخ۲	جفت‌ساز مغناطیسی
اخ۲	قلاب واگن راه‌آهن
اخ۱	چرخ‌آویز(اجزا)
اخ۲	چرخ‌آویز وسیله نقلیه
اخ۳	چرخ‌آویز خودرو
اخ۱	چفت
اخ۲	پرچ
اخ۲	پیچ
اخ۳	پیچ خودسوراخ‌کن
اخ۳	رزوه پیچ
اخ۲	پیچ دوسر(چفت)
اخ۲	پیچ نر
اخ۲	چفت به‌کاراندازی مواد منفجره

اخ۲ قفل(چفت)
اخ۳ جای خار
اخ۳ قفل در خودرو
اخ۲ قلاب
اخ۲ مهره(چفت)
اخ۲ میخ
اخ۲ واشر
اخ۱ حلقه(اجزا)
اخ۲ حلقه پیستون
اخ۱ دگمه چرخشی
اخ۱ دنده چرخ زنجیرخور
اخ۱ روزنه
اخ۱ روزنه تهویه
اخ۱ زنجیر
اخ۱ سوارش
اخ۲ دسته موتور
اخ۲ سوارش پادارتعاش
اخ۲ سوارش یاتاقان
اخ۱ عدسی
اخ۲ عدسک
اخ۲ عدسی الکتروستاتیکی
اخ۲ عدسی الکترونی
اخ۲ عدسی داخل چشمی
اخ۲ عدسی سنج‌افزار نوری
اخ۳ عدسی دوربین
اخ۲ عدسی مغناطیسی
اخ۲ عدسی مومسان
اخ۱ عضو سازه‌ای
اخ۲ اتصال(اجزای سازه‌ای)
اخ۳ اتصال انبساطی
اخ۳ اتصال پیچ‌شده
اخ۳ اتصال چسبنده
اخ۳ اتصال لحیم‌شده
اخ۳ اتصال لوله
اخ۳ جوش
اخ۲ پانل سازه‌ای
اخ۲ پایه(عضو سازه‌ای)
اخ۲ پی‌بندی
اخ۲ تکیه‌گاه(سازه‌ای)
اخ۳ تکیه‌گاه پل
اخ۲ تیر و شاه‌تیر
اخ۳ تیر و شاه‌تیر پیش‌تنیده
اخ۳ تیر و شاه‌تیر آلومینیومی
اخ۳ تیر و شاه‌تیر بتنی
اخ۳ تیر و شاه‌تیر چوبی
اخ۳ تیر و شاه‌تیر فولادی
اخ۳ تیر و شاه‌تیر قوسی
اخ۳ تیر و شاه‌تیر مختلط
اخ۲ تیغه(اجزای سازه‌ای)
اخ۲ سازه قوسی
اخ۲ ستون(سازه‌ای)
اخ۲ شمع(در ساختمان)
اخ۲ صفحه(اجزای سازه‌ای)
اخ۲ طبقه(ساختمان)
اخ۳ کف چوبی
اخ۲ عضو فشاری
اخ۲ نرده
اخ۳ نرده شبرنگ
اخ۱ فانوسه
اخ۱ فلنج
اخ۱ فنر(اجزا)
اخ۲ فنر حلقه‌ای
اخ۲ فنر مارپیچی
اخ۲ فنر وسیله نقلیه
اخ۳ فنر خودرو
اخ۱ قطعه مومسان
اخ۱ لایی فلزی
اخ۱ لولا
اخ۱ لوله
اخ۲ آستره لوله
اخ۲ اتصال لوله
اخ۲ بازناو
اخ۲ رایزر دریایی
اخ۲ لوله آلومینیومی
اخ۲ لوله بتنی
اخ۲ لوله چدنی
اخ۲ لوله حفاری
اخ۲ لوله رسی
اخ۲ لوله سیمان پنبه نسوز
اخ۲ لوله فولادی
اخ۲ لوله گرمارسان
اخ۲ لوله مسی
اخ۲ لوله مومسان
اخ۲ لوله نیکلی
اخ۲ متعلقات لوله
اخ۱ لوله(اجزا)
اخ۲ حفاظ چاه نفت
اخ۲ لوله ابرگرم‌کن
اخ۲ لوله چگالنده
اخ۲ لوله شوک
اخ۲ لوله قابل انبساط
اخ۲ لوله قابل کشش

اخ۲ لوله متلاشی‌شدنی
اخ۲ لوله مویین
اخ۲ لوله هوای فشرده
اخ۱ محور
اخ۱ میان‌پرده
اخ۱ نازل
اخ۱ نشت‌بند
اخ۲ آب‌بندی
اخ۲ حلقه پیستون
اخ۲ واشر فیبری
اخ۱ هواشکن
اخ۲ بال
اخ۲ شهپر جت
او تجهیزات
او توزیع ویبول
او لوازم
ان *Components*

اجزای پل

اع۱ اجزا
اع۱ پل
اع۲ سازه
اخ۱ بافه پل
اخ۱ پایه پل
اخ۱ پایه‌بان(پل)
اخ۱ تکیه‌گاه پل
اخ۱ راه پل
اخ۱ عرشه پل
ان *Bridge components*

اجزای تار نوری

اع۱ اجزا
او تار نوری
او نورشناسی تارها
ان *Fiber optic components*

اجزای ساختمان

اع۱ ساختمان
اع۲ سازه
اخ۱ پله
اخ۱ پنجره
اخ۱ توری پنجره
اخ۱ در
اخ۲ دستگیره در
اخ۱ درونی(ساختمان)
اخ۱ دودکش
اخ۲ پوشش دودکش
اخ۲ دودکش کوره
اخ۱ دیوار(بخش سازه‌ای)
اخ۲ دیوار برشی
اخ۱ دیوارک(ساختمان)
اخ۱ رخ‌پوش
اخ۱ سایبان آفتابی
اخ۱ سقف
اخ۱ سیستم هشدار ساختمان
اخ۱ سیم‌کشی ساختمان
اخ۱ نمای ساختمان
او بام
او روشنایی
او عایق‌کاری
او عضو سازه‌ای
او نرده
ان *Building components*

اجزای سنج‌افزار

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
اخ۱ سیستم بازخوانی
اخ۲ بازخوانی از دور
اخ۲ مقیاس سنج‌افزار
اخ۱ شماره‌گیر سنج‌افزار
اخ۱ مبدل اسباب الکتریکی
اخ۱ مدار سنج‌افزار
اخ۱ نمایشگر سنج‌افزار
اخ۲ صفحه نمایش رادار
او دگمه چرخشی
ان *Instrument components*

اجزای شبکه

اع۱ اجزا
اع۱ شبکه(مدار)
اخ۱ مقاومت
اخ۲ پتانسیل‌سنج(مقاومت)
اخ۲ پوزیستور
اخ۲ فوتومقاومت
اخ۲ مقاومت گرمایی
اخ۲ وارسیتور
اخ۱ واکنشگاه الکتریکی
اخ۲ القاگر الکتریکی
اخ۳ القاگر توان

اخ۲ بوبین محدودساز جریان
اخ۲ خازن
اخ۳ خازن برق‌کافتی
اخ۳ خازن سرامیکی
اخ۳ خازن کاغذی
اخ۳ واراکتور
اخ۲ واکنشگاه هسته‌ای اشباع‌پذیر
ان *Network components*

اجزای لامپ الکترونی

اع۱ اجزا
اع۱ لامپ الکترونی
اع۲ دستگاه الکترونی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اخ۱ تفنگ الکترونی
اخ۱ گازربا
اخ۱ یوغ انحراف
او الکترود
او آند
او کاتد
او کاتد فوتوالکتریک
ان *Electron tube components*

اجزای ماشین

اع۱ اجزا
اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ بادامک
اخ۱ پیستون موتور
اخ۱ تسمه
اخ۲ تسمه سایا
اخ۲ تسمه سیمی
اخ۱ چرخ‌دنده
اخ۲ چرخ‌دنده حلزونی
اخ۲ چرخ‌دنده خورشیدی
اخ۲ چرخ‌دنده ساده
اخ۲ چرخ‌دنده غیرفلزی
اخ۲ چرخ‌دنده مارپیچی
اخ۲ چرخ‌دنده مخروطی
اخ۲ دندانه چرخ‌دنده
اخ۲ کاهنده سرعت
اخ۱ راه‌انداز
اخ۱ صفحه(اجزای ماشین)
اخ۲ صفحه چرخان
اخ۲ صفحه گسیختگی
اخ۱ غلتک(اجزای ماشین)
اخ۱ قفل گاردان
اخ۱ محرک
اخ۲ رانه الکتریکی
اخ۲ مبدل گشتاور نیرو
اخ۳ گشتاورزای مکانیکی
اخ۳ مبدل گشتاور هیدرولیکی
اخ۲ محرک بادی
اخ۲ محرک با سرعت وردش‌پذیر
اخ۲ محرک مکانیکی
اخ۳ جعبه‌دنده
اخ۲ محرک هیدرولیکی
اخ۳ مبدل گشتاور هیدرولیکی
اخ۱ محور(اجزای ماشین)
اخ۲ پیچ جلوبر
اخ۲ میل‌لنگ
اخ۱ میل بادامک
اخ۱ نمدساز
اخ۱ نورد(اجزای ماشین)
اخ۱ هزارخار
اخ۱ یاتاقان(قسمت‌های ماشین)
اخ۲ بالشتک یاتاقان
اخ۲ یاتاقان آب‌ایستایی
اخ۲ یاتاقان پیشرانه
اخ۲ یاتاقان راه‌آهن
اخ۲ یاتاقان سر محور
اخ۲ یاتاقان صفحه‌ای
اخ۲ یاتاقان ضداصطکاک
اخ۳ یاتاقان خودروغن‌کار
اخ۳ یاتاقان روغنکاری‌شده گازی
اخ۳ یاتاقان ساچمه‌ای
اخ۳ یاتاقان غلتکی
اخ۲ یاتاقان غیرفلزی
اخ۲ یاتاقان کوچک
اخ۲ یاتاقان مغناطیسی
او کلاچ
ان *Machine components*

اجزای ماشین‌آلات الکتریکی

اع۱ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ سیم‌پیچ ماشین
اخ۲ ایستانه
اخ۲ روتور(سیم‌پیچ)
اخ۱ عایق‌بندی ماشین الکتریکی

او جابه‌جاگر الکتریکی
او رسانای جارویی
او وارونگر الکتریکی
ان *Electric machinery components*

اجزای موجبر

اع۱ اجزا
اع۱ موجبر
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ پیوندگاه موجبر
اخ۱ تضعیفگر موجبر
اخ۱ جداساز موجبر
اخ۱ جفت‌ساز موجبر
اخ۱ دایره‌زن موجبر
اخ۱ مبدل موجبر
او ابزار فریتی
او پالایه ریزموج
او تشدیدگر
او جداساز ریزموج
او محدودساز ریزموج
ان *Waveguide components*

احتراق

ب‌ج سوختن
اع۱ واکنش شیمیایی
اخ۱ احتراق بستر سیال
اخ۱ احتراق خودبه‌خود
اخ۱ احتراق در جا
اخ۲ احتراق در جای زغال
اخ۱ احتراق زغال‌سنگ
اخ۱ احتراق معکوس
اخ۱ افروزش
اخ۲ پیش‌افروزش
اخ۱ خاکسترسازی پسمانده
اخ۲ خاکسترسازی زباله
او آتش‌زنی دیگ بخار
او آتش‌سوزی
او ارزش گرمایی
او اکسایش
او انفجار (ضربه‌ای)
او تجهیزات احتراق
او تزریق آب
او جستجوی شعله
او دوده
او سینتیک واکنش
او ضربه احتراق
او غنی‌سازی فشاری اکسیژن
او قابلیت اشتعال
او کنترل دما
او کوره
او گرمایش
او موتور بار لایه‌ای
ان *Combustion*

احتراق بستر سیال

اع۱ احتراق
اع۲ واکنش شیمیایی
او بستر سیال
او کوره با بستر شارانیده
او کوره بستر سیال
ان *Fluidized bed combustion*

احتراق خودبه‌خود

اع۱ احتراق
اع۲ واکنش شیمیایی
او آتش‌سوزی
او افروزش
او انفجار (ترکشی)
او حفاظت در مقابل آتش‌سوزی
او خطر آتش‌سوزی
او قابلیت اشتعال
ان *Spontaneous combustion*

احتراق در جا

اع۱ احتراق
اع۲ واکنش شیمیایی
اع۱ فراورش در جا
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
اخ۱ احتراق در جای زغال
او احتراق معکوس
او بازیافت گرمایی نفت
او بهره‌برداری از چاه نفت
ان *In.situ combustion*

احتراق در جای زغال

اع۱ احتراق در جا
اع۲ احتراق
اع۳ واکنش شیمیایی

اع۲ فراورش در جا
اع۳ فراورش
او گاز زغال‌سنگ
ان *In situ coal combustion*

احتراق زغال‌سنگ
اع۱ احتراق
اع۲ واکنش شیمیایی
او توربین گازی زغال‌سنگ‌سوز
او دیگ بخار زغال‌سنگ‌سوز
او زغال‌سنگ
او کوره زغال‌سنگ‌سوز
او گرد زغال
ان *Coal combustion*

احتراق معکوس
اع۱ احتراق
اع۲ واکنش شیمیایی
او احتراق در جا
ان *Reverse combustion*

احتمال
بج *احتمال خطا*
بج *توزیع احتمال*
اع۱ فن ریاضی
او آمار
او برنامه‌نویسی غیرمستدل
او تحقیق در عملیات
او روش آماری
او روش مونت‌کارلو
او زمان‌بندی
او فرایند تصادفی
او فرایند مارکوف
او کنترل کیفیت
او منطق احتمالاتی
او نظریه اطلاعات
او نظریه بازی
او نظریه تصمیم
او نظریه صف
او نظریه نابسامانی
او نمونه‌برداری
ان *Probability*

احتمال خطا
ب‌ک اجتمال

ب‌ک خطا

احیا
بج *احیای لجن*
اع۱ بازیافت
اخ۱ احیای زغال‌سنگ
اخ۱ احیای زمین
اخ۱ بازگردانی
اخ۲ بازگردانی آب
اخ۱ بازیافت پساب
او به‌کاربری پسمانده
ان *Reclamation*

احیای برق‌کافتی
اع۱ کاهش
اع۲ واکنش شیمیایی
او برق‌کافت
او عمل‌آوری کان‌سنگ
ان *Electrolytic reduction*

احیای داغ
ب‌ک گرم‌کاری

احیای زغال‌سنگ
اع۱ احیا
اع۲ بازیافت
او زغال‌سنگ
ان *Coal reclamation*

احیای زمین
اع۱ احیا
اع۲ بازیافت
او برنامه‌ریزی شهری
او برنامه‌ریزی منطقه‌ای
او حفاظت خاک
او کاربری زمین
او معدن
او معدن‌کاری
او مکان دفن بهداشتی زباله
او مهندسی محیط
ان *Land reclamation*

احیای کان‌سنگ
اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ

اع۲ تولید
اع۱ کاهش
اع۲ واکنش شیمیایی
اخ۱ احیای کان‌سنگ آهن
ان *Ore reduction*

احیای کان‌سنگ آهن
اع۱ احیای کان‌سنگ
اع۲ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۳ تولید
اع۲ کاهش
اع۳ واکنش شیمیایی
او کان‌سنگ آهن
ان *Iron ore reduction*

احیای لجن
ب‌ک احیا

اختراع
ب‌ک ثبت اختراع و اختراع

اخترشناسی
اع۱ علوم طبیعی
اخ۱ اخترشناسی راداری
اخ۱ اخترشناسی رادیویی
اخ۱ اخترفیزیک
او افلاک نما
او پژوهش فضایی
او تلسکوپ
او رصدخانه
او کره ماه
او کهکشان
او ماهواره نجومی
او منظومه شمسی
او نسبیت
ان *Astronomy*

اخترشناسی راداری
اع۱ اخترشناسی
اع۲ علوم طبیعی
او رادار
او رصدخانه
ان *Radar astronomy*

اخترشناسی رادیویی
اع۱ اخترشناسی
اع۲ علوم طبیعی
او تلسکوپ رادیویی
او رادیو
او ردیابی(مکان)
او رصدخانه
او طیف‌نمایی بسامد رادیویی
ان *Radio astronomy*

اخترفیزیک
اع۱ اخترشناسی
اع۲ علوم طبیعی
اع۱ فیزیک
اع۲ علوم طبیعی
او پژوهش فضایی
او کهکشان
او مدار
او مسیر
او نسبیت
ان *Astrophysic*

اختلاط چندموجی
ب‌ک اختلاط چهارموجی

اختلاط چهارموجی
ب‌ج *اختلاط چندموجی*
اع۱ نورشناسی غیرخطی
اع۲ نورشناسی
اع۳ فیزیک
ان *Four wave mixing*

اداره
ب‌ک مدیریت

اداره آینده
ب‌ک خودکارسازی اداره

اداره بزرگراه
اع۱ مدیریت
او برنامه‌ریزی بزرگراه
او جاده و خیابان
او حریم راه
او نشیمتم بزرگراه

او مهندسی راه
ان *Highway administration*

ادراک
ب‌ک ادراک حسی

ادراک حسی
ی‌د شامل احساس درد، تحریکات درونی اعضا، بویایی، چشایی، احساس دما و لامسه
ب‌ج *ادراک*
اخ۱ بینایی
اخ۲ ادراک عمق
اخ۲ دید دوچشمی
اخ۲ دید رنگی
اخ۱ شنوایی
اخ۲ شنوایی زیرآبی
او برانگیختگی
او بو
او پس‌خورد حسی
او پس‌خورد زیستی
او کمک‌حسی
او مهندسی فاکتورهای انسانی
ان *Sensory perception*

ادراک خطرپذیری
او خطرپذیری
ان *Risk perception*

ادراک عمق
اع۱ بینایی
اع۲ ادراک حسی
او آدمک صنعتی
او دید رایانه‌ای
ان *Depth perception*

ادغام
اع۱ داده‌گردانی
اع۲ داده‌پردازی
او برنامه‌نویسی سیستم رایانه
او مرتب‌سازی
ان *Merging*

ادغام مغناطیسی
ب‌ک انتشار موج الکترومغناطیسی در پلاسما

ادوات کشاورزی
اع۱ تجهیزات
او تراکتور
او ماشین‌آلات کشاورزی
ان *Agricultural implements*

ارابه فرود(هواگرد)
ب‌ج *چرخ‌دنده فرود هواپیما*
اع۱ قطعات و تجهیزات هواگرد
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ هواگرد
اخ۱ ابزار جلوگیری‌کننده(هواگرد)
اخ۱ ابزار جمع‌کردن ارابه فرود
او فرود
ان *Landing gear (aircraft)*

اربیم
اع۱ عنصر خاکی کمیاب
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آلیاژ اربیم
او ترکیبات اربیم
ان *Erbium*

ارتاسازی
اع۱ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۲ تجهیزات
او ارتوپدی
او پروستتیک
او تجهیزات توانبخشی انسانی
او تحریک عصبی کنشی
او کمک‌راه‌رفتن
ان *Orthotics*

ارتباط
ی‌د ارتباط به طور کلی و ارتباط حضوری و محلی. برای ارتباط در یک مسافت، اصطلاح "مخابرات" را به کار برید. یک اصطلاح خیلی عام، ترجیحا نوع خاصی از ارتباط را به کار برید.
اخ۱ ارتباطات زیستی
اخ۱ ارتباط گفتاری
اخ۱ اشاعه اطلاعات
اخ۲ نشر
اخ۳ نشر الکترونیکی

اخ۳ نشر رومیزی
اخ۲ نوشتن فنی
اخ۱ سیگنال‌دهی
اخ۱ مخابرات
اخ۲ ارتباط حاملی
اخ۳ ارسال حامل روی خط انتقال نیرو
اخ۳ انتقال دیپلکس
اخ۳ تلفن حاملی
اخ۳ تلگراف حاملی
اخ۲ ارتباط دیداری
اخ۲ ارتباط رادیویی
اخ۳ ارتباط طیف گسترده
اخ۳ پخش رادیویی
اخ۲ ارتباط نوری
اخ۲ ارتباط هواگردی
اخ۲ انتقال گفتار
اخ۲ تراکم پهنای نوار
اخ۲ تلفن
اخ۳ برخوانی فراهمایی
اخ۳ تلفن حاملی
اخ۳ تلفن رادیویی
اخ۲ تلگراف
اخ۳ تلگراف حاملی
اخ۳ تلگراف رادیویی
اخ۲ تلویزیون
اخ۳ تلویزیون اشتراک‌دار
اخ۳ تلویزیون دقت‌بالا
اخ۳ تلویزیون رنگی
اخ۳ تلویزیون مادون قرمز
اخ۲ خدمات مخابراتی
اخ۳ پخش
اخ۳ پست الکترونیکی
اخ۳ متن‌نما
اخ۳ نمابر
اخ۲ دورسخنی
اخ۲ دورسنجی
اخ۲ رادیو
اخ۳ دریافت چندبرابر
او سیستم ارتباطی
ان *Communication*

ارتباطات اطلاعاتی و صوتی
ب‌ک سیستم ارتباطات صوتی‌داده‌ای

ارتباطات زیستی
ب‌ج *ارتباط حیوانات*
اع۱ ارتباط
او سیبرنتیک
او سیستم یادگیری
او شنوایی
او کنترل زیستی
او گفتار
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Biocommunications*

ارتباطات شخصی
ب‌ک سیستم تلفنی یاخته‌ای

ارتباطات نظامی
اع۱ عملیات نظامی
او پادسنجش الکترونیکی نظامی
او تجهیزات رادیویی نظامی
او تجهیزات نظامی
او داده‌پردازی نظامی
او سیستم ارتباطی
او سیستم فرمان و کنترل
او ماهواره نظامی
او مرکز تلفن نظامی
او مهندسی نظامی
ان *Military communications*

ارتباطات یاخته‌ای
ب‌ک سیستم رادیویی یاخته‌ای

ارتباط حاملی
اع۱ مخابرات
اع۲ ارتباط
اخ۱ ارسال حامل روی خط انتقال نیرو
اخ۱ انتقال دیپلکس
اخ۱ تلفن حاملی
اخ۱ تلگراف حاملی
او خط الکتریکی
ان *Carrier communication*

ارتباط حیوانات
ب‌ک ارتباطات زیستی

ارتباط دوربرد
ب‌ک مخابرات

ارتباط دیداری

اع۱	مخابرات
اع۲	ارتباط
او	ارتباط نوری
او	پردازش سیگنال ویدئویی
او	تجهیزات تلفن تصویری
او	تلویزیون
او	دورسنجی
او	سودهی بسته‌بیتی
او	شبکه باندپهن
ان	*Visual communication*

ارتباط رادیویی

اع۱	مخابرات
اع۲	ارتباط
اخ۱	ارتباط طیف گسترده
اخ۱	پخش رادیویی
او	ارسال رادیویی همتافت
او	تجهیزات رادیویی
او	تخصیص بسامد
او	تلفن رادیویی
او	تلگراف رادیویی
او	خط ارتباط رادیویی
او	دورسنجی
او	رادیو
او	سیستم رادیویی
او	سیستم مخابراتی سیار
ان	*Radio communication*

ارتباط طیف گسترده

اع۱	ارتباط رادیویی
اع۲	مخابرات
اع۳	ارتباط
او	ارسال رادیویی
او	سیستم رادیویی سیار
ان	*Spread spectrum communication*

ارتباط گفتاری

ی‌د	مستقیما با شنونده یا گیرنده‌های دیگر. در موارد دیگر اصطلاح "انتقال گفتار" را به کار برید.
اع۱	ارتباط
او	اشاعه اطلاعات
او	انتقال گفتار
او	گفتار
ان	*Speech communication*

ارتباط لیزری

ب‌ک	پیوند نوری

ارتباط نوری

اع۱	مخابرات
اع۲	ارتباط
او	ارتباط دیداری
او	باریکه لیزری
او	پیوند نوری
او	تجهیزات ارتباط نوری
او	شبکه تار نوری
او	کاربرد لیزر
او	نور
او	نورشناسی
او	نورشناسی تارها
او	هم‌پیوند نوری
ان	*Optical communication*

ارتباط هواگردی

اع۱	مخابرات
اع۲	ارتباط
او	بالگرد
او	پشتیبانی زمینی هوافضا
او	تجهیزات رادار هواگرد
او	سیستم مخابراتی سیار
او	مراقبت پرواز
او	ناوبری هوایی
او	هواپیمایی
او	هواگرد
ان	*Aircraft communication*

ارتعاش(مکانیکی)

ی‌د	تناوبی یا تصادفی، آزاد یا اجباری
اع۱	دینامیک
اع۲	مکانیک
اخ۱	ارتعاش ماشین
او	ارتعاشگر
او	اندازه‌گیری ارتعاش
او	تشدید
او	حفاری
او	صوت‌شناسی
او	ضربه‌گیر
او	طراحی سازه
او	فشرده‌سازی
او	کنترل ارتعاش

او لرزش بتن
او مته سنگ‌شکن
او موازنه
او موج صوتی
او موج کشسانی
او میرایی
او نوسان
او نوفه صوتی
ان *Vibration (mechanical)*

ارتعاش بتن
ب‌ک لرزش بتن

ارتعاش‌سنج دیاپازونی
اع۱ لامپ ریزموجی
اع۲ ابزار ریزموج
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ لامپ الکترونی
اع۳ دستگاه الکترونی
او تقویت‌کننده ریزموج
او تولید ریزموج
ان *Gyrotron*

ارتعاش شبکه
ب‌ج *دینامیک شبکه*
ب‌ج *ضریب پراکندگی اتمی*
ب‌ج *مد صوتی(بلور)*
ب‌ج *مکانیک شبکه*
او ساختار اتمی بلور
او فونون
او موج صوتی
او نقص بلور
ان *Lattice vibration*

ارتعاشگر
ی‌د ابزاری برای تولید ارتعاش مکانیکی
اع۱ نوسانگر(مکانیکی)
اع۲ تجهیزات
او ارتعاش(مکانیکی)
او باربر نقاله‌ای لرزشی
او تجهیزات جابه‌جایی مواد
او غربال لرزشی
او مولد صوتی
ان *Vibrator*

ارتعاش ماشین
اع۱ ارتعاش(مکانیکی)
اع۲ دینامیک
اع۳ مکانیک
او سوارش پادارتعاش
او ماشین‌آلات
ان *Machine vibration*

ارتعاش مولکولی
او طیف‌نمایی مولکولی
ان *Molecular vibration*

ارتفاع‌سنج بی‌مایع
ب‌ج *فرازسنج بارومتری*
اع۱ بردیاب
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او سنج‌افزار نقشه‌برداری
او سنج‌افزار هواگرد
ان *Aneroid altimeter*

ارتفاع‌سنج رادیویی
اع۱ بردیاب
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۱ تجهیزات رادیویی
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او سنج‌افزار نقشه‌برداری
او سنج‌افزار هواگرد
ان *Radio altimeter*

ارتوپدی
اع۱ پزشکی
او ارتاسازی
او استخوان
او دستگاه عضلانی‌اسکلتی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Orthopedics*

ارزش گرمایی
اع۱ ویژگی ترمودینامیکی
اع۱ ویژگی فیزیکی
او احتراق

او آزمایش دمای بالا
او سوخت
او گرماسنجی
ان *Calorific value*

ارزشیابی

اع۱ ارزیابی مخزن نفت
اع۱ رتبه‌بندی کارکنان
او آزمایش
او بازرسی
او عملکرد
او گزینش و ارزشیابی رایانه‌ای
او گزینش و ارزشیابی نرم‌افزار رایانه‌ای
او مشخصات
او نظریه صف
ان *Evaluation*

ارزیابی تابع

اع۱ تحلیل عددی
اع۲ فن ریاضی
او تابع بولی
او روش اجزای محدود
ان *Function evaluation*

ارزیابی خطرپذیری

او پیش‌بینی
او خطرپذیری
ان *Risk assessment*

ارزیابی مخزن

ب‌ک ارزیابی مخزن نفت

ارزیابی مخزن نفت

ب‌ج *ارزیابی مخزن*
اع۱ ارزشیابی
او ارزیابی منبع
او مخزن نفت(خام)
او میدان نفتی
ان *Petroleum reservoir evaluation*

ارزیابی منبع

او ارزیابی مخزن نفت
او معدن
او میدان نفتی
ان *Resource valuation*

ارسال حامل روی خط انتقال نیرو

اع۱ ارتباط حاملی
اع۲ مخابرات
اع۳ ارتباط
او تلفن حاملی
او تلگراف حاملی
او خط الکتریکی
ان *Carrier transmission on power line*

ارسال رادیویی

ب‌ج *انتشار رادیویی*
ب‌ج *پخش موج رادیونی*
اع۱ ارسال رادیویی همتافت
او اثر پخش موج رادیویی
او ارتباط طیف گسترده
او انتشار موج الکترومغناطیسی
او انتشار موج الکترومغناطیسی یون‌کره‌ای
او انتقال موج الکترومغناطیسی
او پخش رادیویی
او پس‌پراکندگی
او تجهیزات همتافتگری
او تداخل رادیویی
او جونوفه
او دریافت چندبرابر
او رادیو
او فرستنده رادیویی
او مدوله‌سازی
او نوفه سیگنال مزاحم
ان *Radio transmission*

ارسال رادیویی همتافت

اع۱ ارسال رادیویی
او ارتباط رادیویی
او تلفن رادیویی همتافت
او همتافتگری
ان *Multiplex radio transmission*

ارسال نمابر

ب‌ک نمابر

ارگ(آلات موسیقی)

اع۱ آلات موسیقی

اع۲ مولد صوتی
اع۳ تجهیزات صوتی
ان *Organ (musical instrument)*

ارگونومی
اع۱ مهندسی فاکتورهای انسانی
اع۲ مهندسی
او تجزیه و تحلیل شغل
او سیبرنتیک
او سیستم انسان و ماشین
او فیزیک‌درمانی
او مهندسی سیستم‌ها
او مهندسی محیط
ان *Ergonomics*

اروپیم
اع۱ عنصر خاکی کمیاب
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آلیاژ اروپیم
او ترکیبات اروپیم
ان *Europium*

اره
اع۱ ابزار تراش
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات برش
اع۳ تجهیزات
اع۱ اره فلزکاری
او ابزار تراش الماسه
او ابزار نجاری
او اره‌کاری
او تیغه فرز
او دست‌افزار
او ماشین‌ابزار
ان *Saw*

اره فلزکاری
اع۱ ابزار فلزکاری
اع۲ ماشین‌ابزار
اع۳ ابزار
اع۳ ماشین‌آلات
اع۱ اره
اع۲ ابزار تراش
اع۳ ابزار
اع۳ تجهیزات برش
ان *Metal working saw*

اره‌کاری
اع۱ برش
او اره
او برش(چینشی)
او تراشیدن
او سردکاری
او شکاف‌زنی
او کارخانه چوب‌بری
ان *Sawing*

اریخت‌سازی
او شیشه‌درآمیزی
او مواد اریخت
ان *Amorphization*

از رده خارج‌سازی(واکنشگاه هسته‌ای)
او واکنشگاه هسته‌ای
ان *Decommissioning (nuclear reactor)*

ازدیاد عمر تاسیسات
او عمر مفید
او واحد صنعتی
ان *Plant life extension*

از کاراندازی موقت
او قابلیت اطمینان
او نگهداشت
او نیروگاه
او نیروگاه برق
ان *Outage*

اژدر
اع۱ موشک پرتاب‌شده از زیر آب
اع۲ موشک دریایی
اع۳ موشک
او پرتاب
او پرتاب‌شناسی زیرآبی
ان *Torpedo*

ب‌ک تحریک چاه با مواد منفجره

اسپیسیستور

اع۱ ابزار نیم‌رسانا
اع۲ ابزار حالت جامد
اع۳ دستگاه الکترونی
او ترانزیستور
ان *Spacistor*

استاتیت

اع۱ سنگ دگرگونی
اع۲ سنگ بلوری
اع۳ سنگ
اع۳ مواد بلوری
او تالک
او ذخیره تالک
ان *Steatite*

استاتین

اع۱ عنصر پرتوزا
اع۲ عنصر شیمیایی
اع۲ مواد پرتوزا
اع۳ مواد
اع۱ عنصر هالوژنی
اع۲ نافلز
اع۳ عنصر شیمیایی
ان *Astatine*

استادیوم

ب‌ج *جایگاه تماشاچیان در ورزشگاه*
اع۱ تسهیلات
او تفریحگاه
ان *Stadium*

استاندارد

اخ۱ استاندارد بسامد
اخ۱ استاندارد تلویزیون
اخ۱ شناسه(استاندارد)
اخ۲ آیین‌نامه ساختمانی
اخ۲ رمز الکتریکی
اخ۲ شناسه بالابر
اخ۲ شناسه تهویه
اخ۲ شناسه جوشکاری
اخ۲ شناسه خطلوله
اخ۲ شناسه دیگ بخار
اخ۲ شناسه دیگ فشار
اخ۱ مقیاس دما
او آزمایش
او استانداردکردن
او اصطلاح‌شناسی
او بازرسی
او بهره‌دهی
او تضمین کیفیت
او دانه‌بندی
او درجه‌بندی
او عملکرد
او قابلیت اطمینان
او قابلیت حمل نرم‌افزار رایانه
او قانون و قانونگزاری
او کالب‌زنی
او کنترل تولید
او کنترل کیفیت
او مشخصات
او مهندسی ارزش
او نمونه‌برداری
او همپذیر شبکه
او یکای اندازه‌گیری
ان *Standard*

استاندارد بسامد

ی‌د نوسانگر ثابت، برای کالب‌زنی بسامد به کار برید.
اع۱ استاندارد
او اندازه‌گیری بسامد الکتریکی
او کالب‌زنی
او کنترل بسامد الکتریکی
او نوسانگر(الکترونیک)
او نوسانگر(مکانیکی)
ان *Frequency standard*

استاندارد تلویزیون

اع۱ استاندارد
او تلویزیون
او تلویزیون دقت‌بالا
ان *Television standard*

استانداردکردن

اخ۱ کالب‌زنی
او آزمایش
او استاندارد

او تضمین کیفیت
او قابلیت اطمینان
او کنترل تولید
او کنترل کیفیت
او مشخصات
او مهندسی تولید
ان *Standardization*

استتار
ب‌ک پنهان‌کردن تجهیزات جنگی

استحکام کششی
اع۱ ویژگی کششی
اع۲ ویژگی مکانیکی
او آزمایش ضربه
او آزمایش کششی
او بار(نیرو)
ان *Tensile strength*

استحکام مکانیکی
ب‌ک مقاومت مصالح

استخدام
او اثر اجتماعی و اقتصادی
او اقتصاد
او پیش‌بینی فناورانه
او کارکنان
او مدیریت
او مدیریت صنعتی
ان *Employment*

استخراج
اع۱ جداسازی
اع۲ عملیات شیمیایی
اخ۱ استخراج با حلال
اخ۲ استخراج سیال ابربحرانی
او آب‌زدایی
او حلال
او خیساندن
او غلظت(فرایند)
او محلول
او مرکزگریزانی
ان *Extraction*

استخراج با حلال
اع۱ استخراج
اع۲ جداسازی
اع۳ عملیات شیمیایی
اخ۱ استخراج سیال ابربحرانی
او حلال
او خالص‌سازی
او خیساندن
ان *Solvent extraction*

استخراج باریکه ذره‌ای
او باریکه ذره‌ای
او شتاب‌دهنده ذره
ان *Particle beam extraction*

استخراج پلکانی
اع۱ معدن‌کاری
اع۲ تولید
ان *Stoping*

استخراج روباز
اع۱ معدن‌کاری
اع۲ تولید
او سنگ
او شن
او ماسه
او معدن روباز
ان *Quarrying*

استخراج سیال ابربحرانی
اع۱ استخراج با حلال
اع۲ استخراج
اع۳ جداسازی
او حلال
ان *Supercritical fluid extraction*

استخراج نمک
اع۱ جداسازی
اع۲ عملیات شیمیایی
اخ۱ نمک‌زدایی
او پالایش نفت
ان *Salt removal*

استخراج ویژگی

اع۱ الگوشناسی
او آشکارسازی لبه
او تصویر پردازی
ان *Feature extraction*

استخر تثبیت
اع۱ تصفیه‌خانه فاضلاب
اع۲ واحد صنعتی
او تصفیه فاضلاب
او مخزن فاضلاب
ان *Stabilization pond*

استخر شنا
اع۱ تسهیلات
او تسهیلات تفریحی
او تفریحگاه
ان *Swimming pool*

استخر ماهی
او آب سطحی
او کشت آبی
ان *Fish pond*

استخلاف
پ‌ک واکنش استخلافی

استخوان
اع۱ بافت(زیست‌شناختی)
اع۲ مواد زیست‌شناختی
اع۳ مواد
اع۱ دستگاه عضلانی‌اسکلتی
او ارتوپدی
ان *Bone*

استر
اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ آدنوزین تری فسفات
اخ۱ نیتروسلولز
او استری‌کردن
او لیپید
او نمک
ان *Ester*

استرونسیم
اع۱ عنصر پرتوزا
اع۲ عنصر شیمیایی
اع۲ مواد پرتوزا
اع۳ مواد
اع۱ فلز قلیایی خاکی
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آلیاژ استرون‌سازیسم
او ترکیبات استرونسیم
او ذخیره استرونسیم
ان *Strontium*

استری‌کردن
اع۱ واکنش شیمیایی
او استر
ان *Esterification*

استفاده اطلاعات
اع۱ علم اطلاع‌رسانی
ان *Information use*

استقامت چسبندگی(مصالح)
اع۱ مقاومت مصالح
اع۲ ویژگی مکانیکی
او پیوندزنی
او چسبندگی
ان *Bond strength (materials)*

استقامت خردشدگی
پ‌ک مقاومت فشردگی

استقامت خمشی
اع۱ مقاومت مصالح
اع۲ ویژگی مکانیکی
او خمش(دگرشکلی)
ان *Bending strength*

استلیت
اع۱ آلیاژ تنگستن
اع۲ آلیاژ نسوز
اع۳ آلیاژ فلز واسطه
اع۳ مواد نسوز
اع۱ آلیاژ کبالت

اع۲ آلیاژ فلز واسطه
اع۳ آلیاژ
اع۱ آلیاژ کروم
اع۲ آلیاژ نسوز
اع۳ آلیاژ فلز واسطه
اع۳ مواد نسوز
اع۱ ابرآلیاژ
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
ان *Stellite*

استوا

اع۱ منطقه جغرافیایی
او ساختمان گرمسیری
او کنترل مالاریا
او مساله آب‌وهوای گرم
او مهندسی گرمسیری
ان *Tropics*

استوانه

اع۱ جسم دوار
اع۲ هندسه
اع۳ فن ریاضی
او شارش سیال
ان *Cylinder*

استودیو

اع۱ تسهیلات
اع۱ استودیوی تلویزیونی
اع۱ استودیوی رادیویی
اع۱ استودیوی سینمایی
اع۱ استودیوی صوتی
ان *Studio*

استودیوی تلویزیونی

اع۱ استودیو
اع۲ تسهیلات
او پخش تلویزیونی
او تلویزیون
او دوربین ویدئو
ان *Television studio*

استودیوی رادیویی

بج *اتاق فرمان(رادیو)*
اع۱ استودیو
اع۲ تسهیلات
او ایستگاه رادیویی
او پخش رادیویی
او تجهیزات رادیویی
او تجهیزات کنترل
او تولید دوباره صدا
او رادیو
او سیستم رادیویی
او صدابر
او صوت‌شناسی شنیداری
ان *Radio studio*

استودیوی سینمایی

اع۱ استودیو
اع۲ تسهیلات
او تصویر متحرک
ان *Motion picture studio*

استودیوی صوتی

اع۱ استودیو
اع۲ تسهیلات
او تجهیزات شنیداری
او صوت‌شناسی شنیداری
ان *Audio studio*

استوکیومتری

او ترکیب(نسبت اجزای سازنده)
او واکنش شیمیایی
ان *Stoichiometry*

استون

اع۱ کتون
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او حلال
ان *Acetone*

استونیتریل

اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
ان *Acetonitrile*

استیرن

اع۱ ترکیبات آروماتیک
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ تکپار
اع۲ ترکیبات شیمیایی
او پلی‌استیرن
ان *Styrene*

استیک اسید
ب‌چ *اتانوئیک اسید*
اع۱ اسید چرب
اع۲ کربوکسیلیک‌اسید
اع۳ اسید آلی
ان *Acetic acid*

استیل‌دارکردگی
اع۱ واکنش شیمیایی
ان *Acetylation*

استیلن
اع۱ هیدروکربن
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
ان *Acetylene*

اسفنج
اع۱ مواد متخلخل
اع۲ مواد
اخ۱ پلاستیک اسفنجی
اخ۲ پلاستیک اسفنجی انعطاف‌پذیر
اخ۲ پلاستیک اسفنجی صلب
اخ۱ کف سرامیک
اخ۱ لاستیک اسفنجی
او آتش‌خاموش‌کن
او کلوئید
او کنترل کف
او هوامیز
ان *Foam*

اسکاندیم
اع۱ فلز غیرآهنی
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او آلیاژ اسکاندیم
او ترکیبات اسکاندیم
او ذخیره اسکاندیم
ان *Scandium*

اسکله
اع۱ سازه بندر
اع۲ سازه
او بارانداز
ان *Pier*

اسکله(دیوار نگهدارنده)
اع۱ سازه بندر
اع۲ سازه
ان *Bulkhead (retaining wall)*

اسکله کوچک
ب‌چ *آب‌شکن(سازه آبی)*
اع۱ سازه آبی
اع۲ سازه
او حفاظت ساحل
او مهندسی ساحل
او موج‌شکن
ان *Jetty*

اسلحه(نظامی)
ب‌ک ساز و برگ جنگی

اسمبلر برنامه
ب‌چ *برنامه اسمبلی*
اع۱ پردازشگر برنامه
اع۲ نرم‌افزار رایانه
ان *Program assembler*

اسمز
ب‌ک گذرندگی

اسمیم
اع۱ فلز گروه پلاتین
اع۲ فلز گرانبها
اع۳ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز واسطه

او آلیاژ اسمیم
او ترکیبات اسمیم
ان *Osmium*

اسید
اع۱ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ اسید آلی
اخ۲ آمینواسید
اخ۲ اسید هسته‌ای
اخ۳ آر.ان.آ.
اخ۳ دی.ان.آ.
اخ۲ کربوکسیلیک‌اسید
اخ۳ اسید چرب
اخ۱ اسید معدنی
اخ۲ سولفوریک اسید
اخ۲ فسفریک اسید
اخ۲ نیتریک‌اسید
اخ۲ هیدروفلئوریک اسید
اخ۲ هیدروکلریک اسید
او مقاومت در برابر اسید
ان *Acid*

اسید آلی
اع۱ اسید
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ آمینواسید
اخ۱ اسید هسته‌ای
اخ۲ آر.ان.آ.
اخ۲ دی.ان.آ.
اخ۱ کربوکسیلیک‌اسید
اخ۲ اسید چرب
اخ۳ استیک اسید
ان *Organic acid*

اسید چرب
بج *اولئیک‌اسید*
اع۱ کربوکسیلیک‌اسید
اع۲ اسید آلی
اع۳ اسید
اع۳ ترکیبات آلی
اخ۱ استیک اسید
او لیپید
ان *Fatty acid*

اسیدشویی
ی‌د تمیزکاری شیمیایی
اع۱ تمیزکاری شیمیایی
اع۲ تمیزکاری
او تمیزکاری فراصوتی
او تمیزکاری فلز
ان *Pickling*

اسیدکاری
ی‌د بهبود تراوایی سنگ مخازن نفت به وسیله عمل‌آوری با اسید.
اع۱ تولید
او بازیابی افزوده‌شده
او تحریک چاه
او ذخیره گاز طبیعی
او ذخیره نفتی
ان *Acidization*

اسید معدنی
اع۱ اسید
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات معدنی هیدروژنی
اع۲ ترکیبات معدنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ سولفوریک اسید
اخ۱ فسفریک اسید
اخ۱ نیتریک‌اسید
اخ۱ هیدروفلئوریک اسید
اخ۱ هیدروکلریک اسید
ان *Inorganic acid*

اسید هسته‌ای
اع۱ اسید آلی
اع۲ اسید
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ درشت‌ملکول
اع۲ مولکول
اع۱ زیست‌بسپار
اع۲ بسپار طبیعی
اع۳ بسپار آلی
اع۲ مواد زیست‌شناختی
اع۳ مواد
اع۱ مواد زیست‌شناختی

اع۲ مواد
اخ۱ آر.ان.آ.
اخ۱ دی.ان.آ.
او توالی اسید هسته‌ای
ان *Nucleic acid*

اسیدینگی
ب‌ک پ‌هاش

اشاعه اطلاعات
اع۱ ارتباط
اخ۱ نشر
اخ۲ نشر الکترونیکی
اخ۲ نشر رومیزی
اخ۱ نوشتن فنی
او ارتباط گفتاری
او آموزش
او انتقال گفتار
او پست الکترونیکی
او تدریس
او چاپ
او حق تالیف
او خدمات اطلاعاتی
او خردورقه
او دستینه
او روش گرافیکی
او سیستم بازیابی اطلاعات
او فیلم آموزشی
او کتاب درسی
او کتابخانه
او کتابشناسی
او متن‌نما
او نمایش فنی
ان *Information dissemination*

اشباع(ترکیب مواد)
اخ۱ ابرسیری
او انحلال‌پذیری
او ترشدگی
او محلول
ان *Saturation (materials composition)*

اشباع اکسیژن هموگلوبین
او اکسیژن
او اکسیژن‌سنج
او تجزیه گازهای خون
ان *Hemoglobin oxygen saturation*

اشتباه برنامه‌نویسی
اع۱ خطا
او تحلیل خطا
او تصحیح خطا
او جبران‌کردن خطا
او خطایابی
او رمز بلوکی
او رمز دوگانی
او رمز(نماد)
ان *Coding error*

اشتعال‌پذیری
ب‌ک قابلیت اشتعال

اشتعال‌گاه
ب‌ک بازدارنده شعله

اشخاص ازکارافتاده
ب‌ک معلول

اشغال مسیر حرکت ماهواره
او ماهواره
ان *Satellite interception*

اشکال‌زدایی برنامه(رایانه‌ای)
اع۱ برنامه‌نویسی رایانه
او اشکال‌زدایی رایانه
او تشخیص برنامه(رایانه‌ای)
او خطایابی
ان *Program debugging*

اشکال‌زدایی رایانه
اع۱ آزمایش رایانه
اع۲ آزمایش تجهیزات الکترونیکی
اع۳ آزمایش تجهیزات
او اشکال‌زدایی برنامه(رایانه‌ای)
ان *Computer debugging*

اصطکاک
ب‌ج *مالش*
اع۱ دینامیک

اع۲ مکانیک
اخ۱ اصطکاک درونی
اخ۱ مقاومت غلتشی
اخ۱ نیروی غلتش(اصطکاک)
او اصطکاک‌سنج
او اصطکاک‌شناسی
او افت فشار
او الکتریسیته مالشی
او پدیده سطحی
او خراشیدگی
او درخشایی مالشی
او سایش مواد
او مواد اصطکاکی
او ویژگی سطح
او ویژگی مکانیکی
ان *Friction*

اصطکاک درونی

اع۱ اصطکاک
اع۲ دینامیک
اع۳ مکانیک
او پسماند
او تضعیف
او جریان مومسان
او گرانروی
او میرایی
او واهلش ناکشسان
او ویسکوالاستیسیته
ان *Internal friction*

اصطکاک‌سنج

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او اصطکاک
او اصطکاک‌شناسی
ان *Friction meter*

اصطکاک‌شناسی

ب‌ج *نظریه اصطکاک*
او اصطکاک
او اصطکاک‌سنج
او الکتریسیته مالشی
او پدیده سطحی
او درخشایی مالشی
او روان‌سازی
او سایش مواد
او مواد اصطکاکی
او ویژگی سطح
ان *Tribology*

اصطلاح‌شناسی

ب‌ج *نام‌گذاری*
ب‌ج *واژه‌نامه*
او استاندارد
او یکای اندازه‌گیری
ان *Terminology*

اصلاح

اخ۱ پهن‌سازی(شریان‌های حمل و نقل)
او راه آبی درون‌مرزی
او نگهداشت
ان *Improvement*

اصلاح دید
ب‌ک کمک‌بینایی

اصلاح‌کننده خاک

اع۱ مواد
او خاک
ان *Soil conditioner*

اصل بیشینه

او برنامه‌ریزی پویا
او سیستم کنترل بهینه
او فن ریاضی
ان *Maximum principle*

اضافات خاک کمیاب

اع۱ افزودنی
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او آلیاژ خاک کمیاب
او آلیاژسازی
او ترکیبات خاک کمیاب
او عنصر آلیاژی
او عنصر خاکی کمیاب
او فولادسازی
او متالورژی
ان *Rare earth addition*

اضافه کار چاه

او بازیابی افزوده‌شده
او چاه نفتی
ان *Well workover*

اطاقک حباب

اع۱ آشکارساز ذره‌ای
اع۲ آشکارساز تابش
اع۳ آشکارساز
اع۲ سنج‌افزارگزینی هسته‌ای
اع۳ سنج‌افزار
او اتاقک جرقه
او اتاقک یونش
ان *Bubble chamber*

اعوجاج صوتی

اع۱ واپیچش(موج)
اخ۱ واپیچش فراصوتی
او موج صوتی
ان *Acoustic distortion*

افت

اع۱ واکنش شیمیایی
اخ۱ هوازدگی
او تجزیه
او تغییر رنگ
او تفکافت
او جرم‌گرفتگی
او خوردگی
او دوام
او زمان‌دهی مصالح
او زوال
او شکست(مکانیکی)
ان *Degradation*

افت انرژی

ب‌ک اتلاف انرژی

افت فشار

او اصطکاک
او برهم‌کنش شارش
ان *Pressure drop*

افروزسنج

اع۱ نورسنج
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
ان *Illumination meter*

افروزش

اع۱ احتراق
اع۲ واکنش شیمیایی
اخ۱ پیش‌افروزش
او احتراق خودبه‌خود
او راه‌اندازی
او سیستم افروزش
او گاز
ان *Ignition*

افزایشگر دوتایی

ب‌ک جمع‌زن

افزایش مقطع(شکل‌دهی)

اع۱ آهنگری
اع۲ شکل‌دهی فلز
اع۳ شکل‌دهی
او سردکاری
او کله‌زنی سرد
او گرم‌کاری
ان *Upsetting (forming)*

افزودنی

اع۱ مواد شیمیایی
اع۲ مواد
اخ۱ آلودن(مواد اضافی)
اخ۲ آلودن نیم‌رسانا
اخ۱ اضافات خاک کمیاب
اخ۱ افزودنی بتن
اخ۱ افزودنی سوخت
اخ۲ ترکیبات ضدکوبش
اخ۱ افزودنی سیمان
اخ۱ افزودنی لاستیک
اخ۱ افزودنی مواد غذایی
اخ۲ مزه
اخ۲ نگهدارنده مواد غذایی
اخ۱ رایحه
اخ۱ فروآلیاژ
اخ۱ کدرساز
اخ۱ مواد اضافی نفت

او بازدارنده شعله
او پاداکسنده
او پرکننده
او حلال
او رنگدانه
او روان‌ساز
او نرم‌کننده
ان *Additive*

افزودنی بتن
اع۱ افزودنی
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او بتن
ان *Concrete additive*

افزودنی سوخت
اع۱ افزودنی
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
اع۱ سوخت
اع۲ مواد
اخ۱ ترکیبات ضدکوبش
ان *Fuel additive*

افزودنی سیمان
اع۱ افزودنی
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
اع۱ سیمان
اع۲ مصالح ساختمانی
اع۳ مواد
ان *Cement additive*

افزودنی لاستیک
اع۱ افزودنی
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او فراورده لاستیکی
او لاستیک
او مواد قیری
ان *Rubber addition*

افزودنی مواد غذایی
اع۱ افزودنی
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
اع۱ فراورده غذایی
اخ۱ مزه
اخ۱ نگهدارنده مواد غذایی
او جانشین قند
او دکستروز
او فروکتوز
ان *Food additive*

افزونگی
او قابلیت اطمینان
او کنترل
او منطق ارجحیت
او نظریه اطلاعات
ان *Redundancy*

افشان(مایع)
اع۱ تجهیزات
او پخشیدگی
او شارش سیال
او مجرا
ان *Diffuser (fluid)*

افشان(نوری)
اع۱ ابزار نوری
اع۲ تجهیزات
او پخشیدگی
او سنج‌افزار نوری
ان *Diffuser (optical)*

افشاندن
اخ۱ پلاسماافشانی
اخ۱ رنگ‌افشانی
او افشانه تفنگی
او اندوذ افشانه‌ای
او تبخیر
او ترشدگی
ان *Spraying*

افشانک(تلمبه)
اع۱ تلمبه جهشی
اع۲ تلمبه

اع۳ تجهیزات
او تلمبه خلاء
او ماشین‌آلات توربو
ان *Ejector (pump)*

افشانه تفنگی

اع۱ کاربر
اع۲ تجهیزات
او افشاندن
او دست‌افزار
ان *Spray gun*

افلاک نما

اع۱ تسهیلات
او اخترشناسی
او موزه
ان *Planetarium*

اقتصاد

اع۱ علوم اجتماعی
اخ۱ اقتصاد صنعتی
او اثر اجتماعی و اقتصادی
او استخدام
او امور مالی
او بهره‌دهی
او رقابت
او سیاست انرژی
او سیاست عمومی
او سیبرنتیک اقتصادی
او کارایی
او مدیریت
ان *Economics*

اقتصاد سوخت

او سوخت
او عملکرد
او گازول
او مصرف سوخت
ان *Fuel economy*

اقتصاد صنعتی

اع۱ اقتصاد
اع۲ علوم اجتماعی
او داده‌پردازی تولیدی
او صنعت
ان *Industrial economics*

اقیانوس‌شناسی

اع۱ علوم زمین
اع۲ علوم طبیعی
او آب دریا
او آب‌سنگ
او آب‌شناسی
او اندازه‌گیری شوری
او بررسی آب‌نگاری
او تجهیزات اقیانوس‌شناسی
او جریان اقیانوسی
او جلبک دریایی
او خاک زیر آب
او دریاکنار
او دریالرزه‌موج
او دوردریافتگری
او زمین(سیاره)
او زمین‌شناسی زیردریایی
او زمین‌فیزیک زیردریایی
او زون ساحلی
او زیردریایی اقیانوس‌شناسی
او زیست‌شناسی دریایی
او زیستگاه اقیانوس
او ژرفاسنجی
او سطح دریا
او سنج‌افزار اقیانوس‌شناسی
او صوت‌شناسی زیرآبی
او کاربرد دریایی
او کانی‌شناسی زیرآبی
او کشند
او منبع طبیعی
او مهندسی اقیانوس
او موج آب
او موج‌شکن
او هیدروفون
او یخ دریایی
ان *Oceanography*

اکتشاف قمری

ب‌ک ماموریت قمری

اکتشاف کان‌سنگ

ب‌ک اکتشاف منبع طبیعی

ب‌ک کانسار

اکتشاف لرزه‌ای

اع۱ پی‌جویی زمین‌فیزیکی
اع۲ اکتشاف منبع طبیعی
او اندازه‌گیری متغیر صوتی
او لرزه‌شناسی
ان *Seismic prospecting*

اکتشاف معدن

اع۱ اکتشاف منبع طبیعی
او کانی
ان *Mineral exploration*

اکتشاف منبع آب

اع۱ اکتشاف منبع طبیعی
او آب‌رسانی
او منبع آب
او منطقه خشک
ان *Water resource exploration*

اکتشاف منبع طبیعی

ی‌د به منظور بهره‌برداری بعدی
ب‌ج *اکتشاف کان‌سنگ*
اخ۱ اکتشاف معدن
اخ۱ اکتشاف منبع آب
اخ۱ اکتشاف نفت
اخ۲ اکتشاف نفت دریایی
اخ۲ حفاری اکتشافی چاه نفت
اخ۱ پی‌جویی زمین‌فیزیکی
اخ۲ اکتشاف لرزه‌ای
اخ۲ پی‌جویی الکترومغناطیسی
اخ۲ پی‌جویی الکتریکی
اخ۳ پی‌جویی زمینی
اخ۲ پی‌جویی پرتوزا
اخ۲ پی‌جویی زمین‌گرمایی
اخ۲ پی‌جویی گرانشی
اخ۲ پی‌جویی مغناطیسی
او بررسی
او بررسی زمین‌شناختی
او تهیه نقشه نوری
او دوردریافتگری
او زمین(سیاره)
او زمین‌شیمی اکتشافی
او کانسار
او کانی‌شناسی
او گمانه‌زنی زیرآبی
او معدن
او معدن‌کاری
او منبع طبیعی
او منبع معدنی
او نقشه‌برداری
ان *Natural resource exploration*

اکتشاف نفت

اع۱ اکتشاف منبع طبیعی
اخ۱ اکتشاف نفت دریایی
اخ۱ حفاری اکتشافی چاه نفت
او بررسی مغزه
او پی‌جویی زمین‌فیزیکی
او چاه آزمایشی اکتشافی
او زمین‌شناسی نفت
او صنعت نفت
ان *Petroleum prospecting*

اکتشاف نفت دریایی

اع۱ اکتشاف نفت
اع۲ اکتشاف منبع طبیعی
او حفاری دریایی
او میدان نفت دریایی
ان *Offshore petroleum prospecting*

اکروی

اع۱ نورشناسی
اع۲ فیزیک
اع۳ علوم طبیعی
او عدسی
ان *Aspheric*

اکسایش

اع۱ واکنش شیمیایی
اخ۱ اکسایش آندی
اخ۱ اکسایش درونی
اخ۱ گرمااکسایش
او اثرناپذیرسازی
او احتراق
او اکسید
او اکسیژن
او اوزون‌سازی
او پاداکسنده

او خوردگی
او کاهش
او مقاومت در برابر اکسایش
او هوازدگی
او واکنش اکسایش‌کاهش
ان *Oxidation*

اکسایش آندی

بج *آندکاری*
اع۱ اکسایش
اع۲ واکنش شیمیایی
او آند
او فن اندایش
ان *Anodic oxidation*

اکسایش درونی

اع۱ اکسایش
اع۲ واکنش شیمیایی
او خوردگی
او فلز
ان *Internal oxidation*

اکسید

اع۱ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ آلومین
اخ۲ آلومین فعال‌شده
اخ۲ آلومین متخلخل
اخ۲ کورندوم
اخ۱ ابررسانای اکسیدی
اخ۱ اکسید آهن
اخ۲ مگنتیت
اخ۱ اکسید روی
اخ۱ اکسید مس
اخ۱ اکسید نیتروژن
اخ۱ اورانیم دی‌اکسید
اخ۱ بریلیا
اخ۱ پروکسید
اخ۲ هیدروژن پروکسید
اخ۱ توریا
اخ۱ تیتانیم اکسید
اخ۲ پروفسکیت
اخ۲ تیتانیم دی‌اکسید
اخ۱ دی‌اکسید گوگرد
اخ۱ زیرکونیا
اخ۱ سیلیس
اخ۲ سیلیس مذاب
اخ۲ سیلیکاژل
اخ۲ کوارتز
اخ۱ کانی اکسیدی
اخ۲ ایلمنیت
اخ۲ پروفسکیت
اخ۲ خاک کمیاب
اخ۲ کوارتز
اخ۲ کورندوم
اخ۲ مگنتیت
اخ۱ کربن دی‌اکسید
اخ۱ کربن منواکسید
اخ۱ منیزی
او اکسایش
او سوخت اکسیدی مخلوط
او مواد سرامیکی
ان *Oxide*

اکسید آهن

اع۱ اکسید
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات آهن
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
اخ۱ مگنتیت
ان *Iron oxide*

اکسید دوتریم

ب‌ک آب سنگین

اکسید روی

اع۱ اکسید
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات روی
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
او رنگدانه
ان *Zinc oxide*

اکسید زیرکونیم

ب‌ک زیرکونیا

اکسید مس

اع۱ اکسید
اع۲ ترکیبات شیمیایی

اع۱ ترکیبات مس
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
ان *Copper oxide*

اکسید منیزیم
ب‌ک منیزی

اکسید نیتروژن
اع۱ اکسید
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات نیتروژن
اع۲ ترکیبات شیمیایی
او آلودگی هوا
ان *Nitrogen oxide*

اکسیژن
اع۱ نافلز
اع۲ عنصر شیمیایی
اع۱ اوزون
او اشباع اکسیژن هموگلوبین
او اکسایش
او اکسیژن‌سنج
او حس‌گر اکسیژن
او حس‌گر اکسیژن حل‌شده
او حس‌گر فشار جزئی
ان *Oxygen*

اکسیژن‌دهنده
اع۱ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۲ تجهیزات
ان *Oxygenator*

اکسیژن‌زدا
اع۱ عامل
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او فروآلیاژ
او فولادسازی
ان *Deoxidant*

اکسیژن‌سنج
اع۱ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۲ تجهیزات
اع۱ نورسنج
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
او اشباع اکسیژن هموگلوبین
او اکسیژن
او زیست‌حس‌گر
ان *Oximeter*

اگزپت(زبان برنامه‌نویسی)
اع۱ زبان برنامه‌نویسی رایانه
ان *EXAPT (programming language)*

اگزوز خودرو
اع۱ صداخفه‌کن
اع۲ موتور درون‌سوز
اع۳ ماشین گرمایی
اع۱ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۲ خودرو
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
ان *Automobile muffler*

التهاب پوست
ب‌ج *درماتیت*
اع۱ بیماری
او پوست
ان *Dermatitis*

القاگر الکتریکی
ب‌ج چوک
ب‌ج وردش‌سنج
اع۱ واکنشگاه الکتریکی
اع۲ اجزای شبکه
اع۳ اجزا
اع۳ شبکه(مدار)
اع۱ القاگر توان
او بوبین محدودساز جریان
او پیچه الکتریکی
او مبدل الکتریکی
او مقاومت
ان *Electric inductor*

القاگر توان

اع۱ القاگر الکتریکی
اع۲ واکنشگاه الکتریکی
اع۳ اجزای شبکه
ان *Power inductor*

الک

اع۱ جداساز
اع۲ تجهیزات
او غربال(دانه‌بندی)
ان *Sieve*

الکترت

اع۱ مواد دی‌الکتریک
اع۲ مواد
او ابزار دی‌الکتریک
او الکترواستاتیک
او خازن
او مواد سرامیکی
او میدان الکتریکی
ان *Electret*

الکترواستاتیک

اع۱ فیزیک
اع۲ علوم طبیعی
او الکترت
او الکترومغناطیس
او الکتریسیته جوی
او الکتریسیته ساکن
او الکتریسیته مالشی
او بار فضای الکتریکی
او تکثیر الکترواستاتیک
او چاپ الکترواستاتیکی
او دستگاه الکترواستاتیک
او شارژ الکتریکی
او ظرفیت
او عمل‌آوری الکترواستاتیکی کان‌سنگ
او قدرت یونی
او مولد الکتروستاتیکی
او میدان الکتریکی
ان *Electrostatics*

الکتروتراپی

ب‌ک برق‌درمانی

الکترود

اع۱ تجهیزات الکتروشیمیایی
اع۲ تجهیزات
اع۱ آند
اع۱ الکترود اتصال زمین
اع۱ الکترود الکتروشیمیایی
اع۲ الکترود اوره
اع۲ الکترود جس گاز
اع۲ الکترود سیمی اندوده
اع۲ الکترود غشای بسپاری
اع۲ الکترود غشای شیشه‌ای
اع۲ الکترود غشای مایع
اع۲ الکترود یون‌گزین
اع۱ الکترود جوشکاری
اع۲ مفتول جوشکاری
اع۱ الکترود گرافیتی
اع۱ خردالکترود
اع۱ کاتد
اع۲ کاتد تشعشع میدان
اع۲ کاتد فوتوالکتریک
اع۲ کاتد گرمایونی
او اجزای لامپ الکترونی
او حس‌گر آنزیم
او رسانای الکتریکی
او شکاف جرقه الکتریکی
او گسیل الکترون
او لامپ الکترونی
او ولتاسنجی چرخه‌ای
ان *Electrode*

الکترود اتصال زمین

ب‌ج *الکترود زمین*
اع۱ الکترود
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ رسانای الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
او اتصال زمین الکتریکی
او محافظت تجهیزات الکتریکی
ان *Grounding electrode*

الکترود الکتروشیمیایی

اع۱ الکترود
اع۲ تجهیزات الکترونیکی

اع۳ تجهیزات
اخ۱ الکترود اوره
اخ۱ الکترود حس گاز
اخ۱ الکترود سیمی اندوده
اخ۱ الکترود غشای بسپاری
اخ۱ الکترود غشای شیشه‌ای
اخ۱ الکترود غشای مایع
اخ۱ الکترود یون‌گزین
او الکتروشیمی
او باتری الکتریکی
او بسپارش الکتریکی
او تغییر شیمیایی
ان *Electrochemical electrode*

الکترود اوره

اع۱ الکترود الکتروشیمیایی
اع۲ الکترود
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او اوره
او حس‌گر
ان *Urea electrode*

الکترود جوشکاری

اع۱ الکترود
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ مفتول جوشکاری
او الکترود سیمی اندوده
او جوشکاری برقی
او فلز پرکننده
ان *Welding electrode*

الکترود حس گاز

اع۱ الکترود الکتروشیمیایی
اع۲ الکترود
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
ان *Gas sensing electrode*

الکترود زمین

ب‌ک الکترود اتصال زمین

الکترود سیمی اندوده

اع۱ الکترود الکتروشیمیایی
اع۲ الکترود
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او الکترود جوشکاری
او مفتول جوشکاری
او مواد اندوده
ان *Coated wire electrode*

الکترود غشای بسپاری

اع۱ الکترود الکتروشیمیایی
اع۲ الکترود
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او حس‌گر
او غشای بسپاری
ان *Polymer membrane electrode*

الکترود غشای شیشه‌ای

اع۱ الکترود الکتروشیمیایی
اع۲ الکترود
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او شیشه
ان *Glass membrane electrode*

الکترود غشای مایع

اع۱ الکترود الکتروشیمیایی
اع۲ الکترود
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او حس‌گر
او غشای مایع
ان *Liquid membrane electrode*

الکترود گرافیتی

اع۱ الکترود
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او گرافیت
ان *Graphite electrode*

الکترود میکروبی

ی‌د میکروب‌هایی که به عنوان الکترود به منظور آشکارسازی به کار می‌رود.
اع۱ زیست‌حس‌گر
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ حس‌گر
اع۳ آشکارساز
اع۱ میکروارگانیسم

او زیست‌جس‌گر
او میکروارگانیسم
ان *Microbial electrode*

الکترودیناموسنج
ب‌ک توان‌سنج

الکترودینامیک
ی‌د روابط بین پدیده‌های الکتریکی، مغناطیسی و مکانیکی
اع۱ دینامیک
اع۲ مکانیک
او اثر پوسته
او الکترومغناطیس
او الکتریسیته
او باریکه الکترون
او لامپ الکترونی
او مغناطیس
او نورشناسی الکترونی
او نورشناسی ذره‌ای
ان *Electrodynamics*

الکترود یون‌گزین
اع۱ الکترود الکتروشیمیایی
اع۲ الکترود
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او تجزیه شیمیایی
او حس‌گر
او یون
ان *Ion selective electrode*

الکترورخشانی
اع۱ اثر میدان الکتریکی
اع۲ اثر
اع۱ درخشایی
اع۲ گسیل نور
اع۳ گسیل موج الکترومغناطیسی
او ابزار الکترونوری
او اثر الکترونوری
او تخلیه پرتوی
ان *Electroluminescence*

الکتروشیمی
اع۱ شیمی‌فیزیک
اع۲ شیمی
اع۳ علوم طبیعی

او اثر میدان الکتریکی
او الکترود الکتروشیمیایی
او الکتروفورز
او برشکاری الکتروشیمیایی
او برق‌کاف
او برق‌کافت
او پرداخت برق‌کافتی
او تجزیه قطبش‌نگاری
او تمیزکاری برق‌کافتی
او خوردگی الکتروشیمیایی
او کولن‌سنج
او نهشت برقی
او ولتاسنجی چرخه‌ای
ان *Electrochemistry*

الکتروفورز
ب‌ج *برقبردی*
او آبکاری الکتریکی
او اثر میدان الکتریکی
او الکتروشیمی
او اندود الکتروفورتیک
او کلوئید
ان *Electrophoresis*

الکتروکاردیوگرافی
ب‌ک قلب‌نگاری

الکتروکرومیسم
اع۱ اثر الکترونوری
اع۲ اثر میدان الکتریکی
اع۳ اثر
اع۱ ویژگی نوری
اع۲ ویژگی فیزیکی
او رنگ(فام)
او رنگ‌پذیر
ان *Electrochromism*

الکترولیت جامد
اع۱ برق‌کاف
اع۲ مواد رسانا
اع۳ مواد
ان *Solid electrolyte*

الکترومغناطیس

اع۱ مغناطیس
او اثر الکترونورمغناطیسی
او اثر مغناطوالکتریکی
او الکترواستاتیک
او الکترودینامیک
او الکتریسیته
او آهنربای الکتریکی
او جریان گردابی
او معادله ماکسول
او مغناطیس‌شناسی ساکن
او مواد مغناطیسی
او موج الکترومغناطیسی
او میدان الکترومغناطیسی
او نشت مغناطیسی
او نظریه میدان الکترومغناطیسی
ان *Electromagnetism*

الکترومیوگرافی

اع۱ تشخیص(پزشکی)
او پتانسیل زیست‌الکتریک
او عضله
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Electromyography*

الکترون

اع۱ ذره باردار
اع۲ ذره بنیادی
او آنالیزور انرژی الکترونی
او انتقال الکترون
او بازتاب الکترون
او بازده کوانتومی
او پراکندگی الکترون
او پرتو کاتدی
او تحلیل‌گر سرعت الکترون
او تراز انرژی الکترونی
او تشدید الکترون
او تشدید سیکلوترونی الکترون
او تونل‌زنی الکترونی
او جذب الکترون
او ساختار نواری
او ساختمان الکترونی
او گسیل الکترون
او ویژگی ترابرد الکترون
ان *Electron*

الکترونوری

ب‌ک اثر الکترونوری

الکترونیک

ب‌ک تجهیزات الکترونیکی

الکترونیک پزشکی

ب‌ک تجهیزات پزشکی الکترونیکی

الکترونیک صنعتی

اع۱ صنعت الکترونیک
اع۲ صنعت
او تجهیزات الکترونیکی
ان *Industrial electronics*

الکترونیک قدرت

او تبدیلگر توان
او تقویت‌کننده توان
او مدار منبع تغذیه
او مدار یک‌سوساز
او وارونگر الکتریکی
ان *Power electronics*

الکترونیک کوانتومی

او دیده‌وری کوانتمی
او فوتون
او لیزر
او میزر
او نظریه کوانتومی
ان *Quantum electronics*

الکترونیک هوایی

اع۱ سنج‌افزار هواگرد
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات هواگرد
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ هواگرد
او مهندسی الکترونیک
ان *Avionics*

الکتروهیدرودینامیک

اع۱ اثر میدان الکتریکی
اع۲ اثر

اغ۱ هیدرودینامیک
اغ۲ دینامیک سیالات
اغ۳ دینامیک
اغ۳ مکانیک‌سیالات
ان *Electrohydrodynamics*

الکتریسیته

بج برق
اخ۱ الکتریسیته جوی
اخ۲ آذرخش
اخ۲ جونوفه
اخ۱ الکتریسیته ساکن
اخ۱ الکتریسیته مالشی
اخ۱ پدیده زیست‌الکتریک
اخ۲ پتانسیل زیست‌الکتریک
اخ۱ تحریک الکتریکی
اخ۱ جریان الکتریکی
اخ۲ جریان القاشده
اخ۲ جریان بحرانی
اخ۲ جریان گردابی
اخ۲ جریان معیوب الکتریکی
اخ۳ جریان اتصال کوتاه
اخ۳ جریان نشتی الکتریکی
اخ۲ موج برخورد الکتریکی
اخ۱ شارژ الکتریکی
اخ۲ بار فضای الکتریکی
اخ۱ گرماالکتریکی
او اتصال زمین الکتریکی
او الکترودینامیک
او الکترومغناطیس
او تبدیل مستقیم انرژی
او ذخیره انرژی الکتریکی
او رمز الکتریکی
او سانحه الکتریکی
او سیستم نیروی برق
او صنعت الکتریکی
او کنترل متغیر الکتریکی
او مغناطیس
او ویژگی الکتریکی
ان *Electricity*

الکتریسیته جوی

ی‌د برای پدیده‌های الکتریکی در جو زمین یا جو برون زمینی به کار برید.
اغ۱ الکتریسیته
اخ۱ آذرخش
اخ۱ جونوفه
او الکترواستاتیک
او توفان تندری
او جو برون زمینی
او هواشناسی
او یونش جو
او یون‌کره
ان *Atmospheric electricity*

الکتریسیته ساکن

اغ۱ الکتریسیته
او الکترواستاتیک
ان *Static electricity*

الکتریسیته مالشی

اغ۱ الکتریسیته
او اصطکاک
او اصطکاک‌شناسی
او الکترواستاتیک
ان *Triboelectricity*

الکل

اغ۱ ترکیبات آلی
اغ۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ اتانول
اخ۱ گلیسرول
اخ۱ گلیکول
اخ۱ متانول
او سوخت الکلی
او فنل
او گازول
ان *Alcohol*

الکل تخمیری
ب‌ک اتانول

الکل چوب
ب‌ک متانول

الک مولکولی

اغ۱ جاذب سطحی
اغ۲ مواد
ان *Molecular sieve*

الگوریتم
ب‌ج *الگوریتم رایانه*
ب‌ج *الگوریتم کنترل*
اع۱ فن ریاضی
اخ۱ الگوریتم تطبیقی
اخ۱ الگوریتم ژنتیکی
اخ۱ الگوریتم موازی
اخ۱ الگوریتم یادگیری
او زبان الگوریتمی
او زبان برنامه‌نویسی رایانه
او زیربرنامه
ان *Algorithm*

الگوریتم کنترل
ب‌ک الگوریتم

الگوریتم تطبیقی
اع۱ الگوریتم
اع۲ فن ریاضی
او تصویر پردازی
ان *Adaptive algorithm*

الگوریتم رایانه
ب‌ک الگوریتم

الگوریتم ژنتیکی
اع۱ الگوریتم
اع۲ فن ریاضی
او بهینه‌سازی
او تابکاری شبیه‌سازی‌شده
ان *Genetic algorithm*

الگوریتم موازی
اع۱ الگوریتم
اع۲ فن ریاضی
اع۱ نرم‌افزار رایانه
او سیستم پردازش موازی
او سیستم رایانه گسترده
ان *Parallel algorithm*

الگوریتم یادگیری
اع۱ الگوریتم
اع۲ فن ریاضی
او سیستم یادگیری
ان *Learning algorithm*

الگوشناسی
اخ۱ آشکارسازی لبه
اخ۱ استخراج ویژگی
اخ۱ بازشناسی کاراکتر
اخ۲ کاراکترشناسی نوری
اخ۱ بازشناسی گفتار
اخ۱ دید رایانه‌ای
او آشکارساز
او تبدیل موجک
او تجهیزات جانبی رایانه
او تصویر پردازی
او سیبرنتیک
او سیستم الگوشناسی
او نظریه سیستمی
ان *Pattern recognition*

الگول(زبان برنامه نویسی)
اع۱ زبان الگوریتمی
اع۲ زبان سطح بالا
اع۳ زبان برنامه‌نویسی رایانه
اع۲ زبان صوری
ان *ALGOL (programming language)*

الگوی جریان
او جریان در لوله
او جریان دوفاز
او جریان کانال
او جریان محدود
ان *Flow pattern*

الماس
اع۱ کربن
اع۲ نافلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اع۱ گوهر
اع۲ مواد
اخ۱ الماس سنتزی
اخ۱ الماس صنعتی
اخ۲ الماس‌پوسه
اخ۱ الماس نیم‌رسانا
او ابزار تراش الماسه
او تک‌بلور
او حفاری الماسه

او ذخیره الماس
او معدن الماس
ان *Diamond*

الماس‌پوسه

اع۱ الماس صنعتی
اع۲ الماس
اع۳ کربن
اع۳ گوهر
اع۲ گوهر صنعتی
اع۳ گوهر
اع۱ فیلم
اع۲ مواد
ان *Diamond film*

الماس سنتزی

اع۱ الماس
اع۲ کربن
اع۳ نافلز
اع۲ گوهر
اع۳ مواد
ان *Synthetic diamond*

الماس صنعتی

اع۱ الماس
اع۲ کربن
اع۳ نافلز
اع۲ گوهر
اع۳ مواد
اع۱ گوهر صنعتی
اع۲ گوهر
اع۳ مواد
اخ۱ الماس‌پوسه
او ساینده
ان *Industrial diamond*

الماس نیم‌رسانا

اع۱ الماس
اع۲ کربن
اع۳ نافلز
اع۲ گوهر
اع۳ مواد
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
ان *Semiconducting diamond*

المنت گرمایش الکتریکی

ب‌چ *عنصر گرمایش*
اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اع۱ تجهیزات گرمایش
اع۲ تجهیزات
او گرمایش الکتریکی
ان *Electric heating element*

الوار

اع۱ فراورده چوبی
او چوب
او رنگ‌گیری از پوست درخت
او کارخانه چوب‌بری
او نگاربرداری(جنگلبانی)
ان *Lumber*

الیاف

ب‌چ *الیاف غیرنساجی*
اع۱ مواد
اخ۱ الیاف طبیعی
اخ۲ ابریشم
اخ۲ الیاف پشمی
اخ۲ الیاف پنبه‌ای
اخ۲ الیاف گیاهی
اخ۳ الیاف چتائی
اخ۳ الیاف شاهدانه
اخ۳ الیاف کنف
اخ۲ کتان
اخ۱ الیاف مصنوعی
اخ۲ ابریشم مصنوعی
اخ۲ الیاف سرامیکی
اخ۲ الیاف شیشه‌ای
اخ۲ الیاف قیراندود
اخ۲ الیاف کربنی
اخ۳ الیاف گرافیتی
اخ۲ الیاف مصنوعی نساجی
اخ۲ پشم معدنی
اخ۲ تار نوری
اخ۳ جفت‌شدگی تار نوری
اخ۲ رشته مومسان
اخ۱ الیاف نساجی
اخ۲ الیاف مصنوعی نساجی
اخ۲ الیاف نساجی مدول بالا
او تاره بلور

او ریسندگی(الیاف)
او زئین
او منسوجات
او مواد تقویت‌شده رشته‌ای
ان *Fibers*

الیاف پشمی

اع۱ الیاف طبیعی
اع۲ الیاف
اع۳ مواد
او پشم
او منسوجات پشمی و فاستونی
او نخ پشمی و فاستونی
ان *Wool fibers*

الیاف پنبه‌ای

اع۱ الیاف طبیعی
اع۲ الیاف
اع۳ مواد
او پنبه
او منسوجات پنبه‌ای
او نخ پنبه‌ای
ان *Cotton fibers*

الیاف چتائی

ی‌د الیاف پوستی گیاهان
ب‌چ *چتائی*
اع۱ الیاف گیاهی
اع۲ الیاف طبیعی
اع۳ الیاف
او الیاف نساجی
ان *Jute fibers*

الیاف سرامیکی

ب‌چ *الیاف نسوز*
اع۱ الیاف مصنوعی
اع۲ الیاف
اع۳ مواد
اع۱ مواد سرامیکی
اع۲ مواد
او الیاف شیشه‌ای
او مخلوط ملات سرامیکی
ان *Ceramic fibers*

الیاف شاهدانه

اع۱ الیاف گیاهی
اع۲ الیاف طبیعی
اع۳ الیاف
او الیاف نساجی
او شاهدانه
ان *Hemp fibers*

الیاف شیشه‌ای

اع۱ الیاف مصنوعی
اع۲ الیاف
اع۳ مواد
اع۱ شیشه
اع۲ مواد اریخت
اع۳ مواد
او الیاف سرامیکی
او پشم معدنی
او پلاستیک تقویت‌شده با الیاف شیشه‌ای
او تار نوری
او شیشه نوری
او نورشناسی تارها
ان *Glass fiber*

الیاف طبیعی

اع۱ الیاف
اع۲ مواد
اخ۱ ابریشم
اخ۱ الیاف پشمی
اخ۱ الیاف پنبه‌ای
اخ۱ الیاف گیاهی
اخ۲ الیاف چتائی
اخ۲ الیاف شاهدانه
اخ۲ الیاف کنف
اخ۱ کتان
او مخلوط نساجی
ان *Natural fibers*

الیاف غیرنساجی

ب‌ک الیاف

الیاف قیراندود

اع۱ الیاف مصنوعی
اع۲ الیاف
اع۳ مواد
اع۱ مواد قیری

اع۲ مواد
ان *Bituminized fibers*

الیاف کربنی

پ‌ج فیبر کربنی
اع۱ الیاف مصنوعی
اع۲ الیاف
اع۳ مواد
اع۱ کربن
اع۲ نافلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اخ۱ الیاف گرافیتی
او پلاستیک مسلح فیبر کربنی
او ترکیبات کربنی
ان *Carbon fiber*

الیاف کنف

پ‌ج کنف
اع۱ الیاف گیاهی
اع۲ الیاف طبیعی
اع۳ الیاف
او الیاف نساجی
او مواد خمیر کاغذ
ان *Kenaf fibers*

الیاف گرافیتی

اع۱ الیاف کربنی
اع۲ الیاف مصنوعی
اع۳ الیاف
اع۲ کربن
اع۳ نافلز
اع۱ گرافیت
اع۲ کربن
اع۳ نافلز
اع۲ مواد
او پلاستیک تقویت‌شده با الیاف گرافیتی
ان *Graphite fiber*

الیاف گیاهی

اع۱ الیاف طبیعی
اع۲ الیاف
اع۳ مواد
اخ۱ الیاف چتائی
اخ۱ الیاف شاهدانه
اخ۱ الیاف کنف
او الیاف نساجی
ان *Bast fibers*

الیاف مصنوعی

اع۱ الیاف
اع۲ مواد
اخ۱ ابریشم مصنوعی
اخ۱ الیاف سرامیکی
اخ۱ الیاف شیشه‌ای
اخ۱ الیاف قیراندود
اخ۱ الیاف کربنی
اخ۲ الیاف گرافیتی
اخ۱ الیاف مصنوعی نساجی
اخ۱ پشم معدنی
اخ۱ تار نوری
اخ۲ جفت‌شدگی تار نوری
اخ۱ رشته مومسان
او آکریلیک
او الیاف نساجی
او پلی‌اولفین
او مخلوط نساجی
او مصنوع نساجی نایلونی
او منسوجات ابریشم مصنوعی
او نخ ابریشم مصنوعی
ان *Synthetic fibers*

الیاف مصنوعی نساجی

اع۱ الیاف مصنوعی
اع۲ الیاف
اع۳ مواد
اع۱ الیاف نساجی
اع۲ الیاف
اع۳ مواد
او مصنوع نساجی
ان *Synthetic textile fibers*

الیاف نساجی

ی‌د شامل الیاف طبیعی و مصنوعی، الیاف بریده شده و رشته‌ای
اع۱ الیاف
اع۲ مواد
اخ۱ الیاف مصنوعی نساجی
اخ۱ الیاف نساجی مدول بالا
او الیاف چتائی
او الیاف شاهدانه

او الیاف کنف
او الیاف گیاهی
او الیاف مصنوعی
او پنبه نسوز
او ریسندگی(الیاف)
او شاهدانه
او مشتقات سلولز
او مصنوع نساجی
او مصنوع نساجی نایلونی
او نخ
ان *Textile fibers*

الیاف نساجی مدول بالا

اع۱ الیاف نساجی
اع۲ الیاف
اع۳ مواد
ان *High modulus textile fiber*

الیاف نسوز

ب‌ک الیاف سرامیکی

الیاف نوری جفت‌شده

ب‌ک جفت‌شدگی تار نوری

الیپسومتری نوری

ب‌ک بیضوی‌سنجی

امتحان غیرمخرب

ب‌ج *آزمایش غیرمخرب*
اع۱ آزمایش
اخ۱ آزمایش با جریان گردابی
اخ۱ آزمایش گسیل صوتی
او آزمایش تجهیزات
او آزمایش دمای بالا
او آزمایش مواد
او بازرسی
او پرتونگاری
او پرتونگاری صنعتی
او پرتونگاری نوترونی
او رادیوگرافی گامایی
ان *Nondestructive examination*

امتزاج‌پذیری

ب‌ک انحلال‌پذیری

امتزاج‌ناپذیری

ب‌ک انحلال‌پذیری

امتیازدهی واکنشگاه هسته‌ای

او قانون و قانونگزاری
او واکنشگاه هسته‌ای
ان *Nuclear reactor licensing*

امکانات همگانی

اخ۱ پارک
اخ۱ جاده و خیابان
اخ۲ پلکان شیب‌دار فرار
اخ۲ پیاده‌رو
اخ۳ پیاده‌روی قیری
اخ۳ جاده بتنی
اخ۳ روکش پیاده‌رو
اخ۲ تقاطع
اخ۲ تقسیم‌کننده میانی
اخ۲ جاده روستایی
اخ۲ جدول خیابان
اخ۲ حاشیه جاده
اخ۲ راه شنی
اخ۲ راه موقت
اخ۲ شانه(جاده)
اخ۲ قوس(راه)
اخ۲ مسیر جهت‌گرد
اخ۲ مسیر خودرو
اخ۲ نرده محافظ
اخ۱ روگذر
اخ۱ زیرگذر
اخ۱ سیستم بزرگراه
اخ۲ بزرگراه عوارضی
اخ۲ تقاطع غیرهمسطح
اخ۲ تونل وسیله نقلیه
اخ۳ تونل راه‌آهن
اخ۲ راپل
اخ۲ سیستم بزرگراه وسیله نقلیه هوشمند
اخ۲ منطقه خدماتی بزرگراه
او برنامه‌ریزی شهری
او بیمارستان
او تسهیلات
او تسهیلات تفریحی
ان *Public work*

امنیت اطلاعات

ب‌ک امنیت داده‌ها

امنیت داده‌ها

ب‌ج *امنیت اطلاعات*
ب‌ج *امنیت رایانه*
ب‌ج *ایمن‌سازی داده‌ها*
او جرم رایانه‌ای
او داده‌پردازی
او داده‌گردانی
او رمزنویسی
او سیستم امنیتی
ان *Security of data*

امنیت رایانه
ب‌ک امنیت داده‌ها

امور مالی

اخ۱ بیمه
اخ۲ بیمه آتش‌سوزی
اخ۲ بیمه درمانی
اخ۲ بیمه دریایی
اخ۲ بیمه سیل
اخ۲ بیمه صنعتی
اخ۱ دستمزد و هزینه
اخ۲ نرخ بهره‌برداری
اخ۳ نرخ برق
اخ۳ هزینه تخلیه فاضلاب
اخ۳ هزینه تصفیه فاضلاب
اخ۲ هزینه ترابری
اخ۱ مالیات‌بندی
اخ۱ هزینه
او اقتصاد
او داده‌پردازی مالی
او مدیریت
ان *Finance*

امولسیون

اع۱ پاشیدگی
اخ۱ امولسیون عکاسی
اخ۱ ریزامولسیون
او امولسیون‌سازی
او بسپارش امولسیونی
او دلمه‌شدگی
ان *Emulsion*

امولسیون‌سازی

اع۱ عملیات شیمیایی
او امولسیون
او امولسیون‌شکنی
او آمیختگی
او انعقاد
ان *Emulsification*

امولسیون‌شکنی

اع۱ جداسازی
اع۲ عملیات شیمیایی
او امولسیون‌سازی
او مایع
ان *Demulsification*

امولسیون عکاسی

اع۱ امولسیون
اع۲ پاشیدگی
اع۱ مواد حساس به نور
اع۲ مواد نوری
اع۳ مواد
او حساسیت‌سنج
او عکاسی
او فیلم عکاسی
او کلوئید محافظ
او نورحساسی
ان *Photographic emulsion*

انبار

اع۱ تسهیلات
اخ۱ انبار متلاشی‌شدنی
او تجهیزات جابه‌جایی مواد
او جابه‌جایی مواد
او ذخیره‌سازی(مواد)
ان *Warehouse*

انبار غله(کشاورزی)

ب‌ج *سیلو*
ب‌ج *سیلوی فولادی*
اع۱ ساختمان کشاورزی
اع۲ ساختمان
اع۳ سازه
اع۲ مزرعه
ان *Silo (agricultural)*

انبارش بار در فضای محدود
اع۱ اثر میدان الکتریکی
اع۲ اثر
او دیود نیم‌رسانا
او رسانایی الکتریکی
ان *Limited space charge accumulation*

انبار متلاشی‌شدنی
اع۱ انبار
اع۲ تسهیلات
ان *Collapsible warehouse*

انبار موشک
اع۱ پایگاه موشکی
اع۲ پایگاه نظامی
اع۳ تسهیلات
او پرتاب
او پشتیبانی زمینی هوافضا
ان *Missile silo*

انباره انجمنی
ب‌ج *حافظه نشانی‌پذیر محتوایی*
ب‌ج *ذخیره‌سازی نشانی‌پذیر محتوایی*
اع۱ ذخیره رقمی
اع۲ تجهیزات ذخیره داده‌ها
اع۳ سخت‌افزار رایانه
او پردازش انجمنی
او ذخیره خودسازمان‌ده
ان *Associative storage*

انباره دیسک نوری
اع۱ ذخیره داده‌های نوری
اع۲ تجهیزات ذخیره داده‌ها
اع۳ سخت‌افزار رایانه
اخ۱ سی.دی.رام
او ابزار نوری
او دیسک ویدئو
او ذخیره تصویر نوری
ان *Optical disk storage*

انباره قیاسی
اع۱ تجهیزات ذخیره داده‌ها
اع۲ سخت‌افزار رایانه
اع۳ رایانه
او رایانه قیاسی
ان *Analog storage*

انباره مجازی
اع۱ ذخیره رقمی
اع۲ تجهیزات ذخیره داده‌ها
اع۳ سخت‌افزار رایانه
او سازمان فایل
او سیستم عامل رایانه
ان *Virtual storage*

انباشتگر هیدرولیکی
اع۱ چرخ طیار
اع۲ موتور(با منبع انرژی درونی)
اع۳ ماشین‌آلات
اع۱ ماشین‌آلات هیدرولیکی
اع۲ ماشین‌آلات
او مخزن تعادل
ان *Hydraulic accumulator*

انباشتگی تنش
ب‌ج *توزیع تنش*
او آزمایش خستگی
او آزمایش شکست
او آزمایش ضربه
او تنش
او ضریب شدت تنش
ان *Stress concentration*

انباشتن
اع۱ جابه‌جایی مواد
او بارگنج
او بارگیری
او بارگیری(کوره)
ان *Filling*

انبساط
ی‌د در مواد
اخ۱ انبساط گرمایی
او اتصال انبساطی
او آماس
ان *Expansion*

انبساط‌سنج

ی‌د برای اندازه‌گیری تغییرات حجم مایعات و جامدات در نتیجه اثرات شیمیایی یا گرمایی.
اع۱ تراگذار
اع۲ تجهیزات
اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او پیمانه
او تعیین درشتی
او کرنش‌سنج
ان *Dilatometer*

انبساط گرمایی

اع۱ انبساط
اع۱ ویژگی ترمودینامیکی
او اثر گرما
او آماس
او یخ
ان *Thermal expansion*

انبوهش

ب‌ک گردایش

انتشار الکترومغناطیسی

ب‌ج *پراکنش موج الکترومغناطیسی*
اع۱ پاشیدگی(موج)
او تضعیف
او رنگ(فام)
او شکست
ان *Electromagnetic dispersion*

انتشار برگشتی

او سیستم یادگیری
او شبکه عصبی
او هوش مصنوعی
ان *Backpropagation*

انتشار ترک

ب‌ج رشد ترک
او آغاز ترک
او ترک
او ترک‌برداری
او ترک‌خوردگی تنشی
او شکست(مکانیکی)
او شکستگی
او لایه‌لایه‌شدگی
او ویژگی مکانیکی
ان *Crack propagation*

انتشار رادیویی

ب‌ک ارسال رادیویی

انتشار فراصوتی

ی‌د در گازها، برای انتشار در مایعات و جامدات، اصطلاح "انتقال فراصوتی" را به کار برید.
اع۱ انتشار موج صوتی
اع۲ انتشار موج
او انتقال فراصوتی
او بازتاب فراصوتی
او پاشندگی فراصوتی
او پراش فراصوتی
او پراکندگی فراصوتی
او شکست فراصوتی
او موج فراصوتی
او واهلش فراصوتی
ان *Ultrasonic propagation*

انتشار موج

ی‌د در گازها، برای انتشار در مایعات و جامدات اصطلاح "انتقال موج" را به کار برید.
اع۱ انتشار موج الکترومغناطیسی
اع۲ انتشار موج الکترومغناطیسی در پلاسما
اع۳ انتشار موج الکترومغناطیسی یون‌کره‌ای
اع۲ انتشار موج الکترومغناطیسی هدایت‌شونده
اع۲ انتشار نور
اع۱ انتشار موج صوتی
اع۲ انتشار فراصوتی
او انتقال موج
او بازتاب
او پاشیدگی(موج)
او تضعیف
او شکست
او موج
او موج صوتی یونی
او واپیچش(موج)
ان *Wave propagation*

انتشار موج الکترومغناطیسی

ی‌د در گازها، برای انتشار در مایعات و جامدات اصطلاح "انتقال الکترومغناطیسی" را به کار برید.
اع۱ انتشار موج

اخ۱ انتشار موج الکترومغناطیسی در پلاسما
اخ۲ انتشار موج الکترومغناطیسی یون‌کره‌ای
اخ۱ انتشار موج الکترومغناطیسی هدایت‌شونده
اخ۱ انتشار نور
او ارسال رادیویی
او انتقال نور
او بازتاب موج الکترومغناطیسی
او پراش موج الکترومغناطیسی
او پراکندگی موج الکترومغناطیسی
او تداخل موج الکترومغناطیسی
او تراگسیل تلویزیونی
او جذب موج الکترومغناطیسی
او شکست موج الکترومغناطیسی
او نظریه میدان الکترومغناطیسی
ان *Electromagnetic wave propagation*

انتشار موج الکترومغناطیسی در پلاسما

ب‌ج *ادغام مغناطیسی*
اع۱ انتشار موج الکترومغناطیسی
اع۲ انتشار موج
اخ۱ انتشار موج الکترومغناطیسی یون‌کره‌ای
او پلاسما
ان *Electromagnetic wave propagation in plasma*

انتشار موج الکترومغناطیسی هدایت‌شونده

ب‌ج *موج هدایت‌شونده*
اع۱ انتشار موج الکترومغناطیسی
اع۲ انتشار موج
او موجبر
ان *Guided electromagnetic wave propagation*

انتشار موج الکترومغناطیسی یون‌کره‌ای

اع۱ انتشار موج الکترومغناطیسی در پلاسما
اع۲ انتشار موج الکترومغناطیسی
اع۳ انتشار موج
او ارسال رادیویی
او جو زمین
او یون‌کره
ان *Ionospheric electromagnetic wave propagation*

انتشار موج صوتی

ی‌د در گازها، برای انتشار در مایعات و گازها اصطلاح "انتقال موج صوتی" را به کار برید.
اع۱ انتشار موج
اخ۱ انتشار فراصوتی
او اثر دوپلر
او اثر موج صوتی
او بازتاب موج صوتی
او پاشیدگی صوتی
او پراش موج صوتی
او پراکندگی موج صوتی
او پس‌پراکندگی موج صوتی
او تداخل موج صوتی
او جریان صوتی
او سرعت موج صوتی
او شکست موج صوتی
او شنوایی
او صوت‌شناسی جوی
او گفتار
او موج شوکی
او موج صوتی
ان *Acoustic wave propagation*

انتشار نور

ی‌د در گازها، برای انتشار در مایعات و جامدات اصطلاح "انتقال نور" را به کار برید.
ب‌ج *انتشار نوری*
اع۱ انتشار موج الکترومغناطیسی
اع۲ انتشار موج
او انتقال نور
او بازتاب نور
او جذب نور
او شکست نور
ان *Light propagation*

انتشار نوری

ب‌ک انتشار نور

انتقال الکترون

او الکترون
او جذب موج الکترومغناطیسی
او جذب نور
او گسیل موج الکترومغناطیسی
او گسیل نور
ان *Electron transition*

انتقال الکتریکی

ب‌ک انتقال نیروی الکتریکی

انتقال انرژی

او اتلاف انرژی
او انتقال گرما
ان *Energy transfer*

انتقال انرژی ریزموجی

اع۱ انتقال نیروی الکتریکی
او ریزموج
ان *Microwave power transmission*

انتقال بار

او واکنش شیمیایی
او یونش
ان *Charge transfer*

انتقال تصویر

ب‌ک سیستم ارتباط تصویری

انتقال توان جریان مستقیم

ب‌ک انتقال ولتاژ جریان مستقیم

انتقال جرم

اخ۱ رواناب
اخ۲ رواناب کشاورزی
او انتقال گرما
او پخشیدگی
او دیالیز
او طیف‌سنجی جرمی
او ویژگی ترابرد
ان *Mass transfer*

انتقال داده‌ها

اع۱ داده‌پردازی
او تجهیزات ذخیره داده‌ها
او سخت‌افزار رایانه
ان *Data transfer*

انتقال دوپلر

ب‌ک اثر دوپلر

انتقال‌دهنده فاز

ب‌ج *انتقال‌دهنده فاز الکتریکی*
ب‌ج *مدار انتقال فاز*
ب‌ج *مدار انتقال فاز الکتریکی*
اع۱ شبکه(مدار)
او ابزار فریتی
او انتقال فاز
او اندازه‌گیری فاز
او ژیراتور
او کنترل فاز
او مدار تغییر فاز
ان *Phase shifter*

انتقال‌دهنده فاز الکتریکی

ب‌ک انتقال‌دهنده فاز

انتقال دیپلکس

اع۱ ارتباط خاملی
اع۲ مخابرات
اع۳ ارتباط
او تلگراف
ان *Diplex transmission*

انتقال رسوب

او جامدات معلق(سیالات)
او شارش جامد
او شارش سیال
ان *Sediment transport*

انتقال فاز

او انتقال‌دهنده فاز
او فازسنج
او مدار تغییر فاز
او مدوله‌سازی فاز
او موج
ان *Phase shift*

انتقال فراصوتی

ی‌د در مایعات و جامدات برای انتقال در گازها، اصطلاح "انتشار فراصوتی" را به کار برید.
اع۱ انتقال موج صوتی
اع۲ انتقال موج
او انتشار فراصوتی
او جذب فراصوتی
او موج فراصوتی
ان *Ultrasonic transmission*

انتقال فناوری
او اثر اجتماعی و اقتصادی
او فناوری
ان *Technology transfer*

انتقال قدرت
او جعبه‌دنده
او جعبه‌دنده خودرو
او جعبه‌دنده وسیله نقلیه
ان *Power transmission*

انتقال گرما
اع۱ انتقال گرمای زیرآبی
اع۱ انتقال گرمای زیرزمینی
اع۱ تابش گرمایی
اع۲ تابش جو
اع۱ رسانش گرما
اع۱ همرفت گرما
اع۲ همرفت طبیعی
او انتقال انرژی
او انتقال جرم
او آیرودینامیک
او بخار
او بستر پرشده
او بستر سیال
او پخش گرمایی
او پره(تبدیل گرما)
او تابشگر
او جریان دوفاز
او جریان دیواره‌ای
او جریان کانال
او جریان ناپایا
او جوشش هسته‌ای
او چگالنده بخار
او حفاظ گرمایی
او رسانندگی گرمایی
او سرمایش
او سیستم تلمبه گرما
او شار گرما
او ضریب انتقال گرما
او عایق‌کاری گرمایی
او عدد نوسلت
او گرمایش
او لایه مرزی
او لایه‌بندی گرمایی
او لوله گرمارسان
او مایع جوشان
او مبادله‌کن گرما
او مجرا
او مولد بخار
ان *Heat transfer*

انتقال گرمای زیرآبی
اع۱ انتقال گرما
او اندازه‌گیری دمای زیر آب
او سازه زیرآبی
ان *Underwater heat transfer*

انتقال گرمای زیرزمینی
اع۱ انتقال گرما
او اندازه‌گیری دمای زیر زمین
او ساختمان زیرزمینی
او سازه زیرزمینی
ان *Underground heat transfer*

انتقال گفتار
اع۱ مخابرات
اع۲ ارتباط
او ارتباط گفتاری
او اشاعه اطلاعات
او سیستم ارتباطات صوتی‌داده‌ای
ان *Speech transmission*

انتقال مادون قرمز
اع۱ انتقال نور
اع۲ انتقال موج الکترومغناطیسی
اع۳ انتقال موج
او تابش مادون قرمز
او شیشه
ان *Infrared transmission*

انتقال مداری
او سفر فضایی
او فضاپیما
او ماهواره
او محل برخورد فضایی
او مسیر
ان *Orbital transfer*

انتقال موج

ی‌د در مایعات و جامدات، برای انتقال در گازها، اصطلاح "انتشار موج" را به کار برید.
اخ۱ انتقال موج الکترومغناطیسی
اخ۲ انتقال نور
اخ۳ انتقال مادون قرمز
اخ۲ تراگسیل تلویزیونی
اخ۱ انتقال موج صوتی
اخ۲ انتقال فراصوتی
او انتشار موج
او بازتاب
او تضعیف
او موج
ان *Wave transmission*

انتقال موج الکترومغناطیسی

اع۱ انتقال موج
اخ۱ انتقال نور
اخ۲ انتقال مادون قرمز
اخ۱ تراگسیل تلویزیونی
او ارسال رادیویی
او بازتاب موج الکترومغناطیسی
ان *Electromagnetic wave transmission*

انتقال موج صوتی

ی‌د در مایعات و جامدات، برای انتقال در گازها، اصطلاح "انتشار موج صوتی" را به کار برید.
اع۱ انتقال موج
اخ۱ انتقال فراصوتی
او سونار
او صوت‌شناسی زیرآبی
او موج لرزه‌ای
ان *Acoustic wave transmission*

انتقال نور

ی‌د در مایعات و جامدات، برای انتقال در گازها، اصطلاح "انتشار نور" را به کار برید.
ب‌ج *انتقال نوری*
اع۱ انتقال موج الکترومغناطیسی
اع۲ انتقال موج
اخ۱ انتقال مادون قرمز
او انتشار موج الکترومغناطیسی
او انتشار نور
او بازتاب نور
او پالایه نوری
او جذب نور
او دید
او شیشه
او موجبر نوری
او نور
او نورشناسی تارها
ان *Light transmission*

انتقال نوری
ب‌ک انتقال نور

انتقال نیرو

اع۱ کامیون
اع۲ وسیله نقلیه زمینی
اع۳ وسیله نقلیه
ان *Power takeoff*

انتقال نیروی الکتریکی

ب‌ج *انتقال الکتریکی*
اخ۱ انتقال انرژی ریزموجی
اخ۱ انتقال ولتاژ بالا
اخ۲ انتقال ولتاژ بسیار بالا
اخ۱ انتقال ولتاژ جریان مستقیم
او بست الکتریکی
او توان واکنشی
او جریان بار الکتریکی
او رسانای الکتریکی
او سیستم نیروی برق
او شبکه انتقال نیروی برق
او لوله حفاظ الکتریکی
او یک‌سوساز الکتریکی
ان *Electric power transmission*

انتقال ولتاژ بالا

ی‌د بیشتر از ۳۴۵ کیلو ولت
اع۱ انتقال نیروی الکتریکی
اخ۱ انتقال ولتاژ بسیار بالا
ان *EHV power transmission*

انتقال ولتاژ بسیار بالا

ی‌د بیشتر از ۸۰۰ کیلو ولت
اع۱ انتقال ولتاژ بالا
اع۲ انتقال نیروی الکتریکی
ان *UHV power transmission*

انتقال ولتاژ جریان مستقیم

ی‌د انتقال جریان مستقیم
ب‌ج *انتقال توان جریان مستقیم*
اع۱ انتقال نیروی الکتریکی
ان *DC power transmission*

انتگرال‌گیری

اع۱ فن ریاضی
او تحلیل عددی
ان *Integration*

انجماد

اع۱ سرمایش
اع۱ گذار فاز
او جامدسازی
او ذوب منطقه‌ای
او عمل‌آوری مواد غذایی
او مایع
او هسته‌بندی
او یخ
او یخ دریایی
ان *Freezing*

انجمن و موسسه

ب‌ج *سازمان*
ب‌ج *موسسه*
او بعد حرفه‌ای
او پژوهش
ان *Societies and institution*

انحلال

اع۱ عملیات شیمیایی
ان *Dissolution*

انحلال‌پذیری

ب‌ج *امتزاج‌پذیری*
ب‌ج *امتزاج‌ناپذیری*
ب‌ج *انحلال‌ناپذیری*
او اشباع(ترکیب مواد)
او آمیختگی
او تعادل فاز
او حلال
او محلول
او نمودار فازی
ان *Solubility*

انحلال‌ناپذیری
ب‌ک انحلال‌پذیری

اندازه‌شناسی
ب‌ک اندازه‌گیری

اندازه‌گیری

ی‌د یک اصطلاح خیلی عام است، ترجیحا اندازه‌گیری خاص یا دسته‌ای از اندازه گیری را به کار برید.
ب‌ج *اندازه‌شناسی*
ب‌ج *پیمایش*
اخ۱ اندازه‌گیری بارش برف
اخ۱ اندازه‌گیری براقیت
اخ۱ اندازه‌گیری پرتوزایی
اخ۱ اندازه‌گیری پرتو کیهانی
اخ۱ اندازه‌گیری چگالی الکترونی
اخ۱ اندازه‌گیری زمان
اخ۱ اندازه‌گیری سوخت گازی
اخ۱ اندازه‌گیری شوری
اخ۱ اندازه‌گیری گرانروی
اخ۱ اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
اخ۲ اندازه‌گیری بسامد الکتریکی
اخ۲ اندازه‌گیری بهره
اخ۲ اندازه‌گیری پاگیری الکتریکی
اخ۳ اندازه‌گیری راکتانس الکتریکی
اخ۳ اندازه‌گیری مقاومت الکتریکی
اخ۲ اندازه‌گیری توان الکتریکی
اخ۲ اندازه‌گیری توزیع جریان الکتریکی
اخ۲ اندازه‌گیری توزیع ولتاژ
اخ۲ اندازه‌گیری جریان الکتریکی
اخ۲ اندازه‌گیری رسانایی الکتریکی
اخ۲ اندازه‌گیری ریزموجی
اخ۲ اندازه‌گیری زاویه اتلاف الکتریکی
اخ۲ اندازه‌گیری شارژ الکتریکی
اخ۲ اندازه‌گیری ضریب توان الکتریکی
اخ۲ اندازه‌گیری ضریب کیفیت
اخ۲ اندازه‌گیری ظرفیت
اخ۲ اندازه‌گیری فاز
اخ۲ اندازه‌گیری گذردهی الکتریکی
اخ۲ اندازه‌گیری میدان الکتریکی
اخ۲ اندازه‌گیری نوفه سیگنال
اخ۲ اندازه‌گیری ولتاژ
اخ۲ ضریب القاءسنجی

اخ۱	اندازه‌گیری متغیر صوتی
اخ۲	اندازه‌گیری پاگیری صوتی
اخ۲	اندازه‌گیری سرعت موج صوتی
اخ۲	اندازه‌گیری شدت صوتی
اخ۲	اندازه‌گیری فراصوتی
اخ۳	اندازه‌گیری سرعت فراصوتی
اخ۲	اندازه‌گیری میدان صوتی
اخ۲	اندازه‌گیری نوفه صوتی
اخ۱	اندازه‌گیری متغیر فضایی
اخ۲	اندازه‌گیری حجم
اخ۲	اندازه‌گیری زاویه
اخ۲	اندازه‌گیری سطح
اخ۲	اندازه‌گیری سطح رویه
اخ۳	اندازه‌گیری پربندی
اخ۳	اندازه‌گیری زبری
اخ۲	اندازه‌گیری ضخامت
اخ۲	اندازه‌گیری مسافت
اخ۳	اندازه‌گیری راداری
اخ۲	تعیین درشتی
اخ۳	تحلیل درشتی ذره
اخ۲	سنجش وضعیت
اخ۱	اندازه‌گیری متغیر گرمایی
اخ۲	اندازه‌گیری دما
اخ۳	اندازه‌گیری دمای زیر آب
اخ۳	اندازه‌گیری دمای زیر زمین
اخ۳	تف‌سنجی
اخ۳	دمانگاری
اخ۱	اندازه‌گیری متغیر مغناطیسی
اخ۲	اندازه‌گیری تراوایی مغناطیسی
اخ۲	اندازه‌گیری تشدید مغناطیسی
اخ۲	اندازه‌گیری میدان مغناطیسی
اخ۲	اندازه‌گیری واهلش مغناطیسی
اخ۱	اندازه‌گیری متغیر مکانیکی
اخ۲	اندازه‌گیری ارتعاش
اخ۲	اندازه‌گیری چگالی(گرانی ویژه)
اخ۲	اندازه‌گیری سرعت
اخ۳	اندازه‌گیری سرعت فراصوتی
اخ۲	اندازه‌گیری شارش
اخ۲	اندازه‌گیری شتاب
اخ۲	اندازه‌گیری فشار
اخ۲	اندازه‌گیری کرنش
اخ۲	اندازه‌گیری گشتاور نیرو
اخ۲	اندازه‌گیری نیرو
اخ۱	اندازه‌گیری متغیر نوری
اخ۲	اندازه‌گیری چگالی(نوری)
اخ۲	اندازه‌گیری نور
اخ۲	بیضوی‌سنجی
اخ۲	رنگ‌سنجی
اخ۲	نورسنجی
اخ۳	طیف‌نورسنجی
اخ۱	اندازه‌گیری مدوله‌سازی متقابل
اخ۱	اندازه‌گیری میدان الکترومغناطیسی
اخ۱	اندازه‌گیری یون‌کره‌ای
اخ۱	انسان‌سنجی
اخ۱	پرتوسنجی
اخ۱	پلاسماشناسی
اخ۱	تداخل‌سنجی
اخ۲	تداخل‌سنج تمام‌نگاری
اخ۱	توزین
اخ۱	ژرفاسنجی
اخ۱	سنجش
اخ۱	طیف‌سنجی
اخ۲	طیف‌سنجی جرمی
اخ۳	طیف‌سنجی جرمی با یون ثانوی
اخ۱	گرماسنجی
اخ۲	گرماسنجی پویشی تفاضلی
اخ۱	مقدارسنجی
او	آزمایش
او	آزمایش تجهیزات
او	آزمایش مواد
او	آشکارساز
او	بازرسی
او	بررسی
او	پایش
او	تجزیه شیمیایی
او	خطای اندازه‌گیری
او	سنجش حجمی
او	سیستم متریک
او	کالبزنی
او	نظریه اندازه
او	نقشه‌برداری
او	یکای اندازه‌گیری
ان	*Measurement*

اندازه‌گیری ارتعاش

اع۱	اندازه‌گیری متغیر مکانیکی
اع۲	اندازه‌گیری
او	ارتعاش(مکانیکی)
او	اندازه‌گیری متغیر صوتی
او	چرخش‌سنج
او	کنترل ارتعاش
ان	*Vibration measurement*

اندازه‌گیری الکتریکی
ب‌ک اندازه‌گیری متغیر الکتریکی

اندازه‌گیری انرژی
ب‌ک اندازه‌گیری توان الکتریکی

اندازه‌گیری بارش برف
ب‌ج *برف‌سنجی*
اع۱ اندازه‌گیری
او آب‌رسانی
او برف
او برف‌سنج
او منبع آب
او هواشناسی
ان *Snowfall measurement*

اندازه‌گیری بازتاب
ب‌ک بازتاب‌سنج

اندازه‌گیری براقیت
اع۱ اندازه‌گیری
او کاغذ
ان *Gloss measurement*

اندازه‌گیری بسامد الکتریکی
اع۱ اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
اع۲ اندازه‌گیری
او استاندارد بسامد
او بسامدسنج
او دورسنج
او کنترل بسامد الکتریکی
ان *Electric frequency measurement*

اندازه‌گیری بهره
ب‌ج *اندازه‌گیری تقویت*
اع۱ اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
اع۲ اندازه‌گیری
او تقویت
او تقویت‌کننده(الکترونیکی)
او کنترل بهره
ان *Gain measurement*

اندازه‌گیری پاگیری الکتریکی
اع۱ اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
اع۲ اندازه‌گیری
اع۱ اندازه‌گیری راکتانس الکتریکی
اع۱ اندازه‌گیری مقاومت الکتریکی
او پاگیری الکتریکی
ان *Electric impedance measurement*

اندازه‌گیری پاگیری صوتی
اع۱ اندازه‌گیری متغیر صوتی
اع۲ اندازه‌گیری
او اندازه‌گیری سرعت موج صوتی
او پاگیری صوتی
ان *Acoustic impedance measurement*

اندازه‌گیری پربندی
اع۱ اندازه‌گیری سطح رویه
اع۲ اندازه‌گیری متغیر فضایی
اع۳ اندازه‌گیری
او رویه
ان *Contour measurement*

اندازه‌گیری پرتوزایی
اع۱ اندازه‌گیری
او آشکارساز تابش
او پرتوزایی
او تابش
او تابش‌شمار
او مقدارسنج
ان *Radioactivity measurement*

اندازه‌گیری پرتو کیهانی
اع۱ اندازه‌گیری
او آشکارساز پرتو کیهانی
او پرتو کیهانی
ان *Cosmic ray measurement*

اندازه‌گیری تراوایی مغناطیسی
اع۱ اندازه‌گیری متغیر مغناطیسی
اع۲ اندازه‌گیری
او تراوایی مغناطیسی
او تراوایی‌سنج(تراوایی مغناطیسی)
ان *Magnetic permeability measurement*

اندازه‌گیری تشدید مغناطیسی
اع۱ اندازه‌گیری متغیر مغناطیسی

اع۲ اندازه‌گیری
او تشدید مغناطیسی
ان *Magnetic resonance measurement*

اندازه‌گیری تقویت
ب‌ک اندازه‌گیری بهره

اندازه‌گیری توان الکتریکی
ب‌ج *اندازه‌گیری انرژی*
اع۱ اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
اع۲ اندازه‌گیری
او توان واکنشی
او شاخص تقاضای بیشینه
او وات‌ساعت‌سنج
او وات‌سنج
ان *Electric power measurement*

اندازه‌گیری توزیع جریان الکتریکی
اع۱ اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
اع۲ اندازه‌گیری
او اندازه‌گیری جریان الکتریکی
او توزیع جریان الکتریکی
ان *Electric current distribution measurement*

اندازه‌گیری توزیع ولتاژ
اع۱ اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
اع۲ اندازه‌گیری
او اندازه‌گیری ولتاژ
او تخلیه سطحی
او جرقه‌زنی الکتریکی
ان *Voltage distribution measurement*

اندازه‌گیری جریان
ب‌ک اندازه‌گیری جریان الکتریکی

اندازه‌گیری جریان الکتریکی
ب‌ج *اندازه‌گیری جریان*
اع۱ اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
اع۲ اندازه‌گیری
او آمپرسنج
او اندازه‌گیری توزیع جریان الکتریکی
او حس‌گر آمپرسنجی
او گالوانومتر
ان *Electric current measurement*

اندازه‌گیری چگالی(گرانی ویژه)
اع۱ اندازه‌گیری متغیر مکانیکی
اع۲ اندازه‌گیری
او اندازه‌گیری حجم
او چگالی گاز
او چگالی مایع
او چگالی(گرانی ویژه)
او چگالی‌سنج
او کنترل چگالی(گرانی ویژه)
ان *Density measurement (specific gravity)*

اندازه‌گیری چگالی(نوری)
اع۱ اندازه‌گیری متغیر نوری
اع۲ اندازه‌گیری
او چگالی(نوری)
ان *Density measurement (optical)*

اندازه‌گیری چگالی الکترونی
اع۱ اندازه‌گیری
ان *Electron density measurement*

اندازه‌گیری حجم
اع۱ اندازه‌گیری متغیر فضایی
اع۲ اندازه‌گیری
او اندازه‌گیری چگالی(گرانی ویژه)
او کنترل صدا(فضایی)
ان *Volume measurement*

اندازه‌گیری دما
اع۱ اندازه‌گیری متغیر گرمایی
اع۲ اندازه‌گیری
اخ۱ اندازه‌گیری دمای زیر آب
اخ۱ اندازه‌گیری دمای زیر زمین
اخ۱ تفسنجی
اخ۱ دمانگاری
او تابش‌سنج
او تفسنج
او توزیع دما
او دما
او دماسنج
او دوربین دمانما

او کنترل دما
او مقیاس دما
ان *Temperature measurement*

اندازه‌گیری دمای زیر آب

اع۱ اندازه‌گیری دما
اع۲ اندازه‌گیری متغیر گرمایی
اع۳ اندازه‌گیری
او انتقال گرمای زیرآبی
او تجهیزات زیرآبی
او سازه زیرآبی
ان *Underwater temperature measurement*

اندازه‌گیری دمای زیر زمین

اع۱ اندازه‌گیری دما
اع۲ اندازه‌گیری متغیر گرمایی
اع۳ اندازه‌گیری
او انتقال گرمای زیرزمینی
او ساختمان زیرزمینی
او سازه زیرزمینی
ان *Underground temperature measurement*

اندازه‌گیری راداری

اع۱ اندازه‌گیری مسافت
اع۲ اندازه‌گیری متغیر فضایی
اع۳ اندازه‌گیری
ان *Radar measurement*

اندازه‌گیری راکتانس الکتریکی

اع۱ اندازه‌گیری پاگیری الکتریکی
اع۲ اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
اع۳ اندازه‌گیری
او اندازه‌گیری زاویه اتلاف الکتریکی
او اندازه‌گیری ظرفیت
او پاگیری الکتریکی
او ضریب القاءسنجی
ان *Electric reactance measurement*

اندازه‌گیری رسانایی الکتریکی

اع۱ اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
اع۲ اندازه‌گیری
او اندازه‌گیری مقاومت الکتریکی
او پل اندازه‌گیری الکتریکی
او رسانایی الکتریکی
ان *Electric conductivity measurement*

اندازه‌گیری ریزموجی

اع۱ اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
اع۲ اندازه‌گیری
او پرتوسنجی
او ریزموج
او موج‌سنج
ان *Microwave measurement*

اندازه‌گیری زاویه

اع۱ اندازه‌گیری متغیر فضایی
اع۲ اندازه‌گیری
او ریزسنج
ان *Angle measurement*

اندازه‌گیری زاویه اتلاف الکتریکی

اع۱ اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
اع۲ اندازه‌گیری
او اتلاف الکتریکی
او اندازه‌گیری زاکتانس الکتریکی
ان *Electric loss angle measurement*

اندازه‌گیری زبری

اع۱ اندازه‌گیری سطح رویه
اع۲ اندازه‌گیری متغیر فضایی
اع۳ اندازه‌گیری
او جاده و خیابان
او رویه
او زبری سطح
او کاغذ
ان *Roughness measurement*

اندازه‌گیری زمان

اع۱ اندازه‌گیری
او ابزار زمان‌گیری
او ابزار زمان‌گیری الکترونیکی
او آونگ
او بسامدسنج
او زمان‌سنج
او زمان‌گیر
او ساعت

او ساعت اتمی
او ساعت مچی
او مدار زمان‌گیری
او مطالعه زمان و حرکت
او میز
او نوسان‌نگار
او همگام‌سازی
او یکای اندازه‌گیری
ان *Time measurement*

اندازه‌گیری سرعت

اع۱ اندازه‌گیری متغیر مکانیکی
اع۲ اندازه‌گیری
اخ۱ اندازه‌گیری سرعت فراصوتی
او اندازه‌گیری فشار
او تحلیل‌گر سرعت الکترون
او سرعت
او سرعت‌سنج
او کنترل سرعت
ان *Velocity measurement*

اندازه‌گیری سرعت صوت

ب‌ک اندازه‌گیری سرعت موج صوتی

اندازه‌گیری سرعت فراصوتی

اع۱ اندازه‌گیری سرعت
اع۲ اندازه‌گیری متغیر مکانیکی
اع۳ اندازه‌گیری
اع۱ اندازه‌گیری فراصوتی
اع۲ اندازه‌گیری متغیر صوتی
اع۳ اندازه‌گیری
اع۲ کاربرد فراصوتی
اع۳ کاربرد
او سرعت فراصوتی
او سرعت‌سنج فراصوتی دوپلر
ان *Ultrasonic velocity measurement*

اندازه‌گیری سرعت موج صوتی

ب‌ج *اندازه‌گیری سرعت صوت*
اع۱ اندازه‌گیری متغیر صوتی
اع۲ اندازه‌گیری
او اندازه‌گیری پاگیری صوتی
او سرعت موج صوتی
ان *Acoustic wave velocity measurement*

اندازه‌گیری سطح

اع۱ اندازه‌گیری متغیر فضایی
اع۲ اندازه‌گیری
ان *Level measurement*

اندازه‌گیری سطح رویه

اع۱ اندازه‌گیری متغیر فضایی
اع۲ اندازه‌گیری
اخ۱ اندازه‌گیری پربندی
اخ۱ اندازه‌گیری زبری
او رویه
او سطح‌سنج
او مواد دانه‌ای
او ویژگی سطح
ان *Surface measurement*

اندازه‌گیری سوخت گازی

ب‌ج *اندازه‌گیری گاز*
اع۱ اندازه‌گیری
او سوخت گازی
او گازسنج
ان *Gas fuel measurement*

اندازه‌گیری شارژ الکتریکی

اع۱ اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
اع۲ اندازه‌گیری
او برق‌سنج
او شارژ الکتریکی
ان *Electric charge measurement*

اندازه‌گیری شارش

اع۱ اندازه‌گیری متغیر مکانیکی
اع۲ اندازه‌گیری
او اندازه‌گیری فشار
او بادسنج
او پاکسازی
او تراوایی‌سنج(تراوایی مکانیکی)
او روزنه
او سنج‌افزار اندازه‌گیری شارش
او سیال‌شناسی
او سیلان‌سنج
او شارش سیال
او کنترل شارش
او نم‌سنج خاک
ان *Flow measurement*

اندازه‌گیری شتاب

اع۱ اندازه‌گیری متغیر مکانیکی
اع۲ اندازه‌گیری
او شتاب
او شتاب‌سنج
ان *Acceleration measurement*

اندازه‌گیری شدت صوتی

اع۱ اندازه‌گیری متغیر صوتی
اع۲ اندازه‌گیری
او اندازه‌گیری میدان صوتی
او شدت صوتی
ان *Acoustic intensity measurement*

اندازه‌گیری شوری

اع۱ اندازه‌گیری
او آب شور
او اقیانوس‌شناسی
او خاک
او رودخانه
ان *Salinity measurement*

اندازه‌گیری ضخامت

اع۱ اندازه‌گیری متغیر فضایی
اع۲ اندازه‌گیری
او ریزسنج
او ضخامت‌سنج
او کنترل ضخامت
ان *Thickness measurement*

اندازه‌گیری ضریب توان الکتریکی

اع۱ اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
اع۲ اندازه‌گیری
او ضریب توان الکتریکی
ان *Electric power factor measurement*

اندازه‌گیری ضریب کیفیت

اع۱ اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
اع۲ اندازه‌گیری
او سنجنده ضریب کیفیت
ان *Q factor measurement*

اندازه‌گیری ظرفیت

اع۱ اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
اع۲ اندازه‌گیری
او اندازه‌گیری راکتانس الکتریکی
او پل اندازه‌گیری الکتریکی
او خازن
او ظرفیت
ان *Capacitance measurement*

اندازه‌گیری عمق(اقیانوس)

ب‌ک ژرفاسنجی

اندازه‌گیری فاز

اع۱ اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
اع۲ اندازه‌گیری
او انتقال‌دهنده فاز
او فازسنج
او کنترل فاز
او همگام‌سازی
ان *Phase measurement*

اندازه‌گیری فراصوتی

اع۱ اندازه‌گیری متغیر صوتی
اع۲ اندازه‌گیری
اع۱ کاربرد فراصوتی
اع۲ کاربرد
اع۱ اندازه‌گیری سرعت فراصوتی
ان *Ultrasonic measurement*

اندازه‌گیری فشار

اع۱ اندازه‌گیری متغیر مکانیکی
اع۲ اندازه‌گیری
او اثر فشار
او اندازه‌گیری سرعت
او اندازه‌گیری شارش
او پیمانه فشار
او تراگذار فشاری
او خلاءسنج
او فشارسنج
او نشانگر عمق
ان *Pressure measurement*

اندازه‌گیری کرنش

اع۱ اندازه‌گیری متغیر مکانیکی
اع۲ اندازه‌گیری
او آزمایش مکانیکی

او کرنش
او کرنش‌سنج
او کنترل کرنش
ان *Strain measurement*

اندازه‌گیری گاز
ب‌ک اندازه‌گیری سوخت گازی

اندازه‌گیری گذردهی الکتریکی
اع۱ اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
اع۲ اندازه‌گیری
او گذردهی الکتریکی
ان *Permittivity measurement*

اندازه‌گیری گرانروی
ب‌ج *گرانروی‌سنجی*
اع۱ اندازه‌گیری
او جریان گرانرو
او گرانروی
او گرانروی‌سنج
ان *Viscosity measurement*

اندازه‌گیری گرما
ب‌ک اندازه‌گیری متغیر گرمایی

اندازه‌گیری گشتاور نیرو
اع۱ اندازه‌گیری متغیر مکانیکی
اع۲ اندازه‌گیری
او توان‌سنج
او کنترل گشتاور نیرو
او گشتاور نیرو
او گشتاورسنج
ان *Torque measurement*

اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
ب‌ج *اندازه‌گیری الکتریکی*
اع۱ اندازه‌گیری
اع۱ اندازه‌گیری بسامد الکتریکی
اع۱ اندازه‌گیری بهره
اع۱ اندازه‌گیری پاگیری الکتریکی
اع۲ اندازه‌گیری راکتانس الکتریکی
اع۲ اندازه‌گیری مقاومت الکتریکی
اع۱ اندازه‌گیری توان الکتریکی
اع۱ اندازه‌گیری توزیع جریان الکتریکی
اع۱ اندازه‌گیری توزیع ولتاژ
اع۱ اندازه‌گیری جریان الکتریکی
اع۱ اندازه‌گیری رسانایی الکتریکی
اع۱ اندازه‌گیری ریزموجی
اع۱ اندازه‌گیری زاویه اتلاف الکتریکی
اع۱ اندازه‌گیری شارژ الکتریکی
اع۱ اندازه‌گیری ضریب توان الکتریکی
اع۱ اندازه‌گیری ضریب کیفیت
اع۱ اندازه‌گیری ظرفیت
اع۱ اندازه‌گیری فاز
اع۱ اندازه‌گیری گذردهی الکتریکی
اع۱ اندازه‌گیری میدان الکتریکی
اع۱ اندازه‌گیری نوفه سیگنال
اع۱ اندازه‌گیری ولتاژ
اع۱ ضریب القاءسنجی
او سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
ان *Electric variable measurement*

اندازه‌گیری متغیر صوتی
اع۱ اندازه‌گیری
اع۱ اندازه‌گیری پاگیری صوتی
اع۱ اندازه‌گیری سرعت موج صوتی
اع۱ اندازه‌گیری شدت صوتی
اع۱ اندازه‌گیری فراصوتی
اع۲ اندازه‌گیری سرعت فراصوتی
اع۱ اندازه‌گیری میدان صوتی
اع۱ اندازه‌گیری نوفه صوتی
او ابزار پیزوالکتریکی
او ابزار دگرسانی مغناطیسی
او اتاق بی‌پژواک
او اکتشاف لرزه‌ای
او اندازه‌گیری ارتعاش
او سنج‌افزار اندازه‌گیری صوتی
او صوت‌شناسی
او لرزه‌نگار
او ویژگی صوتی
ان *Acoustic variable measurement*

اندازه‌گیری متغیر فضایی
اع۱ اندازه‌گیری
اع۱ اندازه‌گیری حجم
اع۱ اندازه‌گیری زاویه
اع۱ اندازه‌گیری سطح
اع۱ اندازه‌گیری سطح رویه
اع۲ اندازه‌گیری پریندی

اخ۲ اندازه‌گیری زبری
اخ۱ اندازه‌گیری ضخامت
اخ۱ اندازه‌گیری مسافت
اخ۲ اندازه‌گیری راداری
اخ۱ تعیین درشتی
اخ۲ تحلیل درشتی ذره
اخ۱ سنجش وضعیت
او اندازه‌گیری متغیر مکانیکی
او ریزسنج
او سطح‌سنج
او کنترل متغیر فضایی
او نسبت ابعاد
ان *Spatial variable measurement*

اندازه‌گیری متغیر گرمایی

ب‌ج *اندازه‌گیری گرما*
اع۱ اندازه‌گیری
اخ۱ اندازه‌گیری دما
اخ۲ اندازه‌گیری دمای زیر آب
اخ۲ اندازه‌گیری دمای زیر زمین
اخ۲ تف‌سنجی
اخ۲ دمانگاری
او اثر گرما
او آشکارساز مادون قرمز
او پرتوسنج
او تابش‌سنج
او گرمایش
او ویژگی ترمودینامیکی
ان *Thermal variable measurement*

اندازه‌گیری متغیر مغناطیسی

اع۱ اندازه‌گیری
اخ۱ اندازه‌گیری تراوایی مغناطیسی
اخ۱ اندازه‌گیری تشدید مغناطیسی
اخ۱ اندازه‌گیری میدان مغناطیسی
اخ۱ اندازه‌گیری واهلش مغناطیسی
او اثر میدان مغناطیسی
او پی‌جویی مغناطیسی
او جهت‌یاب(مغناطیسی)
او سنج‌افزار اندازه‌گیری مغناطیسی
او مغناطیس
او مواد مغناطیسی
او ویژگی مغناطیسی
ان *Magnetic variable measurement*

اندازه‌گیری متغیر مکانیکی

اع۱ اندازه‌گیری
اخ۱ اندازه‌گیری ارتعاش
اخ۱ اندازه‌گیری چگالی(گرانی ویژه)
اخ۱ اندازه‌گیری سرعت
اخ۲ اندازه‌گیری سرعت فراصوتی
اخ۱ اندازه‌گیری شارش
اخ۱ اندازه‌گیری شتاب
اخ۱ اندازه‌گیری فشار
اخ۱ اندازه‌گیری کرنش
اخ۱ اندازه‌گیری گشتاور نیرو
اخ۱ اندازه‌گیری نیرو
او ابزار دگرسانی مغناطیسی
او اندازه‌گیری متغیر فضایی
او کنترل متغیر مکانیکی
او مکانیک
او ویژگی مکانیکی
ان *Mechanical variable measurement*

اندازه‌گیری متغیر نوری

اع۱ اندازه‌گیری
اخ۱ اندازه‌گیری چگالی(نوری)
اخ۱ اندازه‌گیری نور
اخ۱ بیضوی‌سنجی
اخ۱ رنگ‌سنجی
اخ۱ نورسنجی
اخ۲ طیف‌نورسنجی
او آزمایش نوری
او بازتاب‌سنج
او کنترل متغیر نوری
او نور
او نورشناسی
او ویژگی نوری
ان *Optical variable measurement*

اندازه‌گیری مدوله‌سازی متقابل

اع۱ اندازه‌گیری
او مدوله‌سازی متقابل
ان *Intermodulation measurement*

اندازه‌گیری مسافت

ب‌ج *بردیابی*
اع۱ اندازه‌گیری متغیر فضایی
اع۲ اندازه‌گیری
اخ۱ اندازه‌گیری راداری

او بردیاب
او تداخل‌سنجی
او توپولوژی
او حس‌گر همجواری
او رادار نوری
او ریزسنج
او سونار
او ناوبری
او نشانگر همجواری
ان *Distance measurement*

اندازه‌گیری مقاومت الکتریکی

اع۱ اندازه‌گیری پاگیری الکتریکی
اع۲ اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
اع۳ اندازه‌گیری
او اندازه‌گیری رسانایی الکتریکی
او اهم‌سنج
او پاگیری الکتریکی
او مقاومت الکتریکی
ان *Electric resistance measurement*

اندازه‌گیری میدان الکترومغناطیسی

اع۱ اندازه‌گیری
او اندازه‌گیری میدان الکتریکی
او فرستنده
او فرستنده رادیویی
او میدان الکترومغناطیسی
ان *Electromagnetic field measurement*

اندازه‌گیری میدان الکتریکی

اع۱ اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
اع۲ اندازه‌گیری
او اندازه‌گیری میدان الکترومغناطیسی
او میدان الکتریکی
ان *Electric field measurement*

اندازه‌گیری میدان صوتی

اع۱ اندازه‌گیری متغیر صوتی
اع۲ اندازه‌گیری
او اندازه‌گیری شدت صوتی
ان *Acoustic field measurement*

اندازه‌گیری میدان مغناطیسی

اع۱ اندازه‌گیری متغیر مغناطیسی
اع۲ اندازه‌گیری
او شارسنج
او مغناطیس‌سنج
او میدان مغناطیسی
ان *Magnetic field measurement*

اندازه‌گیری ناشفافی

ب‌ک نورچگالی‌سنج

اندازه‌گیری نور

اع۱ اندازه‌گیری متغیر نوری
اع۲ اندازه‌گیری
ان *Light measurement*

اندازه‌گیری نوفه سیگنال

اع۱ اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
اع۲ اندازه‌گیری
او مولد نوفه
او نوفه سیگنال مزاحم
ان *Signal noise measurement*

اندازه‌گیری نوفه صوتی

اع۱ اندازه‌گیری متغیر صوتی
اع۲ اندازه‌گیری
او کاهش نوفه
او نوفه صوتی
ان *Acoustic noise measurement*

اندازه‌گیری نیرو

اع۱ اندازه‌گیری متغیر مکانیکی
اع۲ اندازه‌گیری
او تراگذار
او توان‌سنج
او فلزتراشی
او کنترل نیرو
ان *Force measurement*

اندازه‌گیری واهلش مغناطیسی

اع۱ اندازه‌گیری متغیر مغناطیسی
اع۲ اندازه‌گیری
او واهلش مغناطیسی
ان *Magnetic relaxation measurement*

اندازه‌گیری وزن

ب‌ک توزین

اندازه‌گیری ولتاژ

اع۱ اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
اع۲ اندازه‌گیری
او اندازه‌گیری توزیع ولتاژ
او برق‌سنج
او پتانسیل‌سنج(سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی)
او کنترل ولتاژ
او ولت‌سنج
ان *Voltage measurement*

اندازه‌گیری یون‌کره‌ای

اع۱ اندازه‌گیری
او یون‌کره
ان *Ionospheric measurement*

اندازه‌نگاری

اع۱ تشخیص(پزشکی)
او دستگاه قلبی-عروقی
او قلب‌پزشکی
ان *Plethysmography*

اندام حرکتی مصنوعی

اع۱ پروستتیک
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
او اندام مصنوعی
او تجهیزات توانبخشی انسانی
او توانبخشی بیمار
او مهندسی توانبخشی انسانی
ان *Artificial limb*

اندام مصنوعی

ب‌ج *قلب مصنوعی*
اع۱ پروستتیک
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
او اندام حرکتی مصنوعی
ان *Artificial organ*

اندایش کاغذ

اع۱ فن اندایش
اع۲ نهشت
اع۱ کاغذسازی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او کاغذ
ان *Paper coating*

اندود

اع۱ مواد
اخ۱ اندود الکتروفورتیک
اخ۱ اندود سایا
اخ۱ اندود سرامیکی
اخ۱ اندود سیاه
اخ۱ اندود معدنی
اخ۱ اندود آلی
اخ۲ روغن جلاء
اخ۲ لاک
اخ۱ اندود افشانه‌ای
اخ۱ اندود الکترواستاتیکی
اخ۱ اندود بازتابگر
اخ۱ اندود بورید
اخ۱ اندود پودری
اخ۱ اندود درخشنده
اخ۲ شبرنگ
اخ۱ اندود سیلیکونی
اخ۱ اندود فسفاتی
اخ۱ اندود قیری
اخ۱ اندود کروماتی
اخ۱ اندود محافظ
اخ۲ اندود ضدآب
اخ۲ رنگ ضدخزه
اخ۲ روکش عایق الکتریکی
اخ۱ اندود موقتی
اخ۱ اندود مومسان
اخ۱ اندود نفوذی
اخ۱ اندود نواری
اخ۱ اندود نوری
اخ۲ اندود ضدبازتاب
اخ۱ اندود نهشته در خلاء
اخ۱ رنگ
اخ۲ رنگ ضدخزه
اخ۲ رنگ کازئینی
اخ۲ رنگ لاستیکی کلرینه
اخ۲ شبرنگ
اخ۱ روکش لاستیکی
اخ۱ لعاب
اخ۱ یخ‌شیشه

او بستر
او جذب‌کننده خورشیدی
او خلال
او رنگ‌گیری(جداسازی)
او روکش دیواره
او عملیات سطحی
او فن اندایش
او فیلم
او فیلم نازک
او لایه کنترل خورشیدی
او مواد اندوده
او نهشت با بخار شیمیایی
ان *Coating*

اندود الکتروفورتیک
اع۱ اندود
اع۲ مواد
او الکتروفورز
ان *Electrophoretic coating*

اندود سایا
اع۱ اندود
اع۲ مواد
او ساینده
او مواد اندوده
ان *Abrasive coating*

اندود سرامیکی
اع۱ اندود
اع۲ مواد
او فراورده سرامیکی
ان *Ceramic coating*

اندود سیاه
اع۱ اندود
اع۲ مواد
او جذب‌کننده خورشیدی
ان *Black coating*

اندود معدنی
اع۱ اندود
اع۲ مواد
ان *Inorganic coating*

اندود آلی
اع۱ اندود
اع۲ مواد
اخ۱ روغن جلاء
اخ۱ لاک
او ترکیبات آلی
او رنگ
او مواد شیمیایی آلی
ان *Organic coating*

اندود افشانه‌ای
اع۱ اندود
اع۲ مواد
او افشاندن
او پلاسماافشانی
او روغن جلاء
ان *Sprayed coating*

اندود الکترواستاتیکی
اع۱ اندود
اع۲ مواد
او رنگ‌افشانی
ان *Electrostatic coating*

اندود بازتابگر
اع۱ اندود
اع۲ مواد
او لایه کنترل خورشیدی
ان *Reflective coating*

اندود بورید
اع۱ اندود
اع۲ مواد
او بورید
ان *Boride coating*

اندود پودری
اع۱ اندود
اع۲ مواد
او اندود مومسان
ان *Powder coating*

اندود درخشنده
اع۱ اندود

اع۲ مواد
اع۱ مواد درخشان
اع۲ مواد
اخ۱ شبرنگ
او نرده شبرنگ
ان *Luminous coating*

اندود روی

اع۱ آبکاری
اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت
اخ۱ گالوانیزه‌کاری
او روی
ان *Zinc plating*

اندود سیلیکونی

اع۱ اندود
اع۲ مواد
او سیلیکون
ان *Silicone coating*

اندود ضدآب

اع۱ اندود محافظ
اع۲ اندود
اع۳ مواد
او ضدآب‌کردن
ان *Waterproof coating*

اندود ضدبازتاب

اع۱ اندود نوری
اع۲ اندود
اع۳ مواد
او فیلم نوری
ان *Antireflection coating*

اندود فسفاتی

اع۱ اندود
اع۲ مواد
او فسفات
ان *Phosphate coating*

اندود قیری

اع۱ اندود
اع۲ مواد

اع۱ مواد قیری
اع۲ مواد
ان *Bituminous coating*

اندود کروماتی

اع۱ اندود
اع۲ مواد
او کرومات
ان *Chromate coating*

اندود محافظ

اع۱ اندود
اع۲ مواد
اخ۱ اندود ضدآب
اخ۱ رنگ ضدخزه
اخ۱ روکش عایق الکتریکی
او اثرناپذیرسازی
او آلودگی‌زدایی
او پرداخت فلز
او پلاسماافشانی
او حفاظت
او حفاظت از خوردگی
او خطر
او روغن جلاء
او فیلم
او گالوانیزه‌کاری
ان *Protective coating*

اندود موقتی

اع۱ اندود
اع۲ مواد
ان *Temporary coating*

اندود مومسان

اع۱ اندود
اع۲ مواد
اع۱ پلاستیک
اع۲ مواد
او اندود پودری
او فراورده مومسان
او فیلم مومسان
ان *Plastic coating*

اندود نفوذی

اع۱ اندود
اع۲ مواد
ان *Diffusion coating*

اندود نواری
اع۱ اندود
اع۲ مواد
او نوار
ان *Tape coating*

اندود نوری
اع۱ اندود
اع۲ مواد
اخ۱ اندود ضدبازتاب
او چندلایه‌ای نوری
او فیلم نوری
او نهشت
ان *Optical coating*

اندود نهشته در خلاء
اع۱ اندود
اع۲ مواد
او کاربرد خلاء
ان *Vacuum deposited coating*

انرژی آزاد
بچ *انرژی آزاد هلمهولتز*
اع۱ ویژگی ترمودینامیکی
او انرژی آزاد گیبس
او درگاشت
ان *Free energy*

انرژی آزاد گیبس
بچ *انرژی گیبس*
اع۱ ویژگی ترمودینامیکی
او آنتالپی
او انرژی آزاد
او درگاشت
ان *Gibbs free energy*

انرژی آزاد هلمهولتز
ب‌ک انرژی آزاد

انرژی اتمی
ب‌ک انرژی هسته‌ای

انرژی الکترومغناطیسی
ب‌ک موج الکترومغناطیسی

انرژی بستگی کل
ب‌ک انرژی پیوند

انرژی پیوند
بچ *انرژی بستگی کل*
او پیوند شیمیایی
او تراز انرژی الکترونی
ان *Binding energy*

انرژی خورشیدی
بچ *نیروی خورشیدی*
اع۱ منبع تجدیدشدنی انرژی
اع۲ منبع انرژی
او پیل خورشیدی
او تابش خورشیدی
او تولید نیرو
او تولید نیروی خورشیدی
او حوضه خورشیدی
او خورشید
او سردسازی خورشیدی
او نیروگاه خورشیدی
ان *Solar energy*

انرژی زمین‌گرمایی
اع۱ منبع تجدیدشدنی انرژی
اع۲ منبع انرژی
اع۱ منبع طبیعی
اخ۱ میدان زمین‌گرمایی
اخ۲ سیستم صخره‌گرم‌خشک
او آتشفشان
او چشمه زمین‌گرمایی
او زمین‌شناسی
او گرمایش زمین‌گرمایی
او منبع آب زمین‌گرمایی
او نیروگاه زمین‌گرمایی
ان *Geothermal energy*

انرژی سطح
ب‌ک انرژی سطح مشترک

انرژی سطح مشترک
ب‌ج *انرژی سطح*
ب‌ج *انرژی سطحی*
اع۱ پدیده سطحی
اع۱ ویژگی ترمودینامیکی
او سطح مشترک(مواد)
او کشش سطحی
او کلوئید
ان *Interfacial energy*

انرژی سطحی
ب‌ک انرژی سطح مشترک

انرژی فرمی
ب‌ک تراز فرمی

انرژی فعال‌سازی
او شیمی‌فیزیک
او فعال‌سازی شیمیایی
ان *Activation energy*

انرژی گیبس
ب‌ک انرژی آزاد گیبس

انرژی هسته‌ای
ب‌ج *انرژی اتمی*
ب‌ج *نیروی هسته‌ای*
او انفجار هسته‌ای
او سوخت هسته‌ای
او فیزیک هسته‌ای
او مهندسی هسته‌ای
او نیروگاه هسته‌ای
او هدف
او همکاری بین‌المللی
او واکنش شکافت هسته‌ای
او واکنش هم‌جوشی
ان *Nuclear energy*

انسان‌سنجی
اع۱ اندازه‌گیری
او زیست‌مکانیک
ان *Anthropometry*

انسولین
اع۱ هورمون
اع۲ زیست‌بسپار
اع۳ بسپار طبیعی
ان *Insulin*

انطباق رنگ
او رنگ(فام)
او رنگرزی
او رنگینه
ان *Color matching*

انطباق و رواداری
ب‌ج *رواداری*
او آزمایش مواد
او بازرسی
او قابلیت اطمینان
او کنترل کیفیت
ان *Fit and tolerance*

انعقاد
اع۱ گردایش
اع۲ عملیات شیمیایی
او امولسیون‌سازی
او تصفیه آب
او تصفیه فاضلاب
او رسوب‌گذاری
او شناورسازی
او کلوئید
ان *Flocculation*

انفجار
ی‌د انفجار مواد منفجره
او انفجار (ترکشی)
او تراشه‌زنی
او ساخت
او لای‌روبی
او معدن‌کاری
او مقاومت ترکیدگی
ان *Blasting*

انفجار (ترکشی)
اخ۱ انفجار زیرآبی
اخ۱ انفجار زیرزمینی
اخ۲ انفجار معدن

اخ۱ انفجار هسته‌ای
او احتراق خودبه‌خود
او آزمایش انفجاری
او انفجار
او انفجار (ضربه‌ای)
او حادثه
او خطر گاز
او سینتیک واکنش
او گاز
او گودبرداری
او مفتول انفجاری
او مقاومت ترکیدگی
او موج شوکی
ان *Explosion*

انفجار (ضربه‌ای)

او احتراق
او انفجار (ترکشی)
او مواد منفجره
او موتور درون‌سوز
او موج شوکی
ان *Detonation*

انفجار زیرآبی

اع۱ انفجار (ترکشی)
او ساخت زیرآبی
او مهندسی اقیانوس
ان *Underwater explosion*

انفجار زیرزمینی

اع۱ انفجار (ترکشی)
اخ۱ انفجار معدن
ان *Underground explosion*

انفجار معدن

اع۱ انفجار زیرزمینی
اع۲ انفجار (ترکشی)
او آتش‌سوزی معدن
او خطر
او غبار معدن
او معدن
او معدن‌کاری
او نجات در معدن
ان *Mine explosion*

انفجار هسته‌ای

اع۱ انفجار (ترکشی)
او انرژی هسته‌ای
او پالس الکترومغناطیسی
او دفاع غیرنظامی
او غبار اتمی
او گودبرداری
او موج شوکی
او واکنش شکافت هسته‌ای
او واکنش گرماهسته‌ای
او واکنش هم‌جوشی
ان *Nuclear explosion*

انقباض

ب‌ک جمع‌شدگی

انقباض الکتریکی

اع۱ اثر میدان الکتریکی
اع۲ اثر
اع۱ تغییرشکل
او مواد پیزوالکتریکی
ان *Electrostriction*

انگیزش

او رضایت شغلی
او کارکنان
ان *Motivation*

اوتکتیک

اع۱ فلزنگاری
او آلیاژ دوتایی
او بلور
او ریزساختار فلزنگاری
او سیستم سه‌تایی
او گرافیت‌سازی
او محلول
او محلول جامد
ان *Eutectic*

اورانیم

اع۱ آکتینید
اع۲ عنصر پرتوزا
اع۳ عنصر شیمیایی
اع۳ مواد پرتوزا

اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آلیاژ اورانیم
او ترکیبات اورانیم
او ذخیره اورانیم
او عمل‌آوری کان‌سنگ اورانیم
او فلزنگاری اورانیم
او کانی اورانیتی
او متالورژی اورانیم
او معدن اورانیم
ان *Uranium*

اورانیم دی‌اکسید
اع۱ اکسید
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات اورانیم
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ مواد پرتوزا
اع۳ مواد
ان *Uranium dioxide*

اورانیم کاربید
اع۱ ترکیبات اورانیم
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ مواد پرتوزا
اع۳ مواد
اع۱ کاربید
اع۲ ترکیبات معدنی کربن
اع۳ ترکیبات معدنی
او سوخت هسته‌ای
ان *Uranium carbide*

اورولوژی
اع۱ پزشکی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Urology*

اوره
ب‌ج *کاربامید*
اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات نیتروژن
اع۲ ترکیبات شیمیایی
او الکترود اوره
او رزین اوره فرم‌آلدهید
او کود شیمیایی اوره‌دار
ان *Urea*

اوزون
اع۱ اکسیژن
اع۲ نافلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او آلودگی هوا
او اوزون‌سازی
او تصفیه آب اوزون‌دار
او لایه اوزون
ان *Ozone*

اوزون‌سازی
اع۱ عملیات شیمیایی
او اکسایش
او اوزون
او تصفیه آب
ان *Ozonization*

اولفین
ب‌ج *آلکن*
اع۱ هیدروکربن
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ اتیلن
اخ۱ بوتن
اخ۱ پروپیلن
او بوتادی‌ان
او پلی‌اولفین
ان *Olefin*

اولئیک‌اسید
ب‌ک اسید چرب

اهرم آبی
اع۱ تجهیزات کنترل هیدرولیکی
اع۲ تجهیزات کنترل مکانیکی
اع۳ تجهیزات کنترل
اع۲ تجهیزات هیدرولیکی
اع۳ تجهیزات
او کارانداز

ان *Hydraulic ram*

اهم‌سنج

اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او آمپرسنج
او اندازه‌گیری مقاومت الکتریکی
ان *Ohmmeter*

ایتربیم

اع۱ عنصر خاکی کمیاب
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آلیاژ ایتربیم
او ترکیبات ایتربیم
ان *Ytterbium*

ایتریم

اع۱ فلز غیرآهنی
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اع۱ فلز واسطه
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او آلیاژ ایتریم
او ترکیبات ایتریم
او ذخیره ایتریم
او فلزنگاری ایتریم
ان *Yttrium*

ایجاد شکستگی(چاه نفت)

بج *شکاف‌دارکردن*
اع۱ تولید
اخ۱ آب‌شکست
او چاه نفتی
او سیال سازندشکافی
ان *Fracturing (oil well)*

ایریدیم

اع۱ فلز گروه پلاتین
اع۲ فلز گرانبها
اع۳ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز واسطه
او آبکاری ایریدیم
او آلیاژ ایریدیم
او ترکیبات ایریدیم
ان *Iridium*

ایزوتوپ

بج *نوکلید*
اخ۱ ایزوتوپ پرتوزا
اخ۲ تریتیم
اخ۱ دوتریم
او اتم
او ردیاب پرتوزا
ان *Isotope*

ایزوتوپ پرتوزا

بج *رادیونوکلید*
اع۱ ایزوتوپ
اع۱ مواد پرتوزا
اع۲ مواد
اخ۱ تریتیم
او آب سنگین
او برش‌نگاری گسیل پوزیترون
او پرتودرمانی
او پرتوزایی
او پزشکی هسته‌ای
او پسمانده پرتوزا
او تجهیزات زیست‌پزشکی
او ترکیبات دوتریم
او جداسازی ایزوتوپ پرتوزا(تصفیه آب)
او ردیاب پرتوزا
ان *Radioisotope*

ایستاشیمی

اع۱ زیست واکنشگاه
اع۲ واکنشگاه شیمیایی
اع۳ تجهیزات شیمیایی
ان *Chemostats*

ایستانه

اع۱ سیم‌پیچ ماشین
اع۲ اجزای ماشین‌آلات الکتریکی
اع۳ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۲ سیم‌پیچ الکتریکی

اع۳ تجهیزات الکتریکی
او روتور(سیم‌پیچ)
او ماشین‌آلات جریان متناوب
او ماشین‌آلات چرخان
او محافظت تجهیزات الکتریکی
او موتور جریان متناوب
او مولد جریان متناوب
ان *Stator*

ایستگاه آتش‌نشانی
اع۱ ساختمان
اع۲ سازه
او تجهیزات اطفای حریق
ان *Fire house*

ایستگاه خدماتی
ب‌ک ایستگاه سوخت‌گیری

ایستگاه راه‌آهن
اع۱ کارخانه و ساختمان تجهیزات راه‌آهن
اع۲ تسهیلات
اع۲ راه‌آهن
اع۱ ایستگاه مترو
او پایانه و محوطه راه‌آهن
ان *Railroad station*

ایستگاه سوخت‌گیری
ب‌ج *ایستگاه خدماتی*
ب‌ج *جایگاه خودرو(ایستگاه سوخت‌گیری)*
اع۱ ساختمان
اع۲ سازه
ان *Filling station*

ایستگاه مترو
اع۱ ایستگاه راه‌آهن
اع۲ کارخانه و ساختمان تجهیزات راه‌آهن
اع۳ تسهیلات
اع۳ راه‌آهن
اع۱ مترو
اع۲ راه‌آهن
ان *Subway station*

ایستگاه انتقال زباله
ی‌د برای دفع زباله
اع۱ تسهیلات
او دفع زباله
او مکان دفن بهداشتی زباله
ان *Transfer station*

ایستگاه پخش رادیویی
ب‌ک ایستگاه رادیویی

ایستگاه تراکم‌ساز خطلوله
اع۱ خطلوله
او تراکم‌ساز هوا
ان *Pipeline compressor station*

ایستگاه تلگراف
اع۱ سیستم تلگراف
اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
او تلگراف
ان *Telegraph station*

ایستگاه تلویزیونی
اع۱ سیستم تلویزیونی
اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
او آنتن تلویزیون
او پخش تلویزیونی
او تجهیزات تلویزیونی
او تلویزیون
او شبکه تلویزیونی
او فرستنده تلویزیونی
ان *Television station*

ایستگاه توزین
اع۱ تسهیلات
او ترابری موتوری
او ترازو
او توزین
او جاده و خیابان
او سیستم بزرگراه
او قانون و قانونگزاری
او کامیون
ان *Weigh station*

ایستگاه رادار

اع۱ سیستم رادار
او آنتن رادار
او تجهیزات رادار
او رادار
او فرستنده رادار
ان *Radar station*

ایستگاه رادیویی

ب‌ج *ایستگاه پخش رادیویی*
اع۱ سیستم رادیویی
اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
او استودیوی رادیویی
او پخش رادیویی
او تجهیزات رادیویی
او تلگراف رادیویی
او رادیو
ان *Radio station*

ایستگاه زمینی ماهواره

اع۱ پشتیبانی زمینی هوافضا
او تجهیزات مخابراتی
او سیستم ارتباطی ماهواره‌ای
او سیستم رله ماهواره
او ماهواره
ان *Satellite ground station*

ایستگاه فرعی الکتریکی

اع۱ سیستم نیروی برق
اع۱ ایستگاه فرعی مبدل
اع۱ ایستگاه فرعی یک‌سوساز
ان *Electric substation*

ایستگاه فرعی مبدل

اع۱ ایستگاه فرعی الکتریکی
اع۲ سیستم نیروی برق
او مبدل الکتریکی
ان *Transformer substation*

ایستگاه فرعی یک‌سوساز

اع۱ ایستگاه فرعی الکتریکی
اع۲ سیستم نیروی برق
او یک‌سوساز الکتریکی
ان *Rectifier substation*

ایستگاه فضایی

اع۱ فضاپیما
اع۲ وسیله نقلیه
او پرواز بین‌سیاره‌ای
او پرواز فضایی سرنشین‌دار
او پژوهش فضایی
او سازه بادشونده
او سفر فضایی
او سکوی فضایی
او کاربرد فضایی
او مبنای قمری
ان *Space station*

ایستگاه‌کار رایانه

اع۱ رایانه
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او پایانه رایانه
او تجهیزات نگاره‌سازی رایانه‌ای
او ریزرایانه
او واژه‌پردازی
ان *Computer workstation*

ایستگاه نیروی هسته‌ای
ب‌ک نیروگاه هسته‌ای

ایلمنیت

اع۱ کان‌سنگ
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۱ کانی اکسیدی
اع۲ اکسید
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
او عمل‌آوری کان‌سنگ ایلمنیت
ان *Ilmenite*

ایمن‌سازی

اع۱ درمان بیمار
او ایمنی‌شناسی
او پادتن
او واکسن

ان *Immunization*

ایمن‌سازی داده‌ها
ب‌ک امنیت داده‌ها

ایمنی
ب‌ک پیشگیری حادثه

ایمنی پیاده‌رو
ب‌ج *ایمنی عابرپیاده*
اع۱ پیشگیری حادثه
اع۲ پیشگیری
او پل پیاده‌رو
او تونل پیاده‌رو
او کنترل شدآمد خیابان
ان *Pedestrian safety*

ایمنی‌شناسی
اع۱ زیست‌شناسی
اع۲ علوم طبیعی
او آلرژی
او ایمن‌سازی
او اینترفرون
او پادتن
او پادتن تک‌دودمانی
او پادگن
او حس‌گر ایمنی
او سازگاری زیستی
او واکسن
او واکنش پادگن‌پادتن
او واکنش میزبان درمقابل پیوند
ان *Immunology*

ایمنی عابرپیاده
ب‌ک ایمنی پیاده‌رو

ایمنی لیزری
اع۱ پیشگیری حادثه
اع۲ پیشگیری
ان *Laser safety*

اینترفرون
اع۱ پروتئین
اع۲ زیست‌بسپار
اع۳ بسپار طبیعی
اع۳ مواد زیست‌شناختی
او ایمنی‌شناسی
او مهندسی زیست‌پزشکی
او ویروس
ان *Interferon*

ایندیم
اع۱ فلز غیرآهنی
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اخ۱ ایندیم نیم‌رسانا
او آبکاری ایندیم
او آلیاژ ایندیم
او ترکیبات ایندیم
او فلزنگاری ایندیم
او متالورژی ایندیم
ان *Indium*

ایندیم نیم‌رسانا
اع۱ ایندیم
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
ان *Semiconducting indium*

اینشتینیم
اع۱ عنصر فراورانیوم
اع۲ آکتینید
اع۳ عنصر پرتوزا
اع۳ فلز غیرآهنی
ان *Einsteinium*

باتری(پیل سوختی)
ب‌ک پیل سوختی

باتری(خورشیدی)
ب‌ک پیل خورشیدی

باتری الکتریکی
ب‌ج *پیل الکتریکی*
اع۱ تبدیلگر مستقیم انرژی
اع۲ تجهیزات الکتریکی

اع۳ تجهیزات
اخ۱ باتری اولیه
اخ۲ باتری لیتیمی
اخ۲ باتری هسته‌ای
اخ۱ باتری ثانویه
اخ۲ باتری نیکل کادمیم
اخ۱ باتری سیلیسیمی
اخ۱ باتری کوچک
اخ۱ پیل سوختی
اخ۱ پیل الکترونورشیمیایی
او الکترود الکتروشیمیایی
او پرکردن(باتری)
او پیل خورشیدی
او منبع تغذیه فضاپیما
ان *Electric battery*

باتری اولیه

ی‌د غیر قابل شارژ مجدد
اع۱ باتری الکتریکی
اع۲ تبدیلگر مستقیم انرژی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اخ۱ باتری لیتیمی
اخ۱ باتری هسته‌ای
ان *Primary battery*

باتری بارشدنی

ب‌ک باتری ثانویه

باتری ثانویه

ب‌چ *باتری بارشدنی*
اع۱ باتری الکتریکی
اع۲ تبدیلگر مستقیم انرژی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اخ۱ باتری نیکل کادمیم
او برق‌کافت
او پرکردن(باتری)
ان *Secondary battery*

باتری سیلیسیمی

اع۱ باتری الکتریکی
اع۲ تبدیلگر مستقیم انرژی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
او پیل خورشیدی سیلیسیمی
ان *Silicon battery*

باتری کوچک

اع۱ باتری الکتریکی
اع۲ تبدیلگر مستقیم انرژی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
ان *Miniature battery*

باتری لیتیمی

اع۱ باتری اولیه
اع۲ باتری الکتریکی
اع۳ تبدیلگر مستقیم انرژی
او لیتیم
ان *Lithium battery*

باتری نوری

ب‌ک پیل خورشیدی

باتری نیکاد

ب‌ک باتری نیکل کادمیم

باتری نیکل کادمیم

ب‌چ *باتری نیکاد*
اع۱ باتری ثانویه
اع۲ باتری الکتریکی
اع۳ تبدیلگر مستقیم انرژی
ان *Nickel cadmium battery*

باتری هسته‌ای

اع۱ باتری اولیه
اع۲ باتری الکتریکی
اع۳ تبدیلگر مستقیم انرژی
ان *Nuclear battery*

باتلاق

اع۱ زمین‌چهر
او جاده و خیابان
او خاک
او مساله آب‌وهوای سرد
او یخبندان دائمی
ان *Muskeg*

باخودبری هوا

اع۱ فراورش
اع۲ ساختن
اع۳ تولید

ان *Air entrainment*

باد
اع۱ حرکت جوی
او اثر باد
او بادسنج
او تلاطم
ان *Wind*

بادامک
اع۱ اجزای ماشین
اع۲ اجزا
اع۲ ماشین‌آلات
او ابزار کنترل نهایی غیرالکتریکی
او کارانداز
او میل بادامک
ان *Cam*

بادپر
اع۱ هواگرد
ان *Glider*

بادسنج
اع۱ سرعت‌نما
اع۲ نشانگر(سنج‌افزار)
اع۳ سنج‌افزار
اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری شارش
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۱ سنج‌افزار هواشناسی
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او اندازه‌گیری شارش
او باد
او سرعت‌سنج
او سرعت‌سنج لیزری دوپلر
ان *Anemometer*

بادگان‌شناسی
ب‌ج *پنوماتیک*
اع۱ مکانیک‌سیالات
اع۲ مکانیک
او تجهیزات بادی
او تجهیزات کنترل بادی
او فولادسازی بادی
او هوای فشرده
ان *Pneumatics*

بار دینامیکی
ب‌ک بار دینامیکی

بار(نیرو)
اع۱ بار دینامیکی
اع۲ بار آیرودینامیکی
اع۱ بار سازه‌ای
او استحکام کششی
او تنش
او ساختمان
او ظرفیت بارپذیری
او ویژگی مکانیکی
ان *Load (force)*

بار آیرودینامیکی
اع۱ بار دینامیکی
اع۲ بار(نیرو)
او آیرودینامیک
ان *Aerodynamic load*

بار الکتریکی
اع۱ بار مبدل الکتریکی
اع۲ اتلاف بار الکتریکی
او جریان بار الکتریکی
او سیستم نیروی برق
او مدیریت بار الکتریکی
ان *Electric load*

باران
ب‌ج *بارش*
اع۱ بارش(هواشناسی)
اع۱ باران ابسیدی
او آب
او آب‌پخشان
او آب‌رسانی
او باران‌سنج
او بارورسازی ابر
او تندباد
او توفان
او توفان تندری

او فاضلاب‌روی رگباری
او فاضلاب‌روی مختلط
او هواشناسی
ان *Rain*

باران اسیدی
اع۱ باران
اع۲ بارش(هواشناسی)
او آلودگی هوا
ان *Acid rain*

بارانداز
اع۱ سازه بندر
اع۲ سازه
او اسکله
ان *Dock*

بارانداری
اع۱ جابه‌جایی مواد
او بارگیری
او زمان تخلیه و بارگیری
او کامیون
او کشتی
ان *Unloading*

بارانرژی
ب‌ک بار دینامیکی

بارانسنج
اع۱ نشانگر سطح مایع
اع۲ پیمانه
اع۳ سنج‌افزار
اع۲ نشانگر(سنج‌افزار)
اع۳ سنج‌افزار
او بارش
ان *Rain gage*

باران مصنوعی
ب‌ک بارورسازی ابر

باربر نقاله‌ای
اع۱ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۲ تجهیزات
اخ۱ باربر نقاله‌ای بادی
اخ۱ باربر نقاله‌ای لرزشی
اخ۱ ناقل تک‌ریلی
اخ۱ ناقل پل
اخ۱ ناقل زنجیری
اخ۱ ناقل گرانی
اخ۱ نقاله پیچی
اخ۱ نقاله تسمه‌ای
او تجهیزات ساخت
ان *Conveyor*

باربر نقاله‌ای بادی
اع۱ باربر نقاله‌ای
اع۲ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۳ تجهیزات
اع۱ تجهیزات جابه‌جایی مواد بادی
اع۲ تجهیزات بادی
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۳ تجهیزات
او لوله هوای فشرده
ان *Pneumatic conveyor*

باربر نقاله‌ای لرزشی
اع۱ باربر نقاله‌ای
اع۲ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۳ تجهیزات
او ارتعاشگر
ان *Vibrating conveyor*

باربری با نوار نقاله
اع۱ جابه‌جایی مواد
ان *Conveying*

بار دینامیکی
ب‌ج *بار انرژی*
ب‌ج *بار دینامیکی*
اع۱ بار(نیرو)
اخ۱ بار آیرودینامیکی
او برهم‌کنش ساختار خاک
او تنش
او ظرفیت باربذیری
ان *Dynamic load*

بار سازه‌ای

اع۱ بار(نیرو)
او حد بار
او سازه
او طراحی سازه
او ظرفیت باربذیری
ان *Structural load*

بارش
ب‌ک باران

بارش(هواشناسی)
اع۱ باران
اع۲ باران اسیدی
اع۱ برف
او ابر
او آب‌وهواشناسی
او توفان
او جو برون زمینی
او جو زمین
او سیل
او هواشناسی
ان *Precipitation (meteorology)*

بار فضای الکتریکی
اع۱ شارژ الکتریکی
اع۲ الکتریسیته
او الکترواستاتیک
او پلاسما
او تخلیه الکتریکی
او لامپ الکترونی
ان *Electric space charge*

بارکش معدن
اع۱ کامیون صنعتی
اع۲ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۳ تجهیزات
اع۲ کامیون
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
او تجهیزات معدن‌کاری
ان *Mine truck*

بار گاز
او تذارک گاز
او صنعت گاز
ان *Gas load*

بارگذاری پیچشی
ب‌ک تنش پیچشی

بار گرمایی
او تهویه مطبوع
او گرمایش
ان *Thermal load*

بارگنج
اع۱ اتوکلاو
اع۱ بارگنج آلومینیومی
اع۱ بارگنج چوبی
اع۱ بارگنج فولادی
اع۱ بارگنج لاستیکی
اع۱ بارگنج متلاشی‌شدنی
اع۱ بارگنج موج‌دار
اع۱ بارگنج مومسان
اع۲ بطری مومسان
اع۱ بارگنج یخچالی
اع۱ بطری
اع۲ بطری شیشه‌ای
اع۲ بطری مومسان
اع۲ دیوئر
اع۱ بوته
اع۱ جعبه انتقال(وسیله نقلیه)
اع۱ جعبه کاغذی
اع۱ جعبه مقوایی
اع۱ دریچه بارگنج
اع۱ دهانه باردهی
اع۱ سیلندر(بارگنج)
اع۲ کپسول گاز
اع۱ گیرنده(بارگنج)
اع۱ مخزن(بارگنج)
اع۲ آستره مخزن
اع۲ مخزن آب
اع۲ مخزن بالاست
اع۲ مخزن بتنی
اع۲ مخزن پلشتی
اع۲ مخزن تعادل
اع۲ مخزن ته‌نشینی
اع۳ مخزن ته‌نشینی فاضلاب
اع۲ مخزن سوخت
اع۳ مخزن سوخت خودرو

اخ۳ مخزن سوخت هواگرد
اخ۲ مخزن فاضلاب
اخ۳ مخزن ته‌نشینی فاضلاب
اخ۲ مخزن فولادی
اخ۲ مخزن نفت
اخ۳ سیستم خروج
اخ۱ مخزن پخش‌کن
اخ۱ مخزن گاز
او انباشتن
او بارگیری
او بسته‌بندی
او تجهیزات جابه‌جایی مواد
او تحت‌فشارقراردادن
او جابه‌جایی مواد
او دیگ فشار
او دیواربست
او کنسروسازی
او مواد بسته‌بندی
ان *Container*

بارگنج آلومینیومی
اع۱ بارگنج
او آلومینیوم
ان *Aluminum container*

بارگنج چوبی
اع۱ بارگنج
اع۱ فراورده چوبی
او ساخت چوبی
ان *Wooden container*

بارگنج فولادی
اع۱ بارگنج
او فولاد
ان *Steel container*

بارگنج لاستیکی
اع۱ بارگنج
او لاستیک
ان *Rubber container*

بارگنج متلاشی‌شدنی
اع۱ بارگنج
ان *Collapsible container*

بارگنج موج‌دار
اع۱ بارگنج
او مواد موج‌دار
ان *Corrugated container*

بارگنج مومسان
اع۱ بارگنج
اع۱ فراورده مومسان
اخ۱ بطری مومسان
او پلاستیک
ان *Plastic container*

بارگنج یخچالی
اع۱ بارگنج
او جابه‌جایی باری یخچالی
او سردسازی
ان *Refrigerated container*

بارگیری
اع۱ جابه‌جایی مواد
او انباشتن
او بارانداری
او بارگنج
او بارگیری(کوره)
او ترابری
او ترابری باری
او زمان تخلیه و بارگیری
او کامیون
او کشتی
ان *Loading*

بارگیری(کوره)
او انباشتن
او بارگیری
او تجهیزات بارگیری(کوره)
او کوره
ان *Charging (furnace)*

بار مبدل الکتریکی
اع۱ بار الکتریکی
اخ۱ اتلاف بار الکتریکی
او مبدل الکتریکی
ان *Electric transformer load*

بارناو

اع۱	لوله
اع۲	اجزا
او	نیروگاه آبی
ان	*Penstock*

بارورسازی ابر

پ‌چ	*باران مصنوعی*
اع۱	تعدیل آب‌وهوا
او	ابر
او	باران
او	هسته‌بندی
او	هواشناسی
ان	*Cloud seeding*

باریت

اع۱	کان‌سنگ
اع۲	کانی
اع۳	ترکیبات شیمیایی
اع۳	مواد
او	باریم
ان	*Barite*

باریکه(نور)

پ‌ک	نور

باریکه اتمی

اع۱	باریکه ذره‌ای
اع۲	ذره بنیادی
او	نورشناسی ذره‌ای
ان	*Atomic beam*

باریکه الکترون

پ‌چ	*جریان الکترونی*
اع۱	باریکه ذره‌ای
اع۲	ذره بنیادی
او	الکترودینامیک
او	بتاترون
او	برشکاری با باریکه الکترونی
او	پراش الکترون
او	پرتو کاتدی
او	تفنگ الکترونی
او	جوشکاری با باریکه الکترونی
او	دمش باریکه الکترون
او	ذوب با باریکه الکترون
او	عدسی الکترونی
او	عدسی مغناطیسی
او	کوره باریکه الکترونی
او	گسیل الکترون
او	لامپ الکترونی
او	لامپ پرتو کاتدی
او	لحیم‌کاری با باریکه الکترونی
او	لیتوگرافی با باریکه الکترونی
او	نورشناسی الکترونی
ان	*Electron beam*

باریکه ذره‌ای

اع۱	ذره بنیادی
اخ۱	باریکه اتمی
اخ۱	باریکه الکترون
اخ۱	باریکه مولکولی
اخ۱	باریکه یونی
او	استخراج باریکه ذره‌ای
او	تزریق باریکه ذره‌ای
او	دینامیک باریکه ذره‌ای
او	ردیابی باریکه ذره‌ای
او	شتاب‌دهنده ذره
او	عدسی الکتروستاتیکی
او	نورشناسی ذره‌ای
ان	*Particle beam*

باریکهٔ شکاف نوری

اع۱	ابزار نوری
اع۲	تجهیزات
او	آینه
ان	*Optical beam splitter*

باریکه لیزری

اع۱	نور همدوس
اع۲	نور
اع۳	موج الکترومغناطیسی
اخ۱	تپ لیزری
او	اثر باریکه لیزری
او	ارتباط نوری
او	برشکاری با باریکه لیزری
او	جوشکاری با باریکه لیزری
او	رادار نوری
او	فرساب لیزر
او	مات‌شدگی گرمایی

او نورشناسی لیزری
ان *Laser beam*

باریکه مولکولی
اع۱ باریکه ذره‌ای
اع۲ ذره بنیادی
او همبافتیِ باریکه مولکولی
ان *Molecular beam*

باریکه یونی
اع۱ باریکه ذره‌ای
اع۲ ذره بنیادی
او اتم‌پاشی
او بمباران یونی
او چاپ سنگی باریکه یونی
او عدسی مغناطیسی
او میکروسکوپ یونی
ان *Ion beam*

باریم
اع۱ فلز قلیایی خاکی
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آلیاژ باریم
او باریت
او ترکیبات باریم
او فلزنگاری باریم
ان *Barium*

باریم تیتانات
اع۱ ترکیبات باریم
اع۲ ترکیبات فلز قلیایی خاکی
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ ترکیبات تیتانیم
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
او مواد سرامیکی
او مواد فروالکتریکی
ان *Barium titanate*

بازآواگر کاواکی
ب‌چ *اتاقک تشدید*
ب‌چ *مشدد کاواکی*
اع۱ تشدیدگر
اع۲ تجهیزات
اخ۱ تشدیدگر صوتی
او بسامد طبیعی
او پالایه ریزموج
او تشدید
او لامپ کلیسترون
او مگنترون
او میزر
او نوسانگر(الکترونیک)
ان *Cavity resonator*

بازآوایش
او اتاق بی‌پژواک
او بازتاب
او بازتاب موج صوتی
او صوت‌شناسی
او صوت‌شناسی ساختمانی
ان *Reverberation*

بازار
ب‌ک مرکز خرید

بازاریابی
ب‌چ *تبلیغات*
ب‌چ *فروش*
او پایانه صندوق
او تجارت بین‌المللی
ان *Marketing*

بازالت
اع۱ سنگ آتشفشانی
اع۲ سنگ آذرین
اع۳ سنگ بلوری
ان *Basalt*

بازانباشت(منبع آب)
او تجدید بارگیری(آب زیرزمینی)
ان *Replenishment (water resource)*

بازبلورش(جداسازی)
ب‌ک تبلور

بازبلورش(متالورژی)
اع۱ عملیات حرارتی

او ذوب منطقه‌ای
او رشد دانه‌ای
او رشد همبافته
او ریزساختار فلزنگاری
او سخت‌گردانی کرنشی
او گذار فاز
ان *Recrystallization (metallurgy)*

بازپخت

اع۱ عملیات حرارتی
او تنش‌زدایی
او سخت‌گردانی
ان *Tempering*

بازپیچش

ب‌ک پیچش

بازتاب

اخ۱ بازتاب الکترون
اخ۱ بازتاب موج الکترومغناطیسی
اخ۲ بازتاب رادار
اخ۲ بازتاب نور
اخ۱ بازتاب موج صوتی
اخ۲ بازتاب فراصوتی
اخ۱ بازتاب نوترون
او انتشار موج
او انتقال موج
او آینه
او بازآوایش
او پخشیدگی
او پراکندگی
او جذب انرژی
او فیلم نوری
او موج
ان *Reflection*

بازتاب الکترون

اع۱ بازتاب
او الکترون
ان *Electron reflection*

بازتاب رادار

اع۱ بازتاب موج الکترومغناطیسی
اع۲ بازتاب
ان *Radar reflection*

بازتاب‌سنج

ب‌ج *اندازه‌گیری بازتاب*
ب‌ج *بازتاب‌سنج نور*
ب‌ج *بازتاب‌سنج(ریزموج)*
ب‌ج *بازتاب‌سنج(نوری)*
اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او ابزار ریزموج
او اندازه‌گیری متغیر نوری
او سنج‌افزار نوری
او مقایسه‌گر(نوری)
او نورسنج
ان *Reflectometer*

بازتاب‌سنج(ریزموج)

ب‌ک بازتاب‌سنج

بازتاب‌سنج(نوری)

ب‌ک بازتاب‌سنج

بازتاب‌سنج نور

ب‌ک بازتاب‌سنج

بازتاب فراصوتی

اع۱ بازتاب موج صوتی
اع۲ بازتاب
او انتشار فراصوتی
او موج فراصوتی
ان *Ultrasonic reflection*

بازتابگر آنتن

اع۱ لوازم آنتن
اع۲ لوازم
او شکلواره جهتی(آنتن)
ان *Antenna reflector*

بازتابگر نوری

ب‌ک آینه

بازتابگر واکنشگاه هسته‌ای

اع۱ واکنشگاه هسته‌ای
اع۲ تسهیلات

او نوترون
ان *Nuclear reactor reflector*

بازتاب موج الکترومغناطیسی
اع۱ بازتاب
اخ۱ بازتاب رادار
اخ۱ بازتاب نور
او انتشار موج الکترومغناطیسی
او انتقال موج الکترومغناطیسی
او موج الکترومغناطیسی
ان *Electromagnetic wave reflection*

بازتاب موج صوتی
اع۱ بازتاب
اخ۱ بازتاب فراصوتی
او انتشار موج صوتی
او بازآوایش
او صوت‌شناسی ساختمانی
او موج صوتی
ان *Acoustic wave reflection*

بازتاب نوترون
اع۱ بازتاب
او نوترون
ان *Neutron reflection*

بازتاب نور
اع۱ بازتاب موج الکترومغناطیسی
اع۲ بازتاب
او انتشار نور
او انتقال نور
او نور
او نورشناسی جوی
ان *Light reflection*

بازجوش‌آور
ب‌ک دیگ بخار

بازخوانی از دور
اع۱ سیستم بازخوانی
اع۲ اجزای سنج‌افزار
اع۳ سنج‌افزار
او دورفرمان
ان *Remote readout*

بازدارنده خوردگی
اخ۱ اثرناپذیرسازی
او جو محافظ
او حفاظت از خوردگی
او خوردگی
او مقاومت در برابر اکسایش
او مقاومت در برابر خوردگی
ان *Corrosion prevention*

بازدارنده شعله
ب‌ج *اشتعال‌گاه*
اع۱ عامل
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او افزودنی
او حفاظت در مقابل آتش‌سوزی
او مقاومت در برابر آتش
او مقاومت در برابر شعله
ان *Flame retardant*

بازده انرژی
اع۱ کارایی
او بقای انرژی
او به‌کاربری انرژی
ان *Energy efficiency*

بازده کوانتومی
او الکترون
او فوتوالکتریسیته
او فوتولوله
او فوتون
او کاتد فوتوالکتریک
ان *Quantum efficiency*

بازرسی
او ارزشیابی
او آزمایش
او استاندارد
او امتحان غیرمخرب
او اندازه‌گیری
او انطباق و رواداری
او پایش
او پرتونگاری صنعتی
او تجزیه و تحلیل
او تجهیزات بازرسی

او حفاظت مواد هسته‌ای
او قابلیت اطمینان
او کالبزنی
او کنترل کیفیت
او مشخصات
او نمونه‌برداری
او ویژگی فیزیکی
او ویژگی مکانیکی
ان *Inspection*

بازسازی(سازه‌ای)

او ترمیم
او مرمت
او نگهداشت
ان *Reconstruction (structural)*

بازسازی تصویر

ب‌چ *برگردانی تصویر*
اع۱ تصویر پردازی
اع۲ پردازش سیگنال
او کیفیت تصویر
ان *Image reconstruction*

بازسازی کاتالیزور

او خنثی‌سازی کاتالیزور
او فعالیت کاتالیزور
او کاتالیزور
او مسمومیت کاتالیزور
ان *Catalyst regeneration*

بازشناسی کاراکتر

اع۱ الگوشناسی
اخ۱ کاراکترشناسی نوری
او تجهیزات بازشناسی کاراکتر
او روبشگری
او سیستم الگوشناسی
او مجموعه کاراکتر
ان *Character recognition*

بازشناسی گفتار

اع۱ الگوشناسی
او پردازش گفتار
او تجزیه و تحلیل گفتار
او تحلیل طیف
او ترکیب گفتار
او سیستم الگوشناسی
او شنوایی
او صوت‌شناسی
او گفتار
او هوشمندی گفتار
ان *Speech recognition*

بازفراوری فلز قراضه

اع۱ بازیابی فلز
اع۲ بازیافت
او فلز قراضه
ان *Scrap metal reprocessing*

بازفشردن

اع۱ بهره‌برداری از چاه نفت
اع۲ تولید
ان *Repressuring*

بازگردانی

اع۱ احیا
اع۲ بازیافت
اخ۱ بازگردانی آب
او بقای انرژی
او به‌کاربری پسمانده
او کاغذ باطله
ان *Recycling*

بازگردانی آب

اع۱ بازگردانی
اع۲ احیا
اع۳ بازیافت
او آب‌رسانی
او بازیافت پساب
او بقای آب
او بهسازی پساب
او تصفیه آب
او منبع آب
ان *Water recycling*

بازگشت(فضانوردی)

او آیرودینامیک
او راکت
او سفر فضایی

او فرساب
او فضاپیما
او گرمایش آیرودینامیکی
او ماهواره
ان *Reentry*

بازماند

ب‌ج *بازماند مغناطیسی*
او پسماند مغناطیسی
او مغناطش
او مواد مغناطیسی
او نیروی وادارنده
ان *Remanence*

بازماند مغناطیسی

ب‌ک بازماند

بازوی آدمکی

اع۱ آدمک
اع۲ تجهیزات
او آدمک صنعتی
ان *Robotic arm*

بازیابی آلومینیوم

ب‌ک آلومینیوم

بازیابی اطلاعات

اع۱ تجزیه و تحلیل اطلاعات
اع۲ علم اطلاع‌رسانی
اخ۱ جستجوی درون‌خطی
او زبان پرس و جو
او سیستم بازیابی اطلاعات
ان *Information retrieval*

بازیابی افزوده‌شده

ب‌ج *بازیافت دومی*
ب‌ج *بازیافت سومی*
اع۱ تولید
اخ۱ بازیافت گرمایی نفت
اخ۱ تزریق آب به چاه
او اسیدکاری
او اضافه کار چاه
او بهره‌برداری از چاه گاز طبیعی
او بهره‌برداری از چاه نفت
او حفاری جهتی
او گاز طبیعی
او نفت خام
ان *Enhanced recovery*

بازیابی خطا(رایانه)

ب‌ک بازیابی سیستم رایانه

بازیابی سیستم رایانه

ب‌ج *بازیابی خطا(رایانه)*
ب‌ج *خرابی(رایانه)*
او سیستم رایانه‌ای
او سیستم رایانه‌ای مقاوم در برابر خرابی
او سیستم عامل رایانه
ان *Computer system recovery*

بازیابی فلز

اع۱ بازیافت
اخ۱ بازفراوری فلز قراضه
او به‌کاربری پسمانده
او سرباره
ان *Metal recovery*

بازیابی گرما

ب‌ک به‌کاربری گرمای بازمانده

بازیابی گرمای بازمانده

ب‌ک به‌کاربری گرمای بازمانده

بازیافت

اخ۱ احیا
اخ۲ احیای زغال‌سنگ
اخ۲ احیای زمین
اخ۲ بازگردانی
اخ۳ بازگردانی آب
اخ۲ بازیافت پساب
اخ۱ بازیابی فلز
اخ۲ بازفراوری فلز قراضه
اخ۱ تسویه مجدد سوخت هسته‌ای
ان *Recovery*

بازیافت پساب

اع۱ احیا
اع۲ بازیافت

او آلودگی آب
او بازگردانی آب
او بقای آب
او بهسازی پساب
او پساب
او پسمانده صنعتی
او تصفیه آب
او تصفیه فاضلاب
او دفع پساب
ان *Wastewater reclamation*

بازیافت دومی
ب‌ک بازیابی افزوده‌شده

بازیافت سومی
ب‌ک بازیابی افزوده‌شده

بازیافت گرمایی نفت
اع۱ بازیابی افزوده‌شده
اع۲ تولید
او احتراق در جا
او ماسه نفت‌دار
ان *Thermal oil recovery*

بازینگی
ب‌ک پهاش

باغ‌راه
ب‌ک سیستم بزرگراه

باغ میوه
اع۱ مزرعه
او حفاظت از یخبندان
او کشاورزی
او میوه
ان *Orchard*

بافت
اع۱ خردساختار
او بلورنگاری
او ناهمسانگردی
او ویژگی سطح
او ویژگی مکانیکی
ان *Texture*

بافت(زیست‌شناختی)
اع۱ مواد زیست‌شناختی
اع۲ مواد
اخ۱ استخوان
اخ۱ رباط
اخ۱ عضله
اخ۱ غضروف
اخ۱ کیتین
اخ۱ وتر
او کشت بافت
ان *Tissue*

بافندگی
اع۱ فرایند نساجی
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
او رشته‌پیچی
او ماشین بافندگی
ان *Weaving*

بافه
ب‌ج *کابل*
اع۱ فراورده سیمی
اخ۱ بافه پل
اخ۱ طناب سیمی
اخ۱ طناب کشتی
اخ۱ کابل الکتریکی
اخ۲ کابل ابررسانشی
اخ۲ کابل احتراق
اخ۲ کابل تخت
اخ۲ کابل روغنی
اخ۲ کابل زیردریایی
اخ۲ کابل زیرزمینی
اخ۲ کابل گازی
اخ۲ کابل مخابراتی
اخ۳ کابل نوری
اخ۳ کابل هم‌محور
اخ۱ کابل بالابر
اخ۱ کابل لنگر
اخ۱ هسته کابل
او بام بافه‌ای
او بام دروای بافه‌ای
او سیم
او طناب
ان *Cable*

بافه پل

اع۱ اجزای پل
اع۲ اجزا
اع۲ پل
اع۳ سازه
اع۱ بافه
اع۲ فراورده سیمی
او پل بافه‌ای
ان *Bridge cable*

باکتری

اع۱ میکروارگانیسم
اخ۱ باکتری کلی‌فرم
او باکتری‌خوار
او باکتری‌شناسی
او تثبیت نیتروژن
او شوره‌سازی
او متان‌زا
او مواد زیست‌شناختی
ان *Bacterium*

باکتری‌خوار

ب‌ج *باکتریوفاژ*
ب‌ج *فاژ*
ب‌ج *ویروس باکتریایی*
اع۱ ویروس
اع۲ میکروارگانیسم
او باکتری
ان *Bacteriophage*

باکتری‌شناسی

اع۱ میکروب‌شناسی
اع۲ زیست‌شناسی
اع۳ علوم طبیعی
اخ۱ باکتری‌شناسی آب
اخ۱ باکتری‌شناسی فاضلاب
او باکتری
او مواد زیست‌شناختی
او میکروارگانیسم
ان *Bacteriology*

باکتری‌شناسی آب

اع۱ باکتری‌شناسی
اع۲ میکروب‌شناسی
اع۳ زیست‌شناسی
او آب
او آب‌رسانی
او آلودگی آب
او تجزیه آب
او منبع ذخیره‌سازی آب
ان *Water bacteriology*

باکتری‌شناسی فاضلاب

اع۱ باکتری‌شناسی
اع۲ میکروب‌شناسی
اع۳ زیست‌شناسی
او تجزیه فاضلاب
او تصفیه فاضلاب
او فاضلاب
ان *Sewage bacteriology*

باکتری کلی‌فرم

اع۱ باکتری
اع۲ میکروارگانیسم
ان *Coliform bacterium*

باکتریوفاژ

ب‌ک باکتری‌خوار

بال

ب‌ج *بال هواگرد*
اع۱ قطعات و تجهیزات هواگرد
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ هواگرد
اع۱ هواشکن
اع۲ اجزا
او آیرودینامیک
او پیکر(هواگرد)
او روتور
ان *Wing*

بالابر

ی‌د برای حمل و نقل عمودی مواد یا مردم
اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ کابل بالابر
او پله‌برقی
او تجهیزات جابه‌جایی مواد
او تجهیزات ساخت
او جرثقیل دستی

او شناسه بالابر
ان *Elevator*

بالابر استخراج کوئپه

اع۱ بالابر معدن
اع۲ چرخ بالاکش
اع۳ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۲ ماشین‌آلات معدن‌کاری
اع۳ تجهیزات معدن‌کاری
اع۳ ماشین‌آلات
ان *Koepe winder*

بالابر معدن

اع۱ چرخ بالاکش
اع۲ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۳ تجهیزات
اع۱ ماشین‌آلات معدن‌کاری
اع۲ تجهیزات معدن‌کاری
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ بالابر استخراج کوئپه
اخ۱ دکل سر چاه
او اتاقک بالابر معدن
ان *Mine hoist*

بالاست(لامپ)

اع۱ لامپ تخلیه
اع۲ لامپ الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ چشمه نور
ان *Ballast (lamp)*

بالشتک یاتاقان

اع۱ یاتاقان(قسمت‌های ماشین)
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
اع۳ ماشین‌آلات
ان *Bearing pad*

بالگرد

اع۱ هواگرد
اخ۱ بالگرد پیشران جتی
اخ۱ بالگرد مرکب
اخ۱ بالگرد نظامی
اخ۱ جرثقیل بالگرد
اخ۱ روتور بالگرد
او ارتباط هواگردی
او خدمات بالگرد
او خدمات نجات بالگرد
او شبیه‌ساز پرواز
او لرزش(آیرودینامیک)
ان *Helicopter*

بالگرد پیشران جتی

اع۱ بالگرد
اع۲ هواگرد
اع۱ هواپیمای جت
اع۲ هواگرد
ان *Jet propelled helicopter*

بالگرد مرکب

اع۱ بالگرد
اع۲ هواگرد
او روتور بالگرد
او هواگرد نوبک عمودپرواز
ان *Compound helicopter*

بالگرد نظامی

اع۱ بالگرد
اع۲ هواگرد
اع۱ هواپیمای نظامی
اع۲ تجهیزات نظامی
اع۳ تجهیزات
اع۲ هواگرد
ان *Military helicopter*

بالون

اع۱ هواگرد
اخ۱ بالون رادیویی
اخ۱ بالون هواشناسی
او سازه بادشونده
ان *Balloon*

بالون رادیویی

اع۱ بالون
اع۲ هواگرد
اع۱ تجهیزات رادیویی
اع۲ تجهیزات مخابراتی

اع۳ تجهیزات الکترونیکی
ان *Radio balloon*

بالون هواشناسی

اع۱ بالون
اع۲ هواگرد
او پیش‌بینی هوا
او سنج‌افزار هواشناسی
ان *Meteorological balloon*

بال هواگرد

ب‌ک بال

بام

ب‌ج *سقف بادشونده*
اع۱ سازه
اخ۱ بام بافه‌ای
اخ۱ بام پوشیده‌شده با بتن
اخ۱ بام پیش‌ساخته
اخ۱ بام دروای بافه‌ای
او آب‌ایستی
او اتلاف گرما
او اجزای ساختمان
او پوشش بام
او تنش باد
او کنترل سقف معدن
او مخزن(بارگنج)
ان *Roof*

بام بافه‌ای

اع۱ بام
اع۲ سازه
او بافه
ان *Cable supported roof*

بام پوشیده‌شده با بتن

اع۱ بام
اع۲ سازه
او ساخت بتنی
او فراورده بتنی
ان *Concrete shell roof*

بام پیش‌ساخته

اع۱ بام
اع۲ سازه
او سازه پیش‌ساخته
ان *Prefabricated roof*

بام دروای بافه‌ای

اع۱ بام
اع۲ سازه
او بافه
ان *Cable suspended roof*

باند پرواز اضطراری

اع۱ باند پرواز فرودگاه
اع۲ فرودگاه
اع۳ تسهیلات
او باند نشست اضطراری
ان *Emergency runway*

باند پرواز بتنی

ب‌ک باند پرواز فرودگاه
ب‌ک جاده بتنی

باند پرواز فرودگاه

ب‌ج *باند پرواز بتنی*
ب‌ج *باند پرواز قیری*
اع۱ فرودگاه
اع۲ تسهیلات
اخ۱ باند پرواز اضطراری
اخ۱ باند پرواز موقت
او باند نشست اضطراری
او برداشتن برف و یخ
او خط‌کشی باند پرواز
او فرود
او کف‌سازی باندپرواز
او کنترل یخ
ان *Airport runway*

باند پرواز قیری

ب‌ک باند پرواز فرودگاه
ب‌ک مواد فرش‌کردن قیری

باند پرواز موقت

اع۱ باند پرواز فرودگاه
اع۲ فرودگاه
اع۳ تسهیلات

او باند نشست اضطراری
ان *Temporary runway*

باند نشست اضطراری
اع۱ تجهیزات
او باند پرواز اضطراری
او باند پرواز فرودگاه
او باند پرواز موقت
او فرود هواگرد
ان *Landing mat*

باینیت
اع۱ فاز فلزنگاری
او تبدیل باینیتی
او فلزنگاری فولاد
ان *Bainite*

بتاترون
اع۱ شتاب‌دهنده ذره
اع۲ تجهیزات
او باریکه الکترون
او نورشناسی الکترونی
ان *Betatrons*

بتن
اع۱ مصالح بنایی
اع۲ مصالح ساختمانی
اع۳ مواد
اع۱ مواد مختلط
اع۲ مواد
اخ۱ بتن پیش‌تنیده
اخ۱ بتن پیش‌ریخته
اخ۱ بتن سبک
اخ۱ بتن مسلح
اخ۱ بتن منبسط شونده
اخ۱ بتن نسوز
اخ۱ سنگدانه بتن
او آزمایش بتن
او افزودنی بتن
او ساخت بتنی
او سیمان
او سیمان پرتلند
او صنعت بتن
او فراورده بتنی
او گیرش(سیمان)
او مصالح راه‌سازی
ان *Concrete*

بتن آرمه
ب‌ک بتن مسلح

بتن‌پاشی
اع۱ ساخت بتنی
اع۲ ساخت بنایی
اع۳ ساخت
اع۲ صنعت بتن
اع۳ صنعت
ان *Shotcreting*

بتن پیش‌تنیده
اع۱ بتن
اع۲ مصالح بنایی
اع۳ مصالح ساختمانی
اع۲ مواد مختلط
اع۳ مواد
اع۱ مصالح پیش‌تنیده
اع۲ مصالح ساختمانی
اع۳ مواد
او پیش‌تنیدگی
ان *Prestressed concrete*

بتن پیش‌ریخته
ب‌ج *بتن پیش‌ساخته*
اع۱ بتن
اع۲ مصالح بنایی
اع۳ مصالح ساختمانی
اع۲ مواد مختلط
اع۳ مواد
او سازه پیش‌ساخته
ان *Precast concrete*

بتن پیش‌ساخته
ب‌ک بتن پیش‌ریخته

بتن‌ریزی
اع۱ ساخت بتنی
اع۲ ساخت بنایی
اع۳ ساخت
اع۲ صنعت بتن

اع۳ صنعت
ان *Concrete placing*

بتن‌ساز

بچ بتونیر
بچ *مخلوط‌کن بتن*
اع۱ هم‌زن(ماشین‌آلات)
اع۲ ماشین‌آلات
او بتن‌سازی
او ساخت بتنی
او ماشین‌آلات راه‌سازی
ان *Concrete mixer*

بتن‌سازی

اع۱ آمیختگی
اع۲ عملیات شیمیایی
اع۱ ساخت بتنی
اع۲ ساخت بنایی
اع۳ ساخت
اع۲ صنعت بتن
اع۳ صنعت
او بتن‌ساز
ان *Concrete mixing*

بتن سبک

اع۱ بتن
اع۲ مصالح بنایی
اع۳ مصالح ساختمانی
اع۲ مواد مختلط
اع۳ مواد
اع۱ مصالح ساختمانی سبک
اع۲ مصالح ساختمانی
اع۳ مواد
او سازه سبک
ان *Light weight concrete*

بتن مسلح

بچ *بتن آرمه*
بچ *سیم‌سیمان*
اع۱ بتن
اع۲ مصالح بنایی
اع۳ مصالح ساختمانی
اع۲ مواد مختلط
اع۳ مواد
او فولادگذاری بتن
ان *Reinforced concrete*

بتن منبسط شونده

اع۱ بتن
اع۲ مصالح بنایی
اع۳ مصالح ساختمانی
اع۲ مواد مختلط
اع۳ مواد
ان *Expansive concrete*

بتن نسوز

اع۱ بتن
اع۲ مصالح بنایی
اع۳ مصالح ساختمانی
اع۲ مواد مختلط
اع۳ مواد
اع۱ مواد نسوز
اع۲ مواد
ان *Refractory concrete*

بتونه

اع۱ درزبند
اع۲ مواد
اع۱ سیمان
اع۲ مصالح ساختمانی
اع۳ مواد
ان *Putty*

بتونیر
بک بتن‌ساز

بخار

اع۱ گاز
اع۲ سیال
اع۳ مواد
اخ۱ بخار(آب)
او انتقال گرما
او تبخیر
او چگالش
او چگالش بخار
او دود
او گاز خروجی
ان *Vapor*

بخار(آب)

اع۱	بخار
اع۲	گاز
اع۳	سیال
او	آب
او	ابرگرم‌کن
او	بخارجمع‌کن
او	پیش‌گرم‌کن آب مصرفی
او	ترمودینامیک
او	توربین بخار
او	جداساز و تله بخار
او	جدول و نمودار بخار
او	چگالش بخار
او	چگالنده بخار
او	خط‌لوله بخار
او	دیگ بخار
او	سیستم لوله‌کشی بخار
او	کراکینگ با بخار
او	کشتی بخار
او	ماشین بخار
او	مه
او	مهندسی بخار
او	مولد بخار
او	نیروگاه بخار
ان	*Steam*

بخارجمع‌کن

اع۱	دیگ بخار
اع۲	مولد بخار
اع۳	تجهیزات گرمایش
او	بخار(آب)
او	ذخیره حرارتی
ان	*Steam accumulator*

بخاری

ب‌ج	*بخاری خورشیدی*
اع۱	تجهیزات گرمایش
اع۲	تجهیزات
اخ۱	بخاری الکتریکی
اخ۱	بخاری صنعتی
اخ۱	بخاری گازی
او	تجهیزات خورشیدی
او	دستگاه الکتریکی
ان	*Stove*

بخاری الکتریکی

اع۱	بخاری
اع۲	تجهیزات گرمایش
اع۳	تجهیزات
اع۱	دستگاه الکتریکی
اع۲	تجهیزات الکتریکی
اع۳	تجهیزات
او	اجاق الکتریکی
ان	*Electric stove*

بخاری خورشیدی

ب‌ک	بخاری
ب‌ک	تجهیزات خورشیدی

بخاری صنعتی

اع۱	بخاری
اع۲	تجهیزات گرمایش
اع۳	تجهیزات
او	اجاق صنعتی
ان	*Industrial stove*

بخاری گازی

اع۱	بخاری
اع۲	تجهیزات گرمایش
اع۳	تجهیزات
اع۱	وسیله گازی
اع۲	تجهیزات
او	چراغ شمعک
ان	*Gas stove*

بخش پزشکی(کارخانه صنعتی)

اع۱	واحد صنعتی
او	بیماری شغلی
او	پزشکی
او	درمان بیمار
ان	*Medical department (industrial plants*

بخش مراقبت ویژه

ب‌ج	آی.سی.یو.
اع۱	بیمارستان
اع۲	ساختمان
اع۳	سازه
ان	*Intensive care unit*

بخیه‌کاری(اتصال فلزی)

اع۱ جوشکاری نقطه‌ای
اع۲ جوشکاری مقاومتی
اع۳ جوشکاری برقی
اع۳ جوشکاری فشاری
ان *Stitching (metal joining)*

بدنه(کشتی)

اع۱ کشتی
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
او قایق
او وسیله نقلیه با بالشتک هوا
ان *Hulls (ship)*

بدنه(هواگرد)

اع۱ قطعات و تجهیزات هواگرد
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ هواگرد
ان *Fuselage*

بدنه خودرو

اع۱ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۲ خودرو
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اخ۱ شاسی خودرو
ان *Automobile body*

بذر

اع۱ فراورده کشاورزی
ان *Seed*

برآر

اع۱ آیرودینامیک
اع۲ دینامیک گازها
اع۳ دینامیک سیالات
او اثر زمین
او هواشکن
ان *Lift*

برآرایی باریکه شیمیایی

اع۱ همبافتی فاز بخار
اع۲ رشد همبافته
اع۳ رشد بلور
او همبافتی باریکه مولکولی
ان *Chemical beam epitaxy*

برآر قایق

اع۱ تجهیزات
او کانال
ان *Boat lift*

برآورد

بج *روش گشتاورها*
اع۱ فن ریاضی
او معادله ریکاتی
ان *Estimation*

برآورد پارامتر

اع۱ شناسایی(سیستم کنترل)
او سیستم کنترل
ان *Parameter estimation*

برآورد حالت

اع۱ شناسایی(سیستم کنترل)
او سیستم کنترل
ان *State estimation*

برآورد رطوبت

اع۱ آزمایش مواد
اع۲ آزمایش
او رطوبت
او رطوبت‌سنج
او کنترل رطوبت
ان *Moisture determination*

برابرساز

اع۱ شبکه(مدار)
اخ۱ برابرساز تضعیفی
او تجهیزات تلفن
او واپیچش الکتریکی
ان *Equalizer*

برابرساز تضعیفی

اع۱ برابرساز

اع۲ شبکه(مدار)
او تضعیف
ان *Attenuation equalizer*

برازش خم

ب‌ج *برازش منحنی*
اع۱ تحلیل عددی
اع۲ فن ریاضی
او تقریب کمترین توان‌های دوم
او نگاره‌سازی رایانه‌ای
ان *Curve fitting*

برازش منحنی

ب‌ک برازش خم

برانکار

اع۱ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۲ تجهیزات
ان *Stretcher*

برانگیختگی

او ادراک حسی
او مهندسی فاکتورهای انسانی
ان *Arousal*

برج

ی‌د سازه
اع۱ سازه
اع۱ برج آب
اع۱ برج الکتریکی
اع۱ برج تلویزیونی
اع۱ برج خاموش‌کننده کک
اع۱ برج رادیویی
اع۱ برج سرمایش
اع۲ برج سرمایش آبی
اع۱ برج مراقبت
اع۱ دکل رادار
او جرثقیل برجی
او دیرک
ان *Tower*

برج آب

اع۱ برج
اع۲ سازه
او آب‌رسانی
او سیستم توزیع آب
او مخزن آب
ان *Water tower*

برج الکتریکی

اع۱ برج
اع۲ سازه
اع۱ پشتیبانی خط الکتریکی
اع۲ تکیه‌گاه
اع۳ اجزا
ان *Electric tower*

برج تلویزیونی

اع۱ برج
اع۲ سازه
او تجهیزات تلویزیونی
ان *Television tower*

برج جذب سطحی

اع۱ تجهیزات شیمیایی
اع۲ تجهیزات
او جاذب سطحی
او جذب سطحی
ان *Adsorption tower*

برج حبابدار

اع۱ تجهیزات شیمیایی
اع۲ تجهیزات
او حباب(در سیال)
ان *Bubble column*

برج خاموش‌کننده کک

اع۱ برج
اع۲ سازه
او واحد صنعتی کک‌سازی
ان *Coke quenching tower*

برج رادیویی

اع۱ برج
اع۲ سازه
او تجهیزات رادیویی
ان *Radio tower*

برج سرمایش

اع۱	برج
اع۲	سازه
اع۱	مبادله‌کن گرما
اع۲	تجهیزات
اخ۱	برج سرمایش آبی
او	آب‌رسانی
او	تجهیزات نیروگاه
ان	*Cooling tower*

برج سرمایش آبی

اع۱	برج سرمایش
اع۲	برج
اع۳	سازه
اع۲	مبادله‌کن گرما
اع۳	تجهیزات
اع۱	سیستم سرمایش آبی
اع۲	سیستم سرمایش
اع۳	تجهیزات
ان	*Water cooling tower*

برج مراقبت

اع۱	برج
اع۲	سازه
اع۱	ساختمان فرودگاهی
اع۲	ساختمان
اع۳	سازه
اع۲	فرودگاه
اع۳	تسهیلات
او	تجهیزات کنترل
او	مراقبت پرواز
ان	*Control tower*

برچسب

اخ۱	پلاک اسم
او	تابلو
او	نشان‌دارکردن
ان	*Label*

برخاست

او	پرتاب
او	فرودگاه
او	مراقبت پرواز
او	نشانگر برخاست
او	هواپیمایی
او	هواگرد
ان	*Takeoff*

برخوانی فراهمایی

اع۱	تلفن
اع۲	مخابرات
اع۳	ارتباط
او	دورسخنی
ان	*Conference call*

برخورد ته کشتی با آب

او	کشتی
او	هیدرودینامیک
ان	*Slamming (ship)*

برخورد شهاب

او	حادثه
او	شهاب‌سنگ
او	فضاپیما
او	ماهواره
ان	*Meteor impact*

بردار

اع۱	جبرخطی
اع۲	جبر
اع۳	فن ریاضی
او	تحلیل شبکه الکتریکی
او	توپولوژی
او	سنتز شبکه الکتریکی
او	ویژه‌مقدار و ویژه‌تابع
ان	*Vector*

برداشت

ب‌ک	درو

برداشتن برف و یخ

ب‌ج	*برطرف‌سازی یخ*
اع۱	تمیزکاری
او	باند پرواز فرودگاه
او	برف
او	برف‌روب
او	پاکسازی خیابان
او	تجهیزات ماسه‌گذاری
او	جاده و خیابان

او سیستم بزرگراه
او سیستم ذوب یخ
او کارخانه و ساختمان تجهیزات راه‌آهن
او کنترل یخ
او مساله آب‌وهوای سرد
او مساله یخ
او نگهداشت مسیر
او یخ
ان *Snow and ice removal*

بردیاب

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
اخ۱ ارتفاع‌سنج بی‌مانع
اخ۱ ارتفاع‌سنج رادیویی
اخ۱ تجهیزات رادار
اخ۲ آنتن رادار
اخ۲ پوشش آنتن
اخ۲ تجهیزات رادار هواگرد
اخ۲ دکل رادار
اخ۲ صفحه نمایش رادار
اخ۲ فرستنده رادار
اخ۲ گیرنده رادار
اخ۲ مدار رادار
اخ۱ نشانگر همجواری
او ابزار نشانه‌روی بمب
او اندازه‌گیری مسافت
او دوربین
او رادار نوری
ان *Range finder*

بردیابی

ب‌ک اندازه‌گیری مسافت

بررسی

ی‌د یک اصطلاح خیلی عام است، ترجیحا نوع خاصی از بررسی را به کار برید.
اخ۱ بررسی شدآمد
اخ۱ بررسی آب‌نگاری
اخ۱ بررسی خاک
اخ۱ بررسی زمین‌شناختی
اخ۱ بررسی معدنی
او اکتشاف منبع طبیعی
او اندازه‌گیری
او تهیه نقشه
او داده‌برداری
او روش آماری
او زمین‌سنجی
او زمین‌فیزیک
او ساخت
او سنج‌افزار نقشه‌برداری
او ضبط‌کردن
او فتوگرامتری
او مثلث‌بندی
او نقشه
او نقشه‌برداری
او هندسه
ان *Survey*

بررسی شدآمد

ی‌د شدآمد وسیله نقلیه
اع۱ بررسی
او برنامه‌ریزی شهری
او ترابری موتوری
او جاده و خیابان
او سیستم بزرگراه
او ضبط‌کردن
او کنترل شدآمد بزرگراه
او کنترل شدآمد خیابان
ان *Traffic survey*

بررسی آب‌نگاری

اع۱ بررسی
او اقیانوس‌شناسی
او مهندسی اقیانوس
ان *Hydrographic survey*

بررسی تصویری هوایی

ب‌ک فتوگرامتری

بررسی خاک

اع۱ بررسی
او بررسی زمین‌شناختی
او جاده و خیابان
او خاک
او ساختار راه
ان *Soil survey*

بررسی زمین‌شناختی

اع۱ بررسی

او اکتشاف منبع طبیعی
او بررسی خاک
او تهیه نقشه
او زمین‌شناسی
ان *Geological survey*

بررسی معدنی

اع۱ بررسی
او معدن‌کاری
ان *Mine survey*

بررسی مغزه

او اکتشاف نفت
او مهندسی مخزن نفتی
او نمونه مغزه
ان *Core analysis*

برس

اع۱ ابزار
اع۲ تجهیزات
ان *Brush*

برسازه دریچه قلب

اع۱ پروستتیک
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ مواد زیستی
اع۲ مواد
ان *Heart valve prosthes*

برسازه دندانی

پ‌ج *پرکردن دندان*
پ‌ج *دست‌دندان*
پ‌ج *دندان مصنوعی*
پ‌ج *کاشت دندان*
اع۱ پروستتیک
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ مواد دندانپزشکی
اع۲ مواد زیستی
اع۳ مواد
ان *Dental prostheses*

برسازه رگ خونی

پ‌ج رگ خونی *مصنوعی*
اع۱ پروستتیک
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ مواد زیستی
اع۲ مواد
او رگ خونی
ان *Blood vessel prosthese*

برسازه فکی-صورتی

اع۱ پروستتیک
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
ان *Maxillofacial prosthes*

برسازه مفصل

اع۱ پروستتیک
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ برسازه مفصل خاصره‌ای-رانی
او مواد زیستی
ان *Joint prostheses*

برسازه مفصل خاصره‌ای-رانی

پ‌ج *مفصل ران مصنوعی*
اع۱ برسازه مفصل
اع۲ پروستتیک
اع۳ تجهیزات زیست‌پزشکی
او مواد زیستی
ان *Hip prostheses*

برش

اخ۱ اره‌کاری
اخ۱ برش(چینشی)
اخ۱ برش اکسیژنی
اخ۱ برش با شعله
اخ۱ برش با قوس پلاسما
اخ۱ برش بلور
اخ۱ برش جرقه‌ای
اخ۱ برش زیرآبی
اخ۱ برش سایشی
اخ۲ سنگ‌زنی(تراشکاری)
اخ۳ آسیاب‌کردن گلوله‌ای
اخ۳ سنگ‌زنی بی‌مرغک
اخ۱ برش فراصوتی

اخ۱ برشکاری الکتروشیمیایی
اخ۱ برشکاری با باریکه الکترونی
اخ۱ برشکاری با باریکه لیزری
اخ۱ پلیسه‌گیری
اخ۱ تراشیدن
اخ۱ چرخ‌دنده‌تراشی
اخ۱ خان‌کشی
اخ۱ سنگ‌کاری پرداخت
اخ۱ شکاف‌زنی
اخ۱ شیارزنی
اخ۱ فلزتراشی
او تجهیزات برش
او حفاری
او حفره‌کنی
او ماشین‌کاری
او مشبک‌کاری
او مواد خنک‌کاری
ان *Cutting*

برش(چینشی)

اع۱ برش
او اره‌کاری
او شکاف‌زنی
او شیارزنی
او فلز نواری
او فلز ورق
او فلزتراشی
او منگنه‌کاری
ان *Shearing*

برش اکسیژنی

ب‌ج *برش گازی*
اع۱ برش
او جوشکاری
او فلزتراشی
او گدازآور
او ماشین برش اکسیژنی
ان *Oxygen cutting*

برش با شعله

اع۱ برش
او پلیسه‌گیری
او تراشیدن
ان *Scarfing*

برش با قوس پلاسما

اع۱ برش
اع۱ کاربرد پلاسما
اع۲ کاربرد
او ذوب با قوس پلاسما
او فلزتراشی
او مشعل پلاسمایی
ان *Plasma arc cutting*

برش بلور

ب‌ج *برش گوهر*
ب‌ج *سنگ‌تراشی*
اع۱ برش
او بلور
ان *Crystal cutting*

برش جرقه‌ای

اع۱ برش
ان *Spark cutting*

برش زیرآبی

اع۱ برش
او تجهیزات زیرآبی
او ساخت زیرآبی
او سازه زیرآبی
او مهندسی اقیانوس
ان *Underwater cutting*

برش سایشی

اع۱ برش
اخ۱ سنگ‌زنی(تراشکاری)
اخ۲ آسیاب‌کردن گلوله‌ای
اخ۲ سنگ‌زنی بی‌مرغک
او ساینده
ان *Abrasive cutting*

برش فراصوتی

اع۱ برش
اع۱ کاربرد فراصوتی
اع۲ کاربرد
ان *Ultrasonic cutting*

برشکاری الکتروشیمیایی

ب‌ج *برشکاری برق‌کافتی*

اع۱ برش
او الکتروشیمی
او برق‌کافت
ان *Electrochemical cutting*

برشکاری با باریکه الکترونی

اع۱ برش
او باریکه الکترون
ان *Electron beam cutting*

برشکاری با باریکه لیزری

اع۱ برش
اع۱ کاربرد لیزر
اع۲ کاربرد
او باریکه لیزری
او لیزر
ان *Laser beam cutting*

برشکاری برق‌کافتی
ب‌ک برشکاری الکتروشیمیایی

برش گازی
ب‌ک برش اکسیژنی

برشگر(مدار)

اع۱ مدار سودهی
اع۲ شبکه(مدار)
او ابزار نوری
او تبدیلگر توان
او تقویت‌کننده برشگر
او وارونگر الکتریکی
ان *Chopper (circuit)*

برش گوهر
ب‌ک برش بلور

برش نفتی
ب‌ک محصول تقطیر نفت

برش‌نگاری به کمک رایانه
ب‌ک برش‌نگاری رایانه‌ای

برش‌نگاری رایانه‌ای
ب‌ج *برش‌نگاری به کمک رایانه*
ب‌ج *سی.تی.اسکن*
اع۱ پرتونگاری
اع۲ فن تصویرسازی
اع۱ کاربرد رایانه
اع۲ کاربرد
او برش‌نگاری گسیل پوزیترون
او پرتونگاری تشخیصی
او تصویربرداری تشدید مغناطیسی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Computerized tomography*

برش‌نگاری گسیل پوزیترون

او ایزوتوپ پرتوزا
او برش‌نگاری رایانه‌ای
او پرتونگاری تشخیصی
او تجهیزات زیست‌پزشکی
ان *Positron emission tomography*

برطرف‌سازی یخ
ب‌ک برداشتن برف و یخ

برف

اع۱ بارش(هواشناسی)
او آب
او آب‌رسانی
او اندازه‌گیری بارش برف
او برداشتن برف و یخ
او برف‌روب
او برف‌سنج
او بهمن
او توفان
او سیستم ذوب یخ
او شدآمدپذیری
او مساله آب‌وهوای سرد
او هواشناسی
ان *Snow*

برف‌پاک‌کن

اع۱ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ تجهیزات
اع۲ وسیله نقلیه
او شیشه جلو
او شیشه جلوی خودرو
او شیشه جلوی هواگرد
او فراورده لاستیکی

او قطعات و تجهیزات خودرو
او قطعات و تجهیزات هواگرد
ان *Windshield wiper*

برف‌پاک‌کن خودرو
اع۱ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۲ خودرو
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
او شیشه جلوی خودرو
ان *Automobile windshield wiper*

برف‌روب
اع۱ تجهیزات
او برداشتن برف و یخ
او برف
او قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
او کامیون
ان *Snow plow*

برف‌سنج
اع۱ پیمانه
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او اندازه‌گیری بارش برف
او برف
ان *Snow gage*

برف‌سنجی
ب‌ک اندازه‌گیری بارش برف

برف‌زدایی
او کنترل یخ
او یخچال
ان *Defrosting*

برق
ب‌ک الکتریسیته

برقبردی
ب‌ک الکتروفورز

برق‌درمانی
ب‌ج *الکتروتراپی*
اع۱ درمان بیمار
اخ۱ پزشکی سوزنی الکتریکی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Electrotherapeutics*

برق‌سنج
ب‌ج *برق‌سنجی*
اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او اندازه‌گیری شارژ الکتریکی
او اندازه‌گیری ولتاژ
ان *Electrometer*

برق‌سنجی
ب‌ک برق‌سنج

برق‌کاف
اع۱ مواد رسانا
اع۲ مواد
اخ۱ الکترولیت جامد
اخ۱ پلی‌الکترولیت
او الکتروشیمی
او برق‌کافت
او خانک برق‌کافتی
او رسانایی الکتریکی مایعات
او قدرت یونی
او نمک مذاب
او یون
ان *Electrolyte*

برق‌کافت
ب‌ج *واکنش برق‌کافتی*
اع۱ واکنش شیمیایی
او احیای برق‌کافتی
او الکتروشیمی
او باتری ثانویه
او برشکاری الکتروشیمیایی
او برق‌کاف
او پرداخت برق‌کافتی
او تجزیه و تحلیل برق‌کافتی
او تمیزکاری برق‌کافتی

او چگالی جریان
او خازن برق‌کافتی
او خانک برق‌کافتی
او خوردگی الکتروشیمیایی
او شکل‌دهی الکترولیتی
او قطبش آندی
او متالورژی برقی
او نهشت برقی
ان *Electrolysis*

برق‌گیر

اع۱ تجهیزات
او ابزار ایمنی
او آذرخش
او محافظت از آذرخش
ان *Lightning arrester*

برقو

اع۱ ابزار تراش
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات برش
اع۳ تجهیزات
او دست‌افزار
ان *Reamer*

برقوزنی

اع۱ ماشین‌کاری
او پلیسه‌گیری
او تراشیدن
او حفاری
او حفره‌کنی
او فلزتراشی
او قلاویزکاری
ان *Reaming*

برقی‌کردن راه‌آهن

ب‌ک راه‌آهن برقی

برکلیم

اع۱ عنصر فرااورانیوم
اع۲ آکتینید
اع۳ عنصر پرتوزا
اع۳ فلز غیرآهنی
ان *Berkelium*

برگردانی تصویر

ب‌ک بازسازی تصویر

برگشت پیشرانه

او ترمزگیری
او شتاب منفی
او ماشین‌آلات توربو
ان *Thrust reversal*

برگشت چین

ی‌د در منسوجات
او فرایند نساجی
او مصنوع نساجی
ان *Wrinkle recovery*

برگه آب‌بر

اع۱ اجزا
او پیشرانش برگه آب‌بر
او هواپیمای دریایی
او هواشکن
او هیدرودینامیک
او وسیله نقلیه با بالشتک هوا
ان *Hydrofoil*

برگیر

اع۱ تجهیزات شنیداری
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ تراگذار صوتی
اع۲ ابزار صوتی
اع۳ تجهیزات صوتی
اع۲ تراگذار
اع۳ تجهیزات
او آوانگار
او تولید دوباره صدا
او ضبط‌کردن
ان *Pickup*

برم

اع۱ عنصر هالوژنی
اع۲ نافلز
اع۳ عنصر شیمیایی

او ترکیبات برم
ان *Bromine*

برنامه چندپردازشی
اع۱ برنامه مجری و ناظر
اع۲ نرم‌افزار رایانه
او چندبرنامگی
او سیستم پردازش خط‌لوله‌ای
او سیستم چندپردازشی
او کنترل هم‌زمانی تقریبی
ان *Multiprocessing program*

برنامه سودمند
اع۱ نرم‌افزار رایانه
ان *Utility program*

برنامه اسمبلی
ب‌ک اسمبلر برنامه

برنامه اشتراک زمانی
اع۱ برنامه مجری و ناظر
اع۲ نرم‌افزار رایانه
او چندبرنامگی
او سیستم اشتراک زمانی
ان *Time sharing program*

برنامه درونداد-برونداد
اع۱ سیستم عامل رایانه
اع۲ نرم‌افزار رایانه
ان *Input output program*

برنامه رایانه
ب‌ک صورت برنامه رایانه

برنامه‌ریزی
اع۱ برنامه‌ریزی بزرگراه
اع۱ برنامه‌ریزی حرکت
اع۱ برنامه‌ریزی راهبردی
اع۱ برنامه‌ریزی منطقه‌ای
او پیش‌بینی
او روش آماری
او زمان‌بندی
او طراحی
او مدیریت
ان *Planning*

برنامه‌ریزی بزرگراه
اع۱ برنامه‌ریزی
او اداره بزرگراه
او برنامه‌ریزی منطقه‌ای
ان *Highway planning*

برنامه‌ریزی پویا
اع۱ برنامه‌ریزی ریاضی
اع۲ بهینه‌سازی
اع۱ برنامه‌ریزی عدد صحیح
او اصل بیشینه
او تحقیق در عملیات
او سیستم کنترل بهینه
او نظریه تصمیم
او نظریه قید
ان *Dynamic programming*

برنامه‌ریزی حرکت
ب‌ج *طراحی مسیر*
اع۱ برنامه‌ریزی
او اجتناب از تصادف
او آدمک
او آدمک‌شناسی
او دست‌ماشینی
او سیستم دانش بنیاد
او هوش مصنوعی
ان *Motion planning*

برنامه‌ریزی خطی
اع۱ برنامه‌ریزی ریاضی
اع۲ بهینه‌سازی
او تحقیق در عملیات
او نظریه قید
ان *Linear programming*

برنامه‌ریزی راهبردی
اع۱ برنامه‌ریزی
او مدیریت
ان *Strategic planning*

برنامه‌ریزی ریاضی
اع۱ بهینه‌سازی

اخ۱ برنامه‌ریزی پویا
اخ۲ برنامه‌ریزی عدد صحیح
اخ۱ برنامه‌ریزی خطی
اخ۱ برنامه‌نویسی غیرخطی
او مدل
او مدل ریاضی
او نظریه بازی
ان *Mathematical programming*

برنامه‌ریزی شهری

بج *طراحی شهر*
او آب‌رسانی
او احیای زمین
او امکانات همگانی
او آیین‌نامه ساختمانی
او بررسی شدآمد
او برنامه‌ریزی منطقه‌ای
او پارک
او پل
او ترابری
او ترابری با راه‌آهن
او ترابری موتوری
او تسهیلات تفریحی
او تفریحگاه
او تک‌ریلی
او جاده و خیابان
او دفع پسمانده
او دفع زباله
او راه‌آهن
او روشنایی خیابان
او سیستم بزرگراه
او فاضلاب‌رو
او کاربری زمین
او گذر ریلی سبک
او مترو
او مسکن
او منطقه‌بندی
او مهندسی تاسیسات شهری
او مهندسی راه و ساختمان
ان *Urban planning*

برنامه‌ریزی عدد صحیح

اع۱ برنامه‌ریزی پویا
اع۲ برنامه‌ریزی ریاضی
اع۳ بهینه‌سازی
او تحقیق در عملیات
ان *Integer programming*

برنامه‌ریزی منطقه‌ای

اع۱ برنامه‌ریزی
او آب‌رسانی
او احیای زمین
او آمار جامعه
او برنامه‌ریزی بزرگراه
او برنامه‌ریزی شهری
او بقای آب
او پارک
او ترابری
او تسهیلات تفریحی
او سیستم ارتباطی
او قانون و قانونگزاری
او کاربری زمین
او کنترل آلودگی آب
او کنترل آلودگی هوا
او کنترل سیل
او مرکز خرید
او منطقه‌بندی
او مهندسی محیط
ان *Regional planning*

برنامه مجری و ناظر

بج *برنامه ناظر*
اع۱ نرم‌افزار رایانه
اخ۱ برنامه چندپردازشی
اخ۱ برنامه اشتراک زمانی
او برنامه‌نویسی سیستم رایانه
او تخصیص حافظه(رایانه)
او چندبرنامگی
او سیستم عامل رایانه
ان *Supervisory and executive program*

برنامه ناظر
ب‌ک برنامه مجری و ناظر

برنامه‌نویسی آدمک

اع۱ برنامه‌نویسی رایانه
او آدمک
او آدمک صنعتی
او آدمک‌شناسی
ان *Robot programming*

برنامه‌نویسی رایانه

اخ۱	اشکال‌زدایی برنامه(رایانه‌ای)
اخ۱	برنامه‌نویسی آدمک
اخ۱	برنامه‌نویسی ساخت‌مند
اخ۱	برنامه‌نویسی سیستم رایانه
اخ۲	چندبرنامگی
اخ۱	برنامه‌نویسی شی‌گرا
اخ۱	برنامه‌نویسی غیرمستدل
اخ۱	برنامه‌نویسی منطقی
اخ۱	تشخیص برنامه(رایانه‌ای)
اخ۱	ریزبرنامه‌نویسی
اخ۱	مستندسازی برنامه
اخ۲	مستندسازی برنامه سیستم
او	روندنما
او	زیربرنامه
او	صورت برنامه رایانه
او	علم سیستم‌ها
او	ماکرو
او	معماری رایانه
او	نرم‌افزار رایانه
او	نظریه برنامه‌نویسی
ان	*Computer programming*

برنامه‌نویسی ساخت‌مند

اع۱	برنامه‌نویسی رایانه
ان	*Structured programming*

برنامه‌نویسی سیستم رایانه

اع۱	برنامه‌نویسی رایانه
اخ۱	چندبرنامگی
او	ادغام
او	برنامه مجری و ناظر
او	پردازشگر برنامه
او	تجزیه و تحلیل سیستم‌ها
او	تخصیص حافظه(رایانه)
او	سیستم رایانه‌ای
او	سیستم عامل رایانه
او	مترجم برنامه
او	مستندسازی برنامه سیستم
او	نرم‌افزار رایانه
ان	*Computer system programming*

برنامه‌نویسی شی‌گرا

پ‌ج	*زبان شی‌گرا*
اع۱	برنامه‌نویسی رایانه
او	پرولوگ(زبان برنامه‌نویسی)
او	مهندسی نرم‌افزار به کمک رایانه
ان	*Object oriented programming*

برنامه‌نویسی غیرخطی

اع۱	برنامه‌ریزی ریاضی
اع۲	بهینه‌سازی
او	مدل ریاضی
او	نظریه قید
ان	*Nonlinear programming*

برنامه‌نویسی غیرمستدل

پ‌ج	*روال غیرمستدل*
اع۱	برنامه‌نویسی رایانه
او	احتمال
او	تحقیق در عملیات
او	روش رهگشا
او	علم رایانه
او	علم سیستم‌ها
او	نظریه خودکارافزار
او	هوش مصنوعی
ان	*Heuristic programming*

برنامه‌نویسی منطقی

اع۱	برنامه‌نویسی رایانه
او	پرولوگ(زبان برنامه‌نویسی)
او	هوش مصنوعی
ان	*Logic programming*

برنج

اع۱	آلیاژ روی
اع۲	آلیاژ فلز واسطه
اع۳	آلیاژ
اع۱	آلیاژ مس
اع۲	آلیاژ فلز واسطه
اع۳	آلیاژ
او	آبکاری برنج
ان	*Brass*

برنده زغال سنگ نارس

اع۱	تجهیزات برش
اع۲	تجهیزات
او	زغال‌سنگ نارس
ان	*Peat cutter*

برنز

اع۱ آلیاژ قلع
اع۲ آلیاژ فلز سنگین
اع۳ آلیاژ
اع۱ آلیاژ مس
اع۲ آلیاژ فلز واسطه
اع۳ آلیاژ
او آبکاری برنز
او فرایند ریخته‌گری برنز
ان *Bronze*

برهم‌کنش ساختار خاک

او بار دینامیکی
او پی
او زلزله
او زمین‌شناسی مهندسی
او مکانیک خاک
او نشین سازه
ان *Soil structure interaction*

برهم‌کنش انسان و رایانه

ب‌ج *برهم‌کنش انسان و ماشین*
او سیستم انسان و ماشین
او سیمابین کاربر
ان *Human computer interaction*

برهم‌کنش انسان و ماشین

ب‌ک برهم‌کنش انسان و رایانه

برهم‌کنش بافت لیزر

اع۱ اثر باریکه لیزری
اع۲ اثر تابش
اع۳ اثر
او جراحی لیزری
ان *Laser tissue interaction*

برهم‌کنش پلاسما

اخ۱ برهم‌کنش پلاسمای موجی
او پلاسما
ان *Plasma interaction*

برهم‌کنش پلاسمای موجی

اع۱ برهم‌کنش پلاسما
او پلاسما
او موج الکترومغناطیسی
ان *Wave plasma interaction*

برهم‌کنش دارویی

اع۱ فارماکودینامیک
او دارودرمانی
ان *Drug interaction*

برهم‌کنش ساختمان سیال

اع۱ برهم‌کنش شارش
اع۲ شارش سیال
اع۳ دینامیک سیالات
او ریزش گردابی
او هیدرودینامیک
ان *Fluid structure interaction*

برهم‌کنش شارش

اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
اخ۱ برهم‌کنش ساختمان سیال
او افت فشار
ان *Flow interaction*

بریلیا

ب‌ج *بریلیم اکسید*
اع۱ اکسید
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات بریلیم
اع۲ ترکیبات فلز قلیایی خاکی
اع۳ جسم مرکب فلزی
او مواد نسوز
ان *Beryllia*

بریلیم

اع۱ فلز سبک
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
اع۱ فلز قلیایی خاکی
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آلیاژ بریلیم
او ترکیبات بریلیم
او تعدیل‌کننده

او ذخیره بریلیم
او عمل‌آوری کان‌سنگ بریلیم
او فلزنگاری بریلیم
او کانی بریلیوم
او متالورژی بریلیم
ان *Beryllium*

بریلیم اکسید
ب‌ک بریلیا

بزرگراه عوارضی
ب‌ج *جاده عوارضی*
اع۱ سیستم بزرگراه
اع۲ امکانات همگانی
او پل عوارضی
او دستمزد و هزینه
ان *Toll highway*

بسامد
اخ۱ بسامد طبیعی
ان *Frequency*

بسامد تشدیدی
ب‌ک بسامد طبیعی

بسامدساز
اع۱ مولد سیگنال
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ آلات موسیقی الکترونیکی
او نوسانگر(الکترونیک)
ان *Frequency synthesizer*

بسامدسنج
اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او اندازه‌گیری بسامد الکتریکی
او اندازه‌گیری زمان
او ساعت اتمی
او موج‌سنج
ان *Frequency meter*

بسامد صوتی ریزموج
ب‌ک صوت‌شناسی ریزموجی

بسامد طبیعی
ب‌ج *بسامد تشدیدی*
اع۱ بسامد
او بازآواگر کاواکی
او پاگیری صوتی
او پهنای نوار
او تشدید
او تشدیدگر
او تولید هماهنگ
او دینامیک
او کوک
او کوک‌کن
او میرایی
او نوسانگر(الکترونیک)
او نوسانگر(مکانیکی)
ان *Natural frequency*

بسپار
ب‌ج *پلیمر*
ب‌ج *رزین*
اع۱ ترکیبات شیمیایی
اع۱ مواد
اخ۱ بسپار آلی
اخ۲ بسپار آروماتیکی
اخ۳ پلی‌آمیدایمید
اخ۳ پلی‌اتیلن ترفتالات
اخ۳ پلی‌استیرن
اخ۳ رزین آ.بی.اس.
اخ۲ بسپار آلی فلزی
اخ۲ بسپار اشباع‌نشده
اخ۲ بسپار حاوی کلر
اخ۲ بسپار طبیعی
اخ۳ پلی‌پپتید
اخ۳ پلی‌ساکارید
اخ۳ زیست‌بسپار
اخ۳ کهربا
اخ۳ لاستیک
اخ۳ لیگنین
اخ۲ بسپار فلئوردار
اخ۳ پلی‌تترافلوئورواتیلن
اخ۲ بسپار نیم‌رسانا
اخ۲ پلی‌اتر

اخ۳ اتر تاجی
اخ۳ پلی‌اتیلن اکسید
اخ۳ پلی‌اتیلن گلیکول
اخ۳ پلی‌پروپیلن اکسید
اخ۳ پلی‌فنیلن‌اکسید
اخ۳ رزین اپوکسی
اخ۳ رزین استالی
اخ۳ رزین فنوکسی
اخ۲ پلی‌استیلن
اخ۲ پلی‌الکترولیت
اخ۲ پلی‌اورتان
اخ۲ پلی‌ایمید
اخ۲ رزین تبادل یونی
اخ۲ رزین نیتریلی
اخ۲ کشپار
اخ۳ کشپار گرمانرم
اخ۳ لاستیک سنتزی
اخ۲ کم‌پار
اخ۲ گرماسخت
اخ۳ رزین آلکید
اخ۳ رزین آلیل
اخ۳ رزین اوره فرم‌آلدهید
اخ۳ رزین فنلی
اخ۳ رزین فوران
اخ۳ رزین ملامین فرم‌آلدهید
اخ۲ گرمانرم
اخ۳ آکریلیک
اخ۳ پلی‌آمید
اخ۳ پلی‌اتر اتر کتون
اخ۳ پلی‌اترایمید
اخ۳ پلی‌استر
اخ۳ پلی‌استیرن
اخ۳ پلی‌اولفین
اخ۳ پلی‌سولفون
اخ۳ پلی‌کربنات
اخ۳ رزین وینیلی
اخ۳ کشپار گرمانرم
اخ۲ مخلوط بسپاری
اخ۳ شبکه بسپاری درهم
اخ۲ هم‌بسپار
اخ۳ سه‌بسپار
اخ۳ هم‌بسپار پیوندی
اخ۳ هم‌بسپار دسته‌ای
اخ۲ یونپار
اخ۱ بسپار بلوری مایع
اخ۱ بسپار معدنی
اخ۲ پلی‌سیلان
اخ۲ سیلیکون
او بسپارش
او پلاستیک
او ترکیبات آلی
او تکپار
او توزیع وزن مولکولی
او درشت‌ملکول
او شیشه بسپاری
او مواد نوری
او وولکانش
ان *Polymer*

بسپار آروماتیکی

اع۱ بسپار آلی
اع۲ بسپار
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات آروماتیک
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ پلی‌آمیدایمید
اخ۱ پلی‌اتیلن ترفتالات
اخ۱ پلی‌استیرن
اخ۱ رزین آ.بی.اس.
ان *Aromatic polymer*

بسپار آلی

ب‌ج بسپار پیوسته
اع۱ بسپار
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۲ مواد
اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ بسپار آروماتیکی
اخ۲ پلی‌آمیدایمید
اخ۲ پلی‌اتیلن ترفتالات
اخ۲ پلی‌استیرن
اخ۲ رزین آ.بی.اس.
اخ۱ بسپار آلی فلزی
اخ۱ بسپار اشباع‌نشده
اخ۱ بسپار حاوی کلر
اخ۱ بسپار طبیعی

اخ۲ پلی‌پپتید
اخ۲ پلی‌ساکارید
اخ۳ سلولز
اخ۳ کیتین
اخ۳ نشاسته
اخ۲ زیست‌بسپار
اخ۳ اسید هسته‌ای
اخ۳ پروتئین
اخ۳ هورمون
اخ۲ کهربا
اخ۲ لاستیک
اخ۲ لیگنین
اخ۱ بسپار فلئوردار
اخ۲ پلی‌ترافلوئورواتیلن
اخ۱ بسپار نیم‌رسانا
اخ۱ پلی‌اتر
اخ۲ اتر تاجی
اخ۲ پلی‌اتیلن اکسید
اخ۲ پلی‌اتیلن گلیکول
اخ۲ پلی‌پروپیلن اکسید
اخ۲ پلی‌فنیلن‌اکسید
اخ۲ رزین اپوکسی
اخ۲ رزین استالی
اخ۲ رزین فنوکسی
اخ۱ پلی‌استیلن
اخ۱ پلی‌الکترولیت
اخ۱ پلی‌اورتان
اخ۱ پلی‌ایمید
اخ۱ رزین تبادل یونی
اخ۱ رزین نیتریلی
اخ۱ کشپار
اخ۲ کشپار گرمانرم
اخ۳ پلی‌ایزوپرن
اخ۲ لاستیک سنتزی
اخ۳ پلی‌بوتادین
اخ۳ پلی‌سولفید
اخ۱ کم‌پار
اخ۱ گرماسخت
اخ۲ رزین آلکید
اخ۲ رزین آلیل
اخ۲ رزین اوره فرم‌آلدهید
اخ۲ رزین فنلی
اخ۲ رزین فوران
اخ۲ رزین ملامین فرم‌آلدهید
اخ۱ گرمانرم
اخ۲ آکریلیک
اخ۳ پلی‌آکریلونیتریل
اخ۳ پلی‌آکریلیت
اخ۳ پلی‌متیل متاکریلات
اخ۲ پلی‌آمید
اخ۳ بسپار نایلونی
اخ۳ پلی‌سولفون‌آمید
اخ۲ پلی‌اتر اتر کتون
اخ۲ پلی‌اترایمید
اخ۲ پلی‌استر
اخ۳ پلی‌اتیلن ترفتالات
اخ۲ پلی‌استیرن
اخ۲ پلی‌اولفین
اخ۳ پلی‌اتیلن
اخ۳ پلی‌بوتن
اخ۳ پلی‌پروپیلن
اخ۲ پلی‌سولفون
اخ۲ پلی‌کربنات
اخ۲ رزین وینیلی
اخ۳ پلی‌وینیل استات
اخ۳ پلی‌وینیل الکل
اخ۳ پلی‌وینیل کلرید
اخ۳ پلی‌وینیلیدن کلرید
اخ۲ کشپار گرمانرم
اخ۳ پلی‌ایزوپرن
اخ۱ مخلوط بسپاری
اخ۲ شبکه بسپاری درهم
اخ۱ هم‌بسپار
اخ۲ سه‌بسپار
اخ۳ رزین آ.بی.اس.
اخ۲ هم‌بسپار پیوندی
اخ۲ هم‌بسپار دسته‌ای
اخ۱ یونپار
ان *Organic polymer*

بسپار آلی فلزی

اع۱ بسپار آلی
اع۲ بسپار
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیب آلی‌فلزی
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
ان *Metallorganic polymer*

بسپار اشباع‌نشده

اع۱ بسپار آلی
اع۲ بسنپار
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات اشباع‌نشده
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
ان *Unsaturated polymer*

بسپار بلوری مایع

اع۱ بسپار
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۲ مواد
اع۱ بلور مایع
ان *Liquid crystal polymer*

بسپار پیوسته

ب‌ک بسپار آلی

بسپار پیوندی

ب‌ک هم‌بسپار پیوندی

بسپار حاوی کلر

اع۱ بسپار آلی
اع۲ بسپار
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات کلر
اع۲ ترکیبات هالوژنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
ان *Chlorine containing polymer*

بسپار دسته‌ای

ب‌ک هم‌بسپار دسته‌ای

بسپارش

ب‌ج *پلیمریزاسیون*
ب‌ج *فوتوبسپارش*
اع۱ واکنش شیمیایی
اع۱ بسپارش آنیونی
اع۱ بسپارش الکتریکی
اع۱ بسپارش امولسیونی
اع۱ بسپارش تراکمی
اع۱ بسپارش حلقه‌گشا
اع۱ بسپارش رادیکالی
اع۱ بسپارش کاتیونی
اع۱ سه‌بسپارش
اع۱ هم‌بسپارش
او بسپار
او پخت
او پلاستیک
او تشکیل اتصال عرضی
او تکپار
او کم‌پار
ان *Polymerization*

بسپارش آنیونی

اع۱ بسپارش
اع۲ واکنش شیمیایی
او بسپارش تراکمی
او بسپارش حلقه‌گشا
ان *Anionic polymerization*

بسپارش الکتروشیمیایی

ب‌ک بسپارش الکتریکی

بسپارش الکتریکی

ب‌ج *بسپارش الکتروشیمیایی*
اع۱ بسپارش
اع۲ واکنش شیمیایی
او الکترود الکتروشیمیایی
او کاتالیز
ان *Electropolymerization*

بسپارش امولسیونی

اع۱ بسپارش
اع۲ واکنش شیمیایی
او امولسیون
ان *Emulsion polymerization*

بسپارش تراکمی

ب‌ج *بسپارش چگالشی*
اع۱ بسپارش

اع۲ واکنش شیمیایی
اع۱ چگالش
اع۲ گذار فاز
او بسپارش آنیونی
او کشپار گرمانرم
ان *Polycondensation*

بسپارش چگالشی
ب‌ک بسپارش تراکمی

بسپارش حلقه‌گشا
اع۱ بسپارش
اع۲ واکنش شیمیایی
او بسپارش آنیونی
او بسپارش کاتیونی
ان *Ring opening polymerization*

بسپارش رادیکالی
اع۱ بسپارش
اع۲ واکنش شیمیایی
اع۱ واکنش رادیکالی
اع۲ واکنش شیمیایی
او رادیکال آزاد
ان *Free radical polymerization*

بسپارش کاتیونی
اع۱ بسپارش
اع۲ واکنش شیمیایی
او بسپارش حلقه‌گشا
ان *Cationic polymerization*

بسپار طبیعی
اع۱ بسپار آلی
اع۲ بسپار
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ پلی‌پپتید
اخ۱ پلی‌ساکارید
اخ۲ سلولز
اخ۳ سلولز توسعه‌یافته
اخ۲ کیتین
اخ۲ نشاسته
اخ۱ زیست‌بسپار
اخ۲ اسید هسته‌ای
اخ۳ آر.ان.آ.
اخ۳ دی.ان.آ.
اخ۲ پروتئین
اخ۳ آنزیم
اخ۳ اینترفرون
اخ۳ پادتن
اخ۳ زئین
اخ۳ کازئین
اخ۳ کولاژن
اخ۳ هموگلوبین
اخ۲ هورمون
اخ۳ انسولین
اخ۱ کهربا
اخ۱ لاستیک
اخ۱ لیگنین
ان *Natural polymer*

بسپار فلئوردار
ی‌د شامل هم‌بسپارها
اع۱ بسپار آلی
اع۲ بسپار
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات فلئور
اع۲ ترکیبات هالوژنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ پلی‌تترافلوئورواتیلن
ان *Fluorine containing polymer*

بسپار معدنی
اع۱ بسپار
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۲ مواد
اع۱ ترکیبات معدنی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ پلی‌سیلان
اخ۱ سیلیکون
ان *Inorganic polymer*

بسپار نایلونی
اع۱ پلی‌آمید

اع۲ گرمانرم
اع۳ بسپار آلی
او مصنوع نساجی نایلونی
ان *Nylon polymer*

بسپار نیم‌رسانا

ب‌ج *پلاستیک نیم‌رسانا*
اع۱ بسپار آلی
اع۲ بسپار
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات آلی نیم‌رسانا
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ مواد نیم‌رسانا
اع۳ مواد
ان *Semiconducting polymer*

بست(سازه‌ای)

اع۱ اجزا
او اتصال(اجزای سازه‌ای)
او جفت
ان *Connector (structural)*

بستاب

ب‌ج *سد موقتی*
اع۱ تجهیزات ساخت
اع۲ تجهیزات
اع۱ سازه آبی
اع۲ سازه
او گودبرداری
ان *Cofferdam*

بست الکتریکی

ب‌ج *پیوندگاه(اتصال الکتریکی)*
اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
او اتصال الکتریکی
او اتصال کابل
او انتقال نیروی الکتریکی
او تجهیزات رادیویی
او رسانای الکتریکی
او سیم الکتریکی
او سیم‌کشی الکتریکی
او کابل الکتریکی
او هم‌پیوند نوری
ان *Electric connector*

بستر

او آبکاری
او اندود
او تولید مدارمجتمع
او چندلا
او رشد همبافته
او فلزپوشی
او فیلم
او فیلم ضخیم
او فیلم نازک
او مدارمجتمع
او مواد
او نهشت با بخار
ان *Substrate*

بستر پالایشگر

ب‌ک بستر پالایشگر زیست‌شناختی

بستر پالایشگر زیست‌شناختی

ب‌ج *بستر پالایشگر*
اع۱ پالایه(برای سیال)
اع۲ جداساز
اع۳ تجهیزات
او کشت آبی
ان *Biological filter bed*

بستر پرشده

اع۱ تجهیزات شیمیایی
اع۲ تجهیزات
او انتقال گرما
او بستر سیال
او شارش سیال
ان *Packed bed*

بستر سیال

اع۱ تجهیزات شیمیایی
اع۲ تجهیزات
او احتراق بستر سیال
او انتقال گرما

او بستر پرشده
او ذوب بستر سیال
او سیال‌سازی
او فرایند بستر سیال
او کوره با بستر شارانیده
او کوره بستر سیال
ان *Fluidized bed*

بستر مذاب(متالورژی)

اع۱ عمل کوره بلند
اع۲ تصفیه کان‌سنگ آهن
اع۳ عمل‌آوری کان‌سنگ
ان *Burden (metallurgy)*

بستره لغزان

اع۱ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۲ تجهیزات
ان *Skid*

بست لوله‌کشی

اع۱ تجهیزات
او لوله‌کشی
ان *Plumbing fixture*

بست‌مایه

اع۱ مواد
او آهارزنی(عمل تکمیل)
او چسب
او رس
او ماسه ریخته‌گری
ان *Binder*

بسته‌بندی

او بارگنج
او ترابری
او جابه‌جایی مواد
او ماشین بسته‌بندی
او مساله شوک
او مواد بسته‌بندی
او نشان‌دارکردن
ان *Packaging*

بسته‌بندی الکترونیکی

اع۱ ساختن تجهیزات الکترونیکی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او تولید مدار چاپی
او طراحی مدار چاپی
او فناوری نصب سطحی
او کپسولی‌کردن
او مدار چاپی
او مدارمجتمع
ان *Electronics packaging*

بسط آموزش به کمک رایانه

ب‌ج *ماشین آموزشی*
اع۱ آموزش
اع۱ کاربرد رایانه
اع۲ کاربرد
ان *Computer aided instruction*

بطری

اع۱ بارگنج
اخ۱ بطری شیشه‌ای
اخ۱ بطری مومسان
اخ۱ دیوئر
او تاسیسات بطری‌سازی
او ماشین شستشوی بطری
ان *Bottle*

بطری شیشه‌ای

اع۱ بطری
اع۲ بارگنج
او شیشه
ان *Glass bottle*

بطری مومسان

اع۱ بارگنج مومسان
اع۲ بارگنج
اع۲ فراورده مومسان
اع۱ بطری
اع۲ بارگنج
ان *Plastic bottle*

بعد حرفه‌ای

اخ۱ ثبت‌نام مهندسان
او آموزش کارکنان
او انجمن و موسسه

او جنبه اجتماعی
او قانون و قانونگزاری
او کارکنان
ان *Professional aspect*

بقاء
اخ۱ بقای آب
اخ۱ بقای انرژی
اخ۱ حفاظت خاک
او منبع طبیعی
ان *Conservation*

بقای آب
اع۱ بقاء
او آب
او بازگردانی آب
او بازیافت پساب
او برنامه‌ریزی منطقه‌ای
او بهسازی پساب
او کیفیت آب
او منبع آب
ان *Water conservation*

بقای انرژی
اع۱ بقاء
او بازده انرژی
او بازگردانی
او به‌کاربری انرژی
او سیاست انرژی
او مدیریت انرژی
ان *Energy conservation*

بلندگو
اع۱ تجهیزات شنیداری
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ تراگذار برقاصوتی
اع۲ تراگذار صوتی
اع۳ ابزار صوتی
اع۳ تراگذار
اع۱ مولد صوتی
اع۲ تجهیزات صوتی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ بلندگوی الکترواستاتیکی
او تجهیزات رادیویی
او تولید دوباره صدا
او گیرنده رادیویی
ان *Loudspeaker*

بلندگوی الکترواستاتیکی
اع۱ بلندگو
اع۲ تجهیزات شنیداری
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تراگذار برقاصوتی
اع۳ تراگذار صوتی
اع۲ مولد صوتی
اع۳ تجهیزات صوتی
اع۱ دستگاه الکترواستاتیک
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
ان *Electrostatic loudspeaker*

بلور
اع۱ مواد
اخ۱ بلور مولکولی
اخ۱ تک‌بلور
اخ۲ تاره بلور
اخ۱ چندبلور
او اوتکتیک
او برش بلور
او بلورنگاری
او تبلور
او تراز انرژی الکترونی
او تقارن بلور
او جهت بلور
او دوقلوزایی
او رشد بلور
او ریزساختار بلور
او ساختار اتمی بلور
او ساختار بلور
او شبه‌بلور
او مواد بلوری
او مواد نیم‌رسانا
او ناخالصی بلور
او نقص بلور
ان *Crystal*

بلورساز
اع۱ تجهیزات شیمیایی
اع۲ تجهیزات

او تبلور
او جداساز
ان *Crystallizer*

بلورشمار
اع۱ تابش‌شمار
اع۲ سنج‌افزار گزینی هسته‌ای
اع۳ سنج‌افزار
ان *Crystal counter*

بلور مایع
اخ۱ بسپار بلوری مایع
اخ۱ بلور مایع صابونی
اخ۱ بلور مایع کلسترولی
اخ۱ بلور مایع گرماگرا
اخ۱ بلور مایع نماتیک
او آرایش مولکولی
او نمایشگر بلور مایع
ان *Liquid crystal*

بلور مایع صابونی
اع۱ بلور مایع
ان *Smectic liquid crystal*

بلور مایع کلسترولی
اع۱ بلور مایع
ان *Cholesteric liquid crystal*

بلور مایع گرماگرا
اع۱ بلور مایع
ان *Thermotropic liquid crystal*

بلور مایع نماتیک
اع۱ بلور مایع
ان *Nematic liquid crystal*

بلور مولکولی
اع۱ بلور
اع۲ مواد
او شبکه بلور
ان *Molecular crystal*

بلورنگاری
اع۱ علوم طبیعی
اخ۱ بلورنگاری پرتو ایکس
او بافت
او بلور
او پرتونگاری
او تقارن بلور
او ثابت شبکه
او جهت بلور
او ریزساختار بلور
او زاویه‌سنج
او ساختار اتمی بلور
او ساختار بلور
او فلزنگاری
ان *Crystallography*

بلورنگاری پرتو ایکس
اع۱ بلورنگاری
اع۲ علوم طبیعی
او پراش پرتو ایکس
او پراش پودری پرتو ایکس
او تحلیل پرتو ایکس
او ساختار بلور
او طیف‌سنج پرتو ایکس
او نقص بلور
ان *X ray crystallography*

بلوک بتنی
اع۱ فراورده بتنی
اع۱ مصالح ساختمانی
اع۲ مواد
او ساخت بتنی
ان *Concrete block*

بمب(سازوبرگ جنگی)
اع۱ ساز و برگ جنگی
اع۲ تجهیزات نظامی
اع۳ تجهیزات
او بمباران
ان *Bomb (ordnance)*

بمباران
اع۱ عملیات نظامی
او بمب(سازوبرگ جنگی)
او بمب‌افکن
ان *Bombing*

بمباران یونی

اع۱ تابش‌دهی
او باریکه یونی
او چشمه یونی
او یون
ان *Ion bombardment*

بمب‌افکن

اع۱ هواپیمای نظامی
اع۲ تجهیزات نظامی
اع۳ تجهیزات
اع۲ هواگرد
اخ۱ ابزار نشانه‌روی بمب
او بمباران
ان *Bomber*

بنتونیت

اع۱ رس
اع۲ خاک
اع۱ کانی سیلیکاتی
اع۲ سیلیکات
اع۳ ترکیبات سیلیسیم
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
او ماسه ریخته‌گری
ان *Bentonite*

بندرگاه

پ‌ک بندر و لنگرگاه

بندرگاه تفریحی

اع۱ تسهیلات
او بندر و لنگرگاه
او راه آبی درون‌مرزی
او سازه بندر
ان *Marina*

بندر و لنگرگاه

پ‌ج *بندرگاه*
اع۱ تسهیلات
او بندرگاه تفریحی
او دیوار نگهدارنده
او کنترل یخ
ان *Port and harbor*

بندکشی(بنایی)

اع۱ چسبندگی
او پیوندزنی
ان *Bond (masonry)*

بنزن

پ‌ج *بنزول*
اع۱ هیدروکربن آروماتیک
اع۲ هیدروکربن
اع۳ ترکیبات آلی
او پالایش بنزن
او حلال
او حلال آلی
ان *Benzene*

بنزول
پ‌ک بنزن

بنزین

اع۱ سوخت مایع
اع۲ سوخت
اع۳ مواد
اع۱ فراورده نفتی
اع۲ مواد
او پالایش بنزین
او درجه‌بندی ضدکوبش
او سوخت خودرو
ان *Gasoline*

بنزین طبیعی

اع۱ هیدروکربن
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ گاز نفتی مایع
او صنعت نفت
او گاز طبیعی
او گاز طبیعی مایع
او واحد صنعتی بنزین طبیعی
ان *Natural gasoline*

بو

او ادراک حسی

او رفع بو
او کنترل بو
ان *Odors*

بوبین
اع۱ ماشین‌آلات نساجی
اع۲ ماشین‌آلات
ان *Bobbin*

بوبین محدودساز جریان
اع۱ واکنشگاه الکتریکی
اع۲ اجزای شبکه
اع۳ اجزا
اع۳ شبکه(مدار)
او القاگر الکتریکی
او کنترل جریان الکتریکی
ان *Current limiting reactor*

بوتادی‌ان
اع۱ هیدروکربن
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او اولفین
او تکپار
او لاستیک سنتزی
او مواد پتروشیمیایی
ان *Butadiene*

بوتان
اع۱ پارافین
اع۲ هیدروکربن
اع۳ ترکیبات آلی
او سوخت
او قطران گاز
او گاز طبیعی
او گاز نفتی مایع
ان *Butane*

بوتن
ب‌چ *بوتیلن*
اع۱ اولفین
اع۲ هیدروکربن
اع۳ ترکیبات آلی
ان *Butene*

بوته
اع۱ بارگنج
او کوره بوته‌ای
او گرمایش
ان *Crucible*

بوتیلن
ب‌ک بوتن

بودجه‌بندی
ب‌ک کنترل بودجه

بور
اع۱ شبه فلز
اع۲ نافلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اع۱ بور نیم‌رسانا
او بورید
او ذخیره بور
او شیشه بورسیلیکات
او شیشه بورفسفات
او کانی بوراتی
ان *Boron*

بوردهی
اع۱ سخت‌گردانی
اع۱ عملیات حرارتی
او سخت‌کاری سطحی
او سخت‌گردانی جرقه‌ای
ان *Boriding*

بور کاربید
اع۱ ترکیبات بور
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ کاربید
اع۲ ترکیبات معدنی کربن
اع۳ ترکیبات معدنی
ان *Boron carbide*

بور نیترید مکعبی
اع۱ ترکیبات بور
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ نیترید
اع۲ ترکیبات نیتروژن

اع۳ ترکیبات شیمیایی
او ابزار تراش
او چرخ سنگ‌زنی
او ساینده
او مواد سرامیکی
ان *Cubic boron nitride*

بور نیم‌رسانا

اع۱ بور
اع۲ شبه فلز
اع۳ نافلز
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
ان *Semiconducting boron*

بورید

اع۱ ترکیبات بور
اع۲ ترکیبات شیمیایی
او اندود بورید
او بور
ان *Boride*

بوش

اع۱ اجزا
او تکیه‌گاه
او تکیه‌گاه(سازه‌ای)
او عایق الکتریکی
او محور(اجزای ماشین)
ان *Bushing*

بوم‌سامانه

ب‌ج *جامعه بوم‌شناختی*
او بوم‌شناسی
او مهندسی محیط
ان *Ecosystem*

بوم‌شناسی

او بوم‌سامانه
او زیست‌شناسی
او مهندسی محیط
ان *Ecology*

بویه دریایی

اع۱ سیستم علائم دریایی
اع۲ سیستم علائم
اع۳ سیستم ارتباطی
ان *Buoy*

بهداشت

او بهداشت صنعتی
او پزشکی
او تغذیه
او خطرپذیری بهداشتی
او کارکنان
او مراقبت بهداشتی
او مساله پزشکی
ان *Health*

بهداشت صنعتی

او بهداشت
او بیماری شغلی
او پزشکی
او خطر بهداشتی
او خطرپذیری بهداشتی
او صنعت
او قانون و قانونگزاری
او کارکنان
او مراقبت بهداشتی
او مساله پزشکی
ان *Industrial hygiene*

بهداشت محیطی

او تمیزکاری
ان *Sanitation*

بهره‌برداری از چاه گاز طبیعی

اع۱ تولید
او بازیابی افزوده‌شده
او بهره‌برداری از چاه نفت
او چاه گاز طبیعی
او حفاری چاه گاز طبیعی
او ذخیره گاز طبیعی
او صنعت نفت
او فاصله‌بندی چاه
او گاز طبیعی
او میدان گاز طبیعی
ان *Natural gas well production*

بهره‌برداری از چاه نفت

اع۱	تولید
اخ۱	بازفشردن
اخ۱	تزریق(چاه نفت)
اخ۱	تلمبه‌کردن چاه نفت
اخ۲	تلمبه‌زنی برقی چاه نفت
اخ۱	تولید چاه نفت دریایی
اخ۱	تولید نفت سنگین
اخ۱	خیزش گازی
اخ۱	واحد عملیات(چاه نفت)
او	آب‌روبی چاه نفت
او	احتراق در جا
او	آزمایش چاه نفت
او	بازیابی افزوده‌شده
او	بهره‌برداری از چاه گاز طبیعی
او	تحریک چاه با مواد منفجره
او	چاه نفتی
او	صنعت نفت
او	فاصله‌بندی چاه
او	ماسه‌سختی
او	مساله پارافین
ان	*Oil well production*

بهره‌برداری نیروی برق

او	تجهیزات گرمایش
او	تهویه مطبوع
او	تولید نیروی الکتریکی
او	خدمات برق‌رسانی
او	دستگاه الکتریکی
او	روشنایی
او	سردسازی
او	سیستم نیروی برق
او	کشش الکتریکی
او	ماشین‌آلات الکتریکی
او	محرک
ان	*Electric power utilization*

بهره‌دهی

او	استاندارد
او	اقتصاد
او	تولید
او	عملکرد
او	قابلیت اطمینان
او	کارایی
او	کارکنان
او	کنترل کیفیت
ان	*Productivity*

بهسازی پساب

اع۱	بهسازی پسمانده
اع۱	تصفیه آب
او	آلودگی آب
او	بازگردانی آب
او	بازیافت پساب
او	بقای آب
او	پساب
او	دفع پساب
او	عمل‌آوری پسمانده صنعتی
ان	*Wastewater treatment*

بهسازی پسمانده

اخ۱	بهسازی پساب
اخ۱	تصفیه فاضلاب
اخ۲	تصفیه زیست‌شناختی فاضلاب
اخ۲	فرایند لجن فعال‌شده
اخ۲	هوادهی فاضلاب
اخ۱	عمل‌آوری پسمانده صنعتی
اخ۲	تصفیه مواد خروجی
اخ۱	هضم بی‌هوازی
اخ۱	هضم لجن
او	دفع پسمانده
او	زباله
ان	*Waste treatment*

بهسازی شیمیایی مصنوع نساجی

اع۱	تکمیل شیمیایی
اع۲	تکمیل
اع۳	فراورش
اع۱	تکمیل نساجی
اع۲	تکمیل
اع۳	فراورش
اع۲	فرایند نساجی
اع۳	فراورش
او	عملیات شیمیایی
ان	*Textile chemical treatment*

به‌کاربری انرژی

بج	*مصرف انرژی*
او	بازده انرژی
او	بقای انرژی

او سیاست انرژی
او منبع انرژی
ان *Energy utilization*

به‌کاربری پساب

اع۱ به‌کاربری پسمانده
او روغن تال
او ساختن خمیر کاغذ
او ساختن سوخت گازی
ان *Waste liquor utilization*

به‌کاربری پسمانده

اخ۱ به‌کاربری پساب
اخ۱ به‌کاربری گرمای بازمانده
اخ۱ کمپوست‌کردن
اخ۲ کمپوست‌سازی زباله
او احیا
او بازگردانی
او بازیابی فلز
او پسمانده صنعتی
او تسویه مجدد سوخت هسته‌ای
او دفع پسمانده
او زباله
او سرباره
او کاغذ باطله
ان *Waste utilization*

به‌کاربری گرمای بازمانده

ب‌چ *بازیابی گرما*
ب‌چ *بازیابی گرمای بازمانده*
اع۱ به‌کاربری پسمانده
او روشنایی الکتریکی
او گرمایش
او مبادله‌کن گرما
ان *Waste heat utilization*

بهمن

او برف
او حادثه
او زمین‌لغزه
ان *Avalanche (snowslide)*

بهینه‌سازی

ب‌چ *بهینه‌سازی طراحی*
اخ۱ برنامه‌ریزی ریاضی
اخ۲ برنامه‌ریزی پویا
اخ۳ برنامه‌ریزی عدد صحیح
اخ۲ برنامه‌ریزی خطی
اخ۲ برنامه‌نویسی غیرخطی
اخ۱ تابکاری شبیه‌سازی‌شده
اخ۱ کمینه‌سازی شبکه سودهی
او الگوریتم ژنتیکی
او تجزیه و تحلیل سیستم‌ها
او تحقیق در عملیات
او تقریب کمترین توان‌های دوم
او روش همبستگی
او زمان‌بندی
او سیستم بهینه
او سیستم کنترل بهینه
او ضریب لاگرانژ
او علم سیستم‌ها
او کنترل کیفیت
او مهندسی ارزش
او نظریه قید
ان *Optimization*

بهینه‌سازی طراحی

ب‌ک بهینه‌سازی
ب‌ک طراحی

بی‌جنبش‌سازی آنزیم

او آنزیم
او زیست‌فناوری
ان *Enzyme immobilization*

بی‌جنبش‌سازی یاخته

او کشت یاخته
ان *Cell immobilization*

بیراهی

او سنج‌افزار نوری
او عدسی
او نورشناسی
او نورشناسی ذره‌ای
ان *Aberration*

بیرون از خط افتادن قطار

اع۱ حادثه راه‌آهن

اع۲ حادثه
ان *Derailment*

بیرون‌رانی دود
او تمیزکاری
او سیلندر موتور
او موتور درون‌سوز
ان *Scavenging*

بیسموت
اع۱ فلز سنگین
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آبکاری بیسموت
او آلیاژ بیسموت
او ترکیبات بیسموت
او عمل‌آوری کان‌سنگ بیسموت
او فلزنگاری بیسموت
او متالورژی بیسموت
او معدن بیسموت
ان *Bismuth*

بیسیک(زبان برنامه‌نویسی)
اع۱ زبان رویه‌گرا
اع۲ زبان سطح بالا
اع۳ زبان برنامه‌نویسی رایانه
ان *BASIC (programming language)*

بیضوی‌سنجی
ب‌ج *الیپسومتری نوری*
اع۱ اندازه‌گیری متغیر نوری
اع۲ اندازه‌گیری
او قطبش‌سنج
ان *Ellipsometry*

بیل
اع۱ تجهیزات ساخت
اع۲ تجهیزات
او ابزار
او دست‌افزار
ان *Shovel*

بیل مکانیکی
ب‌ک گودبردار

بیمارستان
اع۱ ساختمان
اع۲ سازه
اخ۱ اتاق فوریت‌ها
اخ۱ اتاق عمل
اخ۱ بخش مراقبت ویژه
او اتوکلاو
او آزمایشگاه بالینی
او امکانات همگانی
او پزشکی
او تخت بیمارستانی
او داده‌پردازی بیمارستانی
او سترون‌کننده
او مراقبت بهداشتی
ان *Hospital*

بیماری
اخ۱ التهاب پوست
اخ۱ بیماری ریوی
اخ۱ بیماری شغلی
او آلرژی
او پزشکی
او کنترل بیماری
او همه‌گیری‌شناسی
ان *Disease*

بیماری تنفسی
ب‌ک بیماری ریوی

بیماری ریوی
ب‌ج *بیماری تنفسی*
ب‌ج *بیماری ریه*
اع۱ بیماری
او تنفس‌درمانی
ان *Pulmonary disease*

بیماری ریه
ب‌ک بیماری ریوی

بیماری شغلی
اع۱ بیماری
او بخش پزشکی(کارخانه صنعتی)
او بهداشت صنعتی
او خطر بهداشتی

او خطرپذیری شغلی
او سم صنعتی
او صنعت
او کارکنان
ان *Occupational disease*

بیمه

اع۱ امور مالی
اخ۱ بیمه آتش‌سوزی
اخ۱ بیمه درمانی
اخ۱ بیمه دریایی
اخ۱ بیمه سیل
اخ۱ بیمه صنعتی
ان *Insurance*

بیمه آتش‌سوزی

اع۱ بیمه
اع۲ امور مالی
او حفاظت در مقابل آتش‌سوزی
ان *Fire insurance*

بیمه درمانی

اع۱ بیمه
اع۲ امور مالی
او مراقبت بهداشتی
ان *Health insurance*

بیمه دریایی

اع۱ بیمه
اع۲ امور مالی
او سازه نزدیک ساحل
او سکوی تولید
او قایق
او کشتی
او مهندسی دریایی
ان *Marine insurance*

بیمه سیل

اع۱ بیمه
اع۲ امور مالی
او زیان سیل
او سیل
ان *Flood insurance*

بیمه صنعتی

اع۱ بیمه
اع۲ امور مالی
او صنعت
او مدیریت صنعتی
او واحد صنعتی
ان *Industrial insurance*

بیناب‌سنج
ب‌ک طیف‌سنج

بیناب‌نمایی
ب‌ک طیف‌نمایی

بینایی

اع۱ ادراک حسی
اخ۱ ادراک عمق
اخ۱ دید دوچشمی
اخ۱ دید رنگی
او چشم‌پزشکی
او حرکات چشم
او حفاظت چشم
او دید
او دید رایانه‌ای
او دیده‌سنج
او زیست‌شناسی
او فیزیک‌درمانی
او کمک‌بینایی
او مهندسی روشنایی
او مهندسی نوررسانی
او نورشناسی
ان *Vision*

بینایی دوچشمی

او آدمک
او دید رایانه‌ای
او گرافیک رایانه‌ای سه‌بعدی
ان *Stereo vision*

بین‌فلزی

ب‌ج *ترکیب الکترونی*
ب‌ج *ترکیبات بین‌فلزی*
اع۱ آلیاژ
اع۲ مواد

اخ۱ بین‌فلزی نیم‌رسانا
او ترکیبات پلاتین
او ترکیبات روی
او جسم مرکب فلزی
او شبه فلز
او فلز
ان *Intermetallic*

بین‌فلزی نیم‌رسانا

اع۱ بین‌فلزی
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
ان *Semiconducting intermetallic*

بیوتکنولوژی

ب‌ک زیست‌فناوری

بی‌وزنی

او پزشکی هواپیمایی
او سفر فضایی
او سیستم پشتیبانی حیاتی(فضاپیما)
او فرایند خردگرانی
او گرانش
او مهندسی فاکتورهای انسانی
ان *Weightlessness*

بیوگاز

اع۱ هیدروکربن
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او پسمانده کشاورزی
او تبدیل زیستی
او تخمیر
او ساختن سوخت گازی
او سوخت مصنوعی
او متان
ان *Biogas*

پاتیل

اع۱ تجهیزات
ان *Ladle*

پاداکسنده

اع۱ عامل
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او افزودنی
او اکسایش
او پایدارساز(عامل)
ان *Antioxidant*

پادتن

ب‌ج *آنتی‌بادی*
اع۱ پروتئین
اع۲ زیست‌بسپار
اع۳ بسپار طبیعی
اع۳ مواد زیست‌شناختی
اخ۱ پادتن تک‌دودمانی
او ایمن‌سازی
او ایمنی‌شناسی
او پادگن
او سازگاری زیستی
او واکنش پادگن‌پادتن
ان *Antibody*

پادتن تک‌دودمانی

اع۱ پادتن
اع۲ پروتئین
اع۳ زیست‌بسپار
او ایمنی‌شناسی
او زیست‌فناوری
ان *Monoclonal antibody*

پادزی

ب‌ج *آنتی بیوتیک*
اع۱ فراورده دارویی
او تخمیر
او جهش‌زا
او میکروارگانیسم
ان *Antibiotic*

پادزیست

اع۱ مواد شیمیایی
اع۲ مواد
اخ۱ آفت‌کش
اخ۲ حشره‌کش
اخ۲ علف‌کش

اخ۲ قارچ‌کش
اخ۱ گندزدا
او دوددادن
ان *Biocide*

پادسنجش الکترونیکی نظامی

بچ *پادسنجش نظامی*
اع۱ جنگ الکترونیکی
اع۲ عملیات نظامی
اخ۱ پادسنجش راداری
او ارتباطات نظامی
او مهندسی نظامی
ان *Military electronic countermeasure*

پادسنجش جرم الکترونیکی

اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
ان *Electronic crime countermeasure*

پادسنجش راداری

اع۱ پادسنجش الکترونیکی نظامی
اع۲ جنگ الکترونیکی
اع۳ عملیات نظامی
او تداخل در سیگنال
او تداخل راداری
او تولید پارازیت
او رادار
ان *Radar countermeasure*

پادسنجش نظامی

ب‌ک پادسنجش الکترونیکی نظامی
ب‌ک داده‌پردازی نظامی

پادشکستگی

اع۱ تصویر پردازی
اع۲ پردازش سیگنال
او نگاره‌سازی رایانه‌ای
ان *Anti-aliasing*

پادفرومغناطیس

اع۱ مغناطیس
او متامغناطیس
او مواد پادفرومغناطیسی
ان *Antiferromagnetism*

پادگن

ب‌چ *آنتی‌ژن*
اع۱ مواد زیست‌شناختی
اع۲ مواد
او ایمنی‌شناسی
او پادتن
او پروتئین
او سازگاری زیستی
او واکنش پادگن‌پادتن
ان *Antigen*

پارافین

ب‌چ *آلکان*
اع۱ هیدروکربن
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ اتان
اخ۱ بوتان
او پارافین جامد
او پروپان
او رسوب‌گذاری پارافین
او متان
او مساله پارافین
او نفت سفید
ان *Paraffin*

پارافین جامد

اع۱ هیدروکربن
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او پارافین
او رسوب‌گذاری پارافین
او مساله پارافین
ان *Paraffin waxe*

پارافین مایع

ب‌ک نفت سفید

پارامتر شبکه

ب‌ک ثابت شبکه

پارامتر شبکه الکتریکی

اع۱ نظریه مدار
اع۲ نظریه

او جبر ماتریسی
او مدار هم‌ارز
ان *Electric network parameter*

پارامغناطیس
اع۱ مغناطیس
او تشدید پارامغناطیسی
او مواد مغناطیسی
ان *Paramagnetism*

پارچه کتانی
اع۱ منسوجات
اع۲ مصنوع نساجی
اع۳ مواد
او کتان
ان *Linen*

پارسنگ(ریل راه‌آهن)
اع۱ مواد
او فراورده سنگی
او مسیر راه‌آهن
ان *Ballast (railroad track)*

پارک
اع۱ امکانات همگانی
او برنامه‌ریزی شهری
او برنامه‌ریزی منطقه‌ای
او تفریحگاه
او کاربری زمین
ان *Park*

پارکینگ
ب‌ک توقفگاه(محل عمومی نگهداری خودرو)

پاسخ بسامدی
او تابع انتقال
او تحلیل حساسیت
او تحلیل سیستم کنترل
او ترکیب سیستم کنترل
او روش فضای فاز
او شبکه(مدار)
او نمودار بد
ان *Frequency response*

پاسخ پله‌ای
اع۱ نظریه کنترل
او تحلیل سیستم کنترل
او ترکیب سیستم کنترل
او شناسایی(سیستم کنترل)
او مدل
ان *Step response*

پاسخ دینامیکی
او تحلیل حساسیت
او تحلیل سازه
او میرایی
ان *Dynamic response*

پاسکال(زبان برنامه‌نویسی)
اع۱ زبان رویه‌گرا
اع۲ زبان سطح بالا
اع۳ زبان برنامه‌نویسی رایانه
او آدا(زبان برنامه‌نویسی رایانه‌ای)
ان *Pascal (programming language)*

پاشندگی فراصوتی
اع۱ پاشیدگی صوتی
اع۲ پاشیدگی(موج)
او انتشار فراصوتی
او پراش فراصوتی
او سرعت فراصوتی
او موج فراصوتی
ان *Ultrasonic dispersion*

پاشیدگی
اخ۱ امولسیون
اخ۲ امولسیون عکاسی
اخ۲ ریزامولسیون
اخ۱ جامدات معلق(سیالات)
اخ۲ دوغاب
اخ۳ لجن زغالی
اخ۱ دود
اخ۱ کلوئید
اخ۲ ژل
اخ۳ سیلیکاژل
اخ۲ ژلاتین آبی
اخ۲ سل
اخ۳ پلاستی‌سول
اخ۲ شیرابه

اخ۲ کلوئید محافظ
اخ۲ گرافیت کلوئیدی
اخ۲ میسل
اخ۲ هوامیز
اخ۳ هوامیز جوی
او آمیزه
او حرکت براونی
او گرد و غبار
ان *Dispersion*

پاشیدگی(موج)

اخ۱ انتشار الکترومغناطیسی
اخ۱ پاشیدگی صوتی
اخ۲ پاشندگی فراصوتی
او انتشار موج
او ضریب شکست
او موج
ان *Dispersion (wave)*

پاشیدگی صوتی

اع۱ پاشیدگی(موج)
اخ۱ پاشندگی فراصوتی
او انتشار موج صوتی
او پراش موج صوتی
او پراکندگی موج صوتی
او سرعت موج صوتی
او شکست موج صوتی
او موج صوتی
ان *Acoustic dispersion*

پاشیدن مشعلی

اع۱ فن اندایش
اع۲ نهشت
ان *Flame spraying*

پاکسازی

اع۱ تمیزکاری
او آلودگی‌زدایی
او اندازه‌گیری شارش
او خالص‌سازی
او خطلوله
ان *Purging*

پاکسازی خیابان

اع۱ تمیزکاری
او برداشتن برف و یخ
او جاده و خیابان
ان *Street cleaning*

پاگیری الکتریکی

ب‌ج *ضریب هدایت الکتریکی*
ب‌ج *مقاومت ظاهری الکتریکی*
اع۱ ویژگی الکتریکی
اع۲ ویژگی فیزیکی
اخ۱ مقاومت الکتریکی
اخ۲ مقاومت منفی
او اندازه‌گیری پاگیری الکتریکی
او اندازه‌گیری راکتانس الکتریکی
او اندازه‌گیری مقاومت الکتریکی
او تطابق پاگیری(الکتریکی)
ان *Electric impedance*

پاگیری صوتی

ب‌ج *مقاومت ظاهری صوتی*
اع۱ ویژگی صوتی
اع۲ ویژگی فیزیکی
او اندازه‌گیری پاگیری صوتی
او بسامد طبیعی
او تطابق پاگیری(صوتی)
او سرعت موج صوتی
ان *Acoustic impedance*

پالادیم

اع۱ فلز گروه پلاتین
اع۲ فلز گرانبها
اع۳ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز واسطه
او آلیاژ پالادیم
او ترکیبات پالادیم
ان *Palladium*

پالایش

اع۱ فراورش
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
اخ۱ پالایش خمیر کاغذ
اخ۱ پالایش فلز
اخ۲ پالایش آلومینیوم
اخ۲ پالایش روی

اخ۲ پالایش سرب
اخ۲ پالایش طلا
اخ۲ پالایش قلع
اخ۲ پالایش نقره
اخ۲ پالایش نیکل
اخ۲ پالایش نیوبیم
اخ۱ پالایش قند
اخ۱ پالایش هیدروکربن
اخ۲ پالایش بنزن
اخ۲ پالایش پلمه‌سنگ نفتی
اخ۲ پالایش نفت
اخ۳ پالایش بنزین
اخ۳ پالایش ماسه نفت‌دار
اخ۳ موم‌زدایی
او آب‌متالورژی
او بازگردانی
او تبلور
او تفمتالورژی
او تمیزکاری
او خالص‌سازی
او ذوب منطقه‌ای
او عمل‌آوری کان‌سنگ
او گداز
او گوگردزدایی
او متالورژی استخراجی
او همپارش
ان *Refining*

پالایش آلومینیوم

اع۱ پالایش فلز
اع۲ پالایش
اع۳ فراورش
اع۲ متالورژی
اع۱ متالورژی آلومینیوم
اع۲ متالورژی
ان *Aluminum refining*

پالایش بنزن

اع۱ پالایش هیدروکربن
اع۲ پالایش
اع۳ فراورش
او بنزن
ان *Benzene refining*

پالایش بنزین

اع۱ پالایش نفت
اع۲ پالایش هیدروکربن
اع۳ پالایش
او بنزین
ان *Gasoline refining*

پالایش پلمه‌سنگ نفتی

اع۱ پالایش هیدروکربن
اع۲ پالایش
اع۳ فراورش
اع۱ فراورش پلمه‌سنگ نفتی
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
او پالایش نفت
او پلمه‌سنگ نفتی
ان *Oil shale refining*

پالایش خمیر کاغذ

اع۱ پالایش
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
اع۱ ساختن خمیر کاغذ
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
ان *Pulp refining*

پالایش روی

اع۱ پالایش فلز
اع۲ پالایش
اع۳ فراورش
او روی
ان *Zinc refining*

پالایش سرب

اع۱ پالایش فلز
اع۲ پالایش
اع۳ فراورش
اع۲ متالورژی
او خیساندن
او سرب
ان *Lead refining*

پالایش طلا

اع۱ پالایش فلز

اع۲ پالایش
اع۳ فراورش
اع۲ متالورژی
اع۱ فلزکاری طلا
اع۲ متالورژی
ان *Gold refining*

پالایش فلز
اع۱ پالایش
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
اع۱ متالورژی
اخ۱ پالایش آلومینیوم
اخ۱ پالایش روی
اخ۱ پالایش سرب
اخ۱ پالایش طلا
اخ۱ پالایش قلع
اخ۱ پالایش نقره
اخ۱ پالایش نیکل
اخ۱ پالایش نیوبیم
اخ۱ تصفیه روی
او آب‌متالورژی
او آلیاژ
او پرعیارسازی
او تف‌متالورژی
او خالص‌سازی
او عمل‌آوری کان‌سنگ
او فلز
او کارخانه پالایش فلز
او متالورژی استخراجی
ان *Metal refining*

پالایش قلع
اع۱ پالایش فلز
اع۲ پالایش
اع۳ فراورش
اع۲ متالورژی
او قلع
ان *Tin refining*

پالایش قند
اع۱ پالایش
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
اع۱ قندسازی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
ان *Sugar refining*

پالایش کالمن
ب‌ج *پالایه کالمن*
اع۱ تصفیه و پیش‌بینی سیگنال
اع۲ پردازش سیگنال
او سیستم کنترل
ان *Kalman filtering*

پالایشگاه نفت
اع۱ واحد صنعتی
اخ۱ میل مشعل
او پالایش نفت
او تجهیزات گرمایش
او صنعت نفت
او فراورده نفتی
او واحد پتروشیمی
او واحد تقطیر جزء به جزء
ان *Petroleum refinerie*

پالایش ماسه نفت‌دار
اع۱ پالایش نفت
اع۲ پالایش هیدروکربن
اع۳ پالایش
او ماسه نفت‌دار
ان *Oil sand refining*

پالایش مس
اع۱ متالورژی مس
اع۲ متالورژی
ان *Copper refining*

پالایش منطقه‌ای
ب‌ک ذوب منطقه‌ای

پالایش نفت
اع۱ پالایش هیدروکربن
اع۲ پالایش
اع۳ فراورش
اخ۱ پالایش بنزین
اخ۱ پالایش ماسه نفت‌دار
اخ۱ موم‌زدایی

او آروماتیک‌کردگی
او استخراج نمک
او آلکیل‌دارکردگی
او پالایش پلمه‌سنگ نفتی
او پالایشگاه نفت
او ترک‌خوردگی(شیمیایی)
او تقطیر جزء به جزء
او شکست کاتالیزوری
او صنعت نفت
او کاتالیز
او کراکینگ کاتالیستی سیال
او کراکینگ هیدروژنی
او کک‌سازی
او هیدروژن‌دهی
او واکنش تبدیل
ان *Petroleum refining*

پالایش نقره

اع۱ پالایش فلز
اع۲ پالایش
اع۳ فراورش
اع۲ متالورژی
او نقره
ان *Silver refining*

پالایش نیکل

اع۱ پالایش فلز
اع۲ پالایش
اع۳ فراورش
اع۲ متالورژی
او متالورژی نیکل
او نیکل
ان *Nickel refining*

پالایش نیوبیم

اع۱ پالایش قلز
اع۲ پالایش
اع۳ فراورش
اع۲ متالورژی
او متالورژی نیوبیم
او نیوبیم
ان *Niobium refining*

پالایش هیدروکربن

اع۱ پالایش
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
اخ۱ پالایش بنزن
اخ۱ پالایش پلمه‌سنگ نفتی
اخ۱ پالایش نفت
اخ۲ پالایش بنزین
اخ۲ پالایش ماسه نفت‌دار
اخ۲ موم‌زدایی
او هیدروکربن
ان *Hydrocarbon refining*

پالایه(برای سیال)

ی‌د محدود به تجهیزات پالایش مکانیکی یا شیمیایی سیالات
اع۱ جداساز
اع۲ تجهیزات
اخ۱ بستر پالایشگر زیست‌شناختی
اخ۱ پالایه سوخت
اخ۱ پالایه سیگار
اخ۱ پالایه مغناطیسی
اخ۱ پالایه هوا
او پالیدن
او فراپالیدن
ان *Filter (for fluid)*

پالایه آیینه‌ای تربیع

ب‌ک پالایه رقمی

پالایه اف.آی.آر.

ب‌ک پالایه رقمی

پالایه الکترومکانیکی

اع۱ ابزار الکترومکانیکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ پالایه الکتریکی
اع۲ پالایه موج
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ شبکه(مدار)
اخ۱ پالایه بلوری
ان *Electromechanical filter*

پالایه الکتریکی

اع۱ پالایه موج
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات

اع۱ شبکه(مدار)
اخ۱ پالایه الکترومکانیکی
اخ۲ پالایه بلوری
اخ۱ پالایه بالاگذر
اخ۱ پالایه پایین‌گذر
اخ۱ پالایه رقمی
اخ۱ پالایه ریزموج
اخ۱ پالایه سوداده
اخ۱ پالایه غیرفعال
اخ۱ پالایه فعال
اخ۱ پالایه نوارپس‌زن
اخ۱ پالایه نوارگذر
او پردازش سیگنال
او تجهیزات رادیویی
او شبکه نردبانی
او گیرنده رادیویی
او نظریه مدار
ان *Electric filter*

پالایه بالاگذر

اع۱ پالایه الکتریکی
اع۲ پالایه موج
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ شبکه(مدار)
ان *High pass filter*

پالایه بلوری

اع۱ ابزار پیزوالکتریکی
اع۲ ابزار دی‌الکتریک
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۱ پالایه الکترومکانیکی
اع۲ ابزار الکترومکانیکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۲ پالایه الکتریکی
اع۳ پالایه موج
اع۳ شبکه(مدار)
او پالایه موج سطحی صوتی
ان *Crystal filter*

پالایه بیضوی

ب‌ک پالایه غیرفعال

پالایه پایین‌گذر

اع۱ پالایه الکتریکی
اع۲ پالایه موج
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ شبکه(مدار)
ان *Low pass filter*

پالایه تشدیدگر موازی

ب‌ک پالایه نوارگذر

پالایه رفع‌کننده حدودی

ب‌ک پالایه نوارپس‌زن

پالایه رقمی

ب‌ج *پالایه اف.آی.آر.*
ب‌ج *پالایه آیینه‌ای تربیع*
اع۱ پالایه الکتریکی
اع۲ پالایه موج
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ شبکه(مدار)
او پردازش سیگنال
او حساب رقمی
او صاف‌کردن تطبیقی
ان *Digital filter*

پالایه ریزموج

اع۱ ابزار ریزموج
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ پالایه الکتریکی
اع۲ پالایه موج
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ شبکه(مدار)
او اجزای موجبر
او بازآواگر کاواکی
او تجهیزات رادار
او مدار ریزموج
ان *Microwave filter*

پالایه سد نوار

ب‌ک پالایه نوارپس‌زن

پالایه سوخت

اع۱ پالایه(برای سیال)
اع۲ جداساز
اع۳ تجهیزات
او دستگاه سوخت‌رسانی

ان *Fuel filter*

پالایه سوداده

اع۱ پالایه الکتریکی
اع۲ پالایه موج
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ شبکه(مدار)
اع۱ شبکه سودهی
اع۲ شبکه(مدار)
ان *Switched filter*

پالایه سیگار

اع۱ پالایه(برای سیال)
اع۲ جداساز
اع۳ تجهیزات
او دود
او ساختن سیگار
ان *Cigarette filter*

پالایه غیرفعال

ب‌ج *پالایه بیضوی*
اع۱ پالایه الکتریکی
اع۲ پالایه موج
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ شبکه(مدار)
اع۱ شبکه غیرفعال
اع۲ شبکه(مدار)
او پالایه موج سطحی صوتی
ان *Passive filter*

پالایه فعال

اع۱ پالایه الکتریکی
اع۲ پالایه موج
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ شبکه(مدار)
اع۱ شبکه فعال
اع۲ شبکه(مدار)
ان *Active filter*

پالایه کالمن

ب‌ک پالایش کالمن

پالایه مغناطیسی

اع۱ ابزار مغناطیسی
اع۲ تجهیزات
اع۱ پالایه(برای سیال)
اع۲ جداساز
اع۳ تجهیزات
ان *Magnetic filter*

پالایه موج

اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
اع۱ پالایه الکتریکی
اع۲ پالایه الکترومکانیکی
اع۳ پالایه بلوری
اع۲ پالایه بالاگذر
اع۲ پالایه پایین‌گذر
اع۲ پالایه رقمی
اع۲ پالایه ریزموج
اع۲ پالایه سوداده
اع۲ پالایه غیرفعال
اع۲ پالایه فعال
اع۲ پالایه نوارپس‌زن
اع۲ پالایه نوارگذر
اع۱ پالایه موج سطحی صوتی
اع۱ پالایه نوری
او موج الکترومغناطیسی
ان *Wave filter*

پالایه موج سطحی صوتی

اع۱ ابزار موج سطحی صوتی
اع۲ ابزار صوتی
اع۳ تجهیزات صوتی
اع۱ پالایه موج
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او پالایه بلوری
او پالایه غیرفعال
ان *Acoustic surface wave filter*

پالایه نردبانی

ب‌ک شبکه نردبانی

پالایه نوارپس‌زن

ب‌ج *پالایه رفع‌کننده حدودی*
ب‌ج *پالایه سد نوار*
اع۱ پالایه الکتریکی
اع۲ پالایه موج

اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ شبکه(مدار)
او پالایه نوارگذر
ان *Notch filter*

پالایه نوارگذر

بج *پالایه تشدیدگر موازی*
اع۱ پالایه الکتریکی
اع۲ پالایه موج
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ شبکه(مدار)
او پالایه نوارپس‌زن
او تقویت‌کننده نوارگذر
ان *Bandpass filter*

پالایه نوری

اع۱ ابزار نوری
اع۲ تجهیزات
اع۱ پالایه موج
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او انتقال نور
او تداخل نوری
او جذب نور
او دوربین
او فیلم نوری
ان *Optical filter*

پالایه هوا

اع۱ پالایه(برای سیال)
اع۲ جداساز
اع۳ تجهیزات
اع۱ هواپالا
اع۲ تجهیزات
او پالیدن
او تهویه
او خالص‌سازی
ان *Air filter*

پالس الکترومغناطیسی

اع۱ موج الکترومغناطیسی
اع۲ تابش
اع۲ موج
او انفجار هسته‌ای
ان *Electromagnetic pulse*

پالیدن

اع۱ جداسازی
اع۲ عملیات شیمیایی
اخ۱ پالیدن آب
اخ۱ پالیدن چکنده
اخ۱ فراپالیدن
او آب‌زدایی
او پالایه هوا
او پالایه(برای سیال)
او تراوش(سیال)
او ته‌نشینی(شیمیایی)
او جداسازی ابعادی
او مرکزگریزانی
او مواد خروجی
ان *Filtration*

پالیدن آب

اع۱ پالیدن
اع۲ جداسازی
اع۳ عملیات شیمیایی
او آب
او آب‌رسانی
او تصفیه آب
او کنترل آلودگی آب
ان *Water filtration*

پالیدن چکنده

اع۱ پالیدن
اع۲ جداسازی
اع۳ عملیات شیمیایی
او تصفیه فاضلاب
او دفع پسمانده
ان *Trickling filtration*

پانل سازه‌ای

اع۱ عضو سازه‌ای
اع۲ اجزا
اع۲ سازه
او قالب سازه‌ای
ان *Structural panel*

پایانه اتوبوس

بج *پایانه اتوبوس موتوری*
اع۱ تسهیلات
او اتوبوس

او ترابری اتوبوسی
او جایگاه اتوبوس
ان *Bus terminal*

پایانه اتوبوس موتوری
ب‌ک پایانه اتوبوس

پایانه بندری
ب‌ج *پایانه دریایی*
اع۱ تسهیلات
اع۱ سازه بندر
اع۲ سازه
او پایانه قایق ترابری
ان *Port terminal*

پایانه قایق ترابری
اع۱ تسهیلات
او پایانه بندری
ان *Ferry terminal*

پایانه کامیون
ب‌ج *پایانه کامیون موتوری*
اع۱ تسهیلات
او ترابری کامیونی
او کامیون
ان *Truck terminal*

پایانه کامیون موتوری
ب‌ک پایانه کامیون

پایانه هوایی
ب‌ک فرودگاه

پایانه الکتریکی
اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
ان *Terminal (electric)*

پایانه تر(ماشین‌آلات کاغذسازی)
اع۱ ماشین‌آلات کاغذسازی
اع۲ ماشین‌آلات
ان *Wet end (papermaking machinery)*

پایانه خط‌لوله
اع۱ تسهیلات
او خط‌لوله
او میدان نفتی
ان *Pipeline terminal*

پایانه دریایی
ب‌ک پایانه بندری

پایانه رایانه
ب‌ج *پایانه متقابل*
اع۱ تجهیزات جانبی رایانه
اع۲ سخت‌افزار رایانه
اع۳ رایانه
اخ۱ پایانه صندوق
اخ۱ کنسول راه دور
او ابزار برهم‌کنشی
او ایستگاه‌کار رایانه
او تجهیزات نگاره‌سازی رایانه‌ای
او موشی(دستگاه جنبی رایانه)
ان *Computer terminal*

پایانه صندوق
اع۱ پایانه رایانه
اع۲ تجهیزات جانبی رایانه
اع۳ سخت‌افزار رایانه
اع۱ ماشین تجاری
اع۲ ماشین‌آلات
او بازاریابی
او دستگاه ثبت پول نقد
او کارت هوشمند
ان *Point of sale terminal*

پایانه متقابل
ب‌ک پایانه رایانه

پایانه نفتی
اع۱ تسهیلات
ان *Oil terminal*

پایانه و محوطه راه‌آهن
اع۱ کارخانه و ساختمان تجهیزات راه‌آهن
اع۲ تسهیلات
اع۲ راه‌آهن

اخ۱ محوطه اعزام قطار
او ایستگاه راه‌آهن
ان *Railroad yards and terminal*

پایایی
ب‌ک دوام

پایدارساز(عامل)
اع۱ عامل
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
اخ۱ پایدارساز حرارتی
او پاداکسنده
او گرانروی
ان *Stabilizer (agent)*

پایدارساز(کشتی دریایی)
اع۱ قطعات و تجهیزات آب‌پیما
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ وسیله نقلیه
ان *Stabilizer (marine vessel)*

پایدارساز حرارتی
اع۱ پایدارساز(عامل)
اع۲ عامل
اع۳ مواد شیمیایی
او پلاستیک
ان *Heat stabilizer*

پایدارسازی
او پایداری
او تنش‌زدایی
ان *Stabilization*

پایداری
ب‌ج *ناپایداری*
اخ۱ پایداری ابعادی
اخ۱ پایداری پلاسما
اخ۱ پایداری ترمودینامیکی
اخ۱ پایداری سیستم
اخ۲ پایداری بسامدی
اخ۱ پایداری شیب
اخ۱ پایداری مجانبی
او پایدارسازی
او دوام
او کنترل‌پذیری
او مشاهده‌پذیری
او معادله حرکت
او مکان ریشه
او میرایی
او نوسان
ان *Stability*

پایداری ابعادی
اع۱ پایداری
او آماس
او تعیین درشتی
او جمع‌شدگی
او کنترل متغیر فضایی
ان *Dimensional stability*

پایداری بسامدی
اع۱ پایداری سیستم
اع۲ پایداری
او کنترل بسامد الکتریکی
او نوسانگر(الکترونیک)
ان *Frequency stability*

پایداری پلاسما
اع۱ پایداری
او پلاسما
او محصورسازی پلاسما
او نوسان پلاسما
ان *Plasma stability*

پایداری ترمودینامیکی
اع۱ پایداری
اع۱ ویژگی ترمودینامیکی
ان *Thermodynamic stability*

پایداری سیستم
اع۱ پایداری
اخ۱ پایداری بسامدی
او روش لیاپونف
او سیستم کنترل
او کنترل‌پذیری

او مشاهده‌پذیری
او معیار پایداری
او میرایی
او نظریه کنترل
او نمودار بد
او نمودار نایکوئیست
ان *System stability*

پایداری شکست
ب‌ک چغرمگی شکست

پایداری شیب
اع۱ پایداری
او جاده و خیابان
او حفاظت شیب
او مایع‌شدگی خاک
ان *Slope stability*

پایداری مجانبی
اع۱ پایداری
او فن اختلال
او معادله دیفرانسیل
ان *Asymptotic stability*

پایش
اخ۱ پایش بیمار
اخ۲ پایش جنینی
اخ۲ پایش نوزاد
او آشکارساز
او اندازه‌گیری
او بازرسی
او سیستم اخطار
او ضبط‌کردن
ان *Monitoring*

پایش بیمار
اع۱ پایش
اخ۱ پایش جنینی
اخ۱ پایش نوزاد
او تجهیزات زیست‌پزشکی
او ثبت نوار مغزی
او درمان بیمار
او قلب‌نگاری
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Patient monitoring*

پایش جنینی
اع۱ پایش بیمار
اع۲ پایش
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Fetal monitoring*

پایش نوزاد
اع۱ پایش بیمار
اع۲ پایش
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Neonatal monitoring*

پایگاه دریایی
اع۱ پایگاه نظامی
اع۲ تسهیلات
او تجهیزات نظامی
او عملیات نظامی
ان *Naval base*

پایگاه نظامی
اع۱ تسهیلات
اخ۱ پایگاه دریایی
اخ۱ پایگاه موشکی
اخ۲ انبار موشک
او عملیات نظامی
او فرودگاه نظامی
ان *Military base*

پایگاه داده‌ها
ب‌ک سیستم پایگاه داده‌ها

پایگاه موشکی
اع۱ پایگاه نظامی
اع۲ تسهیلات
اخ۱ انبار موشک
او عملیات نظامی
ان *Missile bases*

پایه
ب‌ک تکیه‌گاه

پایه پل

اع۱ اجزای پل
اع۲ اجزا
اع۲ پل
اع۳ سازه
او تکیه‌گاه
ان *Bridge pier*

پایه(عضو سازه‌ای)

اع۱ عضو سازه‌ای
اع۲ اجزا
اع۲ سازه
او دیوار(بخش سازه‌ای)
او ستون(سازه‌ای)
ان *Stud (structural member)*

پایه‌بان(پل)

اع۱ اجزای پل
اع۲ اجزا
اع۲ پل
اع۳ سازه
ان *Abutment (bridge)*

پایه کاتالیزوری

او کاتالیزور
ان *Catalyst support*

پتاس

بج *کربنات پتاسیم*
بج *نمک تارتار*
اع۱ ترکیبات پتاسیم
اع۲ ترکیبات فلز قلیایی
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ کربنات
اع۲ ترکیبات معدنی کربن
اع۳ ترکیبات معدنی
او ذخیره پتاس
او عمل‌آوری کان‌سنگ پتاس
او کانی کربناتی
او کود شیمیایی پتاسیم‌دار
او معدن پتاس
ان *Potash*

پتاسیم

اع۱ فلز قلیایی
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آلیاژ پتاسیم
او ترکیبات پتاسیم
او ذخیره پتاس
او عمل‌آوری کان‌سنگ پتاس
او کود شیمیایی پتاسیم‌دار
او معدن پتاس
ان *Potassium*

پتانسیل برانگیخته شنوایی

ب‌ک پتانسیل زیست‌الکتریک

پتانسیل زیست‌الکتریک

بج *پتانسیل برانگیخته شنوایی*
بج *ریتم آلفا*
بج *قوه بازگشتی*
اع۱ پدیده زیست‌الکتریک
اع۲ الکتریسیته
او الکترومیوگرافی
او ثبت نوار مغزی
او قلب‌نگاری
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Bioelectric potential*

پتانسیل‌سنج(سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی)

اع۱ ولت‌سنج
اع۲ سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ سنج‌افزار
او اندازه‌گیری ولتاژ
ان *Potentiometer (electric measuring instrument)*

پتانسیل‌سنج(مقاومت)

بج *مقاومت تنظیم‌پذیر*
اع۱ تقسیمگر ولتاژ
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ مقاومت
اع۲ اجزای شبکه
اع۳ اجزا
اع۳ شبکه(مدار)
ان *Potentiometer (resistor)*

پتکه

ی‌د برای فراورده به کار برید، برای فرایند اصطلاح آهنگری را به کا برید.

او آهنگری

ان *Forgings*

پخت

اع۱ واکنش شیمیایی

او آب‌گیری

او اتوکلاو

او بسپارش

او پیوندزنی

او تشکیل اتصال عرضی

او چسب

او چسبندگی

او خشک‌سازی

او وولکانش

ان *Curing*

پخت خمیر کاغذ

اع۱ ساختن خمیر کاغذ

اع۲ ساختن

اع۳ تولید

ان *Pulp cooking*

پخش

ی‌د یک اصطلاح خیلی عام است، ترجیحا نوع خاصی از پخش را به کار برید.

اع۱ خدمات مخابراتی

اع۲ مخابرات

اع۳ ارتباط

اخ۱ پخش تلویزیونی

اخ۱ پخش رادیویی

اخ۱ پخش رادیویی چندآوا

او آنتن پخش رادیویی

ان *Broadcasting*

پخش بریلوین

ب‌ج *طیف بریلوین*

اع۱ پراکندگی نور

اع۲ پراکندگی موج الکترومغناطیسی

اع۳ پراکندگی

ان *Brillouin scattering*

پخش تلویزیونی

اع۱ پخش

اع۲ خدمات مخابراتی

اع۳ مخابرات

او اثر ویژه

او استودیوی تلویزیونی

او ایستگاه تلویزیونی

او پخش رادیویی چندآوا

او تجهیزات تلویزیونی

او تلویزیون

او تلویزیون دقت‌بالا

او تلویزیون رنگی

او سیستم تلویزیونی

او شبکه تلویزیونی

ان *Television broadcasting*

پخش دی‌الکتریک

ب‌ک گذردهی الکتریکی

پخش رادیویی

اع۱ ارتباط رادیویی

اع۲ مخابرات

اع۳ ارتباط

اع۱ پخش

اع۲ خدمات مخابراتی

اع۳ مخابرات

او ارسال رادیویی

او استودیوی رادیویی

او ایستگاه رادیویی

او پخش رادیویی چندآوا

او تجهیزات رادیویی

او تخصیص بسامد

او خط ارتباط رادیویی

او رادیو

او فرستنده رادیویی

او گیرنده رادیویی

ان *Radio broadcasting*

پخش رادیویی چندآوا

اع۱ پخش

اع۲ خدمات مخابراتی

اع۳ مخابرات

او پخش تلویزیونی

او پخش رادیویی

او گیرنده چندآوا

ان *Stereophonic broadcasting*

پخش‌کن

بج خمیرگستر
اع۱ کاربر
اع۲ تجهیزات
ان *Spreader*

پخش گرمایی

اع۱ پخشیدگی
اخ۱ پخش گرمایی در جامدات
اخ۱ پخش گرمایی در گازها
اخ۱ پخش گرمایی در مایعات
او اثر گرما
او انتقال گرما
او شیب گرمایی
او عایق‌کاری گرمایی
ان *Thermal diffusion*

پخش گرمایی در جامدات

اع۱ پخش گرمایی
اع۲ پخشیدگی
اع۱ پخشیدگی در جامد
اع۲ پخشیدگی
او جامد
ان *Thermal diffusion in solids*

پخش گرمایی در گازها

اع۱ پخش گرمایی
اع۲ پخشیدگی
اع۱ پخشیدگی در گاز
اع۲ پخشیدگی
او گاز
ان *Thermal diffusion in gases*

پخش گرمایی در مایعات

اع۱ پخش گرمایی
اع۲ پخشیدگی
اع۱ پخشیدگی در مایع
اع۲ پخشیدگی
او مایع
ان *Thermal diffusion in liquids*

پخش متقابل(جامدات)

اع۱ پخشیدگی در جامد
اع۲ پخشیدگی
او سطح مشترک(مواد)
او مواد نیم‌رسانا
ان *Interdiffusion (solids)*

پخش موج رادیویی

ب‌ک ارسال رادیویی

پخش نوترونی

اع۱ پراکندگی
او نوترون
ان *Neutron scattering*

پخشیدگی

بج ضریب پخش
اع۱ پخش گرمایی
اع۲ پخش گرمایی در جامدات
اع۲ پخش گرمایی در گازها
اع۲ پخش گرمایی در مایعات
اع۱ پخشیدگی در جامد
اع۲ پخش گرمایی در جامدات
اع۲ پخش متقابل(جامدات)
اع۱ پخشیدگی در گاز
اع۲ پخش گرمایی در گازها
اع۱ پخشیدگی در مایع
اع۲ پخش گرمایی در مایعات
اع۱ گذرندگی
اع۲ گذرندگی معکوس
او افشان(مایع)
او افشان(نوری)
او آمیختگی
او انتقال جرم
او بازتاب
او تبخیر سطحی
او تراوش(سیال)
او تلاطم
او خشک‌سازی
او دیالیز
او رسانایی یونی
او طیف‌سنجی جرمی
او عدد پرانتل
او غشاء
او مهاجرت الکتریکی
او ویژگی ترابرد
او ویژگی سطح
ان *Diffusion*

پخشیدگی در جامد

اع۱	پخشیدگی
اخ۱	پخش گرمایی در جامدات
اخ۱	پخش متقابل(جامدات)
او	جامد
او	رسانایی یونی در جامد
ان	*Diffusion in solid*

پخشیدگی در گاز

اع۱	پخشیدگی
اخ۱	پخش گرمایی در گازها
او	گاز
ان	*Diffusion in gas*

پخشیدگی در مایع

اع۱	پخشیدگی
اخ۱	پخش گرمایی در مایعات
او	مایع
ان	*Diffusion in liquid*

پدیده سطحی

اخ۱	انرژی سطح مشترک
اخ۱	تخلیه سطحی
اخ۲	تخلیه هاله‌ای
اخ۱	ترشدگی
اخ۱	ترک‌برداری
اخ۱	کشش سطحی
اخ۱	موج سطحی
اخ۱	موبینگی
او	اصطکاک
او	اصطکاک‌شناسی
او	تخلخل
او	چسبندگی
او	خوردگی
او	رویه
او	ساختار سطحی
او	سطح مشترک(مواد)
او	عملیات سطحی
او	فیلم
او	گسیل الکترون
او	ویژگی سطح
ان	*Surface phenomenon*

پدیده فروالکتریکی

ب‌ک	فروالکتریسیته

پدیده فرودما

ب‌ج	*پدیده برودتی*
او	اثر سردی
او	تولید فرودما
او	سرمایش‌شناسی
او	عملیات فرودمایی
او	مهندسی فرودمایی
ان	*Low temperature phenomenon*

پدیده برودتی

ب‌ک	پدیده فرودما

پدیده زیست‌الکتریک

ب‌ج	*زیست‌الکتریکی*
اع۱	الکتریسیته
اخ۱	پتانسیل زیست‌الکتریک
او	زیست‌شناسی
او	فیزیک‌درمانی الکتریکی
او	مهندسی زیست‌پزشکی
ان	*Bioelectric phenomenon*

پدیده فراسریع

او	تپ لیزری
او	طیف‌نمایی
او	نورشناسی غیرخطی
ان	*Ultrafast phenomenon*

پدیده فشار بالا

ب‌ک	اثر فشار قوی

پدیده نورمغناطیسی کر

اع۱	اثر نورمغناطیسی
اع۲	اثر میدان مغناطیسی
اع۳	اثر
او	ثبت نوری
او	چرخش نوری
ان	*Kerr magnetooptical effect*

پرازئودیمیم

اع۱	عنصر خاکی کمیاب
اع۲	فلز غیرآهنی
اع۳	فلز
او	آلیاژ پرازئودیمیم
او	ترکیبات پرازئودیمیم

ان *Praseodymium*

پراش

اخ۱ پراش الکترون
اخ۲ پراش الکترونی پرانرژی
اخ۳ پراش الکترونی پرانرژی بازتابی
اخ۲ تفرق الکترونی کم‌انرژی
اخ۱ پراش موج الکترومغناطیسی
اخ۲ پراش پرتو ایکس.
اخ۱ پراش موج صوتی
اخ۲ پراش فراصوتی
اخ۱ پراش نوترونی
او پراش‌سنج
او تمام‌نگاری
ان *Diffraction*

پراش الکترون

اع۱ پراش
اخ۱ پراش الکترونی پرانرژی
اخ۲ پراش الکترونی پرانرژی بازتابی
اخ۱ تفرق الکترونی کم‌انرژی
او باریکه الکترون
او دستگاه پراش الکترون
او میکروسکوپ الکترونی
او میکروسکوپی الکترونی
او نورشناسی الکترونی
ان *Electron diffraction*

پراش الکترونی پرانرژی

اع۱ پراش الکترون
اع۲ پراش
اخ۱ پراش الکترونی پرانرژی بازتابی
ان *High energy electron diffraction*

پراش الکترونی پرانرژی بازتابی

اع۱ پراش الکترونی پرانرژی
اع۲ پراش الکترون
اع۳ پراش
ان *Reflection high energy electron diffraction*

پراش پرتو ایکس.

ی‌د برای مطالعه پراش پرتو ایکس کریستال‌ها، اصطلاح "بلورنگاری پرتو ایکس" را به کار برید.
اع۱ پراش موج الکترومغناطیسی
اع۲ پراش
او بلورنگاری پرتو ایکس.
او پرتونگاری
او تحلیل پراش پرتو ایکس.
او طیف‌سنجی پرتو ایکس.
او فلزنگاری
ان *X ray diffraction*

پراش پودری پرتو ایکس.

ب‌ج *تحلیل پودری پرتو ایکس.*
ب‌ج *روش پودری.*
اع۱ تحلیل پراش پرتو ایکس.
اع۲ تحلیل پرتو ایکس.
او بلورنگاری پرتو ایکس.
او پودر
ان *X ray powder diffraction*

پراش‌سنج

اع۱ سنج‌افزار توری.
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او پراش
ان *Diffractometer*

پراش‌سنجی پرتو ایکس.
ب‌ک تحلیل پراش پرتو ایکس.

پراش فراصوتی

اع۱ پراش موج صوتی
اع۲ پراش
او انتشار فراصوتی
او پاشندگی فراصوتی
او موج فراصوتی
ان *Ultrasonic diffraction*

پراش موج الکترومغناطیسی

اع۱ پراش
اخ۱ پراش پرتو ایکس.
او انتشار موج الکترومغناطیسی
او شبکه پراش
او موج الکترومغناطیسی
ان *Electromagnetic wave diffraction*

پراش موج صوتی

اع۱ پراش
اخ۱ پراش فراصوتی
او انتشار موج صوتی
او پاشیدگی صوتی
او موج صوتی
ان *Acoustic wave diffraction*

پراش نوترونی
اع۱ پراش
او دستگاه پراش نوترونی
او نوترون
ان *Neutron diffraction*

پراکندگی
اخ۱ پخش نوترونی
اخ۱ پراکندگی الکترون
اخ۱ پراکندگی موج الکترومغناطیسی
اخ۲ پراکندگی رایلی
اخ۲ پراکندگی نور
اخ۳ پخش بریلوین
اخ۳ پراکندگی رامان
اخ۳ پیسه
اخ۲ پس‌پراکندگی موج الکترومغناطیسی
اخ۱ پراکندگی موج صوتی
اخ۲ پراکندگی فراصوتی
اخ۱ پس‌پراکندگی
اخ۲ پس‌پراکندگی موج الکترومغناطیسی
اخ۲ پس‌پراکندگی موج صوتی
او بازتاب
او تضعیف
او هدف
ان *Scattering*

پراکندگی الکترون
اع۱ پراکندگی
او الکترون
ان *Electron scattering*

پراکندگی رامان
ب‌ج *اثر رامان*
ب‌ج *طیف رامان*
اع۱ پراکندگی نور
اع۲ پراکندگی موج الکترومغناطیسی
اع۳ پراکندگی
ان *Raman scattering*

پراکندگی رایلی
اع۱ پراکندگی موج الکترومغناطیسی
اع۲ پراکندگی
او طیف‌نمایی رامان
ان *Rayleigh scattering*

پراکندگی فراصوتی
اع۱ پراکندگی موج صوتی
اع۲ پراکندگی
او انتشار فراصوتی
او موج فراصوتی
ان *Ultrasonic scattering*

پراکندگی موج الکترومغناطیسی
اع۱ پراکندگی
اخ۱ پراکندگی رایلی
اخ۱ پراکندگی نور
اخ۲ پخش بریلوین
اخ۲ پراکندگی رامان
اخ۲ پیسه
اخ۱ پس‌پراکندگی موج الکترومغناطیسی
او انتشار موج الکترومغناطیسی
او تضعیف موج الکترومغناطیسی
او سطح مقطع راداری
او موج الکترومغناطیسی
ان *Electromagnetic wave scattering*

پراکندگی موج صوتی
اع۱ پراکندگی
اخ۱ پراکندگی فراصوتی
او انتشار موج صوتی
او پاشیدگی صوتی
او موج صوتی
ان *Acoustic wave scattering*

پراکندگی مه
او دید
او فرودگاه
او کنترل
او مه
ان *Fog dispersal*

پراکندگی نور
اع۱ پراکندگی موج الکترومغناطیسی

اع۲ پراکندگی
اخ۱ پخش بریلوین
اخ۱ پراکندگی رامان
اخ۱ پیسه
او کدری‌سنج
او نور
او نورشناسی جوی
ان *Light scattering*

پراکنش موج الکترومغناطیسی
ب‌ک انتشار الکترومغناطیسی

پرت
اع۱ تحقیق در عملیات
اع۱ علم مدیریت
اع۲ علوم اجتماعی
او تحلیل مسیر بحرانی
ان *PERT*

پرتاب
او اژدر
او انبار موشک
او برخاست
او راکت
او راه‌اندازی
او سیستم موشک‌اندازی
او فضاپیما
او کشتی
او ماهواره
او موشک
ان *Launching*

پرتاب‌شناسی
اع۱ حرکت‌شناسی
اع۲ مکانیک
اخ۱ پرتاب‌شناسی زیرآبی
او پرتاب‌کننده الکترومغناطیسی
او پرتابه
او تجهیزات نظامی
او مهندسی نظامی
ان *Ballistics*

پرتاب‌شناسی زیرآبی
اع۱ پرتاب‌شناسی
اع۲ حرکت‌شناسی
اع۳ مکانیک
او اژدر
او جنگ دریایی
او موشک پرتاب‌شده از زیرآب
ان *Underwater ballistics*

پرتاب‌کننده الکترومغناطیسی
اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ تفنگ ریلی
او پرتاب‌شناسی
او پرتابه
او پیشرانش الکترومغناطیسی
او تجهیزات نظامی
ان *Electromagnetic launcher*

پرتابه
او پرتاب‌شناسی
او پرتاب‌کننده الکترومغناطیسی
او راکت
او مهمات
او موشک
ان *Projectile*

پرتابه دیوباد
او حادثه
او حادثه واکنشگاه هسته‌ای
او دیوباد
او نیروگاه هسته‌ای
ان *Tornado generated missile*

پرتوافکن الکتریکی
ب‌ک تخلیه هاله‌ای

پرتو ایکس
اع۱ موج الکترومغناطیسی
اع۲ تابش
اع۲ موج
او پرتونگاری
او تحلیل پراش پرتو ایکس
او تحلیل پرتو ایکس
او تولید پرتو ایکس
او چاپ سنگی پرتو ایکس

او دستگاه پرتو ایکس
او طیف‌سنجی پرتو ایکس
او طیف‌نمایی فوتوالکترون پرتو ایکس
او فوتون
ان *X ray*

پرتودرمانی
ب‌ج *رادیوتراپی*
اع۱ درمان بیمار
او ایزوتوپ پرتوزا
او پرتوشناسی
او پرتونگاری
او پزشکی هسته‌ای
او مقدارسنجی
ان *Radiotherapy*

پرتوزایی
اع۱ پرتوزایی جوی
او اندازه‌گیری پرتوزایی
او ایزوتوپ پرتوزا
او پرتو گاما
او پسمانده پرتوزا
او تابش
او جداسازی ایزوتوپ پرتوزا(تصفیه آب)
او فیزیک هسته‌ای
او گاز پرتوزاد
او محصول شکافت هسته‌ای
او مواد پرتوزا
ان *Radioactivity*

پرتوزایی جوی
اع۱ پرتوزایی
او جو برون زمینی
او جو زمین
ان *Atmospheric radioactivity*

پرتوسنج
اع۱ آشکارساز تابش
اع۲ آشکارساز
اع۳ سنج‌افزار
اع۱ تابش‌سنج
او آشکارساز مادون قرمز
او اندازه‌گیری متغیر گرمایی
او پرتوسنجی
او نورسنج
ان *Radiometer*

پرتوسنجی
اع۱ اندازه‌گیری
او آشکارساز مادون قرمز
او اندازه‌گیری ریزموجی
او پرتوسنج
او نورسنج
او نورسنجی
ان *Radiometry*

پرتوشناسی
اع۱ پزشکی
او پرتودرمانی
او پرتونگاری
او پرتونگاری تشخیصی
ان *Radiology*

پرتو غیرعادی
ب‌ک دوشکستی

پرتو کاتدی
او الکترون
او باریکه الکترون
او پرده فلورسانس
او کانونی‌سازی
او لامپ پرتو کاتدی
او لرزش‌نگار پرتو کاتدی
او نورشناسی الکترونی
ان *Cathode ray*

پرتو کیهانی
ب‌ج *تابش کیهانی*
اع۱ تابش
اع۱ ذره بنیادی
او آشکارساز پرتو کیهانی
او اندازه‌گیری پرتو کیهانی
او تابش خورشیدی
او زمین‌فیزیک
ان *Cosmic ray*

پرتو گاما
ب‌ج *تابش گاما*
اع۱ موج الکترومغناطیسی

اع۲ تابش
اع۲ موج
او پرتوزایی
او پرتونگاری
او تولید پرتو گاما
او رادیوگرافی گامایی
او طیف‌سنج پرتو گاما
او فوتون
ان *Gamma ray*

پرتونگاری

ب‌چ *رونتگن‌نگاری*
اع۱ فن تصویرسازی
اخ۱ برش‌نگاری رایانه‌ای
اخ۱ پرتونگاری پرتو ایکس.
اخ۱ پرتونگاری تشخیصی
اخ۲ رگ‌نگاری
اخ۳ رگ‌نگاری قلب
اخ۱ پرتونگاری صنعتی
اخ۱ پرتونگاری نوترونی
اخ۱ رادیوگرافی گامایی
او امتحان غیرمخرب
او بلورنگاری
او پراش پرتو ایکس.
او پرتو ایکس.
او پرتو گاما
او پرتودرمانی
او پرتوشناسی
او تحلیل پراش پرتو ایکس.
او تحلیل پرتو ایکس.
او تصویر پردازی
او شکست‌نگاری
او فلزنگاری
او وسیله مقابله
ان *Radiography*

پرتونگاری پرتو ایکس.

اع۱ پرتونگاری
اع۲ فن تصویرسازی
او آزمایشگاه پرتو ایکس.
او تولید پرتو ایکس.
او دستگاه پرتو ایکس.
او لامپ پرتو ایکس.
ان *X ray radiography*

پرتونگاری پرتوی گاما

ب‌ک رادیوگرافی گامایی

پرتونگاری تشخیصی

اع۱ پرتونگاری
اع۲ فن تصویرسازی
اع۱ تشخیص(پزشکی)
اع۱ تصویربرداری پزشکی
اع۲ فن تصویرسازی
اخ۱ رگ‌نگاری
اخ۲ رگ‌نگاری قلب
او برش‌نگاری رایانه‌ای
او برش‌نگاری گسیل پوزیترون
او پرتوشناسی
او وسیله مقابله
ان *Diagnostic radiography*

پرتونگاری صنعتی

اع۱ پرتونگاری
اع۲ فن تصویرسازی
او امتحان غیرمخرب
او بازرسی
او وسیله مقابله
ان *Industrial radiography*

پرتونگاری نوترونی

اع۱ پرتونگاری
اع۲ فن تصویرسازی
او امتحان غیرمخرب
ان *Neutron radiography*

پرچ

اع۱ چفت
اع۲ اجزا
او پرچ‌کاری
ان *Rivet*

پرچ‌کاری

اع۱ اتصال
او پرچ
او درزبندی
ان *Riveting*

پرخوران

اع۱ تراکم‌ساز هوا
اع۲ ماشین‌آلات
او دمنده
او سیستم ورودی
او ماشین‌آلات توربو
او موتور درون‌سوز
ان *Supercharger*

پرداخت

اع۱ تکمیل
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
اع۱ عملیات سطحی
اخ۱ پرداخت شیمیایی
اخ۲ پرداخت برق‌کافتی
اخ۱ صیقل‌کاری
او آینه
او پوسته‌زدایی
او جلاکاری
او عدسی
او ماشین پرداخت
ان *Polishing*

پرداخت برق‌کافتی

بج *پرداخت برقی*
بج *پرداخت‌کاری الکتروشیمیایی*
اع۱ پرداخت شیمیایی
اع۲ پرداخت
اع۳ تکمیل
اع۳ عملیات سطحی
اع۲ تکمیل شیمیایی
اع۳ تکمیل
او الکتروشیمی
او برق‌کافت
او پرداخت فلز
ان *Electrolytic polishing*

پرداخت ارتعاشی

اع۱ تکمیل
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
او تمیزکاری فراصوتی
ان *Vibratory finishing*

بک پرداخت برق‌کافتی

پرداخت شیمیایی

اع۱ پرداخت
اع۲ تکمیل
اع۳ فراورش
اع۲ عملیات سطحی
اع۱ تکمیل شیمیایی
اع۲ تکمیل
اع۳ فراورش
اخ۱ پرداخت برق‌کافتی
او تمیزکاری شیمیایی
ان *Chemical polishing*

پرداخت فلز

اع۱ تکمیل
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
اخ۱ تکمیل فشاری
اخ۱ تمیزکاری فلز
اخ۲ تمیزکاری شعله‌ای
اخ۲ تمیزکاری فشاری
اخ۱ صیقل‌کاری
او آلیاژ
او اندود محافظ
او پرداخت برق‌کافتی
او پرداخت‌کاری
او جلاکاری
او روکش فلز
او شمشال
او عملیات سطحی
او غلتک(اجزای ماشین)
او فلز
او فلزتراشی
او فن اندایش
ان *Metal finishing*

پرداخت‌کاری

اع۱ تکمیل
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
او پرداخت فلز
ان *Burnishing*

ب‌ک پرداخت برق کافتی

پردازش اطلاعات

ب‌ک داده‌پردازی

پردازش اطلاعات نوری

ب‌ک داده‌پردازی نوری

پردازش انجمنی

اع۱ داده‌پردازی

او انباره انجمنی

ان *Associative processing*

پردازش رقمی

ب‌ک پردازش سیگنال رقمی

پردازش سیگنال

اخ۱ آشکارسازی سیگنال

اخ۱ پردازش سیگنال رقمی

اخ۱ پردازش سیگنال صوتی

اخ۱ پردازش سیگنال ویدئویی

اخ۱ تصفیه و پیش‌بینی سیگنال

اخ۲ پالایش کالمن

اخ۲ صاف‌کردن تطبیقی

اخ۱ تصویر پردازی

اخ۲ بازسازی تصویر

اخ۲ پادشکستگی

اخ۲ تحلیل تصویر

اخ۲ تراکم تصویر

اخ۳ کوانتش برداری

اخ۲ تصویر پردازی رنگی

اخ۲ چندقطعه‌سازی تصویر

اخ۲ درک تصویر

اخ۲ دید رایانه‌ای

اخ۲ رمزگذاری تصویر

اخ۲ هولوگرافی تولیدشده با رایانه

اخ۱ رمزگذاری سیگنال

اخ۱ کاهش تداخل

اخ۱ متراکم‌سازی داده‌ها

اخ۲ تراکم تصویر

اخ۳ کوانتش برداری

اخ۱ ناهم‌فرکانسی

او آشکارساز همبستگی

او پالایه الکتریکی

او پالایه رقمی

او پردازش گفتار

او تبدیل زد

او تبدیل موجک

او تجهیزات مخابراتی

او تحلیل طیف

او رمزگذاری

او کیفیت دریافت

او مدار ازدیاد بسامد

او مدار آمیزشگر

او مدار انتگرال

او مدار شکل‌دهی تپ

او نظریه اطلاعات

او نظریه تصمیم

او نظریه سیگنال

او همتافتگری

او واپیچش سیگنال

ان *Signal processing*

پردازش سیگنال رقمی

ب‌ج *پردازش رقمی*

اع۱ پردازش سیگنال

او آرایه سیستولی

او نظریه اطلاعات

ان *Digital signal processing*

پردازش سیگنال صوتی

اع۱ پردازش سیگنال

او تجزیه و تحلیل گفتار

او صوت‌شناسی

ان *Acoustic signal processing*

پردازش سیگنال ویدئویی

اع۱ پردازش سیگنال

او ارتباط دیداری

او تصویر پردازی

او مولد سیگنال

او همگام‌سازی

ان *Video signal processing*

پردازشگر برنامه

ب‌ج *پیش‌پردازنده(برنامه رایانه)*

اع۱ نرم‌افزار رایانه

اخ۱ اسمبلر برنامه

اخ۱ کامپایلر برنامه

اخ۱ مترجم برنامه

اخ۱ مفسر برنامه
او برنامه‌نویسی سیستم رایانه
او واسط(رایانه)
ان *Program processor*

پردازش گفتار

او بازشناسی گفتار
او پردازش سیگنال
او تجزیه و تحلیل گفتار
او ترکیب گفتار
او رمزگذاری گفتار
او گفتار
ان *Speech processing*

پردازش میکروالکترونیکی

اع۱ فراورش
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او تولید ابزار نیم‌رسانا
او تولید مدارمجتمع
او میکروالکترونیک
ان *Microelectronic processing*

پردازنده آرایه

ب‌ک سیستم پردازش موازی

پرده تصویراندازی

اع۱ تجهیزات
او پرده تصویر متحرک
او عکاسی
او لوازم عکاسی
ان *Projection screen*

پرده تصویر متحرک

اع۱ تجهیزات
او پرده تصویراندازی
او تصویر متحرک
او نمایش‌سرای سینمایی
ان *Motion picture screen*

پرده فلورسانس

ب‌ج *جدار لامپ پرتو کاتدی*
اع۱ ابزار درخشایی
اع۲ چشمه نور
اع۱ ابزار نمایش
اع۲ تجهیزات
او ابزار برهم‌کنشی
او پرتو کاتدی
او صفحه نمایش رادار
او فلورسانس
او گیرنده تلویزیونی
او لامپ پرتو کاتدی
ان *Fluorescent screen*

پرزدهی مصنوع نساجی

او سایش مواد
او سفیدشویی
او مصنوع نساجی
او منسوجات تریکو
ان *Textile pilling*

پرس(ابزار ماشینی)

اع۱ ماشین شکل‌دهی فلز
اع۲ ماشین‌آلات
او ابزار
او چکش
او روزن‌ران
او قالب آهنگری
او کنترل بار فشار
ان *Presses (machine tools)*

پرس پلاستیک

اع۱ ماشین‌آلات پلاستیک
اع۲ ماشین‌آلات
ان *Plastic press*

پرستاری

او پزشکی
او مراقبت بهداشتی
ان *Nursing*

پرس ضربه‌ای

ب‌ک پرس منگنه

پرس‌کاری(شکل‌دهی)

اع۱ شکل‌دهی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید

اخ۱ پرس‌کاری آب‌ایستایی
اخ۱ پرس‌کاری داغ
اخ۲ پرس‌کاری همفشار داغ
اخ۱ پرس‌کاری فلز
او آهنگری سرد
او تاب‌گیری
او خشته‌سازی
او روزن‌رانی
او شکل‌دهی انبساطی
او غلتک‌زنی
او فشرده‌سازی
او کشش ژرف
او مهرزنی
ان *Pressing (forming)*

پرس‌کاری آب‌ایستایی

اع۱ پرس‌کاری(شکل‌دهی)
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
او متالورژی پودر
او مواد سرامیکی
او مواد نسوز
ان *Hydrostatic pressing*

پرس‌کاری داغ

بج *همفشاری داغ*
اع۱ پرس‌کاری(شکل‌دهی)
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
اخ۱ پرس‌کاری همفشار داغ
او پرس‌کاری فلز
او فشرده‌سازی
او گرم‌کاری
او متالورژی پودر
او مواد سرامیکی
او مواد نسوز
ان *Hot pressing*

پرس‌کاری فلز

اع۱ پرس‌کاری(شکل‌دهی)
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
اع۱ شکل‌دهی فلز
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن

او پرس‌کاری داغ
او پیش‌شکل‌دهی
او سوراخ‌کاری
او کشش(شکل‌دهی)
او مشبک‌کاری
او منگنه‌کاری
او مهرزنی فلز
ان *Metal pressing*

پرس‌کاری همفشار داغ

اع۱ پرس‌کاری داغ
اع۲ پرس‌کاری(شکل‌دهی)
اع۳ شکل‌دهی
او کلوخه‌سازی
او متالورژی پودر
ان *Hot isostatic pressing*

پرس منگنه

بج *پرس ضربه‌ای*
اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
او منگنه‌کاری
ان *Punch press*

پرعیارسازی

بج *کانی‌آرایی*
اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
او آب‌زدایی
او پالایش فلز
او جداسازی ابعادی
او خالص‌سازی
او سواسازی(فلزنگاری)
او شناورسازی
ان *Beneficiation*

پرکردن(باتری)

بج *شارژ باتری*
او باتری الکتریکی
او باتری ثانویه
او مدار یک‌سوساز
ان *Charging (battery)*

پرکردن دندان
ب‌ک برسازه دندانی

پرکننده
اع۱ مواد شیمیایی
اع۲ مواد
اخ۱ پرکننده پلاستیک
او افزودنی
او آهارزنی(عمل تکمیل)
او تالک
او دوغاب‌ریزی
ان *Filler*

پرکننده پلاستیک
اع۱ پرکننده
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او پلاستیک
ان *Plastic filler*

پرلیت
اع۱ فاز فلزنگاری
او تبدیل پرلیتی
او فلزنگاری فولاد
ان *Pearlite*

پرواز بین‌سیاره‌ای
اع۱ سفر فضایی
اع۲ ترابری
او اتصال ارتباطی برون‌زمینی
او ایستگاه فضایی
او پرواز فضایی سرنشین‌دار
او سکوی فضایی
او سیاره
او فضاپیمای بین‌سیاره‌ای
او کاوند فضایی
او مدار
او مسیر
او منظومه شمسی
ان *Interplanetary flight*

پرواز فضایی سرنشین‌دار
اع۱ سفر فضایی
اع۲ ترابری
او ایستگاه فضایی
او پرواز بین‌سیاره‌ای
او شاتل فضایی
ان *Manned space flight*

پروپان
اع۱ قطران گاز
اع۲ هیدروکربن
اع۳ ترکیبات آلی
او پارافین
او گاز نفتی مایع
ان *Propane*

پروپیلن
ب‌ج *متیل اتیلن*
اع۱ اولفین
اع۲ هیدروکربن
اع۳ ترکیبات آلی
او پلی‌پروپیلن
او پلی‌پروپیلن اکسید
ان *Propylene*

پروتاکتینیم
اع۱ آکتینید
اع۲ عنصر پرتوزا
اع۳ عنصر شیمیایی
اع۳ مواد پرتوزا
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
ان *Protactinium*

پروتون
اع۱ ذره باردار
اع۲ ذره بنیادی
او هیدروژن
او یون
ان *Proton*

پروتئین
اع۱ زیست‌بسپار
اع۲ بسپار طبیعی
اع۳ بسپار آلی
اع۲ مواد زیست‌شناختی
اع۳ مواد

اخ۱ آنزیم
اخ۲ کوآنزیم
اخ۳ آدنوزین تری فسفات
اخ۱ اینترفرون
اخ۱ پادتن
اخ۲ پادتن تک‌دودمانی
اخ۱ زئین
اخ۱ کازئین
اخ۱ کولاژن
اخ۱ هموگلوبین
او آمینواسید
او پادگن
او پلی‌پپتید
او درشت‌ملکول
او دی.ان.آ.
او فراورده غذایی
او کاتالیزور زیستی
ان *Protein*

پروژکتور نوری

اع۱ ابزار نوری
اع۲ تجهیزات
او تصویر متحرک
او دستگاه تصویراندازی
او شاتر نوری
او عکاسی
او لوازم عکاسی
ان *Optical projector*

پروستتیک

اع۱ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ اندام حرکتی مصنوعی
اخ۱ اندام مصنوعی
اخ۱ برسازه دریچه قلب
اخ۱ برسازه دندانی
اخ۱ برسازه رگ خونی
اخ۱ برسازه فکی-صورتی
اخ۱ برسازه مفصل
اخ۲ برسازه مفصل خاصره‌ای-رانی
اخ۱ پروستتیک میوالکتریکی کنترل‌شده
اخ۱ ضربان‌ساز
اخ۱ عدسی داخل چشمی
او ارتاسازی
او پس‌خورد حسی
او پیوند
او تجهیزات توانبخشی انسانی
او کاشت(جراحی)
او کمک‌بینایی
او کمک‌راه‌رفتن
او کمک‌شنوایی
او کنترل زیستی
او گرافت
او مهندسی زیست‌پزشکی
او مواد زیستی
ان *Prosthetics*

پروستتیک میوالکتریکی کنترل‌شده

اع۱ پروستتیک
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
او مواد زیستی
ان *Myoelectrically controlled prosthetics*

پروسیجر پزشکی غیر تهاجمی

اع۱ درمان بیمار
او تشخیص(پزشکی)
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Noninvasive medical procedure*

پروفسکیت

اع۱ ترکیبات کلسیم
اع۲ ترکیبات فلز قلیایی خاکی
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ تیتانیم اکسید
اع۲ اکسید
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ ترکیبات تیتانیم
اع۳ ترکیبات فلز واسطه
اع۱ کانی اکسیدی
اع۲ اکسید
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
ان *Perovskite*

پروکسید

اع۱ اکسید
اع۲ ترکیبات شیمیایی

اخ۱ هیدروژن پروکسید
ان *Peroxide*

پرولوگ(زبان برنامه‌نویسی)
اع۱ زبان سطح بالا
اع۲ زبان برنامه‌نویسی رایانه
او برنامه‌نویسی شی‌گرا
او برنامه‌نویسی منطقی
ان *PROLOG (programming language)*

پرومتیم
اع۱ عنصر خاکی کمیاب
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
ان *Promethium*

پره(تبدیل گرما)
اع۱ گرماگیر
اع۲ مبادله‌کن گرما
اع۳ تجهیزات
او انتقال گرما
ان *Fin (heat exchange)*

پره ماشین توربو
اع۱ ماشین‌آلات توربو
اع۲ ماشین‌آلات
ان *Turbomachine blade*

پزشکی
اخ۱ ارتوپدی
اخ۱ اورولوژی
اخ۱ پرتوشناسی
اخ۱ پزشکی زنان
اخ۱ پزشکی سالمندان
اخ۱ پزشکی کودکان
اخ۱ پزشکی ورزشی
اخ۱ پزشکی هسته‌ای
اخ۱ پزشکی هواپیمایی
اخ۱ چشم‌پزشکی
اخ۱ دندانپزشکی
اخ۱ زایمان‌پزشکی
اخ۱ سرطان‌شناسی
اخ۱ عصب‌شناسی
اخ۲ فیزیک‌درمانی اعصاب
اخ۱ قلب‌پزشکی
اخ۱ مطالعه غدد داخلی
اخ۱ معده و روده‌شناسی
اخ۱ همه‌گیری‌شناسی
اخ۱ هوشبری‌شناسی
او آلرژی
او آموزش پزشکی
او بخش پزشکی(کارخانه صنعتی)
او بهداشت
او بهداشت صنعتی
او بیمارستان
او بیماری
او پرستاری
او تجهیزات زیست‌پزشکی
او تشخیص(پزشکی)
او تصویربرداری پزشکی
او توانبخشی بیمار
او جراحی
او حفاظت تابشی
او درمان بیمار
او علوم طبیعی
او فیزیک‌درمانی
او کاربرد پزشکی
او کاربرد رایانه در پزشکی
او مراقبت بهداشتی
او مساله پزشکی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Medicine*

پزشکی زنان
اع۱ پزشکی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Gynecology*

پزشکی سالمندان
اع۱ پزشکی
او مهندسی فاکتورهای انسانی
ان *Geriatrics*

پزشکی سوزنی
بچ *طب سوزنی*
اع۱ درمان بیمار
اخ۱ پزشکی سوزنی الکتریکی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Acupuncture*

پزشکی سوزنی الکتریکی

اع۱ برق‌درمانی
اع۲ درمان بیمار
اع۱ پزشکی سوزنی
اع۲ درمان بیمار
ان *electroacupuncture*

پزشکی کودکان

اع۱ پزشکی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Pediatrics*

پزشکی ورزشی

اع۱ پزشکی
او زیست‌مکانیک
ان *Sports medicine*

پزشکی هسته‌ای

اع۱ پزشکی
او ایزوتوپ پرتوزا
او پرتودرمانی
او ردیاب پرتوزا
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Nuclear medicine*

پزشکی هواپیمایی

اع۱ پزشکی
او بی‌وزنی
او هواپیمایی
ان *Aviation medicine*

پژوانگاری قلب

اع۱ تشخیص(پزشکی)
اع۱ تصویرسازی فراصوتی
اع۲ تصویرسازی صوتی
اع۳ فن تصویرسازی
اع۲ کاربرد فراصوتی
اع۳ کاربرد
او قلب‌پزشکی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Echocardiography*

پژوهش

اخ۱ پژوهش آهن
اخ۱ پژوهش خواب
اخ۱ پژوهش رفتاری
اخ۱ پژوهش صنعتی
اخ۱ پژوهش فضایی
اخ۱ پژوهش فولاد
اخ۱ پژوهش مهندسی
اخ۱ پژوهش نفتی
اخ۱ تجربه
اخ۲ کالبدشکافی
اخ۲ مطالعه دستگاه‌های زنده
اخ۱ جستجوی زغال‌سنگ
اخ۱ جستجوی شعله
او آزمایشگاه پژوهشی
او انجمن و موسسه
او علوم طبیعی
او فیزیک
او مهندسی
او نظریه
او هواگرد پژوهشی
او واکنشگاه پژوهشی
ان *Research*

پژوهش آهن

اع۱ پژوهش
او آهن
او پژوهش فولاد
او صنعت آهن و فولاد
ان *Iron research*

پژوهش خواب

اع۱ پژوهش
او فیزیک‌درمانی
او مهندسی فاکتورهای انسانی
ان *Sleep research*

پژوهش رفتاری

اع۱ پژوهش
اع۱ علوم اجتماعی
او اثر اجتماعی و اقتصادی
او مهندسی فاکتورهای انسانی
ان *Behavioral research*

پژوهش صنعتی

اع۱ پژوهش
او تحقیق در عملیات

او مدیریت تحقیق و توسعه
او واحد صنعتی
ان *Industrial research*

پژوهش فضایی

اع۱ پژوهش
او اتصال ارتباطی برون‌زمینی
او اخترشناسی
او اخترفیزیک
او ایستگاه فضایی
او سفر فضایی
او شبیه‌ساز فضایی
او کاربرد فضایی
او مراقبت فضایی
او منظومه شمسی
او نورشناسی فضایی
ان *Space research*

پژوهش فولاد

اع۱ پژوهش
او آزمایش فولاد
او پژوهش آهن
او صنعت آهن و فولاد
او علم مواد
او فولاد
او فولادسازی
ان *Steel research*

پژوهش مهندسی

اع۱ پژوهش
اع۱ مهندسی
ان *Engineering research*

پژوهش نفتی

اع۱ پژوهش
او زمین‌شناسی نفت
او شیمی نفت
او صنعت نفت
ان *Petroleum research*

پساب

اع۱ آب
اع۲ ترکیبات معدنی هیدروژنی
اع۳ ترکیبات معدنی
اع۱ زباله
او آلودگی آب
او بازیافت پساب
او بهسازی پساب
او دفع پساب
ان *Wastewater*

پسار

اع۱ دینامیک سیالات
اع۲ دینامیک
اع۳ مکانیک
اع۲ مکانیک‌سیالات
اع۳ مکانیک
او آیرودینامیک
او تلاطم
او جریان متلاطم
او رد
او معادله ناویر استوکس
او هیدرودینامیک
ان *Drag*

پس‌پراکندگی

اع۱ پراکندگی
اخ۱ پس‌پراکندگی موج الکترومغناطیسی
اخ۱ پس‌پراکندگی موج صوتی
او اثر پخش موج رادیویی
او ارسال رادیویی
او رادار
او سطح مقطع راداری
او طیف‌نمایی پراکندگی رادرفورد
او موج صوتی
ان *Backscattering*

پس‌پراکندگی موج الکترومغناطیسی

اع۱ پراکندگی موج الکترومغناطیسی
اع۲ پراکندگی
اع۱ پس‌پراکندگی
اع۲ پراکندگی
او موج الکترومغناطیسی
ان *Electromagnetic wave backscattering*

پس‌پراکندگی موج صوتی

اع۱ پس‌پراکندگی
اع۲ پراکندگی
او انتشار موج صوتی

ان *Acoustic wave backscattering*

پست الکترونیکی

اع۱ خدمات مخابراتی
اع۲ مخابرات
اع۳ ارتباط
او اشاعه اطلاعات
او خودکارسازی اداره
او داده‌پردازی اداری
او دورسخنی
او سیستم ارتباط داده‌ای
او نمابر
ان *Electronic mail*

پس‌خورد

بج *پس‌خورد حالت*
بج *پس‌خورد منفی*
او تقویت‌کننده پس‌خوردی
او سیبرنتیک
او سیستم کنترل زنجیره‌ای
او سیستم کنترل مدار بسته
او کنترل پس‌خوردی
او نظریه کنترل
ان *Feedback*

پس‌خورد حالت

ب‌ک پس‌خورد

پس‌خورد حسی

اع۱ درمان بیمار
او ادراک حسی
او پروستتیک
او توانبخشی بیمار
او کمک‌حسی
او مهندسی توانبخشی انسانی
ان *Sensory feedback*

پس‌خورد زیستی

او ادراک حسی
او مهندسی فاکتورهای انسانی
ان *Biofeedback*

پس‌خورد منفی

ب‌ک پس‌خورد

پس‌سوز(اجاق)

اع۱ اجاق صنعتی
اع۲ اجاق
اع۳ تجهیزات گرمایش
ان *Afterburner (oven)*

پس‌سوز(موتور)

اع۱ موتور درون‌سوز
اع۲ ماشین گرمایی
اع۳ موتور(با منبع انرژی درونی)
او سیستم فراراندی(موتور)
ان *Afterburner (engine)*

پسماند

اخ۱ پسماند مغناطیسی
او اصطکاک درونی
او جریان گردابی
او موتور پسماندی
او میرایی
او ویژگی کشسی
ان *Hysteresis*

پسماند مغناطیسی

اع۱ پسماند
او بازماند
او تراوایی مغناطیسی
او سنج‌افزار اندازه‌گیری مغناطیسی
او مغناطش
او نیروی وادارنده
ان *Magnetic hysteresis*

پسمانده

اع۱ پسمانده صنعتی
اع۲ زباله
اخ۱ پسمانده زغال‌سنگ
اخ۱ پسمانده کان‌سنگ
ان *Tailing*

پسمانده شیمیایی

اع۱ پسمانده صنعتی
اع۲ زباله
او مواد خطرناک
او مواد شیمیایی
ان *Chemical waste*

پسمانده پرتوزا

ب‌ج *پسمانده رادیواکتیو صنعتی*
ب‌ج *ضایعات هسته‌ای*
اع۱ زباله
اع۱ مواد پرتوزا
اع۲ مواد
او آلودگی آب
او ایزوتوپ پرتوزا
او پرتوزایی
او پسمانده صنعتی
او ترابری پسمانده پرتوزا
او تسویه مجدد سوخت هسته‌ای
او تصفیه فاضلاب
او حفاظت مواد هسته‌ای
او دفع پسمانده پرتوزا
او ذخیره‌سازی پسمانده پرتوزا
او سوخت مصرف‌شده
او شیشه‌درآمیزی پسمانده پرتوزا
او صنعت هسته‌ای
او کپسولی‌کردن پسمانده پرتوزا
او محصول شکافت هسته‌ای
ان *Radioactive waste*

پسمانده چوبی

اع۱ زباله
اخ۱ خاک اره
او فراورده چوبی
ان *Wood waste*

پسمانده رادیواکتیو صنعتی

ب‌ک پسمانده پرتوزا
ب‌ک پسمانده صنعتی

پسمانده زغال‌سنگ

اع۱ پسمانده
اع۲ پسمانده صنعتی
اع۳ زباله
او زغال‌سنگ
او معدن زغال‌سنگ
ان *Coal tailings*

پسمانده سمی

ب‌ک مواد خطرناک

پسمانده صنعتی

ب‌ج *پسمانده رادیواکتیو صنعتی*
اع۱ زباله
اخ۱ پسمانده
اخ۲ پسمانده زغال‌سنگ
اخ۲ پسمانده کان‌سنگ
اخ۱ پسمانده شیمیایی
اخ۱ خاکستر سبک
اخ۱ سرباره
او آلودگی آب
او آلودگی هوا
او بازیافت پساب
او به‌کاربری پسمانده
او پسمانده پرتوزا
او پلاستیک
او دفع پسمانده
او دفع پسمانده صنعتی
او رنگینه
او عمل‌آوری پسمانده صنعتی
او فاضلاب
او فلز قراضه
او فنل
او گاز خروجی
او مواد خروجی
او مواد خطرناک
او واحد صنعتی
ان *Industrial waste*

پسمانده کان‌سنگ

اع۱ پسمانده
اع۲ پسمانده صنعتی
اع۳ زباله
او عمل‌آوری کان‌سنگ
ان *Ore tailing*

پسمانده کشاورزی

اع۱ زباله
اخ۱ پوست میوه(پوشش دانه)
اخ۱ کاه
اخ۱ کود حیوانی
او بیوگاز
او تفاله نیشکر
ان *Agricultural waste*

پشتیبانی خط الکتریکی

اع۱ تکیه‌گاه
اع۲ اجزا
اخ۱ برج الکتریکی
او دیرک
ان *Electric line support*

پشتیبانی زمینی هوافضا

اخ۱ ایستگاه زمینی ماهواره
او ارتباط هواگردی
او انبار موشک
او تجهیزات دورسنجی
او دورسنجی
او راکت
او ردیابی(مکان)
او سیستم دورسنجی
او سیستم فرود هواگرد
او فضاپیما
او مراقبت پرواز
ان *Aerospace ground support*

پشم

اع۱ فراورده کشاورزی
او الیاف پشمی
او منسوجات پشمی و فاستونی
او نخ پشمی و فاستونی
او نمد
ان *Wool*

پشم سرباره
ب‌ک پشم معدنی

پشم معدنی

ب‌ج *پشم سرباره*
اع۱ الیاف مصنوعی
اع۲ الیاف
اع۳ مواد
او الیاف شیشه‌ای
او سرباره
ان *Mineral wool*

پل

اع۱ سازه
اخ۱ اجزای پل
اخ۲ بافه پل
اخ۲ پایه پل
اخ۲ پایه‌بان(پل)
اخ۲ تکیه‌گاه پل
اخ۲ راه پل
اخ۲ عرشه پل
اخ۱ پل آلومینیومی
اخ۱ پل بازودار
اخ۲ پل بازشو
اخ۲ پل بافه‌ای
اخ۱ پل پیاده‌رو
اخ۱ پل پیش‌ساخته
اخ۱ پل چوبی
اخ۱ پل راه‌آهن
اخ۱ پل شاه‌تیر جعبه‌ای
اخ۱ پل شاه‌تیرورقی
اخ۱ پل عوارضی
اخ۱ پل فولادی
اخ۱ پل قوسی
اخ۱ پل متحرک
اخ۲ پل بازشو
اخ۲ پل بالارو
اخ۲ پل گردان
اخ۱ پل مختلط
اخ۲ پل بنایی
اخ۳ پل بتنی
اخ۱ پل معلق
اخ۱ پل موقت
اخ۱ پل نظامی
اخ۱ راپل
او آب‌گذر
او برنامه‌ریزی شهری
او پهن‌سازی(شریان‌های حمل و نقل)
او ترابری
او جاده آب‌گذر
او حد بار
او سازه آبی
او فاصله‌ی آزاد پل
او نرده
ان *Bridge*

پل آلومینیومی

اع۱ پل
اع۲ سازه
او آلومینیوم
ان *Aluminum bridge*

پلاتین

اع۱ فلز گروه پلاتین
اع۲ فلز گرانبها
اع۳ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز واسطه
او آلیاژ پلاتین
او ترکیبات پلاتین
او عمل‌آوری کان‌سنگ پلاتین
او معدن پلاتین
ان *Platinum*

پلاژ

ب‌ک دریاکنار

پلاستی‌سول

اع۱ پلاستیک
اع۲ مواد
اع۱ سل
اع۲ کلوئید
اع۳ پاشیدگی
او رزین وینیلی
او نرم‌کننده
ان *Plastisol*

پلاستیک

اع۱ مواد
اخ۱ اندود مومسان
اخ۱ پلاستی‌سول
اخ۱ پلاستیک اسفنجی
اخ۲ پلاستیک اسفنجی انعطاف‌پذیر
اخ۲ پلاستیک اسفنجی صلب
اخ۱ پلاستیک تقویت‌شده
اخ۲ پلاستیک تقویت‌شده رشته‌ای
اخ۳ پلاستیک تقویت‌شده با الیاف شیشه‌ای
اخ۳ پلاستیک مسلح فیبر کربنی
اخ۲ پلاستیک تقویت‌شده سیمی
اخ۱ پلاستیک رسانا
اخ۱ چندلای مومسان
اخ۱ رشته مومسان
اخ۱ فیلم مومسان
اخ۲ سلوفان
اخ۱ ورقه مومسان
او آمیزه‌کاری(شیمیایی)
او بارگنج مومسان
او بسپار
او بسپارش
او پایدارساز حرارتی
او پرکننده پلاستیک
او پسمانده صنعتی
او تبدیل شیشه‌ای
او چسب
او ریخته‌گری پلاستیک
او شکل‌دهی پلاستیک
او شیرابه
او صنعت پلاستیک
او عامل رهاکننده قالب
او عامل ضدثبات
او عامل کف‌زای
او فراورده مومسان
او قالب مومسان
او قالب‌گیری پلاستیک
او کاربرد پلاستیک
او کارخانه پلاستیک
او ماشین‌آلات پلاستیک
او مخلوط بسپاری
او مخلوط سازی
او مواد پتروشیمیایی
او مواد دی‌الکتریک
او نرم‌کننده
ان *Plastic*

پلاستیک اسفنجی

ب‌ج *پلاستیک متخلخل*
ب‌ج *پلاستیک منبسط*
اع۱ اسفنج
اع۲ مواد متخلخل
اع۳ مواد
اع۱ پلاستیک
اع۲ مواد
اخ۱ پلاستیک اسفنجی انعطاف‌پذیر
اخ۱ پلاستیک اسفنجی صلب
او عامل کف‌زای
او فراورده اسفنجی
او مصالح عایق‌کاری
ان *Foamed plastic*

پلاستیک اسفنجی انعطاف‌پذیر

اع۱ پلاستیک اسفنجی
اع۲ اسفنج
اع۳ مواد متخلخل

اع۲ پلاستیک
اع۳ مواد
ان *Flexible foamed plastic*

پلاستیک اسفنجی صلب

اع۱ پلاستیک اسفنجی
اع۲ اسفنج
اع۳ مواد متخلخل
اع۲ پلاستیک
اع۳ مواد
ان *Rigid foamed plastic*

پلاستیک تقویت‌شده

اع۱ پلاستیک
اع۲ مواد
اع۱ مواد مختلط
اع۲ مواد
اخ۱ پلاستیک تقویت‌شده رشته‌ای
اخ۲ پلاستیک تقویت‌شده با الیاف شیشه‌ای
اخ۲ پلاستیک مسلح فیبر کربنی
اخ۳ پلاستیک تقویت‌شده با الیاف گرافیتی
اخ۱ پلاستیک تقویت‌شده سیمی
او فولادگذاری
ان *Reinforced plastic*

پلاستیک تقویت‌شده با الیاف شیشه‌ای

اع۱ پلاستیک تقویت‌شده رشته‌ای
اع۲ پلاستیک تقویت‌شده
اع۳ پلاستیک
اع۳ مواد مختلط
اع۲ مواد تقویت‌شده رشته‌ای
اع۳ مواد مختلط
او الیاف شیشه‌ای
ان *Glass fiber reinforced plastic*

پلاستیک تقویت‌شده با الیاف گرافیتی

اع۱ پلاستیک مسلح فیبر کربنی
اع۲ پلاستیک تقویت‌شده رشته‌ای
اع۳ پلاستیک تقویت‌شده
اع۳ مواد تقویت‌شده رشته‌ای
او الیاف گرافیتی
ان *Graphite fiber reinforced plastic*

پلاستیک تقویت‌شده رشته‌ای

اع۱ پلاستیک تقویت‌شده
اع۲ پلاستیک
اع۳ مواد
اع۲ مواد مختلط
اع۳ مواد
اع۱ مواد تقویت‌شده رشته‌ای
اع۲ مواد مختلط
اع۳ مواد
اخ۱ پلاستیک تقویت‌شده با الیاف شیشه‌ای
اخ۱ پلاستیک مسلح فیبر کربنی
اخ۲ پلاستیک تقویت‌شده با الیاف گرافیتی
ان *Fiber reinforced plastic*

پلاستیک تقویت‌شده سیمی

اع۱ پلاستیک تقویت‌شده
اع۲ پلاستیک
اع۳ مواد
اع۲ مواد مختلط
اع۳ مواد
اع۱ فراورده سیمی
او سیم
ان *Wire reinforced plastic*

پلاستیک رسانا

اع۱ پلاستیک
اع۲ مواد
اع۱ مواد رسانا
اع۲ مواد
ان *Conductive plastic*

پلاستیک فنلی

ب‌ک رزین فنلی

پلاستیک متخلخل

ب‌ک پلاستیک اسفنجی

پلاستیک مسلح فیبر کربنی

اع۱ پلاستیک تقویت‌شده رشته‌ای
اع۲ پلاستیک تقویت‌شده
اع۳ پلاستیک
اع۳ مواد مختلط
اع۲ مواد تقویت‌شده رشته‌ای
اع۳ مواد مختلط
اخ۱ پلاستیک تقویت‌شده با الیاف گرافیتی
او الیاف کربنی

او کربن
ان *Carbon fiber reinforced plastic*

پلاستیک منبسط
ب‌ک پلاستیک اسفنجی

پلاستیک نیم‌رسانا
ب‌ک بسپار نیم‌رسانا

پلاسر
اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
ان *Placer*

پلاسما
اخ۱ پلاسمای تولیدشده لیزری
اخ۱ پلاسمای نیم‌رسانا
اخ۱ مغناطوپلاسما
او ابزار پلاسما
او ابزار نمایش پلاسما
او اثر تنگش
او انتشار موج الکترومغناطیسی در پلاسما
او بار فضای الکتریکی
او برهم‌کنش پلاسما
او برهم‌کنش پلاسمای موجی
او پایداری پلاسما
او پلاسماافشانی
او پلاسماشناسی
او پوشینه پلاسمایی
او تلاطم پلاسما
او جریان پلاسما
او چگالی پلاسما
او دیود پلاسما
او شبیه‌سازی پلاسما
او فرایند برخورد پلاسما
او فیزیک
او کاربرد پلاسما
او گرمایش پلاسما
او محصورسازی پلاسما
او منبع پلاسما
او مواد نیم‌رسانا
او موج پلاسمایی
او موج شوکی پلاسما
او موجبر پلاسمایی
او نظریه پلاسما
او نوسان پلاسما
ان *Plasma*

پلاسماافشانی
اع۱ افشاندن
اع۱ فن اندایش
اع۲ نهشت
اع۱ کاربرد پلاسما
اع۲ کاربرد
او اندود افشانه‌ای
او اندود محافظ
او پلاسما
ان *Plasma spraying*

پلاسماشناسی
اع۱ اندازه‌گیری
اع۱ کاربرد پلاسما
اع۲ کاربرد
او پلاسما
او چگالی پلاسما
او کاوند پلاسما
ان *Plasma diagnostic*

پلاسمای تولیدشده لیزری
اع۱ پلاسما
او کاربرد لیزر
ان *Laser-produced plasma*

پلاسمای نیم‌رسانا
اع۱ پلاسما
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
ان *Semiconductor plasma*

پلاک اسم
اع۱ برچسب
ان *Nameplate*

پلاک شماره(خودرو)
او خودرو
او قانون و قانونگزاری
ان *License plate (automobile)*

پل اندازه‌گیری الکتریکی

اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او اندازه‌گیری رسانایی الکتریکی
او اندازه‌گیری ظرفیت
او ضریب القاءسنجی
ان *Electric measuring bridge*

پل بازشو

ب‌ج *پل باسکولی*
ب‌ج *پل قپانی*
اع۱ پل بازودار
اع۲ پل
اع۳ سازه
اع۱ پل متحرک
اع۲ پل
اع۳ سازه
ان *Bascule bridge*

پل بازودار

ب‌ج *پل طره‌ای*
اع۱ پل
اع۲ سازه
اخ۱ پل بازشو
اخ۱ پل بافه‌ای
ان *Cantilever bridge*

پل باسکولی

ب‌ک پل بازشو

پل بافه‌ای

اع۱ پل بازودار
اع۲ پل
اع۳ سازه
او بافه پل
ان *Cable stayed bridge*

پل بالارو

اع۱ پل متحرک
اع۲ پل
اع۳ سازه
ان *Lift bridge*

پل بتنی

اع۱ پل بنایی
اع۲ پل مختلط
اع۳ پل
اع۳ سازه مختلط
او ساخت بتنی
ان *Concrete bridge*

پل بنایی

اع۱ پل مختلط
اع۲ پل
اع۳ سازه
اع۲ سازه مختلط
اع۳ سازه
اخ۱ پل بتنی
او ساخت بنایی
ان *Masonry bridge*

پل پیاده‌رو

ب‌ج *پل عابر پیاده*
ب‌ج *روگذر پیاده‌رو*
اع۱ پل
اع۲ سازه
او ایمنی پیاده‌رو
او سیستم بزرگراه
ان *Footbridge*

پل پیش‌ساخته

اع۱ پل
اع۲ سازه
او سازه پیش‌ساخته
ان *Prefabricated bridge*

پل چوبی

اع۱ پل
اع۲ سازه
او ساخت چوبی
ان *Wooden bridge*

پل راه‌آهن

اع۱ پل
اع۲ سازه

اع۱ کارخانه و ساختمان تجهیزات راه‌آهن
اع۲ تسهیلات
اع۲ راه‌آهن
ان *Railroad bridge*

پل شاه‌تیر جعبه‌ای
اع۱ پل
اع۲ سازه
او تیر و شاه‌تیر
ان *Box girder bridge*

پل شاه‌تیرورقی
اع۱ پل
اع۲ سازه
او تیر و شاه‌تیر
ان *Plate girder bridge*

پل طره‌ای
ب‌ک پل بازودار

پل عابر پیاده
ب‌ک پل پیاده‌رو

پل عوارضی
اع۱ پل
اع۲ سازه
او بزرگراه عوارضی
او دستمزد و هزینه
ان *Toll bridge*

پل فولادی
اع۱ پل
اع۲ سازه
او تیر و شاه‌تیر فولادی
او ساختمان فولادی
او فولاد
ان *Steel bridge*

پل قپانی
ب‌ک پل بازشو

پل قوسی
اع۱ پل
اع۲ سازه
او سازه قوسی
ان *Arch bridge*

پلکان
ب‌ک پله

پلکان شیب‌دار فرار
اع۱ جاده و خیابان
اع۲ امکانات همگانی
او پیشگیری حادثه
ان *Escape ramp*

پل گردان
اع۱ پل متحرک
اع۲ پل
اع۳ سازه
ان *Swing bridge*

پل متحرک
اع۱ پل
اع۲ سازه
اخ۱ پل بازشو
اخ۱ پل بالارو
اخ۱ پل گردان
ان *Movable bridge*

پل مختلط
اع۱ پل
اع۲ سازه
اع۱ سازه مختلط
اع۲ سازه
اخ۱ پل بنایی
اخ۲ پل بتنی
ان *Composite bridge*

پل معلق
اع۱ پل
اع۲ سازه
ان *Suspension bridge*

پل موقت
اع۱ پل
اع۲ سازه
ان *Temporary bridge*

پلمه‌سنگ

اع۱ سنگ رسوبی
اع۲ سنگ
اع۳ مواد
اخ۱ پلمه‌سنگ کربن‌دار
اخ۲ پلمه‌سنگ نفتی
او سنگ لوح
ان *Shale*

پلمه‌سنگ کربن‌دار

اع۱ پلمه‌سنگ
اع۲ سنگ رسوبی
اع۳ سنگ
اخ۱ پلمه‌سنگ نفتی
او کربن
ان *Carbonaceous shale*

پلمه‌سنگ نفتی

اع۱ پلمه‌سنگ کربن‌دار
اع۲ پلمه‌سنگ
اع۳ سنگ رسوبی
اع۱ ذخیره سوخت فسیلی
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او پالایش پلمه‌سنگ نفتی
او ذخیره نفتی
او سوخت فسیلی
او صنعت نفت
او فراورش پلمه‌سنگ نفتی
او کروژن
او ماسه نفت‌دار
او نفت پلمه‌سنگ
او نفت خام
ان *Oil shale*

پل نظامی

اع۱ پل
اع۲ سازه
اع۱ تجهیزات نظامی
اع۲ تجهیزات
ان *Military bridge*

پلوتونیم

اع۱ عنصر فراورانیوم
اع۲ آکتینید
اع۳ عنصر پرتوزا
اع۳ فلز غیرآهنی
او آلیاژ پلوتونیم
او ترکیبات پلوتونیم
ان *Plutonium*

پله

ب‌ج *پلکان*
اع۱ اجزای ساختمان
اع۲ ساختمان
اع۳ سازه
او پله‌برقی
او نردبان
ان *Stair*

پله‌برقی

اع۱ ماشین‌آلات
او بالابر
او پله
ان *Escalator*

پلی‌آکریلونیتریل

اع۱ آکریلیک
اع۲ گرمانرم
اع۳ بسپار آلی
ان *Polyacrylonitrile*

پلی‌آکریلیت

اع۱ آکریلیک
اع۲ گرمانرم
اع۳ بسپار آلی
ان *Polyacrylate*

پلی‌آمید

اع۱ گرمانرم
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
اخ۱ بسپار نایلونی
اخ۱ پلی‌سولفون‌آمید
او پلی‌آمیدایمید
ان *Polyamide*

پلی‌آمیدایمید

اع۱ بسپار آروماتیکی
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
او پلی‌آمید
او پلی‌ایمید
ان *Polyamideimide*

پلی‌اتر

اع۱ بسپار آلی
اع۲ بسپار
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ اتر تاجی
اخ۱ پلی‌اتیلن اکسید
اخ۱ پلی‌اتیلن گلیکول
اخ۱ پلی‌پروپیلن اکسید
اخ۱ پلی‌فنیل‌اکسید
اخ۱ رزین اپوکسی
اخ۱ رزین استالی
اخ۱ رزین فنوکسی
او پلی‌اتر اتر کتون
او پلی‌اترایمید
ان *Polyether*

پلی‌اتر اتر کتون

اع۱ گرمانرم
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
او پلی‌اتر
ان *Polyether ether ketone*

پلی‌اترایمید

اع۱ گرمانرم
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
او پلی‌اتر
او پلی‌ایمید
ان *Polyetherimide*

پلی‌اتر گلیکول ب‌ک پلی‌اتیلن گلیکول

پلی‌اتیلن

اع۱ پلی‌اولفین
اع۲ گرمانرم
اع۳ بسپار آلی
اخ۱ پلی‌اتیلن با چگالی زیاد
اخ۱ پلی اتیلن با چگالی کم
اخ۲ پلی‌اتیلن خطی با چگالی کم
اخ۱ پلی‌اتیلن با چگالی متوسط
اخ۱ پلی‌اتیلن با وزن مولکولی بسیار بالا
او اتیلن
او پلی‌بوتن
او پلی‌پروپیلن
ان *Polyethylene*

پلی‌اتیلن اکسید

اع۱ پلی‌اتر
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
او پلی‌اتیلن گلیکول
ان *Polyethylene oxide*

پلی‌اتیلن با چگالی زیاد

اع۱ پلی‌اتیلن
اع۲ پلی‌اولفین
اع۳ گرمانرم
ان *High density polyethylene*

پلی اتیلن با چگالی کم

اع۱ پلی‌اتیلن
اع۲ پلی‌اولفین
اع۳ گرمانرم
اخ۱ پلی‌اتیلن خطی با چگالی کم
ان *Low density polyethylene*

پلی‌اتیلن با چگالی متوسط

اع۱ پلی‌اتیلن
اع۲ پلی‌اولفین
اع۳ گرمانرم
ان *Medium density polyethylene*

پلی‌اتیلن با وزن مولکولی بسیار بالا

اع۱ پلی‌اتیلن
اع۲ پلی‌اولفین
اع۳ گرمانرم
ان *Ultrahigh molecular weight polyethylene*

پلی‌اتیلن ترفتالات
اع۱ بسپار آروماتیکی
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
اع۱ پلی‌استر
اع۲ گرمانرم
اع۳ بسپار آلی
ان *Polyethylene terephthalate*

پلی‌اتیلن خطی با چگالی کم
اع۱ پلی اتیلن با چگالی کم
اع۲ پلی‌اتیلن
اع۳ پلی‌اولفین
ان *Linear low density polyethylene*

پلی‌اتیلن گلیکول
ب‌ج *پلی‌اتر گلیکول*
اع۱ پلی‌اتر
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
او پلی‌اتیلن اکسید
ان *Polyethylene glycol*

پلی‌استال
ب‌ک رزین استالی

پلی‌استر
اع۱ گرمانرم
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
اخ۱ پلی‌اتیلن ترفتالات
او پلی‌کربنات
ان *Polyester*

پلی‌استیرن
اع۱ بسپار آروماتیکی
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
او استیرن
ان *Polystyrene*

پلی‌استیلن
اع۱ بسپار آلی
اع۲ بسپار
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
ان *Polyacetylene*

پلی‌الکترولیت
اع۱ برق‌کاف
اع۲ مواد رسانا
اع۳ مواد
اع۱ بسپار آلی
اع۲ بسپار
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او تبادلگر یونی
ان *Polyelectrolyte*

پلی‌اورتان
اع۱ بسپار آلی
اع۲ بسپار
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
ان *Polyurethane*

پلی‌اولفین
اع۱ گرمانرم
اع۲ بسپار آلی

اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
اخ۱ پلی‌اتیلن
اخ۲ پلی‌اتیلن با چگالی زیاد
اخ۲ پلی اتیلن با چگالی کم
اخ۳ پلی‌اتیلن خطی با چگالی کم
اخ۲ پلی‌اتیلن با چگالی متوسط
اخ۲ پلی‌اتیلن با وزن مولکولی بسیار بالا
اخ۱ پلی‌بوتن
اخ۱ پلی‌پروپیلن
او الیاف مصنوعی
او اولفین
ان *Polyolefin*

پلی‌ایزوپرن

اع۱ کشپار گرمانرم
اع۲ کشپار
اع۳ بسپار آلی
اع۲ گرمانرم
اع۳ بسپار آلی
او لاستیک سنتزی
ان *Polyisoprene*

پلی‌ایمید

اع۱ بسپار آلی
اع۲ بسپار
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او پلی‌اترایمید
او پلی‌آمیدایمید
ان *Polyimide*

پلی‌بوتادین

اع۱ لاستیک سنتزی
اع۲ کشپار
اع۳ بسپار آلی
ان *Polybutadiene*

پلی‌بوتن

اع۱ پلی‌اولفین
اع۲ گرمانرم
اع۳ بسپار آلی
او پلی‌اتیلن
او پلی‌پروپیلن
ان *Polybutene*

پلی‌پپتید

اع۱ بسپار طبیعی
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
او آمینواسید
او پروتئین
ان *Polypeptide*

پلی‌پروپیلن

اع۱ پلی‌اولفین
اع۲ گرمانرم
اع۳ بسپار آلی
او پروپیلن
او پلی‌اتیلن
او پلی‌بوتن
ان *Polypropylene*

پلی‌پروپیلن اکسید

اع۱ پلی‌اتر
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
او پروپیلن
ان *Polypropylene oxide*

پلی‌تترافلوئورواتیلن

ب‌ج *تفلون*
اع۱ بسپار فلئوردار
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات فلئور
اع۳ ترکیبات هالوژنی
ان *Polytetrafluoroethylene*

پلی‌ساکارید

اع۱ بسپار طبیعی
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی

اع۱ کربوهیدرات
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ سلولز
اخ۲ سلولز توسعه‌یافته
اخ۱ کیتین
اخ۱ نشاسته
ان *Polysaccharide*

پلی‌سولفون

اع۱ گرمانرم
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
او پلی‌سولفون‌آمید
ان *Polysulfone*

پلی‌سولفون‌آمید

اع۱ پلی‌آمید
اع۲ گرمانرم
اع۳ بسپار آلی
او پلی‌سولفون
ان *Polysulfonamide*

پلی‌سولفید

اع۱ لاستیک سنتزی
اع۲ کشپار
اع۳ بسپار آلی
ان *Polysulfide*

پلیسه‌گیری

اع۱ برش
اع۱ تکمیل
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
او برش با شعله
او برقوزنی
او تراشیدن
او تمیزکاری فلز
ان *Deburring*

پلی‌سیلان

اع۱ بسپار معدنی
اع۲ بسپار
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۲ ترکیبات معدنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات سیلیسیم
اع۲ ترکیبات شیمیایی
او سیلیکون
ان *Polysilane*

پلی‌فنیلن‌اکسید

اع۱ پلی‌اتر
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
ان *Polyphenylene oxide*

پلی‌کربنات

اع۱ گرمانرم
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
او پلی‌استر
ان *Polycarbonate*

پلی‌متیل متاکریلات

اع۱ آکریلیک
اع۲ گرمانرم
اع۳ بسپار آلی
ان *Polymethyl methacrylate*

پلیمر

ب‌ک بسپار

پلیمریزاسیون

ب‌ک بسپارش

پلی‌وینیل استات

اع۱ رزین وینیلی
اع۲ گرمانرم
اع۳ بسپار آلی
ان *Polyvinyl acetate*

پلی‌وینیل الکل

اع۱ رزین وینیلی

اع۲ گرمانرم
اع۳ بسپار آلی
ان *Polyvinyl alcohol*

پلی‌وینیل کلرید
اع۱ رزین وینیلی
اع۲ گرمانرم
اع۳ بسپار آلی
ان *Polyvinyl chloride*

پلی‌وینیلیدن کلرید
اع۱ رزین وینیلی
اع۲ گرمانرم
اع۳ بسپار آلی
ان *Polyvinylidene chloride*

پمپ
ب‌ک تلمبه

پمپ نوری
ب‌ک دیده‌وری کوانتمی

پناهگاه(تهاجم)
اع۱ تجهیزات نظامی
اع۲ تجهیزات
او پناهگاه(دفاع غیرنظامی)
ان *Shelter (from attack)*

پناهگاه(دفاع غیرنظامی)
اع۱ تسهیلات
او پناهگاه(تهاجم)
او دفاع غیرنظامی
ان *Shelter (civil defense)*

پنبه
اع۱ فراورده کشاورزی
او الیاف پنبه‌ای
او روغن پنبه‌دانه
او سلولز
او مصنوع نساجی
او منسوجات پنبه‌ای
او مواد خمیر کاغذ
او نخ پنبه‌ای
ان *Cotton*

پنبه نسوز
اع۱ مواد
او الیاف نساجی
او ذخیره پنبه نسوز
او سیمان پنبه نسوز
او عمل‌آوری پنبه نسوز
او مصالح عایق‌کاری دمایی
او معدن پنبه نسوز
او مواد خطرناک
ان *Asbestos*

پنجره
اع۱ اجزای ساختمان
اع۲ ساختمان
اع۳ سازه
او توری پنجره
او لایه کنترل خورشیدی
او نورپردازی طبیعی
ان *Window*

پنجره لیزری
اع۱ ابزار نوری
اع۲ تجهیزات
اع۱ لوازم لیزر
اع۲ لوازم
او عدسی
ان *Laser window*

پنکه
اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ دمنده
اخ۲ دوده‌دم
او تابشگر
او تهویه
او ماشین‌آلات پخچال‌دار
ان *Fan*

پنوماتیک
ب‌ک بادگان‌شناسی

پنهان‌کردن تجهیزات جنگی
ب‌ج *استتار*
او تجهیزات نظامی
او عملیات نظامی

او مهندسی نظامی
ان *Camouflage*

پودر

اع۱ مواد
اخ۱ پودر فلز
اخ۲ پودر آهن
اخ۲ پودر مس
اخ۲ پودر منیزیم
او پراش پودری پرتو ایکس
او جداسازی ابعادی
او مواد دانه‌ای
ان *Powder*

پودر آهن

اع۱ پودر فلز
اع۲ پودر
اع۳ مواد
او آهن
او متالورژی پودر
ان *Iron powder*

پودر فلز

اع۱ پودر
اع۲ مواد
اخ۱ پودر آهن
اخ۱ پودر مس
اخ۱ پودر منیزیم
او آلومین
او جداسازی ابعادی
او فراورده فلزی پودری
او فلز
او کاتالیزور
او متالورژی پودر
او مواد دانه‌ای
ان *Powder metal*

پودرکننده زغال‌سنگ

اع۱ آسیاب
اع۲ ماشین‌آلات
او آماده‌سازی زغال‌سنگ
ان *Coal pulverizer*

پودر مس

اع۱ پودر فلز
اع۲ پودر
اع۳ مواد
او متالورژی پودر
او مس
ان *Copper powder*

پودر منیزیم

اع۱ پودر فلز
اع۲ پودر
اع۳ مواد
اع۱ منیزیم
اع۲ فلز قلیایی خاکی
اع۳ فلز غیرآهنی
او متالورژی پودر
او منیزیم
ان *Magnesium powder*

پوزولان

اع۱ سیمان
اع۲ مصالح ساختمانی
اع۳ مواد
او سیمان پرتلند
ان *Pozzolan*

پوزیستور

ب‌ج *مقاومت ضریب دمایی مثبت*
اع۱ مقاومت
اع۲ اجزای شبکه
اع۳ اجزا
اع۳ شبکه(مدار)
ان *Posistor*

پوست

اع۱ مواد زیست‌شناختی
اع۲ مواد
او التهاب پوست
ان *Skin*

پوست میوه(پوشش دانه)

اع۱ پسمانده کشاورزی
اع۲ زباله
ان *Hulls (seed Covering)*

پوسته(سازه)

ب‌چ	*پوسته بادشونده*
اع۱	سازه
او	دیوار(بخش سازه‌ای)
ان	*Shell (structure)*

پوسته بادشونده

ب‌ک	پوسته(سازه)
ب‌ک	سازه بادشونده

پوسته‌پوسته‌شدگی

او	تمیزکاری
او	چسب
او	چسبندگی
او	رنگ‌گیری(جداسازی)
او	لایه‌لایه‌شدگی
ان	*Peeling*

پوسته رشته‌ای

اع۱	غشاء
اع۲	مواد
ان	*Fibrous membrane*

پوسته‌زدایی

او	پرداخت
او	تکمیل
او	تمیزکاری
او	تمیزکاری فراصوتی
او	خوردگی
او	فرایند دستگاه نورد
او	فولاد
ان	*Descaling*

پوسته‌شدگی

او	خستگی مصالح
او	سایش مواد
او	نقص
ان	*Spalling*

پوشاک محافظ

اع۱	تجهیزات
او	ابزار ایمنی
او	کارکنان
او	گوشی استحفاظی
او	ماسک گاز
او	نجات در معدن
ان	*Protective clothing*

پوشش تونل

اع۱	آستره
اع۱	تونل
اع۲	سازه
ان	*Tunnel lining*

پوشش کانال

اع۱	آستره
اع۱	کانال
اع۲	راه آبی درون‌مرزی
ان	*Canal lining*

پوشش آنتن

اع۱	تجهیزات رادار
اع۲	بردیاب
اع۳	سنج‌افزار
اع۱	لوازم آنتن
اع۲	لوازم
او	آنتن رادار
ان	*Radome*

پوشش بام

او	بام
ان	*Roof covering*

پوشش دودکش

اع۱	آستره
اع۱	دودکش
اع۲	اجزای ساختمان
اع۳	ساختمان
ان	*Chimney lining*

پوشش زایش

اع۱	واکنشگاه هسته‌ای
اع۲	تسهیلات
او	واکنشگاه زاینده
ان	*Breeding blanket*

پوشش سوخت هسته‌ای

اع۱	روکش‌کاری(پوشش)

اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت
او سوخت هسته‌ای
او واکنشگاه هسته‌ای
ان *Nuclear fuel cladding*

پوشش صوتی
ب‌ک هوشمندی گفتار

پوشش فلزی
ب‌ک فلز
ب‌ک فن اندایش

پوشش مخزن
اع۱ آستره
اع۱ منبع ذخیره‌سازی آب
اع۲ سازه آبی
اع۳ سازه
ان *Reservoir lining*

پوشینه پلاسمایی
او پلاسما
او فضاپیما
او محصورسازی پلاسما
او موشک
ان *Plasma sheath*

پولونیم
اع۱ شبه فلز
اع۲ نافلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او آلیاژ پلونیوم
او ترکیبات پولونیم
ان *Polonium*

پویانمایی
او تصویر متحرک
او نگاره‌سازی رایانه‌ای
ان *Animation*

پویش‌گر چندطیفی
اع۱ حس‌گر
اع۲ آشکارساز
اع۳ سنج‌افزار
او دوردریافتگری
او روبشگری
ان *Multispectral scanner*

پویش نوری
ب‌ک روبشگری

پ‌هاش
ب‌ج *اسیدینگی*
ب‌ج *بازینگی*
ب‌ج *خصلت قلیایی*
ب‌ج *سوزآوری*
او اثر پ‌هاش
او پ‌هاش‌سنج
او حس‌گر پ‌هاش
او شیمی‌فیزیک
ان *PH*

پ‌هاش‌سنج
اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او پ‌هاش
او حس‌گر پ‌هاش
ان *PH meter*

پهنای نوار
او بسامد طبیعی
او تراکم پهنای نوار
او ظرفیت کانال
ان *Bandwidth*

پهن‌سازی(شریان‌های حمل و نقل)
اع۱ اصلاح
او پل
او جاده و خیابان
او حاشیه جاده
او راه آبی درون‌مرزی
ان *Widening (transportation artery)*

پی
اع۱ سازه
اخ۱ پی زیرآبی
اخ۱ شمع‌پی
اخ۱ لنگرگاه(پی)

او برهم‌کنش ساختار خاک
او پی‌بندی
او دوغاب‌ریزی
او فرونشینی
او گودبرداری
او نشین سازه
ان *Foundation*

پی.ال. وان.(زبان برنامه‌نویسی)
اع۱ زبان سطح بالا
اع۲ زبان برنامه‌نویسی رایانه
ان *PL/1 (programming language)*

پیاده‌رو
اع۱ جاده و خیابان
اع۲ امکانات همگانی
اخ۱ پیاده‌روی قیری
اخ۱ جاده بتنی
اخ۱ روکش پیاده‌رو
او آسفالت
او جاده و خیابان
او جدول خیابان
او ساختار راه
او سیستم بزرگراه
او مسیر خودرو
ان *Pavement*

پیاده‌روی قیری
اع۱ پیاده‌رو
اع۲ جاده و خیابان
اع۳ امکانات همگانی
ان *Asphalt pavement*

پیام‌نما
ب‌ک متن‌نما

پی‌بندی
اع۱ عضو سازه‌ای
اع۲ اجزا
اع۲ سازه
او پی
او ساختمان
ان *Underpinning*

پی‌جویی الکترومغناطیسی
اع۱ پی‌جویی زمین‌فیزیکی
اع۲ اکتشاف منبع طبیعی
او نگاربرداری الکترومغناطیسی
ان *Electromagnetic prospecting*

پی‌جویی الکتریکی
اع۱ پی‌جویی زمین‌فیزیکی
اع۲ اکتشاف منبع طبیعی
اخ۱ پی‌جویی زمینی
او نگاربرداری الکتریکی
ان *Electric prospecting*

پی‌جویی پرتوزا
اع۱ پی‌جویی زمین‌فیزیکی
اع۲ اکتشاف منبع طبیعی
او نگاربرداری پرتوزا
ان *Radioactive prospecting*

پی‌جویی زمین‌فیزیکی
اع۱ اکتشاف منبع طبیعی
اخ۱ اکتشاف لرزه‌ای
اخ۱ پی‌جویی الکترومغناطیسی
اخ۱ پی‌جویی الکتریکی
اخ۲ پی‌جویی زمینی
اخ۱ پی‌جویی پرتوزا
اخ۱ پی‌جویی زمین‌گرمایی
اخ۱ پی‌جویی گرانشی
اخ۱ پی‌جویی مغناطیسی
او اکتشاف نفت
او چاه‌نگاری
او دوردریافتگری
او زمین‌فیزیک
ان *Geophysical prospecting*

پی‌جویی زمین‌گرمایی
اع۱ پی‌جویی زمین‌فیزیکی
اع۲ اکتشاف منبع طبیعی
او منبع آب زمین‌گرمایی
او نگاربرداری زمین‌گرمایی
ان *Geothermal prospecting*

پی‌جویی زمینی
اع۱ پی‌جویی الکتریکی

اع۲ پی‌جویی زمین‌فیزیکی
اع۳ اکتشاف منبع طبیعی
ان *Telluric prospecting*

پی‌جویی گرانشی
اع۱ پی‌جویی زمین‌فیزیکی
اع۲ اکتشاف منبع طبیعی
ان *Gravitational prospecting*

پی‌جویی مغناطیسی
اع۱ پی‌جویی زمین‌فیزیکی
اع۲ اکتشاف منبع طبیعی
او اندازه‌گیری متغیر مغناطیسی
ان *Magnetic prospecting*

پیچ
اع۱ چفت
اع۲ اجزا
اخ۱ پیچ خودسوراخ‌کن
اخ۱ رزوه پیچ
او پیچ‌تراشی
او سنگ‌زنی رزوه
او قلاویزکاری
او نوردکاری پیچی
او واشر
ان *Screw*

پیچ‌تراشی
اع۱ ماشین‌کاری
اخ۱ قلاویزکاری
او پیچ
او تراشکاری
او رزوه پیچ
او سنگ‌زنی رزوه
او فرزکاری(تراشکاری)
او فلزتراشی
او قالب پیچ‌تراشی
او قلاویز
او نوردکاری پیچی
ان *Thread cutting*

پیچ جلوبر
اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
اع۱ محور(اجزای ماشین)
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
اع۳ ماشین‌آلات
ان *Lead screw*

پیچ خودسوراخ‌کن
اع۱ پیچ
اع۲ چفت
اع۳ اجزا
ان *Self drilling screw*

پیچ دوسر(چفت)
اع۱ چفت
اع۲ اجزا
ان *Stud (fastener)*

پیچش
ب‌ج *بازپیچش*
اع۱ جابه‌جایی مواد
اخ۱ رشته‌پیچی
او شکل‌دهی انبساطی
ان *Winding*

پیچش‌سنج
او آزمایش پیچش
ان *Torsion meter*

پیچ‌کردن سنگ
اع۱ اتصال
او زمین‌لغزه
او معدن‌کاری
ان *Rock bolting*

پیچ نر
اع۱ چفت
اع۲ اجزا
او اتصال پیچ‌شده
او کله‌زنی سرد
او محکم‌کردن پیچ
او مهره(چفت)
او واشر

ان *Bolt*

پیچه الکتریکی

اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ سیم‌لوله
او ابزار ابررسانشی
او القاگر الکتریکی
او آهنربای الکتریکی
او تجهیزات رادیویی
او سیم‌پیچ الکتریکی
او ماشین پیچش
او مبدل الکتریکی
او مدار مغناطیسی
او هسته مغناطیسی
او واکنشگاه هسته‌ای اشباع‌پذیر
ان *Electric coil*

پیچیدگی محاسبه‌ای

اع۱ نظریه محاسبه
اع۲ نظریه
او محاسبه‌پذیری و تصمیم‌پذیری
ان *Computational complexity*

پی‌رام

بج *حافظه فقط‌خواندنی برنامه‌پذیر*
اع۱ حافظه فقط خواندنی
اع۲ ذخیره رقمی
اع۳ تجهیزات ذخیره داده‌ها
او آرایه یاخته‌ای
او حافظه دستیابی تصادفی
او حافظه نیم‌رسانا
ان *PROM*

پیرایش

بج *دگرگونی*
اخ۱ تغییر شیمیایی
او نوسازی
ان *Modification*

پیرسختی

اع۱ سخت‌گردانی
او آلیاژسازی مکانیکی
او جامدسازی سریع
او متالورژی
او متالورژی پودر
ان *Dispersion hardening*

پیرو کاتدی

اع۱ تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
ان *Cathode follower*

پیریت

بج *پیریت آهن*
اع۱ ترکیبات آهن
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ کان‌سنگ آهن
اع۲ کان‌سنگ
اع۳ کانی
ان *Pyrite*

پیریت آهن

بک پیریت

پیزوالکتریسیته

اع۱ اثر میدان الکتریکی
اع۲ اثر
اع۱ ویژگی دی‌الکتریکی
اع۲ ویژگی الکتریکی
اع۳ ویژگی فیزیکی
او ابزار پیزوالکتریکی
او تراگذار پیزوالکتریکی
او تف‌الکتریسیته
او تنش
او مواد پیزوالکتریکی
او مواد فروالکتریکی
او مواد نیم‌رسانا
ان *Piezoelectricity*

پی زیرآبی

اع۱ پی
اع۲ سازه
اع۱ سازه زیرآبی
اع۲ سازه
ان *Underwater foundation*

پیستون

اع۱	اجزا
اخ۱	پیستون موتور
او	تلمبه
او	حلقه پیستون
او	ضربه‌گیر
او	ماشین‌آلات یخچال‌دار
او	میله اتصال
ان	*Piston*

پیستون موتور

اع۱	اجزای ماشین
اع۲	اجزا
اع۲	ماشین‌آلات
اع۱	پیستون
اع۲	اجزا
اع۱	موتور درون‌سوز
اع۲	ماشین گرمایی
اع۳	موتور(با منبع انرژی درونی)
ان	*Engine piston*

پیسه

اع۱	پراکندگی نور
اع۲	پراکندگی موج الکترومغناطیسی
اع۳	پراکندگی
او	تداخل نوری
او	تداخل‌سنج تمام‌نگاری
او	تداخل‌سنج هولوگرافیک
او	نور همدوس
ان	*Speckle*

پیش‌افروزش

اع۱	افروزش
اع۲	احتراق
اع۳	واکنش شیمیایی
او	موتور درون‌سوز
ان	*Preignition*

پیش‌بینی

اخ۱	پیش‌بینی بار الکتریکی
اخ۱	پیش‌بینی فناورانه
اخ۱	پیش‌بینی هوا
او	ارزیابی خطرپذیری
او	برنامه‌ریزی
او	خطرپذیری
او	روش آماری
او	زمان‌بندی
او	علم مدیریت
او	مدل ریاضی
او	مدیریت
او	مدیریت تحقیق و توسعه
ان	*Forecasting*

پیش‌بینی بار الکتریکی

اع۱	پیش‌بینی
اع۱	مدیریت بار الکتریکی
اع۲	مدیریت
او	تقسیم بار الکتریکی
او	توزیع بار الکتریکی
او	خدمات برق‌رسانی
ان	*Electric load forecasting*

پیش‌بینی فناورانه

اع۱	پیش‌بینی
او	اثر اجتماعی و اقتصادی
او	استخدام
او	فناوری
ان	*Technological forecasting*

پیش‌بینی هوا

اع۱	پیش‌بینی
او	بالون هواشناسی
او	خدمات اطلاعاتی آب‌وهوا
او	ماهواره هواشناسی
او	مساله هواشناسی
او	هواشناسی
ان	*Weather forecasting*

پیش‌پردازنده *(برنامه رایانه)*

ب‌ک	پردازشگر برنامه

پیش‌تنیدگی

اع۱	ساخت
او	بتن پیش‌تنیده
او	تیر و شاه‌تیر پیش‌تنیده
او	خستگی مصالح
او	طراحی سازه
او	عضو سازه‌ای
او	مصالح پیش‌تنیده

ان *Prestressing*

پیشران

اع۱ موتور(با منبع انرژی درونی)
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ پیشران کشتی
اخ۱ ملخ هواپیما
او پیشرانش
ان *Propeller*

پیشران(مواد)

اع۱ مواد
اخ۱ پیشران جامد
اخ۱ پیشران مایع
او پیشرانش
او پیشرانش فضاپیما
او سوخت هیدروژنی
او فرئون
او منبع تغذیه فضاپیما
او مواد منفجره
او موتور موشک
او موشک
ان *Propellant*

پیشران جامد

اع۱ پیشران(مواد)
اع۲ مواد
ان *Solid propellant*

پیشرانش

اخ۱ پیشرانش الکتریکی
اخ۲ پیشرانش الکترومغناطیسی
اخ۲ پیشرانش یونی
اخ۱ پیشرانش بادی
اخ۱ پیشرانش بخار
اخ۱ پیشرانش چرخ طیار
اخ۱ پیشرانش دیزلی
اخ۱ پیشرانش فتونی
اخ۱ پیشرانش فضاپیما
اخ۱ پیشرانش وسیله نقلیه زمینی
اخ۱ پیشرانش هسته‌ای
اخ۱ پیشرانش هواگرد
اخ۱ پیشرانی کشتی
اخ۲ پیشرانش برگه آب‌بر
اخ۲ پیشرانش جت هیدرولیکی
اخ۲ پیشرانش چرخ پارویی
اخ۲ مکان‌یابی پویا
او پیشران
او پیشران(مواد)
او محرک
او وسیله نقلیه
ان *Propulsion*

پیشرانش الکترومغناطیسی

اع۱ پیشرانش الکتریکی
اع۲ پیشرانش
او پرتاب‌کننده الکترومغناطیسی
او پیشرانش یونی
او موتور موشک
ان *Electromagnetic propulsion*

پیشرانش الکتریکی

اع۱ پیشرانش
اخ۱ پیشرانش الکترومغناطیسی
اخ۱ پیشرانش یونی
او پیشرانی کشتی
او جمع‌آوری جریان الکتریکی
او رانه الکتریکی
او موتور موشک
ان *Electric propulsion*

پیشرانش بادی

اع۱ پیشرانش
او محرک بادی
ان *Pneumatic propulsion*

پیشرانش بخار

اع۱ پیشرانش
او پیشرانی کشتی
او کشتی بخار
ان *Steam propulsion*

پیشرانش برگه آب‌بر

اع۱ پیشرانی کشتی
اع۲ پیشرانش
او برگه آب‌بر
ان *Hydrofoil propulsion*

پیشرانش جت هیدرولیکی

اع۱ پیشرانی کشتی
اع۲ پیشرانش
او محرک هیدرولیکی
ان *Hydraulic jet propulsion*

پیشرانش چرخ پارویی
اع۱ پیشرانی کشتی
اع۲ پیشرانش
ان *Paddle wheel propulsion*

پیشرانش چرخ طیار
اع۱ پیشرانش
او کشش الکتریکی
ان *Flywheel propulsion*

پیشرانش دیزلی
اع۱ پیشرانش
او پیشرانی کشتی
او موتور دیزل
ان *Diesel propulsion*

پیشرانش فتونی
اع۱ پیشرانش
او موتور موشک
ان *Photonic propulsion*

پیشرانش فضاپیما
اع۱ پیشرانش
او پیشران(مواد)
او پیشرانش یونی
او سفر فضایی
او فضاپیما
ان *Spacecraft propulsion*

پیشرانش وسیله نقلیه زمینی
اع۱ پیشرانش
او وسیله نقلیه زمینی
ان *Land vehicle propulsion*

پیشرانش هسته‌ای
اع۱ پیشرانش
او پیشرانی کشتی
او زیردریایی
او موتور جت
او هواپیمای دریایی
او واکنشگاه هسته‌ای
او وسیله نقلیه هسته‌ای
ان *Nuclear propulsion*

پیشرانش هواگرد
اع۱ پیشرانش
او ملخ هواپیما
او هواگرد
او هواگرد بال‌پیشران
ان *Aircraft propulsion*

پیشرانش یونی
اع۱ پیشرانش الکتریکی
اع۲ پیشرانش
او پیشرانش الکترومغناطیسی
او پیشرانش فضاپیما
او موتور موشک
او یون
ان *Ion propulsion*

پیشران کشتی
اع۱ پیشران
اع۲ موتور(با منبع انرژی درونی)
اع۳ ماشین‌آلات
اع۱ تجهیزات کشتی
اع۲ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات آب‌پیما
اع۳ آب‌پیما
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ کشتی
اع۳ آب‌پیما
او پیشرانی کشتی
ان *Ship propeller*

پیشران مایع
اع۱ پیشران(مواد)
اع۲ مواد
اع۱ سوخت مایع
اع۲ سوخت
اع۳ مواد
ان *Liquid propellant*

پیشرانی کشتی

اع۱ پیشرانش
اخ۱ پیشرانش برگه آب‌بر
اخ۱ پیشرانش جت هیدرولیکی
اخ۱ پیشرانش چرخ پارویی
اخ۱ مکان‌یابی پویا
او پیشران کشتی
او پیشرانش الکتریکی
او پیشرانش بخار
او پیشرانش دیزلی
او پیشرانش هسته‌ای
او کشتی
او موتور دریایی
ان *Ship propulsion*

پیشروی آب دریا
ب‌ک نفوذ آب نمک

پیش‌شکل‌دهی
اع۱ شکل‌دهی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او پرس‌کاری فلز
او خشته‌سازی
او سازه پیش‌ساخته
او شکل‌دهی پلاستیک
او فشرده‌سازی
او قالب‌گیری
ان *Preforming*

پیش‌گرمایش
اع۱ گرمایش صنعتی
اع۲ گرمایش
او جوشکاری
ان *Preheating*

پیش‌گرم‌کن
اع۱ مبادله‌کن گرما
اع۲ تجهیزات
او پیش‌گرم‌کن آب مصرفی
او سیستم سرمایش
او مولد بخار
او نیروگاه
ان *Economizer*

پیش‌گرم‌کن هوا
اع۱ مبادله‌کن گرما
اع۲ تجهیزات
او دیگ بخار
ان *Air preheater*

پیش‌گرم‌کن آب مصرفی
ب‌ج *پیش‌گرم‌کن بخار*
اع۱ آب‌گرمکن
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
او بخار(آب)
او پیش‌گرم‌کن
او دیگ بخار
او مبادله‌کن گرما
او نیروگاه
ان *Feedwater heater*

پیش‌گرم‌کن بخار
ب‌ک پیش‌گرم‌کن آب مصرفی

پیشگیر ترکیدگی
اع۱ تجهیزات میدان نفتی
اع۲ تجهیزات
او ابزار ایمنی
او پیشگیری ترکیدگی
او ترکیدگی
ان *Blowout preventer*

پیشگیری
اخ۱ پیشگیری حادثه
اخ۲ ایمنی پیاده‌رو
اخ۲ ایمنی لیزری
اخ۲ پیشگیری ترکیدگی
او ترمیم
او خطر
او خطرپذیری
او نگهداشت
ان *Prevention*

پیشگیری ترکیدگی
اع۱ پیشگیری حادثه
اع۲ پیشگیری
او پیشگیر ترکیدگی

او ترکیدگی
او حفاری چاه نفت
ان *Blowout prevention*

پیشگیری حادثه

بج *ایمنی*
بج *پیشگیری حادثه در راه‌آهن*
بج *مهندسی ایمنی*
اع۱ پیشگیری
اخ۱ ایمنی پیاده‌رو
اخ۱ ایمنی لیزری
اخ۱ پیشگیری ترکیدگی
او ابزار ایمنی
او اجتناب از تصادف
او پلکان شیب‌دار فرار
او جابه‌جایی بی‌خطر
او حادثه
او حادثه بزرگراهی
او حادثه هواگرد
او حفاظت
او حفاظت چشم
او دیواربست
او شناسه(استاندارد)
او ضریب اطمینان
او مقاومت بُرش
او مهندسی محیط
او نشت‌یابی
او واحد صنعتی
ان *Accident prevention*

پیشگیری حادثه در راه‌آهن

ب‌ک پیشگیری حادثه
ب‌ک حادثه راه‌آهن

پیش‌نمونه‌سازی سریع

او تولید به کمک رایانه
او طراحی به کمک رایانه
ان *Rapid prototyping*

پیش‌نمونه نرم‌افزار

اع۱ مهندسی نرم‌افزار
اع۲ کاربرد رایانه
اع۳ کاربرد
ان *Software prototyping*

پیکر(هواگرد)

اع۱ قطعات و تجهیزات هواگرد
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ هواگرد
او بال
ان *Airframe*

پیل سوختی

بج *باتری(پیل سوختی)*
اع۱ باتری الکتریکی
اع۲ تبدیلگر مستقیم انرژی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
او منبع تغذیه فضاپیما
ان *Fuel cell*

پیل الکترونورشیمیایی

اع۱ باتری الکتریکی
اع۲ تبدیلگر مستقیم انرژی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
او پیل خورشیدی
او واکنش نورشیمیایی
ان *Photoelectrochemical cell*

پیل الکتریکی

ب‌ک باتری الکتریکی

پیل براگ

بج *مدوله‌ساز صوتی‌نوری*
اع۱ ابزار صوتی‌نوری
اع۲ ابزار صوتی
اع۳ تجهیزات صوتی
او ابزار فراصوتی
ان *Bragg cell*

پیل خورشیدی

بج *باتری نوری*
بج *باتری(خورشیدی)*
اع۱ تبدیلگر مستقیم انرژی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ تجهیزات خورشیدی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ پیل خورشیدی سولفور کادمیوم

اع۱ پیل خورشیدی سیلسیمی
او اثر فوتوولتایی
او آرایه پیل خورشیدی
او انرژی خورشیدی
او باتری الکتریکی
او پیل الکترونورشیمیایی
او پیل فوتوولتایی
او تولید نیروی الکتریکی
او تولید نیروی خورشیدی
او نیروگاه خورشیدی
ان *Solar cell*

پیل خورشیدی سولفور کادمیوم

اع۱ پیل خورشیدی
اع۲ تبدیلگر مستقیم انرژی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات خورشیدی
اع۳ تجهیزات
او ترکیبات کادمیم نیم‌رسانا
ان *Cadmium sulfide solar cell*

پیل خورشیدی سیلسیمی

اع۱ پیل خورشیدی
اع۲ تبدیلگر مستقیم انرژی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات خورشیدی
اع۳ تجهیزات
او باتری سیلیسیمی
ان *Silicon solar cell*

پیل فتوالکتریک

ب‌ج *پیل فوتونی*
اع۱ ابزار فتوالکتریکی
اع۲ ابزار دیدالکترونیک
اع۳ ابزار نوری
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اخ۱ پیل فوتوولتایی
او ابزار فوتورسانش
او آشکارساز نوری
او تراگذار
او تکثیرکن فوتونی
او دیود نوری
او فوتوالکتریسیته
او نورسنج
ان *Photoelectric cell*

پیل فوتونی
ب‌ک پیل فتوالکتریک

پیل فوتوولتایی

اع۱ پیل فتوالکتریک
اع۲ ابزار فتوالکتریکی
اع۳ ابزار دیدالکترونیک
او اثر فوتوولتایی
او پیل خورشیدی
ان *Photovoltaic cell*

پیلوت خودکار

اع۱ سنج‌افزار هواگرد
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات هواگرد
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ هواگرد
او خودکارسازی
ان *Automatic pilot*

پیمانه

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
اخ۱ برف‌سنج
اخ۱ پیمانه فشار
اخ۲ خلاءسنج
اخ۱ پیمانه مکعب مستطیلی
اخ۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری دما
اخ۲ تف‌سنج
اخ۲ دماسنج
اخ۱ سنجه بادی
اخ۱ سنجه حلقوی
اخ۱ سنجه رزوه پیچ
اخ۱ سیلان‌سنج
اخ۲ جریان‌سنج مغناطیسی
اخ۲ رئومتر
اخ۲ سیلان‌سنج فراصوتی
اخ۲ کنتور آب
اخ۲ گازسنج
اخ۱ ضخامت‌سنج
اخ۱ فشارسنج
اخ۱ کرنش‌سنج
اخ۱ کشندسنج
اخ۱ گاز ایزوتوپ پرتوزا

اخ۱ نشانگر سطح مایع
اخ۲ باران‌سنج
اخ۲ درجه سوخت
او انبساط‌سنج
او سنجش
ان *Gage*

پیمانه فشار

اع۱ پیمانه
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اخ۱ خلاءسنج
او اندازه‌گیری فشار
او فشار
او نشانگر عمق
ان *Pressure gage*

پیمانه مکعب مستطیلی

اع۱ پیمانه
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
ان *Gage block*

پیمایش

ب‌ک اندازه‌گیری

پیوتر

اع۱ آلیاژ قلع
اع۲ آلیاژ فلز سنگین
اع۳ آلیاژ
اع۱ آلیاژ مس
اع۲ آلیاژ فلز واسطه
اع۳ آلیاژ
او آلیاژ آنتیموان
ان *Pewter*

پیوند

اخ۱ گرافت
او پروستتیک
او پیوندکردن(جراحی)
او واکنش میزبان درمقابل پیوند
ان *Transplant*

پیوند تونلی

او ابزار پیوند ژوزف‌سون
او پیوند نیم‌رسانا
او تونل‌زنی الکترونی
ان *Tunnel junction*

پیوند ریزموجی

اع۱ خط ارتباط رادیویی
اع۲ خط ارتباط مخابراتی
اع۳ سیستم مخابراتی
اع۲ سیستم رادیویی
اع۳ سیستم مخابراتی
ان *Microwave link*

پیوندزنی

اخ۱ اتصال انفجاری
اخ۱ پیوندزنی شیشه
اخ۱ پیوندزنی نوردی
اخ۱ چسب‌زنی
اخ۱ لحیم‌کاری
اخ۲ لحیم‌کاری سخت
اخ۳ لحیم‌کاری الکتریکی
اخ۳ لحیم‌کاری با باریکه الکترونی
اخ۳ لحیم‌کاری در خلاء
اخ۱ ورقه‌سازی
او اتصال چسبنده
او اتصال(اجزای سازه‌ای)
او استقامت چسبندگی(مصالح)
او بندکشی(بنایی)
او پخت
او چسب
او چسبندگی
او درزبندی
او دوغاب‌ریزی
او روکش‌کاری(پوشش)
او سخت‌گردانی جرقه‌ای
او سیمان‌کاری
او سیمان‌کاری چاه
ان *Bonding*

پیوندزنی(شیمیایی)

اع۱ واکنش شیمیایی
او هم‌بسپار پیوندی
ان *Grafting (chemical)*

پیوندزنی شیشه

اع۱ پیوندزنی
او سیم
او شیشه
ان *Glass bonding*

پیوندزنی نوردی
اع۱ پیوندزنی
او درزبندی
او فلز نواری
او فلز ورق
او ورقه‌سازی
ان *Roll bonding*

پیوند شیمیایی
اع۱ پیوند هیدروژنی
او انرژی پیوند
او ساختار بلور
او ساختار مولکولی
او صورتبندی
او قدرت پیوند(شیمیایی)
ان *Chemical bond*

پیوندکردن(جراحی)
ب‌ج *پیوندکردن بافت*
ب‌ج *پیوندکردن عضو*
اع۱ جراحی
اع۲ درمان بیمار
او پیوند
او کاشت(جراحی)
او مهندسی زیست‌پزشکی
او واکنش میزبان درمقابل پیوند
ان *Transplantation (surgical)*

پیوندکردن بافت
ب‌ک پیوندکردن(جراحی)

پیوندکردن عضو
ب‌ک پیوندکردن(جراحی)

پیوندگاه(اتصال الکتریکی)
ب‌ک بست الکتریکی

پیوندگاه موجبر
اع۱ اجزای موجبر
اع۲ اجزا
اع۲ موجبر
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
ان *Waveguide junction*

پیوندگاه ناهمگون
ی‌د مرز بین انواع مختلف مواد نیم‌رسانا
ب‌ج *ساختار ناهمگون*
اع۱ پیوند نیم‌رسانا
او ابزار نیم‌رسانا
ان *Heterojunction*

پیوند نوری
ب‌ج *ارتباط لیزری*
اع۱ خط ارتباط مخابراتی
اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
او ارتباط نوری
او کابل نوری
او کاربرد لیزر
او نور
ان *Optical link*

پیوند نیم‌رسانا
اع۱ پیوندگاه ناهمگون
اع۱ چاه کوانتمی نیم‌رسانا
او ابزار نیم‌رسانا
او پیوند تونلی
او سیم کوانتمی نیم‌رسانا
او نقطه کوانتومی نیم‌رسانا
ان *Semiconductor junction*

پیوند هیدروژنی
اع۱ پیوند شیمیایی
او ساختار مولکولی
ان *Hydrogen bond*

تاب ترکیدگی
ب‌ک مقاومت ترکیدگی

تابش
ب‌ج *تابش یونیده*
اع۱ پرتو کیهانی
اع۱ تابش آنتن

اخ۲ شکلواره جهتی(آنتن)
اخ۱ تابش خورشیدی
اخ۱ موج الکترومغناطیسی
اخ۲ پالس الکترومغناطیسی
اخ۲ پرتو ایکس
اخ۲ پرتو گاما
اخ۲ تابش آنتن
اخ۳ شکلواره جهتی(آنتن)
اخ۲ تابش سنکروترون
اخ۲ تابش سیکلوترون
اخ۲ تابش گرمایی
اخ۳ تابش جو
اخ۲ ریزموج
اخ۲ موج میلیمتری
اخ۲ نور
اخ۳ تابش فرابنفش
اخ۳ تابش مادون قرمز
اخ۳ درخشش
اخ۳ نور پرشدت
اخ۳ نور هرز
اخ۳ نور همدوس
اخ۲ هلیکون
او اثر تابش
او اندازه‌گیری پرتوزایی
او پرتوزایی
او تابش‌دهی
او جداسازی ایزوتوپ پرتوزا(تصفیه آب)
او حفاظت تابشی
او خطر تابش
او فیزیک
او گاز پرتوزاد
او محافظ تابش
او موج
ان *Radiation*

تابش آنتن

اع۱ تابش
اع۱ موج الکترومغناطیسی
اع۲ تابش
اع۲ موج
اخ۱ شکلواره جهتی(آنتن)
او آنتن
ان *Antenna radiation*

ب‌ک موج الکترومغناطیسی

تابش جو

اع۱ تابش گرمایی
اع۲ انتقال گرما
اع۲ موج الکترومغناطیسی
اع۳ تابش
اع۳ موج
او تابش مادون قرمز
او ترمودینامیک جو
او جو برون زمینی
او جو زمین
او هواشناسی
ان *Atmospheric radiation*

تابش خورشیدی

اع۱ تابش
او انرژی خورشیدی
او پرتو کیهانی
او تابش مادون قرمز
او جمع‌کن خورشیدی
او حوضه خورشیدی
او متمرکزکننده خورشیدی
او نورپردازی طبیعی
ان *Solar radiation*

تابش‌دهی

اخ۱ بمباران یونی
او تابش
او دستگاه پرتوگیری.نوترون
ان *Irradiation*

تابش‌سنج

اع۱ پرتوسنج
اع۲ آشکارساز تابش
اع۳ آشکارساز
او آشکارساز مادون قرمز
او اندازه‌گیری دما
او اندازه‌گیری متغیر گرمایی
او تابش گرمایی
او سنج‌افزار اندازه‌گیری دما
او سنجنده موج ایستاده
ان *Bolometer*

تابش سنکروترون

اع۱	موج الکترومغناطیسی
اع۲	تابش
اع۲	موج
او	سنکروترون
ان	*Synchrotron radiation*

تابش سیکلوترون

اع۱	موج الکترومغناطیسی
اع۲	تابش
اع۲	موج
ان	*Cyclotron radiation*

تابش‌شمار

ب‌ج	*ذره‌شمار*
ب‌ج	*یون‌شمار*
اع۱	سنج‌افزارگزینی هسته‌ای
اع۲	سنج‌افزار
اع۳	تجهیزات
اخ۱	بلورشمار
اخ۱	شمارگر تناسبی
اخ۱	شمارگر سرنکوف
اخ۱	شمارگر سوسوزن
اخ۱	شمارگر گیگر
اخ۱	شمارگر نیم‌رسانا
او	آشکارساز تابش
او	اندازه‌گیری پرتوزایی
او	لامپ شمارش
او	مقدارسنج
ان	*Radiation counter*

تابش فرابنفش

اع۱	نور
اع۲	موج الکترومغناطیسی
اع۳	تابش
اع۳	موج
او	ابزار فرابنفش
او	آشکارساز فرابنفش
او	سنج‌افزار فرابنفش
او	لامپ فرابنفش
او	لایه اوزون
ان	*Ultraviolet radiation*

تابش کیهانی

ب‌ک	پرتو کیهانی

تابش گاما

ب‌ک	پرتو گاما

تابشگر

اع۱	مبادله‌کن گرما
اع۲	تجهیزات
اخ۱	رادیاتور خودرو
او	انتقال گرما
او	پنکه
او	سیستم سرمایش
ان	*Radiator*

تابشگر صوتی

اع۱	مولد صوتی
اع۲	تجهیزات صوتی
اع۳	تجهیزات
او	اثر دوپلر
او	آرایه صوتی
ان	*Acoustic radiator*

تابش گرمایی

اع۱	انتقال گرما
اع۱	موج الکترومغناطیسی
اع۲	تابش
اع۲	موج
اخ۱	تابش جو
او	اثر گلخانه‌ای
او	تابش مادون قرمز
او	تابش‌سنج
ان	*Heat radiation*

تابش مادون قرمز

ب‌ج	*مادون قرمز*
ب‌ج	*موج مادون قرمز*
اع۱	نور
اع۲	موج الکترومغناطیسی
اع۳	تابش
اع۳	موج
او	ابزار مادون قرمز
او	انتقال مادون قرمز
او	تابش جو
او	تابش خورشیدی
او	تابش گرمایی
او	تصویرسازی مادون قرمز
او	تلویزیون مادون قرمز

او رادار نوری
او کوره مادون قرمز
او گرمایش مادون قرمز
ان *Infrared radiation*

تابش یونده
ب‌ک تابش

تابع
اع۱ فن ریاضی
اخ۱ تابع توصیفی
اخ۱ تابع عضویت
اخ۱ تابع انتقال
اخ۲ تابع انتقال نوری
اخ۱ تابع بازگشتی
اخ۱ تابع بولی
اخ۱ تابع چگالی احتمال
اخ۱ تابع سودهی
اخ۱ تابع گرین
اخ۱ تبدیل ریاضی
اخ۲ تبدیل فوریه
اخ۳ تبدیل سریع فوریه
اخ۲ تبدیل لاپلاس
اخ۲ تبدیل موجک
اخ۲ تبدیل زد
اخ۲ نگاشت همدیس
ان *Function*

تابع توصیفی
اع۱ تابع
اع۲ فن ریاضی
اع۱ فن ریاضی
او تحلیل سیستم کنترل
او ترکیب سیستم کنترل
او روش عددی
او سیستم غیرخطی
او سیستم کنترل قطع و وصل
او نمودار نایکوئیست
ان *Describing function*

تابع عضویت
اع۱ تابع
اع۲ فن ریاضی
او مجموعه فازی
ان *Membership function*

تابع انتقال
اع۱ تابع
اع۲ فن ریاضی
اع۱ فن ریاضی
اخ۱ تابع انتقال نوری
او پاسخ بسامدی
او تحلیل حساسیت
او تحلیل سیستم کنترل
او تحلیل شبکه الکتریکی
او ترکیب سیستم کنترل
او قطب و صفر
او میرایی
ان *Transfer function*

تابع انتقال مدوله‌سازی
ب‌ک تابع انتقال نوری

تابع انتقال نوری
بج *تابع انتقال مدوله‌سازی*
اع۱ تابع انتقال
اع۲ تابع
اع۳ فن ریاضی
اع۲ فن ریاضی
او آزمایش نوری
او داده‌پردازی نوری
او نورشناسی
ان *Optical transfer function*

تابع بازگشتی
اع۱ تابع
اع۲ فن ریاضی
اع۱ منطق صوری
اع۲ نظریه محاسبه
اع۳ نظریه
ان *Recursive function*

تابع بولی
اع۱ تابع
اع۲ فن ریاضی
اع۱ جبر بولی
اع۲ جبر
اع۳ فن ریاضی
اع۱ منطق صوری
اع۲ نظریه محاسبه
اع۳ نظریه

او ارزیابی تابع
او تابع سودهی
ان *Boolean function*

تابع چگالی
ب‌ک تابع چگالی احتمال

تابع چگالی احتمال
ب‌ج *تابع چگالی*
ب‌ج *تابع فراوانی*
اع۱ تابع
اع۲ فن ریاضی
ان *Probability density function*

تابع سودهی
اع۱ تابع
اع۲ فن ریاضی
اع۱ نظریه سودهی
اع۲ نظریه مدار
اع۳ نظریه
او تابع بولی
او سودهی
او کمینه‌سازی شبکه سودهی
ان *Switching function*

تابع فراوانی
ب‌ک تابع چگالی احتمال

تابع گرین
ب‌ج *روش تابع گرین*
اع۱ تابع
اع۲ فن ریاضی
اع۱ معادله دیفرانسیل
اع۲ فن ریاضی
او ذره بنیادی
او مساله مقدار مرزی
او نظریه کوانتومی
ان *Green's function*

تابکاری
ب‌ج *تابکاری حرارتی سریع*
اع۱ عملیات حرارتی
او تنش‌زدایی
او فراوردن شیشه
او واهلش تنش
ان *Annealing*

تابکاری حرارتی سریع
ب‌ک تابکاری

تابکاری شبیه‌سازی‌شده
اع۱ بهینه‌سازی
او الگوریتم ژنتیکی
ان *Simulated annealing*

تاب‌گیری
اع۱ شکل‌دهی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او پرس‌کاری(شکل‌دهی)
او خمش(شکل‌دهی)
او سردکاری
او سیم
او شکل‌دهی انبساطی
او غلتش
او فلزکاری
او گرم‌کاری
او ماشین تاب‌گیری
او محور(اجزای ماشین)
او هم‌خطی
ان *Straightening*

تابلو
اخ۱ تابلوی الکتریکی
اخ۱ تابلوی راهنما
او برچسب
او سیستم علائم
ان *Sign*

تابلوی الکتریکی
اع۱ تابلو
او چشمه نور
او سیستم علائم الکتریکی
ان *Electric sign*

تابلوی بزرگراه
ب‌ک تابلوی راهنما

تابلوی راهنما

ب‌ج	*تابلوی بزرگراه*
اع۱	تابلو
او	جاده و خیابان
او	چراغ راهنما
او	سیستم بزرگراه
او	کنترل شدآمد بزرگراه
او	کنترل شدآمد خیابان
ان	*Traffic sign*

تابلوی سنج‌افزار

اع۱	تجهیزات
اخ۱	داشبورد خودرو
او	سنج‌افزار
ان	*Instrument panel*

تار نوری

اع۱	الیاف مصنوعی
اع۲	الیاف
اع۳	مواد
اخ۱	جفت‌شدگی تار نوری
او	اجزای تار نوری
او	الیاف شیشه‌ای
او	تجهیزات ارتباط نوری
او	ساخت تار نوری
او	شیشه نوری
او	کابل نوری
او	لیزر تاری
او	موجبر نوری
او	نورشناسی تارها
او	هم‌پیوند نوری
ان	*Optical fiber*

تاره بلور

اع۱	تک‌بلور
اع۲	بلور
اع۳	مواد
او	الیاف
او	تماس نقطه‌ای
او	شبکه بلور
او	فلزنگاری
او	فولادگذاری
ان	*Crystal whisker*

تاریخ

او	زندگی‌نامه
او	فناوری
او	مهندسی
ان	*History*

تاسیسات آبی

اع۱	تسهیلات
اخ۱	تونل آب‌رسانی
اخ۱	سیستم آب‌رسانی
اخ۲	خط‌لوله آب
اخ۲	سیستم توزیع آب
اخ۳	رابط ضربدری(توزیع آب)
اخ۳	سیستم پخش آب گرم
اخ۳	سیستم لوله‌کشی آب
او	راهگذر سرریز
ان	*Waterwork*

تاسیسات بطری‌سازی

اع۱	واحد صنعتی فراورده غذایی
اع۲	واحد صنعتی
او	بطری
او	نوشابه
ان	*Bottling plant*

تاسیسات پمپاژ شناور

اع۱	تاسیسات تلمبه‌زنی
اع۲	تسهیلات
ان	*Floating pumping plant*

تاسیسات تلمبه‌زنی

اع۱	تسهیلات
اخ۱	تاسیسات پمپاژ شناور
اخ۱	تاسیسات تلمبه‌زنی زیرزمینی
اخ۱	تاسیسات تلمبه‌زنی فاضلاب
او	آب‌رسانی
او	آبیاری
او	تلمبه
او	خط‌لوله
او	زه‌کشی
او	نیروگاه ذخیره تلمبه‌ای
ان	*Pumping plant*

تاسیسات تلمبه‌زنی زیرزمینی

اع۱	تاسیسات تلمبه‌زنی

اع۲ تسهیلات
اع۱ سازه زیرزمینی
اع۲ سازه
ان *Underground pumping plant*

تاسیسات تلمبه‌زنی فاضلاب

اع۱ تاسیسات تلمبه‌زنی
اع۲ تسهیلات
او تصفیه فاضلاب
او تصفیه‌خانه فاضلاب
او تلمبه فاضلاب
او فاضلاب
ان *Sewage pumping plant*

تاسیسات تولید الکتریکی

اع۱ واحد صنعتی
او تجهیزات الکتریکی
او صنعت الکتریکی
ان *Electric manufacturing plants*

تاکسی

اع۱ خودرو
اع۲ وسیله نقلیه زمینی
اع۳ وسیله نقلیه
اخ۱ تاکسی‌متر
ان *Taxicab*

تاکسی‌متر

اع۱ تاکسی
اع۲ خودرو
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
ان *Taxi meter*

تالار سخنرانی

اع۱ تسهیلات
او ساختمان اپرا
او صحنه
او نمایش‌سرا(قانونی)
ان *Auditorium*

تالک

اع۱ مواد
او استاتیت
او پرکننده
او ذخیره تالک
او معدن تالک
ان *Talc*

تالیم

اع۱ فلز سنگین
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آلیاژ تالیم
او ترکیبات تالیم
او فلزنگاری تالیم
او گازربا
ان *Thallium*

تانتال

اع۱ فلز دیرگداز
اع۲ فلز واسطه
اع۳ فلز
اع۱ فلز غیرآهنی
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او آلیاژ تانتال
او تانتال کاربید
او ترکیبات تانتال
او ذخیره تانتال
او عمل‌آوری کان‌سنگ تانتال
او فلزنگاری تانتال
او کانی تانتالیتی
او متالورژی پودر تانتال
او معدن تانتال
ان *Tantalum*

تانتال کاربید

اع۱ ترکیبات تانتال
اع۲ ترکیبات فلزی دیرگداز
اع۳ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ مواد نسوز
اع۱ کاربید
اع۲ ترکیبات معدنی کربن
اع۳ ترکیبات معدنی
او تانتال
ان *Tantalum carbide*

تانسور

اع۱	جبرخطی
اع۲	جبر
اع۳	فن ریاضی
او	جبر ماتریسی
ان	*Tensors*

تانک(ارتشی)

اع۱	وسیله نقلیه نظامی
اع۲	تجهیزات نظامی
اع۳	تجهیزات
اع۲	وسیله نقلیه
اع۱	وسیله نقلیه زمینی
اع۲	وسیله نقلیه
ان	*Tank (military)*

تایر لاستیکی

ب‌ک	لاستیک چرخ

تبادلگر یونی

اع۱	جداساز
اع۲	تجهیزات
اخ۱	تبادلگر یونی آلی
اخ۱	رزین تبادل یونی
اخ۱	غشای تبادل یونی
او	پلی‌الکترولیت
او	تبادل یونی
او	رس
او	زئولیت
او	کانی رسی
ان	*Ion exchanger*

تبادلگر یونی آلی

اع۱	تبادلگر یونی
اع۲	جداساز
اع۳	تجهیزات
اع۱	ترکیبات آلی
اع۲	ترکیبات شیمیایی
ان	*Organic ion exchanger*

تبادل یونی

اع۱	واکنش شیمیایی
او	آب‌متالورژی
او	تبادلگر یونی
او	تصفیه آب
او	جداسازی
او	خالص‌سازی
او	رزین تبادل یونی
او	غشای تبادل یونی
او	محلول
او	هم‌بسپار پیوندی
او	یون
ان	*Ion exchange*

تبخیر

اع۱	گذار فاز
اخ۱	تبخیر سطحی
اخ۱	تصعید
او	افشاندن
او	بخار
او	تقطیر
او	جداسازی
او	غلظت(فرایند)
او	فرساب
او	گازسازی
او	گرمایش
او	مایع جوشان
او	نمک‌زدایی
او	نهشت با بخار
ان	*Vaporization*

تبخیر سطحی

اع۱	تبخیر
اع۲	گذار فاز
او	آب‌باخت
او	آب‌زدایی
او	پخشیدگی
او	تبخیرکننده
او	تصعید
او	خشک‌سازی
ان	*Evaporation*

تبخیرکننده

اع۱	تجهیزات شیمیایی
اع۲	تجهیزات
او	تبخیر سطحی
او	خشک‌کن(تجهیزات)
او	سیستم تبرید تبخیری
او	ماشین‌آلات یخچال‌دار

ان Evaporator

تبدیل ریاضی

اع۱ تابع
اع۲ فن ریاضی
اع۱ فن ریاضی
اخ۱ تبدیل فوریه
اخ۲ تبدیل سریع فوریه
اخ۱ تبدیل لاپلاس
اخ۱ تبدیل موجک
اخ۱ تبدیل زد
اخ۱ نگاشت همدیس
ان *Mathematical transformation*

تبدیل فاز

ب‌ک گذار فاز

تبدیل فوریه

اع۱ تبدیل ریاضی
اع۲ تابع
اع۳ فن ریاضی
اع۲ فن ریاضی
اخ۱ تبدیل سریع فوریه
او طیف‌نمایی مادون قرمز تبدیل فوریه
او نورشناسی فوریه
ان *Fourier transform*

تبدیل لاپلاس

اع۱ تبدیل ریاضی
اع۲ تابع
اع۳ فن ریاضی
اع۲ فن ریاضی
او نظریه مدار
ان *Laplace transform*

تبدیل موجک

اع۱ تبدیل ریاضی
اع۲ تابع
اع۳ فن ریاضی
اع۲ فن ریاضی
او الگوشناسی
او پردازش سیگنال
ان *Wavelet transform*

تبدیل(زیست‌شناختی)

ب‌ک تبدیل زیستی

تبدیل آستنیتی

اع۱ گذار فاز
او آستنیت
ان *Austenitic transformation*

تبدیل انرژی

اخ۱ تبدیل انرژی حرارتی اقیانوس
اخ۱ تبدیل انرژی موج
اخ۱ تبدیل مستقیم انرژی
اخ۲ تبدیل انرژی گرماالکتریک
اخ۲ تولید توان گرمایونی
اخ۱ تولید نیرو
اخ۲ تولید نیروی الکتریکی
اخ۳ تبدیل مستقیم انرژی
اخ۲ تولید نیروی خورشیدی
اخ۲ تولید نیروی مغناطوهیدرودینامیک
ان *Energy conversion*

تبدیل انرژی حرارتی اقیانوس

اع۱ تبدیل انرژی
او گرمایش
او مهندسی اقیانوس
ان *Ocean thermal energy conversion*

تبدیل انرژی گرماالکتریک

اع۱ تبدیل مستقیم انرژی
اع۲ تبدیل انرژی
اع۲ تولید نیروی الکتریکی
اع۳ تولید نیرو
او تجهیزات گرماالکتریکی
او تولید توان گرمایونی
او گرماالکتریکی
او نیروگاه گرماالکتریکی
ان *Thermoelectric energy conversion*

تبدیل انرژی موج

ی‌د موج آب
اع۱ تبدیل انرژی
او نیروی موج
ان *Wave energy conversion*

تبدیل باینیتی

اع۱ گذار فاز
او باینیت
ان *Bainitic transformation*

تبدیل بسامد نوری

اع۱ نورشناسی غیرخطی
اع۲ نورشناسی
اع۳ فیزیک
او واگردان بسامد
ان *Optical frequency conversion*

تبدیل پرلیتی

اع۱ گذار فاز
او پرلیت
ان *Pearlitic transformation*

تبدیل زد

اع۱ تبدیل ریاضی
اع۲ تابع
اع۳ فن ریاضی
اع۲ فن ریاضی
او پردازش سیگنال
او تحلیل شبکه الکتریکی
او معادله تفاضلی
او نظریه مدار
ان *Z transform*

تبدیل زیستی

ب‌ج *تبدیل(زیست‌شناختی)*
اع۱ واکنش شیمیایی
اخ۱ فساد زیستی
او بیوگاز
او تثبیت نیتروژن
او زیست‌آمایی
او زیست‌توده
او زیست‌شیمی
او زیست‌فناوری
ان *Bioconversion*

تبدیل سریع فوریه

اع۱ تبدیل فوریه
اع۲ تبدیل ریاضی
اع۳ تابع
اع۳ فن ریاضی
ان *Fast Fourier transform*

تبدیل شیشه‌ای

ب‌ج *دمای تبدیل شیشه‌ای*
اع۱ گذار فاز
او پلاستیک
او شیشه
او شیشه‌درآمیزی
ان *Glass transition*

تبدیل‌گر(پالایش فلز)

ب‌ک تبدیلگر اکسیژن قلیایی

تبدیلگر اکسیژن قلیایی

ب‌ج *تبدیل‌گر(پالایش فلز)*
اع۱ کوره متالورژی
اع۲ کارخانه پالایش فلز
اع۳ واحد صنعتی
اع۲ کوره
اع۳ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات گرمایش
او فرایند اکسیژن قلیایی
ان *Basic oxygen converter*

تبدیلگر الکتریکی

اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ تبدیلگر ایستا
اخ۱ تبدیلگر پاگیری منفی
اخ۱ تبدیلگر توان
اخ۲ تبدیلگر چرخشی
اخ۲ یک‌سوساز بخار جیوه‌ای
اخ۱ وارونگر الکتریکی
اخ۱ واگردان بسامد
اخ۲ مدار واگردان بسامد
اخ۳ مدار ازدیاد بسامد
اخ۳ مدار تقسیم بسامد
ان *Electric converter*

تبدیلگر ایستا

اع۱ تبدیلگر الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات

ان *Static converter*

تبدیلگر پاگیری منفی

ب‌ج *مبدل تناسبی منفی*
اع۱ تبدیلگر الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ شبکه فعال
اع۲ شبکه(مدار)
ان *Negative impedance converter*

تبدیلگر توان

اع۱ تبدیلگر الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ تبدیلگر چرخشی
اخ۱ یک‌سوساز بخار جیوه‌ای
او الکترونیک قدرت
او برشگر(مدار)
او مبدل گشتاور نیرو
ان *Power converter*

تبدیلگر چرخشی

ب‌ج *دینامو‌تور*
اع۱ تبدیلگر توان
اع۲ تبدیلگر الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
او ماشین‌آلات الکتریکی
او یک‌سوساز الکتریکی
ان *Rotary converter*

تبدیلگر مستقیم انرژی

اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ باتری الکتریکی
اخ۲ باتری اولیه
اخ۳ باتری لیتیمی
اخ۳ باتری هسته‌ای
اخ۲ باتری ثانویه
اخ۳ باتری نیکل کادمیم
اخ۲ باتری سیلیسیمی
اخ۲ باتری کوچک
اخ۲ پیل سوختی
اخ۲ پیل الکترونورشیمیایی
اخ۱ پیل خورشیدی
اخ۲ پیل خورشیدی سولفور کادمیوم
اخ۲ پیل خورشیدی سیلیسیمی
اخ۱ دیود پلاسما
اخ۱ مبدل مغناطوهیدرودینامیک
او تبدیل مستقیم انرژی
ان *Direct energy converter*

تبدیل مارتنزیتی

اع۱ گذار فاز
او مارتنزیت
ان *Martensitic transformation*

تبدیل مستقیم انرژی

اع۱ تبدیل انرژی
اع۱ تولید نیروی الکتریکی
اع۲ تولید نیرو
اع۳ تبدیل انرژی
اخ۱ تبدیل انرژی گرماالکتریک
اخ۱ تولید توان گرمایونی
او الکتریسیته
او تبدیلگر مستقیم انرژی
او تراگذار
او ذخیره انرژی الکتریکی
او منبع تغذیه فضاپیما
او مولد الکتریکی
ان *Direct energy conversion*

تبلور

ب‌ج *بازبلورش(جداسازی)*
او ابرسیری
او بلور
او بلورساز
او ته‌نشینی(شیمیایی)
او جداسازی
او خالص‌سازی
او رسوب‌گذاری
او رشد بلور
او عملیات شیمیایی
او غلظت(فرایند)
او مواد بلوری
او هسته‌بندی
ان *Crystallization*

تبلیغات

ب‌ک بازاریابی

تپانچه
ب‌ک تفنگ(جنگ‌افزار)

تپ لیزری
اع۱ باریکه لیزری
اع۲ نور همدوس
اع۳ نور
او پدیده فراسریع
او کاربرد لیزر
او کاربرد لیزر تپی
او لیزر
ان *Laser pulse*

تثبیت شکستگی
اع۱ درمان بیمار
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Fracture fixation*

تثبیت نیتروژن
اع۱ واکنش شیمیایی
او باکتری
او تبدیل زیستی
او شوره‌سازی
او نیتروژن
ان *Nitrogen fixation*

تجارت
ب‌ک تجارت بین‌المللی

تجارت بین‌المللی
ب‌ج *تجارت*
ب‌ج *تجارت خارجی*
او بازاریابی
او همکاری بین‌المللی
ان *International trade*

تجارت خارجی
ب‌ک تجارت بین‌المللی

تجدید بارگیری(آب زیرزمینی)
او آب زیرزمینی
او آب‌خیز
او آب‌شناسی
او بازانباشت(منبع آب)
او چاه آب
او چاه زمین‌گرمایی
او منبع آب
او منبع آب زیرزمینی
ان *Recharging (underground water)*

تجدید سوخت واکنشگاه
اع۱ عمل واکنشگاه
او سوخت هسته‌ای
او واکنشگاه هسته‌ای
ان *Reactor refueling*

تجربه
اع۱ پژوهش
اخ۱ کالبدشکافی
اخ۱ مطالعه دستگاه‌های زنده
ان *Experiment*

تجزیه
اع۱ واکنش شیمیایی
اخ۱ آب‌کافت
اخ۲ قندی‌شدگی
اخ۱ تفکافت
اخ۲ ترک‌خوردگی(شیمیایی)
اخ۳ شکست کاتالیزوری
اخ۳ کراکینگ با بخار
اخ۱ تقطیر پلمه‌سنگ نفتی
اخ۱ نورکافت
اخ۱ واپاشی(آلی)
او افت
او تفکیک
او زوال
او فروپاشی
او هوازدگی
ان *Decomposition*

تجزیه آب
اع۱ تجزیه شیمیایی
اع۲ تجزیه و تحلیل
اخ۱ تجزیه آب مصرفی
او آب‌رسانی
او آلودگی آب
او باکتری‌شناسی آب
او تصفیه آب
ان *Water analysis*

تجزیه آب مصرفی

اع۱ تجزیه آب
اع۲ تجزیه شیمیایی
اع۳ تجزیه و تحلیل
او دیگ بخار
ان *Feedwater analysis*

تجزیه به روش رنگ‌سنجی

اع۱ تجزیه شیمیایی
اع۲ تجزیه و تحلیل
او رنگ‌سنج
او طیف‌نورسنج
او طیف‌نورسنجی
ان *Colorimetric analysis*

تجزیه جزئی

اع۱ تجزیه شیمیایی
اع۲ تجزیه و تحلیل
ان *Trace analysis*

تجزیه حرارتی

ب‌ک تفکافت

تجزیه سوخت گازی

ب‌ج *تجزیه گاز*
اع۱ تجزیه شیمیایی
اع۲ تجزیه و تحلیل
او سنجش حجمی
او سوخت گازی
او کروماتوگرافی گازی
او گاز
ان *Gas fuel analysis*

تجزیه شبکه خطی

اع۱ تحلیل شبکه الکتریکی
اع۲ نظریه مدار
اع۳ نظریه
او ترکیب شبکه خطی
او شبکه خطی
ان *Linear network analysis*

تجزیه شیمیایی

ب‌ج شیمی‌تجزیه
اع۱ تجزیه و تحلیل
اخ۱ آنالیز فلز
اخ۲ آنالیز آهن
اخ۲ آنالیز فولاد
اخ۱ تجزیه آب
اخ۲ تجزیه آب مصرفی
اخ۱ تجزیه به روش رنگ‌سنجی
اخ۱ تجزیه جزئی
اخ۱ تجزیه سوخت گازی
اخ۱ تجزیه طیفی
اخ۱ تجزیه فاضلاب
اخ۱ تجزیه فعال‌سازی
اخ۲ تجزیه نوترونی
اخ۲ تجزیه و تحلیل رادیواکتیوایی
اخ۱ تجزیه قطبش‌نگاری
اخ۱ تجزیه کان‌سنگ
اخ۱ تجزیه کروماتوگرافیک
اخ۱ تجزیه گازهای خون
اخ۱ تجزیه گرمایی
اخ۲ تجزیه گرماوزنی
اخ۲ تجزیه گرمایی تفاضلی
اخ۱ تجزیه مقادیر خیلی کم
اخ۱ تجزیه نفت
اخ۱ تجزیه و تحلیل برق‌کافتی
اخ۱ تجزیه وزنی
اخ۲ تجزیه گرماوزنی
اخ۱ تعیین گوگرد
اخ۱ زمین‌شیمی تجزیه‌ای
اخ۱ سنجش حجمی
اخ۲ تیترکردن
اخ۱ عیار
اخ۲ سنجش زیستی
او الکترود یون‌گزین
او اندازه‌گیری
او تجهیزات تجزیه
او تحلیل پراش پرتو ایکس
او تحلیل پرتو ایکس
او ترکیب(نسبت اجزای سازنده)
او جهش‌زا
او شناساگر(شیمیایی)
او شیمی
او شیمی‌فیزیک
او قطبش‌سنج
او قطبش‌نما
او کاوش سطحی قمری
او کدری‌سنج
او ناخالصی

او نمونه‌برداری
او نورسنجی
ان *Chemical analysis*

تجزیه طیفی

ی‌د کاربرد در طیف‌نگاری در تجزیه شیمیایی
اع۱ تجزیه شیمیایی
اع۲ تجزیه و تحلیل
او طیف‌سنج
او طیف‌نگار
او طیف‌نمایی
او طیف‌نورسنج
او طیف‌نورسنجی
ان *Spectroscopic analysis*

تجزیه فاضلاب

اع۱ تجزیه شیمیایی
اع۲ تجزیه و تحلیل
او باکتری‌شناسی فاضلاب
او تصفیه فاضلاب
او فاضلاب
ان *Sewage analysis*

تجزیه فعال‌سازی

اع۱ تجزیه شیمیایی
اع۲ تجزیه و تحلیل
اخ۱ تجزیه نوترونی
اخ۱ تجزیه و تحلیل رادیواکتیوایی
ان *Activation analysis*

تجزیه قطبش‌نگاری

ب‌ج *قطبش‌نگاری*
اع۱ تجزیه شیمیایی
اع۲ تجزیه و تحلیل
او الکتروشیمی
او سنجش حجمی
او قطبش نگار
او قطبش‌سنج
ان *Polarographic analysis*

تجزیه کان‌سنگ

اع۱ تجزیه شیمیایی
اع۲ تجزیه و تحلیل
او کان‌سنگ
او نمونه‌برداری کان‌سنگ
ان *Ore analysis*

تجزیه کروماتوگرافیک

اع۱ تجزیه شیمیایی
اع۲ تجزیه و تحلیل
او جداسازی
او کروماتوگرافی
او نفوذ
ان *Chromatographic analysis*

تجزیه‌کننده طیف

اع۱ تجهیزات
او تحلیل طیف
ان *Spectrum analyzer*

تجزیه گاز

ب‌ک تجزیه سوخت گازی

تجزیه گازهای خون

اع۱ تجزیه شیمیایی
اع۲ تجزیه و تحلیل
او اشباع اکسیژن هموگلوبین
او حس‌گر
او حس‌گر فشار جزئی
او خون
او زیست‌شیمی
ان *Blood gas analysis*

تجزیه گرماوزنی

ب‌ج *گرماوزنی*
اع۱ تجزیه گرمایی
اع۲ تجزیه شیمیایی
اع۳ تجزیه و تحلیل
اع۱ تجزیه وزنی
اع۲ تجزیه شیمیایی
اع۳ تجزیه و تحلیل
ان *Thermogravimetric analysis*

تجزیه گرمایی

اع۱ تجزیه شیمیایی
اع۲ تجزیه و تحلیل
اخ۱ تجزیه گرماوزنی
اخ۱ تجزیه گرمایی تفاضلی

او اثر گرما
او گرماسنجی
ان *Thermoanalysis*

تجزیه گرمایی تفاضلی

اع۱ تجزیه گرمایی
اع۲ تجزیه شیمیایی
اع۳ تجزیه و تحلیل
او گرماسنجی پویشی تفاضلی
ان *Differential thermal analysis*

تجزیه مقادیر خیلی کم

اع۱ تجزیه شیمیایی
اع۲ تجزیه و تحلیل
او تجزیه نوترونی
او تجزیه وزنی
او سنجش حجمی
ان *Microanalysis*

تجزیه نفت

اع۱ تجزیه شیمیایی
اع۲ تجزیه و تحلیل
او تعیین گوگرد
او شیمی نفت
او صنعت نفت
او نفت خام
ان *Petroleum analysis*

تجزیه نوترونی

اع۱ تجزیه فعال‌سازی
اع۲ تجزیه شیمیایی
اع۳ تجزیه و تحلیل
او تجزیه مقادیر خیلی کم
او دستگاه پرتوگیری نوترون
او طیف‌سنج جرمی
او طیف‌سنجی جرمی
او نوترون
ان *Neutron activation analysis*

تجزیه و تحلیل

اخ۱ تجزیه شیمیایی
اخ۲ آنالیز فلز
اخ۳ آنالیز آهن
اخ۳ آنالیز فولاد
اخ۲ تجزیه آب
اخ۳ تجزیه آب مصرفی
اخ۲ تجزیه به روش زنگ‌سنجی
اخ۲ تجزیه جزئی
اخ۲ تجزیه سوخت گازی
اخ۲ تجزیه طیفی
اخ۲ تجزیه فاضلاب
اخ۲ تجزیه فعال‌سازی
اخ۳ تجزیه نوترونی
اخ۳ تجزیه و تحلیل رادیواکتیوایی
اخ۲ تجزیه قطبش‌نگاری
اخ۲ تجزیه کان‌سنگ
اخ۲ تجزیه کروماتوگرافیک
اخ۲ تجزیه گازهای خون
اخ۲ تجزیه گرمایی
اخ۳ تجزیه گرماوزنی
اخ۳ تجزیه گرمایی تفاضلی
اخ۲ تجزیه مقادیر خیلی کم
اخ۲ تجزیه نفت
اخ۲ تجزیه و تحلیل برق‌کافتی
اخ۲ تجزیه وزنی
اخ۳ تجزیه گرماوزنی
اخ۲ تعیین گوگرد
اخ۲ زمین‌شیمی تجزیه‌ای
اخ۲ سنجش حجمی
اخ۳ تیترکردن
اخ۲ عیار
اخ۳ سنجش زیستی
اخ۱ تجزیه و تحلیل به کمک رایانه
اخ۲ تجزیه و تحلیل شبکه به کمک رایانه
اخ۱ تحلیل تصویر
اخ۱ تحلیل تنش
اخ۱ تحلیل خرابی
اخ۱ تحلیل درشتی ذره
اخ۱ تحلیل شدآمد تلفنی
اخ۱ تحلیل شکل موج
اخ۲ تحلیل طیف
اخ۳ تجزیه و تحلیل گفتار
اخ۱ کاوش سطحی قمری
او آزمایش
او بازرسی
او سنتز(شیمیایی)
او نمونه‌برداری
ان *Analysis*

تجزیه و تحلیل اطلاعات

اع۱ علم اطلاع‌رسانی
اخ۱ بازیابی اطلاعات
اخ۲ جستجوی درون‌خطی
اخ۱ ترجمه(زبان)
اخ۲ ترجمه رایانه‌ای
اخ۱ چکیده‌نویسی
اخ۱ طبقه‌بندی اطلاعات
اخ۱ فهرست‌نویسی(اطلاعات)
اخ۱ کنترل واژگان
او سیستم بازیابی اطلاعات
او نظام اطلاعات مدیریت
ان *Information analysis*

تجزیه و تحلیل برق‌کافتی

اع۱ تجزیه شیمیایی
اع۲ تجزیه و تحلیل
او برق‌کافت
او تجزیه وزنی
او حس‌گر الکتروشیمیایی
ان *Electrolytic analysis*

تجزیه و تحلیل به کمک رایانه

اع۱ تجزیه و تحلیل
اع۱ کاربرد رایانه
اع۲ کاربرد
اخ۱ تجزیه و تحلیل شبکه به کمک رایانه
او شبیه‌سازی رایانه‌ای
او طراحی به کمک رایانه
ان *Computer aided analysis*

تجزیه و تحلیل داده‌ها

ب‌ک تحویل داده‌ها

تجزیه و تحلیل رادیواکتیوایی

اع۱ تجزیه فعال‌سازی
اع۲ تجزیه شیمیایی
اع۳ تجزیه و تحلیل
ان *Radioactivation analysis*

تجزیه و تحلیل سیستم‌ها

ب‌ج *طراحی سیستم‌ها*
اخ۱ روندنما
او برنامه‌نویسی سیستم رایانه
او بهینه‌سازی
او تحقیق در عملیات
او تحلیل مسیر بحرانی
او جدول تصمیم
او شبیه‌سازی
او مدل ریاضی
او مستندسازی برنامه سیستم
او مهندسی ارزش
او مهندسی سیستم‌ها
او نظریه اطلاعات
او نظریه تصمیم
ان *Systems analysis*

تجزیه و تحلیل شبکه به کمک رایانه

اع۱ تجزیه و تحلیل به کمک رایانه
اع۲ تجزیه و تحلیل
اع۲ کاربرد رایانه
اع۳ کاربرد
اع۱ تحلیل شبکه الکتریکی
اع۲ نظریه مدار
اع۳ نظریه
ان *Coniputer aided network analysis*

تجزیه و تحلیل شبکهٔ غیرخطی

اع۱ تحلیل شبکه الکتریکی
اع۲ نظریه مدار
اع۳ نظریه
او ساخت شبکه غیرخطی
او شبکه غیرخطی
ان *Nonlinear network analysis*

تجزیه و تحلیل شغل

اع۱ مدیریت
او ارگونومی
او تحقیق در عملیات
او ساده‌سازی کار
او کارکنان
او کنترل تولید
او مطالعه زمان و حرکت
او مهندسی فاکتورهای انسانی
ان *Job analysis*

تجزیه و تحلیل گفتار

ب‌ج *آواشناسی*
اع۱ تحلیل طیف
اع۲ تحلیل شکل موج

اع۳ تجزیه و تحلیل
او بازشناسی گفتار
او پردازش سیگنال صوتی
او پردازش گفتار
او ترکیب گفتار
او رمزگذاری گفتار
او گفتار
ان *Speech analysis*

تجزیه وزنی

ب‌ج *گرانی‌سنجی*
اع۱ تجزیه شیمیایی
اع۲ تجزیه و تحلیل
اخ۱ تجزیه گرماوزنی
او تجزیه مقادیر خیلی کم
او تجزیه و تحلیل برق‌کافتی
او سنجش حجمی
ان *Gravimetric analysis*

تجهیز(آب‌پیما)

ب‌ج *تجهیز قایق*
ب‌ج *تجهیز کشتی*
او تکیه‌گاه زیر کشتی
او حوض خشک
او کشتی
او کشتی‌سازی
ان *Outfitting (water craft)*

تجهیزات

اخ۱ آدمک
اخ۲ آدمک برنامه‌پذیر
اخ۲ آدمک پیمانه‌ای
اخ۲ آدمک چندمنظوره
اخ۲ آدمک شبیه انسان
اخ۲ آدمک صنعتی
اخ۲ آدمک متحرک
اخ۲ آدمک هوشمند
اخ۲ بازوی آدمکی
اخ۱ آویز نورسان
اخ۱ ابزار
اخ۲ ابزار الکتریکی
اخ۲ ابزار بادی
اخ۲ ابزار به‌کاراندازی مواد منفجره
اخ۲ ابزار تراش
اخ۳ ابزار تراش الماسه
اخ۳ ابزار تراش دندان
اخ۳ ابزار تراش کاربید
اخ۳ ابزار تراشکاری سرامیک
اخ۳ ابزار حفره‌کنی
اخ۳ اره
اخ۳ برقو
اخ۳ جیگ
اخ۳ چرخ سنگ‌زنی
اخ۳ خان‌کش
اخ۳ دنده‌تراش
اخ۳ سوهان و چوب‌سای
اخ۳ قالب پیچ‌تراشی
اخ۳ قلاویز
اخ۳ ماشین شکاف‌زنی
اخ۳ ماشین شیارزن
اخ۳ ماشین شیشه‌بری
اخ۳ مته
اخ۳ نگهدارنده بیتی
اخ۲ ابزار خم‌کاری
اخ۲ ابزار سرامیکی
اخ۳ ابزار تراشکاری سرامیک
اخ۲ ابزار کاربید
اخ۳ ابزار تراش کاربید
اخ۳ قالب کاربید
اخ۲ ابزار گیرش
اخ۲ ابزار نجاری
اخ۲ ابزار هیدرولیکی
اخ۲ برس
اخ۲ دست‌افزار
اخ۳ چکش
اخ۲ سه‌نظام
اخ۲ ماشین‌ابزار
اخ۳ ابزار فلزکاری
اخ۳ پرس منگنه
اخ۳ پیچ جلوبر
اخ۳ دستگاه تراش
اخ۳ صفحه‌تراش دروازه‌ای
اخ۳ قالب آهنگری
اخ۳ ماشین پرچ‌کاری
اخ۳ ماشین‌آلات نجاری
اخ۳ ماشین‌ابزار فراصوتی
اخ۳ ماشین‌ابزار مخصوص
اخ۳ ماشین برش اکسیژنی
اخ۳ ماشین پرداخت
اخ۳ ماشین جلاکاری
اخ۳ ماشین جوشکاری

اخ۳ ماشین چرخ‌دنده‌تراشی
اخ۳ ماشین حفاری(ابزار ماشینی)
اخ۳ ماشین حفره‌کنی(ابزار ماشینی)
اخ۳ ماشین خان‌کشی
اخ۳ ماشین سنگ‌زنی
اخ۳ ماشین سنگ‌کاری پرداخت
اخ۳ ماشین شکاف‌زنی
اخ۳ ماشین شیارزن
اخ۳ ماشین شیشه‌بری
اخ۳ ماشین صیقل‌کاری
اخ۳ مرکز ماشین‌کاری
اخ۱ ابزار ابررسانشی
اخ۲ آهنربای ابررسانشی
اخ۲ ابزار پیوند ژوزف‌سون
اخ۲ خط الکتریکی ابررسانشی
اخ۲ کابل ابررسانشی
اخ۲ کریوترون
اخ۱ ابزار ایمنی
اخ۲ آشکارساز حریق
اخ۳ آشکارساز دود
اخ۲ ابزار ایمنی خودرو
اخ۳ کمربند ایمنی خودرو
اخ۳ کیسه هوای خودرو
اخ۲ عینک ایمنی
اخ۲ گوشی استحفاظی
اخ۲ ماسک گاز
اخ۱ ابزار پلاسما
اخ۲ ابزار توکامک
اخ۲ ابزار نمایش پلاسما
اخ۲ تفنگ پلاسما
اخ۲ دیود پلاسما
اخ۲ شتاب‌دهنده پلاسما
اخ۲ مشعل پلاسمایی
اخ۲ موجبر پلاسمایی
اخ۱ ابزار گسیل فوتونی
اخ۲ کاتد فوتوالکتریک
اخ۱ ابزار مغناطیسی
اخ۲ آهنربا
اخ۳ آهنربای الکتریکی
اخ۳ آهنربای دائمی
اخ۳ آهنربای شتاب‌دهنده
اخ۲ ابزار اثر هال
اخ۳ تراگذار اثر هال
اخ۲ ابزار با لایه نازک مغناطیسی
اخ۳ ذخیره با فیلم مغناطیسی
اخ۲ ابزار حباب مغناطیسی

اخ۳ حافظه حباب مغناطیسی
اخ۲ ابزار دگرسانی مغناطیسی
اخ۲ ابزار فریتی
اخ۲ ابزار منطقی مغناطیسی
اخ۲ ابزار نورمغناطیسی
اخ۲ پالایه مغناطیسی
اخ۲ ترازوی مغناطیسی
اخ۲ تقویت‌کننده مغناطیسی
اخ۳ تقویت‌کننده مغناطیسی چرخان
اخ۲ تلمبه الکترومغناطیسی
اخ۲ جداساز مغناطیسی
اخ۲ جریان‌سنج مغناطیسی
اخ۲ ذخیره مغناطیسی
اخ۳ حافظه حباب مغناطیسی
اخ۳ ذخیره با فیلم مغناطیسی
اخ۳ ذخیره دیسک مغناطیسی
اخ۳ ذخیره نوار مغناطیسی
اخ۳ ذخیره هسته مغناطیسی
اخ۳ هد مغناطیسی
اخ۲ عدسی مغناطیسی
اخ۲ مگنترون
اخ۲ مگنتو
اخ۲ یاتاقان مغناطیسی
اخ۱ ابزار منطقی
اخ۲ ابزار منطقی مغناطیسی
اخ۲ دستگاه منطقی سیالی
اخ۲ عنصر آستانه‌ای
اخ۲ گیت منطقی
اخ۱ ابزار نمایش
اخ۲ ابزار نمایش پلاسما
اخ۲ پرده فلورسانس
اخ۲ نمایشگر بلور مایع
اخ۲ نمایشگر رایانه
اخ۲ نمایشگر سنج‌افزار
اخ۳ صفحه نمایش رادار
اخ۱ ابزار نوری
اخ۲ آینه
اخ۲ ابزار الکترونوری
اخ۲ ابزار دیدالکترونیک
اخ۳ ابزار فتوالکتریکی
اخ۲ ابزار فرابنفش
اخ۳ آشکارساز فرابنفش
اخ۲ ابزار مادون قرمز
اخ۳ آشکارساز مادون قرمز
اخ۳ طیف‌سنج مادون قرمز
اخ۳ طیف‌نگار مادون قرمز

اخ۲	ابزار نورمغناطیسی
اخ۲	افشان(نوری)
اخ۲	باریکه شکاف نوری
اخ۲	پالایه نوری
اخ۲	پروژکتور نوری
اخ۲	پنجره لیزری
اخ۲	تشدیدگر نوری
اخ۳	تشدیدکننده لیزری
اخ۲	حس‌گر نوری
اخ۳	حس‌گر تار نوری
اخ۲	دوربین دوچشمی
اخ۲	شاتر نوری
اخ۳	شاتر دوربین
اخ۲	شبکه پراش
اخ۲	عدسک
اخ۲	عدسی داخل چشمی
اخ۲	عدسی سنج‌افزار نوری
اخ۳	عدسی دوربین
اخ۲	عدسی مومسان
اخ۲	عنصر نوری تمام‌نگاری
اخ۲	منشور
اخ۲	موازی‌ساز نوری
اخ۲	موجبر نوری
اخ۱	ادوات کشاورزی
اخ۱	افشان(مایع)
اخ۱	باند نشست اضطراری
اخ۱	برآر قایق
اخ۱	برف‌روب
اخ۱	برق‌گیر
اخ۱	بست لوله‌کشی
اخ۱	پاتیل
اخ۱	پرده تصویراندازی
اخ۱	پرده تصویر متحرک
اخ۱	پوشاک محافظ
اخ۱	تابلوی سنج‌افزار
اخ۲	داشبورد خودرو
اخ۱	تجزیه‌کننده طیف
اخ۱	تجهیزات احتراق
اخ۲	کوره
اخ۳	آستره کوره
اخ۳	تجهیزات بارگیری(کوره)
اخ۳	زباله‌سوز
اخ۳	کوره آجرپزی
اخ۳	کوره آزمایشگاهی
اخ۳	کوره الکتریکی
اخ۳	کوره بستر سیال
اخ۳	کوره ذوب
اخ۳	کوره زغال‌سنگ‌سوز
اخ۳	کوره شیشه
اخ۳	کوره صنعتی
اخ۳	کوره عملیات حرارتی
اخ۳	کوره کک‌سوز
اخ۳	کوره گازسوز
اخ۳	کوره گرمایش
اخ۳	کوره گرمایش فضا
اخ۳	کوره متالورژی
اخ۳	کوره نفتی
اخ۳	کوره هم‌دماباز
اخ۳	گرماپس‌ده
اخ۳	مشعل سوختی
اخ۲	محترق‌کننده
اخ۳	کوره با بستر شارانیده
اخ۲	محفظه احتراق
اخ۱	تجهیزات اداری
اخ۲	ماشین تحریر
اخ۳	دورچاپگر
اخ۳	صفحه‌کلید ماشین تحریر
اخ۳	ماشین تحریر الکتریکی
اخ۱	تجهیزات اطفای حریق
اخ۲	آتش‌خاموش‌کن
اخ۲	سیستم آب‌پاشی(اطفای حریق)
اخ۲	شیر آتش‌نشانی
اخ۲	قایق جنگی
اخ۱	تجهیزات اقیانوس‌شناسی
اخ۲	زیردریایی اقیانوس‌شناسی
اخ۲	سنج‌افزار اقیانوس‌شناسی
اخ۱	تجهیزات الکترونیکی
اخ۲	آلات موسیقی الکترونیکی
اخ۲	ابزار الکترونوری
اخ۲	ابزار پارامتری
اخ۳	تقویت‌کننده پارامتری
اخ۳	نوسان‌ساز پارامتری
اخ۲	ابزار دیدالکترونیک
اخ۳	ابزار فتوالکتریکی
اخ۳	تقویت‌کننده تصویر(حالت جامد)
اخ۳	حس‌گر تصویر
اخ۳	دیود نورگسیل
اخ۳	مدار مجتمع نورالکترونیکی
اخ۲	ابزار رقمی
اخ۳	کارت هوشمند
اخ۲	ابزار ریزموج
اخ۳	آنتن ریزموج

اخ۳	ابزار صوتی ریزموج
اخ۳	ابزار موج میلیمتری
اخ۳	اجاق ریزموجی
اخ۳	پالایه ریزموج
اخ۳	تقویت‌کننده ریزموج
اخ۳	جداساز ریزموج
اخ۳	دایره‌زن ریزموج
اخ۳	لامپ ریزموجی
اخ۳	محدودساز ریزموج
اخ۳	مدوله‌زدای ریزموج
اخ۳	نوسانگر ریزموجی
اخ۲	ابزار زمان‌گیری الکترونیکی
اخ۲	اتصال زنجیره‌ای
اخ۲	الکترود
اخ۳	آند
اخ۳	الکترود اتصال زمین
اخ۳	الکترود الکتروشیمیایی
اخ۳	الکترود جوشکاری
اخ۳	الکترود گرافیتی
اخ۳	خردالکترود
اخ۳	کاتد
اخ۲	پادسنجش جرم الکترونیکی
اخ۲	پالایه موج
اخ۳	پالایه الکتریکی
اخ۳	پالایه موج سطحی صوتی
اخ۳	پالایه نوری
اخ۲	تجهیزات الکترونیکی خودرو
اخ۳	تجهیزات تلویزیونی خودرو
اخ۳	تجهیزات رادیویی خودرو
اخ۲	تجهیزات الکترونیکی کشتی
اخ۲	تجهیزات پزشکی الکترونیکی
اخ۲	تجهیزات شنیداری
اخ۳	آوانگار
اخ۳	برگیر
اخ۳	بلندگو
اخ۳	تقویت‌کننده بسامد شنیداری
اخ۳	سیستم صدارسانی
اخ۳	صدابر
اخ۳	ضبط‌صوت
اخ۳	هدفون
اخ۲	تجهیزات مخابراتی
اخ۳	آنتن
اخ۳	تجهیزات ارتباط داده‌ها
اخ۳	تجهیزات ارتباط نوری
اخ۳	تجهیزات تلفن
اخ۳	تجهیزات تلگراف
اخ۳	تجهیزات تلویزیونی
اخ۳	تجهیزات دورپاس
اخ۳	تجهیزات دورسنجی
اخ۳	تجهیزات رادیویی
اخ۳	تجهیزات نمابر
اخ۳	تجهیزات همتافتگری
اخ۳	تکرارکننده مخابراتی
اخ۳	خط مخابراتی
اخ۳	دستگاه تلفن
اخ۳	فرستنده
اخ۳	کابل مخابراتی
اخ۳	کوک‌کن
اخ۳	گیرنده سیگنال
اخ۳	ماهواره مخابراتی
اخ۳	مدار فشرگستر
اخ۲	ترازوی الکترونیکی
اخ۲	تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اخ۳	پیرو کاتدی
اخ۳	تقویت‌کننده ویدئو
اخ۳	تقویت‌کننده بافر
اخ۳	تقویت‌کننده باندپهن
اخ۳	تقویت‌کننده برشگر
اخ۳	تقویت‌کننده بسامد بسیار بالا
اخ۳	تقویت‌کننده بسامد رادیویی
اخ۳	تقویت‌کننده بسامد شنیداری
اخ۳	تقویت‌کننده بسامد میانی
اخ۳	تقویت‌کننده پارامتری
اخ۳	تقویت‌کننده پس‌خوردی
اخ۳	تقویت‌کننده تپ
اخ۳	تقویت‌کننده تزویج مستقیم
اخ۳	تقویت‌کننده تفاضلی
اخ۳	تقویت‌کننده توان
اخ۳	تقویت‌کننده دی‌الکتریکی
اخ۳	تقویت‌کننده دیود تونلی
اخ۳	تقویت‌کننده ریزموج
اخ۳	تقویت‌کننده عملیاتی
اخ۳	تقویت‌کننده فرمان‌یار
اخ۳	تقویت‌کننده لگاریتمی
اخ۳	تقویت‌کننده نوارگذر
اخ۳	تقویت‌کننده نوسان بالا
اخ۲	تقویت‌کننده نوز
اخ۳	لیزر
اخ۲	دستگاه الکترونی
اخ۳	ابزار حالت جامد
اخ۳	لامپ الکترونی
اخ۲	دستگاه پراش الکترون

اخ۲	دیود
اخ۳	دیود پلاسما
اخ۳	دیود لامپ الکترونی
اخ۳	دیود نیم‌رسانا
اخ۲	رایانه
اخ۳	ایستگاه‌کار رایانه
اخ۳	رایانه دو رگه
اخ۳	رایانه رقمی
اخ۳	رایانه قیاسی
اخ۳	سخت‌افزار رایانه
اخ۲	مدوله‌ساز
اخ۳	مدوله‌ساز نوری
اخ۳	مودم
اخ۲	موجبر
اخ۳	اجزای موجبر
اخ۳	موجبر پلاسمایی
اخ۳	موجبر دایره‌ای
اخ۳	موجبر دی‌الکتریک
اخ۳	موجبر مارپیچی
اخ۳	موجبر مستطیلی
اخ۲	مولد سیگنال
اخ۳	بسامدساز
اخ۳	مولد تابع
اخ۳	مولد سیگنال کمکی
اخ۳	مولد شیب
اخ۳	مولد نوفه
اخ۲	نوسانگر(الکترونیک)
اخ۳	نوسان‌ساز بلوری
اخ۳	نوسان‌ساز پارامتری
اخ۳	نوسان‌ساز حالت جامد
اخ۳	نوسان‌ساز وقفه‌ای
اخ۳	نوسانگر با بسامد وردش‌پذیر
اخ۳	نوسانگر دیود تونلی
اخ۳	نوسانگر ریزموجی
اخ۳	نیم‌رسانای نوسانگر
اخ۲	وامدوله‌ساز
اخ۳	مدوله‌زدای ریزموج
اخ۳	مودم
اخ۲	ولت‌سنج الکترونیکی
اخ۱	تجهیزات الکتریکی
اخ۲	آهنربای الکتریکی
اخ۳	آهنربای ابررسانشی
اخ۳	آهنربای بالابر
اخ۲	ابزار الکترومکانیکی
اخ۳	ابزار ریزالکترومکانیکی
اخ۳	پالایه الکترومکانیکی
اخ۲	ابزار الکتریکی
اخ۲	ابزار دی‌الکتریک
اخ۳	ابزار پیزوالکتریکی
اخ۳	ابزار ریزنوارکی
اخ۳	تقویت‌کننده دی‌الکتریکی
اخ۳	خازن
اخ۳	دستگاه فروالکتریکی
اخ۳	عایق الکتریکی
اخ۳	موجبر دی‌الکتریک
اخ۲	اتصال الکتریکی
اخ۳	اتصال اهمی
اخ۳	تماس نقطه‌ای
اخ۲	المنت گرمایش الکتریکی
اخ۲	بست الکتریکی
اخ۲	پایانه الکتریکی
اخ۲	پرتاب‌کننده الکترومغناطیسی
اخ۳	تفنگ ریلی
اخ۲	پیچه الکتریکی
اخ۳	سیم‌لوله
اخ۲	تبدیلگر الکتریکی
اخ۳	تبدیلگر ایستا
اخ۳	تبدیلگر پاگیری منفی
اخ۳	تبدیلگر توان
اخ۳	وارونگر الکتریکی
اخ۳	واگردان بسامد
اخ۲	تبدیلگر مستقیم انرژی
اخ۳	باتری الکتریکی
اخ۳	پیل خورشیدی
اخ۳	دیود پلاسما
اخ۳	مبدل مغناطوهیدرودینامیک
اخ۲	تجهیزات الکتریکی خودرو
اخ۲	تجهیزات برقی کشتی
اخ۲	تجهیزات کنترل الکتریکی
اخ۳	ابزار کنترل الکتریکی نهایی
اخ۳	تنظیم‌گر ولتاژ
اخ۳	فیوز
اخ۲	تجهیزات گرماالکتریکی
اخ۲	تخته‌کلید الکتریکی
اخ۳	تخته‌کلید تلفن
اخ۲	تقسیمگر ولتاژ
اخ۳	پتانسیل‌سنج(مقاومت)
اخ۳	خودمبدل الکتریکی
اخ۲	تنظیم‌گر جریان الکتریکی
اخ۲	جمع‌کننده جریان الکتریکی
اخ۳	رسانای جارویی
اخ۳	شاخک برق‌رسان

اخ۲	حصار الکتریکی
اخ۲	دستگاه الکترواستاتیک
اخ۳	بلندگوی الکترواستاتیکی
اخ۳	تفنگ الکترونی
اخ۳	جداساز الکتروستاتیکی
اخ۳	خازن
اخ۳	عدسی الکتروستاتیکی
اخ۳	مولد الکتروستاتیکی
اخ۲	دستگاه الکتریکی
اخ۳	بخاری الکتریکی
اخ۳	جاروبرقی
اخ۲	رانه الکتریکی
اخ۲	رسانای الکتریکی
اخ۳	الکترود اتصال زمین
اخ۳	رسانای بسته‌ای
اخ۳	سیم الکتریکی
اخ۳	کابل الکتریکی
اخ۳	میله جریان
اخ۲	روشنایی الکتریکی
اخ۳	روشنایی اضطراری
اخ۳	روشنایی الکتریکی فضای باز
اخ۳	شبیه‌سازی روشنایی روز
اخ۳	نورافکنی
اخ۲	ساعت الکتریکی
اخ۲	سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اخ۳	آمپرسنج
اخ۳	اهم‌سنج
اخ۳	برق‌سنج
اخ۳	بسامدسنج
اخ۳	پل اندازه‌گیری الکتریکی
اخ۳	توان‌سنج
اخ۳	سنجنده ضریب کیفیت
اخ۳	سنجنده موج ایستاده
اخ۳	شاخص تقاضای بیشینه
اخ۳	فازسنج
اخ۳	قطبش نگار
اخ۳	کولن‌سنج
اخ۳	گالوانومتر
اخ۳	لرزش‌نگار پرتو کاتدی
اخ۳	موج‌سنج
اخ۳	نشانگر توالی فاز
اخ۳	نوسان‌نگار
اخ۳	وات‌ساعت‌سنج
اخ۳	وات‌سنج
اخ۳	ولت‌سنج
اخ۲	سیم‌پیچ الکتریکی
اخ۳	سیم‌پیچ ماشین
اخ۳	سیم‌پیچ مبدل
اخ۲	سیم‌کشی الکتریکی
اخ۳	سیم‌کشی ساختمان
اخ۲	کوره الکتریکی
اخ۳	کوره خلاء
اخ۲	لامپ الکتریکی
اخ۳	چراغ جلو
اخ۳	چراغ راهنمای هواگرد
اخ۳	درخش
اخ۳	لامپ تخلیه
اخ۳	لامپ زیرآبی
اخ۳	لامپ فرابنفش
اخ۳	لامپ مادون قرمز
اخ۳	لامپ معدنچی
اخ۳	لامپ معمولی
اخ۳	نورافکن
اخ۲	لوله حفاظ الکتریکی
اخ۲	ماشین‌آلات الکتریکی
اخ۳	اجزای ماشین‌آلات الکتریکی
اخ۳	ماشین‌آلات جریان متناوب
اخ۳	ماشین‌آلات جریان مستقیم
اخ۳	مولد الکتریکی
اخ۲	مبدل الکتریکی
اخ۳	خودمبدل الکتریکی
اخ۳	سیم‌پیچ مبدل
اخ۳	عایق‌کاری مبدل الکتریکی
اخ۳	مبدل اسباب الکتریکی
اخ۳	مبدل بسامد بالا
اخ۳	مبدل تپ
اخ۳	مبدل جریان مستقیم
اخ۳	مبدل روغنی
اخ۳	مدار مغناطیسی مبدل
اخ۲	محرک الکتریکی
اخ۲	یک‌سوساز الکتریکی
اخ۳	یک‌سوساز بخار جیوه‌ای
اخ۳	یک‌سوساز حالت جامد
اخ۳	یک‌سوساز لامپی الکترونی
اخ۱	تجهیزات بادشونده
اخ۱	تجهیزات بادی
اخ۲	ابزار بادی
اخ۲	تجهیزات جابه‌جایی مواد بادی
اخ۳	باربر نقاله‌ای بادی
اخ۳	لوله هوای فشرده
اخ۲	تجهیزات کنترل بادی
اخ۳	مکانیسم فرمان‌یار بادی

اخ۲ ترمز بادی
اخ۲ سنجه بادی
اخ۲ مته بادی
اخ۲ محرک بادی
اخ۱ تجهیزات بازرسی
اخ۱ تجهیزات برش
اخ۲ ابزار تراش
اخ۳ ابزار تراش الماسه
اخ۳ ابزار تراش دندان
اخ۳ ابزار تراش کاربید
اخ۳ ابزار تراشکاری سرامیک
اخ۳ ابزار حفره‌کنی
اخ۳ اره
اخ۳ برقو
اخ۳ جیگ
اخ۳ چرخ سنگ‌زنی
اخ۳ خان‌کش
اخ۳ دنده‌تراش
اخ۳ سرمته
اخ۳ سوهان و چوب‌سا ی
اخ۳ قالب پیچ‌تراشی
اخ۳ قلاویز
اخ۳ ماشین شکاف‌زنی
اخ۳ ماشین شیارزن
اخ۳ ماشین شیشه‌بری
اخ۳ مته
اخ۳ نگهدارنده بیتی
اخ۲ برنده زغال سنگ نارس
اخ۲ ماشین برش(معدن‌کاری)
اخ۳ چاله‌کن دستی
اخ۳ ماشین حفار بارکننده
اخ۱ تجهیزات برودتی
اخ۲ دیوئر
اخ۲ سرماچال
اخ۱ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اخ۲ آهنربای بالابر
اخ۲ باربر نقاله‌ای
اخ۳ باربر نقاله‌ای بادی
اخ۳ باربر نقاله‌ای لرزشی
اخ۳ ناقل تک‌ریلی
اخ۳ ناقل پل
اخ۳ ناقل زنجیری
اخ۳ ناقل گرانی
اخ۳ نقاله پیچی
اخ۳ نقاله تسمه‌ای
اخ۲ بستره لغزان
اخ۲ تجهیزات جابه‌جایی مواد بادی
اخ۳ باربر نقاله‌ای بادی
اخ۳ لوله هوای فشرده
اخ۲ جرثقیل
اخ۳ جرثقیل بازویی
اخ۳ جرثقیل بالگرد
اخ۳ جرثقیل برجی
اخ۳ جرثقیل پل
اخ۳ جرثقیل دروازه‌ای
اخ۳ جرثقیل شناور
اخ۳ جرثقیل کشتی
اخ۳ جرثقیل لکوموتیو
اخ۲ جرثقیل دستی
اخ۲ چرخ بالاکش
اخ۳ بالابر معدن
اخ۲ دست‌ماشینی
اخ۲ قرقره
اخ۲ کامیون صنعتی
اخ۳ بارکش مغذن
اخ۲ کفه بارگیری
اخ۲ لودر
اخ۳ ماشین حفار بارکننده
اخ۲ مسیر کابلی
اخ۱ تجهیزات چاه
اخ۲ سوراخ‌کن
اخ۱ تجهیزات حفاری
اخ۲ تجهیزات حفاری چاه نفت
اخ۳ تلمبه گل حفاری
اخ۳ دستگاه حفاری چاه نفت
اخ۳ دکل حفاری
اخ۲ لوله حفاری
اخ۲ ماشین حفاری زمین
اخ۱ تجهیزات خورشیدی
اخ۲ آب‌گرمکن خورشیدی
اخ۲ آرایه پیل خورشیدی
اخ۲ پیل خورشیدی
اخ۳ پیل خورشیدی سولفور کادمیوم
اخ۳ پیل خورشیدی سیلیسیمی
اخ۲ جمع‌کن خورشیدی
اخ۳ حوضه خورشیدی
اخ۲ خشک‌کن خورشیدی
اخ۲ متمرکزکننده خورشیدی
اخ۱ تجهیزات دستی
اخ۱ تجهیزات زمینی فرودگاه
اخ۲ تجهیزات سوختگیری هواگرد
اخ۱ تجهیزات زیرآبی

دوربین زیرآبی	اخ۲
لامپ زیرآبی	اخ۲
تجهیزات زیرزمینی	اخ۱
دوربین زیرزمینی	اخ۲
کابل زیرزمینی	اخ۲
تجهیزات زیست‌پزشکی	اخ۱
ارتاسازی	اخ۲
اکسیژن‌دهنده	اخ۲
اکسیژن‌سنج	اخ۲
برانکار	اخ۲
پروستتیک	اخ۲
اندام حرکتی مصنوعی	اخ۳
اندام مصنوعی	اخ۳
برسازه دریچه قلب	اخ۳
برسازه دندانی	اخ۳
برسازه رگ خونی	اخ۳
برسازه فکی-صورتی	اخ۳
برسازه مفصل	اخ۳
پروستتیک میوالکتریکی کنترل‌شده	اخ۳
ضربان‌ساز	اخ۳
عدسی داخل چشمی	اخ۳
تجهیزات پزشکی الکترونیکی	اخ۲
تجهیزات توانبخشی انسانی	اخ۲
ابزار کنترل چشم	اخ۳
جانشین صفحه‌کلید رایانه(خدمات معلولین)	اخ۳
چرخک	اخ۳
خدمات ارتباطی برای ناشنوایان	اخ۳
خدمات تولید گفتار	اخ۳
کمک سیار برای روشن‌دل	اخ۳
کمک‌راه‌رفتن	اخ۳
کمک‌یادگیری برای معلول	اخ۳
تجهیزات دندانپزشکی	اخ۲
ابزار تراش دندان	اخ۳
تجهیزات زیست‌پزشکی یکبارمصرف	اخ۲
تجهیزات ورزشی	اخ۲
تخت بیمارستانی	اخ۲
دستگاه تنفس مصنوعی	اخ۲
دستگاه همودیالیز	اخ۲
دفیبریلاتور	اخ۲
دیده‌سنج	اخ۲
زیست‌حس‌گر	اخ۲
الکترود میکروبی	اخ۳
حس‌گر آنزیم	اخ۳
حس‌گر ایمنی	اخ۳
حس‌گر داروی یونی	اخ۳
حس‌گر گلوکز	اخ۳
حس‌گر نوک کاتتر	اخ۳
سترون‌کننده	اخ۲
سرنگ	اخ۲
شنوایی‌سنج	اخ۲
کاتتر	اخ۲
حس‌گر نوک کاتتر	اخ۳
کمک‌حسی	اخ۲
کمک‌بینایی	اخ۳
کمک‌شنوایی	اخ۳
محفظه پرفشار	اخ۲
تجهیزات ساخت	اخ۱
بستاب	اخ۲
بیل	اخ۲
تجهیزات ساخت نظامی	اخ۲
داربست	اخ۲
شمع‌کوب	اخ۲
صندوق زیرآبی	اخ۲
ماشین‌آلات راه‌سازی	اخ۲
غلتک(ماشین‌آلات راه‌سازی)	اخ۳
مهاربند(ساخت بتنی)	اخ۲
تجهیزات سبک وزن	اخ۱
خط نورد سبک	اخ۲
تجهیزات سیگنال‌دهی	اخ۱
تجهیزات شیمیایی	اخ۱
اتم‌ساز	اخ۲
برج جذب سطحی	اخ۲
برج حبابدار	اخ۲
بستر پرشده	اخ۲
بستر سیال	اخ۲
بلورساز	اخ۲
تبخیرکننده	اخ۲
تجهیزات تجزیه	اخ۲
تجهیزات تقطیر	اخ۲
ستون تقطیر	اخ۳
خانک برق‌کافتی	اخ۲
خنک‌کن(مایع‌کن)	اخ۲
چگالنده بخار	اخ۳
دستگاه پخت چوب	اخ۲
واکنشگاه شیمیایی	اخ۲
زیست واکنشگاه	اخ۳
تجهیزات صوتی	اخ۱
آرایه صوتی	اخ۲
ابزار صوتی	اخ۲
ابزار صوتی ریزموج	اخ۳
ابزار صوتی‌نوری	اخ۳
ابزار فراصوتی	اخ۳

ابزار موج حجمی صوتی	اخ۳
ابزار موج سطحی صوتی	اخ۳
تراگذار صوتی	اخ۳
خط تاخیر صوتی	اخ۳
تجهیزات فراصوتی	اخ۲
ابزار فراصوتی	اخ۳
دوربین فراصوتی	اخ۳
سرعت‌سنج فراصوتی دوپلر	اخ۳
سیلان‌سنج فراصوتی	اخ۳
ماشین‌ابزار فراصوتی	اخ۳
تشدیدگر صوتی	اخ۲
دستگاه گمانه‌زنی	اخ۲
سونار	اخ۲
گیرنده صوتی	اخ۲
مولد صوتی	اخ۲
آلات موسیقی	اخ۳
بلندگو	اخ۳
تابشگر صوتی	اخ۳
زنگ	اخ۳
سیرن	اخ۳
میکروسکوپ صوتی	اخ۲
تجهیزات عکاسی	اخ۱
دوربین	اخ۲
دوربین تصویر متحرک	اخ۳
دوربین پرتو ایکس	اخ۳
دوربین دمانما	اخ۳
دوربین زیرآبی	اخ۳
دوربین زیرزمینی	اخ۳
دوربین سرعت بالا	اخ۳
دوربین فراصوتی	اخ۳
دوربین ویدئو	اخ۳
شاتر دوربین	اخ۳
عدسی دوربین	اخ۳
کنترل نوردهی	اخ۳
لوازم عکاسی	اخ۲
تجهیزات عملگر سکه‌ای	اخ۱
تلفن سکه‌ای	اخ۲
ماشین فروش	اخ۲
ماشین تحویل بلیت	اخ۳
تجهیزات فضاپیما	اخ۱
سنج‌افزار فضاپیما	اخ۲
سیستم پشتیبانی حیاتی(فضاپیما)	اخ۲
سیستم گریز فضاپیما	اخ۲
منبع تغذیه فضاپیما	اخ۲
تجهیزات کشتی	اخ۱
پیشران کشتی	اخ۲
تجهیزات الکترونیکی کشتی	اخ۲
تجهیزات برقی کشتی	اخ۲
تجهیزات گارد ساحلی	اخ۲
قایق نجات	اخ۳
تجهیزات هدایت کشتی	اخ۲
سکان	اخ۳
جرثقیل کشتی	اخ۲
دریچه	اخ۲
دودکش کشتی	اخ۲
روکش دریچه	اخ۲
سنج‌افزار کشتی	اخ۲
قایق‌بالابر	اخ۲
کابل لنگر	اخ۲
لنگر	اخ۲
مخزن بالاست	اخ۲
تجهیزات کمکی	اخ۱
سیستم نیروی کمکی	اخ۲
تجهیزات کنترل	اخ۱
تجهیزات دورپاس	اخ۲
تجهیزات کنترل آلودگی	اخ۲
تجهیزات کنترل آلودگی آب	اخ۳
تجهیزات کنترل آلودگی نوفه	اخ۳
تجهیزات کنترل آلودگی هوا	اخ۳
تجهیزات کنترل الکتریکی	اخ۲
ابزار کنترل الکتریکی نهایی	اخ۳
تنظیم‌گر ولتاژ	اخ۳
فیوز	اخ۳
تجهیزات کنترل مکانیکی	اخ۲
تجهیزات کنترل بادی	اخ۳
تجهیزات کنترل هیدرولیکی	اخ۳
سوپاپ	اخ۳
تنظیم‌گر فشار	اخ۲
سرماچال	اخ۲
سنج‌افزار کنترل دیگ بخار	اخ۲
کنترل‌کننده منطقی برنامه‌پذیر	اخ۲
مکانیسم فرمان‌یار	اخ۲
تقویت‌کننده فرمان‌یار	اخ۳
فرمان هیدرولیکی	اخ۳
مکانیسم فرمان‌یار بادی	اخ۳
موتور فرمان‌یار	اخ۳
میله کنترل	اخ۲
وسایل کنترل نهایی	اخ۲
ابزار کنترل الکتریکی نهایی	اخ۳
ابزار کنترل نهایی غیرالکتریکی	اخ۳
تجهیزات گرمایش	اخ۱
آب‌گرمکن	اخ۲

اخ۳ آب‌گرمکن خورشیدی
اخ۳ پیش‌گرم‌کن آب مصرفی
اخ۲ اجاق
اخ۳ اجاق الکتریکی
اخ۳ اجاق صنعتی
اخ۲ المنت گرمایش الکتریکی
اخ۲ بخاری
اخ۳ بخاری الکتریکی
اخ۳ بخاری صنعتی
اخ۳ بخاری گازی
اخ۲ سوخت‌رسان کوره
اخ۲ کوره
اخ۳ آستره کوره
اخ۳ تجهیزات بارگیری(کوره)
اخ۳ زباله‌سوز
اخ۳ کوره آجرپزی
اخ۳ کوره آزمایشگاهی
اخ۳ کوره الکتریکی
اخ۳ کوره بستر سیال
اخ۳ کوره ذوب
اخ۳ کوره زغال‌سنگ‌سوز
اخ۳ کوره شیشه
اخ۳ کوره صنعتی
اخ۳ کوره عملیات حرارتی
اخ۳ کوره کک‌سوز
اخ۳ کوره گازسوز
اخ۳ کوره گرمایش
اخ۳ کوره گرمایش فضا
اخ۳ کوره متالورژی
اخ۳ کوره نفتی
اخ۳ کوره هم‌دماساز
اخ۳ گرماپس‌ده
اخ۲ گرم‌کن خودرو
اخ۲ مولد بخار
اخ۳ ابرگرم‌کن
اخ۳ دیگ بخار
اخ۱ تجهیزات ماسه‌گذاری
اخ۱ تجهیزات معدن‌کاری
اخ۲ ماشین‌آلات معدن‌کاری
اخ۳ بالابر معدن
اخ۳ ماشین برش(معدن‌کاری)
اخ۳ مته معدن‌کاری
اخ۲ نگهدارنده سقف معدن
اخ۱ تجهیزات میدان نفتی
اخ۲ پیشگیر ترکیدگی
اخ۲ تجهیزات حفاری چاه نفت
اخ۳ تلمبه گل حفاری
اخ۳ دستگاه حفاری چاه نفت
اخ۳ دکل حفاری
اخ۲ تلمبه چاه نفت
اخ۲ توپک مجرابند
اخ۲ حفاظ چاه نفت
اخ۲ ستونک سر چاه
اخ۱ تجهیزات نظامی
اخ۲ پل نظامی
اخ۲ پناهگاه(تهاجم)
اخ۲ تجهیزات رادیویی نظامی
اخ۲ تجهیزات ساخت نظامی
اخ۲ رادار نظامی
اخ۲ راکت نظامی
اخ۲ زرادخانه
اخ۲ ساز و برگ جنگی
اخ۳ بمب(سازوبرگ جنگی)
اخ۳ زره
اخ۳ موشک
اخ۳ مهمات
اخ۲ سیستم کنترل آتش
اخ۲ سیستم موشک‌اندازی
اخ۲ ماهواره نظامی
اخ۲ مرکز تلفن نظامی
اخ۲ وسیله نقلیه نظامی
اخ۳ تانک(ارتشی)
اخ۲ هواپیمای دریایی نظامی
اخ۲ هواپیمای نظامی
اخ۳ بالگرد نظامی
اخ۳ بمب‌افکن
اخ۳ هواپیمای دریایی نظامی
اخ۳ هواگرد جنگنده
اخ۳ هواگرد ضدزیردریایی
اخ۱ تجهیزات نیروگاه
اخ۱ تجهیزات هیدرولیکی
اخ۲ ابزار هیدرولیکی
اخ۲ تجهیزات کنترل هیدرولیکی
اخ۳ اهرم آبی
اخ۳ ترمز هیدرولیکی
اخ۳ تقویت‌کننده سیالی
اخ۳ فرمان هیدرولیکی
اخ۳ موتور هیدرولیکی
اخ۲ دریل هیدرولیکی
اخ۱ تراگذار
اخ۲ انبساط‌سنج
اخ۲ تراگذار اثر هال

تراگذار پیزوالکتریکی	اخ۲	سوخت‌پاش پلاسمایی	اخ۲
تراگذار صوتی	اخ۲	جداساز	اخ۱
برگیر	اخ۳	الک	اخ۲
تراگذار برقاصوتی	اخ۳	پالایه(برای سیال)	اخ۲
مبدل فراصوتی	اخ۳	بستر پالایشگر زیست‌شناختی	اخ۳
تراگذار فشاری	اخ۲	پالایه سوخت	اخ۳
فشارسنج	اخ۳	پالایه سیگار	اخ۳
مبدل خلاء	اخ۳	پالایه مغناطیسی	اخ۳
نشانگر فشار سیال کاری	اخ۳	پالایه هوا	اخ۳
ترمز	اخ۱	تبادلگر یونی	اخ۲
ترمز بادی	اخ۲	تبادلگر یونی آلی	اخ۳
ترمز برقی	اخ۲	رزین تبادل یونی	اخ۳
ترمز هیدرولیکی	اخ۲	غشای تبادل یونی	اخ۳
لنت ترمز	اخ۲	جداساز الکتروستاتیکی	اخ۲
لوله ترمز	اخ۲	جداساز چرخندی	اخ۲
تشدیدگر	اخ۱	جداساز مغناطیسی	اخ۲
بازآواگر کاواکی	اخ۲	جداساز و تله بخار	اخ۲
تشدیدگر صوتی	اخ۳	خشک‌کن(تجهیزات)	اخ۲
تشدیدگر بلوری	اخ۲	خشک‌کن خورشیدی	اخ۳
تشدیدگر نوری	اخ۲	رده‌بند	اخ۲
تشدیدکننده لیزری	اخ۳	غربال(دانه‌بندی)	اخ۳
تفنگ(جنگ‌افزار)	اخ۱	زلال‌ساز	اخ۲
تکیه‌گاه زیر کشتی	اخ۱	گازشوی	اخ۲
تلمبه	اخ۱	گردگیر	اخ۲
آستره تلمبه	اخ۲	مخزن ته‌نشینی	اخ۲
تلمبه آب مصرفی	اخ۲	مخزن ته‌نشینی فاضلاب	اخ۳
تلمبه الکترومغناطیسی	اخ۲	مرکزگریز	اخ۲
تلمبه پیچی	اخ۲	واحد تقطیر جزء به جزء	اخ۲
تلمبه جهشی	اخ۲	جک	اخ۱
افشانک(تلمبه)	اخ۳	چتر نجات	اخ۱
تلمبه چاه	اخ۲	چرخ	اخ۱
تلمبه چاه نفت	اخ۳	چرخ سنگ‌زنی	اخ۲
تلمبه چاه آب	اخ۳	چرخ وسیله نقلیه	اخ۲
تلمبه چاهکی	اخ۲	حذف‌کننده مه	اخ۱
تلمبه چرخشی	اخ۲	حفاظ	اخ۱
تلمبه پره‌دار	اخ۳	حفاظ الکتریکی	اخ۲
تلمبه توربینی	اخ۳	حفاظ کابل	اخ۳
تلمبه چرخ‌دنده‌ای	اخ۳	حفاظ گرمایی	اخ۲
تلمبه مرکزگریز	اخ۳	حفاظ مغناطیسی	اخ۲
تلمبه خلاء	اخ۲	محافظ تابش	اخ۲
تلمبه رفت و برگشتی	اخ۲	حفاظ الکترومغناطیسی	اخ۳
تلمبه سوخت	اخ۲	حفاظت واکنشگاه	اخ۳
تلمبه شناور	اخ۲	حفاظ شتاب‌دهنده	اخ۳
تلمبه فاضلاب	اخ۲	خروجی تهویه	اخ۱
تلمبه گل حفاری	اخ۲	دستگاه آزمایش مواد	اخ۱
جت	اخ۱	واگن آزمون مسیر	اخ۲

اخ۱ دستگاه به‌کاراندازی مواد منفجره
اخ۲ ابزار به‌کاراندازی مواد منفجره
اخ۲ چفت به‌کاراندازی مواد منفجره
اخ۱ دستگاه پرتو ایکس
اخ۲ دوربین پرتو ایکس
اخ۲ صفحه نمایش پرتو ایکس
اخ۲ طیف‌سنج پرتو ایکس
اخ۳ طیف‌نورسنج پرتو ایکس
اخ۲ طیف‌نگار پرتو ایکس
اخ۲ فیلم پرتو ایکس
اخ۲ لامپ پرتو ایکس
اخ۲ میکروسکوپ پرتو ایکس
اخ۱ دستگاه پرتوگیری نوترون
اخ۱ دستگاه سوخت‌رسانی
اخ۱ دستگاه سیالی
اخ۲ تقویت‌کننده سیالی
اخ۳ تقویت‌کننده هیدرولیکی
اخ۲ خیزاب(سیال)
اخ۳ خیزاب خط‌لوله
اخ۲ دستگاه منطقی سیالی
اخ۱ دیگ بخار گازسوز
اخ۱ دیواربست
اخ۲ حصار
اخ۳ حصار الکتریکی
اخ۳ حصار بتنی
اخ۳ حصار چوبی
اخ۱ راکت
اخ۲ راکت نظامی
اخ۲ موشک چندبارمصرف
اخ۲ موشک گمانه‌زنی
اخ۱ روغن‌زن
اخ۱ ریل
اخ۲ ریل جرثقیل
اخ۱ زایگر گاز
اخ۱ سخت‌افزار
اخ۲ سخت‌افزار خودرو
اخ۳ قفل در خودرو
اخ۱ سنج‌افزار
اخ۲ آشکارساز
اخ۳ آشکارساز تابش
اخ۳ آشکارساز حریق
اخ۳ آشکارساز فلز
اخ۳ آشکارساز ماهی
اخ۳ آشکارساز همبستگی
اخ۳ حس‌گر
اخ۳ سونار
اخ۳ سیستم هشدار رادار
اخ۳ گازیاب
اخ۳ مانع‌یاب
اخ۲ آنالیزور انرژی الکترونی
اخ۲ ابزار زمان‌گیری
اخ۳ ابزار زمان‌گیری الکترونیکی
اخ۳ ساعت
اخ۳ ساعت مچی
اخ۲ اجزای سنج‌افزار
اخ۳ سیستم بازخوانی
اخ۳ شماره‌گیر سنج‌افزار
اخ۳ مبدل اسباب الکتریکی
اخ۳ مدار سنج‌افزار
اخ۳ نمایشگر سنج‌افزار
اخ۲ اصطکاک‌سنج
اخ۲ انبساط‌سنج
اخ۲ بازتاب‌سنج
اخ۲ بردیاب
اخ۳ ارتفاع‌سنج بی‌مایع
اخ۳ ارتفاع‌سنج رادیویی
اخ۳ تجهیزات رادار
اخ۳ نشانگر همجواری
اخ۲ پ‌هاش‌سنج
اخ۲ پیمانه
اخ۳ برف‌سنج
اخ۳ پیمانه فشار
اخ۳ پیمانه مکعب مستطیلی
اخ۳ سنج‌افزار اندازه‌گیری دما
اخ۳ سنجه بادی
اخ۳ سنجه حلقوی
اخ۳ سنجه رزوه پیچ
اخ۳ سیلان‌سنج
اخ۳ ضخامت‌سنج
اخ۳ فشارسنج
اخ۳ کرنش‌سنج
اخ۳ کشندسنج
اخ۳ گاز ایزوتوپ پرتوزا
اخ۳ نشانگر سطح مایع
اخ۲ تاکسی‌متر
اخ۲ ترازو
اخ۳ ترازوی الکترونیکی
اخ۳ ترازوی دقیق
اخ۳ ترازوی مغناطیسی
اخ۲ تلسکوپ
اخ۳ تلسکوپ رادیویی
اخ۳ تلسکوپ نوری

اخ۳	تلسکوپ هوابرد
اخ۲	تله رسوبی
اخ۲	تنظیم‌گر اکسیژن
اخ۲	جهت‌یاب(مغناطیسی)
اخ۲	چرخش‌سنج
اخ۲	دستگاه پراش نوترونی
اخ۲	رطوبت‌سنج
اخ۲	ریزسنج
اخ۲	ریزسنج‌افزار
اخ۲	زاویه‌سنج
اخ۲	زاویه‌یاب
اخ۲	ژیروسکپ
اخ۳	چرخش‌نمای هسته‌ای
اخ۲	سرعت‌سنج
اخ۳	سرعت‌سنج فراصوتی دوپلر
اخ۳	سرعت‌سنج لیزری دوپلر
اخ۲	سطح‌سنج
اخ۲	سنج‌افزار آب‌شناسی
اخ۲	سنج‌افزار اقیانوس‌شناسی
اخ۲	سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اخ۳	آمپرسنج
اخ۳	اهم‌سنج
اخ۳	برق‌سنج
اخ۳	بسامدسنج
اخ۳	پل اندازه‌گیری الکتریکی
اخ۳	توان‌سنج
اخ۳	سنجنده ضریب کیفیت
اخ۳	سنجنده موج ایستاده
اخ۳	شاخص تقاضای بیشتینه
اخ۳	فازسنج
اخ۳	قطبش نگار
اخ۳	کولن‌سنج
اخ۳	گالوانومتر
اخ۳	لرزش‌نگار پرتو کاتدی
اخ۳	موج‌سنج
اخ۳	نشانگر توالی فاز
اخ۳	نوسان‌نگار
اخ۳	وات‌ساعت‌سنج
اخ۳	وات‌سنج
اخ۳	ولت‌سنج
اخ۲	سنج‌افزار اندازه‌گیری چگالی
اخ۳	تخلخل‌سنج
اخ۳	چگالی‌سنج
اخ۳	کدری‌سنج
اخ۳	نورچگالی‌سنج
اخ۲	سنج‌افزار اندازه‌گیری شارش
اخ۳	بادسنج
اخ۳	تراوایی‌سنج(تراوایی مکانیکی)
اخ۳	سیلان‌سنج
اخ۳	نم‌سنج خاک
اخ۲	سنج‌افزار اندازه‌گیری صوتی
اخ۲	سنج‌افزار اندازه‌گیری مغناطیسی
اخ۳	تراوایی‌سنج(تراوایی مغناطیسی)
اخ۳	شارسنج
اخ۳	مغناطیس‌سنج
اخ۲	سنج‌افزار ثبات
اخ۳	ثبات دی‌اکسید گوگرد
اخ۳	ثبات کربن دی‌اکسید
اخ۳	خورشیدنگار
اخ۳	رسام(رایانه)
اخ۳	نوسان‌نگار
اخ۲	سنج‌افزار رقمی
اخ۳	ولت‌سنج رقمی
اخ۲	سنج‌افزار ریاضی
اخ۳	ماشین حساب جیبی
اخ۲	سنج‌افزار فضاپیما
اخ۲	سنج‌افزار قایق
اخ۲	سنج‌افزار گزینی هسته‌ای
اخ۳	آشکارساز ذره‌ای
اخ۳	تابش‌شمار
اخ۳	چرخش‌نمای هسته‌ای
اخ۳	مقدارسنج
اخ۲	سنج‌افزار نقشه‌برداری
اخ۲	سنج‌افزار نوری
اخ۳	پراش‌سنج
اخ۳	تداخل‌سنج
اخ۳	تلسکوپ نوری
اخ۳	حساسیت‌سنج
اخ۳	حس‌گر شیمیایی تار نوری
اخ۳	دوربین
اخ۳	دیده‌سنج
اخ۳	سنج‌افزار فرابنفش
اخ۳	سنج‌افزار مادون قرمز
اخ۳	طیف‌سنج
اخ۳	طیف‌نگار
اخ۳	عدسی سنج‌افزار نوری
اخ۳	فلئورسنج
اخ۳	قطبش‌سنج
اخ۳	قطبش‌نما
اخ۳	مقایسه‌گر(نوری)
اخ۳	نفلومتر
اخ۳	نورچگالی‌سنج

اخ۳ نورسنج
اخ۲ سنج‌افزار هواشناسی
اخ۳ بادسنج
اخ۳ فشارسنج
اخ۳ نم‌سنج
اخ۲ سنج‌افزار هواگرد
اخ۳ ابزار نشانه‌روی بمب
اخ۳ الکترونیک هوایی
اخ۳ پیلوت خودکار
اخ۳ شاخص زاویه حمله
اخ۳ نشانگر برخاست
اخ۳ نشانگر همجواری
اخ۲ سیستم جهت‌یابی رادیویی
اخ۳ جهت‌یاب ادکاک
اخ۲ شتاب‌سنج
اخ۲ شکست‌سنج
اخ۲ شنوایی‌سنج
اخ۲ گرانروی‌سنج
اخ۲ گرانی‌سنج
اخ۲ گرماسنج
اخ۲ گشتاورسنج
اخ۲ لرزه‌نگار
اخ۲ میکروسکوپ
اخ۳ میکروسکوپ الکترونی
اخ۳ میکروسکوپ پرتو ایکس
اخ۳ میکروسکوپ صوتی
اخ۳ میکروسکوپ فتوالکتریک
اخ۳ میکروسکوپ میدان‌گسیل
اخ۳ میکروسکوپ یونی
اخ۲ نشانگر(سنج‌افزار)
اخ۳ سرعت‌نما
اخ۳ سنجنده موج ایستاده
اخ۳ نشانگر سطح مایع
اخ۳ نشانگر عمق
اخ۳ نشانگر فشار سیال کاری
اخ۳ نشانگر همجواری
اخ۱ سوده
اخ۲ سوده الکتریکی
اخ۳ تجهیزات سودهی تلفن
اخ۳ دماپای
اخ۳ رله الکتریکی
اخ۳ سوده زمانی
اخ۳ سوده نیم‌رسانا
اخ۳ شکاف جرقه الکتریکی
اخ۳ کریوترون
اخ۳ مدارشکن الکتریکی

اخ۲ سوده نوری
اخ۱ سوزن
اخ۱ سیستم امنیتی
اخ۲ سیستم اخطار
اخ۳ سیستم اخطار حریق
اخ۱ سیستم ذوب یخ
اخ۱ سیستم سرمایش
اخ۲ سیستم تبرید تبخیری
اخ۲ سیستم سرمایش آبی
اخ۳ برج سرمایش آبی
اخ۲ سیستم سرمایش خودرو
اخ۳ رادیاتور خودرو
اخ۲ ماشین‌آلات یخچال‌دار
اخ۳ سیستم لوله‌کشی یخچال‌دار
اخ۳ یخچال
اخ۱ سیستم شلیرن
اخ۱ سیستم ناوبری
اخ۲ سیستم ناوبری اینرسی
اخ۲ ناوبری کمکی ماهواره
اخ۳ سیستم مکان‌یابی بسراسری
اخ۱ سیستم ورودی
اخ۲ خفه‌کن هوای ورودی
اخ۱ شتاب‌دهنده ذره
اخ۲ آهنربای شتاب‌دهنده
اخ۲ بتاترون
اخ۲ حفاظ شتاب‌دهنده
اخ۲ حلقه انبارنده
اخ۲ سنکروترون
اخ۲ سنکروسیکلوترون
اخ۲ سیلکوترون
اخ۳ میکروترون
اخ۲ شتاب‌دهنده الکترواستاتیکی
اخ۳ شتابدهنده وان‌دوگراف
اخ۲ شتاب‌دهنده باریکه برخوردکننده
اخ۲ شتاب‌دهنده حلقه الکترونی
اخ۲ شتاب‌دهنده خطی
اخ۲ هدف
اخ۱ شلنگ
اخ۲ اتصالات شلنگ
اخ۲ لوله ترمز
اخ۱ صفحه چاپ
اخ۲ صفحه چاپ افست
اخ۲ صفحه چاپ منیزیمی
اخ۱ صندلی
اخ۲ صندلی خودرو
اخ۲ صندلی هواگرد

اخ۲	محل نشستن معلولین
اخ۱	ضربه‌گیر
اخ۲	ضربه‌گیر خودرو
اخ۱	قالب
اخ۲	قالب(بتنی)
اخ۲	قالب شمش
اخ۲	قالب لاستیک
اخ۲	قالب مومسان
اخ۱	قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اخ۲	برف‌پاک‌کن
اخ۲	تجهیزات فضاپیما
اخ۳	سنج‌افزار فضاپیما
اخ۳	سیستم پشتیبانی حیاتی(فضاپیما)
اخ۳	سیستم گریز فضاپیما
اخ۳	منبع تغذیه فضاپیما
اخ۲	تجهیزات قایق
اخ۳	دکل(قایق)
اخ۳	سنج‌افزار قایق
اخ۳	ضربه‌گیر(قایق)
اخ۲	چرخ‌آویز وسیله نقلیه
اخ۳	چرخ‌آویز خودرو
اخ۲	چرخ وسیله نقلیه
اخ۲	شیشه جلو
اخ۳	شیشه جلوی خودرو
اخ۳	شیشه جلوی هواگرد
اخ۲	فنر وسیله نقلیه
اخ۳	فنر خودرو
اخ۲	قطعات و تجهیزات هواگرد
اخ۳	سنج‌افزار هواگرد
اخ۱	کاربر
اخ۲	افشانه تفنگی
اخ۲	پخش‌کن
اخ۱	کاوند
اخ۲	کاوند پلاسما
اخ۲	کاوند فضایی
اخ۱	کلاچ
اخ۲	کلاچ الکتریکی
اخ۱	کلید(برای قفل)
اخ۱	کمک طراحی
اخ۱	گیره
اخ۱	مبادله‌کن گرما
اخ۲	برج سرمایش
اخ۳	برج سرمایش آبی
اخ۲	پیش‌گرم‌کن
اخ۲	پیش‌گرم‌کن هوا
اخ۲	تابشگر
اخ۳	رادیاتور خودرو
اخ۲	سیستم تلمبه گرما
اخ۲	گرمابرگردان
اخ۲	گرماگیر
اخ۳	پره(تبدیل گرما)
اخ۲	لوله گرمارسان
اخ۱	مجرا
اخ۲	مجرای تهویه
اخ۲	مجرای تهویه مطبوع
اخ۱	مولد گاز
اخ۱	نردبان
اخ۱	نوسانگر(مکانیکی)
اخ۲	ارتعاشگر
اخ۱	وسیله خانگی
اخ۱	وسیله گازی
اخ۲	بخاری گازی
اخ۲	چراغ شمعک
اخ۱	هواپالا
اخ۲	پالایه هوا
اخ۱	هواکش
او	اجزا
او	فرسودگی
او	واحد صنعتی
ان	*Equipment*

تجهیزات احتراق

اخ۱	تجهیزات
اخ۱	کوره
اخ۲	آستره کوره
اخ۲	تجهیزات بارگیری(کوزه)
اخ۲	زباله‌سوز
اخ۲	کوره آجرپزی
اخ۳	کوره دوار
اخ۲	کوره آزمایشگاهی
اخ۲	کوره الکتریکی
اخ۳	کوره خلاء
اخ۲	کوره بستر سیال
اخ۲	کوره ذوب
اخ۳	کوپل
اخ۳	کوره باریکه الکترونی
اخ۳	کوره بوته‌ای
اخ۳	کوره روباز
اخ۲	کوره زغال‌سنگ‌سوز
اخ۲	کوره شیشه
اخ۲	کوره صنعتی
اخ۳	کوره مادون قرمز

اخ۲	کوره عملیات حرارتی
اخ۳	کوره حمام نمک
اخ۲	کوره کک‌سوز
اخ۲	کوره گازسوز
اخ۲	کوره گرمایش
اخ۲	کوره گرمایش فضا
اخ۲	کوره متالورژی
اخ۳	تبدیلگر اکسیژن قلیایی
اخ۳	کوره بلند
اخ۳	کوره روباز
اخ۳	کوره فولادسازی
اخ۲	کوره نفتی
اخ۲	کوره هم‌دماساز
اخ۲	گرماپس‌ده
اخ۲	مشعل سوختی
اخ۳	مشعل گازی
اخ۳	مشعل دوسوخته
اخ۳	مشعل نفت‌سوز
اخ۱	محترق‌کننده
اخ۲	کوره با بستر شارانیده
اخ۱	محفظه احتراق
او	احتراق
او	موتور درون‌سوز
ان	*Combustion equipment*

تجهیزات اداری

اع۱	تجهیزات
اخ۱	ماشین تحریر
اخ۲	دورچاپگر
اخ۲	صفحه‌کلید ماشین تحریر
اخ۲	ماشین تحریر الکتریکی
او	رایانه
او	کپی‌برداری
او	ماشین تجاری
ان	*Office equipment*

تجهیزات ارتباط داده‌ها

ب‌ج	*تجهیزات عبور داده‌ها*
اع۱	تجهیزات مخابراتی
اع۲	تجهیزات الکترونیکی
اع۳	تجهیزات
اخ۱	مودم
او	تجهیزات تلگراف
او	تجهیزات دورسنجی
او	تجهیزات همتافتگری
او	سیستم ارتباط داده‌ای
ان	*Data communication equipment*

تجهیزات ارتباط نوری

اع۱	تجهیزات مخابراتی
اع۲	تجهیزات الکترونیکی
اع۳	تجهیزات
اخ۱	کابل نوری
او	ارتباط نوری
او	تار نوری
او	بسوده نوری
او	مدار مجتمع نورالکترونیکی
او	مدوّله‌ساز نوری
او	موجبر نوری
او	نورشناسی تارها
ان	*Optical communication equipment*

تجهیزات اطفای حریق

اع۱	تجهیزات
اخ۱	آتش‌خاموش‌کن
اخ۱	سیستم آب‌پاشی(اطفای حریق)
اخ۱	شیر آتش‌نشانی
اخ۱	قایق جنگی
او	ابزار ایمنی
او	ایستگاه آتش‌نشانی
او	حفاظت در مقابل آتش‌سوزی
ان	*Fire fighting equipment*

تجهیزات اقیانوس‌شناسی

اع۱	تجهیزات
اخ۱	زیردریایی اقیانوس‌شناسی
اخ۱	سنج‌افزار اقیانوس‌شناسی
او	اقیانوس‌شناسی
او	مهندسی اقیانوس
ان	*Oceanographic equipment*

تجهیزات الکترونیکی

ب‌ج	*الکترونیک*
اع۱	تجهیزات
اخ۱	آلات موسیقی الکترونیکی
اخ۱	ابزار الکترونوری
اخ۱	ابزار پارامتری
اخ۲	تقویت‌کننده پارامتری
اخ۲	نوسان‌ساز پارامتری
اخ۱	ابزار دیدالکترونیک

اخ۲	ابزار فتوالکتریکی	اخ۲	الکترود گرافیتی
اخ۳	آشکارساز نوری	اخ۲	خردالکترود
اخ۳	ابزار فوتورسانش	اخ۲	کاتد
اخ۳	پیل فتوالکتریک	اخ۳	کاتد تشعشع میدان
اخ۳	رله فوتوالکتریک	اخ۳	کاتد فوتوالکتریک
اخ۳	فوتولوله	اخ۳	کاتد گرمایونی
اخ۳	میکروسکوپ فتوالکتریک	اخ۱	پادسنجش جرم الکترونیکی
اخ۲	تقویت‌کننده تصویر(حالت جامد)	اخ۱	پالایه موج
اخ۲	حس‌گر تصویر	اخ۲	پالایه الکتریکی
اخ۲	دیود نورگسیل	اخ۳	پالایه الکترومکانیکی
اخ۲	مدار مجتمع نورالکترونیکی	اخ۳	پالایه بالاگذر
اخ۱	ابزار رقمی	اخ۳	پالایه پایین‌گذر
اخ۲	کارت هوشمند	اخ۳	پالایه رقمی
اخ۱	ابزار ریزموج	اخ۳	پالایه ریزموج
اخ۲	آنتن ریزموج	اخ۳	پالایه سوداده
اخ۲	ابزار صوتی ریزموج	اخ۳	پالایه غیرفعال
اخ۲	ابزار موج میلیمتری	اخ۳	پالایه فعال
اخ۲	اجاق ریزموجی	اخ۳	پالایه نوارپس‌زن
اخ۲	پالایه ریزموج	اخ۳	پالایه نوارگذر
اخ۲	تقویت‌کننده ریزموج	اخ۲	پالایه موج سطحی صوتی
اخ۳	تقویت‌کننده دیودی	اخ۲	پالایه نوری
اخ۳	میزر	اخ۱	تجهیزات الکترونیکی خودرو
اخ۲	جداساز ریزموج	اخ۲	تجهیزات تلویزیونی خودرو
اخ۲	دایره‌زن ریزموج	اخ۲	تجهیزات رادیویی خودرو
اخ۲	لامپ ریزموجی	اخ۱	تجهیزات الکترونیکی کشتی
اخ۳	ارتعاش‌سنج دیاپازونی	اخ۱	تجهیزات پزشکی الکترونیکی
اخ۳	لامپ موج الکترونی	اخ۱	تجهیزات شنیداری
اخ۲	محدودساز ریزموج	اخ۲	آوانگار
اخ۲	مدوله‌زدای ریزموج	اخ۲	برگیر
اخ۲	نوسانگر ریزموجی	اخ۲	بلندگو
اخ۳	نوسان‌ساز گان	اخ۳	بلندگوی الکترواستاتیکی
اخ۱	ابزار زمان‌گیری الکترونیکی	اخ۲	تقویت‌کننده بسامد شنیداری
اخ۱	اتصال زنجیره‌ای	اخ۲	سیستم صدارسانی
اخ۱	الکترود	اخ۲	صدابر
اخ۲	آند	اخ۲	ضبط‌صوت
اخ۲	الکترود اتصال زمین	اخ۳	ضبط کاستی ویدئویی
اخ۲	الکترود الکتروشیمیایی	اخ۲	هدفون
اخ۳	الکترود اوره	اخ۱	تجهیزات مخابراتی
اخ۳	الکترود خس گاز	اخ۲	آنتن
اخ۳	الکترود سیمی اندوده	اخ۳	آرایه آنتن
اخ۳	الکترود غشای بسپاری	اخ۳	آنتن استوانه‌ای
اخ۳	الکترود غشای شیشه‌ای	اخ۳	آنتن پخش رادیویی
اخ۳	الکترود غشای مایع	اخ۳	آنتن تلویزیون
اخ۳	الکترود یون‌گزین	اخ۳	آنتن جهت‌دار
اخ۲	الکترود جوشکاری	اخ۳	آنتن دوقطبی
اخ۳	مفتول جوشکاری	اخ۳	آنتن رادار

اخ۳	آنتن روبشگر
اخ۳	آنتن ریزموج
اخ۳	آنتن ریزنوارکی
اخ۳	آنتن سهموی
اخ۳	آنتن سیار
اخ۳	آنتن شیاردار
اخ۳	آنتن شیپوری
اخ۳	آنتن گیرنده
اخ۳	آنتن مارپیچی
اخ۳	آنتن موج پیشرونده
اخ۲	تجهیزات ارتباط داده‌ها
اخ۳	مودم
اخ۲	تجهیزات ارتباط نوری
اخ۳	کابل نوری
اخ۲	تجهیزات تلفن
اخ۳	تجهیزات تلفن تصویری
اخ۳	تجهیزات سودهی تلفن
اخ۳	تحلیلگر شدآمد تلفنی
اخ۳	خط تلفن
اخ۲	تجهیزات تلگراف
اخ۳	دورچاپگر
اخ۲	تجهیزات تلویزیونی
اخ۳	آنتن تلویزیون
اخ۳	تجهیزات تلویزیونی خودرو
اخ۳	تقویت‌کننده ویدئو
اخ۳	دوربین ویدئو
اخ۳	دیسک ویدئو
اخ۳	ضبط کاستی ویدئویی
اخ۳	فرستنده تلویزیونی
اخ۳	گیرنده تلویزیونی
اخ۳	لامپ تصویر تلویزیون
اخ۳	لامپ دوربین تلویزیونی
اخ۲	تجهیزات دورپاس
اخ۲	تجهیزات دورسنجی
اخ۲	تجهیزات رادیویی
اخ۳	ارتفاع‌سنج رادیویی
اخ۳	بالون رادیویی
اخ۳	تجهیزات رادیویی خودرو
اخ۳	تجهیزات رادیویی کوچک
اخ۳	تجهیزات رادیویی نظامی
اخ۳	تقویت‌کننده بسامد رادیویی
اخ۳	تلسکوپ رادیویی
اخ۳	سیستم جهت‌یابی رادیویی
اخ۳	فرستنده رادیویی
اخ۳	گیرنده رادیویی
اخ۲	تجهیزات نمابر
اخ۲	تجهیزات همتافتگری
اخ۳	تمرکزساز خط جریان
اخ۲	تکرارکننده مخابراتی
اخ۲	خط مخابراتی
اخ۳	خط تلفن
اخ۳	خط مخابرات بسامد بالا
اخ۳	خط مخابرات نواری
اخ۲	دستگاه تلفن
اخ۳	تلفن بی‌سیم
اخ۳	تلفن سکه‌ای
اخ۳	سیم تلفن
اخ۳	کمک‌شنوایی تلفن
اخ۲	فرستنده
اخ۳	ترانسپوندر
اخ۳	فرستنده تلویزیونی
اخ۳	فرستنده رادیویی
اخ۲	کابل مخابراتی
اخ۳	کابل نوری
اخ۳	کابل هم‌محور
اخ۲	کوک‌کن
اخ۲	گیرنده سیگنال
اخ۳	ترانسپوندر
اخ۳	گیرنده رادار
اخ۳	گیرنده صوتی
اخ۳	گیرنده تلویزیونی
اخ۳	گیرنده چندآوا
اخ۳	گیرنده رادیویی
اخ۲	ماهواره مخابراتی
اخ۲	مدار فشرگستر
اخ۱	ترازوی الکترونیکی
اخ۱	تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اخ۲	پیرو کاتدی
اخ۲	تقویت‌کننده ویدئو
اخ۲	تقویت‌کننده بافر
اخ۲	تقویت‌کننده باندپهن
اخ۲	تقویت‌کننده برشگر
اخ۲	تقویت‌کننده بسامد بسیار بالا
اخ۲	تقویت‌کننده بسامد رادیویی
اخ۲	تقویت‌کننده بسامد شنیداری
اخ۲	تقویت‌کننده بسامد میانی
اخ۲	تقویت‌کننده پارامتری
اخ۲	تقویت‌کننده پس‌خوردی
اخ۲	تقویت‌کننده تپ
اخ۲	تقویت‌کننده تزویج مستقیم
اخ۲	تقویت‌کننده تفاضلی
اخ۲	تقویت‌کننده توان

اخ۳ تقویت‌کننده مغناطیسی
اخ۲ تقویت‌کننده دی‌الکتریکی
اخ۲ تقویت‌کننده دیود تونلی
اخ۲ تقویت‌کننده ریزموج
اخ۳ تقویت‌کننده دیودی
اخ۳ میزر
اخ۲ تقویت‌کننده عملیاتی
اخ۲ تقویت‌کننده فرمان‌یار
اخ۲ تقویت‌کننده لگاریتمی
اخ۲ تقویت‌کننده نوارگذر
اخ۲ تقویت‌کننده نوسان بالا
اخ۱ تقویت‌کننده نور
اخ۲ لیزر
اخ۳ تشدیدکننده لیزری
اخ۳ لیزر اکسیمر
اخ۳ لیزر الکترون‌آزاد
اخ۳ لیزر انرژی بالا
اخ۳ لیزر با امواج پیوسته
اخ۳ لیزر با سوئیچ Q
اخ۳ لیزر پرتو ایکس
اخ۳ لیزر پرقدرت
اخ۳ لیزر پس‌خورد گسترده
اخ۳ لیزر حالت جامدی
اخ۳ لیزر حلقوی
اخ۳ لیزر رنگینه‌ای
اخ۳ لیزر شیمیایی
اخ۳ لیزر گازی
اخ۳ لیزر مایع
اخ۱ دستگاه الکترونی
اخ۲ ابزار حالت جامد
اخ۳ ابزار ام.آی.ام.
اخ۳ ابزار فیلم‌ضخیم
اخ۳ ابزار فیلم‌نازک
اخ۳ ابزار نیم‌رسانا
اخ۳ لیزر حالت جامدی
اخ۳ نوسان‌ساز حالت جامد
اخ۳ یک‌سوساز حالت جامد
اخ۲ لامپ الکترونی
اخ۳ اجزای لامپ الکترونی
اخ۳ تریود
اخ۳ تکثیرکن الکترون
اخ۳ دیود لامپ الکترونی
اخ۳ لامپ پنج قطبی
اخ۳ لامپ چهار الکترودی
اخ۳ لامپ ذخیره
اخ۳ لامپ ریزموجی
اخ۳ لامپ کاتد سرد
اخ۳ لامپ گرمایونی
اخ۳ لوله تخلیه گازی
اخ۱ دستگاه پراش الکترون
اخ۱ دیود
اخ۲ دیود پلاسما
اخ۲ دیود لامپ الکترونی
اخ۲ دیود نیم‌رسانا
اخ۳ دیود بهمنی
اخ۳ دیود تونلی
اخ۳ دیود زنر
اخ۳ دیود گان
اخ۳ دیود نورگسیل
اخ۳ دیود نوری
اخ۳ واراکتور
اخ۱ رایانه
اخ۲ ایستگاه‌کار رایانه
اخ۲ رایانه دو رگه
اخ۲ رایانه رقمی
اخ۳ ابررایانه
اخ۳ تحلیل دیفرانسیل رقمی
اخ۳ خردرایانه
اخ۳ رایانه همه‌منظوره
اخ۳ ریزرایانه
اخ۲ رایانه قیاسی
اخ۳ تحلیلگر دیفرانسیل قیاسی
اخ۳ تحلیلگر شبکه الکتریکی
اخ۲ سخت‌افزار رایانه
اخ۳ تجهیزات جانبی رایانه
اخ۳ تجهیزات ذخیره داده‌ها
اخ۳ ثبات انتقال
اخ۳ مبدل رمز
اخ۳ مدار رایانه
اخ۱ مدوله‌ساز
اخ۲ مدوله‌ساز نوری
اخ۲ مودم
اخ۱ موجبر
اخ۲ اجزای موجبر
اخ۳ پیوندگاه موجبر
اخ۳ تضعیفگر موجبر
اخ۳ جداساز موجبر
اخ۳ جفت‌ساز موجبر
اخ۳ دایره‌زن موجبر
اخ۳ مبدل موجبر
اخ۲ موجبر پلاسمایی
اخ۲ موجبر دایره‌ای

اخ۲ موجبر دی‌الکتریک
اخ۳ موجبر نوری
اخ۲ موجبر مارپیچی
اخ۲ موجبر مستطیلی
اخ۱ مولد سیگنال
اخ۲ بسامدساز
اخ۳ آلات موسیقی الکترونیکی
اخ۲ مولد تابع
اخ۳ مولد تپ
اخ۳ مولد موج مربعی
اخ۲ مولد سیگنال کمکی
اخ۲ مولد شیب
اخ۲ مولد نوفه
اخ۱ نوسانگر(الکترونیک)
اخ۲ نوسان‌ساز بلوری
اخ۲ نوسان‌ساز پارامتری
اخ۲ نوسان‌ساز حالت جامد
اخ۲ نوسان‌ساز وقفه‌ای
اخ۲ نوسانگر با بسامد وردش‌پذیر
اخ۲ نوسانگر دیود تونلی
اخ۲ نوسانگر ریزموجی
اخ۳ نوسان‌ساز گان
اخ۲ نیم‌رسانای نوسانگر
اخ۱ وامدوله‌ساز
اخ۲ مدوله‌زدای ریزموج
اخ۲ مودم
اخ۱ ولت‌سنج الکترونیکی
او آزمایش تجهیزات الکترونیکی
او الکترونیک صنعتی
او تجهیزات الکتریکی
او ساختن تجهیزات الکترونیکی
او ساعت اتمی
او صنعت الکترونیک
او مدار چاپی
او مهندسی الکترونیک
ان *Electronic equipment*

تجهیزات الکترونیکی خودرو

اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
اع۱ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۲ خودرو
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اخ۱ تجهیزات تلویزیونی خودرو
اخ۱ تجهیزات رادیویی خودرو
او تجهیزات الکتریکی خودرو
ان *Automobile electronic equipment*

تجهیزات الکترونیکی کشتی

اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
اع۱ تجهیزات کشتی
اع۲ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات آب‌پیما
اع۳ آب‌پیما
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ کشتی
اع۳ آب‌پیما
او سنج‌افزار کشتی
ان *Electronic ship equipment*

تجهیزات الکتریکی

اع۱ تجهیزات
اخ۱ آهنربای الکتریکی
اخ۲ آهنربای ابررسانشی
اخ۲ آهنربای بالابر
اخ۱ ابزار الکترومکانیکی
اخ۲ ابزار ریزالکترومکانیکی
اخ۲ پالایه الکترومکانیکی
اخ۳ پالایه بلوری
اخ۱ ابزار الکتریکی
اخ۱ ابزار دی‌الکتریک
اخ۲ ابزار پیزوالکتریکی
اخ۳ پالایه بلوری
اخ۳ تراگذار پیزوالکتریکی
اخ۳ تشدیدگر بلوری
اخ۲ ابزار ریزنوارکی
اخ۳ آنتن ریزنوارکی
اخ۲ تقویت‌کننده دی‌الکتریکی
اخ۲ خازن
اخ۳ خازن برق‌کافتی
اخ۳ خازن سرامیکی
اخ۳ خازن کاغذی
اخ۳ واراکتور
اخ۲ دستگاه فروالکتریکی
اخ۲ عایق الکتریکی
اخ۲ موجبر دی‌الکتریک
اخ۳ موجبر نوری
اخ۱ اتصال الکتریکی

اخ۲	اتصال اهمی
اخ۲	تماس نقطه‌ای
اخ۱	المنت گرمایش الکتریکی
اخ۱	بست الکتریکی
اخ۱	پایانه الکتریکی
اخ۱	پرتاب‌کننده الکترومغناطیسی
اخ۲	تفنگ ریلی
اخ۱	پیچه الکتریکی
اخ۲	سیم‌لوله
اخ۱	تبدیلگر الکتریکی
اخ۲	تبدیلگر ایستا
اخ۲	تبدیلگر پاگیری منفی
اخ۲	تبدیلگر توان
اخ۳	تبدیلگر چرخشی
اخ۳	یک‌سوساز بخار جیوه‌ای
اخ۲	وارونگر الکتریکی
اخ۲	واگردان بسامد
اخ۳	مدار واگردان بسامد
اخ۱	تبدیلگر مستقیم انرژی
اخ۲	باتری الکتریکی
اخ۳	باتری اولیه
اخ۳	باتری ثانویه
اخ۳	باتری سیلیسیمی
اخ۳	باتری کوچک
اخ۳	پیل سوختی
اخ۳	پیل الکترونورشیمیایی
اخ۲	پیل خورشیدی
اخ۳	پیل خورشیدی سولفور کادمیوم
اخ۳	پیل خورشیدی سیلسیمی
اخ۲	دیود پلاسما
اخ۲	مبدل مغناطوهیدرودینامیک
اخ۱	تجهیزات الکتریکی خودرو
اخ۱	تجهیزات برقی کشتی
اخ۱	تجهیزات کنترل الکتریکی
اخ۲	ابزار کنترل الکتریکی نهایی
اخ۲	تنظیم‌گر ولتاژ
اخ۳	مدار تثبیت ولتاژ
اخ۲	فیوز
اخ۱	تجهیزات گرماالکتریکی
اخ۱	تخته‌کلید الکتریکی
اخ۲	تخته‌کلید تلفن
اخ۱	تقسیمگر ولتاژ
اخ۲	پتانسیل‌سنج(مقاومت)
اخ۲	خودمبدل الکتریکی
اخ۱	تنظیم‌گر جریان الکتریکی
اخ۱	جمع‌کننده جریان الکتریکی
اخ۲	رسانای جارویی
اخ۲	شاخک برق‌ربان
اخ۱	حصار الکتریکی
اخ۱	دستگاه الکترواستاتیک
اخ۲	بلندگوی الکترواستاتیکی
اخ۲	تفنگ الکترونی
اخ۲	جداساز الکتروستاتیکی
اخ۲	خازن
اخ۳	خازن برق‌کافتی
اخ۳	خازن سرامیکی
اخ۳	خازن کاغذی
اخ۳	واراکتور
اخ۲	عدسی الکتروستاتیکی
اخ۲	مولد الکتروستاتیکی
اخ۳	مولد وان‌دوگراف
اخ۱	دستگاه الکتریکی
اخ۲	بخاری الکتریکی
اخ۲	جاروبرقی
اخ۱	رانه الکتریکی
اخ۱	رسانای الکتریکی
اخ۲	الکترود اتصال زمین
اخ۲	رسانای بسته‌ای
اخ۲	سیم الکتریکی
اخ۳	سیم ابررسانشی
اخ۳	سیم عایق‌کاری
اخ۳	سیم ورودی
اخ۲	کابل الکتریکی
اخ۳	کابل ابررسانشی
اخ۳	کابل احتراق
اخ۳	کابل تخت
اخ۳	کابل روغنی
اخ۳	کابل زیردریایی
اخ۳	کابل زیرزمینی
اخ۳	کابل گازی
اخ۳	کابل مخابراتی
اخ۲	میله جریان
اخ۱	روشنایی الکتریکی
اخ۲	روشنایی اضطراری
اخ۲	روشنایی الکتریکی فضای باز
اخ۲	شبیه‌سازی روشنایی روز
اخ۲	نورافکنی
اخ۱	ساعت الکتریکی
اخ۱	سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اخ۲	آمپرسنج
اخ۲	اهم‌سنج
اخ۲	برق‌سنج

اخ۲ بسامدسنج
اخ۲ پل اندازه‌گیری الکتریکی
اخ۲ توان‌سنج
اخ۲ سنجنده ضریب کیفیت
اخ۲ سنجنده موج ایستاده
اخ۲ شاخص تقاضای بیشینه
اخ۲ فازسنج
اخ۲ قطبش نگار
اخ۲ کولن‌سنج
اخ۲ گالوانومتر
اخ۲ لرزش‌نگار پرتو کاتدی
اخ۲ موج‌سنج
اخ۲ نشانگر توالی فاز
اخ۲ نوسان‌نگار
اخ۲ وات‌ساعت‌سنج
اخ۲ وات‌سنج
اخ۲ ولت‌سنج
اخ۳ پتانسیل‌سنج(سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی)
اخ۳ ولت‌سنج الکترونیکی
اخ۳ ولت‌سنج رقمی
اخ۱ سیم‌پیچ الکتریکی
اخ۲ سیم‌پیچ ماشین
اخ۳ ایستانه
اخ۳ روتور(سیم‌پیچ)
اخ۲ سیم‌پیچ مبدل
اخ۱ سیم‌کشی الکتریکی
اخ۲ سیم‌کشی ساختمان
اخ۱ کوره الکتریکی
اخ۲ کوره خلاء
اخ۳ کوره باریکه الکترونی
اخ۱ لامپ الکتریکی
اخ۲ چراغ جلو
اخ۲ چراغ راهنمای هواگرد
اخ۲ درخش
اخ۲ لامپ تخلیه
اخ۳ بالاست(لامپ)
اخ۳ لامپ با بخار فلز
اخ۳ لامپ فلورسانت
اخ۳ لامپ قوسی
اخ۲ لامپ زیرآبی
اخ۲ لامپ فرابنفش
اخ۲ لامپ مادون قرمز
اخ۲ لامپ معدنچی
اخ۲ لامپ معمولی
اخ۳ رشته(لامپ)
اخ۲ نورافکن

اخ۱ لوله حفاظ الکتریکی
اخ۱ ماشین‌آلات الکتریکی
اخ۲ اجزای ماشین‌آلات الکتریکی
اخ۳ سیم‌پیچ ماشین
اخ۳ عایق‌بندی ماشین الکتریکی
اخ۲ ماشین‌آلات جریان متناوب
اخ۳ ماشین‌آلات ناهمگام
اخ۳ ماشین‌آلات همگام
اخ۳ موتور جریان متناوب
اخ۳ مولد جریان متناوب
اخ۲ ماشین‌آلات جریان مستقیم
اخ۳ جابه‌جاگر الکتریکی
اخ۳ موتور جریان مستقیم
اخ۳ مولد جریان مستقیم
اخ۲ مولد الکتریکی
اخ۳ مگنتو
اخ۳ مولد الکتروستاتیکی
اخ۳ مولد توربینی
اخ۳ مولد جریان متناوب
اخ۳ مولد جریان مستقیم
اخ۳ مولد موتور الکتریکی
اخ۳ مولد هیدروالکتریکی
اخ۱ مبدل الکتریکی
اخ۲ خودمبدل الکتریکی
اخ۲ سیم‌پیچ مبدل
اخ۲ عایق‌کاری مبدل الکتریکی
اخ۲ مبدل اسباب الکتریکی
اخ۲ مبدل بسامد بالا
اخ۲ مبدل تپ
اخ۲ مبدل جریان مستقیم
اخ۲ مبدل روغنی
اخ۲ مدار مغناطیسی مبدل
اخ۱ محرک الکتریکی
اخ۱ یک‌سوساز الکتریکی
اخ۲ یک‌سوساز بخار جیوه‌ای
اخ۲ یک‌سوساز حالت جامد
اخ۲ یک‌سوساز لامپی الکترونی
او تاسیسات تولید الکتریکی
او تجهیزات الکترونیکی
او تجهیزات نیروگاه
او سیستم نیروی برق
او صنعت الکتریکی
او عایق‌بندی الکتریکی
او محافظت تجهیزات الکتریکی
ان *Electric equipment*

تجهیزات الکتریکی خودرو

اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اع۱ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۲ خودرو
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
او تجهیزات الکترونیکی خودرو
ان *Automobile electric equipment*

تجهیزات اندازه‌گیری چگالی نوری

ب‌ک نورچگالی‌سنج

تجهیزات ایستگاه تلفنی

ب‌ک دستگاه تلفن

تجهیزات بادشونده

ب‌ج *قایق بادشونده*
ب‌ج *ماهواره بادشونده*
اع۱ تجهیزات
او سازه بادشونده
ان *Inflatable equiipment*

تجهیزات بادی

اع۱ تجهیزات
اخ۱ ابزار بادی
اخ۱ تجهیزات جابه‌جایی مواد بادی
اخ۲ باربر نقاله‌ای بادی
اخ۲ لوله هوای فشرده
اخ۱ تجهیزات کنترل بادی
اخ۲ مکانیسم فرمان‌یار بادی
اخ۱ ترمز بادی
اخ۱ سنجه بادی
اخ۱ مته بادی
اخ۱ محرک بادی
او بادگان‌شناسی
ان *Pneumatic equipment*

تجهیزات بارگیری(کوره)

اع۱ کوره
اع۲ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
او بارگیری(کوره)
ان *Charging equipment (furnace)*

تجهیزات بازرسی

اع۱ تجهیزات
او بازرسی
ان *Inspection equipment*

تجهیزات بازشناسی کاراکتر

اع۱ تجهیزات جانبی رایانه
اع۲ سخت‌افزار رایانه
اع۳ رایانه
او آشکارساز
او بازشناسی کاراکتر
ان *Character recognition equipment*

تجهیزات برش

اع۱ تجهیزات
اخ۱ ابزار تراش
اخ۲ ابزار تراش الماسه
اخ۳ مته الماسی
اخ۲ ابزار تراش دندان
اخ۲ ابزار تراش کاربید
اخ۲ ابزار تراشکاری سرامیک
اخ۲ ابزار حفره‌کنی
اخ۳ چاله‌کن
اخ۲ اره
اخ۳ اره فلزکاری
اخ۲ برقو
اخ۲ جیگ
اخ۲ چرخ سنگ‌زنی
اخ۲ خان‌کش
اخ۲ دنده‌تراش
اخ۲ سرمته
اخ۲ سوهان و چوب‌سا ی
اخ۲ قالب پیچ‌تراشی
اخ۲ قلاویز
اخ۲ ماشین شکاف‌زنی
اخ۲ ماشین شیارزن
اخ۲ ماشین شیشه‌بری
اخ۲ مته
اخ۳ دریل هیدرولیکی
اخ۳ دستگاه حفاری چاه نفت
اخ۳ مته الکتریکی

اخ۳ مته الماسی
اخ۳ مته بادی
اخ۳ مته بوربینی
اخ۳ مته سنگ‌شکن
اخ۳ مته معدن‌کاری
اخ۲ نگهدارنده بیتی
اخ۱ برنده زغال سنگ نارس
اخ۱ ماشین برش(معدن‌کاری)
اخ۲ چاله‌کن دستی
اخ۲ ماشین حفار بارکننده
اخ۳ معدن‌کار پیوسته(ماشین)
او برش
او مواد خنک‌کاری
ان *Cutting equipment*

تجهیزات برقی کشتی

اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اع۱ تجهیزات کشتی
اع۲ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات آب‌پیما
اع۳ آب‌پیما
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ کشتی
اع۳ آب‌پیما
او سنج‌افزار کشتی
ان *Electric ship equipment*

تجهیزات برودتی

ب‌ج *تجهیزات فرودمایی*
ب‌ج *یاتاقان دماپایین*
اع۱ تجهیزات
اخ۱ دیوئر
اخ۱ سرماچال
او سرمایش‌شناسی
او سیستم سرمایش
ان *Cryogenic equipment*

تجهیزات پزشکی

ب‌ک تجهیزات زیست‌پزشکی

تجهیزات پزشکی الکترونیکی

ب‌ج *الکترونیک پزشکی*
اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
اع۱ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۲ تجهیزات
او خردالکترود
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Electronic medical equipment*

تجهیزات تجزیه

ی‌د برای تجزیه شیمیایی
اع۱ تجهیزات شیمیایی
اع۲ تجهیزات
او تجزیه شیمیایی
او رنگ‌سنج
او فلئورسنج
ان *Analytic equipment*

تجهیزات تقاطعی

ب‌ج *سیستم تقاطعی*
اع۱ تجهیزات سودهی تلفن
اع۲ تجهیزات تلفن
اع۳ تجهیزات مخابراتی
اع۲ سوده الکتریکی
اع۳ سوده
ان *Crossbar equipment*

تجهیزات تقطیر

اع۱ تجهیزات شیمیایی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ ستون تقطیر
او تقطیر
او کارخانه مشروب‌سازی
ان *Distillation equipment*

تجهیزات تلفن

اع۱ تجهیزات مخابراتی
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ تجهیزات تلفن تصویری
اخ۱ تجهیزات سودهی تلفن
اخ۲ تجهیزات تقاطعی
اخ۲ تخته‌کلید تلفن
اخ۱ تحلیلگر شدآمد تلفنی
اخ۱ خط تلفن
او برابرساز
او تجهیزات رادیویی
او تقویت‌کننده(الکترونیکی)

او تکرارکننده مخابراتی
او تلفن
او تلفن رادیویی
او سیستم پیام‌گیر تلفن
او سیستم تلفن
او سیستم تلفن خودکار
او سیستم شماره‌گیری تلفن
او فرونشانی پژواک
او کابل مخابراتی
او مدار تلفن
او مدار فشرگستر
او مرکز تلفن
ان *Telephone equipment*

تجهیزات تلفن تصویری

اع۱ تجهیزات تلفن
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او ارتباط دیداری
او تجهیزات تلویزیونی
او دورسنجی
او سیستم تلفن
او سیستم تلویزیونی
او کاربرد تلویزیون
ان *Video telephone equipment*

تجهیزات تلگراف

اع۱ تجهیزات مخابراتی
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ دورچاپگر
او تجهیزات ارتباط داده‌ها
او تجهیزات رادیویی
او تکرارکننده مخابراتی
او تلگراف
او تلگراف رادیویی
او تمرکزساز خط جریان
او سیستم تلگراف
او کابل مخابراتی
او مدار تلگراف
ان *Telegraph equipment*

تجهیزات تلویزیونی

اع۱ تجهیزات مخابراتی
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ آنتن تلویزیون
اخ۱ تجهیزات تلویزیونی خودرو
اخ۱ تقویت‌کننده ویدئو
اخ۱ دوربین ویدئو
اخ۱ دیسک ویدئو
اخ۱ ضبط کاستی ویدئویی
اخ۱ فرستنده تلویزیونی
اخ۲ فرستنده تلویزیون رنگی
اخ۲ فرستنده تلویزیونی هوابرد
اخ۱ گیرنده تلویزیونی
اخ۲ تلویزیون با صفحه تصویر بزرگ
اخ۲ گیرنده تلویزیون رنگی
اخ۱ لامپ تصویر تلویزیون
اخ۱ لامپ دوربین تلویزیونی
او آنتن
او ایستگاه تلویزیونی
او برج تلویزیونی
او پخش تلویزیونی
او تجهیزات تلفن تصویری
او تلویزیون
او تلویزیون دقت‌بالا
او سیستم تلویزیون کابلی
او سیستم تلویزیون مداربسته
او سیستم تلویزیونی
او شبکه تلویزیونی
او کابل مخابراتی
او کیفیت تصویر تلویزیون
او لامپ پرتو کاتدی
او مدوله‌ساز
ان *Television equipment*

تجهیزات تلویزیونی خودرو

اع۱ تجهیزات الکترونیکی خودرو
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۳ خودرو
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۱ تجهیزات تلویزیونی
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
ان *Automobile television equipment*

ب‌ک تجهیزات توانبخشی انسانی

تجهیزات توانبخشی انسانی

ب‌ج *تجهیزات توانبخشی*
اع۱ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ ابزار کنترل چشم
اخ۱ جانشین صفحه‌کلید رایانه(خدمات معلولین)
اخ۱ چرخک
اخ۱ خدمات ارتباطی برای ناشنوایان
اخ۱ خدمات تولید گفتار
اخ۱ کمک سیار برای روشن‌دل
اخ۱ کمک‌راه‌رفتن
اخ۱ کمک‌یادگیری برای معلول
او ارتاسازی
او اندام حرکتی مصنوعی
او پروستتیک
او تجهیزات ورزشی
او توانبخشی بیمار
او سیستم زندگی مستقل
او محل نشستن معلولین
او مهندسی توانبخشی انسانی
ان *Human rehabilitation equipment*

تجهیزات جابه‌جایی مواد

اع۱ تجهیزات
اخ۱ آهنربای بالابر
اخ۱ باربر نقاله‌ای
اخ۲ باربر نقاله‌ای بادی
اخ۲ باربر نقاله‌ای لرزشی
اخ۲ ناقل تک‌ریلی
اخ۲ ناقل پل
اخ۲ ناقل زنجیری
اخ۲ ناقل گرانی
اخ۲ نقاله پیچی
اخ۲ نقاله تسمه‌ای
اخ۱ بستره لغزان
اخ۱ تجهیزات جابه‌جایی مواد بادی
اخ۲ باربر نقاله‌ای بادی
اخ۲ لوله هوای فشرده
اخ۱ جرثقیل
اخ۲ جرثقیل بازویی
اخ۲ جرثقیل بالگرد
اخ۲ جرثقیل برجی
اخ۲ جرثقیل پل
اخ۲ جرثقیل دروازه‌ای
اخ۳ ریل جرثقیل
اخ۳ گذرگاه جرثقیل
اخ۲ جرثقیل شناور
اخ۲ جرثقیل کشتی
اخ۲ جرثقیل لکوموتیو
اخ۱ جرثقیل دستی
اخ۱ چرخ بالاکش
اخ۲ بالابر معدن
اخ۳ بالابر استخراج کوئپه
اخ۳ دکل سر چاه
اخ۱ دست‌ماشینی
اخ۱ قرقره
اخ۱ کامیون صنعتی
اخ۲ بارکش معدن
اخ۱ کفه بارگیری
اخ۱ لودر
اخ۲ ماشین حفار بارکننده
اخ۳ معدن‌کار پیوسته(ماشین)
اخ۱ مسیر کابلی
او اتاقک بالابر معدن
او ارتعاشگر
او انبار
او بارگنج
او بالابر
او جابه‌جایی مواد
او سنگ‌شکن
او قلاب
او کامیون
او لوله
او ماشین بسته‌بندی
او ماشین‌آلات
او ماشین‌آلات خاک‌برداری
او واگن معدن
ان *Materials handling equipment*

تجهیزات جابه‌جایی مواد بادی

اع۱ تجهیزات بادی
اع۲ تجهیزات
اع۱ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۲ تجهیزات
اخ۱ باربر نقاله‌ای بادی
اخ۱ لوله هوای فشرده
ان *Pneumatic materials handling equipment*

تجهیزات جانبی رایانه

اع۱ سخت‌افزار رایانه
اع۲ رایانه
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اخ۱ ابزار برهم‌کنشی
اخ۲ جانشین صفحه‌کلید رایانه(خدمات معلولین)
اخ۲ صفحه‌کلید رایانه
اخ۲ قلم نوری
اخ۲ موشی(دستگاه جنبی رایانه)
اخ۲ نمایشگر رایانه
اخ۲ ورودی فعال صدا
اخ۱ پایانه رایانه
اخ۲ پایانه صندوق
اخ۲ کنسول راه دور
اخ۱ تجهیزات بازشناسی کاراکتر
اخ۱ تجهیزات نگاره‌سازی رایانه‌ای
اخ۱ چاپگر(رایانه)
اخ۱ رسام(رایانه)
اخ۱ سیستم کارت سوراخ‌دار
اخ۱ سیستم نوار سوراخ‌شده
اخ۱ نوارگردان
او الگوشناسی
او تجهیزات ذخیره داده‌ها
او ترکیب گفتار
او داده‌پردازی نوری
او سیستم مخابراتی رقمی
او مدار رقمی
او نمایشگر سنج‌افزار
او واسط(رایانه)
ان *Computer peripheral equipment*

تجهیزات جراحی

ب‌ک تجهیزات زیست‌پزشکی

تجهیزات چاه

اع۱ تجهیزات
اخ۱ سوراخ‌کن
او تجهیزات میدان نفتی
ان *Well equipment*

تجهیزات حافظه رایانه

ب‌ک تجهیزات ذخیره داده‌ها

تجهیزات حفاری

اع۱ تجهیزات
اخ۱ تجهیزات حفاری چاه نفت
اخ۲ تلمبه گل حفاری
اخ۲ دستگاه حفاری چاه نفت
اخ۲ دکل حفاری
اخ۳ دکل حفاری جک سرخود
اخ۱ لوله حفاری
اخ۱ ماشین حفاری زمین
او حفاری چاه
او گل حفاری
او مته سنگ‌شکن
ان *Drilling equipment*

تجهیزات حفاری چاه نفت

اع۱ تجهیزات حفاری
اع۲ تجهیزات
اخ۱ تجهیزات میدان نفتی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ تلمبه گل حفاری
اخ۱ دستگاه حفاری چاه نفت
اخ۱ دکل حفاری
اخ۲ دکل حفاری جک سرخود
او ابزاریابی(چاه نفت)
او حفاری چاه نفت
او لوله حفاری
ان *Oil well drilling equipment*

تجهیزات خورشیدی

ب‌چ *بخاری خورشیدی*
اع۱ تجهیزات
اخ۱ آب‌گرمکن خورشیدی
اخ۱ آرایه پیل خورشیدی
اخ۱ پیل خورشیدی
اخ۲ پیل خورشیدی سولفور کادمیوم
اخ۲ پیل خورشیدی سیلسیمی
اخ۱ جمع‌کن خورشیدی
اخ۲ حوضه خورشیدی
اخ۱ خشک‌کن خورشیدی
اخ۱ متمرکزکننده خورشیدی
او بخاری
او تولید نیروی خورشیدی
او سردسازی خورشیدی
او گرمایش خورشیدی
او نیروگاه خورشیدی
ان *Solar equipment*

تجهیزات دستی

اع۱ تجهیزات
ان *Portable equipment*

تجهیزات دندانپزشکی

اع۱ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ ابزار تراش دندان
او دندانپزشکی
ان *Dental equipment*

تجهیزات دورپاس

ب‌ج *تجهیزات دورفرمان*
اع۱ تجهیزات کنترل
اع۲ تجهیزات
اع۱ تجهیزات مخابراتی
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او تجهیزات دورسنجی
او تراگذار
او دورفرمان
او سنج‌افزار ثبات
ان *Telécontrol equipment*

تجهیزات دورسنجی

اع۱ تجهیزات مخابراتی
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او پشتیبانی زمینی هوافضا
او تجهیزات ارتباط داده‌ها
او تجهیزات دورپاس
او تجهیزات زیست‌پزشکی
او تراگذار
او دورسنجی
او سنج‌افزار ثبات
او سیستم دورسنجی
او ماهواره
ان *Telemetering equipment*

تجهیزات دورفرمان

ب‌ک تجهیزات دورپاس

تجهیزات دیالیز خون

ب‌ک دستگاه همودیالیز

تجهیزات دیالیز کلیه

ب‌ک دستگاه همودیالیز

تجهیزات ذخیره اطلاعات

ب‌ک تجهیزات ذخیره داده‌ها

تجهیزات ذخیره داده‌ها

ب‌ج *ابزار حافظه*
ب‌ج *تجهیزات حافظه رایانه*
ب‌ج *تجهیزات ذخیره اطلاعات*
ب‌ج *تجهیزات ذخیره رایانه‌ای*
ب‌ج *حافظه*
ب‌ج *ذخیره اطلاعات*
ب‌ج *ذخیره‌سازی(اطلاعات)*
ب‌ج *واحد ذخیره داده‌ها*
اع۱ سخت‌افزار رایانه
اع۲ رایانه
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اخ۱ انباره قیاسی
اخ۱ حافظه نیم‌رسانا
اخ۱ ذخیره داده‌های نوری
اخ۲ انباره دیسک نوری
اخ۳ سی.دی.رام
اخ۲ ذخیره تصویر نوری
اخ۱ ذخیره رقمی
اخ۲ انباره انجمنی
اخ۲ انباره مجازی
اخ۲ حافظه دستیابی تصادفی
اخ۲ حافظه غیرفرار
اخ۳ حافظه حباب مغناطیسی
اخ۳ ذخیره با فیلم مغناطیسی
اخ۳ ذخیره دیسک مغناطیسی
اخ۳ ذخیره نوار مغناطیسی
اخ۲ حافظه فقط خواندنی
اخ۳ پی‌رام
اخ۲ ذخیره تصویر رقمی
اخ۲ ذخیره خودسازمان‌ده
اخ۲ ذخیره سرماالکتریکی
اخ۱ ذخیره مغناطیسی
اخ۲ حافظه حباب مغناطیسی
اخ۲ ذخیره با فیلم مغناطیسی
اخ۳ ذخیره با سیم روکشدار
اخ۲ ذخیره دیسک مغناطیسی
اخ۳ ذخیره دیسک سخت
اخ۳ ذخیره دیسک لرزان

اخ۲ ذخیره نوار مغناطیسی
اخ۲ ذخیره هستهٔ مغناطیسی
اخ۲ هد مغناطیسی
او انتقال داده‌ها
او تجهیزات جانبی رایانه
او تخصیص حافظه(رایانه)
او داده‌پردازی
ان *Data storage equipment*

تجهیزات ذخیره رایانه‌ای
ب‌ک تجهیزات ذخیره داده‌ها

تجهیزات رادار
اع۱ بردیاب
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اخ۱ آنتن رادار
اخ۱ پوشش آنتن
اخ۱ تجهیزات رادار هواگرد
اخ۱ دکل رادار
اخ۱ صفحه نمایش رادار
اخ۱ فرستنده رادار
اخ۱ گیرنده رادار
اخ۱ مدار رادار
او ایستگاه رادار
او پالایه ریزموج
او تجهیزات رادیویی
او تجهیزات نظامی
او رادار
او نوسانگر ریزموجی
ان *Radar equipment*

تجهیزات رادار هواگرد
اع۱ تجهیزات رادار
اع۲ بردیاب
اع۳ سنج‌افزار
اع۱ قطعات و تجهیزات هواگرد
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ هواگرد
او ارتباط هواگردی
او سنج‌افزار هواگرد
ان *Aircraft radar equipment*

تجهیزات رادیویی
ب‌ج *تجهیزات رادیویی ریزموجی*
ب‌ج *کابل رادیویی*
اع۱ تجهیزات مخابراتی
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ ارتفاع‌سنج رادیویی
اخ۱ بالون رادیویی
اخ۱ تجهیزات رادیویی خودرو
اخ۱ تجهیزات رادیویی کوچک
اخ۱ تجهیزات رادیویی نظامی
اخ۱ تقویت‌کننده بسامد رادیویی
اخ۱ تلسکوپ رادیویی
اخ۱ سیستم جهت‌یابی رادیویی
اخ۲ جهت‌یاب ادکاک
اخ۱ فرستنده رادیویی
اخ۲ رادیوسوند
اخ۲ گیرنده و فرستنده
اخ۱ گیرنده رادیویی
اخ۲ گیرنده تک‌باندکناری
اخ۲ گیرنده و فرستنده
او ابزار ریزموج
او ارتباط رادیویی
او استودیوی رادیویی
او آنتن
او ایستگاه رادیویی
او برج رادیویی
او بست الکتریکی
او بلندگو
او پالایه الکتریکی
او پخش رادیویی
او پیچه الکتریکی
او تجهیزات تلفن
او تجهیزات تلگراف
او تجهیزات رادار
او تشدیدگر
او تقویت‌کننده(الکترونیکی)
او تلفن رادیویی
او تلگراف رادیویی
او خازن
او رادیو
او سوده الکتریکی
او سیستم رادیویی
او سیستم رادیویی سیار
او کابل مخابراتی
او کاهنده الکتریکی
او گیرنده رادار

او مبدل الکتریکی
او مدار یک‌سوساز
او مدوله‌ساز
او مقاومت
او نوسانگر(الکترونیک)
او وامدوله‌ساز
ان *Radio equipment*

تجهیزات رادیویی خودرو

اع۱ تجهیزات الکترونیکی خودرو
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۳ خودرو
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۱ تجهیزات رادیویی
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
ان *Automobile radio equipment*

تجهیزات رادیویی ریزموجی

ب‌ک ابزار ریزموج
ب‌ک تجهیزات رادیویی

تجهیزات رادیویی کوچک

اع۱ تجهیزات رادیویی
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او فرستنده رادیویی
او گیرنده رادیویی
ان *Miniature radio equipment*

تجهیزات رادیویی نظامی

اع۱ تجهیزات رادیویی
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ تجهیزات نظامی
اع۲ تجهیزات
او ارتباطات نظامی
ان *Military radio equipment*

تجهیزات زمینی فرودگاه

اع۱ تجهیزات
اع۱ فرودگاه
اع۲ تسهیلات
اخ۱ تجهیزات سوخت‌گیری هواگرد
او ترابری مسافر فرودگاهی
ان *Airport ground equipment*

تجهیزات زیرآبی

اع۱ تجهیزات
اخ۱ دوربین زیرآبی
اخ۱ لامپ زیرآبی
او اندازه‌گیری دمای زیر آب
او برش زیرآبی
او جوشکاری زیرآبی
او حفاری زیرآبی
او ساخت زیرآبی
او سازه زیرآبی
او عکاسی زیرآبی
او گمانه‌زنی زیرآبی
او مهندسی اقیانوس
او نیروگاه زیرآبی
او واکنشگاه زیرآبی
ان *Underwater equipment*

تجهیزات زیرزمینی

اع۱ تجهیزات
اخ۱ دوربین زیرزمینی
اخ۱ کابل زیرزمینی
او ترابری معدن زیرزمینی
او توزیع زیرزمینی نیروی برق
او تولید گاز زیرزمینی
او خوردگی در بستر زمین
او ذخیره زیرزمینی گاز
او ساختمان زیرزمینی
او سازه زیرزمینی
ان *Underground equipment*

تجهیزات زیست‌پزشکی

ب‌ج *تجهیزات پزشکی*
ب‌ج *تجهیزات جراحی*
ب‌ج *تدارکات پزشکی*
اع۱ تجهیزات
اخ۱ ارتاسازی
اخ۱ اکسیژن‌دهنده
اخ۱ اکسیژن‌سنج
اخ۱ برانکار
اخ۱ پروستتیک

اخ۲	اندام حرکتی مصنوعی
اخ۲	اندام مصنوعی
اخ۲	برسازه دریچه قلب
اخ۲	برسازه دندانی
اخ۲	برسازه رگ خونی
اخ۲	برسازه فکی-صورتی
اخ۲	برسازه مفصل
اخ۳	برسازه مفصل خاصره‌ای-رانی
اخ۲	پروستتیک میوالکتریکی کنترل‌شده
اخ۲	ضربان‌ساز
اخ۲	عدسی داخل چشمی
اخ۱	تجهیزات پزشکی الکترونیکی
اخ۱	تجهیزات توانبخشی انسانی
اخ۲	ابزار کنترل چشم
اخ۲	جانشین صفحه‌کلید رایانه(خدمات معلولین)
اخ۲	چرخک
اخ۲	خدمات ارتباطی برای ناشنوایان
اخ۲	خدمات تولید گفتار
اخ۲	کمک سیار برای روشن‌دل
اخ۲	کمک‌راه‌رفتن
اخ۲	کمک‌یادگیری برای معلول
اخ۱	تجهیزات دندانپزشکی
اخ۲	ابزار تراش دندان
اخ۱	تجهیزات زیست‌پزشکی یکبارمصرف
اخ۱	تجهیزات ورزشی
اخ۱	تخت بیمارستانی
اخ۱	دستگاه تنفس مصنوعی
اخ۱	دستگاه همودیالیز
اخ۱	دفیبریلاتور
اخ۱	دیده‌سنج
اخ۱	زیست‌حس‌گر
اخ۲	الکترود میکروبی
اخ۲	حس‌گر آنزیم
اخ۲	حس‌گر ایمنی
اخ۲	حس‌گر داروی یونی
اخ۲	حس‌گر گلوکز
اخ۲	حس‌گر نوک کاتتر
اخ۱	سترون‌کننده
اخ۱	سرنگ
اخ۱	شنوایی‌سنج
اخ۱	کاتتر
اخ۲	حس‌گر نوک کاتتر
اخ۱	کمک‌حسی
اخ۲	کمک‌بینایی
اخ۳	عدسک
اخ۳	عدسی داخل چشمی
اخ۳	عینک
اخ۲	کمک‌شنوایی
اخ۳	کمک‌شنوایی تلفن
اخ۱	محفظه پرفشار
او	اتاق عمل
او	اتوکلاو
او	ایزوتوپ پرتوزا
او	برش‌نگاری گسیل پوزیترون
او	پایش بیمار
او	پزشکی
او	تجهیزات دورسنجی
او	تشخیص(پزشکی)
او	توانبخشی بیمار
او	خردالکترود
او	درمان بیمار
او	دستگاه پرتو ایکس
او	گندزدا
او	مهندسی زیست‌پزشکی
ان	*Biomedical equipment*

تجهیزات زیست‌پزشکی یکبارمصرف

اع۱	تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۲	تجهیزات
او	دفع پسمانده
او	سرنگ
ان	*Disposable biomedical equipment*

تجهیزات ساخت

اع۱	تجهیزات
اخ۱	بستاب
اخ۱	بیل
اخ۱	تجهیزات ساخت نظامی
اخ۱	داربست
اخ۱	شمع‌کوب
اخ۱	صندوق زیرآبی
اخ۱	ماشین‌آلات راه‌سازی
اخ۲	غلتک(ماشین‌آلات راه‌سازی)
اخ۱	مهاربند(ساخت بتنی)
او	باربر نقاله‌ای
او	بالابر
او	جرثقیل
او	چرخ بالاکش
او	دست‌افزار
او	ساخت
او	قالب(بتنی)

او لای‌روب
او ماشین‌آلات خاک‌برداری
ان *Construction equipment*

تجهیزات ساخت نظامی

اع۱ تجهیزات ساخت
اع۲ تجهیزات
اع۱ تجهیزات نظامی
اع۲ تجهیزات
او عملیات نظامی
او مهندسی نظامی
ان *Military construction equipment*

تجهیزات سبک وزن

اع۱ تجهیزات
اخ۱ خط نورد سبک
ان *Light weight equipment*

تجهیزات سوختگیری هواگرد

اع۱ تجهیزات زمینی فرودگاه
اع۲ تجهیزات
اع۲ فرودگاه
اع۳ تسهیلات
او سوخت هواگرد
او سوخت‌گیری هواگرد
ان *Aircraft fueling equipment*

تجهیزات سودهی تلفن

اع۱ تجهیزات تلفن
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ سوده الکتریکی
اع۲ سوده
اع۳ تجهیزات
اخ۱ تجهیزات تقاطعی
اخ۱ تخته‌کلید تلفن
او اتصال الکتریکی
او تلفن
او تمرکزساز خط جریان
او سیستم سودهی
او شبکه سودهی
او مدار سودهی
او مرکز تلفن
ان *Telephone switching equipment*

تجهیزات سیگنال‌دهی

اع۱ تجهیزات
او سیستم علائم
او سیگنال‌دهی
ان *Signaling equipment*

تجهیزات شنیداری

اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ آوانگار
اخ۱ برگیر
اخ۱ بلندگو
اخ۲ بلندگوی الکترواستاتیکی
اخ۱ تقویت‌کننده بسامد شنیداری
اخ۱ سیستم صدارسانی
اخ۱ صدابر
اخ۱ ضبط‌صوت
اخ۲ ضبط کاستی ویدئویی
اخ۱ هدفون
او ابزار صوتی
او استودیوی صوتی
او تجهیزات صوتی
او سیستم شنیداری
او صفحه آوانگار
او صوت‌شناسی شنیداری
او ضبط‌کردن چندآوایی
ان *Audio equipment*

تجهیزات شیمیایی

اع۱ تجهیزات
اخ۱ اتم‌ساز
اخ۱ برج جذب سطحی
اخ۱ برج حبابدار
اخ۱ بستر پرشده
اخ۱ بستر سیال
اخ۱ بلورساز
اخ۱ تبخیرکننده
اخ۱ تجهیزات تجزیه
اخ۱ تجهیزات تقطیر
اخ۲ ستون تقطیر
اخ۱ خانک برق‌کافتی
اخ۱ خنک‌کن(مایع‌کن)
اخ۲ چگالنده بخار
اخ۳ لوله چگالنده
اخ۱ دستگاه پخت چوب

اخ۱ واکنشگاه شیمیایی
اخ۲ زیست واکنشگاه
اخ۳ ایستاشیمی
اخ۳ ظرف تخمیر
او آزمایشگاه شیمی
او شیمی
او شیمی‌فیزیک
او لیزر شیمیایی
او واکنش شیمیایی
ان *Chemical equipment*

تجهیزات صوتی

اع۱ تجهیزات
اخ۱ آرایه صوتی
اخ۱ ابزار صوتی
اخ۲ ابزار صوتی ریزموج
اخ۲ ابزار صوتی‌نوری
اخ۳ پیل براگ
اخ۲ ابزار فراصوتی
اخ۳ خط تاخیر فراصوتی
اخ۳ مبدل فراصوتی
اخ۲ ابزار موج حجمی صوتی
اخ۲ ابزار موج سطحی صوتی
اخ۳ پالایه موج سطحی صوتی
اخ۲ تراگذار صوتی
اخ۳ برگیر
اخ۳ تراگذار برقاصوتی
اخ۳ مبدل فراصوتی
اخ۲ خط تاخیر صوتی
اخ۳ خط تاخیر فراصوتی
اخ۱ تجهیزات فراصوتی
اخ۲ ابزار فراصوتی
اخ۳ خط تاخیر فراصوتی
اخ۳ مبدل فراصوتی
اخ۲ دوربین فراصوتی
اخ۲ سرعت‌سنج فراصوتی دوپلر
اخ۲ سیلان‌سنج فراصوتی
اخ۲ ماشین‌ابزار فراصوتی
اخ۱ تشدیدگر صوتی
اخ۱ دستگاه گمانه‌زنی
اخ۱ سونار
اخ۱ گیرنده صوتی
اخ۱ مولد صوتی
اخ۲ آلات موسیقی
اخ۳ آلات موسیقی الکترونیکی
اخ۳ ارگ(آلات موسیقی)
اخ۲ بلندگو
اخ۳ بلندگوی الکترواستاتیکی
اخ۲ تابشگر صوتی
اخ۲ زنگ
اخ۲ سیرن
اخ۱ میکروسکوپ صوتی
او تجهیزات شنیداری
او تولید دوباره صدا
او سیستم شنیداری
او صوت‌شناسی
ان *Acoustic equipment*

تجهیزات عبور داده‌ها

ب‌ک تجهیزات ارتباط داده‌ها

تجهیزات عکاسی

اع۱ تجهیزات
اخ۱ دوربین
اخ۲ دوربین تصویر متحرک
اخ۲ دوربین پرتو ایکس
اخ۲ دوربین دمانما
اخ۲ دوربین زیرآبی
اخ۲ دوربین زیرزمینی
اخ۲ دوربین سرعت بالا
اخ۲ دوربین فراصوتی
اخ۲ دوربین ویدئو
اخ۲ شاتر دوربین
اخ۲ عدسی دوربین
اخ۲ کنترل نوردهی
اخ۱ لوازم عکاسی
او ابزار نوری
او سنج‌افزار نوری
او عکاسی
او فیلم عکاسی
ان *Photographic equipment*

تجهیزات عملگر سکه‌ای

اع۱ تجهیزات
اخ۱ تلفن سکه‌ای
اخ۱ ماشین فروش
اخ۲ ماشین تحویل بلیت
ان *Coin operated equipment*

تجهیزات فراصوتی

اع۱ تجهیزات صوتی

اع۲ تجهیزات
اخ۱ ابزار فراصوتی
اخ۲ خط تاخیر فراصوتی
اخ۲ مبدل فراصوتی
اخ۱ دوربین فراصوتی
اخ۱ سرعت‌سنج فراصوتی دوپلر
اخ۱ سیلان‌سنج فراصوتی
اخ۱ ماشین‌ابزار فراصوتی
او اثر فراصوتی
او فراصوت‌شناسی
او کاربرد فراصوتی
او مولد سیگنال
ان *Ultrasonic equipment*

تجهیزات فرمان خودرو

اع۱ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۲ خودرو
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
او فرمان
ان *Automobile steering equipment*

تجهیزات فرودمایی

ب‌ک تجهیزات برودتی

تجهیزات فضاپیما

اع۱ تجهیزات
اع۱ فضاپیما
اع۲ وسیله نقلیه
اع۱ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ تجهیزات
اع۲ وسیله نقلیه
اخ۱ سنج‌افزار فضاپیما
اخ۱ سیستم پشتیبانی حیاتی(فضاپیما)
اخ۱ سیستم گریز فضاپیما
اخ۱ منبع تغذیه فضاپیما
ان *Spacecraft equipment*

تجهیزات قایق

اع۱ قایق
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
اع۱ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ تجهیزات
اع۲ وسیله نقلیه
اخ۱ دکل(قایق)
اخ۱ سنج‌افزار قایق
اخ۱ ضربه‌گیر(قایق)
او تجهیزات کشتی
ان *Boat equipment*

تجهیزات کشاورزی

ب‌ک ماشین‌آلات کشاورزی

تجهیزات کشتی

اع۱ تجهیزات
اع۱ قطعات و تجهیزات آب‌پیما
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ وسیله نقلیه
اع۱ کشتی
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
اخ۱ پیشران کشتی
اخ۱ تجهیزات الکترونیکی کشتی
اخ۱ تجهیزات برقی کشتی
اخ۱ تجهیزات گارد ساحلی
اخ۲ قایق نجات
اخ۱ تجهیزات هدایت کشتی
اخ۲ سکان
اخ۱ جرثقیل کشتی
اخ۱ دریچه
اخ۱ دودکش کشتی
اخ۱ روکش دریچه
اخ۱ سنج‌افزار کشتی
اخ۱ قایق‌بالابر
اخ۱ کابل لنگر
اخ۱ لنگر
اخ۱ مخزن بالاست
او تجهیزات قایق
ان *Ship equipment*

تجهیزات کمکی

اع۱ تجهیزات
اخ۱ سیستم نیروی کمکی
ان *Auxiliary equipment*

تجهیزات کنترل

ب‌ج کنترلگر
اع۱ تجهیزات
اخ۱ تجهیزات دورپاس
اخ۱ تجهیزات کنترل آلودگی
اخ۲ تجهیزات کنترل آلودگی آب
اخ۲ تجهیزات کنترل آلودگی نوفه
اخ۲ تجهیزات کنترل آلودگی هوا
اخ۳ گردگیر
اخ۱ تجهیزات کنترل الکتریکی
اخ۲ ابزار کنترل الکتریکی نهایی
اخ۲ تنظیم‌گر ولتاژ
اخ۳ مدار تثبیت ولتاژ
اخ۲ فیوز
اخ۱ تجهیزات کنترل مکانیکی
اخ۲ تجهیزات کنترل بادی
اخ۳ مکانیسم فرمان‌یار بادی
اخ۲ تجهیزات کنترل هیدرولیکی
اخ۳ اهرم آبی
اخ۳ ترمز هیدرولیکی
اخ۳ تقویت‌کننده سیالی
اخ۳ فرمان هیدرولیکی
اخ۳ موتور هیدرولیکی
اخ۲ سوپاپ
اخ۳ سوپاپ اطمینان
اخ۳ شیر فشارشکن
اخ۱ تنظیم‌گر فشار
اخ۱ سرماچال
اخ۱ سنج‌افزار کنترل دیگ بخار
اخ۱ کنترل‌کننده منطقی برنامه‌پذیر
اخ۱ مکانیسم فرمان‌یار
اخ۲ تقویت‌کننده فرمان‌یار
اخ۲ فرمان هیدرولیکی
اخ۲ مکانیسم فرمان‌یار بادی
اخ۲ موتور فرمان‌یار
اخ۳ همگام‌ساز
اخ۱ میله کنترل
اخ۱ وسایل کنترل نهایی
اخ۲ ابزار کنترل الکتریکی نهایی
اخ۲ ابزار کنترل نهایی غیرالکتریکی
او اتاق کنترل(نیروگاه)
او آدمک
او آدمک صنعتی
او استودیوی رادیویی
او برج مراقبت
او تراگذار
او دورفرمان
او سیستم کنترل
او کنترل
او کنسول راه دور
او نشانگر(سنج‌افزار)
ان *Control equipment*

تجهیزات کنترل آلودگی

اع۱ تجهیزات کنترل
اع۲ تجهیزات
اخ۱ تجهیزات کنترل آلودگی آب
اخ۱ تجهیزات کنترل آلودگی نوفه
اخ۱ تجهیزات کنترل آلودگی هوا
اخ۲ گردگیر
او کنترل آلودگی
ان *Pollution control equipment*

تجهیزات کنترل آلودگی آب

اع۱ تجهیزات کنترل آلودگی
اع۲ تجهیزات کنترل
اع۳ تجهیزات
او کنترل آلودگی آب
ان *Water pollution control equipment*

تجهیزات کنترل آلودگی نوفه

اع۱ تجهیزات کنترل آلودگی
اع۲ تجهیزات کنترل
اع۳ تجهیزات
او صداخفه‌کن
او صداگیری
او کاهش نوفه
او کنترل آلودگی نوفه
او مصالح صداگیر
ان *Noise pollution control equipment*

تجهیزات کنترل آلودگی هوا

اع۱ تجهیزات کنترل آلودگی
اع۲ تجهیزات کنترل
اع۳ تجهیزات
اخ۱ گردگیر
او گازشوی
او مبدل کاتالیزوری
ان *Air pollution control equipment*

تجهیزات کنترل الکتریکی

اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اع۱ تجهیزات کنترل
اع۲ تجهیزات
اخ۱ ابزار کنترل الکتریکی نهایی
اخ۱ تنظیم‌گر ولتاژ
اخ۲ مدار تثبیت ولتاژ
اخ۱ فیوز
او مولد الکتریکی
ان *Electric control equipment*

تجهیزات کنترل بادی

اع۱ تجهیزات بادی
اع۲ تجهیزات
اع۱ تجهیزات کنترل مکانیکی
اع۲ تجهیزات کنترل
اع۳ تجهیزات
اخ۱ مکانیسم فرمان‌یار بادی
او بادگان‌شناسی
او کنترل بادی
ان *Pneumatic control equipment*

تجهیزات کنترل مکانیکی

اع۱ تجهیزات کنترل
اع۲ تجهیزات
اخ۱ تجهیزات کنترل بادی
اخ۲ مکانیسم فرمان‌یار بادی
اخ۱ تجهیزات کنترل هیدرولیکی
اخ۲ اهرم آبی
اخ۲ ترمز هیدرولیکی
اخ۲ تقویت‌کننده سیالی
اخ۳ تقویت‌کننده هیدرولیکی
اخ۲ فرمان هیدرولیکی
اخ۲ موتور هیدرولیکی
اخ۱ سوپاپ
اخ۲ سوپاپ اطمینان
اخ۲ شیر فشارشکن
اخ۳ صفحه گسیختگی
او ابزار کنترل نهایی غیرالکتریکی
ان *Mechanical control equipment*

تجهیزات کنترل هیدرولیکی

اع۱ تجهیزات کنترل مکانیکی
اع۲ تجهیزات کنترل
اع۳ تجهیزات
اع۱ تجهیزات هیدرولیکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ اهرم آبی
اخ۱ ترمز هیدرولیکی
اخ۱ تقویت‌کننده سیالی
اخ۲ تقویت‌کننده هیدرولیکی
اخ۱ فرمان هیدرولیکی
اخ۱ موتور هیدرولیکی
او ماشین‌آلات هیدرولیکی
او هیدرولیک
ان *Hydraulic control equipment*

تجهیزات گارد ساحلی

اع۱ تجهیزات کشتی
اع۲ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات آب‌پیما
اع۳ آب‌پیما
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ کشتی
اع۳ آب‌پیما
اخ۱ قایق نجات
او ابزار ایمنی
ان *Lifesaving equipment*

تجهیزات گرماالکتریکی

اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
او تبدیل انرژی گرماالکتریک
او تهویه مطبوع
او سردسازی گرماالکتریک
او گرماالکتریکی
او ماشین‌آلات یخچال‌دار
او نیروگاه گرماالکتریکی
ان *Thermoelectric equipment*

تجهیزات گرمایش

اع۱ تجهیزات
اخ۱ آب‌گرمکن
اخ۲ آب‌گرمکن خورشیدی
اخ۲ پیش‌گرم‌کن آب مصرفی
اخ۱ اجاق
اخ۲ اجاق الکتریکی
اخ۳ اجاق ریزموجی
اخ۲ اجاق صنعتی
اخ۳ اجاق ککسازی

اخ۳	پس‌سوز(اجاق)
اخ۱	المنت گرمایش الکتریکی
اخ۱	بخاری
اخ۲	بخاری الکتریکی
اخ۲	بخاری صنعتی
اخ۲	بخاری گازی
اخ۱	سوخت‌رسان کوره
اخ۱	کوره
اخ۲	آستره کوره
اخ۲	تجهیزات بارگیری(کوره)
اخ۲	زباله‌سوز
اخ۲	کوره آجرپزی
اخ۳	کوره دوار
اخ۲	کوره آزمایشگاهی
اخ۲	کوره الکتریکی
اخ۳	کوره خلاء
اخ۲	کوره بستر سیال
اخ۲	کوره ذوب
اخ۳	کوپل
اخ۳	کوره باریکه الکترونی
اخ۳	کوره بوته‌ای
اخ۳	کوره روباز
اخ۲	کوره زغال‌سنگ‌سوز
اخ۲	کوره شیشه
اخ۲	کوره صنعتی
اخ۳	کوره مادون قرمز
اخ۲	کوره عملیات حرارتی
اخ۳	کوره حمام نمک
اخ۲	کوره کک‌سوز
اخ۲	کوره گازسوز
اخ۲	کوره گرمایش
اخ۲	کوره گرمایش فضا
اخ۲	کوره متالورژی
اخ۳	تبدیلگر اکسیژن قلیایی
اخ۳	کوره بلند
اخ۳	کوره روباز
اخ۳	کوره فولادسازی
اخ۲	کوره نفتی
اخ۲	کوره هم‌دماساز
اخ۲	گرماپس‌ده
اخ۱	گرم‌کن خودرو
اخ۱	مولد بخار
اخ۲	ابرگرم‌کن
اخ۳	لوله ابرگرم‌کن
اخ۲	دیگ بخار
اخ۳	بخارجمع‌کن
اخ۳	جوشاننده چرخندی
اخ۳	دیگ بخار آماده
اخ۳	دیگ بخار با سوخت پودرشده
اخ۳	دیگ بخار دریایی
اخ۳	دیگ بخار زغال‌سنگ‌سوز
اخ۳	دیگ بخار فشار قوی
اخ۳	دیگ بخار کک‌سوز
اخ۳	دیگ بخار گازسوز
اخ۳	دیگ بخار لوله آتشین
اخ۳	دیگ بخار لوله‌ای
اخ۳	دیگ بخار نفت‌سوز
اخ۳	سنجافزار کنترل دیگ بخار
او	بهره‌برداری نیروی برق
او	پالایشگاه نفت
او	تونل باد
او	چگالنده بخار
او	عملیات شیمیایی
او	گرمایش
او	مبادله‌کن گرما
او	مخزن نفت
ان	*Heating equipment*

تجهیزات ماسه‌گذاری

ب‌ج	*ماسه‌پاش زیلی*
اع۱	تجهیزات
او	برداشتن برف و یخ
او	کنترل یخ
او	نیروی غلتش(اصطکاک)
ان	*Sanding equipment*

تجهیزات مخابراتی

اع۱	تجهیزات الکترونیکی
اع۲	تجهیزات
اخ۱	آنتن
اخ۲	آرایه آنتن
اخ۳	شبکه تنظیم فازی آنتن
اخ۲	آنتن استوانه‌ای
اخ۲	آنتن پخش رادیویی
اخ۲	آنتن تلویزیون
اخ۲	آنتن جهت‌دار
اخ۳	آنتن حلقوی
اخ۲	آنتن دوقطبی
اخ۲	آنتن رادار
اخ۲	آنتن روبشگر
اخ۲	آنتن ریزموج

اخ۲ آنتن ریزنوارکی
اخ۲ آنتن سهموی
اخ۲ آنتن سیار
اخ۲ آنتن شیاردار
اخ۲ آنتن شیپوری
اخ۲ آنتن گیرنده
اخ۲ آنتن مارپیچی
اخ۲ آنتن موج پیشرونده
اخ۱ تجهیزات ارتباط داده‌ها
اخ۲ مودم
اخ۱ تجهیزات ارتباط نوری
اخ۲ کابل نوری
اخ۱ تجهیزات تلفن
اخ۲ تجهیزات تلفن تصویری
اخ۲ تجهیزات سودهی تلفن
اخ۳ تجهیزات تقاطعی
اخ۳ تخته‌کلید تلفن
اخ۲ تحلیلگر شدآمد تلفنی
اخ۲ خط تلفن
اخ۱ تجهیزات تلگراف
اخ۲ دورچاپگر
اخ۱ تجهیزات تلویزیونی
اخ۲ آنتن تلویزیون
اخ۲ تجهیزات تلویزیونی خودرو
اخ۲ تقویت‌کننده ویدئو
اخ۲ دوربین ویدئو
اخ۲ دیسک ویدئو
اخ۲ ضبط کاستی ویدئویی
اخ۲ فرستنده تلویزیونی
اخ۳ فرستنده تلویزیون رنگی
اخ۳ فرستنده تلویزیونی هوابرد
اخ۲ گیرنده تلویزیونی
اخ۳ تلویزیون با صفحه تصویر بزرگ
اخ۳ گیرنده تلویزیون رنگی
اخ۲ لامپ تصویر تلویزیون
اخ۲ لامپ دوربین تلویزیونی
اخ۱ تجهیزات دورپاس
اخ۱ تجهیزات دورسنجی
اخ۱ تجهیزات رادیویی
اخ۲ ارتفاع‌سنج رادیویی
اخ۲ بالون رادیویی
اخ۲ تجهیزات رادیویی خودرو
اخ۲ تجهیزات رادیویی کوچک
اخ۲ تجهیزات رادیویی نظامی
اخ۲ تقویت‌کننده بسامد رادیویی
اخ۲ تلسکوپ رادیویی

اخ۲ سیستم جهت‌یابی رادیویی
اخ۳ جهت‌یاب ادکاک
اخ۲ فرستنده رادیویی
اخ۳ رادیوسوند
اخ۳ گیرنده و فرستنده
اخ۲ گیرنده رادیویی
اخ۳ گیرنده تک‌باندکناری
اخ۳ گیرنده و فرستنده
اخ۱ تجهیزات نمابر
اخ۱ تجهیزات همتافتگری
اخ۲ تمرکزساز خط جریان
اخ۱ تکرارکننده مخابراتی
اخ۱ خط مخابراتی
اخ۲ خط تلفن
اخ۲ خط مخابرات بسامد بالا
اخ۲ خط مخابرات نواری
اخ۳ خط ریزنوارکی
اخ۱ دستگاه تلفن
اخ۲ تلفن بی‌سیم
اخ۲ تلفن سکه‌ای
اخ۲ سیم تلفن
اخ۲ کمک‌شنوایی تلفن
اخ۱ فرستنده
اخ۲ ترانسپوندر
اخ۲ فرستنده تلویزیونی
اخ۳ فرستنده تلویزیون رنگی
اخ۳ فرستنده تلویزیونی هوابرد
اخ۲ فرستنده رادیویی
اخ۳ رادیوسوند
اخ۳ گیرنده و فرستنده
اخ۱ کابل مخابراتی
اخ۲ کابل نوری
اخ۲ کابل هم‌محور
اخ۱ کوک‌کن
اخ۱ گیرنده سیگنال
اخ۲ ترانسپوندر
اخ۲ گیرنده رادار
اخ۲ گیرنده صوتی
اخ۲ گیرنده تلویزیونی
اخ۳ تلویزیون با صفحه تصویر بزرگ
اخ۳ گیرنده تلویزیون رنگی
اخ۲ گیرنده چندآوا
اخ۲ گیرنده رادیویی
اخ۳ گیرنده تک‌باندکناری
اخ۳ گیرنده و فرستنده
اخ۱ ماهواره مخابراتی

اخ۱ مدار فشرگستر
او ایستگاه زمینی ماهواره
او پردازش سیگنال
او دورفرمان
او سیستم مخابراتی
او فناوری اطلاعات
او مخابرات
ان *Telecommunication equipment*

تجهیزات معدن‌کاری

اع۱ تجهیزات
اخ۱ ماشین‌آلات معدن‌کاری
اخ۲ بالابر معدن
اخ۳ بالابز استخراج کوئیه
اخ۳ دکل سر چاه
اخ۲ ماشین برش(معدن‌کاری)
اخ۳ چاله‌کن دستی
اخ۳ ماشین حفار بارکننده
اخ۲ مته معدن‌کاری
اخ۱ نگهدارنده سقف معدن
او بارکش معدن
او لامپ معدنچی
او معدن‌کاری
او نیروگاه معدن
او واگن معدن
ان *Mining equipment*

تجهیزات میدان نفتی

اع۱ تجهیزات
اخ۱ پیشگیر ترکیدگی
اخ۱ تجهیزات حفاری چاه نفت
اخ۲ تلمبه گل حفاری
اخ۲ دستگاه حفاری چاه نفت
اخ۲ دکل حفاری
اخ۳ دکل حفاری جک سرخود
اخ۱ تلمبه چاه نفت
اخ۱ توپک مجرابند
اخ۱ حفاظ چاه نفت
اخ۱ ستونک سر چاه
او تجهیزات چاه
او صنعت نفت
ان *Oil field equipment*

تجهیزات نظامی

اع۱ تجهیزات
اخ۱ پل نظامی
اخ۱ پناهگاه(تهاجم)
اخ۱ تجهیزات رادیویی نظامی
اخ۱ تجهیزات ساخت نظامی
اخ۱ رادار نظامی
اخ۱ راکت نظامی
اخ۱ زرادخانه
اخ۱ ساز و برگ جنگی
اخ۲ بمب(سازوبرگ جنگی)
اخ۲ زره
اخ۲ موشک
اخ۳ موشک دریایی
اخ۲ مهمات
اخ۱ سیستم کنترل آتش
اخ۱ سیستم موشک‌اندازی
اخ۱ ماهواره نظامی
اخ۱ مرکز تلفن نظامی
اخ۱ وسیله نقلیه نظامی
اخ۲ تانک(ارتشی)
اخ۱ هواپیمای دریایی نظامی
اخ۱ هواپیمای نظامی
اخ۲ بالگرد نظامی
اخ۲ بمب‌افکن
اخ۳ ابزار نشانه‌روی بمب
اخ۲ هواپیمای دریایی نظامی
اخ۲ هواگرد جنگنده
اخ۲ هواگرد ضدزیردریایی
او ارتباطات نظامی
او پایگاه دریایی
او پرتاب‌شناسی
او پرتاب‌کننده الکترومغناطیسی
او پنهان‌کردن تجهیزات جنگی
او تجهیزات رادار
او دوردریافتگری
او رادار
او سیستم مخابراتی-سیار
او عملیات نظامی
او فرودگاه نظامی
او ماسک گاز
او مصنوع نساجی نظامی
او نیروگاه نظامی
ان *Military equipment*

تجهیزات نگاره‌سازی رایانه‌ای

اع۱ تجهیزات جانبی رایانه
اع۲ سخت‌افزار رایانه

اع۳ رایانه
او ایستگاه‌کار رایانه
او پایانه رایانه
او نگاره‌سازی رایانه‌ای
ان *Computer graphics equipment*

تجهیزات نمابر

اع۱ تجهیزات مخابراتی
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او دستگاه تلفن
او نمابر
ان *Facsimile equipment*

تجهیزات نمایش

ب‌ک ابزار نمایش

تجهیزات نیروگاه

اع۱ تجهیزات
اع۱ نیروگاه برق
اع۲ نیروگاه
اع۳ واحد صنعتی
او برج سرمایش
او تجهیزات الکتریکی
ان *Electric power plant equipment*

تجهیزات واگن راه‌آهن

اع۱ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ وسیله نقلیه
اع۱ واگن راه‌آهن
اع۲ خط نورد راه‌آهن
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اخ۱ ضربه‌گیر واگن راه‌آهن
اخ۱ ضربه‌گیر هوایی
اخ۱ قلاب واگن راه‌آهن
او کارخانه و ساختمان تجهیزات راه‌آهن
ان *Railroad car equipment*

تجهیزات ورزشی

ب‌ج *دوچرخه ورزشی*
ب‌ج *عضله‌سنج*
اع۱ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۲ تجهیزات
او تجهیزات توانبخشی انسانی
او دوچرخه
ان *Exercise equipment*

تجهیزات هدایت کشتی

اع۱ تجهیزات کشتی
اع۲ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات آب‌پیما
اع۳ آب‌پیما
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ کشتی
اع۳ آب‌پیما
اخ۱ سکان
او فرمان
ان *Ship steering equipment*

تجهیزات همتافتگری

ب‌ج *متمرکزکننده(مخابرات)*
اع۱ تجهیزات مخابراتی
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ تمرکزساز خط جریان
او ارسال رادیویی
او تجهیزات ارتباط داده‌ها
او همتافتگری
ان *Multiplexing equipment*

تجهیزات هیدرولیکی

اع۱ تجهیزات
اخ۱ ابزار هیدرولیکی
اخ۱ تجهیزات کنترل هیدرولیکی
اخ۲ اهرم آبی
اخ۲ ترمز هیدرولیکی
اخ۲ تقویت‌کنندهٔ سیالی
اخ۳ تقویت‌کننده هیدرولیکی
اخ۲ فرمان هیدرولیکی
اخ۲ موتور هیدرولیکی
اخ۱ دریل هیدرولیکی
او سازه آبی
او سوپاپ
او سیال هیدرولیکی
او ضربه قوچ
او ماشین‌آلات هیدرولیکی
او معدن‌کاری هیدرولیکی
ان *Hydraulic equipment*

تجهیز قایق
ب‌ک تجهیز(آب‌پیما)

تجهیز کشتی
ب‌ک تجهیز(آب‌پیما)

تحت‌فشارقراردادن
او آتش‌زنی دیگ بخار
او بارگنج
او تنظیم فشار
او دیگ بخار
او دیگ فشار
او فشار
او کنترل فشار
ان *Pressurization*

تحریک الکتریکی
ی‌د تحریک به وسیله انرژی الکتریکی
اع۱ الکتریسیته
او ماشین‌آلات الکتریکی
او محرک الکتریکی
ان *Electric excitation*

تحریک الکتریکی کنشی
اع۱ توانبخشی بیمار
او تحریک عصبی کنشی
ان *Functional electric stimulation*

تحریک چاه
اع۱ تولید
اخ۱ تحریک چاه با مواد منفجره
او اسیدکاری
ان *Well stimulation*

تحریک چاه با مواد منفجره
ب‌چ *اژدرزنی چاه نفت*
ب‌چ *تحریک هسته‌ای*
اع۱ تحریک چاه
اع۲ تولید
او بهره‌برداری از چاه نفت
ان *Explosive well stimulation*

تحریک عصبی کنشی
اع۱ توانبخشی عصبی‌عضلانی
اع۲ توانبخشی بیمار
او ارتاسازی
او تحریک الکتریکی کنشی
او مهندسی توانبخشی انسانی
ان *Functional neural stimulation*

تحریک هسته‌ای
ب‌ک تحریک چاه با مواد منفجره

تحقیق در عملیات
اخ۱ پرت
او اثربخشی هزینه
او احتمال
او برنامه‌ریزی پویا
او برنامه‌ریزی خطی
او برنامه‌ریزی عدد صحیح
او برنامه‌نویسی غیرمستدل
او بهینه‌سازی
او پژوهش صنعتی
او تجزیه و تحلیل سیستم‌ها
او تجزیه و تحلیل شغل
او تحلیل شبکه الکتریکی
او تخصیص منابع
او روش آماری
او روش مونت‌کارلو
او زمان‌بندی
او شبیه‌سازی
او ضریب لاگرانژ
او علم مدیریت
او قابلیت اطمینان
او کنترل کیفیت
او مدل ریاضی
او مدیریت صنعتی
او مهندسی ارزش
او مهندسی سیستم‌ها
او نظریه اطلاعات
او نظریه صف
او نظریه قید
ان *Operations research*

تحکیم
او خاک
او فشرده‌سازی
او متراکم‌شدگی
او مواد دانه‌ای

ان *Consolidation*

تحلیل شرطی

اع۱ فن ریاضی

ان *Modal analysis*

تحلیل آماری

ب‌ک روش آماری

تحلیل اجزای محدود

ب‌ک روش اجزای محدود

تحلیل برگشتی

اع۱ روش آماری

اع۲ فن ریاضی

ان *Regression analysis*

تحلیل پراش پرتو ایکس

ب‌ج *پراش‌سنجی پرتو ایکس*

اع۱ تحلیل پرتو ایکس

اخ۱ پراش پودری پرتو ایکس

او پراش پرتو ایکس

او پرتو ایکس

او پرتونگاری

او تجزیه شیمیایی

ان *X ray diffraction analysis*

تحلیل پرتو ایکس

اخ۱ تحلیل پراش پرتو ایکس

اخ۲ پراش پودری پرتو ایکس

اخ۱ طیف‌سنجی پرتو ایکس

او آزمایشگاه پرتو ایکس

او بلورنگاری پرتو ایکس

او پرتو ایکس

او پرتونگاری

او تجزیه شیمیایی

او دستگاه پرتو ایکس

او لامپ پرتو ایکس

ان *X ray analysis*

تحلیل پودری پرتو ایکس

ب‌ک پراش پودری پرتو ایکس

تحلیل تصمیم

ب‌ک نظریه تصمیم

تحلیل تصویر

اع۱ تجزیه و تحلیل

اع۱ تصویر پردازی

اع۲ پردازش سیگنال

او جریان نوری

ان *Image analysis*

تحلیل تنش

اع۱ تجزیه و تحلیل

او تحلیل سازه

او تنش

او تنش باد

او تنش برشی

او تنش پسماند

او تنش پیچشی

او تنش تسلیم

او تنش گرمایی

او خمش(دگرشکلی)

او درونمانده

او کرنش‌سنج

او مهندسی مکانیک

او نورکشسانی

ان *Stress analysis*

تحلیل حساسیت

اع۱ فن ریاضی

او پاسخ بسامدی

او پاسخ دینامیکی

او تابع انتقال

او تحلیل سیستم کنترل

او ترکیب سیستم کنترل

ان *Sensitivity analysis*

تحلیل حوزه بسامد

اع۱ فن ریاضی

او تحلیل سیستم کنترل

او تحلیل شبکه الکتریکی

او مکان ریشه

او نمودار نایکوئیست

ان *Frequency domain analysis*

تحلیل خرابی

ب‌ج *تحلیل درخت گسل*
اع۱ تجزیه و تحلیل
او دسترسی
او شکست(مکانیکی)
او قابلیت اطمینان
او نظریه اعتمادپذیری
او نگهداشت
او نگهداشت‌پذیری
ان *Failure analysis*

تحلیل خطا

اع۱ تحلیل عددی
اع۲ فن ریاضی
او اشتباه برنامه‌نویسی
او تصحیح خطا
او خطا
او خطای سنج‌افزار
او خطایابی
او سرعت خطای بیتی
ان *Error analysis*

تحلیل درخت گسل
ب‌ک تحلیل خرابی

تحلیل درشتی ذره

ب‌ج *توزیع درشتی ذره*
اع۱ تجزیه و تحلیل
اع۱ تعیین درشتی
اع۲ اندازه‌گیری متغیر فضایی
اع۳ اندازه‌گیری
او آزمون میکروسکپی
او ذره(ماده معلق)
او غربال(دانه‌بندی)
او کدری‌سنج
او نفلومتر
ان *Particle size analysis*

تحلیل دیفرانسیل رقمی

اع۱ رایانه رقمی
اع۲ رایانه
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
ان *Digital differential analyzer*

تحلیل سازه

اع۱ طراحی سازه
اع۲ طراحی
او پاسخ دینامیکی
او تحلیل تنش
او فن ریاضی
او کرنش
او ماتریس سفتی
ان *Structural analysis*

تحلیل سری‌های زمانی

اع۱ روش آماری
اع۲ فن ریاضی
ان *Time series analysis*

تحلیل سیستم کنترل

اع۱ نظریه کنترل
او پاسخ بسامدی
او پاسخ پله‌ای
او تابع انتقال
او تابع توصیفی
او تحلیل حساسیت
او تحلیل حوزه بسامد
او تحلیل محدوده زمانی
او تغییرناپذیری
او خطی‌سازی
او روش فضای حالت
او روش فضای فاز
او سیستم کنترل
او فن اختلال
او فن خطی قطعه‌دار
او مکان ریشه
او نمودار بد
او نمودار نایکوئیست
ان *Control system analysis*

تحلیل شبکه
ب‌ک تحلیل شبکه الکتریکی

تحلیل شبکه الکتریکی

ب‌ج *تحلیل شبکه*
ب‌ج *تحلیل مدار*
اع۱ نظریه مدار
اع۲ نظریه
اخ۱ تجزیه شبکه خطی
اخ۱ تجزیه و تحلیل شبکه به کمک رایانه

اخ۱ تجزیه و تحلیل شبکه غیرخطی
او بردار
او تابع انتقال
او تبدیل زد
او تحقیق در عملیات
او تحلیل حوزه بسامد
او تحلیل محدوده زمانی
او تحلیلگر شبکه الکتریکی
او توپولوژی
او روش فضای حالت
او ژیراتور
او سنتز شبکه الکتریکی
او شبکه پارامتر توزیع‌شده
او محاسبات شبکه انتقال
او مدار هم‌ارز
او نظریه گراف
ان *Electric network analysis*

تحلیل شدآمد تلفنی

اع۱ تجزیه و تحلیل
او تحلیلگر شدآمد تلفنی
او تلفن
او سیستم تلفن
او ضبط‌کردن شدآمد تلفن
ان *Telephone traffic analysis*

تحلیل شکل موج

اع۱ تجزیه و تحلیل
اخ۱ تحلیل طیف
اخ۲ تجزیه و تحلیل گفتار
او تحلیل هماهنگ
ان *Waveform analysis*

تحلیل طیف

اع۱ تحلیل شکل موج
اع۲ تجزیه و تحلیل
اخ۱ تجزیه و تحلیل گفتار
او بازشناسی گفتار
او پردازش سیگنال
او تجزیه‌کننده طیف
او تحویل داده‌ها
او طیف‌سنج
او طیف‌نگار
او طیف‌نورسنج
او لرزه‌شناسی
او نور
ان *Spectrum analysis*

تحلیل عددی

اع۱ فن ریاضی
اخ۱ ارزیابی تابع
اخ۱ برازش خم
اخ۱ تحلیل خطا
اخ۱ تقریب چبیشف
اخ۱ تقریب کمترین توان‌های دوم
اخ۱ درون‌یابی
اخ۱ روش اجزای محدود
اخ۱ روش اجزای مرزی
اخ۱ روش تفاضل متناهی
اخ۱ روش تکراری
اخ۱ روش مونت‌کارلو
اخ۱ معادله تفاضلی
او انتگرال‌گیری
او جبرخطی
او دینامیک جریان محاسبه‌ای
او رایانه
او روش عددی
او فرمول نگاشت
او محاسبه علوم طبیعی
او مدل ریاضی
او مساله مقدار مرزی
او مشتق‌گیری(حساب)
او معادله انتگرالی
او معادله دیفرانسیل
او معادله غیرخطی
ان *Numerical analysis*

تحلیل گام

اع۱ حرکت با دوپا
اع۲ زیست‌مکانیک
اع۳ مکانیک
او تشخیص کنشی
ان *Gait analysis*

تحلیلگر دیفرانسیل قیاسی

اع۱ رایانه قیاسی
اع۲ رایانه
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
ان *Analog differential analyzer*

تحلیل‌گر سرعت الکترون
اع۱ جداساز ذره
اع۲ طیف‌سنج ذره‌ای
اع۳ طیف‌سنج
او الکترون
او اندازه‌گیری سرعت
او سرعت
ان *Electron velocity analyzer*

تحلیلگر شبکه
ب‌ک تحلیلگر شبکه الکتریکی

تحلیلگر شبکه الکتریکی
ب‌چ *تحلیلگر شبکه*
ب‌چ *تحلیلگر شبکه جریان متناوب*
اع۱ رایانه قیاسی
اع۲ رایانه
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او تحلیل شبکه الکتریکی
او شبکه داخلی
او شبکه رایانه‌ای
او شبکه(مدار)
او محاسبات شبکه انتقال
ان *Electric network analyzer*

تحلیلگر شبکه جریان متناوب
ب‌ک تحلیلگر شبکه الکتریکی

تحلیلگر شدآمد تلفنی
اع۱ تجهیزات تلفن
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او تحلیل شدآمد تلفنی
او ضبط‌کردن شدآمد تلفن
ان *Telephone traffic analyzer*

تحلیل محدوده زمانی
اع۱ فن ریاضی
او تحلیل سیستم کنترل
او تحلیل شبکه الکتریکی
ان *Time domain analysis*

تحلیل مدار
ب‌ک تحلیل شبکه الکتریکی

تحلیل مسیر بحرانی
اع۱ علم مدیریت
اع۲ علوم اجتماعی
او پرت
او تجزیه و تحلیل سیستم‌ها
او داده‌پردازی
او زمان‌بندی
ان *Critical path analysis*

تحلیل هماهنگ
اع۱ فن ریاضی
او تحلیل شکل موج
ان *Harmonic analysis*

تحویل داده‌ها
ی‌د شامل تجزیه و تحلیل داده‌ها
ب‌چ *تجزیه و تحلیل داده‌ها*
اع۱ داده‌گردانی
اع۲ داده‌پردازی
او تحلیل طیف
او فتوگرامتری
ان *Data reduction*

تخت بیمارستانی
اع۱ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۲ تجهیزات
او بیمارستان
ان *Hospital bed*

تخته چندلا
اع۱ چندلای چوبی
اع۲ چندلا
اع۳ مواد
اع۲ فراورده چوبی
او روکش دیواره
او مصالح ساختمانی
ان *Plywood*

تخته خرده‌چوب
ب‌چ *نئوپان*
اع۱ فراورده چوبی
اع۱ مصالح ساختمانی
اع۲ مواد
ان *Particle board*

تخته‌کلید الکتریکی

اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ تخته‌کلید تلفن
ان *Electric switchboard*

تخته‌کلید تلفن

اع۱ تجهیزات سودهی تلفن
اع۲ تجهیزات تلفن
اع۳ تجهیزات مخابراتی
اع۲ سوده الکتریکی
اع۳ سوده
اع۱ تخته‌کلید الکتزیکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
ان *Telephone switchboard*

تخته مدار چاپی

اع۱ مدار چاپی
اع۲ شبکه(مدار)
ان *Printed circuit board*

تخریب

او ساختمان
ان *Demolition*

تخریب محیطی

ب‌ک هوازدگی

تخصیص بسامد

او ارتباط رادیویی
او پخش رادیویی
او تداخل در سیگنال
او رادیو
ان *Frequency allocation*

تخصیص حافظه(رایانه)

او برنامه مجری و ناظر
او برنامه‌نویسی سیستم رایانه
او تجهیزات ذخیره داده‌ها
او سیستم عامل رایانه
ان *Storage allocation (computer)*

تخصیص منابع

او تحقیق در عملیات
او زمان‌بندی
او سیستم عامل رایانه
او مدیریت
ان *Resource allocation*

تخلخل

اع۱ ویژگی فیزیکی
او آغشته‌سازی
او پدیده سطحی
او تخلخل‌سنج
او تراکم‌پذیری جامد
او تراوایی مکانیکی
او چگالی(گرانی ویژه)
او خردساختار
او شکنندگی
او شناوری
او کلوخه‌سازی
او مویینگی
او نشت(مایع)
او نفوذپذیری سطحی
او ویژگی سطح
ان *Porosity*

تخلخل‌سنج

اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری چگالی
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او تخلخل
او تراوایی‌سنج(تراوایی مکانیکی)
او سیلان‌سنج
ان *Porosimeter*

تخلیه(مکانیک سیالات)

اع۱ مکانیک‌سیالات
اع۲ مکانیک
او جریان آب
او جریان رودخانه‌ای
او رودخانه
ان *Discharge (fluid mechanics)*

تخلیه الکتریکی

اع۱ اثر میدان الکتریکی
اع۲ اثر
اخ۱ آذرخش

اخ۱ تخلیه پرتوی
اخ۱ تخلیه سطحی
اخ۲ تخلیه هاله‌ای
اخ۱ تخلیه نسبی
اخ۱ جرقه الکتریکی
اخ۱ جرقه‌زنی الکتریکی
اخ۲ جرقه‌زنی الکتریکی جامدات
اخ۳ اثر زنر
اخ۲ جرقه‌زنی الکتریکی گازها
اخ۲ جرقه‌زنی الکتریکی مایعات
اخ۱ جونوفه
اخ۱ قوس الکتریکی
اخ۲ قوس مدارشکن
او بار فضای الکتریکی
او جریان اتصال کوتاه
او جریان معیوب الکتریکی
او جریان نشتی الکتریکی
او رسانایی الکتریکی
او عایق‌بندی الکتریکی
او لامپ تخلیه
او ویژگی الکتریکی
او یونش
او یونش گاز
ان *Electric discharge*

تخلیه پرتوی

اع۱ تخلیه الکتریکی
اع۲ اثر میدان الکتریکی
اع۳ اثر
او الکترورخشانی
او تخلیه هاله‌ای
او لامپ تخلیه
ان *Glow discharge*

تخلیه چاه عمیق

اع۱ دفع پسمانده
ان *Deep well disposal*

تخلیه سطحی

اع۱ پدیده سطحی
اع۱ تخلیه الکتریکی
اع۲ اثر میدان الکتریکی
اع۳ اثر
اخ۱ تخلیه هاله‌ای
او اندازه‌گیری توزیع ولتاژ
او جرقه الکتریکی
او جهش جرقه
او عایق الکتریکی
او عایق‌بندی الکتریکی
او مواد عایق‌بندی الکتریکی
ان *Surface discharges*

تخلیه فلز مذاب(کوره)

اع۱ متالورژی
او چدن
او ذوب
او ریخته‌گری
او عمل کوره بلند
او فرایند کوپل
او قالب‌گیری
ان *Tapping (furnace)*

تخلیه نسبی

اع۱ تخلیه الکتریکی
اع۲ اثر میدان الکتریکی
اع۳ اثر
او جرقه‌زنی الکتریکی جامدات
ان *Partial discharge*

تخلیه هاله‌ای

ب‌ج *پرتوافکن الکتریکی*
اع۱ تخلیه سطحی
اع۲ پدیده سطحی
اع۲ تخلیه الکتریکی
اع۳ اثر میدان الکتریکی
او تخلیه پرتوی
او جرقه الکتریکی
او جرقه‌زنی الکتریکی
او جریان معیوب الکتریکی
او جهش جرقه
او عایق‌بندی الکتریکی
او قوس الکتریکی
او مبدل الکتریکی
او مواد عایق‌بندی الکتریکی
او یونش
ان *Electric corona*

تخمیر

اع۱ واکنش شیمیایی
او آنزیم

او بیوگاز
او پادزی
او زیست‌فناوری
او سوخت و ساز
او شراب
او ظرف تخمیر
او کشت یاخته پیوسته
او لبنیات
او متان‌زا
او مخمر
ان *Fermentation*

تداخل بین نمادی

اع۱ تداخل در سیگنال
او سیستم ارتباط داده‌ای
او سیستم مخابراتی رقمی
او مدار رقمی
او مدوله‌سازی تپ
ان *Intersymbol interference*

تداخل تلفنی

اع۱ تداخل در سیگنال
او تلفن
او مدار فشرگستر
او هم‌شنوی
ان *Telephone interference*

تداخل تلگرافی

اع۱ تداخل در سیگنال
او تلگراف
ان *Telegraph interference*

تداخل تلویزیونی

اع۱ تداخل در سیگنال
او تلویزیون
او کیفیت تصویر تلویزیون
او کیفیت دریافت
ان *Television interference*

تداخل جوی

ب‌ک جونوفه

تداخل در سیگنال

اخ۱ تداخل بین نمادی
اخ۱ تداخل تلفنی
اخ۱ تداخل تلگرافی
اخ۱ تداخل تلویزیونی
اخ۱ تداخل راداری
اخ۲ آشوب راداری
اخ۱ تداخل رادیویی
اخ۱ تولید پارازیت
اخ۱ هم‌شنوی
او پادسنجش راداری
او تخصیص بسامد
او تداخل موج
او تداخل موج الکترومغناطیسی
او جونوفه
او حفاظ الکتریکی
او فرونشانی پژواک
او کاهش تداخل
او کیفیت دریافت
او مخابرات
او نوفه سیگنال مزاحم
او واپیچش سیگنال
ان *Signal interference*

تداخل راداری

اع۱ تداخل در سیگنال
اخ۱ آشوب راداری
او پادسنجش راداری
او تولید پارازیت
او رادار
ان *Radar interference*

تداخل رادیویی

اع۱ تداخل در سیگنال
او ارسال رادیویی
او تولید پارازیت
او جونوفه
او رادیو
او نوفه سفید
ان *Radio interference*

تداخل‌سنج

اع۱ سنج‌افزار نوری
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اخ۱ سنجه
اخ۱ سنجه فابری‌پرو

او تداخل موج الکترومغناطیسی
او تداخل‌سنجی
ان *Interferometer*

تداخل‌سنج تمام‌نگاری
اع۱ تداخل‌سنجی
اع۲ اندازه‌گیری
او پیسه
ان *Holographic interferometry*

تداخل‌سنج هولوگرافیک
اع۱ تمام‌نگاری
اع۲ فن تصویرسازی
او پیسه
ان *Holographic interferometry*

تداخل‌سنجی
اع۱ اندازه‌گیری
اخ۱ تداخل‌سنج تمام‌نگاری
او اندازه‌گیری مسافت
او تداخل موج الکترومغناطیسی
او تداخل‌سنج
او ریزسنج
او سیستم شلیرن
ان *Interferometry*

تداخل موج
اخ۱ تداخل موج الکترومغناطیسی
اخ۲ تداخل نوری
اخ۱ تداخل موج صوتی
او تداخل در سیگنال
او موج
ان *Wave interference*

تداخل موج الکترومغناطیسی
اع۱ تداخل موج
اخ۱ تداخل نوری
او انتشار موج الکترومغناطیسی
او تداخل در سیگنال
او تداخل‌سنج
او تداخل‌سنجی
ان *Electromagnetic wave interference*

تداخل موج صوتی
اع۱ تداخل موج
او انتشار موج صوتی
او نوفه صوتی
ان *Acoustic wave interference*

تداخل نوری
اع۱ تداخل موج الکترومغناطیسی
اع۲ تداخل موج
او پالایه نوری
او پیسه
او فیلم نوری
ان *Light interference*

تدارکات پزشکی
ب‌ک تجهیزات زیست‌پزشکی

تدارک‌رسانی نظامی
اع۱ عملیات نظامی
او مهندسی نظامی
ان *Logistics*

تدارک گاز
او بار گاز
او خطلوله گاز
او گاز طبیعی
ان *Gas supply*

تدریس
اع۱ آموزش
او اشاعه اطلاعات
او نمایش فنی
ان *Teaching*

ترابری
اخ۱ ترابری آبی
اخ۱ ترابری انبوه
اخ۱ ترابری با راه‌آهن
اخ۱ ترابری باری
اخ۲ ترابری زغال‌سنگ
اخ۱ ترابری پسماندهٔ پرتوزا
اخ۱ ترابری غیرموتوری
اخ۱ ترابری گاز طبیعی
اخ۱ ترابری مسافر فرودگاهی
اخ۱ ترابری معدن

اخ۲ ترابری معدن زیرزمینی
اخ۲ ترابری معدن سطحی
اخ۱ ترابری موتوری
اخ۲ ترابری اتوبوسی
اخ۲ ترابری کامیونی
اخ۱ ترابری نفت
اخ۱ ترابری هوایی
اخ۲ خدمات بالگرد
اخ۳ خدمات نجات بالگرد
اخ۲ خدمات هواگرد نوبک عمودپرواز
اخ۱ تندگذری
اخ۱ سفر فضایی
اخ۲ پرواز بین‌سیاره‌ای
اخ۲ پرواز فضایی سرنشین‌دار
اخ۱ شدآمد وسیله نقلیه فرودگاهی
او بارگیری
او برنامه‌ریزی شهری
او برنامه‌ریزی منطقه‌ای
او بسته‌بندی
او پل
او جابه‌جایی مواد
او سیستم ارتباطی
او سیستم ذخیره جا
او کارکنان ترابری
او کنترل شدآمد
او مسیر ترابری
او هزینه ترابری
او وسیله نقلیه
ان *Transportation*

ترابری آبی

اع۱ ترابری
او آب سطحی
او راه آبی درون‌مرزی
او شناور ته‌پهن
او قایق
او کانال
او کشتی
او منبع آب
او ناوگان بازرگانی
ان *Waterway transportation*

ترابری اتوبوسی

اع۱ ترابری موتوری
اع۲ ترابری
او اتوبوس
او پایانه اتوبوس
او جایگاه اتوبوس
او راننده اتوبوس
ان *Bus transportation*

ترابری انبوه

اع۱ ترابری
او تندگذری
او مترو
ان *Mass transportation*

ترابری با راه‌آهن

اع۱ ترابری
او برنامه‌ریزی شهری
او تک‌ریلی
او خط نورد راه‌آهن
او راه‌آهن
او کارخانه و ساختمان تجهیزات راه‌آهن
او کنترل شدآمد راه‌آهن
ان *Railroad transportation*

ترابری باری

اع۱ ترابری
اخ۱ ترابری زغال‌سنگ
او بارگیری
او جابه‌جایی بار
او هواگرد باری
او واگن باری
ان *Freight transportation*

ترابری پسمانده پرتوزا

اع۱ ترابری
او پسمانده پرتوزا
او دفع پسمانده پرتوزا
او ذخیره‌سازی پسمانده پرتوزا
ان *Radioactive waste transportation*

ترابری زغال‌سنگ

اع۱ ترابری باری
اع۲ ترابری
او جابه‌جایی زغال‌سنگ
ان *Coal transportation*

ترابری غیرموتوری
اع۱ ترابری
او دوچرخه
ان *Nonmotorized transportation*

ترابری کامیونی
اع۱ ترابری موتوری
اع۲ ترابری
او پایانه کامیون
او راننده کامیون
او کامیون
ان *Truck transportation*

ترابری گاز طبیعی
اع۱ ترابری
او گاز طبیعی
او لوله گاز طبیعی
ان *Natural gas transportation*

ترابری مسافر فرودگاهی
اع۱ ترابری
او تجهیزات زمینی فرودگاه
او شدآمد وسیله نقلیه فرودگاهی
ان *Airport passenger transportation*

ترابری معدن
اع۱ ترابری
اع۱ معدن‌کاری
اع۲ تولید
اخ۱ ترابری معدن زیرزمینی
اخ۱ ترابری معدن سطحی
او لکوموتیو معدن
ان *Mine transportation*

ترابری معدن زیرزمینی
اع۱ ترابری معدن
اع۲ ترابری
اع۲ معدن‌کاری
اع۳ تولید
او تجهیزات زیرزمینی
او واگن معدن
ان *Underground mine transportation*

ترابری معدن سطحی
اع۱ ترابری معدن
اع۲ ترابری
اع۲ معدن‌کاری
اع۳ تولید
ان *Surface mine transportation*

ترابری موتوری
اع۱ ترابری
اخ۱ ترابری اتوبوسی
اخ۱ ترابری کامیونی
او ایستگاه توزین
او بررسی شدآمد
او برنامه‌ریزی شهری
او توقفگاه(محل عمومی نگهداری خودرو)
او جاده و خیابان
او راننده کامیون
او مسیر ترابری
ان *Motor transportation*

ترابری نفت
ی‌د برای انتقال با لوله اصطلاح "خط لوله نفت" را به کار برید.
اع۱ ترابری
او جابه‌جایی مواد
او خط‌لوله نفت
او صنعت نفت
او کامیون مخزن‌دار
او کشتی مخزن‌دار
او واگن مخزنی
ان *Petroleum transportation*

ترابری هوایی
اع۱ ترابری
اخ۱ خدمات بالگرد
اخ۲ خدمات نجات بالگرد
اخ۱ خدمات هواگرد نوبک عمودپرواز
او سیستم ذخیره جا
او فرودگاه
او مراقبت پرواز
او مسیر ترابری
ان *Air transportation*

تراز آب
او آب
او دیگ بخار
او راه آبی درون‌مرزی

ان *Water level*

تراز انرژی

ب‌ک تراز انرژی الکترونی

تراز انرژی الکترونی

ب‌چ *تراز انرژی*

ب‌چ *حالت الکترون*

ب‌چ *حالت انرژی*

ب‌چ *حالت انرژی الکترونی*

اخ۱ تراز فرمی

اخ۱ چگالی الکترونی حالت

اخ۱ ساختار نواری

اخ۲ شکاف انرژی

اخ۱ سطح فرمی

او الکترون

او انرژی پیوند

او بلور

او تفرق الکترونی کم‌انرژی

او ساختمان الکترونی

او طیف‌نمایی با افت انرژی الکترون

او طیف‌نمایی ناپایدار سطح عمیق

او فلز

او فونون

او مواد نیم‌رسانا

ان *Electron energy level*

تراز فرمی

ب‌چ *انرژی فرمی*

اع۱ تراز انرژی الکترونی

او چگالی الکترونی حالت

ان *Fermi level*

ترازو

اع۱ سنج‌افزار

اع۲ تجهیزات

اخ۱ ترازوی الکترونیکی

اخ۱ ترازوی دقیق

اخ۱ ترازوی مغناطیسی

او ایستگاه توزین

او توزین

ان *Scale (weighing instrument)*

ترازوی الکترونیکی

اع۱ تجهیزات الکترونیکی

اع۲ تجهیزات

اع۱ ترازو

اع۲ سنج‌افزار

اع۳ تجهیزات

ان *Electronic scale*

ترازوی دقیق

اع۱ ترازو

اع۲ سنج‌افزار

اع۳ تجهیزات

او توزین

ان *Precision balance*

ترازوی مغناطیسی

اع۱ ابزار مغناطیسی

اع۲ تجهیزات

اع۱ ترازو

اع۲ سنج‌افزار

اع۳ تجهیزات

ان *Magnetic scale*

ترازیابی(ماشین‌آلات)

او ماشین‌آلات

او هم‌خطی

ان *Leveling (machinery)*

تراشکاری

اع۱ ماشین‌کاری

او پیچ‌تراشی

او تراشیدن

او حفره‌کنی

او دستگاه تراش

او فلزتراشی

او نوردکاری پیچی

ان *Turning*

تراشه ریزپرداز

ب‌چ *ریزپرداز*

اع۱ مدار مجتمع رقمی

اع۲ مدار رقمی

اع۳ شبکه(مدار)

اع۲ مدارمجتمع

اع۳ ابزار نیم‌رسانا

اع۳ شبکه(مدار)
اخ۱ ترنسپیوتر
او ریزرایانه
او کارت هوشمند
او مدار ال.اس.آی.
ان *Microprocessor chip*

تراشه‌زنی
اع۱ گودبرداری
او انفجار
او خط‌لوله
ان *Trenching*

تراشیدن
اع۱ برش
او اره‌کاری
او برش با شعله
او برقوزنی
او پلیسه‌گیری
او تراشکاری
او سردکاری
او سنگ‌زنی(تراشکاری)
او شکاف‌زنی
او ماشین‌کاری
ان *Trimming*

تراکافت الکتریکی
اع۱ دیالیز
اع۲ جداسازی
اع۳ عملیات شیمیایی
او آب‌متالورژی
ان *Electrodialysis*

تراکتور
اع۱ ماشین‌آلات کشاورزی
اع۲ ماشین‌آلات
اع۱ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ وسیله نقلیه
او ادوات کشاورزی
ان *Tractor (agricultural)*

تراکم(مواد)
ب‌ک فشرده‌سازی

تراکم‌پذیری
اخ۱ تراکم‌پذیری جامد
اخ۱ تراکم‌پذیری گاز
اخ۱ تراکم‌پذیری مایع
او آزمایش فشردگی
او تراکم‌ساز هوا
او جریان تراکم‌پذیر
او چکش‌خواری
او چگالی(گرانی ویژه)
او فشرده‌سازی
او کشسانی
او ویژگی مکانیکی
ان *Compressibility*

تراکم‌پذیری جامد
اع۱ تراکم‌پذیری
اع۱ ویژگی مکانیکی
او آزمایش ضربه
او تخلخل
او جامد
او مقاومت فشردگی
ان *Compressibility of solid*

تراکم‌پذیری گاز
اع۱ تراکم‌پذیری
او گاز
او مکانیک‌سیالات
ان *Compressibility of gas*

تراکم‌پذیری مایع
اع۱ تراکم‌پذیری
او مایع
او مکانیک‌سیالات
ان *Compressibility of liquid*

تراکم پهنای نوار
اع۱ مخابرات
اع۲ ارتباط
او پهنای نوار
او سیستم تلویزیونی
او نظریه اطلاعات
ان *Bandwidth compression*

تراکم تصویر

اع۱ تصویر پردازی
اع۲ پردازش سیگنال
اع۱ متراکم‌سازی داده‌ها
اع۲ پردازش سیگنال
اع۲ داده‌پردازی
اخ۱ کوانتش برداری
او کیفیت تصویر
ان *Image compression*

تراکم‌ساز هوا

ب‌ج *کمپرسور هوا*
اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ پرخوران
اخ۱ کمپرسور پیستون آزاد
او ایستگاه تراکم‌ساز خط‌لوله
او تراکم‌پذیری
او تلمبه
او تلمبه خلاء
او تهویه مطبوع
او توربین گازی
او دمنده
او سردسازی
او ماشین‌آلات توربو
او ماشین‌آلات یخچال‌دار
او موتور بادی
او موتور هوای فشرده
او هوا
او هوای فشرده
او یخچال
ان *Compressor*

تراگذار

اع۱ تجهیزات
اخ۱ انبساط‌سنج
اخ۱ تراگذار اثر هال
اخ۱ تراگذار پیزوالکتریکی
اخ۱ تراگذار صوتی
اخ۲ برگیر
اخ۲ تراگذار برقاصوتی
اخ۳ بلندگو
اخ۳ صدابر
اخ۳ گوشی
اخ۳ هدفون
اخ۳ هیدروفون
اخ۲ مبدل فراصوتی
اخ۱ تراگذار فشاری
اخ۲ فشارسنج
اخ۲ مبدل خلاء
اخ۲ نشانگر فشار سیال کاری
او ابزار دگرسانی مغناطیسی
او آزمایش مکانیکی
او اندازه‌گیری نیرو
او پیل فتوالکتریک
او تبدیل مستقیم انرژی
او تجهیزات دورپاس
او تجهیزات دورسنجی
او تجهیزات کنترل
او حس‌گر
او سنج‌افزار ثبات
او کارانداز
او کرنش‌سنج
ان *Transducer*

تراگذار اثر هال

ب‌ج *تراگذر گالوانومغناطیسی*
اع۱ ابزار اثر هال
اع۲ ابزار مغناطیسی
اع۳ تجهیزات
اع۱ تراگذار
اع۲ تجهیزات
ان *Hall effect transducer*

تراگذار برقاصوتی

ب‌ج *تراگذر برقاصوتی*
اع۱ تراگذار صوتی
اع۲ ابزار صوتی
اع۳ تجهیزات صوتی
اع۲ تراگذار
اع۳ تجهیزات
اخ۱ بلندگو
اخ۲ بلندگوی الکترواستاتیکی
اخ۱ صدابر
اخ۱ گوشی
اخ۱ هدفون
اخ۱ هیدروفون
ان *Electroacoustic transducer*

تراگذار پیزوالکتریکی

اع۱ ابزار پیزوالکتریکی
اع۲ ابزار دی‌الکتریک

اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۱ تراگذار
اع۲ تجهیزات
او پیزوالکتریسیته
او تراگذار فشاری
او مواد پیزوالکتریکی
ان *Piezoelectric transducer*

تراگذار صوتی

اع۱ ابزار صوتی
اع۲ تجهیزات صوتی
اع۳ تجهیزات
اع۱ تراگذار
اع۲ تجهیزات
اخ۱ برگیر
اخ۱ تراگذار برقاصوتی
اخ۲ بلندگو
اخ۳ بلندگوی الکترواستاتیکی
اخ۲ صدابر
اخ۲ گوشی
اخ۲ هدفون
اخ۲ هیدروفون
اخ۱ مبدل فراصوتی
او اثر صوتی‌نوری
ان *Acoustic transducer*

تراگذار فشاری

اع۱ تراگذار
اع۲ تجهیزات
اخ۱ فشارسنج
اخ۱ مبدل خلاء
اخ۱ نشانگر فشار سیال کاری
او اندازه‌گیری فشار
او تراگذار پیزوالکتریکی
او میان‌پرده
ان *Pressure transducer*

تراگذر برقاصوتی

ب‌ک تراگذار برقاصوتی

تراگذر گالوانومغناطیسی

ب‌ک تراگذار اثر هال

تراگسیل تلویزیونی

اع۱ انتقال موج الکترومغناطیسی
اع۲ انتقال موج
او انتشار موج الکترومغناطیسی
او تلویزیون
او فرستنده تلویزیونی
او کیفیت تصویر تلویزیون
ان *Television transmission*

ترانزیستور

اع۱ ابزار نیم‌رسانا
اع۲ ابزار حالت جامد
اع۳ دستگاه الکترونی
اخ۱ ترانزیستور اثر میدانی
اخ۲ ابزار مسفت
اخ۲ ابزار موسفت
اخ۱ ترانزیستور دوقطبی
اخ۱ ترانزیستور فیلم‌نازک
اخ۱ ترانزیستور نوری
او اسپیسیستور
ان *Transistor*

ترانزیستور اثر میدانی

اع۱ ابزار نیم‌رسانای اثر میدانی
اع۲ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ ابزار حالت جامد
اع۱ ترانزیستور
اع۲ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ ابزار حالت جامد
اخ۱ ابزار مسفت
اخ۱ ابزار موسفت
اخ۱ ابزار میسفت
اخ۱ ترانزیستور اثر میدانی پیوندی
اخ۱ ترانزیستور اثر میدانی حساس شیمیایی
اخ۱ ترانزیستور اثر میدانی حساس یونی
اخ۱ ترانزیستور با حرکت‌پذیری الکترون بالا
اخ۱ گیت(ترانزیستور)
او ابزار ام.آی.اس.
او ترانزیستور دوقطبی
ان *Field effect transistor*

ترانزیستور اثر میدانی پیوندی

اع۱ ترانزیستور اثر میدانی
اع۲ ابزار نیم‌رسانای اثر میدانی
اع۳ ابزار نیم‌رسانا
او ابزار پیوند ژوزف‌سون
ان *Junction gate field effect transistor*

ترانزیستور اثر میدانی حساس شیمیایی

اع۱ ترانزیستور اثر میدانی
اع۲ ابزار نیم‌رسانای اثر میدانی
اع۳ ابزار نیم‌رسانا
او حس‌گر
ان *Chemically sensitive field effect transistor*

ترانزیستور اثر میدانی حساس یونی

اع۱ ترانزیستور اثر میدانی
اع۲ ابزار نیم‌رسانای اثر میدانی
اع۳ ابزار نیم‌رسانا
او حس‌گر
او یون
ان *Ion sensitive field effect transistor*

ترانزیستور اثر میدانی گیت عایق‌شده

ب‌ک ابزار موسفت

ترانزیستور اثرمیدانی نیم‌رسانای اکسید فلزی

ب‌ک ابزار موسفت

ترانزیستور اثرمیدانی نیم‌رسانای عایق فلزی

ب‌ک ابزار میسفت

ترانزیستور اثرمیدانی نیم‌رسانای فلزی

ب‌ک ابزار مسفت

ترانزیستور با حرکت‌پذیری الکترون بالا

اع۱ ترانزیستور اثر میدانی
اع۲ ابزار نیم‌رسانای اثر میدانی
اع۳ ابزار نیم‌رسانا
او ابرشبکه نیم‌رسانا
او ابزار تداخل کوانتومی
ان *High electron mobility transistor*

ترانزیستور دوقطبی

اع۱ ابزار نیم‌رسانای دوقطبی
اع۲ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ ابزار حالت جامد
اع۱ ترانزیستور
اع۲ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ ابزار حالت جامد
اع۱ ترانزیستور دوقطبی با پیوندگاه ناهمگون
او ترانزیستور اثر میدانی
او مدار مجتمع دو قطبی
ان *Bipolar transistor*

ترانزیستور دوقطبی با پیوندگاه ناهمگون

اع۱ ترانزیستور دوقطبی
اع۲ ابزار نیم‌رسانای دوقطبی
اع۳ ابزار نیم‌رسانا
او ابرشبکه نیم‌رسانا
او مدار مجتمع دو قطبی
ان *Heterojunction bipolar transistor*

ترانزیستور فیلم‌نازک

اع۱ ابزار فیلم‌نازک
اع۲ ابزار حالت جامد
اع۳ دستگاه الکترونی
اع۱ ترانزیستور
اع۲ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ ابزار حالت جامد
ان *Thin film transistor*

ترانزیستور نوری

اع۱ ترانزیستور
اع۲ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ ابزار حالت جامد
ان *Phototransistor*

ترانسپوندر

اع۱ فرستنده
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ گیرنده سیگنال
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او اتصال ماهواره‌ای
او تقویت‌کننده(الکترونیکی)
او ناوبری رادیویی
ان *Transponder*

ترانسفورماتور

ب‌ک مبدل الکتریکی

تراوایی‌سنج(تراوایی مغناطیسی)

اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری مغناطیسی

اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او اندازه‌گیری تراوایی مغناطیسی
او سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
ان *Permeameter (magnetic permeability)*

تراوایی‌سنج(تراوایی مکانیکی)
ی‌د برای اندازه‌گیری تراوایی مواد متخلخل
اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری شارش
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او اندازه‌گیری شارش
او تخلخل‌سنج
او تراوایی مکانیکی
او سیلان‌سنج
او نم‌سنج خاک
ان *Permeameter (mechanical permeability)*

تراوایی مغناطیسی
ب‌ج *مغناطیس‌پذیری*
اع۱ ویژگی مغناطیسی
اع۲ ویژگی فیزیکی
او اندازه‌گیری تراوایی مغناطیسی
او پسماند مغناطیسی
او مواد مغناطیسی
ان *Magnetic permeability*

تراوایی مکانیکی
اع۱ ویژگی مکانیکی
اخ۱ هواتراوی
او تخلخل
او تراوایی‌سنج(تراوایی مکانیکی)
او تراوش(سیال)
او خیساندن
او دیالیز
او رسانایی هیدرولیکی
او مخزن کم‌تراوا
او مواد دانه‌ای
او مواد متخلخل
او نفوذپذیری سطحی
او نم‌سنج خاک
ان *Mechanical permeability*

تراوش
او تراوش(سیال)
او دوغاب‌ریزی
او راه آبی درون‌مرزی
او سد
او شارش سیال
او منبع ذخیره‌سازی آب
او نشت(مایع)
او نفوذپذیری سطحی
ان *Seepage*

تراوش(حالت جامد)
او ابزار حالت جامد
او آلیاژ
او رسانایی الکتریکی
او شبکه بلور
ان *Percolation (solid state)*

تراوش(سیال)
اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
او پالیدن
او پخشیدگی
او تراوایی مکانیکی
او تراوش
او جداسازی
او حلال
او خیساندن
او رسانایی هیدرولیکی
او غلظت(فرایند)
او کشش سطحی
او مایع
او مویینگی
او نفوذپذیری سطحی
او نم‌سنج خاک
ان *Percolation (fluid)*

تربانتین
اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ فراورده چوبی
او حلال
ان *Turpentine*

تربیم

اع۱ عنصر خاکی کمیاب
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آلیاژ تربیم
او ترکیبات تربیم
ان *Terbium*

ترجمه(زبان)
اع۱ تجزیه و تحلیل اطلاعات
اع۲ علم اطلاع‌رسانی
اخ۱ ترجمه رایانه‌ای
ان *Translation (language)*

ترجمه رایانه‌ای
اع۱ ترجمه(زبان)
اع۲ تجزیه و تحلیل اطلاعات
اع۳ علم اطلاع‌رسانی
اع۱ کاربرد رایانه
اع۲ کاربرد
ان *Computer aided language translation*

تردشکنی
اع۱ شکستگی
اع۲ شکست(مکانیکی)
او چکش‌خواری
او شکنندگی
ان *Brittle fracture*

تردی
اع۱ زوال
اخ۱ هیدروژن‌تردی
او آزمایش دمای بالا
او چکش‌خواری
او شکنندگی
ان *Embrittlement*

ترشدگی
بج *مرطوب‌شدن*
اع۱ پدیده سطحی
او اشباع(ترکیب مواد)
او افشاندن
او جذب سطحی
او چسبندگی
او زاویه تماس
او سرمایش
او مویینگی
او هوازدگی
ان *Wetting*

ترک
بج ترک خستگی
اع۱ نقص
اخ۱ ریزترک
او آغاز ترک
او انتشار ترک
او ترک‌خوردگی تنشی
او ترک‌خوردگی سولفیدی
او شکست(مکانیکی)
او شکستگی
ان *Crack*

ترک‌برداری
اع۱ پدیده سطحی
او انتشار ترک
ان *Crazing*

ترک خستگی
ب‌ک ترک
ب‌ک خستگی مصالح

ترک‌خوردگی(شکست)
ب‌ک آغاز ترک

ترک‌خوردگی(شیمیایی)
بج *کراکینگ نفت*
اع۱ تفکافت
اع۲ تجزیه
اع۳ واکنش شیمیایی
اخ۱ شکست کاتالیزوری
اخ۲ کراکینگ کاتالیستی سیال
اخ۲ کراکینگ هیدروژنی
اخ۱ کراکینگ با بخار
او پالایش نفت
او هیدروژن‌زدایی
او هیدروکربن
ان *Cracking (chemical)*

ترک‌خوردگی تنشی

اع۱ خوردگی
او انتشار ترک
او ترک
او خستگی مصالح
او شکستگی
او هوازدگی
ان *Stress corrosion cracking*

ترک‌خوردگی سولفیدی

اع۱ خوردگی
او ترک
ان *Sulfide corrosion cracking*

ترکیب(نسبت اجزای سازنده)

بج *ترکیب شیمیایی*
بج *ساختار مواد*
اخ۱ ترکیب فاز
او اثر ترکیب
او استوکیومتری
او تجزیه شیمیایی
او شیشه
او مشخص‌سازی
او ویژگی الکتریکی
او ویژگی فیزیکی
او ویژگی مکانیکی
ان *Composition*

ترکیب آلی‌فلزی

اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ بسپار آلی فلزی
او کلات‌شدگی
او کمپلکس‌شدن
او نهشت با بخار شیمیایی آلی فلزی
او همبافتی فاز بخار آلی فلزی
ان *Organometallic*

ترکیبات آرسنیک

اع۱ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ کانی آرسناتی
او آرسنیک
ان *Arsenic compounds*

ترکیبات آروماتیک

اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ استیرن
اخ۱ بسپار آروماتیکی
اخ۱ فنل
اخ۱ هیدروکربن آروماتیک
ان *Aromatic compounds*

ترکیبات آلومینیم نیم‌رسانا

اع۱ ترکیبات آلومینیوم
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
ان *Semiconducting aluminum compounds*

ترکیبات آلومینیوم

اع۱ جسم مرکب فلزی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ آلومین
اخ۲ آلومین فعال‌شده
اخ۲ آلومین متخلخل
اخ۲ کورندوم
اخ۱ آلومین هیدراته
اخ۱ ترکیبات آلومینیم نیم‌رسانا
اخ۱ زئولیت
اخ۱ فلدسپار
اخ۱ کانی کلریتی
او آلومینیوم
او آلیاژ آلومینیوم
ان *Aluminum compounds*

ترکیبات آلی

بج *ترکیبات آلی کربن*
بج *ترکیبات آلی هیدروژنی*
اع۱ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ آلدهید
اخ۲ زایلوز
اخ۲ فرم‌آلدهید
اخ۱ آمین
اخ۲ کیتین
اخ۲ نیتروزامین
اخ۱ استر
اخ۲ آدنوزین تری فسفات

اخ۲	نیتروسلولز
اخ۱	استونیتریل
اخ۱	اسید آلی
اخ۲	آمینواسید
اخ۲	اسید هسته‌ای
اخ۳	آر.ان.آ.
اخ۳	دی.ان.آ.
اخ۲	کربوکسیلیک‌اسید
اخ۳	اسید چرب
اخ۱	الکل
اخ۲	اتانول
اخ۲	گلیسرول
اخ۲	گلیکول
اخ۲	متانول
اخ۱	اوره
اخ۱	بسپار آلی
اخ۲	بسپار آروماتیکی
اخ۳	پلی‌آمیدایمید
اخ۳	پلی‌اتیلن ترفتالات
اخ۳	پلی‌استیرن
اخ۳	رزین آ.بی.اس.
اخ۲	بسپار آلی فلزی
اخ۲	بسپار اشباع‌نشده
اخ۲	بسپار حاوی کلر
اخ۲	بسپار طبیعی
اخ۳	پلی‌پپتید
اخ۳	پلی‌ساکارید
اخ۳	زیست‌بسپار
اخ۳	کهربا
اخ۳	لاستیک
اخ۳	لیگنین
اخ۲	بسپار فلئوردار
اخ۳	پلی‌تترافلوئورواتیلن
اخ۲	بسپار نیم‌رسانا
اخ۲	پلی‌اتر
اخ۳	اتر تاجی
اخ۳	پلی‌اتیلن اکسید
اخ۳	پلی‌اتیلن گلیکول
اخ۳	پلی‌پروپیلن اکسید
اخ۳	پلی‌فنیلن‌اکسید
اخ۳	رزین اپوکسی
اخ۳	رزین استالی
اخ۳	رزین فنوکسی
اخ۲	پلی‌استیلن
اخ۲	پلی‌الکترولیت
اخ۲	پلی‌اورتان
اخ۲	پلی‌ایمید
اخ۲	رزین تبادل یونی
اخ۲	کشپار
اخ۳	کشپار گرمانرم
اخ۳	لاستیک سنتزی
اخ۲	کم‌پار
اخ۲	گرماسخت
اخ۳	رزین آلکید
اخ۳	رزین آلیل
اخ۳	رزین اوره فرم‌آلدهید
اخ۳	رزین فنلی
اخ۳	رزین فوران
اخ۳	رزین ملامین فرم‌آلدهید
اخ۲	گرمانرم
اخ۳	پلی‌آمید
اخ۳	پلی‌اتر اتر کتون
اخ۳	پلی‌اترایمید
اخ۳	پلی‌استر
اخ۳	پلی‌استیرن
اخ۳	پلی‌اولفین
اخ۳	پلی‌سولفون
اخ۳	پلی‌کربنات
اخ۳	رزین وینیلی
اخ۲	مخلوط بسپاری
اخ۳	شبکه بسپاری درهم
اخ۲	هم‌بسپار
اخ۳	سه‌بسپار
اخ۳	هم‌بسپار پیوندی
اخ۳	هم‌بسپار دسته‌ای
اخ۲	یونپار
اخ۱	تبادلگر یونی آلی
اخ۱	تربانتین
اخ۱	ترکیب آلی‌فلزی
اخ۲	بسپار آلی فلزی
اخ۱	ترکیبات آروماتیک
اخ۲	استیرن
اخ۲	بسپار آروماتیکی
اخ۲	فنل
اخ۲	هیدروکربن آروماتیک
اخ۱	ترکیبات آلی فرار
اخ۱	ترکیبات آلی نیم‌رسانا
اخ۲	بسپار نیم‌رسانا
اخ۱	ترکیبات اشباع‌نشده
اخ۲	بسپار اشباع‌نشده
اخ۱	تکپار آکریلی
اخ۱	حلال آلی

اخ۱ رزین آلکید
اخ۱ رزین فنلی
اخ۲ رنگ آزو
اخ۱ روغن و چربی
اخ۲ روغن گیاهی
اخ۳ روغن اسانسی
اخ۳ روغن پنبه‌دانه
اخ۳ روغن خشکان
اخ۱ فورفورال
اخ۱ کانی آلی
اخ۱ کتون
اخ۲ استون
اخ۱ کربن تتراکلرید
اخ۱ کربن دی‌سولفید
اخ۱ کربوهیدرات
اخ۲ پلی‌ساکارید
اخ۳ سلولز
اخ۳ کیتین
اخ۳ نشاسته
اخ۲ قند
اخ۳ دکستروز
اخ۳ زایلوز
اخ۳ فروکتوز
اخ۳ قند(ساکاروز)
اخ۳ گلوکز
اخ۳ مالتوز
اخ۱ لیپید
اخ۲ موم
اخ۱ ملامین
اخ۱ هیدروکربن
اخ۲ اتر
اخ۲ استیلن
اخ۲ اولفین
اخ۳ اتیلن
اخ۳ بوتن
اخ۳ پروپیلن
اخ۲ بنزین طبیعی
اخ۳ گاز نفتی مایع
اخ۲ بوتادی‌ان
اخ۲ بیوگاز
اخ۲ پارافین
اخ۳ اتان
اخ۳ بوتان
اخ۲ پارافین جامد
اخ۲ روغن عایق
اخ۲ فرئون
اخ۲ قطران گاز
اخ۳ پروپان
اخ۲ متان
اخ۳ متان مایع
اخ۲ هیدروکربن آروماتیک
اخ۳ بنزن
اخ۳ تولوئن
اخ۳ کسیلن
اخ۳ نفتالین
او اندود آلی
او بسپار
او درخشایی جامد آلی
او درشت‌ملکول
او کربن
او مواد شیمیایی آلی
ان *Organic compounds*

ترکیبات آلی فرار

اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
او آلودگی آب
او آلودگی هوا
او مکان دفن بهداشتی زباله
ان *Volatile organic compounds*

ترکیبات آلی کربن

ب‌ک ترکیبات آلی

ترکیبات آلی نیم‌رسانا

ب‌ج *نیم‌رسانای آلی*
اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
اخ۱ بسپار نیم‌رسانا
او رسانای آلی
ان *Semiconducting organic compounds*

ترکیبات آلی هیدروژنی

ب‌ک ترکیبات آلی

ترکیبات آمونیم

اع۱ ترکیبات نیتروژن
اع۲ ترکیبات شیمیایی
او آمونیاک

او نمک
ان *Ammonium compounds*

ترکیبات آنتیموان

اع۱ ترکیبات فلز سنگین
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ ترکیبات آنتیموان نیم‌رسانا
او آلیاژ آنتیموان
او آنتیموان
ان *Antimony compounds*

ترکیبات آنتیموان نیم‌رسانا

اع۱ ترکیبات آنتیموان
اع۲ ترکیبات فلز سنگین
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
ان *Semiconducting antimony compounds*

ترکیبات آهن

اع۱ ترکیبات فلز واسطه
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ اکسید آهن
اخ۲ مگنتیت
اخ۱ پیریت
اخ۱ کانی کلریتی
اخ۱ کرومیت
او آلیاژ آهن
او آهن
ان *Iron compounds*

ترکیبات اربیم

اع۱ ترکیبات خاک کمیاب
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او اربیم
او آلیاژ اربیم
ان *Erbium compounds*

ترکیبات اروپیم

اع۱ ترکیبات خاک کمیاب
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او اروپیم
او آلیاژ اروپیم
ان *Europium compounds*

ترکیبات استرونسیم

اع۱ ترکیبات فلز قلیایی خاکی
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ مواد پرتوزا
اع۲ مواد
او ابررسانای اکسیدی
او استرونسیم
او آلیاژ استرون‌سازیسم
ان *Strontium compounds*

ترکیبات اسکاندیم

اع۱ ترکیبات فلز واسطه
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او اسکاندیم
او آلیاژ اسکاندیم
ان *Scandium compounds*

ترکیبات اسمیم

اع۱ ترکیبات فلز گروه پلاتین
اع۲ ترکیبات فلز گرانبها
اع۳ ترکیبات فلز واسطه
او اسمیم
او آلیاژ اسمیم
ان *Osmium compounds*

ترکیبات اشباع‌نشده

اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ بسپار اشباع‌نشده
ان *Unsaturated compounds*

ترکیبات اورانیم

اع۱ جسم مرکب فلزی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ مواد پرتوزا
اع۲ مواد
اخ۱ اورانیم دی‌اکسید

اخ۱ اورانیم کاربید
اخ۱ کانی اورانیتی
او آلیاژ اورانیم
او اورانیم
ان *Uranium compounds*

ترکیبات ایتربیم

اع۱ ترکیبات خاک کمیاب
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او آلیاژ ایتربیم
او ایتربیم
ان *Ytterbium compounds*

ترکیبات ایتریم

اع۱ ترکیبات فلز واسطه
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او ابررسانای اکسیدی
او آلیاژ ایتریم
او ایتریم
ان *Yttrium compounds*

ترکیبات ایزیدیم

اع۱ ترکیبات فلز گروه پلاتین
اع۲ ترکیبات فلز گرانبها
اع۳ ترکیبات فلز واسطه
او آلیاژ ایریدیم
او ایریدیم
ان *Iridium compounds*

ترکیبات ایندیم

اع۱ جسم مرکب فلزی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ ترکیبات ایندیم نیم‌رسانا
اخ۲ فسفید ایندیم نیم‌رسانا
او آلیاژ ایندیم
او ایندیم
ان *Indium compounds*

ترکیبات ایندیم نیم‌رسانا

اع۱ ترکیبات ایندیم
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
اخ۱ فسفید ایندیم نیم‌رسانا
ان *Semiconducting indium compounds*

ترکیبات باریم

اع۱ ترکیبات فلز قلیایی خاکی
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ باریم تیتانات
او ابررسانای اکسیدی
او آلیاژ باریم
او باریم
او وسیله مقابله
ان *Barium compounds*

ترکیبات برم

اع۱ ترکیبات هالوژنی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
او برم
ان *Bromine compounds*

ترکیبات بریلیم

اع۱ ترکیبات فلز قلیایی خاکی
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ بریلیا
اخ۱ کانی بریلیوم
او آلیاژ بریلیم
او بریلیم
ان *Beryllium compounds*

ترکیبات بور

اع۱ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ بور کاربید
اخ۱ بور نیترید مکعبی
اخ۱ بورید
اخ۱ کانی بوراتی
او شیشه بورسیلیکات
او شیشه بورفسفات
ان *Boron compounds*

ترکیبات بیسموت

اع۱ ترکیبات فلز سنگین

اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ ترکیبات بیسموت نیم‌رسانا
او ابررسانای اکسیدی
او آلیاژ بیسموت
او بیسموت
ان *Bismuth compounds*

ترکیبات بیسموت نیم‌رسانا

اع۱ ترکیبات بیسموت
اع۲ ترکیبات فلز سنگین
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
ان *Semiconducting bismuth compounds*

ترکیبات بین‌فلزی

ب‌ک بین‌فلزی

ترکیبات پالادیم

اع۱ ترکیبات فلز گروه پلاتین
اع۲ ترکیبات فلز گرانبها
اع۳ ترکیبات فلز واسطه
او آلیاژ پالادیم
او پالادیم
ان *Palladium compounds*

ترکیبات پتاسیم

اع۱ ترکیبات فلز قلیایی
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ پتاس
او آلیاژ پتاسیم
او پتاسیم
ان *Potassium compounds*

ترکیبات پرازئودیمیم

اع۱ ترکیبات خاک کمیاب
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او آلیاژ پرازئودیمیم
او پرازئودیمیم
ان *Praseodymium compounds*

ترکیبات پلاتین

اع۱ ترکیبات فلز گروه پلاتین
اع۲ ترکیبات فلز گرانبها
اع۳ ترکیبات فلز واسطه
او آلیاژ پلاتین
او بین‌فلزی
او پلاتین
ان *Platinum compounds*

ترکیبات پلوتونیم

اع۱ جسم مرکب فلزی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
او آلیاژ پلوتونیم
او پلوتونیم
ان *Plutonium compounds*

ترکیبات پولونیم

اع۱ ترکیبات شیمیایی
او آلیاژ پلونیوم
او پولونیم
ان *Polonium compounds*

ترکیبات تالیم

اع۱ ترکیبات فلز سنگین
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او آلیاژ تالیم
او تالیم
ان *Thallium compounds*

ترکیبات تانتال

اع۱ ترکیبات فلزی دیرگداز
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۲ مواد نسوز
اع۳ مواد
اخ۱ تانتال کاربید
اخ۱ کانی تانتالیتی
او آلیاژ تانتال
او تانتال
ان *Tantalum compounds*

ترکیبات تربیم

اع۱ ترکیبات خاک کمیاب

اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او آلیاژ تربیم
او تربیم
ان *Terbium compounds*

ترکیبات تکنسیم

اع۱ جسم مرکب فلزی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
او تکنسیم
ان *Technetium compounds*

ترکیبات تلوریم

اع۱ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ ترکیبات تلوریم نیم‌رسانا
او تلوریم
ان *Tellurium compounds*

ترکیبات تلوریم نیم‌رسانا

اع۱ ترکیبات تلوریم
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
ان *Semiconducting tellurium compounds*

ترکیبات تنگستن

اع۱ ترکیبات فلزی دیرگداز
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۲ مواد نسوز
اع۳ مواد
اخ۱ تنگستن کاربید
اخ۱ کانی تنگستاتی
او آلیاژ تنگستن
او تنگستن
ان *Tungsten compounds*

ترکیبات توریم

اع۱ جسم مرکب فلزی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ توریا
او آلیاژ توریم
او توریم
ان *Thorium compounds*

ترکیبات تولیم

اع۱ ترکیبات خاک کمیاب
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او تولیم
ان *Thulium compounds*

ترکیبات تیتانیم

اع۱ ترکیبات فلز واسطه
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ باریم تیتانات
اخ۱ تیتانیم اکسید
اخ۲ پروفسکیت
اخ۲ تیتانیم دی‌اکسید
اخ۱ تیتانیم کاربید
اخ۱ تیتانیم نیترید
اخ۱ کانی تیتاناتی
او آلیاژ تیتانیم
او تیتانیم
ان *Titanium compounds*

ترکیبات جیوه

اع۱ ترکیبات فلز سنگین
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات فلز واسطه
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او جیوه(فلز)
او ملغمه جیوه
ان *Mercury compounds*

ترکیبات خاک کمیاب

اع۱ جسم مرکب فلزی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ ترکیبات اربیم
اخ۱ ترکیبات اروپیم
اخ۱ ترکیبات ایتربیم
اخ۱ ترکیبات پرازئودیمیم
اخ۱ ترکیبات تربیم
اخ۱ ترکیبات تولیم
اخ۱ ترکیبات دیسپروسیم
اخ۱ ترکیبات ساماریم
اخ۲ ترکیبات ساماریم نیم‌رسانا

اخ۱ ترکیبات سریم
اخ۱ ترکیبات گادولینیم
اخ۱ ترکیبات لانتان
اخ۱ ترکیبات لوتتیم
اخ۱ ترکیبات نئودیم
اخ۱ ترکیبات هولمیم
اخ۱ خاک کمیاب
او اضافات خاک کمیاب
او آلیاژ خاک کمیاب
او عنصر خاکی کمیاب
ان *Rare earth compounds*

ترکیبات دوتریم

اع۱ ترکیبات معدنی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ آب سنگین
او ایزوتوپ پرتوزا
او ترکیبات معدنی هیدروژنی
او دوتریم
ان *Deuterium compounds*

ترکیبات دیسپروسیم

اع۱ ترکیبات خاک کمیاب
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او آلیاژ دیسپروزیم
او دیسپروزیم
ان *Dysprosium compounds*

ترکیبات رنیم

اع۱ ترکیبات فلزی دیرگداز
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۲ مواد نسوز
اع۳ مواد
او آلیاژ رنیم
او رنیم
ان *Rhenium compounds*

ترکیبات روبیدیم

اع۱ ترکیبات فلز قلیایی
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او آلیاژ روبیدیم
او روبیدیم
ان *Rubidium compounds*

ترکیبات روتنیم

اع۱ ترکیبات فلز گروه پلاتین
اع۲ ترکیبات فلز گرانبها
اع۳ ترکیبات فلز واسطه
او آلیاژ روتنیم
او روتنیم
ان *Ruthenium compounds*

ترکیبات رودیم

اع۱ ترکیبات فلز گروه پلاتین
اع۲ ترکیبات فلز گرانبها
اع۳ ترکیبات فلز واسطه
او آلیاژ رودیم
او رودیم
ان *Rhodium compounds*

ترکیبات روی

اع۱ ترکیبات فلز واسطه
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ اکسید روی
اخ۱ ترکیبات روی نیم‌رسانا
اخ۱ سولفید روی
او آلیاژ روی
او بین‌فلزی
او روی
او فریت
ان *Zinc compounds*

ترکیبات روی نیم‌رسانا

اع۱ ترکیبات روی
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
ان *Semiconducting zinc compounds*

ترکیبات زیرکونیم

اع۱ ترکیبات فلز واسطه
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ زیرکن

اخ۱ زیرکونیا
او آلیاژ زیرکونیم
او زیرکونیم
ان *Zirconium compounds*

ترکیبات ژرمانیم

اع۱ جسم مرکب فلزی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ ترکیبات ژرمانیم نیم‌رسانا
اخ۱ کانی ژرمانیتی
او آلیاژ ژرمانیم
او ژرمانیم
ان *Germanium compounds*

ترکیبات ژرمانیم نیم‌رسانا

اع۱ ترکیبات ژرمانیم
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
ان *Semiconducting germanium compounds*

ترکیبات ساماریم

اع۱ ترکیبات خاک کمیاب
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ ترکیبات ساماریم نیم‌رسانا
او آلیاژ ساماریم
او ساماریم
ان *Samarium compounds*

ترکیبات ساماریم نیم‌رسانا

اع۱ ترکیبات ساماریم
اع۲ ترکیبات خاک کمیاب
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
ان *Semiconducting samarium compounds*

ترکیبات سدیم

اع۱ ترکیبات فلز قلیایی
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ سدیم کلرید
اخ۱ سود سوزآور
او آلیاژ سدیم
او سدیم
ان *Sodium compounds*

ترکیبات سرب

اع۱ ترکیبات فلز سنگین
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ ترکیبات سرب نیم‌رسانا
او ابررسانای اکسیدی
او آلیاژ سرب
او خیساندن
او سرب
ان *Lead compounds*

ترکیبات سرب نیم‌رسانا

اع۱ ترکیبات سرب
اع۲ ترکیبات فلز سنگین
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
ان *Semiconducting lead compounds*

ترکیبات سریم

اع۱ ترکیبات خاک کمیاب
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او آلیاژ سریم
او سریم
ان *Cerium compounds*

ترکیبات سزیم

اع۱ ترکیبات فلز قلیایی
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او سزیم
ان *Cesium compounds*

ترکیبات سلنیم

اع۱ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ ترکیبات سلنیم نیم‌رسانا

او سلنیم
ان *Selenium compounds*

ترکیبات سلنیم نیم‌رسانا

اع۱ ترکیبات سلنیم
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
ان *Semiconducting selenium compounds*

ترکیبات سیلیسیم

اع۱ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ پلی‌سیلان
اخ۱ ترکیبات سیلیکون نیم‌رسانا
اخ۱ سیلان
اخ۱ سیلیس
اخ۲ سیلیس مذاب
اخ۲ سیلیکاژل
اخ۲ کوارتز
اخ۱ سیلیسیم کاربید
اخ۱ سیلیسیم نیترید
اخ۱ سیلیکات
اخ۲ زئولیت
اخ۲ کانی سیلیکاتی
اخ۳ بنتونیت
اخ۳ توپاز
اخ۳ زبرجد
اخ۳ زیرکن
اخ۳ سرپنتین
اخ۳ فلدسپار
اخ۳ کانی رسی
اخ۳ کانی کلریتی
اخ۳ کیانیت
اخ۳ میکا
اخ۲ گارنت
اخ۱ سیلیکون
او آلیاژ سیلیسیم
او سیلیسیم
ان *Silicon compounds*

ترکیبات سیلیکون نیم‌رسانا

اع۱ ترکیبات سیلیسیم
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
او شیشه نیم‌رسانا
ان *Semiconducting silicon compounds*

ترکیبات شیمیایی

ی‌د یک اصطلاح خیلی کلی است، ترجیحا نوع خاصی از ترکیبات را به کار برید.
اخ۱ اسید
اخ۲ اسید آلی
اخ۳ آمینواسید
اخ۳ اسید هسته‌ای
اخ۳ کربوکسیلیک‌اسید
اخ۲ اسید معدنی
اخ۳ سولفوریک اسید
اخ۳ فسفریک اسید
اخ۳ نیتریک‌اسید
اخ۳ هیدروفلئوریک اسید
اخ۳ هیدروکلریک اسید
اخ۱ اکسید
اخ۲ آلومین
اخ۳ آلومین فعال‌شده
اخ۳ آلومین متخلخل
اخ۳ کوراندوم
اخ۲ ابررسانای اکسیدی
اخ۲ اکسید آهن
اخ۳ مگنتیت
اخ۲ اکسید روی
اخ۲ اکسید مس
اخ۲ اکسید نیتروژن
اخ۲ اورانیم دی‌اکسید
اخ۲ بریلیا
اخ۲ پروکسید
اخ۳ هیدروژن پروکسید
اخ۲ توریا
اخ۲ تیتانیم اکسید
اخ۳ پروفسکیت
اخ۳ تیتانیم دی‌اکسید
اخ۲ دی‌اکسید گوگرد
اخ۲ زیرکونیا
اخ۲ سیلیس
اخ۳ سیلیس مذاب
اخ۳ سیلیکاژل
اخ۳ کوارتز
اخ۲ کانی اکسیدی
اخ۳ ایلمنیت
اخ۳ پروفسکیت
اخ۳ خاک کمیاب

اخ۳	کوارتز
اخ۳	کورندوم
اخ۳	مگنتیت
اخ۲	کربن دی‌اکسید
اخ۲	کربن منواکسید
اخ۲	منیزی
اخ۱	بسپار
اخ۲	بسپار آلی
اخ۳	بسپار آروماتیکی
اخ۳	بسپار آلی فلزی
اخ۳	بسپار اشباع‌نشده
اخ۳	بسپار حاوی کلر
اخ۳	بسپار طبیعی
اخ۳	بسپار فلئوردار
اخ۳	بسپار نیم‌رسانا
اخ۳	پلی‌اتر
اخ۳	پلی‌استیلن
اخ۳	پلی‌الکترولیت
اخ۳	پلی‌اورتان
اخ۳	پلی‌ایمید
اخ۳	رزین تبادل یونی
اخ۳	رزین نیتریلی
اخ۳	کشپار
اخ۳	کم‌پار
اخ۳	گرماسخت
اخ۳	گرمانرم
اخ۳	مخلوط بسپاری
اخ۳	هم‌بسپار
اخ۳	یونپار
اخ۲	بسپار بلوری مایع
اخ۲	بسپار معدنی
اخ۳	پلی‌سیلان
اخ۳	سیلیکون
اخ۱	ترکیبات آرسنیک
اخ۲	کانی آرسناتی
اخ۱	ترکیبات آلی
اخ۲	آلدهید
اخ۳	زایلوز
اخ۳	فرم‌آلدهید
اخ۲	آمین
اخ۳	کیتین
اخ۳	نیتروزامین
اخ۲	استر
اخ۳	آدنوزین تری فسفات
اخ۳	نیتروسلولز
اخ۲	استونیتریل
اخ۲	اسید آلی
اخ۳	آمینواسید
اخ۳	اسید هسته‌ای
اخ۳	کربوکسیلیک‌اسید
اخ۲	الکل
اخ۳	اتانول
اخ۳	گلیسرول
اخ۳	گلیکول
اخ۳	متانول
اخ۲	اوره
اخ۲	بسپار آلی
اخ۳	بسپار آروماتیکی
اخ۳	بسپار آلی فلزی
اخ۳	بسپار اشباع‌نشده
اخ۳	بسپار حاوی کلر
اخ۳	بسپار طبیعی
اخ۳	بسپار فلئوردار
اخ۳	بسپار نیم‌رسانا
اخ۳	پلی‌اتر
اخ۳	پلی‌استیلن
اخ۳	پلی‌الکترولیت
اخ۳	پلی‌اورتان
اخ۳	پلی‌ایمید
اخ۳	رزین تبادل یونی
اخ۳	کشپار
اخ۳	کم‌پار
اخ۳	گرماسخت
اخ۳	گرمانرم
اخ۳	مخلوط بسپاری
اخ۳	هم‌بسپار
اخ۳	یونپار
اخ۲	تبادلگر یونی آلی
اخ۲	تربانتین
اخ۲	ترکیب آلی‌فلزی
اخ۳	بسپار آلی فلزی
اخ۲	ترکیبات آروماتیک
اخ۳	استیرن
اخ۳	بسپار آروماتیکی
اخ۳	فنل
اخ۳	هیدروکربن آروماتیک
اخ۲	ترکیبات آلی فرار
اخ۲	ترکیبات آلی نیم‌رسانا
اخ۳	بسپار نیم‌رسانا
اخ۲	ترکیبات اشباع‌نشده
اخ۳	بسپار اشباع‌نشده
اخ۲	تکپار آکریلی

اخ۲	حلال آلی
اخ۲	رزین آلکید
اخ۲	رزین فنلی
اخ۳	رنگ آزو
اخ۲	روغن و چربی
اخ۳	روغن گیاهی
اخ۲	فورفورال
اخ۲	کانی آلی
اخ۲	کتون
اخ۳	استون
اخ۲	کربن تتراکلرید
اخ۲	کربن دی‌سولفید
اخ۲	کربوهیدرات
اخ۳	پلی‌ساکارید
اخ۳	قند
اخ۲	لیپید
اخ۳	موم
اخ۲	ملامین
اخ۲	هیدروکربن
اخ۳	اتر
اخ۳	استیلن
اخ۳	اولفین
اخ۳	بنزین طبیعی
اخ۳	بوتادی‌ان
اخ۳	بیوگاز
اخ۳	پارافین
اخ۳	پارافین جامد
اخ۳	روغن عایق
اخ۳	فرئون
اخ۳	قطران گاز
اخ۳	متان
اخ۳	هیدروکربن آروماتیک
اخ۱	ترکیبات بور
اخ۲	بور کاربید
اخ۲	بور نیترید مکعبی
اخ۲	بورید
اخ۲	کانی بوراتی
اخ۱	ترکیبات پولونیم
اخ۱	ترکیبات تلوریم
اخ۲	ترکیبات تلوریم-نیم‌رسانا
اخ۱	ترکیبات سلنیم
اخ۲	ترکیبات سلنیم نیم‌رسانا
اخ۱	ترکیبات سیلیسیم
اخ۲	پلی‌سیلان
اخ۲	ترکیبات سیلیکون نیم‌رسانا
اخ۲	سیلان
اخ۲	سیلیس
اخ۳	سیلیس مذاب
اخ۳	سیلیکاژل
اخ۳	کوارتز
اخ۲	سیلیسیم کاربید
اخ۲	سیلیسیم نیترید
اخ۲	سیلیکات
اخ۳	زئولیت
اخ۳	کانی سیلیکاتی
اخ۳	گارنت
اخ۲	سیلیکون
اخ۱	ترکیبات فسفر
اخ۲	فسفات
اخ۳	کانی فسفاتی
اخ۱	ترکیبات گوگرد
اخ۲	دی‌اکسید گوگرد
اخ۲	سولفید روی
اخ۲	کانی سولفاتی
اخ۳	ژیپس
اخ۲	کانی سولفیدی
اخ۲	کربن دی‌سولفید
اخ۲	هیدروژن سولفورید
اخ۱	ترکیبات معدنی
اخ۲	بسپار معدنی
اخ۳	پلی‌سیلان
اخ۳	سیلیکون
اخ۲	ترکیبات دوتریم
اخ۳	آب سنگین
اخ۲	ترکیبات معدنی کربن
اخ۳	سیانید
اخ۳	کاربید
اخ۳	کربنات
اخ۳	کربن دی‌اکسید
اخ۳	کربن منواکسید
اخ۲	ترکیبات معدنی هیدروژنی
اخ۳	آب
اخ۳	آهک هیدراته
اخ۳	اسید معدنی
اخ۳	سود سوزآور
اخ۳	هیدرازین
اخ۳	هیدروژن پروکسید
اخ۳	هیدروژن سولفورید
اخ۳	هیدرید
اخ۱	ترکیبات نیتروژن
اخ۲	آمونیاک
اخ۲	آمین

اخ۳	کیتین
اخ۳	نیتروزامین
اخ۲	اکسید نیتروژن
اخ۲	اوره
اخ۲	ترکیبات آمونیم
اخ۲	رزین نیتریلی
اخ۲	سبزینه
اخ۲	سیانید
اخ۲	نیترات
اخ۲	نیتروزامین
اخ۲	نیتروسلولز
اخ۲	نیترید
اخ۳	بور نیترید مکعبی
اخ۳	تیتانیم نیترید
اخ۳	سیلیسیم نیترید
اخ۲	هیدرازین
اخ۱	ترکیبات واسطه
اخ۱	ترکیبات هالوژنی
اخ۲	ترکیبات برم
اخ۲	ترکیبات فلئور
اخ۳	بسپار فلئوردار
اخ۳	فرئون
اخ۳	فلئوروکربن
اخ۳	کانی فلوریدی
اخ۳	هیدروفلئوریک اسید
اخ۲	ترکیبات کلر
اخ۳	بسپار حاوی کلر
اخ۳	سدیم کلرید
اخ۳	کانی کلریدی
اخ۳	کربن تتراکلرید
اخ۲	ترکیبات ید
اخ۲	کانی هالید
اخ۳	کانی فلوریدی
اخ۳	کانی کلریدی
اخ۲	کلروفلئورکربن
اخ۱	تکپار
اخ۲	استیرن
اخ۲	تکپار آکریلی
اخ۱	جسم مرکب فلزی
اخ۲	ترکیبات آلومینیوم
اخ۳	آلومین
اخ۳	آلومین هیدراته
اخ۳	ترکیبات آلومینیم نیم‌رسانا
اخ۳	زئولیت
اخ۳	فلدسپار
اخ۳	کانی کلریتی
اخ۲	ترکیبات اورانیم
اخ۳	اورانیم دی‌اکسید
اخ۳	اورانیم کاربید
اخ۳	کانی اورانیتی
اخ۲	ترکیبات ایندیم
اخ۳	ترکیبات ایندیم نیم‌رسانا
اخ۲	ترکیبات پلوتونیم
اخ۲	ترکیبات تکنسیم
اخ۲	ترکیبات توریم
اخ۳	توریا
اخ۲	ترکیبات خاک کمیاب
اخ۳	ترکیبات اربیم
اخ۳	ترکیبات اروپیم
اخ۳	ترکیبات ایتربیم
اخ۳	ترکیبات پرازئودیمیم
اخ۳	ترکیبات تربیم
اخ۳	ترکیبات تولیم
اخ۳	ترکیبات دیسپروسیم
اخ۳	ترکیبات ساماریم
اخ۳	ترکیبات سریم
اخ۳	ترکیبات گادولینیم
اخ۳	ترکیبات لانتان
اخ۳	ترکیبات لوتتیم
اخ۳	ترکیبات نئودیم
اخ۳	ترکیبات هولمیم
اخ۳	خاک کمیاب
اخ۲	ترکیبات ژرمانیم
اخ۳	ترکیبات ژرمانیم نیم‌رسانا
اخ۳	کانی ژرمانیتی
اخ۲	ترکیبات فلز سنگین
اخ۳	ترکیبات آنتیموان
اخ۳	ترکیبات بیسموت
اخ۳	ترکیبات تالیم
اخ۳	ترکیبات جیوه
اخ۳	ترکیبات سرب
اخ۳	ترکیبات قلع
اخ۳	ترکیبات کادمیم
اخ۳	صابون فلزی
اخ۲	ترکیبات فلز قلیایی
اخ۳	ترکیبات پتاسیم
اخ۳	ترکیبات روبیدیم
اخ۳	ترکیبات سدیم
اخ۳	ترکیبات سزیم
اخ۳	ترکیبات لیتیم
اخ۲	ترکیبات فلز قلیایی خاکی
اخ۳	ترکیبات استرونسیم

اخ۳	ترکیبات باریم
اخ۳	ترکیبات بریلیم
اخ۳	ترکیبات کلسیم
اخ۳	ترکیبات منیزیم
اخ۲	ترکیبات فلز واسطه
اخ۳	ترکیبات آهن
اخ۳	ترکیبات اسکاندیم
اخ۳	ترکیبات ایتریم
اخ۳	ترکیبات تیتانیم
اخ۳	ترکیبات جیوه
اخ۳	ترکیبات روی
اخ۳	ترکیبات زیرکونیم
اخ۳	ترکیبات فلز گرانبها
اخ۳	ترکیبات فلزی دیرگداز
اخ۳	ترکیبات کادمیم
اخ۳	ترکیبات کبالت
اخ۳	ترکیبات مس
اخ۳	ترکیبات منگنز
اخ۳	ترکیبات نیکل
اخ۳	ترکیبات هافنیم
اخ۲	ترکیبات گالیم
اخ۳	ترکیبات گالیم نیم‌رسانا
اخ۱	کانی
اخ۲	کان‌سنگ
اخ۳	ایلمنیت
اخ۳	باریت
اخ۳	فلئوراسپار
اخ۳	کان‌سنگ آهن
اخ۳	کان‌سنگ غیرفلزی
اخ۳	کرومیت
اخ۳	کلوخه کان‌سنگ
اخ۳	گندله کان‌سنگ
اخ۳	مونازیت
اخ۲	کانی کاربید
اخ۲	کانی هالید
اخ۳	کانی فلوریدی
اخ۳	کانی کلریدی
اخ۲	کانی آرسناتی
اخ۲	کانی آلی
اخ۲	کانی اکسیدی
اخ۳	ایلمنیت
اخ۳	پروفسکیت
اخ۳	خاک کمیاب
اخ۳	کوارتز
اخ۳	کورندوم
اخ۳	مگنتیت
اخ۲	کانی اورانیتی
اخ۲	کانی بریلیوم
اخ۲	کانی بوراتی
اخ۲	کانی تانتالیتی
اخ۲	کانی تنگستاتی
اخ۲	کانی تیتانیتی
اخ۲	کانی ژرمانیتی
اخ۲	کانی سولفاتی
اخ۳	ژیپس
اخ۲	کانی سولفیدی
اخ۲	کانی سیلیکاتی
اخ۳	بنتونیت
اخ۳	توپاز
اخ۳	زبرجد
اخ۳	زیرکن
اخ۳	سرپنتین
اخ۳	فلدسپار
اخ۳	کانی رسی
اخ۳	کانی کلریتی
اخ۳	کیانیت
اخ۳	میکا
اخ۲	کانی فسفاتی
اخ۲	کانی کربناتی
اخ۳	منیزیت
اخ۲	کانی نیوباتی
اخ۲	کانی وانادیتی
اخ۲	کلسیت
اخ۱	مشتقات
اخ۲	مشتقات سلولز
اخ۳	رزین سلولزی
اخ۳	نیتروسلولز
اخ۱	نمک
اخ۲	سدیم کلرید
اخ۲	نمک مذاب
اخ۱	هیدارت
اخ۲	گاز هیدرات
او	شیمی
ان	*Chemical compounds*

ترکیبات ضدکوبش

اع۱	افزودنی سوخت
اع۲	افزودنی
اع۳	مواد شیمیایی
اع۲	سوخت
اع۳	مواد
او	درجه‌بندی ضدکوبش

او ضربه احتراق
ان *Antiknock compounds*

ترکیبات طلا

اع۱ ترکیبات فلز-گرانبها
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
او آلیاژ طلا
او طلا
ان *Gold compounds*

ترکیبات فسفر

اع۱ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ فسفات
اخ۲ کانی فسفاتی
او فسفر
او کود شیمیایی فسفات‌دار
ان *Phosphorus compounds*

ترکیبات فلز سنگین

اع۱ جسم مرکب فلزی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ ترکیبات آنتیموان
اخ۲ ترکیبات آنتیموان نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات بیسموت
اخ۲ ترکیبات بیسموت نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات تالیم
اخ۱ ترکیبات جیوه
اخ۱ ترکیبات سرب
اخ۲ ترکیبات سرب نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات قلع
اخ۲ ترکیبات قلع نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات کادمیم
اخ۲ ترکیبات کادمیم نیم‌رسانا
اخ۱ صابون فلزی
او آلیاژ فلز سنگین
او فلز سنگین
ان *Heavy metal compounds*

ترکیبات فلز قلیایی

اع۱ جسم مرکب فلزی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ ترکیبات پتاسیم
اخ۲ پتاس
اخ۱ ترکیبات روبیدیم

اخ۱ ترکیبات سدیم
اخ۲ سدیم کلرید
اخ۲ سود سوزآور
اخ۱ ترکیبات سزیم
اخ۱ ترکیبات لیتیم
او آلیاژ فلز قلیایی
او فلز قلیایی
ان *Alkali metal compounds*

ترکیبات فلز قلیایی خاکی

اع۱ جسم مرکب فلزی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ ترکیبات استرونسیم
اخ۱ ترکیبات باریم
اخ۲ باریم تیتانات
اخ۱ ترکیبات بریلیم
اخ۲ بریلیا
اخ۲ کانی بریلیوم
اخ۱ ترکیبات کلسیم
اخ۲ آهک
اخ۲ آهک هیدراته
اخ۲ پروفسکیت
اخ۲ فلئوراسپار
اخ۲ کلسیت
اخ۲ کلسیم کاربید
اخ۱ ترکیبات منیزیم
اخ۲ کانی کلریتی
اخ۲ منیزی
اخ۲ منیزیت
او آلیاژ فلز قلیایی خاکی
او فلز قلیایی خاکی
ان *Alkaline earth metal compounds*

ترکیبات فلز گرانبها

اع۱ ترکیبات فلز واسطه
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ ترکیبات طلا
اخ۱ ترکیبات فلز گروه پلاتین
اخ۲ ترکیبات اسمیم
اخ۲ ترکیبات ایریدیم
اخ۲ ترکیبات پالادیم
اخ۲ ترکیبات پلاتین
اخ۲ ترکیبات روتنیم
اخ۲ ترکیبات رودیم

اخ۱ ترکیبات نقره
اخ۲ ترکیبات نقره نیم‌رسانا
او آلیاژ فلز گرانبها
او فلز گرانبها
ان *Precious metal compounds*

ترکیبات فلز گروه پلاتین

اع۱ ترکیبات فلز گرانبها
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
اخ۱ ترکیبات اسمیم
اخ۱ ترکیبات ایریدیم
اخ۱ ترکیبات پالادیم
اخ۱ ترکیبات پلاتین
اخ۱ ترکیبات روتنیم
اخ۱ ترکیبات رودیم
او آلیاژ فلز گروه پلاتین
او فلز گروه پلاتین
ان *Platinum metal compounds*

ترکیبات فلز واسطه

اع۱ جسم مرکب فلزی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ ترکیبات آهن
اخ۲ اکسید آهن
اخ۳ مگنتیت
اخ۲ پیریت
اخ۲ کانی کلریتی
اخ۲ کرومیت
اخ۱ ترکیبات اسکاندیم
اخ۱ ترکیبات ایتریم
اخ۱ ترکیبات تیتانیم
اخ۲ باریم تیتانات
اخ۲ تیتانیم اکسید
اخ۳ پروفسکیت
اخ۳ تیتانیم دی‌اکسید
اخ۲ تیتانیم کاربید
اخ۲ تیتانیم نیترید
اخ۲ کانی تیتاناتی
اخ۱ ترکیبات جیوه
اخ۱ ترکیبات روی
اخ۲ اکسید روی
اخ۲ ترکیبات روی نیم‌رسانا
اخ۲ سولفید روی
اخ۱ ترکیبات زیرکونیم
اخ۲ زیرکن
اخ۲ زیرکونیا
اخ۱ ترکیبات فلز گرانبها
اخ۲ ترکیبات طلا
اخ۲ ترکیبات فلز گروه پلاتین
اخ۳ ترکیبات اسمیم
اخ۳ ترکیبات ایریدیم
اخ۳ ترکیبات پالادیم
اخ۳ ترکیبات پلاتین
اخ۳ ترکیبات روتنیم
اخ۳ ترکیبات رودیم
اخ۲ ترکیبات نقره
اخ۳ ترکیبات نقره نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات فلزی دیرگداز
اخ۲ ترکیبات تانتال
اخ۳ تانتال کاربید
اخ۳ کانی تانتالیتی
اخ۲ ترکیبات تنگستن
اخ۳ تنگستن کاربید
اخ۳ کانی تنگستاتی
اخ۲ ترکیبات رنیم
اخ۲ ترکیبات کروم
اخ۳ کرومات
اخ۳ کرومیت
اخ۲ ترکیبات مولیبدن
اخ۲ ترکیبات نیوبیم
اخ۲ ترکیبات وانادیم
اخ۳ کانی وانادیتی
اخ۱ ترکیبات کادمیم
اخ۲ ترکیبات کادمیم نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات کبالت
اخ۱ ترکیبات مس
اخ۲ اکسید مس
اخ۱ ترکیبات منگنز
اخ۲ ترکیبات منگنز نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات نیکل
اخ۱ ترکیبات هافنیم
ان *Transition metal compounds*

ترکیبات فلزی دیرگداز

اع۱ ترکیبات فلز واسطه
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ مواد نسوز
اع۲ مواد
اخ۱ ترکیبات تانتال

اخ۲ تانتال کاربید
اخ۲ کانی تانتالیتی
اخ۱ ترکیبات تنگستن
اخ۲ تنگستن کاربید
اخ۲ کانی تنگستاتی
اخ۱ ترکیبات رنیم
اخ۱ ترکیبات کروم
اخ۲ کرومات
اخ۲ کرومیت
اخ۱ ترکیبات مولیبدن
اخ۱ ترکیبات نیوبیم
اخ۱ ترکیبات وانادیم
اخ۲ کانی وانادیتی
او آلیاژ نسوز
او توریا
او فلز دیرگداز
ان *Refractory metal compounds*

ترکیبات فلئور
اع۱ ترکیبات هالوژنی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ بسپار فلئوردار
اخ۲ پلی‌تترافلوئورواتیلن
اخ۱ فرئون
اخ۱ فلئوروکربن
اخ۱ کانی فلوریدی
اخ۱ هیدروفلئوریک اسید
ان *Fluorine compounds*

ترکیبات قالب‌گیری
ب‌ک ترکیبات قالب‌گیری ورقه‌ای

ترکیبات قالب‌گیری ورقه‌ای
ب‌ج *ترکیبات قالب‌گیری*
اع۱ مواد
او ورقه مومسان
ان *Sheet molding compounds*

ترکیبات قلع
اع۱ ترکیبات فلز سنگین
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ ترکیبات قلع نیم‌رسانا
او آلیاژ قلع
او قلع
ان *Tin compounds*

ترکیبات قلع نیم‌رسانا
اع۱ ترکیبات قلع
اع۲ ترکیبات فلز سنگین
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
ان *Semiconducting tin compounds*

ترکیبات کادمیم
اع۱ ترکیبات فلز سنگین
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات فلز واسطه
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ ترکیبات کادمیم نیم‌رسانا
او آلیاژ کادمیم
او کادمیم
ان *Cadmium compounds*

ترکیبات کادمیم نیم‌رسانا
اع۱ ترکیبات کادمیم
اع۲ ترکیبات فلز سنگین
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
او پیل خورشیدی سولفور کادمیوم
ان *Semiconducting cadmium compounds*

ترکیبات کبالت
اع۱ ترکیبات فلز واسطه
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او آلیاژ کبالت
او کبالت
ان *Cobalt compounds*

ترکیبات کربنی
اع۱ مواد مختلط
اع۲ مواد

او الیاف کربنی
او کربن
ان *Carbon carbon composites*

ترکیبات کروم

اع۱ ترکیبات فلزی دیرگداز
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۲ مواد نشوز
اع۳ مواد
اخ۱ کرومات
اخ۱ کرومیت
او آلیاژ کروم
او کروم
ان *Chromium compounds*

ترکیبات کلر

اع۱ ترکیبات هالوژنی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ بسپار حاوی کلر
اخ۱ سدیم کلرید
اخ۱ کانی کلریدی
اخ۱ کربن تتراکلرید
او کلر
ان *Chlorine compounds*

ترکیبات کلسیم

اع۱ ترکیبات فلز قلیایی خاکی
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ آهک
اخ۱ آهک هیدراته
اخ۱ پروفسکیت
اخ۱ فلئوراسپار
اخ۱ کلسیت
اخ۱ کلسیم کاربید
او آلیاژ کلسیم
ان *Calcium compounds*

ترکیبات گادولینیم

اع۱ ترکیبات خاک کمیاب
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او آلیاژ گادولینیم
او گادولینیم
ان *Gadolinium compounds*

ترکیبات گالیم

اع۱ جسم مرکب فلزی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ ترکیبات گالیم نیم‌رسانا
اخ۲ آرسنید گالیم نیم‌رسانا
او آلیاژ گالیم
او گالیم
ان *Gallium compounds*

ترکیبات گالیم نیم‌رسانا

اع۱ ترکیبات گالیم
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
اخ۱ آرسنید گالیم نیم‌رسانا
ان *Semiconducting gallium compounds*

ترکیبات گوگرد

اع۱ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ دی‌اکسید گوگرد
اخ۱ سولفید روی
اخ۱ کانی سولفاتی
اخ۲ ژیپس
اخ۱ کانی سولفیدی
اخ۱ کربن دی‌سولفید
اخ۱ هیدروژن سولفورید
او گاز ترش
او مدارشکن هگزافلورید گوگردی
ان *Sulfur compounds*

ترکیبات لانتان

اع۱ ترکیبات خاک کمیاب
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او آلیاژ لانتان
او لانتان
ان *Lanthanum compounds*

ترکیبات لوتتیم

اع۱ ترکیبات خاک کمیاب
اع۲ جسم مرکب فلزی

اع۳ ترکیبات شیمیایی
او لوتتیم
ان *Lutetium compounds*

ترکیبات لیتیم

اع۱ ترکیبات فلز قلیایی
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او آلیاژ لیتیم
او لیتیم
ان *Lithium compounds*

ترکیبات مس

اع۱ ترکیبات فلز واسطه
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ اکسید مس
او آلیاژ مس
او مس
ان *Copper compounds*

ترکیبات معدنی

اع۱ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ بسپار معدنی
اخ۲ پلی‌سیلان
اخ۲ سیلیکون
اخ۱ ترکیبات دوتریم
اخ۲ آب سنگین
اخ۱ ترکیبات معدنی کربن
اخ۲ سیانید
اخ۲ کاربید
اخ۳ اورانیم کاربید
اخ۳ بور کاربید
اخ۳ تانتال کاربید
اخ۳ تنگستن کاربید
اخ۳ تیتانیم کاربید
اخ۳ سیلیسیم کاربید
اخ۳ کاربید متخلخل
اخ۳ کانی کاربید
اخ۳ کلسیم کاربید
اخ۲ کربنات
اخ۳ پتاس
اخ۳ کانی کربناتی
اخ۳ کلسیت
اخ۲ کربن دی‌اکسید
اخ۲ کربن منواکسید
اخ۱ ترکیبات معدنی هیدروژنی
اخ۲ آب
اخ۳ آب آشامیدنی
اخ۳ آب زیرزمینی
اخ۳ آب سرمایش
اخ۳ آب سنگین
اخ۳ آب شور
اخ۳ پساب
اخ۲ آهک هیدراته
اخ۲ اسید معدنی
اخ۳ سولفوریک اسید
اخ۳ فسفریک اسید
اخ۳ نیتریک‌اسید
اخ۳ هیدروفلئوریک اسید
اخ۳ هیدروکلریک اسید
اخ۲ سود سوزآور
اخ۲ هیدرازین
اخ۲ هیدروژن پروکسید
اخ۲ هیدروژن سولفورید
اخ۲ هیدرید
اخ۳ سیلان
او جسم مرکب فلزی
او درخشایی جامد غیر آلی
ان *Inorganic compounds*

ترکیبات معدنی کربن

اع۱ ترکیبات معدنی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ سیانید
اخ۱ کاربید
اخ۲ اورانیم کاربید
اخ۲ بور کاربید
اخ۲ تانتال کاربید
اخ۲ تنگستن کاربید
اخ۲ تیتانیم کاربید
اخ۲ سیلیسیم کاربید
اخ۲ کاربید متخلخل
اخ۲ کانی کاربید
اخ۲ کلسیم کاربید
اخ۱ کربنات
اخ۲ پتاس
اخ۲ کانی کربناتی
اخ۳ منیزیت
اخ۲ کلسیت
اخ۱ کربن دی‌اکسید

اخ۱ کربن منواکسید
او کربن
او مواد نسوز کربن‌دار
ان *Carbon inorganic compounds*

ترکیبات معدنی هیدروژنی

اع۱ ترکیبات معدنی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ آب
اخ۲ آب آشامیدنی
اخ۲ آب زیرزمینی
اخ۲ آب سرمایش
اخ۲ آب سنگین
اخ۲ آب شور
اخ۳ آب دریا
اخ۳ آب نمک
اخ۲ پساب
اخ۱ آهک هیدراته
اخ۱ اسید معدنی
اخ۲ سولفوریک اسید
اخ۲ فسفریک اسید
اخ۲ نیتریک‌اسید
اخ۲ هیدروفلئوریک اسید
اخ۲ هیدروکلریک اسید
اخ۱ سود سوزآور
اخ۱ هیدرازین
اخ۱ هیدروژن پروکسید
اخ۱ هیدروژن سولفورید
اخ۱ هیدرید
اخ۲ سیلان
او ترکیبات دوتریم
او هیدروژن
ان *Hydrogen inorganic compounds*

ترکیبات منگنز

اع۱ ترکیبات فلز واسطه
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ ترکیبات منگنز نیم‌رسانا
او آلیاژ منگنز
او منگنز
ان *Manganese compounds*

ترکیبات منگنز نیم‌رسانا

اع۱ ترکیبات منگنز
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
ان *Semiconducting manganese compounds*

ترکیبات منیزیم

اع۱ ترکیبات فلز قلیایی خاکی
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ منیزیم
اع۲ فلز قلیایی خاکی
اع۳ فلز غیرآهنی
اخ۱ کانی کلریتی
اخ۱ منیزی
اخ۱ منیزیت
او آلیاژ منیزیم
او منیزیم
او مواد نسوز دارای اکسید منیزیم
او مواد نسوز دارای کربنات منیزیم
ان *Magnesium compounds*

ترکیبات مولیبدن

اع۱ ترکیبات فلزی دیرگداز
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۲ مواد نسوز
اع۳ مواد
او آلیاژ مولیبدن
او مولیبدن
ان *Molybdenum compounds*

ترکیبات نقره

اع۱ ترکیبات فلز گرانبها
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
اخ۱ ترکیبات نقره نیم‌رسانا
او آلیاژ نقره
او نقره
ان *Silver compounds*

ترکیبات نقره نیم‌رسانا

اع۱ ترکیبات نقره
اع۲ ترکیبات فلز گرانبها

اع۳ ترکیبات فلز واسطه
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
ان *Semiconducting silver compounds*

ترکیبات نیتروژن

اع۱ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ آمونیاک
اخ۱ آمین
اخ۲ کیتین
اخ۲ نیتروزامین
اخ۱ اکسید نیتروژن
اخ۱ اوره
اخ۱ ترکیبات آمونیم
اخ۱ رزین نیتریلی
اخ۱ سبزینه
اخ۱ سیانید
اخ۱ نیترات
اخ۱ نیتروزامین
اخ۱ نیتروسلولز
اخ۱ نیترید
اخ۲ بور نیترید مکعبی
اخ۲ تیتانیم نیترید
اخ۲ سیلیسیم نیترید
اخ۱ هیدرازین
او کود شیمیایی نیتروژن‌دار
او نیتروژن
ان *Nitrogen compounds*

ترکیبات نیکل

اع۱ ترکیبات فلز واسطه
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او آلیاژ نیکل
او نیکل
ان *Nickel compounds*

ترکیبات نیوبیم

اع۱ ترکیبات فلزی دیرگداز
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۲ مواد نسوز
اع۳ مواد
او آلیاژ نیوبیم
او کانی نیوباتی
او نیوبیم
ان *Niobium compounds*

ترکیبات نئودیم

اع۱ ترکیبات خاک کمیاب
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او آلیاژ نئودیمیم
او نئودیمیم
ان *Neodymium compounds*

ترکیبات واسطه

اع۱ ترکیبات شیمیایی
او رسانایی الکتریکی
ان *Intercalation compounds*

ترکیبات وانادیم

اع۱ ترکیبات فلزی دیرگداز
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۲ مواد نسوز
اع۳ مواد
اخ۱ کانی وانادیتی
او آلیاژ وانادیم
او وانادیم
ان *Vanadium compounds*

ترکیبات هافنیم

اع۱ ترکیبات فلز واسطه
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او آلیاژ هافنیم
او هافنیم
ان *Hafnium compounds*

ترکیبات هالوژنی

اع۱ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ ترکیبات برم
اخ۱ ترکیبات فلئور
اخ۲ بسپار فلئوردار
اخ۳ پلی‌تترافلوئوروواتیلن
اخ۲ فرئون
اخ۲ فلئوروکربن
اخ۲ کانی فلوریدی

اخ۲ هیدروفلئوریک اسید
اخ۱ ترکیبات کلر
اخ۲ بسپار حاوی کلر
اخ۲ سدیم کلرید
اخ۲ کانی کلریدی
اخ۲ کربن تتراکلرید
اخ۱ ترکیبات ید
اخ۱ کانی هالید
اخ۲ کانی فلوریدی
اخ۲ کانی کلریدی
اخ۱ کلروفلئورکربن
او عنصر هالوژنی
او هالوژن‌دارکردن
او هالوژن‌زدایی
ان *Halogen compounds*

ترکیبات هولمیم

اع۱ ترکیبات خاک کمیاب
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او آلیاژ هولومیم
او هولمیم
ان *Holmium compounds*

ترکیبات ید

اع۱ ترکیبات هالوژنی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
او ید
ان *Iodine compounds*

ترکیب الکترونی

ب‌ک بین‌فلزی

ترکیب جوی

او آلودگی هوا
او تغییر آب‌وهوا
او جو برون زمینی
او جو زمین
او ساختار جوی
او شیمی جو
او کربن دی‌اکسید
او کیفیت هوا
او هواشناسی
ان *Atmospheric composition*

ترکیب سیستم کنترل

اع۱ نظریه کنترل
او پاسخ بسامدی
او پاسخ پله‌ای
او تابع انتقال
او تابع توصیفی
او تحلیل حساسیت
او تغییرناپذیری
او خطی‌سازی
او روش فضای حالت
او روش فضای فاز
او سیستم کنترل
او فن اختلال
او فن خطی قطعه‌دار
او مکان ریشه
او نمودار بد
او نمودار نایکوئیست
ان *Control system synthesis*

ترکیب شبکه خطی

اع۱ سنتز شبکه الکتریکی
اع۲ نظریه مدار
اع۳ نظریه
او تجزیه شبکه خطی
او شبکه خطی
ان *Linear network synthesis*

ترکیب شیمیایی

ب‌ک ترکیب(نسبت اجزای سازنده)

ترکیب فاز

اع۱ ترکیب(نسبت اجزای سازنده)
او جداسازی فاز
او کسر حجمی
ان *Phase composition*

ترکیب گفتار

او بازشناسی گفتار
او پردازش گفتار
او تجزیه و تحلیل گفتار
او تجهیزات جانبی رایانه
او گفتار
ان *Speech synthesis*

ترکیب نوری

اع۱ چاپ
ان *Photocomposition*

ترکیدگی

اع۱ حادثه
او پیشگیر ترکیدگی
او پیشگیری ترکیدگی
او چاه گاز طبیعی
او چاه نفتی
ان *Blowout*

ترمز

اع۱ تجهیزات
اخ۱ ترمز بادی
اخ۱ ترمز برقی
اخ۱ ترمز هیدرولیکی
اخ۱ لنت ترمز
اخ۱ لوله ترمز
او ترمزگیری
او چرخ
او کلاچ
او مواد اصطکاکی
او وسایل کنترل نهایی
ان *Brake*

ترمز بادی

اع۱ تجهیزات بادی
اع۲ تجهیزات
اع۱ ترمز
اع۲ تجهیزات
او ابزار کنترل نهایی غیرالکتریکی
ان *Air brake*

ترمز برقی

اع۱ ترمز
اع۲ تجهیزات
او ابزار کنترل الکتریکی نهایی
ان *Electric brake*

ترمز خم‌کن

اع۱ ماشین خم‌کن
اع۲ ماشین شکل‌دهی فلز
اع۳ ماشین‌آلات
ان *Bending brake*

ترمزگیری

او برگشت پیشرانه
او ترمز
او کنترل
ان *Braking*

ترمز هیدرولیکی

اع۱ تجهیزات کنترل هیدرولیکی
اع۲ تجهیزات کنترل مکانیکی
اع۳ تجهیزات کنترل
اع۲ تجهیزات هیدرولیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ ترمز
اع۲ تجهیزات
او ابزار کنترل نهایی غیرالکتریکی
ان *Hydraulic brake*

ترموپیل

او ترموکوپل
او دماسنج
او گرماالکتریکی
ان *Thermopile*

ترمودینامیک

اخ۱ ترمودینامیک جو
اخ۱ چرخه اتو
اخ۱ چرخه استرلینگ
اخ۱ چرخه رانکین
اخ۱ چرخه کارنو
اخ۱ سیکل برایتون
او آنتالپی
او بخار(آب)
او سینتیک واکنش
او شیمی‌فیزیک
او فعال‌سازی شیمیایی
او فیزیک
او کاتالیز
او گاز
او گرمایش
او معادله حالت
او مکانیک آماری
او موتور بی‌دررو
او موتور(با منبع انرژی درونی)

او واکنش شیمیایی
او ویژگی ترمودینامیکی
ان *Thermodynamics*

ترمودینامیک آماری
ب‌ک مکانیک آماری

ترمودینامیک جو
اع۱ ترمودینامیک
او تابش جو
او جو برون زمینی
او جو زمین
او حرکت جوی
او دمای جوی
او هواشناسی
ان *Atmospheric thermodynamics*

ترموستا
ب‌ک دماپای

ترموکوپل
او ترموپیل
او دماسنج
او سنج‌افزار اندازه‌گیری دما
او گرماالکتریکی
ان *Thermocouple*

ترمیم
او بازسازی(سازه‌ای)
او پیشگیری
او روکش پیاده‌رو
او روکش‌سازی
او مرمت
او نگهداشت
ان *Repair*

ترنسپیوتر
اع۱ تراشه ریزپرداز
اع۲ مدار مجتمع رقمی
اع۳ مدار رقمی
اع۳ مدارمجتمع
او ریزرایانه
او سیستم پردازش موازی
ان *Transputer*

تریتیم
ی‌د ایزوتوپ هیدروژن پرتوزا با عدد جرمی ۳
اع۱ ایزوتوپ پرتوزا
اع۲ ایزوتوپ
اع۲ مواد پرتوزا
اع۳ مواد
او هیدروژن
ان *Tritium*

تریلر سبک
ب‌ج *کاراوان‌کش*
اع۱ وسیله نقلیه سبک
اع۲ وسیله نقلیه
او خانه سیار
ان *Light trailer*

تریود
اع۱ لامپ الکترونی
اع۲ دستگاه الکترونی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او لامپ گرمایونی
ان *Triode*

تزریق(باریکه)
ب‌ک تزریق باریکه ذره‌ای

تزریق(چاه نفت)
اع۱ بهره‌برداری از چاه نفت
اع۲ تولید
ان *Injection (oil well)*

تزریق آب
او احتراق
او موتور درون‌سوز
ان *Water injection*

تزریق آب به چاه
اع۱ بازیابی افزوده‌شده
اع۲ تولید
ان *Well flooding*

تزریق باریکه ذره‌ای
ب‌ج *تزریق(باریکه)*
او باریکه ذره‌ای

او شتاب‌دهنده ذره
ان *Particle beam injection*

تزریق سوخت

او دستگاه سوخت‌رسانی
او عمل کوره بلند
او غنی‌سازی فشاری اکسیژن
او موتور بار لایه‌ای
او موتور درون‌سوز
او موتور موشک
ان *Fuel injection*

تزریقگر ذره

اع۱ واکنشگاه هسته‌ای
اع۲ تسهیلات
ان *Particle injector*

تزویج مدار

ب‌ک مدار جفت‌شده

تسمه

اع۱ اجزای ماشین
اع۲ اجزا
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ تسمه سایا
اخ۱ تسمه سیمی
او محرک مکانیکی
او نقاله تسمه‌ای
ان *Belt*

تسمه‌ران

ب‌ک محرک مکانیکی

تسمه‌سازی از سیم

اع۱ فلزکاری
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
او سیم
ان *Wire flattening*

تسمه سایا

اع۱ تسمه
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
اع۳ ماشین‌آلات
او ساینده
ان *Abrasive belt*

تسمه سیمی

اع۱ تسمه
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
اع۳ ماشین‌آلات
او سیم
ان *Wire belt*

تسویه مجدد سوخت هسته‌ای

اع۱ بازیافت
او به‌کاربری پسمانده
او پسمانده پرتوزا
او حفاظت مواد هسته‌ای
او سوخت هسته‌ای
او صنعت هسته‌ای
ان *Nuclear fuel reprocessing*

تسهیلات

ی‌د یک اصطلاح خیلی عام است، ترجیحا نوع خاصی از تسهیلات سازه یا ساختمان را به کار برید.
اخ۱ آزمایشگاه
اخ۲ آزمایشگاه بالینی
اخ۲ آزمایشگاه پرتو ایکس
اخ۲ آزمایشگاه پژوهشی
اخ۲ آزمایشگاه شیمی
اخ۲ آزمایشگاه صنعتی
اخ۲ آزمایشگاه صوت‌شناسی
اخ۳ اتاق بی‌پژواک
اخ۲ آزمایشگاه مداری
اخ۲ آزمایشگاه مواد
اخ۲ آزمایشگاه نیروگاه
اخ۲ آزمایشگاه هیدرولیکی
اخ۱ آزمونگاه خودرو
اخ۱ آشپزخانه
اخ۱ اتاق تصویراندازی
اخ۱ اتاق شستشو
اخ۱ استادیوم
اخ۱ استخر شنا
اخ۱ استودیو
اخ۲ استودیوی تلویزیونی
اخ۲ استودیوی رادیویی

اخ۲	استودیوی سینمایی
اخ۲	استودیوی صوتی
اخ۱	افلاک نما
اخ۱	انبار
اخ۲	انبار متلاشی‌شدنی
اخ۱	ایستگاه انتقال زباله
اخ۱	ایستگاه توزین
اخ۱	بندرگاه تفریحی
اخ۱	بندر و لنگرگاه
اخ۱	پایانه اتوبوس
اخ۱	پایانه بندری
اخ۱	پایانه قایق ترابری
اخ۱	پایانه کامیون
اخ۱	پایانه خط‌لوله
اخ۱	پایانه نفتی
اخ۱	پایگاه نظامی
اخ۲	پایگاه دریایی
اخ۲	پایگاه موشکی
اخ۳	انبار موشک
اخ۱	پناهگاه(دفاع غیرنظامی)
اخ۱	تاسیسات آبی
اخ۲	تونل آب‌رسانی
اخ۲	سیستم آب‌رسانی
اخ۳	خط‌لوله آب
اخ۳	سیستم توزیع آب
اخ۱	تاسیسات تلمبه‌زنی
اخ۲	تاسیسات پمپاژ شناور
اخ۲	تاسیسات تلمبه‌زنی زیرزمینی
اخ۲	تاسیسات تلمبه‌زنی فاضلاب
اخ۱	تالار سخنرانی
اخ۱	تسهیلات آزمون
اخ۲	تونل باد
اخ۲	مخزن مدل کشتی
اخ۱	تسهیلات تفریحی
اخ۱	تسهیلات کنترل
اخ۱	تسهیلات مهندسی
اخ۱	تصفیه‌خانه آب
اخ۱	تفریحگاه
اخ۱	جایگاه خودرو(توقفگاه)
اخ۲	جایگاه اتوبوس
اخ۱	دفتر پست
اخ۱	رصدخانه
اخ۲	رصدخانه فضاپیما
اخ۳	رصدخانه ماهواره‌ای
اخ۱	زمین تنیس
اخ۱	زندان
اخ۱	ساختمان اپرا
اخ۱	سکوی پرش اسکی
اخ۱	صحنه
اخ۱	ضراب‌خانه
اخ۱	فاضلاب‌رو
اخ۲	آستره فاضلاب‌رو
اخ۲	تونل فاضلاب‌رو
اخ۲	فاضلاب‌روی بهداشتی
اخ۲	فاضلاب‌روی رگباری
اخ۲	فاضلاب‌روی مختلط
اخ۱	فرودگاه
اخ۲	باند پرواز فرودگاه
اخ۳	باند پرواز اضطراری
اخ۳	باند پرواز موقت
اخ۲	تجهیزات زمینی فرودگاه
اخ۳	تجهیزات سوختگیری هواگرد
اخ۲	ساختمان فرودگاهی
اخ۳	آشیانه هواپیما
اخ۳	برج مراقبت
اخ۲	فرودگاه نظامی
اخ۲	فرودگاه بالگرد
اخ۱	کارخانه و ساختمان تجهیزات راه‌آهن
اخ۲	ایستگاه راه‌آهن
اخ۳	ایستگاه مترو
اخ۲	پایانه و محوطه راه‌آهن
اخ۳	محوطه اعزام قطار
اخ۲	پل راه‌آهن
اخ۲	تقاطع راه‌آهن
اخ۲	تونل راه‌آهن
اخ۲	سیستم علائم راه‌آهن
اخ۳	سیستم علائم مترو
اخ۳	مانع‌یاب
اخ۲	مسیر راه‌آهن
اخ۳	ریل‌بند
اخ۳	سوزن راه‌آهن
اخ۱	کتابخانه
اخ۱	گلخانه
اخ۱	مبنای قمری
اخ۱	معدن
اخ۲	چاه معدن
اخ۳	آستر چاه معدن
اخ۲	معدن کروم
اخ۲	معدن آنتیموان
اخ۲	معدن آهن
اخ۲	معدن الماس
اخ۲	معدن اورانیم

اخ۲	معدن بوکسیت
اخ۲	معدن بیسموت
اخ۲	معدن پتاس
اخ۲	معدن پلاتین
اخ۲	معدن پنبه نسوز
اخ۲	معدن تالک
اخ۲	معدن تانتال
اخ۲	معدن تنگستن
اخ۲	معدن تیتانیم
اخ۲	معدن جیوه
اخ۲	معدن روباز
اخ۲	معدن روی
اخ۳	معدن مس و روی
اخ۲	معدن زغال‌سنگ
اخ۳	معدن لیگنیت
اخ۲	معدن سرب
اخ۳	معدن روی و سرب و مس
اخ۲	معدن طلا
اخ۳	معدن مس و طلا
اخ۳	معدن نقره و طلا
اخ۲	معدن فسفات
اخ۲	معدن قلع
اخ۲	معدن کبالت
اخ۲	معدن متروک
اخ۲	معدن مس
اخ۳	معدن مس و روی
اخ۳	معدن مس و طلا
اخ۲	معدن منگنز
اخ۲	معدن منیزیت
اخ۲	معدن مولیبدن
اخ۲	معدن نقره
اخ۳	معدن نقره و طلا
اخ۲	معدن نمک
اخ۲	معدن نیکل
اخ۲	معدن نیوبیم
اخ۱	موزه
اخ۱	میدان اسکیت‌بازی
اخ۱	نمایش‌سرا(قانونی)
اخ۱	نمایش‌سرای سینمایی
اخ۲	نمایش‌سرای سینمایی روباز
اخ۱	واکنشگاه هسته‌ای
اخ۲	بازتابگر واکنشگاه هسته‌ای
اخ۲	پوشش زایش
اخ۲	تزریقگر ذره
اخ۲	محفظه ایمنی
اخ۲	میله کنترل
اخ۲	واکنشگاه آزمونی
اخ۲	واکنشگاه پژوهشی
اخ۲	واکنشگاه خنک‌شده با آب
اخ۳	واکنشگاه آب تحت فشار
اخ۳	واکنشگاه آب جوشان
اخ۳	واکنشگاه آب سبک
اخ۳	واکنشگاه آب سنگین
اخ۲	واکنشگاه خنک‌شده گازی
اخ۲	واکنشگاه دمای بالا
اخ۲	واکنشگاه زاینده
اخ۲	واکنشگاه زیرآبی
اخ۲	واکنشگاه سردشده فلز مذاب
اخ۲	واکنشگاه سریع
اخ۲	واکنشگاه گرمایی فرایند
اخ۲	واکنشگاه لوله تحت فشار
اخ۲	واکنشگاه هسته‌ای آموزشی
اخ۲	واکنشگاه هسته‌ای سیار
اخ۲	واکنشگاه هسته‌ای کوچک
اخ۲	هسته واکنشگاه
اخ۱	واکنشگاه هم‌جوشی
اخ۲	ابزار توکامک
اخ۱	ورزشگاه
او	امکانات همگانی
او	ساختمان
او	سازه
او	گزینش محل
او	معدن
ان	*Facilities*

تسهیلات آزمون

اع۱	تسهیلات
اخ۱	تونل باد
اخ۱	مخزن مدل کشتی
او	اتاق بی‌پژواک
او	آزمایش
او	آزمایشگاه
او	آزمایشگاه صنعتی
ان	*Test facilities*

تسهیلات تفریحی

اع۱	تسهیلات
او	استخر شنا
او	امکانات همگانی
او	برنامه‌ریزی شهری
او	برنامه‌ریزی منطقه‌ای

او تفریحگاه
او زمین تنیس
او سکوی پرش اسکی
او منبع ذخیره‌سازی آب
او میدان اسکیت‌بازی
او ورزشگاه
ان *Recreational facilities*

تسهیلات کنترل

اع۱ تسهیلات
او سیستم کنترل
او کنترل
ان *Control facilities*

تسهیلات مهندسی

اع۱ تسهیلات
او آزمایشگاه
او مهندسی
ان *Engineering facilities*

تسهیلات ورزشی

ب‌ک ورزشگاه

تشخیص(پزشکی)

اخ۱ الکترومیوگرافی
اخ۱ اندازه‌نگاری
اخ۱ پرتونگاری تشخیصی
اخ۲ رگ‌نگاری
اخ۳ رگ‌نگاری قلب
اخ۱ پژوانگاری قلب
اخ۱ ثبت نوار مغزی
اخ۱ خطایابی به کمک رایانه
اخ۱ درون‌بینی
اخ۱ قلب‌نگاری
او پروسیجر پزشکی غیر تهاجمی
او پزشکی
او تجهیزات زیست‌پزشکی
او تصویربرداری پزشکی
او تصویربرداری تشدید مغناطیسی
او تصویرسازی صوتی
او ردیاب پرتوزا
او فراورده تشخیصی
او گرمانگاری(تصویرسازی)
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Diagnosis*

تشخیص برنامه(رایانه‌ای)

اع۱ برنامه‌نویسی رایانه
او اشکال‌زدایی برنامه(رایانه‌ای)
او کامپایلر برنامه
ان *Program diagnostics*

تشخیص کنشی

اع۱ توانبخشی بیمار
او تحلیل گام
او مهندسی توانبخشی انسانی
ان *Functional assessment*

تشخیص لیزری

اع۱ آزمایش
او آزمایش تجهیزات
او آزمایش مواد
او کاربرد لیزر
او لیزر
ان *Laser diagnostics*

تشدید

اخ۱ تشدید الکترون
اخ۲ تشدید سیکلوترونی الکترون
اخ۱ تشدید سیکلوترونی
اخ۲ تشدید سیکلوترونی الکترون
اخ۱ تشدید مدار
اخ۱ تشدید مغناطیسی
اخ۲ تشدید پارامغناطیسی
اخ۲ تشدید فرومغناطیسی
اخ۲ تشدید فری‌مغناطیسی
اخ۲ تشدید مغناطیسی هسته
او ارتعاش(مکانیکی)
او بازآواگر کاواکی
او بسامد طبیعی
او تشدیدگر
او دینامیک
او کوک
او نوسان
او همگام‌سازی
ان *Resonance*

تشدید اسپین الکترون

ب‌ک تشدید پارامغناطیسی

تشدید الکترون
اع۱ تشدید
اخ۱ تشدید سیکلوترونی الکترون
او الکترون
ان *Electron resonance*

تشدید پارامغناطیس الکترون
ب‌ک تشدید پارامغناطیسی

تشدید پارامغناطیسی
ب‌ج *تشدید اسپین الکترون*
ب‌ج *تشدید پارامغناطیس الکترون*
اع۱ تشدید مغناطیسی
اع۲ تشدید
او پارامغناطیس
او طیف‌نمایی تشدید اسپین الکترون
او طیف‌نمایی ریزموجی
او مرکز رنگ
ان *Paramagnetic resonance*

تشدید دیامغناطیسی
ب‌ک تشدید سیکلوترونی

تشدید سیکلوترونی
ب‌ج *تشدید دیامغناطیسی*
اع۱ تشدید
اخ۱ تشدید سیکلوترونی الکترون
او دیامغناطیس
او سطح فرمی
او گرمایش پلاسما
او لامپ الکترونی
او محصورسازی پلاسما
ان *Cyclotron resonance*

تشدید سیکلوترونی الکترون
اع۱ تشدید الکترون
اع۲ تشدید
اع۱ تشدید سیکلوترونی
اع۲ تشدید
او الکترون
او میدان الکترومغناطیسی
ان *Electron cyclotron resonance*

تشدید فرومغناطیسی
اع۱ تشدید مغناطیسی
اع۲ تشدید
او فرومغناطیس
ان *Ferromagnetic resonance*

تشدید فری‌مغناطیسی
اع۱ تشدید مغناطیسی
اع۲ تشدید
او فری‌مغناطیس
ان *Ferrimagnetic resonance*

تشدیدکننده(حالت جامد)
ب‌ک تقویت‌کننده تصویر(حالت جامد)

تشدیدکننده(لامپ الکترونی)
ب‌ک تقویت‌کننده تصویر(لامپ الکترونی)

تشدیدکننده لیزری
اع۱ تشدیدگر نوری
اع۲ ابزار نوری
اع۳ تجهیزات
اع۲ تشدیدگر
اع۳ تجهیزات
اع۱ لیزر
اع۲ تقویت‌کننده نور
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ چشمه نور
او کاربرد لیزر
ان *Laser resonator*

تشدیدکننده نور
ب‌ک تقویت‌کننده نور

تشدیدگر
اع۱ تجهیزات
اخ۱ بازآواگر کاواکی
اخ۲ تشدیدگر صوتی
اخ۱ تشدیدگر بلوری
اخ۱ تشدیدگر نوری
اخ۲ تشدیدکننده لیزری
او اجزای موجبر
او بسامد طبیعی
او تجهیزات رادیویی
او تشدید

او کوک
او کوک‌کن
او مدار تشدید
او نوسان
او نوسانگر(الکترونیک)
ان *Resonator*

تشدیدگر بلوری

اع۱ ابزار پیزوالکتریکی
اع۲ ابزار دی‌الکتریک
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۱ تشدیدگر
اع۲ تجهیزات
ان *Crystal resonator*

تشدیدگر صوتی

اع۱ بازآواگر کاواکی
اع۲ تشدیدگر
اع۳ تجهیزات
اع۱ تجهیزات صوتی
اع۲ تجهیزات
او صوت‌شناسی
ان *Acoustic resonator*

تشدیدگر نور

ب‌ک تشدیدگر نوری

تشدیدگر نوری

ب‌چ *تشدیدگر نور*
اع۱ ابزار نوری
اع۲ تجهیزات
اع۱ تشدیدگر
اع۲ تجهیزات
اخ۱ تشدیدکننده لیزری
او نور
ان *Optical resonator*

تشدید مدار

اع۱ تشدید
او شبکه(مدار)
او مدار تشدید
او نوسان
ان *Circuit resonance*

تشدید مغناطیسی

اع۱ تشدید
اخ۱ تشدید پارامغناطیسی
اخ۱ تشدید فرومغناطیسی
اخ۱ تشدید فری‌مغناطیسی
اخ۱ تشدید مغناطیسی هسته
او اندازه‌گیری تشدید مغناطیسی
او تصویربرداری تشدید مغناطیسی
او جذب موج الکترومغناطیسی
او طیف‌سنج تشدید مغناطیسی
او طیف‌نمایی بسامد رادیویی
او طیف‌نمایی تشدید مغناطیسی
او گشتاور مغناطیسی
او واهلش مغناطیسی
او ویژگی مغناطیسی
ان *Magnetic resonance*

تشدید مغناطیسی هسته

اع۱ تشدید مغناطیسی
اع۲ تشدید
اع۱ ویژگی هسته‌ای
او تصویربرداری تشدید مغناطیسی
او طیف‌نمایی بسامد رادیویی
او طیف‌نمایی تشدید مغناطیسی هسته
ان *Nuclear magnetic resonance*

تشعشع نوترونی

او نوترون
ان *Neutron emission*

تشکیل اتصال عرضی

اع۱ واکنش شیمیایی
او بسپارش
او پخت
ان *Crosslinking*

تشکیل حباب

اع۱ مکانیک‌سیالات
اع۲ مکانیک
او حباب(در سیال)
او شارش سیال
او مایع
ان *Bubble formation*

تشویه کانی

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
او تف‌متالورژی
ان *Ore roasting*

تصحیح خطا

او اشتباه برنامه‌نویسی
او تحلیل خطا
او جبران‌کردن خطا
او خطا
او خطای سنج‌افزار
او رمز بلوکی
او رمز تلفیقی
او رمز دوگانی
او رمز(نماد)
او سرعت خطای بیتی
او سیستم رایانه‌ای مقاوم در برابر خرابی
او نظریه اطلاعات
ان *Error correction*

تصحیح ضریب توان الکتریکی

او ضریب توان الکتریکی
ان *Electric power factor correction*

تصعید

اع۱ تبخیر
اع۲ گذار فاز
او تبخیر سطحی
او جداسازی
او چگالش
او خالص‌سازی
او فرساب
ان *Sublimation*

تصفیه آب

اخ۱ بهسازی پساب
اخ۱ تصفیه آب اوزون‌دار
اخ۱ تصفیه آب صنعتی
اخ۲ تصفیه آب مصرفی
اخ۱ تصفیه با کربن فعال‌شده
اخ۱ تصفیه زیست‌شناختی آب
اخ۱ تصفیه سیلیس فعال‌شده
اخ۱ تصفیه شیمیایی آب
اخ۱ جداسازی رنگی(تصفیه آب)
اخ۱ جداسازی شیمیایی(تصفیه آب)
اخ۲ آهن‌زدایی(تصفیه آب)
اخ۲ جداسازی ایزوتوپ پرتوزا(تصفیه آب)
اخ۲ جداسازی سولفید هیدروژن(تصفیه آب)
اخ۲ سرب‌زدایی(تصفیه آب)
اخ۲ منگنززدایی(تصفیه آب)
اخ۱ فلورید‌دارشدن
اخ۱ کنترل مزه(تصفیه آب)
اخ۱ هوادهی آب
او آب
او آب آشامیدنی
او آب‌رسانی
او انعقاد
او آهک
او اوزون‌سازی
او بازگردانی آب
او بازیافت پساب
او پالیدن آب
او تبادل یونی
او تجزیه آب
او تصفیه‌خانه آب
او دلمه‌شدگی
او شناورسازی
او ضدعفونی
او عملیات چگالش
او فسفات
او کلردارکردگی
او کنترل بو
او کنترل جلبک
او کیفیت آب
او نمک‌زدایی
او نیترات‌زدایی
ان *Water treatment*

تصفیه آب اوزون‌دار

اع۱ تصفیه آب
او اوزون
ان *Ozone water treatment*

تصفیه آب صنعتی

اع۱ تصفیهٔ آب
اخ۱ تصفیه آب مصرفی
ان *Industrial water treatment*

تصفیه آب مصرفی

اع۱ تصفیه آب صنعتی
اع۲ تصفیه آب
او دیگ بخار
او نیروگاه بخار
ان *Feedwater treatment*

تصفیه با کربن فعال‌شده
اع۱ تصفیه آب
او کربن فعال‌شده
ان *Activated carbon treatment*

تصفیه‌خانه آب
اع۱ تسهیلات
او آب‌رسانی
او تصفیه آب
ان *Water treatment plant*

تصفیه‌خانه فاضلاب
اع۱ واحد صنعتی
اخ۱ استخر تثبیت
اخ۱ حوضچه دانه‌گیری
اخ۱ لاگون فاضلاب
او تاسیسات تلمبه‌زنی فاضلاب
او تصفیه فاضلاب
او زلال‌ساز
او کنترل بو
او مخزن پلشتی
او هزینه تخلیه فاضلاب
او هزینه تصفیه فاضلاب
ان *Sewage treatment plant*

تصفیه روی
اع۱ پالایش فلز
اع۲ متالورژی
او روی
ان *Zinc refining*

تصفیه زیست‌شناختی آب
اع۱ تصفیه آب
ان *Biological water treatment*

تصفیه زیست‌شناختی فاضلاب
اع۱ تصفیه فاضلاب
اع۲ بهسازی پسمانده
او هضم بی‌هوازی
ان *Biological sewage treatment*

تصفیه سیلیس فعال‌شده
اع۱ تصفیه آب
ان *Activated silica treatment*

تصفیه شیمیایی آب
اع۱ تصفیه آب
ان *Chemical water treatment*

تصفیه فاضلاب
اع۱ بهسازی پسمانده
اخ۱ تصفیه زیست‌شناختی فاضلاب
اخ۱ فرایند لجن فعال‌شده
اخ۱ هوادهی فاضلاب
او استخر تثبیت
او آلودگی آب
او انعقاد
او بازیافت پساب
او باکتری‌شناسی فاضلاب
او پالیدن چکنده
او پسمانده پرتوزا
او تاسیسات تلمبه‌زنی فاضلاب
او تجزیه فاضلاب
او تصفیه‌خانه فاضلاب
او دفع زباله
او دفع لجن
او رسوب‌گذاری
او شناورسازی
او فاضلاب
او کلردارکردگی
او لاگون فاضلاب
او مخزن پلشتی
او مخزن فاضلاب
او نیاز زیست‌شیمیایی به اکسیژن
او نیاز شیمیایی به اکسیژن
او هزینه تصفیه فاضلاب
ان *Sewage treatment*

تصفیه کان‌سنگ آهن
اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
اخ۱ عمل کوره بلند
اخ۲ بستر مذاب(متالورژی)

اخ۲ غنی‌سازی فشاری
او آهن
او فلزکاری آهن
او کان‌سنگ آهن
ان *Iron ore treatment*

تصفیه مواد خروجی

اع۱ عمل‌آوری پسماندهٔ صنعتی
اع۲ بهسازی پسمانده
او گاز دودکش
او مواد خروجی
ان *Effluent treatment*

تصفیه و پیش‌بینی سیگنال

بج *نظریه پیش‌بینی*
اع۱ پردازش سیگنال
اخ۱ پالایش کالمن
اخ۱ صاف‌کردن تطبیقی
او سیستم کنترل مبنی بر پیش‌بینی
او فرایند تصادفی
او نظریه اطلاعات
ان *Signal filtering and prediction*

تصمیم‌گیری

او حسابداری هزینه
او سیستم فرمان و کنترل
او مدیریت
او مهندسی سیستم‌ها
ان *Decision making*

تصویربرداری پزشکی

بج *عکسبرداری بالینی*
اع۱ فن تصویرسازی
اخ۱ پرتونگاری تشخیصی
اخ۲ رگ‌نگاری
اخ۳ رگ‌نگاری قلب
او پزشکی
او تشخیص(پزشکی)
او درمان بیمار
او فن تصویرسازی
ان *Medical imaging*

تصویربرداری تشدید مغناطیسی

اع۱ فن تصویرسازی
او برش‌نگاری رایانه‌ای
او تشخیص(پزشکی)
او تشدید مغناطیسی
او تشدید مغناطیسی هسته
او طیف‌نمایی تشدید مغناطیسی هسته
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Magnetic resonance imaging*

تصویر پردازی

اع۱ پردازش سیگنال
اخ۱ بازسازی تصویر
اخ۱ پادشکستگی
اخ۱ تحلیل تصویر
اخ۱ تراکم تصویر
اخ۲ کوانتش برداری
اخ۱ تصویر پردازی رنگی
اخ۱ چندقطعه‌سازی تصویر
اخ۱ درک تصویر
اخ۱ دید رایانه‌ای
اخ۱ رمزگذاری تصویر
اخ۱ هولوگرافی تولیدشده با رایانه
او استخراج ویژگی
او آشکارسازی لبه
او الگوریتم تطبیقی
او الگوشناسی
او پرتونگاری
او پردازش سیگنال ویدئویی
او ثبت تصویر
او ذخیره تصویر رقمی
او ذخیره تصویر نوری
او سیستم ارتباط تصویری
او سیستم تصویرسازی
او فن تصویرسازی
او فناوری اطلاعات
او کاراکترشناسی نوری
او کیفیت تصویر
او نورشناسی فوریه
او واگردانی قیاسی به رقمی
ان *Image processing*

تصویر پردازی رنگی

اع۱ تصویر پردازی
اع۲ پردازش سیگنال
او رنگ(فام)
ان *Color image processing*

تصویرسازی
ب‌ک فن تصویرسازی

تصویرسازی راداری
اع۱ فن تصویرسازی
او رادار
ان *Radar imaging*

تصویرسازی صوتی
ب‌ج *عدسی صوتی*
اع۱ فن تصویرسازی
اخ۱ تصویرسازی فراصوتی
اخ۲ پژوانگاری قلب
او تشخیص(پزشکی)
او صوت‌شناسی
او عدسی
او همه‌نگاری صوتی
ان *Acoustic imaging*

تصویرسازی فراصوتی
اع۱ تصویرسازی صوتی
اع۲ فن تصویرسازی
اع۱ کاربرد فراصوتی
اع۲ کاربرد
اخ۱ پژوانگاری قلب
ان *Ultrasonic imaging*

تصویرسازی مادون قرمز
ب‌ج *عکسبرداری مادون قرمز*
اع۱ فن تصویرسازی
اخ۱ گرمانگاری(تصویرسازی)
او تابش مادون قرمز
او حس‌گر تصویر
او دوردریافتگری
او فتوگرامتری
ان *Infrared imaging*

تصویر متحرک
ب‌ج *سینماتوگرافی*
اخ۱ تصویر متحرک رنگی
اخ۱ فیلم آموزشی
او استودیوی سینمایی
او پرده تصویر متحرک
او پروژکتور نوری
او پویانمایی
او چشمه نور
او دوربین تصویر متحرک
او ضبط‌کردن
او عکاسی
او ماشین ویرایش تصویر متحرک
او نمایش‌سرای سینمایی
ان *Motion picture*

تصویر متحرک رنگی
اع۱ تصویر متحرک
او عکاسی رنگی
ان *Color motion picture*

تضعیف
اخ۱ تضعیف موج الکترومغناطیسی
او اتلاف الکتریکی
او اصطکاک درونی
او انتشار الکترومغناطیسی
او انتشار موج
او انتقال موج
او برابرساز تضعیفی
او پراکندگی
او جذب انرژی
او کاهنده الکتریکی
او موج
ان *Attenuation*

تضعیفگر موجبر
اع۱ اجزای موجبر
اع۲ اجزا
اع۲ موجبر
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ کاهنده الکتریکی
اع۲ شبکه(مدار)
ان *Waveguide attenuator*

تضعیف موج الکترومغناطیسی
اع۱ تضعیف
او پراکندگی موج الکترومغناطیسی
او جذب موج الکترومغناطیسی
او موج الکترومغناطیسی
ان *Electromagnetic wave attenuation*

تضمین کیفیت

او استاندارد
او استانداردکردن
او ساختن
او عملکرد
او قابلیت اطمینان
او کنترل کیفیت
او مدیریت
او مشخصات
او مهندسی
ان *Quality assurance*

تطابق پاگیری(الکتریکی)

او پاگیری الکتریکی
او سنجنده موج ایستاده
ان *Impedance matching (electric)*

تطابق پاگیری(صوتی)

او پاگیری صوتی
ان *Impedance matching (acoustic)*

تعادل فاز

او انحلال‌پذیری
او ریزساختار بلور
او شیمی‌فیزیک
او گذار فاز
او محلول
او نمودار فازی
ان *Phase equilibria*

تعدیل آب‌وهوا

اخ۱ بارورسازی ابر
او کنترل
او مساله هواشناسی
او هواشناسی
ان *Weather modification*

تعدیل‌کننده

اع۱ مواد
او آب سنگین
او آلیاژ بریلیم
او بریلیم
او سوخت هسته‌ای
او گرافیت
او هسته واکنشگاه
او واکنشگاه هسته‌ای
ان *Moderator*

تعلیق مغناطیسی

اع۱ اثر میدان مغناطیسی
اع۲ اثر
او میدان مغناطیسی
ان *Magnetic levitation*

تعیین درشتی

اع۱ اندازه‌گیری متغیر فضایی
اع۲ اندازه‌گیری
اخ۱ تحلیل درشتی ذره
او انبساط‌سنج
او پایداری ابعادی
او جداسازی ابعادی
او دانه‌بندی
او رده‌بند
او ریخت‌شناسی
ان *Size determination*

تعیین گوگرد

اع۱ تجزیه شیمیایی
اع۲ تجزیه و تحلیل
او تجزیه نفت
او زغال‌سنگ
او سوخت
او گاز طبیعی
او گوگردزدایی
ان *Sulfur determination*

تغذیه

ب‌ج *رژیم غذایی*
اع۱ مراقبت بهداشتی
او بهداشت
او فراورده غذایی
او مهندسی توانبخشی انسانی
او ویتامین
ان *Nutrition*

تغییر رنگ

اع۱ نقص
او افت

او رنگ‌کردن
ان *Discoloration*

تغییر آب‌وهوا
اخ۱ اثر گلخانه‌ای
اخ۱ گرم‌شدن کره‌زمین
او آب‌وهواشناسی
او آلودگی هوا
او ترکیب جوی
او دمای جوی
او کنترل
او مساله هواشناسی
او هواشناسی
ان *Climate change*

تغییر حالت
ب‌ک گذار فاز

تغییردهنده بسامد
ب‌ک واگردان بسامد

تغییرشکل
ی‌د اثر ناخواسته برای تغییر شکل به عنوان یک فرایند شکل‌دهی اصطلاح "شکل‌دهی" را به کار برید.
اخ۱ انقباض الکتریکی
اخ۱ تغییر شکل برشی
اخ۱ تغییرشکل مومسان
اخ۲ جریان مومسان
اخ۱ خزش
اخ۱ خمش(دگرشکلی)
او ابرمومسانی
او تنش پیچشی
او سایش مواد
او سفتی
او شکست(مکانیکی)
او کرنش
او کشسانی
او کمانش
او مومسانی
ان *Deformation*

تغییرشکل انفجاری
ب‌ک شکل‌دهی انفجاری

تغییر شکل برشی
اع۱ تغییرشکل
او تنش برشی
ان *Shear deformation*

تغییرشکل مومسان
اع۱ تغییرشکل
اخ۱ جریان مومسان
او چکش‌خواری
او مومسانی
ان *Plastic deformation*

تغییر شیمیایی
اع۱ پیرایش
اع۱ عملیات شیمیایی
او الکترود الکتروشیمیایی
او حس‌گر الکتروشیمیایی
ان *Chemical modification*

تغییر محل
اع۱ مکان‌یابی
او تکان
او گزینش محل
ان *Relocation*

تغییرناپذیری
اع۱ نظریه کنترل
او تحلیل سیستم کنترل
او ترکیب سیستم کنترل
ان *Invariance*

تفاضاسنج
ب‌ک شاخص تقاضای بیشینه

تف‌الکتریسیته
اع۱ ویژگی ترمودینامیکی
اع۱ ویژگی دی‌الکتریکی
اع۲ ویژگی الکتریکی
اع۳ ویژگی فیزیکی
او پیزوالکتریسیته
ان *Pyroelectricity*

تفاله نیشکر
اع۱ مواد

او پسمانده کشاورزی
او سوختن سوخت درجه پایین
او مواد خمیر کاغذ
ان *Bagasse*

تفرق الکترونی کم‌انرژی

اع۱ پراش الکترون
اع۲ پراش
او تراز انرژی الکترونی
او رویه
او ساختار سطحی
ان *Low energy electron diffraction*

تفریحگاه

اع۱ تسهیلات
او استادیوم
او استخر شنا
او برنامه‌ریزی شهری
او پارک
او تسهیلات تفریحی
او زمین تنیس
او میدان اسکیت‌بازی
ان *Recreation center*

تف‌سنج

اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری دما
اع۲ پیمانه
اع۳ سنج‌افزار
او اندازه‌گیری دما
او تف‌سنجی
او دماسنج
ان *Pyrometer*

تف‌سنجی

اع۱ اندازه‌گیری دما
اع۲ اندازه‌گیری متغیر گرمایی
اع۳ اندازه‌گیری
او تف‌سنج
او فرایند ریخته‌گری
ان *Pyrometry*

تفسیر فتوگرامتری

ب‌ک تفسیر نوری

تفسیر نوری

ب‌ج *تفسیر فتوگرامتری*
او تهیه نقشه نوری
او فتوگرامتری
ان *Photointerpretation*

تفکافت

ب‌ج *تجزیه حرارتی*
اع۱ تجزیه
اع۲ واکنش شیمیایی
اخ۱ ترک‌خوردگی(شیمیایی)
اخ۲ شکست کاتالیزوری
اخ۳ کراکینگ کاتالیستی سیال
اخ۳ کراکینگ هیدروژنی
اخ۲ کراکینگ با بخار
او افت
او تفکیک
او تقطیر پلمه‌سنگ نفتی
او تکلیس
او فروپاشی
او گازکردن زغال‌سنگ
ان *Pyrolysis*

تفکیک

اع۱ واکنش شیمیایی
او تجزیه
او تفکافت
او یونش
ان *Dissociation*

تفکیک(نوری)

ب‌ک قدرت جداکنندگی نوری

تفلون

ب‌ک پلی‌تترافلوئورواتیلن

تف‌متالورژی

اع۱ متالورژی
او آب‌متالورژی
او پالایش فلز
او تشویه کانی
او ذوب فلز
او کلوخه‌سازی
او گداز

ان *Pyrometallurgy*

تفنگ

ب‌ک تفنگ(جنگ‌افزار)

تفنگ(جنگ‌افزار)

ب‌ج *تپانچه*

ب‌ج *تفنگ*

اع۱ تجهیزات

او ساز و برگ جنگی

او سیستم کنترل آتش

ان *Gun (armament)*

تفنگ الکترونی

اع۱ اجزای لامپ الکترونی

اع۲ اجزا

اع۲ لامپ الکترونی

اع۳ دستگاه الکترونی

اع۱ دستگاه الکترواستاتیک

اع۲ تجهیزات الکتریکی

اع۳ تجهیزات

او باریکه الکترون

او لامپ پرتو کاتدی

ان *Electron gun*

تفنگ پلاسما

اع۱ ابزار پلاسما

اع۲ تجهیزات

او عدسی مغناطیسی

او کاربرد پلاسما

ان *Plasma gun*

تفنگ ریلی

اع۱ پرتاب‌کننده الکترومغناطیسی

اع۲ تجهیزات الکتریکی

اع۳ تجهیزات

ان *Rail gun*

تفنگ یونی

ب‌ک چشمه یونی

تقارن بلور

ب‌ج *رده بلوری*

ب‌ج *گروه نقطه‌ای*

اع۱ ساختار بلور

اع۲ ساختار(ترکیب)

او بلور

او بلورنگاری

ان *Crystal symmetry*

تقاطع

اع۱ جاده و خیابان

اع۲ امکانات همگانی

او تقاطع غیرهمسطح

او روگذر

او سیستم بزرگراه

ان *Intersection*

تقاطع(لوله و کابل)

ب‌ج *تقاطع کابل الکتریکی*

اع۱ سازه

او خط‌لوله

او کارخانه و ساختمان تجهیزات راه‌آهن

ان *Crossing (pipe and cable)*

تقاطع راه‌آهن

اع۱ کارخانه و ساختمان تجهیزات راه‌آهن

اع۲ تسهیلات

اع۲ راه‌آهن

او روگذر

او زیرگذر

ان *Railroad crossing*

تقاطع غیرهمسطح

ب‌ج *تقاطع غیرهمسطح بزرگراه*

اع۱ سیستم بزرگراه

اع۲ امکانات همگانی

او تقاطع

ان *Interchange*

تقاطع غیرهمسطح بزرگراه

ب‌ک تقاطع غیرهمسطح

تقاطع کابل الکتریکی

ب‌ک تقاطع(لوله و کابل)

تقریب چبیشف

اع۱ تحلیل عددی

اع۲ فن ریاضی
اع۱ نظریه تقریب
اع۲ فن ریاضی
اع۲ نظریه
ان *Chebyshev approximation*

تقریب کمترین توان‌های دوم

اع۱ تحلیل عددی
اع۲ فن ریاضی
اع۱ نظریه تقریب
اع۲ فن ریاضی
اع۲ نظریه
او برازش خم
او بهینه‌سازی
ان *Least squares approximation*

تقسیم بار الکتریکی

اع۱ مدیریت بار الکتریکی
اع۲ مدیریت
او پیش‌بینی بار الکتریکی
او کنترل متغیر الکتریکی
ان *Electric load dispatching*

تقسیم‌کننده میانی

ب‌ج *تقسیم‌کننده(بزرگراه)*
اع۱ جاده و خیابان
اع۲ امکانات همگانی
او سیستم بزرگراه
ان *Median divider*

تقسیم‌کننده(بزرگراه)

ب‌ک تقسیم‌کننده میانی

تقسیم‌کننده(بسامد)

ب‌ک مدار تقسیم بسامد

تقسیمگر پتانسیل

ب‌ک تقسیمگر ولتاژ

تقسیمگر ولتاژ

ب‌ج *تقسیمگر پتانسیل*
اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ پتانسیل‌سنج(مقاومت)
اخ۱ خودمبدل الکتریکی
او کنترل ولتاژ
او مقاومت
ان *Voltage divider*

تقطیر

اع۱ جداسازی
اع۲ عملیات شیمیایی
او تبخیر
او تجهیزات تقطیر
او تقطیر جزء به جزء
او چگالش
او خالص‌سازی
او کارخانه مشروب‌سازی
او گذار فاز
او نمک‌زدایی
ان *Distillation*

تقطیر پلمه‌سنگ نفتی

اع۱ تجزیه
اع۲ واکنش شیمیایی
اع۱ فراورش پلمه‌سنگ نفتی
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
او تفکافت
ان *Oil shale retorting*

تقطیر تخریبی زغال در دمای پایین

اع۱ تقطیر تخریبی زغال‌سنگ
اع۲ زغال‌دارشدگی
اع۳ واکنش شیمیایی
اع۱ عملیات فرودمایی
ان *Low temperature coal carbonization*

تقطیر تخریبی زغال‌سنگ

اع۱ زغال‌دارشدگی
اع۲ واکنش شیمیایی
اخ۱ تقطیر تخریبی زغال در دمای پایین
او اجاق کک‌سازی
او زغال‌سنگ
او قطران زغال‌سنگ
او کک
او کک‌سازی
ان *Coal carbonization*

تقطیر جزء به جزء

اع۱ جداسازی
اع۲ عملیات شیمیایی
او پالایش نفت
او تقطیر
او کسر حجمی
او واحد تقطیر جزء به جزء
ان *Fractionation*

تقویت

او اندازه‌گیری بهره
او تقویت‌کننده نور
او تقویت‌کننده(الکترونیکی)
او کنترل بهره
او نمودار بد
ان *Amplification*

تقویت رشته‌ای

ب‌ک مواد تقویت‌شده رشته‌ای

تقویت‌کننده تصویر(لامپ الکترونی)

ب‌ج *تشدیدکننده(لامپ الکترونی)*
اع۱ مبدل تصویر
اع۲ لامپ پرتو کاتدی
اع۳ لامپ گرمایونی
او تقویت‌کننده نور
او تکثیرکن فوتونی
او تلسکوپ
او حس‌گر تصویر
او دستگاه پرتو ایکس
او شب‌تاب
او کاتد فوتوالکتریک
او میکروسکوپ
ان *Image intensifier (electron tube)*

تقویت‌کننده ویدئو

اع۱ تجهیزات تلویزیونی
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او گیرنده رادار
ان *Video amplifier*

تقویت‌کننده(الکترونیکی)

اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ پیرو کاتدی
اخ۱ تقویت‌کننده ویدئو
اخ۱ تقویت‌کننده بافر
اخ۱ تقویت‌کننده باندپهن
اخ۱ تقویت‌کننده برشگر
اخ۱ تقویت‌کننده بسامد بسیار بالا
اخ۱ تقویت‌کننده بسامد رادیویی
اخ۱ تقویت‌کننده بسامد شنیداری
اخ۱ تقویت‌کننده بسامد میانی
اخ۱ تقویت‌کننده پارامتری
اخ۱ تقویت‌کننده پس‌خوردی
اخ۱ تقویت‌کننده تپ
اخ۱ تقویت‌کننده تزویج مستقیم
اخ۱ تقویت‌کننده تفاضلی
اخ۱ تقویت‌کننده توان
اخ۲ تقویت‌کننده مغناطیسی
اخ۳ تقویت‌کننده مغناطیسی چرخان
اخ۱ تقویت‌کننده دی‌الکتریکی
اخ۱ تقویت‌کننده دیود تونلی
اخ۱ تقویت‌کننده ریزموج
اخ۲ تقویت‌کننده دیودی
اخ۲ میزر
اخ۱ تقویت‌کننده عملیاتی
اخ۱ تقویت‌کننده فرمان‌یار
اخ۱ تقویت‌کننده لگاریتمی
اخ۱ تقویت‌کننده نوارگذر
اخ۱ تقویت‌کننده نوسان بالا
او اندازه‌گیری بهره
او تجهیزات تلفن
او تجهیزات رادیویی
او ترانسپوندر
او تقویت
او تکرارکننده مخابراتی
او شبکه فعال
او شبکه(مدار)
او کنترل بهره
او گیرنده رادیویی
او گیرنده سیگنال
او مبدل الکتریکی
او نظریه مدار
او واپیچش سیگنال
ان *Amplifier (electronic)*

تقویت‌کننده بافر

اع۱	تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۲	تجهیزات الکترونیکی
اع۳	تجهیزات
او	مدار بافر
ان	*Buffer amplifier*

تقویت‌کننده باندپهن

اع۱	تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۲	تجهیزات الکترونیکی
اع۳	تجهیزات
ان	*Broadband amplifier*

تقویت‌کننده برشگر

اع۱	تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۲	تجهیزات الکترونیکی
اع۳	تجهیزات
او	برشگر(مدار)
ان	*Chopper amplifier*

تقویت‌کننده بسامد بسیار بالا

اع۱	تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۲	تجهیزات الکترونیکی
اع۳	تجهیزات
ان	*Ultrahigh frequency amplifier*

تقویت‌کننده بسامد رادیویی

اع۱	تجهیزات رادیویی
اع۲	تجهیزات مخابراتی
اع۳	تجهیزات الکترونیکی
اع۱	تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۲	تجهیزات الکترونیکی
اع۳	تجهیزات
ان	*Radio frequency amplifier*

تقویت‌کننده بسامد شنیداری

اع۱	تجهیزات شنیداری
اع۲	تجهیزات الکترونیکی
اع۳	تجهیزات
اع۱	تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۲	تجهیزات الکترونیکی
اع۳	تجهیزات
او	آوانگار
ان	*Audio frequency amplifier*

تقویت‌کننده بسامد میانی

اع۱	تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۲	تجهیزات الکترونیکی
اع۳	تجهیزات
ان	*Intermediate frequency amplifier*

تقویت‌کننده پارامتری

اع۱	ابزار پارامتری
اع۲	تجهیزات الکترونیکی
اع۳	تجهیزات
اع۱	تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۲	تجهیزات الکترونیکی
اع۳	تجهیزات
او	شبکه متغیر با زمان
او	واراکتور
ان	*Parametric amplifier*

تقویت‌کننده پس‌خوردی

اع۱	تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۲	تجهیزات الکترونیکی
اع۳	تجهیزات
او	پس‌خورد
ان	*Feedback amplifier*

تقویت‌کننده تپ

اع۱	تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۲	تجهیزات الکترونیکی
اع۳	تجهیزات
اع۱	مدار تپ
اع۲	شبکه(مدار)
ان	*Pulse amplifier*

تقویت‌کننده تزویج مستقیم

اع۱	تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۲	تجهیزات الکترونیکی
اع۳	تجهیزات
ان	*Direct coupled amplifier*

تقویت‌کننده تصویر(حالت جامد)

ب‌ج	*تشدیدکننده(حالت جامد)*
اع۱	ابزار دیدالکترونیک
اع۲	تجهیزات الکترونیکی
اع۳	تجهیزات
او	تقویت‌کننده نور

او تکثیرکن فوتونی
او تلسکوپ
او حس‌گر تصویر
او میکروسکوپ
ان *Image intensifier (solid state)*

تقویت‌کننده تفاضلی

اع۱ تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
ان *Differential amplifier*

تقویت‌کننده توان

اع۱ تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ تقویت‌کننده مغناطیسی
اخ۲ تقویت‌کننده مغناطیسی چرخان
او الکترونیک قدرت
ان *Power amplifier*

تقویت‌کننده دی‌الکتریکی

اع۱ ابزار دی‌الکتریک
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او دستگاه فروالکتریکی
ان *Dielectric amplifier*

تقویت‌کننده دیود تونلی

اع۱ تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او دیود تونلی
ان *Tunnel diode amplifier*

تقویت‌کننده دیودی

اع۱ تقویت‌کننده ریزموج
اع۲ ابزار ریزموج
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۳ تجهیزات الکترونیکی

او دیود
ان *Diode amplifier*

تقویت‌کننده ریزموج

اع۱ ابزار ریزموج
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ تقویت‌کننده دیودی
اخ۱ میزر
او ارتعاش‌سنج دیاپازونی
او مدار ریزموج
ان *Microwave amplifier*

تقویت‌کننده سیالی

اع۱ تجهیزات کنترل هیدرولیکی
اع۲ تجهیزات کنترل مکانیکی
اع۳ تجهیزات کنترل
اع۲ تجهیزات هیدرولیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ دستگاه سیالی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ تقویت‌کننده هیدرولیکی
او ابزار کنترل نهایی غیرالکتریکی
ان *Fluidic amplifier*

تقویت‌کننده عملیاتی

اع۱ تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
ان *Operational amplifier*

تقویت‌کننده فرمان‌یار

اع۱ تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ مکانیسم فرمان‌یار
اع۲ تجهیزات کنترل
اع۳ تجهیزات
ان *Servo amplifier*

تقویت‌کننده لگاریتمی

اع۱ تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
ان *Logarithmic amplifier*

تقویت‌کننده مغناطیسی

اع۱ ابزار مغناطیسی
اع۲ تجهیزات
اع۱ تقویت‌کننده توان
اع۲ تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اخ۱ تقویت‌کننده مغناطیسی چرخان
او واکنشگاه هسته‌ای اشباع‌پذیر
ان *Magnetic amplifier*

تقویت‌کننده مغناطیسی چرخان

ب‌ج *آمپلی‌دین*
اع۱ تقویت‌کننده مغناطیسی
اع۲ ابزار مغناطیسی
اع۳ تجهیزات
اع۲ تقویت‌کننده توان
اع۳ تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۱ ماشین‌آلات چرخان
اع۲ ماشین‌آلات
ان *Rotating magnetic amplifier*

تقویت‌کننده نوارگذر

اع۱ تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او پالایه نوارگذر
ان *Bandpass amplifier*

تقویت‌کننده نور

ب‌ج *تشدیدکننده نور*
ب‌ج *تقویت‌کننده نوری*
اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ لیزر
اخ۲ تشدیدکننده لیزری
اخ۲ لیزر اکسیمر
اخ۲ لیزر الکترون آزاد
اخ۲ لیزر انرژی بالا
اخ۲ لیزر با امواج پیوسته
اخ۲ لیزر با سوئیچ Q
اخ۲ لیزر پرتو ایکس
اخ۲ لیزر پرقدرت
اخ۲ لیزر پس‌خورد گسترده
اخ۲ لیزر حالت جامدی
اخ۳ لیزر نئودیمیم‌دار
اخ۳ لیزر تاری
اخ۲ لیزر حلقوی
اخ۲ لیزر رنگینه‌ای
اخ۲ لیزر شیمیایی
اخ۲ لیزر گازی
اخ۳ لیزر دینامیک گازی
اخ۳ لیزر کربن دی‌اکسید
اخ۳ لیزر هلیم‌نئون
اخ۲ لیزر مایع
او تقویت
او تقویت‌کننده تصویر(حالت جامد)
او تقویت‌کننده تصویر(لامپ الکترونی)
او تکرارکننده مخابراتی
ان *Light amplifier*

تقویت‌کننده نوری

ب‌ک تقویت‌کننده نور

تقویت‌کننده نوسان بالا

اع۱ تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
ان *High frequency amplifier*

تقویت‌کننده هیدرولیکی

اع۱ تقویت‌کننده سیالی
اع۲ تجهیزات کنترل هیدرولیکی
اع۳ تجهیزات کنترل مکانیکی
اع۳ تجهیزات هیدرولیکی
اع۲ دستگاه سیالی
اع۳ تجهیزات
ان *Hydraulic amplifier*

تکان

اخ۱ تکان ساختمان
او تغییر محل
ان *Moving*

تکان ساختمان

اع۱ تکان
او ساخت
او ساختمان
ان *Building moving*

تک‌بلور

اع۱ بلور
اع۲ مواد
اخ۱ تاره بلور
او الماس
او ریزساختار بلور
ان *Single crystal*

تکپار

اع۱ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ استیرن
اخ۱ تکپار آکریلی
او بسپار
او بسپارش
او بوتادی‌ان
ان *Monomer*

تکپار آکریلی

اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ تکپار
اع۲ ترکیبات شیمیایی
او آکریلیک
ان *Acrylic monomer*

تکثیر الکترواستاتیک

اع۱ کپی‌برداری نوری
اع۲ کپی‌برداری
اخ۱ خشک‌نگاری
او الکترواستاتیک
ان *Electrostatic reproduction*

تکثیرکن الکترون

اع۱ لامپ الکترونی
اع۲ دستگاه الکترونی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اخ۱ تکثیرکن فوتونی
ان *Electron multiplier*

تکثیرکن فوتونی

ب‌ج *لامپ نوری ضربگر*
اع۱ تکثیرکن الکترون
اع۲ لامپ الکترونی
اع۳ دستگاه الکترونی
اع۱ فوتولوله
اع۲ ابزار فتوالکتریکی
اع۳ ابزار دیدالکترونیک
اع۲ لامپ کاتد سرد
اع۳ لامپ الکترونی
او پیل فتوالکتریک
او تقویت‌کننده تصویر(حالت جامد)
او تقویت‌کننده تصویر(لامپ الکترونی)
او شمارگر سوسوزن
او کاتد فوتوالکتریک
ان *Photomultiplier*

تکدمای جذب سطحی

اع۱ هم‌دما
او جذب سطحی
ان *Adsorption isotherm*

تکرارکننده

ب‌ک تکرارکننده مخابراتی

تکرارکننده مخابراتی

ب‌ج *تکرارکننده*
ب‌ج *رله(تکرارگر)*
اع۱ تجهیزات مخابراتی
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او تجهیزات تلفن
او تجهیزات تلگراف
او تقویت‌کننده نور
او تقویت‌کننده(الکترونیکی)
او فرستنده
او گیرنده سیگنال
ان *Telecommunication repeater*

تک‌ریلی

اع۱ گذر ریلی سبک
اع۲ راه‌آهن
او برنامه‌ریزی شهری
او ترابری با راه‌آهن
او جابه‌جایی مواد

او راه‌آهن،برقی
او ناقل تک‌ریلی
او واگن تک‌ریلی
ان *Monorail*

تکسچرایزینگ

اع۱ تکمیل نساجی
اع۲ تکمیل
اع۳ فراورش
اع۲ فرایند نساجی
اع۳ فراورش
ان *Texturing*

تک‌فام‌ساز

بج *تک‌فام‌ساز نوری*
بج *منبع نور تک‌رنگ*
اع۱ طیف‌نگار
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
او چشمه نور
ان *Monochromator*

تک‌فام‌ساز نوری
ب‌ک تک‌فام‌ساز

تک‌لایه‌ای

بج *فیلم تک‌مولکولی*
بج *لایه تک‌مولکولی*
او فیلم لانگمویر بلاگت
او لایه نیم‌رسانا
ان *Monolayer*

تکلیس

اع۱ عملیات شیمیایی
او تفکافت
ان *Calcination*

تکمیل

اع۱ فراورش
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
اخ۱ آبکاری در استوانه گردان
اخ۱ آرایه‌گری
اخ۱ آهارزنی(عمل تکمیل)
اخ۱ پرداخت
اخ۲ پرداخت شیمیایی
اخ۳ پرداخت برق‌کافتی
اخ۲ صیقل‌کاری
اخ۱ پرداخت ارتعاشی
اخ۱ پرداخت فلز
اخ۲ تکمیل فشاری
اخ۲ تمیزکاری فلز
اخ۳ تمیزکاری شعله‌ای
اخ۳ تمیزکاری فشاری
اخ۲ صیقل‌کاری
اخ۱ پرداخت‌کاری
اخ۱ پلیسه‌گیری
اخ۱ تکمیل شیمیایی
اخ۲ بهسازی شیمیایی مصنوع نساجی
اخ۲ پرداخت شیمیایی
اخ۳ پرداخت برق‌کافتی
اخ۱ تکمیل نساجی
اخ۲ اتوزنی مصنوع نساجی
اخ۲ بهسازی شیمیایی مصنوع نساجی
اخ۲ تکسچرایزینگ
اخ۲ چاپ مصنوع نساجی
اخ۲ شستشوی مصنوع نساجی
اخ۲ ضدآب‌رفتگی‌کردن(مصنوع نساجی)
اخ۲ مرسریزه‌کردن
اخ۱ جلاکاری
اخ۱ درزبندی(تکمیل)
اخ۱ رنگ‌کردن
اخ۲ رنگرزی
اخ۱ ساچمه‌زنی
اخ۱ سنگ‌کاری پرداخت
اخ۱ غلتک‌زنی
او پوسته‌زدایی
او تمیزکاری
او تمیزکاری سطحی
او شکل‌دهی
او عملیات سطحی
او فن اندایش
او ماشین‌ابزار
ان *Finishing*

تکمیل چاه

اخ۱ تکمیل چاه گاز طبیعی
اخ۱ تکمیل چاه نفت
اخ۲ سیمان‌کاری چاه نفت
اخ۱ مشبک‌کاری چاه

او چاه
او حفاری چاه
او سیمان‌کاری چاه
او ماسه‌سختی
ان *Well completion*

تکمیل چاه گاز طبیعی

اع۱ تکمیل چاه
او چاه گاز طبیعی
ان *Natural gas well completion*

تکمیل چاه نفت

اع۱ تکمیل چاه
اخ۱ سیمان‌کاری چاه نفت
او چاه نفتی
ان *Oil well completion*

تکمیل شیمیایی

اع۱ تکمیل
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
اخ۱ بهسازی شیمیایی مصنوع نساجی
اخ۱ پرداخت شیمیایی
اخ۲ پرداخت برق‌کافتی
او تمیزکاری شیمیایی
او حکاکی(با اسید)
ان *Chemical finishing*

تکمیل فشاری

اع۱ پرداخت فلز
اع۲ تکمیل
اع۳ فراورش
او تمیزکاری فشاری
ان *Blast finishing*

تکمیل نساجی

ب‌ج *والک‌کردن(نساجی)*
اع۱ تکمیل
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
اع۱ فرایند نساجی
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
اخ۱ اتوزنی مصنوع نساجی
اخ۱ بهسازی شیمیایی مصنوع نساجی
اخ۱ تکسچرایزینگ
اخ۱ چاپ مصنوع نساجی
اخ۱ شستشوی مصنوع نساجی
اخ۱ ضدآب‌رفتگی‌کردن(مصنوع نساجی)
اخ۱ مرسریزه‌کردن
او آهارزنی(عمل تکمیل)
او رنگبری
او ضدآب‌کردن
او مصنوع نساجی
ان *Textile finishing*

تکنسیم

اع۱ فلز غیرآهنی
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اع۱ فلز واسطه
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او ترکیبات تکنسیم
ان *Technetium*

تک‌یاخته

ب‌ج *آغازی*
اع۱ میکروارگانیسم
ان *Protozoa*

تکیه‌گاه

ب‌ج *پایه*
اع۱ اجزا
اخ۱ پشتیبانی خط الکتریکی
اخ۲ برج الکتریکی
اخ۱ تکیه‌گاه زمینی
اخ۱ تکیه‌گاه سطح جاده
اخ۱ دیرک
اخ۱ نگهدارنده سقف معدن
او بوش
او پایه پل
او تکیه‌گاه پل
او تکیه‌گاه(سازه‌ای)
او ستون(سازه‌ای)
او عضو فشاری
او فولادگذاری
او قالب سازه‌ای
او محور

ان *Support*

تکیه‌گاه(سازه‌ای)

اع۱ عضو سازه‌ای
اع۲ اجزا
اع۲ سازه
اخ۱ تکیه‌گاه پل
او بوش
او تکیه‌گاه
ان *Bearing (structural)*

تکیه‌گاه پل

اع۱ اجزای پل
اع۲ اجزا
اع۲ پل
اع۳ سازه
اع۱ تکیه‌گاه(سازه‌ای)
اع۲ عضو سازه‌ای
اع۳ اجزا
اع۳ سازه
او تکیه‌گاه
ان *Bridge bearing*

تکیه‌گاه زمینی

اع۱ تکیه‌گاه
اع۲ اجزا
اع۱ تونل
اع۲ سازه
ان *Ground support*

تکیه‌گاه زیر کشتی

اع۱ تجهیزات
او تجهیز(آب‌پیما)
او حوض خشک
او کارخانه کشتی‌سازی
او کشتی‌سازی
ان *Shipway*

تکیه‌گاه سطح جاده

اع۱ تکیه‌گاه
اع۲ اجزا
او معدن
او معدن‌کاری
ان *Roadway support*

تلاطم

اع۱ دینامیک سیالات
اع۲ دینامیک
اع۳ مکانیک
اع۲ مکانیک‌سیالات
اع۳ مکانیک
اخ۱ تلاطم پلاسما
اخ۱ تلاطم جوی
او آمیختگی
او آیرودینامیک
او باد
او پخشیدگی
او پسار
او توفان
او جریان در لوله
او جریان دوفاز
او جریان دیواره‌ای
او جریان گذار
او جریان متلاطم
او جریان ناپایا
او خلاءزایی
او دیوباد
او رد
او شارش سیال
او شارش گردابی
ان *Turbulence*

تلاطم پلاسما

اع۱ تلاطم
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
اع۳ مکانیک‌سیالات
او پلاسما
او جریان پلاسما
ان *Plasma turbulence*

تلاطم جوی

اع۱ تلاطم
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
اع۳ مکانیک‌سیالات
اع۱ حرکت جوی
او آیرودینامیک
او هواشناسی
ان *Atmospheric turbulence*

تلسکوپ

اع۱	سنج‌افزار
اع۲	تجهیزات
اخ۱	تلسکوپ رادیویی
اخ۱	تلسکوپ نوری
اخ۱	تلسکوپ هوابرد
او	اخترشناسی
او	آنتن
او	آینه
او	تقویت‌کننده تصویر(حالت جامد)
او	تقویت‌کننده تصویر(لامپ الکترونی)
او	رصدخانه
او	عدسی
ان	*Telescope*

تلسکوپ رادیویی

اع۱	تجهیزات رادیویی
اع۲	تجهیزات مخابراتی
اع۳	تجهیزات الکترونیکی
اع۱	تلسکوپ
اع۲	سنج‌افزار
اع۳	تجهیزات
او	اخترشناسی رادیویی
او	آرایه آنتن
او	آنتن
او	رادیو
ان	*Radio telescope*

تلسکوپ نوری

اع۱	تلسکوپ
اع۲	سنج‌افزار
اع۳	تجهیزات
اع۱	سنج‌افزار نوری
اع۲	سنج‌افزار
اع۳	تجهیزات
ان	*Optical telescope*

تلسکوپ هوابرد

اع۱	تلسکوپ
اع۲	سنج‌افزار
اع۳	تجهیزات
او	رصدخانه ماهواره‌ای
او	ماهواره نجومی
او	نورشناسی فضایی
ان	*Airborne telescope*

تلفات مغناطیسی

ب‌ک	نشت مغناطیسی

تلفن

اع۱	مخابرات
اع۲	ارتباط
اخ۱	برخوانی فراهمایی
اخ۱	تلفن حاملی
اخ۱	تلفن رادیویی
اخ۲	تلفن رادیویی همتافت
او	تجهیزات تلفن
او	تجهیزات سودهی تلفن
او	تحلیل شدآمد تلفنی
او	تداخل تلفنی
او	خدمات اطلاعاتی آب‌وهوا
او	خط تلفن
او	خودکارسازی اداره
او	دستگاه تلفن
او	دورسخنی
او	سیستم پیام‌گیر تلفن
او	سیستم تلفن
او	سیستم تلفن دگمه‌ای
او	سیستم شماره‌گذاری تلفن
او	سیستم شماره‌گیری تلفن
او	سیستم صحبت متقابل
او	ضبط‌کردن شدآمد تلفن
او	فرونشانی پژواک
او	کنترل مخابراتی
او	مدار تلفن
او	مرکز تلفن
او	واپیچش سیگنال
ان	*Telephone*

تلفن بی‌سیم

اع۱	دستگاه تلفن
اع۲	تجهیزات مخابراتی
اع۳	تجهیزات الکترونیکی
او	تلفن رادیویی
ان	*Cordless Telephone*

تلفن حاملی

اع۱	ارتباط حاملی
اع۲	مخابرات
اع۳	ارتباط
اع۱	تلفن

اع۲ مخابرات
اع۳ ارتباط
او ارسال حامل روی خط انتقال نیرو
او خط تلفن
ان *Carrier telephone*

تلفن رادیویی

اع۱ تلفن
اع۲ مخابرات
اع۳ ارتباط
اخ۱ تلفن رادیویی همتافت
او ارتباط رادیویی
او تجهیزات تلفن
او تجهیزات رادیویی
او تلفن بی‌سیم
او خط ارتباط رادیویی
او رادیو
او سنجافزار هواگرد
او سیستم پی‌جویی
او سیستم رادیویی یاخته‌ای
او سیستم مخابراتی سیار
او فرستنده رادیویی
او گیرنده رادیویی
او نوفه سیگنال مزاحم
او هم‌شنوی
ان *Radio telephone*

تلفن رادیویی همتافت

اع۱ تلفن رادیویی
اع۲ تلفن
اع۳ مخابرات
او ارسال رادیویی همتافت
او همتافتگری
ان *Multiplex radio telephone*

تلفن سکه‌ای

ی‌د شامل تلفن‌هایی که با کارت اعتباری کار می‌کنند
اع۱ تجهیزات عملگر سکه‌ای
اع۲ تجهیزات
اع۱ دستگاه تلفن
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
ان *Coin operated telephone*

تلگراف

اع۱ مخابرات
اع۲ ارتباط
اخ۱ تلگراف حاملی
اخ۱ تلگراف رادیویی
او انتقال دیپلکس
او ایستگاه تلگراف
او تجهیزات تلگراف
او تداخل تلگرافی
او خودکارسازی اداره
او رمز تلگراف
او سیستم ارتباط داده‌ای
او سیستم تلگراف
او کنترل مخابراتی
او مدار تلگراف
ان *Telegraph*

تلگراف حاملی

اع۱ ارتباط حاملی
اع۲ مخابرات
اع۳ ارتباط
اع۱ تلگراف
اع۲ مخابرات
اع۳ ارتباط
او ارسال حامل روی خط انتقال نیرو
ان *Carrier telegraph*

تلگراف رادیویی

اع۱ تلگراف
اع۲ مخابرات
اع۳ ارتباط
او ارتباط رادیویی
او ایستگاه رادیویی
او تجهیزات تلگراف
او تجهیزات رادیویی
او خط ارتباط رادیویی
او رادیو
او سیستم تلگراف
او فرستنده رادیویی
او گیرنده رادیویی
ان *Radio telegraph*

تلمبه

ب‌ج پمپ
اع۱ تجهیزات
اخ۱ آستره تلمبه

اخ۱ تلمبه آب مصرفی
اخ۱ تلمبه الکترومغناطیسی
اخ۱ تلمبه پیچی
اخ۱ تلمبه جهشی
اخ۲ افشانک(تلمبه)
اخ۱ تلمبه چاه
اخ۲ تلمبه چاه نفت
اخ۲ تلمبه چاه آب
اخ۱ تلمبه چاهکی
اخ۱ تلمبه چرخشی
اخ۲ تلمبه پره‌دار
اخ۲ تلمبه توربینی
اخ۲ تلمبه چرخ‌دنده‌ای
اخ۲ تلمبه مرکزگریز
اخ۱ تلمبه خلاء
اخ۱ تلمبه رفت و برگشتی
اخ۱ تلمبه سوخت
اخ۱ تلمبه شناور
اخ۱ تلمبه فاضلاب
اخ۱ تلمبه گل حفاری
او آب‌بندی
او پیستون
او تاسیسات تلمبه‌زنی
او تراکم‌ساز،هوا
او سیستم تلمبه گرما
او ماشین‌آلات توربو
او ماشین‌آلات یخچال‌دار
او میان‌پرده
او نیروگاه ذخیره تلمبه‌ای
ان *Pump*

تلمبه چاه نفت

اع۱ تجهیزات میدان نفتی
اع۲ تجهیزات
اع۱ تلمبه چاه
اع۲ تلمبه
اع۳ تجهیزات
او تلمبه‌کردن چاه نفت
ان *Oil well pump*

تلمبه آب مصرفی

اع۱ تلمبه
اع۲ تجهیزات
او دیگ بخار
او نیروگاه
ان *Feedwater pump*

تلمبه الکترومغناطیسی

اع۱ ابزار مغناطیسی
اع۲ تجهیزات
اع۱ تلمبه
اع۲ تجهیزات
ان *Electromagnetic pump*

تلمبه پره‌دار

اع۱ تلمبه چرخشی
اع۲ تلمبه
اع۳ تجهیزات
او تلمبه چرخ‌دنده‌ای
او تلمبه مرکزگریز
ان *Vane pump*

تلمبه پیچی

اع۱ تلمبه
اع۲ تجهیزات
ان *Screw pump*

تلمبه پیستونی

ب‌ک تلمبه رفت و برگشتی

تلمبه توربینی

اع۱ تلمبه چرخشی
اع۲ تلمبه
اع۳ تجهیزات
اع۱ ماشین‌آلات توربو
اع۲ ماشین‌آلات
او تلمبه مرکزگریز
او توربین
ان *Turbine pump*

تلمبه جهشی

اع۱ تلمبه
اع۲ تجهیزات
اخ۱ افشانک(تلمبه)
او جت
ان *Jet pump*

تلمبه چاه

ب‌ج *تلمبه چاه عمیق*

اع۱ تلمبه
اع۲ تجهیزات
اخ۱ تلمبه چاه نفت
اخ۱ تلمبه چاه آب
او تلمبه شناور
او چاه
ان *Well pump*

تلمبه چاه آب
اع۱ تلمبه چاه
اع۲ تلمبه
اع۳ تجهیزات
او تلمبه شناور
او چاه آب
ان *Water well pump*

تلمبه چاه عمیق
ب‌ک تلمبه چاه

تلمبه چاهکی
اع۱ تلمبه
اع۲ تجهیزات
او تلمبه شناور
ان *Sump pump*

تلمبه چرخ‌دنده‌ای
اع۱ تلمبه چرخشی
اع۲ تلمبه
اع۳ تجهیزات
او تلمبه پره‌دار
او تلمبه رفت و برگشتی
او تلمبه مرکزگریز
ان *Gear pump*

تلمبه چرخشی
اع۱ تلمبه
اع۲ تجهیزات
اخ۱ تلمبه پره‌دار
اخ۱ تلمبه توربینی
اخ۱ تلمبه چرخ‌دنده‌ای
اخ۱ تلمبه مرکزگریز
ان *Rotary pump*

تلمبه خلاء
اع۱ تلمبه
اع۲ تجهیزات
او افشانک(تلمبه)
او تراکم‌ساز هوا
او تلمبه رفت و برگشتی
او فناوری خلاء
او کاربرد خلاء
ان *Vacuum pump*

تلمبه رفت و برگشتی
ب‌ج *تلمبه پیستونی*
اع۱ تلمبه
اع۲ تجهیزات
او تلمبه چرخ‌دنده‌ای
او تلمبه خلاء
ان *Reciprocating pump*

تلمبه‌زنی برقی چاه نفت
اع۱ تلمبه‌کردن چاه نفت
اع۲ بهره‌برداری از چاه نفت
اع۳ تولید
ان *Electric oil well pumping*

تلمبه سوخت
اع۱ تلمبه
اع۲ تجهیزات
او دستگاه سوخت‌رسانی
او کوره
او موتور درون‌سوز
او موتور(با منبع انرژی درونی)
ان *Fuel pump*

تلمبه شناور
اع۱ تلمبه
اع۲ تجهیزات
او تلمبه چاه
او تلمبه چاه آب
او تلمبه چاهکی
او موتور شناور
ان *Submersible pump*

تلمبه فاضلاب
اع۱ تلمبه
اع۲ تجهیزات

او تاسیسات تلمبه‌زنی فاضلاب
ان *Sewage pump*

تلمبه‌کردن چاه نفت

اع۱ بهره‌برداری از چاه نفت
اع۲ تولید
اخ۱ تلمبه‌زنی برقی چاه نفت
او تلمبه چاه نفت
او چاه نفتی
ان *Oil well pumping*

تلمبه گل حفاری

اع۱ تجهیزات حفاری چاه نفت
اع۲ تجهیزات حفاری
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات میدان نفتی
اع۳ تجهیزات
اع۱ تلمبه
اع۲ تجهیزات
او حفاری چاه نفت
ان *Mud pump*

تلمبه مرکزگریز

اع۱ تلمبه چرخشی
اع۲ تلمبه
اع۳ تجهیزات
او تلمبه پره‌دار
او تلمبه توربینی
او تلمبه چرخ‌دنده‌ای
ان *Centrifugal pump*

تلوریم

اع۱ شبه فلز
اع۲ نافلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اخ۱ تلوریم نیم‌رسانا
او ترکیبات تلوریم
او ذخیره تلوریم
ان *Tellurium*

تلوریم نیم‌رسانا

اع۱ تلوریم
اع۲ شبه فلز
اع۳ نافلز
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
ان *Semiconducting tellurium*

تلویزیون

اع۱ مخابرات
اع۲ ارتباط
اخ۱ تلویزیون اشتراک‌دار
اخ۱ تلویزیون دقت‌بالا
اخ۱ تلویزیون رنگی
اخ۱ تلویزیون مادون قرمز
او ارتباط دیداری
او استاندارد تلویزیون
او استودیوی تلویزیونی
او ایستگاه تلویزیونی
او پخش تلویزیونی
او تجهیزات تلویزیونی
او تداخل تلویزیونی
او تراگسیل تلویزیونی
او دوربین ویدئو
او سیستم تلویزیون کابلی
او سیستم تلویزیون مداربسته
او سیستم تلویزیونی
او شبکه تلویزیونی
او شبکه(مدار)
او ضبط‌کردن ویدئویی
او فرستنده تلویزیونی
او کاربرد تلویزیون
او کنترل مخابراتی
او کیفیت تصویر تلویزیون
او کیفیت دریافت
او گیرنده تلویزیونی
ان *Television*

تلویزیون اشتراک‌دار

بج *خدمات تلویزیونی ماهواره‌ای*
اع۱ تلویزیون
اع۲ مخابرات
اع۳ ارتباط
او سیستم تلویزیون کابلی
ان *Subscription television*

تلویزیون با صفحه تصویر بزرگ

اع۱ گیرنده تلویزیونی
اع۲ تجهیزات تلویزیونی

اع۳ تجهیزات مخابراتی
اع۲ گیرنده سیگنال
اع۳ تجهیزات مخابراتی
ان *Large screen projection television*

تلویزیون دقت‌بالا

اع۱ تلویزیون
اع۲ مخابرات
اع۳ ارتباط
او استاندارد تلویزیون
او پخش تلویزیونی
او تجهیزات تلویزیونی
او سیستم تلویزیونی
ان *High definition television*

تلویزیون رنگی

اع۱ تلویزیون
اع۲ مخابرات
اع۳ ارتباط
او پخش تلویزیونی
او رنگ(فام)
او فرستنده تلویزیون رنگی
او گیرنده تلویزیون رنگی
ان *Color television*

تلویزیون مادون قرمز

اع۱ تلویزیون
اع۲ مخابرات
اع۳ ارتباط
او ابزار مادون قرمز
او تابش مادون قرمز
ان *Infrared television*

تله رسوبی

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او رسوب‌گذاری
ان *Sediment trap*

تماس(مکانیک سیالات)

اع۱ سطح مشترک(مواد)
او مکانیک‌سیالات
ان *Contact (fluid mechanics)*

تماسگر الکتریکی

اع۱ رله الکتریکی
اع۲ سوده الکتریکی
اع۳ سوده
ان *Electric contactor*

تماس نقطه‌ای

اع۱ اتصال الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
او تاره بلور
ان *Point contact*

تمام‌نگار

او تمام‌نگاری
او ذخیره تصویر نوری
او سه‌بعدی
ان *Holograms*

تمام‌نگاری

اع۱ فن تصویرسازی
اخ۱ تداخل‌سنج هولوگرافیک
اخ۱ تمام‌نگاری ریزموجی
اخ۱ همه‌نگاری صوتی
اخ۱ هولوگرافی تولیدشده با رایانه
او پراش
او تمام‌نگار
او تهیه نقشه نوری
او داده‌پردازی نوری
او ذخیره تصویر نوری
او عکاسی
او عنصر نوری تمام‌نگاری
او لیزر
او نورشناسی
او همبستگی نوری
ان *Holography*

تمام‌نگاری ریزموجی

اع۱ تمام‌نگاری
اع۲ فن تصویرسازی
او ریزموج
ان *Microwave holography*

تمرکزساز خط جریان

ی‌د تجهیزات سودهی تلگراف یا تلفن
اع۱ تجهیزات همتافتگری
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ سیستم سودهی
او تجهیزات تلگراف
او تجهیزات سودهی تلفن
او خط تلفن
ان *Line concentrator*

تمیزکاری

اخ۱ آلودگی‌زدایی
اخ۱ برداشتن برف و یخ
اخ۱ پاکسازی
اخ۱ پاکسازی خیابان
اخ۱ تمیزکاری سطحی
اخ۲ تمیزکاری فراصوتی
اخ۲ تمیزکاری فلز
اخ۳ تمیزکاری شعله‌ای
اخ۳ تمیزکاری فشاری
اخ۱ تمیزکاری شیمیایی
اخ۲ اسیدشویی
اخ۲ تمیزکاری برق‌کافتی
اخ۱ خشک‌شویی
اخ۱ سترون‌سازی(تمیزکاری)
اخ۱ شستشو
اخ۲ سفیدشویی
اخ۱ شستشوی مصنوع نساجی
اخ۱ ضدعفونی
او آماده‌سازی زغال‌سنگ
او بهداشت محیطی
او بیرون‌رانی دود
او پوسته‌پوسته‌شدگی
او پوسته‌زدایی
او تکمیل
او جاروبرقی
او خالص‌سازی
او شوینده
او عملیات سطحی
او گندزدا
او ماشین لباسشویی
او نگهداشت
ان *Cleaning*

تمیزکاری برق‌کافتی

اع۱ تمیزکاری شیمیایی
اع۲ تمیزکاری
او الکتروشیمی
او برق‌کافت
ان *Electrolytic cleaning*

تمیزکاری زغال

ب‌ک آماده‌سازی زغال‌سنگ

تمیزکاری سطحی

اع۱ تمیزکاری
اخ۱ تمیزکاری فراصوتی
اخ۱ تمیزکاری فلز
اخ۲ تمیزکاری شعله‌ای
اخ۲ تمیزکاری فشاری
او تکمیل
ان *Surface cleaning*

تمیزکاری شعله‌ای

اع۱ تمیزکاری فلز
اع۲ پرداخت فلز
اع۳ تکمیل
اع۲ تمیزکاری سطحی
اع۳ تمیزکاری
ان *Flame cleaning*

تمیزکاری شیمیایی

اع۱ تمیزکاری
اخ۱ اسیدشویی
اخ۱ تمیزکاری برق‌کافتی
او پرداخت شیمیایی
او تکمیل شیمیایی
او تمیزکاری فراصوتی
ان *Chemical cleaning*

تمیزکاری فراصوتی

اع۱ تمیزکاری سطحی
اع۲ تمیزکاری
اع۱ کاربرد فراصوتی
اع۲ کاربرد
او اسیدشویی
او پرداخت ارتعاشی
او پوسته‌زدایی
او تمیزکاری شیمیایی

ان *Ultrasonic cleaning*

تمیزکاری فشاری

اع۱ تمیزکاری فلز
اع۲ پرداخت فلز
اع۳ تکمیل
اع۲ تمیزکاری سطحی
اع۳ تمیزکاری
او تکمیل فشاری
ان *Blast cleaning*

تمیزکاری فلز

اع۱ پرداخت فلز
اع۲ تکمیل
اع۳ فراورش
اع۱ تمیزکاری سطحی
اع۲ تمیزکاری
اخ۱ تمیزکاری شعله‌ای
اخ۱ تمیزکاری فشاری
او اسیدشویی
او پلیسه‌گیری
او ساچمه‌زنی
او فرایند ریخته‌گری
ان *Metal cleaning*

تندباد

اع۱ توفان
او اثر باد
او اثر تندباد
او باران
او توفان تندری
او مقاومت در برابر تندباد
او موج آب
او هواشناسی
ان *Hurricane*

تندراه

ب‌ک سیستم بزرگراه

تندگذری

اع۱ ترابری
او ترابری انبوه
او راه‌آهن
او راه‌آهن برقی
او گذر ریلی سبک
او مترو
ان *Rapid transit*

تندی

او اثر دوپلر
او سرعت
او کنترل تندی
ان *Speed*

تندی نور

ب‌ک سرعت نور

تنش

اخ۱ تنش باد
اخ۱ تنش برشی
اخ۱ تنش پسماند
اخ۱ تنش پیچشی
اخ۱ تنش گرمایی
او آزمایش مکانیکی
او انباشتگی تنش
او بار دینامیکی
او بار(نیرو)
او پیزوالکتریسیته
او تحلیل تنش
او خلاءزایی
او ضریب شدت تنش
او طراحی سازه
او کرنش
او مقاومت مصالح
ان *Stress*

تنش باد

اع۱ اثر باد
اع۲ اثر
اع۱ تنش
او اثر تندباد
او بام
او تحلیل تنش
او حد بار
او ساختمان
او سازه
ان *Wind stress*

تنش برشی

اع۱ تنش
او تحلیل تنش
او تغییر شکل برشی
او تنش پیچشی
او خستگی مصالح
او دیوار برشی
او مقاومت برشی
ان *Shear stress*

تنش پسماند

بج *تنش داخلی*
اع۱ تنش
او تحلیل تنش
او خزش
او سخت‌گردانی کرنشی
ان *Residual stress*

تنش پیچشی

بج *بارگذاری پیچشی*
اع۱ تنش
او آزمایش پیچش
او تحلیل تنش
او تغییرشکل
او تنش برشی
او خمش(دگرشکلی)
او کرنش
او کمانش
ان *Torsional stress*

تنش تسلیم

بج *مقاومت تسلیم*
اع۱ ویژگی مکانیکی
او آزمایش پیچش
او آزمایش فشردگی
او آزمایش کششی
او تحلیل تنش
او ظرفیت بارپذیری
ان *Yield stress*

تنش داخلی
ب‌ک تنش پسماند

تنش روانی
ب‌ک جریان مومنتان

تنش‌زدایی

او بازپخت
او پایدارسازی
او تابکاری
او جوش
او سنگ‌زنی(تراشکاری)
او عملیات حرارتی
ان *Stress relief*

تنش گرمایی

اع۱ تنش
او اثر گرما
او تحلیل تنش
او چرخش گرمایی
او گرماکشسانی
او ویژگی ترمودینامیکی
ان *Thermal stress*

تنظیم بسامد الکتریکی
ب‌ک کنترل بسامد الکتریکی

تنظیم جریان الکتریکی
ب‌ک کنترل جریان الکتریکی

تنظیم فاز
ب‌ک کنترل فاز

تنظیم فشار

اع۱ کنترل فشار
اع۲ کنترل متغیر مکانیکی
اع۳ کنترل
او تحت‌فشارقراردادن
او تنظیم‌گر فشار
او فشار
او مخزن تعادل
ان *Pressure regulation*

تنظیم‌گر اکسیژن

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او سنج‌افزار هواگرد
ان *Oxygen regulator*

تنظیم‌گر جریان الکتریکی
اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
او کنترل جریان الکتریکی
ان *Electric current regulator*

تنظیم‌گر سرعت
اخ۱ گاورنور
او سرعت‌نما
او کنترل سرعت
او وسایل کنترل نهایی
ان *Speed regulator*

تنظیم‌گر فشار
اع۱ تجهیزات کنترل
اع۲ تجهیزات
او تنظیم فشار
او فشار
او مخزن تعادل
او وسیله گازی
ان *Pressure regulator*

تنظیم‌گر ولتاژ
اع۱ تجهیزات کنترل الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات کنترل
اع۳ تجهیزات
اخ۱ مدار تثبیت ولتاژ
او کنترل ولتاژ
ان *Voltage regulator*

تنظیم لیزری
اع۱ کوک
او لیزر
ان *Laser tuning*

تنظیم ولتاژ
ب‌ک کنترل ولتاژ

تنفس‌درمانی
اع۱ درمان بیمار
او بیماری ریوی
او مکانیک تنفسی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Respiratory therapy*

تنگستن
اع۱ فلز دیرگداز
اع۲ فلز واسطه
اع۳ فلز
او آبکاری تنگستن
او آلیاژ تنگستن
او ترکیبات تنگستن
او ذخیره تنگستن
او عمل‌آوری کان‌سنگ تنگستن
او فلزنگاری تنگستن
او کانی تنگستاتی
او متالورژی تنگستن
او معدن تنگستن
او ورق تنگستن
ان *Tungsten*

تنگستن کاربید
اع۱ ترکیبات تنگستن
اع۲ ترکیبات فلزی دیرگداز
اع۳ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ مواد نسوز
اع۱ کاربید
اع۲ ترکیبات معدنی کربن
اع۳ ترکیبات معدنی
ان *Tungsten carbide*

تنگ‌هم‌چینی(معدن)
او معدن‌کاری
ان *Stowagge (mine)*

توالی اسید هسته‌ای
اخ۱ توالی دی.ان.آ.
او اسید هسته‌ای
او زیست‌شیمی
ان *Nucleic acid sequence*

توالی دی.ان.آ.
اع۱ توالی اسید هسته‌ای
او دی.ان.آ.
او زیست‌شیمی
ان *DNA sequence*

توانایی دگرشکلی
ب‌ک شکل‌پذیری

توانبخشی
ب‌ک توانبخشی بیمار

توانبخشی بیمار
ب‌ج *توانبخشی*
اخ۱ تحریک الکتریکی کنشی
اخ۱ تشخیص کنشی
اخ۱ توانبخشی عصبی‌عضلانی
اخ۲ تحریک عصبی کنشی
اخ۱ فیزیوتراپی
اخ۱ کاردرمانی
او اندام حرکتی مصنوعی
او پزشکی
او پس‌خورد حسی
او تجهیزات توانبخشی انسانی
او تجهیزات زیست‌پزشکی
او درمان بیمار
او معلول
او مهندسی توانبخشی انسانی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Patient rehabilitation*

توانبخشی عصبی‌عضلانی
اع۱ توانبخشی بیمار
اخ۱ تحریک عصبی کنشی
او دستگاه عضلانی‌اسکلتی
او عصب‌شناسی
او مهندسی توانبخشی انسانی
ان *Neuromuscular rehabilitation*

توان تفکیک
ب‌ک قدرت جداکنندگی نوری

توان‌سنج
ب‌ج *الکتروذینامومتر*
اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او اندازه‌گیری گشتاور نیرو
او اندازه‌گیری نیرو
او گشتاورسنج
ان *Dynamometer*

توان گسیل نوری
ب‌ک ناشفافی

توان واکنشی
ب‌ج *ولت‌آمپر واکنشی*
اع۱ ویژگی الکتریکی
اع۲ ویژگی فیزیکی
او انتقال نیروی الکتریکی
او اندازه‌گیری توان الکتریکی
او توزیع نیروی برق
او سیستم نیروی برق
او شبکه انتقال نیروی برق
او ضریب توان الکتریکی
او واکنشگاه الکتریکی
ان *Reactive power*

توان هیدروالکتریکی
ب‌ج *هیدروالکتریکی*
اع۱ نیروی آب
اع۲ منبع تجدیدشدنی انرژی
اع۳ منبع انرژی
او نیروگاه آبی
او نیروگاه ذخیره تلمبه‌ای
ان *Hydroelectric power*

توپاز
اع۱ کانی سیلیکاتی
اع۲ سیلیکات
اع۳ ترکیبات سیلیسیم
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۱ گوهر
اع۲ مواد
او گوهر صنعتی
ان *Topaz*

توپک مجرابند
اع۱ تجهیزات میدان نفتی
اع۲ تجهیزات
ان *Packer*

توپولوژی
اع۱ فن ریاضی
اخ۱ توپولوژی شبکه الکتریکی
اخ۱ نظریه گراف
اخ۲ درخت(ریاضیات)
او اندازه‌گیری مسافت
او بردار
او تحلیل شبکه الکتریکی
او درخت(ریاضیات)
او ریاضیات ترکیبی
او سنتز شبکه الکتریکی
او نظریه سودهی
ان *Topology*

توپولوژی شبکه الکتریکی
ب‌ج *توپولوژی مدار*
اع۱ توپولوژی
اع۲ فن ریاضی
اع۱ نظریه مدار
اع۲ نظریه
ان *Electric network topology*

توپولوژی مدار
ب‌ک توپولوژی شبکه الکتریکی

توتون
اع۱ فراورده کشاورزی
او ساختن سیگار
ان *Tobacco*

توربین
ب‌ج *موتور توربینی*
اع۱ ماشین‌آلات توربو
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ توربین بادی
اخ۱ توربین بخار
اخ۱ توربین گازی
اخ۲ توربین گازی زغال‌سنگ‌سوز
اخ۱ توربین هیدرولیکی
اخ۲ توربین فرانسیس
اخ۲ توربین کاپلان
اخ۲ توربین لامپی
اخ۲ توربین لوله‌ای
اخ۱ حلقه توربین
او تلمبه توربینی
او مته توربینی
او مولد توربینی
او نیروگاه آبی
ان *Turbine*

توربین بادی
اع۱ توربین
اع۲ ماشین‌آلات توربو
اع۳ ماشین‌آلات
او نیروی باد
ان *Wind turbine*

توربین بخار
اع۱ توربین
اع۲ ماشین‌آلات توربو
اع۳ ماشین‌آلات
اع۱ ماشین بخار
اع۲ ماشین گرمایی
اع۳ موتور(با منبع انرژی درونی)
او بخار(آب)
او توربین گازی
او چرخه بازگرمایش
او دیگ بخار
او کشتی بخار
او مولد توربینی
او نیروگاه بخار
او نیروگاه ترکیبی بخار و هیدروالکتریکی
او نیروگاه سیکل ترکیبی
ان *Steam turbine*

توربین فرانسیس
اع۱ توربین هیدرولیکی
اع۲ توربین
اع۳ ماشین‌آلات توربو
ان *Francis turbine*

توربین کاپلان
اع۱ توربین هیدرولیکی
اع۲ توربین
اع۳ ماشین‌آلات توربو
ان *Kaplan turbine*

توربین گازی
اع۱ توربین

اع۲ ماشین‌آلات توربو
اع۳ ماشین‌آلات
اع۱ موتور گازی
اع۲ موتور درون‌سوز
اع۳ ماشین گرمایی
اخ۱ توربین گازی زغال‌سنگ‌سوز
او تراکم‌ساز هوا
او توربین بخار
او سیکل برایتون
او لکوموتیو با توربین گازی
او ماشین‌آلات سیکل بسته
او محترق‌کننده
او موتور پیستون آزاد
او موتور توربوجت
او مولد توربینی
او نیروگاه با توربین گازی
او نیروگاه ترکیبی توربین گازی و دیزل
او نیروگاه ترکیبی توربین هیدروالکتریکی و گازی
ان *Gas turbine*

توربین گازی زغال‌سنگ‌سوز

اع۱ توربین گازی
اع۲ توربین
اع۳ ماشین‌آلات توربو
اع۲ موتور گازی
اع۳ موتور درون‌سوز
او احتراق زغال‌سنگ
او زغال‌سنگ
ان *Coal fueled gas turbine*

توربین لامپی

اع۱ توربین هیدرولیکی
اع۲ توربین
اع۳ ماشین‌آلات توربو
ان *Bulb turbine*

توربین لوله‌ای

اع۱ توربین هیدرولیکی
اع۲ توربین
اع۳ ماشین‌آلات توربو
او لوله(اجزا)
ان *Tubular turbine*

توربین هوایی

ب‌ک موتور هوای فشرده

توربین هیدرولیکی

اع۱ توربین
اع۲ ماشین‌آلات توربو
اع۳ ماشین‌آلات
اخ۱ توربین فرانسیس
اخ۱ توربین کاپلان
اخ۱ توربین لامپی
اخ۱ توربین لوله‌ای
او مولد هیدروالکتریکی
او نیروگاه ذخیره تلمبه‌ای
ان *Hydraulic turbine*

تورم

ب‌ک آماس

توری پنجره

اع۱ اجزای ساختمان
اع۲ ساختمان
اع۳ سازه
او پنجره
او توری سیمی
ان *Window screen*

توریا

ب‌ج *دی‌اکسید توریم*
اع۱ اکسید
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات توریم
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او ترکیبات فلزی دیرگداز
ان *Thoria*

توری سیمی

اع۱ فراورده سیمی
اع۱ مصنوع نساجی
اع۲ مواد
او توری پنجره
او غربال(دانه‌بندی)
ان *Wire screen cloth*

توریم

اع۱ آکتینید
اع۲ عنصر پرتوزا

اع۳ عنصر شیمیایی
اع۳ مواد پرتوزا
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آلیاژ توریم
او ترکیبات توریم
او ذخیره توریم
او فلزنگاری توریم
او مونازیت
ان *Thorium*

توزیع احتمال
ب‌ک احتمال

توزیع الکتریکی
ب‌ک توزیع نیروی برق

توزیع بار الکتریکی
اع۱ مدیریت بار الکتریکی
اع۲ مدیریت
او پیش‌بینی بار الکتریکی
ان *Electric load distribution*

توزیع تنش
ب‌ک انباشتگی تنش

توزیع جریان الکتریکی
او اندازه‌گیری توزیع جریان الکتریکی
او جریان الکتریکی
ان *Electric current distribution*

توزیع درشتی ذره
ب‌ک تحلیل درشتی ذره

توزیع دما
او آزمایش محیطی
او اندازه‌گیری دما
او دما
او دمانگاری
او شیب گرمایی
او لایه‌بندی گرمایی
او مهندسی محیط
ان *Temperature distribution*

توزیع زیرزمینی نیروی برق
اع۱ توزیع نیروی برق
او تجهیزات زیرزمینی
او سازه زیرزمینی
او کابل زیرزمینی
ان *Underground electric power distribution*

توزیع کالا
اع۱ جابه‌جایی مواد
ان *Distribution of good*

توزیع نیروی برق
ب‌ج *توزیع الکتریکی*
ب‌ج *شبکه توزیع*
اخ۱ توزیع زیرزمینی نیروی برق
او توان واکنشی
او جریان بار الکتریکی
او سیستم نیروی برق
او لوله حفاظ الکتریکی
او میدان الکتریکی
ان *Electric power distribution*

توزیع وزن مولکولی
او بسپار
او وزن مولکولی
ان *Molecular weight distribution*

توزیع ویبول
او اجزا
او روش آماری
او عمر مفید
ان *Weibull distribution*

توزین
ب‌ج *اندازه‌گیری وزن*
اع۱ اندازه‌گیری
او ایستگاه توزین
او ترازو
او ترازوی دقیق
او یکای اندازه‌گیری
ان *Weighing*

توسعه میدان نفتی

او میدان نفتی
ان *Oil field development*

توسعه نرم‌افزاری
ب‌ک مهندسی نرم‌افزار

توفان
ب‌چ چرخند
اخ۱ تندباد
اخ۱ توفان تندری
اخ۱ دیوباد
او ابر
او اثر باد
او باران
او بارش(هواشناسی)
او برف
او تلاطم
او جو برون زمینی
او جو زمین
او فاضلاب‌روی رگباری
او فاضلاب‌روی مختلط
او هواشناسی
ان *Storm*

توفان تندری
اع۱ توفان
او ابر
او آذرخش
او الکتریسیته جوی
او باران
او تندباد
او دیوباد
او هواشناسی
ان *Thunderstorm*

توقف کارخانه
او خاموشی واکنشگاه
او واحد صنعتی
ان *Plant shutdown*

توقفگاه(محل عمومی نگهداری خودرو)
ب‌چ *پارکینگ*
او ترابری موتوری
او جایگاه خودرو(توقفگاه)
او کنترل شدآمد خیابان
ان *Parking*

توقفگاه سرپوشیده
ب‌ک جایگاه خودرو(توقفگاه)

تولوئن
اع۱ هیدروکربن آروماتیک
اع۲ هیدروکربن
اع۳ ترکیبات آلی
او حلال
ان *Toluene*

تولید
اخ۱ اسیدکاری
اخ۱ ایجاد شکستگی(چاه نفت)
اخ۲ آب‌شکست
اخ۱ بازیابی افزوده‌شده
اخ۲ بازیافت گرمایی نفت
اخ۲ تزریق آب به چاه
اخ۱ بهره‌برداری از چاه گاز طبیعی
اخ۱ بهره‌برداری از چاه نفت
اخ۲ بازفشردن
اخ۲ تزریق(چاه نفت)
اخ۲ تلمبه‌کردن چاه نفت
اخ۳ تلمبه‌زنی برقی چاه نفت
اخ۲ تولید چاه نفت دریایی
اخ۲ تولید نفت سنگین
اخ۲ خیزش گازی
اخ۲ واحد عملیات(چاه نفت)
اخ۱ تحریک چاه
اخ۲ تحریک چاه با مواد منفجره
اخ۱ تولید فرودما
اخ۱ ساختن
اخ۲ آجرپزی
اخ۲ تولید به کمک رایانه
اخ۲ تولید فرش
اخ۲ تولید لباس
اخ۳ تولید جوراب
اخ۲ تولید مجتمع به وسیله رایانه
اخ۲ تهیه فیلم
اخ۲ ساخت(تولید)
اخ۳ ساخت تار نوری
اخ۲ ساختن اسباب‌بازی
اخ۲ ساختن تجهیزات الکترونیکی

اخ۳	بسته‌بندی الکترونیکی
اخ۳	تولید دستگاه الکترونی
اخ۳	تولید مدار چاپی
اخ۳	فناوری نصب سطحی
اخ۲	ساختن جواهرآلات
اخ۲	ساختن چرخ‌دنده
اخ۲	ساختن خمیر کاغذ
اخ۳	پالایش خمیر کاغذ
اخ۳	پخت خمیر کاغذ
اخ۳	زنش خمیر کاغذ
اخ۳	زیست‌خمیرسازی
اخ۳	فرایند ترمومکانیکی خمیرسازی
اخ۳	فرایند سولفیت
اخ۳	فرایند کرافت
اخ۲	ساختن خودرو
اخ۳	ساختن موتور خودرو
اخ۲	ساختن سوخت گازی
اخ۳	تولید گاز زیرزمینی
اخ۳	تولید گاز سنتز
اخ۲	ساختن سیگار
اخ۲	ساختن سیمان
اخ۲	ساختن کفش
اخ۲	ساختن کک
اخ۲	ساختن هواگرد
اخ۳	تولید موتور هواگرد
اخ۲	شکل‌دهی
اخ۳	پرس‌کاری(شکل‌دهی)
اخ۳	پیش‌شکل‌دهی
اخ۳	تاب‌گیری
اخ۳	خمش(شکل‌دهی)
اخ۳	روزن‌رانی
اخ۳	ریخته‌گری
اخ۳	سوراخ‌کاری
اخ۳	شکل‌دهی الکترولیتی
اخ۳	شکل‌دهی انبساطی
اخ۳	شکل‌دهی پلاستیک
اخ۳	شکل‌دهی فلز
اخ۳	شکل‌دهی نورشیمیایی
اخ۳	عملیات ترمومکانیکی
اخ۳	قالب‌گیری
اخ۳	کشش(شکل‌دهی)
اخ۳	کشش‌رانی
اخ۳	مشبک‌کاری
اخ۳	منگنه‌کاری
اخ۳	مهرزنی
اخ۲	فراوردن شیشه
اخ۲	فراورش
اخ۳	باخودبری هوا
اخ۳	پالایش
اخ۳	پردازش میکروالکترونیکی
اخ۳	تکمیل
اخ۳	خردسازی
اخ۳	دباغی
اخ۳	رنگبری
اخ۳	ریسندگی(الیاف)
اخ۳	صمغ‌گیری
اخ۳	فراورش پلمه‌سنگ نفتی
اخ۳	فراورش درجا
اخ۳	فرایند خردگرانی
اخ۳	فرایند نساجی
اخ۳	فشرده‌سازی
اخ۳	فلزکاری
اخ۳	نشانه‌گذاری(فلزکاری)
اخ۲	قندسازی
اخ۳	آسیاب‌کردن نیشکر
اخ۳	پالایش قند
اخ۲	کاغذسازی
اخ۳	اندایش کاغذ
اخ۲	نجاری
اخ۲	نظام تولید انعطاف‌پذیر
اخ۱	عمل‌آوری کان‌سنگ
اخ۲	احیای کان‌سنگ
اخ۳	احیای کان‌سنگ آهن
اخ۲	پرعیارسازی
اخ۲	تشویه کانی
اخ۲	تصفیه کان‌سنگ آهن
اخ۳	عمل کوره بلند
اخ۲	عمل‌آوری الکترواستاتیکی کان‌سنگ
اخ۲	عمل‌آوری پنبه نسوز
اخ۲	عمل‌آوری کان‌سنگ بریلیم
اخ۲	عمل‌آوری کان‌سنگ آنتیموان
اخ۲	عمل‌آوری کان‌سنگ اورانیم
اخ۲	عمل‌آوری کان‌سنگ بوکسیت
اخ۲	عمل‌آوری کان‌سنگ بیسموت
اخ۲	عمل‌آوری کان‌سنگ پتاس
اخ۲	عمل‌آوری کان‌سنگ پلاتین
اخ۲	عمل‌آوری کان‌سنگ تانتال
اخ۲	عمل‌آوری کان‌سنگ تنگستن
اخ۲	عمل‌آوری کان‌سنگ تیتانیم
اخ۳	عمل‌آوری کان‌سنگ ایلمنیت
اخ۲	عمل‌آوری کان‌سنگ روی
اخ۳	روی‌گدازی

اخ۳ عمل‌آوری کان‌سنگ روی و سرب و مس
اخ۳ عمل‌آوری مس و روی
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ زیرکونیم
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ سرب
اخ۳ عمل‌آوری کان‌سنگ مس و سرب
اخ۳ گداز سرب
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ سریم
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ طلا
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ فسفات
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ قلع
اخ۳ گداز قلع
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ کادمیم
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ کبالت
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ کروم
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ مس
اخ۳ عمل‌آوری کان‌سنگ مس و روی
اخ۳ عمل‌آوری کان‌سنگ مس و سرب
اخ۳ عمل‌آوری کان‌سنگ مس و مولیبدن
اخ۳ عمل‌آوری کان‌سنگ مس و نیکل
اخ۳ گداز مس
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ منگنز
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ منیزیت
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ مولیبدن
اخ۳ عمل‌آوری کان‌سنگ مس و مولیبدن
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ نقره
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ نیکل
اخ۳ عمل‌آوری کان‌سنگ مس و نیکل
اخ۳ گداز نیکل
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ نیوبیم
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ وانادیم
اخ۲ فرایند بستر سیال
اخ۲ کلوخه‌سازی معدنی
اخ۲ گداز
اخ۳ روی‌گدازی
اخ۳ گداز سرب
اخ۳ گداز قلع
اخ۳ گداز مس
اخ۳ گداز نیکل
اخ۱ معدن‌کاری
اخ۲ استخراج پلکانی
اخ۲ استخراج روباز
اخ۲ ترابری معدن
اخ۳ ترابری معدن زیرزمینی
اخ۳ ترابری معدن سطحی
اخ۲ شمع‌کنی
اخ۲ کنترل سقف معدن
اخ۲ معدن‌کاری اتاق و پایه
اخ۲ معدن‌کاری انحلالی
اخ۲ معدن‌کاری پلاسری
اخ۲ معدن‌کاری روباز
اخ۲ معدن‌کاری هیدرولیکی
اخ۱ همگذاری
اخ۲ همگذاری آدمکی
او بهره‌دهی
او قابلیت اطمینان
او کنترل تولید
او کنترل کیفیت
او مهندسی تولید
ان *Production*

تولید ابزار نیم‌رسانا

اع۱ تولید دستگاه الکترونی
اع۲ ساختن تجهیزات الکترونیکی
اع۳ ساختن
او ابزار نیم‌رسانا
او اتاق شستشو
او پردازش میکروالکترونیکی
او چاپ سنگی باریکه یونی
او چاپ سنگی پرتو ایکس
او چاپ نوری
او حکاکی(با اسید)
او نورمقاوم
او ویفر سیلیسیمی
ان *Semiconductor device manufacture*

تولید به کمک رایانه

ی‌د هدایت رایانه‌ای ماشین آلات خودکار که در تولید کالا به کار می‌روند.
اع۱ ساختن
اع۲ تولید
اع۱ کاربرد رایانه
اع۲ کاربرد
او پیش‌نمونه‌سازی سریع
او تولید مجتمع به وسیله رایانه
او خودکارسازی کارخانه
او طراحی به کمک رایانه
او مهندسی به کمک رایانه
ان *Computer aided manufacturing*

تولید پارازیت

اع۱ تداخل در سیگنال

اع۱ جنگ الکترونیکی
اع۲ عملیات نظامی
او آشوب راداری
او پادسنجش رادارزی
او تداخل راداری
او تداخل رادیویی
او رادار
او سیستم هشدار رادار
او نوفه سفید
ان *Jamming*

تولید پرتو ایکس
او پرتو ایکس
او پرتونگاری پرتو ایکس
او لامپ پرتو ایکس
ان *X ray production*

تولید پرتو گاما
او پرتو گاما
ان *Gamma ray production*

تولید توان گرمایونی
اع۱ تبدیل مستقیم انرژی
اع۲ تبدیل انرژی
اع۲ تولید نیروی الکتریکی
اع۳ تولید نیرو
او تبدیل انرژی گرماالکتریک
ان *Thermionic power generation*

تولید جوراب
اع۱ تولید لباس
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او کارگاه جوراب‌بافی
ان *Hosiery manufacture*

تولید چاه نفت دریایی
اع۱ بهره‌برداری از چاه نفت
اع۲ تولید
او سازه زیرآبی
او میدان نفت دریایی
ان *Offshore oil well production*

تولید درست به موقع
اع۱ کنترل تولید
اع۲ کنترل
اع۲ مدیریت صنعتی
اع۳ مدیریت
او کنترل موجودی
ان *Just in time production*

تولید دستگاه الکترونی
اع۱ ساختن تجهیزات الکترونیکی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
اخ۱ تولید ابزار نیم‌رسانا
اخ۱ تولید لامپ الکترونی
اخ۱ تولید مدارمجتمع
اخ۲ طرح کلی مدار مجتمع
او آزمایش دستگاه الکترونی
او دستگاه الکترونی
او صنعت الکترونیک
ان *Electron device manufacture*

تولید دوباره صدا
او ابزار صوتی
او استودیوی رادیویی
او برگیر
او بلندگو
او تجهیزات صوتی
او دیسک فشرده
او سیستم شنیداری
او صدابر
او صفحه آوانگار
او صوت‌شناسی
او صوت‌شناسی شنیداری
او ضبط‌صوت
او کمک‌شنوایی
او گیرنده رادیویی
ان *Sound reproduction*

تولید ریزموج
او ارتعاش‌سنج دیاپازونی
او ریزموج
او نوسانگر ریزموجی
ان *Microwave generation*

تولید فرش
اع۱ ساختن

اع۲ تولید
او فرایند نساجی
او کف‌پوش
او منسوجات
ان *Carpet manufacture*

تولید فرودما
اع۱ تولید
او اثر فرودمایی
او پدیده فرودما
او مهندسی فرودمایی
ان *Low temperature production*

تولید گاز
ب‌ک ساختن سوخت گازی

تولید گاز زیرزمینی
اع۱ ساختن سوخت گازی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او تجهیزات زیرزمینی
او سازه زیرزمینی
ان *Underground gas manufacture*

تولید گاز سنتز
اع۱ ساختن سوخت گازی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او گاز سنتز
او متان‌سازی
ان *Synthesis gas manufacture*

تولید لامپ الکترونی
اع۱ تولید دستگاه الکترونی
اع۲ ساختن تجهیزات الکترونیکی
اع۳ ساختن
او لامپ الکترونی
ان *Electron tube manufacture*

تولید لباس
اع۱ ساختن
اع۲ تولید
اخ۱ تولید جوراب
او ساختن کفش
او صنعت نساجی
او فرایند نساجی
او کارگاه نساجی
ان *Garment manufacture*

تولید مجتمع به وسیله رایانه
اع۱ ساختن
اع۲ تولید
اع۱ کاربرد رایانه
اع۲ کاربرد
او تولید به کمک رایانه
او خودکارسازی کارخانه
ان *Computer integrated manufacturing*

تولید مدار چاپی
اع۱ ساختن تجهیزات الکترونیکی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او آزمایش مدار چاپی
او بسته‌بندی الکترونیکی
او تولید مدارمجتمع
او طراحی مدار چاپی
او فناوری نصب سطحی
او مدار چاپی
او همگذاری
ان *Printed circuit manufacture*

تولید مدارمجتمع
اع۱ تولید دستگاه الکترونی
اع۲ ساختن تجهیزات الکترونیکی
اع۳ ساختن
اخ۱ طرح کلی مدار مجتمع
او اتاق شستشو
او بستر
او پردازش میکروالکترونیکی
او تولید مدار چاپی
او چاپ سنگی
او چاپ سنگی پرتو ایکس
او چاپ نوری
او حکاکی پلاسمایی
او حکاکی یونی واکنش‌پذیر
او فناوری نصب سطحی
او مدار مجتمع نورالکترونیکی
او مدارمجتمع
او نورمقاوم

او هم‌پیوند نوری
ان *Integrated circuit manufacture*

تولید موتور هواگرد
اع۱ ساختن هواگرد
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او کارخانه هواگرد
او موتور هواگرد
ان *Aircraft engine manufacture*

تولید نفت سنگین
اع۱ بهره‌برداری از چاه نفت
اع۲ تولید
ان *Heavy oil production*

تولید نیرو
ی‌د منابع نیرو نامشخص به تولید نیروی الکتریکی رجوع شود.
اع۱ تبدیل انرژی
اخ۱ تولید نیروی الکتریکی
اخ۲ تبدیل مستقیم انرژی
اخ۳ تبدیل انرژی گرماالکتریک
اخ۳ تولید توان گرمایونی
اخ۱ تولید نیروی خورشیدی
اخ۱ تولید نیروی مغناطوهیدرودینامیک
او انرژی خورشیدی
او سوخت
او قدرت کشندی
او منبع تجدیدشدنی انرژی
او نیروگاه با توربین گازی
او نیروی آب
او نیروی باد
او نیروی موج
ان *Power generation*

تولید نیروی الکتریکی
اع۱ تولید نیرو
اع۲ تبدیل انرژی
اخ۱ تبدیل مستقیم انرژی
اخ۲ تبدیل انرژی گرماالکتریک
اخ۲ تولید توان گرمایونی
او بهره‌برداری نیروی برق
او پیل خورشیدی
او سیستم نیروی برق
او صنعت الکتریکی
او نیروگاه برق
ان *Electric power generation*

تولید نیروی خورشیدی
اع۱ تولید نیرو
اع۲ تبدیل انرژی
او انرژی خورشیدی
او پیل خورشیدی
او تجهیزات خورشیدی
او نیروگاه خورشیدی
ان *Solar power generation*

تولید نیروی مغناطوهیدرودینامیک
اع۱ تولید نیرو
اع۲ تبدیل انرژی
او مبدل مغناطوهیدرودینامیک
او مغناطوهیدرودینامیک
او نیروگاه مغناطوهیدرودینامیک
ان *Magnetohydrodynamic power generation*

تولید هماهنگ
اخ۱ تولید هماهنگ دوم
او بسامد طبیعی
او نوسانگر(الکترونیک)
او واراکتور
ان *Harmonic generation*

تولید هماهنگ دوم
اع۱ تولید هماهنگ
او لیزر
ان *Second harmonic generation*

تولیم
اع۱ عنصر خاکی کمیاب
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او ترکیبات تولیم
ان *Thulium*

تونل
اع۱ سازه
اخ۱ پوشش تونل
اخ۱ تکیه‌گاه زمینی

اخ۱ تونل آب‌رسانی
اخ۱ تونل پیاده‌رو
اخ۱ تونل فاضلاب‌رو
اخ۱ تونل وسیله نقلیه
اخ۲ تونل راه‌آهن
او تونل‌سازی
او صندوق زیرآبی
ان *Tunnel*

تونل آب‌رسانی

اع۱ تاسیسات آبی
اع۲ تسهیلات
اع۱ تونل
اع۲ سازه
او آب‌رسانی
ان *Water supply tunnel*

تونل باد

اع۱ تسهیلات آزمون
اع۲ تسهیلات
او آزمایشگاه
او آیرودینامیک
او آیرودینامیک هماصوتی
او تجهیزات گرمایش
او جریان دیواره‌ای
او جریان زبرصوت
او جریان فراصوتی
او جریان هماصوتی
او دمنده
او رویت‌سازی شارش
او شبیه‌ساز
او لوله شوک
ان *Wind tunnel*

تونل پیاده‌رو

اع۱ تونل
اع۲ سازه
او ایمنی پیاده‌رو
ان *Pedestrian tunnel*

تونل راه‌آهن

اع۱ تونل وسیله نقلیه
اع۲ تونل
اع۳ سازه
اع۲ سیستم بزرگراه
اع۳ امکانات همگانی
اع۱ کارخانه و ساختمان تجهیزات راه‌آهن
اع۲ تسهیلات
اع۲ راه‌آهن
ان *Railroad tunnel*

تونل‌زنی الکترونی

پ‌ج *اثر تونل*
او اثر زنر
او الکترون
او پیوند تونلی
او دیود تونلی
او مواد نیم‌رسانا
او میکروسکوپی تونل‌زنی روبشگری
ان *Electron tunneling*

تونل‌سازی

اع۱ گودبرداری
او تونل
او زه‌کشی
او ساخت
او ضدآب‌کردن
او ماشین تونل‌سازی
او معدن‌کاری
ان *Tunneling (excavation)*

تونل فاضلاب‌رو

اع۱ تونل
اع۲ سازه
اع۱ فاضلاب‌رو
اع۲ تسهیلات
ان *Sewer tunnel*

تونل وسیله نقلیه

اع۱ تونل
اع۲ سازه
اع۱ سیستم بزرگراه
اع۲ امکانات همگانی
اخ۱ تونل راه‌آهن
او زیرگذر
ان *Vehicular tunnel*

ته‌نشینی(شیمیایی)

اع۱ جداسازی

اع۲ عملیات شیمیایی
او ابرسیری
او پالیدن
او تبلور
او دلمه‌شدگی
او رسوب‌گذاری
او ریزساختار بلور
او کلوئید
او گردایش
او نهشت
ان *Precipitation (chemical)*

تهویه
اع۱ کنترل آب‌وهوا
اع۲ کنترل
اخ۱ تهویه معدن
او آزمایش محیطی
او پالایه هوا
او پنکه
او تهویه مطبوع
او خالص‌سازی هوا
او خروجی تهویه
او دمنده
او روزنه تهویه
او سردسازی
او سرمایش
او سیستم پشتیبانی حیاتی(فضاپیما)
او شناسه تهویه
او کنترل دما
او مجرای تهویه
او مهندسی محیط
او وسیله خانگی
ان *Ventilation*

تهویه مطبوع
ب‌ج *سیستم تهویه مطبوع هیدرونیکی*
اع۱ کنترل آب‌وهوا
اع۲ کنترل
اخ۱ تهویه مطبوع با سوخت گازی
او بار گرمایی
او بهره‌برداری نیروی برق
او تجهیزات گرماالکتریکی
او تراکم‌ساز هوا
او تهویه
او جو محافظ
او دما
او ساختمان گرمسیری
او سردکن
او سرمایش
او سیستم تبرید تبخیری
او سیستم سرمایش خودرو
او کنترل رطوبت
او کنترل رطوبت (محیط)
او گرمایش
او ماشین‌آلات یخچال‌دار
او مانع هوایی
او مجرای تهویه مطبوع
او مهندسی گرمسیری
او مهندسی محیط
ان *Air conditioning*

تهویه مطبوع با سوخت گازی
اع۱ تهویه مطبوع
اع۲ کنترل آب‌وهوا
اع۳ کنترل
او سوخت گازی
ان *Gas fueled air conditioning*

تهویه معدن
اع۱ تهویه
اع۲ کنترل آب‌وهوا
اع۳ کنترل
او معدن
او معدن‌کاری
ان *Mine ventilation*

تهیه غذا
او فراورده غذایی
ان *Food supply*

تهیه فیلم
اع۱ ساختن
اع۲ تولید
او فیلم
ان *Film preparation*

تهیه نقشه
ب‌ج *نقشه‌کشی*
ب‌ج *نقشه‌نگاری*

اع۱ روش گرافیکی
اخ۱ تهیه نقشه نظامی
اخ۱ تهیه نقشه نوری
اخ۱ نگاشت همدیس
او بررسی
او بررسی زمین‌شناختی
او سیستم اطلاعات جغرافیایی
او فتوگرامتری
او نقشه
او نقشه‌برداری
او نماد نقشه
ان *Mapping*

تهیه نقشه نظامی

اع۱ تهیه نقشه
اع۲ روش گرافیکی
اع۱ عملیات نظامی
او مهندسی نظامی
ان *Military mapping*

تهیه نقشه نوری

اع۱ تهیه نقشه
اع۲ روش گرافیکی
او اکتشاف منبع طبیعی
او تفسیر نوری
او تمام‌نگاری
او زمین‌سنجی
او زمین‌شناسی
او عکاسی
او عکسبرداری هوایی
ان *Photomapping*

تیتانیم

اع۱ فلز سبک
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
اع۱ فلز واسطه
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او آبکاری تیتانیم
او آلیاژ تیتانیم
او ترکیبات تیتانیم
او ذخیره تیتانیم
او عمل‌آوری کان‌سنگ تیتانیم
او فرایند ریخته‌گری تیتانیم
او فلزنگاری تیتانیم
او قطعه ریختگی تیتانیم
او کانی تیتاناتی
او کانی تیتانیتی
او متالورژی تیتانیم
او معدن تیتانیم
او ورق تیتانیم
ان *Titanium*

تیتانیم اکسید

اع۱ اکسید
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات تیتانیم
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
اخ۱ پروفسکیت
اخ۱ تیتانیم دی‌اکسید
ان *Titanium oxide*

تیتانیم دی‌اکسید

اع۱ تیتانیم اکسید
اع۲ اکسید
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ ترکیبات تیتانیم
اع۳ ترکیبات فلز واسطه
او رنگدانه
ان *Titanium dioxide*

تیتانیم کاربید

اع۱ ترکیبات تیتانیم
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ کاربید
اع۲ ترکیبات معدنی کربن
اع۳ ترکیبات معدنی
او مخلوط ملات سرامیکی
او مواد سرامیکی
ان *Titanium carbide*

تیتانیم نیترید

اع۱ ترکیبات تیتانیم
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ نیترید
اع۲ ترکیبات نیتروژن

اع۳ ترکیبات شیمیایی
او سرمت
او مواد نسوز
ان *Titanium nitride*

تیترکردن
اع۱ سنجش حجمی
اع۲ تجزیه شیمیایی
اع۳ تجزیه و تحلیل
ان *Titration*

تیر و شاه‌تیر پیش‌تنیده
اع۱ تیر و شاه‌تیر
اع۲ عضو سازه‌ای
اع۳ اجزا
اع۳ سازه
او پیش‌تنیدگی
او مصالح پیش‌تنیده
ان *Prestressed beam and girder*

تیراترون
اع۱ لامپ گرمایونی
اع۲ لامپ الکترونی
اع۳ دستگاه الکترونی
اع۱ لوله تخلیه گازی
اع۲ لامپ الکترونی
اع۳ دستگاه الکترونی
او تیریستور
او یک‌سوساز الکتریکی
ان *Thyratron*

تیرپایه
ب‌ک شمع(در ساختمان)

تیر و شاه‌تیر
ب‌ج *شاه‌تیر*
اع۱ عضو سازه‌ای
اع۲ اجزا
اع۲ سازه
اخ۱ تیر و شاه‌تیر پیش‌تنیده
اخ۱ تیر و شاه‌تیر آلومینیومی
اخ۱ تیر و شاه‌تیر بتنی
اخ۱ تیر و شاه‌تیر چوبی
اخ۱ تیر و شاه‌تیر فولادی
اخ۱ تیر و شاه‌تیر قوسی
اخ۱ تیر و شاه‌تیر مختلط
او پل شاه‌تیر جعبه‌ای
او پل شاه‌تیرورقی
او تیغه(اجزای سازه‌ای)
او خرپا
او خمش(دگرشکلی)
او ستون(سازه‌ای)
او عضو فشاری
او قالب سازه‌ای
ان *Beam and girder*

تیر و شاه‌تیر آلومینیومی
اع۱ تیر و شاه‌تیر
اع۲ عضو سازه‌ای
اع۳ اجزا
اع۳ سازه
او آلومینیوم
ان *Aluminum beam and girder*

تیر و شاه‌تیر بتنی
اع۱ تیر و شاه‌تیر
اع۲ عضو سازه‌ای
اع۳ اجزا
اع۳ سازه
اع۱ فراورده بتنی
او ساخت بتنی
ان *Concrete beam and girder*

تیر و شاه‌تیر چوبی
اع۱ تیر و شاه‌تیر
اع۲ عضو سازه‌ای
اع۳ اجزا
اع۳ سازه
او ساخت چوبی
ان *Wooden beam and girder*

تیر و شاه‌تیر فولادی
اع۱ تیر و شاه‌تیر
اع۲ عضو سازه‌ای
اع۳ اجزا
اع۳ سازه
او پل فولادی
او ساختمان فولادی
او سازه فولادی

او فولاد
ان *Steel beam and girder*

تیر و شاه‌تیر قوسی

اع۱ تیر و شاه‌تیر
اع۲ عضو سازه‌ای
اع۳ اجزا
اع۳ سازه
ان *Curved beam and girder*

تیر و شاه‌تیر مختلط

اع۱ تیر و شاه‌تیر
اع۲ عضو سازه‌ای
اع۳ اجزا
اع۳ سازه
او مواد مختلط
ان *Composite beam and girder*

تیریستور

اع۱ ابزار نیم‌رسانا
اع۲ ابزار حالت جامد
اع۳ دستگاه الکترونی
او تیراترون
او سوده نیم‌رسانا
او یک‌سوساز الکتریکی
ان *Thyristor*

تیغه(اجزای سازه‌ای)

اع۱ عضو سازه‌ای
اع۲ اجزا
اع۲ سازه
او تیر و شاه‌تیر
او صفحه(اجزای سازه‌ای)
ان *Plate (structural components)*

تیغه فرز

اع۱ ابزار فلزکاری
اع۲ ماشین‌ابزار
اع۳ ابزار
اع۳ ماشین‌آلات
او ابزار سرامیکی
او ابزار کاربید
او اره
او تیغه فرز
او صفحه‌تراش دروازه‌ای
او فرزکاری(تراشکاری)
ان *Milling cutter*

ثابت دی‌الکتریک

ب‌ک گذردهی الکتریکی

ثابت سرعت

ب‌ک سینتیک واکنش

ثابت شبکه

ب‌ج *پارامتر شبکه*
او بلورنگاری
او ساختار اتمی بلور
او شبکه بلور
ان *Lattice constant*

ثابت هال

ب‌ک اثر هال

ثبات(روش‌های عددی)

ب‌ک همگرایی روش‌های عددی

ثبات انتقال

اع۱ سخت‌افزار رایانه
اع۲ رایانه
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او جمع‌زن
او مدار منطقی
ان *Shift register*

ثبات دی‌اکسید گوگرد

اع۱ سنج‌افزار ثبات
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او دی‌اکسید گوگرد
ان *Sulfur dioxide recorder*

ثبات عددی

ب‌ک همگرایی روش‌های عددی

ثبات کربن دی‌اکسید

اع۱ سنج‌افزار ثبات
اع۲ سنج‌افزار

اع۳ تجهیزات
او کربن دی‌اکسید
ان *Carbon dioxide recorder*

ثبت اختراع و اختراع

ب‌ج *اختراع*
اع۱ مالکیت معنوی
او مهندسی
ان *Patents and invention*

ثبت تصویر

اع۱ ضبط‌کردن
او تصویر پردازی
او سیستم تصویرسازی
او فن تصویرسازی
ان *Image recording*

ثبت لیزری

اع۱ ثبت نوری
اع۲ ضبط‌کردن
اع۱ کاربرد لیزر
اع۲ کاربرد
او لیزر
ان *Laser recording*

ثبت‌نام مهندسان

اع۱ بعد حرفه‌ای
او مهندس
ان *Registration of engineer*

ثبت نوار مغزی

ب‌ج *نوار مغزی*
اع۱ تشخیص(پزشکی)
او پایش بیمار
او پتانسیل زیست‌الکتریک
او مغز
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Electroencephalography*

ثبت نوری

اع۱ ضبط‌کردن
اخ۱ ثبت لیزری
او پدیده نورمغناطیسی کر
ان *Optical recording*

جابه‌جاگر الکتریکی

اع۱ ماشین‌آلات جریان مستقیم
اع۲ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ ماشین‌آلات
او اتصال الکتریکی
او اجزای ماشین‌آلات الکتریکی
او جابه‌جایی الکتریکی
او رسانای جارویی
ان *Electric commutator*

جابه‌جایی الکتریکی

او جابه‌جاگر الکتریکی
او سوده الکتریکی
ان *Electric commutation*

جابه‌جایی بار

ب‌ج *جابه‌جایی کرایه‌ای*
اع۱ جابه‌جایی مواد
اخ۱ جابه‌جایی باری یخچالی
او ترابری باری
او هواگرد باری
ان *Cargo handling*

جابه‌جایی باری یخچالی

اع۱ جابه‌جایی بار
اع۲ جابه‌جایی مواد
او بارگنج یخچالی
او کامیون یخچالی
او واگن یخچالی
ان *Refrigerated freight handling*

جابه‌جایی بی‌خطر

اع۱ جابه‌جایی مواد
او پیشگیری حادثه
او مواد پرتوزا
ان *Safe handling*

جابه‌جایی پستی

اع۱ جابه‌جایی مواد
او خدمات پستی
او دفتر پست
او واگن پستی
ان *Mail handling*

جابه‌جایی توشه

اع۱ جابه‌جایی مواد
او فرودگاه
ان *Baggage handling*

جابه‌جایی خاکستر

اع۱ جابه‌جایی مواد
او زباله
ان *Ash handling*

جابه‌جایی زغال‌سنگ

اع۱ جابه‌جایی مواد
او ترابری زغال‌سنگ
او زغال‌سنگ
ان *Coal handling*

جابه‌جایی کرایه‌ای

ب‌ک جابه‌جایی بار

جابه‌جایی محور

او محور(اجزای ماشین)
او هم‌خطی
ان *Shaft displacement*

جابه‌جایی مواد

اخ۱ انباشتن
اخ۱ بارانداری
اخ۱ باربری با نوار نقاله
اخ۱ بارگیری
اخ۱ پیچش
اخ۲ رشته‌پیچی
اخ۱ توزیع کالا
اخ۱ جابه‌جایی بار
اخ۲ جابه‌جایی باری یخچالی
اخ۱ جابه‌جایی بی‌خطر
اخ۱ جابه‌جایی پستی
اخ۱ جابه‌جایی توشه
اخ۱ جابه‌جایی خاکستر
اخ۱ جابه‌جایی زغال‌سنگ
اخ۱ سوخت‌گیری
اخ۲ سوخت‌گیری کشتی
اخ۲ سوخت‌گیری هواگرد
اخ۱ موادرسانی به فرایند
او آدمک صنعتی
او انبار
او بارگنج
او بسته‌بندی
او تجهیزات جابه‌جایی مواد
او ترابری
او ترابری نفت
او تک‌ریلی
او خط‌لوله
او خط‌لوله دوغابی
او ذخیره‌سازی(مواد)
او شارش جامد
او مخزن(بارگنج)
او مساله شوک
او مواد
او مواد دانه‌ای
او نشان‌دارکردن
او همگذاری
ان *Materials handling*

جاده آب‌گذر

اع۱ سازه
او آب‌گذر
او پل
او سازه آبی
ان *Causeway*

جاده بتنی

ب‌ج *باند پرواز بتنی*
اع۱ پیاده‌رو
اع۲ جاده و خیابان
اع۳ امکانات همگانی
او ساخت بتنی
او ساختار راه
او فراورده بتنی
ان *Concrete pavement*

جاده روستایی

اع۱ جاده و خیابان
اع۲ امکانات همگانی
او منطقه روستایی
ان *Rural road*

جاده عوارضی

ب‌ک بزرگراه عوارضی

جاده و خیابان

ب‌ج *خیابان*
اع۱ امکانات همگانی
اخ۱ پلکان شیب‌دار فرار
اخ۱ پیاده‌رو
اخ۲ پیاده‌روی قیری
اخ۲ جاده بتنی
اخ۲ روکش پیاده‌رو
اخ۱ تقاطع
اخ۱ تقسیم‌کننده میانی
اخ۱ جاده روستایی
اخ۱ جدول خیابان
اخ۱ حاشیه جاده
اخ۱ راه شنی
اخ۱ راه موقت
اخ۱ شانه(جاده)
اخ۱ قوس(راه)
اخ۱ مسیر جهت‌گرد
اخ۱ مسیر خودرو
اخ۱ نرده محافظ
او آب‌گذر
او اثر یخبندان
او اداره بزرگراه
او اندازه‌گیری زبری
او ایستگاه توزین
او باتلاق
او برداشتن برف و یخ
او بررسی خاک
او بررسی شدآمد
او برنامه‌ریزی شهری
او پاکسازی خیابان
او پایداری شیب
او پهن‌سازی(شریان‌های حمل و نقل)
او تابلوی راهنما
او ترابری موتوری
او چراغ راهنما
او خاک سیمان
او خاکریز
او خط‌کشی بزرگراه
او روشنایی خیابان
او زه‌کشی
او ساختار راه
او سیستم بزرگراه
او فشار برخاست
او کنترل شدآمد خیابان
او کنترل یخ
او ماشین‌آلات راه‌سازی
او مسیر ترابری
او مصالح راه‌سازی
او مقاومت سرش
او مهندسی راه
ان *Road and street*

جاذب سطحی

اع۱ مواد
اخ۱ الک مولکولی
اخ۱ جاذب کربن‌دار
اخ۱ خاک رنگ‌بر
او آلومین فعال‌شده
او برج جذب سطحی
او جذب سطحی
او زئولیت
او زغال چوب
او سیلیکاژل
ان *Adsorbent*

جاذب کربن‌دار

اع۱ جاذب سطحی
اع۲ مواد
او کربن
او کربن فعال‌شده
ان *Carbonaceous adsorbent*

جاروبرقی

اع۱ دستگاه الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
او تمیزکاری
او کاربرد خلاء
ان *Vacuum cleaner*

جازنی انقباضی

او اتصال
او جمع‌شدگی
ان *Shrinkfitting*

جامد

اع۱ مواد
اخ۱ شبه‌بلور
اخ۱ محلول جامد

او پخش گرمایی در جامدات
او پخشیدگی در جامد
او تراکم‌پذیری جامد
او جرقه‌زنی الکتریکی جامدات
او خزش
او درخشایی جامد
او رسانایی الکتریکی جامدات
او رسانایی یونی در جامد
او رسانندگی گرمایی جامدات
او ساختار اتمی بلور
او ساختار نواری
او شارش جامد
او فیزیک حالت جامد
او کسر حجمی
او گرمای ویژه جامدات
او معادله حالت جامد
او ویژگی دی‌الکتریکی جامد
او یونش جامد
ان *Solid*

جامدات معلق(سیالات)

اع۱ پاشیدگی
اخ۱ دوغاب
اخ۲ لجن زغالی
او انتقال رسوب
او حرکت براونی
ان *Suspension (fluids)*

جامدسازی

بج *جامدسازی جهتی*
اع۱ گذار فاز
اخ۱ جامدسازی سریع
اخ۱ گیرش(سیمان)
او انجماد
او سیستم سه‌تایی
او محلول جامد
ان *Solidification*

جامدسازی جهتی
ب‌ک جامدسازی

جامدسازی سریع

اع۱ جامدسازی
اع۲ گذار فاز
او پیرسختی
او ریخته‌گری
او ریسندگی مذاب
او شیشه فلزی
او متالورژی پودر
ان *Rapid solidification*

جامعه بوم‌شناختی
ب‌ک بوم‌سامانه

جانشین خون

بج *جانشین خون بر پایه هموگلوبین*
بج *خون مصنوعی*
اع۱ مواد زیستی
اع۲ مواد
او خون
ان *Blood substitute*

جانشین خون بر پایه هموگلوبین
ب‌ک جانشین خون
ب‌ک هموگلوبین

جانشین صفحه‌کلید
ب‌ک جانشین صفحه‌کلید رایانه(خدمات معلولین)

جانشین صفحه‌کلید رایانه(خدمات معلولین)

بج *جانشین صفحه‌کلید*
بج *صفحه‌کلید بریل*
اع۱ ابزار برهم‌کنشی
اع۲ تجهیزات جانبی رایانه
اع۳ سخت‌افزار رایانه
اع۱ تجهیزات توانبخشی انسانی
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
او صفحه‌کلید رایانه
او مهندسی توانبخشی انسانی
او ورودی فعال صدا
ان *Computer keyboard substitute (handicapped aid)*

جانشین قند

اع۱ غذای سنتزی
اع۲ فراورده غذایی
او افزودنی مواد غذایی
او قند(ساکاروز)

ان *Sugar substitute*

جانشین گاز طبیعی

اع۱ سوخت
اع۲ مواد
او گاز طبیعی
ان *Natural gas substitute*

جای خار

اع۱ قفل(چفت)
اع۲ چفت
اع۳ اجزا
ان *Keyway*

جایگاه اتوبوس

اع۱ جایگاه خودرو(توقفگاه)
اع۲ تسهیلات
او پایانه اتوبوس
او ترابری اتوبوسی
ان *Bus garage*

جایگاه تماشاچیان در ورزشگاه

ب‌ک استادیوم

جایگاه خودرو(ایستگاه سوخت‌گیری)

ب‌ک ایستگاه سوخت‌گیری

جایگاه خودرو(توقفگاه)

ب‌ج *توقفگاه سرپوشیده*
ب‌ج *گاراژ*
اع۱ تسهیلات
اخ۱ جایگاه اتوبوس
او توقفگاه(محل عمومی نگهداری خودرو)
ان *Garage (parking)*

جبر

اع۱ فن ریاضی
اخ۱ جبر بولی
اخ۲ تابع بولی
اخ۱ جبرخطی
اخ۲ بردار
اخ۲ تانسور
اخ۲ جبر ماتریسی
اخ۳ ماتریس سفتی
اخ۲ ویژه‌مقدار و ویژه‌تابع
اخ۱ چندجمله‌ای
ان *Algebra*

جبران‌کردن خطا

او اشتباه برنامه‌نویسی
او تصحیح خطا
او خطا
او خطای سنج‌افزار
او خطایابی
او رایانه قیاسی
ان *Error compensation*

جبر بولی

اع۱ جبر
اع۲ فن ریاضی
اخ۱ تابع بولی
او منطق صوری
او نظریه مجموعه‌ها
او نظریه محاسبه
ان *Boolean algebra*

جبرخطی

اع۱ جبر
اع۲ فن ریاضی
اخ۱ بردار
اخ۱ تانسور
اخ۱ جبر ماتریسی
اخ۲ ماتریس سفتی
اخ۱ ویژه‌مقدار و ویژه‌تابع
او تحلیل عددی
ان *Linear algebra*

جبر ماتریسی

ب‌ج *ماتریس*
اع۱ جبرخطی
اع۲ جبر
اع۳ فن ریاضی
اخ۱ ماتریس سفتی
او پارامتر شبکه الکتریکی
او تانسور
ان *Matrix algebra*

جبهه موج

اع۱ موج
او نور
ان *Wavefront*

جت

اع۱ تجهیزات
اخ۱ سوخت‌پاش پلاسما
او آیرودینامیک
او تلمبه جهشی
او حفاری جهشی
او دینامیک سیالات
او شارش سیال
او موتور جت
او نازل
او هواکش
او هیدرودینامیک
ان *Jet*

جدار لامپ پرتو کاتدی

ب‌ک پرده فلورسانس

جداساز

اع۱ تجهیزات
اخ۱ الک
اخ۱ پالایه(برای سیال)
اخ۲ بستر پالایشگر زیست‌شناختی
اخ۲ پالایه سوخت
اخ۲ پالایه سیگار
اخ۲ پالایه مغناطیسی
اخ۲ پالایه هوا
اخ۱ تبادلگر یونی
اخ۲ تبادلگر یونی آلی
اخ۲ رزین تبادل یونی
اخ۲ غشای تبادل یونی
اخ۱ جداساز الکتروستاتیکی
اخ۱ جداساز چرخندی
اخ۱ جداساز مغناطیسی
اخ۱ جداساز و تله بخار
اخ۱ خشک‌کن(تجهیزات)
اخ۲ خشک‌کن خورشیدی
اخ۱ رده‌بند
اخ۲ غربال(دانه‌بندی)
اخ۳ غربال لرزشی
اخ۱ زلال‌ساز
اخ۱ گازشوی
اخ۱ گردگیر
اخ۱ مخزن ته‌نشینی
اخ۲ مخزن ته‌نشینی فاضلاب
اخ۱ مرکزگریز
اخ۱ واحد تقطیر جزء به جزء
او بلورساز
او جداسازی
ان *Separator*

جداساز الکتروستاتیکی

اع۱ جداساز
اع۲ تجهیزات
اع۱ دستگاه الکترواستاتیک
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
او کاهش دود
ان *Electrostatic separator*

جداساز چرخندی

اع۱ جداساز
اع۲ تجهیزات
ان *Cyclone separator*

جداساز ذره

ی‌د برای جداسازی فیزیکی ذره
اع۱ طیف‌سنج ذره‌ای
اع۲ طیف‌سنج
اع۳ سنج‌افزار نوری
اخ۱ تحلیل‌گر سرعت الکترون
او آشکارساز ذره‌ای
او ذره بنیادی
ان *Particle separator*

جداساز ریزموج

اع۱ ابزار ریزموج
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او اجزای موجبر
او جداساز موجبر
ان *Microwave isolator*

جداساز مرکزگریز

ب‌ک مرکزگریز

جداساز مغناطیسی

اع۱ ابزار مغناطیسی
اع۲ تجهیزات
اع۱ جداساز
اع۲ تجهیزات
او جداسازی مغناطیسی
ان *Magnetic separator*

جداساز موجبر

اع۱ اجزای موجبر
اع۲ اجزا
اع۲ موجبر
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او جداساز ریزموج
ان *Waveguide isolator*

جداساز و تله بخار

اع۱ جداساز
اع۲ تجهیزات
او بخار(آب)
او چگالنده بخار
او خط برگشت چگالیده
او خط‌لوله بخار
او سیستم لوله‌کشی بخار
ان *Steam separators and trap*

جداسازی

اع۱ عملیات شیمیایی
اخ۱ آب‌زدایی
اخ۱ استخراج
اخ۲ استخراج با حلال
اخ۳ استخراج سیال ابربحرانی
اخ۱ استخراج نمک
اخ۲ نمک‌زدایی
اخ۱ امولسیون‌شکنی
اخ۱ پالیدن
اخ۲ پالیدن آب
اخ۲ پالیدن چکنده
اخ۲ فراپالیدن
اخ۱ تقطیر
اخ۱ تقطیر جزء به جزء
اخ۱ ته‌نشینی(شیمیایی)
اخ۱ جداسازی ابعادی
اخ۲ غربال‌کنی
اخ۱ جداسازی شیمیایی(تصفیه آب)
اخ۲ آهن‌زدایی(تصفیه آب)
اخ۲ جداسازی ایزوتوپ پرتوزا(تصفیه آب)
اخ۲ جداسازی سولفید هیدروژن(تصفیه آب)
اخ۲ سرب‌زدایی(تصفیه آب)
اخ۲ منگنززدایی(تصفیه آب)
اخ۱ جداسازی فاز
اخ۱ جداسازی مغناطیسی
اخ۱ جداسازی نیمه‌سنگین
اخ۱ دیالیز
اخ۲ تراکافت الکتریکی
اخ۱ زلال‌سازی
اخ۱ شناورسازی
اخ۲ شناورسازی در کف
اخ۱ غلظت(فرایند)
اخ۱ گاززدایی
اخ۱ مرکزگریزانی
اخ۱ موم‌زدایی
او تبادل یونی
او تبخیر
او تبلور
او تجزیه کروماتوگرافیک
او تراوش(سیال)
او تصعید
او جداساز
او خیساندن
او کروماتوگرافی
او واکنش شیمیایی
ان *Separation*

جداسازی ابعادی

اع۱ جداسازی
اع۲ عملیات شیمیایی
اخ۱ غربال‌کنی
او پالیدن
او پرعیارسازی
او پودر
او پودر فلز
او تعیین درشتی
او رده‌بند
او شناورسازی
ان *Size separation*

جداسازی ایزوتوپ پرتوزا(تصفیه آب)

اع۱ جداسازی شیمیایی(تصفیه آب)
اع۲ تصفیه آب

اع۲ جداسازی
اع۳ عملیات شیمیایی
اع۲ دورسازی
او ایزوتوپ پرتوزا
او پرتوزایی
او تابش
ان *Radioisotope removal (water treatment)*

جداسازی رنگی(تصفیه آب)

اع۱ تصفیه آب
اع۱ دورسازی
او جداسازی شیمیایی(تصفیه آب)
او رنگ(فام)
ان *Color removal (water treatment)*

جداسازی سولفید هیدروژن(تصفیه آب)

اع۱ جداسازی شیمیایی(تصفیه آب)
اع۲ تصفیه آب
اع۲ جداسازی
اع۳ عملیات شیمیایی
اع۲ دورسازی
او هیدروژن سولفورید
ان *Hydrogen sulfide removal (water treatment)*

جداسازی شیمیایی(تصفیه آب)

اع۱ تصفیه آب
اع۱ جداسازی
اع۲ عملیات شیمیایی
اع۱ دورسازی
اخ۱ آهن‌زدایی(تصفیه آب)
اخ۱ جداسازی ایزوتوپ پرتوزا(تصفیه آب)
اخ۱ جداسازی سولفید هیدروژن(تصفیه آب)
اخ۱ سرب‌زدایی(تصفیه آب)
اخ۱ منگنزدایی(تصفیه آب)
او جداسازی رنگی(تصفیه آب)
او کنترل مزه(تصفیه آب)
ان *Chemicals removal (water treatment)*

جداسازی فاز

اع۱ جداسازی
اع۲ عملیات شیمیایی
او ترکیب فاز
او سطح مشترک فاز
او گذار فاز
ان *Phase separation*

جداسازی مغناطیسی

اع۱ اثر میدان مغناطیسی
اع۲ اثر
اع۱ جداسازی
اع۲ عملیات شیمیایی
او جداساز مغناطیسی
ان *Magnetic separation*

جداسازی نیمه‌سنگین

اع۱ جداسازی
اع۲ عملیات شیمیایی
او آماده‌سازی زغال‌سنگ
او عمل‌آوری کان‌سنگ
ان *Heavy media separation*

جداکننده

اع۱ شبکه(مدار)
او مدار مقایسه‌گر
او وامدوله‌ساز
ان *Discriminator*

جدول تصمیم

او تجزیه و تحلیل سیستم‌ها
او مستندسازی برنامه
او نظریه تصمیم
ان *Decision table*

جدول خیابان

اع۱ جاده و خیابان
اع۲ امکانات همگانی
او پیاده‌رو
ان *Curb*

جدول و نمودار بخار

او بخار(آب)
او دستینه
او مهندسی بخار
ان *Steam tables and chart*

جذب

ب‌ج جذب ماده

ب‌ج *درآشامی*
اع۱ نفوذ
اع۲ عملیات شیمیایی
اخ۱ جذب آب
اخ۱ جذب گاز
او جذب سطحی
او جذب شیمیایی
او واجذبی
ان *Absorption*

جذب آب
اع۱ جذب
اع۲ نفوذ
اع۳ عملیات شیمیایی
او آب
ان *Water absorption*

جذب الکترومغناطیسی
ب‌ک جذب موج الکترومغناطیسی

جذب الکترون
ب‌ج *جذب باریکه الکترون*
اع۱ جذب انرژی
او الکترون
ان *Electron absorption*

جذب انرژی
اخ۱ جذب الکترون
اخ۱ جذب موج الکترومغناطیسی
اخ۲ جذب نور
اخ۳ خاموشی
اخ۱ جذب موج صوتی
اخ۲ جذب فراصوتی
اخ۱ جذب نوترون
او بازتاب
او تضعیف
او جذب‌کننده خورشیدی
او گرماگیر
او میرایی
ان *Energy absorption*

جذب باریکه الکترون
ب‌ک جذب الکترون

جذب سطحی
اع۱ نفوذ
اع۲ عملیات شیمیایی
اخ۱ جذب سطحی گاز
او برج جذب سطحی
او ترشدگی
او تکدمای جذب سطحی
او جاذب سطحی
او جذب
او جذب سطحی
او جذب شیمیایی
او غلظت(فرایند)
او واجذبی
ان *Adsorption*

جذب سطحی گاز
اع۱ جذب سطحی
اع۲ نفوذ
اع۳ عملیات شیمیایی
او گاز
ان *Gas adsorption*

جذب شیمیایی
اع۱ نفوذ
اع۲ عملیات شیمیایی
او جذب
او جذب سطحی
او واکنش شیمیایی
ان *Chemisorption*

جذب فراصوتی
اع۱ جذب موج صوتی
اع۲ جذب انرژی
او انتقال فراصوتی
او موج فراصوتی
ان *Ultrasonic absorption*

جذب‌کننده خورشیدی
اع۱ مواد
او اندود
او اندود سیاه
او جذب انرژی
او جمع‌کن خورشیدی
ان *Solar absorber*

جذب گاز

اع۱ جذب
اع۲ نفوذ
اع۳ عملیات شیمیایی
او گاز
ان *Gas absorption*

جذب ماده
ب‌ک جذب

جذب موج الکترومغناطیسی

ب‌ج *جذب الکترومغناطیسی*
اع۱ جذب انرژی
اخ۱ جذب نور
اخ۲ خاموشی
او انتشار موج الکترومغناطیسی
او انتقال الکترون
او تشدید مغناطیسی
او تضعیف موج الکترومغناطیسی
او شب‌تابی
او شفافیت
او فلورسانس
او موج الکترومغناطیسی
او نظریه لیزری
ان *Electromagnetic wave absorption*

جذب موج صوتی

اع۱ جذب انرژی
اخ۱ جذب فراصوتی
او صداگیری
او کاهش نوفه
او مصالح صداگیر
او نوفه صوتی
ان *Acoustic wave absorption*

جذب نوترون

اع۱ جذب انرژی
او نوترون
ان *Neutron absorption*

جذب نور

ب‌ج *جذب نوری*
اع۱ جذب موج الکترومغناطیسی
اع۲ جذب انرژی
اخ۱ خاموشی
او انتشار نور
او انتقال الکترون
او انتقال نور
او پالایه نوری
او درخشایی نوری
او فیلم نوری
او نور
او نورشناسی جوی
ان *Light absorption*

جذب نوری
ب‌ک جذب نور

جراحی

اع۱ درمان بیمار
اخ۱ پیوندکردن(جراحی)
اخ۱ جراحی اعصاب
اخ۱ جراحی الکتریکی
اخ۱ جراحی قلب و عروق
اخ۱ جراحی لیزری
اخ۱ سرماجراحی
او اتاق عمل
او پزشکی
او کاشت(جراحی)
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Surgery*

جراحی اعصاب

اع۱ جراحی
اع۲ درمان بیمار
او عصب‌شناسی
او مغز
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Neurosurgery*

جراحی الکتریکی

اع۱ جراحی
اع۲ درمان بیمار
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Electrosurgery*

جراحی قلب و عروق

اع۱ جراحی

اع۲ درمان بیمار
او دستگاه قلبی-عروقی
او ضربان‌ساز
او قلب‌پزشکی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Cardiovascular surgery*

جراحی لیزری

اع۱ جراحی
اع۲ درمان بیمار
اع۱ کاربرد لیزر
اع۲ کاربرد
او برهم‌کنش بافت لیزر
او لیزر
ان *Laser surgery*

جرثقیل

اع۱ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۲ تجهیزات
اخ۱ جرثقیل بازویی
اخ۱ جرثقیل بالگرد
اخ۱ جرثقیل برجی
اخ۱ جرثقیل پل
اخ۱ جرثقیل دروازه‌ای
اخ۲ ریل جرثقیل
اخ۲ گذرگاه جرثقیل
اخ۱ جرثقیل شناور
اخ۱ جرثقیل کشتی
اخ۱ جرثقیل لکوموتیو
او تجهیزات ساخت
او جرثقیل دستی
او چرخ بالاکش
او قلاب
ان *Crane*

جرثقیل بازویی

اع۱ جرثقیل
اع۲ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۳ تجهیزات
ان *Jib crane*

جرثقیل بالگرد

اع۱ بالگرد
اع۲ هواگرد
اع۱ جرثقیل
اع۲ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۳ تجهیزات
ان *Helicopter crane*

جرثقیل برجی

اع۱ جرثقیل
اع۲ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۳ تجهیزات
او برج
ان *Tower crane*

جرثقیل پل

اع۱ جرثقیل
اع۲ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۳ تجهیزات
ان *Bridge crane*

جرثقیل دروازه‌ای

اع۱ جرثقیل
اع۲ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۳ تجهیزات
اخ۱ ریل جرثقیل
اخ۱ گذرگاه جرثقیل
ان *Gantry crane*

جرثقیل دستی

اع۱ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۲ تجهیزات
او بالابر
او جرثقیل
او چرخ بالاکش
او کامیون
ان *Winche*

جرثقیل ریلی

ب‌ک جرثقیل لکوموتیو

جرثقیل شناور

اع۱ جرثقیل
اع۲ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۳ تجهیزات
ان *Floating crane*

جرثقیل کشتی

اع۱ تجهیزات کشتی
اع۲ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات آب‌پیما
اع۳ آب‌پیما
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ کشتی
اع۳ آب‌پیما
اع۱ جرثقیل
اع۲ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۳ تجهیزات
ان *Ship crane*

جرثقیل لکوموتیو

بج *جرثقیل ریلی*
اع۱ جرثقیل
اع۲ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۳ تجهیزات
اع۱ خط نورد راه‌آهن
اع۲ وسیله نقلیه زمینی
اع۳ وسیله نقلیه
ان *Locomotive crane*

جرقه الکتریکی

اع۱ تخلیه الکتریکی
اع۲ اثر میدان الکتریکی
اع۳ اثر
او اتصال زمین الکتریکی
او آذرخش
او تخلیه هاله‌ای
او جرقه‌زنی الکتریکی
او جریان معیوب الکتریکی
او شکاف جرقه الکتریکی
او قوس الکتریکی
او قوس مدارشکن
او محافظت تجهیزات الکتریکی
او یونش
ان *Electric spark*

جرقه‌زنی الکتریکی

بج *ولتاژ فروریزش*
اع۱ تخلیه الکتریکی
اع۲ اثر میدان الکتریکی
اع۳ اثر
اخ۱ جرقه‌زنی الکتریکی جامدات
اخ۲ اثر زنر
اخ۱ جرقه‌زنی الکتریکی گازها
اخ۱ جرقه‌زنی الکتریکی مایعات
او اندازه‌گیری توزیع ولتاژ
او تخلیه هاله‌ای
او جرقه الکتریکی
او جریان معیوب الکتریکی
او جهش جرقه
او دیود بهمنی
او عایق‌بندی الکتریکی
او قوس الکتریکی
ان *Electric breakdown*

جرقه‌زنی الکتریکی جامدات

اع۱ جرقه‌زنی الکتریکی
اع۲ تخلیه الکتریکی
اع۳ اثر میدان الکتریکی
اخ۱ اثر زنر
او تخلیه نسبی
او جامد
ان *Electric breakdown of solids*

جرقه‌زنی الکتریکی گازها

اع۱ جرقه‌زنی الکتریکی
اع۲ تخلیه الکتریکی
اع۳ اثر میدان الکتریکی
او گاز
ان *Electric breakdown of gases*

جرقه‌زنی الکتریکی مایعات

اع۱ جرقه‌زنی الکتریکی
اع۲ تخلیه الکتریکی
اع۳ اثر میدان الکتریکی
او مایع
ان *Electric breakdown of liquids*

جرم رایانه‌ای

اخ۱ دیسک یک‌بار مصرف رایانه
اخ۱ ویروس رایانه‌ای
او امنیت داده‌ها
او رایانه
او سیستم امنیتی
ان *Computer crime*

جرم‌گرفتگی

او افت
او آلوده‌شدن
او خوردگی
او نهشته
ان *Fouling*

جریان آب
اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
اخ۱ جریان آب زیرزمینی
اخ۱ جریان رودخانه‌ای
او آب
او تخلیه(مکانیک سیالات)
او جریان اقیانوسی
او هیدرودینامیک
ان *Flow of water*

جریان آب زیرزمینی
اع۱ جریان آب
اع۲ شارش سیال
اع۳ دینامیک سیالات
او آب زیرزمینی
او منبع آب زیرزمینی
ان *Groundwater flow*

جریان آرام
اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
او جریان دوفاز
او جریان دیواره‌ای
او جریان گذار
او جریان گرانرو
او جریان متلاطم
او جریان ناپایا
ان *Laminar flow*

جریان آیرودینامیکی
ب‌ک آیرودینامیک

جریان اتصال کوتاه
اع۱ جریان معیوب الکتریکی
اع۲ جریان الکتریکی
اع۳ الکتریسیته
او اتصال زمین الکتریکی
او تخلیه الکتریکی
او قوس الکتریکی
ان *Short circuit current*

جریان اقیانوسی
او اقیانوس‌شناسی
او جریان آب
او کشند
او موج آب
ان *Ocean current*

جریان القاشده
اع۱ جریان الکتریکی
اع۲ الکتریسیته
ان *Induced current*

جریان الکترونی
ب‌ک باریکه الکترون

جریان الکتریکی
اع۱ الکتریسیته
اخ۱ جریان القاشده
اخ۱ جریان بحرانی
اخ۱ جریان گردابی
اخ۱ جریان معیوب الکتریکی
اخ۲ جریان اتصال کوتاه
اخ۲ جریان نشتی الکتریکی
اخ۱ موج برخورد الکتریکی
او اثر پوسته
او توزیع جریان الکتریکی
او چگالی جریان
او کنترل جریان الکتریکی
او میدان الکتریکی
ان *Electric current*

جریان بار الکتریکی
او انتقال نیروی الکتریکی
او بار الکتریکی
او توزیع نیروی برق
او سیستم نیروی برق
او شبکه انتقال نیروی برق
او محاسبات شبکه انتقال

ان *Electric load flow*

جریان بحرانی

اع۱ جریان الکتریکی
اع۲ الکتریسیته
او ابررسانایی
او چگالی جریان بحرانی(ابررسانایی)
او مواد ابررسانا
ان *Critical current*

جریان برش

او جریان مومسان
او خزش
او شارش جامد
او شارش سیال
ان *Shear flow*

جریان پتانسیل

اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
ان *Potential flow*

جریان پلاسما

اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
او پلاسما
او تلاطم پلاسما
او موج شوکی پلاسما
ان *Plasma flow*

جریان تراکم‌پذیر

اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
او آیرودینامیک
او تراکم‌پذیری
ان *Compressible flow*

جریان چرخشی

اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
ان *Rotational flow*

جریان چندفاز

اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
اخ۱ جریان دوفاز
او جریان ناپایا
ان *Multiphase flow*

جریان در لوله

اع۱ جریان محدود
اع۲ شارش سیال
اع۳ دینامیک سیالات
او الگوی جریان
او تلاطم
او جریان کانال
او جریان متلاطم
او جریان ناپایا
او خط‌لوله
او خیزاب خط‌لوله
او شارش تپشی
او ضربه قوچ
او لوله(اجزا)
ان *Pipe flow*

جریان دوفاز

اع۱ جریان چندفاز
اع۲ شارش سیال
اع۳ دینامیک سیالات
او الگوی جریان
او انتقال گرما
او تلاطم
او جریان آرام
او جریان متلاطم
او شارش جامد
ان *Two phase flow*

جریان دیواره‌ای

اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
او انتقال گرما
او تلاطم
او تونل باد

او جریان آرام
او جریان لایه مرزی
او جریان متلاطم
ان *Wall flow*

جریان رسانا
ب‌ک جریان محدود

جریان رودخانه‌ای
اع۱ جریان آب
اع۲ شارش سیال
اع۳ دینامیک سیالات
او تخلیه(مکانیک سیالات)
او رواناب
او رودخانه
ان *Stream flow*

جریان زبرصوت
اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
او آیرودینامیک
او تونل باد
او جریان فراصوتی
او جریان هماصوتی
او هواپیمای زبرصوت
ان *Supersonic flow*

جریان‌سنج مغناطیسی
اع۱ ابزار مغناطیسی
اع۲ تجهیزات
اع۱ سیلان‌سنج
اع۲ پیمانه
اع۳ سنج‌افزار
اع۲ سنج‌افزار اندازه‌گیری شارش
اع۳ سنج‌افزار
ان *Magnetic flowmeter*

جریان سیال
ب‌ک شارش سیال

جریان شعاعی
اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
او ماشین‌آلات توربوی جریان شعاعی
ان *Radial flow*

جریان صوتی
او انتشار موج صوتی
او صوت‌شناسی
ان *Acoustic streaming*

جریان غیرنیوتنی
اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
او جریان ناپایا
او سیال‌شناسی
او مایع غیرنیوتنی
ان *Non Newtonian flow*

جریان فراصوتی
اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
او آیرودینامیک فراصوتی
او تونل باد
او جریان زبرصوت
او لوله شوک
ان *Hypersonic flow*

جریان فروصوتی
اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
او آیرودینامیک
او آیرودینامیک فروصوتی
او جریان هماصوتی
ان *Subsonic flow*

جریان فوکو
ب‌ک جریان گردابی

جریان کانال
اع۱ جریان محدود
اع۲ شارش سیال
اع۳ دینامیک سیالات

اخ۱ جریان کانال روباز
او الگوی جریان
او انتقال گرما
او جریان در لوله
ان *Channel flow*

جریان کانال روباز

اع۱ جریان کانال
اع۲ جریان محدود
اع۳ شارش سیال
او جریان متلاطم
ان *Open channel flow*

جریان گذار

اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
او تلاطم
او جریان آرام
او جریان متلاطم
ان *Transition flow*

جریان گرانرو

اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
او اندازه‌گیری گرانروی
او آیرودینامیک
او جریان آرام
او جریان متلاطم
او دینامیک جریان محاسبه‌ای
او گرانروی
او معادله ناویر استوکس
ان *Viscous flow*

جریان گردابی

ب‌چ *جریان فوکو*
اع۱ جریان الکتریکی
اع۲ الکتریسیته
او الکترومغناطیس
او پسماند
او رسانای الکتریکی
او گرمایش القایی
او مواد رسانا
ان *Eddy current*

جریان لایه مرزی

اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
او جریان دیواره‌ای
او لایه مرزی
ان *Boundary layer flow*

جریان متلاطم

اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
اخ۱ رد
او آیرودینامیک
او پسار
او تلاطم
او جریان آرام
او جریان در لوله
او جریان دوفاز
او جریان دیواره‌ای
او جریان کانال روباز
او جریان گذار
او جریان گرانرو
او جریان ناپایا
او خلاءزایی
او شارش گردابی
ان *Turbulent flow*

جریان محدود

ب‌چ *جریان رسانا*
اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
اخ۱ جریان در لوله
اخ۱ جریان کانال
اخ۲ جریان کانال روباز
او الگوی جریان
ان *Confined flow*

جریان محوری

اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
او ماشین‌آلات توربینی جریان محوری
ان *Axial flow*

جریان معیوب
ب‌ک جریان معیوب الکتریکی

جریان معیوب الکتریکی
ب‌چ *جریان معیوب*
ب‌چ *عیب(الکتریکی)*
ب‌چ *نقص الکتریکی*
اع۱ جریان الکتریکی
اع۲ الکتریسیته
اخ۱ جریان اتصال کوتاه
اخ۱ جریان نشتی الکتریکی
او اتصال زمین الکتریکی
او تخلیه الکتریکی
او تخلیه هاله‌ای
او جرقه الکتریکی
او جرقه‌زنی الکتریکی
او حالت گذرا
او خط الکتریکی
او عایق الکتریکی
او عایق‌بندی الکتریکی
او قوس الکتریکی
او کابل الکتریکی
او محافظت تجهیزات الکتریکی
او مکان‌یابی عیب الکتریکی
ان *Electric fault current*

جریان مومسان
ب‌چ *تنش روانی*
اع۱ تغییرشکل مومسان
اع۲ تغییرشکل
اع۱ شارش جامد
اع۲ دینامیک
اع۳ مکانیک
او اصطکاک درونی
او جریان برش
او سیال‌شناسی
او مومسانی
ان *Plastic flow*

جریان مویین
اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
او ریزگردش
او لوله مویین
او مطالعه حرکت خون
او مویینگی
ان *Capillary flow*

جریان ناپایا
اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
او انتقال گرما
او آیرودینامیک
او تلاطم
او جریان آرام
او جریان چندفاز
او جریان در لوله
او جریان غیرنیوتنی
او جریان متلاطم
او شارش جامد
ان *Unsteady flow*

جریان نشتی الکتریکی
اع۱ جریان معیوب الکتریکی
اع۲ جریان الکتریکی
اع۳ الکتریسیته
او تخلیه الکتریکی
ان *Leakage current*

جریان نوری
او تحلیل تصویر
ان *Optical flow*

جریان نیوتنی
اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
او مایع نیوتنی
ان *Newtonian flow*

جریان هماصوتی
اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
او آیرودینامیک
او آیرودینامیک هماصوتی
او تونل باد

او جریان زیرصوت
او جریان فروصوتی
او موج شوکی
ان *Transonic flow*

جستجوی درون‌خطی

اع۱ بازیابی اطلاعات
اع۲ تجزیه و تحلیل اطلاعات
اع۳ علم اطلاع‌رسانی
او سیستم بازیابی اطلاعات
او سیستم درون‌خطی
ان *Online searching*

جستجوی زغال‌سنگ

اع۱ پژوهش
او زغال‌سنگ
ان *Coal research*

جستجوی شعله

اع۱ پژوهش
او آتش‌سوزی
او احتراق
او سوخت
ان *Flame research*

جسم دوار

اع۱ هندسه
اع۲ فن ریاضی
اخ۱ استوانه
اخ۱ کره
او شارش سیال
او مخروط
ان *body of revolution*

جسم مرکب فلزی

اع۱ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ ترکیبات آلومینیوم
اخ۲ آلومین
اخ۳ آلومین فعال‌شده
اخ۳ آلومین متخلخل
اخ۳ کورندوم
اخ۲ آلومین هیدراته
اخ۲ ترکیبات آلومینیم نیم‌رسانا
اخ۲ زئولیت
اخ۲ فلدسپار
اخ۲ کانی کلریتی
اخ۱ ترکیبات اورانیم
اخ۲ اورانیم دی‌اکسید
اخ۲ اورانیم کاربید
اخ۲ کانی اورانیتی
اخ۱ ترکیبات ایندیم
اخ۲ ترکیبات ایندیم نیم‌رسانا
اخ۳ فسفید ایندیم نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات پلوتونیم
اخ۱ ترکیبات تکنسیم
اخ۱ ترکیبات توریم
اخ۲ توریا
اخ۱ ترکیبات خاک کمیاب
اخ۲ ترکیبات اربیم
اخ۲ ترکیبات اروپیم
اخ۲ ترکیبات ایتربیم
اخ۲ ترکیبات پرازئودیمیم
اخ۲ ترکیبات تربیم
اخ۲ ترکیبات تولیم
اخ۲ ترکیبات دیسپروسیم
اخ۲ ترکیبات ساماریم
اخ۳ ترکیبات ساماریم نیم‌رسانا
اخ۲ ترکیبات سریم
اخ۲ ترکیبات گادولینیم
اخ۲ ترکیبات لانتان
اخ۲ ترکیبات لوتتیم
اخ۲ ترکیبات نئودیم
اخ۲ ترکیبات هولمیم
اخ۲ خاک کمیاب
اخ۱ ترکیبات ژرمانیم
اخ۲ ترکیبات ژرمانیم نیم‌رسانا
اخ۲ کانی ژرمانیتی
اخ۱ ترکیبات فلز سنگین
اخ۲ ترکیبات آنتیموان
اخ۳ ترکیبات آنتیموان نیم‌رسانا
اخ۲ ترکیبات بیسموت
اخ۳ ترکیبات بیسموت نیم‌رسانا
اخ۲ ترکیبات تالیم
اخ۲ ترکیبات جیوه
اخ۲ ترکیبات سرب
اخ۳ ترکیبات سرب نیم‌رسانا
اخ۲ ترکیبات قلع
اخ۳ ترکیبات قلع نیم‌رسانا
اخ۲ ترکیبات کادمیم
اخ۳ ترکیبات کادمیم نیم‌رسانا

اخ۲ صابون فلزی
اخ۱ ترکیبات فلز قلیایی
اخ۲ ترکیبات پتاسیم
اخ۳ پتاس
اخ۲ ترکیبات روبیدیم
اخ۲ ترکیبات سدیم
اخ۳ سدیم کلرید
اخ۳ سود سوزآور
اخ۲ ترکیبات سزیم
اخ۲ ترکیبات لیتیم
اخ۱ ترکیبات فلز قلیایی خاکی
اخ۲ ترکیبات استرونسیم
اخ۲ ترکیبات باریم
اخ۳ باریم تیتانات
اخ۲ ترکیبات بریلیم
اخ۳ بریلیا
اخ۳ کانی بریلیوم
اخ۲ ترکیبات کلسیم
اخ۳ آهک
اخ۳ آهک هیدراته
اخ۳ پروفسکیت
اخ۳ فلئوراسپار
اخ۳ کلسیت
اخ۳ کلسیم کاربید
اخ۲ ترکیبات منیزیم
اخ۳ کانی کلریتی
اخ۳ منیزی
اخ۳ منیزیت
اخ۱ ترکیبات فلز واسطه
اخ۲ ترکیبات آهن
اخ۳ اکسید آهن
اخ۳ پیریت
اخ۳ کانی کلریتی
اخ۳ کرومیت
اخ۲ ترکیبات اسکاندیم
اخ۲ ترکیبات ایتریم
اخ۲ ترکیبات تیتانیم
اخ۳ باریم تیتانات
اخ۳ تیتانیم اکسید
اخ۳ تیتانیم کاربید
اخ۳ تیتانیم نیترید
اخ۳ کانی تیتاناتی
اخ۲ ترکیبات جیوه
اخ۲ ترکیبات روی
اخ۳ اکسید روی
اخ۳ ترکیبات روی نیم‌رسانا
اخ۳ سولفید روی
اخ۲ ترکیبات زیرکونیم
اخ۳ زیرکن
اخ۳ زیرکونیا
اخ۲ ترکیبات فلز گرانبها
اخ۳ ترکیبات طلا
اخ۳ ترکیبات فلز گروه پلاتین
اخ۳ ترکیبات نقره
اخ۲ ترکیبات فلزی دیرگداز
اخ۳ ترکیبات تانتال
اخ۳ ترکیبات تنگستن
اخ۳ ترکیبات رنیم
اخ۳ ترکیبات کروم
اخ۳ ترکیبات مولیبدن
اخ۳ ترکیبات نیوبیم
اخ۳ ترکیبات وانادیم
اخ۲ ترکیبات کادمیم
اخ۳ ترکیبات کادمیم نیم‌رسانا
اخ۲ ترکیبات کبالت
اخ۲ ترکیبات مس
اخ۳ اکسید مس
اخ۲ ترکیبات منگنز
اخ۳ ترکیبات منگنز نیم‌رسانا
اخ۲ ترکیبات نیکل
اخ۲ ترکیبات هافنیم
اخ۱ ترکیبات گالیم
اخ۲ ترکیبات گالیم نیم‌رسانا
اخ۳ آرسنید گالیم نیم‌رسانا
او آلیاژ
او بین‌فلزی
او ترکیبات معدنی
او فلز
او کانی سولفیدی
ان *Metallic compounds*

جعبه انتقال(وسیله نقلیه)

اع۱ بارگنج
ان *Transfer case (vehicle)*

جعبه‌دنده

اع۱ محرک مکانیکی
اع۲ محرک
اع۳ اجزای ماشین
اخ۱ جعبه‌دنده با سرعت وردش‌پذیر
اخ۱ جعبه‌دنده وسیله نقلیه

اخ۲ جعبه‌دنده خودرو
او انتقال قدرت
او چرخ‌دنده
او دنده چرخ زنجیرخور
او مبدل گشتاور نیرو
ان *Transmissions*

جعبه‌دنده با سرعت وردش‌پذیر

اع۱ جعبه‌دنده
اع۲ محرک مکانیکی
اع۳ مخرک
ان *Variable speed transmissions*

جعبه‌دنده خودرو

اع۱ جعبه‌دنده وسیله نقلیه
اع۲ جعبه‌دنده
اع۳ محرک مکانیکی
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ وسیله نقلیه
اع۱ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۲ خودرو
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
او انتقال قدرت
ان *Automobile transmissions*

جعبه‌دنده وسیله نقلیه

اع۱ جعبه‌دنده
اع۲ محرک مکانیکی
اع۳ محرک
اع۱ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ وسیله نقلیه
اخ۱ جعبه‌دنده خودرو
او انتقال قدرت
او مبدل گشتاور نیرو
ان *Vehicle transmissions*

جعبه کاغذی

اع۱ بارگنج
اع۱ فراورده کاغذی
ان *Paper container*

جعبه مقوایی

اع۱ بارگنج
او مقوا
ان *Paperboard container*

جفت‌ساز

اع۱ اجزا
اخ۱ جفت‌ساز انعطاف‌پذیر
اخ۱ جفت‌ساز دریایی
اخ۱ جفت‌ساز مغناطیسی
اخ۱ قلاب واگن راه‌آهن
او کلاچ
او هزارخار
ان *Coupling*

جفت‌ساز انعطاف‌پذیر

اع۱ جفت‌ساز
اع۲ اجزا
ان *Flexible coupling*

جفت‌ساز دریایی

اع۱ جفت‌ساز
اع۲ اجزا
او قطعات و تجهیزات آب‌پیما
ان *Marine coupling*

جفت‌ساز مغناطیسی

اع۱ جفت‌ساز
اع۲ اجزا
ان *Magnetic coupling*

جفت‌ساز موجبر

اع۱ اجزای موجبر
اع۲ اجزا
اع۲ موجبر
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او مدار جفت‌شده
ان *Waveguide coupler*

جفت‌شدگی تار نوری

ب‌ج *الیاف نوری جفت‌شده*
اع۱ تار نوری
اع۲ الیاف مصنوعی
اع۳ الیاف
ان *Optical fiber coupling*

جک

اع۱ تجهیزات
او دست‌افزار
او کارانداز
ان *Jack*

جلاکاری

اع۱ تکمیل
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
او پرداخت
او پرداخت فلز
او سنگ‌زنی(تراشکاری)
او ماشین جلاکاری
ان *Buffing*

جلبک

اع۱ گیاه
اخ۱ جلبک دریایی
او زیست‌شناسی دریایی
او کنترل جلبک
او منبع ذخیره‌سازی آب
او میکروارگانیسم
ان *Algae*

جلبک دریایی

اع۱ جلبک
اع۲ گیاه
او اقیانوس‌شناسی
ان *Seaweed*

جمع‌آوری جریان الکتریکی

او پیشرانش الکتریکی
او جمع‌کننده جریان الکتریکی
او کشش الکتریکی
ان *Electric current collection*

جمع‌آوری زباله شهری

اع۱ دفع زباله
اع۲ دفع پسمانده
او کامیون زباله
ان *Refuse collection*

جمع‌زن

بج *افزایشگر دوتایی*
بج *مدار حمل*
اع۱ مدار رقمی
اع۲ شبکه(مدار)
او ثبات انتقال
او حساب رقمی
او مدار جمع‌زنی
او مدار شمارش
او مدار منطقی
او مدار منطقی حمل
ان *Adder*

جمع‌شدگی

بج *انقباض*
او پایداری ابعادی
او جازنی انقباضی
او رشد(مواد)
او مصنوع نساجی
ان *Shrinkage*

جمع‌کن خورشیدی

اع۱ تجهیزات خورشیدی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ حوضه خورشیدی
او تابش خورشیدی
او جذب‌کننده خورشیدی
ان *Solar collector*

جمع‌کننده جریان الکتریکی

اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ رسانای جارویی
اخ۱ شاخک برق‌رسان
او جمع‌آوری جریان الکتریکی
او راه‌آهن برقی
ان *Electric current collector*

جنبش‌شناسی

بک نظریه جنبشی

جنبش‌شناسی آنزیمی

او آنزیم
ان *Enzyme kinetics*

جنبش‌شناسی رشد

او زیست‌شناسی
او کشت یاخته
ان *Growth kinetics*

جنبه اجتماعی

او اثر اجتماعی و اقتصادی
او آمار جامعه
او بعد حرفه‌ای
او جنبه فلسفی
او علوم اجتماعی
ان *Social aspect*

جنبه فلسفی

او جنبه اجتماعی
او فناوری
او مهندسی
او نظریه
ان *Philosophical aspect*

جنگ

ب‌ک عملیات نظامی

جنگ الکترونیکی

اع۱ عملیات نظامی
اخ۱ پادسنجش الکترونیکی نظامی
اخ۲ پادسنجش راداری
اخ۱ تولید پارازیت
او رادار
او مهندسی نظامی
ان *Electronic warfare*

جنگ دریایی

اع۱ عملیات نظامی
او پرتاب‌شناسی زیرآبی
او مهندسی نظامی
او موشک پرتاب‌شده از زیر آب
او موشک دریایی
ان *Naval warfare*

جنگ شیمیایی

ب‌ج *جنگ گاز سمی*
ب‌ج *جنگ گازی*
اع۱ عملیات نظامی
ان *Chemical warfare*

جنگ گاز سمی

ب‌ک جنگ شیمیایی

جنگ گازی

ب‌ک جنگ شیمیایی

جنگلبانی

اخ۱ نگاربرداری(جنگلبانی)
او کشاورزی
او مهندسی محیط
ان *Forestry*

جو

ب‌ک جو محافظ

جواهر

ب‌ک گوهر

جو بالا

اع۱ جو زمین
اخ۱ میدان مغناطیسی زمین
اخ۲ کمربند تابشی
اخ۱ یون‌کره
اخ۲ منطقه اف.
اخ۲ منطقه ای.
اخ۲ منطقه دی.
او لایه اوزون
ان *Upper atmosphere*

جو برون زمینی

او الکتریسیته جوی
او بارش(هواشناسی)
او پرتوزایی جوی
او تابش جو
او ترکیب جوی
او ترمودینامیک جو
او توفان
او چگالی جوی
او حرکت جوی
او دمای جوی
او رطوبت هوا
او ساختار جوی

او سیاره
او شیمی جو
او صوت‌شناسی جوی
او طیف جوی
او فشار جو
او نورشناسی جوی
او هواشناسی
ان *Extraterrestrial atmosphere*

جو زمین

اخ۱ ابر
اخ۱ جو بالا
اخ۲ میدان مغناطیسی زمین
اخ۳ کمربند تابشی
اخ۲ یون‌کره
اخ۳ منطقه اف.
اخ۳ منطقه ای.
اخ۳ منطقه دی.
اخ۱ لایه اوزون
اخ۱ مه
اخ۱ وردسپهر
او آب‌وهواشناسی
او آلودگی هوا
او انتشار موج الکترومغناطیسی یون‌کره‌ای
او بارش(هواشناسی)
او پرتوزایی جوی
او تابش جو
او ترکیب جوی
او ترمودینامیک جو
او توفان
او چگالی جوی
او حرکت جوی
او دمای جوی
او رطوبت هوا
او زمین(سیاره)
او ساختار جوی
او شیمی جو
او صوت‌شناسی جوی
او طیف جوی
او فشار جو
او کیفیت هوا
او لایه‌بندی گرمایی
او نورشناسی جوی
او هوا
او هواشناسی
او هوامیز جوی
او یونش جو
ان *Earth atmosphere*

جوش

اع۱ اتصال(اجزای سازه‌ای)
اع۲ عضو سازه‌ای
اع۳ اجزا
اع۳ سازه
او اتصال لحیم‌شده
او اتصال لوله
او تنش‌زدایی
او جوشکاری
او ساختار فولاد جوشکاری‌شده
او عملیات حرارتی
او متالورژی
او ناحیه حرارت‌دیده
ان *Weld*

جوشاننده چرخندی

اع۱ دیگ بخار
اع۲ مولد بخار
اع۳ تجهیزات گرمایش
ان *Cyclone boiler*

جوش‌پذیری

اع۱ شکل‌پذیری
اع۲ ویژگی مکانیکی
او جوشکاری
او چکش‌خواری
او ویژگی فیزیکی
ان *Weldability*

جوشش
ب‌ک مایع جوشان

جوشش هسته‌ای

اع۱ مایع جوشان
اع۲ مایع
اع۳ سیال
او انتقال گرما
او هسته‌بندی
ان *Nucleate boiling*

جوشکاری

اخ۱ جوشکاری با باریکه الکترونی
اخ۱ جوشکاری با باریکه لیزری
اخ۱ جوشکاری برقی
اخ۲ جوشکاری برقی با سرباره
اخ۲ جوشکاری درزی
اخ۲ جوشکاری قوس الکتریکی
اخ۳ جوشکاری با گاز بی‌اثر
اخ۳ جوشکاری قوسی زیرپودری
اخ۳ جوشکاری قوسی کربن دی‌اکسید
اخ۳ سیم‌جوش با مغزه گدازآور
اخ۲ جوشکاری مقاومتی
اخ۳ جوشکاری برجسته
اخ۳ جوشکاری جرقه‌ای
اخ۳ جوشکاری ضربتی
اخ۳ جوشکاری نقطه‌ای
اخ۱ جوشکاری پلاسما
اخ۱ جوشکاری ترمیتی
اخ۱ جوشکاری ذوبی زیرپودری
اخ۱ جوشکاری زیرآبی
اخ۱ جوشکاری فشاری
اخ۲ جوشکاری اصطکاکی
اخ۲ جوشکاری انفجاری
اخ۲ جوشکاری برجسته
اخ۲ جوشکاری جرقه‌ای
اخ۲ جوشکاری خلاء
اخ۲ جوشکاری سرد
اخ۲ جوشکاری ضربتی
اخ۲ جوشکاری فراصوتی
اخ۲ جوشکاری مقاومتی
اخ۳ جوشکاری برجسته
اخ۳ جوشکاری جرقه‌ای
اخ۳ جوشکاری ضربتی
اخ۳ جوشکاری نقطه‌ای
اخ۲ جوشکاری میله‌ای
اخ۱ جوشکاری گازی
اخ۱ جوشکاری لب به لب
اخ۱ جوشکاری هیدرودینامیک
او آلیاژ
او برش اکسیژنی
او پیش‌گرمایش
او جو محافظ
او جوش
او جوش‌پذیری
او چفت
او ساختار فولاد جوشکاری‌شده
او سخت‌پوشی
او شناسه جوشکاری
او فلز
او فلز پرکننده
او فلزکاری
او کارگاه جوشکاری
او گدازآور
او لحیم‌کاری
او لحیم‌کاری سخت
او ماشین جوشکاری
او ناحیه حرارت‌دیده
ان *Welding*

جوشکاری آلومینوترمیک
ب‌ک جوشکاری ترمیتی

جوشکاری آهنگری
ب‌ک جوشکاری فشاری

جوشکاری اصطکاکی
اع۱ جوشکاری فشاری
اع۲ جوشکاری
ان *Friction welding*

جوشکاری انفجاری
اع۱ جوشکاری فشاری
اع۲ جوشکاری
او اتصال انفجاری
ان *Explosive welding*

جوشکاری با باریکه الکترونی
اع۱ جوشکاری
او باریکه الکترون
او جوشکاری خلاء
ان *Electron beam welding*

جوشکاری با باریکه لیزری
ب‌ج *جوشکاری لیزری*
اع۱ جوشکاری
اع۱ کاربرد لیزر
اع۲ کاربرد
او باریکه لیزری
او جوشکاری خلاء
او لیزر
او ماشین جوشکاری لیزری

ان *Laser beam welding*

جوشکاری با گاز بی‌اثر

اع۱ جوشکاری قوس الکتریکی
اع۲ جوشکاری برقی
اع۳ جوشکاری
او جوشکاری فشاری
او جوشکاری میله‌ای
او جوشکاری نقطه‌ای
او گاز بی‌اثر
ان *Inert gas welding*

جوش‌کاری با هسته سیالی

ب‌ک سیم‌جوش با مغزه گدازآور

جوشکاری برجسته

اع۱ جوشکاری فشاری
اع۲ جوشکاری
اع۱ جوشکاری مقاومتی
اع۲ جوشکاری برقی
اع۳ جوشکاری
اع۲ جوشکاری فشاری
اع۳ جوشکاری
ان *Projection welding*

جوشکاری برقی

اع۱ جوشکاری
اع۱ جوشکاری برقی با سرباره
اع۱ جوشکاری درزی
اع۱ جوشکاری قوس الکتریکی
اع۲ جوشکاری با گاز بی‌اثر
اع۲ جوشکاری قوسی زیرپودری
اع۲ جوشکاری قوسی کربن دی‌اکسید
اع۲ سیم‌جوش با مغزه گدازآور
اع۱ جوشکاری مقاومتی
اع۲ جوشکاری برجسته
اع۲ جوشکاری جرقه‌ای
اع۲ جوشکاری ضربتی
اع۲ جوشکاری نقطه‌ای
اع۳ بخیه‌کاری(اتصال فلزی)
او الکترود جوشکاری
او جوشکاری فشاری
او مفتول جوشکاری
ان *Electric welding*

جوشکاری برقی با سرباره

اع۱ جوشکاری برقی
اع۲ جوشکاری
ان *Electroslag welding*

جوشکاری پلاسما

ب‌ج *جوشکاری پلاسمای قوسی*
اع۱ جوشکاری
اع۱ کاربرد پلاسما
اع۲ کاربرد
ان *Plasma welding*

جوشکاری پلاسمای قوسی

ب‌ک جوشکاری پلاسما

جوشکاری ترمیتی

ب‌ج *جوشکاری آلومینوترمیک*
اع۱ جوشکاری
او جوشکاری فشاری
ان *Thermit welding*

جوشکاری جرقه‌ای

اع۱ جوشکاری فشاری
اع۲ جوشکاری
اع۱ جوشکاری مقاومتی
اع۲ جوشکاری برقی
اع۳ جوشکاری
اع۲ جوشکاری فشاری
اع۳ جوشکاری
ان *Flash welding*

جوشکاری خلاء

اع۱ جوشکاری فشاری
اع۲ جوشکاری
اع۱ کاربرد خلاء
اع۲ کاربرد
او جوشکاری با باریکه الکترونی
او جوشکاری با باریکه لیزری
ان *Vacuum welding*

جوشکاری درزی

اع۱ جوشکاری برقی
اع۲ جوشکاری
ان *Seam welding*

جوشکاری ذوبی زیرپودری

اع۱ جوشکاری

ان *Submerged melt welding*

جوشکاری زیرآبی

اع۱ جوشکاری

او تجهیزات زیرآبی

او سازه زیرآبی

او مهندسی اقیانوس

ان *Underwater welding*

جوشکاری سرد

اع۱ جوشکاری فشاری

اع۲ جوشکاری

ان *Cold welding*

جوشکاری ضربتی

اع۱ جوشکاری فشاری

اع۲ جوشکاری

اع۱ جوشکاری مقاومتی

اع۲ جوشکاری برقی

اع۳ جوشکاری

اع۲ جوشکاری فشاری

اع۳ جوشکاری

او جوشکاری میله‌ای

او جوشکاری نقطه‌ای

ان *Percussion welding*

جوشکاری فراصوتی

اع۱ جوشکاری فشاری

اع۲ جوشکاری

اع۱ کاربرد فراصوتی

اع۲ کاربرد

او جوشکاری نقطه‌ای

ان *Ultrasonic welding*

جوشکاری فشاری

ی‌د گرم یا سرد

ب‌ج *جوشکاری آهنگری*

اع۱ جوشکاری

اخ۱ جوشکاری اصطکاکی

اخ۱ جوشکاری انفجاری

اخ۱ جوشکاری برجسته

اخ۱ جوشکاری جرقه‌ای

اخ۱ جوشکاری خلاء

اخ۱ جوشکاری سرد

اخ۱ جوشکاری ضربتی

اخ۱ جوشکاری فراصوتی

اخ۱ جوشکاری مقاومتی

اخ۲ جوشکاری برجسته

اخ۲ جوشکاری جرقه‌ای

اخ۲ جوشکاری ضربتی

اخ۲ جوشکاری نقطه‌ای

اخ۳ بخیه‌کاری(اتصال فلزی)

اخ۱ جوشکاری میله‌ای

او جوشکاری با گاز بی‌اثر

او جوشکاری برقی

او جوشکاری ترمیتی

او جوشکاری قوس الکتریکی

او جوشکاری گازی

او جوشکاری نقطه‌ای

ان *Pressure welding*

جوشکاری قوس الکتریکی

ب‌ج *جوشکاری قوسی*

اع۱ جوشکاری برقی

اع۲ جوشکاری

اخ۱ جوشکاری با گاز بی‌اثر

اخ۱ جوشکاری قوسی زیرپودری

اخ۱ جوشکاری قوسی کربن دی‌اکسید

اخ۱ سیم‌جوش با مغزه گدازآور

او جوشکاری فشاری

او جوشکاری نقطه‌ای

او قوس الکتریکی

ان *Electric arc welding*

جوشکاری قوس فلزی با گاز

ب‌ک جوشکاری قوسی کربن دی‌اکسید

جوشکاری قوسی

ب‌ک جوشکاری قوس الکتریکی

جوشکاری قوسی زیرپودری

اع۱ جوشکاری قوس الکتریکی

اع۲ جوشکاری برقی

اع۳ جوشکاری

او جوشکاری نقطه‌ای

ان *Submerged arc welding*

جوشکاری قوسی کربن دی‌اکسید

ب‌ج *جوشکاری قوس فلزی با گاز*
اع۱ جوشکاری قوس الکتریکی
اع۲ جوشکاری برقی
اع۳ جوشکاری
او کربن دی‌اکسید
ان *Carbon dioxide arc welding*

جوشکاری گازی

اع۱ جوشکاری
او جوشکاری فشاری
ان *Gas welding*

جوشکاری لب به لب

اع۱ جوشکاری
ان *Butt welding*

جوشکاری لیزری

ب‌ک جوشکاری با باریکه لیزری

جوشکاری مقاومتی

ب‌ج *جوشکاری مقاومتی الکتریکی*
اع۱ جوشکاری برقی
اع۲ جوشکاری
اع۱ جوشکاری فشاری
اع۲ جوشکاری
اخ۱ جوشکاری برجسته
اخ۱ جوشکاری جرقه‌ای
اخ۱ جوشکاری ضربتی
اخ۱ جوشکاری نقطه‌ای
اخ۲ بخیه‌کاری(اتصال فلزی)
ان *Resistance welding*

جوشکاری مقاومتی الکتریکی

ب‌ک جوشکاری مقاومتی

جوشکاری میله‌ای

اع۱ جوشکاری فشاری
اع۲ جوشکاری
او جوشکاری با گاز بی‌اثر
او جوشکاری ضربتی
ان *Stud welding*

جوشکاری نقطه‌ای

اع۱ جوشکاری مقاومتی
اع۲ جوشکاری برقی
اع۳ جوشکاری
اع۲ جوشکاری فشاری
اع۳ جوشکاری
اخ۱ بخیه‌کاری(اتصال فلزی)
او جوشکاری با گاز بی‌اثر
او جوشکاری ضربتی
او جوشکاری فراصوتی
او جوشکاری فشاری
او جوشکاری قوس الکتریکی
او جوشکاری قوسی زیرپودری
او ماشین جوشکاری
ان *Spot welding*

جوشکاری هیدرودینامیک

اع۱ جوشکاری
او هیدرودینامیک
ان *Hydrodynamic welding*

جو محافظ

ب‌ج جو
ب‌ج *جو مهارشده*
او آبدهی
او بازدارنده خوردگی
او تهویه مطبوع
او جوشکاری
او سخت‌گردانی
او عملیات حرارتی
او فرایند ریخته‌گری
او کوره
او گاز بی‌اثر
ان *Protective atmosphere*

جو مهارشده

ب‌ک جو محافظ

جونوفه

ب‌ج *تداخل جوی*
اع۱ الکتریسیته جوی
اع۲ الکتریسیته
اع۱ تخلیه الکتریکی
اع۲ اثر میدان الکتریکی
اع۳ اثر
او آذرخش

او ارسال رادیویی
او تداخل در سیگنال
او تداخل رادیویی
ان *Atmospheric*

جوهر

ی‌د شامل جوهر چاپ
اع۱ مواد
او چاپ
ان *Ink*

جویدن

اع۱ زیست‌مکانیک
اع۲ مکانیک
ان *Mastication*

جهت بلور

اع۱ ساختار بلور
اع۲ ساختار(ترکیب)
او آرایش مولکولی
او بلور
او بلورنگاری
او صورتبندی
ان *Crystal orientation*

جهت‌یاب(مغناطیسی)

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او اندازه‌گیری متغیر مغناطیسی
او سنج‌افزار نقشه‌برداری
ان *Compass (magnetic)*

جهت‌یاب ادکاک

اع۱ سیستم جهت‌یابی رادیویی
اع۲ تجهیزات رادیویی
اع۳ تجهیزات مخابراتی
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
ان *Adcock direction finder*

جهت‌یابی رادیویی

ب‌ک سیستم جهت‌یابی رادیویی

جهش‌زا

اع۱ عامل
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او آلودگی هوا
او پادزی
او تجزیه شیمیایی
او جهش‌زایی
او زیست‌شیمی
او سرطانزا
ان *Mutagen*

جهش‌زایی

او جهش‌زا
او مهندسی ژنتیک
ان *Mutagenesis*

جهش هیدرولیکی

او هیدرولیک
ان *Hydraulic jump*

جیگ

اع۱ ابزار تراش
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات برش
اع۳ تجهیزات
او گیره
ان *Jig*

جیوه(فلز)

ب‌ج مسمومیت جیوه‌ای
اع۱ فلز سنگین
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
اع۱ فلز واسطه
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او ترکیبات جیوه
او ذخیره جیوه
او فلز مذاب
او لامپ بخار جیوه‌ای
او معدن جیوه
او ملغمه جیوه
او یک‌سوساز بخار جیوه‌ای
ان *Mercury (metal)*

چاپ
اخ۱ ترکیب نوری
اخ۱ چاپ افست
اخ۱ چاپ الکترواستاتیکی
اخ۱ چاپ پرده‌ای
اخ۱ چاپ رنگی
اخ۱ چاپ گرمایی
اخ۱ چاپ مصنوع نساجی
اخ۱ حروف‌چینی
او اشاعه اطلاعات
او جوهر
او روش گرافیکی
او صفحه چاپ
او ماشین چاپ
او ماشین‌آلات چاپ
او مجموعه کاراکتر
او نشان‌دارکردن
او واژه‌پردازی
او ویژگی چاپ
ان *Printing*

چاپ افست
اع۱ چاپ
او چاپ سنگی
او صفحه چاپ افست
ان *Offset printing*

چاپ الکترواستاتیکی
اع۱ چاپ
او الکترواستاتیک
ان *Electrostatic printing*

چاپ اوزالید
او کپی‌برداری
او کپی‌برداری نوری
ان *Blueprint*

چاپ پرده‌ای
اع۱ چاپ
او مدار چاپی
ان *Screen printing*

چاپ رنگی
اع۱ چاپ
او رنگ(فام)
ان *Color printing*

چاپ روزنامه
اع۱ کاغذ
اع۲ مواد
او صنعت کاغذ و خمیر چوب
ان *Newsprint*

چاپ سنگی
ب‌ج *چاپ سنگی ریز*
اخ۱ چاپ سنگی باریکه یونی
اخ۱ چاپ نوری
اخ۲ چاپ سنگی پرتو ایکس.
اخ۲ نورمقاوم
اخ۱ لیتوگرافی با باریکه الکترونی
او ابزار نیم‌رسانا
او تولید مدارمجتمع
او چاپ افست
او ماسک
او مدار چاپی
ان *Lithography*

چاپ سنگی باریکه یونی
ب‌ج *چاپ سنگی یونی*
اع۱ چاپ سنگی
او باریکه یونی
او تولید ابزار نیم‌رسانا
ان *Ion beam lithography*

چاپ سنگی پرتو ایکس.
اع۱ چاپ نوری
اع۲ چاپ سنگی
او پرتو ایکس.
او تولید ابزار نیم‌رسانا
او تولید مدارمجتمع
او دستگاه پرتو ایکس.
او ماسک
ان *X ray lithography*

چاپ سنگی ریز
ب‌ک چاپ سنگی

چاپ سنگی یونی

ب‌ک چاپ سنگی باریکه یونی

چاپگر(رایانه)

اع۱ تجهیزات جانبی رایانه
اع۲ سخت‌افزار رایانه
اع۳ رایانه
او رسام(رایانه)
او ماشین تحریر
ان *Printer (computer)*

چاپ گرمایی

اع۱ چاپ
ان *Thermal printing*

چاپ مصنوع نساجی

اع۱ تکمیل نساجی
اع۲ تکمیل
اع۳ فراورش
اع۲ فرایند نساجی
اع۳ فراورش
اع۱ چاپ
ان *Textile printing*

چاپ نوری

اع۱ چاپ سنگی
اخ۱ چاپ سنگی پرتو ایکس
اخ۱ نورمقاوم
او تولید ابزار نیم‌رسانا
او تولید مدارمجتمع
او ماسک
او مدار چاپی
ان *Photolithography*

چاله‌کن

اع۱ ابزار حفره‌کنی
اع۲ ابزار تراش
اع۳ ابزار
اع۳ تجهیزات برش
او مته معدن‌کاری
ان *Auger*

چاله‌کن دستی

اع۱ ماشین برش(معدن‌کاری)
اع۲ تجهیزات برش
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات معدن‌کاری
اع۳ تجهیزات معدن‌کاری
اع۳ ماشین‌آلات
ان *Mine auger*

چاه

اخ۱ چاه آب
اخ۲ چاه زمین‌گرمایی
اخ۱ چاه گاز طبیعی
اخ۱ چاه نفتی
اخ۲ چاه افقی
اخ۲ چاه نفت دریایی
او تکمیل چاه
او تلمبه چاه
او چاه آزمایشی
او چاه‌آزمایی
او چاه‌نگاری
او فاصله‌بندی چاه
ان *Well*

چاه آب

اع۱ چاه
اخ۱ چاه زمین‌گرمایی
او آب
او آب نمک
او آب‌رسانی
او آب‌شکست
او تجدید بارگیری(آب زیرزمینی)
او تلمبه چاه آب
او چاه‌نگاری چاه آب
او حفاری جهتی
او منبع آب زیرزمینی
ان *Water well*

چاه آزمایشی

اخ۱ چاه آزمایشی اکتشافی
اخ۱ چاه آزمایشی منحرف‌شده
او ابزاریابی(چاه نفت)
او چاه
او چاه معدن
او چاه‌نگاری
او حفاری چاه
او گودبرداری
ان *Borehole*

چاه آزمایشی اکتشافی
اع۱ چاه آزمایشی
او اکتشاف نفت
او حفاری اکتشافی چاه نفت
ان *Exploratory borehole*

چاه آزمایشی منحرف‌شده
اع۱ چاه آزمایشی
او حفاری جهتی
او حفاری چاه انحرافی
ان *Deflected borehole*

چاه‌آزمایی
اع۱ آزمایش
اع۱ آزمایش چاه نفت
او چاه
ان *Well testing*

چاه افقی
اع۱ چاه نفتی
اع۲ چاه
او حفاری چاه نفت
ان *Horizontal well*

چاه‌پیمایی
ب‌ک چاه‌نگاری

چاه زمین‌گرمایی
اع۱ چاه آب
اع۲ چاه
اع۱ منبع آب زمین‌گرمایی
اع۲ منبع آب
اع۳ منبع طبیعی
او آب نمک
او تجدید بارگیری(آب زیرزمینی)
او حفاری چاه
او فشار چاه
او میدان زمین‌گرمایی
ان *Geothermal well*

چاه‌کنی
اع۱ گودبرداری
اخ۱ سیمان‌کاری
اخ۲ سیمان‌کاری چاه
اخ۳ سیمان‌کاری چاه نفت
او آستره
او چاه معدن
او حفاری
او دوغاب‌ریزی
ان *Shaft sinking*

چاه کوانتمی چندگانه
ب‌ک چاه کوانتمی نیم‌رسانا

چاه کوانتمی نیم‌رسانا
ب‌ج *چاه کوانتمی چندگانه*
اع۱ پیوند نیم‌رسانا
او ابرشبکه نیم‌رسانا
او ابزار تداخل کوانتومی
او سیم کوانتمی نیم‌رسانا
او لیزر چاه کوانتمی
او لیزر نیم‌رسانا
او نقطه کوانتومی نیم‌رسانا
ان *Semiconductor quantum well*

چاه گاز طبیعی
اع۱ چاه
او بهره‌برداری از چاه گاز طبیعی
او ترکیدگی
او تکمیل چاه گاز طبیعی
او چاه‌نگاری گاز طبیعی
او حفاری چاه گاز طبیعی
او صنعت نفت
او فاصله‌بندی چاه
او فشار چاه
او گاز طبیعی
او گاز هیدرات
او ماسه‌سختی
او مشبک‌کاری چاه
ان *Natural gas well*

چاه معدن
اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
اخ۱ آستر چاه معدن
او چاه آزمایشی
او چاه‌کنی
ان *Mine shaft*

چاه نفت دریایی

اع۱ چاه نفتی
اع۲ چاه
او حفاری دریایی
او خط‌لوله دریایی
او سازه نزدیک ساحل
او سکوی تولید
او میدان نفت دریایی
ان *Offshore oil well*

چاه نفتی

اع۱ چاه
اخ۱ چاه افقی
اخ۱ چاه نفت دریایی
او آب‌روبی چاه نفت
او آب‌شکست
او آتش‌سوزی چاه نفت
او آزمایش چاه نفت
او اضافه کار چاه
او ایجاد شکستگی(چاه نفت)
او بهره‌برداری از چاه نفت
او ترکیدگی
او تکمیل چاه نفت
او تلمبه‌کردن چاه نفت
او حفاری چاه نفت
او حفاظ چاه نفت
او رسوب‌گذاری پارافین
او سیال سازندشکافی
او سیمان‌کاری چاه نفت
او صنعت نفت
او فاصله‌بندی چاه
او فشار ته چاه
او فشار چاه
او ماسه‌سختی
او مشبک‌کاری چاه
او مهندسی مخزن نفتی
او نگاربرداری چاه نفت
ان *Oil well*

چاه‌نگاری

ب‌ج *چاه‌پیمایی*
اع۱ ضبط‌کردن
اخ۱ چاه‌نگاری چاه آب
اخ۱ چاه‌نگاری گاز طبیعی
اخ۱ نگاربرداری الکترومغناطیسی
اخ۱ نگاربرداری الکتریکی
اخ۲ نگاربرداری القایی
اخ۲ نگاربرداری پتانسیل خودزاد
اخ۲ نگاربرداری قطبش القاشده
اخ۱ نگاربرداری پرتوزا
اخ۲ نمودارگیری نوترونی
اخ۱ نگاربرداری جهتی
اخ۱ نگاربرداری چاه نفت
اخ۱ نگاربرداری زمین‌گرمایی
اخ۱ نگاربرداری صوتی
اخ۱ نگاربرداری گازهای گل
اخ۱ نگاربرداری گرمایی
اخ۱ نگاربرداری مغناطیسی هسته‌ای
او پی‌جویی زمین‌فیزیکی
او چاه
او چاه آزمایشی
ان *Well logging*

چاه‌نگاری چاه آب

اع۱ چاه‌نگاری
اع۲ ضبط‌کردن
او چاه آب
ان *Water well logging*

چاه‌نگاری گاز طبیعی

اع۱ چاه‌نگاری
اع۲ ضبط‌کردن
او چاه گاز طبیعی
او حفاری چاه گاز طبیعی
او نگاربرداری القایی
او نگاربرداری الکترومغناطیسی
او نگاربرداری الکتریکی
او نگاربرداری جهتی
او نگاربرداری صوتی
او نگاربرداری قطبش القاشده
او نگاربرداری مغناطیسی هسته‌ای
او نمودارگیری نوترونی
ان *Natural gas well logging*

چتائی

ب‌ک الیاف چتائی

چتر نجات

اع۱ تجهیزات
او ابزار ایمنی

او فضاپیما
او قطعات و تجهیزات هواگرد
او ماهواره
او هواگرد
ان *Parachute*

چدن

اع۱ آلیاژ آهن
اع۲ آلیاژ فلز واسطه
اع۳ آلیاژ
او آهن ورزیده
او تخلیه فلز مذاب(کوره)
ان *Pig iron*

چدن چکشخور

ب‌چ *چدن نشکن*
اع۱ چدن ریخته‌گری
اع۲ آلیاژ آهن
اع۳ آلیاژ فلز واسطه
اع۲ قطعه ریختگی فلزی
اع۳ قطعه ریختگی
ان *Nodular iron*

چدن ریخته‌گری

ب‌چ *قطعه ریختگی آهنی*
ب‌چ *می‌هانیت*
اع۱ آلیاژ آهن
اع۲ آلیاژ فلز واسطه
اع۳ آلیاژ
اع۱ قطعه ریختگی فلزی
اع۲ قطعه ریختگی
اخ۱ چدن چکش‌خور
اخ۱ قطعه ریختگی آهن چکش‌خور
او آهن
او ریخته‌گری فلز
او گرافیت‌سازی
او لوله چدنی
ان *Cast iron*

چدن نشکن
ب‌ک چدن چکش‌خور

چراغ جلو

ب‌چ *چراغ جلوی خودرو*
اع۱ لامپ الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ چشمه نور
او قطعات و تجهیزات خودرو
ان *Headlight*

چراغ جلوی خودرو
ب‌ک چراغ جلو

چراغ راهنما

ب‌چ *چراغ‌راهنمای بزرگراه*
اع۱ سیستم علائم الکتریکی
اع۲ سیستم علائم
اع۳ سیستم ارتباطی
اخ۱ چراغ راهنمای القایی
او تابلوی راهنما
او جاده و خیابان
او خط‌کشی بزرگراه
او سیستم بزرگراه
او کنترل شدآمد بزرگراه
او کنترل شدآمد خیابان
ان *Traffic signal*

چراغ راهنمای القایی

اع۱ چراغ راهنما
اع۲ سیستم علائم الکتریکی
اع۳ سیستم علائم
ان *Vehicle actuated signal*

چراغ‌راهنمای بزرگراه
ب‌ک چراغ راهنما

چراغ راهنمای هواگرد

اع۱ قطعات و تجهیزات هواگرد
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ هواگرد
اع۱ لامپ الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ چشمه نور
ان *Aircraft signal light*

چراغ شمعک
اع۱ وسیله گازی
اع۲ تجهیزات
او بخاری گازی
ان *Pilot light*

چربی خوراکی
ب‌ک روغن و چربی

چرخ
اع۱ تجهیزات
اخ۱ چرخ سنگ‌زنی
اخ۱ چرخ وسیله نقلیه
او ترمز
او چرخ‌دنده
او لاستیک چرخ
او محرک مکانیکی
او محور
او واگن تخت(خط نورد راه‌آهن)
ان *Wheel*

چرخ‌آویز(اجزا)
اع۱ اجزا
اخ۱ چرخ‌آویز وسیله نقلیه
اخ۲ چرخ‌آویز خودرو
ان *Suspension (components)*

چرخ‌آویز خودرو
اع۱ چرخ‌آویز وسیله نقلیه
اع۲ چرخ‌آویز(اجزا)
اع۳ اجزا
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ تجهیزات
اع۳ وسیله نقلیه
اع۱ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۲ خودرو
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
ان *Automobile suspension*

چرخ‌آویز وسیله نقلیه
اع۱ چرخ‌آویز(اجزا)
اع۲ اجزا
اع۱ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ تجهیزات
اع۲ وسیله نقلیه
اخ۱ چرخ‌آویز خودرو
او کیفیت سواری
ان *Vehicle suspension*

چرخ بالاکش
اع۱ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۲ تجهیزات
اخ۱ بالابر معدن
اخ۲ بالابر استخراج کوئپه
اخ۲ دکل سر چاه
او تجهیزات ساخت
او جرثقیل
او جرثقیل دستی
ان *Hoists*

چرخ خیاطی
اع۱ ماشین‌آلات نساجی
اع۲ ماشین‌آلات
ان *Sewing machine*

چرخ‌دندگان
ب‌ک چرخ‌دنده

چرخ‌دنده
ب‌ج *چرخ‌دندگان*
اع۱ اجزای ماشین
اع۲ اجزا
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ چرخ‌دنده حلزونی
اخ۱ چرخ‌دنده خورشیدی
اخ۱ چرخ‌دنده ساده
اخ۱ چرخ‌دنده غیرفلزی
اخ۱ چرخ‌دنده مارپیچی
اخ۱ چرخ‌دنده مخروطی
اخ۱ دندانه چرخ‌دنده
اخ۱ کاهنده سرعت
او جعبه‌دنده
او چرخ
او چرخ‌دنده‌تراشی
او دنده چرخ زنجیرخور
او ساختن چرخ‌دنده
او سنج‌افزار

او ماشین چرخ‌دنده‌تراشی
او ماشین‌ابزار
او محرک
او محرک مکانیکی
ان *Gear*

چرخ‌دنده‌تراشی
اع۱ برش
او چرخ‌دنده
او دنده‌تراش
او ساختن چرخ‌دنده
او فرزکاری(تراشکاری)
او فلزتراشی
او ماشین چرخ‌دنده‌تراشی
ان *Gear cutting*

چرخ‌دنده حلزونی
اع۱ چرخ‌دنده
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
اع۳ ماشین‌آلات
او چرخ‌دنده مارپیچی
ان *Worm gear*

چرخ‌دنده خورشیدی
اع۱ چرخ‌دنده
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
ان *Epicyclic gear*

چرخ‌دنده ساده
اع۱ چرخ‌دنده
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
او چرخ‌دنده مارپیچی
ان *Spur gear*

چرخ‌دنده غیرفلزی
اع۱ چرخ‌دنده
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
او مواد غیرفلزی
ان *Nonmetallic gear*

چرخ‌دنده فرود هواپیما
ب‌ک ارابه فرود(هواگرد)

چرخ‌دنده مارپیچی
اع۱ چرخ‌دنده
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
او چرخ‌دنده حلزونی
او چرخ‌دنده ساده
ان *Helical gear*

چرخ‌دنده مخروطی
اع۱ چرخ‌دنده
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
ان *Bevel gear*

چرخ سنگ‌زنی
اع۱ ابزار تراش
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات برش
اع۳ تجهیزات
اع۱ چرخ
اع۲ تجهیزات
او ابزار تراش الماسه
او بور نیترید مکعبی
او ساینده
او سنگ‌تیزکنی
او سنگ‌زنی(تراشکاری)
ان *Grinding wheel*

چرخش
اع۱ دینامیک
اع۲ مکانیک
ان *Rotation*

چرخش‌سنج
اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او اندازه‌گیری ارتعاش
او سرعت‌سنج
او سرعت‌نما
او همگام‌سازی

ان *Stroboscope*

چرخش گرمایی

او تنش گرمایی
او سرمایش
او گرمایش
ان *Thermal cycling*

چرخش‌نمای هسته‌ای

اع۱ ژیروسکپ
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۱ سنج‌افزار گزینی هسته‌ای
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
ان *Nuclear gyroscope*

چرخش نوری

اع۱ ویژگی نوری
اع۲ ویژگی فیزیکی
او اثر فارادی
او پدیده نورمغناطیسی کر
او دوشکستی
او قطبش نور
او نور
ان *Optical rotation*

چرخ طیار

اع۱ موتور(با منبع انرژی درونی)
اع۲ ماشین‌آلات
اع۱ انباشتگر هیدرولیکی
او ذخیره‌سازی انرژی
ان *Flywheel*

چرخک

ب‌ج *ویلچر*
اع۱ تجهیزات توانبخشی انسانی
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
او مهندسی توانبخشی انسانی
ان *Wheelchair*

چرخند

ب‌ک توفان

چرخ وسیله نقلیه

اع۱ چرخ
اع۲ تجهیزات
اع۱ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ تجهیزات
اع۲ وسیله نقلیه
او خط نورد راه‌آهن
او محور
ان *Vehicle wheel*

چرخه اتو

اع۱ ترمودینامیک
ان *Otto cycle*

چرخه استرلینگ

اع۱ ترمودینامیک
او چرخه کارنو
او ماشین گرمایی
او موتور بادی
ان *Stirling cycle*

چرخه بازگرمایش

او توربین بخار
او نیروگاه بخار
ان *Reheat cycle*

چرخه رانکین

اع۱ ترمودینامیک
ان *Rankine cycle*

چرخه کارنو

اع۱ ترمودینامیک
او چرخه استرلینگ
ان *Carnot cycle*

چرم

اع۱ مواد
او چرم مصنوعی
او حفاظت از قارچ
او دباغی
او مصنوع نساجی
ان *Leather*

چرم مصنوعی

اع۱ منسوجات بی‌بافت
اع۲ منسوجات
اع۳ مصنوع نساجی
او چرم
ان *Synthetic leather*

چسب
اع۱ مواد
اخ۱ چسب مذاب داغ
اخ۱ چسب مومسان
اخ۱ سیمان استخوان
او اتصال چسبنده
او بست‌مایه
او پخت
او پلاستیک
او پوسته‌پوسته‌شدگی
او پیوندزنی
او چسب‌زنی
او چسبندگی
او درزبند
او کشپار
او مواد مختلط
او نشت‌بند
او ورقه‌سازی
ان *Adhesive*

چسب‌زنی
اع۱ پیوندزنی
او اتصال چسبنده
او چسب
او درزبندی
او فراورده چوبی
او ورقه‌سازی
ان *Gluing*

چسب مذاب داغ
اع۱ چسب
اع۲ مواد
ان *Hot melt adhesive*

چسب مومسان
اع۱ چسب
اع۲ مواد
اع۱ فراورده مومسان
او اتصال چسبنده
ان *Plastic adhesive*

چسبندگی
اخ۱ بندکشی(بنایی)
او اتصال چسبنده
او استقامت چسبندگی(مصالح)
او پخت
او پدیده سطحی
او پوسته‌پوسته‌شدگی
او پیوندزنی
او ترشدگی
او چسب
او خراشیدگی
او درزبندی
او مواد مختلط
او ورقه‌سازی
ان *Adhesion*

چشم‌پزشکی
اع۱ پزشکی
او بینایی
او کمک‌بینایی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Ophthalmology*

چشمه(آب)
اخ۱ چشمه زمین‌گرمایی
اخ۱ چشمه گرم
اخ۲ چشمه آب گرم
اخ۱ چشمه معدنی
او آب زیرزمینی
او آب سطحی
او منبع آب
ان *Spring (water)*

چشمه آب گرم
اع۱ چشمه گرم
اع۲ چشمه(آب)
او منبع آب زمین‌گرمایی
ان *Geyser*

چشمه الکترون
اع۱ چشمه ذره بنیادی
او چشمه یونی

ان *Electron source*

چشمه ذره بنیادی

اخ۱ چشمه الکترون
اخ۱ چشمه نوترونی
اخ۱ چشمه یونی
او ذره بنیادی
او فیزیک اتمی
ان *Elementary particle source*

چشمه زمین‌گرمایی

اع۱ چشمه(آب)
او انرژی زمین‌گرمایی
او چشمه معدنی
او منبع آب زمین‌گرمایی
او میدان زمین‌گرمایی
ان *Geothermal spring*

چشمه گرم

اع۱ چشمه(آب)
اخ۱ چشمه آب گرم
او چشمه معدنی
او منبع آب زمین‌گرمایی
ان *Hot spring*

چشمه معدنی

اع۱ چشمه(آب)
او چشمه زمین‌گرمایی
او چشمه گرم
ان *Mineral spring*

چشمه نوترونی

اع۱ چشمه ذره بنیادی
او نوترون
ان *Neutron source*

چشمه نور

پ‌ج *منبع نوری*
اخ۱ ابزار درخشایی
اخ۲ پرده فلورسانس
اخ۲ شمارگر سوسوزن
اخ۲ لامپ فلورسانت
اخ۱ دیود نورگسیل
اخ۱ لامپ الکتریکی
اخ۲ چراغ جلو
اخ۲ چراغ راهنمای هواگرد
اخ۲ درخش
اخ۲ لامپ تخلیه
اخ۳ بالاست(لامپ)
اخ۳ لامپ با بخار فلز
اخ۳ لامپ فلورسانت
اخ۳ لامپ قوسی
اخ۲ لامپ زیرآبی
اخ۲ لامپ فرابنفش
اخ۲ لامپ مادون قرمز
اخ۲ لامپ معدنچی
اخ۲ لامپ معمولی
اخ۳ رشته(لامپ)
اخ۲ نورافکن
اخ۱ لیزر
اخ۲ تشدیدکننده لیزری
اخ۲ لیزر اکسیمر
اخ۲ لیزر الکترون آزاد
اخ۲ لیزر انرژی بالا
اخ۲ لیزر با امواج پیوسته
اخ۲ لیزر با سوئیچ Q
اخ۲ لیزر پرتو ایکس
اخ۲ لیزر پرقدرت
اخ۲ لیزر پس‌خورد گسترده
اخ۲ لیزر حالت جامدی
اخ۳ لیزر نئودیمیم‌دار
اخ۳ لیزر تاری
اخ۲ لیزر حلقوی
اخ۲ لیزر رنگینه‌ای
اخ۲ لیزر شیمیایی
اخ۲ لیزر گازی
اخ۳ لیزر دینامیک گازی
اخ۳ لیزر کربن دی‌اکسید
اخ۳ لیزر هلیم‌نئون
اخ۲ لیزر مایع
او آویز نورسان
او تابلوی الکتریکی
او تصویر متحرک
او تک‌فام‌ساز
او روشنایی
او سنج‌افزار
او سنج‌افزار نوری
او شب‌تابی
او عکاسی
او مهندسی روشنایی

او مهندسی نوررسانی
ان *Light source*

چشمه یونی

بج *تفنگ یونی*
اع۱ چشمه ذره بنیادی
او بمباران یونی
او چشمه الکترون
او شتاب‌دهنده ذره
او طیف‌سنج جرمی
او طیف‌سنجی جرمی
او منبع پلاسما
او یون
ان *Ion source*

چغرمگی

اع۱ ویژگی مکانیکی
اخ۱ چغرمگی شکست
او چغرمه‌سازی
او شکنندگی
ان *Toughness*

چغرمگی شکست

بج *پایداری شکست*
بج *چغرمگی ضربه‌ای*
اع۱ چغرمگی
اع۲ ویژگی مکانیکی
او شکستگی
او مقاومت ضربه‌ای
ان *Fracture toughness*

چغرمگی ضربه‌ای
ب‌ک چغرمگی شکست

چغرمه‌سازی

او چغرمگی
او مقاوم‌سازی(فلز)
ان *Toughening*

چغندرقند

اع۱ فراورده کشاورزی
او صنعت قندسازی
او قند(ساکاروز)
ان *Sugar beet*

چفت

بج *فشرده‌کننده*
اع۱ اجزا
اخ۱ پرچ
اخ۱ پیچ
اخ۲ پیچ خودسوراخ‌کن
اخ۲ رزوه پیچ
اخ۱ پیچ دوسر(چفت)
اخ۱ پیچ نر
اخ۱ چفت به‌کاراندازی مواد منفجره
اخ۱ قفل(چفت)
اخ۲ جای خار
اخ۲ قفل در خودرو
اخ۱ قلاب
اخ۱ مهره(چفت)
اخ۱ میخ
اخ۱ واشر
او اتصال
او اتصال(اجزای سازه‌ای)
او بست(سازه‌ای)
او جوشکاری
او زنجیر
او لولا
او نواربندی
او هزارخار
ان *Fastener*

چفت به‌کاراندازی مواد منفجره

اع۱ چفت
اع۲ اجزا
اع۱ دستگاه به‌کاراندازی مواد منفجره
اع۲ تجهیزات
ان *Explosive actuated fastener*

چکانش دارو

اع۱ دارودرمانی
اع۲ درمان بیمار
ان *Drug infusion*

چکش

اع۱ دست‌افزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
او پرس(ابزار ماشینی)
ان *Hammer*

چکش‌خواری

ب‌ج چکش‌خواری داغ
ب‌ج چکش‌خواری سرد
ب‌ج چکش‌خواری شکاف
اع۱ ویژگی مکانیکی
او آزمایش دمای بالا
او تراکم‌پذیری
او تردشکنی
او تردی
او تغییرشکل مومسان
او جوش‌پذیری
او سختی
او شکل‌پذیری
او شکنندگی
او مومسانی
ان *Ductility*

چکش‌خواری داغ

ب‌ک چکش‌خواری

چکش‌خواری سرد

ب‌ک چکش‌خواری

چکش‌خواری شکاف

ب‌ک چکش‌خواری

چکیده‌نویسی

اع۱ تجزیه و تحلیل اطلاعات
اع۲ علم اطلاع‌رسانی
ان *Abstracting*

چگالش

اع۱ گذار فاز
اخ۱ بسپارش تراکمی
او آب‌زدایی
او بخار
او تصعید
او تقطیر
او میعان گاز
او هسته‌بندی
ان *Condensation*

چگالش بخار

اع۱ مواد
او آب
او بخار
او بخار(آب)
او چگالنده بخار
او خط برگشت چگالیده
او دیگ بخار
او سیستم لوله‌کشی بخار
او عملیات چگالش
ان *Steam condensate*

چگالنده(الکتریکی)

ب‌ک خازن

چگالنده بخار

اع۱ خنک‌کن(مایع‌کن)
اع۲ تجهیزات شیمیایی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ لوله چگالنده
او انتقال گرما
او بخار(آب)
او تجهیزات گرمایش
او جداساز و تله بخار
او چگالش بخار
او خط برگشت چگالیده
او دیگ بخار
او مبادله‌کن گرما
ان *Steam condenser*

چگالی(گرانی ویژه)

ب‌ج *گرانی ویژه*
اع۱ ویژگی مکانیکی
اخ۱ چگالی گاز
اخ۲ چگالی پلاسما
اخ۲ چگالی جوی
اخ۱ چگالی مایع
او اندازه‌گیری چگالی(گرانی ویژه)
او تخلخل
او تراکم‌پذیری
او شناوری
ان *Density (specific gravity)*

چگالی(نوری)

اع۱ ویژگی نوری
اع۲ ویژگی فیزیکی
او اندازه‌گیری چگالی(نوری)

او ناشفافی
ان *Density (optical)*

چگالی الکترونی
ب‌ک غلظت حامل

چگالی الکترونی حالت
اع۱ تراز انرژی الکترونی
او تراز فرمی
او ساختار نواری
او سطح فرمی
ان *Electronic density of state*

چگالی پلاسما
اع۱ چگالی گاز
اع۲ چگالی(گرانی ویژه)
اع۳ ویژگی مکانیکی
او پلاسما
او پلاسماشناسی
ان *Plasma density*

چگالی جریان
اخ۱ چگالی جریان بحرانی(ابررسانایی)
او برق‌کافت
او جریان الکتریکی
ان *Current density*

چگالی جریان بحرانی(ابررسانایی)
اع۱ چگالی جریان
او جریان بحرانی
او مواد ابررسانا
ان *Critical current density (superconductivity)*

چگالی جوی
اع۱ چگالی گاز
اع۲ چگالی(گرانی ویژه)
اع۳ ویژگی مکانیکی
او جو برون زمینی
او جو زمین
او حرکت جوی
او فشار جو
او هواشناسی
ان *Atmospheric density*

چگالی حامل
ب‌ک غلظت حامل

چگالی‌سنج
اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری چگالی
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اخ۱ هیدرومتر
او اندازه‌گیری چگالی(گرانی ویژه)
ان *Gravitometer*

چگالی گاز
اع۱ چگالی(گرانی ویژه)
اع۲ ویژگی مکانیکی
اخ۱ چگالی پلاسما
اخ۱ چگالی جوی
او اندازه‌گیری چگالی(گرانی ویژه)
او کنترل چگالی(گرانی ویژه)
او گاز
ان *Density of gas*

چگالی مایع
اع۱ چگالی(گرانی ویژه)
اع۲ ویژگی مکانیکی
او اندازه‌گیری چگالی(گرانی ویژه)
او کنترل چگالی(گرانی ویژه)
او مایع
او هیدرومتر
ان *Density of liquid*

چندبرنامگی
ب‌ج *چندکاره‌ای*
اع۱ برنامه‌نویسی سیستم رایانه
اع۲ برنامه‌نویسی رایانه
او برنامه اشتراک زمانی
او برنامه چندپردازشی
او برنامه مجری و ناظر
او سیستم اشتراک زمانی
ان *Multiprogramming*

چندبلور
اع۱ بلور
اع۲ مواد
او ساختار بلور

او مواد چندبلوری
ان *Polycrystal*

چندجمله‌ای
اع۱ جبر
اع۲ فن ریاضی
او قطب و صفر
ان *Polynomial*

چندراهه موتور خودرو
اع۱ موتور خودرو
اع۲ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۳ خودرو
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۲ موتور درون‌سوز
اع۳ ماشین گرمایی
ان *Automobile engine manifold*

چندقطعه‌سازی تصویر
اع۱ تصویر پردازی
اع۲ پردازش سیگنال
ان *Image segmentation*

چندکاره‌ای
ب‌ک چندبرنامگی

چندلا
ب‌چ *فراورده ورقه‌ای*
اع۱ مواد
اخ۱ چندلای چوبی
اخ۲ تخته چندلا
اخ۱ چندلای کاغذی
اخ۱ چندلای مغناطیسی
اخ۱ چندلای مومسان
اخ۱ مواد مرکب ورقه‌ای
او آبکاری
او بستر
او سازه لانه‌زنبوری
او غشای دووزقه‌ای
او لایه‌لایه‌شدگی
او ورقه‌سازی
ان *Laminate*

چندلای چوبی
اع۱ چندلا
اع۲ مواد
اع۱ فراورده چوبی
اخ۱ تخته چندلا
او چوب
او روکش دیواره
او مصالح ساختمانی
ان *Wood laminate*

چندلای کاغذی
اع۱ چندلا
اع۲ مواد
اع۱ کاغذ
اع۲ مواد
ان *Paper laminate*

چندلای مغناطیسی
اع۱ چندلا
اع۲ مواد
اع۱ مواد مغناطیسی
اع۲ مواد
ان *Magnetic laminate*

چندلای مومسان
اع۱ پلاستیک
اع۲ مواد
اع۱ چندلا
اع۲ مواد
او فراورده مومسان
ان *Plastic laminate*

چندلایه‌ای
او ابرشبکه
او فیلم
ان *Multilayer*

چندلایه‌ای نوری
او اندود نوری
او فیلم نوری
ان *Optical multilayer*

چندلرزشی
اع۱ شبکه(مدار)
اخ۱ مدار فیلیپ فلاپ

او مدار ازدیاد بسامد
او مدار تقسیم بسامد
او مدار چکانشی
او مدار مقایسه‌گر
او مولد تپ
او مولد سیگنال
او مولد موج مربعی
او نوسان‌ساز وقفه‌ای
او نوسانگر(الکترونیک)
ان *Multivibrator*

چوب

اع۱ مواد
او آغشته‌سازی
او الوار
او چندلای چوبی
او حفاظت از موریانه
او حمله قارچ
او رنگ‌گیری از پوست درخت
او زایلوز
او زیست‌توده
او ساخت چوبی
او سوخت
او سوخت چوبی
او فراورده چوبی
او منبع تجدیدشدنی انرژی
او مواد خمیر کاغذ
او مواد شیمیایی چوب
او نگهداری چوب
او واپاشی(آلی)
ان *Wood*

چوب زیر بغل
ب‌ک کمک‌راه‌رفتن

چوب‌سای
ب‌ک سوهان و چوب‌سا ی
ب‌ک سوهان و چوب‌سای

چوک
ب‌ک القاگر الکتریکی

چینه‌شناسی

اع۱ زمین‌شناسی
اع۲ علوم زمین
اع۳ علوم طبیعی
او زمین‌چهر
او زمین‌ریخت‌شناسی
ان *Stratigraphy*

چینی

اع۱ مواد سرامیکی
اع۲ مواد
ان *Porcelain*

حادثه

اخ۱ ترکیدگی
اخ۱ حادثه بزرگراهی
اخ۱ حادثه راه‌آهن
اخ۲ بیرون از خط افتادن قطار
اخ۱ حادثه واکنشگاه هسته‌ای
اخ۲ حادثه شکننده هسته
اخ۳ ذوب هسته‌ای
اخ۲ خسارت حوادث خنک‌کننده
اخ۱ حادثه هواگرد
اخ۱ سانحه الکتریکی
او آتش‌سوزی
او آلوده‌شدن
او انفجار (ترکشی)
او برخورد شهاب
او بهمن
او پرتابه دیوباد
او پیشگیری حادثه
او خطر
او خطر آتش‌سوزی
او خطر بهداشتی
او سرریز مواد خطرناک
او سُمیت
او شکست(مکانیکی)
او غبار اتمی
او کیسه هوای خودرو
او نشت‌یابی
ان *Accident*

حادثه بزرگراهی

ب‌ج *حادثه جاده‌ای*
اع۱ حادثه
او پیشگیری حادثه
او سرش
او مقاومت سرش

ان *Highway accident*

حادثه جاده‌ای

ب‌ک حادثه بزرگراهی

حادثه راه‌آهن

ب‌ج *پیشگیری حادثه در راه‌آهن*

اع۱ حادثه

اخ۱ بیرون از خط افتادن قطار

او راه‌آهن

ان *Railroad accident*

حادثه تابشی

ب‌ک حادثه واکنشگاه هسته‌ای

حادثه شکننده هسته

اع۱ حادثه واکنشگاه هسته‌ای

اع۲ حادثه

اخ۱ ذوب هسته‌ای

او هسته واکنشگاه

او واکنشگاه هسته‌ای

ان *Core disruptive accident*

حادثه واکنشگاه هسته‌ای

ب‌ج *حادثه تابشی*

اع۱ حادثه

اخ۱ حادثه شکننده هسته

اخ۲ ذوب هسته‌ای

اخ۱ خسارت حوادث خنک‌کننده

او پرتابه دیوباد

او واکنشگاه هسته‌ای

ان *Nuclear reactor accident*

حادثه هواگرد

ب‌ج *حادثه هوانوردی*

اع۱ حادثه

او پیشگیری حادثه

او خروج اضطراری هواگرد

ان *Aircraft accident*

حادثه هوانوردی

ب‌ک حادثه هواگرد

حاشیه جاده

اع۱ جاده و خیابان

اع۲ امکانات همگانی

او پهن‌سازی(شریان‌های حمل و نقل)

او خاکریز

او سیستم بزرگراه

او شانه(جاده)

او کاربری زمین

او کنترل علف هرز

ان *Roadside*

حافظه

ب‌ک تجهیزات ذخیره داده‌ها

حافظه با دسترسی مستقیم

ب‌ک ذخیره دیسک مغناطیسی

حافظه پنهان

ب‌ک ذخیره بافر

حافظه حباب مغناطیسی

ب‌ج *حافظه حبابی*

اع۱ ابزار حباب مغناطیسی

اع۲ ابزار مغناطیسی

اع۳ تجهیزات

اع۱ حافظه غیرفرار

اع۲ ذخیره رقمی

اع۳ تجهیزات ذخیره داده‌ها

اع۱ ذخیره مغناطیسی

اع۲ ابزار مغناطیسی

اع۳ تجهیزات

اع۲ تجهیزات ذخیره داده‌ها

اع۳ سخت‌افزار رایانه

او ابزار با لایه نازک مغناطیسی

او حباب مغناطیسی

او ذخیره با فیلم مغناطیسی

ان *Magnetic bubble memory*

حافظه حبابی

ب‌ک حافظه حباب مغناطیسی

حافظه خازنی

اع۱ ذخیره انرژی الکتریکی

اع۲ ذخیره‌سازی انرژی

او خازن

ان *Capacitor storage*

حافظه دستیابی تصادفی

بچ رم
اع۱ ذخیره رقمی
اع۲ تجهیزات ذخیره داده‌ها
اع۳ سخت‌افزار رایانه
او پی‌رام
او حافظه فقط خواندنی
او حافظه نیم‌رسانا
او ذخیره بافر
ان *Random access storage*

حافظه غیرفرار

اع۱ ذخیره رقمی
اع۲ تجهیزات ذخیره داده‌ها
اع۳ سخت‌افزار رایانه
اخ۱ حافظه حباب مغناطیسی
اخ۱ ذخیره با فیلم مغناطیسی
اخ۲ ذخیره با سیم روکشدار
اخ۱ ذخیره دیسک مغناطیسی
اخ۲ ذخیره دیسک سخت
اخ۲ ذخیره دیسک لرزان
اخ۱ ذخیره نوار مغناطیسی
ان *Nonvolatile storage*

حافظه فقط خواندنی

بچ *رام*
اع۱ ذخیره رقمی
اع۲ تجهیزات ذخیره داده‌ها
اع۳ سخت‌افزار رایانه
اخ۱ پی‌رام
او حافظه دستیابی تصادفی
او حافظه نیم‌رسانا
او دیسک فشرده
ان *ROM*

حافظه فقط‌خواندنی برنامه‌پذیر

ب‌ک پی‌رام

حافظه نشانی‌پذیر محتوایی

ب‌ک انباره انجمنی

حافظه نوری

ب‌ک ذخیره داده‌های نوری

حافظه نیم‌رسانا

بچ *صفحه گسترش حافظه*
اع۱ تجهیزات ذخیره داده‌ها
اع۲ سخت‌افزار رایانه
اع۳ رایانه
او ابزار نیم‌رسانا
او پی‌رام
او حافظه دستیابی تصادفی
او حافظه فقط خواندنی
ان *Semiconductor storage*

حالت الکترون

ب‌ک تراز انرژی الکترونی

حالت انرژی

ب‌ک تراز انرژی الکترونی

حالت انرژی الکترونی

ب‌ک تراز انرژی الکترونی

حالت بحرانی(شکاف هسته‌ای)

او فیزیک هسته‌ای
او واکنش‌پذیری(هسته‌ای)
او واکنشگاه هسته‌ای
ان *Criticality (nuclear fission)*

حالت گاز طبیعی

او گاز طبیعی
ان *Natural gas conditioning*

حالت گذرا

او جریان معیوب الکتریکی
او موج برخورد الکتریکی
او واکنشگاه هسته‌ای
ان *Transient*

حامل(بار الکتریکی)

ب‌ک حامل بار

حامل انرژی زیاد

اع۱ حامل بار
اع۲ مواد نیم‌رسانا

اع۳ مواد
ان *Hot carrier*

حامل بار
بج *حامل(بار الکتریکی)*
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
اخ۱ حامل انرژی زیاد
ان *Charge carrier*

حباب(در سیال)
او برج حبابدار
او تشکیل حباب
او خلاءزایی
او رویت‌سازی شارش
او مایع
او مکانیک‌سیالات
ان *Bubble (in fluid)*

حباب‌بند
او دستگاه سوخت‌رسانی
او راه‌اندازی
او موتور درون‌سوز
ان *Vapor lock*

حباب مغناطیسی
او ابزار حباب مغناطیسی
او ابزار مغناطیسی
او حافظه حباب مغناطیسی
او حوزه مغناطیسی
او مغناطش
او مواد مغناطیسی
ان *Magnetic bubble*

حبه سوخت هسته‌ای
اع۱ سوخت هسته‌ای
اع۲ سوخت
اع۳ مواد
اع۲ منبع انرژی
ان *Nuclear fuel pellet*

حد بار
اع۱ ضریب اطمینان
او بار سازه‌ای
او پل
او تنش باد
او ظرفیت بارپذیری
ان *Load limit*

حذف‌کننده مه
اع۱ تجهیزات
ان *Mist eliminator*

حرکات چشم
بج *حرکت پاندولی چشم‌ها*
او بینایی
ان *Eye movement*

حرکت با دوپا
اع۱ زیست‌مکانیک
اع۲ مکانیک
اخ۱ تحلیل گام
ان *Biped locomotion*

حرکت براونی
اع۱ فرایند تصادفی
او پاشیدگی
او جامدات معلق(سیالات)
او کلوئید
او نظریه جنبشی گازها
ان *Brownian movement*

حرکت پاندولی چشم‌ها
ب‌ک حرکات چشم

حرکت جوی
اخ۱ باد
اخ۱ تلاطم جوی
او ترمودینامیک جو
او جو برون زمینی
او جو زمین
او چگالی جوی
او فشار جو
او هواشناسی
او هیدرودینامیک
ان *Atmospheric movement*

حرکت‌شناسی

ب‌ج *سینماتیک*
اع۱ مکانیک
اخ۱ پرتاب‌شناسی
اخ۲ پرتاب‌شناسی زیرآبی
اخ۱ حرکت‌شناسی معکوس
او دینامیک
او نظریه جنبشی
ان *Kinematics*

حرکت‌شناسی معکوس
اع۱ حرکت‌شناسی
اع۲ مکانیک
او مساله معکوس
ان *Inverse kinematics*

حروف‌چینی
اع۱ چاپ
ان *Typesetting*

حریم راه
او اداره بزرگراه
او خط‌لوله
او راه‌آهن
او سیستم بزرگراه
او قانون و قانونگزاری
ان *Rights of way*

حسابداری سوخت هسته‌ای
او حفاظت مواد هسته‌ای
او سوخت هسته‌ای
او کنترل موجودی
ان *Nuclear fuel accounting*

حسابداری هزینه
اع۱ مدیریت
او اثربخشی هزینه
او تصمیم‌گیری
او کاهش بها
او مدیریت صنعتی
او هزینه
ان *Cost accounting*

حساب دیفرانسیل
ب‌ک مشتق‌گیری(حساب)

حساب رقمی
ب‌ج *حساب ممیز شناور*
اع۱ فن ریاضی
اخ۱ مدار منطقی حمل
او پالایه رقمی
او جمع‌زن
او رایانه
او طراحی منطقی
او مدار تقسیمی(محاسباتی)
او مدار چندبرابرکننده
او مدار رقمی
او مدار شمارش
او نظریه اعداد
ان *Digital arithmetic*

حساب ممیز شناور
ب‌ک حساب رقمی

حساب وردشی
ب‌ک فن وردشی

حساسیت‌سنج
اع۱ سنج‌افزار نوری
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او امولسیون عکاسی
او نورچگالی‌سنج
او نورحساسی
ان *Sensitometer*

حساسیت نوری
ب‌ک نورحساسی

حس‌گر
اع۱ آشکارساز
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اخ۱ پویش‌گر چندطیفی
اخ۱ حس‌گر آمپرسنجی
اخ۱ حس‌گر پتانسیل‌سنجی
اخ۱ حس‌گر تصویر
اخ۱ حس‌گر تماسی
اخ۱ حس‌گر دوّرگه
اخ۱ حس‌گر سیلیسیمی
اخ۱ حس‌گر شیمیایی

اخ۲ حس‌گر اکسیژن
اخ۳ حس‌گر اکسیژن حل‌شده
اخ۲ حس‌گر الکتروشیمیایی
اخ۲ حس‌گر پ‌هاش
اخ۲ حس‌گر یون کلسیم
اخ۱ حس‌گر فشار جزئی
اخ۱ حس‌گر نوری
اخ۲ حس‌گر تار نوری
اخ۳ حس‌گر شیمیایی تار نوری
اخ۱ حس‌گر همجواری
اخ۱ زیست‌حس‌گر
اخ۲ الکترود میکروبی
اخ۲ حس‌گر آنزیم
اخ۲ حس‌گر ایمنی
اخ۲ حس‌گر داروی یونی
اخ۲ حس‌گر گلوکز
اخ۲ حس‌گر نوک کاتتر
او آرایه
او الکترود اوره
او الکترود غشای بسپاری
او الکترود غشای مایع
او الکترود یون‌گزین
او تجزیه گازهای خون
او تراگذار
او ترانزیستور اثر میدانی حساس شیمیایی
او ترانزیستور اثر میدانی حساس یونی
او کاوند
ان *Sensor*

حس‌گر یون هیدروژن
ب‌ک حس‌گر پ‌هاش

حس‌گر آمپرسنجی
اع۱ حس‌گر
اع۲ آشکارساز
اع۳ سنج‌افزار
او اندازه‌گیری جریان الکتریکی
او حس‌گر گلوکز
ان *Amperometric sensor*

حس‌گر آنزیم
اع۱ زیست‌حس‌گر
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ حس‌گر
اع۳ آشکارساز
او الکترود
او آنزیم
ان *Enzyme sensor*

حس‌گر اکسیژن
اع۱ حس‌گر شیمیایی
اع۲ حس‌گر
اع۳ آشکارساز
اخ۱ حس‌گر اکسیژن حل‌شده
او اکسیژن
او زیست‌حس‌گر
ان *Oxygen sensor*

حس‌گر اکسیژن حل‌شده
ب‌ج حس‌گر کلارک
اع۱ حس‌گر اکسیژن
اع۲ حس‌گر شیمیایی
اع۳ حس‌گر
او اکسیژن
او زیست‌حس‌گر
ان *Dissolved oxygen sensor*

حس‌گر الکتروشیمیایی
اع۱ حس‌گر شیمیایی
اع۲ حس‌گر
اع۳ آشکارساز
او تجزیه و تحلیل برق‌کافتی
او تغییر شیمیایی
ان *Electrochemical sensor*

حس‌گر ایمنی
اع۱ زیست‌حس‌گر
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ حس‌گر
اع۳ آشکارساز
او ایمنی‌شناسی
ان *Immunosensor*

حس‌گر پتانسیل‌سنجی
اع۱ حس‌گر
اع۲ آشکارساز
اع۳ سنج‌افزار

ان *Potentiometric sensor*

حس‌گر پ‌هاش

بج حس‌گر یون هیدروژن
اع۱ حس‌گر شیمیایی
اع۲ حس‌گر
اع۳ آشکارساز
او پ‌هاش
او پ‌هاش‌سنج
ان *PH sensor*

حس‌گر تار نوری

اع۱ حس‌گر نوری
اع۲ ابزار نوری
اع۳ تجهیزات
اع۲ حس‌گر
اع۳ آشکارساز
اخ۱ حس‌گر شیمیایی تار نوری
او آلودگی
او نورشناسی تارها
ان *Fiber optic sensor*

حس‌گر تصویر

اع۱ ابزار دیدالکترونیک
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ حس‌گر
اع۲ آشکارساز
اع۳ سنجافزار
او تصویرسازی مادون قرمز
او تقویت‌کننده تصویر(حالت جامد)
او تقویت‌کننده تصویر(لامپ الکترونی)
او حس‌گر نوری
او دید رایانه‌ای
او مبدل تصویر
ان *Image sensor*

حس‌گر تماسی

اع۱ حس‌گر
اع۲ آشکارساز
اع۳ سنجافزار
او آدمک
او آدمک صنعتی
او حس‌گر همجواری
ان *Contact sensor*

حس‌گر داروی یونی

اع۱ زیست‌حس‌گر
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ حس‌گر
اع۳ آشکارساز
او داروی یونی
ان *Ionic drug sensor*

حس‌گر دو رگه

اع۱ حس‌گر
اع۲ آشکارساز
اع۳ سنجافزار
او داده‌پردازی
ان *Hybrid sensor*

حس‌گر سیلیسیمی

ی‌د ساخته شده از سیلیسیم
اع۱ حس‌گر
اع۲ آشکارساز
اع۳ سنجافزار
او سیلیسیم
ان *Silicon sensor*

حس‌گر شیمیایی

بج *حس‌گر گازی*
اع۱ حس‌گر
اع۲ آشکارساز
اع۳ سنجافزار
اخ۱ حس‌گر اکسیژن
اخ۲ حس‌گر اکسیژن حل‌شده
اخ۱ حس‌گر الکتروشیمیایی
اخ۱ حس‌گر پ‌هاش
اخ۱ حس‌گر یون کلسیم
ان *Chemical sensor*

حس‌گر شیمیایی تار نوری

اع۱ حس‌گر تار نوری
اع۲ حس‌گر نوری
اع۳ ابزار نوری
اع۳ حس‌گر
اع۱ سنجافزار نوری
اع۲ سنجافزار
اع۳ تجهیزات
او نورشناسی تارها

ان *Fiber optic chemical sensor*

حس‌گر فشار جزئی

اع۱ حس‌گر
اع۲ آشکارساز
اع۳ سنج‌افزار
او اکسیژن
او تجزیه گازهای خون
ان *Partial pressure sensor*

حس‌گر کلارک

ب‌ک حس‌گر اکسیژن حل‌شده

حس‌گر گازی

ب‌ک حس‌گر شیمیایی

حس‌گر گلوکز

اع۱ زیست‌حس‌گر
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ حس‌گر
اع۳ آشکارساز
او حس‌گر آمپرسنجی
او گلوکز
ان *Glucose sensor*

حس‌گر نوری

اع۱ ابزار نوری
اع۲ تجهیزات
اع۱ حس‌گر
اع۲ آشکارساز
اع۳ سنج‌افزار
اخ۱ حس‌گر تار نوری
اخ۲ حس‌گر شیمیایی تار نوری
او حس‌گر تصویر
ان *Optical sensor*

حس‌گر نوک کاتتر

اع۱ زیست‌حس‌گر
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ حس‌گر
اع۳ آشکارساز
اع۱ کاتتر
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
ان *Catheter tip sensor*

حس‌گر همجواری

اع۱ حس‌گر
اع۲ آشکارساز
اع۳ سنج‌افزار
او آدمک
او آدمک صنعتی
او اندازه‌گیری مسافت
او حس‌گر تماسی
او نشانگر همجواری
ان *Proximity sensor*

حس‌گر یون کلسیم

اع۱ حس‌گر شیمیایی
اع۲ حس‌گر
اع۳ آشکارساز
او کلسیم
ان *Calcium ion sensor*

حشره‌کش

اع۱ آفت‌کش
اع۲ پادزیست
اع۳ مواد شیمیایی
او کنترل حشره
او کنترل مالاریا
ان *Insecticide*

حصار

اع۱ دیواربست
اع۲ تجهیزات
اخ۱ حصار الکتریکی
اخ۱ حصار بتنی
اخ۱ حصار چوبی
ان *Fence*

حصار الکتریکی

اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اع۱ حصار
اع۲ دیواربست
اع۳ تجهیزات

ان *Electric fence*

حصار بتنی

اع۱ حصار
اع۲ دیواربست
اع۳ تجهیزات
او ساخت بتنی
ان *Concrete fences*

حصار چوبی

اع۱ حصار
اع۲ دیواربست
اع۳ تجهیزات
اع۱ فراورده چوبی
او ساخت چوبی
ان *Wooden fence*

حفاری

اخ۱ حفاری الماسه
اخ۱ حفاری انفجاری
اخ۲ حفاری چاه نفت با مواد منفجره
اخ۱ حفاری جهتی
اخ۱ حفاری جهشی
اخ۱ حفاری چاه
اخ۲ حفاری چاه انحرافی
اخ۲ حفاری چاه گاز طبیعی
اخ۲ حفاری چاه نفت
اخ۳ حفاری اکتشافی چاه نفت
اخ۳ حفاری چاه نفت با مواد منفجره
اخ۳ حفاری چاه نفت عمیق
اخ۱ حفاری زیرآبی
اخ۲ حفاری دریایی
اخ۱ حفاری مغزه
اخ۱ مته‌کاری سنگ
او ارتعاش(مکانیکی)
او برش
او برقوزنی
او چاه‌کنی
او سوراخ‌کاری
او فلزتراشی
او قلاویزکاری
او گل حفاری
او گودبرداری
او لای‌روبی
او ماشین حفاری(ابزار ماشینی)
او مته
او مته توربینی
او مشبک‌کاری
ان *Drilling*

حفاری آب‌شست

ب‌ک حفاری جهشی

حفاری اکتشافی چاه نفت

اع۱ اکتشاف نفت
اع۲ اکتشاف منبع طبیعی
اع۱ حفاری چاه نفت
اع۲ حفاری چاه
اع۳ حفاری
او چاه آزمایشی اکتشافی
ان *Exploratory oil well drilling*

حفاری الماسه

ی‌د حفاری به وسیله الماس
اع۱ حفاری
او الماس
او مته الماسی
ان *Diamond drilling*

حفاری انفجاری

اع۱ حفاری
اخ۱ حفاری چاه نفت با مواد منفجره
او مته‌کاری سنگ
ان *Explosive drilling*

حفاری جهتی

اع۱ حفاری
او ابزاریابی(چاه نفت)
او بازیابی افزوده‌شده
او چاه آب
او چاه آزمایشی منحرف‌شده
او نگاربرداری جهتی
ان *Directional drilling*

حفاری جهشی

ب‌ج *حفاری آب‌شست*
اع۱ حفاری
او جت
او حفاری چاه

او مته‌کاری سنگ
ان *Jet drilling*

حفاری چاه

اع۱ حفاری
اخ۱ حفاری چاه انحرافی
اخ۱ حفاری چاه گاز طبیعی
اخ۱ حفاری چاه نفت
اخ۲ حفاری اکتشافی چاه نفت
اخ۲ حفاری چاه نفت با مواد منفجره
اخ۲ حفاری چاه نفت عمیق
او تجهیزات حفاری
او تکمیل چاه
او چاه آزمایشی
او چاه زمین‌گرمایی
او حفاری جهشی
او کشتی حفاری
او گل حفاری
او ماشین حفاری زمین
او مته
او مته‌کاری سنگ
ان *Well drilling*

حفاری چاه انحرافی

اع۱ حفاری چاه
اع۲ حفاری
او چاه آزمایشی منحرف‌شده
ان *Deflected well drilling*

حفاری چاه گاز طبیعی

اع۱ حفاری چاه
اع۲ حفاری
او بهره‌برداری از چاه گاز طبیعی
او چاه گاز طبیعی
او چاه‌نگاری گاز طبیعی
او حفاری دریایی
او گل حفاری
ان *Natural gas well drilling*

حفاری چاه نفت

ب‌ج *حفاری چاه نفت انحرافی*
اع۱ حفاری چاه
اع۲ حفاری
اخ۱ حفاری اکتشافی چاه نفت
اخ۱ حفاری چاه نفت با مواد منفجره
اخ۱ حفاری چاه نفت عمیق
او پیشگیری ترکیدگی
او تجهیزات حفاری چاه نفت
او تلمبه گل حفاری
او چاه افقی
او چاه نفتی
او حفاری دریایی
او حفاری مغزه
او دستگاه حفاری چاه نفت
او گل حفاری
او محیط دورانی
ان *Oil well drilling*

حفاری چاه نفت انحرافی
ب‌ک حفاری چاه نفت

حفاری چاه نفت با مواد منفجره

اع۱ حفاری انفجاری
اع۲ حفاری
اع۱ حفاری چاه نفت
اع۲ حفاری چاه
اع۳ حفاری
ان *Explosive oil well drilling*

حفاری چاه نفت عمیق

اع۱ حفاری چاه نفت
اع۲ حفاری چاه
اع۳ حفاری
ان *Deep oil well drilling*

حفاری دریایی

اع۱ حفاری زیرآبی
اع۲ حفاری
او اکتشاف نفت دریایی
او چاه نفت دریایی
او حفاری چاه گاز طبیعی
او حفاری چاه نفت
او رایزر دریایی
او سکوی تولید
او میدان نفت دریایی
ان *Offshore drilling*

حفاری زیرآبی

اع۱ حفاری

اخ۱ حفاری دریایی
او تجهیزات زیرآبی
او سازه زیرآبی
او مته‌کاری سنگ
او منبع معدنی زیرآبی
او مهندسی اقیانوس
ان *Underwater drilling*

حفاری مغزه

اع۱ حفاری
او حفاری چاه نفت
او نمونه مغزه
ان *Core drilling*

حفاظ

اع۱ تجهیزات
اخ۱ حفاظ الکتریکی
اخ۲ حفاظ کابل
اخ۱ حفاظ گرمایی
اخ۱ حفاظ مغناطیسی
اخ۱ محافظ تابش
اخ۲ حفاظ الکترومغناطیسی
اخ۳ سپر رادار
اخ۲ حفاظت واکنشگاه
اخ۲ حفاظ شتاب‌دهنده
او حفاظت
او حفاظت تابشی
او فضاپیما
او موشک
ان *Shielding*

حفاظ چاه نفت

اع۱ تجهیزات میدان نفتی
اع۲ تجهیزات
اع۱ لوله(اجزا)
اع۲ اجزا
او ابزاریابی(چاه نفت)
او چاه نفتی
او سوراخ‌کن
او لوله
ان *Oil well casing*

حفاظ الکترومغناطیسی

اع۱ محافظ تابش
اع۲ حفاظ
اع۳ تجهیزات
اخ۱ سپر رادار
او حفاظ الکتریکی
او حفاظ مغناطیسی
او موج الکترومغناطیسی
ان *Electromagnetic shielding*

حفاظ الکتریکی

ی‌د حفاظت در برابر میدان مغناطیسی
اع۱ حفاظ
اع۲ تجهیزات
اخ۱ حفاظ کابل
او تداخل در سیگنال
او حفاظ الکترومغناطیسی
او کاهنده الکتریکی
او موج الکترومغناطیسی
او میدان الکتریکی
ان *Electric shielding*

حفاظت

اخ۱ حفاظت از خوردگی
اخ۲ حفاظت آندی
اخ۲ حفاظت کاتدی
اخ۱ حفاظت از قارچ
اخ۱ حفاظت از موریانه
اخ۱ حفاظت از یخبندان
اخ۱ حفاظت اضافه جریان
اخ۱ حفاظت تابشی
اخ۱ حفاظت چشم
اخ۱ حفاظت در مقابل آتش‌سوزی
اخ۲ ضدآتش‌کردن
اخ۲ کف‌سازی باندپرواز
اخ۱ حفاظت رله‌ای
اخ۱ حفاظت ساحل
اخ۱ حفاظت شیب
اخ۱ حفاظت محیط زیست
اخ۱ حفاظت موج برخورد
اخ۱ حفاظت ولتاژ اضافی
اخ۱ ضدآب‌کردن
اخ۱ ضدانفجارکردن
اخ۱ کرانه‌داری
اخ۱ محافظت از آذرخش
اخ۱ محافظت تجهیزات الکتریکی
اخ۲ محافظت مبدل
اخ۲ هماهنگی عایق‌بندی الکتریکی

اخ۱ محافظت سیستم نیروی برق
او ابزار ایمنی
او اندود محافظ
او پیشگیری حادثه
او حفاظ
او حفاظت مواد هسته‌ای
او خطر
او سخت‌گردانی تابشی
او سیستم اخطار
او سیستم امنیتی
او عایق‌کاری
او کنترل حشره
او مقاومت در برابر زلزله
ان *Protection*

حفاظت آندی

اع۱ حفاظت از خوردگی
اع۲ حفاظت
او آند
ان *Anodic protection*

حفاظت از خوردگی

اع۱ حفاظت
اخ۱ حفاظت آندی
اخ۱ حفاظت کاتدی
او اندود محافظ
او بازدارنده خوردگی
او خوردگی
او مانع خوردگی
او محافظت تجهیزات الکتریکی
او مقاومت در برابر خوردگی
ان *Corrosion protection*

حفاظت از قارچ

اع۱ حفاظت
او چرم
او حمله قارچ
او قارچ
او قارچ‌کش
او مقاومت در برابر قارچ
ان *Fungus protection*

حفاظت از موریانه

اع۱ حفاظت
اع۱ کنترل حشره
اع۲ کنترل آفت
اع۳ کنترل
او چوب
او مقاومت در برابر موریانه
ان *Termite proofing*

حفاظت از یخبندان

اع۱ حفاظت
او اثر یخبندان
او باغ میوه
او مقاومت در برابر یخبندان
ان *Frost protection*

حفاظت اضافه جریان

اع۱ حفاظت
ان *Overcurrent protection*

حفاظت برق‌کافتی

ب‌ک حفاظت کاتدی

حفاظت پتانسیل اضافی

ب‌ک حفاظت ولتاژ اضافی

حفاظت تابشی

اع۱ حفاظت
او اثر تابش
او آسیب تابشی
او پزشکی
او تابش
او حفاظ
او محافظ تابش
او محافظت تجهیزات الکتریکی
او مقدارسنجی
ان *Radiation protection*

حفاظت چشم

اع۱ حفاظت
او بینایی
او پیشگیری حادثه
او عینک ایمنی
او کارکنان
ان *Eye protection*

حفاظت خاک

اع۱ بقاء
او احیای زمین
او حفاظت ساحل
او حفاظت شیب
او خاک
او فرسایش
او کرانه‌داری
او کشاورزی
او مکانیک خاک
ان *Soil conservation*

حفاظت در مقابل آتش‌سوزی

اع۱ حفاظت
اخ۱ ضدآتش‌کردن
اخ۱ کف‌سازی باندپرواز
او آتش‌سوزی
او احتراق خودبه‌خود
او آشکارساز حریق
او آشکارساز دود
او بازدارنده شعله
او بیمه آتش‌سوزی
او تجهیزات اطفای حریق
او خطر آتش‌سوزی
او سیستم آب‌پاشی(اطفای حریق)
او سیستم اخطار حریق
او مقاومت در برابر آتش
ان *Fire protection*

حفاظت رله‌ای

اع۱ حفاظت
او اتصال زمین الکتریکی
او رله الکتریکی
ان *Relay protection*

حفاظت ساحل

اع۱ حفاظت
او اسکله کوچک
او حفاظت خاک
او دریاکنار
او دیوار بارانداز
او دیوار نگهدارنده
او زون ساحلی
او ساختار اقیانوس
او سازه بندر
او سیل‌بند
او فرسایش
او کرانه‌داری
او مهندسی ساحل
او مهندسی محیط
او موج‌شکن
ان *Shore protection*

حفاظت شیب

اع۱ حفاظت
او پایداری شیب
او حفاظت خاک
او کرانه‌داری
ان *Slope protection*

حفاظت کاتدی

بچ *حفاظت برق‌گافتی*
اع۱ حفاظت از خوردگی
اع۲ حفاظت
او خوردگی
او کاتد
ان *Cathodic protection*

حفاظت محیط زیست

اع۱ حفاظت
او مهندسی محیط
او نشانزد محیطی
ان *Environmental protection*

حفاظت مواد هسته‌ای

او بازرسی
او پسمانده پرتوزا
او تسویه مجدد سوخت هسته‌ای
او حسابداری سوخت هسته‌ای
او حفاظت
او خطر
او سوخت هسته‌ای
او صنعت هسته‌ای
او واکنشگاه هسته‌ای
ان *Nuclear materials safeguard*

حفاظت موج برخورد

اع۱ حفاظت
او محافظت از آذرخش
او موج برخورد الکتریکی

ان *Surge protection*

حفاظت مولد

ب‌ک محافظت تجهیزات الکتریکی

حفاظت واکنشگاه

اع۱ محافظ تابش

اع۲ حفاظ

اع۳ تجهیزات

او ابزار ایمنی

او واکنشگاه هسته‌ای

ان *Reactor shielding*

حفاظت ولتاژ اضافی

ب‌ج *حفاظت پتانسیل اضافی*

اع۱ حفاظت

ان *Overvoltage protection*

حفاظ شتاب‌دهنده

اع۱ شتاب‌دهنده ذره

اع۲ تجهیزات

اع۱ محافظ تابش

اع۲ حفاظ

اع۳ تجهیزات

ان *Accelerator shielding*

حفاظ کابل

اع۱ حفاظ الکتریکی

اع۲ حفاظ

اع۳ تجهیزات

او غلاف کابل

او کابل الکتریکی

ان *Cable shielding*

حفاظ گرمایی

اع۱ حفاظ

اع۲ تجهیزات

او انتقال گرما

او راکت

او عایق‌کاری گرمایی

او فرساب

او موشک

ان *Heat shielding*

حفاظ مغناطیسی

ی‌د حفاظت با استفاده از رله

اع۱ حفاظ

اع۲ تجهیزات

او حفاظ الکترومغناطیسی

او مغناطیس

او موج الکترومغناطیسی

او میدان مغناطیسی

او نشت مغناطیسی

ان *Magnetic shielding*

حفره‌دارشدگی

اع۱ خوردگی

او خورندگی شیمیایی

ان *Pitting*

حفره‌کنی

او ابزار حفره‌کنی

او برش

او برقوزنی

او پرس‌کاری فلز

او تراشکاری

او حفاری

او خان‌کشی

او روزن‌رانی

او سردکاری

او سوراخ‌کاری

او گودبرداری

او ماشین‌کاری

او مشبک‌کاری

او منگنه‌کاری

ان *Boring*

حق تالیف

اع۱ مالکیت معنوی

او اشاعه اطلاعات

ان *Copyright*

حقوق

ب‌ک مزد

حقوق و مزایا(کارکنان)

اخ۱ طرح بازنشستگی

اخ۱ مزد

او کارکنان
ان *Compensation (personnel)*

حکاکی(با اسید)
اع۱ عملیات سطحی
اخ۱ حکاکی پلاسمایی
اخ۱ حکاکی خشک
اخ۱ حکاکی یونی واکنش‌پذیر
او آرایه‌گری
او تکمیل شیمیایی
او تولید ابزار نیم‌رسانا
او خوردگی
او فلزنگاری
او مدار چاپی
ان *Etching*

حکاکی پلاسمایی
بچ *کنده‌کاری پلاسمایی خشک*
اع۱ حکاکی(با اسید)
اع۲ عملیات سطحی
او تولید مدارمجتمع
ان *Plasma etching*

حکاکی خشک
اع۱ حکاکی(با اسید)
اع۲ عملیات سطحی
او ابزار نیم‌رسانا
ان *Dry etching*

حکاکی یونی واکنش‌پذیر
اع۱ حکاکی(با اسید)
اع۲ عملیات سطحی
او تولید مدارمجتمع
او یون
ان *Reactive ion etching*

حلال
اع۱ مواد شیمیایی
اع۲ مواد
اخ۱ حلال آلی
اخ۱ رقیقگر رنگ
او اتانول
او اتر
او استخراج
او استخراج با حلال
او استخراج سیال ابربحرانی
او استون
او افزودنی
او انحلال‌پذیری
او اندود
او بنزن
او تراوش(سیال)
او تربانتین
او تولوئن
او خیساندن
او روغن خشکان
او عامل
او کربن تتراکلرید
او کربن دی‌سولفید
او لاک
او متانول
او محلول
او نرم‌کننده
ان *Solvent*

حلال آلی
اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ حلال
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او بنزن
او متانول
ان *Organic solvent*

حلبی
اع۱ فلز ورق
اع۲ مواد
او آبکاری با قلع و نیکل
او قلع
او قلع‌اندودی
ان *Tin plate*

حلبی‌خم‌کن
اع۱ ماشین شکل‌دهی فلز
اع۲ ماشین‌آلات
او آهنگری سرد
ان *Swaging machine*

حلقه
ب‌ک حلقه(اجزا)

حلقه انبارنده
اع۱ شتاب‌دهنده ذره
اع۲ تجهیزات
ان *Storage ring*

حلقه(اجزا)
ب‌ج *حلقه*
اع۱ اجزا
اخ۱ حلقه پیستون
او سنجه حلقوی
او فنر حلقه‌ای
ان *Ring (components)*

حلقه پیستون
اع۱ حلقه(اجزا)
اع۲ اجزا
اع۱ نشت‌بند
اع۲ اجزا
او آب‌بندی
او پیستون
او موتور درون‌سوز
ان *Piston ring*

حلقه توربین
اع۱ توربین
اع۲ ماشین‌آلات توربو
اع۳ ماشین‌آلات
ان *Turbine ring*

حلقه قفل فاز
اع۱ شبکه(مدار)
او سیستم کنترل
او کنترل فاز
او مدوله‌ساز
او مدوله‌سازی
او وامدوله‌ساز
ان *Phase locked loop*

حل مساله
او اثبات نظریه
او نظریه تصمیم
او هوش مصنوعی
ان *Problem solving*

حمله قارچ
او چوب
او حفاظت از قارچ
او قارچ
او قارچ‌کش
او مقاومت در برابر قارچ
ان *Fungus attack*

حوزه مغناطیسی
او حباب مغناطیسی
او مغناطش
او مواد مغناطیسی
ان *Magnetic domain*

حوضچه آرامش
ی‌د سازه هیدرولیکی برای اتلاف انرژی
اع۱ اتلافگر انرژی
اع۲ سازه
اع۱ سازه آبی
اع۲ سازه
ان *Stilling basin*

حوضچه ته‌نشینی
ب‌ک مخزن ته‌نشینی

حوضچه دانه‌گیری
اع۱ تصفیه‌خانه فاضلاب
اع۲ واحد صنعتی
ان *Grit chamber*

حوضچه رسوب‌گیر
ب‌ک مخزن ته‌نشینی

حوض خشک
اع۱ سازه بندر
اع۲ سازه
اخ۱ حوض خشک شناور
او تجهیز(آب‌پیما)
او تکیه‌گاه زیر کشتی
او کارخانه کشتی‌سازی
او کشتی

او کشتی‌سازی
او نگهداشت
ان *Drydock*

حوض خشک شناور
اع۱ حوض خشک
اع۲ سازه بندر
اع۳ سازه
ان *Floating drydock*

حوضه آبگیر
ب‌ک آب‌پخشان

حوضه خورشیدی
اع۱ آب سطحی
اع۱ جمع‌کن خورشیدی
اع۲ تجهیزات خورشیدی
اع۳ تجهیزات
او انرژی خورشیدی
او تابش خورشیدی
او گرمایش خورشیدی
ان *Solar pond*

خازن
ب‌ج *چگالنده(الکتریکی)*
ب‌ج *خازن الکتریکی*
اع۱ ابزار دی‌الکتریک
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ دستگاه الکترواستاتیک
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ واکنشگاه الکتریکی
اع۲ اجزای شبکه
اع۳ اجزا
اع۳ شبکه(مدار)
اخ۱ خازن برق‌کافتی
اخ۱ خازن سرامیکی
اخ۱ خازن کاغذی
اخ۱ واراکتور
او الکترت
او اندازه‌گیری ظرفیت
او تجهیزات رادیویی
او حافظه خازنی
او شارژ الکتریکی
او ظرفیت
او عدد ترجیحی
ان *Capacitor*

خازن الکتریکی
ب‌ک خازن

خازن برق‌کافتی
اع۱ خازن
اع۲ ابزار دی‌الکتریک
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۲ دستگاه الکترواستاتیک
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۲ واکنشگاه الکتریکی
اع۳ اجزای شبکه
او برق‌کافت
ان *Electrolytic capacitor*

خازن سرامیکی
اع۱ خازن
اع۲ ابزار دی‌الکتریک
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۲ دستگاه الکترواستاتیک
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۲ واکنشگاه الکتریکی
اع۳ اجزای شبکه
اع۱ فراورده سرامیکی
ان *Ceramic capacitor*

خازن کاغذی
اع۱ خازن
اع۲ ابزار دی‌الکتریک
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۲ دستگاه الکترواستاتیک
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۲ واکنشگاه الکتریکی
اع۳ اجزای شبکه
اع۱ فراورده کاغذی
ان *Paper capacitor*

خاک
اخ۱ خاک زیر آب
اخ۱ خاک یخزده
اخ۲ یخبندان دائمی

اخ۱ رس
اخ۲ بنتونیت
اخ۱ لای
او اثر یخبندان
او اصلاح‌کننده خاک
او آلودگی خاک
او اندازه‌گیری شوری
او باتلاق
او بررسی خاک
او تحکیم
او حفاظت خاک
او خاک رنگ‌بر
او خاک سیمان
او رسوب
او زغال‌سنگ نارس
او زمین(سیاره)
او زمین‌شناسی
او زمین‌لغزه
او شدآمدپذیری
او شن
او فرسایش
او فرونشینی
او فشار حفره‌ای
او ماسه
او مایع‌شدگی خاک
او مقاومت برشی
او مکانیک خاک
او منبع طبیعی
او مواد دانه‌ای
او نفوذپذیری سطحی
ان *Soil*

خاک اره

اع۱ پسمانده چوبی
اع۲ زباله
او سنگدانه بتن
او مواد خمیر کاغذ
ان *Sawdust*

خاک رنگ‌بر

اع۱ جاذب سطحی
اع۲ مواد
او خاک
او رس
ان *Fullers earth*

خاکریز

اع۱ سازه
اخ۱ سد خاکی
اخ۱ سیل‌بند
او جاده و خیابان
او حاشیه جاده
او دیوار نگهدارنده
او ساختار راه
او سازه آبی
او سنگ‌چین پوششی
او کارخانه و ساختمان تجهیزات راه‌آهن
ان *Embankment*

خاک زیر آب

اع۱ خاک
او اقیانوس‌شناسی
ان *Underwater soil*

خاکستر زغال

اع۱ فراورده جانبی زغال
اع۲ فراورده جنبی
اع۳ مواد
او زغال‌سنگ
ان *Coal ash*

خاکسترسازی پسمانده

اع۱ احتراق
اع۲ واکنش شیمیایی
اخ۱ خاکسترسازی زباله
او دفع زباله
ان *Waste incineration*

خاکسترسازی زباله

اع۱ خاکسترسازی پسمانده
اع۲ احتراق
اع۳ واکنش شیمیایی
اع۱ دفع زباله
اع۲ دفع پسمانده
او زباله‌سوز
ان *Refuse incineration*

خاکستر سبک

اع۱ پسمانده صنعتی
اع۲ زباله

او آجرپزی
او سنگدانه بتن
او مصالح راه‌سازی
او هوامیز
ان *Fly ash*

خاک سیمان

اع۱ سیمان
اع۲ مصالح ساختمانی
اع۳ مواد
او جاده و خیابان
او خاک
ان *Soil cement*

خاک کمیاب

ی‌د اکسیدهای عناصر خاک کمیاب
اع۱ ترکیبات خاک کمیاب
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ کانی اکسیدی
اع۲ اکسید
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
ان *Rare earth*

خاک نسوز

اع۱ مواد نسوز
اع۲ مواد
ان *Fireclay*

خاک یخ‌زده

اع۱ خاک
اخ۱ یخبندان دائمی
او اثر یخبندان
او مساله آب‌وهوای سرد
ان *Frozen soil*

خالص‌ساز هوا

ب‌ک هواپالا

خالص‌سازی

اخ۱ خالص‌سازی سوخت
اخ۲ خالص‌سازی سوخت گازی
اخ۱ خالص‌سازی هوا
او استخراج با حلال
او آلودگی‌زدایی
او پاکسازی
او پالایش فلز
او پالایه هوا
او پرعیارسازی
او تبادل یونی
او تبلور
او تصعید
او تقطیر
او تمیزکاری
او خیساندن
او ذوب منطقه‌ای
او شستشو
او هواپالا
ان *Purification*

خالص‌سازی سوخت

اع۱ خالص‌سازی
اخ۱ خالص‌سازی سوخت گازی
او سوخت
ان *Fuel purification*

خالص‌سازی سوخت گازی

ی‌د شامل پاک‌سازی
ب‌ج *خالص‌سازی گاز*
اع۱ خالص‌سازی سوخت
اع۲ خالص‌سازی
او ساختن سوخت گازی
او سوخت گازی
او گاز
او گازشوی
او گوگردزدایی
ان *Gas fuel purification*

خالص‌سازی گاز

ب‌ک خالص‌سازی سوخت گازی

خالص‌سازی هوا

اع۱ خالص‌سازی
او آلودگی هوا
او تهویه
او زیردریایی

او هوا
او هواپالا
ان *Air purification*

خاموشی
اع۱ جذب نور
اع۲ جذب موج الکترومغناطیسی
اع۳ جذب انرژی
او قطبش نور
ان *Light extinction*

خاموشی واکنشگاه
او توقف کارخانه
او عمل واکنشگاه
او واکنشگاه هسته‌ای
ان *Reactor shutdown*

خانک برق‌کافتی
اع۱ تجهیزات شیمیایی
اع۲ تجهیزات
او برق‌کاف
او برق‌کافت
ان *Electrolytic cell*

خان‌کش
اع۱ ابزار تراش
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات برش
اع۳ تجهیزات
او خان‌کشی
او ماشین خان‌کشی
ان *Broache*

خان‌کشی
اع۱ برش
او خان‌کش
او سوراخ‌کاری
او فلزتراشی
او ماشین خان‌کشی
او ماشین‌کاری
ان *Broaching*

خانه
اع۱ مسکن
اع۲ ساختمان
اع۳ سازه
اخ۱ خانه سیار
او کاشانه
ان *House*

خانه سیار
اع۱ خانه
اع۲ مسکن
اع۳ ساختمان
او تریلر سبک
ان *Mobile home*

خدمات ارتباطی برای ناشنوایان
اع۱ تجهیزات توانبخشی انسانی
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
او مهندسی توانبخشی انسانی
ان *Communication aids for nonvocal person*

خدمات ارتباطی شخصی
ب‌ک سیستم ارتباطی شخصی

خدمات اطلاعاتی
ب‌چ *مرکز اطلاع‌رسانی*
اخ۱ خدمات اطلاعاتی آب‌وهوا
او اشاعه اطلاعات
او خدمات مخابراتی
او کتابخانه
او متن‌نما
ان *Information service*

خدمات اطلاعاتی آب‌وهوا
اع۱ خدمات اطلاعاتی
او پیش‌بینی هوا
او تلفن
او سیستم تلفن
ان *Weather information services*

خدمات بالگرد
اع۱ ترابری هوایی
اع۲ ترابری

اخ۱ خدمات نجات بالگرد
او بالگرد
او فرودگاه بالگرد
ان *Helicopter services*

خدمات برق‌رسانی

بچ *صنعت منبع تغذیه*
اع۱ خدمات عمومی
اع۲ صنعت
او بهره‌برداری نیروی برق
او پیش‌بینی بار الکتریکی
او سیستم نیروی برق
او نرخ برق
ان *Electric utilities*

خدمات پستی

او جابه‌جایی پستی
او دفتر پست
او واگن پستی
ان *Postal service*

خدمات تلویزیونی ماهواره‌ای

ب‌ک تلویزیون اشتراک‌دار

خدمات تولید گفتار

اع۱ تجهیزات توانبخشی انسانی
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
او مهندسی توانبخشی انسانی
ان *Speech production aids*

خدمات عمومی

اع۱ صنعت
اخ۱ خدمات برق‌رسانی
او فاضلاب‌رو
او گاز طبیعی
ان *Public utilities*

خدمات مخابراتی

اع۱ مخابرات
اع۲ ارتباط
اخ۱ پخش
اخ۲ پخش تلویزیونی
اخ۲ پخش رادیویی
اخ۲ پخش رادیویی چندآوا
اخ۱ پست الکترونیکی
اخ۱ متن‌نما
اخ۱ نمابر
او خدمات اطلاعاتی
او دورسنجی
او سیستم مخابراتی
او شبکه هوشمند
ان *Telecommunication service*

خدمات نجات بالگرد

اع۱ خدمات بالگرد
اع۲ ترابری هوایی
اع۳ ترابری
او بالگرد
ان *Helicopter rescue services*

خدمات هواگرد نوبک عمودپرواز

اع۱ ترابری هوایی
اع۲ ترابری
او هواگرد نوبک عمودپرواز
ان *VTOL/STOL services*

خرابی(رایانه)

ب‌ک بازیابی سیستم رایانه

خراشیدگی

اع۱ سایش مواد
او اصطکاک
او چسبندگی
ان *Seizing*

خرپا

اع۱ سازه
او تیر و شاه‌تیر
ان *Truss*

خرج شکل‌دار

اع۱ مواد منفجره
اع۲ مواد
ان *Shaped charge*

خردالکترود

اع۱ الکترود

اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او تجهیزات پزشکی الکترونیکی
او تجهیزات زیست‌پزشکی
او زیست‌حس‌گر
او کاوند
ان *Microelectrode*

خردرایانه

اع۱ رایانه رقمی
اع۲ رایانه
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او ریزرایانه
ان *Minicomputer*

خردساختار

اخ۱ بافت
اخ۱ ریزساختار بلور
اخ۱ ریزساختار فلزنگاری
او تخلخل
او ساختار مولکولی
ان *Microstructure*

خردسازی

ب‌ج *فرزکاری(خردسازی)*
اع۱ فراورش
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
اخ۱ آسیاب‌کردن
اخ۱ سنگ‌شکنی
او دانه‌سازی
او فروپاشی
ان *Comminution*

خردفیلم

اع۱ خردورقه
اع۲ فیلم عکاسی
اع۳ فیلم
اع۳ مواد حساس به نور
ان *Microfilm*

خردمکانیک

ب‌ک خردمکانیک مختلط

خردمکانیک مختلط

ب‌ج *خردمکانیک*
او مواد مختلط
او ویژگی مکانیکی
ان *Composite micromechanics*

خردنورشناسی

ب‌ک نورشناسی

خردورقه

اع۱ فیلم عکاسی
اع۲ فیلم
اع۳ مواد
اع۲ مواد حساس به نور
اع۳ مواد نوری
اخ۱ خردفیلم
او اشاعه اطلاعات
او فناوری اطلاعات
او نشر
ان *Microform*

خرمن‌کوب

ب‌ک ماشین درو

خروج اضطراری هواگرد

اع۱ قطعات و تجهیزات هواگرد
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ هواگرد
او ابزار گریز هواگرد
او حادثه هواگرد
ان *Aircraft emergency exit*

خروجی تهویه

اع۱ تجهیزات
او تهویه
او روزنه تهویه
ان *Ventilation exhaust*

خروجی گازی

اع۱ مواد خروجی
اع۲ زباله
او آلودگی هوا
او گسیل گاز

ان *Gaseous effluent*

خروجی گرمایی

اع۱ مواد خروجی
اع۲ زباله
او نیروگاه
ان *Thermal effluent*

خرید

او مدیریت
ان *Purchasing*

خزش

اع۱ تغییرشکل
او آزمایش خزش
او آزمایش دمای بالا
او تنش پسماند
او جامد
او جریان برش
او شارش جامد
او مومسانی
او واهلش تنش
او واهلش ناکشسان
او ویژگی کشسی
او ویژگی مکانیکی
او ویسکوالاستیسیته
ان *Creep*

خسارت القاشده لیزری

ب‌ک اثر باریکه لیزری

خسارت حوادث خنک‌کننده

اع۱ حادثه واکنشگاه هسته‌ای
اع۲ حادثه
او واکنشگاه هسته‌ای
ان *Loss of coolant accident*

خستگی خوردگی

اع۱ خستگی مصالح
اع۲ سایش مواد
او خوردگی
او خوردگی سایشی
او هیدروژن‌تردی
ان *Corrosion fatigue*

خستگی فلز

ب‌ک فلز

خستگی مصالح

ب‌ج *ترک خستگی*
ب‌ج عمر خستگی
ب‌ج *مقاومت خستگی*
اع۱ سایش مواد
اخ۱ خستگی خوردگی
او آزمایش خستگی
او آزمایش دمای بالا
او پوسته‌شدگی
او پیش‌تنیدگی
او ترک‌خوردگی تنشی
او تنش برشی
او خوردگی سایشی
او مقاومت برشی
او ویژگی کششی
او ویژگی مکانیکی
ان *Fatigue of materials*

خشته

ب‌ج *زغال قالبی و قالب‌سازی*
اع۱ مواد
او آلومین متخلخل
او خشته‌سازی
او سوخت
او لیگنیت
ان *Briquet*

خشته‌سازی

ب‌ج *زغال قالبی و قالب‌سازی*
اع۱ فشرده‌سازی
اع۲ فزاورش
اع۳ ساختن
او پرس‌کاری(شکل‌دهی)
او پیش‌شکل‌دهی
او خشته
او گندله‌سازی
او متراکم‌شدگی
ان *Briquetting*

خشک‌سازی

اخ۱ خشک‌سازی مادون قرمز
اخ۱ خشک‌کردن در دمای پایین

او آب‌زدایی
او آب‌گیری
او پخت
او پختیدگی
او تبخیر سطحی
او خشک‌کن(تجهیزات)
او عملیات شیمیایی
او گرمایش
او گرمایش صنعتی
او واکنش شیمیایی
ان *Drying*

خشک‌سازی مادون قرمز
اع۱ خشک‌سازی
او کوره مادون قرمز
او گرمایش صنعتی
او گرمایش مادون قرمز
ان *Infrared drying*

خشکسالی
او آب‌وهواشناسی
او منبع آب
او هواشناسی
ان *Drought*

خشک‌شویی
اع۱ تمیزکاری
او مصنوع نساجی
ان *Dry cleaning*

خشک‌کردن در دمای پایین
اع۱ خشک‌سازی
اع۱ عملیات فرودمایی
ان *Low temperature drying*

خشک‌کن(تجهیزات)
اع۱ جداساز
اع۲ تجهیزات
اخ۱ خشک‌کن خورشیدی
او تبخیرکننده
او خشک‌سازی
او ماشین‌آلات کاغذسازی
او ماشین‌آلات نساجی
ان *Dryer (equipment)*

خشک‌کن(ماده)
اع۱ مواد
او روغن خشکان
او سردکن
ان *Drier (materials)*

خشک‌کن خورشیدی
اع۱ تجهیزات خورشیدی
اع۲ تجهیزات
اع۱ خشک‌کن(تجهیزات)
اع۲ جداساز
اع۳ تجهیزات
ان *Solar dryer*

خشک‌نگاری
اع۱ تکثیر الکترواستاتیک
اع۲ کپی‌برداری نوری
اع۳ کپی‌برداری
ان *Xerography*

خصلت قلیایی
ب‌ک پ‌هاش

خطا
ب‌ج *احتمال خطا*
اخ۱ اشتباه برنامه‌نویسی
اخ۱ خطای اندازه‌گیری
اخ۱ خطای سنج‌افزار
او آزمایش
او آمار خطا
او تحلیل خطا
او تصحیح خطا
او جبران‌کردن خطا
او خطایابی
او کنترل کیفیت
ان *Error*

خط ارتباط رادیویی
ب‌ج *سیستم رله رادیویی*
ب‌ج *سیستم رله(رادیویی)*
اع۱ خط ارتباط مخابراتی
اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
اع۱ سیستم رادیویی

اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
اخ۱ پیوند ریزموجی
او ارتباط رادیویی
او پخش رادیویی
او تلفن رادیویی
او تلگراف رادیویی
او دورسنجی
او رادیو
او سیستم تلگراف
او سیستم دورسنجی
او سیستم رادیویی سیار
او سیستم مخابراتی سیار
او فرستنده رادیویی
ان *Radio link*

خط ارتباط مخابراتی

بچ *خط پیوند ارتباطی*
بچ *سیستم رله تلویزیونی*
اع۱ سیستم مخابراتی
اع۲ سیستم ارتباطی
اخ۱ اتصال ارتباطی برون‌زمینی
اخ۲ اتصال ماهواره‌ای
اخ۱ پیوند نوری
اخ۱ خط ارتباط رادیویی
اخ۲ پیوند ریزموجی
اخ۱ خط پیوند مدوله‌سازی رمز تپ
او خط مخابراتی
او کابل مخابراتی
او مخابرات
او مدوله‌سازی رمز تپ
او موجبر
او واسط(رایانه)
ان *Telecommunication link*

خط الکتریکی

بچ *خط انتقال*
اخ۱ خط الکتریکی ابررسانشی
اخ۱ خط مخابراتی
اخ۲ خط تلفن
اخ۲ خط مخابرات بسامد بالا
اخ۲ خط مخابرات نواری
اخ۳ خط ریزنوارکی
او ارتباط حاملی
او ارسال حامل روی خط انتقال نیرو
او جریان معیوب الکتریکی
او دیرک
او رسانای بسته‌ای
او سیم ورودی
او کابل الکتریکی
او مکان‌یابی عیب الکتریکی
او موج برخورد الکتریکی
او نظریه خط انتقال
ان *Electric line*

خط الکتریکی ابررسانشی

اع۱ ابزار ابررسانشی
اع۲ تجهیزات
اع۱ خط الکتریکی
او کابل ابررسانشی
ان *Superconducting electric line*

خط انتقال

ب‌ک خط الکتریکی

خطایابی

او اشتباه برنامه‌نویسی
او اشکال‌زدایی برنامه(رایانه‌ای)
او تحلیل خطا
او جبران‌کردن خطا
او خطا
او خطای سنج‌افزار
او رمز بلوکی
او رمز تلفیقی
او رمز دوگانی
او رمز(نماد)
او سرعت خطای بیتی
ان *Error detection*

خطایابی به کمک رایانه

اع۱ تشخیص(پزشکی)
اع۱ کاربرد رایانه
اع۲ کاربرد
او سیستم خبره
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Computer aided diagnosis*

خطای اندازه‌گیری

بچ *خطای سیستماتیک*

اع۱ خطا
او آزمون آماری
او آمار
او اندازه‌گیری
او روش آماری
او نظریه اندازه
ان *Measurement error*

خطای سنج‌افزار

اع۱ خطا
او تحلیل خطا
او تصحیح خطا
او جبران‌کردن خطا
او خطایابی
او سنج‌افزار
او قابلیت اطمینان
او کالب‌زنی
ان *Instrument error*

خطای سیستماتیک

ب‌ک خطای اندازه‌گیری

خط برگشت چگالیده

اع۱ خط‌لوله بخار
اع۲ خط‌لوله
او جداساز و تله بخار
او چگالش بخار
او چگالنده بخار
او سیستم لوله‌کشی بخار
ان *Condensate return line*

خط پیوند ارتباطی

ب‌ک خط ارتباط مخابراتی

خط پیوند مدوله‌سازی رمز تپ

اع۱ خط ارتباط مخابراتی
اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
او مدوله‌سازی رمز تپ
ان *Pulse code modulation link*

خط تاخیر

ب‌ک خط تاخیر الکتریکی

خط تاخیر الکتریکی

ب‌ج *خط تاخیر*
ب‌ج *خط تاخیر سیگنال*
اع۱ مدار تاخیری
اع۲ شبکه(مدار)
ان *Electric delay line*

خط تاخیر سیگنال

ب‌ک خط تاخیر الکتریکی

خط تاخیر صوتی

اع۱ ابزار صوتی
اع۲ تجهیزات صوتی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ خط تاخیر فراصوتی
ان *Acoustic delay line*

خط تاخیر فراصوتی

اع۱ ابزار فراصوتی
اع۲ ابزار صوتی
اع۳ تجهیزات صوتی
اع۲ تجهیزات فراصوتی
اع۳ تجهیزات صوتی
اع۱ خط تاخیر صوتی
اع۲ ابزار صوتی
اع۳ تجهیزات صوتی
ان *Ultrasonic delay line*

خط تلفن

اع۱ تجهیزات تلفن
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ خط مخابراتی
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ خط الکتریکی
او تلفن
او تلفن حاملی
او تمرکزساز خط جریان
او سیستم تلفن
او سیم ورودی
او کابل زیردریایی
او کابل هم‌محور
او مدار مقایسه‌گر
او مرکز تلفن

او موجبر
ان *Telephone line*

خط جریان

اع۱ خط‌لوله نفت
اع۲ خط‌لوله
ان *Flowline*

خطر

اخ۱ خطر آتش‌سوزی
اخ۱ خطر بهداشتی
اخ۱ خطر تابش
اخ۱ خطر گاز
او ابزار ایمنی
او آتش‌سوزی معدن
او آلوده‌شدن
او اندود محافظ
او انفجار معدن
او پیشگیری
او حادثه
او حفاظت
او حفاظت مواد هسته‌ای
او سرریز مواد خطرناک
او سنگ‌پکش
او سیلاب‌روبی معدن
او غبار معدن
او گازپکش
او مواد خطرناک
او نجات در معدن
او واحد صنعتی
ان *Hazard*

خطر آتش‌سوزی

اع۱ خطر
او آتش‌سوزی
او آتش‌سوزی چاه نفت
او احتراق خودبه‌خود
او حادثه
او حفاظت در مقابل آتش‌سوزی
او متالورژی پودر
او منیزیم
ان *Fire hazard*

خط رادیویی

ب‌ک خط مخابرات بسامد بالا

خطر بهداشتی

اع۱ خطر
او آلودگی
او آلوده‌شدن
او بهداشت صنعتی
او بیماری شغلی
او حادثه
او خطرپذیری بهداشتی
او سمیت
او غبار معدن
او فلز سنگین
او کلسترول
او مراقبت بهداشتی
او مواد پرتوزا
او مواد خطرناک
ان *Health hazard*

خطرپذیری

ب‌ج ریسک
ب‌ج *مطالعه خطرپذیری*
اخ۱ خطرپذیری بهداشتی
اخ۱ خطرپذیری شغلی
اخ۱ خطرپذیری عمومی
او ادراک خطرپذیری
او ارزیابی خطرپذیری
او پیش‌بینی
او پیشگیری
او مدل ریاضی
ان *Risk*

خطرپذیری بهداشتی

اع۱ خطرپذیری
او بهداشت
او بهداشت صنعتی
او خطر بهداشتی
او خطرپذیری شغلی
او مراقبت بهداشتی
ان *Health risk*

خطرپذیری شغلی

اع۱ خطرپذیری
او بیماری شغلی
او خطرپذیری بهداشتی
او صنعت
او کارکنان

ان *Occupational risk*

خطرپذیری عمومی

اع۱ خطرپذیری
او سیاست عمومی
ان *Public risk*

خطر تابش

اع۱ خطر
او اثر تابش
او آسیب تابشی
او تابش
او فضاپیما
ان *Radiation hazard*

خطر گاز

اع۱ خطر
او انفجار (ترکشی)
او خط‌لوله نفت
او گاز زغال
ان *Gas hazard*

خط ریزنوارکی

اع۱ خط مخابرات نواری
اع۲ خط مخابراتی
اع۳ تجهیزات مخابراتی
اع۳ خط الکتریکی
او ابزار ریزنوارکی
او فیلم نازک
او مدار ریزموج
او مواد دی‌الکتریک
ان *Microstrip line*

خط‌کشی بزرگراه

او جاده و خیابان
او چراغ راهنما
او خط‌کشی باند پرواز
او خط‌کشی خیابان
او سیستم بزرگراه
او کنترل شدآمد خیابان
او ماشین خط‌کشی
ان *Highway marking*

خط‌کشی باند پرواز

او باند پرواز فرودگاه
او خط‌کشی بزرگراه
ان *Runway marking*

خط‌کشی خیابان

او خط‌کشی بزرگراه
ان *Road and street marking*

خط‌لوله

ب‌ج *خط‌لوله آلومینیومی*
ب‌ج *خط‌لوله بتنی*
ب‌ج *خط‌لوله چدنی*
ب‌ج *خط‌لوله مسی*
اخ۱ ایستگاه تراکم‌ساز خط‌لوله
اخ۱ خط‌لوله بخار
اخ۲ خط برگشت چگالیده
اخ۱ خط‌لوله آب
اخ۱ خط‌لوله انبساطی
اخ۱ خط‌لوله دریایی
اخ۲ خط‌لوله زیردریایی
اخ۱ خط‌لوله دوغابی
اخ۱ خط‌لوله فشارقوی
اخ۱ خط‌لوله گاز
اخ۱ خط‌لوله موقت
اخ۱ خط‌لوله نفت
اخ۲ خط جریان
اخ۱ زانویی خط‌لوله
اخ۱ لوله گاز طبیعی
او آب‌بندی
او اتصال لوله
او آستره لوله
او پاکسازی
او پایانه خط‌لوله
او تاسیسات تلمبه‌زنی
او تراشه‌زنی
او تقاطع(لوله و کابل)
او جابه‌جایی مواد
او جریان در لوله
او حریم راه
او خیزاب خط‌لوله
او دوبه لوله‌گذاری
او سوپاپ
او سیستم لوله‌کشی
او صفحه گسیختگی
او عبور خط‌لوله

او لوله
او لوله‌گذاری
او مکان‌یابی
او نشت(مایع)
ان *Pipeline*

خطلوله بخار

اع۱ خطلوله
اخ۱ خط برگشت چگالیده
او بخار(آب)
او جداساز و تله بخار
او خطلوله فشارقوی
او سوپاپ اطمینان
او سیستم لوله‌کشی بخار
ان *Steam pipeline*

خطلوله آب

اع۱ خطلوله
اع۱ سیستم آب‌رسانی
اع۲ تاسیسات آبی
اع۳ تسهیلات
او آب‌رسانی
او آبیاری
او سیستم لوله‌کشی آب
او ضربه قوچ
او لوله‌کشی
ان *Water pipeline*

خطلوله آلومینیومی

ب‌ک خطلوله
ب‌ک لوله آلومینیومی

خطلوله انبساطی

اع۱ خطلوله
ان *Extension pipeline*

خطلوله بتنی

ب‌ک خطلوله
ب‌ک لوله بتنی

خطلوله چدنی

ب‌ک خطلوله
ب‌ک لوله چدنی

خطلوله دریایی

اع۱ خطلوله
اع۱ سازه نزدیک ساحل
اع۲ سازه
اخ۱ خطلوله زیردریایی
او چاه نفت دریایی
او میدان نفت دریایی
ان *Offshore pipeline*

خطلوله دوغابی

اع۱ خطلوله
او جابه‌جایی مواد
او دوغاب
او لجن زغالی
ان *Slurry pipeline*

خطلوله زیردریایی

اع۱ خطلوله دریایی
اع۲ خطلوله
اع۲ سازه نزدیک ساحل
اع۳ سازه
او سازه زیرآبی
ان *Submarine pipeline*

خطلوله فشارقوی

اع۱ خطلوله
او خطلوله بخار
ان *High pressure pipeline*

خطلوله گاز

اع۱ خطلوله
او تدارک گاز
او عبور خطلوله
او گاز
ان *Gas pipeline*

خطلوله مسی

ب‌ک خطلوله
ب‌ک لوله مسی

خطلوله موقت

اع۱ خطلوله
ان *Temporary pipeline*

خط‌لوله نفت

اغ۱ خط‌لوله
اغ۱ خط جریان
او ترابری نفت
او خطر گاز
او صنعت نفت
او عبور خط‌لوله
او نفت خام
ان *Petroleum pipeline*

خط مخابرات بسامد بالا

پ‌ج *خط رادیویی*
اغ۱ خط مخابراتی
اغ۲ تجهیزات مخابراتی
اغ۳ تجهیزات الکترونیکی
اغ۲ خط الکتریکی
او رادیو
او سیستم رادیویی
ان *High frequency telecommunication line*

خط مخابرات نواری

اغ۱ خط مخابراتی
اغ۲ تجهیزات مخابراتی
اغ۳ تجهیزات الکترونیکی
اغ۲ خط الکتریکی
اغ۱ خط ریزنوارکی
او مدار مجتمع ریزموج
ان *Strip telecommunication line*

خط مخابراتی

اغ۱ تجهیزات مخابراتی
اغ۲ تجهیزات الکترونیکی
اغ۳ تجهیزات
اغ۱ خط الکتریکی
اغ۱ خط تلفن
اغ۱ خط مخابرات بسامد بالا
اغ۱ خط مخابرات نواری
اغ۲ خط ریزنوارکی
او خط ارتباط مخابراتی
او کابل مخابراتی
ان *Telecommunication line*

خط نورد راه‌آهن

ی‌د اصطلاح خیلی عام است، ترجیحا نوع خاصی را به کار برید. به طور مثال "لوکوموتیو" یا "واگن راه آهن"

اغ۱ وسیله نقلیه زمینی
اغ۲ وسیله نقلیه
اغ۱ جرثقیل لکوموتیو
اغ۱ خط نورد سبک
اغ۱ لکوموتیو
اغ۲ لکوموتیو با توربین گازی
اغ۲ لکوموتیو بخار
اغ۲ لکوموتیو برقی
اغ۲ لکوموتیو دیزلی
اغ۲ لکوموتیو صنعتی
اغ۳ لکوموتیو معدن
اغ۱ واگن تخت(خط نورد راه‌آهن)
اغ۱ واگن راه‌آهن
اغ۲ تجهیزات واگن راه‌آهن
اغ۳ ضربه‌گیر واگن راه‌آهن
اغ۳ ضربه‌گیر هوایی
اغ۳ قلاب واگن راه‌آهن
اغ۲ واگن غذاخوری قطار
اغ۲ واگن آزمون مسیر
اغ۲ واگن آمبولانس
اغ۲ واگن باری
اغ۳ واگن پستی
اغ۳ واگن توشه
اغ۳ واگن زباله
اغ۳ واگن قیفی
اغ۳ واگن مخزنی
اغ۳ واگن یخچالی
اغ۲ واگن تک‌ریلی
اغ۲ واگن خدمت
اغ۲ واگن مترو
اغ۲ واگن محرک
اغ۲ واگن مسافری
اغ۳ واگن قطار خیابانی
اغ۲ واگن معدن
او ترابری با راه‌آهن
او چرخ وسیله نقلیه
او راه‌آهن
او سوزن‌بانی(خط نورد)
او محور
ان *Railroad rolling stock*

خط نورد سبک

اغ۱ تجهیزات سبک وزن
اغ۲ تجهیزات
اغ۱ خط نورد راه‌آهن

اع۲ وسیله نقلیه زمینی
اع۳ وسیله نقلیه
ان *Light weight rolling stock*

خطی‌سازی
اع۱ نظریه تقریب
اع۲ فن ریاضی
اع۲ نظریه
او تحلیل سیستم کنترل
او ترکیب سیستم کنترل
ان *Linearization*

خفه‌کن هوای ورودی
اع۱ سیستم ورودی
اع۲ تجهیزات
اع۱ موتور درون‌سوز
اع۲ ماشین گرمایی
اع۳ موتور(با منبع انرژی درونی)
ان *Intake silencer*

خلاء
او فشار
او کاربرد خلاء
ان *Vacuum*

خلاءزایی
اع۱ مکانیک‌سیالات
اع۲ مکانیک
او تلاطم
او تنش
او جریان متلاطم
او حباب(در سیال)
او خوردگی خلاءزایی
او رد
او شارش گردابی
او فرسایش
او ماشین‌آلات توربو
ان *Cavitation*

خلاءسنج
اع۱ پیمانه فشار
اع۲ پیمانه
اع۳ سنج‌افزار
او اندازه‌گیری فشار
او فناوری خلاء
او کاربرد خلاء
ان *Vacuum gage*

خمش(دگرشکلی)
اع۱ تغییرشکل
او استقامت خمشی
او تحلیل تنش
او تنش پیچشی
او تیر و شاه‌تیر
او خمش(شکل‌دهی)
او شیشه
او کرنش
ان *Bending (deformation)*

خمش(شکل‌دهی)
اع۱ شکل‌دهی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او ابزار خم‌کاری
او تاب‌گیری
او خمش(دگرشکلی)
او شکل‌پذیری
او شکل‌دهی فلز
او قالب خمش
او لوله(اجزا)
او ماشین خم‌کن
ان *Bending (forming)*

خمیدگی(سازه)
او طراحی سازه
ان *Deflection (structure)*

خمیرسازی کاغذ کرافت
ب‌ک فرایند کرافت

خمیر کاغذ
اع۱ مواد
اخ۱ خمیر کاغذ رنگبری‌شده
اخ۱ خمیر کاغذ رنگبری‌نشده
اخ۱ خمیر کاغذ سولفاتی
اخ۱ خمیر کاغذ سولفیتی
اخ۱ خمیر کاغذ شیمیایی
اخ۱ خمیر کاغذ کرافت

اخ۱ خمیر کاغذ مکانیکی
اخ۲ خمیر کاغذ ترمومکانیکی
اخ۱ مواد خمیر کاغذ
او ساختن خمیر کاغذ
ان *Pulp*

خمیر کاغذ ترمومکانیکی
اع۱ خمیر کاغذ مکانیکی
اع۲ خمیر کاغذ
اع۳ مواد
او فرایند ترمومکانیکی خمیرسازی
ان *Thermomechanical pulp*

خمیر کاغذ رنگبری‌شده
اع۱ خمیر کاغذ
اع۲ مواد
او رنگبری
ان *Bleached pulp*

خمیر کاغذ رنگبری‌نشده
اع۱ خمیر کاغذ
اع۲ مواد
ان *Unbleached pulp*

خمیر کاغذ سولفاتی
اع۱ خمیر کاغذ
اع۲ مواد
او فرایند کرافت
ان *Sulfate pulp*

خمیر کاغذ سولفیتی
اع۱ خمیر کاغذ
اع۲ مواد
او فرایند سولفیت
ان *Sulfite pulp*

خمیر کاغذ شیمیایی
اع۱ خمیر کاغذ
اع۲ مواد
ان *Chemical pulp*

خمیر کاغذ کرافت
اع۱ خمیر کاغذ
اع۲ مواد
او فرایند کرافت
او کاغذ کرافت
ان *Kraft pulp*

خمیر کاغذ مکانیکی
اع۱ خمیر کاغذ
اع۲ مواد
اخ۱ خمیر کاغذ ترمومکانیکی
ان *Mechanical pulp*

خمیرگستر
ب‌ک پخش‌کن

خنثی‌سازی تداخل
ب‌ک کاهش تداخل

خنثی‌سازی کاتالیزور
او بازسازی کاتالیزور
او فعالیت کاتالیزور
او کاتالیزور
او مسمومیت کاتالیزور
ان *Catalyst deactivation*

خنک‌کن(مایع‌کن)
ب‌ج *مایع‌کن*
اع۱ تجهیزات شیمیایی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ چگالنده بخار
اخ۲ لوله چگالنده
او ماشین‌آلات یخچال‌دار
او مبادله‌کن گرما
ان *Condenser (liquefier)*

خودرو
اع۱ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ وسیله نقلیه
اخ۱ تاکسی
اخ۲ تاکسی‌متر
اخ۱ خودروی آبی‌خاکی
اخ۱ خودروی برقی
اخ۱ خودروی دیفرانسیل جلو
اخ۱ خودروی مسابقه
اخ۱ خودروی موتور عقب
اخ۱ خودروی مینیاتوری

اخ۱ قطعات و تجهیزات خودرو
اخ۲ ابزار ایمنی خودرو
اخ۳ کمربند ایمنی خودرو
اخ۳ کیسه هوای خودرو
اخ۲ اگزوز خودرو
اخ۲ بدنه خودرو
اخ۳ شاسی خودرو
اخ۲ برف‌پاک‌کن خودرو
اخ۲ تجهیزات الکترونیکی خودرو
اخ۳ تجهیزات تلویزیونی خودرو
اخ۳ تجهیزات رادیویی خودرو
اخ۲ تجهیزات الکتریکی خودرو
اخ۲ تجهیزات فرمان خودرو
اخ۲ جعبه‌دنده خودرو
اخ۲ چرخ‌آویز خودرو
اخ۲ داشبورد خودرو
اخ۲ سپر خودرو
اخ۲ سخت‌افزار خودرو
اخ۳ قفل در خودرو
اخ۲ سنج‌افزار خودرو
اخ۲ سیستم سرمایش خودرو
اخ۳ رادیاتور خودرو
اخ۲ شیشه جلوی خودرو
اخ۲ صندلی خودرو
اخ۲ ضربه‌گیر خودرو
اخ۲ فنر خودرو
اخ۲ گرم‌کن خودرو
اخ۲ مبلمان خودرو
اخ۲ مخزن سوخت خودرو
اخ۲ موتور خودرو
اخ۳ چندراهه موتور خودرو
اخ۳ موتور خودروی کوچک
اخ۳ موتور خودروی مسابقه
او آزمایش خودرو
او آزمونگاه خودرو
او پلاک شماره(خودرو)
او خودروی مدل
او راننده خودرو
او ساختن خودرو
او سرش
او سوخت خودرو
او سوخت‌گیری
او سیستم بزرگراه وسیله نقلیه هوشمند
او کارخانه خودروسازی
او کیفیت سواری
او مهندسی خودرو
او مواد خودرو
او موتور بار لایه‌ای
او نمایشگاه خودرو
او وسیله نقلیه نظامی
ان *Automobile*

خودروی آبی‌خاکی

اع۱ آب‌خاک‌پیما
اع۲ وسیله نقلیه
اع۱ خودرو
اع۲ وسیله نقلیه زمینی
اع۳ وسیله نقلیه
ان *Amphibious automobile*

خودروی برقی

اع۱ خودرو
اع۲ وسیله نقلیه زمینی
اع۳ وسیله نقلیه
اع۱ وسیله نقلیه الکتریکی
اع۲ وسیله نقلیه
او موتور خطی
ان *Electric automobile*

خودروی دیفرانسیل جلو

اع۱ خودرو
اع۲ وسیله نقلیه زمینی
اع۳ وسیله نقلیه
ان *Front wheel drive automobile*

خودروی مدل

اع۱ مدل
او خودرو
او خودروی مینیاتوری
ان *Model automobile*

خودروی مسابقه

اع۱ خودرو
اع۲ وسیله نقلیه زمینی
اع۳ وسیله نقلیه
او موتور خودروی مسابقه
ان *Racing automobile*

خودروی موتور عقب

اع۱ خودرو

اع۲ وسیله نقلیه زمینی
اع۳ وسیله نقلیه
ان *Rear engine automobile*

خودروی مینیاتوری

اع۱ خودرو
اع۲ وسیله نقلیه زمینی
اع۳ وسیله نقلیه
او خودروی مدل
ان *Miniature automobile*

خودکارسازی

اخ۱ خودکارسازی اداره
اخ۱ خودکارسازی کارخانه
او آدمک‌شناسی
او آزمایش خودکار
او پیلوت خودکار
او ساختمان هوشمند
او سیستم تلفن خودکار
او سیستم کنترل
او کنترل
او کنترل خودکار ترن
او کنترل فرایند
او ماشین سخنگوی خودکار
او مکانیزه‌کردن
او هدایت خودکار(ماشین‌آلات کشاورزی)
ان *Automation*

خودکارسازی اداره

بج *اداره آینده*
بج *دفتر کار الکترونیکی*
اع۱ خودکارسازی
او پست الکترونیکی
او تلفن
او تلگراف
او داده‌پردازی اداری
او دورسخنی
او سیستم تلفن
او سیستم مخابراتی
او صفحه گسترده
او فناوری اطلاعات
او متن‌نما
او مدیریت
او نمابر
او واژه‌پردازی
ان *Office automation*

خودکارسازی کارخانه

اع۱ خودکارسازی
او آدمک صنعتی
او تولید به کمک رایانه
او تولید مجتمع به وسیله رایانه
او فناوری اطلاعات
او واحد صنعتی
ان *Factory automation*

خودمبدل الکتریکی

اع۱ تقسیمگر ولتاژ
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ مبدل الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
ان *Electric autotransformer*

خوردگی

بج *خوردگی آلیاژ*
بج *خوردگی فلز*
اخ۱ ترک‌خوردگی تنشی
اخ۱ ترک‌خوردگی سولفیدی
اخ۱ حفره‌دارشدگی
اخ۱ خوردگی آلومینیوم
اخ۱ خوردگی الکتروشیمیایی
اخ۱ خوردگی جوی
اخ۱ خوردگی خلاءزایی
اخ۱ خوردگی در بستر زمین
اخ۱ خوردگی دیگ بخار
اخ۱ خوردگی سایشی
اخ۱ خوردگی فولاد
اخ۱ خوردگی مس
اخ۱ خوردگی ناشی از آب دریا
اخ۱ خوردگی ناشی از آلودگی
او اثر خوردگی
او افت
او اکسایش
او اکسایش درونی
او آلیاژ
او آلیاژ مقاوم در برابر خوردگی
او بازدارنده خوردگی
او پدیده سطحی

او پوسته‌زدایی
او جرم‌گرفتگی
او حفاظت از خوردگی
او حفاظت کاتدی
او حکاکی(با اسید)
او خستگی خوردگی
او خورندگی شیمیایی
او زوال
او سایش مواد
او شکست(مکانیکی)
او فرسایش
او فلز
او مقاومت در برابر خوردگی
او هوازدگی
او هیدروژن‌تردی
او ویژگی سطح
ان *Corrosion*

خوردگی آلومینیوم

اع۱ خوردگی
او آلومینیوم
ان *Aluminum corrosion*

خوردگی آلیاژ

ب‌ک خوردگی

خوردگی الکتروشیمیایی

ب‌ج *خوردگی برق‌کافتی*
اع۱ خوردگی
او الکتروشیمی
او برق‌کافت
ان *Electrochemical corrosion*

خوردگی برق‌کافتی

ب‌ک خوردگی الکتروشیمیایی

خوردگی جوی

اع۱ خوردگی
او هواشناسی
ان *Atmospheric corrosion*

خوردگی خلاءزایی

ب‌ج *فرسایش حفره‌ای*
اع۱ خوردگی
اع۱ فرسایش
او خلاءزایی
ان *Cavitation corrosion*

خوردگی در بستر زمین

اع۱ خوردگی
او تجهیزات زیرزمینی
او سازه زیرزمینی
ان *Underground corrosion*

خوردگی دیگ بخار

اع۱ خوردگی
او دیگ بخار
او سرباره
او نهشته دیگ بخار
ان *Boiler corrosion*

خوردگی سایشی

اع۱ خوردگی
او خستگی خوردگی
او خستگی مصالح
ان *Fretting corrosion*

خوردگی فلز

ب‌ک خوردگی

خوردگی فولاد

اع۱ خوردگی
او فولاد
ان *Steel corrosion*

خوردگی مس

اع۱ خوردگی
او مس
ان *Copper corrosion*

خوردگی ناشی از آب دریا

اع۱ اثر آب دریا
اع۲ اثر
اع۱ خوردگی
او آب دریا
ان *Seawater corrosion*

خوردگی ناشی از آلودگی

اع۱ خوردگی
او آلودگی
او آلودگی آب
او آلودگی هوا
ان *Pollution induced corrosion*

خورشید
اع۱ منظومه شمسی
او انرژی خورشیدی
ان *Sun*

خورشیدنگار
اع۱ سنج‌افزار ثبات
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
ان *Heliograph*

خورندگی شیمیایی
او حفره‌دارشدگی
او خوردگی
او مقاومت اوزون
او مقاومت شیمیایی
ان *Chemical attack*

خون
اع۱ دستگاه قلبی-عروقی
اع۱ مایعات بدن
اع۲ مواد زیست‌شناختی
اع۳ مواد
او تجزیه گازهای خون
او جانشین خون
او فیزیک‌درمانی
او هموگلوبین
ان *Blood*

خون مصنوعی
ب‌ک جانشین خون

خیابان
ب‌ک جاده و خیابان

خیزاب(سیال)
اع۱ دستگاه سیالی
اع۲ تجهیزات
اع۱ دینامیک سیالات
اع۲ دینامیک
اع۳ مکانیک
اخ۱ خیزاب خط‌لوله
ان *Surge (fluid)*

خیزاب خط‌لوله
اع۱ خیزاب(سیال)
اع۲ دستگاه سیالی
اع۳ تجهیزات
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
او جریان در لوله
او خط‌لوله
او مخزن تعادل
ان *Pipeline surge*

خیزران
اع۱ گیاه
او مواد خمیر کاغذ
ان *Bamboo*

خیزش گازی
اع۱ بهره‌برداری از چاه نفت
اع۲ تولید
ان *Gas lift*

خیساندن
اع۱ عملیات شیمیایی
او آبکاری سرب
او استخراج
او استخراج با حلال
او آلیاژ سرب
او پالایش سرب
او تراوایی مکانیکی
او تراوش(سیال)
او ترکیبات سرب
او جداسازی
او حلال
او خالص‌سازی
او ذخیره سرب
او سرب
او سرب‌زدایی(تصفیه آب)
او شستشو
او عمل‌آوری کان‌سنگ

او عمل‌آوری کان‌سنگ سرب
او فرایند ریخته‌گری سرب
او فلزنگاری سرب
او متالورژی سرب
او محلول
او معدن سرب
او معدن‌کاری انحلالی
او نفوذپذیری سطحی
او هوازدگی
ان *Leaching*

داده‌برداری

بچ *داده‌دهی*
بچ *داده‌یابی*
اع۱ داده‌پردازی
او بررسی
او داده‌گردانی
او سیستم کارت سوراخ‌دار
او سیستم نوار سوراخ‌شده
او ضبط‌کردن داده‌ها
او نشانگر(سنج‌افزار)
او نقشه‌برداری
ان *Data acquisition*

داده‌پردازی

بچ *پردازش اطلاعات*
اخ۱ انتقال داده‌ها
اخ۱ پردازش انجمنی
اخ۱ داده‌برداری
اخ۱ داده‌پردازی اداری
اخ۲ داده‌پردازی دولتی
اخ۲ داده‌پردازی مالی
اخ۲ نظام اطلاعات مدیریت
اخ۳ سیستم پشتیبانی تصمیم
اخ۱ داده‌پردازی بیمارستانی
اخ۱ داده‌پردازی تولیدی
اخ۱ داده‌پردازی دسته‌ای
اخ۱ داده‌پردازی نظامی
اخ۱ داده‌پردازی نوری
اخ۲ همبستگی نوری
اخ۱ داده‌توصیفی
اخ۱ داده‌گردانی
اخ۲ ادغام
اخ۲ تحویل داده‌ها
اخ۲ مراجعه به جدول
اخ۲ مرتب‌سازی
اخ۱ سیستم پردازش زبان طبیعی
اخ۱ ضبط‌کردن داده‌ها
اخ۱ متراکم‌سازی داده‌ها
اخ۲ تراکم تصویر
اخ۳ کوانتش برداری
اخ۱ واژه‌پردازی
اخ۱ واگردانی رقمی به قیاسی
اخ۱ واگردانی قیاسی به رقمی
او امنیت داده‌ها
او تجهیزات ذخیره داده‌ها
او تحلیل مسیر بحرانی
او حس‌گر دو رگه
او رمزگذاری
او سازمان فایل
او سیستم ارتباط داده‌ای
او کاربرد رایانه
او کاربرد رایانه در آموزش
او کاربرد رایانه در پزشکی
او ماشین تجاری
او مبدل رمز
او مجموعه کاراکتر
او محاسبه روان‌شناسی
او محاسبه علوم اجتماعی
او محاسبه علوم طبیعی
او مکانیزه‌کردن
او ویرایشگر پرونده
ان *Data processing*

داده‌پردازی اداری

بچ *داده‌پردازی تجاری*
اع۱ داده‌پردازی
اخ۱ داده‌پردازی دولتی
اخ۱ داده‌پردازی مالی
اخ۱ نظام اطلاعات مدیریت
اخ۲ سیستم پشتیبانی تصمیم
او پست الکترونیکی
او خودکارسازی اداره
او دورسخنی
او سیستم ذخیره جا
او صفحه گسترده
او علم مدیریت
او مدیریت
او مدیریت صنعتی
او واژه‌پردازی
ان *Administrative data processing*

داده‌پردازی بیمارستانی

اع۱ داده‌پردازی
او بیمارستان
ان *Hospital data processing*

داده‌پردازی تجاری

ب‌ک داده‌پردازی اداری

داده‌پردازی تولیدی

اع۱ داده‌پردازی
او اقتصاد صنعتی
او ساختن
او کنترل فرایند آماری
او واحد صنعتی
ان *Manufacturing data processing*

داده‌پردازی دسته‌ای

اع۱ داده‌پردازی
ان *Batch data processing*

داده‌پردازی دولتی

اع۱ داده‌پردازی اداری
اع۲ داده‌پردازی
ان *Government data processing*

داده‌پردازی مالی

اع۱ داده‌پردازی اداری
اع۲ داده‌پردازی
او امور مالی
او صفحه گسترده
ان *Financial data processing*

داده‌پردازی نظامی

ب‌ج *پادسنجش نظامی*
اع۱ داده‌پردازی
اع۱ عملیات نظامی
او ارتباطات نظامی
او مهندسی نظامی
ان *Military data processing*

داده‌پردازی نوری

ب‌ج *پردازش اطلاعات نوری*
ب‌ج *محاسبه نوری*
اع۱ داده‌پردازی
اخ۱ همبستگی نوری
او تابع انتقال نوری
او تجهیزات جانبی رایانه
او تمام‌نگاری
او ذخیره تصویر نوری
او سیستم ارتباط داده‌ای
او نورشناسی فوریه
او واسط(رایانه)
ان *Optical data processing*

داده‌توصیفی

اع۱ داده‌پردازی
او ساختار داده‌ها
او سیستم پایگاه داده‌ها
ان *Data description*

داده‌دهی

ب‌ک داده‌برداری

داده‌گردانی

اع۱ داده‌پردازی
اخ۱ ادغام
اخ۱ تحویل داده‌ها
اخ۱ مراجعه به جدول
اخ۱ مرتب‌سازی
او امنیت داده‌ها
او داده‌برداری
او رمزنویسی
او زبان‌های پردازش لیست
ان *Data handling*

داده‌یابی

ب‌ک داده‌برداری

داربست

اع۱ تجهیزات ساخت
اع۲ تجهیزات
ان *Scaffold*

دارودرمانی

ب‌ج *شیمی‌درمانی*
اع۱ درمان بیمار
اخ۱ چکانش دارو
اخ۱ دوزاژ دارویی

او برهم‌کنش دارویی
او فارماکودینامیک
او فارماکوکینتیک
او فراورده دارویی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Drug therapy*

داروی بیهوشی

اع۱ فراورده دارویی
او هوشبری‌شناسی
ان *Anesthetics*

داروی یونی

اع۱ فراورده دارویی
او حس‌گر داروی یونی
او یون
ان *Ionic drug*

داس(سیستم عامل)

ب‌ج *سیستم عامل دیسکی*
اع۱ سیستم عامل رایانه
اع۲ نرم‌افزار رایانه
ان *DOS*

داشبورد خودرو

اع۱ تابلوی سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
اع۱ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۲ خودرو
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
او سنج‌افزار خودرو
ان *Automobile instrument panel*

داکسی‌ریبوکلئیک اسید
ب‌ک دی.ان.آ.

دال بتنی

اع۱ فراورده بتنی
او ساخت بتنی
ان *Concrete slab*

دانه(فراورده کشاورزی)

اع۱ فراورده کشاورزی
ان *Grain (agricultural product)*

دانه‌بندی

او استاندارد
او تعیین درشتی
او کنترل کیفیت
ان *Grading*

دانه‌ساز

اع۱ ماشین‌آلات
او آسیاب
او آسیاب گلوله‌ای
او دانه‌سازی
او سنگ‌شکن
او ماشین‌آلات پلاستیک
ان *Granulator*

دانه‌سازی

او اتم‌سازی
او خردسازی
او دانه‌ساز
او سنگ‌شکنی
او گردایش
ان *Granulation*

دایره‌زن ریزموج

اع۱ ابزار ریزموج
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او دایره‌زن موجبر
ان *Microwave circulator*

دایره‌زن موجبر

اع۱ اجزای موجبر
اع۲ اجزا
اع۲ موجبر
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او دایره‌زن ریزموج
ان *Waveguide circulator*

دباغی

اع۱ فراورش
اع۲ ساختن

اع۳ تولید
او چرم
ان *Tanning*

در

اع۱ اجزای ساختمان
اع۲ ساختمان
اع۳ سازه
اخ۱ دستگیره در
او قفل(چفت)
او لولا
او مانع هوایی
ان *Door*

درآشامی

ب‌ک جذب

دریوش(بارگنج)

ب‌ک دریچه بارگنج

درجه آزادی(مکانیک)

او ساز و کار
او مکانیک
ان *Degrees of freedom (mechanics)*

درجه‌بندی

اخ۱ درجه‌بندی ضدکوبش
او استاندارد
ان *Rating*

درجه‌بندی ضدکوبش

ب‌ج *عدد اکتان*
ب‌ج *عدد ستان*
اع۱ درجه‌بندی
او بنزین
او ترکیبات ضدکوبش
او سوخت
او ضربه احتراق
ان *Antiknock rating*

درجه حرارت

ب‌ک دما

درجه سوخت

اع۱ نشانگر سطح مایع
اع۲ پیمانه
اع۳ سنج‌افزار
اع۲ نشانگر(سنج‌افزار)
اع۳ سنج‌افزار
او دستگاه سوخت‌رسانی
او سنج‌افزار هواگرد
ان *Fuel gage*

درخت(ریاضیات)

اع۱ نظریه گراف
اع۲ توپولوژی
اع۳ فن ریاضی
اع۲ ریاضیات ترکیبی
اع۳ فن ریاضی
او توپولوژی
ان *Tree (mathematics)*

درخش

اع۱ لامپ الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ چشمه نور
ان *Flashlight*

درخشایی

اع۱ گسیل نور
اع۲ گسیل موج الکترومغناطیسی
اخ۱ الکترورخشانی
اخ۱ درخشایی جامد
اخ۲ درخشایی جامد آلی
اخ۲ درخشایی جامد غیر آلی
اخ۱ درخشایی صوتی
اخ۱ درخشایی گاز
اخ۱ درخشایی مالشی
اخ۱ درخشایی محلول و مایع
اخ۱ درخشایی نوری
اخ۱ روشنایی کاتدی
اخ۱ شب‌تابی
اخ۱ فلورسانس
اخ۱ گرماتابی
اخ۱ نورافشانی شیمیایی
او ابزار درخشایی
او رنگدانه
او شب‌تاب

ان *Luminescence*

درخشایی جامد

اع۱ درخشایی
اع۲ گسیل نور
اع۳ گسیل موج الکترومغناطیسی
اخ۱ درخشایی جامد آلی
اخ۱ درخشایی جامد غیر آلی
او جامد
ان *Luminescence of solid*

درخشایی جامد آلی

اع۱ درخشایی جامد
اع۲ درخشایی
اع۳ گسیل نور
او ترکیبات آلی
ان *Luminescence of organic solid*

درخشایی جامد غیر آلی

اع۱ درخشایی جامد
اع۲ درخشایی
اع۳ گسیل نور
او ترکیبات معدنی
ان *Luminescence of inorganic solid*

درخشایی صوتی

اع۱ اثر موج صوتی
اع۲ اثر موج
اع۳ اثر
اع۱ درخشایی
اع۲ گسیل نور
اع۳ گسیل موج الکترومغناطیسی
ان *Sonoluminescence*

درخشایی گاز

اع۱ درخشایی
اع۲ گسیل نور
اع۳ گسیل موج الکترومغناطیسی
او گاز
ان *Luminescence of gas*

درخشایی مالشی

اع۱ درخشایی
اع۲ گسیل نور
اع۳ گسیل موج الکترومغناطیسی
او اصطکاک
او اصطکاک‌شناسی
ان *Triboluminescence*

درخشایی محلول و مایع

اع۱ درخشایی
اع۲ گسیل نور
اع۳ گسیل موج الکترومغناطیسی
او مایع
او محلول
ان *Luminescence of liquid and solution*

درخشایی نوری

اع۱ درخشایی
اع۲ گسیل نور
اع۳ گسیل موج الکترومغناطیسی
او جذب نور
او شمارگر سوسوزن
ان *Photoluminescence*

درخشش

اع۱ نور
اع۲ موج الکترومغناطیسی
اع۳ تابش
اع۳ موج
او اثر درخشش
او روشنایی الکتریکی
او روشنایی خیابان
ان *Glare*

درزبند

اع۱ مواد
اخ۱ بتونه
او اتصال(اجزای سازه‌ای)
او چسب
او درزبندی
او مصالح ساختمانی
او نشت‌بند
او نوار
ان *Sealant*

درزبندی

اخ۱ دوغاب‌ریزی

او آستره
او پرچ‌کاری
او پیوندزنی
او پیوندزنی نوردی
او چسب‌زنی
او چسبندگی
او درزبند
او سیمان
او ضدآب‌کردن
او کپسولی‌کردن
او لحیم‌کاری
او نشت‌بند
ان *Sealing (closing)*

درزبندی(تکمیل)

اع۱ تکمیل
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
او رنگ‌کاری
او فرایند ریخته‌گری
او فن اندایش
ان *Sealing (finishing)*

درشت‌ملکول

اع۱ مولکول
اخ۱ اسید هسته‌ای
اخ۲ آر.ان.آ.
اخ۲ دی.ان.آ.
او بسپار
او پروتئین
او ترکیبات آلی
او ژل
او کلوئید
ان *Macromolecule*

درک تصویر

اع۱ تصویر پردازی
اع۲ پردازش سیگنال
ان *Image understanding*

درگاشت

ب‌ج *آنتروپی*
اع۱ ویژگی ترمودینامیکی
او انرژی آزاد
او انرژی آزاد گیبس
او گرمایش
ان *Entropy*

درمانیت

ب‌ک التهاب پوست

درمان بیمار

اخ۱ ایمن‌سازی
اخ۱ برق‌درمانی
اخ۲ پزشکی سوزنی الکتریکی
اخ۱ پرتودرمانی
اخ۱ پروسیجر پزشکی غیر تهاجمی
اخ۱ پزشکی سوزنی
اخ۲ پزشکی سوزنی الکتریکی
اخ۱ پس‌خورد حسی
اخ۱ تثبیت شکستگی
اخ۱ تنفس‌درمانی
اخ۱ جراحی
اخ۲ پیوندکردن(جراحی)
اخ۲ جراحی اعصاب
اخ۲ جراحی الکتریکی
اخ۲ جراحی قلب و عروق
اخ۲ جراحی لیزری
اخ۲ سرماجراحی
اخ۱ دارودرمانی
اخ۲ چکانش دارو
اخ۲ دوزاژ دارویی
اخ۱ درمان فتودینامیک
اخ۱ سرمادرمانی
اخ۲ سرماجراحی
او بخش پزشکی(کارخانه صنعتی)
او پایش بیمار
او پزشکی
او تجهیزات زیست‌پزشکی
او تصویربرداری پزشکی
او توانبخشی بیمار
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Patient treatment*

درمان سرطان

ب‌ک سرطان‌شناسی

درمان فتودینامیک

اع۱ درمان بیمار
او درون‌بینی

او کاربرد لیزر
او مقدارسنجی
او نورشناسی تارها
ان *Photodynamic therapy*

درو

ب‌ج *برداشت*
اع۱ کشاورزی
اع۲ صنعت
او ماشین خرمن‌کوب
ان *Harvesting*

درون‌بین

ب‌ک درون‌بینی

درون‌بینی

ب‌ج *آندوسکوپی*
ب‌ج *درون‌بین*
اع۱ تشخیص(پزشکی)
او درمان فتودینامیک
او سنج‌افزار نوری
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Endoscopy*

درونمانده

او تحلیل تنش
او ریزساختار فلزنگاری
او سواسازی(فلزنگاری)
او ناخالصی
او نقص
او نقص بلور
ان *Inclusion*

درونی(ساختمان)

اع۱ اجزای ساختمان
اع۲ ساختمان
اع۳ سازه
ان *Interior (building)*

درون‌یابی

اع۱ تحلیل عددی
اع۲ فن ریاضی
او نظریه تقریب
ان *Interpolation*

دریاچه

اع۱ آب سطحی
او آب‌پخشان
او آب‌رسانی
او دریاکنار
او راه آبی درون‌مرزی
او طرح حوضه رودخانه
او کرانه(کناره آب)
او لایه‌بندی گرمایی
او منبع آب سطحی
او منبع ذخیره‌سازی آب
ان *Lake*

دریافت چندبرابر

اع۱ رادیو
اع۲ مخابرات
اع۳ ارتباط
او ارسال رادیویی
او سیستم رادیویی
او گیرنده رادیویی
ان *Diversity reception*

دریاکنار

ب‌ج *پلاژ*
اع۱ زمین‌چهر
او اقیانوس‌شناسی
او حفاظت ساحل
او دریاچه
او فرسایش
او مهندسی ساحل
ان *Beache*

دریالرزه‌موج

ب‌ج *موج کشندی*
اع۱ موج آب
اع۲ موج مایع
اع۳ موج مکانیکی
او اقیانوس‌شناسی
او زلزله
او موج لرزه‌ای
ان *Tsunamy*

دریچه

اع۱ تجهیزات کشتی
اع۲ تجهیزات

اع۲ قطعات و تجهیزات آب‌پیما
اع۳ آب‌پیما
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ کشتی
اع۳ آب‌پیما
او روکش دریچه
ان *Hatch*

دریچه هیدرولیکی

اع۱ سازه آبی
اع۲ سازه
او دریچه سرریز
او دریچه کانال
ان *Hydraulic gate*

دریچه بارگنج

ب‌ج *درپوش(بارگنج)*
اع۱ بارگنج
ان *Container closure*

دریچه سرریز

اع۱ راهگذر سرریز
اع۲ سازه آبی
اع۳ سازه
او دریچه هیدرولیکی
ان *Spillway gate*

دریچه کانال

اع۱ سازه آبی
اع۲ سازه
او دریچه هیدرولیکی
او کانال
ان *Canal gate*

دریل هیدرولیکی

اع۱ تجهیزات هیدرولیکی
اع۲ تجهیزات
اع۱ مته
اع۲ ابزار تراش
اع۳ ابزار
اع۳ تجهیزات برش
ان *Hydraulic drill*

دزسنج
ب‌ک مقدارسنج

دست‌افزار

اع۱ ابزار
اع۲ تجهیزات
اخ۱ چکش
او ابزار تراش
او اره
او افشانه تفنگی
او برقو
او بیل
او تجهیزات ساخت
او جک
او سوهان و چوب‌سای
او قلاویز
او ماشین پرچ‌کاری
او ماشین جلاکاری
ان *Hand tools*

دست‌دندان
ب‌ک برسازه دندانی

دسترسی

او تحلیل خرابی
او عملکرد
او قابلیت اطمینان
او نگهداشت‌پذیری
ان *Availability*

دستگاه آزمایش مواد

اع۱ تجهیزات
اخ۱ واگن آزمون مسیر
او آزمایش مواد
او آزمایشگاه مواد
ان *Materials testing apparatus*

دستگاه الکترواستاتیک

اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ بلندگوی الکترواستاتیکی
اخ۱ تفنگ الکترونی
اخ۱ جداساز الکتروستاتیکی
اخ۱ خازن
اخ۲ خازن برق‌کافتی

اخ۲ خازن سرامیکی
اخ۲ خازن کاغذی
اخ۲ واراکتور
اخ۱ عدسی الکترواستاتیکی
اخ۱ مولد الکتروستاتیکی
اخ۲ مولد وان‌دوگراف
او الکترواستاتیک
او میدان الکتریکی
ان *Electrostatic device*

دستگاه الکترونی

اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ ابزار حالت جامد
اخ۲ ابزار ام.آی.ام
اخ۲ ابزار فیلم‌ضخیم
اخ۲ ابزار فیلم‌نازک
اخ۳ ابزار با لایه نازک مغناطیسی
اخ۳ ابزار ریزنوارکی
اخ۳ ترانزیستور فیلم‌نازک
اخ۲ ابزار نیم‌رسانا
اخ۳ ابزار زمان گذر
اخ۳ ابزار سرباریکه‌ای
اخ۳ ابزار گان
اخ۳ ابزار نیم‌رسانای اثر میدانی
اخ۳ ابزار نیم‌رسانای دوقطبی
اخ۳ اسپیسیستور
اخ۳ ترانزیستور
اخ۳ تیریستور
اخ۳ دیود سد شاتکی
اخ۳ دیود نیم‌رسانا
اخ۳ رله نیم‌رسانا
اخ۳ سوده نیم‌رسانا
اخ۳ شمارگر نیم‌رسانا
اخ۳ لیزر نیم‌رسانا
اخ۳ مدارمجتمع
اخ۳ نیم‌رسانای نوسانگر
اخ۳ واریستور
اخ۲ لیزر حالت جامدی
اخ۳ لیزر نئودیمیم‌دار
اخ۳ لیزر تاری
اخ۲ نوسان‌ساز حالت جامد
اخ۲ یک‌سوساز حالت جامد
اخ۱ لامپ الکترونی
اخ۲ اجزای لامپ الکترونی
اخ۳ تفنگ الکترونی
اخ۳ گازربا
اخ۳ یوغ انحراف
اخ۲ تریود
اخ۲ تکثیرکن الکترون
اخ۳ تکثیرکن فوتونی
اخ۲ دیود لامپ الکترونی
اخ۲ لامپ پنج قطبی
اخ۲ لامپ چهار الکترودی
اخ۲ لامپ ذخیره
اخ۳ لامپ ذخیره تصویر
اخ۲ لامپ ریزموجی
اخ۳ ارتعاش‌سنج دیاپازونی
اخ۳ لامپ موج الکترونی
اخ۲ لامپ کاتد سرد
اخ۳ فوتولوله
اخ۳ لامپ شمارش
اخ۲ لامپ گرمایونی
اخ۳ تیراترون
اخ۳ لامپ موج الکترونی
اخ۳ لامپ پرتو ایکس
اخ۳ لامپ پرتو کاتدی
اخ۲ لوله تخلیه گازی
اخ۳ تیراترون
اخ۳ یک‌سوساز بخار جیوه‌ای
او آزمایش دستگاه الکترونی
او تولید دستگاه الکترونی
ان *Electron device*

دستگاه الکتریکی

اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ بخاری الکتریکی
اخ۱ جاروبرقی
او آب‌گرمکن
او اجاق
او اجاق الکتریکی
او اجاق ریزموجی
او بخاری
او بهره‌برداری نیروی برق
او رمز الکتریکی
او ماشین لباسشویی
او وسیله خانگی
ان *Electric appliance*

دستگاه اندازه‌گیری سطح

ب‌ک سطح‌سنج

دستگاه اندازه‌گیری شار مغناطیسی

ب‌ک شارسنج

دستگاه به‌کاراندازی مواد منفجره

اع۱ تجهیزات
اخ۱ ابزار به‌کاراندازی مواد منفجره
اخ۱ چفت به‌کاراندازی مواد منفجره
ان *Explosive actuated device*

دستگاه بین‌المللی یکاها

ب‌ک سیستم متریک

دستگاه پخت چوب

اع۱ تجهیزات شیمیایی
اع۲ تجهیزات
او ساختن خمیر کاغذ
ان *Pulp digester*

دستگاه پراش الکترون

اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
او پراش الکترون
ان *Electron diffraction apparatus*

دستگاه پراش نوترونی

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او تشعشع نوترونی
ان *Neutron diffraction apparatus*

دستگاه پرتو ایکس

اع۱ تجهیزات
اخ۱ دوربین پرتو ایکس
اخ۱ صفحه نمایش پرتو ایکس
اخ۱ طیف‌سنج پرتو ایکس
اخ۲ طیف‌نورسنج پرتو ایکس
اخ۱ طیف‌نگار پرتو ایکس
اخ۱ فیلم پرتو ایکس
اخ۱ لامپ پرتو ایکس
اخ۱ میکروسکوپ پرتو ایکس
او آزمایشگاه پرتو ایکس
او پرتو ایکس
او پرتونگاری پرتو ایکس
او تجهیزات زیست‌پزشکی
او تحلیل پرتو ایکس
او تقویت‌کننده تصویر(لامپ الکترونی)
او چاپ سنگی پرتو ایکس
او طیف‌سنجی پرتو ایکس
او لیزر پرتو ایکس
ان *X ray apparatus*

دستگاه پرتوگیری نوترون

اع۱ تجهیزات
او تابش‌دهی
او تجزیه نوترونی
او نوترون
ان *Neutron irradiation apparatus*

دستگاه تراش

اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ دستگاه تراش برجک‌دار
او تراشکاری
او ماشین حفاری(ابزار ماشینی)
او ماشین حفره‌کنی(ابزار ماشینی)
او ماشین سنگ‌زنی
ان *Lathe*

دستگاه تراش برجک‌دار

اع۱ دستگاه تراش
اع۲ ماشین‌ابزار
اع۳ ابزار
اع۳ ماشین‌آلات
ان *Turret lathe*

دستگاه تصویراندازی

ب‌ج *سیستم تصویر نوری*
اع۱ سیستم نوری
او پروژکتور نوری
ان *Projection system*

دستگاه تلفن

ب‌ج *تجهیزات ایستگاه تلفنی*
اع۱ تجهیزات مخابراتی

اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ تلفن بی‌سیم
اخ۱ تلفن سکه‌ای
اخ۱ سیم تلفن
اخ۱ کمک‌شنوایی تلفن
او تجهیزات نمابر
او تلفن
او گوشی
او هدفون
ان *Telephone apparatus*

دستگاه تنفس مصنوعی

بچ *رسپیراتور*
اع۱ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۲ تجهیزات
او مکانیک تنفسی
ان *Respirator*

دستگاه ثبت پول نقد

اع۱ ماشین تجاری
اع۲ ماشین‌آلات
او پایانه صندوق
ان *Cash register*

دستگاه حفاری چاه نفت

اع۱ تجهیزات حفاری چاه نفت
اع۲ تجهیزات حفاری
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات میدان نفتی
اع۳ تجهیزات
اع۱ مته
اع۲ ابزار تراش
اع۳ ابزار
اع۳ تجهیزات برش
او حفاری چاه نفت
او مته توربینی
ان *Oil well drill*

دستگاه روزن‌رانی عایق سیم

اع۱ روزن‌ران
اع۲ ماشین‌آلات
او سیم عایق‌کاری
او عایق‌کاری
ان *Wire insulating extruder*

دستگاه سنجش رنگ

ب‌ک رنگ‌سنج

دستگاه سوخت‌رسانی

اع۱ تجهیزات
او پالایه سوخت
او تزریق سوخت
او تلمبه سوخت
او حباب‌بند
او درجه سوخت
او سوخت
او مخزن سوخت
او مشعل سوختی
او موتور درون‌سوز
ان *Fuel system*

دستگاه سیالی

اع۱ تجهیزات
اخ۱ تقویت‌کننده سیالی
اخ۲ تقویت‌کننده هیدرولیکی
اخ۱ خیزاب(سیال)
اخ۲ خیزاب خط‌لوله
اخ۱ دستگاه منطقی سیالی
او سیلان‌شناسی
ان *Fluidic device*

دستگاه شماره‌گذاری

اخ۱ سیستم شماره‌گذاری تلفن
اخ۱ سیستم شماره‌گذاری نساجی
اخ۱ عدد ترجیحی
او نشان‌دارکردن
ان *Numbering system*

دستگاه عصبی

ب‌ک عصب‌شناسی

دستگاه عضلانی‌اسکلتی

اخ۱ استخوان
اخ۱ رباط
اخ۱ عضله
اخ۱ غضروف
اخ۱ مفصل(تشریح)
اخ۱ وتر
او ارتوپدی

او توانبخشی عصبی‌عضلانی
او زیست‌مکانیک
ان *Musculoskeletal system*

دستگاه فروالکتریکی

اع۱ ابزار دی‌الکتریک
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
او تقویت‌کننده دی‌الکتریکی
او فروالکتریسیته
او مواد فروالکتریکی
ان *Ferroelectric device*

دستگاه قلبی-عروقی

اخ۱ خون
اخ۱ رگ خونی
او اندازه‌نگاری
او جراحی قلب و عروق
او ضربان‌ساز
او قلب‌پزشکی
او مطالعه حرکت خون
ان *Cardiovascular system*

دستگاه گمانه‌زنی

اع۱ تجهیزات صوتی
اع۲ تجهیزات
او سونار
ان *Sounding apparatus*

دستگاه منطقی سیالی

اع۱ ابزار منطقی
اع۲ تجهیزات
اع۱ دستگاه سیالی
اع۲ تجهیزات
او سیلان‌شناسی
ان *Fluidic logic device*

دستگاه نورد

اع۱ واحد صنعتی
اخ۱ آسیاب لوله‌ای
اخ۱ دستگاه نورد آلومینیوم
اخ۱ دستگاه نورد سرد
اخ۱ دستگاه نورد گرم
اخ۲ دستگاه نورد تختال
اخ۲ دستگاه نورد شمشال
اخ۲ دستگاه نورد شمشه
اخ۱ دستگاه نورد نوار ورق
او شمشال
او شمشه(فلز)
او غلتش
او فرایند دستگاه نورد
او فلز صفحه‌ای
او فلز نواری
او فلز ورق
او کارخانه ذوب آهن
او میله(فلز)
ان *Rolling mill*

دستگاه نورد آلومینیوم

اع۱ دستگاه نورد
اع۲ واحد صنعتی
اع۱ کارخانه آلومینیوم
اع۲ واحد صنعتی
ان *Aluminum rolling mill*

دستگاه نورد تختال

اع۱ دستگاه نورد گرم
اع۲ دستگاه نورد
اع۳ واحد صنعتی
او دستگاه نورد شمشال
او دستگاه نورد شمشه
او دستگاه نورد نوار ورق
ان *Slab mill*

دستگاه نورد سرد

اع۱ دستگاه نورد
اع۲ واحد صنعتی
او دستگاه نورد نوار ورق
او نوردکاری سرد
ان *Cold rolling mill*

دستگاه نورد شمشال

اع۱ دستگاه نورد گرم
اع۲ دستگاه نورد
اع۳ واحد صنعتی
او دستگاه نورد تختال
او دستگاه نورد شمشه
ان *Billet mill*

دستگاه نورد شمشه

اع۱	دستگاه نورد گرم
اع۲	دستگاه نورد
اع۳	واحد صنعتی
او	دستگاه نورد تختال
او	دستگاه نورد شمشال
ان	*Blooming mill*

دستگاه نورد گرم

اع۱	دستگاه نورد
اع۲	واحد صنعتی
اخ۱	دستگاه نورد تختال
اخ۱	دستگاه نورد شمشال
اخ۱	دستگاه نورد شمشه
او	دستگاه نورد نوار ورق
او	نورد گرم
ان	*Hot rolling mill*

دستگاه نورد نوار ورق

اع۱	دستگاه نورد
اع۲	واحد صنعتی
او	دستگاه نورد تختال
او	دستگاه نورد سرد
او	دستگاه نورد گرم
او	فرایند دستگاه نورد
او	فلزکاری
ان	*Strip mill*

دستگاه همودیالیز

بج	*تجهیزات دیالیز خون*
بج	*تجهیزات دیالیز کلیه*
اع۱	تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۲	تجهیزات
او	دیالیز
ان	*Hemodialyzer*

دستگیره در

اع۱	در
اع۲	اجزای ساختمان
اع۳	ساختمان
ان	*Door handle*

دست‌ماشینی

اع۱	تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۲	تجهیزات
او	آدمک صنعتی
او	برنامه‌ریزی حرکت
ان	*Manipulator*

دستمزد و هزینه

اع۱	امور مالی
اخ۱	نرخ بهره‌برداری
اخ۲	نرخ برق
اخ۲	هزینه تخلیه فاضلاب
اخ۲	هزینه تصفیه فاضلاب
اخ۱	هزینه ترابری
او	بزرگراه عوارضی
او	پل عوارضی
او	مالیات‌بندی
ان	*Fees and charge*

دستور زبان بافت‌آزاد

اع۱	دستور زبان رایانه‌ای
اع۲	زبان‌شناسی رایانه‌ای
اع۳	زبان‌شناسی
اع۳	نظریه محاسبه
او	زبان بافت‌آزاد
ان	*Context free grammar*

دستور زبان بافت‌حساس

اع۱	دستور زبان رایانه‌ای
اع۲	زبان‌شناسی رایانه‌ای
اع۳	زبان‌شناسی
اع۳	نظریه محاسبه
او	زبان بافت‌حساس
ان	*Context sensitive grammar*

دستور زبان رایانه‌ای

اع۱	زبان‌شناسی رایانه‌ای
اع۲	زبان‌شناسی
اع۳	علم اطلاع‌رسانی
اع۲	نظریه محاسبه
اع۳	نظریه
اخ۱	دستور زبان بافت‌آزاد
اخ۱	دستور زبان بافت‌حساس
او	کامپایلر برنامه
او	نظریه خودکارافزار
ان	*Computational grammar*

دسته موتور

اع۱ سوارش
اع۲ اجزا
او سوارش پادارتعاش
او موتور(با منبع انرژی درونی)
ان *Engine mounting*

دستینه

او اشاعه اطلاعات
او جدول و نمودار بخار
او کتاب درسی
او مهندسی
ان *Handbook*

دفاع غیرنظامی

او انفجار هسته‌ای
او پناهگاه(دفاع غیرنظامی)
او عملیات نظامی
او مهندسی نظامی
ان *Civil defense*

دفتر پست

اع۱ تسهیلات
او جابه‌جایی پستی
او خدمات پستی
ان *Post office*

دفتر کار الکترونیکی

ب‌ک خودکارسازی اداره

دفع پساب

اع۱ دفع پسمانده
او آلودگی آب
او بازیافت پساب
او بهسازی پساب
او پساب
او فراورش پلمه‌سنگ نفتی
او کاغذسازی
او میدان نفتی
او نیروگاه هسته‌ای
ان *Wastewater disposal*

دفع پسمانده

اخ۱ تخلیه چاه عمیق
اخ۱ دفع پساب
اخ۱ دفع پسمانده صنعتی
اخ۲ دفع پسمانده پرتوزا
اخ۳ شیشه‌درآمیزی پسمانده پرتوزا
اخ۳ کپسولی‌کردن پسمانده پرتوزا
اخ۱ دفع زباله
اخ۲ جمع‌آوری زباله شهری
اخ۲ خاکسترسازی زباله
اخ۲ فشرده‌سازی زباله
اخ۲ مکان دفن بهداشتی زباله
اخ۱ دفع لجن
او برنامه‌ریزی شهری
او بهسازی پسمانده
او به‌کاربری پسمانده
او پالیدن چکنده
او پسمانده صنعتی
او تجهیزات زیست‌پزشکی یکبارمصرف
او زباله
او عمل‌آوری پسمانده صنعتی
او فاضلاب‌رو
او فشرده‌سازی
او کمپوست‌سازی زباله
او کمپوست‌کردن
او مخزن پلشتی
ان *Waste disposal*

دفع پسمانده پرتوزا

اع۱ دفع پسمانده صنعتی
اع۲ دفع پسمانده
اخ۱ شیشه‌درآمیزی پسمانده پرتوزا
اخ۱ کپسولی‌کردن پسمانده پرتوزا
او پسمانده پرتوزا
او ترابری پسمانده پرتوزا
او ذخیره‌سازی پسمانده پرتوزا
او صنعت هسته‌ای
ان *Radioactive waste disposal*

دفع پسمانده صنعتی

ی‌د دفع پسمانده فرایند صنعتی
اع۱ دفع پسمانده
اخ۱ دفع پسمانده پرتوزا
اخ۲ شیشه‌درآمیزی پسمانده پرتوزا
اخ۲ کپسولی‌کردن پسمانده پرتوزا
او پسمانده صنعتی
ان *Industrial waste disposal*

دفع زباله

اع۱	دفع پسمانده
اخ۱	جمع‌آوری زباله شهری
اخ۱	خاکسترسازی زباله
اخ۱	فشرده‌سازی زباله
اخ۱	مکان دفن بهداشتی زباله
او	ایستگاه انتقال زباله
او	برنامه‌ریزی شهری
او	تصفیه فاضلاب
او	خاکسترسازی پسمانده
او	فاضلاب‌رو
او	کمپوست‌کردن
او	مهندسی محیط
ان	*Refuse disposal*

دفع لجن

اع۱	دفع پسمانده
او	تصفیه فاضلاب
او	لجن فاضلاب
او	هضم لجن
ان	*Sludge disposal*

دفیبریلاتور

اع۱	تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۲	تجهیزات
او	قلب‌پزشکی
ان	*Defibrillator*

دکستروز

اع۱	قند
اع۲	کربوهیدرات
اع۳	ترکیبات آلی
او	افزودنی مواد غذایی
ان	*Dextrose*

دکل(قایق)

اع۱	تجهیزات قایق
اع۲	قایق
اع۳	آب‌پیما
اع۲	قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳	تجهیزات
اع۳	وسیله نقلیه
ان	*Mast (boat)*

دکل حفاری

اع۱	تجهیزات حفاری چاه نفت
اع۲	تجهیزات حفاری
اع۳	تجهیزات
اع۲	تجهیزات میدان نفتی
اع۳	تجهیزات
اخ۱	دکل حفاری جک سرخود
ان	*Drilling rig*

دکل حفاری جک سرخود

اع۱	دکل حفاری
اع۲	تجهیزات حفاری چاه نفت
اع۳	تجهیزات حفاری
اع۳	تجهیزات میدان نفتی
ان	*Jack-Up rig*

دکل رادار

اع۱	برج
اع۲	سازه
اع۱	تجهیزات رادار
اع۲	بردیاب
اع۳	سنج‌افزار
ان	*Radar tower*

دکل سر چاه

اع۱	بالابر معدن
اع۲	چرخ بالاکش
اع۳	تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۲	ماشین‌آلات معدن‌کاری
اع۳	تجهیزات معدن‌کاری
اع۳	ماشین‌آلات
ان	*Head frame*

دگرسانی رس

او	کانسار
او	کانی‌شناسی
ان	*Clay alteration*

دگرسانی مغناطیسی

اع۱	اثر میدان مغناطیسی
اع۲	اثر
او	ابزار دگرسانی مغناطیسی
او	مواد مغناطیسی
ان	*Magnetostriction*

دگرگونی

ب‌ک پیرایش

دگمه چرخشی

اع۱ اجزا

او اجزای سنج‌افزار

ان *Knob*

دلمه‌شدگی

اع۱ عملیات شیمیایی

او امولسیون

او تصفیه آب

او ته‌نشینی(شیمیایی)

او رسوب‌گذاری

او غلظت(فرایند)

او گردایش

ان *Coagulation*

دم(هواگرد)

اع۱ قطعات و تجهیزات هواگرد

اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه

اع۳ وسیله نقلیه

اع۲ هواگرد

ان *Empennage*

دما

ب‌ج *درجه حرارت*

ب‌ج *دمای تبدیل شیشه‌ای*

ب‌ج *دمای محیط*

ب‌ج *دمای مطلق*

اع۱ دمای جوی

اع۱ دمای گذار ابررسانش

او اثر دمای بالا

او اثر سردی

او اندازه‌گیری دما

او تهویه مطبوع

او توزیع دما

او دوربین دمانما

او سرمایش

او عملکرد دمای بالا

او کنترل دما

او گرمایش

او مقیاس دما

او هم‌دما

او ویژگی ترمودینامیکی

ان *Temperature*

دماپای

ب‌ج *ترموستا*

اع۱ سوده الکتریکی

اع۲ سوده

اع۳ تجهیزات

او دوفلزی

او سرماچال

او کنترل دما

او مقاومت گرمایی

ان *Thermostat*

دماسنج

اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری دما

اع۲ پیمانه

اع۳ سنج‌افزار

او اندازه‌گیری دما

او ترموپیل

او ترموکوپل

او تفسنج

او دوفلزی

ان *Thermometer*

دمانگاری

اع۱ اندازه‌گیری دما

اع۲ اندازه‌گیری متغیر گرمایی

اع۳ اندازه‌گیری

او توزیع دما

او گرماتابی

او گرمانگاری(تصویرسازی)

ان *Thermography (temperature measurement)*

دمای تبدیل شیشه‌ای

ب‌ک تبدیل شیشه‌ای

ب‌ک دما

دمای جوی

ی‌د برای دمای جو زمین یا جو برون زمینی به کار برید.

اع۱ دما

او اثر گلخانه‌ای

او ترمودینامیک جو

او تغییر آب‌وهوا

او جو برون زمینی

او جو زمین
او لایه‌بندی گرمایی
او هواشناسی
ان *Atmospheric temperature*

دمای گذار
ب‌ک دمای گذار ابررسانش

دمای گذار ابررسانش
ب‌ج *دمای گذار*
اع۱ دما
او ابررسانای دمای بالا
او ابررسانایی
او لایه ابررسانشی
او مواد ابررسانا
ان *Superconducting transition temperature*

دمای محیط
ب‌ک دما

دمای مطلق
ب‌ک دما

دمش
ب‌ک قالب‌گیری دمشی

دمش(لیزر)
اخ۱ دمش باریکه الکترون
اخ۱ دمش نوری
او لیزر
ان *Pumping (laser)*

دمش باریکه الکترون
اع۱ دمش(لیزر)
او باریکه الکترون
او لیزر
ان *Electron beam pumping*

دمش نوری
اع۱ دمش(لیزر)
او فرایند چندفتونی
او لیزر
ان *Optical pumping*

دمنده
اع۱ پنکه
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ دوده‌دم
او پرخوران
او تراکم‌ساز هوا
او تهویه
او تونل باد
او ماشین‌آلات توربو
او ماشین‌آلات پخچال‌دار
او نیروگاه
ان *Blower*

دنباله دوگانی
اع۱ نظریه محاسبه
اع۲ نظریه
او رمز تلفیقی
ان *Binary sequence*

دندانپزشکی
اع۱ پزشکی
او تجهیزات دندانپزشکی
او مهندسی زیست‌پزشکی
او مواد دندانپزشکی
او مینای دندان
ان *Dentistry*

دندان مصنوعی
ب‌ک برسازه دندانی

دندانه چرخ‌دنده
اع۱ چرخ‌دنده
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
ان *Gear teeth*

دنده‌تراش
اع۱ ابزار تراش
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات برش
اع۳ تجهیزات
او چرخ‌دنده‌تراشی
او ساختن چرخ‌دنده

او ماشین چرخ‌دنده‌تراشی
ان *Gear cutter*

دنده چرخ زنجیرخور

اع۱ اجزا
او جعبه‌دنده
او چرخ‌دنده
ان *Sprocket*

دوام

ب‌ج *پایایی*
او افت
او پایداری
او زوال
او سایش مواد
او عملکرد
ان *Durability*

دوبرابرساز بسامد

ب‌ک مدار ازدیاد بسامد

دوبه

اع۱ قایق
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
اخ۱ دوبه لوله‌گذاری
ان *Barge*

دوبه لوله‌گذاری

اع۱ دوبه
اع۲ قایق
اع۳ آب‌پیما
او خط‌لوله
او لوله
ان *Pipe laying barge*

دوپایداری نوری

او ابزار الکترونوری
او دیده‌وری کوانتمی
او نورشناسی غیرخطی
ان *Optical bistability*

دوتریم

ی‌د ایزوتوپ هیدروژن با عدد جرمی ۲
اع۱ ایزوتوپ
او ترکیبات دوتریم
او هیدروژن
ان *Deuterium*

دوچرخه

اع۱ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ وسیله نقلیه
او تجهیزات ورزشی
او ترابری غیرموتوری
ان *Bicycle*

دوچرخه ورزشی

ب‌ک تجهیزات ورزشی

دود

اع۱ پاشیدگی
او آلودگی هوا
او بخار
او پالایه سیگار
او دوده
او کاهش دود
او کنترل غبار شیمیایی
او گاز خروجی
او گرد و غبار
او هوامیز
ان *Smoke*

دوددادن

اع۱ کنترل آفت
اع۲ کنترل
او آفت‌کش
او آلودگی هوا
او پادزیست
او سترون‌سازی(تمیزکاری)
ان *Fumigation*

دودکش

اع۱ اجزای ساختمان
اع۲ ساختمان
اع۳ سازه
اخ۱ پوشش دودکش
اخ۱ دودکش کوره
او کوره

ان *Chimney*

دودکش کشتی

اع۱ تجهیزات کشتی
اع۲ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات آب‌پیما
اع۳ آب‌پیما
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ کشتی
اع۳ آب‌پیما
ان *Ship smokestack*

دودکش کوره

اع۱ دودکش
اع۲ اجزای ساختمان
اع۳ ساختمان
او وسیله گازی
ان *Flue*

دوده

اع۱ زباله
او احتراق
او آلودگی هوا
او دود
او دوده کربنی
او دوده‌دم
او زغال‌سنگ
او کربن
ان *Soot*

دوده‌دم

اع۱ دمنده
اع۲ پنکه
اع۳ ماشین‌آلات
او دوده
او دیگ بخار
ان *Soot blowers*

دوده کربنی

اع۱ کربن
اع۲ نافلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او دوده
ان *Carbon black*

دورآلومین

ب‌ک آلیاژ آلومینیم مس

دوربین

اع۱ تجهیزات عکاسی
اع۲ تجهیزات
اع۱ سنج‌افزار نوری
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اخ۱ دوربین تصویر متحرک
اخ۱ دوربین پرتو ایکس
اخ۱ دوربین دمانما
اخ۱ دوربین زیرآبی
اخ۱ دوربین زیرزمینی
اخ۱ دوربین سرعت بالا
اخ۱ دوربین فراصوتی
اخ۱ دوربین ویدئو
اخ۱ شاتر دوربین
اخ۱ عدسی دوربین
اخ۱ کنترل نوردهی
او بردیاب
او پالایه نوری
او شاتر نوری
او عکاسی
او فتوگرامتری
او کانونی‌سازی
ان *Camera*

دوربین تصویر متحرک

اع۱ دوربین
اع۲ تجهیزات عکاسی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
او تصویر متحرک
ان *Motion picture camera*

دوربین پرتو ایکس

اع۱ دستگاه پرتو ایکس
اع۲ تجهیزات
اع۱ دوربین
اع۲ تجهیزات عکاسی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار

ان *X ray camera*

دوربین دمانما

اع۱ دوربین
اع۲ تجهیزات عکاسی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
او اندازه‌گیری دما
او دما
ان *Temperature indicating camera*

دوربین دوچشمی

اع۱ ابزار نوری
اع۲ تجهیزات
ان *Binocular*

دوربین زیرآبی

اع۱ تجهیزات زیرآبی
اع۲ تجهیزات
اع۱ دوربین
اع۲ تجهیزات عکاسی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
ان *Underwater camera*

دوربین زیرزمینی

اع۱ تجهیزات زیرزمینی
اع۲ تجهیزات
اع۱ دوربین
اع۲ تجهیزات عکاسی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
ان *Underground camera*

دوربین سرعت بالا

اع۱ دوربین
اع۲ تجهیزات عکاسی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
او عکاسی سرعت بالا
ان *High speed camera*

دوربین فراصوتی

اع۱ تجهیزات فراصوتی
اع۲ تجهیزات صوتی
اع۳ تجهیزات
اع۱ دوربین
اع۲ تجهیزات عکاسی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
ان *Ultrasonic camera*

دوربین ویدئو

اع۱ تجهیزات تلویزیونی
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ دوربین
اع۲ تجهیزات عکاسی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
او استودیوی تلویزیونی
او تلویزیون
ان *Video camera*

دورچاپگر

اع۱ تجهیزات تلگراف
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ ماشین تحریر
اع۲ تجهیزات اداری
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین تجاری
اع۳ ماشین‌آلات
او فرستنده
او گیرنده سیگنال
ان *Teleprinter*

دوردریافتگری

او آب‌شناسی
او اقیانوس‌شناسی
او اکتشاف منبع طبیعی
او پویش‌گر چندطیفی
او پی‌جویی زمین‌فیزیکی

او تجهیزات نظامی
او تصویرسازی مادون قرمز
او عکاسی
او فتوگرامتری
او کنترل آلودگی
ان *Remote sensing*

دورسازی

اخ۱ جداسازی رنگی(تصفیه آب)
اخ۱ جداسازی شیمیایی(تصفیه آب)
اخ۲ آهن‌زدایی(تصفیه آب)
اخ۲ جداسازی ایزوتوپ پرتوزا(تصفیه آب)
اخ۲ جداسازی سولفید هیدروژن(تصفیه آب)
اخ۲ سرب‌زدایی(تصفیه آب)
اخ۲ منگنزززدایی(تصفیه آب)
اخ۱ رفع نیتروژن
ان *Removal*

دورسخنی

اع۱ مخابرات
اع۲ ارتباط
او ارتباط دیداری
او برخوانی فراهمایی
او پست الکترونیکی
او تجهیزات تلفن تصویری
او تلفن
او خودکارسازی اداره
او داده‌پردازی اداری
او سیستم تلویزیون مداربسته
او کاربرد تلویزیون
ان *Teleconferencing*

دورسنج

اع۱ سرعت‌نما
اع۲ نشانگر(سنج‌افزار)
اع۳ سنج‌افزار
او اندازه‌گیری بسامد الکتریکی
او سرعت‌سنج
او سنج‌افزار هواگرد
ان *Tachometer*

دورسنجی

اع۱ مخابرات
اع۲ ارتباط
او ارتباط رادیویی
او پشتیبانی زمینی هوافضا
او تجهیزات دورسنجی
او خدمات مخابراتی
او خط ارتباط رادیویی
او دورفرمان
او سیستم دورسنجی
او ماهواره
او مدوله‌سازی تپ
او همتافتگری تقسیم زمانی
ان *Telemetering*

دورفرمان

اع۱ کنترل
او بازخوانی از دور
او تجهیزات دورپاس
او تجهیزات کنترل
او تجهیزات مخابراتی
او دورسنجی
او سیستم اخطار
او کنترل فرایند
ان *Remote control*

دور کاراستراحت

ب‌ک زمان‌بندی کار-استراحت

دورنگار

ب‌ک نمابر

دوزاژ دارویی

اع۱ دارودرمانی
اع۲ درمان بیمار
ان *Drug dosage*

دوشاخه‌شدگی(ریاضیات)

اع۱ فن ریاضی
او معادله غیرخطی
ان *Bifurcation (mathematics)*

دوشکستی

ب‌ج *پرتو غیرعادی*
ب‌ج *شکست دوگانه*
اع۱ ویژگی نوری
اع۲ ویژگی فیزیکی
او اثر الکترونوری کر

او اثر نورمغناطیسی
او چرخش نوری
او شکست
او ضریب شکست
او قطبش نور
او نور
او نورکشسانی
ان *Birefringence*

دوغاب

اع۱ جامدات معلق(سیالات)
اع۲ پاشیدگی
اع۱ لجن زغالی
او خط‌لوله دوغابی
ان *Slurry*

دوغاب‌ریزی

اع۱ درزبندی
او پرکننده
او پی
او پیوندزنی
او تراوش
او چاه‌کنی
او سیمان
او سیمان‌کاری
او سیمان‌کاری چاه
او معدن‌کاری
ان *Grouting*

دوفلزی

اع۱ مواد
او اثر پوسته
او دماپای
او دماسنج
ان *Bimetal*

دوقلوزایی

ب‌ج *دوقلوزایی بلور*
اع۱ رشد بلور
اع۲ رشد(مواد)
او بلور
او ساختار بلور
ان *Twinning*

دوقلوزایی بلور

ب‌ک دوقلوزایی

دهانه باردهی

اع۱ بارگنج
او واگن قیفی
ان *Hopper*

دهانه رودخانه مستغرق

ب‌ک مصب رودخانه

دی.ان.آ.

ب‌ج *داکسی‌ریبوکلئیک اسید*
اع۱ اسید هسته‌ای
اع۲ اسید آلی
اع۳ اسید
اع۳ ترکیبات آلی
اع۲ درشت‌ملکول
اع۳ مولکول
اع۲ زیست‌بسپار
اع۳ بسپار طبیعی
اع۲ مواد زیست‌شناختی
اع۳ مواد
او پروتئین
او توالی دی.ان.آ.
او ژن
ان *DNA*

دیافراگم

ب‌ک میان‌پرده

دی‌اکسید توریم

ب‌ک توریا

دی‌اکسید گوگرد

اع۱ اکسید
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات گوگرد
اع۲ ترکیبات شیمیایی
او ثبات دی‌اکسید گوگرد
ان *Sulfur dioxide*

دی‌الکتریک

ب‌ک مواد دی‌الکتریک

دیالیز
اع۱ جداسازی
اع۲ عملیات شیمیایی
اخ۱ تراکافت الکتریکی
او انتقال جرم
او پخشیدگی
او تراوایی مکانیکی
او دستگاه همودیالیز
او طیف‌سنجی جرمی
او غشای دیالیز
او کلوئید
ان *Dialysis*

دیامغناطیس
اع۱ مغناطیس
او تشدید سیکلوترونی
او مواد مغناطیسی
ان *Diamagnetism*

دید
اخ۱ اثر درخشش
اخ۱ دید زیرآبی
او انتقال نور
او بینایی
او پراکندگی مه
او رنگ(فام)
او مهندسی روشنایی
او مهندسی نوررسانی
او نور
او نورشناسی جوی
او ویژگی نوری
ان *Visibility*

دید *آدمک*
ب‌ک دید رایانه‌ای

دید دوچشمی
اع۱ بینایی
اع۲ ادراک حسی
ان *Binocular vision*

دید رایانه‌ای
ب‌ج دید *آدمک*
ب‌ج دید *ساختگی*
ب‌ج دید *ماشینی*
اع۱ الگوشناسی
اع۱ تصویر پردازی
اع۲ پردازش سیگنال
او ادراک عمق
او آدمک
او آدمک صنعتی
او آدمک‌شناسی
او بینایی
او بینایی دوچشمی
او حس‌گر تصویر
او سیستم الگوشناسی
او هندسه تحلیلی
ان *Computer vision*

دید رنگی
ب‌ج کوررنگی
اع۱ بینایی
اع۲ ادراک حسی
او رنگ(فام)
ان *Color vision*

دید زیرآبی
اع۱ دید
او گمانه‌زنی زیرآبی
ان *Underwater visibility*

دید *ساختگی*
ب‌ک دید رایانه‌ای

دید *ماشینی*
ب‌ک دید رایانه‌ای

دیده‌سنج
اع۱ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۲ تجهیزات
اع۱ سنج‌افزار نوری
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او بینایی
ان *Optometer*

دیده‌وری کوانتمی
ب‌ج *پمپ نوری*

اع۱ نورشناسی
اع۲ فیزیک
اع۳ علوم طبیعی
او الکترونیک کوانتومی
او دوپایداری نوری
او نظریه نابسامانی
او نور همدوس
ان *Quantum optics*

دیرک

ی‌د نگهدارنده
اع۱ تکیه‌گاه
اع۲ اجزا
او برج
او پشتیبانی خط الکتریکی
او خط الکتریکی
او روشنایی خیابان
او ستون(سازه‌ای)
او شمع(در ساختمان)
او عضو سازه‌ای
ان *Pole*

دیرگداز
ب‌ک مواد نسوز

دیسپروزیم

اع۱ عنصر خاکی کمیاب
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آلیاژ دیسپروزیم
او ترکیبات دیسپروسیم
ان *Dysprosium*

دیسک‌خوان
ب‌ک ذخیره دیسک لرزان

دیسک سخت
ب‌ک ذخیره دیسک سخت

دیسک فشرده

اخ۱ سی.دی.رام
او تولید دوباره صدا
او حافظه فقط خواندنی
او صفحه آوانگار
او ضبط‌کردن چندآوایی
او ضبط‌کردن صوت
ان *Compact disk*

دیسک لرزان
ب‌ک ذخیره دیسک لرزان

دیسک لیزری
ب‌ک دیسک ویدئو

دیسک ویدئو

ب‌ج *دیسک لیزری*
اع۱ تجهیزات تلویزیونی
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او انباره دیسک نوری
او کاربرد لیزر
ان *Videodisk*

دیسک یک‌بار مصرف رایانه

اع۱ جرم رایانه‌ای
او ویروس رایانه‌ای
ان *Computer worm*

دیگ بخار

ب‌ج *بازجوش‌آور*
اع۱ مولد بخار
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
اخ۱ بخارجمع‌کن
اخ۱ جوشاننده چرخندی
اخ۱ دیگ بخار آماده
اخ۱ دیگ بخار با سوخت پودرشده
اخ۱ دیگ بخار دریایی
اخ۱ دیگ بخار زغال‌سنگ‌سوز
اخ۱ دیگ بخار فشار قوی
اخ۱ دیگ بخار کک‌سوز
اخ۱ دیگ بخار گازسوز
اخ۱ دیگ بخار لوله آتشین
اخ۱ دیگ بخار لوله‌ای
اخ۱ دیگ بخار نفت‌سوز
اخ۱ سنج‌افزار کنترل دیگ بخار
او ابرگرم‌کن
او بخار(آب)
او پیش‌گرم‌کن آب مصرفی

او پیش‌گرم‌کن هوا
او تجزیه آب مصرفی
او تحت‌فشارقراردادن
او تراز آب
او تصفیه آب مصرفی
او تلمبه آب مصرفی
او توربین بخار
او چگالش بخار
او چگالنده بخار
او خوردگی دیگ بخار
او دوده‌دم
او سوپاپ اطمینان
او سوخت‌رسان کوره
او شناسه دیگ بخار
او کوره
او گرمایش
او ماشین بخار
او نهشته دیگ بخار
او نیروگاه
ان *Boiler*

دیگ بخار آماده

اع۱ دیگ بخار
اع۲ مولد بخار
اع۳ تجهیزات گرمایش
ان *Packaged boiler*

دیگ بخار با سوخت پودرشده

اع۱ دیگ بخار
اع۲ مولد بخار
اع۳ تجهیزات گرمایش
او سوخت پودرشده
ان *Pulverized fuel fired boiler*

دیگ بخار دریایی

اع۱ دیگ بخار
اع۲ مولد بخار
اع۳ تجهیزات گرمایش
اع۱ قطعات و تجهیزات آب‌پیما
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ وسیله نقلیه
ان *Marine boiler*

دیگ بخار زغال‌سنگ‌سوز

اع۱ دیگ بخار
اع۲ مولد بخار
اع۳ تجهیزات گرمایش
او احتراق زغال‌سنگ
ان *Coal fired boiler*

دیگ بخار فشار قوی

اع۱ دیگ بخار
اع۲ مولد بخار
اع۳ تجهیزات گرمایش
ان *High pressure boiler*

دیگ بخار کک‌سوز

اع۱ دیگ بخار
اع۲ مولد بخار
اع۳ تجهیزات گرمایش
او کک
ان *Coke fired boiler*

دیگ بخار گازسوز

اع۱ تجهیزات
اع۱ دیگ بخار
اع۲ مولد بخار
اع۳ تجهیزات گرمایش
ان *Gas fired boiler*

دیگ بخار لوله آتشین

اع۱ دیگ بخار
اع۲ مولد بخار
اع۳ تجهیزات گرمایش
ان *Fire tube boiler*

دیگ بخار لوله‌ای

اع۱ دیگ بخار
اع۲ مولد بخار
اع۳ تجهیزات گرمایش
ان *Water tube boiler*

دیگ بخار نفت‌سوز

اع۱ دیگ بخار
اع۲ مولد بخار
اع۳ تجهیزات گرمایش
او روغن سوختی

ان *Oil fired boiler*

دیگ فشار

اع۱ سازه
او اتوکلاو
او بارگنج
او تحت‌فشارقراردادن
او سوپاپ اطمینان
او فشار
او مخزن(بارگنج)
او مولد بخار
او واکنشگاه هسته‌ای
ان *Pressure vessel*

دینام

ب‌ک مولد جریان مستقیم

دینامو‌تور

ب‌ک تبدیلگر چرخشی

دینامیک

ب‌ج *دینامیک غیرخطی*
اع۱ مکانیک
اخ۱ ارتعاش(مکانیکی)
اخ۲ ارتعاش ماشین
اخ۱ اصطکاک
اخ۲ اصطکاک درونی
اخ۲ مقاومت غلتشی
اخ۲ نیروی غلتش(اصطکاک)
اخ۱ الکترودینامیک
اخ۱ چرخش
اخ۱ دینامیک باریکه ذره‌ای
اخ۱ دینامیک سیالات
اخ۲ پسار
اخ۲ تلاطم
اخ۳ تلاطم پلاسما
اخ۳ تلاطم جوی
اخ۲ خیزاب(سیال)
اخ۳ خیزاب خط‌لوله
اخ۲ دینامیک جریان محاسبه‌ای
اخ۲ دینامیک گازها
اخ۳ آیرودینامیک
اخ۲ شارش سیال
اخ۳ برهم‌کنش شارش
اخ۳ تراوش(سیال)
اخ۳ جریان آب
اخ۳ جریان آرام
اخ۳ جریان پتانسیل
اخ۳ جریان پلاسما
اخ۳ جریان تراکم‌پذیر
اخ۳ جریان چرخشی
اخ۳ جریان چندفاز
اخ۳ جریان دیواره‌ای
اخ۳ جریان زبرصوت
اخ۳ جریان شعاعی
اخ۳ جریان غیرنیوتنی
اخ۳ جریان فراصوتی
اخ۳ جریان فروصوتی
اخ۳ جریان گذار
اخ۳ جریان گرانرو
اخ۳ جریان لایه مرزی
اخ۳ جریان متلاطم
اخ۳ جریان محدود
اخ۳ جریان محوری
اخ۳ جریان مویین
اخ۳ جریان ناپایا
اخ۳ جریان نیوتنی
اخ۳ جریان هماصوتی
اخ۳ شارش تپشی
اخ۳ شارش گردابی
اخ۲ هیدرودینامیک
اخ۳ الکتروهیدرودینامیک
اخ۳ مغناطوهیدرودینامیک
اخ۳ هیدرودینامیک کشسانی
اخ۱ شارش جامد
اخ۲ جریان مومسان
اخ۱ نظریه جنبشی
اخ۲ نظریه جنبشی گازها
او بسامد طبیعی
او تشدید
او حرکت‌شناسی
ان *Dynamics*

دینامیک باریکه ذره‌ای

اع۱ دینامیک
اع۲ مکانیک
او باریکه ذره‌ای
او شتاب‌دهنده ذره
ان *Particle beam dynamic*

دینامیک پرواز

اع۱ آیرودینامیک
اع۲ دینامیک گازها
اع۳ دینامیک سیالات
او هواگرد
ان *Flight dynamics*

دینامیک جریان محاسبه‌ای

اع۱ دینامیک سیالات
اع۲ دینامیک
اع۳ مکانیک
اع۲ مکانیک‌سیالات
اع۳ مکانیک
او تحلیل عددی
او جریان گرانرو
او روش محاسبه‌ای
او کاربرد رایانه
او معادله حرکت
او معادله دیفرانسیل
ان *Computational fluid dynamics*

دینامیک سیالات

اع۱ دینامیک
اع۲ مکانیک
اع۱ مکانیک‌سیالات
اع۲ مکانیک
اخ۱ پسار
اخ۱ تلاطم
اخ۲ تلاطم پلاسما
اخ۲ تلاطم جوی
اخ۱ خیزاب(سیال)
اخ۲ خیزاب خط‌لوله
اخ۱ دینامیک جریان محاسبه‌ای
اخ۱ دینامیک گازها
اخ۲ آیرودینامیک
اخ۳ آیرودینامیک زبرصوتی
اخ۳ آیرودینامیک فراصوتی
اخ۳ آیرودینامیک فروصوتی
اخ۳ آیرودینامیک هماصوتی
اخ۳ اثر زمین
اخ۳ برآر
اخ۳ دینامیک پرواز
اخ۳ لرزش(آیرودینامیک)
اخ۱ شارش سیال
اخ۲ برهم‌کنش شارش
اخ۳ برهم‌کنش ساختمان سیال
اخ۲ تراوش(سیال)
اخ۲ جریان آب
اخ۳ جریان آب زیرزمینی
اخ۳ جریان رودخانه‌ای
اخ۲ جریان آرام
اخ۲ جریان پتانسیل
اخ۲ جریان پلاسما
اخ۲ جریان تراکم‌پذیر
اخ۲ جریان چرخشی
اخ۲ جریان چندفاز
اخ۳ جریان دوفاز
اخ۲ جریان دیواره‌ای
اخ۲ جریان زبرصوت
اخ۲ جریان شعاعی
اخ۲ جریان غیرنیوتنی
اخ۲ جریان فراصوتی
اخ۲ جریان فروصوتی
اخ۲ جریان گذار
اخ۲ جریان گرانرو
اخ۲ جریان لایه مرزی
اخ۲ جریان متلاطم
اخ۳ رد
اخ۲ جریان محدود
اخ۳ جریان در لوله
اخ۳ جریان کانال
اخ۲ جریان محوری
اخ۲ جریان مویین
اخ۲ جریان ناپایا
اخ۲ جریان نیوتنی
اخ۲ جریان هماصوتی
اخ۲ شارش تپشی
اخ۲ شارش گردابی
اخ۱ هیدرودینامیک
اخ۲ الکتروهیدرودینامیک
اخ۲ مغناطوهیدرودینامیک
اخ۲ هیدرودینامیک کشسانی
او آبشار(مکانیک سیالات)
او جت
او سیال
او گرانروی گازها
او معادله ناویر استوکس
او موج شوکی
او موج مایع
ان *Fluid dynamics*

دینامیک شبکه
ب‌ک ارتعاش شبکه

دینامیک غیرخطی
ب‌ک دینامیک

دینامیک گازها
اع۱ دینامیک سیالات
اع۲ دینامیک
اع۳ مکانیک
اخ۱ آیرودینامیک
اخ۲ آیرودینامیک زیرصوتی
اخ۲ آیرودینامیک فراصوتی
اخ۲ آیرودینامیک فروصوتی
اخ۲ آیرودینامیک هماصوتی
اخ۲ اثر زمین
اخ۲ برآر
اخ۲ دینامیک پرواز
اخ۲ لرزش(آیرودینامیک)
او گاز
ان *Gas dynamics*

دینامیک مولکولی
اع۱ شیمی‌فیزیک
اع۲ شیمی
اع۳ علوم طبیعی
او سینتیک واکنش
او مولکول
ان *Molecular dynamics*

دیوار(بخش سازه‌ای)
اع۱ اجزای ساختمان
اع۲ ساختمان
اع۳ سازه
اخ۱ دیوار برشی
او پایه(عضو سازه‌ای)
او پوسته(سازه)
او دیواربست
او سازه مطبق
او طبقه(ساختمان)
ان *Wall (structural partition)*

دیوار بارانداز
اع۱ سازه بندر
اع۲ سازه
او حفاظت ساحل
ان *Quay wall*

دیوار برشی
ی‌د دیوار ساختمان که برای مقاومت در برابر نیروی برشی زمین‌لرزه طراحی شده است.
اع۱ دیوار(بخش سازه‌ای)
اع۲ اجزای ساختمان
اع۳ ساختمان
او تنش برشی
او مقاومت در برابر زلزله
ان *Shear wall*

دیواربست
اع۱ تجهیزات
اخ۱ حصار
اخ۲ حصار الکتریکی
اخ۲ حصار بتنی
اخ۲ حصار چوبی
او بارگنج
او پیشگیری حادثه
او دیوار(بخش سازه‌ای)
او سیستم امنیتی
ان *Enclosure*

دیوار ساحلی
ب‌ک دیوار نگهدارنده

دیوارک(ساختمان)
اع۱ اجزای ساختمان
اع۲ ساختمان
اع۳ سازه
ان *Partition (building)*

دیوار نگهدارنده
ب‌ج *دیوار ساحلی*
اع۱ سازه
او بندر و لنگرگاه
او حفاظت ساحل
او خاکریز
او ساختار راه
او سیل‌بند
ان *Retaining wals*

دیوباد

اع۱ توفان
او پرتابه دیوباد
او تلاطم
او توفان تندری
او هواشناسی
ان *Tornadoe*

دیود

اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ دیود پلاسما
اخ۱ دیود لامپ الکترونی
اخ۱ دیود نیم‌رسانا
اخ۲ دیود بهمنی
اخ۳ دیود ایمپات
اخ۲ دیود تونلی
اخ۲ دیود زنر
اخ۲ دیود گان
اخ۲ دیود نورگسیل
اخ۲ دیود نوری
اخ۲ واراکتور
او تقویت‌کننده دیودی
او مدار منطقی ترانزیستور دیود
او یک‌سوساز الکتریکی
او یک‌سوساز لامپی الکترونی
ان *Diode*

دیود ایمپات

اع۱ ابزار زمان گذر
اع۲ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ ابزار حالت جامد
اع۱ دیود بهمنی
اع۲ دیود نیم‌رسانا
اع۳ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ دیود
ان *IMPATT diode*

دیود بلوری

ب‌ک دیود نیم‌رسانا

دیود بهمنی

اع۱ دیود نیم‌رسانا
اع۲ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ ابزار حالت جامد
اع۲ دیود
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او جرقه‌زنی الکتریکی
ان *Avalanche diode*

دیود پلاسما

اع۱ ابزار پلاسما
اع۲ تجهیزات
اع۱ تبدیلگر مستقیم انرژی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ دیود
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او پلاسما
او کاربرد پلاسما
ان *Plasma diode*

دیود تونلی

اع۱ دیود نیم‌رسانا
اع۲ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ ابزار حالت جامد
اع۲ دیود
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او ابزار تداخل کوانتومی
او تقویت‌کننده دیود تونلی
او تونل‌زنی الکترونی
او مقاومت منفی
او نوسانگر دیود تونلی
ان *Tunnel diode*

دیود زنر

اع۱ دیود نیم‌رسانا
اع۲ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ ابزار حالت جامد
اع۲ دیود
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او اثر زنر
ان *Zener diode*

دیود سد شاتکی

اع۱ ابزار نیم‌رسانا
اع۲ ابزار حالت جامد

اع۳ دستگاه الکترونی
او مرز فلزی نیم‌رسانا
ان *Schottky barrier diode*

دیود گان

اع۱ ابزار گان
اع۲ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ ابزار حالت جامد
اع۱ دیود نیم‌رسانا
اع۲ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ ابزار حالت جامد
اع۲ دیود
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او اثر گان
او نوسان‌ساز گان
ان *Gunn diode*

دیود لامپ الکترونی

اع۱ دیود
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ لامپ الکترونی
اع۲ دستگاه الکترونی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
ان *Electron tube diode*

دیود لیزری

ب‌ک لیزر نیم‌رسانا

دیود نورگسیل

اع۱ ابزار دیدالکترونیک
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ چشمه نور
اع۱ دیود نیم‌رسانا
اع۲ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ ابزار حالت جامد
اع۲ دیود
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او ابزار نمایش
او مدار مجتمع نورالکترونیکی
ان *Light emitting diode*

دیود نوری

اع۱ ابزار فوتورسانش
اع۲ ابزار فتوالکتریکی
اع۳ ابزار دیدالکترونیک
اع۱ دیود نیم‌رسانا
اع۲ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ ابزار حالت جامد
اع۲ دیود
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او آشکارساز نوری
او پیل فتوالکتریک
او فوتولوله
او مدار مجتمع نورالکترونیکی
ان *Photodiode*

دیود نیم‌رسانا

ب‌چ *دیود بلوری*
ب‌چ *یکسوساز بلوری*
اع۱ ابزار نیم‌رسانا
اع۲ ابزار حالت جامد
اع۳ دستگاه الکترونی
اع۱ دیود
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ دیود بهمنی
اخ۲ دیود ایمپات
اخ۱ دیود تونلی
اخ۱ دیود زنر
اخ۱ دیود گان
اخ۱ دیود نورگسیل
اخ۱ دیود نوری
اخ۱ واراکتور
او انبارش بار در فضای محدود
او یک‌سوساز حالت جامد
ان *Semiconductor diode*

دیوئر

ب‌چ *ظرف دوار*
اع۱ بطری
اع۲ بارگنج
اع۱ تجهیزات برودتی
اع۲ تجهیزات
ان *Dewar*

ذخیره آنتیموان

اع۱ کانسار

اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او آنتیموان
او معدن آنتیموان
ان *Antimony deposit*

ذخیره آهن
اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او معدن آهن
او مگنتیت
ان *Iron deposit*

ذخیره استرونسیم
اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او استرونسیم
ان *Strontium deposit*

ذخیره اسکاندیم
اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او اسکاندیم
ان *Scandium deposit*

ذخیره اطلاعات
ب‌ک تجهیزات ذخیره داده‌ها

ذخیره اطلاعات سرماالکتریکی
ب‌ک ذخیره سرماالکتریکی

ذخیره اطلاعات مغناطیسی
ب‌ک ذخیره مغناطیسی

ذخیره اکسیژن
او زیردریایی
او هواگرد
ان *Oxygen supply*

ذخیره الماس
اع۱ منبع معدنی
اع۲ منبع طبیعی
او الماس
ان *Diamond deposit*

ذخیره انرژی الکتریکی
اع۱ ذخیره‌سازی انرژی
اع۱ حافظه خازنی
او الکتریسیته
او تبدیل مستقیم انرژی
او لامپ ذخیره
ان *Electric energy storage*

ذخیره اورانیم
اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او اورانیم
او معدن اورانیم
ان *Uranium deposit*

ذخیره ایتریم
اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او ایتریم
ان *Yttrium deposit*

ذخیره با سیم روکشدار
اع۱ ذخیره با فیلم مغناطیسی
اع۲ ابزار با لایه نازک مغناطیسی
اع۳ ابزار فیلم‌نازک
اع۳ ابزار مغناطیسی
اع۲ حافظه غیرفرار
اع۳ ذخیره رقمی
اع۲ ذخیره مغناطیسی
اع۳ ابزار مغناطیسی
اع۳ تجهیزات ذخیره داده‌ها
ان *Plated wire storage*

ذخیره بافر
ب‌ج *حافظه پنهان*
او حافظه دستیابی تصادفی
ان *Buffer storage*

ذخیره با فیلم مغناطیسی

ب‌ج *ذخیره لایه نازک مغناطیسی*
اع۱ ابزار با لایهٔ نازک مغناطیسی
اع۲ ابزار فیلم‌نازک
اع۳ ابزار حالت جامد
اع۲ ابزار مغناطیسی
اع۳ تجهیزات
اع۱ حافظه غیرفرار
اع۲ ذخیره رقمی
اع۳ تجهیزات ذخیره داده‌ها
اع۱ ذخیره مغناطیسی
اع۲ ابزار مغناطیسی
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات ذخیره داده‌ها
اع۳ سخت‌افزار رایانه
اع۱ ذخیره با سیم روکشدار
او حافظه حباب مغناطیسی
ان *Magnetic film storage*

ذخیره بریلیم

اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او بریلیم
ان *Beryllium deposit*

ذخیره بور

اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او بور
ان *Boron deposit*

ذخیره بوکسیت

ب‌ج *رسوب آلومینیوم*
اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او آلومینیوم
او معدن بوکسیت
ان *Bauxite deposit*

ذخیره پتاس

اع۱ منبع معدنی
اع۲ منبع طبیعی
او پتاس
او پتاسیم
او معدن پتاس
ان *Potash deposit*

ذخیره پنبه نسوز

اع۱ منبع معدنی
اع۲ منبع طبیعی
او پنبه نسوز
او معدن پنبه نسوز
ان *Asbestos deposit*

ذخیره تالک

اع۱ منبع معدنی
اع۲ منبع طبیعی
او استاتیت
او تالک
او معدن تالک
ان *Talc deposit*

ذخیره تانتال

اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او تانتال
او معدن تانتال
ان *Tantalum deposit*

ذخیره تصویر رقمی

اع۱ ذخیره رقمی
اع۲ تجهیزات ذخیره داده‌ها
اع۳ سخت‌افزار رایانه
او تصویر پردازی
او ذخیره داده‌های نوری
او فن تصویرسازی
ان *Digital image storage*

ذخیره تصویر نوری

اع۱ ذخیره داده‌های نوری
اع۲ تجهیزات ذخیره داده‌ها
اع۳ سخت‌افزار رایانه
او انباره دیسک نوری
او تصویر پردازی
او تمام‌نگار

او تمام‌نگاری
او داده‌پردازی نوری
او فن تصویرسازی
ان *Optical image storage*

ذخیره تلوریم
اع۱ منبع معدنی
اع۲ منبع طبیعی
او تلوریم
ان *Tellurium deposit*

ذخیره تنگستن
اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او تنگستن
او معدن تنگستن
ان *Tungsten deposit*

ذخیره توریم
اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او توریم
او ذخیره مونازیت
ان *Thorium deposit*

ذخیره تیتانیم
اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او تیتانیم
او معدن تیتانیم
ان *Titanium deposit*

ذخیره جیوه
اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او جیوه(فلز)
او معدن جیوه
ان *Mercury deposit*

ذخیره حرارتی
اع۱ ذخیره‌سازی انرژی
او بخارجمع‌کن
او گرمایش
ان *Heat storage*

ذخیره خودسازمان‌ده
اع۱ ذخیره رقمی
اع۲ تجهیزات ذخیره داده‌ها
اع۳ سخت‌افزار رایانه
او انباره انجمنی
ان *Self organizing storage*

ذخیره داده‌های رقمی
ب‌ک ذخیره رقمی

ذخیره داده‌های نوری
ب‌ج *حافظه نوری*
اع۱ تجهیزات ذخیره داده‌ها
اع۲ سخت‌افزار رایانه
اع۳ رایانه
اخ۱ انباره دیسک نوری
اخ۲ سی.دی.رام
اخ۱ ذخیره تصویر نوری
او ذخیره تصویر رقمی
او ضبط‌کردن
ان *Optical data storage*

ذخیره دیسک سخت
ب‌ج دیسک سخت
اع۱ ذخیره دیسک مغناطیسی
اع۲ حافظه غیرفرار
اع۳ ذخیره رقمی
اع۲ ذخیره مغناطیسی
اع۳ ابزار مغناطیسی
اع۳ تجهیزات ذخیره داده‌ها
ان *Hard disk storage*

ذخیره دیسک لرزان
ب‌ج *دیسک لرزان*
ب‌ج *دیسک‌خوان*
اع۱ ذخیره دیسک مغناطیسی
اع۲ حافظه غیرفرار
اع۳ ذخیره رقمی
اع۲ ذخیره مغناطیسی

اع۳ ابزار مغناطیسی
اع۳ تجهیزات ذخیره داده‌ها
ان *Floppy disk storage*

ذخیره دیسک مغناطیسی

بج *حافظه با دسترسی مستقیم*
اع۱ حافظه غیرفرار
اع۲ ذخیره رقمی
اع۳ تجهیزات ذخیره داده‌ها
اع۱ ذخیره مغناطیسی
اع۲ ابزار مغناطیسی
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات ذخیره داده‌ها
اع۳ سخت‌افزار رایانه
اخ۱ ذخیره دیسک سخت
اخ۱ ذخیره دیسک لرزان
او ضبط‌کردن مغناطیسی
ان *Magnetic disk storage*

ذخیره رس

اع۱ منبع معدنی
اع۲ منبع طبیعی
او رس
ان *Clay deposit*

ذخیره رقمی

بج *ابزار ذخیره داده‌های رقمی*
بج *ذخیره داده‌های رقمی*
اع۱ تجهیزات ذخیره داده‌ها
اع۲ سخت‌افزار رایانه
اع۳ رایانه
اخ۱ انباره انجمنی
اخ۱ انباره مجازی
اخ۱ حافظه دستیابی تصادفی
اخ۱ حافظه غیرفرار
اخ۲ حافظه حباب مغناطیسی
اخ۲ ذخیره با فیلم مغناطیسی
اخ۳ ذخیره با سیم روکشدار
اخ۲ ذخیره دیسک مغناطیسی
اخ۳ ذخیره دیسک سخت
اخ۳ ذخیره دیسک لرزان
اخ۲ ذخیره نوار مغناطیسی
اخ۱ حافظه فقط خواندنی
اخ۲ پی‌رام
اخ۱ ذخیره تصویر رقمی
اخ۱ ذخیره خودسازمان‌ده
اخ۱ ذخیره سرماالکتریکی
او ضبط‌کردن
او ضبط‌کردن داده‌ها
او مدار فیلیپ فلاپ
او نمایشگر غیرمخرب
ان *Digital storage*

ذخیره روی

اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
اخ۱ ذخیره روی و سرب
اخ۱ ذخیره روی و مس
اخ۲ ذخیره روی و سرب و مس
او روی
او معدن روی
ان *Zinc deposit*

ذخیره روی و سرب

اع۱ ذخیره روی
اع۲ کانسار
اع۳ منبع معدنی
اع۱ ذخیره سرب
اع۲ کانسار
اع۳ منبع معدنی
او معدن روی
ان *Lead zinc deposit*

ذخیره روی و سرب و مس

اع۱ ذخیره روی و مس
اع۲ ذخیره روی
اع۳ کانسار
اع۲ ذخیره مس
اع۳ کانسار
اع۱ ذخیره سرب و مس
اع۲ ذخیره سرب
اع۳ کانسار
اع۲ ذخیره مس
اع۳ کانسار
او معدن روی و سرب و مس
ان *Copper lead zinc deposit*

ذخیره روی و مس

اع۱ ذخیره روی

اع۲ کانسار
اع۳ منبع معدنی
اع۱ ذخیره مس
اع۲ کانسار
اع۳ منبع معدنی
اخ۱ ذخیره روی و سرب و مس
او معدن مس و روی
ان *Copper zinc deposit*

ذخیره زغال‌سنگ
اع۱ ذخیره سوخت فسیلی
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او زغال‌سنگ
ان *Coal deposit*

ذخیره زیرزمینی گاز
اع۱ ذخیره سوخت گازی
اع۲ ذخیره سوخت
اع۳ ذخیره‌سازی(مواد)
او تجهیزات زیرزمینی
او سازه زیرزمینی
ان *Underground gas storage*

ذخیره زیرکن
اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او زیرکن
او زیرکونیم
ان *Zircon deposit*

ذخیره ژرمانیم
اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او ژرمانیم
ان *Germanium deposit*

ذخیره‌سازی(اطلاعات)
ب‌ک تجهیزات ذخیره داده‌ها

ذخیره‌سازی(مواد)
اخ۱ ذخیره‌سازی پسمانده پرتوزا
اخ۱ ذخیره‌سازی سرد
اخ۲ سردسازی
اخ۳ سردسازی خورشیدی
اخ۳ سردسازی گرماالکتریک
اخ۳ سرمایش صنعتی
اخ۱ ذخیره سوخت
اخ۲ ذخیره‌سازی زغال‌سنگ
اخ۲ ذخیره سوخت گازی
اخ۳ ذخیره زیرزمینی گاز
اخ۱ ذخیره مواد غذایی
او انبار
او جابه‌جایی مواد
ان *Storage (materials)*

ذخیره‌سازی انرژی
اخ۱ ذخیره انرژی الکتریکی
اخ۲ حافظه خازنی
اخ۱ ذخیره حرارتی
او چرخ طیار
ان *Energy storage*

ذخیره‌سازی پسمانده پرتوزا
اع۱ ذخیره‌سازی(مواد)
او پسمانده پرتوزا
او ترابری پسمانده پرتوزا
او دفع پسمانده پرتوزا
او شیشه‌درآمیزی پسمانده پرتوزا
او کپسولی‌کردن پسمانده پرتوزا
ان *Radioactive waste storage*

ذخیره‌سازی زغال‌سنگ
اع۱ ذخیره سوخت
اع۲ ذخیره‌سازی(مواد)
او زغال‌سنگ
ان *Coal storage*

ذخیره‌سازی سرد
اع۱ ذخیره‌سازی(مواد)
اخ۱ سردسازی
اخ۲ سردسازی خورشیدی
اخ۲ سردسازی گرماالکتریک
اخ۲ سرمایش صنعتی
ان *Cold storage*

ذخیره‌سازی نشانی‌پذیر محتوایی
ب‌ک انباره انجمنی

ذخیره سدیم
اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او ذخیره نمک
او سدیم
ان *Sodium deposit*

ذخیره سرب
اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
اخ۱ ذخیره روی و سرب
اخ۱ ذخیره سرب و مس
اخ۲ ذخیره روی و سرب و مس
او خیساندن
او سرب
ان *Lead deposit*

ذخیره سرب و مس
اع۱ ذخیره سرب
اع۲ کانسار
اع۳ منبع معدنی
اع۱ ذخیره مس
اع۲ کانسار
اع۳ منبع معدنی
اخ۱ ذخیره روی و سرب و مس
ان *Copper lead deposit*

ذخیره سرماالکتریکی
ب‌ج *ذخیره اطلاعات سرماالکتریکی*
اع۱ ذخیره رقمی
اع۲ تجهیزات ذخیره داده‌ها
اع۳ سخت‌افزار رایانه
او ابزار ابررسانشی
او سرمایش‌شناسی
او کریوترون
ان *Cryoelectric storage*

ذخیره سوخت
اع۱ ذخیره‌سازی(مواد)
اخ۱ ذخیره‌سازی زغال‌سنگ
اخ۱ ذخیره سوخت گازی
اخ۲ ذخیره زیرزمینی گاز
او سوخت
ان *Fuel storage*

ذخیره سوخت فسیلی
اع۱ منبع معدنی
اع۲ منبع طبیعی
اخ۱ پلمه‌سنگ نفتی
اخ۱ ذخیره زغال‌سنگ
اخ۱ ذخیره گاز طبیعی
اخ۲ میدان گاز طبیعی
اخ۱ ذخیره نفتی
اخ۲ مخزن نفت(خام)
اخ۳ منطقه چندگانه
اخ۲ میدان نفتی
اخ۳ میدان نفت دریایی
اخ۱ ماسه نفت‌دار
او سوخت فسیلی
او منبع انرژی
ان *Fossil fuel deposit*

ذخیره سوخت گازی
اع۱ ذخیره سوخت
اع۲ ذخیره‌سازی(مواد)
اخ۱ ذخیره زیرزمینی گاز
او سوخت
او سوخت گازی
او کامیون مخزن‌دار
او کپسول گاز
او گاز
او گاز طبیعی
او مخزن گاز
او واگن مخزنی
ان *Gas fuel storage*

ذخیره طلا
اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او طلا
او معدن طلا
او معدن مس و طلا
او معدن نقره و طلا

ان *Gold deposit*

ذخیره فسفات

اع۱ منبع معدنی
اع۲ منبع طبیعی
او فسفات
او فسفر
او کانی فسفاتی
او معدن فسفات
ان *Phosphate deposit*

ذخیره فلدسپار

اع۱ منبع معدنی
اع۲ منبع طبیعی
او فلدسپار
ان *Feldspar deposit*

ذخیره فلئوراسپار

اع۱ منبع معدنی
اع۲ منبع طبیعی
او فلئوراسپار
ان *Fluorspar deposit*

ذخیره قلع

اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او قلع
او معدن قلع
ان *Tin deposit*

ذخیره کبالت

اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او کبالت
او معدن کبالت
ان *Cobalt deposit*

ذخیره کرومیت

اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او کرومیت
او معدن کروم
ان *Chromite deposit*

ذخیره کوارتز

اع۱ منبع معدنی
اع۲ منبع طبیعی
او کوارتز
ان *Quartz deposit*

ذخیره کوراندوم

اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او آلومین
او کوراندوم
ان *Corundum deposit*

ذخیره کیانیت

اع۱ منبع معدنی
اع۲ منبع طبیعی
او کیانیت
ان *Kyanite deposit*

ذخیره گاز طبیعی

اع۱ ذخیره سوخت فسیلی
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
اغ۱ میدان گاز طبیعی
او اسیدکاری
او بهره‌برداری از چاه گاز طبیعی
او گاز طبیعی
ان *Natural gas deposit*

ذخیره گوگرد

اع۱ منبع معدنی
اع۲ منبع طبیعی
او کانی سولفیدی
او گوگرد
ان *Sulfur deposit*

ذخیره لایه نازک مغناطیسی

ب‌ک ذخیره با فیلم مغناطیسی

ذخیره لیتیم

اع۱	کانسار
اع۲	منبع معدنی
اع۳	منبع طبیعی
او	لیتیم
ان	*Lithium deposit*

ذخیره مس

اع۱	کانسار
اع۲	منبع معدنی
اع۳	منبع طبیعی
اخ۱	ذخیره روی و مس
اخ۲	ذخیره روی و سرب و مس
اخ۱	ذخیره سرب و مس
اخ۲	ذخیره روی و سرب و مس
اخ۱	ذخیره نقره و مس
اخ۱	ذخیره نیکل و سرب
او	مس
او	معدن مس
او	معدن مس و طلا
ان	*Copper deposit*

ذخیره مغناطیسی

ب‌ج	*ذخیره اطلاعات مغناطیسی*
اع۱	ابزار مغناطیسی
اع۲	تجهیزات
اع۱	تجهیزات ذخیره داده‌ها
اع۲	سخت‌افزار رایانه
اع۳	رایانه
اخ۱	حافظه حباب مغناطیسی
اخ۱	ذخیره با فیلم مغناطیسی
اخ۲	ذخیره با سیم روکشدار
اخ۱	ذخیره دیسک مغناطیسی
اخ۲	ذخیره دیسک سخت
اخ۲	ذخیره دیسک لرزان
اخ۱	ذخیره نوار مغناطیسی
اخ۱	ذخیره هسته مغناطیسی
اخ۱	هد مغناطیسی
او	ضبط کردن
ان	*Magnetic storage*

ذخیره منگنز

اع۱	کانسار
اع۲	منبع معدنی
اع۳	منبع طبیعی
اخ۱	گرهک منگنز
او	معدن منگنز
او	منگنز
ان	*Manganese deposit*

ذخیره منیزیم

اع۱	کانسار
اع۲	منبع معدنی
اع۳	منبع طبیعی
اع۱	منیزیم
اع۲	فلز قلیایی خاکی
اع۳	فلز غیرآهنی
او	منیزیم
ان	*Magnesium deposits*

ذخیره مواد غذایی

اع۱	ذخیره‌سازی(مواد)
او	سردسازی
او	عمل‌آوری مواد غذایی
او	فراورده غذایی
ان	*Food storage*

ذخیره مولیبدن

اع۱	کانسار
اع۲	منبع معدنی
اع۳	منبع طبیعی
او	معدن مولیبدن
او	مولیبدن
ان	*Molybdenum deposit*

ذخیره مونازیت

اع۱	کانسار
اع۲	منبع معدنی
اع۳	منبع طبیعی
او	ذخیره توریم
او	مونازیت
ان	*Monazite deposit*

ذخیره میکا

اع۱	منبع معدنی
اع۲	منبع طبیعی
او	میکا
ان	*Mica deposit*

ذخیره نفتی

اع۱	ذخیره سوخت فسیلی
اع۲	منبع معدنی
اع۳	منبع طبیعی
اخ۱	مخزن نفت(خام)
اخ۲	منطقه چندگانه
اخ۱	میدان نفتی
اخ۲	میدان نفت دریایی
او	اسیدکاری
او	پلمه‌سنگ نفتی
او	زمین‌شناسی نفت
او	صنعت نفت
او	نفت خام
ان	*Petroleum deposit*

ذخیره نقره

اع۱	کانسار
اع۲	منبع معدنی
اع۳	منبع طبیعی
اخ۱	ذخیره نقره و مس
او	معدن نقره
او	معدن نقره و طلا
او	نقره
ان	*Silver deposit*

ذخیره نقره و مس

اع۱	ذخیره مس
اع۲	کانسار
اع۳	منبع معدنی
اع۱	ذخیره نقره
اع۲	کانسار
اع۳	منبع معدنی
او	معدن مس
او	معدن نقره
ان	*Copper silver deposit*

ذخیره نمک

ی‌د	نمک طعام یا سدیم کلرید طبیعی
اع۱	منبع معدنی
اع۲	منبع طبیعی
او	ذخیره سدیم
او	سدیم کلرید
او	معدن نمک
ان	*Salt deposit*

ذخیره نوار مغناطیسی

اع۱	حافظه غیرفرار
اع۲	ذخیره رقمی
اع۳	تجهیزات ذخیره داده‌ها
اع۱	ذخیره مغناطیسی
اع۲	ابزار مغناطیسی
اع۳	تجهیزات
اع۲	تجهیزات ذخیره داده‌ها
اع۳	سخت‌افزار رایانه
او	ضبط‌صوت
او	نوار مغناطیسی
او	نوارگردان
ان	*Magnetic tape storage*

ذخیره نیکل

اع۱	کانسار
اع۲	منبع معدنی
اع۳	منبع طبیعی
اخ۱	ذخیره نیکل و سرب
او	معدن نیکل
او	نیکل
ان	*Nickel deposit*

ذخیره نیکل و سرب

اع۱	ذخیره مس
اع۲	کانسار
اع۳	منبع معدنی
اع۱	ذخیره نیکل
اع۲	کانسار
اع۳	منبع معدنی
ان	*Copper nickel deposit*

ذخیره نیوبیم

اع۱	کانسار
اع۲	منبع معدنی
اع۳	منبع طبیعی
او	معدن نیوبیم
او	نیوبیم
ان	*Niobium deposit*

ذخیره وانادیم

اع۱	کانسار
اع۲	منبع معدنی
اع۳	منبع طبیعی
او	وانادیم

ان *Vanadium deposit*

ذخیره هسته مغناطیسی

اع۱ ذخیره مغناطیسی
اع۲ ابزار مغناطیسی
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات ذخیره داده‌ها
اع۳ سخت‌افزار رایانه
او هسته مغناطیسی
ان *Magnetic core storage*

ذره(ماده معلق)

او تحلیل درشتی ذره
او کلوئید
او گرد و غبار
او مواد دانه‌ای
او هوامیز
ان *Particle (particulate matter)*

ذره آلفا

اع۱ ذره باردار
اع۲ ذره بنیادی
او طیف‌سنج ذره آلفا
او یون
ان *Alpha particle*

ذره باردار

اع۱ ذره بنیادی
اخ۱ الکترون
اخ۱ پروتون
اخ۱ ذره آلفا
اخ۱ یون
او طیف‌نمایی پراکندگی رادرفورد
ان *Charged particle*

ذره بنیادی

اخ۱ باریکه ذره‌ای
اخ۲ باریکه اتمی
اخ۲ باریکه الکترون
اخ۲ باریکه مولکولی
اخ۲ باریکه یونی
اخ۱ پرتو کیهانی
اخ۱ ذره باردار
اخ۲ الکترون
اخ۲ پروتون
اخ۲ ذره آلفا
اخ۲ یون
اخ۱ فوتون
اخ۱ نوترون
او تابع گرین
او جداساز ذره
او چشمه ذره بنیادی
او شتاب‌دهنده ذره
او طیف‌سنج ذره‌ای
او فونون
او فیزیک اتمی
او فیزیک انرژی بالا
او نظریه کوانتومی
او نورشناسی ذره‌ای
ان *Elementary particle*

ذره‌شمار

ب‌ک تابش‌شمار

ذوب

اع۱ گذار فاز
اخ۱ ذوب فلز
اخ۲ ذوب با باریکه الکترون
اخ۲ ذوب با قوس پلاسما
اخ۲ ذوب بستر سیال
اخ۲ ذوب تعلیقی
اخ۲ ذوب مجدد
اخ۲ ذوب منطقه‌ای
او تخلیه فلز مذاب(کوره)
او فرساب
او مواد مذاب
ان *Melting*

ذوب با باریکه الکترون

اع۱ ذوب فلز
اع۲ ذوب
اع۳ گذار فاز
اع۲ متالورژی
او باریکهٔ الکترون
ان *Electron beam melting*

ذوب با قوس پلاسما

اع۱ ذوب فلز
اع۲ ذوب

اع۳ گذار فاز
اع۲ متالورژی
اع۱ کاربرد پلاسما
اع۲ کاربرد
او برش با قوس پلاسما
او فولادسازی
ان *Plasma arc melting*

ذوب بستر سیال

اع۱ ذوب فلز
اع۲ ذوب
اع۳ گذار فاز
اع۲ متالورژی
او بستر سیال
او فرایند بستر سیال
او کوره بستر سیال
ان *Fluidized bed melting*

ذوب تعلیقی

اع۱ ذوب فلز
اع۲ ذوب
اع۳ گذار فاز
اع۲ متالورژی
او ذوب منطقه‌ای
ان *Levitation melting*

ذوب فلز

اع۱ ذوب
اع۲ گذار فاز
اع۱ متالورژی
اخ۱ ذوب با باریکه الکترون
اخ۱ ذوب با قوس پلاسما
اخ۱ ذوب بستر سیال
اخ۱ ذوب تعلیقی
اخ۱ ذوب مجدد
اخ۱ ذوب منطقه‌ای
او تف‌متالورژی
او فرایند ریخته‌گری
او فرایند کوپل
او کوره ذوب
ان *Metal melting*

ذوب مجدد

اع۱ ذوب فلز
اع۲ ذوب
اع۳ گذار فاز
اع۲ متالورژی
او فولادسازی
ان *Remelting*

ذوب منطقه‌ای

پ‌ج *پالایش منطقه‌ای*
اع۱ ذوب فلز
اع۲ ذوب
اع۳ گذار فاز
اع۲ متالورژی
او انجماد
او بازبلورش(متالورژی)
او خالص‌سازی
او ذوب تعلیقی
ان *Zone melting*

ذوب هسته‌ای

اع۱ حادثه شکننده هسته
اع۲ حادثه واکنشگاه هسته‌ای
اع۳ حادثه
او هسته واکنشگاه
او واکنشگاه هسته‌ای
ان *Core meltdown*

رابط شبکه

پ‌ک واسط(رایانه)

رابط ضربدری(توزیع آب)

اع۱ سیستم توزیع آب
اع۲ سیستم آب‌رسانی
اع۳ تاسیسات آبی
ان *Cross connection (water distribution)*

راپل

اع۱ پل
اع۲ سازه
اع۱ سیستم بزرگراه
اع۲ امکانات همگانی
ان *Highway bridge*

رادار

اخ۱ رادار دریایی
اخ۱ رادار دوپلر

اخ۱ رادار ردیاب
اخ۱ رادار نظارت
اخ۱ رادار نظامی
اخ۱ رادار هواشناسی
او اثر دوپلر
او اخترشناسی راداری
او آشوب راداری
او ایستگاه رادار
او پادسنجش راداری
او پس‌پراکندگی
او تجهیزات رادار
او تجهیزات نظامی
او تداخل راداری
او تصویرسازی راداری
او تولید پارازیت
او جنگ الکترونیکی
او ردگیری راداری
او ردیابی(مکان)
او سپر رادار
او سطح مقطع راداری
او سیستم جهت‌یابی رادیویی
او سیستم رادار
او سیستم هشدار رادار
او شبیه‌ساز راداری
او فرستنده رادار
او مدوله‌سازی تپ
او ناوبری رادیویی
او نظریه رادار
ان *Radar*

رادار دریایی
اع۱ رادار
ان *Marine radar*

رادار دوپلر
اع۱ رادار
او اثر دوپلر
او رادار نظارت
او ردگیری راداری
ان *Doppler radar*

رادار ردیاب
اع۱ رادار
او ردیابی(مکان)
ان *Tracking radar*

رادار نظارت
اع۱ رادار
او رادار دوپلر
ان *Surveillance radar*

رادار نظامی
اع۱ تجهیزات نظامی
اع۲ تجهیزات
اع۱ رادار
او سیستم هشدار رادار
ان *Military radar*

رادار نوری
او اندازه‌گیری مسافت
او باریکه لیزری
او بردیاب
او تابش نادون قرمز
او ردیابی(مکان)
ان *Optical radar*

رادار هواشناسی
اع۱ رادار
او سنج‌افزار هواشناسی
او هواشناسی
ان *Meteorological radar*

رادون
اع۱ عنصر پرتوزا
اع۲ عنصر شیمیایی
اع۲ مواد پرتوزا
اع۳ مواد
اع۱ گاز بی‌اثر
اع۲ گاز
اع۳ سیال
اع۲ نافلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اع۱ گاز پرتوزاد
اع۲ گاز
اع۳ سیال
ان *Radon*

رادیاتور خودرو
اع۱ تابشگر
اع۲ مبادله‌کن گرما

اع۳ تجهیزات
اع۱ سیستم سرمایش خودرو
اع۲ سیستم سرمایش
اع۳ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۳ خودرو
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
او گرم‌کن خودرو
ان *Automobile radiator*

رادیکال آزاد

او اتم
او بسپارش رادیکالی
او مولکول
او واکنش رادیکالی
ان *Free radical*

رادیم

اع۱ عنصر پرتوزا
اع۲ عنصر شیمیایی
اع۲ مواد پرتوزا
اع۳ مواد
اع۱ فلز قلیایی خاکی
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
ان *Radium*

رادیو

اع۱ مخابرات
اع۲ ارتباط
اخ۱ دریافت چندبرابر
او اخترشناسی رادیویی
او ارتباط رادیویی
او ارسال رادیویی
او استودیوی رادیویی
او ایستگاه رادیویی
او پخش رادیویی
او تجهیزات رادیویی
او تخصیص بسامد
او تداخل رادیویی
او تلسکوپ رادیویی
او تلفن رادیویی
او تلگراف رادیویی
او خط ارتباط رادیویی
او خط مخابرات بسامد بالا
او سیستم جهت‌یابی رادیویی
او سیستم رادیویی
او شبکه(مدار)
او کنترل مخابراتی
او کیفیت دریافت
او موج الکترومغناطیسی
او ناوبری رادیویی
ان *Radio*

رادیوتراپی

ب‌ک پرتودرمانی

رادیوسوند

اع۱ فرستنده رادیویی
اع۲ تجهیزات رادیویی
اع۳ تجهیزات مخابراتی
اع۲ فرستنده
اع۳ تجهیزات مخابراتی
او سنج‌افزار هواشناسی
او موشک گمانه‌زنی
ان *Radiosonde*

رادیوگرافی گامایی

ب‌ج *پرتونگاری پرتوی گاما*
اع۱ پرتونگاری
اع۲ فن تصویرسازی
او امتحان غیرمخرب
او پرتو گاما
ان *Gamma radiography*

رادیونوکلید

ب‌ک ایزوتوپ پرتوزا

راکت

اع۱ تجهیزات
اخ۱ راکت نظامی
اخ۱ موشک چندبارمصرف
اخ۱ موشک گمانه‌زنی
او بازگشت(فضانوردی)
او پرتاب
او پرتابه
او پشتیبانی زمینی هوافضا
او حفاظ گرمایی
او ردیابی(مکان)
او سفر فضایی

او سیستم موشک‌اندازی
او سیستم هدایت الکترونیکی
او شتاب منفی
او صفحه گسیختگی
او فضاپیما
او کابل احتراق
او مخروط دماغه
او مساله گرما
او مسیر
او موشک
ان *Rocket*

راکت نظامی

بچ *موشک تدافعی*
اع۱ تجهیزات نظامی
اع۲ تجهیزات
اع۱ راکت
اع۲ تجهیزات
او ساز و برگ جنگی
او موشک
ان *Military rocket*

راکتور الکتریکی
ب‌ک واکنشگاه الکتریکی

راکتور شیمیایی
ب‌ک واکنشگاه شیمیایی

راکتور هسته‌ای
ب‌ک واکنشگاه هسته‌ای

رام
ب‌ک حافظه فقط خواندنی

رانش الکتریکی
ب‌ک رانه الکتریکی

راننده اتوبوس

بچ *راننده اتوبوس موتوری*
اع۱ کارکنان ترابری
اع۲ کارکنان
او اتوبوس
او آموزش رانندگی
او ترابری اتوبوسی
ان *Bus driver*

راننده اتوبوس موتوری
ب‌ک راننده اتوبوس

راننده خودرو

بچ *راننده شخصی*
اع۱ کارکنان ترابری
اع۲ کارکنان
او آموزش رانندگی
او خودرو
او گواهی‌نامه رانندگی دادن
ان *Automobile driver*

راننده شخصی
ب‌ک راننده خودرو

راننده کامیون

اع۱ کارکنان ترابری
اع۲ کارکنان
او آموزش رانندگی
او ترابری کامیونی
او ترابری موتوری
ان *Truck driver*

رانه الکتریکی

بچ *رانش الکتریکی*
اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اع۱ محرک
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
اع۳ ماشین‌آلات
او پیشرانش الکتریکی
او محرک با سرعت وردش‌پذیر
او موتور الکتریکی
ان *Electric drive*

راه آبی درون‌مرزی

اع۱ کانال
اع۲ پوشش کانال
اع۲ نهر آبیاری
او آب سطحی
او اصلاح

او آلودگی آب
او بندرگاه تفریحی
او پهن‌سازی(شریان‌های حمل و نقل)
او ترابری آبی
او تراز آب
او تراوش
او دریاچه
او رودخانه
او سد آب شور
او سدمتحرک(روی آب‌راهه)
او سنگ‌چین پوششی
او فرسایش
او کرانه‌داری
او کنترل علف هرز
او کنترل یخ
او لای‌روبی
او مسیر ترابری
او مهاربند(سازه)
ان *Inland waterway*

راه پل

ب‌ج *معبر پل*
اع۱ اجزای پل
اع۲ اجزا
اع۲ پل
اع۳ سازه
ان *Bridge approach*

راه‌آهن

اخ۱ راه‌آهن برقی
اخ۱ راه‌آهن صنعتی
اخ۱ کارخانه و ساختمان تجهیزات راه‌آهن
اخ۲ ایستگاه راه‌آهن
اخ۳ ایستگاه مترو
اخ۲ پایانه و محوطه راه‌آهن
اخ۳ محوطه اعزام قطار
اخ۲ پل راه‌آهن
اخ۲ تقاطع راه‌آهن
اخ۲ تونل راه‌آهن
اخ۲ سیستم علائم راه‌آهن
اخ۳ سیستم علائم مترو
اخ۳ مانع‌یاب
اخ۲ مسیر راه‌آهن
اخ۳ ریل‌بند
اخ۳ سوزن راه‌آهن
اخ۱ گذر ریلی سبک
اخ۲ تک‌ریلی
اخ۱ مترو
اخ۲ ایستگاه مترو
اخ۲ سیستم علائم مترو
او آموزش رانندگی
او برنامه‌ریزی شهری
او ترابری با راه‌آهن
او تندگذری
او حادثه راه‌آهن
او حریم راه
او خط نورد راه‌آهن
او سیستم ذخیره جا
او کنترل خودکار ترن
او کنترل شدآمد راه‌آهن
او گذرگاه قطار
ان *Railroad*

راه‌آهن برقی

ب‌ج *برقی‌کردن راه‌آهن*
اع۱ راه‌آهن
او آموزش رانندگی
او تک‌ریلی
او تندگذری
او جمع‌کننده جریان الکتریکی
او کشش الکتریکی
او لکوموتیو برقی
او مترو
او موتور وسیله نقلیه
او واگن تک‌ریلی
او وسیله نقلیه الکتریکی
ان *Electric railroad*

راه‌آهن صنعتی

اع۱ راه‌آهن
او صنعت
او لکوموتیو صنعتی
ان *Industrial railroad*

راه ارتباط(شبکه رایانه‌ای)

اع۱ شبکه رایانه‌ای
او واسط(رایانه)
ان *Gateway (computer network)*

راه‌انداز

اع۱ اجزای ماشین
اع۲ اجزا
اع۲ ماشین‌آلات
او راه‌اندازی
او سیستم افروزش
او کازانداز
او محرک الکتریکی
او موتور درون‌سوز
ان *Starter*

راه‌اندازی

او افروزش
او پرتاب
او حباب‌بند
او راه‌انداز
او سیستم افروزش
او کاراندار
او موتور درون‌سوز
ان *Starting*

راه‌اندازی کارخانه

او راه‌اندازی واکنشگاه
او واحد صنعتی
ان *Plant startup*

راه‌اندازی واکنشگاه

اع۱ عمل واکنشگاه
او راه‌اندازی کارخانه
او واکنشگاه هسته‌ای
ان *Reactor startup*

راه‌سازی

ب‌ک ساختار راه

راه شنی

اع۱ جاده و خیابان
اع۲ امکانات همگانی
ان *Gravel road*

راهگذر سرریز

اع۱ سازه آبی
اع۲ سازه
اخ۱ دریچه سرریز
او تاسیسات آبی
او سد
او نیروگاه آبی
ان *Spillway*

راه موقت

اع۱ جاده و خیابان
اع۲ امکانات همگانی
ان *Temporary road*

رایانه

ب‌ج *کامپیوتر*
اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ ایستگاه‌کار رایانه
اخ۱ رایانه دو رگه
اخ۱ رایانه رقمی
اخ۲ ابررایانه
اخ۲ تحلیل دیفرانسیل رقمی
اخ۲ خردرایانه
اخ۲ رایانه همه‌منظوره
اخ۲ ریزرایانه
اخ۳ رایانه شخصی
اخ۱ رایانه قیاسی
اخ۲ تحلیلگر دیفرانسیل قیاسی
اخ۲ تحلیلگر شبکه الکتریکی
اخ۱ سخت‌افزار رایانه
اخ۲ تجهیزات جانبی رایانه
اخ۳ ابزار برهم‌کنشی
اخ۳ پایانه رایانه
اخ۳ تجهیزات بازشناسی کاراکتر
اخ۳ تجهیزات نگاره‌سازی رایانه‌ای
اخ۳ چاپگر(رایانه)
اخ۳ رسام(رایانه)
اخ۳ سیستم کارت سوراخ‌دار
اخ۳ سیستم نوار سوراخ‌شده
اخ۳ نوارگردان
اخ۲ تجهیزات ذخیره داده‌ها
اخ۳ انباره قیاسی
اخ۳ حافظه نیم‌رسانا
اخ۳ ذخیره داده‌های نوری
اخ۳ ذخیره رقمی
اخ۳ ذخیره مغناطیسی
اخ۲ ثبات انتقال
اخ۲ مبدل رمز
اخ۲ مدار رایانه

او آزمایش رایانه
او تجهیزات اداری
او تحلیل عددی
او جرم رایانه‌ای
او حساب رقمی
او سنج‌افزار ریاضی
او سیستم رایانه‌ای
او شبکه رایانه‌ای
او علم رایانه
او فناوری اطلاعات
او کاربرد رایانه
او گزینش و ارزشیابی رایانه‌ای
او ماشین تجاری
او ماشین حساب جیبی
او ماشین سخنگوی خودکار
او معماری رایانه
او مهندسی سیستم‌ها
او نرم‌افزار رایانه
ان *Computer*

رایانه دو رگه

بج *رایانه قیاسی رقمی*
اع۱ رایانه
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او رایانه رقمی
او رایانه قیاسی
او واگردانی رقمی به قیاسی
او واگردانی قیاسی به رقمی
ان *Hybrid computer*

رایانه رقمی

اع۱ رایانه
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ ابررایانه
اخ۱ تحلیل دیفرانسیل رقمی
اخ۱ خردرایانه
اخ۱ رایانه همه‌منظوره
اخ۱ ریزرایانه
اخ۲ رایانه شخصی
او ابزار رقمی
او رایانه دو رگه
او سیستم رایانه‌ای
او ماشین تورینگ
او واگردانی رقمی به قیاسی
ان *Digital computer*

رایانه رومیزی

ب‌ک رایانه شخصی

رایانه شخصی

بج *رایانه رومیزی*
بج *رایانه کتابی*
بج *رایانه کیفی*
اع۱ ریزرایانه
اع۲ رایانه رقمی
اع۳ رایانه
ان *Personal computer*

رایانه قیاسی

اع۱ رایانه
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ تحلیلگر دیفرانسیل قیاسی
اخ۱ تحلیلگر شبکه الکتریکی
او انباره قیاسی
او جبران‌کردن خطا
او رایانه دو رگه
او مدار چندبرابرکننده
او مولد تابع
او واگردانی قیاسی به رقمی
ان *Analog computer*

رایانه قیاسی رقمی

ب‌ک رایانه دو رگه

رایانه کتابی

ب‌ک رایانه شخصی

رایانه کیفی

ب‌ک رایانه شخصی

رایانه همه‌منظوره

اع۱ رایانه رقمی
اع۲ رایانه
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
ان *General purpose computer*

رایحه
ب‌ج عطر
اع۱ افزودنی
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او روغن اسانسی
ان *Fragranc*

رایزر دریایی
اع۱ لوله
اع۲ اجزا
او حفاری دریایی
او سکوی تولید
ان *Marine riser*

رباط
اع۱ بافت(زیست‌شناختی)
اع۲ مواد زیست‌شناختی
اع۳ مواد
اع۱ دستگاه عضلانی‌اسکلتی
ان *Ligament*

رتبه‌بندی کارکنان
اع۱ ارزشیابی
او کارکنان
ان *Personnel rating*

رخ‌پوش
اع۱ اجزای ساختمان
اع۲ ساختمان
اع۳ سازه
او روکش دیواره
او سنگ‌چین پوششی
او نمای ساختمان
ان *Facing*

رد
اع۱ جریان متلاطم
اع۲ شارش سیال
اع۳ دینامیک سیالات
او اثر زمین
او پسار
او تلاطم
او خلاءزایی
او شارش گردابی
ان *Wake*

ردگیری راداری
اع۱ ردیابی(مکان)
او رادار
او رادار دوپلر
ان *Radar tracking*

ردگیری مدار
ب‌ک ردگیری مدارالکترونیکی

ردگیری مدارالکترونیکی
ب‌ج *ردگیری مدار*
او شبکه(مدار)
او کوک
ان *Electronic circuit tracking*

رده بلوری
ب‌ک تقارن بلور

رده‌بند
اع۱ جداساز
اع۲ تجهیزات
اخ۱ غربال(دانه‌بندی)
اخ۲ غربال لرزشی
او تعیین درشتی
او جداسازی ابعادی
او عمل‌آوری کان‌سنگ
ان *Classifier*

رده هم‌ارزی
اع۱ فن ریاضی
او نظریه خودکارافزار
ان *Equivalence class*

ردیاب پرتوزا
اع۱ مواد پرتوزا
اع۲ مواد
او ایزوتوپ
او ایزوتوپ پرتوزا
او پزشکی هسته‌ای
او تشخیص(پزشکی)
ان *Radioactive tracers*

ردیابی(مکان)
اع۱ ردگیری راداری
او اخترشناسی رادیویی
او پشتیبانی زمینی هوافضا
او رادار
او رادار ردیاب
او رادار نوری
او راکت
او سنجش وضعیت
او سونار
او سیستم مکان‌یابی وسیله نقلیه
او کنترل وضعیت
او ماهواره
او موشک
او ناوبری
او وسیله نقلیه هوافضایی
ان *Tracking (position)*

ردیابی باریکه ذره‌ای
او باریکه ذره‌ای
او شتاب‌دهنده ذره
ان *Particle beam tracking*

رزمایش‌پذیری
او فرمان
او فضاپیما
او کشتی
او هواگرد
ان *Maneuverability*

رزوه پیچ
اع۱ پیچ
اع۲ چفت
اع۳ اجزا
او پیچ‌تراشی
او سنگ‌زنی رزوه
او قلاویزکاری
او نوردکاری پیچی
ان *Screw thread*

رزین
ب‌ک بسپار

رزین آ.بی.اس.
ب‌ج *رزین آکریلونیتریل بوتادی‌ان استیرن*
اع۱ بسپار آروماتیکی
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
اع۱ سه‌بسپار
اع۲ هم‌بسپار
اع۳ بسپار آلی
ان *ABS resin*

رزین آکریلونیتریل بوتادی‌ان استیرن
ب‌ک رزین آ.بی.اس.

رزین آلکید
اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ گرماسخت
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
ان *Alkyd resin*

رزین آلیل
اع۱ گرماسخت
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
ان *Allyl resin*

رزین آمینو(اوره)
ب‌ک رزین اوره فرم‌آلدهید

رزین آمینو(ملامین)
ب‌ک رزین ملامین فرم‌آلدهید

رزین اپوکسی
اع۱ پلی‌اتر
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
او مصالح راه‌سازی
ان *Epoxy resin*

رزین استالی

ب‌ج *پلی‌استال*
اع۱ پلی‌اتر
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
او فرم‌آلدهید
ان *Acetal resin*

رزین اوره فرم‌آلدهید

ب‌ج *رزین آمینو(اوره)*
اع۱ گرماسخت
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
او اوره
او رزین فنلی
او رزین ملامین فرم‌آلدهید
او فرم‌آلدهید
ان *Urea formaldehyde resin*

رزین تبادل یونی

اع۱ بسپار آلی
اع۲ بسپار
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ تبادلگر یونی
اع۲ جداساز
اع۳ تجهیزات
او تبادل یونی
ان *Ion exchange resin*

رزین سلولزی

اع۱ مشتقات سلولز
اع۲ مشتقات
اع۳ ترکیبات شیمیایی
ان *Cellulosic resin*

رزین سیلیکون

ب‌ک سیلیکون

رزین فنلی

ب‌ج *پلاستیک فنلی*
اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ گرماسخت
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
اخ۱ رنگ آزو
او رزین اوره فرم‌آلدهید
ان *Phenolic resin*

رزین فنوکسی

اع۱ پلی‌اتر
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
ان *Phenoxy resin*

رزین فوران

اع۱ گرماسخت
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
ان *Furan resin*

رزین گرماسخت

ب‌ک گرماسخت

رزین گرمانرم

ب‌ک گرمانرم

رزین ملامین فرم‌آلدهید

ب‌ج *رزین آمینو(ملامین)*
اع۱ گرماسخت
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
او رزین اوره فرم‌آلدهید
او فرم‌آلدهید
او ملامین
ان *Melamine formaldehyde resin*

رزین نیتریلی

اع۱ بسپار آلی
اع۲ بسپار

اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۱ ترکیبات نیتروژن
اع۲ ترکیبات شیمیایی
ان *Nitrile resin*

رزین وینیلی

اع۱ گرمانرم
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
اخ۱ پلی‌وینیل استات
اخ۱ پلی‌وینیل الکل
اخ۱ پلی‌وینیل کلرید
اخ۱ پلی‌وینیلیدن کلرید
او پلاستی‌سول
ان *Vinyl resin*

رژیم غذایی

ب‌ک تغذیه

رس

اع۱ خاک
اخ۱ بنتونیت
او بست‌مایه
او تبادلگر یونی
او خاک رنگ‌بر
او ذخیره رس
او فراورده رسی
او کانی
او کانی رسی
او لوله رسی
او مواد سرامیکی
ان *Clay*

رسام(رایانه)

اع۱ تجهیزات جانبی رایانه
اع۲ سخت‌افزار رایانه
اع۳ رایانه
اع۱ سنج‌افزار ثبات
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او چاپگر(رایانه)
او واگردانی رقمی به قیاسی
ان *Plotter (computer)*

رسانای آلی

اع۱ مواد
او ترکیبات آلی نیم‌رسانا
او مواد ابررسانا
ان *Organic conductor*

رسانای الکتریکی

اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ الکترود اتصال زمین
اخ۱ رسانای بسته‌ای
اخ۱ سیم الکتریکی
اخ۲ سیم ابررسانشی
اخ۲ سیم عایق‌کاری
اخ۲ سیم ورودی
اخ۱ کابل الکتریکی
اخ۲ کابل ابررسانشی
اخ۲ کابل احتراق
اخ۲ کابل تخت
اخ۲ کابل روغنی
اخ۲ کابل زیردریایی
اخ۲ کابل زیرزمینی
اخ۲ کابل گازی
اخ۲ کابل مخابراتی
اخ۳ کابل نوری
اخ۳ کابل هم‌محور
اخ۱ میله جریان
او اتصال الکتریکی
او اتصال کابل
او اثر پوسته
او الکترود
او انتقال نیروی الکتریکی
او بست الکتریکی
او جریان گردابی
او رمز الکتریکی
او سیم‌پیچ الکتریکی
او سیم‌کشی الکتریکی
او لوله حفاظ الکتریکی
او مقاومت
او مواد ابزرسانا
او مواد رسانا
ان *Electric conductor*

رسانای بسته‌ای

اع۱ رسانای الکتریکی

اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
او خط الکتریکی
ان *Bundled conductor*

رسانای جارویی

اع۱ جمع‌کننده جریان الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
او اتصال الکتریکی
او اجزای ماشین‌آلات الکتریکی
او جابه‌جاگر الکتریکی
ان *Brush conductors*

رسانایی الکتریکی

ب‌ج *مقاومت ویژه الکتریکی*
اع۱ ویژگی الکتریکی
اع۲ ویژگی فیزیکی
اخ۱ ابررسانایی
اخ۱ رسانایی الکتریکی جامدات
اخ۱ رسانایی الکتریکی گازها
اخ۱ رسانایی الکتریکی مایعات
اخ۱ فوتورسانندگی
او اثر میدان الکتریکی
او انبارش بار در فضای محدود
او اندازه‌گیری رسانایی الکتریکی
او تخلیه الکتریکی
او تراوش(حالت جامد)
او ترکیبات واسطه
او رسانایی یونی
او مواد رسانا
او مواد نیم‌رسانا
ان *Electric conductivity*

رسانایی الکتریکی جامدات

اع۱ رسانایی الکتریکی
اع۲ ویژگی الکتریکی
اع۳ ویژگی فیزیکی
او ابررسانایی
او جامد
او رسانایی یونی در جامد
ان *Electric conductivity of solids*

رسانایی الکتریکی گازها

اع۱ رسانایی الکتریکی
اع۲ ویژگی الکتریکی
اع۳ ویژگی فیزیکی
او گاز
ان *Electric conductivity of gases*

رسانایی الکتریکی مایعات

اع۱ رسانایی الکتریکی
اع۲ ویژگی الکتریکی
اع۳ ویژگی فیزیکی
او برق‌کاف
او مایع
او مایع نیم‌رسانا
ان *Electric conductivity of liquids*

رسانایی متقابل

او لامپ الکترونی
ان *Transconductance*

رسانایی هیدرولیکی

ب‌ج *ضریب تراوایی*
او آب زیرزمینی
او تراوایی مکانیکی
او تراوش(سیال)
ان *Hydraulic conductivity*

رسانایی یونی

اع۱ ویژگی الکتریکی
اع۲ ویژگی فیزیکی
اخ۱ رسانایی یونی در جامد
او پخشیدگی
او رسانایی الکتریکی
او یون
ان *Ionic conduction*

رسانایی یونی در جامد

اع۱ رسانایی یونی
اع۲ ویژگی الکتریکی
اع۳ ویژگی فیزیکی
او پخشیدگی در جامد
او جامد
او رسانایی الکتریکی جامدات
ان *Ionic conduction in solid*

رسانش گرما

اع۱ انتقال گرما
او رسانندگی گرمایی
او عدد نوسلت
ان *Heat conduction*

رسانندگی گرمایی
اع۱ ویژگی ترابرد
اع۲ ویژگی فیزیکی
اع۱ ویژگی ترمودینامیکی
اع۱ رسانندگی گرمایی جامدات
اع۱ رسانندگی گرمایی گازها
اع۱ رسانندگی گرمایی مایعات
او اثر گرما
او آزمایش حرارت پایین
او انتقال گرما
او رسانش گرما
او عایق‌کاری گرمایی
او عدد نوسلت
او گرماکشسانی
او گرمای ویژه
او مصالح عایق‌کاری دمایی
ان *Thermal conductivity*

رسانندگی گرمایی جامدات
اع۱ رسانندگی گرمایی
اع۲ ویژگی ترابرد
اع۳ ویژگی فیزیکی
اع۲ ویژگی ترمودینامیکی
او جامد
ان *Thermal conductivity of solids*

رسانندگی گرمایی گازها
اع۱ رسانندگی گرمایی
اع۲ ویژگی ترابرد
اع۳ ویژگی فیزیکی
اع۲ ویژگی ترمودینامیکی
او گاز
ان *Thermal conductivity of gases*

رسانندگی گرمایی مایعات
اع۱ رسانندگی گرمایی
اع۲ ویژگی ترابرد
اع۳ ویژگی فیزیکی
اع۲ ویژگی ترمودینامیکی
او مایع
ان *Thermal conductivity of liquids*

رسپیراتور
ب‌ک دستگاه تنفس مصنوعی

رسم(گرافیک)
اع۱ روش گرافیکی
ان *Drawing (graphics)*

رسوب
اع۱ مواد
او خاک
او رسوب‌شناسی
او رسوب‌گذاری
ان *Sediment*

رسوب آلومینیوم
ب‌ک ذخیره بوکسیت

رسوب‌شناسی
اع۱ زمین‌شناسی
اع۲ علوم زمین
اع۳ علوم طبیعی
او رسوب
او سنگ‌شناسی
ان *Sedimentology*

رسوب‌گذاری
اع۱ نهشت
اع۱ رسوب‌گذاری پارافین
او انعقاد
او تبلور
او تصفیه فاضلاب
او تله رسوبی
او ته‌نشینی(شیمیایی)
او دلمه‌شدگی
او رسوب
او زلال‌سازی
او سل
او شناورسازی
او گردایش
او مخزن ته‌نشینی
او مواد خروجی
ان *Sedimentation*

رسوب‌گذاری پارافین

اع۱	رسوب‌گذاری
اع۲	نهشت
او	پارافین
او	پارافین جامد
او	چاه نفتی
او	مخزن نفت
او	مساله پارافین
ان	*Paraffin sedimentation*

رشته(لامپ)

ب‌ج	سیم‌پیچ لامپ
اع۱	لامپ معمولی
اع۲	لامپ الکتریکی
اع۳	تجهیزات الکتریکی
اع۳	چشمه نور
ان	*Filament (lamp)*

رشته‌پیچی

اع۱	پیچش
اع۲	جابه‌جایی مواد
او	بافندگی
او	رشته مومسان
ان	*Filament winding*

رشته لاستیک چرخ

اع۱	لاستیک چرخ
اع۲	فراورده لاستیکی
اع۲	قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳	وسیله نقلیه
اع۱	نخ
اع۲	مواد
ان	*Tire cord*

رشته مومسان

اع۱	الیاف مصنوعی
اع۲	الیاف
اع۳	مواد
اع۱	پلاستیک
اع۲	مواد
او	رشته‌پیچی
او	ریسندگی(الیاف)
او	سیم
ان	*Plastic filament*

رشد(مواد)

اخ۱	رشد بلور
اخ۲	دوقلوزایی
اخ۲	رشد بلور از راه ذوب
اخ۲	رشد همبافته
اخ۳	همبافتی فاز بخار
اخ۳	همبافتی فاز مایع
اخ۱	رشد دانه‌ای
اخ۱	رشد فیلم
اخ۱	رشد نیم‌رسانا
او	آماس
او	جمع‌شدگی
او	مواد
ان	*Growth (materials)*

رشد بلور

اع۱	رشد(مواد)
اخ۱	دوقلوزایی
اخ۱	رشد بلور از راه ذوب
اخ۱	رشد همبافته
اخ۲	همبافتی فاز بخار
اخ۳	برآرایی باریکه شیمیایی
اخ۳	همبافتی باریکه مولکولی
اخ۳	همبافتی فاز بخار آلی فلزی
اخ۲	همبافتی فاز مایع
او	بلور
او	تبلور
او	رشد نیم‌رسانا
او	ساختار بلور
او	نقص بلور
او	هسته‌بندی
ان	*Crystal growth*

رشد بلور از راه ذوب

اع۱	رشد بلور
اع۲	رشد(مواد)
او	مواد نیم‌رسانا
او	همبافتی فاز مایع
ان	*Crystal growth from melt*

رشد ترک

ب‌ک	انتشار ترک

رشد دانه‌ای

اع۱	رشد(مواد)

او بازبلورش(متالورژی)
او شکل و درشتی ذرات
او فلزنگاری
او مرز دانه‌ای
ان *Grain growth*

رشد فیلم

اع۱ رشد(مواد)
او فیلم
ان *Film growth*

رشد نیم‌رسانا

اع۱ رشد(مواد)
او ابزار نیم‌رسانا
او رشد بلور
او مواد نیم‌رسانا
او نهشت با بخار شیمیایی آلی فلزی
او همبافتی فاز بخار آلی فلزی
ان *Semiconductor growth*

رشد همبافته

ب‌ج *همبافتی*
اع۱ رشد بلور
اع۲ رشد(مواد)
اخ۱ همبافتی فاز بخار
اخ۲ برآرایی باریکه شیمیایی
اخ۲ همبافتی باریکه مولکولی
اخ۲ همبافتی فاز بخار آلی فلزی
اخ۱ همبافتی فاز مایع
او بازبلورش(متالورژی)
او بستر
او فن اندایش
او فیلم نازک
او نهشت با بخار
ان *Epitaxial growth*

رشد همبافته فاز مایع

ب‌ک همبافتی فاز مایع

رصدخانه

اع۱ تسهیلات
اخ۱ رصدخانه فضاپیما
اخ۲ رصدخانه ماهواره‌ای
اخ۳ ماهواره نجومی
او اخترشناسی
او اخترشناسی راداری
او اخترشناسی رادیویی
او تلسکوپ
ان *Observatory*

رصدخانه فضاپیما

اع۱ رصدخانه
اع۲ تسهیلات
اخ۱ فضاپیما
اع۲ وسیله نقلیه
اخ۱ رصدخانه ماهواره‌ای
اخ۲ ماهواره نجومی
او کاوند فضایی
ان *Spacecraft observatory*

رصدخانه ماهواره‌ای

اع۱ رصدخانه فضاپیما
اع۲ رصدخانه
اع۳ تسهیلات
اع۲ فضاپیما
اع۳ وسیله نقلیه
اع۱ ماهواره
اع۲ فضاپیما
اع۳ وسیله نقلیه
اخ۱ ماهواره نجومی
او تلسکوپ هوابرد
ان *Satellite observatory*

رضایت شغلی

او انگیزش
او کارکنان
او مدیریت
ان *Job satisfaction*

رطوبت

او برآورد رطوبت
او رطوبت هوا
او رطوبت‌سنج
او کنترل رطوبت
او کنترل متغیر شیمیایی
او هوازدگی
ان *Moisture*

رطوبت‌سنج

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او برآورد رطوبت
او رطوبت
او نم‌سنج
او نم‌سنج دمایی
ان *Moisture meter*

رطوبت نسبی

ب‌ک رطوبت هوا

رطوبت هوا

ی‌د برای رطوبت جو زمین یا جو برون‌زمینی به کار برید.
ب‌ج *رطوبت نسبی*
او ابر
او جو برون زمینی
او جو زمین
او رطوبت
او کنترل رطوبت
او کنترل رطوبت (محیط)
او نم‌سنج دمایی
او هواشناسی
ان *Atmospheric humidity*

رفع بو

او بو
او روغن و چربی
او کنترل بو
ان *Odor removal*

رفع نیتروژن

اع۱ دورسازی
او نیتروژن
ان *Nitrogen removal*

رقابت

او اقتصاد
ان *Competition*

رقمی‌سازی

ب‌ک واگردانی قیاسی به رقمی

رقیقگر رنگ

اع۱ حلال
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او رنگ
ان *Paint thinner*

رگ خونی

اع۱ دستگاه قلبی-عروقی
او برسازه رگ خونی
ان *Blood vessel*

رگ خونی مصنوعی

ب‌ک برسازه رگ خونی

رگ‌نگاری

ب‌ج *آنژیوگرافی*
اع۱ پرتونگاری تشخیصی
اع۲ پرتونگاری
اع۳ فن تصویرسازی
اع۲ تشخیص(پزشکی)
اع۲ تصویربرداری پزشکی
اع۳ فن تصویرسازی
اخ۱ رگ‌نگاری قلب
او مهندسی زیست‌پزشکی
او وسیله مقابله
ان *Angiography*

رگ‌نگاری قلب

اع۱ رگ‌نگاری
اع۲ پرتونگاری تشخیصی
اع۳ پرتونگاری
اع۳ تشخیص(پزشکی)
اع۳ تصویربرداری پزشکی
او قلب‌پزشکی
او مهندسی زیست‌پزشکی
او وسیله مقابله
ان *Angiocardiography*

رله(تکرارگر)

ب‌ک تکرارکننده مخابراتی

رله الکتریکی

ب‌ج *رله تلفنی*
اع۱ سوده الکتریکی

اع۲ سوده
اع۳ تجهیزات
اخ۱ تماسگر الکتریکی
اخ۱ رله زبانه‌ای
اخ۱ رله فوتوالکتریک
اخ۱ رله نیم‌رسانا
او حفاظت رله‌ای
او سیستم کنترل رله‌ای
او سیم‌لوله
او محافظت تجهیزات الکتریکی
او مدار سودهی
او مدارشکن الکتریکی
ان *Electric relay*

رله تلفنی
ب‌ک رله الکتریکی

رله حالت جامد
ب‌ک رله نیم‌رسانا

رله زبانه‌ای
ب‌ج *کلید زبانه‌ای*
اع۱ رله الکتریکی
اع۲ سوده الکتریکی
اع۳ سوده
ان *Reed relay*

رله فوتوالکتریک
اع۱ ابزار فتوالکتریکی
اع۲ ابزار دیدالکترونیک
اع۳ ابزار نوری
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ رله الکتریکی
اع۲ سوده الکتریکی
اع۳ سوده
ان *Photoelectric relay*

رله نیم‌رسانا
ب‌ج *رله حالت جامد*
اع۱ ابزار نیم‌رسانا
اع۲ ابزار حالت جامد
اع۳ دستگاه الکترونی
اع۱ رله الکتریکی
اع۲ سوده الکتریکی
اع۳ سوده
ان *Semiconductor relay*

رم
ب‌ک حافظه دستیابی تصادفی

رمز(نماد)
اخ۱ رمز بلوکی
اخ۱ رمز تلفیقی
اخ۱ رمز تلگراف
اخ۱ رمز دوگانی
اخ۱ رمزینه
اخ۱ شناسه رنگی
اخ۱ نماد نقشه
او اشتباه برنامه‌نویسی
او تصحیح خطا
او خطایابی
او رمزگذاری
او رمزگشایی
او رمزنویسی
او سنج‌افزار
او مبدل رمز
او نظریه اطلاعات
ان *Code (symbol)*

رمز الکتریکی
اع۱ شناسه(استاندارد)
اع۲ استاندارد
او الکتریسیته
او آیین‌نامه ساختمانی
او دستگاه الکتریکی
او رسانای الکتریکی
او سیم‌کشی الکتریکی
او سیم‌کشی ساختمان
او قانون و قانونگزاری
ان *Electric code*

رمز بلوکی
اع۱ رمز(نماد)
او اشتباه برنامه‌نویسی
او تصحیح خطا
او خطایابی
او رمزگذاری
ان *Block code*

رمز تلفیقی

اع۱	رمز(نماد)
او	تصحیح خطا
او	خطایابی
او	دنباله دوگانی
او	رمزگذاری
ان	*Convolutional code*

رمز تلگراف

اع۱	رمز(نماد)
او	تلگراف
ان	*Telegraph code*

رمز دوگانی

اع۱	رمز(نماد)
او	اشتباه برنامه‌نویسی
او	تصحیح خطا
او	خطایابی
او	رمزگذاری
او	سرعت خطای بیتی
ان	*Binary code*

رمزگذاری

او	پردازش سیگنال
او	داده‌پردازی
او	رمز بلوکی
او	رمز تلفیقی
او	رمز دوگانی
او	رمز(نماد)
او	رمزگذاری گفتار
او	رمزنویسی
او	فرایند تصادفی
او	مدوله‌سازی رمز تپ
ان	*Encoding (symbol)*

رمزگذاری تصویر

اع۱	تصویر پردازی
اع۲	پردازش سیگنال
او	کوانتش برداری
ان	*Image coding*

رمزگذاری سیگنال

اع۱	پردازش سیگنال
ان	*Signal encoding*

رمزگذاری گفتار

او	پردازش گفتار
او	تجزیه و تحلیل گفتار
او	رمزگذاری
او	گفتار
ان	*Speech coding*

رمزگشایی

او	رمز(نماد)
او	رمزنویسی
او	وامدوله‌سازی
ان	*Decoding*

رمزنویسی

او	امنیت داده‌ها
او	داده‌گردانی
او	رمز(نماد)
او	رمزگذاری
او	رمزگشایی
او	سیستم ارتباط داده‌ای
ان	*Cryptography*

رمزینه

اع۱	رمز(نماد)
او	ماشین علامت‌گذاری
ان	*Bar code*

رنگ

اع۱	اندود
اع۲	مواد
اخ۱	رنگ ضدخزه
اخ۱	رنگ کازئینی
اخ۱	رنگ لاستیکی کلرینه
اخ۱	شبرنگ
او	اندود آلی
او	رقیقگر رنگ
او	رنگدانه
او	رنگ‌کاری
او	روغن جلاء
او	روغن خشکان
او	کارخانه لبنیات‌سازی
او	کازئین
او	لاک
او	لعاب
او	یخشیشه

ان *Paint*

رنگ ضدخزه

اع۱ اندود محافظ
اع۲ اندود
اع۳ مواد
اع۱ رنگ
اع۲ اندود
اع۳ مواد
او موجودات دریایی چوب‌خوار
ان *Antifouling paint*

رنگ(فام)

اع۱ ویژگی نوری
اع۲ ویژگی فیزیکی
او الکتروکرومیسم
او انتشار الکترومغناطیسی
او انطباق رنگ
او تصویر پردازی رنگی
او تلویزیون رنگی
او جداسازی رنگی(تصفیه آب)
او چاپ رنگی
او دید
او دید رنگی
او رنگ‌پذیر
او رنگ‌سنج
او سرعت رنگ‌کردن
او شناسه رنگی
او طیف‌نورسنج
او عکاسی
او عکاسی رنگی
او فتوکپی رنگی
او گرافیک رنگی رایانه
او نور
او نوررنگی
او ویژگی سطح
ان *Color*

رنگ آزو

اع۱ رزین فنلی
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ رنگینه
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد

ان *Azo dye*

رنگ‌افشانی

اع۱ افشاندن
اع۱ رنگ‌کاری
اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت
او اندود الکترواستاتیکی
ان *Paint spraying*

رنگبری

اع۱ فراورش
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او تکمیل نساجی
او خمیر کاغذ رنگبری‌شده
او ساختن خمیر کاغذ
او فرایند نساجی
او کاغذسازی
ان *Bleaching*

رنگ‌پذیر

اع۱ نورشناسی
اع۲ فیزیک
اع۳ علوم طبیعی
او الکتروکرومیسم
او رنگ(فام)
ان *Chromogenic*

رنگدانه

اع۱ مواد
اخ۱ سبزینه
اخ۱ هموگلوبین
او افزودنی
او اکسید روی
او تیتانیم دی‌اکسید
او درخشایی
او رنگ
او لاک
او لعاب
ان *Pigment*

رنگرزی

اع۱ رنگ‌کردن

اع۲ تکمیل
اع۳ فراورش
او انطباق رنگ
او رنگ‌گیری(رنگینه)
او رنگینه
او شستشوی مصنوع نساجی
او فرایند نساجی
او مصنوع نساجی
ان *Dyeing*

رنگ‌سنج

پ‌ج *دستگاه سنجش رنگ*
پ‌ج *فام‌سنج*
اع۱ مقایسه‌گر(نوری)
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
او تجزیه به روش رنگ‌سنجی
او تجهیزات تجزیه
او رنگ(فام)
او رنگ‌سنجی
او طیف‌نورسنج
ان *Colorimeter*

رنگ‌سنجی

اع۱ اندازه‌گیری متغیر نوری
اع۲ اندازه‌گیری
او رنگ‌سنج
او طیف‌نورسنج
ان *Colorimetry*

رنگ‌کاری

اع۱ فن اندایش
اع۲ نهشت
اخ۱ رنگ‌افشانی
او آرایه‌گری
او درزبندی(تکمیل)
او رنگ
او رنگ‌کردن
او لاک‌زنی
او میناکاری
ان *Painting*

رنگ کازئینی

اع۱ رنگ
اع۲ اندود
اع۳ مواد
او کازئین
ان *Casein paint*

رنگ‌کردن

اع۱ تکمیل
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
اخ۱ رنگرزی
او آرایه‌گری
او تغییر رنگ
او رنگ‌کاری
او فن اندایش
او یخ‌شیشه
ان *Coloring*

رنگ‌گیری(جداسازی)

اخ۱ رنگ‌گیری(رنگینه)
اخ۱ رنگ‌گیری از پوست درخت
او اندود
او پوسته‌پوسته‌شدگی
او فن اندایش
ان *Stripping (removal)*

رنگ‌گیری(رنگینه)

اع۱ رنگ‌گیری(جداسازی)
او رنگرزی
او رنگینه
ان *Stripping (dye)*

رنگ‌گیری از پوست درخت

اع۱ رنگ‌گیری(جداسازی)
او الوار
او چوب
ان *Bark stripping*

رنگ لاستیکی کلرینه

اع۱ رنگ
اع۲ اندود
اع۳ مواد
او کلردارکردگی
او لاستیک
ان *Chlorinated rubber paint*

رنگینه
اع۱ مواد شیمیایی
اع۲ مواد
اخ۱ رنگ آزو
اخ۱ رنگینه خمره‌ای
او انطباق رنگ
او پسمانده صنعتی
او رنگرزی
او رنگ‌گیری(رنگینه)
ان *Dye*

رنگینه خمره‌ای
اع۱ رنگینه
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
ان *Vat dye*

رنیم
اع۱ فلز دیرگداز
اع۲ فلز واسطه
اع۳ فلز
او آبکاری رنیم
او آلیاژ رنیم
او ترکیبات رنیم
ان *Rhenium*

روابط صنعتی
ب‌ج *روابط کارکنان*
اع۱ مدیریت صنعتی
اع۲ مدیریت
او کارکنان
او واحد صنعتی
ان *Industrial relation*

روابط عمومی
او مدیریت صنعتی
او واحد صنعتی
ان *Public relation*

روابط کارکنان
ب‌ک روابط صنعتی

رواداری
ب‌ک انطباق و رواداری

روال غیرمستدل
ب‌ک برنامه‌نویسی غیرمستدل

رواناب
اع۱ انتقال جرم
اخ۱ رواناب کشاورزی
او آب‌پخشان
او آب‌رسانی
او جریان رودخانه‌ای
او فاضلاب‌روی رگباری
او فاضلاب‌روی مختلط
او کنترل سیل
او منبع آب
ان *Runoff*

رواناب کشاورزی
اع۱ رواناب
اع۲ انتقال جرم
او آلودگی آب
او آلودگی خاک
او کشاورزی
ان *Agricultural runoff*

روان‌ساز
اع۱ مواد
اخ۱ روان‌ساز سنتزی
اخ۱ روان‌کننده جامد
اخ۱ روغن روان‌سازی
اخ۱ گریس روان‌سازی
او افزودنی
او روان‌سازی
او روغن‌زن
او شکل‌دهی فلز
او فراورده نفتی
او فلزتراشی
او کروژن
او مدل‌کشی فلزی
او مواد
او نگهداشت
ان *Lubricant*

روان‌ساز سنتزی
اع۱ روان‌ساز
اع۲ مواد
ان *Synthetic lubricant*

روان‌سازی

اخ۱ روانکاری هوایی
اخ۱ روغنکاری هیدرودینامیک کشسانی
او اصطکاک‌شناسی
او آغشته‌سازی
او روان‌ساز
او روغن‌زن
او سایش مواد
او گرانروی مایعات
او مخلوط خودروغنکار
او یاتاقان روغنکاری‌شده گازی
او یاتاقان(قسمت‌های ماشین)
ان *Lubrication*

روانکاری هوایی

اع۱ روان‌سازی
او یاتاقان(قسمت‌های ماشین)
ان *Air lubrication*

روان‌کننده جامد

اع۱ روان‌ساز
اع۲ مواد
ان *Solid lubricant*

روبشگری

پ‌ج *پویش نوری*
او بازشناسی کاراکتر
او پویش‌گر چندطیفی
او کاراکترشناسی نوری
او نمابر
ان *Scanning*

روبیدیم

اع۱ فلز قلیایی
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آلیاژ روبیدیم
او ترکیبات روبیدیم
ان *Rubidium*

روتنیم

اع۱ فلز گروه پلاتین
اع۲ فلز گرانبها
اع۳ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز واسطه
او آلیاژ روتنیم
او ترکیبات روتنیم
ان *Ruthenium*

روتور

اع۱ موتور(با منبع انرژی درونی)
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ روتور بالگرد
او بال
او ماشین‌آلات توربو
او ماشین‌آلات چرخان
ان *Rotor*

روتور(سیم‌پیچ)

اع۱ سیم‌پیچ ماشین
اع۲ اجزای ماشین‌آلات الکتریکی
اع۳ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۲ سیم‌پیچ الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
او ایستانه
او ماشین‌آلات جریان متناوب
او محافظت تجهیزات الکتریکی
او موتور جریان متناوب
او مولد جریان متناوب
ان *Rotor (winding)*

روتور بالگرد

اع۱ بالگرد
اع۲ هواگرد
اع۱ روتور
اع۲ موتور(با منبع انرژی درونی)
اع۳ ماشین‌آلات
او بالگرد مرکب
ان *Helicopter rotor*

رودخانه

اع۱ آب سطحی
او آب‌برگردان رودخانه
او آب‌پخشان
او آب‌رسانی
او اندازه‌گیری شوری
او تخلیه(مکانیک سیالات)
او جریان رودخانه‌ای
او راه آبی درون‌مرزی

او طرح حوضه رودخانه
او کرانه(کناره آب)
او کنترل رودخانه
او کنترل سیل
او مصب رودخانه
او منبع آب سطحی
ان *River*

رودیم

اع۱ فلز گروه پلاتین
اع۲ فلز گرانبها
اع۳ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز واسطه
او آبکاری رودیم
او آلیاژ رودیم
او ترکیبات رودیم
او فلزنگاری رودیم
ان *Rhodium*

روزن‌ران

پ‌ج *ماشین‌آلات روزن‌رانی*
اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ دستگاه روزن‌رانی عایق سیم
اخ۱ روزن‌ران پلاستیک
اخ۱ قالب روزن‌رانی
او پرس(ابزار ماشینی)
او روزن‌رانی
او روزن‌رانی فلز
او قالب‌گیری روزن‌رانی
او ماشین‌آلات پلاستیک
او هم‌روزن‌رانی
ان *Extruder*

روزن‌ران پلاستیک

اع۱ روزن‌ران
اع۲ ماشین‌آلات
اع۱ ماشین‌آلات پلاستیک
اع۲ ماشین‌آلات
او قالب‌گیری روزن‌رانی
ان *Plastic extruder*

روزن‌رانی

اع۱ شکل‌دهی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
اخ۱ روزن‌رانی فلز
اخ۱ قالب‌گیری روزن‌رانی
اخ۱ هم‌روزن‌رانی
او پرس‌کاری(شکل‌دهی)
او روزن‌ران
او سوراخ‌کاری
او شکل‌دهی انرژی بالا
او غلتش
او کشش(شکل‌دهی)
او کشش‌رانی
ان *Extrusion*

روزن‌رانی فلز

اع۱ روزن‌رانی
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
اع۱ شکل‌دهی فلز
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
او آلیاژ
او روزن‌ران
او فلز
او مدل‌کشی فلزی
ان *Metal extrusion*

روزنه

اع۱ اجزا
او اندازه‌گیری شارش
او سیلان‌سنج
او مجرا
او نازل
ان *Orifice*

روزنه تهویه

اع۱ اجزا
او تهویه
او خروجی تهویه
او مجرای تهویه
او مخزن(بارگنج)
او نازل
او وسیله گازی
ان *Vent*

روستا

ب‌ک منطقه روستایی

روش همبستگی

اع۱ روش آماری
اع۲ فن ریاضی
اخ۱ همبستگی نوری
او آزمون آماری
او بهینه‌سازی
او کنترل کیفیت
او نظریه همبستگی
ان *Correlation method*

روش آماری

بچ *آمار ریاضی*
بچ *تحلیل آماری*
اع۱ فن ریاضی
اخ۱ آزمون آماری
اخ۱ تحلیل برگشتی
اخ۱ تحلیل سری‌های زمانی
اخ۱ روش همبستگی
اخ۲ همبستگی نوری
اخ۱ روش مونت‌کارلو
اخ۱ نظریه بازی
او احتمال
او آمار
او بررسی
او برنامه‌ریزی
او پیش‌بینی
او تحقیق در عملیات
او توزیع ویبول
او خطای اندازه‌گیری
او زمان‌بندی
او فرایند تصادفی
او قابلیت اطمینان
او کنترل فرایند آماری
او کنترل کیفیت
او مدیریت کیفیت جامع
او مکانیک آماری
او مولد عدد تصادفی
او نظریه اعتمادپذیری
او نظریه صف
او نظریه نابسامانی
او نظریه همبستگی
او نقشه‌برداری
او نمونه‌برداری
او نورشناسی آماری
ان *Statistical method*

روش اجزای محدود

بچ *تحلیل اجزای محدود*
اع۱ تحلیل عددی
اع۲ فن ریاضی
او ارزیابی تابع
او روش اجزای مرزی
او مساله مقدار مرزی
او معادله تفاضلی
او معادله دیفرانسیل
او نظریه تقریب
ان *Finite element method*

روش اجزای مرزی

اع۱ تحلیل عددی
اع۲ فن ریاضی
او روش اجزای محدود
او مساله مقدار مرزی
او معادله تفاضلی
او معادله دیفرانسیل
او نظریه تقریب
ان *Boundary element method*

روش پودری
ب‌ک پراش پودری پرتو ایکس

روش تابع گرین
ب‌ک تابع گرین

روش تفاضل متناهی

اع۱ تحلیل عددی
اع۲ فن ریاضی
او معادله تفاضلی
ان *Finite difference method*

روش تکراری

اع۱ تحلیل عددی
اع۲ فن ریاضی
ان *Iterative method*

روش حجمی متناهی

اع۱ فن ریاضی
او شارش سیال
ان *Finite volume method*

روش دال آماده
اع۱ ساخت
ان *Lift slab construction*

روش رهگشا
اع۱ فن ریاضی
او برنامه‌نویسی غیرمستدل
ان *Heuristic method*

روش عددی
اع۱ فن ریاضی
اخ۱ همگرایی روش‌های عددی
او تابع توصیفی
او تحلیل عددی
او مساله مقدار مرزی
او ویژه‌مقدار و ویژه‌تابع
ان *Numerical method*

روش فضای حالت
اع۱ فن ریاضی
او تحلیل سیستم کنترل
او تحلیل شبکه الکتریکی
او ترکیب سیستم کنترل
او سنتز شبکه الکتریکی
او کنترل‌پذیری
او مشاهده‌پذیری
ان *State space method*

روش فضای فاز
اع۱ فن ریاضی
او پاسخ بسامدی
او تحلیل سیستم کنترل
او ترکیب سیستم کنترل
او سیستم کنترل غیرخطی
ان *Phase space method*

روش گرافیکی
اخ۱ تهیه نقشه
اخ۲ تهیه نقشه نظامی
اخ۲ تهیه نقشه نوری
اخ۲ نگاشت همدیس
اخ۱ رسم(گرافیک)
او اشاعه اطلاعات
او چاپ
او صفحه گسترده
او عکاسی
او فرمول نگاشت
او نقشه
او نگاره‌سازی رایانه‌ای
او نمودار بد
او نمودار شمایی
او نمودار فازی
او نمودار ناوبری
او نمودار نایکوئیست
ان *Graphic method*

روش گشتاورها
ب‌ک برآورد

روش لیاپونف
او پایداری سیستم
ان *Lyapunov method*

روش محاسبه‌ای
اع۱ فن ریاضی
او دینامیک جریان محاسبه‌ای
او علم رایانه
ان *Computational method*

روش مونت‌کارلو
ب‌چ *شبیه‌سازی مونت کارلو*
اع۱ تحلیل عددی
اع۲ فن ریاضی
اع۱ روش آماری
اع۲ فن ریاضی
او احتمال
او تحقیق در عملیات
او فرایند تصادفی
ان *Monte Carlo method*

روشنایی
ب‌چ *نوررسانی*
اخ۱ روشنایی الکتریکی
اخ۲ روشنایی اضطراری
اخ۲ روشنایی الکتریکی فضای باز
اخ۲ شبیه‌سازی روشنایی روز
اخ۲ نورافکنی
اخ۱ روشنایی خیابان

اخ۲ روشنایی غیربرقی خیابان
اخ۱ نورپردازی طبیعی
او اجزای ساختمان
او آویز نورسان
او بهره‌برداری نیروی برق
او چشمه نور
او لامپ الکتریکی
او ماشین‌آلات
او مهندسی محیط
او نور
او نورسنجی
ان *Lighting*

روشنایی اضطراری

اع۱ روشنایی الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ روشنایی
او لامپ الکتریکی
ان *Emergency lighting*

روشنایی الکتریکی

ب‌چ *روشنایی صنعتی*
اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اع۱ روشنایی
اخ۱ روشنایی اضطراری
اخ۱ روشنایی الکتریکی فضای باز
اخ۱ شبیه‌سازی روشنایی روز
اخ۱ نورافکنی
او به‌کاربری گرمای بازمانده
او درخشش
او روشنایی خیابان
او لامپ الکتریکی
او مهندسی روشنایی
او مهندسی نوررسانی
ان *Electric lighting*

روشنایی الکتریکی فضای باز

اع۱ روشنایی الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ روشنایی
او روشنایی خیابان
او لامپ الکتریکی
ان *Outdoor electric lighting*

روشنایی حرارتی کاتدی

ب‌ک روشنایی کاتدی

روشنایی خیابان

ی‌د شامل روشنایی مصنوعی جاده‌ها و بزرگراه‌ها
اع۱ روشنایی
اخ۱ روشنایی غیربرقی خیابان
او برنامه‌ریزی شهری
او جاده و خیابان
او درخشش
او دیرک
او روشنایی الکتریکی
او روشنایی الکتریکی فضای باز
او سیستم بزرگراه
او لامپ فلورسانت
ان *Street lighting*

روشنایی صنعتی

ب‌ک روشنایی الکتریکی

روشنایی غیربرقی خیابان

اع۱ روشنایی خیابان
اع۲ روشنایی
ان *Nonelectric street lighting*

روشنایی کاتدی

ب‌چ *روشنایی حرارتی کاتدی*
ب‌چ *فسفرتابی کاتدی*
اع۱ اثر تابش
اع۲ اثر
اع۱ درخشایی
اع۲ گسیل نور
اع۳ گسیل موج الکترومغناطیسی
او کاتد
ان *Cathodoluminescence*

روغن خوراکی

ب‌ک روغن و چربی

روغن اسانسی

اع۱ روغن گیاهی
اع۲ روغن و چربی

اع۳ ترکیبات آلی
او رایحه
ان *Essential oil*

روغن پنبه‌دانه

اع۱ روغن گیاهی
اع۲ روغن و چربی
اع۳ ترکیبات آلی
او پنبه‌پاک‌کن
ان *Cottonseed oil*

روغن تال

بج *صمغ کاج مایع*
اع۱ مواد
او به‌کاربری پساب
ان *Tall oil*

روغن جلاء

اع۱ اندود آلی
اع۲ اندود
اع۳ مواد
او اندود افشانه‌ای
او اندود محافظ
او رنگ
او روغن خشکان
او لاک
او لعاب
او مواد عایق‌بندی الکتریکی
او یخ‌شیشه
ان *Varnish*

روغن خشکان

اع۱ روغن گیاهی
اع۲ روغن و چربی
اع۳ ترکیبات آلی
او حلال
او خشک‌کن(ماده)
او رنگ
او روغن جلاء
ان *Drying oil*

روغن روان‌سازی

اع۱ روان‌ساز
اع۲ مواد
او روغن و چربی
او فراورده نفتی
او گریس روان‌سازی
ان *Lubricating oil*

روغن‌زن

اع۱ تجهیزات
او روان‌ساز
او روان‌سازی
او مخزن پخش‌کن
ان *Lubricator*

روغن سوختی

بج *سوخت نفتی*
بج *نفت کوره*
اع۱ سوخت مایع
اع۲ سوخت
اع۳ مواد
اخ۱ سوخت باقیمانده
او آمیزه روغنی زغال‌سنگ
او دیگ بخار نفت‌سوز
او سوخت کوره
او صنعت نفت
او کوره نفتی
او مشعل نفت‌سوز
ان *Fuel oil*

روغن عایق

اع۱ مصالح عایق‌کاری مایع
اع۲ مواد عایق‌بندی الکتریکی
اع۳ مصالح عایق‌کاری
اع۱ هیدروکربن
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او عایق‌کاری مبدل الکتریکی
او فراورده نفتی
او کابل روغنی
او مبدل روغنی
او مدارشکن روغنی
ان *Insulating oil*

روغنکاری هیدرودینامیک کشسانی

اع۱ روان‌سازی
او هیدرودینامیک کشسانی
ان *Elastohydrodynamic lubrication*

روغن گیاهی

اع۱ روغن و چربی
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ روغن اسانسی
اخ۱ روغن پنبه‌دانه
اخ۱ روغن خشکان
او صمغ‌گیری
او فراورده غذایی
ان *Vegetable oil*

روغن معدنی

اع۱ فراورده نفتی
اع۲ مواد
ان *Mineral oil*

روغن و چربی

ی‌د فراورده حیوانی و گیاهی
ب‌ج *چربی خوراکی*
ب‌ج *روغن خوراکی*
اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ روغن گیاهی
اخ۲ روغن اسانسی
اخ۲ روغن پنبه‌دانه
اخ۲ روغن خشکان
او رفع بو
او روغن روان‌سازی
او لیپید
او مواد کمکی نساجی
او هیدروژن‌دهی
ان *Oil and fat*

روکار سیمانی

اع۱ مصالح ساختمانی
اع۲ مواد
او سیمان
او گچ
ان *Stucco*

روکش پیاده‌رو

اع۱ پیاده‌رو
اع۲ جاده و خیابان
اع۳ امکانات همگانی
او ترمیم
او نگهداشت
ان *Pavement overlay*

روکش دریچه

اع۱ تجهیزات کشتی
اع۲ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات آب‌پیما
اع۳ آب‌پیما
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ کشتی
اع۳ آب‌پیما
او دریچه
ان *Hatch cover*

روکش دیواره

او اندود
او تخته چندلا
او چندلای چوبی
او رخ‌پوش
او فراورده چوبی
ان *Veneers*

روکش‌سازی

ی‌د برای لاستیک چرخ
او ترمیم
او لاستیک چرخ
ان *Retreading*

روکش عایق الکتریکی

اع۱ اندود محافظ
اع۲ اندود
اع۳ مواد
اع۱ مواد عایق‌بندی الکتریکی
اع۲ مصالح عایق‌کاری
اع۳ مواد
ان *Electric insulating coating*

روکش فلز

اع۱ روکش‌کاری(پوشش)
اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت
اخ۱ روکش‌کاری آلومینیومی
او آلیاژ
او پرداخت فلز

او غلتش
او فلز روکش‌دار
او فلزپوشی
ان *Metal cladding*

روکش فلزی کاتدی
ب‌ک اتم‌پاشی

روکش‌کاری(پوشش)
اع۱ فن اندایش
اع۲ نهشت
اخ۱ پوشش سوخت هسته‌ای
اخ۱ روکش فلز
اخ۲ روکش‌کاری آلومینیومی
او آبکاری
او پیوندزنی
او سخت‌پوشی
او سیم
او فلزپوشی
او هم‌روزن‌رانی
او ورقه‌سازی
ان *Cladding (coating)*

روکش‌کاری آلومینیومی
اع۱ روکش فلز
اع۲ روکش‌کاری(پوشش)
اع۳ فن اندایش
او آلومینیوم
او مخزن نفت
ان *Aluminum cladding*

روکش لاستیکی
اع۱ اندود
اع۲ مواد
او فراورده لاستیکی
او لاستیک
ان *Rubber coating*

روگذر
ب‌ج *روگذر بزرگراه*
ب‌ج *روگذر راه‌آهن*
اع۱ امکانات همگانی
او تقاطع
او تقاطع راه‌آهن
او سیستم بزرگراه
او کارخانه و ساختمان تجهیزات راه‌آهن
ان *Overpass*

روگذر بزرگراه
ب‌ک روگذر

روگذر پیاده‌رو
ب‌ک پل پیاده‌رو

روگذر راه‌آهن
ب‌ک روگذر

رونتگن‌نگاری
ب‌ک پرتونگاری

روندنما
اع۱ تجزیه و تحلیل سیستم‌ها
او برنامه‌نویسی رایانه
او زبان برنامه‌نویسی رایانه
او مدل ریاضی
او واحد صنعتی
ان *Flowcharting*

روی
اع۱ فلز غیرآهنی
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اع۱ فلز واسطه
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او آلیاژ روی
او اندود روی
او پالایش روی
او ترکیبات روی
او تصفیه روی
او ذخیره روی
او عمل‌آوری کان‌سنگ روی
او فرایند ریخته‌گری روی
او فلزنگاری روی
او قراضه روی
او قطعه ریختگی روی
او گالوانیزه‌کاری
او معدن روی

ان *Zinc*

رویت‌سازی

اخ۱ رویت‌سازی شارش

ان *Visualization*

رویت‌سازی شارش

اع۱ رویت‌سازی

او تونل باد

او حباب(در سیال)

او شارش سیال

او هوامیز

ان *Flow visualization*

روی‌کار ساختمان

ب‌ک نمای ساختمان

روی‌گدازی

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ روی

اع۲ عمل‌آوری کان‌سنگ

اع۳ تولید

اع۱ گداز

اع۲ عمل‌آوری کان‌سنگ

اع۳ تولید

او متالورژی روی

ان *Zinc smelting*

رویه

او آزمایش سطح

او اندازه‌گیری پربندی

او اندازه‌گیری زبری

او اندازه‌گیری سطح رویه

او پدیده سطحی

او تفرق الکترونی کم‌انرژی

او سطح مشترک(مواد)

او هندسه

او ویژگی سطح

ان *Surface*

ریاضیات

ب‌ک فن ریاضی

ریاضیات ترکیبی

اع۱ فن ریاضی

اخ۱ نظریه گراف

اخ۲ درخت(ریاضیات)

او توپولوژی

او نظریه اطلاعات

او نظریه مجموعه‌ها

ان *Combinatorial mathematic*

ریبونوکلئیک اسید

ب‌ک آر.ان.آ.

ریتم آلفا

ب‌ک پتانسیل زیست‌الکتریک

ریخت‌شناسی

ی‌د مطالعه ساختار و شکل مواد

اع۱ علم مواد

او تعیین درشتی

ان *Morphology*

ریخت‌شناسی ریاضی

او فن ریاضی

ان *Mathematical morphology*

ریخته‌گری

ب‌ج *ریخته‌گری مواد*

اع۱ شکل‌دهی

اع۲ ساختن

اع۳ تولید

اخ۱ ریخته‌گری پلاستیک

اخ۱ ریخته‌گری فلز

اخ۲ ریخته‌گری با قالب دائم

اخ۳ ریخته‌گری فشاری

اخ۲ ریخته‌گری بسته

اخ۲ ریخته‌گری پیوسته

اخ۲ ریخته‌گری در قالب پوسته‌ای

اخ۲ ریخته‌گری دقیق

اخ۲ ریخته‌گری گرانی صفر

اخ۲ سرچکیده‌گیری داغ

اخ۲ فرایند سدیم سیلیکات

اخ۲ فرایند شاو

اخ۲ فرایند کربن دی‌اکسید

اخ۲ مذاب‌ریزی فشاری

اخ۱ ریخته‌گری مرکزگریز

اخ۱ ریسندگی مذاب

اخ۱ قالب‌گیری یکپارچه

او تخلیه فلز مذاب(کوره)
او جامدسازی سریع
او فرایند ریخته‌گری
او قالب‌گیری
او قطعه ریختگی فلزی
او مواد
او نمونه‌سازی
ان *Casting*

ریخته‌گری با قالب دائم

اع۱ ریخته‌گری فلز
اع۲ ریخته‌گری
اع۳ شکل‌دهی
اع۲ متالورژی
اخ۱ ریخته‌گری فشاری
اخ۲ ریخته‌گری فشاری در خلاء
او ریخته‌گری پیوسته
او ریخته‌گری مرکزگریز
ان *Permanent mold casting*

ریخته‌گری بدون محفظه

ب‌ک قالب‌گیری یکپارچه

ریخته‌گری بسته

اع۱ ریخته‌گری فلز
اع۲ ریخته‌گری
اع۳ شکل‌دهی
اع۲ متالورژی
او ریخته‌گری دقیق
او ریخته‌گری مرکزگریز
او فرایند ریخته‌گری
ان *Investment casting*

ریخته‌گری پلاستیک

اع۱ ریخته‌گری
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
اع۱ شکل‌دهی پلاستیک
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
او پلاستیک
او قالب‌گیری پلاستیک
او قطعه ریختگی مومسان
ان *Plastic casting*

ریخته‌گری پیوسته

اع۱ ریخته‌گری فلز
اع۲ ریخته‌گری
اع۳ شکل‌دهی
اع۲ متالورژی
او ریخته‌گری با قالب دائم
او فرایند ریخته‌گری
ان *Continuous casting*

ریخته‌گری چرخشی

ب‌ک قالب‌گیری چرخشی

ریخته‌گری در قالب پوسته‌ای

اع۱ ریخته‌گری فلز
اع۲ ریخته‌گری
اع۳ شکل‌دهی
اع۲ متالورژی
او ریخته‌گری مرکزگریز
او فرایند ریخته‌گری
ان *Shell mold casting*

ریخته‌گری دقیق

اع۱ ریخته‌گری فلزی
اع۲ ریخته‌گری
اع۳ شکل‌دهی
اع۲ متالورژی
او ریخته‌گری بسته
او فرایند ریخته‌گری
ان *Precision casting*

ریخته‌گری فشاری

اع۱ ریخته‌گری با قالب دائم
اع۲ ریخته‌گری فلز
اع۳ ریخته‌گری
اع۳ متالورژی
اخ۱ ریخته‌گری فشاری در خلاء
او قالب آهنگری
او قطعه ریختگی فشاری
او ماشین ریخته‌گری فشاری
ان *Die casting*

ریخته‌گری فشاری در خلاء

اع۱ ریخته‌گری فشاری
اع۲ ریخته‌گری با قالب دائم

اع۳ ریخته‌گری فلز
اع۱ کاربرد خلاء
اع۲ کاربرد
ان *Vacuum die casting*

ریخته‌گری فلز
ی‌د برای فرایند به کار برید. برای فراورده،اصطلاح "قطعه‌ریختگی فلزی" را به کار برید.
اع۱ ریخته‌گری
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
اع۱ متالورژی
اخ۱ ریخته‌گری با قالب دائم
اخ۲ ریخته‌گری فشاری
اخ۳ ریخته‌گری فشاری در خلاء
اخ۱ ریخته‌گری بسته
اخ۱ ریخته‌گری پیوسته
اخ۱ ریخته‌گری در قالب پوسته‌ای
اخ۱ ریخته‌گری دقیق
اخ۱ ریخته‌گری گرانی صفر
اخ۱ سرچکیده‌گیری داغ
اخ۱ فرایند سدیم سیلیکات
اخ۱ فرایند شاو
اخ۱ فرایند کربن دی‌اکسید
اخ۱ مذاب‌ریزی فشاری
او چدن ریخته‌گری
او فرایند ریخته‌گری
او قالب‌گیری فلز
او قالب‌گیری یکپارچه
او قطعه ریختگی آلومینیومی
او قطعه ریختگی فلزی
او کارگاه ریخته‌گری
ان *Metal casting*

ریخته‌گری گرانی صفر
اع۱ ریخته‌گری فلز
اع۲ ریخته‌گری
اع۳ شکل‌دهی
اع۲ متالورژی
او فرایند ریخته‌گری
ان *Zero gravity casting*

ریخته‌گری مرکزگریز
اع۱ ریخته‌گری
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
او ریخته‌گری با قالب دائم
او ریخته‌گری بسته
او ریخته‌گری در قالب پوسته‌ای
او فرایند ریخته‌گری
ان *Centrifugal casting*

ریخته‌گری مواد
ب‌ک ریخته‌گری

ریزامولسیون
اع۱ امولسیون
اع۲ پاشیدگی
ان *Microemulsion*

ریزبرنامه‌نویسی
اع۱ برنامه‌نویسی رایانه
او ریزرایانه
او معماری رایانه
ان *Microprogramming*

ریزپرداز
ب‌ک تراشه ریزپرداز

ریزترک
اع۱ ترک
اع۲ نقص
او آغاز ترک
ان *Microcrack*

ریزترک‌خوردگی
ب‌ک آغاز ترک

ریزرایانه
اع۱ رایانه رقمی
اع۲ رایانه
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اخ۱ رایانه شخصی
او ایستگاه‌کار رایانه
او تراشه ریزپرداز
او ترنسپیوتر
او خردرایانه
او ریزبرنامه‌نویسی
او ماشین حساب جیبی

ان *Microcomputer*

ریزساختار بلور

ب‌ج *ساختار دانه‌ای*
اع۱ خردساختار
اع۱ ساختار بلور
اع۲ ساختار(ترکیب)
او ابرشبکه
او بلور
او بلورنگاری
او تعادل فاز
او تک‌بلور
او ته‌نشینی(شیمیایی)
او شکست‌نگاری
او شکل و درشتی ذرات
او گذار فاز
او نقص بلور
ان *Crystal microstructure*

ریزساختار فلزنگاری

اع۱ خردساختار
او اوتکتیک
او بازبلورش(متالورژی)
او درونمانده
او فلزنگاری
ان *Metallographic microstructure*

ریزسختی
ب‌ک سختی

ریزسنج

ب‌ج *ریزسنجی*
اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او اندازه‌گیری زاویه
او اندازه‌گیری ضخامت
او اندازه‌گیری متغیر فضایی
او اندازه‌گیری مسافت
او تداخل‌سنجی
ان *Micrometer*

ریزسنج‌افزار

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات

ان *Miniature instrument*

ریزسنجی
ب‌ک ریزسنج

ریزش پرتوزا
ب‌ک غبار اتمی

ریزش گردابی

او برهم‌کنش ساختمان سیال
او شارش گردابی
ان *Vortex shedding*

ریزگردش

اع۱ مطالعه حرکت خون
او جریان مویین
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Microcirculation*

ریزماشین‌کاری

اع۱ ماشین‌کاری
ان *Micromachining*

ریزموج

اع۱ موج الکترومغناطیسی
اع۲ تابش
اع۲ موج
او ابزار ریزموج
او ابزار موج میلیمتری
او انتقال انرژی ریزموجی
او اندازه‌گیری ریزموجی
او تمام‌نگاری ریزموجی
او تولید ریزموج
او موج میلیمتری
ان *Microwave*

ریسک
ب‌ک خطرپذیری

ریسمان چندلا

اع۱ مواد
او مواد بسته‌بندی
او نخ
ان *Twine*

ریسندگی(الیاف)

اع۱ فراورش
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او الیاف
او الیاف نساجی
او رشته مومسان
او فرایند نساجی
او ماشین ریسندگی
او نخ
ان *Spinning (fibers)*

ریسندگی مذاب

اع۱ ریخته‌گری
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
او آبدهی
او جامدسازی سریع
او شیشه فلزی
ان *Melt spinning*

ریل

اع۱ تجهیزات
اخ۱ ریل جرثقیل
او مسیر راه‌آهن
ان *Rail*

ریل‌بند

اع۱ مسیر راه‌آهن
اع۲ کارخانه و ساختمان تجهیزات راه‌آهن
اع۳ تسهیلات
اع۳ راه‌آهن
ان *Railroad tie*

ریل جرثقیل

اع۱ جرثقیل دروازه‌ای
اع۲ جرثقیل
اع۳ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۱ ریل
اع۲ تجهیزات
ان *Crane rail*

ریل‌گذاری

او مسیر راه‌آهن
ان *Rail laying*

رئومتر

اع۱ سیلان‌سنج
اع۲ پیمانه
اع۳ سنج‌افزار
اع۲ سنج‌افزار اندازه‌گیری شارش
اع۳ سنج‌افزار
او سیال‌شناسی
ان *Rheometer*

زانویی خط‌لوله

اع۱ خط‌لوله
ان *Pipeline bend*

زاویه تماس

او ترشدگی
او کشش سطحی
او مکانیک‌سیالات
او مویینگی
ان *Contact angle*

زاویه‌سنج

ب‌ج *زاویه‌سنج رادیویی*
اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او بلورنگاری
او سیستم جهت‌یابی رادیویی
ان *Goniometer*

زاویه‌سنج رادیویی

ب‌ک زاویه‌سنج

زاویه فازسنج

ب‌ک فازسنج

زاویه‌یاب

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او سنج‌افزار کشتی
او سنج‌افزار هواگرد
او ناوبری
ان *Sextant*

زایگر گاز

اع۱ تجهیزات
او گازکردن زغال‌سنگ
او مولد گاز
او واحد صنعتی گازسازی از زغال‌سنگ
ان *Gas producer*

زایلوز

پ‌ج قند چوب
اع۱ آلدهید
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ قند
اع۲ کربوهیدرات
اع۳ ترکیبات آلی
او چوب
ان *Xylose*

زایمان‌پزشکی

اع۱ پزشکی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Obstetric*

زباله

اخ۱ پساب
اخ۱ پسمانده پرتوزا
اخ۱ پسمانده چوبی
اخ۲ خاک اره
اخ۱ پسمانده صنعتی
اخ۲ پسمانده
اخ۳ پسمانده زغال‌سنگ
اخ۳ پسمانده کان‌سنگ
اخ۲ پسمانده شیمیایی
اخ۲ خاکستر سبک
اخ۲ نسزباره
اخ۱ پسمانده کشاورزی
اخ۲ پوست میوه(پوشش دانه)
اخ۲ کاه
اخ۲ کود حیوانی
اخ۱ دوده
اخ۱ زباله فضایی
اخ۱ فاضلاب
اخ۲ لجن فاضلاب
اخ۱ کاغذ باطله
اخ۱ گاز خروجی
اخ۲ گاز دودکش
اخ۱ گرمای بازمانده
اخ۱ مواد خروجی
اخ۲ خروجی گازی
اخ۲ خروجی گرمایی
او بهسازی پسمانده
او به‌کاربری پسمانده
او جابه‌جایی خاکستر
او دفع پسمانده
او سوختن سوخت درجه پایین
ان *Waste*

زباله‌سوز

اع۱ سازه
اع۱ کوره
اع۲ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
او آسیاب
او خاکسترسازی زباله
ان *Refuse Incinerators*

زباله فضایی

اع۱ زباله
او سفر فضایی
او فضاپیما
ان *Space debris*

زبان جهت‌دار ماشینی

پ‌ج *زبان سطح پایین*
اع۱ زبان برنامه‌نویسی رایانه
ان *Machine oriented language*

زبان الگوریتمی

اع۱ زبان سطح بالا
اع۲ زبان برنامه‌نویسی رایانه
اع۱ زبان صوری
اخ۱ الگول(زبان برنامه نویسی)
او الگوریتم
او نظریه محاسبه
ان *Algorithmic language*

زبان بافت‌آزاد

اع۱ زبان صوری
او دستور زبان بافتآزاد
ان *Context free language*

زبان بافت‌حساس
اع۱ زبان صوری
او دستور زبان بافت‌حساس
ان *Context sensitive language*

زبان برنامه‌نویسی آدمک
ب‌ک زبان برنامه‌نویسی رایانه

زبان برنامه‌نویسی رایانه
ب‌چ *زبان برنامه‌نویسی آدمک*
ب‌چ *زبان رایانه‌ای*
اخ۱ اگزپت(زبان برنامه‌نویسی)
اخ۱ زبان جهت‌دار ماشینی
اخ۱ زبان توصیف سخت‌افزار رایانه
اخ۱ زبان سطح بالا
اخ۲ آ.پی.ال.(زبان برنامه‌نویسی)
اخ۲ پرولوگ(زبان برنامه‌نویسی)
اخ۲ پی.ال. وان.(زبان برنامه‌نویسی)
اخ۲ زبان الگوریتمی
اخ۳ الگول(زبان برنامه نویسی)
اخ۲ زبان رویه‌گرا
اخ۳ آدا(زبان برنامه‌نویسی رایانه‌ای)
اخ۳ بیسیک(زبان برنامه‌نویسی)
اخ۳ پاسکال(زبان برنامه‌نویسی)
اخ۳ فرترن(زبان برنامه‌نویسی)
اخ۲ زبان شبیه‌سازی رایانه
اخ۲ زبان مساله‌گرا
اخ۲ زبان‌های پردازش لیست
اخ۳ لیسپ(زبان برنامه‌نویسی)
اخ۲ سی(زبان برنامه‌نویسی)
اخ۲ فورث(زبان برنامه‌نویسی)
اخ۲ کوبول(زبان برنامه‌نویسی)
اخ۲ مودولا(زبان برنامه‌نویسی)
اخ۱ گزارش‌ساز
او الگوریتم
او روندنما
او زبان پرس و جو
او زبان صوری
او نظریه برنامه‌نویسی
ان *Computer programming language*

زبان پرس و جو
ب‌چ *زبان دستکاری داده‌ها*
ب‌چ *زبان نسل چهارم*
ب‌چ *زبان‌های بازیابی اطلاعات*
اع۱ سیستم پایگاه داده‌ها
او بازیابی اطلاعات
او زبان برنامه‌نویسی رایانه
او زبان صوری
او سیستم بازیابی اطلاعات
او سیستم پردازش زبان طبیعی
ان *Query language*

زبان توصیف سخت‌افزار رایانه
اع۱ زبان برنامه‌نویسی رایانه
او زبان سطح بالا
او زبان صوری
او سیستم خبره
او طراحی به کمک رایانه
ان *Computer hardware description language*

زبان دستکاری داده‌ها
ب‌ک زبان پرس و جو

زبان رایانه‌ای
ب‌ک زبان برنامه‌نویسی رایانه

زبان رویه‌گرا
اع۱ زبان سطح بالا
اع۲ زبان برنامه‌نویسی رایانه
اخ۱ آدا(زبان برنامه‌نویسی رایانه‌ای)
اخ۱ بیسیک(زبان برنامه‌نویسی)
اخ۱ پاسکال(زبان برنامه‌نویسی)
اخ۱ فرترن(زبان برنامه‌نویسی)
ان *Procedure oriented language*

زبان سطح بالا
اع۱ زبان برنامه‌نویسی رایانه
اخ۱ آ.پی.ال.(زبان برنامه‌نویسی)
اخ۱ پرولوگ(زبان برنامه‌نویسی)
اخ۱ پی.ال. وان.(زبان برنامه‌نویسی)
اخ۱ زبان الگوریتمی
اخ۲ الگول(زبان برنامه نویسی)
اخ۱ زبان رویه‌گرا

اخ۲ آدا(زبان برنامه‌نویسی رایانه‌ای)
اخ۲ بیسیک(زبان برنامه‌نویسی)
اخ۲ پاسکال(زبان برنامه‌نویسی)
اخ۲ فرترن(زبان برنامه‌نویسی)
اخ۱ زبان شبیه‌سازی رایانه
اخ۱ زبان مساله‌گرا
اخ۱ زبان‌های پردازش لیست
اخ۲ لیسپ(زبان برنامه‌نویسی)
اخ۱ سی(زبان برنامه‌نویسی)
اخ۱ فورث(زبان برنامه‌نویسی)
اخ۱ کوبول(زبان برنامه‌نویسی)
اخ۱ مودولا(زبان برنامه‌نویسی)
او زبان توصیف سخت‌افزار رایانه
ان *High level language*

زبان سطح پایین
ب‌ک زبان جهت‌دار ماشینی

زبان شبیه‌سازی رایانه
اع۱ زبان سطح بالا
اع۲ زبان برنامه‌نویسی رایانه
او شبیه‌سازی رایانه‌ای
ان *Computer simulation language*

زبان‌شناسی
اع۱ علم اطلاع‌رسانی
اخ۱ زبان‌شناسی رایانه‌ای
اخ۲ دستور زبان رایانه‌ای
اخ۳ دستور زبان بافت‌آزاد
اخ۳ دستور زبان بافت‌حساس
او گفتار
ان *Linguistics*

زبان‌شناسی رایانه‌ای
ب‌ج *زبان‌شناسی ریاضی*
اع۱ زبان‌شناسی
اع۲ علم اطلاع‌رسانی
اع۱ نظریه محاسبه
اع۲ نظریه
اخ۱ دستور زبان رایانه‌ای
اخ۲ دستور زبان بافت‌آزاد
اخ۲ دستور زبان بافت‌حساس
او زبان صوری
ان *Computational linguistics*

زبان‌شناسی ریاضی
ب‌ک زبان‌شناسی رایانه‌ای

زبان شی‌گرا
ب‌ک برنامه‌نویسی شی‌گرا

زبان صوری
اخ۱ زبان الگوریتمی
اخ۲ الگول(زبان برنامه نویسی)
اخ۱ زبان بافت‌آزاد
اخ۱ زبان بافت‌حساس
او زبان برنامه‌نویسی رایانه
او زبان پرس و جو
او زبان توصیف سخت‌افزار رایانه
او زبان‌شناسی رایانه‌ای
او منطق صوری
ان *Formal language*

زبان مساله‌گرا
اع۱ زبان سطح بالا
اع۲ زبان برنامه‌نویسی رایانه
ان *Problem oriented language*

زبان نسل چهارم
ب‌ک زبان پرس و جو

زبان‌های بازیابی اطلاعات
ب‌ک زبان پرس و جو

زبان‌های پردازش لیست
اع۱ زبان سطح بالا
اع۲ زبان برنامه‌نویسی رایانه
اخ۱ لیسپ(زبان برنامه‌نویسی)
او داده‌گردانی
ان *List processing languages*

زبرجد
اع۱ کانی سیلیکاتی
اع۲ سیلیکات
اع۳ ترکیبات سیلیسیم
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
او ماسه زیخته‌گری

ان *Olivine*

زبری

ب‌ک زبری سطح

زبری سطح

ب‌چ *زبری*

اع۱ ساختار سطحی

او اندازه‌گیری زبری

ان *Surface roughness*

زرادخانه

اع۱ تجهیزات نظامی

اع۲ تجهیزات

ان *Arsenal*

زراعت

ب‌چ *محصول زراعی*

اع۱ کشاورزی

اع۲ صنعت

ان *Agronomy*

زره

اع۱ ساز و برگ جنگی

اع۲ تجهیزات نظامی

اع۳ تجهیزات

او فلز صفحه‌ای

او فولاد

ان *Armor*

زغال چوب

اع۱ فراورده چوبی

اع۱ کربن

اع۲ نافلز

اع۳ عنصر شیمیایی

او جاذب سطحی

او سوخت

او سوخت چوبی

ان *Charcoal*

زغال‌دارشدگی

اع۱ واکنش شیمیایی

اخ۱ تقطیر تخریبی زغال‌سنگ

اخ۲ تقطیر تخریبی زغال در دمای پایین

اخ۱ کک‌سازی

او زغال‌زدایی

او کربن

ان *Carbonization*

زغال‌زدایی

اع۱ واکنش شیمیایی

او زغال‌دارشدگی

او کربن

ان *Decarbonization*

زغال‌سنگ

اع۱ سوخت فسیلی

اع۲ سوخت

اع۳ مواد

اع۲ منبع انرژی

اخ۱ آنتراسیت

اخ۱ زغال قیری

اخ۱ لیگنیت

او احتراق زغال‌سنگ

او احیای زغال‌سنگ

او آماده‌سازی زغال‌سنگ

او آمیزه آبی زغال‌سنگ

او آمیزه روغنی زغال‌سنگ

او پسمانده زغال‌سنگ

او تعیین گوگرد

او تقطیر تخریبی زغال‌سنگ

او توربین گازی زغال‌سنگ‌سوز

او جابه‌جایی زغال‌سنگ

او جستجوی زغال‌سنگ

او خاکستر زغال

او دوده

او ذخیره زغال‌سنگ

او ذخیره‌سازی زغال‌سنگ

او زمین‌شناسی

او سنگ‌نگاری

او سوخت کوره

او صنعت زغال‌سنگ

او فراورده جانبی زغال

او قطران زغال‌سنگ

او کربن

او کک

او کوره زغال‌سنگ‌سوز

او گاز زغال‌سنگ

او گازکردن زغال‌سنگ

او لجن زغالی
او معدن زغال‌سنگ
او میعان زغال‌سنگ
او هیدروژن‌دهی زغال سنگ
او ویژگی کک‌سازی
ان *Coal*

زغال‌سنگ چاق
ب‌ک زغال قیری

زغال‌سنگ قهوه‌ای
ب‌ک لیگنیت

زغال‌سنگ نارس
اع۱ سوخت فسیلی
اع۲ سوخت
اع۳ مواد
اع۲ منبع انرژی
او برنده زغال سنگ نارس
او خاک
ان *Peat*

زغال فعال‌شده
ب‌ک کربن فعال‌شده

زغال قالبی و قالب‌سازی
ب‌ک خشته
ب‌ک خشته‌سازی

زغال قیری
ب‌ج *زغال‌سنگ چاق*
اع۱ زغال‌سنگ
اع۲ سوخت فسیلی
اع۳ سوخت
اع۳ منبع انرژی
ان *Bituminous coal*

زلال‌ساز
اع۱ جداساز
اع۲ تجهیزات
او تصفیه‌خانه فاضلاب
او زلال‌سازی
ان *Clarifier*

زلال‌سازی
اع۱ جداسازی
اع۲ عملیات شیمیایی
او رسوب‌گذاری
او زلال‌ساز
او قندسازی
ان *Clarification*

زلزله
ب‌ج *زمین‌لرزه*
او آتشفشان
او اثر زلزله
او برهم‌کنش ساختار خاک
او دریالرزه‌موج
او زمین(سیاره)
او زمین‌ساخت
او زمین‌لغزه
او لرزه‌شناسی
او لرزه‌نگار
او مقاومت در برابر زلزله
او موج لرزه‌ای
ان *Earthquake*

زلزله‌شناسی
ب‌ک لرزه‌شناسی

زمان‌بندی
اع۱ مدیریت طرح
اع۲ مدیریت
او احتمال
او برنامه‌ریزی
او بهینه‌سازی
او پیش‌بینی
او تحقیق در عملیات
او تحلیل مسیر بحرانی
او تخصیص منابع
او روش آماری
او زمان تخلیه و بارگیری
او زمان‌بندی کار-استراحت
او مهندسی سیستم‌ها
او نظریه بازی
او نظریه تصمیم
ان *Scheduling*

زمان‌بندی کار-استراحت

ب‌ج *دور کاراستراحت*
او زمان‌بندی
او کارکنان
او مهندسی فاکتورهای انسانی
ان *Work-rest schedule*

زمان پاسخ(سیستم رایانه)
او سیستم رایانه‌ای
او عملکرد
ان *Response time (computer system)*

زمان تخلیه و بارگیری
او بارانداری
او بارگیری
او زمان‌بندی
او مدیریت
ان *Turnaround time*

زمان‌دهی مصالح
اع۱ سخت‌سازی زمانی
او افت
او عملیات حرارتی
او گذار فاز
او متالورژی
او محلول جامد
او هوازدگی
ان *Aging of materials*

زمان‌سنج
اع۱ ساعت مکانیکی
اع۲ ساعت
اع۳ ابزار زمان‌گیری
او اندازه‌گیری زمان
او ناوبری
ان *Chronometer*

زمان‌سنجی
ب‌ک مطالعه زمان و حرکت

زمان‌گیر
اع۱ ساعت مچی
اع۲ ابزار زمان‌گیری
اع۳ سنج‌افزار
او اندازه‌گیری زمان
ان *Stop watch*

زمان واکنش انسانی
او مهندسی فاکتورهای انسانی
ان *Human reaction time*

زمین(سیاره)
اع۱ منظومه شمسی
او آب‌شناسی
او اقیانوس‌شناسی
او اکتشاف منبع طبیعی
او جو زمین
او خاک
او زلزله
او زمین‌ساخت
او زمین‌شناسی
او زمین‌شیمی
او زمین‌فیزیک
او زمین‌مغناطیس
او سنگ‌شناسی
او صنعت معدنی
او علوم زمین
او کانی‌شناسی
او لرزه‌شناسی
او منبع آب
او منبع طبیعی
او منبع معدنی
ان *Earth (planet)*

زمین تنیس
اع۱ تسهیلات
او تسهیلات تفریحی
او تفریحگاه
ان *Tennis court*

زمین‌چهر
اع۱ آب‌سنگ
اع۱ آتشفشان
اع۱ باتلاق
اع۱ دریاکنار
اع۱ غار
او آب‌خیز
او چینه‌شناسی
او زمین‌ریخت‌شناسی
او زمین‌ساخت

او زمین‌شناسی
ان *Landform*

زمین‌ریخت‌شناسی

اع۱ زمین‌شناسی
اع۲ علوم زمین
اع۳ علوم طبیعی
او چینه‌شناسی
او زمین‌چهر
ان *Geomorphology*

زمین‌ساخت

ب‌ج *زمین‌شناسی ساختاری*
اع۱ زمین‌شناسی
اع۲ علوم زمین
اع۳ علوم طبیعی
او زلزله
او زمین(سیاره)
او زمین‌چهر
او زمین‌فیزیک
او سنگ
ان *Tectonics*

زمین‌سنجی

اع۱ زمین‌فیزیک
اع۲ فیزیک
اع۳ علوم طبیعی
او بررسی
او تهیه نقشه نوری
او فتوگرامتری
او ماهواره زمین‌سنجی
او نقشه‌برداری
ان *Geodesy*

زمین‌شناسی

اع۱ علوم زمین
اع۲ علوم طبیعی
اخ۱ چینه‌شناسی
اخ۱ رسوب‌شناسی
اخ۱ زمین‌ریخت‌شناسی
اخ۱ زمین‌ساخت
اخ۱ زمین‌شناسی زیردریایی
اخ۱ زمین‌شناسی کانسار
اخ۱ زمین‌شناسی مهندسی
اخ۱ زمین‌شناسی نظامی
اخ۱ زمین‌شناسی نفت
اخ۱ زمین‌شناسی یخچالی
اخ۱ زمین‌گاه‌شماری
اخ۱ سنگ‌شناسی
اخ۱ سنگ‌نگاری
اخ۱ صخره‌شناسی
او آب‌خیز
او آتشفشان
او انرژی زمین‌گرمایی
او بررسی زمین‌شناختی
او تهیه نقشه نوری
او خاک
او زغال‌سنگ
او زمین(سیاره)
او زمین‌چهر
او زمین‌فیزیک
او زیست‌نشانگر
او سنگ
او ماسه‌سختی
او مدل زمین‌شناختی
او مکانیک سنگ
او منبع طبیعی
او نمونه مغزه
او هوازدگی
ان *Geology*

زمین‌شناسی زیردریایی

اع۱ زمین‌شناسی
اع۲ علوم زمین
اع۳ علوم طبیعی
او اقیانوس‌شناسی
او زمین‌فیزیک زیردریایی
ان *Submarine geology*

زمین‌شناسی ساختاری
ب‌ک زمین‌ساخت

زمین‌شناسی کانسار

اع۱ زمین‌شناسی
اع۲ علوم زمین
اع۳ علوم طبیعی
ان *Ore deposit geology*

زمین‌شناسی مهندسی

اع۱ زمین‌شناسی

اع۲ علوم زمین
اع۳ علوم طبیعی
اع۱ مهندسی
او برهم‌کنش ساختار خاک
ان *Engineering geology*

زمین‌شناسی نظامی
اع۱ زمین‌شناسی
اع۲ علوم زمین
اع۳ علوم طبیعی
او عملیات نظامی
او مهندسی نظامی
ان *Military geology*

زمین‌شناسی نفت
اع۱ زمین‌شناسی
اع۲ علوم زمین
اع۳ علوم طبیعی
او اکتشاف نفت
او پژوهش نفتی
او ذخیره نفتی
او سنگ‌شناسی
او صنعت نفت
او نفت خام
او نگاربرداری صوتی
ان *Petroleum geology*

زمین‌شناسی یخچالی
اع۱ زمین‌شناسی
اع۲ علوم زمین
اع۳ علوم طبیعی
او یخچال طبیعی
ان *Glacial geology*

زمین‌شیمی
اع۱ شیمی
اع۲ علوم طبیعی
اخ۱ زمین‌شیمی آب زیرزمینی
اخ۱ زمین‌شیمی آب طبیعی
اخ۱ زمین‌شیمی اکتشافی
اخ۱ زمین‌شیمی تجزیه‌ای
او آب‌شناسی
او زمین(سیاره)
او زمین‌فیزیک
او سنگ آتشفشانی
او سنگ‌شناسی
او شیمی‌فیزیک
او کانی‌شناسی
ان *Geochemistry*

زمین‌شیمی آب زیرزمینی
اع۱ زمین‌شیمی
اع۲ شیمی
اع۳ علوم طبیعی
او آب زیرزمینی
او زمین‌شیمی آب طبیعی
ان *Groundwater geochemistry*

زمین‌شیمی آب سطحی
ب‌ک زمین‌شیمی آب طبیعی

زمین‌شیمی آب طبیعی
ب‌ج *زمین‌شیمی آب سطحی*
اع۱ زمین‌شیمی
اع۲ شیمی
اع۳ علوم طبیعی
او آب سطحی
او زمین‌شیمی آب زیرزمینی
ان *Natural water geochemistry*

زمین‌شیمی اکتشافی
اع۱ زمین‌شیمی
اع۲ شیمی
اع۳ علوم طبیعی
او اکتشاف منبع طبیعی
ان *Exploratory geochemistry*

زمین‌شیمی تجزیه‌ای
اع۱ تجزیه شیمیایی
اع۲ تجزیه و تحلیل
اع۱ زمین‌شیمی
اع۲ شیمی
اع۳ علوم طبیعی
ان *Analytical geochemistry*

زمین‌فیزیک
اع۱ فیزیک
اع۲ علوم طبیعی
اخ۱ زمین‌سنجی

اخ۱ زمین‌فیزیک زیردریایی
اخ۱ لرزه‌شناسی
او بررسی
او پرتو کیهانی
او پی‌جویی زمین‌فیزیکی
او زمین(سیاره)
او زمین‌ساخت
او زمین‌شناسی
او زمین‌شیمی
او زمین‌گاه‌شماری
او سنگ‌شناسی
او فتوگرامتری
او گرانی‌سنج
او نقشه‌برداری
ان *Geophysics*

زمین‌فیزیک زیردریایی
اع۱ زمین‌فیزیک
اع۲ فیزیک
اع۳ علوم طبیعی
او اقیانوس‌شناسی
او زمین‌شناسی زیردریایی
ان *Submarine geophysics*

زمین‌گاه‌شماری
اع۱ زمین‌شناسی
اع۲ علوم زمین
اع۳ علوم طبیعی
او زمین‌فیزیک
ان *Geochronology*

زمین‌لرزه
ب‌ک زلزله

زمین‌لغزه
او بهمن
او پیچ‌کردن سنگ
او خاک
او زلزله
او مایع‌شدگی خاک
او معدن‌کاری
ان *Landslide*

زمین‌مغناطیس
ب‌چ *مغناطیس زمین*
اع۱ مغناطیس
او زمین(سیاره)
او میدان مغناطیسی زمین
ان *Geomagnetism*

زنجیر
اع۱ اجزا
او چفت
او محرک مکانیکی
ان *Chain*

زنجیرکاری
ب‌ک محرک مکانیکی

زنجیر مارکوف
ب‌ک فرایند مارکوف

زندان
ب‌چ *ندامتگاه*
اع۱ تسهیلات
ان *Prison*

زندگی‌نامه
او تاریخ
او مهندس
ان *Biography*

زنش خمیر کاغذ
اع۱ ساختن خمیر کاغذ
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
ان *Pulp beating*

زنگ
اع۱ مولد صوتی
اع۲ تجهیزات صوتی
اع۳ تجهیزات
او آلات موسیقی
ان *Bell*

زنون
اع۱ گاز بی‌اثر
اع۲ گاز

اع۳ سیال
اع۲ نافلز
اع۳ عنصر شیمیایی
ان *Xenon*

زوال

اخ۱ تردی
اخ۲ هیدروژن‌تردی
اخ۱ فروپاشی
او افت
او تجزیه
او خوردگی
او دوام
ان *Deterioration*

زون ساحلی

ب‌ج *ساحل*
اع۱ منطقه جغرافیایی
او اقیانوس‌شناسی
او حفاظت ساحل
او مهندسی ساحل
ان *Coastal zone*

زه‌کشی

او آب‌ایستی
او آب‌زدایی
او آب‌گذر
او تاسیسات تلمبه‌زنی
او تونل‌سازی
او جاده و خیابان
او شارش سیال
او فاضلاب‌رو
او فاضلاب‌روی رگباری
او فاضلاب‌روی مختلط
ان *Drainage*

زیان سیل

او بیمه سیل
او سیل
ان *Flood damage*

زیربرنامه

ب‌ج *زیربرنامه رایانه‌ای*
ب‌ج *کتابخانه دستورالعمل*
اع۱ نرم‌افزار رایانه
او الگوریتم
او برنامه‌نویسی رایانه
او صورت برنامه رایانه
او ماکرو
ان *Subroutine*

زیربرنامه رایانه‌ای

ب‌ک زیربرنامه

زیردریایی

اع۱ کشتی
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
اخ۱ زیردریایی اقیانوس‌شناسی
او آب‌خاک‌پیما
او پیشرانش هسته‌ای
او خالص‌سازی هوا
او ذخیره اکسیژن
او شناور
او کشتی کمکی زیردریایی
او هواپالا
ان *Submarine*

زیردریایی اقیانوس‌شناسی

اع۱ تجهیزات اقیانوس‌شناسی
اع۲ تجهیزات
اع۱ زیردریایی
اع۲ کشتی
اع۳ آب‌پیما
او اقیانوس‌شناسی
ان *Oceanographic submarine*

زیرکن

ی‌د زیرکونیم سیلیکات
اع۱ ترکیبات زیرکونیم
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ کانی سیلیکاتی
اع۲ سیلیکات
اع۳ ترکیبات سیلیسیم
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
او ذخیره زیرکن

او کان‌سنگ
او گوهر
ان *Zircon*

زیرکونیا

بچ *اکسید زیرکونیم*
اع۱ اکسید
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات زیرکونیم
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
او زیرکونیای نسوز
ان *Zirconia*

زیرکونیای نسوز

اع۱ مواد نسوز
اع۲ مواد
او زیرکونیا
ان *Zirconia refractory*

زیرکونیم

اع۱ فلز غیرآهنی
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اع۱ فلز واسطه
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او آلیاژ زیرکونیم
او ترکیبات زیرکونیم
او ذخیره زیرکن
او زیرکونیم اسفنجی
او عمل‌آوری کان‌سنگ زیرکونیم
او فلزنگاری زیرکونیم
او متالورژی پودر زیرکونیم
او متالورژی زیرکونیم
ان *Zirconium*

زیرکونیم اسفنجی

اع۱ مواد متخلخل
اع۲ مواد
او زیرکونیم
ان *Zirconium sponge*

زیرگذر

بچ *زیرگذر بزرگراه*
بچ *زیرگذر راه‌آهن*
اع۱ امکانات همگانی
او تقاطع راه‌آهن
او تونل وسیله نقلیه
او سیستم بزرگراه
او کارخانه و ساختمان تجهیزات راه‌آهن
ان *Underpass*

زیرگذر بزرگراه

ب‌ک زیرگذر

زیرگذر راه‌آهن

ب‌ک زیرگذر

زیست‌آمایی

اع۱ سنتز(شیمیایی)
اع۲ واکنش شیمیایی
او تبدیل زیستی
او زیست‌فناوری
او نورساخت
ان *Biosynthesis*

زیستارشناسی

اع۱ سیبرنتیک
اع۲ علم سیستم‌ها
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Bionics*

زیست‌الکتریکی

ب‌ک پدیده زیست‌الکتریک

زیست‌بسپار

اع۱ بسپار طبیعی
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
اع۱ مواد زیست‌شناختی
اع۲ مواد
اخ۱ اسید هسته‌ای
اخ۲ آر.ان.آ.
اخ۲ دی.ان.آ.
اخ۱ پروتئین
اخ۲ آنزیم

اخ۳ کوآنزیم
اخ۲ اینترفرون
اخ۲ پادتن
اخ۳ پادتن تک‌دودمانی
اخ۲ زئین
اخ۲ کازئین
اخ۲ کولاژن
اخ۲ هموگلوبین
اخ۱ هورمون
اخ۲ انسولین
ان *Biopolymer*

زیست‌توده

اع۱ منبع تجدیدشدنی انرژی
اع۲ منبع انرژی
اع۱ مواد
او تبدیل زیستی
او چوب
او سلولز
او سوخت چوبی
او گیاه
او لیگنین
ان *Biomass*

زیست‌حس‌گر

اع۱ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۲ تجهیزات
اع۱ حس‌گر
اع۲ آشکارساز
اع۳ سنج‌افزار
اخ۱ الکترود میکروبی
اخ۱ حس‌گر آنزیم
اخ۱ حس‌گر ایمنی
اخ۱ حس‌گر داروی یونی
اخ۱ حس‌گر گلوکز
اخ۱ حس‌گر نوک کاتتر
او اکسیژن‌سنج
او الکترود میکروبی
او حس‌گر اکسیژن
او حس‌گر اکسیژن حل‌شده
او خردالکترود
او زیست‌فناوری
ان *Biosensor*

زیست‌خمیرسازی

اع۱ ساختن خمیر کاغذ
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او زیست‌فناوری
ان *Biopulping*

زیست‌شناسی

اع۱ علوم طبیعی
اخ۱ ایمنی‌شناسی
اخ۱ زیست‌شناسی دریایی
اخ۱ زیست‌شیمی
اخ۱ فیزیک‌درمانی
اخ۲ فیزیک‌درمانی اعصاب
اخ۲ فیزیک‌درمانی الکتریکی
اخ۲ فیزیک‌درمانی روانی
اخ۱ میکروب‌شناسی
اخ۲ باکتری‌شناسی
اخ۳ باکتری‌شناسی آب
اخ۳ باکتری‌شناسی فاضلاب
اخ۱ یاخته‌شناسی
او بوم‌شناسی
او بینایی
او پدیده زیست‌الکتریک
او جنبش‌شناسی رشد
او زیست‌فناوری
او سازگاری زیستی
او کنترل زیستی
او گیاه
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Biology*

زیست‌شناسی دریایی

اع۱ زیست‌شناسی
اع۲ علوم طبیعی
او اقیانوس‌شناسی
او آلودگی دریایی
او آلودگی گرمایی
او جلبک
او شیلات
او موجودات دریایی چوب‌خوار
ان *Marine biology*

زیست‌شیمی

اع۱ زیست‌شناسی
اع۲ علوم طبیعی

اع۱ شیمی
اع۲ علوم طبیعی
او آهکی‌شدن(زیست‌شیمی)
او تبدیل زیستی
او تجزیه گازهای خون
او توالی اسید هسته‌ای
او توالی دی.ان.آ.
او جهش‌زا
او زیست‌نشانگر
او سوخت و ساز
او شوره‌سازی
او فساد زیستی
او مایعات بدن
او مهندسی بیوشیمی
ان *Biochemistry*

زیست‌فناوری

ب‌ج *بیوتکنولوژی*
اع۱ فناوری
اخ۱ مهندسی ژنتیک
اخ۲ هم‌گروه‌سازی
او بی‌جنبش‌سازی آنزیم
او پادتن تک‌دودمانی
او تبدیل زیستی
او تخمیر
او زیست واکنشگاه
او زیست‌آمایی
او زیست‌حس‌گر
او زیست‌خمیرسازی
او زیست‌شناسی
او شوره‌سازی
او فساد زیستی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Biotechnology*

زیستگاه اقیانوس

اع۱ ساختار اقیانوس
اع۲ سازه نزدیک ساحل
اع۳ سازه
او اقیانوس‌شناسی
او مهندسی اقیانوس
ان *Ocean habitat*

زیست‌لایه

اع۱ فیلم
اع۲ مواد
ان *Biofilm*

زیست‌مکانیک

اع۱ مکانیک
اخ۱ جویدن
اخ۱ حرکت با دوپا
اخ۲ تحلیل گام
اخ۱ مکانیک تنفسی
او انسان‌سنجی
او پزشکی ورزشی
او دستگاه عضلانی‌اسکلتی
او عضله
او کالبدشکافی
او مفصل(تشریح)
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Biomechanics*

زیست‌نشانگر

ب‌ج *شاخص زیستی*
او زمین‌شناسی
او زیست‌شیمی
ان *Biomarker*

زیست واکنشگاه

اع۱ واکنشگاه شیمیایی
اع۲ تجهیزات شیمیایی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ ایستاشیمی
اخ۱ ظرف تخمیر
او زیست‌فناوری
ان *Bioreactor*

زئولیت

اع۱ ترکیبات آلومینیوم
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ سیلیکات
اع۲ ترکیبات سیلیسیم
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او تبادلگر یونی
او جاذب سطحی
ان *Zeolite*

زئین
اع۱ پروتئین
اع۲ زیست‌بسپار
اع۳ بسپار طبیعی
اع۳ مواد زیست‌شناختی
او الیاف
ان *Zein*

ژرفاسنجی
ب‌ج *اندازه‌گیری عمق(اقیانوس)*
اع۱ اندازه‌گیری
او اقیانوس‌شناسی
ان *Bathymetry*

ژرمانیم
اع۱ شبه فلز
اع۲ نافلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اخ۱ ژرمانیم نیم‌رسانا
او آلیاژ ژرمانیم
او ترکیبات ژرمانیم
او ذخیره ژرمانیم
او فلز
او فلزکاری ژرمانیم
او فلزنگاری ژرمانیم
ان *Germanium*

ژرمانیم نیم‌رسانا
اع۱ ژرمانیم
اع۲ شبه فلز
اع۳ نافلز
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
ان *Semiconducting germanium*

ژل
اع۱ کلوئید
اع۲ پاشیدگی
اخ۱ سیلیکاژل
او درشت‌ملکول
او ژله‌شدن
ان *Gel*

ژلاتین آبی
اع۱ کلوئید
اع۲ پاشیدگی
او گرانروی
ان *Hydrogel*

ژله‌شدن
اع۱ عملیات شیمیایی
او ژل
او کلوئید
ان *Gelation*

ژن
اع۱ کروموزوم
اع۲ یاخته
اع۳ مواد زیست‌شناختی
او دی.ان.آ.
ان *Gene*

ژیپس
اع۱ کانی سولفاتی
اع۲ ترکیبات گوگرد
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
او کارخانه ژیپس
او گچ
ان *Gypsum*

ژیراتور
اع۱ شبکه(مدار)
او ابزار فریتی
او انتقال‌دهنده فاز
او تحلیل شبکه الکتریکی
او موجبر
ان *Gyrator*

ژیروسکپ
اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
اخ۱ چرخش‌نمای هسته‌ای
او سنج‌افزار هواگرد
او لیزر حلقوی
او ناوبری

ان *Gyroscope*

ژیروی لیزری

ب‌ک لیزر حلقوی

ساچمه‌زنی

ب‌ج کوبش

اع۱ تکمیل

اع۲ فراورش

اع۳ ساختن

او تمیزکاری فلز

ان *Shot peening*

ساحل

ب‌ک زون ساحلی

ساخت

اخ۱ پیش‌تنیدگی

اخ۱ روش دال آماده

اخ۱ ساختار راه

اخ۱ ساخت بنایی

اخ۲ ساخت آجری

اخ۲ ساخت بتنی

اخ۳ بتن‌پاشی

اخ۳ بتن‌ریزی

اخ۳ بتن‌سازی

اخ۳ قالب‌زنی لغزنده

اخ۳ لرزش بتن

اخ۱ ساخت پیمانه‌ای

اخ۱ ساخت چوبی

اخ۱ ساخت زیرآبی

اخ۱ ساختمان فولادی

اخ۱ سازه پیش‌ساخته

اخ۱ شمع‌کوبی

اخ۱ کشتی‌سازی

او انفجار

او بررسی

او تجهیزات ساخت

او تکان ساختمان

او تونل‌سازی

او ساخت(تولید)

او ساختمان

او سازه لانه‌زنبوری

او صنعت ساخت

او طرح حوضه رودخانه

او گودبرداری

او معماری

او نقشه‌برداری

ان *Construction*

ساخت(تولید)

اع۱ ساختن

اع۲ تولید

اخ۱ ساخت تار نوری

او ساخت

او همگذاری

ان *Fabrication*

ساخت آجری

اع۱ ساخت بنایی

اع۲ ساخت

او آجر

ان *Brick construction*

ساختار(ترکیب)

ب‌ج *ساختمان شیمیایی*

اخ۱ ساختار بلور

اخ۲ تقارن بلور

اخ۲ جهت بلور

اخ۲ ریزساختار بلور

اخ۲ ساختار اتمی بلور

اخ۲ شبکه بلور

اخ۳ ابرشبکه

اخ۱ ساختار مولکولی

اخ۱ ساختمان الکترونی

ان *Structure (composition)*

ساختار ابزار حالت جامد

اخ۱ ساختار ابزار نیم‌رسانا

او ابزار حالت جامد

ان *Solid state device structure*

ساختار ابزار نیم‌رسانا

اع۱ ساختار ابزار حالت جامد

او ابزار ام.آی.اس.

او ابزار نیم‌رسانا

او مرز فلزی نیم‌رسانا

ان *Semiconductor device structure*

ساختار اتمی بلور

اع۱ ساختار بلور
اع۲ ساختار(ترکیب)
او ابرشبکه
او ارتعاش شبکه
او بلور
او بلورنگاری
او ثابت شبکه
او جامد
او ساختمان الکترونی
او میکروسکپی نیروی اتمی
ان *Crystal atomic structure*

ساختار اقیانوس

اع۱ سازه نزدیک ساحل
اع۲ سازه
اخ۱ زیستگاه اقیانوس
اخ۱ سکوی تولید
او حفاظت ساحل
او سازه زیرآبی
او مهندسی اقیانوس
ان *Ocean structure*

ساختار بلور

اع۱ ساختار(ترکیب)
اخ۱ تقارن بلور
اخ۱ جهت بلور
اخ۱ ریزساختار بلور
اخ۱ ساختار اتمی بلور
اخ۱ شبکه بلور
اخ۲ ابرشبکه
اخ۳ ابرشبکه فلزی
اخ۳ ابرشبکه نیم‌رسانا
او بلور
او بلورنگاری
او بلورنگاری پرتو ایکس
او پیوند شیمیایی
او چندبلور
او دوقلوزایی
او رشد بلور
او نقص بلور
ان *Crystal structure*

ساختار جوی

ی‌د برای ساختار جو زمین یا برون‌زمینی به کار برید.
او ترکیب جوی
او جو برون زمینی
او جو زمین
او هواشناسی
ان *Atmospheric structure*

ساختار داده‌ها

پ‌ج *ساختمان داده‌ها*
پ‌ج *مدل داده‌ها*
اع۱ سازمان فایل
او داده‌توصیفی
او سیستم پایگاه داده‌ها
او سیستم پایگاه داده‌های مرتبط
ان *Data structure*

ساختار دانه‌ای

ب‌ک ریزساختار بلور

ساختار راه

پ‌ج *راه‌سازی*
اع۱ ساخت
او بررسی خاک
او پیاده‌رو
او جاده بتنی
او جاده و خیابان
او خاکریز
او دیوار نگهدارنده
او سیستم بزرگراه
او ماشین‌آلات راه‌سازی
ان *Road construction*

ساختار سطحی

اخ۱ زبری سطح
او پدیده سطحی
او تفرق الکترونی کم‌انرژی
او میکروسکپی نیروی اتمی
او میکروسکوپی تونل‌زنی روبشگری
ان *Surface structure*

ساختارشناسی منیزیم

اع۱ فلزنگاری
اع۱ منیزیم
اع۲ فلز قلیایی خاکی
اع۳ فلز غیرآهنی

او متالورژی منیزیم
او منیزیم
ان *Magnesium metallography*

ساختار فولاد جوشکاری‌شده

اع۱ سازه فولادی
اع۲ سازه
او جوش
او جوشکاری
ان *Welded steel structure*

ساختار مواد

ب‌ک ترکیب(نسبت اجزای سازنده)

ساختار مولکولی

اع۱ ساختار(ترکیب)
او پیوند شیمیایی
او پیوند هیدروژنی
او خردساختار
او ساختمان الکترونی
او شبکه بسپاری درهم
او مولکول
او همپارش
ان *Molecular structure*

ساختار ناهمگون

ب‌ک پیوندگاه ناهمگون

ساختار نواری

ب‌ج *نوار انرژی*
اع۱ تراز انرژی الکترونی
اخ۱ شکاف انرژی
او الکترون
او جامد
او چگالی الکترونی حالت
او سطح فرمی
او مواد نیم‌رسانا
ان *Band structure*

ساخت بتنی

ب‌ج *سازه بتنی*
اع۱ ساخت بنایی
اع۲ ساخت
اع۱ صنعت بتن
اع۲ صنعت
اخ۱ بتن‌پاشی
اخ۱ بتن‌ریزی
اخ۱ بتن‌سازی
اخ۱ قالب‌زنی لغزنده
اخ۱ لرزش بتن
او بام پوشیده‌شده با بتن
او بتن
او بتن‌ساز
او بلوک بتنی
او پل بتنی
او تیر و شاه‌تیر بتنی
او جاده بتنی
او حصار بتنی
او دال بتنی
او ساختمان بتنی
او سد بتنی
او قالب(بتنی)
او مخزن بتنی
او مهاربند(ساخت بتنی)
ان *Concrete construction*

ساخت بنایی

اع۱ ساخت
اخ۱ ساخت آجری
اخ۱ ساخت بتنی
اخ۲ بتن‌پاشی
اخ۲ بتن‌ریزی
اخ۲ بتن‌سازی
اخ۲ قالب‌زنی لغزنده
اخ۲ لرزش بتن
او پل بنایی
او مصالح بنایی
ان *Masonry construction*

ساخت پیمانه‌ای

ب‌ج *ساخت مدولی*
اع۱ ساخت
ان *Modular construction*

ساخت تار نوری

اع۱ ساخت(تولید)
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او تار نوری

ان *Optical fiber fabrication*

ساخت چوبی

اع۱ ساخت
او اتصال چسبنده
او بارگنج چوبی
او پل چوبی
او تیر و شاه‌تیر چوبی
او چوب
او حصار چوبی
او ساختمان چوبی
او کف چوبی
ان *Wooden construction*

ساخت زیرآبی

اع۱ ساخت
او انفجار زیرآبی
او برش زیرآبی
او تجهیزات زیرآبی
او سازه زیرآبی
او صندوق زیرآبی
او مهندسی اقیانوس
ان *Underwater construction*

ساخت شبکه غیرخطی

اع۱ سنتز شبکه الکتریکی
اع۲ نظریه مدار
اع۳ نظریه
او تجزیه و تحلیل شبکه غیرخطی
او شبکه غیرخطی
ان *Nonlinear network synthesis*

ساخت کاغذ و خمیر چوب

اع۱ واحد صنعتی
او کاغذ
ان *Paper and pulp mill*

ساخت لانه‌زنبوری

ب‌ک سازه لانه‌زنبوری

ساختمان

اع۱ سازه
اخ۱ اجزای ساختمان
اخ۲ پله
اخ۲ پنجره
اخ۲ توری پنجره
اخ۲ در
اخ۳ دستگیره در
اخ۲ درونی(ساختمان)
اخ۲ دودکش
اخ۳ پوشش دودکش
اخ۳ دودکش کوره
اخ۲ دیوار(بخش سازه‌ای)
اخ۳ دیوار برشی
اخ۲ دیوارک(ساختمان)
اخ۲ رخ‌پوش
اخ۲ سایبان آفتابی
اخ۲ سقف
اخ۲ سیستم هشدار ساختمان
اخ۲ سیم‌کشی ساختمان
اخ۲ نمای ساختمان
اخ۱ ایستگاه آتش‌نشانی
اخ۱ ایستگاه سوخت‌گیری
اخ۱ بیمارستان
اخ۲ اتاق فوریت‌ها
اخ۲ اتاق عمل
اخ۲ بخش مراقبت ویژه
اخ۱ ساختمان آموزشگاهی
اخ۲ ساختمان دانشکده
اخ۱ ساختمان آجری
اخ۱ ساختمان اداری
اخ۱ ساختمان بتنی
اخ۱ ساختمان بلند
اخ۱ ساختمان چوبی
اخ۱ ساختمان خورشیدی
اخ۲ ساختمان خورشیدی خودکنش
اخ۲ ساختمان خورشیدی کنش‌پذیر
اخ۱ ساختمان زیرزمینی
اخ۱ ساختمان شمالگان
اخ۱ ساختمان فرودگاهی
اخ۲ آشیانه هواپیما
اخ۲ برج مراقبت
اخ۱ ساختمان فروشگاهی
اخ۱ ساختمان کشاورزی
اخ۲ انبار غله(کشاورزی)
اخ۱ ساختمان گرمسیری
اخ۱ ساختمان مذهبی
اخ۱ ساختمان نمایشگاه
اخ۱ ساختمان هوشمند
اخ۱ فانوس دریایی

اخ۱ مسکن
اخ۲ خانه
اخ۳ خانه سیار
اخ۲ کاشانه
اخ۲ متل
اخ۲ هتل
او اثر تندباد
او بار(نیرو)
او پی‌بندی
او تخریب
او تسهیلات
او تکان ساختمان
او تنش باد
او ساخت
او ساختمان مدل
او صوت‌شناسی ساختمانی
او طراحی سازه
او کنترل آب‌وهوا
او گزینش محل
او مصالح ساختمانی
او معماری
او مقاومت در برابر تندباد
او نشین سازه
او نوسازی
او واحد صنعتی
ان *Building*

ساختمان آموزشگاهی
اع۱ ساختمان
اع۲ سازه
اخ۱ ساختمان دانشکده
ان *School building*

ساختمان آجری
اع۱ ساختمان
اع۲ سازه
او آجر
ان *Brick building*

ساختمان اپرا
اع۱ تسهیلات
او تالار سخنرانی
او صحنه
او نمایش‌سرا(قانونی)
ان *Opera house*

ساختمان اداری
اع۱ ساختمان
اع۲ سازه
او ساختمان هوشمند
ان *Office building*

ساختمان الکترونی
اع۱ ساختار(ترکیب)
او الکترون
او تراز انرژی الکترونی
او ساختار اتمی بلور
او ساختار مولکولی
ان *Electronic structure*

ساختمان بتنی
اع۱ ساختمان
اع۲ سازه
او ساخت بتنی
ان *Concrete building*

ساختمان بلند
ب‌ج *آسمان‌خراش*
اع۱ ساختمان
اع۲ سازه
ان *Tall building*

ساختمان پیش‌ساخته
ب‌ک سازه پیش‌ساخته

ساختمان چوبی
اع۱ ساختمان
اع۲ سازه
او ساخت چوبی
ان *Wooden building*

ساختمان خورشیدی
اع۱ ساختمان
اع۲ سازه
اخ۱ ساختمان خورشیدی خودکنش
اخ۱ ساختمان خورشیدی کنش‌پذیر
ان *Solar building*

ساختمان خورشیدی خودکنش
اع۱ ساختمان خورشیدی

اع۲ ساختمان
اع۳ سازه
ان *Active solar building*

ساختمان خورشیدی کنش‌پذیر
اع۱ ساختمان خورشیدی
اع۲ ساختمان
اع۳ سازه
ان *Passive solar building*

ساختمان داده‌ها
ب‌ک ساختار داده‌ها

ساختمان دانشکده
ب‌ج *ساختمان دانشگاهی*
اع۱ ساختمان آموزشگاهی
اع۲ ساختمان
اع۳ سازه
ان *College building*

ساختمان دانشگاهی
ب‌ک ساختمان دانشکده

ساختمان زیرزمینی
اع۱ ساختمان
اع۲ سازه
اع۱ سازه زیرزمینی
اع۲ سازه
او انتقال گرمای زیرزمینی
او اندازه‌گیری دمای زیر زمین
او تجهیزات زیرزمینی
ان *Underground building*

ساختمان شمالگان
ب‌ج *ساختمان منطقه سرد*
اع۱ ساختمان
اع۲ سازه
او اثر سردی
او سازه زیر برف
او کنترل آب‌وهوا
او مهندسی شمالگان
ان *Arctic building*

ساختمان شیمیایی
ب‌ک ساختار(ترکیب)

ساختمان فرودگاهی
اع۱ ساختمان
اع۲ سازه
اع۱ فرودگاه
اع۲ تسهیلات
اخ۱ آشیانه هواپیما
اخ۱ برج مراقبت
ان *Airport building*

ساختمان فروشگاهی
اع۱ ساختمان
اع۲ سازه
او فروشگاه خرده‌فروشی
او مرکز خرید
ان *Store building*

ساختمان فولادی
اع۱ ساخت
او پل فولادی
او تیر و شاه‌تیر فولادی
او سازه فولادی
او فولاد
ان *Steel construction*

ساختمان کشاورزی
اع۱ ساختمان
اع۲ سازه
اع۱ مزرعه
اخ۱ انبار غله(کشاورزی)
او کارخانه لبنیات‌سازی
او گلخانه
ان *Farm building*

ساختمان گرمسیری
اع۱ ساختمان
اع۲ سازه
او استوا
او تهویه مطبوع
او کنترل آب‌وهوا
او مساله آب‌وهوای گرم
او مهندسی گرمسیری
ان *Tropical building*

ساختمان مدل

اع۱ مدل
او ساختمان
او معماری
ان *Model building*

ساختمان مذهبی

ی‌د شامل همه ساختمان‌هایی که برای عبادت عمومی طراحی شده‌اند.
اع۱ ساختمان
اع۲ سازه
ان *Religious building*

ساختمان منطقه سرد

ب‌ک ساختمان شمالگان

ساختمان نمایشگاه

ی‌د ساختمان‌هایی برای برپایی نمایشگاه
اع۱ ساختمان
اع۲ سازه
او نمایشگاه
ان *Exhibition building*

ساختمان هوشمند

اع۱ ساختمان
اع۲ سازه
او خودکارسازی
او ساختمان اداری
او کاربرد رایانه
او کاشانه
او مدیریت انرژی
او مسکن
ان *Intelligent building*

ساخت مدولی

ب‌ک ساخت پیمانه‌ای

ساختن

اع۱ تولید
اخ۱ آجرپزی
اخ۱ تولید به کمک رایانه
اخ۱ تولید فرش
اخ۱ تولید لباس
اخ۲ تولید جوراب
اخ۱ تولید مجتمع به وسیله رایانه
اخ۱ تهیه فیلم
اخ۱ ساخت(تولید)
اخ۲ ساخت تار نوری
اخ۱ ساختن اسباب‌بازی
اخ۱ ساختن تجهیزات الکترونیکی
اخ۲ بسته‌بندی الکترونیکی
اخ۲ تولید دستگاه الکترونی
اخ۳ تولید ابزار نیم‌رسانا
اخ۳ تولید لامپ الکترونی
اخ۳ تولید مدارمجتمع
اخ۲ تولید مدار چاپی
اخ۲ فناوری نصب سطحی
اخ۱ ساختن جواهرآلات
اخ۱ ساختن چرخ‌دنده
اخ۱ ساختن خمیر کاغذ
اخ۲ پالایش خمیر کاغذ
اخ۲ پخت خمیر کاغذ
اخ۲ زنش خمیر کاغذ
اخ۲ زیست‌خمیرسازی
اخ۲ فرایند ترمومکانیکی خمیرسازی
اخ۲ فرایند سولفیت
اخ۲ فرایند کرافت
اخ۱ ساختن خودرو
اخ۲ ساختن موتور خودرو
اخ۱ ساختن سوخت گازی
اخ۲ تولید گاز زیرزمینی
اخ۲ تولید گاز سنتز
اخ۱ ساختن سیگار
اخ۱ ساختن سیمان
اخ۱ ساختن کفش
اخ۱ ساختن کک
اخ۱ ساختن هواگرد
اخ۲ تولید موتور هواگرد
اخ۱ شکل‌دهی
اخ۲ پرس‌کاری(شکل‌دهی)
اخ۳ پرس‌کاری آب‌ایستایی
اخ۳ پرس‌کاری داغ
اخ۳ پرس‌کاری فلز
اخ۲ پیش‌شکل‌دهی
اخ۲ تاب‌گیری
اخ۲ خمش(شکل‌دهی)
اخ۲ روزن‌رانی
اخ۳ روزن‌رانی فلز
اخ۳ قالب‌گیری روزن‌رانی
اخ۳ هم‌روزن‌رانی

اخ۲ ریخته‌گری
اخ۳ ریخته‌گری پلاستیک
اخ۳ ریخته‌گری فلز
اخ۳ ریخته‌گری مرکزگریز
اخ۳ ریسندگی مذاب
اخ۳ قالب‌گیری یکپارچه
اخ۲ سوراخ‌کاری
اخ۲ شکل‌دهی الکترولیتی
اخ۲ شکل‌دهی انبساطی
اخ۲ شکل‌دهی پلاستیک
اخ۳ ریخته‌گری پلاستیک
اخ۳ شکل‌دهی گرمایی
اخ۳ قالب‌گیری پلاستیک
اخ۲ شکل‌دهی فلز
اخ۳ آهنگری
اخ۳ آهنگری سرد
اخ۳ پرس‌کاری فلز
اخ۳ روزن‌رانی فلز
اخ۳ شکل‌دهی الکتروهیدرولیکی
اخ۳ شکل‌دهی انرژی بالا
اخ۳ شکل‌دهی چرخشی فلز
اخ۳ شکل‌دهی مغناطیسی
اخ۳ غلتش
اخ۳ قالب‌گیری فلز
اخ۳ مدل‌کشی فلزی
اخ۳ مهرزنی فلز
اخ۲ شکل‌دهی نورشیمیایی
اخ۲ عملیات ترمومکانیکی
اخ۲ قالب‌گیری
اخ۳ قالب‌گیری پلاستیک
اخ۳ قالب‌گیری روزن‌رانی
اخ۳ قالب‌گیری فشاری
اخ۳ قالب‌گیری فلز
اخ۳ قالب‌گیری لاستیک
اخ۳ نمونه‌سازی
اخ۲ کشش(شکل‌دهی)
اخ۳ مدل‌کشی فلزی
اخ۲ کشش‌رانی
اخ۲ مشبک‌کاری
اخ۲ منگنه‌کاری
اخ۲ مهرزنی
اخ۳ مهرزنی فلز
اخ۱ فراوردن شیشه
اخ۱ فراورش
اخ۲ باخودبری هوا
اخ۲ پالایش

اخ۳ پالایش خمیر کاغذ
اخ۳ پالایش فلز
اخ۳ پالایش قند
اخ۳ پالایش هیدروکربن
اخ۲ پردازش میکروالکترونیکی
اخ۲ تکمیل
اخ۳ آبکاری در استوانه گردان
اخ۳ آرایه‌گری
اخ۳ آهارزنی(عمل تکمیل)
اخ۳ پرداخت
اخ۳ پرداخت ارتعاشی
اخ۳ پرداخت فلز
اخ۳ پرداخت‌کاری
اخ۳ پلیسه‌گیری
اخ۳ تکمیل شیمیایی
اخ۳ تکمیل نساجی
اخ۳ جلاکاری
اخ۳ درزبندی(تکمیل)
اخ۳ رنگ‌کردن
اخ۳ ساچمه‌زنی
اخ۳ سنگ‌کاری پرداخت
اخ۳ غلتک‌زنی
اخ۲ خردسازی
اخ۳ آسیاب‌کردن
اخ۳ سنگ‌شکنی
اخ۲ دباغی
اخ۲ رنگبری
اخ۲ ریسندگی(الیاف)
اخ۲ صمغ‌گیری
اخ۲ فراورش پلمه‌سنگ نفتی
اخ۳ پالایش پلمه‌سنگ نفتی
اخ۳ تقطیر پلمه‌سنگ نفتی
اخ۲ فراورش در جا
اخ۳ احتراق در جا
اخ۲ فرایند خردگرانی
اخ۲ فرایند نساجی
اخ۳ بافندگی
اخ۳ تکمیل نساجی
اخ۳ کاردینگ نساجی
اخ۲ فشرده‌سازی
اخ۳ خشته‌سازی
اخ۳ فشرده‌سازی زباله
اخ۲ فلزکاری
اخ۳ تسمه‌سازی از سیم
اخ۳ سردکاری
اخ۳ گرم‌کاری

اخ۲ نشانه‌گذاری(فلزکاری)
اخ۱ قندسازی
اخ۲ آسیاب‌کردن نیشکر
اخ۲ پالایش قند
اخ۱ کاغذسازی
اخ۲ اندایش کاغذ
اخ۱ نجاری
اخ۱ نظام تولید انعطاف‌پذیر
او تضمین کیفیت
او داده‌پردازی تولیدی
او سنتز(شیمیایی)
او مواد اولیه
ان *Manufacture*

ساختن اسباب‌بازی

اع۱ ساختن
اع۲ تولید
ان *Toy manufacture*

ساختن تجهیزات الکترونیکی

اع۱ ساختن
اع۲ تولید
اخ۱ بسته‌بندی الکترونیکی
اخ۱ تولید دستگاه الکترونی
اخ۲ تولید ابزار نیم‌رسانا
اخ۲ تولید لامپ الکترونی
اخ۲ تولید مدارمجتمع
اخ۳ طرح کلی مدار مجتمع
اخ۱ تولید مدار چاپی
اخ۱ فناوری نصب سطحی
او تجهیزات الکترونیکی
او صنعت الکترونیک
او همگذاری
ان *Electronic equipment manufacture*

ساختن جواهرآلات

اع۱ ساختن
اع۲ تولید
او گوهر
ان *Jewelry manufacture*

ساختن چرخ‌دنده

اع۱ ساختن
اع۲ تولید
او چرخ‌دنده
او چرخ‌دنده‌تراشی
او دنده‌تراش
او ماشین چرخ‌دنده‌تراشی
ان *Gear manufacture*

ساختن خمیر کاغذ

اع۱ ساختن
اع۲ تولید
اخ۱ پالایش خمیر کاغذ
اخ۱ پخت خمیر کاغذ
اخ۱ زنش خمیر کاغذ
اخ۱ زیست‌خمیرسازی
اخ۱ فرایند ترمومکانیکی خمیرسازی
اخ۱ فرایند سولفیت
اخ۱ فرایند کرافت
او به‌کاربری پساب
او خمیر کاغذ
او دستگاه پخت چوب
او رنگبری
ان *Pulp manufacture*

ساختن خودرو

اع۱ ساختن
اع۲ تولید
اخ۱ ساختن موتور خودرو
او آزمونگاه خودرو
او خودرو
او کارخانه خودروسازی
او مهندسی خودرو
ان *Automobile manufacture*

ساختن سوخت گازی

بچ *تولید گاز*
اع۱ ساختن
اع۲ تولید
اخ۱ تولید گاز زیرزمینی
اخ۱ تولید گاز سنتز
او به‌کاربری پساب
او بیوگاز
او خالص‌سازی سوخت گازی
او سوخت گازی
او سوخت گازی مخلوط
او شکست کاتالیزوری
او کاتالیزور
او کارخانه گاز

او گاز
او مولد گاز
ان *Gas fuel manufacture*

ساختن سیگار
اع۱ ساختن
اع۲ تولید
او پالایه سیگار
او توتون
ان *Cigarette manufacture*

ساختن سیمان
اع۱ ساختن
اع۲ تولید
اع۱ صنعت سیمان
اع۲ صنعت
او کارخانه سیمان
ان *Cement manufacture*

ساختن کفش
اع۱ ساختن
اع۲ تولید
او تولید لباس
ان *Shoe manufacture*

ساختن کک
اع۱ ساختن
اع۲ تولید
او کک
او واحد صنعتی کک‌سازی
ان *Coke manufacture*

ساختن موتور خودرو
اع۱ ساختن خودرو
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او کارخانه خودروسازی
او موتور خودرو
ان *Automobile engine manufacture*

ساختن هواگرد
اع۱ ساختن
اع۲ تولید
اخ۱ تولید موتور هواگرد
او کارخانه هواگرد
او هواگرد
ان *Aircraft manufacture*

ساده‌سازی کار
او تجزیه و تحلیل شغل
او مطالعه زمان و حرکت
او مهندسی صنعتی
ان *Work simplification*

سازگاری زیستی
او ایمنی‌شناسی
او پادتن
او پادگن
او زیست‌شناسی
او مواد زیستی
او واکسن
او واکنش پادگن‌پادتن
ان *Biocompatibility*

سازمان
ب‌ک انجمن و موسسه

سازمان فایل
اخ۱ ساختار داده‌ها
او انباره مجازی
او داده‌پردازی
او سیستم پایگاه داده‌ها
ان *File organization*

ساز و برگ جنگی
ب‌ج *اسلحه(نظامی)*
اع۱ تجهیزات نظامی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ بمب(سازوبرگ جنگی)
اخ۱ زره
اخ۱ موشک
اخ۲ موشک دریایی
اخ۳ موشک پرتاب‌شده از زیر آب
اخ۱ مهمات
او تفنگ(جنگ‌افزار)
او راکت نظامی
ان *Ordnance*

ساز و کار

اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ میله اتصال
او درجه آزادی(مکانیک)
او مدل
ان *Mechanism*

سازه

ی‌د آنچه برای تحمل بار ساخته یا طراحی می‌شود.
اخ۱ اتلافگر انرژی
اخ۲ حوضچه آرامش
اخ۱ بام
اخ۲ بام بافه‌ای
اخ۲ بام پوشیده‌شده با بتن
اخ۲ بام پیش‌ساخته
اخ۲ بام دروای بافه‌ای
اخ۱ برج
اخ۲ برج آب
اخ۲ برج الکتریکی
اخ۲ برج تلویزیونی
اخ۲ برج خاموش‌کننده کک
اخ۲ برج رادیویی
اخ۲ برج سرمایش
اخ۳ برج سرمایش آبی
اخ۲ برج مراقبت
اخ۲ دکل رادار
اخ۱ پل
اخ۲ اجزای پل
اخ۳ بافه پل
اخ۳ پایه پل
اخ۳ پایه‌بان(پل)
اخ۳ تکیه‌گاه پل
اخ۳ راه پل
اخ۳ عرشه پل
اخ۲ پل آلومینیومی
اخ۲ پل بازودار
اخ۳ پل بازشو
اخ۳ پل بافه‌ای
اخ۲ پل پیاده‌رو
اخ۲ پل پیش‌ساخته
اخ۲ پل چوبی
اخ۲ پل راه‌آهن
اخ۲ پل شاه‌تیر جعبه‌ای
اخ۲ پل شاه‌تیرورقی
اخ۲ پل عوارضی
اخ۲ پل فولادی
اخ۲ پل قوسی
اخ۲ پل متحرک
اخ۳ پل بازشو
اخ۳ پل بالارو
اخ۳ پل گردان
اخ۲ پل مختلط
اخ۳ پل بنایی
اخ۲ پل معلق
اخ۲ پل موقت
اخ۲ پل نظامی
اخ۲ راپل
اخ۱ پوسته(سازه)
اخ۱ پی
اخ۲ پی زیرآبی
اخ۲ شمع‌پی
اخ۲ لنگرگاه(پی)
اخ۱ تقاطع(لوله و کابل)
اخ۱ تونل
اخ۲ پوشش تونل
اخ۲ تکیه‌گاه زمینی
اخ۲ تونل آب‌رسانی
اخ۲ تونل پیاده‌رو
اخ۲ تونل فاضلاب‌رو
اخ۲ تونل وسیله نقلیه
اخ۳ تونل راه‌آهن
اخ۱ جاده آب‌گذر
اخ۱ خاکریز
اخ۲ سد خاکی
اخ۲ سیل‌بند
اخ۱ خرپا
اخ۱ دیگ فشار
اخ۱ دیوار نگهدارنده
اخ۱ زباله‌سوز
اخ۱ ساختمان
اخ۲ اجزای ساختمان
اخ۳ پله
اخ۳ پنجره
اخ۳ توری پنجره
اخ۳ در
اخ۳ درونی(ساختمان)
اخ۳ دودکش
اخ۳ دیوار(بخش سازه‌ای)
اخ۳ دیوارک(ساختمان)
اخ۳ رخ‌پوش
اخ۳ سایبان آفتابی
اخ۳ سقف

اخ۳ سیستم هشدار ساختمان
اخ۳ سیم‌کشی ساختمان
اخ۳ نمای ساختمان
اخ۲ ایستگاه آتش‌نشانی
اخ۲ ایستگاه سوخت‌گیری
اخ۲ بیمارستان
اخ۳ اتاق فوریت‌ها
اخ۳ اتاق عمل
اخ۳ بخش مراقبت ویژه
اخ۲ ساختمان آموزشگاهی
اخ۳ ساختمان دانشکده
اخ۲ ساختمان آجری
اخ۲ ساختمان اداری
اخ۲ ساختمان بتنی
اخ۲ ساختمان بلند
اخ۲ ساختمان چوبی
اخ۲ ساختمان خورشیدی
اخ۳ ساختمان خورشیدی خودکنش
اخ۳ ساختمان خورشیدی کنش‌پذیر
اخ۲ ساختمان زیرزمینی
اخ۲ ساختمان شمالگان
اخ۲ ساختمان فرودگاهی
اخ۳ آشیانه هواپیما
اخ۳ برج مراقبت
اخ۲ ساختمان فروشگاهی
اخ۲ ساختمان کشاورزی
اخ۳ انبار غله(کشاورزی)
اخ۲ ساختمان گرمسیری
اخ۲ ساختمان مذهبی
اخ۲ ساختمان نمایشگاه
اخ۲ ساختمان هوشمند
اخ۲ فانوس دریایی
اخ۲ مسکن
اخ۳ خانه
اخ۳ کاشانه
اخ۳ متل
اخ۳ هتل
اخ۱ سازه آبی
اخ۲ آب‌گذر
اخ۲ اسکله کوچک
اخ۲ بستاب
اخ۲ حوضچه آرامش
اخ۲ دریچه هیدرولیکی
اخ۲ دریچه کانال
اخ۲ راهگذر سرریز
اخ۳ دریچه سرریز
اخ۲ سد
اخ۳ سد بتنی
اخ۳ سد جلوبنددار
اخ۳ سد خاکی
اخ۳ سد قوسی
اخ۳ سد گرانی
اخ۳ سد متحرک
اخ۳ سرریز
اخ۳ ماهی‌رو
اخ۲ سدمتحرک(روی آب‌راهه)
اخ۲ سیل‌بند
اخ۲ شناور ته‌پهن
اخ۲ صندوق زیرآبی
اخ۲ مخزن تعادل
اخ۲ منبع ذخیره‌سازی آب
اخ۳ پوشش مخزن
اخ۳ مخزن زیرزمینی
اخ۳ ورودی مخزن
اخ۲ موج‌شکن
اخ۳ موج‌شکن شناور
اخ۱ سازه انعطاف‌پذیر
اخ۱ سازه بادشونده
اخ۱ سازه بندر
اخ۲ اسکله
اخ۲ اسکله(دیوار نگهدارنده)
اخ۲ بارانداز
اخ۲ پایانه بندری
اخ۲ حوض خشک
اخ۳ حوض خشک شناور
اخ۲ دیوار بارانداز
اخ۲ ضربه‌گیر(سازه بندر)
اخ۲ مهاربند(سازه)
اخ۱ سازه زیرآبی
اخ۲ پی زیرآبی
اخ۲ نیروگاه زیرآبی
اخ۲ واکنشگاه زیرآبی
اخ۱ سازه زیر برف
اخ۱ سازه زیرزمینی
اخ۲ تاسیسات تلمبه‌زنی زیرزمینی
اخ۲ ساختمان زیرزمینی
اخ۲ مخزن زیرزمینی
اخ۲ نیروگاه زیرزمینی
اخ۱ سازه سبک
اخ۱ سازه فولادی
اخ۲ ساختار فولاد جوشکاری‌شده
اخ۲ سازه فولادی لوله‌ای

اخ۱ سازه لانه‌زنبوری
اخ۱ سازه مختلط
اخ۲ پل مختلط
اخ۳ پل بنایی
اخ۱ سازه مطبق
اخ۱ سازه نزدیک ساحل
اخ۲ خط‌لوله دریایی
اخ۳ خط‌لوله زیردریایی
اخ۲ ساختار اقیانوس
اخ۳ زیستگاه اقیانوس
اخ۳ سکوی تولید
اخ۲ نیروگاه دریایی
اخ۱ سازه هوشمند
اخ۱ سد آب شور
اخ۱ سنگ‌چین پوششی
اخ۱ عضو سازه‌ای
اخ۲ اتصال(اجزای سازه‌ای)
اخ۳ اتصال انبساطی
اخ۳ اتصال پیچ‌شده
اخ۳ اتصال چسبنده
اخ۳ اتصال لحیم‌شده
اخ۳ اتصال لوله
اخ۳ جوش
اخ۲ پانل سازه‌ای
اخ۲ پایه(عضو سازه‌ای)
اخ۲ پی‌بندی
اخ۲ تکیه‌گاه(سازه‌ای)
اخ۳ تکیه‌گاه پل
اخ۲ تیر و شاه‌تیر
اخ۳ تیر و شاه‌تیر پیش‌تنیده
اخ۳ تیر و شاه‌تیر آلومینیومی
اخ۳ تیر و شاه‌تیر بتنی
اخ۳ تیر و شاه‌تیر چوبی
اخ۳ تیر و شاه‌تیر فولادی
اخ۳ تیر و شاه‌تیر قوسی
اخ۳ تیر و شاه‌تیر مختلط
اخ۲ تیغه(اجزای سازه‌ای)
اخ۲ سازه قوسی
اخ۲ ستون(سازه‌ای)
اخ۲ شمع(در ساختمان)
اخ۲ صفحه(اجزای سازه‌ای)
اخ۲ طبقه(ساختمان)
اخ۳ کف چوبی
اخ۲ عضو فشاری
اخ۲ نرده
اخ۳ نرده شبرنگ
اخ۱ فواره
اخ۱ قالب سازه‌ای
اخ۱ گنبد
او اثر تندباد
او بار سازه‌ای
او تسهیلات
او تنش باد
او سازه مدل
او طراحی سازه
او گزینش محل
او مصالح ساختمانی
او معماری
او مقاومت در برابر تندباد
او مهندسی راه و ساختمان
او نشین سازه
او واحد صنعتی
ان *Structure (built object)*

سازه آبی

ی‌د اصطلاح خیلی کلی است، ترجیحا نوع خاصی از سازه را به کار برید.

اع۱ سازه
اخ۱ آب‌گذر
اخ۱ اسکله کوچک
اخ۱ بستاب
اخ۱ حوضچه آرامش
اخ۱ دریچه هیدرولیکی
اخ۱ دریچه کانال
اخ۱ راهگذر سرریز
اخ۲ دریچه سرریز
اخ۱ سد
اخ۲ سد بتنی
اخ۲ سد جلوبنددار
اخ۲ سد خاکی
اخ۲ سد قوسی
اخ۲ سد گرانی
اخ۲ سد متحرک
اخ۲ سرریز
اخ۲ ماهی‌رو
اخ۱ سدمتحرک(روی آب‌راهه)
اخ۱ سیل‌بند
اخ۱ شناور ته‌پهن
اخ۱ صندوق زیرآبی
اخ۱ مخزن تعادل
اخ۱ منبع ذخیره‌سازی آب
اخ۲ پوشش مخزن

اخ۲ مخزن زیرزمینی
اخ۲ ورودی مخزن
اخ۱ موج‌شکن
اخ۲ موج‌شکن شناور
او آب‌رسانی
او اتلافگر انرژی
او پل
او تجهیزات هیدرولیکی
او جاده آب‌گذر
او خاکریز
او سازه بندر
او مخزن(بارگنج)
ان *Hydraulic structure*

سازه کندویی
ب‌ک سازه لانه‌زنبوری

سازه انعطاف‌پذیر
اع۱ سازه
او سازهٔ بادشونده
او سد
ان *Flexible structure*

سازه بادشونده
ب‌ج *پوسته بادشونده*
ب‌ج *سازه نگهدارنده هوایی*
ب‌ج *سد بادشونده*
ب‌ج *سقف بادشونده*
اع۱ سازه
او ایستگاه فضایی
او بالون
او تجهیزات بادشونده
او سازه انعطاف‌پذیر
ان *Inflatable structure*

سازه بتنی
ب‌ک ساخت بتنی

سازه بندر
اع۱ سازه
اخ۱ اسکله
اخ۱ اسکله(دیوار نگهدارنده)
اخ۱ بارانداز
اخ۱ پایانه بندری
اخ۱ حوض خشک
اخ۲ حوض خشک شناور
اخ۱ دیوار بارانداز
اخ۱ ضربه‌گیر(سازه بندر)
اخ۱ مهاربند(سازه)
او بندرگاه تفریحی
او حفاظت ساحل
او سازه آبی
او سد آب شور
او شناور ته‌پهن
او کنترل یخ
او مهندسی ساحل
او موجودات دریایی چوب‌خوار
ان *Port structure*

سازه پیش‌ساخته
ب‌ج *ساختمان پیش‌ساخته*
اع۱ ساخت
او بام پیش‌ساخته
او بتن پیش‌ریخته
او پل پیش‌ساخته
او پیش‌شکل‌دهی
او کشتی پیش‌ساخته
ان *Prefabricated construction*

سازه زیرآبی
اع۱ سازه
اخ۱ پی زیرآبی
اخ۱ نیروگاه زیرآبی
اخ۱ واکنشگاه زیرآبی
او انتقال گرمای زیرآبی
او اندازه‌گیری دمای زیر آب
او برش زیرآبی
او تجهیزات زیرآبی
او تولید چاه نفت دریایی
او جوشکاری زیرآبی
او حفاری زیرآبی
او خط‌لوله زیردریایی
او ساخت زیرآبی
او ساختار اقیانوس
او طراحی سازه
او مهندسی اقیانوس
ان *Underwater structure*

سازه زیر برف
اع۱ سازه

او ساختمان شمالگان
او طراحی سازه
او مساله آب‌وهوای سرد
او مهندسی شمالگان
او وسیله نقلیه شمالگان
ان *Undersnow structure*

سازه زیرزمینی

اع۱ سازه
اخ۱ تاسیسات تلمبه‌زنی زیرزمینی
اخ۱ ساختمان زیرزمینی
اخ۱ مخزن زیرزمینی
اخ۱ نیروگاه زیرزمینی
او انتقال گرمای زیرزمینی
او اندازه‌گیری دمای زیر زمین
او تجهیزات زیرزمینی
او توزیع زیرزمینی نیروی برق
او تولید گاز زیرزمینی
او خوردگی در بستر زمین
او ذخیره زیرزمینی گاز
او طراحی سازه
او معدن
او معدن‌کاری
ان *Underground structure*

سازه سبک

اع۱ سازه
او بتن سبک
او طراحی سازه
او مصالح ساختمانی سبک
ان *Light weight structure*

سازه فولادی

ب‌ج *سیلوی فولادی*
اع۱ سازه
اخ۱ ساختار فولاد جوشکاری‌شده
اخ۱ سازه فولادی لوله‌ای
او اتصال(اجزای سازه‌ای)
او تیر و شاه‌تیر فولادی
او ساختمان فولادی
او فولاد
ان *Steel structure*

سازه فولادی لوله‌ای

اع۱ سازه فولادی
اع۲ سازه
او لوله(اجزا)
ان *Tubular steel structure*

سازه قوسی

اع۱ عضو سازه‌ای
اع۲ اجزا
اع۲ سازه
او پل قوسی
ان *Arch*

سازه لانه‌زنبوری

ب‌ج *ساخت لانه‌زنبوری*
ب‌ج *سازه کندویی*
اع۱ سازه
او چندلا
او ساخت
او سازه مطبق
او عایق‌کاری
ان *Honeycomb structure*

سازه مختلط

اع۱ سازه
اخ۱ پل مختلط
اخ۲ پل بنایی
اخ۳ پل بتنی
او مواد مختلط
ان *Composite structure*

سازه مدل

اع۱ مدل
او سازه
او طراحی سازه
ان *Model structure*

سازه مطبق

اع۱ سازه
او دیوار(بخش سازه‌ای)
او سازه لانه‌زنبوری
او مواد مختلط
ان *Sandwich structure*

سازه نزدیک ساحل

اع۱ سازه

اخ۱ خطلوله دریایی
اخ۲ خطلوله زیردریایی
اخ۱ ساختار اقیانوس
اخ۲ زیستگاه اقیانوس
اخ۲ سکوی تولید
اخ۱ نیروگاه دریایی
او بیمه دریایی
او چاه نفت دریایی
او نیمه‌غوطه‌ور
ان *Offshore structure*

سازه نگهدارنده هوایی
ب‌ک سازه بادشونده

سازه هوشمند
اع۱ سازه
او کنترل هوشمند
او مصالح هوشمند
ان *Intelligent structure*

ساعت
اع۱ ابزار زمان‌گیری
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اخ۱ ساعت مکانیکی
اخ۲ زمان‌سنج
اخ۱ ساعت اتمی
اخ۱ ساعت الکتریکی
او اندازه‌گیری زمان
او ساعت مچی
ان *Clock*

ساعت مکانیکی
اع۱ ساعت
اع۲ ابزار زمان‌گیری
اع۳ سنج‌افزار
اخ۱ زمان‌سنج
ان *Mechanical clock*

ساعت اتمی
اع۱ ساعت
اع۲ ابزار زمان‌گیری
اع۳ سنج‌افزار
او اندازه‌گیری زمان
او بسامدسنج
او تجهیزات الکترونیکی
او میزر
ان *Atomic clock*

ساعت الکتریکی
اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اع۱ ساعت
اع۲ ابزار زمان‌گیری
اع۳ سنج‌افزار
او مدار زمان‌گیری
او مولد سیگنال کمکی
ان *Electric clock*

ساعت مچی
اع۱ ابزار زمان‌گیری
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اخ۱ زمان‌گیر
اخ۱ ساعت مچی الکتریکی
او اندازه‌گیری زمان
او ساعت
ان *Watche*

ساعت مچی الکتریکی
اع۱ ساعت مچی
اع۲ ابزار زمان‌گیری
اع۳ سنج‌افزار
ان *Electric watche*

ساکاروز
ب‌ک قند(ساکاروز)

ساماریم
اع۱ عنصر خاکی کمیاب
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آلیاژ ساماریم
او ترکیبات ساماریم
ان *Samarium*

سانحه الکتریکی
اع۱ حادثه

او الکتریسیته
ان *Electric accident*

سایبان آفتابی

بچ *سایبان پارچه‌ای*
اع۱ اجزای ساختمان
اع۲ ساختمان
اع۳ سازه
ان *Sun hood*

سایبان پارچه‌ای
ب‌ک سایبان آفتابی

سایش
ب‌ک سایش مواد

سایش مکانیکی
ب‌ک سایش مواد

سایش مواد

بچ *سایش*
بچ *سایش مکانیکی*
اخ۱ آب‌شستگی
اخ۱ خراشیدگی
اخ۱ خستگی مصالح
اخ۲ خستگی خوردگی
او اصطکاک
او اصطکاک‌شناسی
او پرزدهی مصنوع نساجی
او پوسته‌شدگی
او تغییرشکل
او خوردگی
او دوام
او روان‌سازی
او سختی
او سنگ‌زنی(تراشکاری)
او شکست(مکانیکی)
او فرساب
او فرسایش
او مقاومت در برابر سایش
او ویژگی مکانیکی
ان *Wear of materials*

ساینده

اع۱ مواد
او الماس صنعتی
او اندود سایا
او برش سایشی
او بور نیترید مکعبی
او تسمه سایا
او چرخ سنگ‌زنی
او کوروندوم
ان *Abrasives*

سبزینه

بچ *کلروفیل*
اع۱ ترکیبات نیتروژن
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ رنگدانه
اع۲ مواد
او نورساخت
ان *Chlorophyll*

سپر خودرو

اع۱ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۲ خودرو
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
ان *Automobile bumper*

سپر رادار

اع۱ حفاظ الکترومغناطیسی
اع۲ محافظ تابش
اع۳ حفاظ
او رادار
ان *Radar shielding*

سترون‌سازی(تمیزکاری)

اع۱ تمیزکاری
او آلودگی‌زدایی
او دودادن
او سترون‌کننده
او ضدعفونی
او عمل‌آوری مواد غذایی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Sterilization (cleaning)*

سترون‌کننده

اع۱ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۲ تجهیزات
او اتوکلاو
او آزمایشگاه
او بیمارستان
او سترون‌سازی(تمیزکاری)
ان *Sterilizer*

ستون(سازه‌ای)

اع۱ عضو سازه‌ای
اع۲ اجزا
اع۲ سازه
او پایه(عضو سازه‌ای)
او تکیه‌گاه
او تیر و شاه‌تیر
او دیرک
ان *Column (structural)*

ستون تقطیر

اع۱ تجهیزات تقطیر
اع۲ تجهیزات شیمیایی
اع۳ تجهیزات
ان *Distillation column*

ستونک سر چاه

اع۱ تجهیزات میدان نفتی
اع۲ تجهیزات
ان *Christmas tree (wellhead)*

سخت‌افزار

اع۱ تجهیزات
اخ۱ سخت‌افزار خودرو
اخ۲ قفل در خودرو
او ابزار
ان *Hardware*

سخت‌افزار خودرو

اع۱ سخت‌افزار
اع۲ تجهیزات
اع۱ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۲ خودرو
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اخ۱ قفل در خودرو
ان *Automobile hardware*

سخت‌افزار رایانه

اع۱ رایانه
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ تجهیزات جانبی رایانه
اخ۲ ابزار برهم‌کنشی
اخ۳ جانشین صفحه‌کلید رایانه(خدمات معلولین)
اخ۳ صفحه‌کلید رایانه
اخ۳ قلم نوری
اخ۳ موشی(دستگاه جنبی رایانه)
اخ۳ نمایشگر رایانه
اخ۳ ورودی فعال صدا
اخ۲ پایانه رایانه
اخ۳ پایانه صندوق
اخ۳ کنسول راه دور
اخ۲ تجهیزات بازشناسی کاراکتر
اخ۲ تجهیزات نگاره‌سازی رایانه‌ای
اخ۲ چاپگر(رایانه)
اخ۲ رسام(رایانه)
اخ۲ سیستم کارت سوراخ‌دار
اخ۲ سیستم نوار سوراخ‌شده
اخ۲ نوارگردان
اخ۱ تجهیزات ذخیره داده‌ها
اخ۲ انباره قیاسی
اخ۲ حافظه نیم‌رسانا
اخ۲ ذخیره داده‌های نوری
اخ۳ انباره دیسک نوری
اخ۳ ذخیره تصویر نوری
اخ۲ ذخیره رقمی
اخ۳ انباره انجمنی
اخ۳ انباره مجازی
اخ۳ حافظه دستیابی تصادفی
اخ۳ حافظه غیرفرار
اخ۳ حافظه فقط خواندنی
اخ۳ ذخیره تصویر رقمی
اخ۳ ذخیره خودسازمان‌ده
اخ۳ ذخیره سرماالکتریکی
اخ۲ ذخیره مغناطیسی
اخ۳ حافظه حباب مغناطیسی
اخ۳ ذخیره با فیلم مغناطیسی
اخ۳ ذخیره دیسک مغناطیسی
اخ۳ ذخیره نوار مغناطیسی

اخ۳ ذخیره هسته مغناطیسی
اخ۳ هد مغناطیسی
اخ۱ ثبات انتقال
اخ۱ مبدل رمز
اخ۱ مدار رایانه
او انتقال داده‌ها
او سیستم رایانه‌ای
ان *Computer hardware*

سخت‌پوشی

ب‌ج سخت‌روکشی
اع۱ فن اندایش
اع۲ نهشت
او آبکاری
او جوشکاری
او روکش‌کاری(پوشش)
او فلز
ان *Hard facing*

سخت‌روکشی
ب‌ک سخت‌پوشی

سخت‌سازی زمانی

اع۱ زمان‌دهی مصالح
اع۱ سخت‌گردانی
اع۱ عملیات حرارتی
او سخت‌گردانی کرنشی
ان *Age hardening*

سخت‌کاری سطحی

اع۱ سخت‌گردانی
اع۱ عملیات حرارتی
اخ۱ سیانورکاری
اخ۱ کربن‌دهی
او بوردهی
او سخت‌گردانی جرقه‌ای
او سخت‌گردانی شعله‌ای
او عملیات حرارتی فولاد
او نیتروژن‌دهی
ان *Case hardening*

سخت‌گردانی

اخ۱ بوردهی
اخ۱ پیرسختی
اخ۱ سخت‌سازی زمانی
اخ۱ سخت‌کاری سطحی
اخ۲ سیانورکاری
اخ۲ کربن‌دهی
اخ۱ سخت‌گردانی جرقه‌ای
اخ۱ سخت‌گردانی شعله‌ای
اخ۱ سخت‌گردانی کرنشی
او آبدهی
او بازپخت
او جو محافظ
او عملیات حرارتی
او مارتنزیت
او مقاوم‌سازی(فلز)
ان *Hardening*

سخت‌گردانی تابشی

او ابزار نیم‌رسانا
او حفاظت
ان *Radiation hardening*

سخت‌گردانی جرقه‌ای

اع۱ سخت‌گردانی
اع۱ عملیات حرارتی
او بوردهی
او پیوندزنی
او سخت‌کاری سطحی
او سخت‌گردانی شعله‌ای
او عملیات حرارتی فولاد
ان *Spark hardening*

سخت‌گردانی شعله‌ای

اع۱ سخت‌گردانی
اع۱ عملیات حرارتی
او سخت‌کاری سطحی
او سخت‌گردانی جرقه‌ای
ان *Flame hardening*

سخت‌گردانی کرنشی

اع۱ سخت‌گردانی
او بازبلورش(متالورژی)
او تنش پسماند
او سخت‌سازی زمانی
او سردکاری
ان *Strain hardening*

سختی

ب‌چ ریزسختی
اع۱ ویژگی مکانیکی
او چکش‌خواری
او سایش مواد
او شکنندگی
او قابلیت ماشین‌کاری
او مقاومت در برابر سایش
او مومسانی
ان *Hardness*

سد

اع۱ سازه آبی
اع۲ سازه
اخ۱ سد بتنی
اخ۱ سد جلوبنددار
اخ۱ سد خاکی
اخ۱ سد قوسی
اخ۱ سد گرانی
اخ۱ سد متحرک
اخ۱ سرریز
اخ۱ ماهی‌رو
او آب‌رسانی
او تراوش
او راهگذر سرریز
او سازه انعطاف‌پذیر
او طرح حوضه رودخانه
او فشار برخاست
او کنترل سیل
او کنترل یخ
او منبع ذخیره‌سازی آب
او نیروگاه آبی
ان *Dam*

سد آب‌شور

اع۱ سازه
او راه آبی درون‌مرزی
او سازه بندر
او نفوذ آب نمک
ان *Salt water barrier*

سد بادشونده

ب‌ک سازه بادشونده
ب‌ک گنبد

سد بتنی

اع۱ سد
اع۲ سازه آبی
اع۳ سازه
او ساخت بتنی
ان *Concrete dam*

سد جلوبنددار

اع۱ سد
اع۲ سازه آبی
اع۳ سازه
ان *Buttress dam*

سد خاکی

ب‌چ سد سنگریز
اع۱ خاکریز
اع۲ سازه
اع۱ سد
اع۲ سازه آبی
اع۳ سازه
ان *Embankment dam*

سد سنگریز

ب‌ک سد خاکی

سد قوسی

اع۱ سد
اع۲ سازه آبی
اع۳ سازه
ان *Arch dam*

سد گرانی

اع۱ سد
اع۲ سازه آبی
اع۳ سازه
ان *Gravity dam*

سد متحرک

اع۱ سد
اع۲ سازه آبی
اع۳ سازه
ان *Movable dam*

سدمتحرک(روی آب‌راهه)

اع۱ سازه آبی
اع۲ سازه
او راه آبی درون‌مرزی
او کانال
ان *Lock (on waterway)*

سد موقتی
ب‌ک بستاب

سدیم
اع۱ فلز قلیایی
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آلیاژ سدیم
او ترکیبات سدیم
او ذخیره سدیم
او فلزنگاری سدیم
ان *Sodium*

سدیم کلرید
اع۱ ترکیبات سدیم
اع۲ ترکیبات فلز قلیایی
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ ترکیبات کلر
اع۲ ترکیبات هالوژنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ نمک
اع۲ ترکیبات شیمیایی
او ذخیره نمک
او معدن نمک
او نمک‌زدایی
ان *Sodium chloride*

سراماک
ب‌ک سرمت

سرامیک
ب‌ک مواد سرامیکی

سرامیک سازه‌ای
اع۱ مصالح ساختمانی
اع۲ مواد
اع۱ مواد سرامیکی
اع۲ مواد
ان *Structural ceramic*

سرامیک فلز
ب‌ک سرمت

سرب
اع۱ فلز سنگین
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آبکاری سرب
او آلیاژ سرب
او پالایش سرب
او ترکیبات سرب
او خیساندن
او ذخیره سرب
او سرب‌زدایی(تصفیه آب)
او عمل‌آوری کان‌سنگ سرب
او فرایند ریخته‌گری سرب
او فلزنگاری سرب
او متالورژی سرب
او معدن سرب
ان *Lead*

سرباره
ب‌ج *سرباره کوره بلند*
اع۱ پسمانده صنعتی
اع۲ زباله
او بازیابی فلز
او به‌کاربری پسمانده
او پشم معدنی
او خوردگی دیگ بخار
او سیمان سرباره‌ای
او عمل کوره بلند
او فولادسازی
ان *Slags*

سرباره کوره بلند
ب‌ک سرباره

سرب‌زدایی(تصفیه آب)
اع۱ جداسازی شیمیایی(تصفیه آب)
اع۲ تصفیه آب
اع۲ جداسازی
اع۳ عملیات شیمیایی
اع۲ دورسازی

او خیساندن
او سرب
ان *Lead removal (water treatment)*

سرپرست
ب‌ک کارکنان سرپرستی

سرپنتین
اع۱ کانی سیلیکاتی
اع۲ سیلیکات
اع۳ ترکیبات سیلیسیم
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
ان *Serpentine*

سرچکیده‌گیری داغ
اع۱ ریخته‌گری فلز
اع۲ ریخته‌گری
اع۳ شکل‌دهی
اع۲ متالورژی
او شمش
او شمش فولاد
ان *Hot topping*

سردسازی
اع۱ ذخیره‌سازی سرد
اع۲ ذخیره‌سازی(مواد)
اع۱ سرمایش
اخ۱ سردسازی خورشیدی
اخ۱ سردسازی گرماالکتریک
اخ۱ سرمایش صنعتی
او آلودگی روغنی سردکن
او بارگنج یخچالی
او بهره‌برداری نیروی برق
او تراکم‌ساز هوا
او تهویه
او ذخیره مواد غذایی
او سردکن
او سیستم لوله‌کشی یخچال‌دار
او کامیون یخچالی
او ماشین‌آلات یخچال‌دار
او واگن یخچالی
او یخچال
ان *Refrigeration*

سردسازی خورشیدی
اع۱ سردسازی
اع۲ ذخیره‌سازی سرد
اع۳ ذخیره‌سازی(مواد)
اع۲ سرمایش
او انرژی خورشیدی
او تجهیزات خورشیدی
ان *Solar refrigeration*

سردسازی گرماالکتریک
اع۱ سردسازی
اع۲ ذخیره‌سازی سرد
اع۳ ذخیره‌سازی(مواد)
اع۲ سرمایش
او تجهیزات گرماالکتریکی
ان *Thermoelectric refrigeration*

سردکاری
اع۱ فلزکاری
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
اخ۱ کله‌زنی سرد
اخ۱ نوردکاری سرد
او اره‌کاری
او افزایش مقطع(شکل‌دهی)
او آهنگری سرد
او تاب‌گیری
او تراشیدن
او سخت‌گردانی کرنشی
او سوراخ‌کاری
او شکل‌دهی انبساطی
او شکل‌دهی چرخشی فلز
او گرم‌کاری
او منگنه‌کاری
ان *Cold working*

سردکن
اع۱ سردکننده
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او آلودگی روغنی سردکن
او آمونیاک
او تهویه مطبوع
او خشک‌کن(ماده)
او سردسازی

او سیستم سرمایش
او فرئون
او کربن دی‌اکسید
او یخ
او یخچال
ان *Refrigerant*

سردکننده
اع۱ مواد شیمیایی
اع۲ مواد
اخ۱ آب سرمایش
اخ۱ سردکن
او سرمایش
او سیستم سرمایش
او مواد خنک‌کاری
ان *Coolant*

سرریز
اع۱ سد
اع۲ سازه آبی
اع۳ سازه
ان *Weir*

سرریز مواد خطرناک
اخ۱ سرریز نفت
او آلودگی آب
او آلودگی خاک
او حادثه
او خطر
او مواد خطرناک
او نشت(مایع)
ان *Hazardous materials spill*

سرریز نفت
اع۱ سرریز مواد خطرناک
او آلودگی آب
او آلودگی خاک
او آلودگی دریایی
او صنعت نفت
ان *Oil spill*

سرش
او حادثه بزرگراهی
او خودرو
او مقاومت سرش
ان *Skidding*

سرطانزا
اع۱ مواد شیمیایی
اع۲ مواد
اخ۱ آفلاتوکسین
اخ۱ نیتروزامین
او جهش‌زا
او سرطان‌شناسی
او مواد خطرناک
او ویروس سرطانزا
ان *Carcinogen*

سرطان‌شناسی
بج *درمان سرطان*
اع۱ پزشکی
او سرطانزا
او مهندسی زیست‌پزشکی
او ویروس سرطانزا
ان *Oncology*

سرعت
اخ۱ سرعت موج صوتی
اخ۲ سرعت فراصوتی
اخ۱ سرعت نور
او اثر دوپلر
او اندازه‌گیری سرعت
او تحلیل‌گر سرعت الکترون
او تندی
او سرعت‌سنج
او شتاب
او شتاب منفی
او کنترل سرعت
او ویژگی مکانیکی
ان *Velocity*

سرعت خطای بیتی
او تحلیل خطا
او تصحیح خطا
او خطایابی
او رمز دوگانی
ان *Bit error rate*

سرعت رنگ‌کردن

او رنگ(فام)
او کاغذ
او مصنوع نساجی
ان *Color fastness*

سرعت‌سنج

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
اخ۱ سرعت‌سنج فراصوتی دوپلر
اخ۱ سرعت‌سنج لیزری دوپلر
او اندازه‌گیری سرعت
او بادسنج
او چرخش‌سنج
او دورسنج
او سرعت
او سرعت‌نما
او سیلان‌سنج
او شتاب‌سنج
او کنترل سرعت
ان *Velocimeter*

سرعت‌سنج فراصوتی دوپلر

اع۱ تجهیزات فراصوتی
اع۲ تجهیزات صوتی
اع۳ تجهیزات
اع۱ سرعت‌سنج
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او اندازه‌گیری سرعت فراصوتی
ان *Ultrasonic Doppler velocimeter*

سرعت‌سنج لیزری دوپلر

اع۱ سرعت‌سنج
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او بادسنج
او کاربرد لیزر
ان *Laser Doppler velocimeter*

سرعت صوت

ب‌ک سرعت موج صوتی

سرعت فراصوتی

اع۱ سرعت موج صوتی
اع۲ سرعت
او اندازه‌گیری سرعت فراصوتی
او پاشندگی فراصوتی
او موج فراصوتی
ان *Ultrasonic velocity*

سرعت موج صوتی

ب‌ج سرعت صوت
اع۱ سرعت
اخ۱ سرعت فراصوتی
او انتشار موج صوتی
او اندازه‌گیری سرعت موج صوتی
او پاشیدگی صوتی
او پاگیری صوتی
او موج شوکی
او موج صوتی
ان *Acoustic wave velocity*

سرعت‌نما

اع۱ نشانگر(سنج‌افزار)
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اخ۱ بادسنج
اخ۱ دورسنج
او تنظیم‌گر سرعت
او چرخش‌سنج
او سرعت‌سنج
او گاورنور
ان *Speed indicator*

سرعت نور

ب‌ج تندی نور
اع۱ سرعت
او نور
ان *Light velocity*

سرماجراحی

اع۱ جراحی
اع۲ درمان بیمار
اع۱ سرمادرمانی
اع۲ درمان بیمار
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Cryosurgery*

سرماچال

اع۱ تجهیزات برودتی
اع۲ تجهیزات
اع۱ تجهیزات کنترل
اع۲ تجهیزات
او دماپای
او کنترل دما
او مهندسی فرودمایی
او هلیم ابرسیال
ان *Cryostat*

سرمادرمانی

اع۱ درمان بیمار
اخ۱ سرماجراحی
او سرمایش‌شناسی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Cryotherapy*

سرمایش

اخ۱ انجماد
اخ۱ سردسازی
اخ۲ سردسازی خورشیدی
اخ۲ سردسازی گرماالکتریک
اخ۲ سرمایش صنعتی
او انتقال گرما
او ترشدگی
او تهویه
او تهویه مطبوع
او چرخش گرمایی
او دما
او سردکننده
او سرمایش‌شناسی
او سیستم تلمبه گرما
او سیستم سرمایش
او عایق‌کاری گرمایی
او کنترل آب‌وهوا
او کنترل دما
او گرمایش
او مهندسی محیط
ان *Cooling*

سرمایش‌شناسی

او ابررسانایی
او پدیده فرودما
او تجهیزات برودتی
او ذخیره سرماالکتریکی
او سرمادرمانی
او سرمایش
او عملیات فرودمایی
او کریوترون
او مایع برودتی
او مهندسی فرودمایی
او هلیم ابرسیال
ان *Cryogenics*

سرمایش صنعتی

اع۱ سردسازی
اع۲ ذخیره‌سازی سرد
اع۳ ذخیره‌سازی(مواد)
اع۲ سرمایش
ان *Industrial refrigeration*

سرمت

بج *سرامال*
بج *سرامیک فلز*
اع۱ مواد مختلط
اع۲ مواد
او تیتانیم نیترید
او متالورژی پودر
او مخلوط ملات سرامیکی
او مواد سرامیکی
او مواد نسوز
ان *Cermet*

سرمته

اع۱ ابزار تراش
اع۲ تجهیزات برش
اع۳ تجهیزات
اع۱ سوهان و چوب‌سای
اع۲ ابزار تراش
اع۳ ابزار
او مته
ان *Bit*

سرند کردن

بک غربال‌کنی

سرنگ

اع۱ تجهیزات زیست‌پزشکی

اع۲ تجهیزات
او تجهیزات زیست‌پزشکی یکبارمصرف
او سوزن
ان *Syring*

سریم
اع۱ عنصر خاکی کمیاب
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آلیاژ سریم
او ترکیبات سریم
او عمل‌آوری کان‌سنگ سریم
ان *Cerium*

سزیم
اع۱ فلز قلیایی
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آلیاژ سزیم
او ترکیبات سزیم
ان *Cesium*

سطح دریا
او اقیانوس‌شناسی
ان *Sea level*

سطح‌سنج
پ‌ج *دستگاه اندازه‌گیری سطح*
اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او اندازه‌گیری سطح رویه
او اندازه‌گیری متغیر فضایی
ان *Planimeter*

سطح فرمی
اع۱ تراز انرژی الکترونی
او تشدید سیکلوترونی
او چگالی الکترونی حالت
او ساختار نواری
ان *Fermi surface*

سطح مشترک(مواد)
اخ۱ تماس(مکانیک سیالات)
اخ۱ سطح مشترک فاز
اخ۱ مرز دانه‌ای
او انرژی سطح مشترک
او پخش متقابل(جامدات)
او پدیده سطحی
او رویه
او کشش سطحی
او لایه‌لایه‌شدگی
او مهاجرت الکتریکی
او ویژگی سطح
ان *Interfaces (materials)*

سطح مشترک فاز
اع۱ سطح مشترک(مواد)
او جداسازی فاز
او کلوئید
ان *Phase interface*

سطح مقطع راداری
او آنتن رادار
او پراکندگی موج الکترومغناطیسی
او پس‌پراکندگی
او رادار
ان *Radar cross section*

سفتی
اع۱ ویژگی مکانیکی
او آزمایش کششی
او تغییرشکل
او ماتریس سفتی
ان *Stiffness*

سفر فضایی
اع۱ ترابری
اخ۱ پرواز بین‌سیاره‌ای
اخ۱ پرواز فضایی سرنشین‌دار
او اتصال ارتباطی برون‌زمینی
او انتقال مداری
او ایستگاه فضایی
او بازگشت(فضانوردی)
او بی‌وزنی
او پژوهش فضایی
او پیشرانش فضاپیما
او راکت
او زباله فضایی
او سکوی فضایی

او فضاپیما
او کاربرد فضایی
او ماموریت قمری
او مبنای قمری
او محل برخورد فضایی
او مدار
او مسیر
او مهندسی فاکتورهای انسانی
او ناوبری
او نمودار ناوبری
او نورشناسی فضایی
ان *Space flight*

سفیدشویی
اع۱ شستشو
اع۲ تمیزکاری
او پرزدهی مصنوع نساجی
او شوینده
او صابون(شوینده)
او کارگاه لباس‌شویی
او مصنوع نساجی
ان *Laundering*

سقف
اع۱ اجزای ساختمان
اع۲ ساختمان
اع۳ سازه
ان *Ceiling*

سقف بادشونده
ب‌ک بام
ب‌ک سازه بادشونده

سکان
اع۱ تجهیزات هدایت کشتی
اع۲ تجهیزات کشتی
اع۳ تجهیزات
اع۳ قطعات و تجهیزات آب‌پیما
اع۳ کشتی
ان *Rudder*

سکوی اقیانوسی
ب‌ک سکوی تولید

سکوی امواج ژرف محلی
ب‌ک سکوی تولید

سکوی پرش اسکی
اع۱ تسهیلات
او تسهیلات تفریحی
ان *Ski jump*

سکوی تولید
ب‌ج *سکوی اقیانوسی*
ب‌ج *سکوی امواج ژرف محلی*
ب‌ج *سکوی دریایی*
اع۱ ساختار اقیانوس
اع۲ سازه نزدیک ساحل
اع۳ سازه
او بیمه دریایی
او چاه نفت دریایی
او حفاری دریایی
او رایزر دریایی
او قایق
او مهندسی اقیانوس
ان *Production platform*

سکوی دریایی
ب‌ک سکوی تولید

سکوی فضایی
اع۱ فضاپیما
اع۲ وسیله نقلیه
او ایستگاه فضایی
او پرواز بین‌سیاره‌ای
او سفر فضایی
او کاربرد فضایی
ان *Space platform*

سکه‌زنی
اع۱ مهرزنی فلز
اع۲ شکل‌دهی فلز
اع۳ شکل‌دهی
اع۲ مهرزنی
اع۳ شکل‌دهی
او ضراب‌خانه
ان *Coinage*

سل

اع۱	کلوئید
اع۲	پاشیدگی
اخ۱	پلاستی‌سول
او	رسوب‌گذاری
او	مایع غیرنیوتنی
او	هوامیز
ان	*Sol*

سلنیم

اع۱	نافلز
اع۲	عنصر شیمیایی
اخ۱	سلنیم نیم‌رسانا
او	ترکیبات سلنیم
ان	*Selenium*

سلنیم نیم‌رسانا

اع۱	سلنیم
اع۲	نافلز
اع۳	عنصر شیمیایی
اع۱	مواد نیم‌رسانا
اع۲	مواد
ان	*Semiconducting selenium*

سلوفان

اع۱	فیلم مومسان
اع۲	پلاستیک
اع۳	مواد
اع۲	فیلم
اع۳	مواد
او	سلولز
ان	*Cellophane*

سلول

سلولز

اع۱	پلی‌ساکارید
اع۲	بسپار طبیعی
اع۳	بسپار آلی
اع۲	کربوهیدرات
اع۳	ترکیبات آلی
اخ۱	سلولز توسعه‌یافته
او	پنبه
او	زیست‌توده
او	سلوفان
او	قندی‌شدگی
او	لایه سلولزی
او	لیگنین
او	مشتقات سلولز
ان	*Cellulose*

سلولز توسعه‌یافته

اع۱	سلولز
اع۲	پلی‌ساکارید
اع۳	بسپار طبیعی
اع۳	کربوهیدرات
ان	*Expansive cellulose*

سلولز نیترات

ب‌ک	نیتروسلولز

سم صنعتی

ب‌ج	*مسمومیت جیوه‌ای*
ب‌ج	*مسمومیت سربی*
اع۱	مواد خطرناک
اع۲	مواد
او	بیماری شغلی
او	سمیت
او	کنترل غبار شیمیایی
او	واحد صنعتی
ان	*Industrial poison*

سمیت

او	آلودگی
او	آلوده‌شدن
او	حادثه
او	خطر بهداشتی
او	سم صنعتی
ان	*Toxicity*

سنتز(شیمیایی)

اع۱	واکنش شیمیایی
اخ۱	زیست‌آمایی
اخ۱	نورساخت
او	تجزیه و تحلیل
او	ساختن
او	فراورش

ان *Synthesis (chemical)*

سنتز شبکه الکتریکی

اع۱ نظریه مدار
اع۲ نظریه
اخ۱ ترکیب شبکه خطی
اخ۱ ساخت شبکه غیرخطی
او بردار
او تحلیل شبکه الکتریکی
او توپولوژی
او روش فضای حالت
او شبکه پارامتر توزیع‌شده
او مدار هم‌ارز
او نظریه سودهی
او نظریه گراف
ان *Electric network synthesis*

سنج‌افزار

ی‌د یک اصطلاح خیلی عام است، ترجیحا نوع خاصی از سنج‌افزار را به کار برید.
اع۱ تجهیزات
اخ۱ آشکارساز
اخ۲ آشکارساز تابش
اخ۳ آشکارساز ذره‌ای
اخ۳ آشکارساز نوری
اخ۳ پرتوسنج
اخ۲ آشکارساز حریق
اخ۳ آشکارساز دود
اخ۲ آشکارساز فلز
اخ۲ آشکارساز ماهی
اخ۲ آشکارساز همبستگی
اخ۳ همبسته‌ساز
اخ۲ حس‌گر
اخ۳ پویش‌گر چندطیفی
اخ۳ حس‌گر آمپرسنجی
اخ۳ حس‌گر پتانسیل‌سنجی
اخ۳ حس‌گر تصویر
اخ۳ حس‌گر تماسی
اخ۳ حس‌گر دو رگه
اخ۳ حس‌گر سیلیسیمی
اخ۳ حس‌گر شیمیایی
اخ۳ حس‌گر فشار جزئی
اخ۳ حس‌گر نوری
اخ۳ حس‌گر همجواری
اخ۳ زیست‌حس‌گر
اخ۲ سونار
اخ۲ سیستم هشدار رادار
اخ۲ گازیاب
اخ۲ مانع‌یاب
اخ۱ آنالیزور انرژی الکترونی
اخ۱ ابزار زمان‌گیری
اخ۲ ابزار زمان‌گیری الکترونیکی
اخ۲ ساعت
اخ۳ ساعت مکانیکی
اخ۳ ساعت اتمی
اخ۳ ساعت الکتریکی
اخ۲ ساعت مچی
اخ۳ زمان‌گیر
اخ۳ ساعت مچی الکتریکی
اخ۱ اجزای سنج‌افزار
اخ۲ سیستم بازخوانی
اخ۳ بازخوانی از دور
اخ۳ مقیاس سنج‌افزار
اخ۲ شماره‌گیر سنج‌افزار
اخ۲ مبدل اسباب الکتریکی
اخ۲ مدار سنج‌افزار
اخ۲ نمایشگر سنج‌افزار
اخ۳ صفحه نمایش رادار
اخ۱ اصطکاک‌سنج
اخ۱ انبساط‌سنج
اخ۱ بازتاب‌سنج
اخ۱ بردیاب
اخ۲ ارتفاع‌سنج بی‌مایع
اخ۲ ارتفاع‌سنج رادیویی
اخ۲ تجهیزات رادار
اخ۳ آنتن رادار
اخ۳ پوشش آنتن
اخ۳ تجهیزات رادار هواگرد
اخ۳ دکل رادار
اخ۳ صفحه نمایش رادار
اخ۳ فرستنده رادار
اخ۳ گیرنده رادار
اخ۳ مدار رادار
اخ۲ نشانگر همجواری
اخ۱ پ‌هاش‌سنج
اخ۱ پیمانه
اخ۲ برف‌سنج
اخ۲ پیمانه فشار
اخ۳ خلاءسنج
اخ۲ پیمانه مکعب مستطیلی
اخ۲ سنج‌افزار اندازه‌گیری دما

اخ۳ تف‌سنج
اخ۳ دماسنج
اخ۲ سنجه بادی
اخ۲ سنجه حلقوی
اخ۲ سنجه رزوه پیچ
اخ۲ سیلان‌سنج
اخ۳ جریان‌سنج مغناطیسی
اخ۳ رئومتر
اخ۳ سیلان‌سنج فراصوتی
اخ۳ کنتور آب
اخ۳ گازسنج
اخ۲ ضخامت‌سنج
اخ۲ فشارسنج
اخ۲ کرنش‌سنج
اخ۲ کشندسنج
اخ۲ گاز ایزوتوپ پرتوزا
اخ۲ نشانگر سطح مایع
اخ۳ باران‌سنج
اخ۳ درجه سوخت
اخ۱ تاکسی‌متر
اخ۱ ترازو
اخ۲ ترازوی الکترونیکی
اخ۲ ترازوی دقیق
اخ۲ ترازوی مغناطیسی
اخ۱ تلسکوپ
اخ۲ تلسکوپ رادیویی
اخ۲ تلسکوپ نوری
اخ۲ تلسکوپ هوابرد
اخ۱ تله‌رسوبی
اخ۱ تنظیم‌گر اکسیژن
اخ۱ جهت‌یاب(مغناطیسی)
اخ۱ چرخش‌سنج
اخ۱ دستگاه پراش نوترونی
اخ۱ رطوبت‌سنج
اخ۱ ریزسنج
اخ۱ ریزسنج‌افزار
اخ۱ زاویه‌سنج
اخ۱ زاویه‌یاب
اخ۱ ژیروسکپ
اخ۲ چرخش‌نمای هسته‌ای
اخ۱ سرعت‌سنج
اخ۲ سرعت‌سنج فراصوتی دوپلر
اخ۲ سرعت‌سنج لیزری دوپلر
اخ۱ سطح‌سنج
اخ۱ سنج‌افزار آب‌شناسی
اخ۱ سنج‌افزار اقیانوس‌شناسی
اخ۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اخ۲ آمپرسنج
اخ۲ اهم‌سنج
اخ۲ برق‌سنج
اخ۲ بسامدسنج
اخ۲ پل اندازه‌گیری الکتریکی
اخ۲ توان‌سنج
اخ۲ سنجنده ضریب کیفیت
اخ۲ سنجنده موج ایستاده
اخ۲ شاخص تقاضای بیشینه
اخ۲ فازسنج
اخ۲ قطبش نگار
اخ۲ کولن‌سنج
اخ۲ گالوانومتر
اخ۲ لرزش‌نگار پرتو کاتدی
اخ۲ موج‌سنج
اخ۲ نشانگر توالی فاز
اخ۲ نوسان‌نگار
اخ۲ وات‌ساعت‌سنج
اخ۲ وات‌سنج
اخ۲ ولت‌سنج
اخ۳ پتانسیل‌سنج(سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی)
اخ۳ ولت‌سنج الکترونیکی
اخ۳ ولت‌سنج رقمی
اخ۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری چگالی
اخ۲ تخلخل‌سنج
اخ۲ چگالی‌سنج
اخ۳ هیدرومتر
اخ۲ کدری‌سنج
اخ۲ نورچگالی‌سنج
اخ۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری شارش
اخ۲ بادسنج
اخ۲ تراوایی‌سنج(تراوایی مکانیکی)
اخ۲ سیلان‌سنج
اخ۳ جریان‌سنج مغناطیسی
اخ۳ رئومتر
اخ۳ سیلان‌سنج فراصوتی
اخ۳ کنتور آب
اخ۳ گازسنج
اخ۲ نم‌سنج خاک
اخ۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری صوتی
اخ۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری مغناطیسی
اخ۲ تراوایی‌سنج(تراوایی مغناطیسی)
اخ۲ شارسنج
اخ۲ مغناطیس‌سنج
اخ۱ سنج‌افزار ثبات

اخ۲ ثبات دی‌اکسید گوگرد
اخ۲ ثبات کربن دی‌اکسید
اخ۲ خورشیدنگار
اخ۲ رسام(رایانه)
اخ۲ نوسان‌نگار
اخ۱ سنج‌افزار رقمی
اخ۲ ولت‌سنج رقمی
اخ۱ سنج‌افزار ریاضی
اخ۲ ماشین حساب جیبی
اخ۱ سنج‌افزار فضاپیما
اخ۱ سنج‌افزار قایق
اخ۱ سنج‌افزارگزینی هسته‌ای
اخ۲ آشکارساز ذره‌ای
اخ۳ آشکارساز پرتو کیهانی
اخ۳ اتاقک ابر
اخ۳ اتاقک جرقه
اخ۳ اتاقک یونش
اخ۳ اطاقک حباب
اخ۳ نوترون‌بین
اخ۲ تابش‌شمار
اخ۳ بلورشمار
اخ۳ شمارگر تناسبی
اخ۳ شمارگر سرنکوف
اخ۳ شمارگر سوسوزن
اخ۳ شمارگر گیگر
اخ۳ شمارگر نیم‌رسانا
اخ۲ چرخش‌نمای هسته‌ای
اخ۲ مقدارسنج
اخ۱ سنج‌افزار نقشه‌برداری
اخ۱ سنج‌افزار نوری
اخ۲ پراش‌سنج
اخ۲ تداخل‌سنج
اخ۳ سنجه
اخ۳ سنجه فابری‌پرو
اخ۲ تلسکوپ نوری
اخ۲ حساسیت‌سنج
اخ۲ حس‌گر شیمیایی تار نوری
اخ۲ دوربین
اخ۳ دوربین تصویر متحرک
اخ۳ دوربین پرتو ایکس
اخ۳ دوربین دمانما
اخ۳ دوربین زیرآبی
اخ۳ دوربین زیرزمینی
اخ۳ دوربین سرعت بالا
اخ۳ دوربین فراصوتی
اخ۳ دوربین ویدئو

اخ۳ شاتر دوربین
اخ۳ عدسی دوربین
اخ۳ کنترل نوردهی
اخ۲ دیده‌سنج
اخ۲ سنج‌افزار فرابنفش
اخ۳ طیف‌سنج فرابنفش
اخ۳ طیف‌نگار فرابنفش
اخ۲ سنج‌افزار مادون قرمز
اخ۲ طیف‌سنج
اخ۳ طیف‌سنج پرتو ایکس
اخ۳ طیف‌سنج تشدید مغناطیسی
اخ۳ طیف‌سنج جرمی
اخ۳ طیف‌سنج ذره‌ای
اخ۳ طیف‌سنج ریزموجی
اخ۳ طیف‌سنج فرابنفش
اخ۳ طیف‌سنج مادون قرمز
اخ۳ طیف‌نورسنج
اخ۲ طیف‌نگار
اخ۳ تک‌فام‌ساز
اخ۳ طیف‌نگار پرتو ایکس
اخ۳ طیف‌نگار ریزموجی
اخ۳ طیف‌نگار فرابنفش
اخ۳ طیف‌نگار مادون قرمز
اخ۲ عدسی سنج‌افزار نوری
اخ۳ عدسی دوربین
اخ۲ فلئورسنج
اخ۲ قطبش‌سنج
اخ۲ قطبش‌نما
اخ۲ مقایسه‌گر(نوری)
اخ۳ رنگ‌سنج
اخ۲ نفلومتر
اخ۲ نورچگالی‌سنج
اخ۲ نورسنج
اخ۳ افروزسنج
اخ۳ اکسیژن‌سنج
اخ۳ طیف‌نورسنج
اخ۱ سنج‌افزار هواشناسی
اخ۲ بادسنج
اخ۲ فشارسنج
اخ۲ نم‌سنج
اخ۳ نم‌سنج دمایی
اخ۱ سنج‌افزار هواگرد
اخ۲ ابزار نشانه‌روی بمب
اخ۲ الکترونیک هوایی
اخ۲ پیلوت خودکار
اخ۲ شاخص زاویه حمله

اخ۲ نشانگر برخاست
اخ۲ نشانگر همجواری
اخ۱ سیستم جهت‌یابی رادیویی
اخ۲ جهت‌یاب ادکاک
اخ۱ شتاب‌سنج
اخ۱ شکست‌سنج
اخ۱ شنوایی‌سنج
اخ۱ گرانروی‌سنج
اخ۱ گرانی‌سنج
اخ۱ گرماسنج
اخ۱ گشتاورسنج
اخ۱ لرزه‌نگار
اخ۱ میکروسکوپ
اخ۲ میکروسکوپ الکترونی
اخ۲ میکروسکوپ پرتو ایکس
اخ۲ میکروسکوپ صوتی
اخ۲ میکروسکوپ فتوالکتریک
اخ۲ میکروسکوپ میدان‌گسیل
اخ۲ میکروسکوپ یونی
اخ۱ نشانگر(سنج‌افزار)
اخ۲ سرعت‌نما
اخ۳ بادسنج
اخ۳ دورسنج
اخ۲ سنجنده موج ایستاده
اخ۲ نشانگر سطح مایع
اخ۳ باران‌سنج
اخ۳ درجه سوخت
اخ۲ نشانگر عمق
اخ۲ نشانگر فشار سیال کاری
اخ۲ نشانگر همجواری
او ابزار صوتی
او آزمایش سنج‌افزار
او تابلوی سنج‌افزار
او چرخ‌دنده
او چشمه نور
او خطای سنج‌افزار
او رمز(نماد)
او کالب‌زنی
او کاوند
او کنترل
ان *Instrument*

سنج‌افزار آب‌شناسی

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او آب‌شناسی
ان *Hydrologic instrument*

سنج‌افزار اقیانوس‌شناسی

اع۱ تجهیزات اقیانوس‌شناسی
اع۲ تجهیزات
اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او اقیانوس‌شناسی
ان *Oceanographic instrument*

سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی

ب‌ج *سنجنده الکتریکی*
اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
اخ۱ آمپرسنج
اخ۱ اهم‌سنج
اخ۱ برق‌سنج
اخ۱ بسامدسنج
اخ۱ پل اندازه‌گیری الکتریکی
اخ۱ توان‌سنج
اخ۱ سنجنده ضریب کیفیت
اخ۱ سنجنده موج ایستاده
اخ۱ شاخص تقاضای بیشینه
اخ۱ فازسنج
اخ۱ قطبش نگار
اخ۱ کولن‌سنج
اخ۱ گالوانومتر
اخ۱ لرزش‌نگار پرتو کاتدی
اخ۱ موج‌سنج
اخ۱ نشانگر توالی فاز
اخ۱ نوسان‌نگار
اخ۱ وات‌ساعت‌سنج
اخ۱ وات‌سنج
اخ۱ ولت‌سنج
اخ۲ پتانسیل‌سنج(سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی)
اخ۲ ولت‌سنج الکترونیکی
اخ۲ ولت‌سنج رقمی
او اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
او تراوایی‌سنج(تراوایی مغناطیسی)
او مغناطیس‌سنج
ان *Electric measuring instrument*

سنج‌افزار اندازه‌گیری چگالی

ی‌د یک اصطلاح خیلی عام است، در صورت امکان اصطلاح خاص‌تری به کار برید.
اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
اخ۱ تخلخل‌سنج
اخ۱ چگالی‌سنج
اخ۲ هیدرومتر
اخ۱ کدری‌سنج
اخ۱ نورچگالی‌سنج
ان *Density measuring instrument*

سنج‌افزار اندازه‌گیری دما

اع۱ پیمانه
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اخ۱ تف‌سنج
اخ۱ دماسنج
او تابش‌سنج
او ترموکوپل
او گرماسنج
ان *Temperature measuring instrument*

سنج‌افزار اندازه‌گیری شارش

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
اخ۱ بادسنج
اخ۱ تراوایی‌سنج(تراوایی مکانیکی)
اخ۱ سیلان‌سنج
اخ۲ جریان‌سنج مغناطیسی
اخ۲ رئومتر
اخ۲ سیلان‌سنج فراصوتی
اخ۲ کنتور آب
اخ۲ گازسنج
اخ۱ نم‌سنج خاک
او اندازه‌گیری شارش
او شارش سیال
ان *Flow measuring instrument*

سنج‌افزار اندازه‌گیری صوتی

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او اندازه‌گیری متغیر صوتی
او شنوایی‌سنج
ان *Acoustic measuring instrument*

سنج‌افزار اندازه‌گیری مغناطیسی

ی‌د برای اندازه‌گیری مقادیر مغناطیسی
اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
اخ۱ تراوایی‌سنج(تراوایی مغناطیسی)
اخ۱ شارسنج
اخ۱ مغناطیس‌سنج
او اندازه‌گیری متغیر مغناطیسی
او پسماند مغناطیسی
ان *Magnetic measuring instrument*

سنج‌افزار ثبات

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
اخ۱ ثبات دی‌اکسید گوگرد
اخ۱ ثبات کربن دی‌اکسید
اخ۱ خورشیدنگار
اخ۱ رسام(رایانه)
اخ۱ نوسان‌نگار
او تجهیزات دورپاس
او تجهیزات دورسنجی
او تراگذار
او ضبط‌صوت
او ضبط‌کردن
او ضبط‌کردن داده‌ها
او کنترل فرایند
ان *Recording instrument*

سنج‌افزار خودرو

اع۱ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۲ خودرو
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
او داشبورد خودرو
ان *Automobile instrument*

سنج‌افزار رقمی

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
اخ۱ ولت‌سنج رقمی
او ابزار رقمی
ان *Digital instrument*

سنج‌افزار ریاضی

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
اخ۱ ماشین حساب جیبی
او رایانه
ان *Mathematical instrument*

سنج‌افزار فرابنفش

اع۱ سنج‌افزار نوری
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اخ۱ طیف‌سنج فرابنفش
اخ۲ طیف‌نورسنج فرابنفش
اخ۱ طیف‌نگار فرابنفش
او ابزار فرابنفش
او تابش فرابنفش
ان *Ultraviolet instrument*

سنج‌افزار فضاپیما

اع۱ تجهیزات فضاپیما
اع۲ تجهیزات
اع۲ فضاپیما
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ تجهیزات
اع۳ وسیله نقلیه
اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
ان *Spacecraft instrument*

سنج‌افزار قایق

اع۱ تجهیزات قایق
اع۲ قایق
اع۳ آب‌پیما
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ تجهیزات
اع۳ وسیله نقلیه
اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
ان *Boat instrument*

سنج‌افزار کشتی

اع۱ تجهیزات کشتی
اع۲ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات آب‌پیما
اع۳ آب‌پیما
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ کشتی
اع۳ آب‌پیما
او تجهیزات الکترونیکی کشتی
او تجهیزات برقی کشتی
او زاویه‌یاب
ان *Ship instrument*

سنج‌افزار کنترل دیگ بخار

اع۱ تجهیزات کنترل
اع۲ تجهیزات
اع۱ دیگ بخار
اع۲ مولد بخار
اع۳ تجهیزات گرمایش
او کنترل دیگ بخار
ان *Boiler control instrument*

سنج‌افزارگزینی هسته‌ای

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
اخ۱ آشکارساز ذره‌ای
اخ۲ آشکارساز پرتو کیهانی
اخ۲ اتاقک ابر
اخ۲ اتاقک جرقه
اخ۲ اتاقک یونش
اخ۲ اطاقک حباب
اخ۲ نوترون‌بین
اخ۱ تابش‌شمار
اخ۲ بلورشمار
اخ۲ شمارگر تناسبی
اخ۲ شمارگر سرنکوف
اخ۲ شمارگر سوسوزن
اخ۲ شمارگر گیگر
اخ۲ شمارگر نیم‌رسانا
اخ۱ چرخش‌نمای هسته‌ای
اخ۱ مقدارسنج
او واکنشگاه هسته‌ای
ان *Nuclear instrumentation*

سنج‌افزار مادون قرمز

اع۱ سنج‌افزار نوری
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او ابزار مادون قرمز
ان *Infrared instrument*

سنج‌افزار نقشه‌برداری

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او ارتفاع‌سنج بی‌مایع
او ارتفاع‌سنج رادیویی
او بررسی
او جهت‌یاب(مغناطیسی)
او سنج‌افزار نوری
او مثلث‌بندی
او نقشه‌برداری
ان *Surveying instrument*

سنج‌افزار نوری

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
اخ۱ پراش‌سنج
اخ۱ تداخل‌سنج
اخ۲ سنجه
اخ۲ سنجه فابری‌پرو
اخ۱ تلسکوپ نوری
اخ۱ حساسیت‌سنج
اخ۱ حس‌گر شیمیایی تار نوری
اخ۱ دوربین
اخ۲ دوربین تصویر متحرک
اخ۲ دوربین پرتو ایکس
اخ۲ دوربین دمانما
اخ۲ دوربین زیرآبی
اخ۲ دوربین زیرزمینی
اخ۲ دوربین سرعت بالا
اخ۲ دوربین فراصوتی
اخ۲ دوربین ویدئو
اخ۲ شاتر دوربین
اخ۲ عدسی دوربین
اخ۲ کنترل نوردهی
اخ۱ دیده‌سنج
اخ۱ سنج‌افزار فرابنفش
اخ۲ طیف‌سنج فرابنفش
اخ۳ طیف‌نورسنج فرابنفش
اخ۲ طیف‌نگار فرابنفش
اخ۱ سنج‌افزار مادون قرمز
اخ۱ طیف‌سنج
اخ۲ طیف‌سنج پرتو ایکس
اخ۲ طیف‌سنج تشدید مغناطیسی
اخ۲ طیف‌سنج جرمی
اخ۲ طیف‌سنج ذره‌ای
اخ۳ جداساز ذره
اخ۳ طیف‌سنج پرتو بتا
اخ۳ طیف‌سنج پرتو گاما
اخ۳ طیف‌سنج ذره آلفا
اخ۳ طیف‌سنج نوترونی
اخ۲ طیف‌سنج ریزموجی
اخ۲ طیف‌سنج فرابنفش
اخ۲ طیف‌سنج مادون قرمز
اخ۲ طیف‌نورسنج
اخ۱ طیف‌نگار
اخ۲ تک‌فام‌ساز
اخ۲ طیف‌نگار پرتو ایکس
اخ۲ طیف‌نگار ریزموجی
اخ۲ طیف‌نگار فرابنفش
اخ۲ طیف‌نگار مادون قرمز
اخ۱ عدسی سنج‌افزار نوری
اخ۲ عدسی دوربین
اخ۱ فلئورسنج
اخ۱ قطبش‌سنج
اخ۱ قطبش‌نما
اخ۱ مقایسه‌گر(نوری)
اخ۲ رنگ‌سنج
اخ۱ نفلومتر
اخ۱ نورچگالی‌سنج
اخ۱ نورسنج
اخ۲ افروزسنج
اخ۲ اکسیژن‌سنج
اخ۲ طیف‌نورسنج
اخ۳ طیف‌نورسنج پرتو ایکس
اخ۳ طیف‌نورسنج فرابنفش
اخ۳ طیف‌نورسنج مادون قرمز
او ابزار صوتی‌نوری
او ابزار نوری
او آزمایش نوری
او افشان(نوری)
او آلودگی
او بازتاب‌سنج
او بیراهی
او تجهیزات عکاسی
او چشمه نور
او درون‌بینی
او سنج‌افزار نقشه‌برداری
او سیستم نوری
او قدرت جداکنندگی نوری
او کنترل متغیر نوری
او لوازم عکاسی

او مواد نوری
او موازی‌ساز نوری
او نمایشگر سنج‌افزار
او نور
او نورشناسی
او هم‌خطی
ان *Optical instrument*

سنج‌افزار هواشناسی

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
اخ۱ بادسنج
اخ۱ فشارسنج
اخ۱ نم‌سنج
اخ۲ نم‌سنج دمایی
او بالون هواشناسی
او رادار هواشناسی
او رادیوسوند
او ماهواره هواشناسی
او موشک گمانه‌زنی
او هواشناسی
ان *Meteorological instrument*

سنج‌افزار هواگرد

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
اع۱ قطعات و تجهیزات هواگرد
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ تجهیزات
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ هواگرد
اخ۱ ابزار نشانه‌روی بمب
اخ۱ الکترونیک هوایی
اخ۱ پیلوت خودکار
اخ۱ شاخص زاویه حمله
اخ۱ نشانگر برخاست
اخ۱ نشانگر همجواری
او ارتفاع‌سنج بی‌مایع
او ارتفاع‌سنج رادیویی
او تجهیزات رادار هواگرد
او تلفن رادیویی
او تنظیم‌گر اکسیژن
او درجه سوخت
او دورسنج
او زاویه‌یاب
او ژیروسکپ
او سیستم جهت‌یابی رادیویی
او سیستم فرود هواگرد
ان *Aircraft instrument*

سنجش

اع۱ اندازه‌گیری
او پیمانه
ان *Gaging*

سنجش حجمی

اع۱ تجزیه شیمیایی
اع۲ تجزیه و تحلیل
اخ۱ تیترکردن
او اندازه‌گیری
او تجزیه سوخت گازی
او تجزیه قطبش‌نگاری
او تجزیه مقادیر خیلی کم
او تجزیه وزنی
ان *Volumetric analysis*

سنجش زیستی

اع۱ عیار
اع۲ تجزیه شیمیایی
اع۳ تجزیه و تحلیل
او مواد زیست‌شناختی
ان *Bioassay*

سنجش وضعیت

اع۱ اندازه‌گیری متغیر فضایی
اع۲ اندازه‌گیری
او ردیابی(مکان)
او کنترل وضعیت
او مکانیسم فرمان‌یار
او موتور فرمان‌یار
ان *Position measurement*

سنجنده الکتریکی

ب‌ک سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی

سنجنده ضریب کیفیت

اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات

اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او اندازه‌گیری ضریب کیفیت
ان *Q meter*

سنجنده موج ایستاده
اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۱ نشانگر(سنج‌افزار)
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او تابش‌سنج
او تطابق پاگیری(الکتریکی)
ان *Standing wave meter*

سنجه
اع۱ تداخل‌سنج
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
او سنجه فابری‌پرو
ان *Etalon*

سنجه بادی
اع۱ پیمانه
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۱ تجهیزات بادی
اع۲ تجهیزات
ان *Pneumatic gage*

سنجه حلقوی
اع۱ پیمانه
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او حلقه(اجزا)
ان *Ring gage*

سنجه رزوه پیچ
اع۱ پیمانه
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
ان *Screw thread gage*

سنجه فابری‌پرو
اع۱ تداخل‌سنج
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
او سنجه
ان *Fabry-Perot interferometer*

سنکروترون
اع۱ شتاب‌دهنده ذره
اع۲ تجهیزات
او تابش سنکروترون
ان *Synchrotron*

سنکروسیکلوترون
اع۱ شتاب‌دهنده ذره
اع۲ تجهیزات
ان *Synchrocyclotron*

سنگ
اع۱ مواد
اخ۱ سنگ بلوری
اخ۲ سنگ آذرین
اخ۳ سنگ آتشفشانی
اخ۳ گرانیت
اخ۲ سنگ دگرگونی
اخ۳ استاتیت
اخ۳ سنگ لوح
اخ۳ مرمر
اخ۱ سنگ رسوبی
اخ۲ پلمه‌سنگ
اخ۳ پلمه‌سنگ کربن‌دار
اخ۲ سنگ آهک
اخ۲ ماسه‌سنگ
او آب‌خیز
او آب‌سنگ
او استخراج روباز
او زمین‌ساخت
او زمین‌شناسی
او سنگ‌شناسی
او شن
او صخره‌شناسی
او کانی
او ماسه

او مته سنگ‌شکن
او معدن روباز
او مکانیک سنگ
او منبع طبیعی
او نگاربرداری صوتی
او هوازدگی
ان *Rock*

سنگ آتشفشانی

اع۱ سنگ آذرین
اع۲ سنگ بلوری
اع۳ سنگ
اع۳ مواد بلوری
اخ۱ بازالت
او آتشفشان
او زمین‌شیمی
او سنگ‌شناسی
ان *Volcanic rock*

سنگ آذرین

اع۱ سنگ بلوری
اع۲ سنگ
اع۳ مواد
اع۲ مواد بلوری
اع۳ مواد
اخ۱ سنگ آتشفشانی
اخ۲ بازالت
اخ۱ گرانیت
او سنگ‌شناسی
ان *Igneous rock*

سنگ آهک

اع۱ سنگ رسوبی
اع۲ سنگ
اع۳ مواد
او آهک
او مرمر
او مصالح راه‌سازی
ان *Limestone*

سنگ بلوری

اع۱ سنگ
اع۲ مواد
اع۱ مواد بلوری
اع۲ مواد

اخ۱ سنگ آذرین
اخ۲ سنگ آتشفشانی
اخ۳ بازالت
اخ۲ گرانیت
اخ۱ سنگ دگرگونی
اخ۲ استاتیت
اخ۲ سنگ لوح
اخ۲ مرمر
او سنگ‌شناسی
ان *Crystalline rock*

سنگ‌پکش

او خطر
او گازپکش
او معدن‌کاری
او مکانیک سنگ
ان *Rock burst*

سنگ‌تراشی

ب‌ک برش بلور

سنگ‌تیزکنی

اع۱ نگهداشت
او چرخ سنگ‌زنی
ان *Wheel dressing*

سنگ‌چین پوششی

اع۱ سازه
او خاکریز
او راه آبی درون‌مرزی
او رخ‌پوش
ان *Revetment*

سنگدانه بتن

اع۱ بتن
اع۲ مصالح بنایی
اع۳ مصالح ساختمانی
اع۲ مواد مختلط
اع۳ مواد
اع۱ مصالح سنگی
اع۲ مواد
او خاک اره
او خاکستر سبک
او شیشه

ان *Concrete aggregate*

سنگ دگرگونی

اع۱ سنگ بلوری
اع۲ سنگ
اع۳ مواد
اع۲ مواد بلوری
اع۳ مواد
اخ۱ استاتیت
اخ۱ سنگ لوح
اخ۱ مرمر
او سنگ‌شناسی
ان *Metamorphic rock*

سنگ دیواره

اع۱ کانسار
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
ان *Wall rock*

سنگ رسوبی

اع۱ سنگ
اع۲ مواد
اخ۱ پلمه‌سنگ
اخ۲ پلمه‌سنگ کربن‌دار
اخ۳ پلمه‌سنگ نفتی
اخ۱ سنگ آهک
اخ۱ ماسه‌سنگ
او سنگ‌شناسی
ان *Sedimentary rock*

سنگ‌زنی
ب‌ک سنگ‌زنی(تراشکاری)

سنگ‌زنی(تراشکاری)

ب‌ج سنگ‌زنی
ب‌ج *سنگ‌زنی سایشی*
اع۱ برش سایشی
اع۲ برش
اع۱ ماشین‌کاری
اخ۱ آسیاب‌کردن گلوله‌ای
اخ۱ سنگ‌زنی بی‌مرغک
او تراشیدن
او تنش‌زدایی
او جلاکاری
او چرخ سنگ‌زنی
او سایش مواد
او فرزکاری(تراشکاری)
او فلزتراشی
او ماشین سنگ‌زنی
ان *Grinding (machining)*

سنگ‌زنی(خردایش)
ب‌ک آسیاب‌کردن

سنگ‌زنی بی‌مرغک

اع۱ سنگ‌زنی(تراشکاری)
اع۲ برش سایشی
اع۳ برش
اع۲ ماشین‌کاری
ان *Centerless grinding*

سنگ‌زنی رزوه

اع۱ ماشین سنگ‌زنی
اع۲ ماشین‌ابزار
اع۳ ابزار
اع۳ ماشین‌آلات
او پیچ
او پیچ‌تراشی
او رزوه پیچ
ان *Thread grinder*

سنگ‌زنی سایشی
ب‌ک سنگ‌زنی(تراشکاری)

سنگ‌شکن

ب‌ج *ماشین سنگ‌شکنی*
اع۱ ماشین‌آلات
او آسیاب
او آماده‌سازی زغال‌سنگ
او تجهیزات جابه‌جایی مواد
او دانه‌ساز
او سنگ‌شکنی
ان *Crusher*

سنگ‌شکنی

اع۱ خردسازی
اع۲ فراورش

اع۳ ساختن
او دانه‌سازی
او سنگ‌شکن
او شکست زغال‌سنگ
او عمل‌آوری کان‌سنگ
او فروپاشی
او کارخانهٔ سنگ‌شکنی
ان *Crushing*

سنگ‌شناسی

اع۱ زمین‌شناسی
اع۲ علوم زمین
اع۳ علوم طبیعی
او رسوب‌شناسی
او زمین(سیاره)
او زمین‌شناسی نفت
او زمین‌شیمی
او زمین‌فیزیک
او سنگ
او سنگ آتشفشانی
او سنگ آذرین
او سنگ بلوری
او سنگ دگرگونی
او سنگ رسوبی
او سنگ‌نگاری
او کانسار
او مکانیک سنگ
ان *Petrology*

سنگ‌کاری پرداخت

اع۱ برش
اع۱ تکمیل
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
او ماشین سنگ‌کاری پرداخت
ان *Honing*

سنگ گرانبها

ب‌ک گوهر

سنگ لوح

اع۱ سنگ دگرگونی
اع۲ سنگ بلوری
اع۳ سنگ
اع۳ مواد بلوری
او پلمه‌سنگ
او مصالح ساختمانی
ان *Slate*

سنگ‌نگاری

اع۱ زمین‌شناسی
اع۲ علوم زمین
اع۳ علوم طبیعی
او زغال‌سنگ
او سنگ‌شناسی
ان *Petrography*

سوارش

ب‌ج *مونتاژ تجهیزات*
اع۱ اجزا
اخ۱ دسته موتور
اخ۱ سوارش پادارتعاش
اخ۱ سوارش یاتاقان
ان *Mounting*

سوارش پادارتعاش

اع۱ سوارش
اع۲ اجزا
او ارتعاش ماشین
او دسته موتور
او ضربه‌گیر
او ماشین‌ابزار
او ماشین‌آلات
او موتور درون‌سوز
ان *Antivibration mounting*

سوارش یاتاقان

اع۱ سوارش
اع۲ اجزا
او یاتاقان(قسمت‌های ماشین)
ان *Bearing mounting*

سواسازی(فلزنگاری)

اع۱ فلزنگاری
او پرعیارسازی
او درونمانده
او گداز
ان *Segregation (metallography)*

سوپاپ

اع۱ تجهیزات کنترل مکانیکی
اع۲ تجهیزات کنترل
اع۳ تجهیزات
اخ۱ سوپاپ اطمینان
اخ۱ شیر فشارشکن
اخ۲ صفحه گسیختگی
او آب‌بندی
او تجهیزات هیدرولیکی
او خط‌لوله
او ضربه قوچ
او کارانداز
او میان‌پرده
او نشت‌بند
ان *Valve (mechanical)*

سوپاپ اطمینان

اع۱ سوپاپ
اع۲ تجهیزات کنترل مکانیکی
اع۳ تجهیزات کنترل
او ابزار ایمنی
او خط‌لوله بخار
او دیگ بخار
او دیگ فشار
ان *Safety valve*

سوپاپ یکسوساز

ب‌ک پک‌سوساز لامپی الکترونی

سوخت

اع۱ مواد
اخ۱ آمیزه روغنی زغال‌سنگ
اخ۱ افزودنی سوخت
اخ۲ ترکیبات ضدکوبش
اخ۱ جانشین گاز طبیعی
اخ۱ سوخت پودرشده
اخ۱ سوخت چوبی
اخ۱ سوخت خودرو
اخ۱ سوخت دیزلی
اخ۱ سوخت فسیلی
اخ۲ زغال‌سنگ
اخ۳ آنتراسیت
اخ۳ زغال قیری
اخ۳ لیگنیت
اخ۲ زغال‌سنگ نارس
اخ۲ نفت پلمه‌سنگ
اخ۲ نفت خام
اخ۱ سوخت کوره
اخ۱ سوخت گازی
اخ۲ سوخت گازی مخلوط
اخ۲ گاز طبیعی
اخ۳ گاز ترش
اخ۳ گاز طبیعی مایع
اخ۱ سوخت مایع
اخ۲ بنزین
اخ۲ پیشران مایع
اخ۲ روغن سوختی
اخ۳ سوخت باقیمانده
اخ۲ گازول
اخ۲ نفت سفید
اخ۱ سوخت مصنوعی
اخ۲ سوخت الکلی
اخ۳ سوخت اتانولی
اخ۳ سوخت متانولی
اخ۲ سوخت هیدروژنی
اخ۱ سوخت هسته‌ای
اخ۲ حبه سوخت هسته‌ای
اخ۲ سوخت اکسیدی مخلوط
اخ۲ سوخت مصرف‌شده
اخ۲ عنصر سوخت هسته‌ای
اخ۱ سوخت هواگرد
اخ۱ گلوله سوختی اندوده
او اتم‌سازی
او ارزش گرمایی
او اقتصاد سوخت
او بوتان
او تعیین گوگرد
او تولید نیرو
او جستجوی شعله
او چوب
او خالص‌سازی سوخت
او خشته
او درجه‌بندی ضدکوبش
او دستگاه سوخت‌رسانی
او ذخیره سوخت
او ذخیره سوخت گازی
او زغال چوب
او کک
او محصول تقطیر نفت
او مشعل گازی
او مصرف سوخت

ان *Fuel*

سوخت آما

اع۱ موتور درون‌سوز
اع۲ ماشین گرمایی
اع۳ موتور(با منبع انرژی درونی)
ان *Carburetor*

سوخت اتانولی

اع۱ سوخت الکلی
اع۲ سوخت مصنوعی
اع۳ سوخت
او اتانول
او سوخت خودرو
او سوخت دیزلی
او گازول
ان *Ethanol fuel*

سوخت اکسیدی مخلوط

اع۱ سوخت هسته‌ای
اع۲ سوخت
اع۳ مواد
اع۲ منبع انرژی
او اکسید
او سوخت هسته‌ای
او مواد سرامیکی
ان *Mixed oxide fuel*

سوخت الکلی

اع۱ سوخت مصنوعی
اع۲ سوخت
اع۳ مواد
اخ۱ سوخت اتانولی
اخ۱ سوخت متانولی
او الکل
او سوخت خودرو
او سوخت دیزلی
او گازول
ان *Alcohol fuel*

سوخت باقیمانده

ب‌ج سوخت سنگین
اع۱ روغن سوختی
اع۲ سوخت مایع
اع۳ سوخت
ان *Residual fuel*

سوخت‌پاش پلاسما

اع۱ جت
اع۲ تجهیزات
او ابزار پلاسما
او کاربرد پلاسما
ان *Plasma jet*

سوخت پودرشده

اع۱ سوخت
اع۲ مواد
او دیگ بخار با سوخت پودرشده
ان *Pulverized fuel*

سوخت چوبی

اع۱ سوخت
اع۲ مواد
اع۱ منبع انرژی
او چوب
او زغال چوب
او زیست‌توده
ان *Wood fuel*

سوخت خودرو

اع۱ سوخت
اع۲ مواد
او بنزین
او خودرو
او سوخت اتانولی
او سوخت الکلی
او سوخت دیزلی
او سوخت مایع
او سوخت متانولی
او سوخت هواگرد
او سوخت هیدروژنی
او گازول
او موتور بار لایه‌ای
ان *Automotive fuel*

سوخت دیزلی

اع۱ سوخت
اع۲ مواد

اع۱ فراورده نفتی
اع۲ مواد
او سوخت اتانولی
او سوخت الکلی
او سوخت خودرو
او سوخت مایع
او سوخت متانولی
او گازوئیل
او موتور دیزل
او نیروگاه دیزلی
ان *Diesel fuel*

سوخت‌رسان کوره
اع۱ تجهیزات گرمایش
اع۲ تجهیزات
او آتش‌زنی دیگ بخار
او دیگ بخار
او کوره
او ماشین بخار
ان *Stoker*

سوخت سنگین
ب‌ک سوخت باقیمانده

سوخت فسیلی
اع۱ سوخت
اع۲ مواد
اع۱ منبع انرژی
اخ۱ زغال‌سنگ
اخ۲ آنتراسیت
اخ۲ زغال قیری
اخ۲ لیگنیت
اخ۱ زغال‌سنگ نارس
اخ۱ نفت پلمه‌سنگ
اخ۱ نفت خام
او پلمه‌سنگ نفتی
او ذخیره سوخت فسیلی
او ماسه نفت‌دار
او نیروگاه سوخت فسیلی
او هیدروکربن
ان *Fossil fuel*

سوخت کوره
اع۱ سوخت
اع۲ مواد
او روغن سوختی
او زغال‌سنگ
او کک
او کوره
ان *Furnace fuel*

سوخت گازی
ب‌ج *گاز سوختی*
اع۱ سوخت
اع۲ مواد
اخ۱ سوخت گازی مخلوط
اخ۱ گاز طبیعی
اخ۲ گاز ترش
اخ۲ گاز طبیعی مایع
او اندازه‌گیری سوخت گازی
او تجزیه سوخت گازی
او تهویه مطبوع با سوخت گازی
او خالص‌سازی سوخت گازی
او ذخیره سوخت گازی
او ساختن سوخت گازی
او کوره گازسوز
او مشعل گازی
او وسیله گازی
ان *Gas fuel*

سوخت گازی مخلوط
اع۱ سوخت گازی
اع۲ سوخت
اع۳ مواد
او ساختن سوخت گازی
ان *Mixed gas fuel*

سوخت‌گیری
اع۱ جابه‌جایی مواد
اخ۱ سوخت‌گیری کشتی
اخ۱ سوخت‌گیری هواگرد
او آتش‌زنی دیگ بخار
او خودرو
او کشتی
او وسیله نقلیه
ان *Fueling*

سوخت‌گیری کشتی
اع۱ سوخت‌گیری
اع۲ جابه‌جایی مواد

او کشتی
ان *Ship fueling*

سوخت‌گیری هواگرد

اع۱ سوخت‌گیری
اع۲ جابه‌جایی مواد
او تجهیزات سوختگیری هواگرد
او سوخت هواگرد
او هواگرد
ان *Aircraft fueling*

سوخت مایع

اع۱ سوخت
اع۲ مواد
اخ۱ بنزین
اخ۱ پیشران مایع
اخ۱ روغن سوختی
اخ۲ سوخت باقیمانده
اخ۱ گازول
اخ۱ نفت سفید
او اتم‌سازی
او سوخت خودرو
او سوخت دیزلی
او سوخت هواگرد
او گاز طبیعی مایع
او گاز نفتی مایع
او میعان
ان *Liquid fuel*

سوخت متانولی

اع۱ سوخت الکلی
اع۲ سوخت مصنوعی
اع۳ سوخت
او سوخت خودرو
او سوخت دیزلی
او گازول
او متانول
ان *Methanol fuel*

سوخت متناوب
ب‌ک سوخت مصنوعی

سوخت مصرف‌شده

اع۱ سوخت هسته‌ای
اع۲ سوخت
اع۳ مواد
او منبع انرژی
او پسمانده پرتوزا
او محصول شکافت هسته‌ای
او واکنشگاه هسته‌ای
ان *Spent fuel*

سوخت مصنوعی

ب‌ج سوخت *متناوب*
اع۱ سوخت
اع۲ مواد
اخ۱ سوخت الکلی
اخ۲ سوخت اتانولی
اخ۲ سوخت متانولی
اخ۱ سوخت هیدروژنی
او بیوگاز
او گاز زغال‌سنگ
او گازکردن زغال‌سنگ
او میعان زغال‌سنگ
ان *Synthetic fuel*

سوختن
ب‌ک احتراق

سوختن سوخت درجه پایین

ی‌د شامل تفاله نیشکر،چوب ذرت،پسمانده و ...
اع۱ آتش‌زنی دیگ بخار
او تفاله نیشکر
او زباله
او منبع تجدیدشدنی انرژی
ان *Low grade fuel firing*

سوخت نفتی
ب‌ک روغن سوختی

سوخت و ساز

ب‌ج *متابولیسم*
او آنزیم
او تخمیر
او زیست‌شیمی
او ماحصل سوخت و ساز
ان *Metabolism*

سوخت هسته‌ای

اع۱ سوخت
اع۲ مواد
اع۱ منبع انرژی
اخ۱ حبه سوخت هسته‌ای
اخ۱ سوخت اکسیدی مخلوط
اخ۱ سوخت مصرف‌شده
اخ۱ عنصر سوخت هسته‌ای
او انرژی هسته‌ای
او اورانیم کاربید
او پوشش سوخت هسته‌ای
او تجدید سوخت واکنشگاه
او تسویه مجدد سوخت هسته‌ای
او تعدیل‌کننده
او حسابداری سوخت هسته‌ای
او حفاظت مواد هسته‌ای
او سوخت اکسیدی مخلوط
او صنعت هسته‌ای
او عمل واکنشگاه
او گلوله سوختی اندوده
او مهندسی هسته‌ای
او واکنشگاه هسته‌ای
ان *Nuclear fuel*

سوخت هواگرد

اع۱ سوخت
اع۲ مواد
او تجهیزات سوختگیری هواگرد
او سوخت خودرو
او سوخت مایع
او سوخت‌گیری هواگرد
او هواگرد
ان *Aircraft fuel*

سوخت هیدروژنی

اع۱ سوخت مصنوعی
اع۲ سوخت
اع۳ مواد
او پیشران(مواد)
او سوخت خودرو
او هیدروژن
ان *Hydrogen fuel*

سود سوزآور

اع۱ ترکیبات سدیم
اع۲ ترکیبات فلز قلیایی
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ ترکیبات معدنی هیدروژنی
اع۲ ترکیبات معدنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
ان *Caustic soda*

سوده

اع۱ تجهیزات
اخ۱ سوده الکتریکی
اخ۲ تجهیزات سودهی تلفن
اخ۳ تجهیزات تقاطعی
اخ۳ تخته‌کلید تلفن
اخ۲ دماپای
اخ۲ رله الکتریکی
اخ۳ تماسگر الکتریکی
اخ۳ رله زبانه‌ای
اخ۳ رله فوتوالکتریک
اخ۳ رله نیم‌رسانا
اخ۲ سوده زمانی
اخ۲ سوده نیم‌رسانا
اخ۲ شکاف جرقه الکتریکی
اخ۲ کریوترون
اخ۲ مدارشکن الکتریکی
اخ۳ مدارشکن هواانفجار
اخ۳ مدارشکن روغنی
اخ۳ مدارشکن هگزافلورید گوگردی
اخ۱ سوده نوری
او سیستم سودهی
او شبکه سودهی
او نظریه سودهی
او وسایل کنترل نهایی
ان *Switch*

سوده الکتریکی

اع۱ سوده
اع۲ تجهیزات
اخ۱ تجهیزات سودهی تلفن
اخ۲ تجهیزات تقاطعی
اخ۲ تخته‌کلید تلفن
اخ۱ دماپای
اخ۱ رله الکتریکی
اخ۲ تماسگر الکتریکی
اخ۲ رله زبانه‌ای
اخ۲ رله فوتوالکتریک

اخ۲ رله نیم‌رسانا
اخ۱ سوده زمانی
اخ۱ سوده نیم‌رسانا
اخ۱ شکاف جرقه الکتریکی
اخ۱ کریوترون
اخ۱ مدارشکن الکتریکی
اخ۲ مدارشکن هواانفجار
اخ۲ مدارشکن روغنی
اخ۲ مدارشکن هگزافلورید گوگردی
او ابزار کنترل الکتریکی نهایی
او اتصال الکتریکی
او تجهیزات رادیویی
او جابه‌جایی الکتریکی
او فیوز
او کنترل فرایند
او مدار سودهی
ان *Electric switch*

سوده زمانی

اع۱ سوده الکتریکی
اع۲ سوده
اع۳ تجهیزات
ان *Time switch*

سوده نوری

اع۱ سوده
اع۲ تجهیزات
او تجهیزات ارتباط نوری
او سیستم سودهی
ان *Optical switch*

سوده نیم‌رسانا

اع۱ ابزار نیم‌رسانا
اع۲ ابزار حالت جامد
اع۳ دستگاه الکترونی
اع۱ سوده الکتریکی
اع۲ سوده
اع۳ تجهیزات
او تیریستور
ان *Semiconductor switch*

سودهی

اخ۱ سودهی Q
اخ۱ سودهی ترتیبی
اخ۱ سودهی ترکیبی
اخ۱ سوزن‌بانی(خط نورد)
او تابع سودهی
او سیستم سودهی
او مدار سودهی
او منطق ترتیبی ناهمگام
او نظریه سودهی
ان *Switching*

سودهی Q

اع۱ سودهی
او ابزار الکترونوری
او لیزر با سوئیچ Q
ان *Q switching*

سودهی انتقال بسامدی

اع۱ مدولاسیون بسامد
اع۲ مدوله‌سازی
ان *Frequency shift keying*

سودهی انتقال فاز

اع۱ مدوله‌سازی فاز
اع۲ مدوله‌سازی
ان *Phase shift keying*

سودهی بسته‌بیتی

اع۱ همتافتگری تقسیم زمانی
اع۲ همتافتگری
او ارتباط دیداری
او سیستم ارتباط داده‌ای
او شبکه بسته‌بیتی
او شبکه رایانه‌ای
او مخابره ناهمگام
ان *packet switching*

سودهی ترتیبی

اع۱ سودهی
او مدار ترتیبی
او منطق ترتیبی ناهمگام
او نظریه سودهی
ان *Sequential switching*

سودهی ترکیبی

اع۱ سودهی
او نظریه سودهی

ان *Combinatorial switching*

سوراخ‌کاری

اع۱ شکل‌دهی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او پرس‌کاری فلز
او حفاری
او حفره‌کنی
او خان‌کشی
او روزن‌رانی
او سردکاری
او ماشین‌کاری
او مشبک‌کاری
او منگنه‌کاری
ان *Piercing*

سوراخ‌کن

ی‌د تجهیزات چاه
اع۱ تجهیزات چاه
اع۲ تجهیزات
او حفاظ چاه نفت
او مشبک‌کاری چاه
ان *Perforator*

سوزآوری

ب‌ک پهاش

سوزن

اع۱ تجهیزات
او سرنگ
ان *Needle*

سوزن‌بانی(خط نورد)

اع۱ سودهی
او خط نورد راه‌آهن
او لکوموتیو
ان *Switching (rolling stock)*

سوزن راه‌آهن

اع۱ مسیر راه‌آهن
اع۲ کارخانه و ساختمان تجهیزات راه‌آهن
اع۳ تسهیلات
اع۳ راه‌آهن
ان *Railroad track switch*

سوسوزن

ب‌ک شب‌تاب

سوسوزنی

او شب‌تاب
او شب‌تابی
او شمارگر سوسوزن
ان *Scintillation*

سولفوردارکردگی

اع۱ واکنش شیمیایی
ان *Sulfonation*

سولفوریک اسید

اع۱ اسید معدنی
اع۲ اسید
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ ترکیبات معدنی هیدروژنی
اع۳ ترکیبات معدنی
ان *Sulfuric acid*

سولفید روی

اع۱ ترکیبات روی
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ ترکیبات گوگرد
اع۲ ترکیبات شیمیایی
ان *Zinc sulfide*

سولیتون

او فونون
او معادله غیرخطی
او موج شوکی
ان *Soliton*

سونار

اع۱ آشکارساز
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۱ تجهیزات صوتی
اع۲ تجهیزات
او ابزار پیزوالکتریکی

او ابزار دگرسانی مغناطیسی
او انتقال موج صوتی
او اندازه‌گیری مسافت
او دستگاه گمانه‌زنی
او ردیابی(مکان)
او صوت‌شناسی زیرآبی
او ناوبری
او هیدروفون
ان *Sonar*

سوهان و چوب‌سا ی

ب‌ج *چوب‌سای*
اع۱ ابزار تراش
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات برش
اع۳ تجهیزات
اع۱ سرمته
او دست‌افزار
ان *File and rasp*

سه‌برابرکننده بسامد

ب‌ک مدار ازدیاد بسامد

سه‌بسپار

اع۱ هم‌بسپار
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
اع۱ رزین آ.بی.اس.
او سه‌بسپارش
او هم‌بسپار پیوندی
او هم‌بسپار دسته‌ای
ان *Terpolymer*

سه‌بسپارش

اع۱ بسپارش
اع۲ واکنش شیمیایی
او سه‌بسپار
او هم‌بسپارش
ان *Terpolymerization*

سه‌بعدی

او ابزار نمایش
او تمام‌نگار
او گرافیک رایانه‌ای سه‌بعدی
او هندسه
ان *Three dimensional*

سه‌نظام

اع۱ ابزار
اع۲ تجهیزات
او ابزار گیرش
ان *Chucks*

سی(زبان برنامه‌نویسی)

اع۱ زبان سطح بالا
اع۲ زبان برنامه‌نویسی رایانه
او سیستم عامل رایانه
او یونیکس(سیستم عامل)
ان *C (programming language)*

سی.تی.اسکن

ب‌ک برش‌نگاری رایانه‌ای

سی.دی.رام

اع۱ انباره دیسک نوری
اع۲ ذخیره داده‌های نوری
اع۳ تجهیزات ذخیره داده‌ها
اع۱ دیسک فشرده
ان *CD-ROM*

سیاره

اع۱ منظومه شمسی
او پرواز بین‌سیاره‌ای
او جو برون زمینی
ان *Planet*

سیاست انرژی

اع۱ سیاست عمومی
او اقتصاد
او بقای انرژی
او به‌کاربری انرژی
او منبع انرژی
ان *Energy policy*

سیاست دولت

ب‌ک سیاست عمومی

سیاست عمومی

ب‌ج *سیاست دولت*
اخ۱ سیاست انرژی
او اقتصاد
او خطرپذیری عمومی
او قانون و قانونگزاری
او مالیات‌بندی
ان *Public policy*

سیال

ب‌ج *شاره*
اع۱ مواد
اخ۱ سیال سازندشکافی
اخ۱ سیال مغناطیسی
اخ۱ سیال هیدرولیکی
اخ۱ گاز
اخ۲ بخار
اخ۳ بخار(آب)
اخ۲ گاز بی‌اثر
اخ۳ آرگون
اخ۳ رادون
اخ۳ زنون
اخ۳ کریپتون
اخ۳ نئون
اخ۳ هلیم
اخ۲ گاز پرتوزاد
اخ۳ رادون
اخ۲ گاز خروجی
اخ۳ گاز دودکش
اخ۲ گاز زغال
اخ۲ گاز زغال‌سنگ
اخ۲ گاز سنتز
اخ۱ گل حفاری
اخ۲ محیط دورانی
اخ۱ مایع
اخ۲ شکر مایع
اخ۲ فلز مذاب
اخ۲ گاز مایع
اخ۳ گاز طبیعی مایع
اخ۳ گاز نفتی مایع
اخ۳ متان مایع
اخ۳ هلیم ابرسیال
اخ۲ مایع برودتی
اخ۲ مایع جوشان
اخ۳ جوشش هسته‌ای
اخ۲ مایع غیرنیوتنی
اخ۲ مایع نیم‌رسانا
اخ۲ مایع نیوتنی
اخ۲ محلول
اخ۳ محلول آبکاری برقی
اخ۳ محلول ضدیخ
اخ۲ مواد مذاب
اخ۱ مواد خنک‌کاری
اخ۱ هوا
اخ۲ هوای فشرده
او دینامیک سیالات
او مکانیک‌سیالات
ان *Fluids*

سیال سازندشکافی

اع۱ سیال
اع۲ مواد
او آب‌شکست
او ایجاد شکستگی(چاه نفت)
او چاه نفتی
ان *Fracturing fluid*

سیال‌سازی

اع۱ عملیات شیمیایی
او بستر سیال
ان *Fluidization*

سیال‌شناسی

اع۱ مکانیک
او اندازه‌گیری شارش
او جریان غیرنیوتنی
او جریان مومسان
او رئومتر
او شارش جامد
او کشسانی
او گرانروی
او مایع غیرنیوتنی
او مومسانی
او مووینگی
او ویسکوالاستیسیته
او ویسکوپلاستیسیته
ان *Rheology*

سیال مغناطیسی

اع۱ سیال

اع۲ مواد
اع۱ مواد مغناطیسی
اع۲ مواد
ان *Magnetic fluid*

سیال هیدرولیکی
اع۱ سیال
اع۲ مواد
او تجهیزات هیدرولیکی
او ماشین‌آلات هیدرولیکی
او محرک هیدرولیکی
ان *Hydraulic fluid*

سیالیت
ب‌ج *آزمایش سیالیت*
اع۱ ویژگی فیزیکی
او گرانروی
ان *Fluidity*

سیانورکاری
ب‌ج *سیانورکاری گازی*
ب‌ج *کربونیتروژن‌دهی*
اع۱ سخت‌کاری سطحی
اع۲ سخت‌گردانی
اع۲ عملیات حرارتی
او نیتروژن‌دهی
ان *Carbonitriding*

سیانورکاری گازی
ب‌ک سیانورکاری

سیانید
اع۱ ترکیبات معدنی کربن
اع۲ ترکیبات معدنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات نیتروژن
اع۲ ترکیبات شیمیایی
ان *Cyanide*

سیبرنتیک
اع۱ علم سیستم‌ها
اخ۱ زیستارشناسی
اخ۱ سیبرنتیک اقتصادی
اخ۱ سیستم تطبیقی
اخ۲ سیستم کنترل تطبیقی
اخ۳ سیستم کنترل خودتنظیم
اخ۳ سیستم کنترل خودکوک
اخ۱ کنترل زیستی
اخ۱ مدل مغز
اخ۱ هوش مصنوعی
اخ۲ مهندسی دانش
اخ۳ کسب دانش
اخ۳ نمایش دانش
او آدمک
او آدمک‌شناسی
او ارتباطات زیستی
او ارگونومی
او الگوشناسی
او پس‌خورد
او سیستم انسان و ماشین
او سیستم یادگیری
او شبکه عصبی
او کنترل فرایند
او نظریه کنترل
ان *Cybernetics*

سیبرنتیک اقتصادی
اع۱ سیبرنتیک
اع۲ علم سیستم‌ها
او اقتصاد
ان *Economic cybernetics*

سیرن
ب‌ج *آژیره*
اع۱ مولد صوتی
اع۲ تجهیزات صوتی
اع۳ تجهیزات
او سیستم اخطار
او سیستم علائم
ان *Siren*

سیستم تبرید تبخیری
اع۱ سیستم سرمایش
اع۲ تجهیزات
او تبخیرکننده
او تهویه مطبوع
ان *Evaporative cooling system*

سیستم فرمان و کنترل

ب‌ج سیستم سی سه
اع۱ سیستم کنترل رایانه‌ای
اع۲ سیستم کنترل
اع۲ کاربرد رایانه
اع۳ کاربرد
او ارتباطات نظامی
او تصمیم‌گیری
ان *Command and control system*

سیستم کنترل بنگ بنگ

اع۱ سیستم کنترل
او سیستم غیرخطی
او سیستم کنترل غیرخطی
او سیستم کنترل قطع و وصل
ان *Bang bang control system*

سیستم کنترل رقمی

اع۱ سیستم کنترل
اخ۱ سیستم کنترل رقمی مستقیم
او سیستم کنترل رایانه‌ای
او سیستم کنترل عددی
ان *Digital control system*

سیستم کنترل رقمی مستقیم

اع۱ سیستم کنترل رقمی
اع۲ سیستم کنترل
ان *Direct digital control system*

سیستم کنترل زمان گسسته

ب‌ج سیستم کنترل گسسته
اع۱ سیستم کنترل
اخ۱ سیستم کنترل داده‌های نمونه‌ای
ان *Discrete time control system*

سیستم(متالورژیکی)

اخ۱ سیستم سه‌تایی
او آلیاژ دوتایی
او نمودار فازی
ان *System (metallurgical)*

سیستم آب‌پاشی(اطفای حریق)

اع۱ تجهیزات اطفای حریق
اع۲ تجهیزات
او ابزار ایمنی
او حفاظت در مقابل آتش‌سوزی
ان *Sprinkler system (fire fighting)*

سیستم آب‌رسانی

اع۱ تاسیسات آبی
اع۲ تسهیلات
اخ۱ خط‌لوله آب
اخ۱ سیستم توزیع آب
اخ۲ رابط ضربدری(توزیع آب)
اخ۲ سیستم پخش آب گرم
اخ۲ سیستم لوله‌کشی آب
او آب‌رسانی
ان *Water supply system*

سیستم آب‌فشان(آبیاری)

او آبیاری
ان *Sprinkler system (Irrigation)*

سیستم اخطار

اع۱ سیستم امنیتی
اع۲ تجهیزات
اع۱ سیستم علائم
اع۲ سیستم ارتباطی
اخ۱ سیستم اخطار حریق
او ابزار ایمنی
او آشکارساز
او آشکارساز دود
او پایش
او حفاظت
او دورفرمان
او سیرن
او سیستم هشدار رادار
او سیگنال‌دهی
او محافظت تجهیزات الکتریکی
او نشانگر(سنج‌افزار)
ان *Alarm system*

سیستم اخطار حریق

اع۱ سیستم اخطار
اع۲ سیستم امنیتی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سیستم علائم
اع۳ سیستم ارتباطی
او ابزار ایمنی
او حفاظت در مقابل آتش‌سوزی

ان *Fire alarm system*

سیستم ارتباطات صوتی‌داده‌ای

بج *ارتباطات اطلاعاتی و صوتی*
بج *شبکه رقمی خدمات مجتمع*
اع۱ سیستم مخابراتی رقمی
اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
او انتقال گفتار
او مخابره ناهمگام
ان *Voice/data communication system*

سیستم ارتباط تصویری

بج *انتقال تصویر*
اع۱ سیستم ارتباط داده‌ای
اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
او تصویر پردازی
ان *Image communication system*

سیستم ارتباط داده‌ای

بج *سیستم عبور داده‌ها*
بج *عبور داده‌ها*
اع۱ سیستم مخابراتی
اع۲ سیستم ارتباطی
اخ۱ سیستم ارتباط تصویری
او پست الکترونیکی
او تجهیزات ارتباط داده‌ها
او تداخل بین نمادی
او تلگراف
او داده‌پردازی
او داده‌پردازی نوری
او رمزنویسی
او سودهی بسته‌بیتی
او شبکه داخلی
او شبکه هوشمند
او کنترل تراکم(ارتباطات)
او متن‌نما
او همپذیر شبکه
او همتافتگری
ان *Data communication system*

سیستم ارتباط متقابل
ب‌ک سیستم صحبت متقابل

سیستم ارتباطی

اخ۱ سیستم علائم
اخ۲ سیستم اخطار
اخ۳ سیستم اخطار حریق
اخ۲ سیستم علائم الکتریکی
اخ۳ چراغ راهنما
اخ۲ سیستم علائم دریایی
اخ۳ بویهٔ دریایی
اخ۲ سیستم علائم راه‌آهن
اخ۳ سیستم علائم مترو
اخ۳ مانع‌یاب
اخ۲ سیستم هشدار ساختمان
اخ۱ سیستم مخابراتی
اخ۲ خط ارتباط مخابراتی
اخ۳ اتصال ارتباطی برون‌زمینی
اخ۳ پیوند نوری
اخ۳ خط ارتباط رادیویی
اخ۳ خط پیوند مدوله‌سازی رمز تپ
اخ۲ سیستم ارتباط داده‌ای
اخ۳ سیستم ارتباط تصویری
اخ۲ سیستم ارتباطی شخصی
اخ۲ سیستم ارتباطی ماهواره‌ای
اخ۲ سیستم پی‌جویی
اخ۲ سیستم تلفن
اخ۳ سیستم پیام‌گیر تلفن
اخ۳ سیستم تلفن خودکار
اخ۳ سیستم تلفن دگمه‌ای
اخ۳ سیستم تلفن راه دور
اخ۳ سیستم تلفنی یاخته‌ای
اخ۳ سیستم شماره‌گذاری تلفن
اخ۳ سیستم شماره‌گیری تلفن
اخ۳ سیستم صحبت متقابل
اخ۳ مرکز تلفن
اخ۲ سیستم تلگراف
اخ۳ ایستگاه تلگراف
اخ۲ سیستم تلویزیونی
اخ۳ ایستگاه تلویزیونی
اخ۳ سیستم تلویزیون کابلی
اخ۳ سیستم تلویزیون مداربسته
اخ۳ شبکه تلویزیونی
اخ۲ سیستم دورسنجی
اخ۲ سیستم رادیویی
اخ۳ ایستگاه رادیویی
اخ۳ خط ارتباط رادیویی
اخ۳ سیستم رادیویی سیار
اخ۲ سیستم رله ماهواره

اخ۲ سیستم مخابراتی رقمی
اخ۳ سیستم ارتباطات صوتی‌داده‌ای
اخ۲ سیستم مخابراتی سیار
اخ۳ سیستم رادیویی سیار
اخ۳ مرکز تلفن همراه
او ارتباط
او ارتباطات نظامی
او برنامه‌ریزی منطقه‌ای
او ترابری
ان *Communication system*

سیستم ارتباطی سیار
ب‌ک سیستم مخابراتی سیار

سیستم ارتباطی شخصی
ب‌ج *خدمات ارتباطی شخصی*
ب‌ج *شبکه ارتباطی شخصی*
اع۱ سیستم مخابراتی
اع۲ سیستم ارتباطی
او سیستم تلفن
او سیستم مخابراتی سیار
ان *Personal communication system*

سیستم ارتباطی ماهواره‌ای
اع۱ سیستم مخابراتی
اع۲ سیستم ارتباطی
او ایستگاه زمینی ماهواره
او ماهواره
ان *Satellite communication system*

سیستم اشتراک زمانی
اع۱ سیستم رایانه‌ای
او برنامه اشتراک زمانی
او چندبرنامگی
ان *Time sharing system*

سیستم اطلاعات جغرافیایی
اع۱ سیستم بازیابی غیرکتاب‌شناختی
اع۲ سیستم بازیابی اطلاعات
او تهیه نقشه
او سیستم پایگاه داده‌ها
ان *Geographic information system*

سیستم افروزش
اع۱ موتور درون‌سوز
اع۲ ماشین گرمایی
اع۳ موتور(با منبع انرژی درونی)
او افروزش
او راه‌انداز
او راه‌اندازی
او ضربه احتراق
ان *Ignition system*

سیستم الگوشناسی
او الگوشناسی
او بازشناسی کاراکتر
او بازشناسی گفتار
او دید رایانه‌ای
او کاراکترشناسی نوری
ان *Pattern recognition system*

سیستم امنیتی
ب‌ج *سیستم ایمنی*
اع۱ تجهیزات
اخ۱ سیستم اخطار
اخ۲ سیستم اخطار حریق
او ابزار ایمنی
او امنیت داده‌ها
او جرم رایانه‌ای
او حفاظت
او دیواربست
او محافظت سیستم نیروی برق
ان *Security system*

سیستم انسان و ماشین
اع۱ علم سیستم‌ها
او ارگونومی
او برهم‌کنش انسان و رایانه
او سیبرنتیک
او سیستم یادگیری
او سیمابین کاربر
او مکانیزه‌کردن
او مهندسی سیستم‌ها
او مهندسی فاکتورهای انسانی
ان *Man machine system*

سیستم ایمنی
ب‌ک سیستم امنیتی

سیستم بازخوانی

اع۱ اجزای سنج‌افزار
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اخ۱ بازخوانی از دور
اخ۱ مقیاس سنج‌افزار
او ابزار نمایش
او شماره‌گیر سنج‌افزار
او نشانگر(سنج‌افزار)
او نمایشگر سنج‌افزار
ان *Readout system*

سیستم بازیابی اطلاعات

بج *سیستم بازیابی مدرک*
بج *سیستم ذخیره و بازیابی اطلاعات*
اخ۱ سیستم بازیابی غیرکتاب‌شناختی
اخ۲ سیستم اطلاعات جغرافیایی
اخ۱ سیستم بازیابی کتاب‌شناختی
او اشاعه اطلاعات
او بازیابی اطلاعات
او تجزیه و تحلیل اطلاعات
او جستجوی درون‌خطی
او زبان پرس و جو
او مدیریت
او مدیریت اطلاعات
او مدیریت رکوردها
ان *Information retrieval system*

سیستم بازیابی داده‌ها
ب‌ک سیستم بازیابی غیرکتاب‌شناختی

سیستم بازیابی غیرکتاب‌شناختی

بج *سیستم بازیابی داده‌ها*
اع۱ سیستم بازیابی اطلاعات
اخ۱ سیستم اطلاعات جغرافیایی
ان *Nonbibliographic retrieval system*

سیستم بازیابی کتاب‌شناختی

اع۱ سیستم بازیابی اطلاعات
ان *Bibliographic retrieval system*

سیستم بازیابی مدرک
ب‌ک سیستم بازیابی اطلاعات

سیستم بزرگراه

بج *آزادراه*
بج *باغ‌راه*
بج *تندراه*
اع۱ امکانات همگانی
اخ۱ بزرگراه عوارضی
اخ۱ تقاطع غیرهمسطح
اخ۱ تونل وسیله نقلیه
اخ۲ تونل راه‌آهن
اخ۱ راپل
اخ۱ سیستم بزرگراه وسیله نقلیه هوشمند
اخ۱ منطقه خدماتی بزرگراه
او اداره بزرگراه
او ایستگاه توزین
او برداشتن برف و یخ
او بررسی شدآمد
او برنامه‌ریزی شهری
او پل پیاده‌رو
او پیاده‌رو
او تابلوی راهنما
او تقاطع
او تقسیم‌کننده میانی
او جاده و خیابان
او چراغ راهنما
او حاشیه جاده
او حریم راه
او خط‌کشی بزرگراه
او روشنایی خیابان
او روگذر
او زیرگذر
او ساختار راه
او شدآمد وسیله نقلیه فرودگاهی
او قوس(راه)
او کنترل شدآمد بزرگراه
او کنترل علف هرز
او کنترل یخ
او مسیر ترابری
او مسیر جهت‌گرد
او مهندسی راه
او نرده محافظ
ان *Highway system*

سیستم بزرگراه وسیله نقلیه هوشمند

بج *سیستم بزرگراهی هوشمند*
بج *وسیله نقلیه هوشمند*

اع۱ سیستم بزرگراه
اع۲ امکانات همگانی
او خودرو
او کاربرد رایانه
او کنترل شدآمد بزرگراه
او ناوبری رادیویی
او وسیله نقلیه
ان *Intelligent vehicle highway system*

سیستم بزرگراهی هوشمند
ب‌ک سیستم بزرگراه وسیله نقلیه هوشمند

سیستم بلادرنگ
اع۱ سیستم رایانه‌ای
او سیستم درون‌خطی
ان *Real time system*

سیستم بهینه
اع۱ علم سیستم‌ها
اخ۱ سیستم کنترل بهینه
او بهینه‌سازی
او سیستم کنترل
ان *Optimal system*

سیستم پایگاه داده‌ها
ب‌ج *پایگاه داده‌ها*
ب‌ج *سیستم مدیریت پایگاه داده‌ها*
ب‌ج *فهرست راهنمای داده‌ها*
ب‌ج *ماشین بانک اطلاعاتی*
اخ۱ زبان پرس و جو
اخ۱ سیستم پایگاه داده‌های گسترده
اخ۱ سیستم پایگاه داده‌های مرتبط
او داده‌توصیفی
او ساختار داده‌ها
او سازمان فایل
او سیستم اطلاعات جغرافیایی
او سیستم پشتیبانی تصمیم
او کنترل هم‌زمانی تقریبی
او نظام اطلاعات-مدیریت
ان *Database system*

سیستم پایگاه داده‌های گسترده
اع۱ سیستم پایگاه داده‌ها
او سیستم پایگاه داده‌های مرتبط
او سیستم عامل رایانه
او شبکه رایانه‌ای
او کنترل هم‌زمانی تقریبی
ان *Distributed database system*

سیستم پایگاه داده‌های مرتبط
اع۱ سیستم پایگاه داده‌ها
او ساختار داده‌ها
او سیستم پایگاه داده‌های گسترده
ان *Relational database system*

سیستم پخش آب گرم
ب‌ج *سیستم تهیه آب گرم*
اع۱ سیستم توزیع آب
اع۲ سیستم آب‌رسانی
اع۳ تاسیسات آبی
او گرمایش آب گرم
ان *Hot water distribution system*

سیستم پردازش خطلوله‌ای
اع۱ سیستم چندپردازشی
اع۲ سیستم رایانه گسترده
اع۳ سیستم رایانه‌ای
او برنامه چندپردازشی
او سیستم پردازش موازی
او نرم‌افزار رایانه
ان *Pipeline processing system*

سیستم پردازش زبان طبیعی
اع۱ داده‌پردازی
او زبان پرس و جو
ان *Natural language processing system*

سیستم پردازش موازی
ب‌ج *پردازنده آرایه*
ب‌ج *محاسبه موازی*
اع۱ سیستم چندپردازشی
اع۲ سیستم رایانه گسترده
اع۳ سیستم رایانه‌ای
او ابررایانه
او آرایه سیستولی
او الگوریتم موازی
او ترنسپیوتر
او سیستم پردازش خطلوله‌ای

او شبکه واسطه
او کنترل هم‌زمانی تقریبی
ان *Parallel processing system*

سیستم پشتیبانی تصمیم

اع۱ نظام اطلاعات مدیریت
اع۲ داده‌پردازی اداری
اع۳ داده‌پردازی
او سیستم پایگاه داده‌ها
او سیستم خبره
او علم مدیریت
او مدیریت
ان *Decision support system*

سیستم پشتیبانی حیاتی(فضاپیما)

اع۱ تجهیزات فضاپیما
اع۲ تجهیزات
اع۲ فضاپیما
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ تجهیزات
اع۳ وسیله نقلیه
او بی‌وزنی
او تهویه
ان *Life support system (spacecraft)*

سیستم پیام‌گیر تلفن

اع۱ سیستم تلفن
اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
او تجهیزات تلفن
او تلفن
ان *Telephone accounting system*

سیستم پی‌جویی

اع۱ سیستم مخابراتی
اع۲ سیستم ارتباطی
او تلفن رادیویی
ان *Paging system*

سیستم پیچیده

ب‌ک سیستم مقیاس‌بزرگ

سیستم تصویرسازی

او تصویر پردازی
او ثبت تصویر
او فن تصویرسازی
ان *Imaging system*

سیستم تصویر نوری

ب‌ک دستگاه تصویراندازی

سیستم تطبیقی

اع۱ سیبرنتیک
اع۲ علم سیستم‌ها
اخ۱ سیستم کنترل تطبیقی
اخ۲ سیستم کنترل خودتنظیم
اخ۲ سیستم کنترل خودکوک
او سیستم کنترل
او سیستم یادگیری
او صاف‌کردن تطبیقی
او نظریه خودکارافزار
او نورشناسی تطبیقی
او هوش مصنوعی
ان *Adaptive system*

سیستم تقاطعی

ب‌ک تجهیزات تقاطعی

سیستم تلفن

اع۱ سیستم مخابراتی
اع۲ سیستم ارتباطی
اخ۱ سیستم پیام‌گیر تلفن
اخ۱ سیستم تلفن خودکار
اخ۲ مرکز تلفن خودکار
اخ۱ سیستم تلفن دگمه‌ای
اخ۱ سیستم تلفن راه دور
اخ۱ سیستم تلفنی یاخته‌ای
اخ۱ سیستم شماره‌گذاری تلفن
اخ۱ سیستم شماره‌گیری تلفن
اخ۱ سیستم صحبت متقابل
اخ۱ مرکز تلفن
اخ۲ مرکز تلفن خصوصی
اخ۲ مرکز تلفن خودکار
اخ۲ مرکز تلفن نظامی
اخ۲ مرکز تلفن همراه
او تجهیزات تلفن
او تجهیزات تلفن تصویری
او تحلیل شدآمد تلفنی

او تلفن
او خدمات اطلاعاتی آب‌وهوا
او خط تلفن
او خودکارسازی اداره
او سیستم ارتباطی شخصی
او سیستم سودهی
او سیستم مخابراتی رقمی
او ضبط‌کردن شدآمد تلفن
او متن‌نما
او مدار تلفن
ان *Telephone system*

سیستم تلفن خودکار

اع۱ سیستم تلفن
اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
اخ۱ مرکز تلفن خودکار
او تجهیزات تلفن
او خودکارسازی
او سیستم سودهی
ان *Automatic telephone system*

سیستم تلفن دگمه‌ای

اع۱ سیستم تلفن
اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
او تلفن
ان *Push button telephone system*

سیستم تلفن راه دور

اع۱ سیستم تلفن
اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
ان *Long distance telephone system*

سیستم تلفنی یاخته‌ای

ب‌ج *ارتباطات شخصی*
اع۱ سیستم تلفن
اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
اع۱ سیستم رادیویی یاخته‌ای
اع۲ سیستم رادیویی سیار
اع۳ سیستم رادیویی
اع۳ سیستم مخابراتی سیار
ان *Cellular telephone system*

سیستم تلگراف

اع۱ سیستم مخابراتی
اع۲ سیستم ارتباطی
اخ۱ ایستگاه تلگراف
او تجهیزات تلگراف
او تلگراف
او تلگراف رادیویی
او خط ارتباط رادیویی
او سیستم مخابراتی رقمی
او کابل هم‌محور
او مدار تلگراف
ان *Telegraph system*

سیستم تلمبه گرما

اع۱ مبادله‌کن گرما
اع۲ تجهیزات
او انتقال گرما
او تلمبه
او سرمایش
او گرمایش الکتریکی
ان *Heat pump system*

سیستم تلویزیون کابلی

اع۱ سیستم تلویزیونی
اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
او تجهیزات تلویزیونی
او تلویزیون
او تلویزیون اشتراک‌دار
او شبکه تلویزیونی
او کابل هم‌محور
ان *Cable television system*

سیستم تلویزیون مداربسته

اع۱ سیستم تلویزیونی
اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
او تجهیزات تلویزیونی
او تلویزیون
او دورسختی
ان *Closed circuit television system*

سیستم تلویزیونی

اع۱ سیستم مخابراتی
اع۲ سیستم ارتباطی

اخ۱ ایستگاه تلویزیونی
اخ۱ سیستم تلویزیون کابلی
اخ۱ سیستم تلویزیون مداربسته
اخ۱ شبکه تلویزیونی
او پخش تلویزیونی
او تجهیزات تلفن تصویری
او تجهیزات تلویزیونی
او تراکم پهنای نوار
او تلویزیون
او تلویزیون دقت‌بالا
او کابل هم‌محور
او کیفیت تصویر تلویزیون
ان *Television system*

سیستم توان هم‌پیوند
ب‌ک اتصال سیستم نیروی برق

سیستم توزیع آب
اع۱ سیستم آب‌رسانی
اع۲ تاسیسات آبی
اع۳ تسهیلات
اخ۱ رابط ضربدری(توزیع آب)
اخ۱ سیستم پخش آب گرم
اخ۱ سیستم لوله‌کشی آب
او آب‌رسانی
او برج آب
او کنتور آب
او مخزن آب
ان *Water distribution system*

سیستم تهویه مطبوع هیدرونیکی
ب‌ک تهویه مطبوع

سیستم تهیه آب گرم
ب‌ک سیستم پخش آب گرم

سیستم جهت‌یاب
ب‌ک سیستم جهت‌یابی رادیویی

سیستم جهت‌یابی رادیویی
ب‌ج *جهت‌یابی رادیویی*
ب‌ج *سیستم جهت‌یاب*
اع۱ تجهیزات رادیویی
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
اخ۱ جهت‌یاب ادکاک
او رادار
او رادیو
او زاویه‌سنج
او سنج‌افزار هواگرد
او کشتی
او ناوبری رادیویی
ان *Radio direction finding system*

سیستم چرخه رویی
اع۱ نیروگاه همزایشی
اع۲ نیروگاه برق
اع۳ نیروگاه
ان *Topping cycle system*

سیستم چرخه زیری
اع۱ نیروگاه همزایشی
اع۲ نیروگاه برق
اع۳ نیروگاه
ان *Bottoming cycle system*

سیستم چندپردازشی
اع۱ سیستم رایانه گسترده
اع۲ سیستم رایانه‌ای
اخ۱ سیستم پردازش خط‌لوله‌ای
اخ۱ سیستم پردازش موازی
او برنامه چندپردازشی
او شبکه واسطه
او کنترل هم‌زمانی تقریبی
ان *Multiprocessing system*

سیستم چندپردازنده
ب‌ک شبکه رایانه‌ای

سیستم چندمتغیره
اع۱ علم سیستم‌ها
اخ۱ سیستم کنترل چندمتغیره
او سیستم سلسله مراتبی
ان *Multivariable system*

سیستم خبره

اع۱ سیستم دانش بنیاد
اخ۱ ماشین استنتاج
او آدمک صنعتی
او آدمک هوشمند
او خطایابی به کمک رایانه
او زبان توصیف سخت‌افزار رایانه
او سیستم پشتیبانی تصمیم
او مهندسی به کمک رایانه
او هوش مصنوعی
ان *Expert system*

سیستم خروج

اع۱ مخزن نفت
اع۲ مخزن(بارگنج)
اع۳ بارگنج
ان *Bleeding system*

سیستم دانش بنیاد

اخ۱ سیستم خبره
اخ۲ ماشین استنتاج
او برنامه‌ریزی حرکت
او کسب دانش
او کنترل هوشمند
او مهندسی دانش
او نمایش دانش
ان *Knowledge based system*

سیستم درون‌خطی

اع۱ سیستم رایانه‌ای
او جستجوی درون‌خطی
او سیستم بلادرنگ
او سیستم رایانه‌ای برهم‌کنشی
ان *Online system*

سیستم دورسنجی

اع۱ سیستم مخابراتی
اع۲ سیستم ارتباطی
او پشتیبانی زمینی هوافضا
او تجهیزات دورسنجی
او خط ارتباط رادیویی
او دورسنجی
ان *Telemetering system*

سیستم دوره‌ای

ب‌ک سیستم متغیر با زمان

سیستم ذخیره جا

ب‌ج *سیستم ذخیره رایانه‌ای*
او ترابری
او ترابری هوایی
او داده‌پردازی اداری
او راه‌آهن
او متل
او هتل
ان *Reservation system*

سیستم ذخیره رایانه‌ای

ب‌ک سیستم ذخیره جا

سیستم ذخیره و بازیابی اطلاعات

ب‌ک سیستم بازیابی اطلاعات

سیستم ذوب یخ

اع۱ تجهیزات
او برداشتن برف و یخ
او برف
ان *Snow melting system*

سیستم رادار

اخ۱ ایستگاه رادار
او رادار
او صاف‌کردن تطبیقی
ان *Radar system*

سیستم رادیویی

اع۱ سیستم مخابراتی
اع۲ سیستم ارتباطی
اخ۱ ایستگاه رادیویی
اخ۱ خط ارتباط رادیویی
اخ۲ پیوند ریزموجی
اخ۱ سیستم رادیویی سیار
اخ۲ سیستم رادیویی یاخته‌ای
اخ۳ سیستم تلفنی یاخته‌ای
او ارتباط رادیویی
او استودیوی رادیویی
او تجهیزات رادیویی
او خط مخابرات بسامد بالا
او دریافت چندبرابر

او رادیو
ان *Radio system*

سیستم رادیویی سیار

اع۱ سیستم رادیویی
اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
اع۱ سیستم مخابراتی سیار
اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
اخ۱ سیستم رادیویی یاخته‌ای
اخ۲ سیستم تلفنی یاخته‌ای
او ارتباط طیف گسترده
او تجهیزات رادیویی
او خط ارتباط رادیویی
او فرستنده رادیویی
او گیرنده رادیویی
ان *Mobile radio system*

سیستم رادیویی یاخته‌ای

بج *ارتباطات یاخته‌ای*
اع۱ سیستم رادیویی سیار
اع۲ سیستم رادیویی
اع۳ سیستم مخابراتی
اع۲ سیستم مخابراتی سیار
اع۳ سیستم مخابراتی
اخ۱ سیستم تلفنی یاخته‌ای
او تلفن رادیویی
ان *Cellular radio system*

سیستم رایانه‌ای

بج *سیستم رایانه رقمی*
اخ۱ سیستم اشتراک زمانی
اخ۱ سیستم بلادرنگ
اخ۱ سیستم درون‌خطی
اخ۱ سیستم رایانه‌ای برهم‌کنشی
اخ۱ سیستم رایانه‌ای پاسخ سریع
اخ۱ سیستم رایانه‌ای مقاوم در برابر خرابی
اخ۱ سیستم رایانه گسترده
اخ۲ سیستم چندپردازشی
اخ۳ سیستم پردازش خط‌لوله‌ای
اخ۳ سیستم پردازش موازی
او بازیابی سیستم رایانه
او برنامه‌نویسی سیستم رایانه
او رایانه
او رایانه رقمی
او زمان پاسخ(سیستم رایانه)
او سخت‌افزار رایانه
او شبکه رایانه‌ای
او نرم‌افزار رایانه
ان *Computer system*

سیستم رایانه‌ای برهم‌کنشی

اع۱ سیستم رایانه‌ای
او ابزار برهم‌کنشی
او سیستم درون‌خطی
او سیمابین کاربر
او طراحی به کمک رایانه
او گرافیک رایانه‌ای برهم‌کنشی
ان *Interactive computer system*

سیستم رایانه‌ای پاسخ سریع

اع۱ سیستم رایانه‌ای
ان *Fast response computer system*

سیستم رایانه‌ای مقاوم در برابر خرابی

بج *محاسبه مقاومت در برابر خرابی*
اع۱ سیستم رایانه‌ای
او بازیابی سیستم رایانه
او تصحیح خطا
او قابلیت اطمینان
ان *Fault tolerant computer system*

سیستم رایانه رقمی

ب‌ک سیستم رایانه‌ای

سیستم رایانه گسترده

اع۱ سیستم رایانه‌ای
اخ۱ سیستم چندپردازشی
اخ۲ سیستم پردازش خط‌لوله‌ای
اخ۲ سیستم پردازش موازی
او الگوریتم موازی
ان *Distributed computer system*

سیستم رله(رادیویی)

ب‌ک خط ارتباط رادیویی

سیستم رله تلویزیونی

ب‌ک خط ارتباط مخابراتی

سیستم رله رادیویی
ب‌ک خط ارتباط رادیویی

سیستم رله ماهواره
اع۱ سیستم مخابراتی
اع۲ سیستم ارتباطی
او اتصال ماهواره‌ای
او ایستگاه زمینی ماهواره
او سیستم مکان‌یابی سراسری
او ماهواره مخابراتی
ان *Satellite relay system*

سیستم زندگی مستقل
او تجهیزات توانبخشی انسانی
او مهندسی توانبخشی انسانی
ان *Independent living system*

سیستم سرمایش
اع۱ تجهیزات
اخ۱ سیستم تبرید تبخیری
اخ۱ سیستم سرمایش آبی
اخ۲ برج سرمایش آبی
اخ۱ سیستم سرمایش خودرو
اخ۲ رادیاتور خودرو
اخ۱ ماشین‌آلات یخچال‌دار
اخ۲ سیستم لوله‌کشی یخچال‌دار
اخ۲ یخچال
او پیش‌گرم‌کن
او تابشگر
او تجهیزات برودتی
او سردکن
او سردکننده
او سرمایش
او گرماگیر
او مبادله‌کن گرما
ان *Cooling system*

سیستم سرمایش آبی
اع۱ سیستم سرمایش
اع۲ تجهیزات
اخ۱ برج سرمایش آبی
ان *Water cooling system*

سیستم سرمایش خودرو
ی‌د برای سرمایش وسیله نقلیه، برای سرمایش موتور، اصطلاح "موتور خودرو" را به کار برید.
اع۱ سیستم سرمایش
اع۲ تجهیزات
اع۱ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۲ خودرو
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اخ۱ رادیاتور خودرو
او تهویه مطبوع
ان *Automobile cooling system*

سیستم سلسله مراتبی
اع۱ علم سیستم‌ها
او سیستم چندمتغیره
او سیستم کنترل
او سیستم کنترل چندمتغیره
ان *Hierarchical system*

سیستم سودهی
اخ۱ تمرکزساز خط جریان
او تجهیزات سودهی تلفن
او سوده
او سوده نوری
او سودهی
او سیستم تلفن
او سیستم تلفن خودکار
او سیستم مخابراتی
او شبکه سودهی
او شبکه هوشمند
او مخابرات
او مدار سودهی
او نظریه سودهی
ان *Switching system*

سیستم سه‌تایی
اع۱ سیستم(متالورژیکی)
او اوتکتیک
او جامدسازی
او نمودار فازی
ان *Ternary system*

سیستم سی سه
ب‌ک سیستم فرمان و کنترل

سیستم شلیرن

اع۱ تجهیزات
او تداخل‌سنجی
او عکاسی
ان *Schlieren system*

سیستم شماره‌گذاری تلفن

اع۱ دستگاه شماره‌گذاری
اع۱ سیستم تلفن
اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
او تلفن
ان *Telephone numbering system*

سیستم شماره‌گذاری نساجی

اع۱ دستگاه شماره‌گذاری
او مصنوع نساجی
ان *Textile numbering system*

سیستم شماره‌گیری تلفن

اع۱ سیستم تلفن
اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
او تجهیزات تلفن
او تلفن
ان *Telephone accounting system*

سیستم شنیداری

ی‌د فقط برای موضوع کلی، ترجیحا اصطلاح خاص‌تری به کار برید.
او ابزار صوتی
او تجهیزات شنیداری
او تجهیزات صوتی
او تولید دوباره صدا
او صفحه آوانگار
او صوت‌شناسی شنیداری
او ضبط‌کردن چندآوایی
او ضبط‌کردن صوت
ان *Audio system*

سیستم صحبت متقابل

ب‌ج *سیستم ارتباط متقابل*
اع۱ سیستم تلفن
اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
او تلفن
ان *Intercom system*

سیستم صخره گرم‌خشک

اع۱ میدان زمین‌گرمایی
اع۲ انرژی زمین‌گرمایی
اع۳ منبع تجدیدشدنی انرژی
اع۳ منبع طبیعی
ان *Hot dry rock system*

سیستم صدارسانی

اع۱ تجهیزات شنیداری
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
ان *Public address system*

سیستم عامل دیسکی

ب‌ک داس(سیستم عامل)

سیستم عامل رایانه

اع۱ نرم‌افزار رایانه
اخ۱ برنامه درونداد-برونداد
اخ۱ داس(سیستم عامل)
اخ۱ یونیکس(سیستم عامل)
او انباره مجازی
او بازیابی سیستم رایانه
او برنامه مجری و ناظر
او برنامه‌نویسی سیستم رایانه
او تخصیص حافظه(رایانه)
او تخصیص منابع
او سی(زبان برنامه‌نویسی)
او سیستم پایگاه داده‌های گسترده
او گزارش‌ساز
ان *Computer operating system*

سیستم عبور داده‌ها

ب‌ک سیستم ارتباط داده‌ای

سیستم علائم

اع۱ سیستم ارتباطی
اخ۱ سیستم اخطار
اخ۲ سیستم اخطار حریق
اخ۱ سیستم علائم الکتریکی
اخ۲ چراغ راهنما

اخ۳ چراغ راهنمای القایی
اخ۱ سیستم علائم دریایی
اخ۲ بویه دریایی
اخ۱ سیستم علائم راه‌آهن
اخ۲ سیستم علائم مترو
اخ۲ مانع‌یاب
اخ۱ سیستم هشدار ساختمان
او تابلو
او تجهیزات سیگنال‌دهی
او سیرن
او سیستم مخابراتی
او سیگنال‌دهی
او مرکز علائم و کنترل
ان *Signal system*

سیستم علائم الکتریکی

اع۱ سیستم علائم
اع۲ سیستم ارتباطی
اخ۱ چراغ راهنما
اخ۲ چراغ راهنمای القایی
او تابلوی الکتریکی
او سیستم علائم دریایی
او سیستم علائم راه‌آهن
او سیستم علائم مترو
او سیگنال‌دهی
ان *Electric signal system*

سیستم علائم دریایی

اع۱ سیستم علائم
اع۲ سیستم ارتباطی
اخ۱ بویه دریایی
او سیستم علائم الکتریکی
او سیگنال‌دهی
او قطعات و تجهیزات آب‌پیما
ان *Marine signal system*

سیستم علائم راه‌آهن

اع۱ سیستم علائم
اع۲ سیستم ارتباطی
اع۱ کارخانه و ساختمان تجهیزات راه‌آهن
اع۲ تسهیلات
اع۲ راه‌آهن
اخ۱ سیستم علائم مترو
اخ۱ مانع‌یاب
او سیستم علائم الکتریکی
او سیگنال‌دهی
او مرکز علائم و کنترل
ان *Railroad signal system*

سیستم علائم مترو

اع۱ سیستم علائم راه‌آهن
اع۲ سیستم علائم
اع۳ سیستم ارتباطی
اع۲ کارخانه و ساختمان تجهیزات راه‌آهن
اع۳ تسهیلات
اع۳ راه‌آهن
اع۱ مترو
اع۲ راه‌آهن
او سیستم علائم الکتریکی
او سیگنال‌دهی
ان *Subway signal system*

سیستم غیرخطی

اخ۱ سیستم کنترل غیرخطی
او تابع توصیفی
او سیستم کنترل بنگ بنگ
او سیستم کنترل خطی
او سیستم کنترل رله‌ای
او سیستم کنترل قطع و وصل
او نظریه کنترل
ان *Nonlinear system*

سیستم فراراندی(موتور)

اع۱ موتور(با منبع انرژی درونی)
اع۲ ماشین‌آلات
او پس‌سوز(موتور)
او صداخفه‌کن
او موتور درون‌سوز
او موتور موشک
ان *Exhaust system (engine)*

سیستم فرود هواگرد

او پشتیبانی زمینی هوافضا
او سنج‌افزار هواگرد
او فرود
او مراقبت پرواز
او هواگرد
ان *Aircraft landing system*

سیستم کارت سوراخ‌دار

اع۱ تجهیزات جانبی رایانه
اع۲ سخت‌افزار رایانه
اع۳ رایانه
او داده‌برداری
او ضبط‌کردن
ان *Punch card system*

سیستم کنترل

اخ۱ سیستم کنترل بنگ بنگ
اخ۱ سیستم کنترل رقمی
اخ۲ سیستم کنترل رقمی مستقیم
اخ۱ سیستم کنترل زمان گسسته
اخ۲ سیستم کنترل داده‌های نمونه‌ای
اخ۱ سیستم کنترل برنامه‌پذیر
اخ۱ سیستم کنترل بهینه
اخ۱ سیستم کنترل پارامتر گسترده
اخ۱ سیستم کنترل تاخیری
اخ۱ سیستم کنترل تصادفی
اخ۱ سیستم کنترل تطبیقی
اخ۲ سیستم کنترل خودتنظیم
اخ۲ سیستم کنترل خودکوک
اخ۱ سیستم کنترل تناسبی
اخ۱ سیستم کنترل چندمتغیره
اخ۱ سیستم کنترل خطی
اخ۱ سیستم کنترل دوزمانه
اخ۱ سیستم کنترل رایانه‌ای
اخ۲ سیستم فرمان و کنترل
اخ۱ سیستم کنترل رله‌ای
اخ۱ سیستم کنترل زنجیره‌ای
اخ۱ سیستم کنترل سه‌زمانه
اخ۱ سیستم کنترل عددی
اخ۱ سیستم کنترل غیرخطی
اخ۱ سیستم کنترل قطع و وصل
اخ۱ سیستم کنترل مبنی بر پیش‌بینی
اخ۱ سیستم کنترل متغیر زمانی
اخ۱ سیستم کنترل مدار بسته
اخ۱ سیستم هدایت الکترونیکی
او برآورد پارامتر
او برآورد حالت
او پالایش کالمن
او پایداری سیستم
او تجهیزات کنترل
او تحلیل سیستم کنترل
او ترکیب سیستم کنترل
او تسهیلات کنترل
او حلقه قفل فاز
او خودکارسازی
او سیستم بهینه
او سیستم تطبیقی
او سیستم سلسله مراتبی
او سیستم مقیاس‌بزرگ
او شناسایی(سیستم کنترل)
او کنترل
او کنترل فرایند
او کنترل‌پذیری
او مشاهده‌پذیری
او مکان ریشه
او نظریه کنترل
او همگام‌سازی
ان *Control system*

سیستم کنترل آتش

اع۱ تجهیزات نظامی
اع۲ تجهیزات
او تفنگ(جنگ‌افزار)
او موشک
ان *Fire control system*

سیستم کنترل برنامه‌پذیر

اع۱ سیستم کنترل
او کنترل فرایند
ان *Programmed control system*

سیستم کنترل بهینه

اع۱ سیستم بهینه
اع۲ علم سیستم‌ها
اع۱ سیستم کنترل
او اصل بیشینه
او برنامه‌ریزی پویا
او بهینه‌سازی
او سیستم کنترل مبنی بر پیش‌بینی
او شناسایی(سیستم کنترل)
او مدل
او معادله تفاضلی
او نظریه بازی
او نظریه تصمیم
ان *Optimal control system*

سیستم کنترل پارامتر گسترده

ب‌ج سیستم کنترل گسترده
اع۱ سیستم کنترل
ان *Distributed parameter control system*

سیستم کنترل پس‌خورد منفی
ب‌ک سیستم کنترل مدار بسته

سیستم کنترل تاخیری
اع۱ سیستم کنترل
ان *Delay control system*

سیستم کنترل تصادفی
اع۱ سیستم کنترل
ان *Stochastic control system*

سیستم کنترل تطبیقی
اع۱ سیستم تطبیقی
اع۲ سیبرنتیک
اع۳ علم سیستم‌ها
اع۱ سیستم کنترل
اخ۱ سیستم کنترل خودتنظیم
اخ۱ سیستم کنترل خودکوک
او کنترل هوشمند
ان *Adaptive control system*

سیستم کنترل تناسبی
اع۱ سیستم کنترل
او سیستم کنترل دوزمانه
او سیستم کنترل سه‌زمانه
ان *Proportional control system*

سیستم کنترل چندمتغیره
اع۱ سیستم چندمتغیره
اع۳ علم سیستم‌ها
اع۱ سیستم کنترل
او سیستم سلسله مراتبی
او کنترل فرایند
ان *Multivariable control system*

سیستم کنترل خطی
اع۱ سیستم کنترل
او سیستم غیرخطی
ان *Linear control system*

سیستم کنترل خودتنظیم
اع۱ سیستم کنترل تطبیقی
اع۲ سیستم تطبیقی
اع۳ سیبرنتیک
اع۲ سیستم کنترل
ان *Self adjusting control system*

سیستم کنترل خودکوک
اع۱ سیستم کنترل تطبیقی
اع۲ سیستم تطبیقی
اع۳ سیبرنتیک
اع۲ سیستم کنترل
ان *Self tuning control system*

سیستم کنترل داده‌های نمونه‌ای
اع۱ سیستم کنترل زمان گسسته
اع۲ سیستم کنترل
او نمونه‌برداری
ان *Sampled data control system*

سیستم کنترل دوزمانه
ی‌د سیستم تناسبی-انتگرالی
اع۱ سیستم کنترل
او سیستم کنترل تناسبی
او سیستم کنترل سه‌زمانه
ان *Two term control system*

سیستم کنترل رایانه‌ای
ب‌ج *سیستم کنترل رایانه‌ای‌شده*
اع۱ سیستم کنترل
اع۱ کاربرد رایانه
اع۲ کاربرد
اخ۱ سیستم فرمان و کنترل
او سیستم کنترل رقمی
او سیستم کنترل عددی
ان *Computer control system*

سیستم کنترل رایانه‌ای‌شده
ب‌ک سیستم کنترل رایانه‌ای

سیستم کنترل رله‌ای
اع۱ سیستم کنترل
او رله الکتریکی
او سیستم غیرخطی

او سیستم کنترل غیرخطی
او سیستم کنترل قطع و وصل
ان *Relay control system*

سیستم کنترل زنجیره‌ای

اع۱ سیستم کنترل
او پس‌خورد
ان *Cascade control system*

سیستم کنترل سه‌زمانه

ی‌د سیستم تناسبی-انتگرالی-اشتقاقی
اع۱ سیستم کنترل
او سیستم کنترل تناسبی
او سیستم کنترل دوزمانه
ان *Three term control system*

سیستم کنترل عددی

اع۱ سیستم کنترل
او سیستم کنترل رایانه‌ای
او سیستم کنترل رقمی
او کنترل فرایند
ان *Numerical control system*

سیستم کنترل غیرخطی

اع۱ سیستم غیرخطی
اع۱ سیستم کنترل
او روش فضای فاز
او سیستم کنترل بنگ بنگ
او سیستم کنترل رله‌ای
او سیستم کنترل قطع و وصل
او فن خطی قطعه‌دار
ان *Nonlinear control system*

سیستم کنترل قطع و وصل

اع۱ سیستم کنترل
او تابع توصیفی
او سیستم غیرخطی
او سیستم کنترل بنگ بنگ
او سیستم کنترل رله‌ای
او سیستم کنترل غیرخطی
ان *On-off control system*

سیستم کنترل گسترده

ب‌ک سیستم کنترل پارامتر گسترده

سیستم کنترل گسسته

ب‌ک سیستم کنترل زمان گسسته

سیستم کنترل مبنی بر پیش‌بینی

اع۱ سیستم کنترل
او تصفیه و پیش‌بینی سیگنال
او سیستم کنترل بهینه
ان *Predictive control system*

سیستم کنترل متغیر زمانی

اع۱ سیستم کنترل
اع۱ سیستم متغیر با زمان
اع۲ علم سیستم‌ها
ان *Time varying control system*

سیستم کنترل مدار بسته

ب‌ج *سیستم کنترل پس‌خورد منفی*
اع۱ سیستم کنترل
او پس‌خورد
ان *Closed loop control system*

سیستم گریز فضاپیما

اع۱ تجهیزات فضاپیما
اع۲ تجهیزات
اع۲ فضاپیما
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ تجهیزات
اع۳ وسیله نقلیه
ان *Spacecraft escape system*

سیستم لوله‌کشی

اخ۱ سیستم لوله‌کشی آب
اخ۱ سیستم لوله‌کشی بخار
اخ۱ سیستم لوله‌کشی گاز
اخ۱ سیستم لوله‌کشی یخچال‌دار
اخ۱ لوله‌کشی فشار قوی
او خط‌لوله
او لوله
ان *Piping system*

سیستم لوله‌کشی آب

اع۱ سیستم توزیع آب
اع۲ سیستم آب‌رسانی

اع۳ تاسیسات آبی
اع۱ سیستم لوله‌کشی
او آب‌رسانی
او آبیاری
او خط‌لوله آب
او ضربه قوچ
او لوله‌کشی
ان *Water piping system*

سیستم لوله‌کشی بخار

اع۱ سیستم لوله‌کشی
او بخار(آب)
او جداساز و تله بخار
او چگالش بخار
او خط برگشت چگالیده
او خط‌لوله بخار
ان *Steam piping system*

سیستم لوله‌کشی گاز

اع۱ سیستم لوله‌کشی
او گاز
ان *Gas piping system*

سیستم لوله‌کشی یخچال‌دار

اع۱ سیستم لوله‌کشی
اع۱ ماشین‌آلات یخچال‌دار
اع۲ سیستم سرمایش
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
او سردسازی
ان *Refrigerating piping system*

سیستم متریک

ب‌ج *دستگاه بین‌المللی یکاها*
اع۱ یکای اندازه‌گیری
او اندازه‌گیری
ان *Metric system*

سیستم متغیر با زمان

ب‌ج *سیستم دوره‌ای*
اع۱ علم سیستم‌ها
اخ۱ سیستم کنترل متغیر زمانی
او شبکه متغیر با زمان
ان *Time varying system*

سیستم مخابراتی

اع۱ سیستم ارتباطی
اخ۱ خط ارتباط مخابراتی
اخ۲ اتصال ارتباطی برون‌زمینی
اخ۳ اتصال ماهواره‌ای
اخ۲ پیوند نوری
اخ۲ خط ارتباط رادیویی
اخ۳ پیوند ریزموجی
اخ۲ خط پیوند مدوله‌سازی رمز تپ
اخ۱ سیستم ارتباط داده‌ای
اخ۲ سیستم ارتباط تصویری
اخ۱ سیستم ارتباطی شخصی
اخ۱ سیستم ارتباطی ماهواره‌ای
اخ۱ سیستم پی‌جویی
اخ۱ سیستم تلفن
اخ۲ سیستم پیام‌گیر تلفن
اخ۲ سیستم تلفن خودکار
اخ۳ مرکز تلفن خودکار
اخ۲ سیستم تلفن دگمه‌ای
اخ۲ سیستم تلفن راه دور
اخ۲ سیستم تلفنی یاخته‌ای
اخ۲ سیستم شماره‌گذاری تلفن
اخ۲ سیستم شماره‌گیری تلفن
اخ۲ سیستم صحبت متقابل
اخ۲ مرکز تلفن
اخ۳ مرکز تلفن خصوصی
اخ۳ مرکز تلفن خودکار
اخ۳ مرکز تلفن نظامی
اخ۳ مرکز تلفن همراه
اخ۱ سیستم تلگراف
اخ۲ ایستگاه تلگراف
اخ۱ سیستم تلویزیونی
اخ۲ ایستگاه تلویزیونی
اخ۲ سیستم تلویزیون کابلی
اخ۲ سیستم تلویزیون مداربسته
اخ۲ شبکه تلویزیونی
اخ۱ سیستم دورسنجی
اخ۱ سیستم رادیویی
اخ۲ ایستگاه رادیویی
اخ۲ خط ارتباط رادیویی
اخ۳ پیوند ریزموجی
اخ۲ سیستم رادیویی سیار
اخ۳ سیستم رادیویی یاخته‌ای
اخ۱ سیستم رله ماهواره
اخ۱ سیستم مخابراتی رقمی
اخ۲ سیستم ارتباطات صوتی‌داده‌ای

اخ۱ سیستم مخابراتی سیار
اخ۲ سیستم رادیویی سیار
اخ۳ سیستم رادیویی یاخته‌ای
اخ۲ مرکز تلفن همراه
او تجهیزات مخابراتی
او خدمات مخابراتی
او خودکارسازی اداره
او سیستم سودهی
او سیستم علائم
او شبکه مخابراتی
او شدآمد مخابراتی
او کاهش تداخل
او مخابرات
ان *Telecommunication system*

سیستم مخابراتی رقمی

اع۱ سیستم مخابراتی
اع۲ سیستم ارتباطی
اخ۱ سیستم ارتباطات صوتی‌داده‌ای
او تجهیزات جانبی رایانه
او تداخل بین نمادی
او سیستم تلفن
او سیستم تلگراف
او شبکه هوشمند
او مدار رقمی
ان *Digital communication system*

سیستم مخابراتی سیار

بج *سیستم ارتباطی سیار*
اع۱ سیستم مخابراتی
اع۲ سیستم ارتباطی
اخ۱ سیستم رادیویی سیار
اخ۲ سیستم رادیویی یاخته‌ای
اخ۳ سیستم تلفنی یاخته‌ای
اخ۱ مرکز تلفن همراه
او ارتباط رادیویی
او ارتباط هواگردی
او تجهیزات نظامی
او تلفن رادیویی
او خط ارتباط رادیویی
او سیستم ارتباطی شخصی
ان *Mobile telecommunication system*

سیستم مدیریت پایگاه داده‌ها

بک سیستم پایگاه داده‌ها

سیستم مقیاس‌بزرگ

بج سیستم پیچیده
بج *سیستم هم‌پیوند*
بج *شبکه مختلط*
اع۱ علم سیستم‌ها
او سیستم کنترل
ان *Large scale system*

سیستم مکان‌یابی سراسری

اع۱ ناوبری کمکی ماهواره
اع۲ سیستم ناوبری
اع۳ تجهیزات
او سیستم رله ماهواره
او ناوبری رادیویی
ان *Global positioning system*

سیستم مکان‌یابی وسیله نقلیه

او ردیابی(مکان)
او کنترل شدآمد
ان *Vehicle locating system*

سیستم موشک‌اندازی

اع۱ تجهیزات نظامی
اع۲ تجهیزات
او پرتاب
او راکت
او موشک
ان *Missile launching system*

سیستم ناوبری

اع۱ تجهیزات
اخ۱ سیستم ناوبری اینرسی
اخ۱ ناوبری کمکی ماهواره
اخ۲ سیستم مکان‌یابی سراسری
او فضاپیما
او قطعات و تجهیزات هواگرد
او کشتی
او ماهواره
او ناوبری
او نمودار ناوبری
او هواگرد
او وسیله نقلیه
ان *Navigation system*

سیستم ناوبری اینرسی

ب‌ج *ناوبر اینرسی*
اع۱ سیستم ناوبری
اع۲ تجهیزات
او ناوبری
او ناوبری هوایی
ان *Inertial navigation system*

سیستم نوار سوراخ‌شده

اع۱ تجهیزات جانبی رایانه
اع۲ سخت‌افزار رایانه
اع۳ رایانه
او داده‌برداری
او ضبط‌کردن
ان *Punch tape system*

سیستم نوری

اخ۱ دستگاه تصویراندازی
او ابزار نوری
او سنج‌افزار نوری
او نورشناسی
او نورشناسی تطبیقی
ان *Optical system*

سیستم نیروی برق

اخ۱ ایستگاه فرعی الکتریکی
اخ۲ ایستگاه فرعی مبدل
اخ۳ ایستگاه فرعی یک‌سوساز
اخ۱ شبکه انتقال نیروی برق
او اتصال سیستم نیروی برق
او الکتریسیته
او انتقال نیروی الکتریکی
او بهره‌برداری نیروی برق
او تجهیزات الکتریکی
او توان واکنشی
او توزیع نیروی برق
او تولید نیروی الکتریکی
او جریان بار الکتریکی
او خدمات برق‌رسانی
او شارژ الکتریکی
او صنعت الکتریکی
او محافظت سیستم نیروی برق
او نیروگاه برق
ان *Electric power system*

سیستم نیروی کمکی

اع۱ تجهیزات کمکی
اع۲ تجهیزات
او هواگرد
ان *Auxiliary power system*

سیستم ورودی

ب‌ج *ورودی(ابزار)*
اع۱ تجهیزات
اخ۱ خفه‌کن هوای ورودی
او پرخوران
او شارش سیال
او ماشین‌آلات توربو
ان *Intake system*

سیستم هدایت الکترونیکی

ب‌ج *هدایت فضاپیما*
ب‌ج *هدایت موشک*
ب‌ج *هدایت(الکترونیکی)*
اع۱ سیستم کنترل
او راکت
او فضاپیما
او موشک
ان *Electronic guidance system*

سیستم هشدار رادار

اع۱ آشکارساز
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او تولید پارازیت
او رادار
او رادار نظامی
او سیستم اخطار
ان *Radar warning system*

سیستم هشدار ساختمان

اع۱ اجزای ساختمان
اع۲ ساختمان
اع۳ سازه
اع۱ سیستم علائم
اع۲ سیستم ارتباطی
ان *Building signal system*

ب‌ک سیستم مقیاس‌بزرگ

سیستم یادگیری

ب‌ج *یادگیری ماشین*
اع۱ علم سیستم‌ها
اخ۱ یادگیری آدمک
او ارتباطات زیستی
او الگوریتم یادگیری
او انتشار برگشتی
او سیبرنتیک
او سیستم انسان و ماشین
او سیستم تطبیقی
او شبکه عصبی
او شبکه عصبی پیشخوراند
او مدل مغز
او نظریه خودکارافزار
او هوش مصنوعی
ان *Learning system*

سیکل برایتون

اع۱ ترمودینامیک
او توربین گازی
ان *Brayton cycle*

سیگنال‌دهی

اع۱ ارتباط
او تجهیزات سیگنال‌دهی
او سیستم اخطار
او سیستم علائم
او سیستم علائم الکتریکی
او سیستم علائم دریایی
او سیستم علائم راه‌آهن
او سیستم علائم مترو
ان *Signaling*

سیل

او آب سطحی
او آب‌شستگی
او آب‌شناسی
او بارش(هواشناسی)
او بیمه سیل
او زیان سیل
او سیلاب‌روبی معدن
او فرسایش
او کشند
او کنترل سیل
ان *Flood*

سیلاب‌روبی معدن

او خطر
او سیل
او معدن
او معدن‌کاری
او نجات در معدن
ان *Mine flooding*

سیلان

اع۱ ترکیبات سیلیسیم
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ هیدرید
اع۲ ترکیبات معدنی هیدروژنی
اع۳ ترکیبات معدنی
ان *Silane*

سیلان‌سنج

اع۱ پیمانه
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری شارش
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اخ۱ جریان‌سنج مغناطیسی
اخ۱ رئومتر
اخ۱ سیلان‌سنج فراصوتی
اخ۱ کنتور آب
اخ۱ گازسنج
او اندازه‌گیری شارش
او تخلخل‌سنج
او تراوایی‌سنج(تراوایی مکانیکی)
او روزنه
او سرعت‌سنج
ان *Flowmeter*

سیلان‌سنج فراصوتی

اع۱ تجهیزات فراصوتی
اع۲ تجهیزات صوتی
اع۳ تجهیزات
اع۱ سیلان‌سنج
اع۲ پیمانه
اع۳ سنج‌افزار

اع۲ سنج‌افزار اندازه‌گیری شارش
اع۳ سنج‌افزار
ان *Ultrasonic flowmeter*

سیلان‌شناسی
او دستگاه سیالی
او دستگاه منطقی سیالی
او کنترل
او هیدرولیک
ان *Fluidics*

سیل‌بند
اع۱ خاکریز
اع۲ سازه
اع۱ سازه آبی
اع۲ سازه
او حفاظت ساحل
او دیوار نگهدارنده
او کنترل سیل
ان *Levee*

سیلسیم متخلخل
اع۱ سیلیسیم
اع۲ شبه فلز
اع۳ نافلز
اع۱ مواد متخلخل
اع۲ مواد
ان *Porous silicon*

سیلکوترون
اع۱ شتاب‌دهنده ذره
اع۲ تجهیزات
اخ۱ میکروترون
ان *Cyclotrons*

سیلندر(بارگنج)
اع۱ بارگنج
اخ۱ کپسول گاز
ان *Cylinder (container)*

سیلندر موتور
اع۱ موتور درون‌سوز
اع۲ ماشین گرمایی
اع۳ موتور(با منبع انرژی درونی)
او بیرون‌رانی دود
ان *Engine cylinder*

سیلو
ب‌ک انبار غله(کشاورزی)

سیلوی فولادی
ب‌ک انبار غله(کشاورزی)
ب‌ک سازه فولادی

سیلیس
اع۱ اکسید
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات سیلیسیم
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ سیلیس مذاب
اخ۱ سیلیکاژل
اخ۱ کوارتز
او آجر سیلیسی
او کانی اکسیدی
او ماسه
او ماسه سیلیسی
ان *Silica*

سیلیس مذاب
ب‌ج *شیشه سیلیسی*
اع۱ سیلیس
اع۲ اکسید
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ ترکیبات سیلیسیم
اع۳ ترکیبات شیمیایی
ان *Fused silica*

سیلیسیم
ب‌ج *متالورژی پودر سیلیسیم*
اع۱ شبه فلز
اع۲ نافلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اخ۱ سیلسیم متخلخل
اخ۱ سیلیسیم اریخت
اخ۱ سیلیکون نیم‌رسانا
اخ۲ ویفر سیلیسیمی
او آلیاژ سیلیسیم
او ترکیبات سیلیسیم
او حس‌گر سیلیسیمی

ان *Silicon*

سیلیسیم اریخت

اع۱ سیلیسیم
اع۲ شبه فلز
اع۳ نافلز
اع۱ مواد اریخت
اع۲ مواد
ان *Amorphous silicon*

سیلیسیم کاربید

اع۱ ترکیبات سیلیسیم
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ کاربید
اع۲ ترکیبات معدنی کربن
اع۳ ترکیبات معدنی
ان *Silicon carbide*

سیلیسیم نیترید

اع۱ ترکیبات سیلیسیم
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ نیترید
اع۲ ترکیبات نیتروژن
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او مخلوط ملات سرامیکی
او مواد سرامیکی
او مواد نسوز
ان *Silicon nitride*

سیلیکات

اع۱ ترکیبات سیلیسیم
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ زئولیت
اخ۱ کانی سیلیکاتی
اخ۲ بنتونیت
اخ۲ توپاز
اخ۲ زبرجد
اخ۲ زیرکن
اخ۲ سرپنتین
اخ۲ فلدسپار
اخ۲ کانی رسی
اخ۳ کائولین
اخ۲ کانی کلریتی
اخ۲ کیانیت
اخ۲ میکا
اخ۱ گارنت
او شیشه بورسیلیکات
ان *Silicate*

سیلیکاژل

اع۱ ژل
اع۲ کلوئید
اع۳ پاشیدگی
اع۱ سیلیس
اع۲ اکسید
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ ترکیبات سیلیسیم
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او جاذب سطحی
ان *Silica gel*

سیلیکون

ب‌ج *رزین سیلیکون*
اع۱ بسپار معدنی
اع۲ بسپار
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۲ ترکیبات معدنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات سیلیسیم
اع۲ ترکیبات شیمیایی
او اندود سیلیکونی
او پلی‌سیلان
او گرماسخت
ان *Silicone*

سیلیکون نیم‌رسانا

اع۱ سیلیسیم
اع۲ شبه فلز
اع۳ نافلز
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
اخ۱ ویفر سیلیسیمی
ان *Semiconducting silicon*

سیم

ب‌ج *سیم روکش‌دار*
اع۱ مواد
اخ۱ سیم الکتریکی
اخ۲ سیم ابررسانشی

اخ۲ سیم عایق‌کاری
اخ۲ سیم ورودی
اخ۱ مفتول انفجاری
او بافه
او پلاستیک تقویت‌شده سیمی
او پیوندزنی شیشه
او تاب‌گیری
او تسمه سیمی
او تسمه‌سازی از سیم
او رشته مومسان
او روکش‌کاری(پوشش)
او فراورده سیمی
او فولادگذاری
او ماشین پیچش
او مدل‌کشی سیمی
او مفتول جوشکاری
او نورد سیم‌سازی
ان *Wire*

سیم ابررسانشی

اع۱ سیم الکتریکی
اع۲ رسانای الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۲ سیم
اع۳ مواد
او مواد ابررسانا
ان *Superconducting wire*

سیمابین کاربر

اع۱ واسط(رایانه)
اخ۱ سیمابین کاربر گرافیکی
او ابزار برهم‌کنشی
او برهم‌کنش انسان و رایانه
او سیستم انسان و ماشین
او سیستم رایانه‌ای برهم‌کنشی
او واقعیت مجازی
ان *User interface*

سیمابین کاربر گرافیکی

اع۱ سیمابین کاربر
اع۲ واسط(رایانه)
او نگاره‌سازی رایانه‌ای
ان *Graphical user interface*

سیم الکتریکی

اع۱ رسانای الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ سیم
اع۲ مواد
اخ۱ سیم ابررسانشی
اخ۱ سیم عایق‌کاری
اخ۱ سیم ورودی
او بست الکتریکی
او سیم‌کشی الکتریکی
ان *Electric wire*

سیمان

اع۱ مصالح ساختمانی
اع۲ مواد
اخ۱ افزودنی سیمان
اخ۱ بتونه
اخ۱ پوزولان
اخ۱ خاک سیمان
اخ۱ سیمان پرتلند
اخ۱ سیمان پنبه نسوز
اخ۱ سیمان سرباره‌ای
اخ۱ سیمان ضدآب
او بتن
او درزبندی
او دوغاب‌ریزی
او روکار سیمانی
او سیمان‌کاری
او سیمان‌کاری چاه
او صنعت سیمان
او گچ
او گیرش(سیمان)
او ملات
ان *Cement*

سیمان استخوان

اع۱ چسب
اع۲ مواد
اع۱ مواد زیستی
اع۲ مواد
او مواد دندانپزشکی
ان *Bone cement*

سیمان پرتلند

اع۱ سیمان

اع۲ مصالح ساختمانی
اع۳ مواد
او بتن
او پوزولان
او سیمان‌کاری چاه نفت
او ملات
ان *Portland cement*

سیمان پنبه نسوز

اع۱ سیمان
اع۲ مصالح ساختمانی
اع۳ مواد
او پنبه نسوز
او لوله سیمان پنبه نسوز
ان *Asbestos cement*

سیمان دندانسازی

اع۱ مواد دندانپزشکی
اع۲ مواد زیستی
اع۳ مواد
ان *Dental cement*

سیم‌اندودکاری

اع۱ آبکاری
اع۲ فن اندایشن
اع۳ نهشت
او نقره
او نقره‌آلات
ان *Silver plating*

سیمان سرباره‌ای

اع۱ سیمان
اع۲ مصالح ساختمانی
اع۳ مواد
او آهک
او سرباره
ان *Slag cement*

سیمان ضدآب

اع۱ سیمان
اع۲ مصالح ساختمانی
اع۳ مواد
او ضدآب‌کردن
ان *Waterproof cement*

سیمان‌کاری

اع۱ چاه‌کنی
اع۲ گودبرداری
اخ۱ سیمان‌کاری چاه
اخ۲ سیمان‌کاری چاه نفت
او پیوندزنی
او دوغاب‌ریزی
او سیمان
ان *Cementing (shafts)*

سیمان‌کاری چاه

اع۱ سیمان‌کاری
اع۲ چاه‌کنی
اع۳ گودبرداری
اخ۱ سیمان‌کاری چاه نفت
او پیوندزنی
او تکمیل چاه
او دوغاب‌ریزی
او سیمان
ان *Well cementing*

سیمان‌کاری چاه نفت

اع۱ تکمیل چاه نفت
اع۲ تکمیل چاه
اع۱ سیمان‌کاری چاه
اع۲ سیمان‌کاری
اع۳ چاه‌کنی
او چاه نفتی
او سیمان پرتلند
ان *Oil well cementing*

سیم‌پیچ الکتریکی

اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ سیم‌پیچ ماشین
اخ۲ ایستانه
اخ۲ روتور(سیم‌پیچ)
اخ۱ سیم‌پیچ مبدل
او پیچه الکتریکی
او رسانای الکتریکی
او سیم‌کشی الکتریکی
او ماشین‌آلات جریان متناوب
او مدار مغناطیسی
او مولد جریان متناوب
او مولد ناهمگام

ان *Electric winding*

سیم‌پیچ لامپ
ب‌ک رشته(لامپ)

سیم‌پیچ ماشین
اع۱ اجزای ماشین‌آلات الکتریکی
اع۲ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ ماشین‌آلات
اع۱ سیم‌پیچ الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ ایستانه
اخ۱ روتور(سیم‌پیچ)
او ماشین‌آلات جریان متناوب
او ماشین‌آلات ناهمگام
او محافظت تجهیزات الکتریکی
او موتور جریان متناوب
او مولد جریان متناوب
او مولد ناهمگام
ان *Machine winding*

سیم‌پیچ مبدل
اع۱ سیم‌پیچ الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ مبدل الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
ان *Transformer winding*

سیم تلفن
اع۱ دستگاه تلفن
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ فراورده سیمی
ان *Telephone cord*

سیم‌جوش با مغزه گدازآور
ب‌ج *جوش‌کاری با هسته سیالی*
اع۱ جوشکاری قوس الکتریکی
اع۲ جوشکاری برقی
اع۳ جوشکاری
ان *Flux core wire welding*

سیم روکش‌دار
ب‌ک سیم
ب‌ک فلز روکش‌دار

سیم‌سیمان
ب‌ک بتن مسلح

سیم عایق‌کاری
اع۱ سیم الکتریکی
اع۲ رسانای الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۲ سیم
اع۳ مواد
او دستگاه روزن‌رانی عایق سیم
ان *Insulated wire*

سیم‌کشی الکتریکی
اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ سیم‌کشی ساختمان
او بست الکتریکی
او رسانای الکتریکی
او رمز الکتریکی
او سیم الکتریکی
او سیم‌پیچ الکتریکی
او مدار چاپی
ان *Electric wiring*

سیم‌کشی ساختمان
اع۱ اجزای ساختمان
اع۲ ساختمان
اع۳ سازه
اع۱ سیم‌کشی الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
او رمز الکتریکی
ان *Building wiring*

سیم کوانتمی نیم‌رسانا
ب‌ج *سیم کوانتومی*
او پیوند نیم‌رسانا
او چاه کوانتمی نیم‌رسانا

او لیزر نیم‌رسانا
او نقطه کوانتومی نیم‌رسانا
ان *Semiconductor quantum wire*

سیم کوانتومی
ب‌ک سیم کوانتمی نیم‌رسانا

سیم‌لوله
اع۱ پیچه الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
او آهنربای الکتریکی
او رله الکتریکی
ان *Solenoid*

سیم ورودی
اع۱ سیم الکتریکی
اع۲ رسانای الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۲ سیم
اع۳ مواد
او خط الکتریکی
او خط تلفن
ان *Drop wire*

سینتیک شیمیایی
ب‌ک سینتیک واکنش

سینتیک گاز
ب‌ک نظریه جنبشی گازها

سینتیک واکنش
ب‌ج *ثابت سرعت*
ب‌ج *سینتیک شیمیایی*
ب‌ج *سینتیک واکنش شیمیایی*
او احتراق
او انفجار (ترکشی)
او ترمودینامیک
او دینامیک مولکولی
او شیمی‌فیزیک
او کاتالیز
او کاتالیزور
او واکنش شیمیایی
ان *Reaction kinetics*

سینتیک واکنش شیمیایی
ب‌ک سینتیک واکنش

سینماتوگرافی
ب‌ک تصویر متحرک
ب‌ک عکاسی

سینماتیک
ب‌ک حرکت‌شناسی

شاتر دوربین
اع۱ دوربین
اع۲ تجهیزات عکاسی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
اع۱ شاتر نوری
اع۲ ابزار نوری
اع۳ تجهیزات
ان *Camera shutter*

شاتر نوری
اع۱ ابزار نوری
اع۲ تجهیزات
اخ۱ شاتر دوربین
او پروژکتور نوری
او دوربین
او عدسی
ان *Optical shutter*

شاتل فضایی
اع۱ فضاپیما
اع۲ وسیله نقلیه
او پرواز فضایی سرنشین‌دار
او مخروط دماغه
ان *Space shuttle*

شاخص تقاضای بیشینه
ب‌ج *تقاضاسنج*
اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات

او اندازه‌گیری توان الکتریکی
ان *Maximum demand indicator*

شاخص زیستی
ب‌ک زیست‌نشانگر

شاخص زاویه حمله
اع۱ سنج‌افزار هواگرد
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات هواگرد
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ هواگرد
ان *Angle of attack indicator*

شاخص موتور
ب‌ک نشانگر فشار سیال کاری

شاخک برق‌رسان
اع۱ جمع‌کننده جریان الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
او کشش الکتریکی
ان *Pantograph*

شارژ الکتریکی
اع۱ الکتریسیته
اخ۱ بار فضای الکتریکی
او الکترواستاتیک
او اندازه‌گیری شارژ الکتریکی
او جریان بار الکتریکی
او خازن
او سیستم نیروی برق
او ظرفیت
او مدیریت بار الکتریکی
ان *Electric charge*

شارژ باتری
ب‌ک پرکردن(باتری)

شارسنج
ی‌د سنج‌افزاری برای اندازه‌گیری شارمغناطیسی
ب‌ج *دستگاه اندازه‌گیری شار مغناطیسی*
اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری مغناطیسی
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او اندازه‌گیری میدان مغناطیسی
ان *Fluxmeter*

شارش تپشی
اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
او جریان در لوله
او نوسان
ان *Pulsatile flow*

شارش جامد
اع۱ دینامیک
اع۲ مکانیک
اخ۱ جریان مومسان
او انتقال رسوب
او جابه‌جایی مواد
او جامد
او جریان برش
او جریان دوفاز
او جریان ناپایا
او خزش
او سیال‌شناسی
او شارش سیال
او مواد دانه‌ای
او مومسانی
ان *Flow of solid*

شارش سیال
ب‌ج *جریان سیال*
ب‌ج *شارش گاز*
ب‌ج *شارش مایع*
اع۱ دینامیک سیالات
اع۲ دینامیک
اع۳ مکانیک
اخ۱ برهم‌کنش شارش
اخ۲ برهم‌کنش ساختمان سیال
اخ۱ تراوش(سیال)
اخ۱ جریان آب
اخ۲ جریان آب زیرزمینی
اخ۲ جریان رودخانه‌ای
اخ۱ جریان آرام
اخ۱ جریان پتانسیل

اخ۱ جریان پلاسما
اخ۱ جریان تراکم‌پذیر
اخ۱ جریان چرخشی
اخ۱ جریان چندفاز
اخ۲ جریان دوفاز
اخ۱ جریان دیواره‌ای
اخ۱ جریان زبرصوت
اخ۱ جریان شعاعی
اخ۱ جریان غیرنیوتنی
اخ۱ جریان فراصوتی
اخ۱ جریان فروصوتی
اخ۱ جریان گذار
اخ۱ جریان گرانرو
اخ۱ جریان لایه مرزی
اخ۱ جریان متلاطم
اخ۲ رد
اخ۱ جریان محدود
اخ۲ جریان در لوله
اخ۲ جریان کانال
اخ۳ جریان کانال روباز
اخ۱ جریان محوری
اخ۱ جریان مویین
اخ۱ جریان ناپایا
اخ۱ جریان نیوتنی
اخ۱ جریان هماصوتی
اخ۱ شارش تپشی
اخ۱ شارش گردابی
او استوانه
او افشان(مایع)
او انتقال رسوب
او اندازه‌گیری شارش
او آیرودینامیک
او بستر پرشده
او تراوش
او تشکیل حباب
او تلاطم
او جت
او جریان برش
او جسم دوار
او روش حجمی متناهی
او رویت‌سازی شارش
او زه‌کشی
او سنج‌افزار اندازه‌گیری شارش
او سیستم ورودی
او شارش جامد
او عدد رینولدز
او کره
او کنترل شارش
او گاز
او لوله
او مایع
او مواد دانه‌ای
او نازل
او همرفت گرما
او هیدرودینامیک
او هیدرولیک
ان *Flow of fluid*

شارش گاز
ب‌ک شارش سیال

شارش گردابی

ب‌چ *گرداب*
اع۱ شارش سیال
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
او آمیختگی
او تلاطم
او جریان متلاطم
او خلاءزایی
او رد
او ریزش گردابی
ان *Vortex flow*

شارش مایع
ب‌ک شارش سیال

شار گرما

او انتقال گرما
او ضریب انتقال گرما
ان *Heat flux*

شاره
ب‌ک سیال

شاسی خودرو

اع۱ بدنه خودرو
اع۲ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۳ خودرو
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی

ان *Automobile frame*

شانه(جاده)

اع۱ جاده و خیابان
اع۲ امکانات همگانی
او حاشیه جاده
ان *Shoulder (road)*

شاه‌تیر

ب‌ک تیر و شاه‌تیر

شاهدانه

اع۱ فراورده کشاورزی
او الیاف شاهدانه
او الیاف نساجی
ان *Hemp*

شب‌تاب

ب‌ج *سوسوزن*
اع۱ مواد
او ابزار درخشایی
او آشکارساز تابش
او تقویت‌کننده تصویر(لامپ الکترونی)
او درخشایی
او سوسوزنی
او شب‌تابی
او شمارگر سوسوزن
او لامپ تصویر تلویزیون
ان *Phosphor*

شب‌تابی

اع۱ درخشایی
اع۲ گسیل نور
اع۳ گسیل موج الکترومغناطیسی
او جذب موج الکترومغناطیسی
او چشمه نور
او سوسوزنی
او شب‌تاب
او فلورسانس
ان *Phosphorescence*

شبرنگ

اع۱ اندود درخشنده
اع۲ اندود
اع۳ مواد
اع۲ مواد درخشان
اع۳ مواد
اع۱ رنگ
اع۲ اندود
اع۳ مواد
ان *Luminous paint*

شبکه انتقال نیروی برق

ب‌ج *شبکه انتقال*
اع۱ سیستم نیروی برق
اع۱ شبکه(مدار)
او اتصال سیستم نیروی برق
او انتقال نیروی الکتریکی
او توان واکنشی
او جریان بار الکتریکی
او محاسبات شبکه انتقال
ان *Electric power transmission network*

شبکه تلویزیونی

اع۱ سیستم تلویزیونی
اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
او ایستگاه تلویزیونی
او پخش تلویزیونی
او تجهیزات تلویزیونی
او تلویزیون
او سیستم تلویزیون کابلی
ان *Television network*

شبکه عصبی یاخته‌ای

اع۱ شبکه عصبی
ان *Cellular neural network*

شبکه غیرفعال

ب‌ج *مدار غیرفعال*
اع۱ شبکه(مدار)
اع۱ پالایه غیرفعال
او مدار ریزموج
ان *Passive network*

شبکه(مدار)

ب‌ج *مدار الکترونیکی*
ب‌ج *مدار الکتریکی*

اخ۱ اجزای شبکه
اخ۲ مقاومت
اخ۳ پتانسیل‌سنج(مقاومت)
اخ۳ پوزیستور
اخ۳ فوتومقاومت
اخ۳ مقاومت گرمایی
اخ۳ وارسیتور
اخ۲ واکنشگاه الکتریکی
اخ۳ القاگر الکتریکی
اخ۳ بوبین محدودساز جریان
اخ۳ خازن
اخ۳ واکنشگاه هسته‌ای اشباع‌پذیر
اخ۱ انتقال‌دهنده فاز
اخ۱ برابرساز
اخ۲ برابرساز تضعیفی
اخ۱ پالایه الکتریکی
اخ۲ پالایه الکترومکانیکی
اخ۳ پالایه بلوری
اخ۲ پالایه بالاگذر
اخ۲ پالایه پایین‌گذر
اخ۲ پالایه رقمی
اخ۲ پالایه ریزموج
اخ۲ پالایه سوداده
اخ۲ پالایه غیرفعال
اخ۲ پالایه فعال
اخ۲ پالایه نوارپس‌زن
اخ۲ پالایه نوارگذر
اخ۱ جداکننده
اخ۱ چندلرزشی
اخ۲ مدار فیلیپ فلاپ
اخ۱ حلقه قفل فاز
اخ۱ ژیراتور
اخ۱ شبکه انتقال نیروی برق
اخ۱ شبکه غیرفعال
اخ۲ پالایه غیرفعال
اخ۱ شبکه پارامتر توزیع‌شده
اخ۱ شبکه پارامتر فشرده
اخ۱ شبکه تار نوری
اخ۱ شبکه خطی
اخ۱ شبکه داخلی
اخ۱ شبکه سودهی
اخ۲ پالایه سوداده
اخ۲ شبکه سودهی تکراری
اخ۲ شبکه واسطه
اخ۱ شبکه غیرخطی
اخ۱ شبکه فعال

اخ۲ پالایه فعال
اخ۲ تبدیلگر پاگیری منفی
اخ۱ شبکه متغیر با زمان
اخ۱ شبکه مخابراتی
اخ۲ شبکه باندپهن
اخ۲ شبکه بسته‌بیتی
اخ۲ شبکه هوشمند
اخ۱ شبکه نردبانی
اخ۱ کاهنده الکتریکی
اخ۲ تضعیفگر موجبر
اخ۱ مدار آشکارساز
اخ۱ مدار آمیزشگر
اخ۱ مدار انتگرال
اخ۱ مدار بافر
اخ۱ مدار پل
اخ۱ مدار تاخیری
اخ۲ خط تاخیر الکتریکی
اخ۱ مدار تپ
اخ۲ تقویت‌کننده تپ
اخ۲ مدار انطباقی
اخ۲ مدار شکل‌دهی تپ
اخ۲ مدار شمارش
اخ۲ مولد تپ
اخ۳ مولد پالس نوری
اخ۱ مدار تحلیل تپ
اخ۱ مدار تشدید
اخ۱ مدار تغییر فاز
اخ۱ مدار تلفن
اخ۱ مدار تلگراف
اخ۱ مدار جاروب
اخ۱ مدار جفت‌شده
اخ۱ مدار جمع‌زنی
اخ۱ مدار چاپی
اخ۲ تخته مدار چاپی
اخ۱ مدار چندپایداره
اخ۱ مدار دیفرانسیل
اخ۱ مدار راداز
اخ۱ مدار رایانه
اخ۱ مدار رقمی
اخ۲ جمع‌زن
اخ۲ مدار تقسیمی(محاسباتی)
اخ۲ مدار چندبرابرکننده
اخ۲ مدار مجتمع رقمی
اخ۳ آرایه یاخته‌ای
اخ۳ تراشه ریزپرداز
اخ۱ مدار ریزموج

اخ۲ مدار مجتمع ریزموج
اخ۳ مدار مجتمع ریزموج تک‌پارچه‌ای
اخ۱ مدار زمان‌گیری
اخ۱ مدار سنج‌افزار
اخ۱ مدار سودهی
اخ۲ برشگر(مدار)
اخ۲ مدار چکانشی
اخ۱ مدار فشرگستر
اخ۱ مدارمجتمع
اخ۲ مدار فیلم‌ضخیم
اخ۲ مدار فیلم‌نازک
اخ۲ مدار مجتمع تک‌پارچه‌ای
اخ۳ مدار ال.اس.آی.
اخ۳ مدار مجتمع ریزموج تک‌پارچه‌ای
اخ۳ مدارمجتمع سی‌ماس
اخ۳ مدارمجتمع کاربردویژه
اخ۲ مدار مجتمع دو رگه
اخ۲ مدار مجتمع دو قطبی
اخ۲ مدار مجتمع رقمی
اخ۳ آرایه یاخته‌ای
اخ۳ تراشه ریزپرداز
اخ۲ مدار مجتمع ریزموج
اخ۳ مدار مجتمع ریزموج تک‌پارچه‌ای
اخ۲ مدار مجتمع نورالکترونیکی
اخ۲ مدار یکپارچه خطی
اخ۱ مدار محدودساز
اخ۲ محدودساز ریزموج
اخ۱ مدار مغناطیسی
اخ۲ مدار مغناطیسی مبدل
اخ۱ مدار مقایسه‌گر
اخ۲ مقایسه‌گر فاز
اخ۱ مدار منبع تغذیه
اخ۱ مدار منطقی
اخ۲ مدار ترتیبی
اخ۳ منطق ترتیبی ناهمگام
اخ۲ مدار ترکیبی
اخ۲ مدارمنطقی ترانزیستوری ترانزیستور
اخ۲ مدار منطقی تزریق مجتمع
اخ۲ مدار منطقی تزویج گسیلنده
اخ۲ مدار منطقی دیود
اخ۳ مدار منطقی ترانزیستور دیود
اخ۲ مدار نند
اخ۱ مدار واگردان بسامد
اخ۲ مدار ازدیاد بسامد
اخ۲ مدار تقسیم بسامد
اخ۱ مدار هم‌ارز

اخ۱ مدار یک‌سوساز
او آشکارساز همبستگی
او پاسخ بسامدی
او تحلیلگر شبکه الکتریکی
او تشدید مدار
او تقویت‌کننده(الکترونیکی)
او تلویزیون
او رادیو
او ردگیری مدارالکترونیکی
او ضریب توان الکتریکی
او فرستنده
او گیرنده سیگنال
او مدارشکن الکتریکی
او نظریه مدار
او نمودار شمایی
او نوسان مدار
او وامدوله‌ساز
ان *Network (circuit)*

شبکه ارتباطی
ب‌ک شبکه مخابراتی

شبکه ارتباطی شخصی
ب‌ک سیستم ارتباطی شخصی

شبکه الکتریکی
ب‌ک نظریه مدار

شبکه انتقال
ب‌ک شبکه انتقال نیروی برق

شبکه باندپهن
اع۱ شبکه مخابراتی
اع۲ شبکه(مدار)
او ارتباط دیداری
او شبکه داخلی
او مخابره ناهمگام
ان *Broadband network*

شبکه بسپاری درهم
ب‌ج شبکه درهم
اع۱ مخلوط بسپاری
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار

اع۳ ترکیبات آلی
او ساختار مولکولی
ان *Interpenetrating polymer network*

شبکه بسته‌بیتی

ب‌ج شبکه سودهی بسته‌بیتی
اع۱ شبکه مخابراتی
اع۲ شبکه(مدار)
او سودهی بسته‌بیتی
او شبکه رایانه‌ای
ان *Packet network*

شبکه بلور

اع۱ ساختار بلور
اع۲ ساختار(ترکیب)
اخ۱ ابرشبکه
اخ۲ ابرشبکه فلزی
اخ۲ ابرشبکه نیم‌رسانا
او بلور مولکولی
او تاره بلور
او تراوش(حالت جامد)
او ثابت شبکه
او فلزنگاری
او نقص نقطه‌ای
ان *Crystal lattice*

شبکه پارامتر توزیع‌شده

اع۱ شبکه(مدار)
او تحلیل شبکه الکتریکی
او سنتز شبکه الکتریکی
او مدار ریزموج
او نظریه خط انتقال
او نظریه مدار
ان *Distributed parameter network*

شبکه پارامتر فشرده

اع۱ شبکه(مدار)
او نظریه مدار
ان *Lumped parameter network*

شبکه پراش

ب‌ج *شبکه نوری*
اع۱ ابزار نوری
اع۲ تجهیزات
او پراش موج الکترومغناطیسی
او طیف‌سنج
ان *Diffraction grating*

شبکه تار نوری

اع۱ شبکه(مدار)
او ارتباط نوری
ان *Fiber optic network*

شبکه تنظیم فازی آنتن

اع۱ آرایه آنتن
اع۲ آرایه
اع۲ آنتن
اع۳ تجهیزات مخابراتی
ان *Antenna phased array*

شبکه توزیع

ب‌ک توزیع نیروی برق

شبکه چندپردازنده‌ای واسطه

ب‌ک شبکه واسطه

شبکه خطی

اع۱ شبکه(مدار)
او تجزیه شبکه خطی
او ترکیب شبکه خطی
ان *Linear network*

شبکه داخلی

اع۱ شبکه(مدار)
اع۱ شبکه رایانه‌ای
او تحلیلگر شبکه الکتریکی
او سیستم ارتباط داده‌ای
او شبکه باندپهن
ان *Local area network*

شبکه درهم

ب‌ک شبکه بسپاری درهم

شبکه رایانه‌ای

ب‌ج *سیستم چندپردازنده*
اخ۱ راه ارتباط(شبکه رایانه‌ای)
اخ۱ شبکه داخلی
اخ۱ شبکه شهری

او تحلیلگر شبکه الکتریکی
او رایانه
او سودهی بسته‌بیتی
او سیستم پایگاه داده‌های گسترده
او سیستم رایانه‌ای
او شبکه بسته‌بیتی
او همپذیر شبکه
ان *Computer network*

شبکه رقمی خدمات مجتمع
ب‌ک سیستم ارتباطات-صوتی‌داده‌ای

شبکه سودهی
اع۱ شبکه(مدار)
اخ۱ پالایه سوداده
اخ۱ شبکه سودهی تکراری
اخ۱ شبکه واسطه
او تجهیزات سودهی تلفن
او سوده
او سیستم سودهی
او کمینه‌سازی شبکه سودهی
او مدار سودهی
او نظریه سودهی
ان *Switching network*

شبکه سودهی بسته‌بیتی
ب‌ک شبکه بسته‌بیتی

شبکه سودهی تکراری
اع۱ شبکه سودهی
اع۲ شبکه(مدار)
او نظریه سودهی
ان *Iterated switching network*

شبکه شهری
اع۱ شبکه رایانه‌ای
ان *Metropolitan area network*

شبکه عصبی
ب‌ج شبکه عصبی چندلایه
ب‌ج *شبکه عصبی مصنوعی*
اخ۱ شبکه عصبی یاخته‌ای
اخ۱ شبکه عصبی پیشخوراند
او انتشار برگشتی
او سیبرنتیک
او سیستم یادگیری
او فیزیک‌درمانی اعصاب
او مدل مغز
او هوش مصنوعی
ان *Neural network*

شبکه عصبی پیشخوراند
اع۱ شبکه عصبی
او سیستم یادگیری
ان *Feedforward neural network*

شبکه عصبی چندلایه
ب‌ک شبکه عصبی

شبکه عصبی مصنوعی
ب‌ک شبکه عصبی

شبکه غیرخطی
اع۱ شبکه(مدار)
او تجزیه و تحلیل شبکه غیرخطی
او ساخت شبکه غیرخطی
ان *Nonlinear network*

شبکه فعال
اع۱ شبکه(مدار)
اخ۱ پالایه فعال
اخ۱ تبدیلگر پاگیری منفی
او تقویت‌کننده(الکترونیکی)
او نوسانگر(الکترونیک)
ان *Active network*

شبکه متغیر با زمان
اع۱ شبکه(مدار)
ان *Time varying network*

شبکه مخابراتی
ب‌ج *شبکه ارتباطی*
اع۱ شبکه(مدار)
اخ۱ شبکه باندپهن
اخ۱ شبکه بسته‌بیتی
اخ۱ شبکه هوشمند
او سیستم مخابراتی
او کنترل تراکم(ارتباطات)

ان *Telecommunication network*

شبکه مختلط

ب‌ک سیستم مقیاس‌بزرگ

شبکه نردبانی

ب‌ج *پالایه نردبانی*

اع۱ شبکه(مدار)

او پالایه الکتریکی

ان *Ladder network*

شبکه نوری

ب‌ک شبکه پراش

شبکه واسطه

ب‌ج *شبکه چندپردازنده‌ای واسطه*

اع۱ شبکه سودهی

اع۲ شبکه(مدار)

او سیستم پردازش موازی

او سیستم چندپردازشی

ان *Interconnection network*

شبکه هوشمند

اع۱ شبکه مخابراتی

اع۲ شبکه(مدار)

او خدمات مخابراتی

او سیستم ارتباط داده‌ای

او سیستم سودهی

او سیستم مخابراتی رقمی

او مدار رقمی

ان *Intelligent network*

شبه‌بلور

اع۱ جامد

اع۲ مواد

او بلور

ان *Quasicrystal*

شبه فلز

ب‌ج *نیمه‌فلز*

اع۱ نافلز

اع۲ عنصر شیمیایی

اخ۱ آرسنیک

اخ۱ بور

اخ۲ بور نیم‌رسانا

اخ۱ پولونیم

اخ۱ تلوریم

اخ۲ تلوریم نیم‌رسانا

اخ۱ ژرمانیم

اخ۲ ژرمانیم نیم‌رسانا

اخ۱ سیلیسیم

اخ۲ سیلسیم متخلخل

اخ۲ سیلیسیم اریخت

اخ۲ سیلیکون نیم‌رسانا

اخ۳ ویفر سیلیسیمی

او آلیاژ

او بین‌فلزی

او فلز

ان *Metalloid*

شبیه‌ساز

اع۱ مدل

اخ۱ شبیه‌ساز پرواز

اخ۱ شبیه‌ساز خودرو

اخ۱ شبیه‌ساز راداری

اخ۱ شبیه‌ساز راننده خودرو

اخ۱ شبیه‌ساز کشتی

اخ۱ شبیه‌ساز ماهواره

اخ۱ شبیه‌ساز واکنشگاه هسته‌ای

اخ۱ محفظه محیطی

اخ۲ شبیه‌ساز فضایی

او تونل باد

او شبیه‌سازی

او شبیه‌سازی رایانه‌ای

او مخزن مدل کشتی

او مدل ریاضی

ان *Simulator*

شبیه‌ساز پرواز

ب‌ج *شبیه‌ساز هواگرد*

اع۱ شبیه‌ساز

اع۲ مدل

او بالگرد

او شبیه‌ساز فضایی

او هواگرد

او واقعیت مجازی

ان *Flight simulator*

شبیه‌ساز خودرو

اع۱ شبیه‌ساز
اع۲ مدل
او آموزش کارکنان
ان *Automobile simulator*

شبیه‌ساز راداری
اع۱ شبیه‌ساز
اع۲ مدل
او رادار
ان *Radar simulator*

شبیه‌ساز راننده خودرو
اع۱ شبیه‌ساز
اع۲ مدل
او مدل انسانی
ان *Automobile driver simulator*

شبیه‌ساز فضایی
اع۱ محفظه محیطی
اع۲ شبیه‌ساز
اع۳ مدل
او پژوهش فضایی
او شبیه‌ساز پرواز
او فضاپیما
او مرکزگریز
ان *Space simulator*

شبیه‌ساز کشتی
اع۱ شبیه‌ساز
اع۲ مدل
او آزمایش کشتی
او کشتی
او مدل کشتی
او مدل واقعی کشتی
ان *Ship simulator*

شبیه‌ساز ماهواره
اع۱ شبیه‌ساز
اع۲ مدل
او ماهواره
او محفظه محیطی
ان *Satellite simulator*

شبیه‌ساز واکنشگاه هسته‌ای
اع۱ شبیه‌ساز
اع۲ مدل
او واکنشگاه هسته‌ای
ان *Nuclear reactor simulator*

شبیه‌ساز هواگرد
ب‌ک شبیه‌ساز پرواز

شبیه‌سازی
ب‌ج *همسانی*
اع۱ شبیه‌سازی پلاسما
اع۱ شبیه‌سازی رایانه‌ای
او تجزیه و تحلیل سیستم‌ها
او تحقیق در عملیات
او شبیه‌ساز
او شناسایی(سیستم کنترل)
او طراحی به کمک رایانه
او علم سیستم‌ها
او مدل
او مدل ریاضی
او نظریه سیستمی
او نظریه کنترل
او نگاره‌سازی رایانه‌ای
ان *Simulation*

شبیه‌سازی پلاسما
اع۱ شبیه‌سازی
او پلاسما
ان *Plasma simulation*

شبیه‌سازی پویا
ب‌ک شبیه‌سازی رایانه‌ای

شبیه‌سازی رایانه‌ای
ب‌ج *شبیه‌سازی پویا*
ب‌ج *شبیه‌سازی عددی*
ب‌ج *شبیه‌سازی مونت کارلو*
ب‌ج *مدل‌سازی(رایانه)*
اع۱ شبیه‌سازی
اع۱ کاربرد رایانه
اع۲ کاربرد
او تجزیه و تحلیل به کمک رایانه
او زبان شبیه‌سازی رایانه
او شبیه‌ساز
او شبیه‌سازی

او طراحی به کمک رایانه
او مدل
ان *Computer simulation*

شبیه‌سازی روشنایی روز
اع۱ روشنایی الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ روشنایی
او نورپردازی طبیعی
ان *Daylight simulation*

شبیه‌سازی عددی
ب‌ک شبیه‌سازی رایانه‌ای

شبیه‌سازی مونت کارلو
ب‌ک روش مونت‌کارلو
ب‌ک شبیه‌سازی رایانه‌ای

شتاب
او اندازه‌گیری شتاب
او سرعت
او شتاب منفی
او شتاب‌سنج
ان *Acceleration*

شتاب‌دهنده الکترواستاتیکی
اع۱ شتاب‌دهنده ذره
اع۲ تجهیزات
اخ۱ شتابدهنده وان‌دوگراف
ان *Electrostatic accelerator*

شتاب‌دهنده الکترون
ب‌ک شتاب‌دهنده ذره

شتاب‌دهنده باریکه برخوردکننده
اع۱ شتاب‌دهنده ذره
اع۲ تجهیزات
ان *Colliding beam accelerator*

شتاب‌دهنده پلاسما
اع۱ ابزار پلاسما
اع۲ تجهیزات
او کاربرد پلاسما
ان *Plasma accelerator*

شتاب‌دهنده حلقه الکترونی
اع۱ شتاب‌دهنده ذره
اع۲ تجهیزات
ان *Electron ring accelerator*

شتاب‌دهنده خطی
اع۱ شتاب‌دهنده ذره
اع۲ تجهیزات
ان *Linear accelerator*

شتاب‌دهنده ذره
ب‌ج *شتاب‌دهنده الکترون*
اع۱ تجهیزات
اخ۱ آهنربای شتاب‌دهنده
اخ۱ بتاترون
اخ۱ حفاظ شتاب‌دهنده
اخ۱ حلقه انبارنده
اخ۱ سنکروترون
اخ۱ سنکروسیکلوترون
اخ۱ سیلکوترون
اخ۲ میکروترون
اخ۱ شتاب‌دهنده الکترواستاتیکی
اخ۲ شتابدهنده وان‌دوگراف
اخ۱ شتاب‌دهنده باریکه برخوردکننده
اخ۱ شتاب‌دهنده حلقه الکترونی
اخ۱ شتاب‌دهنده خطی
اخ۱ هدف
او استخراج باریکه ذره‌ای
او باریکه ذره‌ای
او تزریق باریکه ذره‌ای
او چشمه یونی
او دینامیک باریکه ذره‌ای
او ذره بنیادی
او ردیابی باریکه ذره‌ای
او فیزیک انرژی بالا
او کانونی‌سازی
او لوازم شتاب‌دهنده ذره
او نورشناسی ذره‌ای
ان *Particle accelerator*

شتابدهنده وان‌دوگراف
اع۱ شتاب‌دهنده الکترواستاتیکی
اع۲ شتاب‌دهنده ذره

اع۳ تجهیزات
ان *Van de Graaff accelerator*

شتاب‌سنج
اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او اندازه‌گیری شتاب
او سرعت‌سنج
او شتاب
او گرانی‌سنج
ان *Accelerometer*

شتاب منفی
او برگشت پیشرانه
او راکت
او سرعت
او شتاب
ان *Deceleration*

شدآمدپذیری
او برف
او خاک
ان *Trafficability*

شدآمد مخابراتی
او سیستم مخابراتی
او ضبط‌کردن شدآمد تلفن
او مخابرات
ان *Telecommunication traffic*

شدآمد وسیله نقلیه فرودگاهی
اع۱ ترابری
او ترابری مسافر فرودگاهی
او سیستم بزرگراه
او فرودگاه
ان *Airport vehiclular traffic*

شدت صوتی
اع۱ ویژگی صوتی
اع۲ ویژگی فیزیکی
او اندازه‌گیری شدت صوتی
او نوفه صوتی
ان *Acoustic intensity*

شراب
اع۱ نوشابه
اع۲ فراورده غذایی
او تخمیر
ان *Wine*

شرط مرزی
او معادله دیفرانسیل
ان *Boundary condition*

شستشو
اع۱ تمیزکاری
اع۱ سفیدشویی
او خالص‌سازی
او خیساندن
او ماشین لباسشویی
او محلول
ان *Washing*

شستشوی زغال‌سنگ
ب‌ک آماده‌سازی زغال‌سنگ

شستشوی مصنوع نساجی
اع۱ تکمیل نساجی
اع۲ تکمیل
اع۳ فراورش
اع۲ فرایند نساجی
اع۳ فراورش
اع۱ تمیزکاری
او رنگرزی
ان *Textile scouring*

شفافیت
ی‌د در مواد
اع۱ ویژگی نوری
اع۲ ویژگی فیزیکی
او جذب موج الکترومغناطیسی
او کدری‌سنج
او ناشفافی
ان *Transparency*

شکاف انرژی
اع۱ ساختار نواری
اع۲ تراز انرژی الکترونی

ان *Energy gap*

شکاف هسته‌ای

ب‌ک واکنش شکاف هسته‌ای

شکاف جرقه الکتریکی

اع۱ سوده الکتریکی
اع۲ سوده
اع۳ تجهیزات
او الکترود
او جرقه الکتریکی
ان *Electric spark gap*

شکاف‌دارکردن

ب‌ک ایجاد شکستگی(چاه نفت)

شکاف‌زنی

اع۱ برش
او اره‌کاری
او برش(چینشی)
او تراشیدن
او شیارزنی
او ماشین شکاف‌زنی
ان *Slitting*

شکر مایع

اع۱ قند(ساکاروز)
اع۲ فراورده غذایی
اع۲ قند
اع۳ کربوهیدرات
اع۱ مایع
اع۲ سیال
اع۳ مواد
ان *Liquid sugar*

شکست

اخ۱ شکست موج الکترومغناطیسی
اخ۲ شکست نور
اخ۱ شکست موج صوتی
اخ۲ شکست فراصوتی
او انتشار الکترومغناطیسی
او انتشار موج
او دوشکستی
او ضریب شکست
او موج
ان *Refraction*

شکست(مکانیکی)

اخ۱ شکستگی
اخ۲ تردشکنی
اخ۱ کمانش
او افت
او انتشار ترک
او تحلیل خرابی
او ترک
او تغییرشکل
او حادثه
او خوردگی
او سایش مواد
او طراحی سازه
او قابلیت اطمینان
او مقاومت مصالح
ان *Failure (mechanical)*

شکستاری

ب‌ک ضریب شکست

شکست دوگانه

ب‌ک دوشکستی

شکست زغال‌سنگ

اع۱ آماده‌سازی زغال‌سنگ
او سنگ‌شکنی
ان *Coal breakage*

شکست‌سنج

ب‌ج *شکست‌سنج رادیویی*
ب‌ج *شکست‌سنج نور*
اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او ضریب شکست
ان *Refractometer*

شکست‌سنج رادیویی

ب‌ک شکست‌سنج

شکست‌سنج نور

ب‌ک شکست‌سنج

شکست فراصوتی

اع۱ شکست موج صوتی
اع۲ شکست
او انتشار فراصوتی
او ضریب شکست
او موج فراصوتی
ان *Ultrasonic refraction*

شکست کاتالیزوری

اع۱ ترک‌خوردگی(شیمیایی)
اع۲ تفکافت
اع۳ تجزیه
اخ۱ کراکینگ کاتالیستی سیال
اخ۱ کراکینگ هیدروژنی
او پالایش نفت
او ساختن سوخت گازی
او کاتالیز
او واکنش تبدیل
ان *Catalytic cracking*

شکستگی

اع۱ شکست(مکانیکی)
اخ۱ تردشکنی
او آزمایش دمای بالا
او آزمایش شکست
او انتشار ترک
او ترک
او ترک‌خوردگی تنشی
او چغرمگی شکست
او شکست‌نگاری
او مکانیک شکست
او ویژگی مکانیکی
ان *Fracture*

شکست موج الکترومغناطیسی

اع۱ شکست
اخ۱ شکست نور
او انتشار موج الکترومغناطیسی
او ضریب شکست
او موج الکترومغناطیسی
ان *Electromagnetic wave refraction*

شکست موج صوتی

اع۱ شکست
اخ۱ شکست فراصوتی
او انتشار موج صوتی
او پاشیدگی صوتی
او موج صوتی
ان *Acoustic wave refraction*

شکست‌نگاری

اع۱ آزمون میکروسکپی
او آماده‌سازی نمونه
او پرتونگاری
او ریزساختار بلور
او شکستگی
او فلزنگاری
ان *Fractography*

شکست نور

اع۱ شکست موج الکترومغناطیسی
اع۲ شکست
او انتشار نور
او ضریب شکست
او نور
ان *Light refraction*

شکل‌پذیری

بج *توانایی دگرشکلی*
بج *قابلیت خمش*
اع۱ ویژگی مکانیکی
اخ۱ جوش‌پذیری
اخ۱ قابلیت ماشین‌کاری
او چکش‌خواری
او خمش(شکل‌دهی)
او شکل‌دهی
او مومسانی
او ناهمسانگردی
ان *Formability*

شکل‌دهی

اع۱ ساختن
اع۲ تولید
اخ۱ پرس‌کاری(شکل‌دهی)
اخ۲ پرس‌کاری آب‌ایستایی
اخ۲ پرس‌کاری داغ
اخ۳ پرس‌کاری همفشار داغ
اخ۲ پرس‌کاری فلز
اخ۱ پیش‌شکل‌دهی
اخ۱ تاب‌گیری

اخ۱ خمش(شکل‌دهی)
اخ۱ روزن‌رانی
اخ۲ روزن‌رانی فلز
اخ۲ قالب‌گیری روزن‌رانی
اخ۲ هم‌روزن‌رانی
اخ۱ ریخته‌گری
اخ۲ ریخته‌گری پلاستیک
اخ۲ ریخته‌گری فلز
اخ۳ ریخته‌گری با قالب دائم
اخ۳ ریخته‌گری بسته
اخ۳ ریخته‌گری پیوسته
اخ۳ ریخته‌گری در قالب پوسته‌ای
اخ۳ ریخته‌گری دقیق
اخ۳ ریخته‌گری گرانی صفر
اخ۳ سرچکیده‌گیری داغ
اخ۳ فرایند سدیم سیلیکات
اخ۳ فرایند شاو
اخ۳ فرایند کربن دی‌اکسید
اخ۳ مذاب‌ریزی فشاری
اخ۲ ریخته‌گری مرکزگریز
اخ۲ ریسندگی مذاب
اخ۲ قالب‌گیری یکپارچه
اخ۱ سوراخ‌کاری
اخ۱ شکل‌دهی الکترولیتی
اخ۱ شکل‌دهی انبساطی
اخ۱ شکل‌دهی پلاستیک
اخ۲ ریخته‌گری پلاستیک
اخ۲ شکل‌دهی گرمایی
اخ۲ قالب‌گیری پلاستیک
اخ۳ قالب‌گیری انتقالی
اخ۳ قالب‌گیری چرخشی
اخ۳ قالب‌گیری دمشی
اخ۳ قالب‌گیری واکنش‌پذیر
اخ۱ شکل‌دهی فلز
اخ۲ آهنگری
اخ۳ افزایش مقطع(شکل‌دهی)
اخ۲ آهنگری سرد
اخ۲ پرس‌کاری فلز
اخ۲ روزن‌رانی فلز
اخ۲ شکل‌دهی الکتروهیدرولیکی
اخ۲ شکل‌دهی انرژی بالا
اخ۳ شکل‌دهی انفجاری
اخ۲ شکل‌دهی چرخشی فلز
اخ۲ شکل‌دهی مغناطیسی
اخ۲ غلتش
اخ۳ نوردکاری پیچی
اخ۲ قالب‌گیری فلز
اخ۲ مدل‌کشی فلزی
اخ۳ کشش ژرف
اخ۳ مدل‌کشی سیمی
اخ۲ مهرزنی فلز
اخ۳ سکه‌زنی
اخ۱ شکل‌دهی نورشیمیایی
اخ۱ عملیات ترمومکانیکی
اخ۱ قالب‌گیری
اخ۲ قالب‌گیری پلاستیک
اخ۳ قالب‌گیری انتقالی
اخ۳ قالب‌گیری چرخشی
اخ۳ قالب‌گیری دمشی
اخ۳ قالب‌گیری واکنش‌پذیر
اخ۲ قالب‌گیری روزن‌رانی
اخ۲ قالب‌گیری فشاری
اخ۳ قالب‌گیزی تزریقی
اخ۲ قالب‌گیری فلز
اخ۲ قالب‌گیری لاستیک
اخ۲ نمونه‌سازی
اخ۱ کشش(شکل‌دهی)
اخ۲ مدل‌کشی فلزی
اخ۳ کشش ژرف
اخ۳ مدل‌کشی سیمی
اخ۱ کشش‌رانی
اخ۱ مشبک‌کاری
اخ۱ منگنه‌کاری
اخ۱ مهرزنی
اخ۲ مهرزنی فلز
اخ۳ سکه‌زنی
او تکمیل
او شکل‌پذیری
او فشرده‌سازی
ان *Forming*

شکل‌دهی الکترولیتی

ب‌ج *شکل‌دهی الکتریکی*
اع۱ شکل‌دهی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او آبکاری الکتریکی
او برق‌کافت
او نهشت برقی
ان *Electroforming*

شکل‌دهی الکتروهیدرولیکی
اع۱ شکل‌دهی فلز
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
ان *Electrohydraulic forming*

شکل‌دهی الکتریکی
ب‌ک شکل‌دهی الکترولیتی

شکل‌دهی انبساطی
اع۱ شکل‌دهی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او پرس‌کاری(شکل‌دهی)
او پیچش
او تاب‌گیری
او سردکاری
او کشش ژرف
او کشش(شکل‌دهی)
او گرم‌کاری
ان *Stretching*

شکل‌دهی انرژی بالا
ب‌ج *شکل‌دهی تندبادی*
اع۱ شکل‌دهی فلز
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
اخ۱ شکل‌دهی انفجاری
او روزن‌رانی
ان *High energy forming*

شکل‌دهی انفجاری
ب‌ج *تغییرشکل انفجاری*
اع۱ شکل‌دهی انرژی بالا
اع۲ شکل‌دهی فلز
اع۳ شکل‌دهی
او کشش ژرف
ان *Explosive forming*

شکل‌دهی پلاستیک
اع۱ شکل‌دهی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
اخ۱ ریخته‌گری پلاستیک
اخ۱ شکل‌دهی گرمایی
اخ۱ قالب‌گیری پلاستیک
اخ۲ قالب‌گیری انتقالی
اخ۲ قالب‌گیری چرخشی
اخ۲ قالب‌گیری دمشی
اخ۲ قالب‌گیری واکنش‌پذیر
او پلاستیک
او پیش‌شکل‌دهی
او قالب‌گیری تزریقی
او قالب‌گیری تزریقی واکنشی
او قالب‌گیری روزن‌رانی
او قالب‌گیری فشاری
او کشش‌رانی
او ماشین شکل‌دهی سرد
ان *Plastic forming*

شکل‌دهی تندبادی
ب‌ک شکل‌دهی انرژی بالا

شکل‌دهی چرخشی فلز
اع۱ شکل‌دهی فلز
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
او سردکاری
او گرم‌کاری
ان *Metal spinning*

شکل‌دهی فلز
اع۱ شکل‌دهی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
اخ۱ آهنگری
اخ۲ افزایش مقطع(شکل‌دهی)
اخ۱ آهنگری سرد
اخ۱ پرس‌کاری فلز
اخ۱ روزن‌رانی فلز
اخ۱ شکل‌دهی الکتروهیدرولیکی
اخ۱ شکل‌دهی انرژی بالا
اخ۲ شکل‌دهی انفجاری
اخ۱ شکل‌دهی چرخشی فلز
اخ۱ شکل‌دهی مغناطیسی
اخ۱ غلتش
اخ۲ نوردکاری پیچی
اخ۱ قالب‌گیری فلز
اخ۱ مدل‌کشی فلزی

اخ۲ کشش ژرف
اخ۲ مدل‌کشی سیمی
اخ۱ مهرزنی فلز
اخ۲ سکه‌زنی
او آلیاژ
او خمش(شکل‌دهی)
او روان‌ساز
او فرایند کارگاه ماشینی
او فلز
او فلزتراشی
او فلزکاری
او ماشین شکل‌دهی فلز
ان *Metal forming*

شکل‌دهی گرمایی

اع۱ شکل‌دهی پلاستیک
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
او گرمانرم
ان *Thermoforming*

شکل‌دهی مغناطیسی

اع۱ شکل‌دهی فلز
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
او مغناطیس
ان *Magnetic forming*

شکل‌دهی نورشیمیایی

اع۱ شکل‌دهی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او واکنش نورشیمیایی
ان *Photochemical forming*

شکلواره آنتن

ب‌ک شکلواره جهتی(آنتن)

شکلواره تابش آنتن

ب‌ک شکلواره جهتی(آنتن)

شکلواره جهتی(آنتن)

ب‌ج *شکلواره آنتن*
ب‌ج *شکلواره تابش آنتن*

اع۱ تابش آنتن
اع۲ تابش
اع۲ موج الکترومغناطیسی
اع۳ تابش
اع۳ موج
او آنتن
او بازتابگر آنتن
ان *Directional pattern (antenna)*

شکل و درشتی ذرات

او رشد دانه‌ای
او ریزساختار بلور
او فلزنگاری
او مرز دانه‌ای
ان *Grain size and shape*

شکنندگی

ب‌ج *مصالح ترد*
اع۱ ویژگی مکانیکی
او تخلخل
او تردشکنی
او تردی
او چغرمگی
او چکش‌خواری
او سختی
او مومسانی
ان *Brittleness*

شلنگ

اع۱ تجهیزات
اخ۱ اتصالات شلنگ
اخ۱ لوله ترمز
او لوله(اجزا)
او مصالح لوله‌سازی
ان *Hose*

شمارگر تناسبی

اع۱ تابش‌شمار
اع۲ سنج‌افزارگزینی هسته‌ای
اع۳ سنج‌افزار
او اتاقک یونش
ان *Proportional counter*

شمارگر سرنکوف

اع۱ تابش‌شمار
اع۲ سنج‌افزارگزینی هسته‌ای
اع۳ سنج‌افزار
ان *Cerenkov counter*

شمارگر سوسوزن

بج *آشکارساز سوسوزن*
بج *طیف‌سنج سوسوزن*
اع۱ ابزار درخشایی
اع۲ چشمه نور
اع۱ تابش‌شمار
اع۲ سنج‌افزارگزینی هسته‌ای
اع۳ سنج‌افزار
او تکثیرکن فوتونی
او درخشایی نوری
او سوسوزنی
او شب‌تاب
ان *Scintillation counter*

شمارگر گیگر

بج *شمارگر گیگر مولر*
اع۱ تابش‌شمار
اع۲ سنج‌افزارگزینی هسته‌ای
اع۳ سنج‌افزار
او اتاقک یونش
او لامپ شمارش
ان *Geiger counter*

شمارگر گیگر مولر

ب‌ک شمارگر گیگر

شمارگر نیم‌رسانا

اع۱ ابزار نیم‌رسانا
اع۲ ابزار حالت جامد
اع۳ دستگاه الکترونی
اع۱ تابش‌شمار
اع۲ سنج‌افزارگزینی هسته‌ای
اع۳ سنج‌افزار
ان *Semiconductor counter*

شماره‌گیر سنج‌افزار

اع۱ اجزای سنج‌افزار
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او سیستم بازخوانی
ان *Instrument dial*

شمای شبکه الکتریکی

ب‌ک نمودار شمایی

شمش

اع۱ قطعه ریختگی فلزی
اع۲ قطعه ریختگی
اع۱ شمش فولاد
او سرچکیده‌گیری داغ
او شمشال
او شمشه(فلز)
او قالب شمش
ان *Ingot*

شمشال

اع۱ شمشه(فلز)
او پرداخت فلز
او دستگاه نورد
او شمش
او فرایند دستگاه نورد
او فلز صفحه‌ای
او میله(فلز)
ان *Billet (metal bar)*

شمش فولاد

اع۱ شمش
اع۲ قطعه ریختگی فلزی
اع۳ قطعه ریختگی
اع۱ قطعه ریختگی فولاد
اع۲ قطعه ریختگی فلزی
اع۳ قطعه ریختگی
او سرچکیده‌گیری داغ
او فولاد
او فولادسازی
ان *Steel ingot*

شمشه(فلز)

اع۱ شمشال
او دستگاه نورد
او شمش
او فرایند دستگاه نورد
او فلز صفحه‌ای

او میله(فلز)
ان *Bloom (metal)*

شمع(در ساختمان)
بج *تیرپایه*
بج کوبه
اع۱ عضو سازه‌ای
اع۲ اجزا
اع۲ سازه
او دیرک
او شمع‌پی
او شمع‌کوبی
ان *Pile*

شمع‌پی
اع۱ پی
اع۲ سازه
او شمع(در ساختمان)
او شمع‌کوبی
ان *Pile foundation*

شمع جرقه
اع۱ موتور درون‌سوز
اع۲ ماشین گرمایی
اع۳ موتور(با منبع انرژی درونی)
ان *Spark plug*

شمع‌کنی
اع۱ معدن‌کاری
اع۲ تولید
او معدن‌کاری اتاق و پایه
ان *Pillar extraction*

شمع‌کوب
اع۱ تجهیزات ساخت
اع۲ تجهیزات
او شمع‌کوبی
ان *Pile driver*

شمع‌کوبی
اع۱ ساخت
او شمع(در ساختمان)
او شمع‌پی
او شمع‌کوب
ان *Pile driving*

شن
اع۱ مواد
او استخراج روباز
او خاک
او سنگ
او کارگاه شن و ماسه
او ماسه
او مصالح راه‌سازی
او مصالح ساختمانی
او معدن روباز
ان *Gravel*

شناساگر(شیمیایی)
اع۱ مواد شیمیایی
اع۲ مواد
او تجزیه شیمیایی
ان *Indicator (chemical)*

شناسایی(سیستم کنترل)
اخ۱ برآورد پارامتر
اخ۱ برآورد حالت
او پاسخ پله‌ای
او سیستم کنترل
او سیستم کنترل بهینه
او شبیه‌سازی
او علم سیستم‌ها
او مدل
او نظریه سیستمی
ان *Identification (control system)*

شناسه(استاندارد)
بج *شناسه ایمنی*
اع۱ استاندارد
اخ۱ آیین‌نامه ساختمانی
اخ۱ رمز الکتریکی
اخ۱ شناسه بالابر
اخ۱ شناسه تهویه
اخ۱ شناسه جوشکاری
اخ۱ شناسه خط‌لوله
اخ۱ شناسه دیگ بخار
اخ۱ شناسه دیگ فشار
او پیشگیری حادثه
او قانون و قانونگزاری

ان *Code (standard)*

شناسه ایمنی

ب‌ک شناسه(استاندارد)

شناسه بالابر

اع۱ شناسه(استاندارد)

اع۲ استاندارد

او آیین‌نامه ساختمانی

او بالابر

او قانون و قانونگزاری

ان *Elevator code*

شناسه تهویه

اع۱ شناسه(استاندارد)

اع۲ استاندارد

او آیین‌نامه ساختمانی

او تهویه

او قانون و قانونگزاری

ان *Ventilation code*

شناسه جوشکاری

اع۱ شناسه(استاندارد)

اع۲ استاندارد

او آیین‌نامه ساختمانی

او جوشکاری

او قانون و قانونگزاری

ان *Welding code*

شناسه خطلوله

اع۱ شناسه(استاندارد)

اع۲ استاندارد

او قانون و قانونگزاری

ان *Pipeline code*

شناسه دیگ بخار

اع۱ شناسه(استاندارد)

اع۲ استاندارد

او دیگ بخار

او قانون و قانونگزاری

ان *Boiler code*

شناسه دیگ فشار

اع۱ شناسه(استاندارد)

اع۲ استاندارد

او قانون و قانونگزاری

ان *Pressure vessel code*

شناسه رنگی

اع۱ رمز(نماد)

او رنگ(فام)

ان *Color code*

شناور

اع۱ قایق

اع۲ آب‌پیما

اع۳ وسیله نقلیه

او آب‌خاک‌پیما

او زیردریایی

او کشتی نجات

او نیمه‌غوطه‌ور

او هواپیمای دریایی شناور

ان *Submersible*

شناور ته‌پهن

اع۱ سازه آبی

اع۲ سازه

او ترابری آبی

او سازه بندر

او لای‌روب موقت

او هواپیمای دریایی

ان *Pontoon*

شناورسازی

اع۱ جداسازی

اع۲ عملیات شیمیایی

اخ۱ شناورسازی در کف

او انعقاد

او پرعیارسازی

او تصفیه آب

او تصفیه فاضلاب

او جداسازی ابعادی

او رسوب‌گذاری

او عامل شناورکن

او عمل‌آوری کان‌سنگ

ان *Flotation*

شناورسازی در کف

اع۱ شناورسازی
اع۲ جداسازی
اع۳ عملیات شیمیایی
ان *Froth flotation*

شناوری
او تخلخل
او چگالی(گرانی ویژه)
او مکانیک‌سیالات
ان *Buoyancy*

شنوایی
ی‌د توانایی شنیدن
ب‌چ شنیدن
اع۱ ادراک حسی
اخ۱ شنوایی زیرآبی
او ارتباطات زیستی
او انتشار موج صوتی
او بازشناسی گفتار
او شنوایی‌سنج
او فیزیک‌درمانی
او کمک‌شنوایی
او گفتار
او گوشی استحفاظی
او نوفه صوتی
او هوشمندی گفتار
ان *Audition*

شنوایی زیرآبی
اع۱ شنوایی
اع۲ ادراک حسی
ان *Underwater audition*

شنوایی‌سنج
اع۱ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۲ تجهیزات
اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او سنج‌افزار اندازه‌گیری صوتی
او شنوایی
ان *Audiometer*

شنیدن
ب‌ک شنوایی

شوره‌زدگی
او آب‌گیری
ان *Efflorescence*

شوره‌سازی
اع۱ واکنش شیمیایی
او باکتری
او تثبیت نیتروژن
او زیست‌شیمی
او زیست‌فناوری
او نیترات
ان *Nitrification*

شوینده
اع۱ مواد فعال سطحی
اع۲ عامل
اع۳ مواد شیمیایی
اخ۱ صابون(شوینده)
او تمیزکاری
او سفیدشویی
ان *Detergent*

شهاب‌سنگ
او برخورد شهاب
او شیشه درخشان
ان *Meteorite*

شهپر جت
اع۱ هواشکن
اع۲ اجزا
ان *Jet flap*

شیارزنی
اع۱ برش
او برش(چینشی)
او شکاف‌زنی
او فلزتراشی
او ماشین شیارزن
ان *Slotting*

شیب گرمایی
او پخش گرمایی
او توزیع دما
او لایه‌بندی گرمایی

او ویژگی ترمودینامیکی
ان *Thermal gradient*

شیر آتش‌نشانی
اع۱ تجهیزات اطفای حریق
اع۲ تجهیزات
ان *Hydrant*

شیرابه
اع۱ کلوئید
اع۲ پاشیدگی
او پلاستیک
او کشپار
او لاستیک
او لاستیک سنتزی
ان *Latexe*

شیر فشارشکن
اع۱ سوپاپ
اع۲ تجهیزات کنترل مکانیکی
اع۳ تجهیزات کنترل
اخ۱ صفحه گسیختگی
ان *Pressure relief valve*

شیشه
اع۱ مواد اریخت
اع۲ مواد
اخ۱ الیاف شیشه‌ای
اخ۱ شیشه منقوش
اخ۱ شیشه ایمنی
اخ۱ شیشه بورسیلیکات
اخ۱ شیشه بورفسفات
اخ۱ شیشه درخشان
اخ۱ شیشه نورحساس
اخ۱ شیشه نوری
اخ۱ شیشه نیم‌رسانا
اخ۱ کنترل روشنی شیشه
او الکترود غشای شیشه‌ای
او انتقال مادون قرمز
او انتقال نور
او بطری شیشه‌ای
او پیوندزنی شیشه
او تبدیل شیشه‌ای
او ترکیب(نسبت اجزای سازنده)
او خمش(دگرشکلی)
او سنگدانه بتن
او شیشه فلزی
او شیشه‌درآمیزی
او صنعت شیشه
او فراوردن شیشه
او فراورده سرامیکی
او کشش سطحی
او مواد دی‌الکتریک
او مواد عایق‌بندی الکتریکی
ان *Glass*

شیشه منقوش
اع۱ شیشه
اع۲ مواد اریخت
اع۳ مواد
ان *Stained glass*

شیشه ایمنی
اع۱ شیشه
اع۲ مواد اریخت
اع۳ مواد
او ابزار ایمنی
او شیشه جلوی خودرو
او عینک ایمنی
ان *Safety glass*

شیشه بسپاری
او بسپار
ان *Polymeric glass*

شیشه بورسیلیکات
اع۱ شیشه
اع۲ مواد اریخت
اع۳ مواد
او بور
او ترکیبات بور
او سیلیکات
ان *Borosilicate glass*

شیشه بورفسفات
اع۱ شیشه
اع۲ مواد اریخت
اع۳ مواد
او بور

او ترکیبات بور
او فسفات
ان *Borophosphate glass*

شیشه جلو
اع۱ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ تجهیزات
اع۲ وسیله نقلیه
اخ۱ شیشه جلوی خودرو
اخ۱ شیشه جلوی هواگرد
او برف‌پاک‌کن
ان *Windshield*

شیشه جلوی خودرو
اع۱ شیشه جلو
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ تجهیزات
اع۳ وسیله نقلیه
اع۱ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۲ خودرو
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
او برف‌پاک‌کن
او برف‌پاک‌کن خودرو
او شیشه ایمنی
ان *Automobile windshield*

شیشه جلوی هواگرد
اع۱ شیشه جلو
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ تجهیزات
اع۳ وسیله نقلیه
اع۱ قطعات و تجهیزات هواگرد
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ هواگرد
او برف‌پاک‌کن
ان *Aircraft windshield*

شیشه‌درآمیزی
اع۱ واکنش شیمیایی
اخ۱ شیشه‌درآمیزی پسمانده پرتوزا
او اریخت‌سازی
او تبدیل شیشه‌ای
او شیشه
ان *Vitrification*

شیشه‌درآمیزی پسمانده پرتوزا
اع۱ دفع پسمانده پرتوزا
اع۲ دفع پسمانده صنعتی
اع۳ دفع پسمانده
اع۱ شیشه‌درآمیزی
اع۲ واکنش شیمیایی
او پسمانده پرتوزا
او ذخیره‌سازی پسمانده پرتوزا
ان *Radioactive waste vitrification*

شیشه درخشان
اع۱ شیشه
اع۲ مواد اریخت
اع۳ مواد
او شهاب‌سنگ
ان *Meteoritic glass*

شیشه سیلیسی
ب‌ک سیلیس مذاب

شیشه فلزی
اع۱ مواد اریخت
اع۲ مواد
او آلیاژ
او جامدسازی سریع
او ریسندگی مذاب
او شیشه
او فلز
ان *Metallic glass*

شیشه نورحساس
اع۱ شیشه
اع۲ مواد اریخت
اع۳ مواد
او نورحساسی
او واکنش نورشیمیایی
ان *Photosensitive glass*

شیشه نوری
اع۱ شیشه
اع۲ مواد اریخت

اع۳ مواد
اع۱ مواد نوری
اع۲ مواد
او الیاف شیشه‌ای
او تار نوری
او نورشناسی تارها
او ویژگی نوری
ان *Optical glass*

شیشه نیم‌رسانا

اع۱ شیشه
اع۲ مواد اریخت
اع۳ مواد
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
او ترکیبات سیلیکون نیم‌رسانا
ان *Semiconducting glass*

شیلات

او آشکارساز ماهی
او زیست‌شناسی دریایی
او کشت آبی
او کشتی ماهی‌گیری
ان *Fisheries*

شیمی

اع۱ علوم طبیعی
اخ۱ زمین‌شیمی
اخ۲ زمین‌شیمی آب زیرزمینی
اخ۲ زمین‌شیمی آب طبیعی
اخ۲ زمین‌شیمی اکتشافی
اخ۲ زمین‌شیمی تجزیه‌ای
اخ۱ زیست‌شیمی
اخ۱ شیمی جو
اخ۱ شیمی‌فیزیک
اخ۲ الکتروشیمی
اخ۲ دینامیک مولکولی
اخ۲ شیمی تابش
اخ۲ شیمی لیزر
اخ۱ شیمی کلوئید
اخ۱ شیمی نفت
او آزمایشگاه شیمی
او تجزیه شیمیایی
او تجهیزات شیمیایی
او ترکیبات شیمیایی
او عملیات شیمیایی
او مهندسی شیمی
او نمایشگاه شیمیایی
او واکنش شیمیایی
او واکنشگاه شیمیایی
او واهلش شیمیایی
ان *Chemistry*

شیمی تابش

اع۱ شیمی‌فیزیک
اع۲ شیمی
اع۳ علوم طبیعی
او نورکافت
او واکنش شیمیایی
ان *Radiation chemistry*

شیمی‌تجزیه

ب‌ک تجزیه شیمیایی

شیمی جو

ی‌د برای جو زمین و جو برون‌زمینی به کار برید.
اع۱ شیمی
اع۲ علوم طبیعی
او ترکیب جوی
او جو برون زمینی
او جو زمین
او هواشناسی
او واکنش نورشیمیایی
ان *Atmospheric chemistry*

شیمی‌درمانی

ب‌ک دارودرمانی

شیمی‌فیزیک

اع۱ شیمی
اع۲ علوم طبیعی
اخ۱ الکتروشیمی
اخ۱ دینامیک مولکولی
اخ۱ شیمی تابش
اخ۱ شیمی لیزر
او انرژی فعال‌سازی
او پهاش
او تجزیه شیمیایی
او تجهیزات شیمیایی
او ترمودینامیک

او تعادل فاز
او زمین‌شیمی
او سینتیک واکنش
او شیمی کلوئید
او متالورژی
او مهندسی شیمی
او نیروی وان‌درووالس
او واکنش شیمیایی
ان *Physical chemistry*

شیمی کلوئید
اع۱ شیمی
اع۲ علوم طبیعی
او شیمی‌فیزیک
او کلوئید
ان *Colloid chemistry*

شیمی لیزر
اع۱ شیمی‌فیزیک
اع۲ شیمی
اع۳ علوم طبیعی
او کاربرد لیزر
او لیزر
ان *Laser chemistry*

شیمی نفت
اع۱ شیمی
اع۲ علوم طبیعی
او پژوهش نفتی
او تجزیه نفت
او صنعت نفت
او نفت خام
ان *Petroleum chemistry*

صابون(شوینده)
اع۱ شوینده
اع۲ مواد فعال سطحی
اع۳ عامل
او سفیدشویی
ان *Soap (detergent)*

صابون فلزی
اع۱ ترکیبات فلز سنگین
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او صابونی‌شدگی
ان *Metallic soap*

صابونی‌شدگی
اع۱ واکنش شیمیایی
او آب‌کافت
او صابون فلزی
ان *Saponification*

صاف‌کردن تطبیقی
اع۱ تصفیه و پیش‌بینی سیگنال
اع۲ پردازش سیگنال
او پالایه رقمی
او سیستم تطبیقی
او سیستم رادار
ان *Adaptive filtering*

صحنه
ی‌د برای نمایش
اع۱ تسهیلات
او تالار سخنرانی
او ساختمان اپرا
او نمایش‌سرا(قانونی)
ان *Stage*

صخره‌شناسی
اع۱ زمین‌شناسی
اع۲ علوم زمین
اع۳ علوم طبیعی
او سنگ
ان *Lithology*

صدابر
اع۱ تجهیزات شنیداری
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ تراگذار برقاصوتی
اع۲ تراگذار صوتی
اع۳ ابزار صوتی
اع۳ تراگذار
او استودیوی رادیویی
او تولید دوباره صدا
او ضبط‌کردن صوت

او فرستنده
او فرستنده رادیویی
او گیرنده تلویزیونی
او گیرنده صوتی
او هیدروفون
ان *Microphone*

صداخفه‌کن

اع۱ موتور درون‌سوز
اع۲ ماشین گرمایی
اع۳ موتور(با منبع انرژی درونی)
اخ۱ اگزوز خودرو
او تجهیزات کنترل آلودگی نوفه
او سیستم فراراندی(موتور)
او کاهش نوفه
او نوفه صوتی
ان *Muffler*

صداگیری

ب‌ج *عایق‌کاری صوتی*
اع۱ عایق‌کاری
اع۲ مواد
او تجهیزات کنترل آلودگی نوفه
او جذب موج صوتی
او کاهش نوفه
او مصالح صداگیر
ان *Sound insulation*

صف‌بندی مولکولی

ب‌ک آرایش مولکولی

صفحه(اجزای سازه‌ای)

اع۱ عضو سازه‌ای
اع۲ اجزا
اع۲ سازه
او تیغه(اجزای سازه‌ای)
ان *Disk (structural components)*

صفحه(اجزای ماشین)

اع۱ اجزای ماشین
اع۲ اجزا
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ صفحه چرخان
اخ۱ صفحه گسیختگی
ان *Disk (machine components)*

صفحه آوانگار

او آوانگار
او تجهیزات شنیداری
او تولید دوباره صدا
او دیسک فشرده
او سیستم شنیداری
او ضبط‌کردن چندآوایی
او ضبط‌کردن صوت
ان *Phonograph record*

صفحه‌تراش افقی فلزکاری

اع۱ ابزار فلزکاری
اع۲ ماشین‌ابزار
اع۳ ابزار
اع۳ ماشین‌آلات
ان *Metal working shaper*

صفحه‌تراش دروازه‌ای

اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ صفحه‌تراش دروازه‌ای فلزکاری
او تیغه فرز
ان *Planer*

صفحه‌تراش دروازه‌ای فلزکاری

اع۱ ابزار فلزکاری
اع۲ ماشین‌ابزار
اع۳ ابزار
اع۳ ماشین‌آلات
اع۱ صفحه‌تراش دروازه‌ای
اع۲ ماشین‌ابزار
اع۳ ابزار
اع۳ ماشین‌آلات
ان *Metal working planer*

صفحه چاپ

اع۱ تجهیزات
اخ۱ صفحه چاپ افست
اخ۱ صفحه چاپ منیزیمی
او چاپ

او ماشین‌آلات چاپ
ان *Printing plate*

صفحه چاپ افست

اع۱ صفحه چاپ
اع۲ تجهیزات
او چاپ افست
ان *Offset printing plate*

صفحه چاپ منیزیمی

اع۱ صفحه چاپ
اع۲ تجهیزات
اع۱ منیزیم
اع۲ فلز قلیایی خاکی
اع۳ فلز غیرآهنی
او منیزیم
ان *Magnesium printing plate*

صفحه چرخان

اع۱ صفحه(اجزای ماشین)
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
اع۳ ماشین‌آلات
ان *Rotating disk*

صفحه عکاسی

ب‌ک فیلم عکاسی

صفحه‌کلید بریل

ب‌ک جانشین صفحه‌کلید رایانه(خدمات معلولین)

صفحه‌کلید رایانه

ب‌ج *صفحه‌کلید کوچک*
اع۱ ابزار برهم‌کنشی
اع۲ تجهیزات جانبی رایانه
اع۳ سخت‌افزار رایانه
او جانشین صفحه‌کلید رایانه(خدمات معلولین)
او صفحه‌کلید ماشین تحریر
ان *Computer keyboard*

صفحه‌کلید کوچک

ب‌ک صفحه‌کلید رایانه

صفحه‌کلید ماشین تحریر

اع۱ ماشین تحریر
اع۲ تجهیزات اداری
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین تجاری
اع۳ ماشین‌آلات
او صفحه‌کلید رایانه
او ماشین تحریر الکتریکی
ان *Typewriter keyboard*

صفحه گسترده

او خودکارسازی اداره
او داده‌پردازی اداری
او داده‌پردازی مالی
او روش گرافیکی
ان *Spreadsheet*

صفحه گسترش حافظه

ب‌ک حافظه نیم‌رسانا

صفحه گسیختگی

اع۱ شیر فشارشکن
اع۲ سوپاپ
اع۳ تجهیزات کنترل مکانیکی
اع۱ صفحه(اجزای ماشین)
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
اع۳ ماشین‌آلات
او خط‌لوله
او راکت
ان *Rupture disk*

صفحه نمایش پرتو ایکس

اع۱ دستگاه پرتو ایکس
اع۲ تجهیزات
ان *X ray screen*

صفحه نمایش رادار

اع۱ تجهیزات رادار
اع۲ بردیاب
اع۳ سنج‌افزار
اع۱ نمایشگر سنج‌افزار
اع۲ ابزار نمایش
اع۳ تجهیزات
اع۲ اجزای سنج‌افزار

اع۳ سنج‌افزار
او آشوب راداری
او پرده فلورسانس
او لامپ پرتو کاتدی
ان *Radar display*

صمغ کاج مایع
ب‌ک روغن تال

صمغ‌گیری
اع۱ فراورش
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او روغن گیاهی
ان *Degumming*

صندلی
اع۱ تجهیزات
اخ۱ صندلی خودرو
اخ۱ صندلی هواگرد
اخ۱ محل نشستن معلولین
ان *Seat*

صندلی خودرو
اع۱ صندلی
اع۲ تجهیزات
اع۱ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۲ خودرو
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
او کیفیت سواری
ان *Automobile seat*

صندلی هواگرد
اع۱ صندلی
اع۲ تجهیزات
اع۱ قطعات و تجهیزات هواگرد
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ هواگرد
ان *Aircraft seat*

صندوق زیرآبی
اع۱ تجهیزات ساخت
اع۲ تجهیزات
اع۱ سازه آبی
اع۲ سازه
او تونل
او ساخت زیرآبی
ان *Caisson*

صنعت
اخ۱ خدمات عمومی
اخ۲ خدمات برق‌رسانی
اخ۱ صنعت آهن و فولاد
اخ۱ صنعت الکترونیک
اخ۲ الکترونیک صنعتی
اخ۲ میکروالکترونیک
اخ۱ صنعت الکتریکی
اخ۱ صنعت بتن
اخ۲ ساخت بتنی
اخ۳ بتن‌پاشی
اخ۳ بتن‌ریزی
اخ۳ بتن‌سازی
اخ۳ قالب‌زنی لغزنده
اخ۳ لرزش بتن
اخ۱ صنعت پلاستیک
اخ۱ صنعت ساخت
اخ۱ صنعت سیمان
اخ۲ ساختن سیمان
اخ۱ صنعت شیشه
اخ۱ صنعت شیمیایی
اخ۱ صنعت قندسازی
اخ۱ صنعت کاغذ و خمیر چوب
اخ۱ صنعت گاز
اخ۱ صنعت لاستیک
اخ۱ صنعت لاستیک چرخ
اخ۱ صنعت معدنی
اخ۲ صنعت زغال‌سنگ
اخ۲ صنعت نفت
اخ۱ صنعت نساجی
اخ۱ صنعت هسته‌ای
اخ۱ کشاورزی
اخ۲ آبیاری
اخ۲ درو
اخ۲ زراعت
اخ۱ کشت آبی
او اقتصاد صنعتی
او بهداشت صنعتی

او بیماری شغلی
او بیمه صنعتی
او خطرپذیری شغلی
او راه‌آهن صنعتی
او لکوموتیو صنعتی
او مهندسی صنعتی
او واحد صنعتی
ان *Industry*

صنعت آهن و فولاد

اع۱ صنعت
او آهن
او پژوهش آهن
او پژوهش فولاد
او فولاد
او فولادسازی
او کارخانه ذوب آهن
او معدن آهن
ان *Iron and steel industry*

صنعت الکترونیک

ب‌چ *صنعت رادیوسازی*
اع۱ صنعت
اخ۱ الکترونیک صنعتی
اخ۱ میکروالکترونیک
او تجهیزات الکترونیکی
او تولید دستگاه الکترونی
او ساختن تجهیزات الکترونیکی
او صنعت الکتریکی
او مخابرات
ان *Electronics industry*

صنعت الکتریکی

اع۱ صنعت
او الکتریسیته
او تاسیسات تولید الکتریکی
او تجهیزات الکتریکی
او تولید نیروی الکتریکی
او سیستم نیروی برق
او صنعت الکترونیک
ان *Electric industry*

صنعت بتن

اع۱ صنعت
اخ۱ ساخت بتنی
اخ۲ بتن‌پاشی
اخ۲ بتن‌ریزی
اخ۲ بتن‌سازی
اخ۲ قالب‌زنی لغزنده
اخ۲ لرزش بتن
او بتن
او صنعت ساخت
او صنعت سیمان
ان *Concrete industry*

صنعت پلاستیک

اع۱ صنعت
او پلاستیک
او صنعت شیمیایی
او فراورده مومسان
او کارخانه پلاستیک
او ماشین‌آلات پلاستیک
ان *Plastic industry*

صنعت خمیر کاغذ

ب‌ک صنعت کاغذ و خمیر چوب

صنعت رادیوسازی

ب‌ک صنعت الکترونیک

صنعت زغال‌سنگ

اع۱ صنعت معدنی
اع۲ صنعت
او آماده‌سازی زغال‌سنگ
او زغال‌سنگ
او معدن زغال‌سنگ
ان *Coal industry*

صنعت ساخت

اع۱ صنعت
او ساخت
او صنعت بتن
او صنعت سیمان
ان *Construction industry*

صنعت سیمان

اع۱ صنعت
اخ۱ ساختن سیمان
او سیمان

او صنعت بتن
او صنعت ساخت
او کارخانه سیمان
ان *Cement industry*

صنعت شیشه

اع۱ صنعت
او شیشه
او فراوردن شیشه
او کارخانه شیشه
ان *Glass industry*

صنعت شیمیایی

اع۱ صنعت
او صنعت پلاستیک
او صنعت لاستیک
او صنعت نفت
او مهندسی شیمی
او مواد شیمیایی
او واحد صنعتی شیمیایی
ان *Chemical industry*

صنعت قندسازی

اع۱ صنعت
او چغندرقند
او قند(ساکاروز)
او قندسازی
او کارخانه قند
او نیشکر
ان *Sugar industry*

صنعت کاغذ و خمیر چوب

ب‌ج صنعت خمیر کاغذ
اع۱ صنعت
او چاپ روزنامه
ان *Paper and pulp industry*

صنعت گاز

اع۱ صنعت
او بار گاز
ان *Gas industry*

صنعت لاستیک

اع۱ صنعت
او صنعت شیمیایی
او صنعت لاستیک چرخ
او کاربرد لاستیک
او کارخانه لاستیک‌سازی
او کشتزار کائوچو
او لاستیک
او ماشین‌آلات لاستیک
ان *Rubber industry*

صنعت لاستیک چرخ

اع۱ صنعت
او صنعت لاستیک
او لاستیک چرخ
ان *Tire industry*

صنعت معدنی

ی‌د فلزی یا غیر فلزی. جنبه‌های عمومی و اقتصادی.
اع۱ صنعت
اخ۱ صنعت زغال‌سنگ
اخ۱ صنعت نفت
او زمین(سیاره)
او کانی‌شناسی
او منبع معدنی
ان *Mineral industry*

صنعت منبع تغذیه

ب‌ک خدمات برق‌رسانی

صنعت نساجی

اع۱ صنعت
او تولید لباس
او فرایند نساجی
او کارگاه پشمی و فاستونی
او کارگاه جوراب‌بافی
او کارگاه نساجی
او ماشین‌آلات نساجی
او مصنوع نساجی
ان *Textile industry*

صنعت نفت

اع۱ صنعت معدنی
اع۲ صنعت
او اکتشاف نفت
او بنزین طبیعی
او بهره‌برداری از چاه گاز طبیعی

او بهره‌برداری از چاه نفت
او پالایش نفت
او پالایشگاه نفت
او پژوهش نفتی
او پلمه‌سنگ نفتی
او تجزیه نفت
او تجهیزات میدان نفتی
او ترابری نفت
او چاه گاز طبیعی
او چاه نفتی
او خط‌لوله نفت
او ذخیره نفتی
او روغن سوختی
او زمین‌شناسی نفت
او سرریز نفت
او شیمی نفت
او صنعت شیمیایی
او فراورده نفتی
او گاز طبیعی مایع
او گاز نفتی مایع
او ماسه نفت‌دار
او مهندسی نفت
او میدان نفتی
او نفت خام
او واحد پتروشیمی
ان *Petroleum industry*

صنعت هسته‌ای

اع۱ صنعت
او پسمانده پرتوزا
او تسویه مجدد سوخت هسته‌ای
او حفاظت مواد هسته‌ای
او دفع پسمانده پرتوزا
او سوخت هسته‌ای
او مهندسی هسته‌ای
او نیروگاه هسته‌ای
او واکنشگاه هسته‌ای
ان *Nuclear industry*

صوت

ب‌ک موج صوتی

صوت‌شناسی

ب‌ج *آکوستیک*
اع۱ فیزیک
اع۲ علوم طبیعی
اخ۱ صوت‌شناسی جوی
اخ۱ صوت‌شناسی ریزموجی
اخ۱ صوت‌شناسی زیرآبی
اخ۱ صوت‌شناسی ساختمانی
اخ۱ صوت‌شناسی شنیداری
اخ۱ فراصوت‌شناسی
او ابزار صوتی
او ابزار صوتی‌نوری
او اثر نوری‌صوتی
او ارتعاش(مکانیکی)
او آزمایشگاه صوت‌شناسی
او اندازه‌گیری متغیر صوتی
او بازآوایش
او بازشناسی گفتار
او پردازش سیگنال صوتی
او تجهیزات صوتی
او تشدیدگر صوتی
او تصویرسازی صوتی
او تولید دوباره صدا
او جریان صوتی
او طیف‌نمایی صوتی
او کنترل متغیر صوتی
او گسیل صوتی
او موج شوکی
او موج صوتی
او همه‌نگاری صوتی
او ویژگی صوتی
ان *Acoustics*

صوت‌شناسی جوی

اع۱ صوت‌شناسی
اع۲ فیزیک
اع۳ علوم طبیعی
او انتشار موج صوتی
او جو برون زمینی
او جو زمین
ان *Atmospheric acoustics*

صوت‌شناسی ریزموجی

ب‌ج *بسامد صوتی ریزموج*
اع۱ صوت‌شناسی
اع۲ فیزیک
اع۳ علوم طبیعی
او ابزار صوتی ریزموج

ان *Microwave acoustics*

صوت‌شناسی زیرآبی

اع۱ صوت‌شناسی
اع۲ فیزیک
اع۳ علوم طبیعی
او اقیانوس‌شناسی
او انتقال موج صوتی
او سونار
ان *Underwater acoustics*

صوت‌شناسی ساختمانی

اع۱ صوت‌شناسی
اع۲ فیزیک
اع۳ علوم طبیعی
اع۱ معماری
او اتاق بی‌پژواک
او بازآوایش
او بازتاب موج صوتی
او ساختمان
او صوت‌شناسی شنیداری
او نوفه صوتی
ان *Architectural acoustics*

صوت‌شناسی شنیداری

اع۱ صوت‌شناسی
اع۲ فیزیک
اع۳ علوم طبیعی
او استودیوی رادیویی
او استودیوی صوتی
او تجهیزات شنیداری
او تولید دوباره صدا
او سیستم شنیداری
او صوت‌شناسی ساختمانی
او ضبط‌کردن صوت
ان *Audio acoustics*

صوت‌کشسانی

ب‌ک کشسانی

صوت نورشناسی

ب‌ک اثر صوتی‌نوری

صورت برنامه رایانه

ب‌چ *برنامه رایانه*
اع۱ نرم‌افزار رایانه
او برنامه‌نویسی رایانه
او زیربرنامه
ان *Computer program listing*

صورتبندی

او اتم
او پیوند شیمیایی
او جهت بلور
او مولکول
ان *Conformation*

صیقل‌کاری

اع۱ پرداخت
اع۲ تکمیل
اع۳ فراورش
اع۲ عملیات سطحی
اع۱ پرداخت فلز
اع۲ تکمیل
اع۳ فراورش
اع۱ ماشین‌کاری
او ماشین صیقل‌کاری
ان *Lapping*

ضایعات هسته‌ای

ب‌ک پسمانده پرتوزا

ضبط‌صوت

اع۱ تجهیزات شنیداری
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ ضبط کاستی ویدئویی
او تولید دوباره صدا
او ذخیره نوار مغناطیسی
او سنج‌افزار ثبات
او ضبط‌کردن
او ضبط‌کردن صوت
او ضبط‌کردن مغناطیسی
او ضبط‌کردن ویدئویی
ان *Tape recorder*

ضبط کاستی ویدئویی

اع۱ تجهیزات تلویزیونی

اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ ضبط‌صوت
اع۲ تجهیزات شنیداری
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او ضبط‌کردن ویدئویی
ان *Videocassette recorder*

ضبط‌کردن

اخ۱ ثبت تصویر
اخ۱ ثبت نوری
اخ۲ ثبت لیزری
اخ۱ چاه‌نگاری
اخ۲ چاه‌نگاری چاه آب
اخ۲ چاه‌نگاری گاز طبیعی
اخ۲ نگاربرداری الکترومغناطیسی
اخ۲ نگاربرداری الکتریکی
اخ۳ نگاربرداری القایی
اخ۳ نگاربرداری پتانسیل خودزاد
اخ۳ نگاربرداری قطبش القاشده
اخ۲ نگاربرداری پرتوزا
اخ۳ نمودارگیری نوترونی
اخ۲ نگاربرداری جهتی
اخ۲ نگاربرداری چاه نفت
اخ۲ نگاربرداری زمین‌گرمایی
اخ۲ نگاربرداری صوتی
اخ۲ نگاربرداری گازهای گل
اخ۲ نگاربرداری گرمایی
اخ۲ نگاربرداری مغناطیسی هسته‌ای
اخ۱ ضبط‌کردن داده‌ها
اخ۱ ضبط‌کردن شدآمد تلفن
اخ۱ ضبط‌کردن صوت
اخ۱ ضبط‌کردن مغناطیسی
اخ۱ ضبط‌کردن ویدئویی
او بررسی
او بررسی شدآمد
او برگیر
او پایش
او تصویر متحرک
او ذخیره داده‌های نوری
او ذخیره رقمی
او ذخیره مغناطیسی
او سنج‌افزار ثبات
او سیستم کارت سوراخ‌دار
او سیستم نوار سوراخ‌شده
او ضبط‌صوت
او عکاسی
او نقشه‌برداری
ان *Recording*

ضبط‌کردن اطلاعات مغناطیسی

ب‌ک ضبط‌کردن داده‌ها

ضبط‌کردن تلویزیونی

ب‌ک ضبط‌کردن ویدئویی

ضبط‌کردن چندآوایی

او تجهیزات شنیداری
او دیسک فشرده
او سیستم شنیداری
او صفحه آوانگار
او ضبط‌کردن صوت
او ضبط‌کردن ویدئویی
ان *Stereophonic recording*

ضبط‌کردن داده‌ها

ب‌ج *ضبط‌کردن اطلاعات مغناطیسی*
اع۱ داده‌پردازی
اع۱ ضبط‌کردن
او داده‌برداری
او ذخیره رقمی
او سنج‌افزار ثبات
او ضبط‌کردن مغناطیسی
او طیف‌سنج جرمی
او طیف‌سنجی جرمی
ان *Data recording*

ضبط‌کردن شدآمد تلفن

اع۱ ضبط‌کردن
او تحلیل شدآمد تلفنی
او تحلیلگر شدآمد تلفنی
او تلفن
او سیستم تلفن
او شدآمد مخابراتی
او مرکز تلفن
ان *Telephone traffic recording*

ضبط‌کردن صوت

اع۱ ضبط‌کردن
او دیسک فشرده

او سیستم شنیداری
او صدابر
او صفحه آوانگار
او صوت‌شناسی شنیداری
او ضبط‌صوت
او ضبط‌کردن چندآوایی
ان *Sound recording*

ضبط‌کردن مغناطیسی

اع۱ ضبط‌کردن
او ذخیره دیسک مغناطیسی
او ضبط‌صوت
او ضبط‌کردن داده‌ها
او نوار مغناطیسی
او هد مغناطیسی
ان *Magnetic recording*

ضبط‌کردن ویدئویی

ب‌ج *ضبط‌کردن تلویزیونی*
اع۱ ضبط‌کردن
او تلویزیون
او ضبط کاستی ویدئویی
او ضبط‌صوت
او ضبط‌کردن چندآوایی
ان *Video recording*

ضخامت‌سنج

اع۱ پیمانه
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او اندازه‌گیری ضخامت
ان *Thickness gage*

ضدآب‌رفتگی‌کردن(مضنوع نساجی)

اع۱ تکمیل نساجی
اع۲ تکمیل
اع۳ فراورش
اع۲ فرآیند نساجی
اع۳ فراورش
ان *Shrinkproofing (textiles)*

ضدآب‌کردن

اع۱ حفاظت
او اندود ضدآب
او تکمیل نساجی
او تونل‌سازی
او درزبندی
او سیمان ضدآب
ان *Waterproofing*

ضدآتش‌کردن

اع۱ حفاظت در مقابل آتش‌سوزی
اع۲ حفاظت
او مقاومت در برابر آتش
ان *Fireproofing*

ضدانفجارکردن

اع۱ حفاظت
ان *Explosionproofing*

ضدعفونی

اع۱ تمیزکاری
او تصفیه آب
او سترون‌سازی(تمیزکاری)
او گندزدا
ان *Disinfection*

ضراب‌خانه

اع۱ تسهیلات
او سکه‌زنی
ان *Mint*

ضربان‌ساز

اع۱ پروستتیک
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
او جراحی قلب و عروق
او دستگاه قلبی-عروقی
او قلب‌پزشکی
او مواد زیستی
ان *Pacemaker*

ضربه احتراق

او احتراق
او ترکیبات ضدکوبش
او درجه‌بندی ضدکوبش
او سیستم افروزش
او موتور درون‌سوز

ان *Combustion knock*

ضربه قوچ

او تجهیزات هیدرولیکی
او جریان در لوله
او خط‌لوله آب
او سوپاپ
او سیستم لوله‌کشی آب
او لوله‌کشی
او هیدرودینامیک
ان *Water hammer*

ضربه‌گیر

اع۱ تجهیزات
اخ۱ ضربه‌گیر خودرو
او ارتعاش(مکانیکی)
او پیستون
او سوارش پادارتعاش
او میرایی
ان *Shock absorber*

ضربه‌گیر(سازه بندر)

اع۱ سازه بندر
اع۲ سازه
ان *Fender (port structures)*

ضربه‌گیر(قایق)

اع۱ تجهیزات قایق
اع۲ قایق
اع۳ آب‌پیما
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ تجهیزات
اع۳ وسیله نقلیه
ان *Fender (boat)*

ضربه‌گیر خودرو

اع۱ ضربه‌گیر
اع۲ تجهیزات
اع۱ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۲ خودرو
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
ان *Automobile shock absorber*

ضربه‌گیر واگن راه‌آهن

اع۱ تجهیزات واگن راه‌آهن
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ واگن راه‌آهن
اع۳ خط نورد راه‌آهن
ان *Railroad car buffer*

ضربه‌گیر هوایی

اع۱ تجهیزات واگن راه‌آهن
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ واگن راه‌آهن
اع۳ خط نورد راه‌آهن
ان *Air cushioning*

ضریب اطمینان

اخ۱ حد بار
او پیشگیری حادثه
او طراحی سازه
او قابلیت اطمینان
ان *Safety factor*

ضریب القاءسنجی

اع۱ اندازه‌گیری متغیر الکتریکی
اع۲ اندازه‌گیری
او اندازه‌گیری راکتانس الکتریکی
او پل اندازه‌گیری الکتریکی
ان *Inductance measurement*

ضریب انتقال گرما

او انتقال گرما
او شار گرما
ان *Heat transfer coefficient*

ضریب پخش

ب‌ک پخشیدگی

ضریب پراکندگی اتمی

ب‌ک ارتعاش شبکه

ضریب تراوایی

ب‌ک رسانایی هیدرولیکی

ضریب توان الکتریکی

ب‌ج *ضریب توان دی‌الکتریک*
او اندازه‌گیری ضریب توان الکتریکی
او تصحیح ضریب توان الکتریکی
او توان واکنشی
او شبکه(مدار)
او ظرفیت
ان *Electric power factor*

ضریب توان دی‌الکتریک
ب‌ک ضریب توان الکتریکی

ضریب شدت تنش

او انباشتگی تنش
او تنش
ان *Stress intensity factor*

ضریب شکست

ب‌ج *شکستاری*
اع۱ ویژگی نوری
اع۲ ویژگی فیزیکی
او پاشیدگی(موج)
او دوشکستی
او شکست
او شکست فراصوتی
او شکست موج الکترومغناطیسی
او شکست نور
او شکست‌سنج
او گاز
ان *Refractive index*

ضریب کشسانی

ب‌ج *مدول کپه‌ای*
اع۱ ویژگی مکانیکی
او آزمایش پیچش
او آزمایش کششی
او کشسانی
ان *Elastic modulus*

ضریب لاگرانژ

اع۱ فن ریاضی
او بهینه‌سازی
او تحقیق در عملیات
او معادله دیفرانسیل
ان *Lagrange multiplier*

ضریب هدایت الکتریکی
ب‌ک پاگیری الکتریکی

طب سوزنی
ب‌ک پزشکی سوزنی

طبقه(ساختمان)

اع۱ عضو سازه‌ای
اع۲ اجزا
اع۲ سازه
اخ۱ کف چوبی
او دیوار(بخش سازه‌ای)
او فشار برخاست
ان *Floor*

طبقه‌بندی اطلاعات

اع۱ تجزیه و تحلیل اطلاعات
اع۲ علم اطلاع‌رسانی
او فهرست‌نویسی(اطلاعات)
ان *Classification (of information)*

طبقه پل
ب‌ک عرشه پل

طراحی

ب‌ج *بهینه‌سازی طراحی*
اخ۱ طراحی به کمک رایانه
اخ۲ طراحی منطقی به کمک رایانه
اخ۱ طراحی سازه
اخ۲ تحلیل سازه
اخ۱ طراحی فراورده
اخ۲ طراحی مدار چاپی
اخ۲ طرح کلی مدار مجتمع
اخ۱ طراحی ماشین
اخ۱ طراحی معماری
اخ۱ طراحی منطقی
اخ۲ طراحی منطقی به کمک رایانه
اخ۱ طراحی نوری
او برنامه‌ریزی
او کمک طراحی
ان *Design*

طراحی بزرگراه
ب‌ک مهندسی راه

طراحی به کمک رایانه
اع۱ طراحی
اع۱ کاربرد رایانه
اع۲ کاربرد
اخ۱ طراحی منطقی به کمک رایانه
او پیش‌نمونه‌سازی سریع
او تجزیه و تحلیل به کمک رایانه
او تولید به کمک رایانه
او زبان توصیف سخت‌افزار رایانه
او سیستم رایانه‌ای برهم‌کنشی
او شبیه‌سازی
او شبیه‌سازی رایانه‌ای
او کمک طراحی
او مهندسی
او مهندسی به کمک رایانه
او نگاره‌سازی رایانه‌ای
او هندسه تحلیلی
ان *Computer aided design*

طراحی سازه
ب‌ج *مهندسی سازه*
اع۱ طراحی
اخ۱ تحلیل سازه
او اثر باد
او اثر تندباد
او ارتعاش(مکانیکی)
او بار سازه‌ای
او پیش‌تنیدگی
او تنش
او خمیدگی(سازه)
او ساختمان
او سازه
او سازه زیر برف
او سازه زیرآبی
او سازه زیرزمینی
او سازه سبک
او سازه مدل
او شکست(مکانیکی)
او ضریب اطمینان
او طراحی معماری
او عضو فشاری
او لنگرگاه(پی)
او مصالح ساختمانی
او مقاومت ترکیدگی
او مقاومت در برابر آتش
او مقاومت در برابر تندباد
او مقاومت در برابر زلزله
او مقاومت ضربه‌ای
او مکانیک
او مهندسی
او مهندسی راه و ساختمان
او مهندسی مکانیک
ان *Structural design*

طراحی سیستم‌ها
ب‌ک تجزیه و تحلیل سیستم‌ها

طراحی شهر
ب‌ک برنامه‌ریزی شهری

طراحی صنعتی
ب‌ک طراحی فراورده

طراحی فراورده
ب‌ج *طراحی صنعتی*
اع۱ طراحی
اخ۱ طراحی مدار چاپی
اخ۱ طرح کلی مدار مجتمع
او کنترل وزن
ان *Product design*

طراحی کارخانه
ب‌ج *طرح کلی کارخانه صنعتی*
او واحد صنعتی
ان *Plant layout*

طراحی ماشین
اع۱ طراحی
او ماشین‌آلات
او مهندسی
ان *Machine design*

طراحی مدار چاپی
اع۱ طراحی فراورده
اع۲ طراحی
او آزمایش مدار چاپی

او بسته‌بندی الکترونیکی
او تولید مدار چاپی
او طرح کلی مدار مجتمع
او مدار چاپی
ان *Printed circuit design*

طراحی مسیر
ب‌ک برنامه‌ریزی حرکت

طراحی معماری
اع۱ طراحی
اع۱ معماری
او طراحی سازه
ان *Architectural design*

طراحی منطقی
اع۱ طراحی
اخ۱ طراحی منطقی به کمک رایانه
او ابزار منطقی
او حساب رقمی
او کمینه‌سازی شبکه سودهی
او مدار منطقی
او مدار منطقی حمل
او مدارمجتمع کاربردویژه
او معماری رایانه
او نظریه سودهی
ان *Logic design*

طراحی منطقی به کمک رایانه
ب‌چ *منطق طراحی به کمک رایانه*
اع۱ طراحی به کمک رایانه
اع۲ طراحی
اع۲ کاربرد رایانه
اع۳ کاربرد
اع۱ طراحی منطقی
اع۲ طراحی
ان *Computer aided logic design*

طراحی نوری
اع۱ طراحی
او نورشناسی
ان *Optical design*

طرح بازنشستگی
اع۱ حقوق و مزایا(کارکنان)
او کارکنان
او مدیریت
ان *Pension plan*

طرح حوضه رودخانه
او آب‌برگردان رودخانه
او دریاچه
او رودخانه
او ساخت
او سد
او کنترل رودخانه
او نیروگاه آبی
ان *River basin project*

طرح کلی کارخانه صنعتی
ب‌ک طراحی کارخانه

طرح کلی مدار
ب‌ک طرح کلی مدار مجتمع

طرح کلی مدار مجتمع
ب‌چ *طرح کلی مدار*
اع۱ تولید مدارمجتمع
اع۲ تولید دستگاه الکترونی
اع۳ ساختن تجهیزات الکترونیکی
اع۱ طراحی فراورده
اع۲ طراحی
او طراحی مدار چاپی
او مدارمجتمع
ان *Integrated circuit layout*

طعم
ب‌ک مزه

طلا
اع۱ فلز گرانبها
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
اع۲ فلز واسطه
اع۳ فلز
او آب طلاکاری
او آلیاژ طلا
او ترکیبات طلا

او ذخیره طلا
او عمل‌آوری کان‌سنگ طلا
او فلزکاری طلا
او فلزنگاری طلا
او معدن طلا
ان *Gold*

طناب

اع۱ مواد
اخ۱ طناب سیمی
او بافه
ان *Rope*

طناب سیمی

اع۱ بافه
اع۲ فراورده سیمی
اع۱ طناب
اع۲ مواد
او هسته کابل
ان *Wire rope*

طناب کشتی

اع۱ بافه
اع۲ فراورده سیمی
او مهار کشتی
ان *Mooring cable*

طیف بریلوین

ب‌ک پخش بریلوین

طیف جوی

ی‌د برای طیف جو زمین یا جو برون زمینی به کار برید.
او جو برون زمینی
او جو زمین
او نورشناسی جوی
ان *Atmospheric spectrum*

طیف رامان

ب‌ک پراکندگی رامان

طیف‌سنج

ب‌ج *بیناب‌سنج*
اع۱ سنج‌افزار نوری
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اخ۱ طیف‌سنج پرتو ایکس
اخ۱ طیف‌سنج تشدید مغناطیسی
اخ۱ طیف‌سنج جرمی
اخ۱ طیف‌سنج ذره‌ای
اخ۲ جداساز ذره
اخ۳ تحلیل‌گر سرعت الکترون
اخ۲ طیف‌سنج پرتو بتا
اخ۲ طیف‌سنج پرتو گاما
اخ۲ طیف‌سنج ذره آلفا
اخ۲ طیف‌سنج نوترونی
اخ۱ طیف‌سنج ریزموجی
اخ۱ طیف‌سنج فرابنفش
اخ۱ طیف‌سنج مادون قرمز
اخ۱ طیف‌نورسنج
او تجزیه طیفی
او تحلیل طیف
او شبکه پراش
او طیف‌سنجی
او نورسنج
ان *Spectrometer*

طیف‌سنج پرتو ایکس

اع۱ طیف‌سنج
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
ان *X ray spectrometer*

طیف‌سنج پرتو ایکس.

اع۱ دستگاه پرتو ایکس.
اع۲ تجهیزات
اخ۱ طیف‌نورسنج پرتو ایکس.
او بلورنگاری پرتو ایکس.
او طیف‌سنج ذره‌ای
او طیف‌سنجی پرتو ایکس.
او طیف‌نگار پرتو ایکس.
ان *X ray spectrometer*

طیف‌سنج پرتو بتا

اع۱ طیف‌سنج ذره‌ای
اع۲ طیف‌سنج
اع۳ سنج‌افزار نوری
او نورشناسی الکترونی
ان *Beta ray spectrometer*

طیف‌سنج پرتو گاما

اع۱ طیف‌سنج ذره‌ای
اع۲ طیف‌سنج
اع۳ سنج‌افزار نوری
او پرتو گاما
ان *Gamma ray spectrometer*

طیف‌سنج تشدید مغناطیسی

اع۱ طیف‌سنج
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
او تشدید مغناطیسی
او طیف‌سنج ریزموجی
او طیف‌نمایی تشدید مغناطیسی
او طیف‌نمایی تشدید مغناطیسی هسته
ان *Magnetic resonance spectrometer*

طیف‌سنج جرمی

اع۱ طیف‌سنج
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
او تجزیه نوترونی
او چشمه یونی
او ضبط‌کردن داده‌ها
او طیف‌سنجی جرمی
او طیف‌سنجی جرمی با یون ثانوی
ان *Mass spectrometer*

طیف‌سنج ذره آلفا

اع۱ طیف‌سنج ذره‌ای
اع۲ طیف‌سنج
اع۳ سنج‌افزار نوری
او ذره آلفا
ان *Alpha particle spectrometer*

طیف‌سنج ذره‌ای

اع۱ طیف‌سنج
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
اخ۱ جداساز ذره
اخ۲ تحلیل‌گر سرعت الکترون
اخ۱ طیف‌سنج پرتو بتا
اخ۱ طیف‌سنج پرتو گاما
اخ۱ طیف‌سنج ذره آلفا
اخ۱ طیف‌سنج نوترونی
او ذره بنیادی
او طیف‌سنج پرتو ایکس
او نورشناسی ذره‌ای
ان *Particle spectrometer*

طیف‌سنج ریزموجی

اع۱ طیف‌سنج
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
او طیف‌سنج تشدید مغناطیسی
او طیف‌نگار ریزموجی
او طیف‌نمایی ریزموجی
ان *Microwave spectrometer*

طیف‌سنج سوسوزن

ب‌ک شمارگر سوسوزن

طیف‌سنج فرابنفش

اع۱ سنج‌افزار فرابنفش
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
اع۱ طیف‌سنج
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
اخ۱ طیف‌نورسنج فرابنفش
او طیف‌نگار فرابنفش
او طیف‌نمایی فرابنفش
ان *Ultraviolet spectrometer*

طیف‌سنج مادون قرمز

اع۱ ابزار مادون قرمز
اع۲ ابزار نوری
اع۳ تجهیزات
اع۱ طیف‌سنج
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
اخ۱ طیف‌نورسنج مادون قرمز
او طیف‌نمایی مادون قرمز
ان *Infrared spectrometer*

طیف‌سنج نوترونی

اع۱ طیف‌سنج ذره‌ای
اع۲ طیف‌سنج
اع۳ سنج‌افزار نوری

او نوترون
ان *Neutron spectrometer*

طیف‌سنجی
اع۱ اندازه‌گیری
اخ۱ طیف‌سنجی جرمی
اخ۲ طیف‌سنجی جرمی با یون ثانوی
او طیف‌سنج
او طیف‌نمایی
او طیف‌نورسنج
او نورسنجی
ان *Spectrometry*

طیف‌سنجی پرتو ایکس
اع۱ تحلیل پرتو ایکس
اع۱ طیف‌نمایی
او پراش پرتو ایکس
او پرتو ایکس
او دستگاه پرتو ایکس
او طیف‌سنج پرتو ایکس
او طیف‌نگار پرتو ایکس
او طیف‌نورسنج پرتو ایکس
ان *X ray spectroscopy*

طیف‌سنجی جرمی
اع۱ طیف‌سنجی
اع۲ اندازه‌گیری
اخ۱ طیف‌سنجی جرمی با یون ثانوی
او انتقال جرم
او پخشیدگی
او تجزیه نوترونی
او چشمه یونی
او دیالیز
او ضبط‌کردن داده‌ها
او طیف‌سنج جرمی
او ویژگی ترابرد
ان *Mass spectrometry*

طیف‌سنجی جرمی با یون ثانوی
اع۱ طیف‌سنجی جرمی
اع۲ طیف‌سنجی
اع۳ اندازه‌گیری
او طیف‌سنج جرمی
ان *Secondary ion mass spectrometry*

طیف‌نگار
اع۱ سنج‌افزار نوری
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اخ۱ تک‌فام‌ساز
اخ۱ طیف‌نگار پرتو ایکس
اخ۱ طیف‌نگار ریزموجی
اخ۱ طیف‌نگار فرابنفش
اخ۱ طیف‌نگار مادون قرمز
او تجزیه طیفی
او تحلیل طیف
ان *Spectrograph*

طیف‌نگار پرتو ایکس
اع۱ دستگاه پرتو ایکس
اع۲ تجهیزات
اع۱ طیف‌نگار
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
او طیف‌سنج پرتو ایکس
او طیف‌سنجی پرتو ایکس
ان *X ray spectrograph*

طیف‌نگار ریزموجی
اع۱ طیف‌نگار
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
او طیف‌سنج ریزموجی
او طیف‌نمایی ریزموجی
ان *Microwave spectrograph*

طیف‌نگار فرابنفش
اع۱ سنج‌افزار فرابنفش
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
اع۱ طیف‌نگار
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
او طیف‌سنج فرابنفش
او طیف‌نمایی فرابنفش
ان *Ultraviolet spectrograph*

طیف‌نگار مادون قرمز
اع۱ ابزار مادون قرمز
اع۲ ابزار نوری

اع۳ تجهیزات
اع۱ طیف‌نگار
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
او طیف‌نمایی مادون قرمز
ان *Infrared spectrograph*

طیف‌نمایی

ب‌ج *بیناب‌نمایی*
ب‌ج *طیف‌نمایی پاگیرایی الکتروشیمیایی*
اخ۱ طیف‌سنجی پرتو ایکس
اخ۱ طیف‌نمایی اتمی
اخ۱ طیف‌نمایی الکترون
اخ۲ طیف‌نمایی الکترونی اوگر
اخ۲ طیف‌نمایی با افت انرژی الکترون
اخ۲ طیف‌نمایی تشدید اسپین الکترون
اخ۲ طیف‌نمایی فتوالکترون
اخ۳ طیف‌نمایی فوتوالکترون پرتو ایکس
اخ۱ طیف‌نمایی با تابش هسته‌ای
اخ۱ طیف‌نمایی بسامد رادیویی
اخ۲ طیف‌نمایی ریزموجی
اخ۱ طیف‌نمایی پراکندگی رادرفورد
اخ۱ طیف‌نمایی تشدید مغناطیسی
اخ۲ طیف‌نمایی تشدید مغناطیسی هسته
اخ۱ طیف‌نمایی جذبی
اخ۱ طیف‌نمایی رامان
اخ۱ طیف‌نمایی صوتی
اخ۲ طیف‌نمایی نوری‌صوتی
اخ۱ طیف‌نمایی فرابنفش
اخ۱ طیف‌نمایی گسیلی
اخ۱ طیف‌نمایی مادون قرمز
اخ۲ طیف‌نمایی مادون قرمز تبدیل فوریه
اخ۱ طیف‌نمایی موزباوئر
اخ۱ طیف‌نمایی مولکولی
اخ۱ طیف‌نمایی ناپایدار سطح عمیق
او پدیده فراسریع
او تجزیه طیفی
او طیف‌سنجی
ان *Spectroscopy*

طیف‌نمایی آی.آر.

ب‌ک طیف‌نمایی مادون قرمز

طیف‌نمایی اتمی

اع۱ طیف‌نمایی
او اتم
او موج الکترومغناطیسی
ان *Atomic spectroscopy*

طیف‌نمایی الکترون

اع۱ طیف‌نمایی
اخ۱ طیف‌نمایی الکترونی اوگر
اخ۱ طیف‌نمایی با افت انرژی الکترون
اخ۱ طیف‌نمایی تشدید اسپین الکترون
اخ۱ طیف‌نمایی فتوالکترون
اخ۲ طیف‌نمایی فوتوالکترون پرتو ایکس
ان *Electron spectroscopy*

طیف‌نمایی الکترونی اوگر

اع۱ طیف‌نمایی الکترون
اع۲ طیف‌نمایی
ان *Auger electron spectroscopy*

طیف‌نمایی با افت انرژی الکترون

اع۱ طیف‌نمایی الکترون
اع۲ طیف‌نمایی
او تراز انرژی الکترونی
ان *Electron energy loss spectroscopy*

طیف‌نمایی با تابش هسته‌ای

اع۱ طیف‌نمایی
او فیزیک هسته‌ای
ان *Nuclear radiation spectroscopy*

طیف‌نمایی بسامد رادیویی

اع۱ طیف‌نمایی
اخ۱ طیف‌نمایی ریزموجی
او اخترشناسی رادیویی
او تشدید مغناطیسی
او تشدید مغناطیسی هسته
او طیف‌نمایی تشدید مغناطیسی هسته
ان *Radiofrequency spectroscopy*

طیف‌نمایی پاگیرایی الکتروشیمیایی

ب‌ک طیف‌نمایی

طیف‌نمایی پراکندگی رادرفورد

اع۱ طیف‌نمایی
او پس‌پراکندگی

او ذره باردار
ان *Rutherford backscattering spectroscopy*

طیف‌نمایی تشدید اسپین الکترون
اع۱ طیف‌نمایی الکترون
اع۲ طیف‌نمایی
او تشدید پارامغناطیسی
او طیف‌نمایی ریزموجی
ان *Electron spin resonance spectroscopy*

طیف‌نمایی تشدید مغناطیسی
اع۱ طیف‌نمایی
اخ۱ طیف‌نمایی تشدید مغناطیسی هسته‌ای
او تشدید مغناطیسی
او طیف‌سنج تشدید مغناطیسی
او طیف‌نمایی ریزموجی
ان *Magnetic resonance spectroscopy*

طیف‌نمایی تشدید مغناطیسی هسته
اع۱ طیف‌نمایی تشدید مغناطیسی
اع۲ طیف‌نمایی
او تشدید مغناطیسی هسته‌ای
او تصویربرداری تشدید مغناطیسی
او طیف‌سنج تشدید مغناطیسی
او طیف‌نمایی بسامد رادیویی
ان *Nuclear magnetic resonance spectroscopy*

طیف‌نمایی جذبی
اع۱ طیف‌نمایی
ان *Absorption spectroscopy*

طیف‌نمایی رامان
اع۱ طیف‌نمایی
او پراکندگی رایلی
او طیف‌نمایی مادون قرمز
او کاربرد لیزر
او نورشناسی غیرخطی
ان *Raman spectroscopy*

طیف‌نمایی ریزموجی
اع۱ طیف‌نمایی بسامد رادیویی
اع۲ طیف‌نمایی
او تشدید پارامغناطیسی
او طیف‌سنج ریزموجی
او طیف‌نگار ریزموجی
او طیف‌نمایی تشدید اسپین الکترون
او طیف‌نمایی تشدید مغناطیسی
ان *Microwave spectroscopy*

طیف‌نمایی صوتی
اع۱ طیف‌نمایی
اخ۱ طیف‌نمایی نوری‌صوتی
او صوت‌شناسی
ان *Acoustic spectroscopy*

طیف‌نمایی فتوالکترون
اع۱ طیف‌نمایی الکترون
اع۲ طیف‌نمایی
اخ۱ طیف‌نمایی فوتوالکترون پرتو ایکس
ان *Photoelectron spectroscopy*

طیف‌نمایی فرابنفش
اع۱ طیف‌نمایی
او طیف‌سنج فرابنفش
او طیف‌نگار فرابنفش
او طیف‌نورسنج فرابنفش
ان *Ultraviolet spectroscopy*

طیف‌نمایی فوتوالکترون پرتو ایکس
اع۱ طیف‌نمایی فتوالکترون
اع۲ طیف‌نمایی الکترون
اع۳ طیف‌نمایی
او پرتو ایکس
ان *X ray photoelectron spectroscopy*

طیف‌نمایی گسیلی
اع۱ طیف‌نمایی
ان *Emission spectroscopy*

طیف‌نمایی مادون قرمز
بج *طیف‌نمایی آی‌آر*
اع۱ طیف‌نمایی
اخ۱ طیف‌نمایی مادون قرمز تبدیل فوریه
او طیف‌سنج مادون قرمز
او طیف‌نگار مادون قرمز
او طیف‌نمایی رامان

او طیف‌نورسنج مادون قرمز
ان *Infrared spectroscopy*

طیف‌نمایی مادون قرمز تبدیل فوریه
اع۱ طیف‌نمایی مادون قرمز
اع۲ طیف‌نمایی
او تبدیل فوریه
ان *Fourier transform infrared spectroscopy*

طیف‌نمایی موزباوئر
اع۱ طیف‌نمایی
ان *Mossbauer spectroscopy*

طیف‌نمایی مولکولی
اع۱ طیف‌نمایی
او ارتعاش مولکولی
او موج الکترومغناطیسی
او مولکول
ان *Molecular spectroscopy*

طیف‌نمایی ناپایدار سطح عمیق
اع۱ طیف‌نمایی
او تراز انرژی الکترونی
او ظرفیت
ان *Deep level transient spectroscopy*

طیف‌نمایی نوری‌صوتی
اع۱ طیف‌نمایی صوتی
اع۲ طیف‌نمایی
او اثر نوری‌صوتی
ان *Photoacoustic spectroscopy*

طیف‌نورسنج
ی‌د طیف‌سنجی برای اندازه‌گیری توزیع انرژی طیف.
اع۱ طیف‌سنج
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
اع۱ نورسنج
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
اخ۱ طیف‌نورسنج پرتو ایکس.
اخ۱ طیف‌نورسنج فرابنفش
اخ۱ طیف‌نورسنج مادون قرمز

او تجزیه به روش رنگ‌سنجی
او تجزیه طیفی
او تحلیل طیف
او رنگ(فام)
او رنگ‌سنج
او رنگ‌سنجی
او طیف‌سنجی
او طیف‌نورسنجی
او گرماسنجی
ان *Spectrophotometer*

طیف‌نورسنج پرتو ایکس.
اع۱ طیف‌سنج پرتو ایکس.
اع۲ دستگاه پرتو ایکس.
اع۳ تجهیزات
اع۱ طیف‌نورسنج
اع۲ نورسنج
اع۳ سنج‌افزار نوری
او طیف‌سنجی پرتو ایکس.
او طیف‌نورسنجی
ان *X ray spectrophotometer*

طیف‌نورسنج فرابنفش
اع۱ طیف‌سنج فرابنفش
اع۲ سنج‌افزار فرابنفش
اع۳ سنج‌افزار نوری
اع۱ طیف‌نورسنج
اع۲ نورسنج
اع۳ سنج‌افزار نوری
او طیف‌نمایی فرابنفش
او طیف‌نورسنجی
ان *Ultraviolet spectrophotometer*

طیف‌نورسنج مادون قرمز
اع۱ طیف‌سنج مادون قرمز
اع۲ ابزار مادون قرمز
اع۳ ابزار نوری
اع۱ طیف‌نورسنج
اع۲ نورسنج
اع۳ سنج‌افزار نوری
او طیف‌نمایی مادون قرمز
او طیف‌نورسنجی
ان *Infrared spectrophotometer*

طیف‌نورسنجی

اع۱ نورسنجی
اع۲ اندازه‌گیری متغیر نوری
اع۳ اندازه‌گیری
او تجزیه به روش رنگ‌سنجی
او تجزیه طیفی
او طیف‌نورسنج
او طیف‌نورسنج پرتو ایکس
او طیف‌نورسنج فرابنفش
او طیف‌نورسنج مادون قرمز
ان *Spectrophotometry*

ظرف تخمیر

اع۱ زیست واکنشگاه
اع۲ واکنشگاه شیمیایی
اع۳ تجهیزات شیمیایی
او تخمیر
ان *Fermenter*

ظرف چینی

ب‌ک فراورده سرامیکی

ظرف دوار

ب‌ک دیوئر

ظرفیت

ب‌ج *ظرفیت الکتریکی*
اع۱ ویژگی الکتریکی
اع۲ ویژگی فیزیکی
او الکترواستاتیک
او اندازه‌گیری ظرفیت
او خازن
او شارژ الکتریکی
او ضریب توان الکتریکی
او طیف‌نمایی ناپایدار سطح،عمیق
او گذردهی الکتریکی
ان *Capacitance*

ظرفیت اطلاعات

ب‌ک ظرفیت کانال

ظرفیت الکتریکی

ب‌ک ظرفیت

ظرفیت باربذیری

اع۱ ویژگی مکانیکی
او بار دینامیکی
او بار سازه‌ای
او بار(نیرو)
او تنش تسلیم
او حد بار
ان *Bearing capacity*

ظرفیت عبور جریان الکتریکی(کابل)

ب‌ج *گنجایش حمل(کابل الکتریکی)*
او کابل الکتریکی
ان *Electric current carrying capacity (cable)*

ظرفیت کانال

ب‌ج *ظرفیت اطلاعات*
او پهنای نوار
او مخابرات
او نظریه اطلاعات
ان *Channel capacity*

ظرفیت گرمایی

ب‌ک گرمای ویژه

عامل

اع۱ مواد شیمیایی
اع۲ مواد
اخ۱ آغازگر(شیمیایی)
اخ۱ اکسیژن‌زدا
اخ۱ بازدارنده شعله
اخ۱ پاداکسنده
اخ۱ پایدارساز(عامل)
اخ۲ پایدارساز حرارتی
اخ۱ جهش‌زا
اخ۱ عامل ضدثبات
اخ۱ عامل کف‌زای
اخ۱ عامل رهاکننده قالب
اخ۱ عامل شناورکن
اخ۱ عامل وولکانش
اخ۱ کاتالیزور
اخ۲ کاتالیزور زیستی
اخ۳ آنزیم
اخ۱ مانع خوردگی
اخ۱ مواد فعال سطحی
اخ۲ شوینده

اخ۳ صابون(شوینده)
اخ۱ نرم‌کننده
اخ۱ وسیله مقابله
او حلال
او گدازآور
ان *Agent*

عامل ضدثبات
اع۱ عامل
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او پلاستیک
او کاغذ
او مصنوع نساجی
ان *Antistatic agent*

عامل کف‌زای
ب‌ج *عامل کف‌ساز*
اع۱ عامل
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او پلاستیک
او پلاستیک اسفنجی
او لاستیک
او لاستیک اسفنجی
ان *Blowing agent*

عامل تغذیه آنتن
اع۱ لوازم آنتن
اع۲ لوازم
او موجبر
ان *Antenna feeder*

عامل جلوگیرنده از عبور اشعه
ب‌ک وسیله مقابله

عامل رهاکننده قالب
اع۱ عامل
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او پلاستیک
ان *Mold release agent*

عامل شناورکن
اع۱ عامل
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او شناورسازی
ان *Flotation agent*

عامل کف‌ساز
ب‌ک عامل کف‌زای

عامل وولکانش
اع۱ عامل
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او وولکانش
ان *Vulcanization agent*

عایق الکتریکی
اع۱ ابزار دی‌الکتریک
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
او بوش
او تخلیهٔ سطحی
او جریان معیوب الکتریکی
او عایق‌بندی الکتریکی
او مواد عایق‌بندی الکتریکی
ان *Electric insulator*

عایق‌بندی الکتریکی
اع۱ عایق‌کاری
اع۲ مواد
اخ۱ عایق‌بندی ماشین الکتریکی
اخ۱ عایق‌کاری مبدل الکتریکی
او آزمایش عایق‌بندی الکتریکی
او تجهیزات الکتریکی
او تخلیه الکتریکی
او تخلیه سطحی
او تخلیه هاله‌ای
او جرقه‌زنی الکتریکی
او جریان معیوب الکتریکی
او غایق الکتریکی
او قوس الکتریکی
او محافظت تجهیزات الکتریکی
او مواد دی‌الکتریک
او مواد عایق‌بندی الکتریکی
او هماهنگی عایق‌بندی الکتریکی

ان *Electric insulation*

عایق‌بندی ماشین الکتریکی

اع۱ اجزای ماشین‌آلات الکتریکی
اع۲ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ ماشین‌آلات
اع۱ عایق‌بندی الکتریکی
اع۲ عایق‌کاری
اع۳ مواد
ان *Electric machine Insulation*

عایق‌کاری

اع۱ مواد
اخ۱ صداگیری
اخ۱ عایق‌بندی الکتریکی
اخ۲ عایق‌بندی ماشین الکتریکی
اخ۲ عایق‌کاری مبدل الکتریکی
اخ۱ عایق‌کاری گرمایی
او اجزای ساختمان
او حفاظت
او دستگاه روزن‌رانی عایق سیم
او سازه لانه‌زنبوری
او گذردهی الکتریکی
او مصالح عایق‌کاری
ان *Insulation*

عایق‌کاری صوتی
ب‌ک صداگیری

عایقکاری گرمایی
ب‌ج *عایقکاری گرمایی*
ب‌ک عایق‌کاری گرمایی
اع۱ عایق‌کاری
اع۲ مواد
او اتلاف گرما
او انتقال گرما
او پخش گرمایی
او حفاظ گرمایی
او رسانندگی گرمایی
او سرمایش
او کنترل دما
او گرماگیر
او گرمایش
او مصالح عایق‌کاری دمایی

عایق‌کاری مبدل الکتریکی

اع۱ عایق‌بندی الکتریکی
اع۲ عایق‌کاری
اع۳ مواد
اع۱ مبدل الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
او روغن عایق
ان *Electric transformer insulation*

عبور خطلوله

او خطلوله
او خطلوله گاز
او خطلوله نفت
او لوله گاز طبیعی
ان *Pipeline changeover*

عبور داده‌ها
ب‌ک سیستم ارتباط داده‌ای

عدد اکتان
ب‌ک درجه‌بندی ضدکوبش

عدد پرانتل

او پخشیدگی
او عدد نوسلت
او گرانروی
او همرفت گرما
ان *Prandtl number*

عدد ترجیحی

ب‌ج *مقدار ترجیحی*
اع۱ دستگاه شماره‌گذاری
او خازن
او مقاومت
ان *Preferred number*

عدد رینولدز

او شارش سیال
او گرانروی
ان *Reynolds number*

عدد ستان
ب‌ک درجه‌بندی ضدکوبش

عدد نوسلت

او انتقال گرما
او رسانش گرما
او رسانندگی گرمایی
او عدد پرانتل
او همرفت گرما
ان *Nusselt number*

عدسک

اع۱ ابزار نوری
اع۲ تجهیزات
اع۱ عدسی
اع۲ اجزا
اع۱ کمک‌بینایی
اع۲ کمک‌حسی
اع۳ تجهیزات زیست‌پزشکی
ان *Contact lens*

عدسی

اع۱ اجزا
اخ۱ عدسک
اخ۱ عدسی الکتروستاتیکی
اخ۱ عدسی الکترونی
اخ۱ عدسی داخل چشمی
اخ۱ عدسی سنج‌افزار نوری
اخ۲ عدسی دوربین
اخ۱ عدسی مغناطیسی
اخ۱ عدسی مومسان
او ابزار نوری
او اکروی
او بیراهی
او پرداخت
او پنجره لیزری
او تصویرسازی صوتی
او تلسکوپ
او شاتر نوری
او کانونی‌سازی
او مواد نوری
ان *Lens*

عدسی الکتروستاتیکی

اع۱ دستگاه الکترواستاتیک
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ عدسی
اع۲ اجزا
او باریکه ذره‌ای
او عدسی الکترونی
او نورشناسی الکترونی
او نورشناسی ذره‌ای
ان *Electrostatic lens*

عدسی الکترونی

ب‌ج *عدسی چهار قطبی*
ب‌ج *کنترل باریکه الکترونی*
اع۱ عدسی
اع۲ اجزا
او باریکه الکترون
او عدسی الکتروستاتیکی
او عدسی مغناطیسی
او کانونی‌سازی
او نورشناسی
ان *Electron lens*

عدسی چهار قطبی

ب‌ک عدسی الکترونی

عدسی داخل چشمی

اع۱ ابزار نوری
اع۲ تجهیزات
اع۱ پروستتیک
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ عدسی
اع۲ اجزا
اع۱ کمک‌بینایی
اع۲ کمک‌حسی
اع۳ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۱ مواد زیستی
اع۲ مواد
او کاشت(جراحی)
ان *Intraocular lens*

عدسی دوربین

ب‌ج *عدسی عکاسی*
اع۱ دوربین
اع۲ تجهیزات عکاسی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار

اع۱ عدسی سنج‌افزار نوری
اع۲ ابزار نوری
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
اع۲ عدسی
اع۳ اجزا
ان *Camera lens*

عدسی سنج‌افزار نوری

اع۱ ابزار نوری
اع۲ تجهیزات
اع۱ سنج‌افزار نوری
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۱ عدسی
اع۲ اجزا
اخ۱ عدسی دوربین
ان *Optical Instrument lens*

عدسی صوتی
ب‌ک تصویرسازی صوتی

عدسی عکاسی
ب‌ک عدسی دوربین

عدسی مغناطیسی

اع۱ ابزار مغناطیسی
اع۲ تجهیزات
اع۱ عدسی
اع۲ اجزا
او باریکه الکترون
او باریکه یونی
او تفنگ پلاسما
او عدسی الکترونی
او کانونی‌سازی
او لامپ پرتو کاتدی
او میدان مغناطیسی
او نورشناسی الکترونی
او نورشناسی ذره‌ای
ان *Magnetic lens*

عدسی مومسان

اع۱ ابزار نوری
اع۲ تجهیزات
اع۱ عدسی
اع۲ اجزا
اع۱ فراورده مومسان
ان *Plastic lens*

عرشه پل

ب‌ج *طبقه پل*
اع۱ اجزای پل
اع۲ اجزا
اع۲ پل
اع۳ سازه
ان *Bridge deck*

عرشه(کشتی)

اع۱ کشتی
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
ان *Deck (ship)*

عصب‌شناسی

ب‌ج *دستگاه عصبی*
اع۱ پزشکی
اخ۱ فیزیک‌درمانی اعصاب
او توانبخشی عصبی‌عضلانی
او جراحی اعصاب
او مغز
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Neurology*

عضله

اع۱ بافت(زیست‌شناختی)
اع۲ مواد زیست‌شناختی
اع۳ مواد
اع۱ دستگاه عضلانی‌اسکلتی
او آدنوزین تری فسفات
او الکترومیوگرافی
او زیست‌مکانیک
ان *Muscle*

عضله‌سنج
ب‌ک تجهیزات ورزشی

عضو سازه‌ای

اع۱ اجزا

اع۱ سازه
اخ۱ اتصال(اجزای سازه‌ای)
اخ۲ اتصال انبساطی
اخ۲ اتصال پیچ‌شده
اخ۲ اتصال چسبنده
اخ۲ اتصال لحیم‌شده
اخ۲ اتصال لوله
اخ۲ جوش
اخ۱ پانل سازه‌ای
اخ۱ پایه(عضو سازه‌ای)
اخ۱ پی‌بندی
اخ۱ تکیه‌گاه(سازه‌ای)
اخ۲ تکیه‌گاه پل
اخ۱ تیر و شاه‌تیر
اخ۲ تیر و شاه‌تیر پیش‌تنیده
اخ۲ تیر و شاه‌تیر آلومینیومی
اخ۲ تیر و شاه‌تیر بتنی
اخ۲ تیر و شاه‌تیر چوبی
اخ۲ تیر و شاه‌تیر فولادی
اخ۲ تیر و شاه‌تیر قوسی
اخ۲ تیر و شاه‌تیر مختلط
اخ۱ تیغه(اجزای سازه‌ای)
اخ۱ سازه قوسی
اخ۱ ستون(سازه‌ای)
اخ۱ شمع(در ساختمان)
اخ۱ صفحه(اجزای سازه‌ای)
اخ۱ طبقه(ساختمان)
اخ۲ کف چوبی
اخ۱ عضو فشاری
اخ۱ نرده
اخ۲ نرده شبرنگ
اخ۲ نرده شبرنگ
او اجزای ساختمان
او پیش‌تنیدگی
او دیرک
ان *Structural member*

عضو فشاری

اع۱ عضو سازه‌ای
اع۲ اجزا
اع۲ سازه
او تکیه‌گاه
او تیر و شاه‌تیر
او طراحی سازه
ان *Strut*

عطر

ب‌ک رایحه

عکاسی

ب‌ج *سینماتوگرافی*
اع۱ فن تصویرسازی
اخ۱ عکاسی رنگی
اخ۱ عکاسی زیرآبی
اخ۱ عکاسی سرعت بالا
اخ۱ عکاسی نظامی
اخ۱ عکسبرداری هوایی
او اثر ویژه
او امولسیون عکاسی
او پرده تصویراندازی
او پروژکتور نوری
او تجهیزات عکاسی
او تصویر متحرک
او تمام‌نگاری
او تهیه نقشه نوری
او چشمه نور
او دوربین
او دوردریافتگری
او رنگ(فام)
او روش گرافیکی
او سیستم شلیرن
او ضبط‌کردن
او فیلم عکاسی
او کپی‌برداری نوژی
او لوازم عکاسی
او نورسنج
او نورشناسی
او واکنش نورشیمیایی
ان *Photography*

عکاسی رنگی

اع۱ عکاسی
اع۲ فن تصویرسازی
او تصویر متحرک رنگی
او رنگ(فام)
او فیلم رنگی
ان *Color photography*

عکاسی زیرآبی

اع۱ عکاسی
اع۲ فن تصویرسازی

او تجهیزات زیرآبی
ان *Underwater photography*

عکاسی سرعت بالا

اع۱ عکاسی
اع۲ فن تصویرسازی
او دوربین سرعت بالا
ان *High speed photography*

عکاسی نظامی

اع۱ عکاسی
اع۲ فن تصویرسازی
اع۱ عملیات نظامی
ان *Military photography*

عکسبرداری بالینی

ب‌ک تصویربرداری پزشکی

عکسبرداری مادون قرمز

ب‌ک تصویرسازی مادون قرمز

عکسبرداری هوایی

اع۱ عکاسی
اع۲ فن تصویرسازی
او تهیه نقشه نوری
او فتوگرامتری
ان *Aerial photography*

علامت تجارتی

اع۱ مالکیت معنوی
ان *Trademark*

علف‌کش

اع۱ آفت‌کش
اع۲ پادزیست
اع۳ مواد شیمیایی
او کنترل جلبک
او کنترل علف هرز
ان *Herbicide*

علم اطلاع‌رسانی

اخ۱ استفاده اطلاعات
اخ۱ تجزیه و تحلیل اطلاعات
اخ۲ بازیابی اطلاعات
اخ۳ جستجوی درون‌خطی
اخ۲ ترجمه(زبان)
اخ۳ ترجمه رایانه‌ای
اخ۲ چکیده‌نویسی
اخ۲ طبقه‌بندی اطلاعات
اخ۲ فهرست‌نویسی(اطلاعات)
اخ۲ کنترل واژگان
اخ۱ زبان‌شناسی
اخ۲ زبان‌شناسی رایانه‌ای
اخ۳ دستور زبان رایانه‌ای
او علم رایانه
او فناوری اطلاعات
او مدیریت
او مدیریت اطلاعات
او نظریه اطلاعات
ان *Information science*

علم رایانه

او برنامه‌نویسی غیرمستدل
او رایانه
او روش محاسبه‌ای
او علم اطلاع‌رسانی
او نظریه محاسبه
ان *Computer science*

علم سیستم‌ها

اخ۱ سیبرنتیک
اخ۲ زیستارشناسی
اخ۲ سیبرنتیک اقتصادی
اخ۲ سیستم تطبیقی
اخ۳ سیستم کنترل تطبیقی
اخ۲ کنترل زیستی
اخ۲ مدل مغز
اخ۲ هوش مصنوعی
اخ۳ مهندسی دانش
اخ۱ سیستم انسان و ماشین
اخ۱ سیستم بهینه
اخ۲ سیستم کنترل بهینه
اخ۱ سیستم چندمتغیره
اخ۲ سیستم کنترل چندمتغیره
اخ۱ سیستم سلسله مراتبی
اخ۱ سیستم متغیر با زمان
اخ۲ سیستم کنترل متغیر-زمانی
اخ۱ سیستم مقیاس‌بزرگ
اخ۱ سیستم یادگیری

اخ۲ یادگیری آدمک
اخ۱ نظریه تصمیم
اخ۱ نظریه سیستمی
اخ۱ نظریه قید
او برنامه‌نویسی رایانه
او برنامه‌نویسی غیرمستدل
او بهینه‌سازی
او شبیه‌سازی
او شناسایی(سیستم کنترل)
ان *Systems science*

علم مدیریت

ی‌د فنون و تئوری مدیریت
اع۱ علوم اجتماعی
اخ۱ پرت
اخ۱ تحلیل مسیر بحرانی
او پیش‌بینی
او تحقیق در عملیات
او داده‌پردازی اداری
او سیستم پشتیبانی تصمیم
او مدیریت
او نظام اطلاعات مدیریت
ان *Management science*

علم مواد

اخ۱ ریخت‌شناسی
او پژوهش فولاد
او فیزیک
او مواد
ان *Materials science*

علوم اجتماعی

اخ۱ اقتصاد
اخ۲ اقتصاد صنعتی
اخ۱ پژوهش رفتاری
اخ۱ علم مدیریت
اخ۲ پرت
اخ۲ تحلیل مسیر بحرانی
او اثر اجتماعی و اقتصادی
او جنبه اجتماعی
او محاسبه علوم اجتماعی
ان *Social sciences*

علوم زمین

اع۱ علوم طبیعی
اخ۱ آب‌شناسی
اخ۱ اقیانوس‌شناسی
اخ۱ زمین‌شناسی
اخ۲ چینه‌شناسی
اخ۲ رسوب‌شناسی
اخ۲ زمین‌ریخت‌شناسی
اخ۲ زمین‌ساخت
اخ۲ زمین‌شناسی زیردریایی
اخ۲ زمین‌شناسی کانسار
اخ۲ زمین‌شناسی مهندسی
اخ۲ زمین‌شناسی نظامی
اخ۲ زمین‌شناسی نفت
اخ۲ زمین‌شناسی یخچالی
اخ۲ زمین‌گاه‌شماری
اخ۲ سنگ‌شناسی
اخ۲ سنگ‌نگاری
اخ۲ صخره‌شناسی
اخ۱ کانی‌شناسی
اخ۲ کان‌شناسی تجربی
اخ۲ کانی‌شناسی زیرآبی
اخ۱ هواشناسی
اخ۲ آب‌وهواشناسی
او زمین(سیاره)
او مهندسی محیط
ان *Earth sciences*

علوم طبیعی

اخ۱ اخترشناسی
اخ۲ اخترشناسی راداری
اخ۲ اخترشناسی رادیویی
اخ۲ اخترفیزیک
اخ۱ بلورنگاری
اخ۲ بلورنگاری پرتو ایکس
اخ۱ زیست‌شناسی
اخ۲ ایمنی‌شناسی
اخ۲ زیست‌شناسی دریایی
اخ۲ زیست‌شیمی
اخ۲ فیزیک‌درمانی
اخ۳ فیزیک‌درمانی اعصاب
اخ۳ فیزیک‌درمانی الکتریکی
اخ۳ فیزیک‌درمانی روانی
اخ۲ میکروب‌شناسی
اخ۳ باکتری‌شناسی
اخ۲ یاخته‌شناسی
اخ۱ شیمی
اخ۲ زمین‌شیمی

اخ۳ زمین‌شیمی آب زیرزمینی
اخ۳ زمین‌شیمی آب طبیعی
اخ۳ زمین‌شیمی اکتشافی
اخ۳ زمین‌شیمی تجزیه‌ای
اخ۲ زیست‌شیمی
اخ۲ شیمی جو
اخ۲ شیمی‌فیزیک
اخ۳ الکتروشیمی
اخ۳ دینامیک مولکولی
اخ۳ شیمی تابش
اخ۳ شیمی لیزر
اخ۲ شیمی کلوئید
اخ۲ شیمی نفت
اخ۱ علوم زمین
اخ۲ آب‌شناسی
اخ۲ اقیانوس‌شناسی
اخ۲ زمین‌شناسی
اخ۳ چینه‌شناسی
اخ۳ رسوب‌شناسی
اخ۳ زمین‌ریخت‌شناسی
اخ۳ زمین‌ساخت
اخ۳ زمین‌شناسی زیردریایی
اخ۳ زمین‌شناسی کانسار
اخ۳ زمین‌شناسی مهندسی
اخ۳ زمین‌شناسی نظامی
اخ۳ زمین‌شناسی نفت
اخ۳ زمین‌شناسی یخچالی
اخ۳ زمین‌گاه‌شماری
اخ۳ سنگ‌شناسی
اخ۳ سنگ‌نگاری
اخ۳ صخره‌شناسی
اخ۲ کانی‌شناسی
اخ۳ کان‌شناسی تجربی
اخ۳ کانی‌شناسی زیرآبی
اخ۲ هواشناسی
اخ۳ آب‌وهواشناسی
اخ۱ فیزیک
اخ۲ اخترفیزیک
اخ۲ الکترواستاتیک
اخ۲ زمین‌فیزیک
اخ۳ زمین‌سنجی
اخ۳ زمین‌فیزیک زیردریایی
اخ۳ لرزه‌شناسی
اخ۲ صوت‌شناسی
اخ۳ صوت‌شناسی جوی
اخ۳ صوت‌شناسی ریزموجی
اخ۳ صوت‌شناسی زیرآبی
اخ۳ صوت‌شناسی ساختمانی
اخ۳ صوت‌شناسی شنیداری
اخ۳ فراصوت‌شناسی
اخ۲ فیزیک اتمی
اخ۲ فیزیک انرژی بالا
اخ۲ فیزیک حالت جامد
اخ۲ فیزیک مولکولی
اخ۲ فیزیک هسته‌ای
اخ۲ مغناطیس‌شناسی ساکن
اخ۲ نظریه پلاسما
اخ۲ نظریه کوانتومی
اخ۲ نظریه لیزری
اخ۲ نظریه میدان الکترومغناطیسی
اخ۲ نورشناسی
اخ۳ اکروی
اخ۳ دیده‌وری کوانتمی
اخ۳ رنگ‌پذیر
اخ۳ نورشناسی آماری
اخ۳ نورشناسی تارها
اخ۳ نورشناسی تطبیقی
اخ۳ نورشناسی جوی
اخ۳ نورشناسی ذره‌ای
اخ۳ نورشناسی صنعتی
اخ۳ نورشناسی غیرخطی
اخ۳ نورشناسی فضایی
اخ۳ نورشناسی فوریه
اخ۳ نورشناسی لیزری
اخ۳ نورشناسی مجتمع
اخ۳ نورشناسی هندسی
او پزشکی
او پژوهش
او محاسبه علوم طبیعی
ان *Natural sciences*

عمر خستگی
ب‌ک خستگی مصالح

عمر مفید
او ازدیاد عمر تاسیسات
او توزیع ویبول
او عملکرد
او قابلیت اطمینان
ان *Service life*

عمق‌یاب
ب‌ک نشانگر عمق

عمل‌آوری الکترواستاتیکی کان‌سنگ
اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
او الکترواستاتیک
ان *Electrostatic ore treatment*

عمل‌آوری پسمانده صنعتی
اع۱ بهسازی پسمانده
اخ۱ تصفیه مواد خروجی
او بهسازی پساب
او پسمانده صنعتی
او دفع پسمانده
ان *Industrial waste treatment*

عمل‌آوری پنبه نسوز
اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
او پنبه نسوز
ان *Asbestos ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ
ب‌ج *کانه‌آرایی*
اع۱ تولید
اخ۱ احیای کان‌سنگ
اخ۲ احیای کان‌سنگ آهن
اخ۱ پرعیارسازی
اخ۱ تشویه کانی
اخ۱ تصفیه کان‌سنگ آهن
اخ۲ عمل کوره بلند
اخ۳ بستر مذاب(متالورژی)
اخ۳ غنی‌سازی فشاری
اخ۱ عمل‌آوری الکترواستاتیکی کان‌سنگ
اخ۱ عمل‌آوری پنبه نسوز
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ بریلیم
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ آنتیموان
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ اورانیم
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ بوکسیت
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ بیسموت
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ پتاس
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ پلاتین
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ تانتال
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ تنگستن
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ تیتانیم
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ ایلمنیت
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ روی
اخ۲ روی‌گدازی
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ روی و سرب و مس
اخ۲ عمل‌آوری مس و روی
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ زیرکونیم
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ سرب
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ مس و سرب
اخ۳ عمل‌آوری کان‌سنگ روی و سرب و مس
اخ۲ گداز سرب
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ سریم
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ طلا
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ فسفات
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ قلع
اخ۲ گداز قلع
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ کادمیم
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ کبالت
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ کروم
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ مس
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ مس و روی
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ مس و سرب
اخ۳ عمل‌آوری کان‌سنگ روی و سرب و مس
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ مس و مولیبدن
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ مس و نیکل
اخ۲ گداز مس
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ منگنز
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ منیزیت
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ مولیبدن
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ مس و مولیبدن
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ نقره
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ نیکل
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ مس و نیکل
اخ۲ گداز نیکل
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ نیوبیم
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ وانادیم
اخ۱ فرایند بستر سیال
اخ۱ کلوخه‌سازی معدنی
اخ۱ گداز
اخ۲ روی‌گدازی
اخ۲ گداز سرب
اخ۲ گداز قلع
اخ۲ گداز مس
اخ۲ گداز نیکل
او احیای برق‌کافتی
او پالایش فلز

او پسمانده کان‌سنگ
او جداسازی نیمه‌سنگین
او خیساندن
او رده‌بند
او سنگ‌شکنی
او شناورسازی
او کنترل غبار شیمیایی
او کوره متالورژی
او متالورژی استخراجی
او معدن‌کاری
ان *Ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ بریلیم

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
او بریلیم
او متالورژی بریلیم
ان *Beryllium ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ آنتیموان

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
او آنتیموان
او متالورژی آنتیموان
ان *Antimony ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ اورانیم

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
او اورانیم
او متالورژی اورانیم
ان *Uranium ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ ایلمنیت

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ تیتانیم
اع۲ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۳ تولید
او ایلمنیت
ان *Ilmenite ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ بوکسیت

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
او آلومینیوم
او متالورژی آلومینیوم
ان *Bauxite ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ بیسموت

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
او بیسموت
او متالورژی بیسموت
ان *Bismuth ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ پتاس

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
او پتاس
او پتاسیم
ان *Potash ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ پلاتین

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
او پلاتین
ان *Platinum ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ تانتال

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
او تانتال
ان *Tantalum ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ تنگستن

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
او تنگستن
او متالورژی تنگستن
ان *Tungsten ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ تیتانیم

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ ایلمنیت
او تیتانیم
او متالورژی تیتانیم
ان *Titanium ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ روی

اع۱	عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲	تولید
اخ۱	روی‌گدازی
اخ۱	عمل‌آوری کان‌سنگ روی و سرب و مس
اخ۱	عمل‌آوری مس و روی
او	روی
او	متالورژی روی
ان	*Zinc ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ روی و سرب و مس

اع۱	عمل‌آوری کان‌سنگ روی
اع۲	عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۳	تولید
اع۱	عمل‌آوری کان‌سنگ مس و سرب
اع۲	عمل‌آوری کان‌سنگ سرب
اع۳	عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲	عمل‌آوری کان‌سنگ مس
اع۳	عمل‌آوری کان‌سنگ
ان	*Copper lead zinc ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ زیرکونیم

اع۱	عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲	تولید
او	زیرکونیم
او	متالورژی زیرکونیم
ان	*Zirconium ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ سرب

اع۱	عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲	تولید
اخ۱	عمل‌آوری کان‌سنگ مس و سرب
اخ۲	عمل‌آوری کان‌سنگ روی و سرب و مس
اخ۱	گداز سرب
او	خیساندن
او	سرب
او	متالورژی سرب
ان	*Lead ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ سریم

اع۱	عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲	تولید
او	سریم
ان	*Cerium ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ طلا

اع۱	عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲	تولید
او	طلا
او	فلزکاری طلا
ان	*Gold ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ فسفات

اع۱	عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲	تولید
او	فسفات
او	فسفر
او	کانی فسفاتی
ان	*Phosphate ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ قلع

اع۱	عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲	تولید
اخ۱	گداز قلع
او	قلع
او	متالورژی قلع
ان	*Tin ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ کادمیم

اع۱	عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲	تولید
او	کادمیم
او	متالورژی کادمیم
ان	*Cadmium ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ کبالت

اع۱	عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲	تولید
او	کبالت
او	متالورژی کبالت
ان	*Cobalt ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ کروم

اع۱	عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲	تولید
او	کروم
او	کرومیت
او	متالورژی کروم
ان	*Chromium ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ مس

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ مس و روی
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ مس و سرب
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ روی و سرب و مس
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ مس و مولیبدن
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ مس و نیکل
اخ۱ گداز مس
او متالورژی مس
او مس
ان *Copper ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ مس و روی

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ مس
اع۲ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۳ تولید
ان *Copper zinc ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ مس و سرب

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ سرب
اع۲ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۳ تولید
اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ مس
اع۲ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۳ تولید
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ روی و سرب و مس
ان *Copper lead ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ مس و مولیبدن

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ مس
اع۲ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۳ تولید
اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ مولیبدن
اع۲ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۳ تولید
ان *Copper molybdenum ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ مس و نیکل

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ مس
اع۲ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۳ تولید
اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ نیکل
اع۲ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۳ تولید
ان *Copper nickel ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ منگنز

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
او متالورژی منگنز
او منگنز
ان *Manganese ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ منیزیت

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
اع۱ منیزیم
اع۲ فلز قلیایی خاکی
اع۳ فلز غیرآهنی
او متالورژی منیزیم
او منیزیت
او منیزیم
ان *Magnesite ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ مولیبدن

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ مس و مولیبدن
او متالورژی مولیبدن
او مولیبدن
ان *Molybdenum ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ نقره

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
او متالورژی نقره
او نقره
ان *Silver ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ نیکل

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ مس و نیکل
اخ۱ گداز نیکل
او متالورژی نیکل
او نیکل
ان *Nickel ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ نیوبیم
اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
او متالورژی نیوبیم
او نیوبیم
ان *Niobium ore treatment*

عمل‌آوری کان‌سنگ وانادیم
اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
او متالورژی وانادیم
او وانادیم
ان *Vanadium ore treatment*

عمل‌آوری مس و روی
اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ روی
اع۲ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۳ تولید
ان *Copper zinc ore treatment*

عمل‌آوری مواد غذایی
اخ۱ کنسروسازی
اخ۱ نگهداری مواد غذایی
او آشپزخانه
او انجماد
او ذخیره مواد غذایی
او سترون‌سازی(تمیزکاری)
او فراورده غذایی
او قندسازی
او گرمایش
او واحد صنعتی فراورده غذایی
ان *Food processing*

عملکرد
او ارزشیابی
او آزمایش
او استاندارد
او اقتصاد سوخت
او بهره‌دهی
او تضمین کیفیت
او دسترسی
او دوام
او زمان پاسخ(سیستم رایانه)
او عمر مفید
او قابلیت اطمینان
او کنترل کیفیت
او کیفیت سواری
او مشخصات
او مصرف سوخت
او نظریه صف
او نگهداشت
او نگهداشت‌پذیری
ان *Performance*

عملکرد دمای بالا
او ابررسانای دمای بالا
او اثر دمای بالا
او آزمایش دمای بالا
او دما
او کاربرد دمای بالا
او مهندسی دمای بالا
او واکنشگاه دمای بالا
ان *High temperature operation*

عملکرد واکنشگاه هسته‌ای
ب‌ک عمل واکنشگاه

عمل کوره بلند
اع۱ تصفیه کان‌سنگ آهن
اع۲ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۳ تولید
اخ۱ بستر مذاب(متالورژی)
اخ۱ غنی‌سازی فشاری
او تخلیه فلز مذاب(کوره)
او تزریق سوخت
او سرباره
او کوره بلند
ان *Blast furnace practice*

عملگر ریاضی
اع۱ فن ریاضی
ان *Mathematical operator*

عمل واکنشگاه
ب‌ج *عملکرد واکنشگاه هسته‌ای*
اخ۱ تجدید سوخت واکنشگاه
اخ۱ راه‌اندازی واکنشگاه
او خاموشی واکنشگاه
او سوخت هسته‌ای

او واکنشگاه هسته‌ای
ان *Reactor operation*

عملیات ترمومکانیکی

اع۱ شکل‌دهی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
اع۱ عملیات حرارتی
ان *Thermomechanical treatment*

عملیات چگالش

ب‌ج *عملیات چگالش بخار*
او تصفیه آب
او چگالش بخار
ان *Condensate treatment*

عملیات چگالش بخار
ب‌ک عملیات چگالش

عملیات حرارتی

اع۱ آبدهی
اع۱ بازبلورش(متالورژی)
اع۱ بازپخت
اع۱ بوردهی
اع۱ تابکاری
اع۱ سخت‌سازی زمانی
اع۱ سخت‌کاری سطحی
اع۲ سیانورکاری
اع۲ کربن‌دهی
اع۱ سخت‌گردانی جرقه‌ای
اع۱ سخت‌گردانی شعله‌ای
اع۱ عملیات ترمومکانیکی
اع۱ عملیات حرارتی الکتریکی
اع۱ عملیات حرارتی فولاد
اع۱ کربن‌دهی
اع۱ کربن‌گیری
اع۱ کلوخه‌سازی
اع۲ کلوخه‌سازی معدنی
اع۱ نیتروژن‌دهی
او ابرسیری
او تنش‌زدایی
او جو محافظ
او جوش
او زمان‌دهی مصالح
او سخت‌گردانی
او کوره عملیات حرارتی
او متالورژی
او مقاوم‌سازی(فلز)
او هسته‌بندی
او واهلش تنش
ان *Heat treatment*

عملیات حرارتی الکتریکی

اع۱ عملیات حرارتی
ان *Electric heat treatment*

عملیات حرارتی فولاد

اع۱ عملیات حرارتی
او آبدهی
او سخت‌کاری سطحی
او سخت‌گردانی جرقه‌ای
ان *Steel heat treatment*

عملیات زمینی

اع۱ عملیات نظامی
او هواپیمایی نظامی
ان *Ground operation*

عملیات سطحی

اع۱ پرداخت
اع۲ پرداخت شیمیایی
اع۲ پرداخت برق‌کافتی
اع۲ صیقل‌کاری
اع۱ حکاکی(با اسید)
اع۲ حکاکی پلاسمایی
اع۲ حکاکی خشک
اع۲ حکاکی یونی واکنش‌پذیر
اع۱ گالوانیزه‌کاری
او آبکاری
او اندود
او پدیده سطحی
او پرداخت فلز
او تکمیل
او تمیزکاری
او فن اندایش
او متالورژی
او نیتروژن‌دهی
ان *Surface treatment*

عملیات شیمیایی

اخ۱ آمیختگی
اخ۲ آلیاژسازی مکانیکی
اخ۲ بتن‌سازی
اخ۲ مخلوط سازی
اخ۱ آمیزه‌کاری(شیمیایی)
اخ۲ آمیزه‌کاری لاستیک
اخ۱ امولسیون‌سازی
اخ۱ انحلال
اخ۱ اوزون‌سازی
اخ۱ تغییر شیمیایی
اخ۱ تکلیس
اخ۱ جداسازی
اخ۲ آب‌زدایی
اخ۲ استخراج
اخ۳ استخراج با حلال
اخ۲ استخراج نمک
اخ۳ نمک‌زدایی
اخ۲ امولسیون‌شکنی
اخ۲ پالیدن
اخ۳ پالیدن آب
اخ۳ پالیدن چکنده
اخ۳ فراپالیدن
اخ۲ تقطیر
اخ۲ تقطیر جزء به جزء
اخ۲ ته‌نشینی(شیمیایی)
اخ۲ جداسازی ابعادی
اخ۳ غربال‌کنی
اخ۲ جداسازی شیمیایی(تصفیه آب)
اخ۳ آهن‌زدایی(تصفیه آب)
اخ۳ جداسازی ایزوتوپ پرتوزا(تصفیه آب)
اخ۳ جداسازی سولفید هیدروژن(تصفیه آب)
اخ۳ سرب‌زدایی(تصفیه آب)
اخ۳ منگنززدایی(تصفیه آب)
اخ۲ جداسازی فاز
اخ۲ جداسازی مغناطیسی
اخ۲ جداسازی نیمه‌سنگین
اخ۲ دیالیز
اخ۳ تراکافت الکتریکی
اخ۲ زلال‌سازی
اخ۲ شناورسازی
اخ۳ شناورسازی در کف
اخ۲ غلظت(فرایند)
اخ۲ گاززدایی
اخ۲ مرکزگریزانی
اخ۲ موم‌زدایی
اخ۱ خیساندن
اخ۱ دلمه‌شدگی
اخ۱ ژله‌شدن
اخ۱ سیال‌سازی
اخ۱ گردایش
اخ۲ انعقاد
اخ۱ گندله‌سازی
اخ۱ گوگردزدایی
اخ۱ نفوذ
اخ۲ جذب
اخ۳ جذب آب
اخ۳ جذب گاز
اخ۲ جذب سطحی
اخ۳ جذب سطحی گاز
اخ۲ جذب شیمیایی
اخ۲ واجذبی
او بهسازی شیمیایی مصنوع نباتی
او تبلور
او تجهیزات گرمایش
او خشک‌سازی
او شیمی
او کنترل متغیر شیمیایی
او مهندسی شیمی
ان *Chemical operation*

عملیات فرودمایی

اخ۱ تقطیر تخریبی زغال در دمای پایین
اخ۱ خشک‌کردن در دمای پایین
او اثر فرودمایی
او آزمایش حرارت پایین
او پدیده فرودما
او سرمایش‌شناسی
او مهندسی فرودمایی
ان *Low temperature operation*

عملیات نظامی

ب‌ج جنگ
اخ۱ ارتباطات نظامی
اخ۱ بمباران
اخ۱ تدارک‌رسانی نظامی
اخ۱ تهیه نقشه نظامی
اخ۱ جنگ الکترونیکی
اخ۲ پادسنجش الکترونیکی نظامی
اخ۳ پادسنجش راداری
اخ۲ تولید پارازیت

اخ۱ جنگ دریایی
اخ۱ جنگ شیمیایی
اخ۱ داده‌پردازی نظامی
اخ۱ عکاسی نظامی
اخ۱ عملیات زمینی
اخ۱ هواپیمایی نظامی
او پایگاه دریایی
او پایگاه موشکی
او پایگاه نظامی
او پنهان‌کردن تجهیزات جنگی
او تجهیزات ساخت نظامی
او تجهیزات نظامی
او دفاع غیرنظامی
او زمین‌شناسی نظامی
او کاربرد نظامی
او مراقبت فضایی
او مصالح راهبردی
او مصنوع نساجی نظامی
او مهندسی نظامی
او نگهداری کشتی جنگی
او نیروگاه نظامی
ان *Military operations*

عنصر آستانه‌ای

اع۱ ابزار منطقی
اع۲ تجهیزات
او منطق آستانه‌ای
ان *Threshold element*

عنصر آلیاژی

اع۱ عنصر شیمیایی
او اضافات خاک کمیاب
او آلیاژ
او آلیاژسازی
او فروآلیاژ
ان *Alloying element*

عنصر پرتوزا

اع۱ عنصر شیمیایی
اع۱ مواد پرتوزا
اع۲ مواد
اخ۱ آکتینید
اخ۲ آکتینیم
اخ۲ اورانیم
اخ۲ پروتاکتینیم
اخ۲ توریم
اخ۲ عنصر فراورانیوم
اخ۳ آمریکیم
اخ۳ اینشتینیم
اخ۳ برکلیم
اخ۳ پلوتونیم
اخ۳ فرمیوم
اخ۳ کالیفرنیم
اخ۳ کورچاتوویم
اخ۳ کوریم
اخ۳ لورنسیم
اخ۳ مندلویم
اخ۳ نپتونیم
اخ۳ نوبلیم
اخ۱ استاتین
اخ۱ استرونسیم
اخ۱ رادون
اخ۱ رادیم
ان *Radioactive element*

عنصر خاکی کمیاب

ب‌ج *لانتانید*
اع۱ فلز غیرآهنی
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اخ۱ اربیم
اخ۱ اروپیم
اخ۱ ایتربیم
اخ۱ پرازئودیمیم
اخ۱ پرومتیم
اخ۱ تربیم
اخ۱ تولیم
اخ۱ دیسپروزیم
اخ۱ ساماریم
اخ۱ سریم
اخ۱ گادولینیم
اخ۱ لانتان
اخ۱ لوتتیم
اخ۱ نئودیمیم
اخ۱ هولمیم
او اضافات خاک کمیاب
او آلیاژ خاک کمیاب
او ترکیبات خاک کمیاب
او مونازیت
ان *Rare earth element*

عنصر سوخت هسته‌ای

ب‌ج عنصر سوختی *واکنشگاه*
اع۱ سوخت هسته‌ای
اع۲ سوخت
اع۳ مواد
اع۲ منبع انرژی
او هسته واکنشگاه
او واکنشگاه هسته‌ای
ان *Nuclear fuel element*

عنصر سوختی *واکنشگاه*
ب‌ک عنصر سوخت هسته‌ای

عنصر شیمیایی

اخ۱ عنصر آلیاژی
اخ۱ عنصر پرتوزا
اخ۲ آکتینید
اخ۳ آکتینیم
اخ۳ اورانیم
اخ۳ پروتاکتینیم
اخ۳ توریم
اخ۳ عنصر فرااورانیوم
اخ۲ استاتین
اخ۲ استرونسیم
اخ۲ رادون
اخ۲ رادیم
اخ۱ عنصر کم‌مقدار
اخ۱ فلز
اخ۲ فلز غیرآهنی
اخ۳ آکتینید
اخ۳ اسکاندیم
اخ۳ ایتریم
اخ۳ ایندیم
اخ۳ تانتال
اخ۳ تکنسیم
اخ۳ روی
اخ۳ زیرکونیم
اخ۳ عنصر خاکی کمیاب
اخ۳ فلز سبک
اخ۳ فلز سنگین
اخ۳ فلز قلیایی
اخ۳ فلز قلیایی خاکی
اخ۳ فلز گرانبها
اخ۳ گالیم
اخ۳ منگنز
اخ۳ مولیبدن
اخ۳ نیکل
اخ۳ نیوبیم
اخ۳ هافنیم
اخ۲ فلز واسطه
اخ۳ آهن
اخ۳ اسکاندیم
اخ۳ ایتریم
اخ۳ تکنسیم
اخ۳ تیتانیم
اخ۳ جیوه(فلز)
اخ۳ روی
اخ۳ زیرکونیم
اخ۳ فلز دیرگداز
اخ۳ فلز گرانبها
اخ۳ کادمیم
اخ۳ کبالت
اخ۳ مس
اخ۳ منگنز
اخ۳ نیکل
اخ۳ هافنیم
اخ۱ نافلز
اخ۲ اکسیژن
اخ۳ اوزون
اخ۲ سلنیم
اخ۳ سلنیم نیم‌رسانا
اخ۲ شبه فلز
اخ۳ آرسنیک
اخ۳ بور
اخ۳ پولونیم
اخ۳ تلوریم
اخ۳ ژرمانیم
اخ۳ سیلیسیم
اخ۲ عنصر هالوژنی
اخ۳ استاتین
اخ۳ برم
اخ۳ فلئور
اخ۳ کلر
اخ۳ ید
اخ۲ فسفر
اخ۲ کربن
اخ۳ الماس
اخ۳ الیاف کربنی
اخ۳ دوده کربنی
اخ۳ زغال چوب
اخ۳ کربن فعال‌شده

اخ۳ گرافیت
اخ۲ گاز بی‌اثر
اخ۳ آرگون
اخ۳ رادون
اخ۳ زنون
اخ۳ کریپتون
اخ۳ نئون
اخ۳ هلیم
اخ۲ گوگرد
اخ۲ نیتروژن
اخ۲ هیدروژن
ان *Chemical element*

عنصر فرااورانیوم

اع۱ آکتینید
اع۲ عنصر پرتوزا
اع۳ عنصر شیمیایی
اع۳ مواد پرتوزا
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
اخ۱ آمریکیم
اخ۱ اینشتینیم
اخ۱ برکلیم
اخ۱ پلوتونیم
اخ۱ فرمیوم
اخ۱ کالیفرنیم
اخ۱ کورچاتوویم
اخ۱ کوریم
اخ۱ لورنسیم
اخ۱ مندلویم
اخ۱ نپتونیم
اخ۱ نوبلیم
ان *Transuranium element*

عنصر کم‌مقدار

اع۱ عنصر شیمیایی
ان *Trace element*

عنصر گرمایش

ب‌ک المنت گرمایش الکتریکی

عنصر مدار منطقی

ب‌ک ابزار منطقی

عنصر نوری

ب‌ک ابزار نوری

عنصر نوری تمام‌نگاری

اع۱ ابزار نوری
اع۲ تجهیزات
او تمام‌نگاری
او هم‌پیوند نوری
ان *Holographic optical element*

عنصر هالوژنی

اع۱ نافلز
اع۲ عنصر شیمیایی
اخ۱ استاتین
اخ۱ برم
اخ۱ فلئور
اخ۱ کلر
اخ۱ ید
او ترکیبات هالوژنی
او کانی هالید
او کانی هالیدی
او هالوژن‌دارکردن
او هالوژن‌زدایی
ان *Halogen element*

عیار

اع۱ تجزیه شیمیایی
اع۲ تجزیه و تحلیل
اخ۱ سنجش زیستی
او نمونه‌برداری
ان *Assay*

عیب(الکتریکی)

ب‌ک جریان معیوب الکتریکی

عینک

اع۱ کمک‌بینایی
اع۲ کمک‌حسی
اع۳ تجهیزات زیست‌پزشکی
او عینک ایمنی
ان *Eyeglasses*

عینک ایمنی

اع۱ ابزار ایمنی
اع۲ تجهیزات

او حفاظت چشم
او شیشه ایمنی
او عینک
ان *Goggle*

غار
اع۱ زمین‌چهر
او فرونشینی
ان *Cave*

غبار اتمی
ج *ریزش پرتوزا*
او آلودگی هوا
او آلوده‌شدن
او انفجار هسته‌ای
او حادثه
او هوامیز
ان *Fallout*

غبار معدن
اع۱ گرد و غبار
اع۲ مواد
او آلودگی هوا
او انفجار معدن
او خطر
او خطر بهداشتی
او کنترل گرد و غبار
او گردگیر
او معدن
او معدن‌کاری
ان *Mine dust*

غذای سنتزی
اع۱ فراورده غذایی
اخ۱ جانشین قند
ان *Synthetic food*

غربال(دانه‌بندی)
اع۱ رده‌بند
اع۲ جداساز
اع۳ تجهیزات
اخ۱ غربال لرزشی
او الک
او تحلیل درشتی ذره
او توری سیمی
او فراورده سیمی
ان *Screen (sizing)*

غربال‌کنی
ج *سرند کردن*
اع۱ جداسازی ابعادی
اع۲ جداسازی
اع۳ عملیات شیمیایی
ان *Screening*

غربال لرزشی
اع۱ غربال(دانه‌بندی)
اع۲ رده‌بند
اع۳ جداساز
او ارتعاشگر
ان *Vibrating screen*

غشاء
اع۱ مواد
اخ۱ پوسته رشته‌ای
اخ۱ غشای بسپاری
اخ۱ غشای تبادل یونی
اخ۱ غشای تراوای گاز
اخ۲ غشای تراوای اکسیژن
اخ۱ غشای دوورقه‌ای
اخ۱ غشای دیالیز
اخ۱ غشای زیست‌شناختی
اخ۲ غشای یاخته
اخ۱ غشای گذرندگی
اخ۱ غشای مایع
اخ۱ غشای نفوذگزین
اخ۱ غشای نورساخت
اخ۱ غشای یون‌گزین
او پخشیدگی
ان *Membrane*

غشای بسپاری
اع۱ غشاء
اع۲ مواد
او الکترود غشای بسپاری
ان *Polymeric membrane*

غشای تبادل یونی

اع۱ تبادلگر یونی
اع۲ جداساز
اع۳ تجهیزات
اع۱ غشاء
اع۲ مواد
او تبادل یونی
ان *Ion exchange membrane*

غشای تراوای اکسیژن
اع۱ غشای تراوای گاز
اع۲ غشاء
اع۳ مواد
ان *Oxygen permeable membrane*

غشای تراوای گاز
اع۱ غشاء
اع۲ مواد
اخ۱ غشای تراوای اکسیژن
ان *Gas permeable membrane*

غشای دوورقه‌ای
اع۱ غشاء
اع۲ مواد
او چندلا
ان *Bilaminate membrane*

غشای دیالیز
اع۱ غشاء
اع۲ مواد
او دیالیز
ان *Dialysis membrane*

غشای زیست‌شناختی
اع۱ غشاء
اع۲ مواد
اع۱ مواد زیست‌شناختی
اع۲ مواد
اخ۱ غشای یاخته
ان *Biological membrane*

غشای گذرندگی
اع۱ غشاء
اع۲ مواد
او گذرندگی
ان *Osmosis membrane*

غشای مایع
اع۱ غشاء
اع۲ مواد
او الکترود غشای مایع
ان *Liquid membrane*

غشای نفوذگزین
اع۱ غشاء
اع۲ مواد
او مولکول
ان *Permselective membrane*

غشای نورساخت
اع۱ غشاء
اع۲ مواد
او نورساخت
ان *Photosynthetic membrane*

غشای یاخته
اع۱ غشای زیست‌شناختی
اع۲ غشاء
اع۳ مواد
اع۲ مواد زیست‌شناختی
اع۳ مواد
اع۱ یاخته
اع۲ مواد زیست‌شناختی
اع۳ مواد
ان *Cell membrane*

غشای یون‌گزین
اع۱ غشاء
اع۲ مواد
او یون
ان *Ion selective membrane*

غضروف
اع۱ بافت(زیست‌شناختی)
اع۲ مواد زیست‌شناختی
اع۳ مواد
اع۱ دستگاه عضلانی‌اسکلتی
ان *Cartilage*

غلاف کابل

او حفاظ کابل
او کابل الکتریکی
او لوله حفاظ الکتریکی
ان *Cable sheathing*

غلتش

اع۱ شکل‌دهی فلز
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
اخ۱ نوردکاری پیچی
او آهنگری
او تاب‌گیری
او دستگاه نورد
او روزن‌رانی
او روکش فلز
او فرایند دستگاه نورد
ان *Rolling*

غلتک

اع۱ ماشین‌آلات
او غلتک‌زنی
او ماشین‌آلات پلاستیک
او ماشین‌آلات کاغذسازی
ان *Calender*

غلتک(اجزای ماشین)

اع۱ اجزای ماشین
اع۲ اجزا
اع۲ ماشین‌آلات
او پرداخت فلز
او نورد(اجزای ماشین)
ان *Roller (machine components)*

غلتک(ماشین‌آلات راه‌سازی)

اع۱ ماشین‌آلات راه‌سازی
اع۲ تجهیزات ساخت
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
ان *Roller (roadbuilding machinery)*

غلتک‌زنی

اع۱ تکمیل
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
او پرس‌کاری(شکل‌دهی)
او غلتک
او کاغذسازی
او ماشین‌آلات پلاستیک
ان *Calendering*

غلظت(فرایند)

اع۱ جداسازی
اع۲ عملیات شیمیایی
او آب‌زدایی
او استخراج
او تبخیر
او تبلور
او تراوش(سیال)
او جذب سطحی
او دلمه‌شدگی
او گردایش
ان *Concentration (process)*

غلظت حامل

پ‌ج *چگالی الکترونی*
پ‌ج *چگالی حامل*
او مواد نیم‌رسانا
ان *Carrier concentration*

غلظت حدی میسلی

او کلوئید
او میسل
ان *Critical micelle concentration*

غنی‌سازی فشاری

اع۱ عمل کوره بلند
اع۲ تصفیه کان‌سنگ آهن
اع۳ عمل‌آوری کان‌سنگ
ان *Blast enrichment*

غنی‌سازی فشاری اکسیژن

او احتراق
او تزریق سوخت
او فرایند کوپل
او کنترل دما
او کوره بلند
ان *Oxygen blast enrichment*

فارماکودینامیک

اخ۱ برهم‌کنش دارویی
اخ۱ فارماکوکینتیک
او دارودرمانی
ان *Pharmacodynamics*

فارماکوکینتیک

اع۱ فارماکودینامیک
او دارودرمانی
ان *Pharmacokinetics*

فازسنج

ب‌ج *زاویه فازسنج*
اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او انتقال فاز
او اندازه‌گیری فاز
او مقایسه‌گر فاز
او نشانگر توالی فاز
ان *Phase meter*

فاز فلزنگاری

اخ۱ آستنیت
اخ۱ باینیت
اخ۱ پرلیت
اخ۱ مارتنزیت
ان *Metallographic phase*

فاژ

ب‌ک باکتری‌خوار

فاصله‌بندی چاه

او بهره‌برداری از چاه گاز طبیعی
او بهره‌برداری از چاه نفت
او چاه
او چاه گاز طبیعی
او چاه نفتی
ان *Well spacing*

فاصله‌ی آزاد پل

او پل
ان *Bridge clearance*

فاضلاب

اع۱ زباله
اخ۱ لجن فاضلاب
او باکتری‌شناسی فاضلاب
او پسمانده صنعتی
او تاسیسات تلمبه‌زنی فاضلاب
او تجزیه فاضلاب
او تصفیه فاضلاب
او کمپوست‌کردن
او لاگون فاضلاب
او مخزن فاضلاب
او مواد خروجی
او هوادهی فاضلاب
ان *Sewage*

فاضلاب‌رو

اع۱ تسهیلات
اخ۱ آستره فاضلاب‌رو
اخ۱ تونل فاضلاب‌رو
اخ۱ فاضلاب‌روی بهداشتی
اخ۱ فاضلاب‌روی رگباری
اخ۱ فاضلاب‌روی مختلط
او برنامه‌ریزی شهری
او خدمات عمومی
او دفع پسمانده
او دفع زباله
او زه‌کشی
او مخزن پلشتی
ان *Sewer*

فاضلاب‌روی بهداشتی

اع۱ فاضلاب‌رو
اع۲ تسهیلات
او فاضلاب‌روی مختلط
ان *Sanitary sewer*

فاضلاب‌روی رگباری

اع۱ فاضلاب‌رو
اع۲ تسهیلات
او باران
او توفان
او رواناب
او زه‌کشی

او فاضلاب‌روی مختلط
ان *Storm sewer*

فاضلاب‌روی مختلط
ی‌د سیستمی که هم رواناب و هم فاضلاب را می‌گیرد.
اع۱ فاضلاب‌رو
اع۲ تسهیلات
او باران
او توفان
او رواناب
او زه‌کشی
او فاضلاب‌روی بهداشتی
او فاضلاب‌روی رگباری
ان *Combined sewer*

فام‌سنج
ب‌ک رنگ‌سنج

فانوس دریایی
اع۱ ساختمان
اع۲ سازه
ان *Lighthouse*

فانوسه
اع۱ اجزا
ان *Bellow*

فتوسنتز
ب‌ک نورساخت

فتوکپی رنگی
اع۱ کپی‌برداری نوری
اع۲ کپی‌برداری
او رنگ(فام)
ان *Color photocopying*

فتوگرامتری
ب‌ج *بررسی تصویری هوایی*
اع۱ فتوگرامتری زیرآبی
او بررسی
او تحویل داده‌ها
او تصویرسازی مادون قرمز
او تفسیر نوری
او تهیه نقشه
او دوربین
او دوردریافتگری
او زمین‌سنجی
او زمین‌فیزیک
او عکسبرداری هوایی
او مراقبت فضایی
او نقشه‌برداری
ان *Photogrammetry*

فتوگرامتری زیرآبی
اع۱ فتوگرامتری
ان *Underwater photogrammetry*

فراپالیدن
اع۱ پالیدن
اع۲ جداسازی
اع۳ عملیات شیمیایی
او پالایه(برای سیال)
ان *Ultrafiltration*

فرازسنج بارومتری
ب‌ک ارتفاع‌سنج بی‌مایع

فراصوت‌شناسی
اع۱ صوت‌شناسی
اع۲ فیزیک
اع۳ علوم طبیعی
او ابزار فراصوتی
او اثر صوتی‌نوری
او اثر فراصوتی
او تجهیزات فراصوتی
او کاربرد فراصوتی
او موج شوکی
او موج فراصوتی
ان *Ultrasonics*

فرانسیم
اع۱ فلز قلیایی
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
ان *Francium*

فراوردن شیشه
اع۱ ساختن

اع۲ تولید
او تابکاری
او شیشه
او صنعت شیشه
او قالب
او کارخانه شیشه
او کدرساز
او کوره شیشه
او ماشین شکل‌دهی شیشه
ان *Glass manufacture*

فراورده آبکاری الکتریکی
او آبکاری الکتریکی
ان *Electroplated product*

فراورده اسفنجی
او پلاستیک اسفنجی
او لاستیک اسفنجی
او مصالح عایق‌کاری دمایی
ان *Foamed product*

فراورده بتنی
اخ۱ بلوک بتنی
اخ۱ تیر و شاه‌تیر بتنی
اخ۱ دال بتنی
اخ۱ لوله بتنی
او بام پوشیده‌شده با بتن
او بتن
او جاده بتنی
او فولادگذاری بتن
ان *Concrete product*

فراورده تشخیصی
او تشخیص(پزشکی)
او مراقبت بهداشتی
ان *Diagnostic product*

فراورده جانبی زغال
اع۱ فراورده جنبی
اع۲ مواد
اخ۱ خاکستر زغال
او زغال‌سنگ
ان *Coal byproducts*

فراورده جنبی
اع۱ مواد
اخ۱ فراورده جانبی زغال
اخ۲ خاکستر زغال
او واحد صنعتی
ان *Byproduct*

فراورده چوبی
اخ۱ الوار
اخ۱ بارگنج چوبی
اخ۱ تخته خرده‌چوب
اخ۱ تربانتین
اخ۱ چندلای چوبی
اخ۲ تخته چندلا
اخ۱ حصار چوبی
اخ۱ زغال چوب
اخ۱ کف چوبی
او اتصال چسبنده
او پسمانده چوبی
او چسب‌زنی
او چوب
او روکش دیواره
او مواد شیمیایی چوب
او نجاری
او نگهداری چوب
ان *Wood product*

فراورده دارویی
اخ۱ پادزی
اخ۱ داروی بیهوشی
اخ۱ داروی یونی
اخ۱ واکسن
اخ۱ ویتامین
او دارودرمانی
او واحد صنعتی فراورده دارویی
ان *Drug product*

فراورده رسی
اخ۱ لوله رسی
او رس
ان *Clay product*

فراورده سرامیکی
بج *ظرف چینی*
اخ۱ ابزار سرامیکی

اخ۲ ابزار تراشکاری سرامیک
اخ۱ خازن سرامیکی
اخ۱ قالب سرامیک
او ابزار دی‌الکتریک
او اندود سرامیکی
او شیشه
او کاشی
او لعاب
او مواد سرامیکی
ان *Ceramic product*

فراورده سنگی

او پارسنگ(ریل راه‌آهن)
او کارخانه فراورده سنگی
ان *Rock product*

فراورده سیمی

اخ۱ بافه
اخ۲ بافه پل
اخ۲ طناب سیمی
اخ۲ طناب کشتی
اخ۲ کابل الکتریکی
اخ۳ کابل ابررسانشی
اخ۳ کابل احتراق
اخ۳ کابل تخت
اخ۳ کابل روغنی
اخ۳ کابل زیردریایی
اخ۳ کابل زیرزمینی
اخ۳ کابل گازی
اخ۳ کابل مخابراتی
اخ۲ کابل بالابر
اخ۲ کابل لنگر
اخ۲ هسته کابل
اخ۱ پلاستیک تقویت‌شده سیمی
اخ۱ توری سیمی
اخ۱ سیم تلفن
او سیم
او غربال(دانه‌بندی)
او فنر(اجزا)
او نورد سیم‌سازی
ان *Wire product*

فراورده غذایی

اخ۱ افزودنی مواد غذایی
اخ۲ مزه
اخ۲ نگهدارنده مواد غذایی
اخ۱ غذای سنتزی
اخ۲ جانشین قند
اخ۱ قند(ساکاروز)
اخ۲ شکر مایع
اخ۱ گوشت
اخ۱ لبنیات
اخ۲ کازئین
اخ۱ ملاس
اخ۱ میوه
اخ۱ نوشابه
اخ۲ آب‌میوه
اخ۲ شراب
او پروتئین
او تغذیه
او تهیه غذا
او ذخیره مواد غذایی
او روغن گیاهی
او عمل‌آوری مواد غذایی
او فراورده کشاورزی
او کربوهیدرات
او نشاسته
او واحد صنعتی فراورده غذایی
او ویتامین
ان *Food product*

فراورده فلزی پودری

او آلومین
او پودر فلز
او متالورژی پودر
ان *Powder metal product*

فراورده کاغذی

بچ *یاتاقان کاغذی*
اخ۱ جعبه کاغذی
اخ۱ خازن کاغذی
او کاغذ
ان *Paper product*

فراورده کشاورزی

اخ۱ بذر
اخ۱ پشم
اخ۱ پنبه
اخ۱ توتون
اخ۱ چغندرقند

اخ۱ دانه(فراورده کشاورزی)
اخ۱ شاهدانه
اخ۱ لبنیات
اخ۲ کازئین
اخ۱ میوه
اخ۱ نیشکر
او فراورده غذایی
ان *Agricultural product*

فراورده لاستیک مغناطیسی

اع۱ فراورده لاستیکی
او ابزار مغناطیسی
او مواد مغناطیسی
ان *Magnetic rubber product*

فراورده لاستیکی

اخ۱ فراورده لاستیک مغناطیسی
اخ۱ فیلم لاستیکی
اخ۱ قالب لاستیک
اخ۱ لاستیک چرخ
اخ۲ رشته لاستیک چرخ
اخ۲ لاستیک چرخ بی‌تویی
اخ۲ لاستیک چرخ شعاعی
او افزودنی لاستیک
او برف‌پاک‌کن
او روکش لاستیکی
او قالب‌گیری لاستیک
او کاربرد لاستیک
او لاستیک
ان *Rubber product*

فراورده مومسان

اخ۱ بارگنج مومسان
اخ۲ بطری مومسان
اخ۱ چسب مومسان
اخ۱ عدسی مومسان
اخ۱ قطعه مومسان
اخ۱ لوله مومسان
اخ۱ مصالح ساختمانی مومسان
اخ۱ نوار مومسان
او اندود مومسان
او پلاستیک
او چندلای مومسان
او صنعت پلاستیک
او فیلم مومسان
او قالب مومسان
او قالب‌گیری پلاستیک
او ورقه مومسان
ان *Plastic product*

فراورده نفتی

اع۱ مواد
اخ۱ بنزین
اخ۱ روغن معدنی
اخ۱ سوخت دیزلی
اخ۱ قطران نفت
اخ۱ گاز نفتی مایع
اخ۱ گازوئیل
اخ۱ مواد پتروشیمیایی
او پالایشگاه نفت
او روان‌ساز
او روغن روان‌سازی
او روغن عایق
او صنعت نفت
او کک نفت
او مخلوط سازی
او مواد اضافی نفت
او نفتا
ان *Petroleum product*

فراورده ورقه‌ای

ب‌ک چندلا

فراورش

اع۱ ساختن
اع۲ تولید
اخ۱ باخودبری هوا
اخ۱ پالایش
اخ۲ پالایش خمیر کاغذ
اخ۲ پالایش فلز
اخ۳ پالایش آلومینیوم
اخ۳ پالایش روی
اخ۳ پالایش سرب
اخ۳ پالایش طلا
اخ۳ پالایش قلع
اخ۳ پالایش نقره
اخ۳ پالایش نیکل
اخ۳ پالایش نیوبیم
اخ۲ پالایش قند
اخ۲ پالایش هیدروکربن

اخ۳	پالایش بنزن
اخ۳	پالایش پلمه‌سنگ نفتی
اخ۳	پالایش نفت
اخ۱	پردازش میکروالکترونیکی
اخ۱	تکمیل
اخ۲	آبکاری در استوانه گردان
اخ۲	آرایه‌گری
اخ۲	آهارزنی(عمل تکمیل)
اخ۲	پرداخت
اخ۳	پرداخت شیمیایی
اخ۳	صیقل‌کاری
اخ۲	پرداخت ارتعاشی
اخ۲	پرداخت فلز
اخ۳	تکمیل فشاری
اخ۳	تمیزکاری فلز
اخ۳	صیقل‌کاری
اخ۲	پرداخت‌کاری
اخ۲	پلیسه‌گیری
اخ۲	تکمیل شیمیایی
اخ۳	بهسازی شیمیایی مصنوع نساجی
اخ۳	پرداخت شیمیایی
اخ۲	تکمیل نساجی
اخ۳	اتوزنی مصنوع نساجی
اخ۳	بهسازی شیمیایی مصنوع نساجی
اخ۳	تکسچرایزینگ
اخ۳	چاپ مصنوع نساجی
اخ۳	شستشوی مصنوع نساجی
اخ۳	ضدآب‌رفتگی‌کردن(مصنوع نساجی)
اخ۳	مرسریزه‌کردن
اخ۲	جلاکاری
اخ۲	درزبندی(تکمیل)
اخ۲	رنگ‌کردن
اخ۳	رنگرزی
اخ۲	ساچمه‌زنی
اخ۲	سنگ‌کاری پرداخت
اخ۲	غلتک‌زنی
اخ۱	خردسازی
اخ۲	آسیاب‌کردن
اخ۲	سنگ‌شکنی
اخ۱	دباغی
اخ۱	رنگبری
اخ۱	ریسندگی(الیاف)
اخ۱	صمغ‌گیری
اخ۱	فراورش پلمه‌سنگ نفتی
اخ۲	پالایش پلمه‌سنگ نفتی
اخ۲	تقطیر پلمه‌سنگ نفتی
اخ۱	فراورش در جا
اخ۲	احتراق در جا
اخ۳	احتراق در جای زغال
اخ۱	فرایند خردگرانی
اخ۱	فرایند نساجی
اخ۲	بافندگی
اخ۲	تکمیل نساجی
اخ۳	اتوزنی مصنوع نساجی
اخ۳	بهسازی شیمیایی مصنوع نساجی
اخ۳	تکسچرایزینگ
اخ۳	چاپ مصنوع نساجی
اخ۳	شستشوی مصنوع نساجی
اخ۳	ضدآب‌رفتگی‌کردن(مصنوع نساجی)
اخ۳	مرسریزه‌کردن
اخ۲	کاردینگ نساجی
اخ۱	فشرده‌سازی
اخ۲	خشته‌سازی
اخ۲	فشرده‌سازی زباله
اخ۱	فلزکاری
اخ۲	تسمه‌سازی از سیم
اخ۲	سردکاری
اخ۳	کله‌زنی سرد
اخ۳	نوردکاری سرد
اخ۲	گرم‌کاری
اخ۳	نورد گرم
اخ۱	نشانه‌گذاری(فلزکاری)
او	آدمک صنعتی
او	سنتز(شیمیایی)
او	کنترل فرایند
او	مهندسی فرایند
ان	*Processing*

فراورش پلمه‌سنگ نفتی

اع۱	فراورش
اع۲	ساختن
اع۳	تولید
اخ۱	پالایش پلمه‌سنگ نفتی
اخ۱	تقطیر پلمه‌سنگ نفتی
او	پلمه‌سنگ نفتی
او	دفع پساب
ان	*Oil shale processing*

فراورش در جا

اع۱	فراورش
اع۲	ساختن

اع۳ تولید
اخ۱ احتراق در جا
اخ۲ احتراق در جای زغال
ان *In situ processing*

فرایند تصادفی
ب‌ک فرایند تصادفی

فرایند احیای مستقیم
ب‌ج *فرایند دی‌آر*
اع۱ فولادسازی
اع۲ متالورژی فولاد
اع۳ متالورژی
ان *Direct reduction process*

فرایند اکسیژن قلیایی
ب‌ج *فولادسازی اکسیژنی*
اع۱ فولادسازی
اع۲ متالورژی فولاد
اع۳ متالورژی
اخ۱ فولادسازی افشانه‌ای
او تبدیلگر اکسیژن قلیایی
ان *Basic oxygen process*

فرایند برخورد پلاسما
او پلاسما
ان *Plasma collision process*

فرایند بستر سیال
اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
او بستر سیال
او ذوب بستر سیال
او کوره بستر سیال
ان *Fluidized bed process*

فرایند بسمر
اع۱ فولادسازی
اع۲ متالورژی فولاد
اع۳ متالورژی
ان *Bessemer process*

فرایند ترمومکانیکی خمیرسازی
اع۱ ساختن خمیر کاغذ
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او خمیر کاغذ ترمومکانیکی
ان *Thermomechanical pulping process*

فرایند تصادفی
ب‌ج *فرایند تصادفی*
اخ۱ حرکت براونی
اخ۱ فرایند مارکوف
اخ۱ نظریه صف
او احتمال
او تصفیه و پیش‌بینی سیگنال
او رمزگذاری
او روش آماری
او روش مونت‌کارلو
او مولد عدد تصادفی
او نظریه اطلاعات
او نظریه تصمیم
او نظریه نابسامانی
ان *Random process*

فرایند چندفتونی
او دمش نوری
ان *Multiphoton process*

فرایند خردگرانی
اع۱ فراورش
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او بی‌وزنی
او گرانش
او ماهواره
ان *Microgravity processing*

فرایند دستگاه نورد
اخ۱ نوردکاری سرد
اخ۱ نورد گرم
او آسیاب لوله‌ای
او پوسته‌زدایی
او دستگاه نورد
او دستگاه نورد نوار ورق
او شمشال
او شمشه(فلز)
او غلتش
او فلز صفحه‌ای

او فلز ورق
او کوره هم‌دماساز
او میله(فلز)
ان *Rolling mill practice*

فرایند دی‌آر
ب‌ک فرایند احیای مستقیم

فرایند روباز
اع۱ فولادسازی
اع۲ متالورژی فولاد
اع۳ متالورژی
او کوره روباز
ان *Open hearth process*

فرایند ریخته‌گری
اع۱ فرایند ریخته‌گری آلومینیم
اع۱ فرایند ریخته‌گری برنز
اع۱ فرایند ریخته‌گری تیتانیم
اع۱ فرایند ریخته‌گری روی
اع۱ فرایند ریخته‌گری سرب
اع۱ فرایند ریخته‌گری فولاد
اع۱ فرایند ریخته‌گری مس
اع۱ فرایند ریخته‌گری منیزیم
اع۱ فرایند کوپل
اع۱ کارگاه ریخته‌گری آهن
اع۲ کارگاه ریخته‌گری آهن چکش‌خور
اع۱ ماهیچه‌زنی
او تفسنجی
او تمیزکاری فلز
او جو محافظ
او درزبندی(تکمیل)
او ذوب فلز
او ریخته‌گری
او ریخته‌گری بسته
او ریخته‌گری پیوسته
او ریخته‌گری در قالب پوسته‌ای
او ریخته‌گری دقیق
او ریخته‌گری فلز
او ریخته‌گری گرانی صفر
او ریخته‌گری مرکزگریز
او فرایند سدیم سیلیکات
او فرایند شاو
او فرایند کربن دی‌اکسید
او فلز سبک
او قالب‌گیری
او قالب‌گیری یکپارچه
او کارگاه ریخته‌گری
او ماسه ریخته‌گری
او متالورژی
او مذاب‌زنی فشاری
او نمونه‌سازی
ان *Foundry practice*

فرایند ریخته‌گری آلومینیم
اع۱ فرایند ریخته‌گری
اع۱ متالورژی آلومینیوم
اع۲ متالورژی
او آلومینیوم
او کارخانه آلومینیوم
ان *Aluminum foundry practice*

فرایند ریخته‌گری الکتریکی
اع۱ فولادسازی
اع۲ متالورژی فولاد
اع۳ متالورژی
ان *Electric furnace process*

فرایند ریخته‌گری برنج
ب‌ک فرایند ریخته‌گری مس

فرایند ریخته‌گری برنز
اع۱ فرایند ریخته‌گری
او برنز
ان *Bronze foundry practice*

فرایند ریخته‌گری تیتانیم
اع۱ فرایند ریخته‌گری
او تیتانیم
ان *Titanium foundry practice*

فرایند ریخته‌گری روی
اع۱ فرایند ریخته‌گری
اع۱ متالورژی روی
اع۲ متالورژی
او روی
ان *Zinc foundry practice*

فرایند ریخته‌گری سرب

اع۱ فرایند ریخته‌گری
اع۱ متالورژی سرب
اع۲ متالورژی
او خیساندن
او سرب
ان *Lead foundry practice*

فرایند ریخته‌گری فولاد

اع۱ فرایند ریخته‌گری
اع۱ متالورژی فولاد
اع۲ متالورژی
او فولاد
او فولادسازی
ان *Steel foundry practice*

فرایند ریخته‌گری مس

بج *فرایند ریخته‌گری برنج*
اع۱ فرایند ریخته‌گری
اع۱ متالورژی مس
اع۲ متالورژی
او مس
ان *Copper foundry practice*

فرایند ریخته‌گری منیزیم

اع۱ فرایند ریخته‌گری
اع۱ متالورژی منیزیم
اع۲ متالورژی
اع۲ منیزیم
اع۳ فلز قلیایی خاکی
اع۱ منیزیم
اع۲ فلز قلیایی خاکی
اع۳ فلز غیرآهنی
او منیزیم
ان *Magnesium foundry practice*

فرایند سدیم سیلیکات

اع۱ ریخته‌گری فلز
اع۲ ریخته‌گری
اع۳ شکل‌دهی
اع۲ متالورژی
او فرایند ریخته‌گری
ان *Sodium silicate process*

فرایند سولفیت

اع۱ ساختن خمیر کاغذ
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او خمیر کاغذ سولفیتی
ان *Sulfite process*

فرایند شاو

اع۱ ریخته‌گری فلز
اع۲ ریخته‌گری
اع۳ شکل‌دهی
اع۲ متالورژی
او فرایند ریخته‌گری
ان *Shaw process*

فرایند کارگاه ماشینی

او شکل‌دهی فلز
او فلزتراشی
او کارگاه ماشینی
او ماشین‌کاری
ان *Machine shop practice*

فرایند کرافت

بج *خمیرسازی کاغذ کرافت*
اع۱ ساختن خمیر کاغذ
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او خمیر کاغذ سولفاتی
او خمیر کاغذ کرافت
او کاغذ کرافت
ان *Kraft process*

فرایند کربن دی‌اکسید

اع۱ ریخته‌گری فلز
اع۲ ریخته‌گری
اع۳ شکل‌دهی
اع۲ متالورژی
او فرایند ریخته‌گری
او کربن دی‌اکسید
ان *Carbon dioxide process*

فرایند کوپل

اع۱ فرایند ریخته‌گری
او تخلیه فلز مذاب(کوره)
او ذوب فلز

او غنی‌سازی فشاری اکسیژن
او کوپل
او کوپل با دمش داغ
ان *Cupola practice*

فرایند لجن فعال‌شده
اع۱ تصفیه فاضلاب
اع۲ بهسازی پسمانده
ان *Activated sludge process*

فرایند مارکوف
ب‌ج *زنجیر مارکوف*
اع۱ فرایند تصادفی
او احتمال
ان *Markov process*

فرایند نساجی
اع۱ فراورش
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
اخ۱ بافندگی
اخ۱ تکمیل نساجی
اخ۲ اتوزنی مصنوع نساجی
اخ۲ بهسازی شیمیایی مصنوع نساجی
اخ۲ تکسچرایزینگ
اخ۲ چاپ مصنوع نساجی
اخ۲ شستشوی مصنوع نساجی
اخ۲ ضدآب‌رفتگی کردن(مصنوع نساجی)
اخ۲ مرسریزه‌کردن
اخ۱ کاردینگ نساجی
او آهارزنی(عمل تکمیل)
او برگشت چین
او تولید فرش
او تولید لباس
او رنگبری
او رنگرزی
او ریسندگی(الیاف)
او صنعت نساجی
او کارگاه نساجی
او ماشین‌آلات نساجی
او نشان‌دارکردن
ان *Textile processing*

فرایند واحد
ب‌ک واکنش شیمیایی

فرایند واهلش
اخ۱ واهلش تنش
اخ۱ واهلش دی‌الکتریکی
اخ۱ واهلش شیمیایی
اخ۱ واهلش فراصوتی
اخ۱ واهلش مغناطیسی
اخ۱ واهلش ناکشسان
او ویسکوالاستیسیته
ان *Relaxation process*

فرترن(زبان برنامه‌نویسی)
اع۱ زبان رویه‌گرا
اع۲ زبان سطح بالا
اع۳ زبان برنامه‌نویسی رایانه
ان *FORTRAN (programming language)*

فرزکاری
ب‌ک فرزکاری(تراشکاری)

فرزکاری(تراشکاری)
ب‌ج *فرزکاری*
اع۱ ماشین‌کاری
او پیچ‌تراشی
او تیغه فرز
او چرخ‌دنده‌تراشی
او سنگ‌زنی(تراشکاری)
او فلزتراشی
ان *Milling (machining)*

فرزکاری(خردسازی)
ب‌ک خردسازی

فرزکاری انرژی بالا
ب‌ک آلیاژسازی مکانیکی

فرساب
اخ۱ فرساب لیزر
او بازگشت(فضانوردی)
او تبخیر
او تصعید
او حفاظ گرمایی
او ذوب
او سایش مواد
او فرسایش

او مواد فرسایی
ان *Ablation*

فرساب لیزر

اع۱ اثر باریکه لیزری
اع۲ اثر تابش
اع۳ اثر
اع۱ فرساب
او باریکه لیزری
او لیزر
ان *Laser ablation*

فرسایش

اخ۱ خوردگی خلاءزایی
او آب
او آب‌شستگی
او اثر باد
او حفاظت خاک
او حفاظت ساحل
او خاک
او خلاءزایی
او خوردگی
او دریاکنار
او راه آبی درون‌مرزی
او سایش مواد
او سیل
او فرساب
او فرونشینی
او کرانه‌داری
او هوازدگی
ان *Erosion*

فرسایش حفره‌ای

ب‌ک خوردگی خلاءزایی

فرستنده

اع۱ تجهیزات مخابراتی
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ ترانسپوندر
اخ۱ فرستنده تلویزیونی
اخ۲ فرستنده تلویزیون رنگی
اخ۲ فرستنده تلویزیونی هوابرد
اخ۱ فرستنده رادیویی
اخ۲ رادیوسوند
اخ۲ گیرنده و فرستنده
او آنتن
او اندازه‌گیری میدان الکترومغناطیسی
او تکرارکننده مخابراتی
او دورچاپگر
او شبکه(مدار)
او صدابر
او کنترل بهره
او گیرنده سیگنال
او محرک الکتریکی
او مدوله‌ساز
او مدوله‌سازی
او مولد صوتی
او نوسانگر(الکترونیک)
ان *Transmitter*

فرستنده تلویزیون رنگی

اع۱ فرستنده تلویزیونی
اع۲ تجهیزات تلویزیونی
اع۳ تجهیزات مخابراتی
اع۲ فرستنده
اع۳ تجهیزات مخابراتی
او تلویزیون رنگی
او گیرنده تلویزیون رنگی
ان *color television transmitter*

فرستنده تلویزیونی

اع۱ تجهیزات تلویزیونی
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ فرستنده
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اخ۱ فرستنده تلویزیون رنگی
اخ۱ فرستنده تلویزیونی هوابرد
او آنتن تلویزیون
او ایستگاه تلویزیونی
او تراگسیل تلویزیونی
او تلویزیون
ان *Television transmitter*

فرستنده تلویزیونی هوابرد

اع۱ فرستنده تلویزیونی
اع۲ تجهیزات تلویزیونی
اع۳ تجهیزات مخابراتی

اع۲ فرستنده
اع۳ تجهیزات مخابراتی
او ماهواره مخابراتی
ان *Airborne television transmitter*

فرستنده رادار

اع۱ تجهیزات رادار
اع۲ بردیاب
اع۳ سنج‌افزار
او ایستگاه رادار
او رادار
ان *Radar transmitter*

فرستنده رادیویی

اع۱ تجهیزات رادیویی
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ فرستنده
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اخ۱ رادیوسوند
اخ۱ گیرنده و فرستنده
او ارسال رادیویی
او آنتن
او اندازه‌گیری میدان الکترومغناطیسی
او پخش رادیویی
او تجهیزات رادیویی کوچک
او تلفن رادیویی
او تلگراف رادیویی
او خط ارتباط رادیویی
او سیستم رادیویی سیار
او صدابر
او نوسانگر(الکترونیک)
ان *Radio transmitter*

فرسودگی

او تجهیزات
او ماشین‌ابزار
او ماشین‌آلات
او نوسازی
ان *Obsolescence*

فرم‌آلدهید

ب‌ج *فرمالین*
اع۱ آلدهید
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او رزین استالی
او رزین اوره فرم‌آلدهید
او رزین ملامین فرم‌آلدهید
ان *Formaldehyde*

فرمالین
ب‌ک فرم‌آلدهید

فرمان

او تجهیزات فرمان خودرو
او تجهیزات هدایت کشتی
او رزمایش‌پذیری
ان *Steering*

فرمان هیدرولیکی

اع۱ تجهیزات کنترل هیدرولیکی
اع۲ تجهیزات کنترل مکانیکی
اع۳ تجهیزات کنترل
اع۲ تجهیزات هیدرولیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ مکانیسم فرمان‌یار
اع۲ تجهیزات کنترل
اع۳ تجهیزات
ان *Hydraulic servomechanism*

فرمول نگاشت

ب‌ج *نموگرام*
ب‌ج *نوموگراف*
او تحلیل عددی
او روش گرافیکی
ان *Nomogram*

فرمیوم

اع۱ عنصر فرااورانیوم
اع۲ آکتینید
اع۳ عنصر پرتوزا
اع۳ فلز غیرآهنی
ان *Fermium*

فروآلیاژ

اع۱ آلیاژ
اع۲ مواد

اع۱ افزودنی
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او اکسیژن‌زدا
او آلیاژ آهن
او آلیاژسازی
او عنصر آلیاژی
ان *Ferroalloy*

فروالکتریسیته

پ‌ج *پدیده فروالکتریکی*
اع۱ ویژگی دی‌الکتریکی
اع۲ ویژگی الکتریکی
اع۳ ویژگی فیزیکی
او دستگاه فروالکتریکی
او قطبش
او مواد فروالکتریکی
ان *Ferroelectricity*

فروالکتریک

پ‌ک مواد فروالکتریکی

فروپاشی

اع۱ زوال
او آسیاب‌کردن
او تجزیه
او تفکافت
او خردسازی
او سنگ‌شکنی
او هوازدگی
او واپاشی(آلی)
ان *Disintegration*

فرود

اخ۱ فرود فضاپیما
اخ۲ فرود آبی(فضاپیما)
اخ۲ فرود قمری
اخ۱ فرود هواگرد
او ارابه فرود(هواگرد)
او باند پرواز فرودگاه
او سیستم فرود هواگرد
او هواپیمایی
ان *Landing*

فرود آبی(فضاپیما)

اع۱ فرود فضاپیما
اع۲ فرود
او فضاپیما
ان *Water landing (spacecraft)*

فرود سطحی هواپیما

اع۱ هواگرد
او هواپیمای نظامی
ان *Deck landing aircraft*

فرود فضاپیما

اع۱ فرود
اخ۱ فرود آبی(فضاپیما)
اخ۱ فرود قمری
او فضاپیما
ان *Spacecraft landing*

فرود قمری

اع۱ فرود فضاپیما
اع۲ فرود
او فضاپیما
او کره ماه
او ماموریت قمری
او مبنای قمری
ان *Lunar landing*

فرودگاه

پ‌ج *پایانه هوایی*
اع۱ تسهیلات
اخ۱ باند پرواز فرودگاه
اخ۲ باند پرواز اضطراری
اخ۲ باند پرواز موقت
اخ۱ تجهیزات زمینی فرودگاه
اخ۲ تجهیزات سوختگیری هواگرد
اخ۱ ساختمان فرودگاهی
اخ۲ آشیانه هواپیما
اخ۲ برج مراقبت
اخ۱ فرودگاه نظامی
اخ۱ فرودگاه بالگرد
او برخاست
او پراکندگی مه
او ترابری هوایی
او جابه‌جایی توشه
او شدآمد وسیله نقلیه فرودگاهی

او فرود هواگرد
ان *Airport*

فرودگاه نظامی
اع۱ فرودگاه
اع۲ تسهیلات
او پایگاه نظامی
او تجهیزات نظامی
او مهندسی نظامی
ان *Military airport*

فرودگاه بالگرد
اع۱ فرودگاه
اع۲ تسهیلات
او خدمات بالگرد
ان *Heliport*

فرود هواگرد
اع۱ فرود
او باند نشست اضطراری
او فرودگاه
او مراقبت پرواز
او هواگرد
ان *Aircraft landing*

فروش
ب‌ک بازاریابی

فروشگاه بزرگ
ب‌ک فروشگاه، خرده‌فروشی

فروشگاه خرده‌فروشی
ب‌ج *فروشگاه بزرگ*
اخ۱ مرکز خرید
او ساختمان فروشگاهی
ان *Retail store*

فروکتوز
اع۱ قند
اع۲ کربوهیدرات
اع۳ ترکیبات آلی
او افزودنی مواد غذایی
ان *Fructose*

فرومغناطیس
اع۱ مغناطیس
او تشدید فرومغناطیسی
او متامغناطیس
او مواد فرومغناطیسی
او مواد مغناطیسی
ان *Ferromagnetism*

فرونشانی پژواک
ی‌د در تجهیزات مخابراتی
او تجهیزات تلفن
او تداخل در سیگنال
او تلفن
ان *Echo suppression*

فرونشینی
ی‌د فرونشینی زمین
او پی
او خاک
او غار
او فرسایش
او معدن
او معدن‌کاری
ان *Subsidence*

فریت
اع۱ مواد فری‌مغناطیسی
اع۲ مواد مغناطیسی
اع۳ مواد
او ابزار فریتی
او ترکیبات روی
او فری‌مغناطیس
او فلزنگاری فولاد
او هسته مغناطیسی پودری
ان *Ferrite*

فری‌مغناطیس
اع۱ مغناطیس
او تشدید فری‌مغناطیسی
او فریت
او مواد فری‌مغناطیسی
او مواد مغناطیسی
ان *Ferrimagnetism*

فرئون

اع۱ ترکیبات فلئور
اع۲ ترکیبات هالوژنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ هیدروکربن
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او پیشران(مواد)
او سردکن
او فلئوروکربن
او کلروفلئورکربن
او هوامیز
ان *Freon*

فساد زیستی

اع۱ تبدیل زیستی
اع۲ واکنش شیمیایی
او زیست‌شیمی
او زیست‌فناوری
ان *Biodegradation*

فسفات

اع۱ ترکیبات فسفر
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ کانی فسفاتی
او آدنوزین تری فسفات
او آلودگی آب
او اندود فسفاتی
او تصفیه آب
او ذخیره فسفات
او شیشه بورفسفات
او عمل‌آوری کان‌سنگ فسفات
او فسفر
او کود شیمیایی فسفات‌دار
او معدن فسفات
ان *Phosphate*

فسفر

اع۱ نافلز
اع۲ عنصر شیمیایی
او ترکیبات فسفر
او ذخیره فسفات
او عمل‌آوری کان‌سنگ فسفات
او فسفات
او کانی فسفاتی
او معدن فسفات
ان *Phosphorus*

فسفرتابی کاتدی

ب‌ک روشنایی کاتدی

فسفریک اسید

اع۱ اسید معدنی
اع۲ اسید
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ ترکیبات معدنی هیدروژنی
اع۳ ترکیبات معدنی
ان *Phosphoric acid*

فسفید ایندیم نیم‌رسانا

اع۱ ترکیبات ایندیم نیم‌رسانا
اع۲ ترکیبات ایندیم
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۲ مواد نیم‌رسانا
اع۳ مواد
ان *Semiconducting indium phosphide*

فشار

اخ۱ فشار آب‌ایستایی
اخ۱ فشار بخار
اخ۱ فشار برخاست
اخ۱ فشار ته چاه
اخ۱ فشار جو
اخ۱ فشار چاه
اخ۱ فشار حفره‌ای
اخ۱ فشار سنگ
او اثر فشار
او اثر فشار قوی
او پیمانه فشار
او تحت‌فشارقراردادن
او تنظیم فشار
او تنظیم‌گر فشار
او خلاء
او دیگ فشار
او کنترل فشار
او مخزن تعادل
او هوای فشرده
ان *Pressure*

فشار آب‌ایستایی

ب‌ج *فشار گرانشی*
اع۱ فشار
او مکانیک‌سیالات
ان *Hydrostatic pressure*

فشارافزا(موشک)
اع۱ موتور موشک
اع۲ موتور(با منبع انرژی درونی)
اع۳ ماشین‌آلات
ان *Boosters (rocket)*

فشار بخار
اع۱ فشار
اع۱ ویژگی ترمودینامیکی
ان *Vapor pressure*

فشار برخاست
اع۱ فشار
او جاده و خیابان
او سد
او طبقه(ساختمان)
ان *Uplift pressure*

فشار ته چاه
اع۱ فشار
او چاه نفتی
ان *Bottom hole pressure*

فشار جو
ی‌د برای فشار جو زمین و جو برون زمینی به کار برید.
اع۱ فشار
او جو برون زمینی
او جو زمین
او چگالی جوی
او حرکت جوی
او هواشناسی
ان *Atmospheric pressure*

فشار چاه
اع۱ فشار
او چاه زمین‌گرمایی
او چاه گاز طبیعی
او چاه نفتی
ان *Well pressure*

فشار حفره‌ای
اع۱ فشار
او خاک
ان *Pore pressure*

فشارسنج
اع۱ پیمانه
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۱ تراگذار فشاری
اع۲ تراگذار
اع۳ تجهیزات
اع۱ سنج‌افزار هواشناسی
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او اندازه‌گیری فشار
ان *Barometer*

فشار سنگ
اع۱ فشار
او معدن
او معدن‌کاری
ان *Rock pressure*

فشار گرانشی
ب‌ک فشار آب‌ایستایی

فشرده‌سازی
ب‌ج *تراکم(مواد)*
اع۱ فراورش
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
اخ۱ خشته‌سازی
اخ۱ فشرده‌سازی زباله
او ارتعاش(مکانیکی)
او پرس‌کاری داغ
او پرس‌کاری(شکل‌دهی)
او پیش‌شکل‌دهی
او تحکیم
او تراکم‌پذیری
او دفع پسمانده
او شکل‌دهی
او گندله‌سازی
او متراکم‌شدگی
ان *Compaction*

فشرده‌سازی زباله

اع۱ دفع زباله
اع۲ دفع پسمانده
اع۱ فشرده‌سازی
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
ان *Refuse compaction*

فشرده‌کننده
ب‌ک چفت

فضاپیما

اع۱ وسیله نقلیه
اخ۱ آزمایشگاه مداری
اخ۱ ایستگاه فضایی
اخ۱ تجهیزات فضاپیما
اخ۲ سنج‌افزار فضاپیما
اخ۲ سیستم پشتیبانی حیاتی(فضاپیما)
اخ۲ سیستم گریز فضاپیما
اخ۲ منبع تغذیه فضاپیما
اخ۱ رصدخانه فضاپیما
اخ۲ رصدخانه ماهواره‌ای
اخ۳ ماهواره نجومی
اخ۱ سکوی فضایی
اخ۱ شاتل فضایی
اخ۱ فضاپیمای بین‌سیاره‌ای
اخ۱ کاوند فضایی
اخ۱ ماهواره
اخ۲ رصدخانه ماهواره‌ای
اخ۳ ماهواره نجومی
اخ۲ ماهواره زمین‌ساکن
اخ۲ ماهواره زمین‌سنجی
اخ۲ ماهواره مخابراتی
اخ۲ ماهواره نظامی
اخ۲ ماهواره هواشناسی
اخ۲ نیروگاه خورشیدی دوار
او انتقال مداری
او بازگشت(فضانوردی)
او برخورد شهاب
او پرتاب
او پشتیبانی زمینی هوافضا
او پوشینه پلاسمایی
او پیشرانش فضاپیما
او چتر نجات
او حفاظ
او خطر تابش
او راکت
او رزمایش‌پذیری
او زباله فضایی
او سفر فضایی
او سیستم ناوبری
او سیستم هدایت الکترونیکی
او شبیه‌ساز فضایی
او فرود آبی(فضاپیما)
او فرود فضاپیما
او فرود قمری
او کاربرد فضایی
او ماموریت قمری
او محل برخورد فضایی
او مدار
او مراقبت فضایی
او مساله هواشناسی
او مسیر
او وسیله نقلیه هوافضایی
ان *Spacecraft*

فضاپیمای بین‌سیاره‌ای

ب‌ج *نیرو محرکه بین‌سیاره‌ای*
اع۱ فضاپیما
اع۲ وسیله نقلیه
او پرواز بین‌سیاره‌ای
او ماهواره
ان *Interplanetary spacecraft*

فعال‌سازی شیمیایی

ب‌ج *واکنش فعال‌سازی*
اع۱ واکنش شیمیایی
او انرژی فعال‌سازی
او ترمودینامیک
ان *Chemical activation*

فعالیت(گرماپویایی)
ب‌ک ویژگی ترمودینامیکی

فعالیت کاتالیزور

او بازسازی کاتالیزور
او خنثی‌سازی کاتالیزور
او کاتالیزور
او گزینش‌پذیری کاتالیزور
او مسمومیت کاتالیزور

ان *Catalyst activity*

فلدسپار

اع۱ ترکیبات آلومینیوم
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ کانی سیلیکاتی
اع۲ سیلیکات
اع۳ ترکیبات سیلیسیم
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
او ذخیره فلدسپار
او گرانیت
ان *Feldspar*

فلز

ب‌ج *پوشش فلزی*
ب‌ج *خستگی فلز*
اع۱ عنصر شیمیایی
اخ۱ فلز غیرآهنی
اخ۲ آکتینید
اخ۳ آکتینیم
اخ۳ اورانیم
اخ۳ پروتاکتینیم
اخ۳ توریم
اخ۳ عنصر فرااورانیوم
اخ۲ اسکاندیم
اخ۲ ایتریم
اخ۲ ایندیم
اخ۳ ایندیم نیم‌رسانا
اخ۲ تانتال
اخ۲ تکنسیم
اخ۲ روی
اخ۲ زیرکونیم
اخ۲ عنصر خاکی کمیاب
اخ۳ اربیم
اخ۳ اروپیم
اخ۳ ایتربیم
اخ۳ پرازئودیمیم
اخ۳ پرومتیم
اخ۳ تربیم
اخ۳ تولیم
اخ۳ دیسپروزیم
اخ۳ ساماریم
اخ۳ سریم
اخ۳ گادولینیم
اخ۳ لانتان
اخ۳ لوتتیم
اخ۳ نئودیمیم
اخ۳ هولمیم
اخ۲ فلز سبک
اخ۳ آلومینیوم
اخ۳ بریلیم
اخ۳ تیتانیم
اخ۳ منیزیم
اخ۲ فلز سنگین
اخ۳ آنتیموان
اخ۳ بیسموت
اخ۳ تالیم
اخ۳ جیوه(فلز)
اخ۳ سرب
اخ۳ قلع
اخ۳ کادمیم
اخ۲ فلز قلیایی
اخ۳ پتاسیم
اخ۳ روبیدیم
اخ۳ سدیم
اخ۳ سزیم
اخ۳ فرانسیم
اخ۳ لیتیم
اخ۲ فلز قلیایی خاکی
اخ۳ استرونسیم
اخ۳ باریم
اخ۳ بریلیم
اخ۳ رادیم
اخ۳ کلسیم
اخ۳ منیزیم
اخ۲ فلز گرانبها
اخ۳ طلا
اخ۳ فلز گروه پلاتین
اخ۳ نقره
اخ۲ گالیم
اخ۳ گالیم نیم‌رسانا
اخ۲ منگنز
اخ۲ مولیبدن
اخ۲ نیکل
اخ۲ نیوبیم
اخ۲ هافنیم
اخ۱ فلز واسطه
اخ۲ آهن

اخ۲ اسکاندیم
اخ۲ ایتریم
اخ۲ تکنسیم
اخ۲ تیتانیم
اخ۲ جیوه(فلز)
اخ۲ روی
اخ۲ زیرکونیم
اخ۲ فلز دیرگداز
اخ۳ تانتال
اخ۳ تنگستن
اخ۳ رنیم
اخ۳ کروم
اخ۳ مولیبدن
اخ۳ نیوبیم
اخ۳ وانادیم
اخ۲ فلز گرانبها
اخ۳ طلا
اخ۳ فلز گروه پلاتین
اخ۳ نقره
اخ۲ کادمیم
اخ۲ کبالت
اخ۲ مس
اخ۲ منگنز
اخ۲ نیکل
اخ۲ هافنیم
او آبکاری
او آزمایش سختی
او آزمایش فلز
او آشکارساز فلز
او اکسایش درونی
او آلیاژ
او آلیاژ مقاوم در برابر خوردگی
او آنالیز فلز
او بین‌فلزی
او پالایش فلز
او پرداخت فلز
او پودر فلز
او تراز انرژی الکترونی
او جسم مرکب فلزی
او جوشکاری
او خوردگی
او روزن‌رانی فلز
او ژرمانیم
او سخت‌پوشی
او شبه فلز
او شکل‌دهی فلز
او شیشه فلزی
او فلز پرکننده
او فلز تقویت‌شده رشته‌ای
او فلز روکش‌دار
او فلز سازه‌ای
او فلز صفحه‌ای
او فلز قراضه
او فلز گالوانیزه
او فلز مذاب
او فلز نواری
او فلز ورق
او فلزنگاری
او فلزهای ناهمسان
او قابلیت ماشین‌کاری
او لایه فلزی
او مرز فلزی نیم‌رسانا
او مصنوع نساجی فلزی
او مواد مختلط
ان *Metal*

فلز پرکننده

اع۱ مواد
اخ۱ آلیاژ لحیم‌کاری
اخ۱ فلز پرکننده لحیم‌کاری
او الکترود جوشکاری
او جوشکاری
او فلز
او مفتول جوشکاری
ان *Filler metal*

فلز پرکننده لحیم‌کاری

اع۱ فلز پرکننده
اع۲ مواد
او لحیم‌کاری سخت
ان *Brazing filler metal*

فلزپوشی

اع۱ فن اندایش
اع۲ نهشت
او آبکاری
او بستر
او روکش فلز
او روکش‌کاری(پوشش)
او نهشت با اتم‌پاشی
او نهشت با بخار

ان *Metallizing*

فلز پیش‌اندوده

اع۱ مواد اندوده
اع۲ مواد
او فلز نواری
او فن اندایش
ان *Precoated metal*

فلز تراشی

اع۱ برش
او اندازه‌گیری نیرو
او برش اکسیژنی
او برش با قوس پلاسما
او برش(چینشی)
او برقوزنی
او پرداخت فلز
او پیچ‌تراشی
او تراشکاری
او چرخ‌دنده‌تراشی
او حفاری
او خان‌کشی
او روان‌ساز
او سنگ‌زنی(تراشکاری)
او شکل‌دهی فلز
او شیارزنی
او فرایند کارگاه ماشینی
او فرزکاری(تراشکاری)
او قلاویزکاری
او متالورژی
ان *Metal cutting*

فلز تقویت‌شده رشته‌ای

اع۱ مواد تقویت‌شده رشته‌ای
اع۲ مواد مختلط
اع۳ مواد
او فلز
ان *Fiber reinforced metal*

فلز دیرگداز

اع۱ فلز واسطه
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اخ۱ تانتال
اخ۱ تنگستن
اخ۱ رنیم
اخ۱ کروم
اخ۱ مولیبدن
اخ۱ نیوبیم
اخ۱ وانادیم
او ابرآلیاژ
او آلیاژ نسوز
او ترکیبات فلزی دیرگداز
او مواد نسوز
ان *Refractory metal*

فلز روکش‌دار

بج *سیم روکش‌دار*
اع۱ مواد اندوده
اع۲ مواد
اخ۱ فولاد روکش‌مسی
او روکش فلز
او فلز
ان *Clad metal*

فلز سازه‌ای

اع۱ مصالح ساختمانی
اع۲ مواد
اع۱ مواد
او فلز
ان *Structural metal*

فلز سبک

اع۱ فلز غیرآهنی
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اخ۱ آلومینیوم
اخ۱ بریلیم
اخ۱ تیتانیم
اخ۱ منیزیم
او فرایند ریخته‌گری
او مواد خودرو
او مواد هواگرد
ان *Light metal*

فلز سنگین

اع۱ فلز غیرآهنی
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اخ۱ آنتیموان

اخ۲ آنتیموان نیم‌رسانا
اخ۱ بیسموت
اخ۱ تالیم
اخ۱ جیوه(فلز)
اخ۱ سرب
اخ۱ قلع
اخ۱ کادمیم
او آلیاژ فلز سنگین
او ترکیبات فلز سنگین
او خطر بهداشتی
ان *Heavy metal*

فلز صفحه‌ای

ی‌د مواد نیمه‌ساخته
اع۱ مواد
او دستگاه نورد
او زره
او شمشال
او شمشه(فلز)
او فرایند دستگاه نورد
او فلز
او فلز ورق
ان *Plate metal*

فلز غیرآهنی

اع۱ فلز
اع۲ عنصر شیمیایی
اخ۱ آکتینید
اخ۲ آکتینیم
اخ۲ اورانیم
اخ۲ پروتاکتینیم
اخ۲ توریم
اخ۲ عنصر فراورانیوم
اخ۳ آمریکیم
اخ۳ اینشتینیم
اخ۳ برکلیم
اخ۳ پلوتونیم
اخ۳ فرمیوم
اخ۳ کالیفرنیم
اخ۳ کورچاتوویم
اخ۳ کوریم
اخ۳ لورنسیم
اخ۳ مندلویم
اخ۳ نپتونیم
اخ۳ نوبلیم
اخ۱ اسکاندیم
اخ۱ ایتریم
اخ۱ ایندیم
اخ۲ ایندیم نیم‌رسانا
اخ۱ تانتال
اخ۱ تکنسیم
اخ۱ روی
اخ۱ زیرکونیم
اخ۱ عنصر خاکی کمیاب
اخ۲ اربیم
اخ۲ اروپیم
اخ۲ ایتربیم
اخ۲ پرازئودیمیم
اخ۲ پرومتیم
اخ۲ تربیم
اخ۲ تولیم
اخ۲ دیسپروزیم
اخ۲ ساماریم
اخ۲ سریم
اخ۲ گادولینیم
اخ۲ لانتان
اخ۲ لوتتیم
اخ۲ نئودیمیم
اخ۲ هولمیم
اخ۱ فلز سبک
اخ۲ آلومینیوم
اخ۲ بریلیم
اخ۲ تیتانیم
اخ۲ منیزیم
اخ۱ فلز سنگین
اخ۲ آنتیموان
اخ۳ آنتیموان نیم‌رسانا
اخ۲ بیسموت
اخ۲ تالیم
اخ۲ جیوه(فلز)
اخ۲ سرب
اخ۲ قلع
اخ۲ کادمیم
اخ۱ فلز قلیایی
اخ۲ پتاسیم
اخ۲ روبیدیم
اخ۲ سدیم
اخ۲ سزیم
اخ۲ فرانسیم
اخ۲ لیتیم
اخ۱ فلز قلیایی خاکی

اخ۲ استرونسیم
اخ۲ باریم
اخ۲ بریلیم
اخ۲ رادیم
اخ۲ کلسیم
اخ۲ منیزیم
اخ۳ آلیاژ منیزیم
اخ۳ پودر منیزیم
اخ۳ ترکیبات منیزیم
اخ۳ ذخیره منیزیم
اخ۳ ساختارشناسی منیزیم
اخ۳ صفحه چاپ منیزیمی
اخ۳ عمل‌آوری کان‌سنگ منیزیت
اخ۳ فرایند ریخته‌گری منیزیم
اخ۳ قطعه ریختگی منیزیمی
اخ۳ متالورژی منیزیم
اخ۳ معدن منیزیت
اخ۱ فلز گرانبها
اخ۲ طلا
اخ۲ فلز گروه پلاتین
اخ۳ اسمیم
اخ۳ ایریدیم
اخ۳ پالادیم
اخ۳ پلاتین
اخ۳ روتنیم
اخ۳ رودیم
اخ۲ نقره
اخ۱ گالیم
اخ۲ گالیم نیم‌رسانا
اخ۱ منگنز
اخ۱ مولیبدن
اخ۱ نیکل
اخ۱ نیوبیم
اخ۱ هافنیم
ان *Nonferrous metal*

فلز فرومغناطیسی

ب‌ک مواد فرومغناطیسی

فلز قراضه

اع۱ مواد
اخ۱ فولاد قراضه
اخ۱ قراضه آهن
اخ۱ قراضه روی
اخ۱ قراضه مس
او بازفراوری فلز قراضه
او پسمانده صنعتی
او فلز
ان *Scrap metal*

فلز قلیایی

اع۱ فلز غیرآهنی
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اخ۱ پتاسیم
اخ۱ روبیدیم
اخ۱ سدیم
اخ۱ سزیم
اخ۱ فرانسیم
اخ۱ لیتیم
او آلیاژ فلز قلیایی
او ترکیبات فلز قلیایی
ان *Alkali metal*

فلز قلیایی خاکی

اع۱ فلز غیرآهنی
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اخ۱ استرونسیم
اخ۱ باریم
اخ۱ بریلیم
اخ۱ رادیم
اخ۱ کلسیم
اخ۱ منیزیم
اخ۲ آلیاژ منیزیم
اخ۲ پودر منیزیم
اخ۲ ترکیبات منیزیم
اخ۳ کانی کلریتی
اخ۳ منیزی
اخ۳ منیزیت
اخ۲ ذخیره منیزیم
اخ۲ ساختارشناسی منیزیم
اخ۲ صفحه چاپ منیزیمی
اخ۲ عمل‌آوری کان‌سنگ منیزیت
اخ۲ فرایند ریخته‌گری منیزیم
اخ۲ قطعه ریختگی منیزیمی
اخ۲ متالورژی منیزیم
اخ۳ فرایند ریخته‌گری منیزیم
اخ۳ متالورژی پودر منیزیم
اخ۲ معدن منیزیت

او آلیاژ فلز قلیایی خاکی
او ترکیبات فلز قلیایی خاکی
ان *Alkaline earth metal*

فلزکاری

اع۱ فراورش
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
اخ۱ تسمه‌سازی از سیم
اخ۱ سردکاری
اخ۲ کله‌زنی سرد
اخ۲ نوردکاری سرد
اخ۱ گرم‌کاری
اخ۲ نورد گرم
او ابزار فلزکاری
او تاب‌گیری
او جوشکاری
او دستگاه نورد نوار ورق
او شکل‌دهی فلز
او کشش ژرف
او لحیم‌کاری
او متالورژی
ان *Metal working*

فلزکاری آهن

اع۱ متالورژی
اخ۱ کارگاه ریخته‌گری آهن
اخ۲ کارگاه ریخته‌گری آهن چکش‌خور
اخ۱ متالورژی پودر آهن
او آهن
او تصفیه کان‌سنگ آهن
او فلزنگاری آهن
او کارخانه ذوب آهن
او متالورژی فولاد
ان *Iron metallurgy*

فلزکاری ژرمانیم

اع۱ متالورژی
او ژرمانیم
او فلزنگاری ژرمانیم
ان *Germanium metallurgy*

فلزکاری طلا

اع۱ متالورژی
اخ۱ پالایش طلا
او طلا
او عمل‌آوری کان‌سنگ طلا
او فلزنگاری طلا
ان *Gold metallurgy*

فلز گالوانیزه

اع۱ مواد
اع۱ مواد اندوده
اع۲ مواد
او فلز
او گالوانیزه‌کاری
ان *Galvanized metal*

فلز گرانبها

اع۱ فلز غیرآهنی
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اع۱ فلز واسطه
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اخ۱ طلا
اخ۱ فلز گروه پلاتین
اخ۲ اسمیم
اخ۲ ایریدیم
اخ۲ پالادیم
اخ۲ پلاتین
اخ۲ روتنیم
اخ۲ رودیم
اخ۱ نقره
او آلیاژ فلز گرانبها
او ترکیبات فلز گرانبها
ان *Precious metal*

فلز گروه پلاتین

اع۱ فلز گرانبها
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
اع۲ فلز واسطه
اع۳ فلز
اخ۱ اسمیم
اخ۱ ایریدیم
اخ۱ پالادیم
اخ۱ پلاتین
اخ۱ روتنیم
اخ۱ رودیم

او آلیاژ فلز گروه پلاتین
او ترکیبات فلز گروه پلاتین
ان *Platinum metal*

فلز مذاب

اع۱ مایع
اع۲ سیال
اع۳ مواد
او جیوه(فلز)
او فلز
ان *Liquid metal*

فلز موج‌دار

اع۱ فلز ورق
اع۲ مواد
اع۱ مواد موج‌دار
اع۲ مواد
ان *Corrugated metal*

فلز مونل

اع۱ آلیاژ مس
اع۲ آلیاژ فلز واسطه
اع۳ آلیاژ
اع۱ آلیاژ نیکل
اع۲ آلیاژ فلز واسطه
اع۳ آلیاژ
ان *Monel metal*

فلزنگاری

اع۱ اوتکتیک
اع۱ ساختارشناسی منیزیم
اع۱ سواسازی(فلزنگاری)
اع۱ فلزنگاری آلومینیوم
اع۱ فلزنگاری آهن
اع۱ فلزنگاری اورانیم
اع۱ فلزنگاری ایتریم
اع۱ فلزنگاری ایندیم
اع۱ فلزنگاری باریم
اع۱ فلزنگاری بریلیم
اع۱ فلزنگاری بیسموت
اع۱ فلزنگاری تالیم
اع۱ فلزنگاری تانتال
اع۱ فلزنگاری تنگستن
اع۱ فلزنگاری توریم
اع۱ فلزنگاری تیتانیم
اع۱ فلزنگاری رودیم
اع۱ فلزنگاری روی
اع۱ فلزنگاری زیرکونیم
اع۱ فلزنگاری ژرمانیم
اع۱ فلزنگاری سدیم
اع۱ فلزنگاری سرب
اع۱ فلزنگاری طلا
اع۱ فلزنگاری فولاد
اع۱ فلزنگاری قلع
اع۱ فلزنگاری کادمیم
اع۱ فلزنگاری کبالت
اع۱ فلزنگاری کروم
اع۱ فلزنگاری لیتیم
اع۱ فلزنگاری مس
اع۱ فلزنگاری منگنز
اع۱ فلزنگاری مولیبدن
اع۱ فلزنگاری نقره
اع۱ فلزنگاری نیکل
اع۱ فلزنگاری نیوبیم
اع۱ فلزنگاری وانادیم
او آرایه‌گری
او آلیاژ
او آماده‌سازی نمونه
او آنالیز فلز
او بلورنگاری
او پراش پرتو ایکس
او پرتونگاری
او تاره بلور
او حکاکی(با اسید)
او رشد دانه‌ای
او ریزساختار فلزنگاری
او شبکه بلور
او شکست‌نگاری
او شکل و درشتی ذرات
او فلز
او گذار فاز
او گرافیت‌سازی
او مرز دانه‌ای
او میکروسکوپی الکترونی
او میکروسکوپی نوری
او ناهمسانگردی
او نقص بلور
ان *Metallography*

فلزنگاری آلومینیوم

اع۱ فلزنگاری

او آلومینیوم
او متالورژی آلومینیوم
ان *Aluminum metallography*

فلزنگاری آهن
اع۱ فلزنگاری
او آهن
او فلزکاری آهن
او فلزنگاری فولاد
او گرافیت‌سازی
ان *Iron metallography*

فلزنگاری اورانیم
اع۱ فلزنگاری
او اورانیم
او متالورژی اورانیم
ان *Uranium metallography*

فلزنگاری ایتریم
اع۱ فلزنگاری
او ایتریم
ان *Yttrium metallography*

فلزنگاری ایندیم
اع۱ فلزنگاری
او ایندیم
او متالورژی ایندیم
ان *Indium metallography*

فلزنگاری باریم
اع۱ فلزنگاری
او باریم
ان *Barium metallography*

فلزنگاری بریلیم
اع۱ فلزنگاری
او بریلیم
او متالورژی بریلیم
ان *Beryllium metallography*

فلزنگاری بیسموت
اع۱ فلزنگاری
او بیسموت
او متالورژی بیسموت
ان *Bismuth metallography*

فلزنگاری تالیم
اع۱ فلزنگاری
او تالیم
ان *Thallium metallography*

فلزنگاری تانتال
اع۱ فلزنگاری
او تانتال
ان *Tantalum metallography*

فلزنگاری تنگستن
اع۱ فلزنگاری
او تنگستن
او متالورژی تنگستن
ان *Tungsten metallography*

فلزنگاری توریم
اع۱ فلزنگاری
او توریم
ان *Thorium metallography*

فلزنگاری تیتانیم
اع۱ فلزنگاری
او تیتانیم
او متالورژی تیتانیم
ان *Titanium metallography*

فلزنگاری رودیم
اع۱ فلزنگاری
او رودیم
ان *Rhodium metallography*

فلزنگاری روی
اع۱ فلزنگاری
او روی
او متالورژی روی
ان *Zinc metallography*

فلزنگاری زیرکونیم
اع۱ فلزنگاری
او زیرکونیم
او متالورژی زیرکونیم

ان *Zirconium metallography*

فلزنگاری ژرمانیم

اع۱ فلزنگاری
او ژرمانیم
او فلزکاری ژرمانیم
ان *Germanium metallography*

فلزنگاری سدیم

اع۱ فلزنگاری
او سدیم
ان *Sodium metallography*

فلزنگاری سرب

اع۱ فلزنگاری
او خیساندن
او سرب
او متالورژی سرب
ان *Lead metallography*

فلزنگاری طلا

اع۱ فلزنگاری
او طلا
او فلزکاری طلا
ان *Gold metallography*

فلزنگاری فولاد

اع۱ فلزنگاری
او آستنیت
او بینیت
او پرلیت
او فریت
او فلزنگاری آهن
او فولاد
او گرافیت‌سازی
او مارتنزیت
او متالورژی فولاد
ان *Steel metallography*

فلزنگاری قلع

اع۱ فلزنگاری
او قلع
او متالورژی قلع
ان *Tin metallography*

فلزنگاری کادمیم

اع۱ فلزنگاری
او کادمیم
او متالورژی کادمیم
ان *Cadmium metallography*

فلزنگاری کبالت

اع۱ فلزنگاری
او کبالت
او متالورژی کبالت
ان *Cobalt metallography*

فلزنگاری کروم

اع۱ فلزنگاری
او کروم
او متالورژی کروم
ان *Chromium metallography*

فلزنگاری لیتیم

اع۱ فلزنگاری
او لیتیم
ان *Lithium metallography*

فلزنگاری مس

اع۱ فلزنگاری
او متالورژی مس
او مس
ان *Copper metallography*

فلزنگاری منگنز

اع۱ فلزنگاری
او متالورژی منگنز
او منگنز
ان *Manganese metallography*

فلزنگاری مولیبدن

اع۱ فلزنگاری
او متالورژی مولیبدن
او مولیبدن
ان *Molybdenum metallography*

فلزنگاری نقره

اع۱ فلزنگاری
او متالورژی نقره

او نقره
ان *Silver metallography*

فلزنگاری نیکل

اع۱ فلزنگاری
او متالورژی نیکل
او نیکل
ان *Nickel metallography*

فلزنگاری نیوبیم

اع۱ فلزنگاری
او متالورژی نیوبیم
او نیوبیم
ان *Niobium metallography*

فلزنگاری وانادیم

اع۱ فلزنگاری
او متالورژی وانادیم
او وانادیم
ان *Vanadium metallography*

فلز نواری

اع۱ مواد
او برش(چینشی)
او پیوندزنی نوردی
او دستگاه نورد
او فلز
او فلز پیش‌اندوده
ان *Strip metal*

فلز واسطه

اع۱ فلز
اع۲ عنصر شیمیایی
اخ۱ آهن
اخ۱ اسکاندیم
اخ۱ ایتریم
اخ۱ تکنسیم
اخ۱ تیتانیم
اخ۱ جیوه(فلز)
اخ۱ روی
اخ۱ زیرکونیم
اخ۱ فلز دیرگداز
اخ۲ تانتال
اخ۲ تنگستن
اخ۲ رنیم
اخ۲ کروم
اخ۲ مولیبدن
اخ۲ نیوبیم
اخ۲ وانادیم
اخ۱ فلز گرانبها
اخ۲ طلا
اخ۲ فلز گروه پلاتین
اخ۳ اسمیم
اخ۳ ایریدیم
اخ۳ پالادیم
اخ۳ پلاتین
اخ۳ زوتنیم
اخ۳ رودیم
اخ۲ نقره
اخ۱ کادمیم
اخ۱ کبالت
اخ۱ مس
اخ۱ منگنز
اخ۱ نیکل
اخ۱ هافنیم
ان *Transition metal*

فلز ورق

اع۱ مواد
اخ۱ حلبی
اخ۱ فلز موج‌دار
اخ۱ ورق آلومینیوم
اخ۲ ورقه آلومینیومی
اخ۱ ورق تنگستن
اخ۱ ورق تیتانیم
اخ۱ ورق فلزی
اخ۲ ورق قلع
اخ۲ ورقه آلومینیومی
اخ۱ ورق فولادی
او برش(چینشی)
او پیوندزنی نوردی
او دستگاه نورد
او فرایند دستگاه نورد
او فلز
او فلز صفحه‌ای
ان *Sheet metal*

فلزهای ناهمسان

اع۱ مواد غیرهمجنس

اع۲ مواد
او فلز
ان *Dissimilar metal*

فلنج
اع۱ اجزا
او اتصال لوله
ان *Flang*

فلورسانس
اع۱ درخشایی
اع۲ گسیل نور
اع۳ گسیل موج الکترومغناطیسی
او پرده فلورسانس
او جذب موج الکترومغناطیسی
او شب‌تابی
او فلئورسنج
او لامپ فلورسانت
ان *Fluorescence*

فلورسانیسنج
ب‌ک فلئورسنج

فلوریددارشدن
اع۱ تصفیه آب
ان *Fluoridation*

فلئور
اع۱ عنصر هالوژنی
اع۲ نافلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او کانی فلوریدی
ان *Fluorine*

فلئوراسپار
اع۱ ترکیبات کلسیم
اع۲ ترکیبات فلز قلیایی خاکی
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ کان‌سنگ
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
او ذخیره فلئوراسپار
ان *Fluorspar*

فلئورسنج
ب‌ج *فلورسانیسنج*
اع۱ سنج‌افزار نوری
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او تجهیزات تجزیه
او فلورسانس
ان *Fluorometer*

فلئوروکربن
ب‌ج *فلئوروهیدروکربن*
اع۱ ترکیبات فلئور
اع۲ ترکیبات هالوژنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او فرئون
او هیدروکربن
ان *Fluorocarbon*

فلئوروهیدروکربن
ب‌ک فلئوروکربن

فن اختلال
اع۱ فن ریاضی
او پایداری مجانبی
او تحلیل سیستم کنترل
او ترکیب سیستم کنترل
ان *Perturbation technique*

فن خطی قطعه‌دار
اع۱ فن ریاضی
او تحلیل سیستم کنترل
او ترکیب سیستم کنترل
او سیستم کنترل غیرخطی
او معادله تفاضلی
ان *Piecewise linear technique*

فن ریاضی
ب‌ج *ریاضیات*
اخ۱ احتمال
اخ۱ الگوریتم
اخ۲ الگوریتم تطبیقی
اخ۲ الگوریتم ژنتیکی
اخ۲ الگوریتم موازی
اخ۲ الگوریتم یادگیری

اخ۱	انتگرال‌گیری
اخ۱	برآورد
اخ۱	تابع
اخ۲	تابع توصیفی
اخ۲	تابع عضویت
اخ۲	تابع انتقال
اخ۳	تابع انتقال نوری
اخ۲	تابع بازگشتی
اخ۲	تابع بولی
اخ۲	تابع چگالی احتمال
اخ۲	تابع سودهی
اخ۲	تابع گرین
اخ۲	تبدیل ریاضی
اخ۳	تبدیل فوریه
اخ۳	تبدیل لاپلاس
اخ۳	تبدیل موجک
اخ۳	تبدیل زد
اخ۳	نگاشت همدیس
اخ۱	تابع توصیفی
اخ۱	تابع انتقال
اخ۲	تابع انتقال نوری
اخ۱	تبدیل ریاضی
اخ۲	تبدیل فوریه
اخ۳	تبدیل سریع فوریه
اخ۲	تبدیل لاپلاس
اخ۲	تبدیل موجک
اخ۲	تبدیل زد
اخ۲	نگاشت همدیس
اخ۱	تحلیل شرطی
اخ۱	تحلیل حساسیت
اخ۱	تحلیل حوزه بسامد
اخ۱	تحلیل عددی
اخ۲	ارزیابی تابع
اخ۲	برازش خم
اخ۲	تحلیل خطا
اخ۲	تقریب چبیشف
اخ۲	تقریب کمترین توان‌های دوم
اخ۲	درون‌یابی
اخ۲	روش اجزای محدود
اخ۲	روش اجزای مرزی
اخ۲	روش تفاضل متناهی
اخ۲	روش تکراری
اخ۲	روش مونت‌کارلو
اخ۲	معادله تفاضلی
اخ۱	تحلیل محدوده زمانی
اخ۱	تحلیل هماهنگ
اخ۱	توپولوژی
اخ۲	توپولوژی شبکه الکتریکی
اخ۲	نظریه گراف
اخ۳	درخت(ریاضیات)
اخ۱	جبر
اخ۲	جبر بولی
اخ۳	تابع بولی
اخ۲	جبرخطی
اخ۳	بردار
اخ۳	تانسور
اخ۳	جبر ماتریسی
اخ۳	ویژه‌مقدار و ویژه‌تابع
اخ۲	چندجمله‌ای
اخ۱	حساب رقمی
اخ۲	مدار منطقی حمل
اخ۱	دوشاخه‌شدگی(ریاضیات)
اخ۱	رده هم‌ارزی
اخ۱	روش آماری
اخ۲	آزمون آماری
اخ۲	تحلیل برگشتی
اخ۲	تحلیل سری‌های زمانی
اخ۲	روش همبستگی
اخ۳	همبستگی نوری
اخ۲	روش مونت‌کارلو
اخ۲	نظریه بازی
اخ۱	روش حجمی متناهی
اخ۱	روش رهگشا
اخ۱	روش عددی
اخ۲	همگرایی روش‌های عددی
اخ۱	روش فضای حالت
اخ۱	روش فضای فاز
اخ۱	روش محاسبه‌ای
اخ۱	ریاضیات ترکیبی
اخ۲	نظریه گراف
اخ۳	درخت(ریاضیات)
اخ۱	ضریب لاگرانژ
اخ۱	عملگر ریاضی
اخ۱	فن اختلال
اخ۱	فن خطی قطعه‌داز
اخ۱	فن وردشی
اخ۱	قطب و صفر
اخ۱	مساله معکوس
اخ۱	مشتق‌گیری(حساب)
اخ۱	معادله انتگرالی
اخ۲	معادله انتگرودیفرانسیل
اخ۱	معادله حالت

اخ۲	معادله حالت جامد
اخ۲	معادله حالت گاز
اخ۲	معادله حالت مایع
اخ۱	معادله دیفرانسیل
اخ۲	تابع گرین
اخ۲	مساله مقدار مرزی
اخ۲	معادله انتگرودیفرانسیل
اخ۲	معادله تفاضلی
اخ۲	معادله حرکت
اخ۳	معادله ناویر استوکس
اخ۲	معادله دیفرانسیل جزئی
اخ۳	معادله ماکسول
اخ۲	معادله ریکاتی
اخ۱	معادله غیرخطی
اخ۱	مولد عدد تصادفی
اخ۱	نظریه اعداد
اخ۱	نظریه تقریب
اخ۲	تقریب چبیشف
اخ۲	تقریب کمترین توان‌های دوم
اخ۲	خطی‌سازی
اخ۱	نظریه مجموعه‌ها
اخ۲	مجموعه فازی
اخ۱	هندسه
اخ۲	جسم دوار
اخ۳	استوانه
اخ۳	کره
اخ۲	هندسه تحلیلی
او	اصل بیشینه
او	تحلیل سازه
او	ریخت‌شناسی ریاضی
او	محاسبات
ان	*Mathematical technique*

فن اندایش

پ‌چ	*پوشش فلزی*
اع۱	نهشت
اخ۱	آبکاری
اخ۲	آب طلاکاری
اخ۲	آبکاری آلومینیوم
اخ۲	آبکاری آهن
اخ۲	آبکاری الکتریکی
اخ۲	آبکاری ایریدیم
اخ۲	آبکاری ایندیم
اخ۲	آبکاری بدون برق
اخ۲	آبکاری برنج
اخ۲	آبکاری برنز
اخ۲	آبکاری بیسموت
اخ۲	آبکاری تنگستن
اخ۲	آبکاری تیتانیم
اخ۲	آبکاری رنیم
اخ۲	آبکاری رودیم
اخ۲	آبکاری سرب
اخ۲	آبکاری مس
اخ۲	آبکاری مولیبدن
اخ۲	آب‌کبالت‌دهی
اخ۲	آب‌کرم‌کاری
اخ۲	آب‌نیکل‌کاری
اخ۳	آبکاری با قلع و نیکل
اخ۲	اندود روی
اخ۳	گالوانیزه‌کاری
اخ۲	سیم‌اندودکاری
اخ۲	قلع‌اندودی
اخ۳	آبکاری با قلع و نیکل
اخ۲	کادمیم‌کاری
اخ۱	اندایش کاغذ
اخ۱	پاشیدن مشعلی
اخ۱	پلاسماافشانی
اخ۱	رنگ‌کاری
اخ۲	رنگ‌افشانی
اخ۱	روکش‌کاری(پوشش)
اخ۲	پوشش سوخت هسته‌ای
اخ۲	روکش فلز
اخ۳	روکش‌کاری آلومینیومی
اخ۱	سخت‌پوشی
اخ۱	فلزپوشی
اخ۱	کپسولی‌کردن
اخ۲	کپسولی‌کردن پسمانده پرتوزا
اخ۱	لاک‌زنی
اخ۱	میناکاری
او	اکسایش آندی
او	اندود
او	پرداخت فلز
او	تکمیل
او	درزبندی(تکمیل)
او	رشد همبافته
او	رنگ‌کردن
او	رنگ‌گیری(جداسازی)
او	عملیات سطحی
او	فلز پیش‌اندوده
او	مواد اندوده
او	نهشت با اتم‌پاشی
او	نهشت با بخار

او نهشت برقی
او ورقه‌سازی
ان *Coating technique*

فناوری

اخ۱ زیست‌فناوری
اخ۲ مهندسی ژنتیک
اخ۳ هم‌گروه‌سازی
اخ۱ فناوری خلاء
او اثر اجتماعی و اقتصادی
او انتقال فناوری
او پیش‌بینی فناورانه
او تاریخ
او جنبه فلسفی
او مهندسی
ان *Technology*

فناوری اطلاعات

او تجهیزات مخابراتی
او تصویر پردازی
او خردورقه
او خودکارسازی اداره
او خودکارسازی کارخانه
او رایانه
او علم اطلاع‌رسانی
او کپی‌برداری
او مخابرات
ان *Information technology*

فناوری خلاء

اع۱ فناوری
او تلمبه خلاء
او خلاءسنج
او لامپ الکترونی
ان *Vacuum technology*

فناوری نصب سطحی

اع۱ ساختن تجهیزات الکترونیکی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او بسته‌بندی الکترونیکی
او تولید مدار چاپی
او تولید مدارمجتمع
او مدار چاپی
او همگذاری
ان *Surface mount technology*

فن تصویرسازی

ب‌ج *تصویرسازی*
اخ۱ پرتونگاری
اخ۲ برش‌نگاری رایانه‌ای
اخ۲ پرتونگاری پرتو ایکس
اخ۲ پرتونگاری تشخیصی
اخ۳ رگ‌نگاری
اخ۲ پرتونگاری صنعتی
اخ۲ پرتونگاری نوترونی
اخ۲ رادیوگرافی گامایی
اخ۱ تصویربرداری پزشکی
اخ۲ پرتونگاری تشخیصی
اخ۳ رگ‌نگاری
اخ۱ تصویربرداری تشدید مغناطیسی
اخ۱ تصویرسازی راداری
اخ۱ تصویرسازی صوتی
اخ۲ تصویرسازی فراصوتی
اخ۳ پژوانگاری قلب
اخ۱ تصویرسازی مادون قرمز
اخ۲ گرمانگاری(تصویرسازی)
اخ۱ تمام‌نگاری
اخ۲ تداخل‌سنج هولوگرافیک
اخ۲ تمام‌نگاری ریزموجی
اخ۲ همه‌نگاری صوتی
اخ۲ هولوگرافی تولیدشده با رایانه
اخ۱ عکاسی
اخ۲ عکاسی رنگی
اخ۲ عکاسی زیرآبی
اخ۲ عکاسی سرعت بالا
اخ۲ عکاسی نظامی
اخ۲ عکسبرداری هوایی
او تصویر پردازی
او ثبت تصویر
او ذخیره تصویر رقمی
او ذخیره تصویر نوری
او سیستم تصویرسازی
او میکروسکوپ صوتی
ان *Imaging technique*

فنر(اجزا)

اع۱ اجزا
اخ۱ فنر حلقه‌ای
اخ۱ فنر مارپیچی

اخ۱ فنر وسیله نقلیه
اخ۲ فنر خودرو
او فراورده سیمی
ان *Spring (components)*

فنر حلقه‌ای
اع۱ فنر(اجزا)
اع۲ اجزا
او حلقه(اجزا)
ان *Ring spring*

فنر خودرو
اع۱ فنر وسیله نقلیه
اع۲ فنر(اجزا)
اع۳ اجزا
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ تجهیزات
اع۳ وسیله نقلیه
اع۱ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۲ خودرو
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
ان *Automobile spring*

فنر مارپیچی
اع۱ فنر(اجزا)
اع۲ اجزا
ان *Helical spring*

فنر وسیله نقلیه
اع۱ فنر(اجزا)
اع۲ اجزا
اع۱ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ تجهیزات
اع۲ وسیله نقلیه
اخ۱ فنر خودرو
او کیفیت سواری
ان *Vehicle spring*

فنل
اع۱ ترکیبات آروماتیک
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او الکل
او پسمانده صنعتی
ان *Phenol*

فن وردشی
ب‌ج حساب وردشی
اع۱ فن ریاضی
ان *Variational technique*

فواره
اع۱ سازه
ان *Fountain*

فوتوالکتریسیته
ب‌ج *اثر فتوالکتریک*
اع۱ ویژگی الکتریکی
اع۲ ویژگی فیزیکی
اخ۱ اثر الکترونورمغناطیسی
اخ۱ اثر فوتوولتایی
اخ۱ فوتورسانندگی
اخ۱ گسیل فوتونی
او ابزار فتوالکتریکی
او ابزار گسیل فوتونی
او بازده کوانتومی
او پیل فتوالکتریک
او فوتویونش
او مواد فوتورسانش
ان *Photoelectricity*

فوتوبسپارش
ب‌ک بسپارش
ب‌ک واکنش نورشیمیایی

فوتورسانا
ب‌ک مواد فوتورسانش

فوتورسانندگی
اع۱ رسانایی الکتریکی
اع۲ ویژگی الکتریکی
اع۳ ویژگی فیزیکی
اع۱ فوتوالکتریسیته
اع۲ ویژگی الکتریکی
اع۳ ویژگی فیزیکی
او ابزار فوتورسانش

او ابزار نیم‌رسانا
او مواد فوتورسانش
او مواد نیم‌رسانا
ان *Photoconductivity*

فوتولوله
اع۱ ابزار فتوالکتریکی
اع۲ ابزار ذیدالکترونیک
اع۳ ابزار نوری
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ لامپ کاتد سرد
اع۲ لامپ الکترونی
اع۳ دستگاه الکترونی
اخ۱ تکثیرکن فوتونی
او ابزار گسیل فوتونی
او بازده کوانتومی
او دیود نوری
او کاتد فوتوالکتریک
ان *Phototube*

فوتومقاومت
بج *مقاومت حساس به نور*
اع۱ مقاومت
اع۲ اجزای شبکه
اع۳ اجزا
اع۳ شبکه(مدار)
او ابزار فوتورسانش
ان *Photoresistor*

فوتون
اع۱ ذره بنیادی
او الکترونیک کوانتومی
او بازده کوانتومی
او پرتو ایکس
او پرتو گاما
او نور
ان *Photon*

فوتویونش
اع۱ یونش
اع۲ واکنش شیمیایی
او فوتوالکتریسیته
او گاز
او یونش جو
ان *Photoionization*

فورث(زبان برنامه‌نویسی)
اع۱ زبان سطح بالا
اع۲ زبان برنامه‌نویسی رایانه
ان *FORTH (programming language)*

فورفورال
اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
ان *Furfural*

فوق قضیه رایانه
ب‌ک نظریه محاسبه

فوق‌گرم‌کن موجی
ب‌ک لوله شوک

فولاد
اع۱ آلیاژ آهن
اع۲ آلیاژ فلز واسطه
اع۳ آلیاژ
اخ۱ فولاد آلومینیم‌اندود
اخ۱ فولاد ابزار
اخ۱ فولاد روکش‌مسی
اخ۱ فولاد زنگ‌نزن
اخ۱ فولاد سیلیسیمی
اخ۱ فولاد کربنی
اخ۱ فولاد مارتنزیتی کهنه‌شونده
او آزمایش فولاد
او آنالیز فولاد
او آهن
او بارگنج فولادی
او پژوهش فولاد
او پل فولادی
او پوسته‌زدایی
او تیر و شاه‌تیر فولادی
او خوردگی فولاد
او زره
او ساختمان فولادی
او سازه فولادی
او شمش فولاد
او صنعت آهن و فولاد
او فرایند ریخته‌گری فولاد
او فلزنگاری فولاد
او فولاد قراضه
او فولادسازی

او قطعه ریختگی فولاد
او کارخانه ذوب آهن
او کله‌زنی سرد
او لوله فولادی
او متالورژی فولاد
او ورق فولادی
ان *Steel*

فولاد آلومینیم‌اندود
اع۱ فولاد
اع۲ آلیاژ آهن
اع۳ آلیاژ فلز واسطه
اع۱ مواد اندوده
اع۲ مواد
او آلومینیوم
ان *Aluminum coated steel*

فولاد ابزار
ب‌ج *فولاد مته*
اع۱ فولاد
اع۲ آلیاژ آهن
اع۳ آلیاژ فلز واسطه
ان *tool steel*

فولاد اوتکتوئید
ب‌ک فولاد کربنی

فولاد روکش‌مسی
اع۱ فلز روکش‌دار
اع۲ مواد اندوده
اع۳ مواد
اع۱ فولاد
اع۲ آلیاژ آهن
اع۳ آلیاژ فلز واسطه
او مس
ان *Copper clad steel*

فولاد زنگ‌نزن
اع۱ فولاد
اع۲ آلیاژ آهن
اع۳ آلیاژ فلز واسطه
او آلیاژ کروم
او آلیاژ مولیبدن
او آلیاژ نیکل
او فولاد مارتنزیتی کهنه‌شونده
ان *Stainless steel*

فولادسازی
اع۱ متالورژی فولاد
اع۲ متالورژی
اخ۱ فرایند احیای مستقیم
اخ۱ فرایند اکسیژن قلیایی
اخ۲ فولادسازی افشانه‌ای
اخ۱ فرایند بسمر
اخ۱ فرایند روباز
اخ۱ فرایند ریخته‌گری الکتریکی
اخ۱ فولادسازی بادی
او اضافات خاک کمیاب
او اکسیژن‌زدا
او پژوهش فولاد
او ذوب با قوس پلاسما
او ذوب مجدد
او سرباره
او شمش فولاد
او صنعت آهن و فولاد
او فرایند ریخته‌گری فولاد
او فولاد
او کارخانه ذوب آهن
او گوگردزدایی
او متالورژی پاتیلی
ان *Steelmaking*

فولادسازی افشانه‌ای
اع۱ فرایند اکسیژن قلیایی
اع۲ فولادسازی
اع۳ متالورژی فولاد
ان *Spray steelmaking*

فولادسازی اکسیژنی
ب‌ک فرایند اکسیژن قلیایی

فولادسازی بادی
اع۱ فولادسازی
اع۲ متالورژی فولاد
اع۳ متالورژی
او بادگان‌شناسی
ان *Pneumatic steelmaking*

فولاد سیلیسیمی
اع۱ فولاد
اع۲ آلیاژ آهن
اع۳ آلیاژ فلز واسطه
ان *Silicon steel*

فولاد قراضه
اع۱ فلز قراضه
اع۲ مواد
او فولاد
او قراضه آهن
ان *Steel scrap*

فولاد کربنی
ب‌ج *فولاد اوتکتوئید*
ب‌ج *فولاد گرافیتی*
ب‌ج *فولاد نرم*
اع۱ فولاد
اع۲ آلیاژ آهن
اع۳ آلیاژ فلز واسطه
او کربن
ان *Carbon steel*

فولادگذاری
اخ۱ فولادگذاری بتن
او پلاستیک تقویت‌شده
او تاره بلور
او تکیه‌گاه
او سیم
او مخلوط ملات سرامیکی
او مواد مختلط
ان *Reinforcement*

فولادگذاری بتن
اع۱ فولادگذاری
اع۱ مواد
او بتن مسلح
او فراورده بتنی
ان *Concrete reinforcement*

فولاد گرافیتی
ب‌ک فولاد کربنی

فولاد مارتنزیتی کهنه‌شونده
اع۱ فولاد
اع۲ آلیاژ آهن
اع۳ آلیاژ فلز واسطه
او فولاد زنگ‌نزن
ان *Maraging steel*

فولاد مته
ب‌ک فولاد ابزار

فولاد نرم
ب‌ک فولاد کربنی

فونون
او ارتعاش شبکه
او تراز انرژی الکترونی
او ذره بنیادی
او سولیتون
او موج صوتی
او موج کشسانی
ان *Phonon*

فهرست راهنمای داده‌ها
ب‌ک سیستم پایگاه داده‌ها

فهرست‌نویسی(اطلاعات)
اع۱ تجزیه و تحلیل اطلاعات
اع۲ علم اطلاع‌رسانی
او طبقه‌بندی اطلاعات
او کنترل واژگان
ان *Indexing (of information)*

فیبر کربنی
ب‌ک الیاف کربنی

فیزیک
اع۱ علوم طبیعی
اخ۱ اخترفیزیک
اخ۱ الکترواستاتیک
اخ۱ زمین‌فیزیک
اخ۲ زمین‌سنجی
اخ۲ زمین‌فیزیک زیردریایی
اخ۲ لرزه‌شناسی
اخ۱ صوت‌شناسی
اخ۲ صوت‌شناسی جوی

اخ۲ صوت‌شناسی ریزموجی
اخ۲ صوت‌شناسی زیرآبی
اخ۲ صوت‌شناسی ساختمانی
اخ۲ صوت‌شناسی شنیداری
اخ۲ فراصوت‌شناسی
اخ۱ فیزیک اتمی
اخ۱ فیزیک انرژی بالا
اخ۱ فیزیک حالت جامد
اخ۱ فیزیک مولکولی
اخ۱ فیزیک هسته‌ای
اخ۱ مغناطیس‌شناسی ساکن
اخ۱ نظریه پلاسما
اخ۱ نظریه کوانتومی
اخ۱ نظریه لیزری
اخ۱ نظریه میدان الکترومغناطیسی
اخ۱ نورشناسی
اخ۲ اکروی
اخ۲ دیده‌وری کوانتمی
اخ۲ رنگ‌پذیر
اخ۲ نورشناسی آماری
اخ۲ نورشناسی تارها
اخ۲ نورشناسی تطبیقی
اخ۲ نورشناسی جوی
اخ۲ نورشناسی ذره‌ای
اخ۳ نورشناسی الکترونی
اخ۲ نورشناسی صنعتی
اخ۲ نورشناسی غیرخطی
اخ۳ اختلاط چهارموجی
اخ۳ تبدیل بسامد نوری
اخ۳ مات‌شدگی گرمایی
اخ۲ نورشناسی فضایی
اخ۲ نورشناسی فوریه
اخ۲ نورشناسی لیزری
اخ۲ نورشناسی مجتمع
اخ۲ نورشناسی هندسی
او پژوهش
او پلاسما
او تابش
او ترمودینامیک
او علم مواد
او نسبیت
او نظریه
او نظریه رادار
ان *Physics*

فیزیک اتمی

اع۱ فیزیک
اع۲ علوم طبیعی
او اتم
او چشمه ذره بنیادی
او ذره بنیادی
او فیزیک مولکولی
او فیزیک هسته‌ای
او واکنشگاه پژوهشی
ان *Atomic physics*

فیزیک انرژی بالا

ب‌ج *فیزیک ذره‌ای*
اع۱ فیزیک
اع۲ علوم طبیعی
او ذره بنیادی
او شتاب‌دهندهٔ ذره
او نورشناسی ذره‌ای
ان *High energy physics*

فیزیک حالت جامد

اع۱ فیزیک
اع۲ علوم طبیعی
او ابزار حالت جامد
او جامد
ان *Solid state physics*

فیزیک‌درمانی

ب‌ج *فیزیولوژی*
اع۱ زیست‌شناسی
اع۲ علوم طبیعی
اخ۱ فیزیک‌درمانی اعصاب
اخ۱ فیزیک‌درمانی الکتریکی
اخ۱ فیزیک‌درمانی روانی
او ارگونومی
او بینایی
او پزشکی
او پژوهش خواب
او خون
او شنوایی
او مدل فیزیک‌درمانی
او مطالعه حرکت خون
ان *Physiology*

فیزیک‌درمانی اعصاب

اع۱ عصب‌شناسی

اع۲ پزشکی
اع۱ فیزیک‌درمانی
اع۲ زیست‌شناسی
اع۳ علوم طبیعی
او شبکه عصبی
او مغز
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Neurophysiology*

فیزیک‌درمانی الکتریکی

اع۱ فیزیک‌درمانی
اع۲ زیست‌شناسی
اع۳ علوم طبیعی
او پدیده زیست‌الکتریک
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Electrophysiology*

فیزیک‌درمانی روانی

اع۱ فیزیک‌درمانی
اع۲ زیست‌شناسی
اع۳ علوم طبیعی
او مهندسی فاکتورهای انسانی
ان *Psychophysiology*

فیزیک ذره‌ای

ب‌ک فیزیک انرژی بالا

فیزیک مولکولی

اع۱ فیزیک
اع۲ علوم طبیعی
او فیزیک اتمی
او فیزیک هسته‌ای
او مولکول
ان *Molecular physics*

فیزیک هسته‌ای

اع۱ فیزیک
اع۲ علوم طبیعی
او انرژی هسته‌ای
او پرتوزایی
او حالت بحرانی(شکاف هسته‌ای)
او طیف‌نمایی با تابش هسته‌ای
او فیزیک اتمی
او فیزیک مولکولی
او گداخت لیزری
او واکنش شکافت هسته‌ای
او واکنش هم‌جوشی
او واکنشگاه پژوهشی
او ویژگی هسته‌ای
ان *Nuclear physics*

فیزیوتراپی

ب‌ج *آب‌درمانی*
اع۱ توانبخشی بیمار
او مهندسی توانبخشی انسانی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Physical therapy*

فیزیولوژی

ب‌ک فیزیک‌درمانی

فیلم

اع۱ مواد
اخ۱ الماس‌پوسه
اخ۱ زیست‌لایه
اخ۱ فیلم ضخیم
اخ۲ لایه ضخیم مغناطیسی
اخ۱ فیلم اریخت
اخ۱ فیلم رسانا
اخ۱ فیلم عکاسی
اخ۲ خردورقه
اخ۳ خردفیلم
اخ۲ فیلم پرتو ایکس
اخ۲ فیلم رنگی
اخ۱ فیلم لاستیکی
اخ۱ فیلم لانگمویر بلاگت
اخ۱ فیلم مغناطیسی
اخ۲ لایه ضخیم مغناطیسی
اخ۲ لایه نازک مغناطیسی
اخ۱ فیلم مومسان
اخ۲ سلوفان
اخ۱ فیلم نازک
اخ۲ لایه نازک مغناطیسی
اخ۱ فیلم نوری
اخ۱ لایه ابررسانشی
اخ۱ لایه دی‌الکتریک
اخ۱ لایه سلولزی
اخ۱ لایه فلزی
اخ۱ لایه کنترل خورشیدی

اخ۱ لایه نیم‌رسانا
او اندود
او اندود محافظ
او بستر
او پدیده سطحی
او تهیه فیلم
او چندلایه‌ای
او رشد فیلم
او نهشت با بخار شیمیایی
ان *Film*

فیلم ضخیم
اع۱ فیلم
اع۲ مواد
اخ۱ لایه ضخیم مغناطیسی
او ابزار فیلم‌ضخیم
او بستر
او لایه فلزی
او مدار فیلم‌ضخیم
ان *Thick film*

فیلم آموزشی
اع۱ تصویر متحرک
او اشاعه اطلاعات
او آموزش
ان *Educational motion picture*

فیلم اریخت
اع۱ فیلم
اع۲ مواد
اع۱ مواد اریخت
اع۲ مواد
ان *Amorphous film*

فیلم پرتو ایکس
اع۱ دستگاه پرتو ایکس
اع۲ تجهیزات
اع۱ فیلم عکاسی
اع۲ فیلم
اع۳ مواد
اع۲ مواد حساس به نور
اع۳ مواد نوری
ان *X ray film*

فیلم تصویر متحرک
ب‌ک فیلم عکاسی

فیلم تک‌مولکولی
ب‌ک تک‌لایه‌ای

فیلم دوربین
ب‌ک فیلم عکاسی

فیلم رسانا
اع۱ فیلم
اع۲ مواد
اع۱ مواد رسانا
اع۲ مواد
ان *Conductive film*

فیلم رنگی
اع۱ فیلم عکاسی
اع۲ فیلم
اع۳ مواد
اع۲ مواد حساس به نور
اع۳ مواد نوری
او عکاسی رنگی
او نورحساسی
ان *Color film*

فیلم عکاسی
ب‌ج *صفحه عکاسی*
ب‌ج *فیلم تصویر متحرک*
ب‌ج *فیلم دوربین*
اع۱ فیلم
اع۲ مواد
اع۱ مواد حساس به نور
اع۲ مواد نوری
اع۳ مواد
اخ۱ خردورقه
اخ۲ خردفیلم
اخ۱ فیلم پرتو ایکس
اخ۱ فیلم رنگی
او امولسیون عکاسی
او تجهیزات عکاسی
او عکاسی
او نورچگالی‌سنج
او نورحساسی
او واکنش نورشیمیایی

ان *Photographic film*

فیلم لاستیکی

اع۱ فراورده لاستیکی
اع۱ فیلم
اع۲ مواد
ان *Rubber film*

فیلم لانگمویر بلاگت

اع۱ فیلم
اع۲ مواد
او تک‌لایه‌ای
ان *Langmuir Blodgett film*

فیلم مغناطیسی

اع۱ فیلم
اع۲ مواد
اع۱ مواد مغناطیسی
اع۲ مواد
اخ۱ لایه ضخیم مغناطیسی
اخ۱ لایه نازک مغناطیسی
ان *Magnetic film*

فیلم مومسان

اع۱ پلاستیک
اع۲ مواد
اع۱ فیلم
اع۲ مواد
اخ۱ سلوفان
او اندود مومسان
او فراورده مومسان
او ورقه مومسان
ان *Plastic film*

فیلم نازک

اع۱ فیلم
اع۲ مواد
اخ۱ لایه نازک مغناطیسی
او ابزار فیلم‌نازک
او اندود
او بستر
او خط ریزنوارکی
او رشد همبافته
او فیلم نوری
او لایه ابررسانشی
او لایه دی‌الکتریک
او لایه فلزی
او لایه نیم‌رسانا
او مدار فیلم‌نازک
او نهشت با اتم‌پاشی
او نهشت با بخار
او ویفر سیلیسیمی
ان *Thin film*

فیلم نوری

اع۱ فیلم
اع۲ مواد
اع۱ مواد نوری
اع۲ مواد
او ابزار نوری
او اندود ضدبازتاب
او اندود نوری
او بازتاب
او پالایه نوری
او تداخل نوری
او جذب نور
او چندلایه‌ای نوری
او فیلم نازک
او لایه دی‌الکتریک
او نورشناسی
او نورشناسی مجتمع
ان *Optical film*

فیلیپ فلاپ

ب‌ک مدار فیلیپ فلاپ

فیوز

اع۱ تجهیزات کنترل الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات کنترل
اع۳ تجهیزات
او سوده الکتریکی
او محافظت تجهیزات الکتریکی
ان *Electric fuse*

قابل دوام در دریای طوفانی

ی‌د قابلیت کشتی برای ناوبری ایمن در طی طوفان
او کشتی

او ناوبری
ان *Seakeeping*

قابلیت احتراق
ب‌ک قابلیت اشتعال

قابلیت اشتعال
ب‌ج *اشتعال‌پذیری*
ب‌ج *قابلیت احتراق*
اع۱ ویژگی فیزیکی
او احتراق
او احتراق خودبه‌خود
او آزمایش اشتعال
او مقاومت در برابر آتش
او مواد آتش‌گیر
ان *Flammability*

قابلیت اطمینان
او از کاراندازی موقت
او آزمایش
او آزمون آماری
او استاندارد
او استانداردکردن
او افزونگی
او انطباق و رواداری
او بازرسی
او بهره‌دهی
او تحقیق در عملیات
او تحلیل خرابی
او تضمین کیفیت
او تولید
او خطای سنج‌افزار
او دسترسی
او روش آماری
او سیستم رایانه‌ای مقاوم در برابر خرابی
او شکست(مکانیکی)
او ضریب اطمینان
او عمر مفید
او عملکرد
او کنترل کیفیت
او مشخصات
او نظریه اعتمادپذیری
او نگهداشت
او نگهداشت‌پذیری
او نمونه‌برداری
ان *Reliability*

قابلیت حمل نرم‌افزار رایانه
او استاندارد
او مهندسی نرم‌افزار به کمک رایانه
ان *Computer software portability*

قابلیت خمش
ب‌ک شکل‌پذیری

قابلیت ماشین‌کاری
اع۱ شکل‌پذیری
اع۲ ویژگی مکانیکی
او آلیاژ
او سختی
او فلز
او ماشین‌کاری
ان *Machinability*

قارچ
ب‌ج *قارچ‌شناسی*
ب‌ج کپک
اع۱ گیاه
اخ۱ مخمر
او آفلاتوکسین
او حفاظت از قارچ
او حمله قارچ
او قارچ‌کش
او مقاومت در برابر قارچ
او میکروارگانیسم
او میکروب‌شناسی
ان *Fungus*

قارچ‌شناسی
ب‌ک قارچ

قارچ‌کش
اع۱ آفت‌کش
اع۲ پادزیست
اع۳ مواد شیمیایی
او حفاظت از قارچ
او حمله قارچ
او قارچ
ان *Fungicide*

قالب

اع۱ تجهیزات
اخ۱ قالب(بتنی)
اخ۱ قالب شمش
اخ۱ قالب لاستیک
اخ۱ قالب مومیان
او فراوردن شیشه
او قالب‌گیری
او قالب‌گیری پلاستیک
او لاستیک چرخ
او ماسه ریخته‌گری
او ماشین قالب‌گیری پلاستیک
ان *Mold*

قالب سازه‌ای

اع۱ سازه
او پانل سازه‌ای
او تکیه‌گاه
او تیر و شاه‌تیر
ان *Structural frame*

قالب(بتنی)

بچ *قالب بتنی*
اع۱ قالب
اع۲ تجهیزات
او تجهیزات ساخت
او ساخت بتنی
او قالب‌زنی لغزنده
ان *Form (concrete)*

قالب آهنگری

اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ قالب انتقالی
اخ۱ قالب پیچ‌تراشی
اخ۱ قالب خمش
اخ۱ قالب روزن‌رانی
اخ۱ قالب سرامیک
اخ۱ قالب شکل‌دهی پلاستیک
اخ۱ قالب شکل‌دهی لاستیک
اخ۱ قالب کاربید
اخ۱ قالب کشش
او ابزار تراش
او آهنگری
او پرس(ابزار ماشینی)
او ریخته‌گری فشاری
او ماشین پتک‌کاری افقی
ان *Die*

قالب انتقالی

اع۱ قالب آهنگری
اع۲ ماشین‌ابزار
اع۳ ابزار
ان *Transfer die*

قالب بتنی

ب‌ک قالب(بتنی)

قالب پیچ‌تراشی

اع۱ ابزار تراش
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات برش
اع۳ تجهیزات
اع۱ قالب آهنگری
اع۲ ماشین‌ابزار
اع۳ ابزار
اع۳ ماشین‌آلات
او پیچ‌تراشی
او قلاویز
ان *Thread cutting die*

قالب خمش

اع۱ قالب آهنگری
اع۲ ماشین‌ابزاز
اع۳ ابزار
اع۳ ماشین‌آلات
او ابزار خم‌کاری
او خمش(شکل‌دهی)
او ماشین خم‌کن
ان *Bending die*

قالب روزن‌رانی

اع۱ روزن‌ران
اع۲ ماشین‌آلات
اع۱ قالب آهنگری
اع۲ ماشین‌ابزار

اع۳ ابزار
اع۳ ماشین‌آلات
ان *Extrusion die*

قالب‌زنی لغزنده

اع۱ ساخت بتنی
اع۲ ساخت بنایی
اع۳ ساخت
اع۲ صنعت بتن
اع۳ صنعت
او قالب(بتنی)
ان *Slip forming*

قالب سرامیک

اع۱ فراورده سرامیکی
اع۱ قالب آهنگری
اع۲ ماشین‌ابزار
اع۳ ابزار
اع۳ ماشین‌آلات
او ابزار تراشکاری سرامیک
ان *Ceramic die*

قالب شکل‌دهی پلاستیک

اع۱ قالب آهنگری
اع۲ ماشین‌ابزار
اع۳ ابزار
اع۳ ماشین‌آلات
اع۱ ماشین‌آلات پلاستیک
اع۲ ماشین‌آلات
ان *Plastic forming die*

قالب شکل‌دهی لاستیک

اع۱ قالب آهنگری
اع۲ ماشین‌ابزار
اع۳ ابزار
اع۳ ماشین‌آلات
او لاستیک
ان *Rubber forming die*

قالب شمش

اع۱ قالب
اع۲ تجهیزات
او شمش
او قطعه ریختگی فلزی
ان *Ingot mold*

قالب کاربید

أع۱ ابزار کاربید
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۱ قالب آهنگری
اع۲ ماشین‌ابزار
اع۳ ابزار
او ابزار تراش کاربید
او کاربید
ان *Carbide die*

قالب کشش

اع۱ قالب آهنگری
اع۲ ماشین‌ابزار
اع۳ ابزار
او کشش(شکل‌دهی)
ان *Drawing die*

قالب‌گیری

اع۱ شکل‌دهی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
اخ۱ قالب‌گیری پلاستیک
اخ۲ قالب‌گیری انتقالی
اخ۲ قالب‌گیری چرخشی
اخ۲ قالب‌گیری دمشی
اخ۲ قالب‌گیری واکنش‌پذیر
اخ۱ قالب‌گیری روزن‌رانی
اخ۱ قالب‌گیری فشاری
اخ۲ قالب‌گیری تزریقی
اخ۳ قالب‌گیری تزریقی واکنشی
اخ۱ قالب‌گیری فلز
اخ۱ قالب‌گیری لاستیک
اخ۱ نمونه‌سازی
او پیش‌شکل‌دهی
او تخلیه فلز مذاب(کوره)
او ریخته‌گری
او فرایند ریخته‌گری
او قالب
او کارگاه ریخته‌گری
او ماسه ریخته‌گری
ان *Molding*

قالب‌گیری انتقالی

اع۱ قالب‌گیری پلاستیک
اع۲ شکل‌دهی پلاستیک
اع۳ شکل‌دهی
اع۲ قالب‌گیری
اع۳ شکل‌دهی
او گرماسخت
ان *Transfer molding*

قالب‌گیری پلاستیک

اع۱ شکل‌دهی پلاستیک
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
اع۱ قالب‌گیری
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
اخ۱ قالب‌گیری انتقالی
اخ۱ قالب‌گیری چرخشی
اخ۱ قالب‌گیری دمشی
اخ۱ قالب‌گیری واکنش‌پذیر
او پلاستیک
او ریخته‌گری پلاستیک
او فراورده مومسان
او قالب
او قالب‌گیری تزریقی
او قالب‌گیری تزریقی واکنشی
او قالب‌گیری روزن‌رانی
او قالب‌گیری فشاری
او قطعه ریختگی مومسان
ان *Plastic molding*

قالب‌گیری تزریقی

اع۱ قالب‌گیری فشاری
اع۲ قالب‌گیری
اع۳ شکل‌دهی
اخ۱ قالب‌گیری تزریقی واکنشی
او شکل‌دهی پلاستیک
او قالب‌گیری پلاستیک
ان *Injection molding*

قالب‌گیری تزریقی واکنشی

اع۱ قالب‌گیری تزریقی
اع۲ قالب‌گیری فشاری
اع۳ قالب‌گیری
او شکل‌دهی پلاستیک
او قالب‌گیری پلاستیک
ان *Reaction injection molding*

قالب‌گیری چرخشی

بج ریخته‌گری چرخشی
اع۱ قالب‌گیری پلاستیک
اع۲ شکل‌دهی پلاستیک
اع۳ شکل‌دهی
اع۲ قالب‌گیری
اع۳ شکل‌دهی
ان *Rotational molding*

قالب‌گیری دمشی

بج دمش
اع۱ قالب‌گیری پلاستیک
اع۲ شکل‌دهی پلاستیک
اع۳ شکل‌دهی
اع۲ قالب‌گیری
اع۳ شکل‌دهی
ان *Blow molding*

قالب‌گیری روزن‌رانی

اع۱ روزن‌رانی
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
اع۱ قالب‌گیری
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
او روزن‌ران
او روزن‌ران پلاستیک
او شکل‌دهی پلاستیک
او قالب‌گیری پلاستیک
ان *Extrusion molding*

قالب‌گیری فشاری

اع۱ قالب‌گیری
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
اخ۱ قالب‌گیری تزریقی
اخ۲ قالب‌گیری تزریقی واکنشی
او شکل‌دهی پلاستیک
او قالب‌گیری پلاستیک
ان *Compression molding*

قالب‌گیری فلز
اع۱ شکل‌دهی فلز
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
اع۱ قالب‌گیری
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
او ریخته‌گری فلز
ان *Metal molding*

قالب‌گیری لاستیک
اع۱ قالب‌گیری
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
او فراورده لاستیکی
او قالب لاستیک
او کارخانه لاستیک‌سازی
ان *Rubber molding*

قالب‌گیری واکنش‌پذیر
اع۱ قالب‌گیری پلاستیک
اع۲ شکل‌دهی پلاستیک
اع۳ شکل‌دهی
اع۲ قالب‌گیری
اع۳ شکل‌دهی
ان *Reactive molding*

قالب‌گیری یکپارچه
بج *ریخته‌گری بدون محفظه*
اع۱ ریخته‌گری
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
او ریخته‌گری فلز
او فرایند ریخته‌گری
ان *Full mold process*

قالب لاستیک
اع۱ فراورده لاستیکی
اع۱ قالب
اع۲ تجهیزات
او قالب‌گیری لاستیک
او کارخانه لاستیک‌سازی
او ماشین‌آلات لاستیک
ان *Rubber mold*

قالب مومسان
اع۱ قالب
اع۲ تجهیزات
او پلاستیک
او فراورده مومسان
ان *Plastic mold*

قانون بین‌المللی
اع۱ قانون و قانونگزاری
او همکاری بین‌المللی
ان *International law*

قانونگزاری
ب‌ک قانون و قانونگزاری

قانون و قانونگزاری
بج *قانونگزاری*
بج *مقررات*
اع۱ قانون بین‌المللی
اع۱ مقررات و قوانین معدن‌کاری
او استاندارد
او امتیازدهی واکنشگاه هسته‌ای
او ایستگاه توزین
او آیین‌نامه ساختمانی
او برنامه‌ریزی منطقه‌ای
او بعد حرفه‌ای
او بهداشت صنعتی
او پلاک شماره(خودرو)
او حریم راه
او رمز الکتریکی
او سیاست عمومی
او شناسه بالابر
او شناسه تهویه
او شناسه جوشکاری
او شناسه خط‌لوله
او شناسه دیگ بخار
او شناسه دیگ فشار
او شناسه(استاندارد)
او مالکیت معنوی
او منطقه‌بندی
او نشان‌دارکردن
ان *Laws and legislation*

قایق
بج *قایق بادشونده*

اع۱ آب‌پیما
اع۲ وسیله نقلیه
اخ۱ تجهیزات قایق
اخ۲ دکل(قایق)
اخ۲ سنج‌افزار قایق
اخ۲ ضربه‌گیر(قایق)
اخ۱ دوبه
اخ۲ دوبه لوله‌گذاری
اخ۱ شناور
اخ۱ قایق آزمایشی
اخ۱ قایق ترابری
اخ۲ گذرگاه قطار
اخ۱ قایق تفریحی
اخ۱ قایق جنگی
اخ۱ قایق موتوری
اخ۱ قایق نجات
اخ۱ قایق یدک‌کش
اخ۱ کشتی ماهی‌گیری
او بدنه(کشتی)
او بیمه دریایی
او ترابری آبی
او سکوی تولید
او کشتی
او کشتی بادبانی
او معماری دریایی
او مهار تک‌نقطه‌ای
او مهار کشتی
او مهندسی دریایی
او وسیله نقلیه با بالشتک هوا
ان *Boat*

قایق آزمایشی

اع۱ قایق
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
ان *Pilot boat*

قایق بادبانی

ب‌ک کشتی بادبانی

قایق بادشونده

ب‌ک تجهیزات بادشونده
ب‌ک قایق

قایق‌بالابر

اع۱ تجهیزات کشتی
اع۲ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات آب‌پیما
اع۳ آب‌پیما
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ کشتی
اع۳ آب‌پیما
ان *Davit*

قایق ترابری

ب‌چ *گذرگاه خودرو*
اع۱ قایق
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
اخ۱ گذرگاه قطار
ان *Ferry boat*

قایق تفریحی

اع۱ قایق
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
ان *Yacht*

قایق جنگی

اع۱ تجهیزات اطفای حریق
اع۲ تجهیزات
اع۱ قایق
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
ان *Fire boat*

قایق‌سازی

ب‌ک کشتی‌سازی

قایق موتوری

اع۱ قایق
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
ان *Motor boat*

قایق نجات

اع۱ تجهیزات گارد ساحلی
اع۲ تجهیزات کشتی
اع۳ تجهیزات

اع۱ قایق
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
ان *Lifeboat*

قایق یدک‌کش
اع۱ قایق
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
ان *Tugboat*

قدرت پیوند(شیمیایی)
او پیوند شیمیایی
ان *Bond strength (chemical)*

قدرت جداکنندگی نوری
بج *تفکیک(نوری)*
بج *توان تفکیک*
او سنج‌افزار نوری
او نورشناسی
ان *Optical resolving power*

قدرت کشندی
اع۱ نیروی آب
اع۲ منبع تجدیدشدنی انرژی
اع۳ منبع انرژی
او تولید نیرو
او کشند
او نیروگاه کشندی
او نیروی موج
ان *Tidal power*

قدرت یونی
او الکترواستاتیک
او برق‌کاف
او یون
ان *Ionic strength*

قرارداد
بج *موافقتنامه*
او مدیریت
او واحد صنعتی
ان *Contract*

قرارداد بین‌المللی
بک همکاری بین‌المللی

قراضه آهن
اع۱ فلز قراضه
اع۲ مواد
او آهن
او فولاد قراضه
ان *Iron scrap*

قراضه روی
اع۱ فلز قراضه
اع۲ مواد
او روی
ان *Zinc scrap*

قراضه مس
اع۱ فلز قراضه
اع۲ مواد
او مس
ان *Copper scrap*

قرقره
اع۱ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۲ تجهیزات
ان *Reel*

قطبش
اع۱ ویژگی فیزیکی
اخ۱ قطبش آندی
اخ۱ قطبش موج الکترومغناطیسی
اخ۲ قطبش نور
او اثر الکترونوری
او اثر نورمغناطیسی
او فروالکتریسیته
او قطبش‌سنج
ان *Polarization*

قطبش آندی
اع۱ قطبش
اع۲ ویژگی فیزیکی
او آند
او برق‌کافت
ان *Anodic polarization*

قطبش‌سنج

ب‌ج *قطبش‌سنج نوری*
ب‌ج *قطبش‌سنجی*
اع۱ سنج‌افزار نوری
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او بیضوی‌سنجی
او تجزیه شیمیایی
او تجزیه قطبش‌نگاری
او قطبش
او قطبش نور
او قطبش‌نما
او نورسنج
ان *Polarimeter*

قطبش‌سنج نوری
ب‌ک قطبش‌سنج

قطبش‌سنجی
ب‌ک قطبش‌سنج

قطبش موج الکترومغناطیسی

اع۱ قطبش
اع۲ ویژگی فیزیکی
اخ۱ قطبش نور
او اثر نورمغناطیسی
او موج الکترومغناطیسی
ان *Electromagnetic wave polarization*

قطبش نگار

اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او تجزیه قطبش‌نگاری
او کولن‌سنج
ان *Polarograph*

قطبش‌نگاری
ب‌ک تجزیه قطبش‌نگاری

قطبش‌نما

اع۱ سنج‌افزار نوری
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او تجزیه شیمیایی
او قطبش‌سنج
ان *Polariscope*

قطبش نور

ب‌ج *قطبش نوری*
ب‌ج *نور قطبیده*
اع۱ قطبش موج الکترومغناطیسی
اع۲ قطبش
اع۳ ویژگی فیزیکی
او اثر فارادی
او اثر کر نوری
او اثر نورمغناطیسی
او چرخش نوری
او خاموشی
او دوشکستی
او قطبش‌سنج
او منشور
او نور
او نورکشسانی
ان *Light polarization*

قطبش نوری
ب‌ک قطبش نور

قطب و صفر

اع۱ فن ریاضی
او تابع انتقال
او چندجمله‌ای
او مکان ریشه
ان *Pole and zero*

قطران

اع۱ مواد
اخ۱ قطران زغال‌سنگ
اخ۱ قطران نفت
او آسفالت
او مواد قیری
ان *Tar*

قطران زغال‌سنگ

اع۱ قطران

اع۲	مواد
او	تقطیر تخریبی زغال‌سنگ
او	زغال‌سنگ
ان	*Coal tar*

قطران گاز

اع۱	هیدروکربن
اع۲	ترکیبات آلی
اع۳	ترکیبات شیمیایی
اخ۱	پروپان
او	بوتان
او	گاز طبیعی
ان	*Gas condensate*

قطران نفت

اع۱	فراورده نفتی
اع۲	مواد
اع۱	قطران
اع۲	مواد
ان	*Petroleum tar*

قطعات و تجهیزات آب‌پیما

اع۱	آب‌پیما
اع۲	وسیله نقلیه
اع۱	قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲	وسیله نقلیه
اخ۱	پایدارساز(کشتی دریایی)
اخ۱	تجهیزات کشتی
اخ۲	پیشران کشتی
اخ۲	تجهیزات الکترونیکی کشتی
اخ۲	تجهیزات برقی کشتی
اخ۲	تجهیزات گارد ساحلی
اخ۲	تجهیزات هدایت کشتی
اخ۳	سکان
اخ۲	جرثقیل کشتی
اخ۲	دریچه
اخ۲	دودکش کشتی
اخ۲	روکش دریچه
اخ۲	سنج‌افزار کشتی
اخ۲	قایق‌بالابر
اخ۲	کابل لنگر
اخ۲	لنگر
اخ۲	مخزن بالاست
اخ۱	دیگ بخار دریایی
اخ۱	موتور دریایی
او	جفت‌ساز دریایی
او	سیستم علائم دریایی
ان	*Water craft parts and equipment*

قطعات و تجهیزات خودرو

اع۱	خودرو
اع۲	وسیله نقلیه زمینی
اع۳	وسیله نقلیه
اع۱	قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۲	قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳	وسیله نقلیه
اخ۱	ابزار ایمنی خودرو
اخ۲	کمربند ایمنی خودرو
اخ۲	کیسه هوای خودرو
اخ۱	اگزوز خودرو
اخ۱	بدنه خودرو
اخ۲	شاسی خودرو
اخ۱	برف‌پاک‌کن خودرو
اخ۱	تجهیزات الکترونیکی خودرو
اخ۲	تجهیزات تلویزیونی خودرو
اخ۲	تجهیزات رادیویی خودرو
اخ۱	تجهیزات الکتریکی خودرو
اخ۱	تجهیزات فرمان خودرو
اخ۱	جعبه‌دنده خودرو
اخ۱	چرخ‌آویز خودرو
اخ۱	داشبورد خودرو
اخ۱	سپر خودرو
اخ۱	سخت‌افزار خودرو
اخ۲	قفل در خودرو
اخ۱	سنج‌افزار خودرو
اخ۱	سیستم سرمایش خودرو
اخ۲	رادیاتور خودرو
اخ۱	شیشه جلوی خودرو
اخ۱	صندلی خودرو
اخ۱	ضربه‌گیر خودرو
اخ۱	فنر خودرو
اخ۱	گرم‌کن خودرو
اخ۱	مبلمان خودرو
اخ۱	مخزن سوخت خودرو
اخ۱	موتور خودرو
اخ۲	چندراهه موتور خودرو
اخ۲	موتور خودروی کوچک
اخ۲	موتور خودروی مسابقه
او	برف‌پاک‌کن
او	چراغ جلو
او	کارخانه خودروسازی

او محور
او منسوجات خودرو
او مواد خودرو
ان *Automobile parts and equipment*

قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه

اع۱ تجهیزات
اع۱ وسیله نقلیه
اخ۱ برف‌پاک‌کن
اخ۱ تجهیزات فضاپیما
اخ۲ سنج‌افزار فضاپیما
اخ۲ سیستم پشتیبانی حیاتی(فضاپیما)
اخ۲ سیستم گریز فضاپیما
اخ۲ منبع تغذیه فضاپیما
اخ۱ تجهیزات قایق
اخ۲ دکل(قایق)
اخ۲ سنج‌افزار قایق
اخ۲ ضربه‌گیر(قایق)
اخ۱ تجهیزات واگن راه‌آهن
اخ۲ ضربه‌گیر واگن راه‌آهن
اخ۲ ضربه‌گیر هوایی
اخ۲ قلاب واگن راه‌آهن
اخ۱ جعبه‌دنده وسیله نقلیه
اخ۲ جعبه‌دنده خودرو
اخ۱ چرخ‌آویز وسیله نقلیه
اخ۲ چرخ‌آویز خودرو
اخ۱ چرخ وسیله نقلیه
اخ۱ شیشه جلو
اخ۲ شیشه جلوی خودرو
اخ۲ شیشه جلوی هواگرد
اخ۱ فنر وسیله نقلیه
اخ۲ فنر خودرو
اخ۱ قطعات و تجهیزات آب‌پیما
اخ۲ پایدارساز(کشتی دریایی)
اخ۲ تجهیزات کشتی
اخ۳ پیشران کشتی
اخ۳ تجهیزات الکترونیکی کشتی
اخ۳ تجهیزات برقی کشتی
اخ۳ تجهیزات گارد ساحلی
اخ۳ تجهیزات هدایت کشتی
اخ۳ جرثقیل کشتی
اخ۳ دریچه
اخ۳ دودکش کشتی
اخ۳ روکش دریچه
اخ۳ سنج‌افزار کشتی
اخ۳ قایق‌بالابر
اخ۳ کابل لنگر
اخ۳ لنگر
اخ۳ مخزن بالاست
اخ۲ دیگ بخار دریایی
اخ۲ موتور دریایی
اخ۱ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اخ۲ قطعات و تجهیزات خودرو
اخ۳ ابزار ایمنی خودرو
اخ۳ اگزوز خودرو
اخ۳ بدنه خودرو
اخ۳ برف‌پاک‌کن خودرو
اخ۳ تجهیزات الکترونیکی خودرو
اخ۳ تجهیزات الکتریکی خودرو
اخ۳ تجهیزات فرمان خودرو
اخ۳ جعبه‌دنده خودرو
اخ۳ چرخ‌آویز خودرو
اخ۳ داشبورد خودرو
اخ۳ سپر خودرو
اخ۳ سخت‌افزار خودرو
اخ۳ سنج‌افزار خودرو
اخ۳ سیستم سرمایش خودرو
اخ۳ شیشه جلوی خودرو
اخ۳ صندلی خودرو
اخ۳ ضربه‌گیر خودرو
اخ۳ فنر خودرو
اخ۳ گرم‌کن خودرو
اخ۳ مبلمان خودرو
اخ۳ مخزن سوخت خودرو
اخ۳ موتور خودرو
اخ۱ قطعات و تجهیزات هواگرد
اخ۲ ابزار گریز هواگرد
اخ۲ ارابه فرود(هواگرد)
اخ۳ ابزار جلوگیری‌کننده(هواگرد)
اخ۳ ابزار جمع‌کردن ارابه فرود
اخ۲ بال
اخ۲ بدنه(هواگرد)
اخ۲ پیکر(هواگرد)
اخ۲ تجهیزات رادار هواگرد
اخ۲ چراغ راهنمای هواگرد
اخ۲ خروج اضطراری هواگرد
اخ۲ دم(هواگرد)
اخ۲ سنج‌افزار هواگرد
اخ۳ ابزار نشانه‌روی بمب
اخ۳ الکترونیک هوایی
اخ۳ پیلوت خودکار
اخ۳ شاخص زاویه حمله

اخ۳ نشانگر برخاست
اخ۳ نشانگر همجواری
اخ۲ شیشه جلوی هواگرد
اخ۲ صندلی هواگرد
اخ۲ کابین(هواگرد)
اخ۲ کابین خلبان(هواگرد)
اخ۲ ملخ هواپیما
اخ۲ موتور هواگرد
اخ۳ موتور جت کوبه‌ای
اخ۱ لاستیک چرخ
اخ۲ رشته لاستیک چرخ
اخ۲ لاستیک چرخ بی‌تویی
اخ۲ لاستیک چرخ شعاعی
او برف‌روب
ان *Vehicle parts and equipment*

قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی

اع۱ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ وسیله نقلیه
اخ۱ قطعات و تجهیزات خودرو
اخ۲ ابزار ایمنی خودرو
اخ۳ کمربند ایمنی خودرو
اخ۳ کیسه هوای خودرو
اخ۲ اگزوز خودرو
اخ۲ بدنه خودرو
اخ۳ شاسی خودرو
اخ۲ برف‌پاک‌کن خودرو
اخ۲ تجهیزات الکترونیکی خودرو
اخ۳ تجهیزات تلویزیونی خودرو
اخ۳ تجهیزات رادیویی خودرو
اخ۲ تجهیزات الکتریکی خودرو
اخ۲ تجهیزات فرمان خودرو
اخ۲ جعبه‌دنده خودرو
اخ۲ چرخ‌آویز خودرو
اخ۲ داشبورد خودرو
اخ۲ سپر خودرو
اخ۲ سخت‌افزار خودرو
اخ۳ قفل در خودرو
اخ۲ سنج‌افزار خودرو
اخ۲ سیستم سرمایش خودرو
اخ۳ رادیاتور خودرو
اخ۲ شیشه جلوی خودرو
اخ۲ صندلی خودرو
اخ۲ ضربه‌گیر خودرو
اخ۲ فنر خودرو
اخ۲ گرم‌کن خودرو
اخ۲ مبلمان خودرو
اخ۲ مخزن سوخت خودرو
اخ۲ موتور خودرو
اخ۳ چندراهه موتور خودرو
اخ۳ موتور خودروی کوچک
اخ۳ موتور خودروی مسابقه
ان *Ground vehicle parts and equipment*

قطعات و تجهیزات هواگرد

اع۱ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ تجهیزات
اع۲ وسیله نقلیه
اع۱ هواگرد
اخ۱ ابزار گریز هواگرد
اخ۱ ارابه فرود(هواگرد)
اخ۲ ابزار جلوگیری‌کننده(هواگرد)
اخ۲ ابزار جمع‌کردن ارابه فرود
اخ۱ بال
اخ۱ بدنه(هواگرد)
اخ۱ پیکر(هواگرد)
اخ۱ تجهیزات رادار هواگرد
اخ۱ چراغ راهنمای هواگرد
اخ۱ خروج اضطراری هواگرد
اخ۱ دم(هواگرد)
اخ۱ سنج‌افزار هواگرد
اخ۲ ابزار نشانه‌روی بمب
اخ۲ الکترونیک هوایی
اخ۲ پیلوت خودکار
اخ۲ شاخص زاویه حمله
اخ۲ نشانگر برخاست
اخ۲ نشانگر همجواری
اخ۱ شیشه جلوی هواگرد
اخ۱ صندلی هواگرد
اخ۱ کابین(هواگرد)
اخ۱ کابین خلبان(هواگرد)
اخ۱ ملخ هواپیما
اخ۱ موتور هواگرد
اخ۲ موتور جت کوبه‌ای
او برف‌پاک‌کن
او چتر نجات
او سیستم ناوبری
او منسوجات هواگرد
او مواد هواگرد
او هواشکن
ان *Aircraft parts and equipment*

قطع الوار

ب‌ک نگاربرداری(جنگلبانی)

قطعه

ب‌ک اجزا

قطعه ریختگی

اخ۱ قطعه ریختگی فلزی
اخ۲ چدن ریخته‌گری
اخ۳ چدن چکش‌خور
اخ۳ قطعه ریختگی آهن چکش‌خور
اخ۲ شمش
اخ۳ شمش فولاد
اخ۲ قطعه ریختگی آلومینیومی
اخ۲ قطعه ریختگی تیتانیم
اخ۲ قطعه ریختگی روی
اخ۲ قطعه ریختگی فشاری
اخ۳ لایی ریخته‌گری فشاری
اخ۲ قطعه ریختگی فولاد
اخ۳ شمش فولاد
اخ۲ قطعه ریختگی منیزیمی
اخ۱ قطعه ریختگی مومسان
ان *Casting*

قطعه ریختگی آلومینیومی

اع۱ قطعه ریختگی فلزی
اع۲ قطعه ریختگی
او آلومینیوم
او آلیاژ آلومینیوم
او ریخته‌گری فلز
ان *Aluminum casting*

قطعه ریختگی آهن چکش‌خور

اع۱ چدن ریخته‌گری
اع۲ آلیاژ آهن
اع۳ آلیاژ فلز واسطه
اع۲ قطعه ریختگی فلزی
اع۳ قطعه ریختگی
او کارگاه ریخته‌گری آهن چکش‌خور
ان *Malleable iron casting*

قطعه ریختگی آهنی

ب‌ک چدن ریخته‌گری

قطعه ریختگی تیتانیم

اع۱ قطعه ریختگی فلزی
اع۲ قطعه ریختگی
او تیتانیم
ان *Titanium casting*

قطعه ریختگی روی

اع۱ قطعه ریختگی فلزی
اع۲ قطعه ریختگی
او روی
ان *Zinc casting*

قطعه ریختگی فشاری

اع۱ قطعه ریختگی فلزی
اع۲ قطعه ریختگی
اخ۱ لایی ریخته‌گری فشاری
او ریخته‌گری فشاری
ان *Die casting*

قطعه ریختگی فلزی

ی‌د برای فراورده به کار برید. برای فرایند اصطلاح "ریخته‌گری" را به کار برید.
اع۱ قطعه ریختگی
اخ۱ چدن ریخته‌گری
اخ۲ چدن چکش‌خور
اخ۲ قطعه ریختگی آهن چکش‌خور
اخ۱ شمش
اخ۲ شمش فولاد
اخ۱ قطعه ریختگی آلومینیومی
اخ۱ قطعه ریختگی تیتانیم
اخ۱ قطعه ریختگی روی
اخ۱ قطعه ریختگی فشاری
اخ۲ لایی ریخته‌گری فشاری
اخ۱ قطعه ریختگی فولاد
اخ۲ شمش فولاد
اخ۱ قطعه ریختگی منیزیمی
او ریخته‌گری
او ریخته‌گری فلز
او قالب شمش
ان *Metal casting*

قطعه ریختگی فولاد

اع۱ قطعه ریختگی فلزی
اع۲ قطعه ریختگی
اخ۱ شمش فولاد

او فولاد
ان *Steel casting*

قطعه ریختگی منیزیمی
اع۱ قطعه ریختگی فلزی
اع۲ قطعه ریختگی
اع۱ منیزیم
اع۲ فلز قلیایی خاکی
اع۳ فلز غیرآهنی
او متالورژی منیزیم
او منیزیم
ان *Magnesium casting*

قطعه ریختگی مومسان
اع۱ قطعه ریختگی
او ریخته‌گری پلاستیک
او قالب‌گیری پلاستیک
ان *Plastic casting*

قطعه مومسان
اع۱ اجزا
اع۱ فراورده مومسان
او ماشین‌آلات
ان *Plastic part*

قفل
ب‌ک قفل(چفت)

قفل(چفت)
ب‌ج *قفل*
ب‌ج *قفل در*
اع۱ چفت
اع۲ اجزا
اخ۱ جای خار
اخ۱ قفل در خودرو
او در
او کلید(برای قفل)
ان *Lock (fastener)*

قفل در
ب‌ک قفل(چفت)

قفل در خودرو
اع۱ سخت‌افزار خودرو
اع۲ سخت‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۳ خودرو
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۱ قفل(چفت)
اع۲ چفت
اع۳ اجزا
ان *Automobile door lock*

قفل گاردان
اع۱ اجزای ماشین
اع۲ اجزا
اع۲ ماشین‌آلات
ان *Universal joint*

قلاب
اع۱ چفت
اع۲ اجزا
او تجهیزات جابه‌جایی مواد
او جرثقیل
ان *Hook*

قلاب واگن راه‌آهن
اع۱ تجهیزات واگن راه‌آهن
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ واگن راه‌آهن
اع۳ خط نورد راه‌آهن
اع۱ جفت‌ساز
اع۲ اجزا
ان *Railroad car coupling*

قلاویز
ب‌ج *قلاویز پیچ‌تراشی*
اع۱ ابزار تراش
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات برش
اع۳ تجهیزات
او ابزار کاربید
او پیچ‌تراشی
او دست‌افزار
او قالب پیچ‌تراشی
ان *Tap*

قلاویز پیچ‌تراشی
ب‌ک قلاویز

قلاویزکاری
ی‌د برش رزوه داخلی
اع۱ پیچ‌تراشی
اع۲ ماشین‌کاری
او برقوزنی
او پیچ
او حفاری
او رزوه پیچ
او فلزتراشی
ان *Tapping (thread)*

قلب‌پزشکی
اع۱ پزشکی
او اندازه‌نگاری
او پژوانگاری قلب
او جراحی قلب و عروق
او دستگاه قلبی-عروقی
او دفیبریلاتور
او رگ‌نگاری قلب
او ضربان‌ساز
او قلب‌نگاری
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Cardiology*

قلب مصنوعی
ب‌ک اندام مصنوعی

قلب‌نگاری
ب‌ج *الکتروکاردیوگرافی*
ب‌ج *نوار قلب*
اع۱ تشخیص(پزشکی)
او پایش بیمار
او پتانسیل زیست‌الکتریک
او قلب‌پزشکی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Electrocardiography*

قلع
اع۱ فلز سنگین
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آبکاری با قلع و نیکل
او آلیاژ قلع
او پالایش قلع
او ترکیبات قلع
او حلبی
او ذخیره قلع
او عمل‌آوری کان‌سنگ قلع
او فلزنگاری قلع
او قلع‌اندودی
او متالورژی قلع
او معدن قلع
او ورق قلع
ان *Tin*

قلع‌اندودی
ب‌ج *آبکاری قلع*
اع۱ آبکاری
اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت
اع۱ آبکاری با قلع و نیکل
او حلبی
او قلع
او لحیم‌کاری
ان *Tinning*

قلم نوری
اع۱ ابزار برهم‌کنشی
اع۲ تجهیزات جانبی رایانه
اع۳ سخت‌افزار رایانه
او موشی(دستگاه جنبی رایانه)
ان *Light pen*

قمر مصنوعی
ب‌ک ماهواره

قند
اع۱ کربوهیدرات
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ دکستروز
اخ۱ زایلوز
اخ۱ فروکتوز
اخ۱ قند(ساکاروز)
اخ۲ شکر مایع
اخ۱ گلوکز
اخ۱ مالتوز

ان *Sugar*

قند(ساکاروز)

بچ *ساکاروز*
بچ *قند نیشکر*
اع۱ فراورده غذایی
اع۱ قند
اع۲ کربوهیدرات
اع۳ ترکیبات آلی
اخ۱ شکر مایع
او جانشین قند
او چغندرقند
او صنعت قندسازی
او قندسازی
او کارخانه قند
او ملاس
او نیشکر
ان *Sugar (sucrose)*

قند چوب
ب‌ک زایلوز

قندسازی

اع۱ ساختن
اع۲ تولید
اخ۱ آسیاب‌کردن نیشکر
اخ۱ پالایش قند
او زلال‌سازی
او صنعت قندسازی
او عمل‌آوری مواد غذایی
او قند(ساکاروز)
او کارخانه قند
ان *Sugar manufacture*

قند مالت
ب‌ک مالتوز

قند نیشکر
ب‌ک قند(ساکاروز)

قندی‌شدگی

اع۱ آب‌کافت
اع۲ تجزیه
اع۳ واکنش شیمیایی
او آنزیم
او سلولز
او گلوکز
ان *Saccharification*

قوس(راه)

اع۱ جاده و خیابان
اع۲ امکانات همگانی
او سیستم بزرگراه
ان *Curve (road)*

قوس الکتریکی

اع۱ تخلیه الکتریکی
اع۲ اثر میدان الکتریکی
اع۳ اثر
اخ۱ قوس مدارشکن
او تخلیه هاله‌ای
او جرقه الکتریکی
او جرقه‌زنی الکتریکی
او جریان اتصال کوتاه
او جریان معیوب الکتریکی
او جهش جرقه
او جوشکاری قوس الکتریکی
او عایق‌بندی الکتریکی
او لامپ قوسی
او مواد عایق‌بندی الکتریکی
او یونش
ان *Electric arc*

قوس مدارشکن

اع۱ قوس الکتریکی
اع۲ تخلیه الکتریکی
اع۳ اثر میدان الکتریکی
او جرقه الکتریکی
او مدارشکن الکتریکی
ان *Circuit breaking arc*

قوه بازگشتی
ب‌ک پتانسیل زیست‌الکتریک

کابل
ب‌ک بافه

کابل ابررسانشی

ی‌د برای کابل در حال استفاده، اصطلاح "خط الکتریکی ابررسانشی" را به کار برید.

ب‌ج *کابل فوق هادی*

اع۱ ابزار ابررسانشی

اع۲ تجهیزات

اع۱ کابل الکتریکی

اع۲ بافه

اع۳ فراورده سیمی

اع۲ رسانای الکتریکی

اع۳ تجهیزات الکتریکی

او خط الکتریکی ابررسانشی

ان *Superconducting cable*

کابل احتراق

اع۱ کابل الکتریکی

اع۲ بافه

اع۳ فراورده سیمی

اع۲ رسانای الکتریکی

اع۳ تجهیزات الکتریکی

او راکت

ان *Firing cable*

کابل ارتباط

ب‌ک کابل مخابراتی

کابل الکتریکی

اع۱ بافه

اع۲ فراورده سیمی

اع۱ رسانای الکتریکی

اع۲ تجهیزات الکتریکی

اع۳ تجهیزات

اخ۱ کابل ابررسانشی

اخ۱ کابل احتراق

اخ۱ کابل تخت

اخ۱ کابل روغنی

اخ۱ کابل زیردریایی

اخ۱ کابل زیرزمینی

اخ۱ کابل گازی

اخ۱ کابل مخابراتی

اخ۲ کابل نوری

اخ۲ کابل هم‌محور

او اتصال کابل

او بست الکتریکی

او جریان معیوب الکتریکی

او حفاظ کابل

او خط الکتریکی

او ظرفیت عبور جریان الکتریکی(کابل)

او غلاف کابل

او کابل‌گذاری الکتریکی

او لوله حفاظ الکتریکی

او مکان‌یابی عیب الکتریکی

او نوارپیچی کابل

ان *Electric cable*

کابل بالابر

اع۱ بافه

اع۲ فراورده سیمی

اع۱ بالابر

اع۲ ماشین‌آلات

ان *Elevator cable*

کابل تار نوری

ب‌ک کابل نوری

کابل تخت

ب‌ج *کابل نواری*

اع۱ کابل الکتریکی

اع۲ بافه

اع۳ فراورده سیمی

اع۲ رسانای الکتریکی

اع۳ تجهیزات الکتریکی

ان *Flat cable*

کابل رادیویی

ب‌ک تجهیزات رادیویی

ب‌ک کابل مخابراتی

کابل روغنی

ب‌ج *کابل عایق‌شده با روغن*

اع۱ کابل الکتریکی

اع۲ بافه

اع۳ فراورده سیمی

اع۲ رسانای الکتریکی

اع۳ تجهیزات الکتریکی

او روغن عایق

ان *Oil filled cable*

کابل زیردریایی

اع۱ کابل الکتریکی

اع۲ بافه
اع۳ فراورده سیمی
اع۲ رسانای الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
او خط تلفن
او کابل‌گذار
او کابل‌گذاری الکتریکی
ان *Submarine cable*

کابل زیرزمینی
اع۱ تجهیزات زیرزمینی
اع۲ تجهیزات
اع۱ کابل الکتریکی
اع۲ بافه
اع۳ فراورده سیمی
اع۲ رسانای الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
او توزیع زیرزمینی نیروی برق
ان *Underground cable*

کابل عایق‌شده با روغن
ب‌ک کابل روغنی

کابل فوق هادی
ب‌ک کابل ابررسانشی

کابل گازی
اع۱ کابل الکتریکی
اع۲ بافه
اع۳ فراورده سیمی
اع۲ رسانای الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
ان *Gas filled cable*

کابل‌گذار
اع۱ کشتی
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
او کابل زیردریایی
او کابل‌گذاری الکتریکی
ان *Cable ship*

کابل‌گذاری الکتریکی
او کابل الکتریکی
او کابل زیردریایی
او کابل مخابراتی
او کابل نوری
او کابل‌گذار
ان *Electric cable laying*

کابل لنگر
اع۱ بافه
اع۲ فراورده سیمی
اع۱ تجهیزات کشتی
اع۲ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات آب‌پیما
اع۳ آب‌پیما
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ کشتی
اع۳ آب‌پیما
او لنگر
ان *Anchor cable*

کابل مخابراتی
ی‌د برای کابل در حال استفاده، اصطلاح «خط مخابراتی» را به کار برید.
ب‌ج *کابل ارتباط*
ب‌ج *کابل رادیویی*
اع۱ تجهیزات مخابراتی
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ کابل الکتریکی
اع۲ بافه
اع۳ فراورده سیمی
اع۲ رسانای الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اخ۱ کابل نوری
اخ۱ کابل هم‌محور
او تجهیزات تلفن
او تجهیزات تلگراف
او تجهیزات تلویزیونی
او تجهیزات رادیویی
او خط ارتباط مخابراتی
او خط مخابراتی
او کابل‌گذاری الکتریکی
ان *Telecommunication cable*

کابل نواری
ب‌ک کابل تخت

کابل نوری

ب‌ج *کابل تار نوری*
اع۱ تجهیزات ارتباط نوری
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ کابل مخابراتی
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ کابل الکتریکی
اع۳ بافه
اع۳ رسانای الکتریکی
او اتصال کابل
او پیوند نوری
او تار نوری
او کابل‌گذاری الکتریکی
ان *Optical cable*

کابل هم‌محور

ب‌ج *کابل هم‌مرکز*
اع۱ کابل مخابراتی
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ کابل الکتریکی
اع۳ بافه
اع۳ رسانای الکتریکی
او خط تلفن
او سیستم تلگراف
او سیستم تلویزیون کابلی
او سیستم تلویزیونی
او موجبر
ان *Coaxial cable*

کابل هم‌مرکز
ب‌ک کابل هم‌محور

کابین(هواگرد)

اع۱ قطعات و تجهیزات هواگرد
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ هواگرد
ان *Cabin (aircraft)*

کابین خلبان(هواگرد)

ب‌ج *اتاقک خلبان هواگرد*
اع۱ قطعات و تجهیزات هواگرد
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ هواگرد
ان *Cockpit (aircraft)*

کاتالیز

ب‌ج *کاتالیزور مولکولی*
ب‌ج *کاتالیزور ناهمگن*
اع۱ واکنش شیمیایی
او بسپارش الکتریکی
او پالایش نفت
او ترمودینامیک
او سینتیک واکنش
او شکست کاتالیزوری
او کاتالیزور
او مبدل کاتالیزوری
ان *Catalysis*

کاتالیزور

اع۱ عامل
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
اخ۱ کاتالیزور زیستی
اخ۲ آنزیم
اخ۳ کوآنزیم
او آغازگر(شیمیایی)
او آلومین فعال‌شده
او بازسازی کاتالیزور
او پایه کاتالیزوری
او پودر فلز
او خنثی‌سازی کاتالیزور
او ساختن سوخت گازی
او سینتیک واکنش
او فعالیت کاتالیزور
او کاتالیز
او گزینش‌پذیری کاتالیزور
او مبدل کاتالیزوری
او مسمومیت کاتالیزور
ان *Catalyst*

کاتالیزور زیستی

اع۱ کاتالیزور
اع۲ عامل
اع۳ مواد شیمیایی
اخ۱ آنزیم

اخ۲ کوآنزیم
اخ۳ آدنوزین تری فسفات
او پروتئین
ان *Biocatalyst*

کاتالیزور مولکولی
ب‌ک کاتالیز

کاتالیزور ناهمگن
ب‌ک کاتالیز

کاتتر
اع۱ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ حس‌گر نوک کاتتر
ان *Catheter*

کاتد
اع۱ الکترود
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ کاتد تشعشع میدان
اخ۱ کاتد فوتوالکتریک
اخ۱ کاتد گرمایونی
او اجزای لامپ الکترونی
او حفاظت کاتدی
او روشنایی کاتدی
او گسیل الکترون
ان *Cathodes*

کاتد تشعشع میدان
اع۱ کاتد
اع۲ الکترود
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
ان *Field emission cathode*

کاتد فوتوالکتریک
اع۱ ابزار گسیل فوتونی
اع۲ تجهیزات
اع۱ کاتد
اع۲ الکترود
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او اجزای لامپ الکترونی
او بازده کوانتومی
او تقویت‌کننده تصویر(لامپ الکترونی)
او تکثیرکن فوتونی
او فوتولوله
او گسیل فوتونی
ان *Photocathode*

کاتد گرمایونی
اع۱ کاتد
اع۲ الکترود
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او لامپ گرمایونی
ان *Thermionic cathode*

کادمیم
اع۱ فلز سنگین
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
اع۱ فلز واسطه
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او آلیاژ کادمیم
او ترکیبات کادمیم
او عمل‌آوری کان‌سنگ کادمیم
او فلزنگاری کادمیم
او کادمیم‌کاری
او متالورژی کادمیم
ان *Cadmium*

کادمیم‌کاری
اع۱ آبکاری
اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت
او کادمیم
ان *Cadmium plating*

کاراکترشناسی نوری
اع۱ بازشناسی کاراکتر
اع۲ الگوشناسی
او تصویر پردازی
او روبشگری
او سیستم الگوشناسی
ان *Optical character recognition*

کارانداز

او اهرم آبی
او آهنربای الکتریکی
او بادامک
او تراگذار
او جک
او راه‌انداز
او راه‌اندازی
او سوپاپ
او کلاچ
او مکانیسم فرمان‌یار
او موتور فرمان‌یار
او وسایل کنترل نهایی
ان *Actuators*

کاراوان‌کش
ب‌ک تریلر سبک

کارایی
اخ۱ بازده انرژی
او اقتصاد
او بهره‌دهی
او مدیریت
او مدیریت صنعتی
ان *Efficiency*

کارپامید
ب‌ک اوره

کاربر
اع۱ تجهیزات
اخ۱ افشانه تفنگی
اخ۱ پخش‌کن
ان *Applicator*

کاربرد
ی‌د یک اصطلاح خیلی عام است، ترجیحا نوع خاصی از کاربرد را به کار برید.
اخ۱ کاربرد آدمک
اخ۲ همگذاری آدمکی
اخ۱ کاربرد پزشکی
اخ۱ کاربرد پلاستیک
اخ۱ کاربرد پلاسما
اخ۲ برش با قوس پلاسما
اخ۲ پلاسماافشانی
اخ۲ پلاسماشناسی
اخ۲ جوشکاری پلاسما
اخ۲ ذوب با قوس پلاسما
اخ۱ کاربرد تلویزیون
اخ۱ کاربرد خلاء
اخ۲ جوشکاری خلاء
اخ۲ ریخته‌گری فشاری در خلاء
اخ۲ لحیم‌کاری در خلاء
اخ۱ کاربرد دریایی
اخ۱ کاربرد دمای بالا
اخ۱ کاربرد رایانه
اخ۲ برش‌نگاری رایانه‌ای
اخ۲ بسط آموزش به کمک رایانه
اخ۲ تجزیه و تحلیل به کمک رایانه
اخ۳ تجزیه و تحلیل شبکه به کمک رایانه
اخ۲ ترجمه رایانه‌ای
اخ۲ تولید به کمک رایانه
اخ۲ تولید مجتمع به وسیلهٔ رایانه
اخ۲ خطایابی به کمک رایانه
اخ۲ سیستم کنترل رایانه‌ای
اخ۳ سیستم فرمان و کنترل
اخ۲ شبیه‌سازی رایانه‌ای
اخ۲ طراحی به کمک رایانه
اخ۳ طراحی منطقی به کمک رایانه
اخ۲ کاربرد رایانه در آموزش
اخ۲ کاربرد رایانه در پزشکی
اخ۲ محاسبه روان‌شناسی
اخ۲ محاسبه علوم اجتماعی
اخ۲ محاسبه علوم طبیعی
اخ۲ موسیقی رایانه‌ای
اخ۲ مهندسی به کمک رایانه
اخ۲ مهندسی نرم‌افزار
اخ۳ پیش‌نمونه نرم‌افزار
اخ۳ مهندسی نرم‌افزار به کمک رایانه
اخ۲ نگاره‌سازی رایانه‌ای
اخ۳ گرافیک رایانه‌ای برهم‌کنشی
اخ۳ گرافیک رایانه‌ای سه‌بعدی
اخ۳ گرافیک رنگی رایانه
اخ۲ هولوگرافی تولیدشده با رایانه
اخ۱ کاربرد صنعتی
اخ۱ کاربرد فراصوتی
اخ۲ اندازه‌گیری فراصوتی
اخ۳ اندازه‌گیری سرعت فراصوتی
اخ۲ برش فراصوتی
اخ۲ تصویرسازی فراصوتی
اخ۳ پژوانگاری قلب
اخ۲ تمیزکاری فراصوتی

اخ۲ جوشکاری فراصوتی
اخ۱ کاربرد فریت
اخ۱ کاربرد فضایی
اخ۱ کاربرد کوارتز
اخ۱ کاربرد لاستیک
اخ۱ کاربرد لیزر
اخ۲ برشکاری با باریکه لیزری
اخ۲ ثبت لیزری
اخ۲ جراحی لیزری
اخ۲ جوشکاری با باریکه لیزری
اخ۲ کاربرد لیزر تپی
اخ۱ کاربرد نظامی
اخ۱ کاربرد هوافضایی
ان *Application*

کاربرد آدمک

اع۱ کاربرد
اخ۱ همگذاری آدمکی
او آدمک
او آدمک صنعتی
او آدمک‌شناسی
ان *Robot application*

کاربرد اقیانوس‌شناسی
ب‌ک کاربرد دریایی

کاربرد پزشکی

ب‌ج *نورشناسی تارها در پزشکی*
اع۱ کاربرد
او پزشکی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Medical application*

کاربرد پلاستیک

اع۱ کاربرد
او پلاستیک
ان *Plastic application*

کاربرد پلاسما

اع۱ کاربرد
اخ۱ برش با قوس پلاسما
اخ۱ پلاسماافشانی
اخ۱ پلاسماشناسی
اخ۱ جوشکاری پلاسما
اخ۱ ذوب با قوس پلاسما
او ابزار پلاسما
او ابزار نمایش پلاسما
او پلاسما
او تفنگ پلاسما
او دیود پلاسما
او سوخت‌پاش پلاسما
او شتاب‌دهنده پلاسما
او مشعل پلاسمایی
او موجبر پلاسمایی
ان *Plasma applications*

کاربرد تلویزیون

اع۱ کاربرد
او تجهیزات تلفن تصویری
او تلویزیون
او دورسنجی
او متن‌نما
ان *Television application*

کاربرد خلاء

اع۱ کاربرد
اخ۱ جوشکاری خلاء
اخ۱ ریخته‌گری فشاری در خلاء
اخ۱ لحیم‌کاری در خلاء
او اندود نهشته در خلاء
او تلمبه خلاء
او جاروبرقی
او خلاء
او خلاءسنج
او کوره خلاء
او گازربا
او لامپ الکترونی
او مبدل خلاء
ان *Vacuum application*

کاربرد دریایی

ب‌ج *کاربرد اقیانوس‌شناسی*
اع۱ کاربرد
او اقیانوس‌شناسی
او مهندسی اقیانوس
او مهندسی دریایی
ان *Marine application*

کاربرد دمای بالا

اع۱ کاربرد
او ابررسانای دمای بالا
او اثر دمای بالا
او آزمایش دمای بالا
او عملکرد دمای بالا
او مهندسی دمای بالا
او واکنشگاه دمای بالا
او ویژگی دمای بالا
ان *High temperature application*

کاربرد رایانه

ی‌د برای کاربرد رایانه در تجهیزات و فناوری‌های دیگر
اع۱ کاربرد
اخ۱ برش‌نگاری رایانه‌ای
اخ۱ بسط آموزش به کمک رایانه
اخ۱ تجزیه و تحلیل به کمک رایانه
اخ۲ تجزیه و تحلیل شبکه به کمک رایانه
اخ۱ ترجمه رایانه‌ای
اخ۱ تولید به کمک رایانه
اخ۱ تولید مجتمع به وسیله رایانه
اخ۱ خطایابی به کمک رایانه
اخ۱ سیستم کنترل رایانه‌ای
اخ۲ سیستم فرمان و کنترل
اخ۱ شبیه‌سازی رایانه‌ای
اخ۱ طراحی به کمک رایانه
اخ۲ طراحی منطقی به کمک رایانه
اخ۱ کاربرد رایانه در آموزش
اخ۱ کاربرد رایانه در پزشکی
اخ۱ محاسبه روان‌شناسی
اخ۱ محاسبه علوم اجتماعی
اخ۱ محاسبه علوم طبیعی
اخ۱ موسیقی رایانه‌ای
اخ۱ مهندسی به کمک رایانه
اخ۱ مهندسی نرم‌افزار
اخ۲ پیش‌نمونه نرم‌افزار
اخ۲ مهندسی نرم‌افزار به کمک رایانه
اخ۱ نگاره‌سازی رایانه‌ای
اخ۲ گرافیک رایانه‌ای برهم‌کنشی
اخ۲ گرافیک رایانه‌ای سه‌بعدی
اخ۲ گرافیک رنگی رایانه
اخ۱ هولوگرافی تولیدشده با رایانه
او اثر ویژه
او داده‌پردازی
او دینامیک جریان محاسبه‌ای
او رایانه
او ساختمان هوشمند
او سیستم بزرگراه وسیله نقلیه هوشمند
او کنترل‌کننده منطقی برنامه‌پذیر
ان *Computer application*

کاربرد رایانه در آموزش

اع۱ کاربرد رایانه
اع۲ کاربرد
او آموزش
او داده‌پردازی
ان *Education computing*

کاربرد رایانه در پزشکی

اع۱ کاربرد رایانه
اع۲ کاربرد
او پزشکی
او داده‌پردازی
ان *Medical computing*

کاربرد صنعتی

اع۱ کاربرد
او کنترل‌کننده منطقی برنامه‌پذیر
او نورشناسی صنعتی
او واحد صنعتی
ان *Industrial application*

کاربرد فراصوتی

اع۱ کاربرد
اخ۱ اندازه‌گیری فراصوتی
اخ۲ اندازه‌گیری سرعت فراصوتی
اخ۱ برش فراصوتی
اخ۱ تصویرسازی فراصوتی
اخ۲ پژوانگاری قلب
اخ۱ تمیزکاری فراصوتی
اخ۱ جوشکاری فراصوتی
او ابزار فراصوتی
او تجهیزات فراصوتی
او فراصوت‌شناسی
او موج فراصوتی
ان *Ultrasonic application*

کاربرد فریت

اع۱ کاربرد
او ابزار فریتی
ان *Ferrite application*

کاربرد فضایی
اع۱ کاربرد
او ایستگاه فضایی
او پژوهش فضایی
او سفر فضایی
او سکوی فضایی
او فضاپیما
او کاربرد هوافضایی
او مبنای قمری
ان *Space application*

کاربرد کوارتز
اع۱ کاربرد
او کوارتز
ان *Quartz application*

کاربرد لاستیک
اع۱ کاربرد
او صنعت لاستیک
او فراورده لاستیکی
او لاستیک
ان *Rubber application*

کاربرد لیزر
ی‌د برای کابرد لیزر در تجهیزات و فناوری‌های دیگر
اع۱ کاربرد
اخ۱ برشکاری با باریکه لیزری
اخ۱ ثبت لیزری
اخ۱ جراحی لیزری
اخ۱ جوشکاری با باریکه لیزری
اخ۱ کاربرد لیزر تپی
او اثر باریکه لیزری
او ارتباط نوری
او پلاسمای تولیدشده لیزری
او پیوند نوری
او تپ لیزری
او تشخیص لیزری
او تشدیدکننده لیزری
او درمان فتودینامیک
او دیسک ویدئو
او سرعت‌سنج لیزری دوپلر
او شیمی لیزر
او طیف‌نمایی رامان
او لیزر
او ماشین جوشکاری لیزری
ان *Laser application*

کاربرد لیزر تپی
اع۱ کاربرد لیزر
اع۲ کاربرد
او تپ لیزری
ان *Pulsed laser application*

کاربرد نظامی
اع۱ کاربرد
او عملیات نظامی
او مهندسی نظامی
ان *Military application*

کاربرد هوافضایی
اع۱ کاربرد
او کاربرد فضایی
او مهندسی هوافضا
ان *Aerospace application*

کاربری زمین
او آب‌پخشان
او احیای زمین
او برنامه‌ریزی شهری
او برنامه‌ریزی منطقه‌ای
او پارک
او حاشیه جاده
او منطقه‌بندی
ان *Land use*

کاربید
اع۱ ترکیبات معدنی کربن
اع۲ ترکیبات معدنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ اورانیم کاربید
اخ۱ بور کاربید
اخ۱ تانتال کاربید
اخ۱ تنگستن کاربید
اخ۱ تیتانیم کاربید
اخ۱ سیلیسیم کاربید
اخ۱ کاربید متخلخل
اخ۱ کانی کاربید
اخ۱ کلسیم کاربید
او ابزار تراش کاربید

او ابزار کاربید
او قالب کاربید
ان *Carbide*

کاربید متخلخل

اع۱ کاربید
اع۲ ترکیبات معدنی کربن
اع۳ ترکیبات معدنی
او کلوخه‌سازی
ان *Sintered carbide*

کارت هوشمند

اع۱ ابزار رقمی
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او پایانه صندوق
او تراشه ریزپرداز
ان *Smart card*

کارخانه

ب‌ک واحد صنعتی

کارخانه آبجوسازی

اع۱ واحد صنعتی فراورده غذایی
اع۲ واحد صنعتی
او کارخانه مشروب‌سازی
او نوشابه
ان *Brewery*

کارخانه آسفالت

اع۱ واحد صنعتی
او آسفالت
ان *Asphalt plant*

کارخانه ژیپس

اع۱ واحد صنعتی
او ژیپس
ان *Gypsum plant*

کارخانه آلومینیوم

اع۱ واحد صنعتی
اخ۱ دستگاه نورد آلومینیوم
او فرایند ریخته‌گری آلومینیم
او متالورژی آلومینیوم
ان *Aluminum plant*

کارخانه پالایش فلز

اع۱ واحد صنعتی
اخ۱ کوره متالورژی
اخ۲ تبدیلگر اکسیژن قلیایی
اخ۲ کوره بلند
اخ۳ کوره بلند تنوره‌ای
اخ۲ کوره روباز
اخ۲ کوره فولادسازی
او پالایش فلز
ان *Metal refinery*

کارخانه پلاستیک

اع۱ واحد صنعتی
او پلاستیک
او صنعت پلاستیک
او ماشین‌آلات پلاستیک
ان *Plastic plant*

کارخانه چوب‌بری

اع۱ واحد صنعتی
او اره‌کاری
او الوار
او نگاربرداری(جنگلبانی)
ان *Sawmill*

کارخانه خودروسازی

اع۱ واحد صنعتی
او خودرو
او ساختن خودرو
او ساختن موتور خودرو
او قطعات و تجهیزات خودرو
ان *Automobile plant*

کارخانه ذوب آهن

اع۱ واحد صنعتی
او آهن
او دستگاه نورد
او صنعت آهن و فولاد
او فلزکاری آهن
او فولاد
او فولادسازی
او متالورژی فولاد

ان *Iron and steel plant*

کارخانه سرامیک‌سازی

اع۱ واحد صنعتی

ان *Ceramic plant*

کارخانه سنگ‌شکنی

اع۱ واحد صنعتی

او سنگ‌شکنی

ان *Crushed stone plant*

کارخانه سیمان

اع۱ واحد صنعتی

او ساختن سیمان

او صنعت سیمان

ان *Cement plant*

کارخانه شیشه

اع۱ واحد صنعتی

او صنعت شیشه

او فراوردن شیشه

ان *Glass plant*

کارخانه صنعتی قابل حمل

اع۱ واحد صنعتی

ان *Portable industrial plant*

کارخانه فراورده سنگی

اع۱ واحد صنعتی

او فراورده سنگی

او کارگاه شن و ماسه

ان *Rock products plant*

کارخانه قند

اع۱ واحد صنعتی فراورده غذایی

اع۲ واحد صنعتی

او صنعت قندسازی

او قند(ساکاروز)

او قندسازی

ان *Sugar factory*

کارخانه کشتی‌سازی

اع۱ واحد صنعتی

او تکیه‌گاه زیر کشتی

او حوض خشک

او کشتی

او کشتی‌سازی

او مصالح کشتی‌سازی

ان *Shipyard*

کارخانه گاز

اع۱ واحد صنعتی

او ساختن سوخت گازی

ان *Gas plant*

کارخانه لاستیک‌سازی

اع۱ واحد صنعتی

او صنعت لاستیک

او قالب لاستیک

او قالب‌گیری لاستیک

او لاستیک

او ماشین‌آلات لاستیک

ان *Rubber factory*

کارخانه لبنیات‌سازی

اع۱ واحد صنعتی فراورده غذایی

اع۲ واحد صنعتی

او رنگ

او ساختمان کشاورزی

او لبنیات

ان *Dairy*

کارخانه مشروب‌سازی

اع۱ واحد صنعتی

او تجهیزات تقطیر

او تقطیر

او کارخانه آبجوسازی

او واحد صنعتی فراورده غذایی

ان *Distillery*

کارخانه و ساختمان تجهیزات راه‌آهن

اع۱ تسهیلات

اع۱ راه‌آهن

اخ۱ ایستگاه راه‌آهن

اخ۲ ایستگاه مترو

اخ۱ پایانه و محوطه راه‌آهن

اخ۲ محوطه اعزام قطار

اخ۱ پل راه‌آهن

اخ۱ تقاطع راه‌آهن
اخ۱ تونل راه‌آهن
اخ۱ سیستم علائم راه‌آهن
اخ۲ سیستم علائم متزو
اخ۲ مانع‌یاب
اخ۱ مسیر راه‌آهن
اخ۲ ریل‌بند
اخ۲ سوزن راه‌آهن
او برداشتن برف و یخ
او تجهیزات واگن راه‌آهن
او ترابری با راه‌آهن
او تقاطع(لوله و کابل)
او خاکریز
او روگذر
او زیرگذر
او نگهداشت مسیر
ان *Railroad plant and structure*

کارخانه هواگرد

اع۱ واحد صنعتی
او تولید موتور هواگرد
او ساختن هواگرد
او هواگرد
ان *Aircraft plant*

کاردرمانی

اع۱ توانبخشی بیمار
او مهندسی توانبخشی انسانی
ان *Occupational therapy*

کاردینگ نساجی

اع۱ فرایند نساجی
اع۲ فراورش
اع۳ ساختن
ان *Textile carding*

کارکنان

بج *مستخدم*
بج *نیروی انسانی*
اخ۱ کارکنان ترابری
اخ۲ راننده اتوبوس
اخ۲ راننده خودرو
اخ۲ راننده کامیون
اخ۲ هوانورد
اخ۱ کارکنان سرپرستی
اخ۱ کارورز
اخ۱ معدنچی
اخ۱ مهندس
او اثر اجتماعی و اقتصادی
او آزمایش شایستگی
او آزمون استخدامی کارکنان
او استخدام
او آموزش کارکنان
او انگیزش
او بعد حرفه‌ای
او بهداشت
او بهداشت صنعتی
او بهره‌دهی
او بیماری شغلی
او پوشاک محافظ
او تجزیه و تحلیل شغل
او حفاظت چشم
او حقوق و مزایا(کارکنان)
او خطرپذیری شغلی
او رتبه‌بندی کارکنان
او رضایت شغلی
او روابط صنعتی
او زمان‌بندی کار-استراجت
او طرح بازنشستگی
او گزینش کارکنان
او مدیریت
او مزد
او معلول
او واحد صنعتی
ان *Personnel*

کارکنان ترابری

اع۱ کارکنان
اخ۱ راننده اتوبوس
اخ۱ راننده خودرو
اخ۱ راننده کامیون
اخ۱ هوانورد
او ترابری
ان *Transportation personnel*

کارکنان سرپرستی

بج سرپرست
بج مدیر
اع۱ کارکنان
او مدیریت

ان *Supervisory personnel*

کارگاه آموزشی(هم‌اندیشی)

ب‌ک نمایش فنی

کارگاه آبکاری الکتریکی

اع۱ واحد صنعتی

او آبکاری الکتریکی

ان *Electroplating shop*

کارگاه بسته‌بندی

ب‌ج *کارگاه بسته‌بندی گوشت*

اع۱ واحد صنعتی فراورده غذایی

اع۲ واحد صنعتی

او گوشت

ان *Packing plant*

کارگاه بسته‌بندی گوشت

ب‌ک کارگاه بسته‌بندی

کارگاه پشمی و فاستونی

اع۱ کارگاه نساجی

اع۲ واحد صنعتی

او صنعت نساجی

او منسوجات پشمی و فاستونی

او نخ پشمی و فاستونی

ان *Woolen and worsted mill*

کارگاه جوراب‌بافی

اع۱ کارگاه نساجی

اع۲ واحد صنعتی

او تولید جوراب

او صنعت نساجی

ان *Hosiery mill*

کارگاه جوشکاری

اع۱ واحد صنعتی

او جوشکاری

ان *Welding shop*

کارگاه ریخته‌گری

اع۱ واحد صنعتی

او ریخته‌گری فلز

او فرایند ریخته‌گری

او قالب‌گیری

او کوره

ان *Foundry*

کارگاه ریخته‌گری آهن

اع۱ فرایند ریخته‌گری

اع۱ فلزکاری آهن

اع۲ متالورژی

اع۱ کارگاه ریخته‌گری آهن چکش‌خور

او آهن

ان *Iron foundry practice*

کارگاه ریخته‌گری آهن چکش‌خور

اع۱ کارگاه ریخته‌گری آهن

اع۲ فرایند ریخته‌گری

اع۲ فلزکاری آهن

اع۳ متالورژی

او قطعه ریختگی آهن چکش‌خور

ان *Malleable iron foundry practice*

کارگاه شن و ماسه

اع۱ واحد صنعتی

او شن

او کارخانه فراورده سنگی

او ماسه

ان *Sand and gravel plant*

کارگاه لباس‌شویی

اع۱ واحد صنعتی

او سفیدشویی

ان *Laundry*

کارگاه ماشینی

اع۱ واحد صنعتی

او فرایند کارگاه ماشینی

او ماشین‌ابزار

او ماشین‌کاری

ان *Machine shop*

کارگاه نساجی

اع۱ واحد صنعتی

اخ۱ کارگاه پشمی و فاستونی

اخ۱ کارگاه جوراب‌بافی

او تولید لباس

او صنعت نساجی
او فرایند نساجی
ان *Textile mill*

کارگذاری

او نگهداشت
او همگذاری
ان *Installation*

کارورز

اع۱ کارکنان
او آموزش کارکنان
ان *Apprentice*

کازئین

اع۱ پروتئین
اع۲ زیست‌بسپار
اع۳ بسپار طبیعی
اع۳ مواد زیست‌شناختی
اع۱ لبنیات
اع۲ فراورده غذایی
اع۲ فراورده کشاورزی
او رنگ
او رنگ کازئینی
ان *Casein*

کاشانه

ب‌چ *آپارتمان*
ب‌چ *مجتمع مسکونی*
اع۱ مسکن
اع۲ ساختمان
اع۳ سازه
او خانه
او ساختمان هوشمند
ان *Apartment house*

کاشت(جراحی)

اع۱ مواد زیستی
اع۲ مواد
او پروستتیک
او پیوندکردن(جراحی)
او جراحی
او عدسی داخل چشمی
او گرافت
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Implants (surgical)*

کاشت دندان

ب‌ک برسازه دندانی

کاشی

اع۱ مصالح ساختمانی
اع۲ مواد
او فراورده سرامیکی
او مواد سرامیکی
ان *Tile*

کاغذ

اع۱ مواد
اخ۱ چاپ روزنامه
اخ۱ چندلای کاغذی
اخ۱ کاغذ باطله
اخ۱ کاغذ کرافت
اخ۱ کاغذ مومی
اخ۱ ورق‌سازی کاغذ
او اندازه‌گیری براقیت
او اندازه‌گیری زبری
او اندایش کاغذ
او ساخت کاغذ و خمیر چوب
او سرعت زنگ‌کردن
او عامل ضدثبات
او فراورده کاغذی
او کاغذسازی
او ماشین‌آلات کاغذسازی
او مقوا
او منسوجات
او مواد کاغذی غیرلیفی
او ویژگی چاپ
ان *Paper*

کاغذ باطله

اع۱ زباله
اع۱ کاغذ
اع۲ مواد
او بازگردانی
او به‌کاربری پسمانده
او مواد خمیر کاغذ
ان *Waste paper*

کاغذسازی

اع۱ ساختن
اع۲ تولید
اخ۱ اندایش کاغذ
او آهارزنی(عمل تکمیل)
او دفع پساب
او رنگبری
او غلتک‌زنی
او کاغذ
او کنترل لجن کاغذسازی
او ماشین‌آلات کاغذسازی
او مواد کاغذی غیرلیفی
ان *Papermaking*

کاغذ کرافت

اع۱ کاغذ
اع۲ مواد
او خمیر کاغذ کرافت
او فرایند کرافت
او کاغذ مقوایی کرافت
ان *Kraft paper*

کاغذ مقوایی کرافت

اع۱ مقوا
اع۲ مواد
او کاغذ کرافت
ان *Kraft paperboard*

کاغذ مومی

اع۱ کاغذ
اع۲ مواد
او موم
ان *Waxed paper*

کالبدشکافی

اع۱ تجربه
اع۲ پژوهش
او زیست‌مکانیک
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Cadaveric experiment*

کالب‌زنی

اع۱ استانداردکردن
او استاندارد
او استاندارد بسامد
او اندازه‌گیری
او بازرسی
او خطای سنج‌افزار
او سنج‌افزار
ان *Calibration*

کالیفرنیم

اع۱ عنصر فرااورانیوم
اع۲ آکتینید
اع۳ عنصر پرتوزا
اع۳ فلز غیرآهنی
ان *Californium*

کامپایلر برنامه

اع۱ پردازشگر برنامه
اع۲ نرم‌افزار رایانه
او تشخیص برنامه(رایانه‌ای)
او دستور زبان رایانه‌ای
ان *Program compiler*

کامپیوتر

ب‌ک رایانه

کامیون

ب‌ج *کامیون موتوری*
اع۱ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ وسیله نقلیه
اخ۱ اتاقک راننده کامیون
اخ۱ انتقال نیرو
اخ۱ کامیون خدماتی
اخ۱ کامیون زباله
اخ۱ کامیون صنعتی
اخ۲ بارکش معدن
اخ۱ کامیون مخزن‌دار
اخ۱ کامیون یخچالی
اخ۱ یدک‌کش
او ایستگاه توزین
او باراندازی
او بارگیری
او برف‌روب
او پایانه کامیون
او تجهیزات جابه‌جایی مواد
او ترابری کامیونی
او جرثقیل دستی

ان *Truck*

کامیون خدماتی

ی‌د وسیله نقلیه‌ی خدمات عمومی
اع۱ کامیون
اع۲ وسیله نقلیه زمینی
اع۳ وسیله نقلیه
ان *Utility truck*

کامیون زباله

اع۱ کامیون
اع۲ وسیله نقلیه زمینی
اع۳ وسیله نقلیه
او جمع‌آوری زباله شهری
ان *Garbage truck*

کامیون صنعتی

ی‌د تجهیزات حمل و نقل مواد
اع۱ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۲ تجهیزات
اع۱ کامیون
اع۲ وسیله نقلیه زمینی
اع۳ وسیله نقلیه
اخ۱ بارکش معدن
او واحد صنعتی
ان *Industrial truck*

کامیون مخزن‌دار

اع۱ کامیون
اع۲ وسیله نقلیه زمینی
اع۳ وسیله نقلیه
او ترابری نفت
او ذخیره سوخت گازی
او کامیون یخچالی
ان *Tank truck*

کامیون موتوری

ب‌ک کامیون

کامیون یخچالی

اع۱ کامیون
اع۲ وسیله نقلیه زمینی
اع۳ وسیله نقلیه
او جابه‌جایی باری یخچالی
او سردسازی
او کامیون مخزن‌دار
او ماشین‌آلات یخچال‌دار
ان *Refrigerator truck*

کانال

اع۱ راه آبی درون‌مرزی
اخ۱ پوشش کانال
اخ۱ نهر آبیاری
او برآر قایق
او ترابری آبی
او دریچه کانال
او سدمتحرک(روی آب‌راهه)
ان *Canal*

کانال ارتباطی(نظریه اطلاعات)

اع۱ نظریه اطلاعات
ان *Communication channel (information theory)*

کانسار

ب‌ج *اکتشاف کان‌سنگ*
اع۱ منبع معدنی
اع۲ منبع طبیعی
اخ۱ پلاسر
اخ۱ ذخیره آنتیموان
اخ۱ ذخیره آهن
اخ۱ ذخیره استرونسیم
اخ۱ ذخیره اسکاندیم
اخ۱ ذخیره اورانیم
اخ۱ ذخیره ایتریم
اخ۱ ذخیره بریلیم
اخ۱ ذخیره بور
اخ۱ ذخیره بوکسیت
اخ۱ ذخیره تانتال
اخ۱ ذخیره تنگستن
اخ۱ ذخیره توریم
اخ۱ ذخیره تیتانیم
اخ۱ ذخیره جیوه
اخ۱ ذخیره روی
اخ۲ ذخیره روی و سرب
اخ۲ ذخیره روی و مس
اخ۳ ذخیره روی و سرب و مس
اخ۱ ذخیره زیرکن
اخ۱ ذخیره ژرمانیم

اخ۱ ذخیره سدیم
اخ۱ ذخیره سرب
اخ۲ ذخیره روی و سرب
اخ۲ ذخیره سرب و مس
اخ۳ ذخیره روی و سرب و مس
اخ۱ ذخیره طلا
اخ۱ ذخیره قلع
اخ۱ ذخیره کبالت
اخ۱ ذخیره کرومیت
اخ۱ ذخیره کوروندوم
اخ۱ ذخیره لیتیم
اخ۱ ذخیره مس
اخ۲ ذخیره روی و مس
اخ۳ ذخیره روی و سرب و مس
اخ۲ ذخیره سرب و مس
اخ۳ ذخیره روی و سرب و مس
اخ۲ ذخیره نقره و مس
اخ۲ ذخیره نیکل و سرب
اخ۱ ذخیره منگنز
اخ۲ گرهک منگنز
اخ۱ ذخیره منیزیم
اخ۱ ذخیره مولیبدن
اخ۱ ذخیره مونازیت
اخ۱ ذخیره نقره
اخ۲ ذخیره نقره و مس
اخ۱ ذخیره نیکل
اخ۲ ذخیره نیکل و سرب
اخ۱ ذخیره نیوبیم
اخ۱ ذخیره وانادیم
اخ۱ سنگ دیواره
او اکتشاف منبع طبیعی
او دگرسانی رس
او سنگ‌شناسی
او منبع معدنی زیرآبی
ان *Ore deposit*

کان‌سنگ

اع۱ کانی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۲ مواد
اخ۱ ایلمنیت
اخ۱ باریت
اخ۱ فلئوراسپار
اخ۱ کان‌سنگ آهن
اخ۲ پیریت
اخ۲ مگنتیت
اخ۱ کان‌سنگ غیرفلزی
اخ۱ کرومیت
اخ۱ کلوخه کان‌سنگ
اخ۲ کلوخه کان‌سنگ آهن
اخ۱ گندله کان‌سنگ
اخ۲ گندله کان‌سنگ آهن
اخ۱ مونازیت
او تجزیه کان‌سنگ
او زیرکن
او نمونه‌برداری کان‌سنگ
ان *Ore*

کان‌سنگ آهن

اع۱ کان‌سنگ
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اخ۱ پیریت
اخ۱ مگنتیت
او احیای کان‌سنگ آهن
او تصفیه کان‌سنگ آهن
او کلوخه کان‌سنگ آهن
او گندله کان‌سنگ آهن
ان *Iron ore*

کان‌سنگ غیرفلزی

اع۱ کان‌سنگ
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
او مواد غیرفلزی
او نافلز
ان *Nonmetallic ore*

کان‌شناسی تجربی

اع۱ کانی‌شناسی
اع۲ علوم زمین
اع۳ علوم طبیعی
ان *Experimental mineralogy*

کانون

ب‌ک کانونی‌سازی

کانونی‌سازی

ب‌چ *کانون*
او پرتو کاتدی
او دوربین
او شتاب‌دهنده ذره
او عدسی
او عدسی الکترونی
او عدسی مغناطیسی
او ماتشدگی گرمایی
او نورشناسی
او نورشناسی الکترونی
او نورشناسی ذره‌ای
ان *Focusing*

کانه‌آرایی
ب‌ک عمل‌آوری کان‌سنگ

کانی
اع۱ ترکیبات شیمیایی
اع۱ مواد
اخ۱ کان‌سنگ
اخ۲ ایلمنیت
اخ۲ باریت
اخ۲ فلئوراسپار
اخ۲ کان‌سنگ آهن
اخ۳ پیریت
اخ۳ مگنتیت
اخ۲ کان‌سنگ غیرفلزی
اخ۲ کرومیت
اخ۲ کلوخه کان‌سنگ
اخ۳ کلوخه کان‌سنگ آهن
اخ۲ گندله کان‌سنگ
اخ۳ گندله کان‌سنگ آهن
اخ۲ مونازیت
اخ۱ کانی کاربید
اخ۱ کانی کاربیدی
اخ۱ کانی هالید
اخ۲ کانی فلوریدی
اخ۲ کانی کلریدی
اخ۱ کانی هالیدی
اخ۲ کانی فلوریدی
اخ۲ کانی کلریدی
اخ۱ کانی آرسناتی
اخ۱ کانی آلی
اخ۱ کانی اکسیدی
اخ۲ ایلمنیت
اخ۲ پروفسکیت
اخ۲ خاک کمیاب
اخ۲ کوارتز
اخ۲ کورندوم
اخ۲ مگنتیت
اخ۱ کانی اورانیتی
اخ۱ کانی بریلیوم
اخ۱ کانی بوراتی
اخ۱ کانی تانتالیتی
اخ۱ کانی تنگستاتی
اخ۱ کانی تیتانیتی
اخ۱ کانی ژرمانیتی
اخ۱ کانی سولفاتی
اخ۲ ژیپس
اخ۱ کانی سولفیدی
اخ۱ کانی سیلیکاتی
اخ۲ بنتونیت
اخ۲ توپاز
اخ۲ زبرجد
اخ۲ زیرکن
اخ۲ سرپنتین
اخ۲ فلدسپار
اخ۲ کانی رسی
اخ۳ کائولین
اخ۲ کانی کلریتی
اخ۲ کیانیت
اخ۲ میکا
اخ۱ کانی فسفاتی
اخ۱ کانی کربناتی
اخ۲ منیزیت
اخ۱ کانی نیوباتی
اخ۱ کانی وانادیتی
اخ۱ کلسیت
او اکتشاف معدن
او آلومین
او رس
او سنگ
او کانی‌شناسی
ان *mineral*

کانی کاربید
اع۱ کاربید
اع۲ ترکیبات معدنی کربن
اع۳ ترکیبات معدنی
اع۱ کانی
اع۲ ترکیبات شیمیایی

ان *Carbide mineral*

کانی کاربیدی

اع۱ کانی
اع۲ مواد
ان *Carbide mineral*

کانی هالید

اع۱ ترکیبات هالوژنی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ کانی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ کانی فلوریدی
اخ۱ کانی کلریدی
او عنصر هالوژنی
ان *Halide mineral*

کانی هالیدی

اع۱ کانی
اع۲ مواد
اخ۱ کانی فلوریدی
اخ۱ کانی کلریدی
او عنصر هالوژنی
ان *Halide mineral*

کانی‌آرایی

پ‌ک پرعیارسازی

کانی آرسناتی

اع۱ ترکیبات آرسنیک
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ کانی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۲ مواد
او آرسنیک
ان *Arsenate mineral*

کانی آلی

اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ کانی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۲ مواد
ان *Organic mineral*

کانی اکسیدی

اع۱ اکسید
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ کانی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۲ مواد
اخ۱ ایلمنیت
اخ۱ پروفسکیت
اخ۱ خاک کمیاب
اخ۱ کوارتز
اخ۱ کورندوم
اخ۱ مگنتیت
او سیلیس
ان *Oxide mineral*

کانی اورانیتی

اع۱ ترکیبات اورانیم
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ مواد پرتوزا
اع۳ مواد
اع۱ کانی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۲ مواد
او اورانیم
ان *Uranate mineral*

کانی بریلیوم

اع۱ ترکیبات بریلیم
اع۲ ترکیبات فلز قلیایی خاکی
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ کانی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۲ مواد
او بریلیم
ان *Beryllium mineral*

کانی بوراتی

اع۱ ترکیبات بور
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ کانی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۲ مواد
او بور
ان *Borate mineral*

کانی تانتالیتی

اع۱	ترکیبات تانتال
اع۲	ترکیبات فلزی دیرگداز
اع۳	ترکیبات فلز واسطه
اع۳	مواد نسوز
اع۱	کانی
اع۲	ترکیبات شیمیایی
اع۲	مواد
او	تانتال
ان	*Tantalate mineral*

کانی تنگستاتی

اع۱	ترکیبات تنگستن
اع۲	ترکیبات فلزی دیرگداز
اع۳	ترکیبات فلز واسطه
اع۳	مواد نسوز
اع۱	کانی
اع۲	ترکیبات شیمیایی
اع۲	مواد
او	تنگستن
ان	*Tungstate mineral*

کانی تیتاناتی

اع۱	ترکیبات تیتانیم
اع۲	ترکیبات فلز واسطه
اع۳	جسم مرکب فلزی
او	تیتانیم
ان	*Titanate mineral*

کانی تیتانیتی

اع۱	کانی
اع۲	ترکیبات شیمیایی
اع۲	مواد
او	تیتانیم
ان	*Titanate mineral*

کانی رسی

اع۱	کانی سیلیکاتی
اع۲	سیلیکات
اع۳	ترکیبات سیلیسیم
اع۲	کانی
اع۳	ترکیبات شیمیایی
اع۳	مواد
اخ۱	کائولین
او	تبادلگر یونی
او	رس
ان	*Clay mineral*

کانی ژرمانیتی

اع۱	ترکیبات ژرمانیم
اع۲	جسم مرکب فلزی
اع۳	ترکیبات شیمیایی
اع۱	کانی
اع۲	ترکیبات شیمیایی
اع۲	مواد
ان	*Germanate mineral*

کانی سولفاتی

اع۱	ترکیبات گوگرد
اع۲	ترکیبات شیمیایی
اع۱	کانی
اع۲	ترکیبات شیمیایی
اع۲	مواد
اخ۱	ژیپس
ان	*Sulfate mineral*

کانی سولفیدی

اع۱	ترکیبات گوگرد
اع۲	ترکیبات شیمیایی
اع۱	کانی
اع۲	ترکیبات شیمیایی
اع۲	مواد
او	جسم مرکب فلزی
او	ذخیره گوگرد
ان	*Sulfide mineral*

کانی سیلیکاتی

اع۱	سیلیکات
اع۲	ترکیبات سیلیسیم
اع۳	ترکیبات شیمیایی
اع۱	کانی
اع۲	ترکیبات شیمیایی
اع۲	مواد
اخ۱	بنتونیت
اخ۱	توپاز
اخ۱	زبرجد
اخ۱	زیرکن
اخ۱	سرپنتین
اخ۱	فلدسپار
اخ۱	کانی رسی

اخ۲ کائولین
اخ۱ کانی کلریتی
اخ۱ کیانیت
اخ۱ میکا
ان *Silicate mineral*

کانی‌شناسی

اع۱ علوم زمین
اع۲ علوم طبیعی
اخ۱ کان‌شناسی تجربی
اخ۱ کانی‌شناسی زیرآبی
او اکتشاف منبع طبیعی
او دگرسانی رس
او زمین(سیاره)
او زمین‌شیمی
او صنعت معدنی
او کانی
او منبع معدنی
ان *Mineralogy*

کانی‌شناسی زیرآبی

اع۱ کانی‌شناسی
اع۲ علوم زمین
اع۳ علوم طبیعی
او اقیانوس‌شناسی
او منبع معدنی زیرآبی
ان *Underwater mineralogy*

کانی فسفاتی

اع۱ فسفات
اع۲ ترکیبات فسفر
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ کانی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۲ مواد
او ذخیره فسفات
او عمل‌آوری کان‌سنگ فسفات
او فسفر
او معدن فسفات
ان *Phosphate mineral*

کانی فلوریدی

اع۱ ترکیبات فلئور
اع۲ ترکیبات هالوژنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ کانی هالید
اع۲ ترکیبات هالوژنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ کانی هالیدی
اع۲ کانی
اع۳ مواد
او فلئور
ان *Fluoride mineral*

کانی کربناتی

اع۱ کانی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۲ مواد
اع۱ کربنات
اع۲ ترکیبات معدنی کربن
اع۳ ترکیبات معدنی
اخ۱ منیزیت
او پتاس
او کربن
ان *Carbonate mineral*

کانی کلریتی

اع۱ ترکیبات آلومینیوم
اع۲ جسم مرکب فلزی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات آهن
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ ترکیبات منیزیم
اع۲ ترکیبات فلز قلیایی خاکی
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۲ منیزیم
اع۳ فلز قلیایی خاکی
اع۱ کانی سیلیکاتی
اع۲ سیلیکات
اع۳ ترکیبات سیلیسیم
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
ان *Chlorite mineral*

کانی کلریدی

اع۱ ترکیبات کلر

اع۲ ترکیبات هالوژنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ کانی هالید
اع۲ ترکیبات هالوژنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ کانی هالیدی
اع۲ کانی
اع۳ مواد
ان *Chloride mineral*

کانی نیوباتی
اع۱ کانی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۲ مواد
او ترکیبات نیوبیم
او نیوبیم
ان *Niobate mineral*

کانی وانادیتی
اع۱ ترکیبات وانادیم
اع۲ ترکیبات فلزی دیرگداز
اع۳ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ مواد نسوز
اع۱ کانی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۲ مواد
او وانادیم
ان *Vanadate mineral*

کاوش سطحی قمری
ب‌ج *کاوش سطحی کرهٔ ماه*
اع۱ تجزیه و تحلیل
او تجزیه شیمیایی
او کره ماه
او ماموریت قمری
ان *Lunar surface analysis*

کاوش سطحی کره ماه
ب‌ک کاوش سطحی قمری

کاوند
اع۱ تجهیزات
اع۱ کاوند پلاسما
اع۱ کاوند فضایی
او حس‌گر
او خردالکترود
او سنج‌افزار
او گمانه‌زنی زیرآبی
ان *Probe*

کاوند پلاسما
اع۱ کاوند
اع۲ تجهیزات
او پلاسماشناسی
ان *Plasma probe*

کاوند فضایی
اع۱ فضاپیما
اع۲ وسیله نقلیه
اع۱ کاوند
اع۲ تجهیزات
او پرواز بین‌سیاره‌ای
او رصدخانه فضاپیما
ان *Space probe*

کاه
اع۱ پسمانده کشاورزی
اع۲ زباله
او مواد خمیر کاغذ
ان *Straw*

کاهش
ی‌د واکنش شیمیایی
اع۱ واکنش شیمیایی
اخ۱ احیای برق‌کافتی
اخ۱ احیای کان‌سنگ
اخ۲ احیای کان‌سنگ آهن
او اکسایش
او متالورژی استخراجی
او واکنش اکسایش‌کاهش
ان *Reduction*

کاهش بها
او حسابداری هزینه
او مدیریت
ان *Depreciation*

کاهش تداخل

پ‌ج *خنثی‌سازی تداخل*
اع۱ پردازش سیگنال
او تداخل در سیگنال
او سیستم مخابراتی
او مدار فشرگستر
او نوفه سیگنال مزاحم
ان *Interference suppression*

کاهش دود

اع۱ کنترل آلودگی هوا
اع۲ کنترل آلودگی
اع۳ کنترل
او جداساز الکتروستاتیکی
او دود
او کنترل غبار شیمیایی
او مهندسی محیط
ان *Smoke abatement*

کاهش گرد و غبار

اع۱ کنترل آلودگی هوا
اع۲ کنترل آلودگی
اع۳ کنترل
او گرد و غبار
او گردگیر
ان *Dust abatement*

کاهش نوفه

اع۱ کنترل آلودگی نوفه
اع۲ کنترل آلودگی
اع۳ کنترل
اع۲ کنترل متغیر صوتی
اع۳ کنترل
او آلودگی نوفه
او اندازه‌گیری نوفه صوتی
او تجهیزات کنترل آلودگی نوفه
او جذب موج صوتی
او صداخفه‌کن
او صداگیری
او مصالح صداگیر
او مهندسی فاکتورهای انسانی
او مهندسی محیط
او نوفه صوتی
ان *Noise abatement*

کاهنده الکتریکی

اع۱ شبکه(مدار)
اع۱ تضعیفگر موجبر
او تجهیزات رادیویی
او تضعیف
او حفاظ الکتریکی
ان *Electric attenuator*

کاهنده سرعت

اع۱ چرخ‌دنده
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
ان *Speed reducer*

کائولین

اع۱ کانی رسی
اع۲ کانی سیلیکاتی
اع۳ سیلیکات
اع۳ کانی
ان *Kaolin*

کبالت

اع۱ فلز واسطه
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او آب‌کبالت‌دهی
او آلیاژ کبالت
او ترکیبات کبالت
او ذخیره کبالت
او عمل‌آوری کان‌سنگ کبالت
او فلزنگاری کبالت
او متالورژی کبالت
او مصالح راهبردی
او معدن کبالت
ان *Cobalt*

کپسول گاز

اع۱ سیلندر(بارگنج)
اع۲ بارگنج
او ذخیره سوخت گازی
ان *Gas cylinder*

کپسولی‌کردن

اع۱ فن اندایش

اع۲ نهشت
اخ۱ کپسولی‌کردن پسمانده پرتوزا
او بسته‌بندی الکترونیکی
او درزبندی
ان *Encapsulation*

کپسولی‌کردن پسمانده پرتوزا

اع۱ دفع پسمانده پرتوزا
اع۲ دفع پسمانده صنعتی
اع۳ دفع پسمانده
اع۱ کپسولی‌کردن
اع۲ فن اندایش
اع۳ نهشت
او پسمانده پرتوزا
او دفع پسمانده پرتوزا
او ذخیره‌سازی پسمانده پرتوزا
ان *Radioactive waste encapsulation*

کپک

ب‌ک قارچ

کپی‌برداری

اخ۱ کپی‌برداری نوری
اخ۲ تکثیر الکترواستاتیک
اخ۳ خشک‌نگاری
اخ۲ فتوکپی رنگی
او تجهیزات اداری
او چاپ اوزالید
او فناوری اطلاعات
ان *Copying*

کپی‌برداری نوری

اع۱ کپی‌برداری
اخ۱ تکثیر الکترواستاتیک
اخ۲ خشک‌نگاری
اخ۱ فتوکپی رنگی
او چاپ اوزالید
او عکاسی
او نشر
ان *Photocopying*

کتابخانه

اع۱ تسهیلات
او اشاعه اطلاعات
او خدمات اطلاعاتی
ان *Library*

کتابخانه دستورالعمل

ب‌ک زیربرنامه

کتاب درسی

او اشاعه اطلاعات
او دستینه
ان *Textbook*

کتابشناسی

او اشاعه اطلاعات
ان *Bibliography*

کتان

اع۱ الیاف طبیعی
اع۲ الیاف
اع۳ مواد
او پارچه کتانی
ان *Flax*

کتون

اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ استون
او نمک
ان *Ketone*

کدرساز

اع۱ افزودنی
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او فراوردن شیشه
او ناشفافی
ان *Opacifier*

کدری‌سنج

اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری چگالی
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او پراکندگی نور
او تجزیه شیمیایی
او تحلیل درشتی ذره

او شفافیت
او نفلومتر
او هوامیز
ان *Turbidimeter*

کراکینگ با بخار

اع۱ ترک‌خوردگی(شیمیایی)
اع۲ تفکافت
اع۳ تجزیه
او بخار(آب)
او گازوئیل
او نفتا
ان *Steam cracking*

کراکینگ کاتالیستی سیال

اع۱ شکست کاتالیزوری
اع۲ ترک‌خوردگی(شیمیایی)
اع۳ تفکافت
او پالایش نفت
ان *Fluid catalytic cracking*

کراکینگ نفت

ب‌ک ترک‌خوردگی(شیمیایی)

کراکینگ هیدروژنی

اع۱ شکست کاتالیزوری
اع۲ ترک‌خوردگی(شیمیایی)
اع۳ تفکافت
او پالایش نفت
او هیدروکربن
ان *hydrocracking*

کرانه(کناره آب)

او آب سطحی
او دریاچه
او رودخانه
او کرانه‌داری
ان *Bank (bodies of water)*

کرانه‌داری

اع۱ حفاظت
او حفاظت خاک
او حفاظت ساحل
او جفاظت شیب
او راه آبی درون‌مرزی
او فرسایش
او کرانه(کناره آب)
او کنترل رودخانه
او مهندسی ساحل
او مهندسی محیط
ان *Bank protection*

کرایه(ترابری)

ب‌ک هزینه ترابری

کربن

اع۱ نافلز
اع۲ عنصر شیمیایی
اخ۱ الماس
اخ۲ الماس سنتزی
اخ۲ الماس صنعتی
اخ۳ الماس‌پوسه
اخ۲ الماس نیم‌رسانا
اخ۱ الیاف کربنی
اخ۲ الیاف گرافیتی
اخ۱ دوده کربنی
اخ۱ زغال چوب
اخ۱ کربن فعال‌شده
اخ۱ گرافیت
اخ۲ الیاف گرافیتی
اخ۲ گرافیت ساختگی
اخ۲ گرافیت کلوئیدی
او پلاستیک مسلح فیبر کربنی
او پلمه‌سنگ کربن‌دار
او ترکیبات آلی
او ترکیبات کربنی
او ترکیبات معدنی کربن
او جاذب کربن‌دار
او دوده
او زغال‌دارشدگی
او زغال‌زدایی
او زغال‌سنگ
او فولاد کربنی
او کانی کربناتی
او کربن‌گیری
او کک
او مواد نسوز کربن‌دار
ان *Carbon*

کربنات

اع۱ ترکیبات معدنی کربن
اع۲ ترکیبات معدنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ پتاس
اخ۱ کانی کربناتی
اخ۲ منیزیت
اخ۱ کلسیت
ان *Carbonate*

کربنات پتاسیم

ب‌ک پتاس

کربنات‌سازی

اع۱ واکنش شیمیایی
او کربن دی‌اکسید
ان *Carbonation*

کربن بی‌سولفید

ب‌ک کربن دی‌سولفید

کربن تتراکلرید

اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات کلر
اع۲ ترکیبات هالوژنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او حلال
ان *Carbon tetrachloride*

کربن‌دهی

اع۱ سخت‌کاری سطحی
اع۲ سخت‌گردانی
اع۲ عملیات حرارتی
اع۱ عملیات حرارتی
ان *Carburizing*

کربن دی‌اکسید

اع۱ اکسید
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات معدنی کربن
اع۲ ترکیبات معدنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او اثر گلخانه‌ای
او آلودگی هوا
او ترکیب جوی
او ثبات کربن دی‌اکسید
او جوشکاری قوسی کربن دی‌اکسید
او سردکن
او فرایند کربن دی‌اکسید
او کربنات‌سازی
او لیزر کربن دی‌اکسید
ان *Carbon dioxide*

کربن دی‌سولفید

ب‌چ *کربن بی‌سولفید*
اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات گوگرد
اع۲ ترکیبات شیمیایی
او حلال
ان *Carbon disulfide*

کربن فعال‌شده

ب‌چ *زغال فعال‌شده*
اع۱ کربن
اع۲ نافلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او تصفیه با کربن فعال‌شده
او جاذب کربن‌دار
ان *Activated carbon*

کربن‌گیری

اع۱ عملیات حرارتی
او کربن
ان *Decarburization*

کربن منواکسید

اع۱ اکسید
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات معدنی کربن
اع۲ ترکیبات معدنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او آلودگی هوا
او گاز سنتز
ان *Carbon monoxide*

کربوکسیل‌دارکردگی

اع۱ واکنش شیمیایی
ان *Carboxylation*

کربوکسیلیک‌اسید
بج *آروماتیک اسید*
بج *آلکانوئیک اسید*
اع۱ اسید آلی
اع۲ اسید
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ اسید چرب
اع۲ استیک اسید
ان *Carboxylic acid*

کربونیتروژن‌دهی
ب‌ک سیانورکاری

کربونیل‌دارکردگی
اع۱ واکنش شیمیایی
ان *Carbonylation*

کربوهیدرات
اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ پلی‌ساکارید
اع۲ سلولز
اع۳ سلولز توسعه‌یافته
اع۲ کیتین
اع۲ نشاسته
اع۱ قند
اع۲ دکستروز
اع۲ زایلوز
اع۲ فروکتوز
اع۲ قند(ساکاروز)
اع۳ شکر مایع
اع۲ گلوکز
اع۲ مالتوز
او فراورده غذایی
ان *Carbohydrate*

کرنش
اع۱ ویژگی مکانیکی
او اندازه‌گیری کرنش
او آهنگ کرنش
او تحلیل سازه
او تغییرشکل
او تنش
او تنش پیچشی
او خمش(دگرشکلی)
او کرنش‌سنج
او کشسانی
او کمانش
او کنترل کرنش
او مومسانی
ان *Strain*

کرنش‌سنج
اع۱ پیمانه
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او آزمایش مکانیکی
او انبساط‌سنج
او اندازه‌گیری کرنش
او تحلیل تنش
او تراگذار
او کرنش
ان *Strain gage*

کروژن
اع۱ مواد قیری
اع۲ مواد
او پلمه‌سنگ نفتی
او روان‌ساز
ان *Kerogen*

کروم
اع۱ فلز دیرگداز
اع۲ فلز واسطه
اع۳ فلز
او آب‌کرم‌کاری
او آلیاژ کروم
او ترکیبات کروم
او ذخیره کرومیت
او عمل‌آوری کان‌سنگ کروم
او فلزنگاری کروم
او متالورژی کروم
او مصالح راهبردی
او معدن کروم

ان *Chromium*

کرومات

اع۱ ترکیبات کروم
اع۲ ترکیبات فلزی دیرگداز
اع۳ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ مواد نسوز
او اندود کروماتی
ان *Chromate*

کروماتوگرافی

اخ۱ کروماتوگرافی آبگریزی
اخ۱ کروماتوگرافی دفع مولکولی
اخ۱ کروماتوگرافی ستونی
اخ۱ کروماتوگرافی گازی
اخ۱ کروماتوگرافی لایه نازک
اخ۱ کروماتوگرافی مایع
اخ۲ کروماتوگرافی ژل تراوا
اخ۲ کروماتوگرافی مایع با فشار بالا
اخ۲ کروماتوگرافی مایع با نمود بالا
اخ۱ کروماتوگرافی میل ترکیبی
او تجزیه کروماتوگرافیک
او جداسازی
ان *Chromatography*

کروماتوگرافی آبگریزی

اع۱ کروماتوگرافی
ان *Hydrophobic chromatography*

کروماتوگرافی دفع مولکولی

اع۱ کروماتوگرافی
ان *Size exclusion chromatography*

کروماتوگرافی ژل تراوا

اع۱ کروماتوگرافی مایع
اع۲ کروماتوگرافی
ان *Gel permeation chromatography*

کروماتوگرافی ستونی

اع۱ کروماتوگرافی
ان *Column chromatography*

کروماتوگرافی گازی

اع۱ کروماتوگرافی
او تجزیه سوخت گازی
ان *Gas chromatography*

کروماتوگرافی لایه نازک

اع۱ کروماتوگرافی
ان *Thin layer chromatography*

کروماتوگرافی مایع

اع۱ کروماتوگرافی
اخ۱ کروماتوگرافی ژل تراوا
اخ۱ کروماتوگرافی مایع با فشار بالا
اخ۱ کروماتوگرافی مایع با نمود بالا
ان *Liquid chromatography*

کروماتوگرافی مایع با فشار بالا

اع۱ کروماتوگرافی مایع
اع۲ کروماتوگرافی
ان *High pressure liquid chromatography*

کروماتوگرافی مایع با نمود بالا

اع۱ کروماتوگرافی مایع
اع۲ کروماتوگرافی
ان *High performance liquid chromatography*

کروماتوگرافی میل ترکیبی

اع۱ کروماتوگرافی
ان *Affinity chromatography*

کروموزوم

اع۱ یاخته
اع۲ مواد زیست‌شناختی
اع۳ مواد
اخ۱ ژن
ان *Chromosome*

کرومیت

اع۱ ترکیبات آهن
اع۲ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ ترکیبات کروم
اع۲ ترکیبات فلزی دیرگداز
اع۳ ترکیبات فلز واسطه
اع۳ مواد نسوز

اع۱ کان‌سنگ
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
او ذخیره کرومیت
او عمل‌آوری کان‌سنگ کروم
او معدن کروم
ان *Chromite*

کره

اع۱ جسم دوار
اع۲ هندسه
اع۳ فن ریاضی
او شارش سیال
ان *Spher*

کره اوزون

ب‌ک لایه اوزون

کره ماه

اع۱ منظومه شمسی
او اخترشناسی
او فرود قمری
او کاوش سطحی قمری
او ماموریت قمری
او مبنای قمری
ان *Moon*

کریپتون

اع۱ گاز بی‌اثر
اع۲ گاز
اع۳ سیال
اع۲ نافلز
اع۳ عنصر شیمیایی
ان *Krypton*

کریوترون

اع۱ ابزار ابررسانشی
اع۲ تجهیزات
اع۱ سوده الکتریکی
اع۲ سوده
اع۳ تجهیزات
او ذخیره سرماالکتریکی
او سرمایش‌شناسی
او مدار فیلم‌نازک
ان *Cryotron*

کسب دانش

اع۱ مهندسی دانش
اع۲ هوش مصنوعی
اع۳ سیبرنتیک
او سیستم دانش بنیاد
ان *Knowledge acquisition*

کسر حجمی

او ترکیب فاز
او تقطیر جزء به جزء
او جامد
او گاز
او مایع
ان *Volume fraction*

کسیلن

اع۱ هیدروکربن آروماتیک
اع۲ هیدروکربن
اع۳ ترکیبات آلی
ان *Xylene*

کشاورزی

اع۱ صنعت
اع۱ آبیاری
اع۱ درو
اع۱ زراعت
او باغ میوه
او جنگلبانی
او حفاظت خاک
او رواناب کشاورزی
او کشت آبی
او کود شیمیایی
او کود شیمیایی نیتروژن‌دار
او ماشین‌آلات کشاورزی
او مزرعه
او منطقه روستایی
او مهندسی کشاورزی
او نهر آبیاری
ان *Agriculture*

کشپار

اع۱ بسپار آلی
اع۲ بسپار
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ کشپار گرمانرم
اخ۲ پلی‌ایزوپرن
اخ۱ لاستیک سنتزی
اخ۲ پلی‌بوتادین
اخ۲ پلی‌سولفید
او چسب
او شیرابه
او وولکانش
ان *Elastomer*

کشپار گرمانرم

اع۱ کشپار
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
اع۱ گرمانرم
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اخ۱ پلی‌ایزوپرن
او بسپارش تراکمی
ان *Thermoplastic elastomer*

کشت آبی

اع۱ صنعت
او استخر ماهی
او بستر پالایشگر زیست‌شناختی
او شیلات
او کشاورزی
ان *Aquaculture*

کشت بافت

اع۱ کشت یاخته
او بافت(زیست‌شناختی)
ان *Tissue culture*

کشت دسته‌ای یاخته

اع۱ کشت یاخته
ان *Batch cell culture*

کشتزار کائوچو

اع۱ مزرعه
او صنعت لاستیک
او لاستیک
ان *Rubber plantation*

کشتی

ب‌ج *کشتی موتوری*
اع۱ آب‌پیما
اع۲ وسیله نقلیه
اخ۱ بدنه(کشتی)
اخ۱ تجهیزات کشتی
اخ۲ پیشران کشتی
اخ۲ تجهیزات الکترونیکی کشتی
اخ۲ تجهیزات برقی کشتی
اخ۲ تجهیزات گارد ساحلی
اخ۲ تجهیزات هدایت کشتی
اخ۳ سکان
اخ۲ جرثقیل کشتی
اخ۲ دریچه
اخ۲ دودکش کشتی
اخ۲ روکش دریچه
اخ۲ سنج‌افزار کشتی
اخ۲ قایق‌بالابر
اخ۲ کابل لنگر
اخ۲ لنگر
اخ۲ مخزن بالاست
اخ۱ زیردریایی
اخ۲ زیردریایی اقیانوس‌شناسی
اخ۱ عرشه(کشتی)
اخ۱ کابل‌گذار
اخ۱ کشتی کمکی زیردریایی
اخ۱ کشتی بخار
اخ۱ کشتی پیش‌ساخته
اخ۱ کشتی حفاری
اخ۱ کشتی مخزن‌دار
اخ۱ کشتی یخ‌شکن
اخ۱ ناقل کان‌سنگ
او آزمایش شوک
او آزمایش کشتی
او بارانداری
او بارگیری
او برخورد ته کشتی با آب
او بیمه دریایی
او پرتاب

او پیشرانی کشتی
او تجهیز(آب‌پیما)
او ترابری آبی
او حوض خشک
او رزمایش‌پذیری
او سوخت‌گیری
او سوخت‌گیری کشتی
او سیستم جهت‌یابی رادیویی
او سیستم ناوبری
او شبیه‌ساز کشتی
او قابل دوام در دریای طوفانی
او قایق
او کارخانه کشتی‌سازی
او کشتی بادبانی
او کشتی‌سازی
او مخزن مدل کشتی
او مدل کشتی
او مساله یخ
او مصالح کشتی‌سازی
او معماری دریایی
او مهار تک‌نقطه‌ای
او مهار کشتی
او مهندسی دریایی
او موجودات دریایی چوب‌خوار
او ناوگان بازرگانی
ان *Ship*

کشتی کمکی زیردریایی

اع۱ کشتی
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
او زیردریایی
ان *Submarine tender*

کشتی موتوری

ب‌ک کشتی

کشت یاخته

اخ۱ کشت بافت
اخ۱ کشت دسته‌ای یاخته
اخ۱ کشت یاخته پیوسته
اخ۱ کشت یاخته حیوانی
اخ۱ کشت یاخته گیاهی
او بی‌جنبش‌سازی یاخته
او جنبش‌شناسی رشد
او یاخته
ان *Cell culture*

کشت یاخته پیوسته

اع۱ کشت یاخته
او تخمیر
ان *Continuous cell culture*

کشت یاخته حیوانی

اع۱ کشت یاخته
ان *Animal cell culture*

کشت یاخته گیاهی

اع۱ کشت یاخته
او گیاه
ان *Plant cell culture*

کشتی بادبانی

ب‌ج *قایق بادبانی*
اع۱ آب‌پیما
اع۲ وسیله نقلیه
او قایق
او کشتی
او مهار تک‌نقطه‌ای
ان *Sailing vessel*

کشتی بخار

ی‌د کشتی‌های باری و مسافربری که از بخار به عنوان منبع نیرو استفاده می‌کنند.
اع۱ کشتی
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
او بخار(آب)
او پیشرانش بخار
او توربین بخار
او ماشین بخار
ان *Steamship*

کشتی پیش‌ساخته

اع۱ کشتی
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
او سازه پیش‌ساخته
ان *Prefabricated ship*

کشتی حفاری

اع۱ کشتی
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
او حفاری چاه
ان *Drillship*

کشتی‌سازی

بج *قایق‌سازی*
اع۱ ساخت
او آب‌پیما
او تجهیز(آب‌پیما)
او تکیه‌گاه زیر کشتی
او حوض خشک
او کارخانه کشتی‌سازی
او کشتی
او مصالح کشتی‌سازی
او معماری دریایی
ان *Shipbuilding*

کشتی ماهی‌گیری

اع۱ قایق
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
او آشکارساز ماهی
او شیلات
او نشانگر عمق
ان *Fishing vessel*

کشتی مخزن‌دار

بج *نفت‌کش*
اع۱ کشتی
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
او ترابری نفت
ان *Tanker (ship)*

کشتی نجات

اع۱ آب‌پیما
اع۲ وسیله نقلیه
او شناور
ان *Rescue vessel*

کشت یونی

او آلودن نیم‌رسانا
او آلودن(مواد اضافی)
او مواد نیم‌رسانا
او یون
ان *Ion implantation*

کشتی هوایی

اع۱ هواگرد
ان *Airship*

کشتی یخ‌شکن

اع۱ کشتی
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
ان *Icebreaker*

کشسانی

بج *صوت‌کشسانی*
بج *هیدرولاستیسیته*
اع۱ ویژگی مکانیکی
او آزمایش دمای بالا
او آزمایش کشسانی
او تراکم‌پذیری
او تغییرشکل
او سیال‌شناسی
او ضریب کشسانی
او کرنش
او گرماکشسانی
او مکانیک پیوستاری
او موج کشسانی
او نورکشسانی
او واهلش ناکشسان
او ویسکوالاستیسیته
ان *Elasticity*

کشش(شکل‌دهی)

اع۱ شکل‌دهی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
اخ۱ مدل‌کشی فلزی
اخ۲ کشش ژرف
اخ۲ مدل‌کشی سیمی
او پرس‌کاری فلز
او روزن‌رانی
او شکل‌دهی انبساطی

او قالب کشش
او مهرزنی
ان *Drawing (forming)*

کشش الکتریکی

اع۱ کشش برقی دیزلی
او بهره‌برداری نیروی برق
او پیشرانش چرخ طیار
او جمع‌آوری جریان الکتریکی
او راه‌آهن برقی
او شاخک برق‌رسان
او موتور خطی
او موتور وسیله نقلیه
او وسیله نقلیه الکتریکی
ان *Electric traction*

کشش برقی دیزلی

اع۱ کشش الکتریکی
او لکوموتیو دیزلی
او موتور دیزل
ان *Diesel electric traction*

کشش بین سطحی
ب‌ک کشش سطحی

کشش‌رانی

اع۱ شکل‌دهی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او روزن‌رانی
او شکل‌دهی پلاستیک
او مواد مختلط
ان *Pultrusion*

کشش ژرف

اع۱ مدل‌کشی فلزی
اع۲ شکل‌دهی فلز
اع۳ شکل‌دهی
اع۲ کشش(شکل‌دهی)
اع۳ شکل‌دهی
او پرس‌کاری(شکل‌دهی)
او شکل‌دهی انبساطی
او شکل‌دهی انفجاری
او فلزکاری
او گرم‌کاری
ان *Deep drawing*

کشش سطحی

ب‌ج *کشش بین سطحی*
اع۱ پدیده سطحی
او انرژی سطح مشترک
او تراوش(سیال)
او زاویه تماس
او سطح مشترک(مواد)
او شیشه
او مایع
او مویینگی
ان *Surface tension*

کشند

او اقیانوس‌شناسی
او جریان اقیانوسی
او سیل
او قدرت کشندی
او کشندسنج
او موج آب
او نیروگاه کشندی
ان *Tide*

کشندسنج

اع۱ پیمانه
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او کشند
ان *Tide gage*

کشور در حال توسعه

اع۱ منطقه جغرافیایی
ان *Developing Country*

کف‌پوش

او تولید فرش
ان *Linoleum*

کف چوبی

اع۱ طبقه(ساختمان)
اع۲ عضو سازه‌ای
اع۳ اجزا

اع۳ سازه
اع۱ فراورده چوبی
او ساخت چوبی
ان *Wooden floor*

کف‌سازی باندپرواز
اع۱ حفاظت در مقابل آتش‌سوزی
اع۲ حفاظت
او باند پرواز فرودگاه
ان *Runway foaming*

کف سرامیک
اع۱ اسفنج
اع۲ مواد متخلخل
اع۳ مواد
اع۱ مواد سرامیکی
اع۲ مواد
ان *Ceramic foam*

کفه بارگیری
اع۱ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۲ تجهیزات
ان *Pallet*

کک
اع۱ مواد
اخ۱ کک متالورژی
اخ۱ کک نفت
او تقطیر تخریبی زغال‌سنگ
او دیگ بخار کک‌سوز
او زغال‌سنگ
او ساختن کک
او سوخت
او سوخت کوره
او کربن
او کک‌سازی
او کوره کک‌سوز
او گرافیت‌سازی
او ویژگی کک‌سازی
ان *Coke*

کک‌سازی
اع۱ زغال‌دارشدگی
اع۲ واکنش شیمیایی
او پالایش نفت
او تقطیر تخریبی زغال‌سنگ
او کک
او واحد صنعتی کک‌سازی
ان *Coking*

کک متالورژی
اع۱ کک
اع۲ مواد
او متالورژی
ان *Metallurgical coke*

کک نفت
اع۱ کک
اع۲ مواد
او فراورده نفتی
ان *Petroleum coke*

کلات‌شدگی
ب‌ج کلات‌کننده
اع۱ واکنش شیمیایی
او ترکیب آلی‌فلزی
او کمپلکس‌شدن
او یون
ان *Chelation*

کلات‌کننده
ب‌ک کلات‌شدگی

کلاچ
اع۱ تجهیزات
اخ۱ کلاچ الکتریکی
او اجزای ماشین
او ترمز
او جفت‌ساز
او کارانداز
او محرک
او وسایل کنترل نهایی
ان *Clutche*

کلاچ الکتریکی
اع۱ کلاچ
اع۲ تجهیزات
او ابزار کنترل الکتریکی نهایی

ان *Electric clutch*

کلر

اع۱ عنصر هالوژنی
اع۲ نافلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او ترکیبات کلر
ان *Chlorine*

کلردارکردگی

اع۱ هالوژن‌دارکردن
اع۲ واکنش شیمیایی
او تصفیه آب
او تصفیه فاضلاب
او رنگ لاستیکی کلرینه
ان *Chlorination*

کلروفلئورکربن

اع۱ ترکیبات هالوژنی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
او فرئون
ان *Chlorofluorocarbon*

کلروفیل

ب‌ک سبزینه

کلسترول

اع۱ مواد زیست‌شناختی
اع۲ مواد
او خطر بهداشتی
او لیپید
او مایع
ان *Cholesterol*

کلسیت

اع۱ ترکیبات کلسیم
اع۲ ترکیبات فلز قلیایی خاکی
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ کانی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۲ مواد
اع۱ کربنات
اع۲ ترکیبات معدنی کربن
اع۳ ترکیبات معدنی

ان *Calcite*

کلسیم

اع۱ فلز قلیایی خاکی
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آلیاژ کلسیم
او آهکی‌شدن(زیست‌شیمی)
او حس‌گر یون کلسیم
ان *Calcium*

کلسیم اکسید

ب‌ک آهک

کلسیم کاربید

اع۱ ترکیبات کلسیم
اع۲ ترکیبات فلز قلیایی خاکی
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ کاربید
اع۲ ترکیبات معدنی کربن
اع۳ ترکیبات معدنی
ان *Calcium carbide*

کلسیم هیدروکسید

ب‌ک آهک هیدراته

کلوخه‌سازی

اع۱ عملیات حرارتی
اخ۱ کلوخه‌سازی معدنی
او آلومین متخلخل
او پرس‌کاری همفشار داغ
او تخلخل
او تف‌متالورژی
او کاربید متخلخل
او متالورژی پودر
او مواد متخلخل
او مواد نسوز
ان *Sintering*

کلوخه‌سازی معدنی

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
اع۱ کلوخه‌سازی
اع۲ عملیات حرارتی

او کلوخه کان‌سنگ
ان *Ore sintering*

کلوخه کان‌سنگ
اع۱ کان‌سنگ
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اخ۱ کلوخه کان‌سنگ آهن
او کلوخه‌سازی معدنی
ان *Ore sinter*

کلوخه کان‌سنگ آهن
اع۱ کلوخه کان‌سنگ
اع۲ کان‌سنگ
اع۳ کانی
او کان‌سنگ آهن
ان *Iron ore sinter*

کلومبیم
ب‌ک نیوبیم

کلوئید
اع۱ پاشیدگی
اخ۱ ژل
اخ۲ سیلیکاژل
اخ۱ ژلاتین آبی
اخ۱ سل
اخ۲ پلاستی‌سول
اخ۱ شیرابه
اخ۱ کلوئید محافظ
اخ۱ گرافیت کلوئیدی
اخ۱ میسل
اخ۱ هوامیز
اخ۲ هوامیز جوی
او اسفنج
او الکتروفورز
او انرژی سطح مشترک
او انعقاد
او ته‌نشینی(شیمیایی)
او حرکت براونی
او درشت‌ملکول
او دیالیز
او ذره(ماده معلق)
او ژله‌شدن
او سطح مشترک فاز
او شیمی کلوئید
او غلظت حدی میسلی
او مایع غیرنیوتنی
او همامیزی
ان *Colloid*

کلوئید محافظ
اع۱ کلوئید
اع۲ پاشیدگی
او امولسیون عکاسی
او مشتقات سلولز
ان *Protective colloid*

کله‌زنی سرد
اع۱ سردکاری
اع۲ فلزکاری
اع۳ فراورش
او افزایش مقطع(شکل‌دهی)
او پیچ نر
او فولاد
ان *Cold heading*

کلید(برای قفل)
اع۱ تجهیزات
او قفل(چفت)
ان *Key (for lock)*

کلید زبانه‌ای
ب‌ک رله زبانه‌ای

کمانش
اع۱ شکست(مکانیکی)
او آزمایش دمای بالا
او تغییرشکل
او تنش پیچشی
او کرنش
ان *Buckling*

کمباین
ب‌ک ماشین خرمن‌کوب

کم‌پار
اع۱ بسپار آلی

اع۲ بسپار
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او بسپارش
ان *Oligomer*

کمپرسور پیستون آزاد

اع۱ تراکم‌ساز هوا
اع۲ ماشین‌آلات
او لکوموتیو
او موتور پیستون آزاد
ان *Free piston compressor*

کمپرسور هوا
ب‌ک تراکم‌ساز هوا

کمپلکس‌شدن

اع۱ واکنش شیمیایی
او ترکیب آلی‌فلزی
او کلات‌شدگی
او یون
ان *Complexation*

کمپوست‌سازی زباله

اع۱ کمپوست‌کردن
اع۲ به‌کاربری پسمانده
او دفع پسمانده
ان *Refuse composting*

کمپوست‌کردن

اع۱ به‌کاربری پسمانده
اخ۱ کمپوست‌سازی زباله
او دفع پسمانده
او دفع زباله
او فاضلاب
ان *Composting*

کمربند ایمنی خودرو

اع۱ ابزار ایمنی خودرو
اع۲ ابزار ایمنی
اع۳ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۳ خودرو
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
ان *Automobile seat belt*

کمربند تابشی

ب‌ج *کمربند وان‌آلن*
اع۱ میدان مغناطیسی زمین
اع۲ جو بالا
اع۳ جو زمین
ان *Radiation belt*

کمربند وان‌آلن
ب‌ک کمربند تابشی

کمک سیار برای روشن‌دل

اع۱ تجهیزات توانبخشی انسانی
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
او مهندسی توانبخشی انسانی
ان *Mobility aids for blind person*

کمک طراحی

اع۱ تجهیزات
او طراحی
او طراحی به کمک رایانه
ان *Design aid*

کمک‌بینایی

ب‌ج *اصلاح دید*
اع۱ کمک‌حسی
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ عدسک
اخ۱ عدسی داخل چشمی
اخ۱ عینک
او بینایی
او پروستتیک
او چشم‌پزشکی
ان *Vision aid*

کمک‌حسی

اع۱ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ کمک‌بینایی

اخ۲ عدسک
اخ۲ عدسی داخل چشمی
اخ۲ عینک
اخ۱ کمک‌شنوایی
اخ۲ کمک‌شنوایی تلفن
او ادراک حسی
او پس‌خورد حسی
او مهندسی توانبخشی انسانی
ان *Sensory aid*

کمک‌راه‌رفتن

ب‌ج *چوب زیر بغل*
اع۱ تجهیزات توانبخشی انسانی
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
او ارتاسازی
او پروستتیک
او مهندسی توانبخشی انسانی
ان *Walking aid*

کمک‌شنوایی

اع۱ کمک‌حسی
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ کمک‌شنوایی تلفن
او پروستتیک
او تولید دوباره صدا
او شنوایی
او گوشی
ان *Hearing aid*

کمک‌شنوایی تلفن

اع۱ دستگاه تلفن
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ کمک‌شنوایی
اع۲ کمک‌حسی
اع۳ تجهیزات زیست‌پزشکی
ان *Telephone hearing aid*

کمک‌یادگیری برای معلول

اع۱ تجهیزات توانبخشی انسانی
اع۲ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۳ تجهیزات
او مهندسی توانبخشی انسانی
ان *Learning aids for handicapped person*

کمینه‌سازی شبکه سودهی

اع۱ بهینه‌سازی
اع۱ نظریه سودهی
اع۲ نظریه مدار
اع۳ نظریه
او تابع سودهی
او شبکه سودهی
او طراحی منطقی
ان *Minimization of switching net*

کنترل

ب‌ج *کنترل خودکار*
اخ۱ دورفرمان
اخ۱ کنترل آب‌وهوا
اخ۲ تهویه
اخ۳ تهویه معدن
اخ۲ تهویه مطبوع
اخ۳ تهویه مطبوع با سوخت گازی
اخ۲ گرمایش فضا
اخ۳ گرمایش فضای الکتریکی
اخ۳ گرمایش ناحیه‌ای
اخ۱ کنترل آفت
اخ۲ دودادن
اخ۲ کنترل جلبک
اخ۲ کنترل حشره
اخ۳ حفاظت از موریانه
اخ۳ کنترل پشه
اخ۲ کنترل علف هرز
اخ۱ کنترل آلودگی
اخ۲ کنترل آلودگی آب
اخ۲ کنترل آلودگی خاک
اخ۲ کنترل آلودگی نوفه
اخ۳ کاهش نوفه
اخ۲ کنترل آلودگی هوا
اخ۳ کاهش دود
اخ۳ کاهش گرد و غبار
اخ۳ کنترل غبار شیمیایی
اخ۱ کنترل بادی
اخ۱ کنترل بار فشار
اخ۱ کنترل بو
اخ۱ کنترل بودجه
اخ۱ کنترل بیماری
اخ۲ کنترل مالاریا

اخ۱	کنترل پس‌خوردی
اخ۱	کنترل تراکم(ارتباطات)
اخ۱	کنترل تولید
اخ۲	تولید درست به موقع
اخ۱	کنترل خودکار ترن
اخ۱	کنترل دستی
اخ۱	کنترل دیگ بخار
اخ۱	کنترل رطوبت
اخ۲	کنترل رطوبت (محیط)
اخ۱	کنترل رودخانه
اخ۱	کنترل سبقف معدن
اخ۱	کنترل سیل
اخ۱	کنترل شدآمد
اخ۲	کنترل شدآمد بزرگراه
اخ۲	کنترل شدآمد خیابان
اخ۳	کنترل شدآمد اضطراری
اخ۲	کنترل شدآمد راه‌آهن
اخ۲	مراقبت پرواز
اخ۱	کنترل فازی
اخ۱	کنترل فرایند
اخ۲	کنترل رایانه‌ای
اخ۲	کنترل فرایند آماری
اخ۱	کنترل کف
اخ۱	کنترل گرد و غبار
اخ۱	کنترل لجن کاغذسازی
اخ۱	کنترل متغیر الکتریکی
اخ۲	کنترل بسامد الکتریکی
اخ۲	کنترل بهره
اخ۲	کنترل توان
اخ۲	کنترل جریان الکتریکی
اخ۲	کنترل فاز
اخ۲	کنترل ولتاژ
اخ۱	کنترل متغیر شیمیایی
اخ۱	کنترل متغیر صوتی
اخ۲	کنترل آلودگی نوفه
اخ۳	کاهش نوفه
اخ۱	کنترل متغیر فضایی
اخ۲	کنترل سطح
اخ۲	کنترل صدا(فضایی)
اخ۲	کنترل ضخامت
اخ۲	کنترل وضعیت
اخ۱	کنترل متغیر گرمایی
اخ۲	کنترل دما
اخ۱	کنترل متغیر مغناطیسی
اخ۱	کنترل متغیر مکانیکی
اخ۲	کنترل ارتعاش
اخ۲	کنترل تندی
اخ۲	کنترل چگالی(گرانی ویژه)
اخ۲	کنترل حرکت
اخ۲	کنترل سرعت
اخ۲	کنترل شارش
اخ۲	کنترل شتاب
اخ۲	کنترل فشار
اخ۳	تنظیم فشار
اخ۲	کنترل کرنش
اخ۲	کنترل گشتاور نیرو
اخ۲	کنترل نیرو
اخ۱	کنترل متغیر نوری
اخ۱	کنترل مخابراتی
اخ۱	کنترل موجودی
اخ۱	کنترل وزن
اخ۱	کنترل هم‌زمانی تقریبی
اخ۱	کنترل هوشمند
اخ۱	کنترل یخ
اخ۱	کنترل یکپارچه
اخ۱	مرکز علائم و کنترل
اخ۱	هدایت خودکار(ماشین‌آلات کشاورزی)
او	آدمک صنعتی
او	افزونگی
او	پراکندگی مه
او	تجهیزات کنترل
او	ترمزگیری
او	تسهیلات کنترل
او	تعدیل آب‌وهوا
او	خودکارسازی
او	سنج‌افزار
او	سیستم کنترل
او	سیلان‌شناسی
او	کنسول راه دور
او	نظریه کنترل
او	همگام‌سازی
او	واحد صنعتی
ان	*Control*

کنترل آب‌وهوا

اع۱	کنترل
اخ۱	تهویه
اخ۲	تهویه معدن
اخ۱	تهویه مطبوع
اخ۲	تهویه مطبوع با سوخت گازی
اخ۱	گرمایش فضا
اخ۲	گرمایش فضای الکتریکی

اخ۲ گرمایش ناحیه‌ای
او ساختمان
او ساختمان شمالگان
او ساختمان گرمسیری
او سرمایش
او کنترل دما
او گرمایش
او مانع هوایی
ان *Climate control*

کنترل آفت

اع۱ کنترل
اخ۱ دودادن
اخ۱ کنترل جلبک
اخ۱ کنترل حشره
اخ۲ حفاظت از موریانه
اخ۲ کنترل پشه
اخ۱ کنترل علف هرز
او اثر آفت‌کش
او آفت‌کش
او موجودات دریایی چوب‌خوار
ان *Pest control*

کنترل آلودگی

اع۱ کنترل
اخ۱ کنترل آلودگی آب
اخ۱ کنترل آلودگی خاک
اخ۱ کنترل آلودگی نوفه
اخ۲ کاهش نوفه
اخ۱ کنترل آلودگی هوا
اخ۲ کاهش دود
اخ۲ کاهش گرد و غبار
اخ۲ کنترل غبار شیمیایی
او آشکارسازی آلودگی
او آلودگی
او تجهیزات کنترل آلودگی
او دوردریافتگری
او مهندسی محیط
ان *Pollution control*

کنترل آلودگی آب

اع۱ کنترل آلودگی
اع۲ کنترل
او آب
او آب‌رسانی
او آلودگی آب
او برنامه‌ریزی منطقه‌ای
او پالایدن آب
او تجهیزات کنترل آلودگی آب
ان *Water pollution control*

کنترل آلودگی خاک

اع۱ کنترل آلودگی
اع۲ کنترل
او آلودگی خاک
ان *Soil pollution control*

کنترل آلودگی نوفه

اع۱ کنترل آلودگی
اع۲ کنترل
اع۱ کنترل متغیر صوتی
اع۲ کنترل
اخ۱ کاهش نوفه
او تجهیزات کنترل آلودگی نوفه
ان *Noise pollution control*

کنترل آلودگی هوا

اع۱ کنترل آلودگی
اع۲ کنترل
اخ۱ کاهش دود
اخ۱ کاهش گرد و غبار
اخ۱ کنترل غبار شیمیایی
او آلودگی هوا
او برنامه‌ریزی منطقه‌ای
او کیفیت هوا
ان *Air pollution control*

کنترل ارتعاش

اع۱ کنترل متغیر مکانیکی
اع۲ کنترل
او ارتعاش(مکانیکی)
او اندازه‌گیری ارتعاش
او موازنه
او میرایی
ان *Vibration control*

کنترل انرژی

ب‌ک کنترل توان

کنترل بادی

اع۱ کنترل
او تجهیزات کنترل بادی
ان *Pneumatic control*

کنترل بار فشار

اع۱ کنترل
او پرس(ابزار ماشینی)
او کنترل فشار
ان *Press load control*

کنترل باریکه الکترونی

ب‌ک عدسی الکترونی

کنترل بسامد الکتریکی

ب‌ج *تنظیم بسامد الکتریکی*
اع۱ کنترل متغیر الکتریکی
اع۲ کنترل
او استاندارد بسامد
او اندازه‌گیری بسامد الکتریکی
او پایداری بسامدی
ان *Electric frequency control*

کنترل بو

اع۱ کنترل
او بو
او تصفیه آب
او تصفیه‌خانه فاضلاب
او رفع بو
او هضم بی‌هوازی
ان *Odor control*

کنترل بودجه

ب‌ج *بودجه‌بندی*
اع۱ کنترل
اع۱ مدیریت
او مدیریت صنعتی
ان *Budget control*

کنترل بهره

اع۱ کنترل متغیر الکتریکی
اع۲ کنترل
او اندازه‌گیری بهره
او تقویت
او تقویت‌کننده(الکترونیکی)
او فرستنده
او کوک
او گیرنده سیگنال
ان *Gain control*

کنترل بیماری

اع۱ کنترل
اخ۱ کنترل مالاریا
او بیماری
او کنترل پشه
او مهندسی زیست‌پزشکی
او همه‌گیری‌شناسی
ان *Disease control*

کنترل‌پذیری

اع۱ نظریه کنترل
او پایداری
او پایداری سیستم
او روش فضای حالت
او سیستم کنترل
ان *Controllability*

کنترل پس‌خوردی

اع۱ کنترل
او پس‌خورد
ان *Feedback control*

کنترل پشه

اع۱ کنترل حشره
اع۲ کنترل آفت
اع۳ کنترل
او کنترل بیماری
او کنترل مالاریا
ان *Mosquito control*

کنترل تاسیسات متمرکز

ب‌ک کنترل یکپارچه

کنترل ترافیک

ب‌ک کنترل شدآمد

کنترل تراکم(ارتباطات)

اع۱ کنترل

او سیستم ارتباط داده‌ای
او شبکه مخابراتی
ان *Congestion control (communication)*

کنترل تندی
اع۱ کنترل متغیر مکانیکی
اع۲ کنترل
او تندی
ان *Speed control*

کنترل توان
پ‌ج *کنترل انرژی*
اع۱ کنترل متغیر الکتریکی
اع۲ کنترل
ان *Power control*

کنترل تولید
اع۱ کنترل
اع۱ مدیریت صنعتی
اع۲ مدیریت
اخ۱ تولید درست به موقع
او استاندارد
او استانداردکردن
او تجزیه و تحلیل شغل
او تولید
او کنترل فرایند
او کنترل فرایند آماری
او کنترل کیفیت
او کنترل موجودی
او مدیریت کارخانه
او مهندسی تولید
او واحد صنعتی
ان *Production control*

کنترل جریان الکتریکی
پ‌ج *تنظیم جریان الکتریکی*
اع۱ کنترل متغیر الکتریکی
اع۲ کنترل
او بوبین محدودساز جریان
او تنظیم‌گر جریان الکتریکی
او جریان الکتریکی
ان *Electric current control*

کنترل جلبک
اع۱ کنترل آفت
اع۲ کنترل
او تصفیه آب
او جلبک
او علف‌کش
ان *Algae control*

کنترل چگالی(گرانی ویژه)
اع۱ کنترل متغیر مکانیکی
اع۲ کنترل
او اندازه‌گیری چگالی(گرانی ویژه)
او چگالی گاز
او چگالی مایع
او کنترل صدا(فضایی)
ان *Density control (specific gravity)*

کنترل حرکت
اع۱ کنترل متغیر مکانیکی
اع۲ کنترل
ان *Motion control*

کنترل حشره
اع۱ کنترل آفت
اع۲ کنترل
اخ۱ حفاظت از موریانه
اخ۱ کنترل پشه
او حشره‌کش
او حفاظت
او مقاومت در برابر موریانه
ان *Insect control*

کنترل خودکار
ب‌ک کنترل

کنترل خودکار ترن
اع۱ کنترل
او خودکارسازی
او راه‌آهن
ان *Automatic train control*

کنترل دستی
اع۱ کنترل
او مهندسی فاکتورهای انسانی
ان *Manual control*

کنترل دما

اع۱ کنترل متغیر گرمایی
اع۲ کنترل
او احتراق
او آزمایش محیطی
او اندازه‌گیری دما
او تهویه
او دما
او دماپای
او سرماچال
او سرمایش
او عایق‌کاری گرمایی
او غنی‌سازی فشاری اکسیژن
او کنترل آب‌وهوا
او کنترل فرایند
او گرمایش
او مهندسی محیط
ان *Temperature control*

کنترل دیگ بخار

اع۱ کنترل
او سنج‌افزار کنترل دیگ بخار
ان *Boiler control*

کنترل رایانه‌ای

اع۱ کنترل فرایند
اع۲ کنترل
او کنترل فرایند آماری
ان *Computer control*

کنترل رطوبت

ی‌د برای کنترل رطوبت فضای یک محیط، اصطلاح "کنترل رطوبت (محیط)" را به کار برید.
اع۱ کنترل
اع۱ کنترل رطوبت (محیط)
او برآورد رطوبت
او تهویه مطبوع
او رطوبت
او رطوبت هوا
او کنترل متغیر شیمیایی
او کنترل متغیر مکانیکی
او مهندسی گرمسیری
ان *Moisture control*

کنترل رطوبت (محیط)

ی‌د برای کنترل رطوبت فضای یک محیط مانند فضای یک اتاق یا فضای محدود دیگر. برای کنترل رطوبت در اجسام اصطلاح "کنترل رطوبت" را به کار برید.
اع۱ کنترل رطوبت
اع۲ کنترل
او تهویه مطبوع
او رطوبت هوا
او مهندسی گرمسیری
ان *Humidity control*

کنترل رودخانه

ی‌د برای کنترل سیل، اصطلاح "کنترل سیل" را به کار برید.
اع۱ کنترل
او آب‌برگردان رودخانه
او رودخانه
او طرح حوضه رودخانه
او کرانه‌داری
او کنترل سیل
او کنترل یخ
او لای‌روبی
ان *River control*

کنترل روشنی شیشه

اع۱ شیشه
اع۲ مواد اریخت
اع۳ مواد
او ویژگی نوری
ان *Light control glass*

کنترل زیستی

اع۱ سیبرنتیک
اع۲ علم سیستم‌ها
او ارتباطات زیستی
او پروستتیک
او زیست‌شناسی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Biocontrol*

کنترل سرعت

اع۱ کنترل متغیر مکانیکی
اع۲ کنترل
او اندازه‌گیری سرعت
او تنظیم‌گر سرعت
او سرعت
او سرعت‌سنج

ان *Velocity control*

کنترل سطح

اع۱ کنترل متغیر فضایی
اع۲ کنترل
ان *Level control*

کنترل سقف معدن

اع۱ کنترل
اع۱ معدن‌کاری
اع۲ تولید
او بام
او معدن
ان *Mine roof control*

کنترل سیل

اع۱ کنترل
او آب‌رسانی
او آب‌شناسی
او برنامه‌ریزی منطقه‌ای
او رواناب
او رودخانه
او سد
او سیل
او سیل‌بند
او کنترل رودخانه
او مهندسی محیط
ان *Flood control*

کنترل شارش

اع۱ کنترل متغیر مکانیکی
اع۲ کنترل
او اندازه‌گیری شارش
او شارش سیال
ان *Flow control*

کنترل شتاب

اع۱ کنترل متغیر مکانیکی
اع۲ کنترل
ان *Acceleration control*

کنترل شدآمد

ی‌د شدآمد وسیله نقلیه
ب‌چ *کنترل ترافیک*

اع۱ کنترل
اخ۱ کنترل شدآمد بزرگراه
اخ۱ کنترل شدآمد خیابان
اخ۲ کنترل شدآمد اضطراری
اخ۱ کنترل شدآمد راه‌آهن
اخ۱ مراقبت پرواز
او ترابری
او سیستم مکان‌یابی وسیله نقلیه
ان *Traffic control*

کنترل شدآمد اضطراری

اع۱ کنترل شدآمد خیابان
اع۲ کنترل شدآمد
اع۳ کنترل
ان *Emergency traffic control*

کنترل شدآمد بزرگراه

اع۱ کنترل شدآمد
اع۲ کنترل
او بررسی شدآمد
او تابلوی راهنما
او چراغ راهنما
او سیستم بزرگراه
او سیستم بزرگراه وسیله نقلیه هوشمند
او کنترل شدآمد خیابان
ان *Highway traffic control*

کنترل شدآمد خیابان

اع۱ کنترل شدآمد
اع۲ کنترل
اخ۱ کنترل شدآمد اضطراری
او ایمنی پیاده‌رو
او بررسی شدآمد
او تابلوی راهنما
او توقفگاه(محل عمومی نگهداری خودرو)
او جاده و خیابان
او چراغ راهنما
او خط‌کشی بزرگراه
او کنترل شدآمد بزرگراه
ان *Street traffic control*

کنترل شدآمد راه‌آهن

اع۱ کنترل شدآمد
اع۲ کنترل
او ترابری با راه‌آهن

او راه‌آهن
ان *Railroad traffic control*

کنترل صدا(فضایی)
اع۱ کنترل متغیر فضایی
اع۲ کنترل
او اندازه‌گیری حجم
او کنترل چگالی(گرانی ویژه)
ان *Volume control (spatial)*

کنترل ضخامت
اع۱ کنترل متغیر فضایی
اع۲ کنترل
او اندازه‌گیری ضخامت
ان *Thickness control*

کنترل علف هرز
اع۱ کنترل آفت
اع۲ کنترل
او حاشیه جاده
او راه آبی درون‌مرزی
او سیستم بزرگراه
او علف‌کش
او منبع ذخیره‌سازی آب
او نگهداشت مسیر
ان *Weed control*

کنترل غبار شیمیایی
اع۱ کنترل آلودگی هوا
اع۲ کنترل آلودگی
اع۳ کنترل
او دود
او سم صنعتی
او عمل‌آوری کان‌سنگ
او کاهش دود
او هوامیز
ان *Fume control*

کنترل فاز
ب‌ج *تنظیم فاز*
اع۱ کنترل متغیر الکتریکی
اع۲ کنترل
او انتقال‌دهنده فاز
او اندازه‌گیری فاز
او حلقه قفل فاز
ان *Phase control*

کنترل فازی
اع۱ کنترل
او کنترل هوشمند
او مجموعه فازی
ان *Fuzzy control*

کنترل فرایند
اع۱ کنترل
اع۱ کنترل رایانه‌ای
اع۱ کنترل فرایند آماری
او خودکارسازی
او دورفرمان
او سنج‌افزار ثبات
او سوده الکتریکی
او سیبرنتیک
او سیستم کنترل
او سیستم کنترل برنامه‌پذیر
او سیستم کنترل چندمتغیره
او سیستم کنترل عددی
او فراورش
او کنترل تولید
او کنترل دما
او کنترل یکپارچه
او مدیریت صنعتی
او مدیریت کارخانه
او مهندسی فرایند
ان *Process control*

کنترل فرایند آماری
اع۱ کنترل فرایند
اع۲ کنترل
او داده‌پردازی تولیدی
او روش آماری
او کنترل تولید
او کنترل رایانه‌ای
او کنترل کیفیت
ان *Statistical process control*

کنترل فشار
اع۱ کنترل متغیر مکانیکی
اع۲ کنترل
اع۱ تنظیم فشار

او اثر فشار
او تحت‌فشارقراردادن
او فشار
او کنترل بار فشار
ان *Pressure control*

کنترل کرنش

اع۱ کنترل متغیر مکانیکی
اع۲ کنترل
او اندازه‌گیری کرنش
او کرنش
ان *Strain control*

کنترل کف

اع۱ کنترل
او اسفنج
او مایع
ان *Foam control*

کنترل‌کننده منطقی برنامه‌پذیر

اع۱ تجهیزات کنترل
اع۲ تجهیزات
او کاربرد رایانه
او کاربرد صنعتی
ان *Programmable logic controller*

کنترل کیفیت

او احتمال
او آزمایش
او آزمایش دمای بالا
او استاندارد
او استانداردکردن
او آمار
او انطباق و رواداری
او بازرسی
او بهره‌دهی
او بهینه‌سازی
او تحقیق در عملیات
او تضمین کیفیت
او تولید
او خطا
او دانه‌بندی
او روش آماری
او روش همبستگی
او عملکرد
او قابلیت اطمینان
او کنترل تولید
او کنترل فرایند آماری
او مدیریت کیفیت جامع
او مهندسی ارزش
او نظریه تصمیم
او نمونه‌برداری
او واحد صنعتی
ان *Quality control*

کنترلگر
ب‌ک تجهیزات کنترل

کنترل گرد و غبار

اع۱ کنترل
او غبار معدن
او گرد و غبار
او گردگیر
ان *Dust control*

کنترل گشتاور نیرو

اع۱ کنترل متغیر مکانیکی
اع۲ کنترل
او اندازه‌گیری گشتاور نیرو
او گشتاور نیرو
او مبدل گشتاور نیرو
ان *Torque control*

کنترل لجن کاغذسازی

اع۱ کنترل
او کاغذسازی
ان *Papermaking slime control*

کنترل مالاریا

اع۱ کنترل بیماری
اع۲ کنترل
او استوا
او حشره‌کش
او کنترل پشه
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Malaria control*

کنترل متغیر الکتریکی

اع۱ کنترل

اع۱ کنترل بسامد الکتریکی
اع۱ کنترل بهره
اع۱ کنترل توان
اع۱ کنترل جریان الکتریکی
اع۱ کنترل فاز
اع۱ کنترل ولتاژ
او الکتریسیته
او تقسیم بار الکتریکی
ان *Electric variable control*

کنترل متغیر شیمیایی

اع۱ کنترل
او رطوبت
او عملیات شیمیایی
او کنترل رطوبت
ان *Chemical variable control*

کنترل متغیر صوتی

پ‌ج *کنترل نوفه*
اع۱ کنترل
اع۱ کنترل آلودگی نوفه
اع۲ کاهش نوفه
او صوت‌شناسی
او ویژگی صوتی
ان *Acoustic variable control*

کنترل متغیر فضایی

اع۱ کنترل
اع۱ کنترل سطح
اع۱ کنترل صدا(فضایی)
اع۱ کنترل ضخامت
اع۱ کنترل وضعیت
او اندازه‌گیری متغیر فضایی
او پایداری ابعادی
او کنترل متغیر مکانیکی
ان *Spatial variable control*

کنترل متغیر گرمایی

اع۱ کنترل
اع۱ کنترل دما
او اثر گرما
او گرمایش
او ویژگی ترمودینامیکی
ان *Thermal variable control*

کنترل متغیر مغناطیسی

اع۱ کنترل
او مغناطیس
او ویژگی مغناطیسی
ان *Magnetic variable control*

کنترل متغیر مکانیکی

اع۱ کنترل
اع۱ کنترل ازتعاش
اع۱ کنترل تندی
اع۱ کنترل چگالی(گرانی ویژه)
اع۱ کنترل حرکت
اع۱ کنترل سرعت
اع۱ کنترل شارش
اع۱ کنترل شتاب
اع۱ کنترل فشار
اع۲ تنظیم فشار
اع۱ کنترل کرنش
اع۱ کنترل گشتاور نیرو
اع۱ کنترل نیرو
او اندازه‌گیری متغیر مکانیکی
او کنترل رطوبت
او کنترل متغیر فضایی
او مکانیک
او ویژگی مکانیکی
ان *Mechanical variable control*

کنترل متغیر نوری

اع۱ کنترل
او اندازه‌گیری متغیر نوری
او سنج‌افزار نوری
او نورشناسی
او ویژگی نوری
ان *Optical variable control*

کنترل مخابراتی

اع۱ کنترل
او تلفن
او تلگراف
او تلویزیون
او رادیو
او مخابرات
ان *Telecommunication control*

کنترل مزه(تصفیه آب)

اع۱ تصفیه آب
او جداسازی شیمیایی(تصفیه آب)
ان *Taste control (water treatment)*

کنترل موجودی
اع۱ کنترل
اع۱ مدیریت
او تولید درست به موقع
او حسابداری سوخت هسته‌ای
او کنترل تولید
او مدیریت صنعتی
او واحد صنعتی
ان *Inventory control*

کنترل نوردهی
اع۱ دوربین
اع۲ تجهیزات عکاسی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار نوری
اع۳ سنج‌افزار
او نورسنجی
ان *Exposure control*

کنترل نوفه
ب‌ک کنترل متغیر صوتی

کنترل نیرو
اع۱ کنترل متغیر مکانیکی
اع۲ کنترل
او اندازه‌گیری نیرو
ان *Force control*

کنترل واژگان
اع۱ تجزیه و تحلیل اطلاعات
اع۲ علم اطلاع‌رسانی
او فهرست‌نویسی(اطلاعات)
ان *Vocabulary control*

کنترل وزن
اع۱ کنترل
او طراحی فراورده
ان *Weight control*

کنترل وضعیت
اع۱ کنترل متغیر فضایی
اع۲ کنترل
او ردیابی(مکان)
او سنجش وضعیت
او مکانیسم فرمان‌یار
او موتور فرمان‌یار
ان *Position control*

کنترل ولتاژ
ب‌ج *تنظیم ولتاژ*
اع۱ کنترل متغیر الکتریکی
اع۲ کنترل
او اندازه‌گیری ولتاژ
او تقسیمگر ولتاژ
او تنظیم‌گر ولتاژ
او مبدل الکتریکی
او محافظت تجهیزات الکتریکی
ان *Voltage control*

کنترل هم‌زمانی تقریبی
اع۱ کنترل
او برنامه چندپردازشی
او سیستم پایگاه داده‌ها
او سیستم پایگاه داده‌های گسترده
او سیستم پردازش موازی
او سیستم چندپردازشی
او همگام‌سازی
ان *Concurrency control*

کنترل هوشمند
اع۱ کنترل
او سازه هوشمند
او سیستم دانش بنیاد
او سیستم کنترل تطبیقی
او کنترل فازی
ان *Intelligent control*

کنترل یخ
اع۱ کنترل
او باند پرواز فرودگاه
او برداشتن برف و یخ
او برفک‌زدایی
او بندر و لنگرگاه
او تجهیزات ماسه‌گذاری
او جاده و خیابان

او راه آبی درون‌مرزی
او سازه بندر
او سد
او سیستم بزرگراه
او کنترل رودخانه
او مساله یخ
او یخ
ان *Ice control*

کنترل یکپارچه

بج *کنترل تاسیسات متمرکز*
اع۱ کنترل
او کنترل فرایند
او واحد صنعتی
ان *Integrated control*

کنتور آب

اع۱ سیلان‌سنج
اع۲ پیمانه
اع۳ سنج‌افزار
اع۲ سنج‌افزار اندازه‌گیری شارش
اع۳ سنج‌افزار
او آب‌رسانی
او سیستم توزیع آب
او نرخ بهره‌برداری
ان *Water meter*

کند و پاش مگنترون

اع۱ اتم‌پاشی
او مگنترون
ان *Magnetron sputtering*

کنده‌کاری پلاسمایی خشک
بک حکاکی پلاسمایی

کنسروسازی

اع۱ عمل‌آوری مواد غذایی
او بارگنج
ان *Canning*

کنسول راه دور

اع۱ پایانه رایانه
اع۲ تجهیزات جانبی رایانه
اع۳ سخت‌افزار رایانه
او ابزار نمایش
او تجهیزات کنترل
او کنترل
ان *Remote console*

کنف
بک الیاف کنف

کوآنزیم

اع۱ آنزیم
اع۲ پروتئین
اع۳ زیست‌بسپار
اع۲ کاتالیزور زیستی
اع۳ کاتالیزور
اع۲ مواد زیست‌شناختی
اع۳ مواد
اخ۱ آدنوزین تری فسفات
ان *Coenzyme*

کوارتز

اع۱ سیلیس
اع۲ اکسید
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ ترکیبات سیلیسیم
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ کانی اکسیدی
اع۲ اکسید
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
او ذخیره کوارتز
او کاربرد کوارتز
او گرانیت
او گوهر
ان *Quartz*

کوانتش برداری

اع۱ تراکم تصویر
اع۲ تصویر پردازی
اع۳ پردازش سیگنال
اع۲ متراکم‌سازی داده‌ها
اع۳ پردازش سیگنال
اع۳ داده‌پردازی
او رمزگذاری تصویر

ان *Vector quantization*

کوبش

ب‌ک ساچمه‌زنی

کوبول(زبان برنامه‌نویسی)

اع۱ زبان سطح بالا

اع۲ زبان برنامه‌نویسی رایانه

ان *COBOL (programming language)*

کوبه

ب‌ک شمع(در ساختمان)

کوپل

ب‌ج *کوره کوپل*

اع۱ کوره ذوب

اع۲ کوره

اع۳ تجهیزات احتراق

اع۳ تجهیزات گرمایش

اخ۱ کوپل با دمش داغ

او فرایند کوپل

او کوره بلند

ان *Cupola*

کوپل با دمش داغ

ب‌ج *کوپل گرماپس‌ده*

اع۱ کوپل

اع۲ کوره ذوب

اع۳ کوره

او فرایند کوپل

ان *Hot blast cupola*

کوپل گرماپس‌ده

ب‌ک کوپل با دمش داغ

کود حیوانی

اع۱ پسمانده کشاورزی

اع۲ زباله

ان *Manure*

کود شیمیایی

اع۱ مواد

اخ۱ کود شیمیایی پتاسیم‌دار

اخ۱ کود شیمیایی فسفات‌دار

اخ۱ کود شیمیایی نیتروژن‌دار

اخ۲ کود شیمیایی اوره‌دار

او آلودگی آب

او کشاورزی

ان *Fertilizer*

کود شیمیایی اوره‌دار

اع۱ کود شیمیایی نیتروژن‌دار

اع۲ کود شیمیایی

اع۳ مواد

او اوره

ان *Urea fertilizer*

کود شیمیایی پتاسیم‌دار

اع۱ کود شیمیایی

اع۲ مواد

او پتاس

او پتاسیم

ان *Potassium fertilizer*

کود شیمیایی فسفات‌دار

اع۱ کود شیمیایی

اع۲ مواد

او ترکیبات فسفر

او فسفات

ان *Phosphate fertilizer*

کود شیمیایی نیتروژن‌دار

اع۱ کود شیمیایی

اع۲ مواد

اخ۱ کود شیمیایی اوره‌دار

او ترکیبات نیتروژن

او کشاورزی

او نیتروژن

ان *Nitrogen fertilizer*

کورچاتوویم

اع۱ عنصر فراآورانیوم

اع۲ آکتینید

اع۳ عنصر پرتوزا

اع۳ فلز غیرآهنی

ان *Kurchatovium*

کوررنگی

ب‌ک دید رنگی

کورندوم

اع۱ آلومین
اع۲ اکسید
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ ترکیبات آلومینیوم
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۱ کانی اکسیدی
اع۲ اکسید
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
او ذخیره کورندوم
او ساینده
او یاقوت
او یاقوت کبود
ان *Corundum*

کوره

ب‌ج *کوره زغال‌سنگ*
ب‌ج *کوره کک‌سازی*
اع۱ تجهیزات احتراق
اع۲ تجهیزات
اع۱ تجهیزات گرمایش
اع۲ تجهیزات
اخ۱ آستره کوره
اخ۱ تجهیزات بارگیری(کوره)
اخ۱ زباله‌سوز
اخ۱ کوره آجرپزی
اخ۲ کوره دوار
اخ۱ کوره آزمایشگاهی
اخ۱ کوره الکتریکی
اخ۲ کوره خلاء
اخ۳ کوره باریکه الکترونی
اخ۱ کوره بنتر سیال
اخ۱ کوره ذوب
اخ۲ کوپل
اخ۳ کوپل با دمش داغ
اخ۲ کوره باریکه الکترونی
اخ۲ کوره بوته‌ای
اخ۲ کوره روباز
اخ۱ کوره زغال‌سنگ‌سوز
اخ۱ کوره شیشه
اخ۱ کوره صنعتی
اخ۲ کوره مادون قرمز
اخ۱ کوره عملیات حرارتی
اخ۲ کوره حمام نمک
اخ۱ کوره کک‌سوز
اخ۱ کوره گازسوز
اخ۱ کوره گرمایش
اخ۱ کوره گرمایش فضا
اخ۱ کوره متالورژی
اخ۲ تبدیلگر اکسیژن قلیایی
اخ۲ کوره بلند
اخ۳ کوره بلند تنوره‌ای
اخ۲ کوره روباز
اخ۲ کوره فولادسازی
اخ۱ کوره نفتی
اخ۱ کوره هم‌دماساز
اخ۱ گرماپس‌ده
اخ۱ مشعل سوختی
اخ۲ مشعل گازی
اخ۲ مشعل دوسوخته
اخ۲ مشعل نفت‌سوز
او اجاق صنعتی
او احتراق
او بارگیری(کوره)
او تلمبه سوخت
او جو محافظ
او دودکش
او دیگ بخار
او سوخت کوره
او سوخت‌رسان کوره
او کارگاه ریخته‌گری
او محفظه احتراق
او نوسازی
ان *Furnace*

کوره خانگی

ب‌ک کوره گرمایش فضا

کوره آجرپزی

اع۱ کوره
اع۲ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
اخ۱ کوره دوار

او اجاق صنعتی
او آجرپزی
ان *Kiln*

کوره آزمایشگاهی

اع۱ کوره
اع۲ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
او آزمایشگاه
ان *Laboratory furnace*

کوره الکتریکی

اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اع۱ کوره
اع۲ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
اخ۱ کوره خلاء
اخ۲ کوره باریکه الکترونی
او کوره ذوب
او کوره گرمایش
او گرمایش القایی
او گرمایش الکتریکی
ان *Electric furnace*

کوره با بستر شارانیده

اع۱ محترق‌کننده
اع۲ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات
او احتراق بستر سیال
او بستر سیال
او کوره بستر سیال
ان *Fluidized bed combustor*

کوره باریکه الکترونی

اع۱ کوره خلاء
اع۲ کوره الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ کوره
اع۱ کوره ذوب
اع۲ کوره
اع۳ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات گرمایش
او باریکه الکترون
ان *Electron beam furnace*

کوره بستر سیال

اع۱ کوره
اع۲ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
او احتراق بستر سیال
او بستر سیال
او ذوب بستر سیال
او فرایند بستر سیال
او کوره با بستر شارانیده
ان *Fluidized bed furnace*

کوره بلند

اع۱ کوره متالورژی
اع۲ کارخانه پالایش فلز
اع۳ واحد صنعتی
اع۲ کوره
اع۳ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات گرمایش
اخ۱ کوره بلند تنوره‌ای
او عمل کوره بلند
او غنی‌سازی فشاری اکسیژن
او کوپل
ان *Blast furnace*

کوره بلند تنوره‌ای

اع۱ کوره بلند
اع۲ کوره متالورژی
اع۳ کارخانه پالایش فلز
اع۳ کوره
ان *Low shaft blast furnace*

کوره بوته‌ای

اع۱ کوره ذوب
اع۲ کوره
اع۳ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات گرمایش
او بوته
ان *Crucible furnace*

کوره حمام نمک

اع۱ کوره عملیات حرارتی
اع۲ کوره
اع۳ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات گرمایش
ان *Salt bath furnace*

کوره خلاء

اع۱ کوره الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ کوره
اع۳ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات گرمایش
اخ۱ کوره باریکه الکترونی
او کاربرد خلاء
او کوره عملیات حرارتی
ان *Vacuum furnace*

کوره دوار

اع۱ کوره آجرپزی
اع۲ کوره
اع۳ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات گرمایش
ان *Rotary kiln*

کوره ذوب

اع۱ کوره
اع۲ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
اخ۱ کوپل
اخ۲ کوپل با دمش داغ
اخ۱ کوره باریکه الکترونی
اخ۱ کوره بوته‌ای
اخ۱ کوره روباز
او ذوب فلز
او کوره الکتریکی
ان *Melting furnace*

کوره روباز

اع۱ کوره ذوب
اع۲ کوره
اع۳ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات گرمایش
اع۱ کوره متالورژی
اع۲ کارخانه پالایش فلز
اع۳ واحد صنعتی
اع۲ کوره
اع۳ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات گرمایش
او فرایند روباز
او گرمابرگردان
ان *Open hearth furnace*

کوره زغال‌سنگ

ب‌ک کوره

کوره زغال‌سنگ‌سوز

اع۱ کوره
اع۲ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
او احتراق زغال‌سنگ
او زغال‌سنگ
ان *Coal fueled furnace*

کوره شیشه

اع۱ کوره
اع۲ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
او فراوردن شیشه
ان *Glass furnace*

کوره صنعتی

اع۱ کوره
اع۲ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
اخ۱ کوره مادون قرمز
او گرمایش صنعتی
ان *Industrial furnace*

کوره عملیات حرارتی

اع۱ کوره
اع۲ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
اع۱ کوره حمام نمک
او اجاق
او عملیات حرارتی
او کوره خلاء
او کوره گرمایش
ان *Heat treating furnace*

کوره فولادسازی

اع۱ کوره متالورژی
اع۲ کارخانه پالایش فلز
اع۳ واحد صنعتی
اع۲ کوره
اع۳ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات گرمایش
ان *Steelmaking furnace*

کوره کک‌سازی

ب‌ک کوره

کوره کک‌سوز

اع۱ کوره
اع۲ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
او کک
ان *Coke fueled furnace*

کوره کوپل

ب‌ک کوپل

کوره گازسوز

اع۱ کوره
اع۲ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
او سوخت گازی
او مشعل گازی
ان *Gas furnaces*

کوره گرمایش

اع۱ کوره
اع۲ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
او اجاق
او کوره الکتریکی
او کوره عملیات حرارتی
ان *Heating furnace*

کوره گرمایش فضا

ب‌ج کوره خانگی
اع۱ کوره
اع۲ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
ان *Space heating furnace*

کوره مادون قرمز

اع۱ کوره صنعتی
اع۲ کوره
اع۳ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات گرمایش
او تابش مادون قرمز
او خشک‌سازی مادون قرمز
او گرمایش مادون قرمز
ان *Infrared furnace*

کوره متالورژی

اع۱ کارخانه پالایش فلز
اع۲ واحد صنعتی
اع۱ کوره
اع۲ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
اخ۱ تبدیلگر اکسیژن قلیایی
اخ۱ کوره بلند
اخ۲ کوره بلند تنوره‌ای
اخ۱ کوره روباز
اخ۱ کوره فولادسازی
او عمل‌آوری کان‌سنگ
ان *Metallurgical furnace*

کوره نفتی
اع۱ کوره
اع۲ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
او روغن سوختی
او مشعل نفت‌سوز
ان *Oil furnace*

کوره هم‌دماساز
اع۱ کوره
اع۲ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
او فرایند دستگاه نورد
ان *Soaking pit*

کوریم
اع۱ عنصر فرااورانیوم
اع۲ آکتینید
اع۳ عنصر پرتوزا
اع۳ فلز غیرآهنی
ان *Curium*

کوک
اع۱ تنظیم لیزری
او بسامد طبیعی
او تشدید
او تشدیدگر
او ردگیری مدارالکترونیکی
او کنترل بهره
او کوک‌کن
او گیرنده تلویزیونی
او گیرنده رادیویی
او گیرنده سیگنال
او نوسانگر(الکترونیک)
او همگام‌سازی
ان *Tuning*

کوک‌کن
اع۱ تجهیزات مخابراتی
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات

او بسامد طبیعی
او تشدیدگر
او کوک
او گیرنده تلویزیونی
او گیرنده رادیویی
او گیرنده سیگنال
او نوسانگر(الکترونیک)
ان *Tuner*

کولاژن
اع۱ پروتئین
اع۲ زیست‌بسپار
اع۳ بسپار طبیعی
اع۳ مواد زیست‌شناختی
ان *Collagen*

کولن‌سنج
ب‌ج *کولن‌سنجی*
اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او الکتروشیمی
او قطبش نگار
ان *Coulometer*

کولن‌سنجی
ب‌ک کولن‌سنج

کهربا
اع۱ بسپار طبیعی
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
او گوهر
ان *Amber*

کهکشان
او اخترشناسی
او اخترفیزیک
ان *Galaxy*

کیانیت

اع۱ کانی سیلیکاتی
اع۲ سیلیکات
اع۳ ترکیبات سیلیسیم
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
او ذخیره کیانیت
او مواد نسوز
ان *Kyanite*

کیتین

اع۱ آمین
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ ترکیبات نیتروژن
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ بافت(زیست‌شناختی)
اع۲ مواد زیست‌شناختی
اع۳ مواد
اع۱ پلی‌ساکارید
اع۲ بسپار طبیعی
اع۳ بسپار آلی
اع۲ کربوهیدرات
اع۳ ترکیبات آلی
ان *Chitin*

کیسه هوای خودرو

اع۱ ابزار ایمنی خودرو
اع۲ ابزار ایمنی
اع۳ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۳ خودرو
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
او حادثه
ان *Automobile air bag*

کیفیت آب

او آب آشامیدنی
او آب‌رسانی
او آلودگی آب
او بقای آب
او تصفیه آب
او مهندسی محیط
ان *Water quality*

کیفیت تصویر

او بازسازی تصویر
او تراکم تصویر
او تصویر پردازی
ان *Image quality*

کیفیت تصویر تلویزیون

او تجهیزات تلویزیونی
او تداخل تلویزیونی
او تراگسیل تلویزیونی
او تلویزیون
او سیستم تلویزیونی
او کیفیت دریافت
او گیرنده تلویزیونی
او لامپ تصویر تلویزیون
ان *Television picture quality*

کیفیت دریافت

او پردازش سیگنال
او تداخل تلویزیونی
او تداخل در سیگنال
او تلویزیون
او رادیو
او کیفیت تصویر تلویزیون
او گیرنده رادیویی
او گیرنده سیگنال
او واپیچش سیگنال
ان *Reception quality*

کیفیت سواری

او چرخ‌آویز وسیله نقلیه
او خودرو
او صندلی خودرو
او عملکرد
او فنر وسیله نقلیه
او واگن راه‌آهن
او وسیله نقلیه
ان *Riding quality*

کیفیت هوا

او آلودگی هوا
او ترکیب جوی
او جو زمین
او کنترل آلودگی هوا
او مهندسی محیط

او هوا
او هواپالا
ان *Air quality*

گادولینیم

اع۱ عنصر خاکی کمیاب
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آلیاژ گادولینیم
او ترکیبات گادولینیم
ان *Gadolinium*

گاراژ

ب‌ک جایگاه خودرو(توقفگاه)

گارنت

اع۱ سیلیکات
اع۲ ترکیبات سیلیسیم
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ گوهر
اع۲ مواد
او گوهر صنعتی
او مواد مغناطیسی
ان *Garnet*

گاز

ی‌د یک اصطلاح خیلی عام است، در صورت امکان گاز خاصی را به کار برید.
اع۱ سیال
اع۲ مواد
اخ۱ بخار
اخ۲ بخار(آب)
اخ۱ گاز بی‌اثر
اخ۲ آرگون
اخ۲ رادون
اخ۲ زنون
اخ۲ کریپتون
اخ۲ نئون
اخ۲ هلیم
اخ۳ هلیم ابرسیال
اخ۱ گاز پرتوزاد
اخ۲ رادون
اخ۱ گاز خروجی
اخ۲ گاز دودکش
اخ۱ گاز زغال
اخ۱ گاز زغال‌سنگ
اخ۱ گاز سنتز
او افروزش
او انفجار (ترکشی)
او آیرودینامیک
او پخش گرمایی در گازها
او پخشیدگی در گاز
او تجزیه سوخت گازی
او تراکم‌پذیری گاز
او ترمودینامیک
او جذب سطحی گاز
او جذب گاز
او جرقه‌زنی الکتریکی گازها
او چگالی گاز
او خالص‌سازی سوخت گازی
او خط‌لوله گاز
او درخشایی گاز
او دینامیک گازها
او ذخیره سوخت گازی
او رسانایی الکتریکی گازها
او رسانندگی گرمایی گازها
او ساختن سوخت گازی
او سیستم لوله‌کشی گاز
او شارش سیال
او ضریب شکست
او فوتویونش
او کسر حجمی
او گاز طبیعی
او گاز مایع
او گرانروی گازها
او گرمای ویژه گازها
او گسیل گاز
او معادله حالت گاز
او مکانیک‌سیالات
او مولد گاز
او میعان گاز
او نظریه جنبشی گازها
او هوا
او ویژگی دی‌الکتریکی گاز
او یونش گاز
ان *Gas*

گاز ایزوتوپ پرتوزا

اع۱ پیمانه
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات

ان *Radioisotope gage*

گاز بی‌اثر

بچ *گاز کمیاب*
بچ *گاز نادر*
اع۱ گاز
اع۲ سیال
اع۳ مواد
اع۱ نافلز
اع۲ عنصر شیمیایی
اخ۱ آرگون
اخ۱ رادون
اخ۱ زنون
اخ۱ کریپتون
اخ۱ نئون
اخ۱ هلیم
اخ۲ هلیم ابرسیال
او جو محافظ
او جوشکاری با گاز بی‌اثر
ان *Inert gas*

گاز پرتوزاد

اع۱ گاز
اع۲ سیال
اع۳ مواد
اخ۱ رادون
او پرتوزایی
او تابش
او مواد پرتوزا
ان *Radiogenic gase*

گازپکش

او خطر
او سنگ‌پکش
او معدن‌کاری
ان *Gas burst*

گاز ترش

اع۱ گاز طبیعی
اع۲ سوخت گازی
اع۳ سوخت
او ترکیبات گوگرد
او هیدروژن سولفورید
ان *Sour gas*

گاز خروجی

اع۱ زباله
اع۱ گاز
اع۲ سیال
اع۳ مواد
اخ۱ گاز دودکش
او اجاق صنعتی
او بخار
او پسمانده صنعتی
او دود
او موتور درون‌سوز
ان *Exhaust gas*

گاز دودکش

اع۱ گاز خروجی
اع۲ زباله
اع۲ گاز
اع۳ سیال
او تصفیه فاضلاب
او تصفیه مواد خروجی
ان *Flue gas*

گازربا

بچ *گاززدا*
اع۱ اجزای لامپ الکترونی
اع۲ اجزا
اع۲ لامپ الکترونی
اع۳ دستگاه الکترونی
او تالیم
او کاربرد خلاء
ان *Getter*

گاززدا
ب‌ک گازربا

گاززدایی

اع۱ جداسازی
اع۲ عملیات شیمیایی
ان *Degassing*

گاز زغال

اع۱ گاز
اع۲ سیال
اع۳ مواد

او خطر گاز
او متان
او معدن
او معدن‌کاری
ان *Firedamp*

گاز زغال‌سنگ

اع۱ گاز
اع۲ سیال
اع۳ مواد
او احتراق در جای زغال‌...
او زغال‌سنگ
او سوخت مصنوعی
او گازکردن زغال‌سنگ
ان *Coal gas*

گازسازی

اع۱ گذار فاز
اغ۱ گازکردن زغال‌سنگ
او تبخیر
ان *Gasification*

گاز سنتز

اع۱ گاز
اع۲ سیال
اع۳ مواد
او تولید گاز سنتز
او کربن منواکسید
او متان‌سازی
ان *Synthesis gas*

گازسنج

ب‌ج *متراکم‌ساز جریان گاز*
اع۱ سیلان‌سنج
اع۲ پیمانه
اع۳ سنج‌افزار
اع۲ سنج‌افزار اندازه‌گیری شارش
اع۳ سنج‌افزار
او اندازه‌گیری سوخت گازی
ان *Gas meter*

گاز سوختی

ب‌ک سوخت گازی

گازشوی

اع۱ جداساز
اع۲ تجهیزات
او تجهیزات کنترل آلودگی هوا
او خالص‌سازی سوخت گازی
ان *Scrubber*

گاز طبیعی

اع۱ سوخت گازی
اع۲ سوخت
اع۳ مواد
اغ۱ گاز ترش
اغ۱ گاز طبیعی مایع
او بازیابی افزوده‌شده
او بنزین طبیعی
او بهره‌برداری از چاه گاز طبیعی
او بوتان
او تدارک گاز
او ترابری گاز طبیعی
او تعیین گوگرد
او جانشین گاز طبیعی
او چاه گاز طبیعی
او حالت گاز طبیعی
او خدمات عمومی
او ذخیره سوخت گازی
او ذخیره گاز طبیعی
او قطران گاز
او گاز
او گاز هیدرات
او متان
او میدان گاز طبیعی
ان *Natural gas*

گاز طبیعی مایع

اع۱ گاز طبیعی
اع۲ سوخت گازی
اع۳ سوخت
اع۱ گاز مایع
اع۲ مایع
اع۳ سیال
او بنزین طبیعی
او سوخت مایع
او صنعت نفت
او متان مایع
ان *Liquefied natural gas*

گازکردن زغال‌سنگ

اع۱ گازسازی
اع۲ گذار فاز
او تفکافت
او زایگر گاز
او زغال‌سنگ
او سوخت مصنوعی
او گاز زغال‌سنگ
او متان‌سازی
او نیروگاه سوخت فسیلی
او هیدروژن‌دهی زغال سنگ
او واحد صنعتی گازسازی از زغال‌سنگ
ان *Coal gasification*

گاز کمیاب

ب‌ک گاز بی‌اثر

گاز مایع

اع۱ مایع
اع۲ سیال
اع۳ مواد
اخ۱ گاز طبیعی مایع
اخ۱ گاز نفتی مایع
اخ۱ متان مایع
اخ۱ هلیم ابرسیال
او گاز
او میعان گاز
ان *Liquefied gas*

گاز نادر

ب‌ک گاز بی‌اثر

گاز نفتی مایع

اع۱ بنزین طبیعی
اع۲ هیدروکربن
اع۳ ترکیبات آلی
اع۱ فراورده نفتی
اع۲ مواد
اع۱ گاز مایع
اع۲ مایع
اع۳ سیال
او بوتان
او پروپان
او سوخت مایع
او صنعت نفت
ان *Liquefied petroleum gas*

گازول

اع۱ سوخت مایع
اع۲ سوخت
اع۳ مواد
او اتانول
او اقتصاد سوخت
او الکل
او سوخت اتانولی
او سوخت الکلی
او سوخت خودرو
او سوخت متانولی
او متانول
ان *Gasohol*

گازوئیل

اع۱ فراورده نفتی
اع۲ مواد
او سوخت دیزلی
او کراکینگ با بخار
او نفت سفید
ان *Gas oil*

گاز هیدرات

اع۱ هیدارت
اع۲ ترکیبات شیمیایی
او چاه گاز طبیعی
او گاز طبیعی
ان *Gas hydrate*

گازیاب

اع۱ آشکارساز
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او ابزار ایمنی
او مواد خطرناک
ان *Gas detector*

گالوانومتر

اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار

اع۳ تجهیزات
او اندازه‌گیری جریان الکتریکی
ان *Galvanometer*

گالوانیزه‌کاری
اع۱ اندود روی
اع۲ آبکاری
اع۳ فن اندایش
اع۱ عملیات سطحی
او اندود محافظ
او روی
او فلز گالوانیزه
ان *Galvanizing*

گالیم
اع۱ فلز غیرآهنی
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اخ۱ گالیم نیم‌رسانا
او آلیاژ گالیم
او ترکیبات گالیم
ان *Gallium*

گالیم نیم‌رسانا
اع۱ گالیم
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
ان *Semiconducting gallium*

گاورنور
اع۱ تنظیم‌گر سرعت
او سرعت‌نما
ان *Governor*

گچ
اع۱ مواد
او روکار سیمانی
او ژیپس
او سیمان
او مصالح ساختمانی
او مواد سرامیکی
ان *Plaster*

گداخت القاشده لیزری
ب‌ک گداخت لیزری

گداخت لیزری
ب‌ج *گداخت القاشده لیزری*
اع۱ واکنش هم‌جوشی
او فیزیک هسته‌ای
ان *Laser fusion*

گداخت هسته‌ای سرد
ب‌ک واکنش هم‌جوشی

گداز
اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۲ تولید
اخ۱ روی‌گدازی
اخ۱ گداز سرب
اخ۱ گداز قلع
اخ۱ گداز مس
اخ۱ گداز نیکل
او تف‌متالورژی
او سواسازی(فلزنگاری)
او گوگردزدایی
او متالورژی
ان *Smelting*

گدازآور
اع۱ مواد
او برش اکسیژنی
او جوشکاری
او عامل
او لحیم‌کاری
او لحیم‌کاری سخت
ان *Fluxe*

گداز سرب
اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ سرب
اع۲ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۳ تولید
اع۱ گداز
اع۲ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۳ تولید
او متالورژی سرب
ان *Lead smelting*

گداز قلع

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ قلع
اع۲ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۳ تولید
اع۱ گداز
اع۲ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۳ تولید
او متالورژی قلع
ان *Tin smelting*

گداز مس

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ مس
اع۲ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۳ تولید
اع۱ گداز
اع۲ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۳ تولید
او متالورژی مس
ان *Copper smelting*

گداز نیکل

اع۱ عمل‌آوری کان‌سنگ نیکل
اع۲ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۳ تولید
اع۱ گداز
اع۲ عمل‌آوری کان‌سنگ
اع۳ تولید
او متالورژی نیکل
ان *Nickel smelting*

گذار فاز

ب‌ج *تبدیل فاز*
ب‌ج *تغییر حالت*
اخ۱ انجماد
اخ۱ تبخیر
اخ۲ تبخیر سطحی
اخ۲ تصعید
اخ۱ تبدیل آستنیتی
اخ۱ تبدیل باینیتی
اخ۱ تبدیل پرلیتی
اخ۱ تبدیل شیشه‌ای
اخ۱ تبدیل مارتنزیتی
اخ۱ جامدسازی
اخ۲ جامدسازی سریع
اخ۲ گیرش(سیمان)
اخ۱ چگالش
اخ۲ بسپارش تراکمی
اخ۱ ذوب
اخ۲ ذوب فلز
اخ۳ ذوب با باریکه الکترون
اخ۳ ذوب با قوس پلاسما
اخ۳ ذوب بستر سیال
اخ۳ ذوب تعلیقی
اخ۳ ذوب مجدد
اخ۳ ذوب منطقه‌ای
اخ۱ گازسازی
اخ۲ گازکردن زغال‌سنگ
اخ۱ میعان گاز
او بازبلورش(متالورژی)
او تعادل فاز
او تقطیر
او جداسازی فاز
او ریزساختار بلور
او زمان‌دهی مصالح
او فلزنگاری
او گرافیت‌سازی
او معادله حالت
او نمودار فازی
ان *Phase transition*

گذردهی الکتریکی

ب‌ج *پخش دی‌الکتریک*
ب‌ج *ثابت دی‌الکتریک*
اع۱ ویژگی دی‌الکتریکی
اع۲ ویژگی الکتریکی
اع۳ ویژگی فیزیکی
او اندازه‌گیری گذردهی الکتریکی
او ظرفیت
او عایق‌کاری
او مصالح عایق‌کاری
ان *Permittivity*

گذر ریلی سبک

اع۱ راه‌آهن
اخ۱ تک‌ریلی
او برنامه‌ریزی شهری
او تندگذری
او مترو
او واگن قطار خیابانی
ان *Light rail transit*

گذرگاه خودرو
ب‌ک قایق ترابری

گذرگاه جرثقیل
اع۱ جرثقیل دروازه‌ای
اع۲ جرثقیل
اع۳ تجهیزات جابه‌جایی مواد
ان *Crane runway*

گذرگاه قطار
اع۱ قایق ترابری
اع۲ قایق
اع۳ آب‌پیما
او راه‌آهن
ان *Train ferry*

گذرندگی
ب‌ج *اسمز*
اع۱ پخشیدگی
اخ۱ گذرندگی معکوس
او غشای گذرندگی
او میان‌پرده
او نمک‌زدایی
ان *Osmosis*

گذرندگی معکوس
اع۱ گذرندگی
اع۲ پخشیدگی
ان *Reverse osmosis*

گرافت
اع۱ پیوند
او پروستتیک
او کاشت(جراحی)
او مواد زیستی
او واکنش میزبان درمقابل پیوند
ان *Grafts*

گرافیت
اع۱ کربن
اع۲ نافلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اع۱ مواد
اخ۱ الیاف گرافیتی
اخ۱ گرافیت ساختگی
اخ۱ گرافیت کلوئیدی
او الکترود گرافیتی
او تعدیل‌کننده
او گرافیت‌سازی
او مواد نسوز کربن‌دار
ان *Graphite*

گرافیت ساختگی
اع۱ گرافیت
اع۲ کربن
اع۳ نافلز
اع۲ مواد
ان *Artificial graphite*

گرافیت‌سازی
او اوتکتیک
او چدن ریخته‌گری
او فلزنگاری
او فلزنگاری آهن
او فلزنگاری فولاد
او کک
او گذار فاز
او گرافیت
ان *Graphitization*

گرافیت کلوئیدی
اع۱ کلوئید
اع۲ پاشیدگی
اع۱ گرافیت
اع۲ کربن
اع۳ نافلز
اع۲ مواد
ان *Colloidal graphite*

گرافیک رایانه‌ای برهم‌کنشی
اع۱ نگاره‌سازی رایانه‌ای
اع۲ کاربرد رایانه
اع۳ کاربرد
او سیستم رایانه‌ای برهم‌کنشی
ان *Interactive computer graphics*

گرافیک رایانه‌ای سه‌بعدی
اع۱ نگاره‌سازی رایانه‌ای

اع۲ کاربرد رایانه
اع۳ کاربرد
او بینایی دوچشمی
او سه‌بعدی
ان *Three dimensional computer graphics*

گرافیک رنگی رایانه

اع۱ نگاره‌سازی رایانه‌ای
اع۲ کاربرد رایانه
اع۳ کاربرد
او رنگ(فام)
ان *Color computer graphics*

گرامافون

ب‌ک آوانگار

گرانروی

ب‌ج ویسکوزیته
اع۱ ویژگی ترابرد
اع۲ ویژگی فیزیکی
اخ۱ گرانروی گازها
اخ۱ گرانروی مایعات
او اصطکاک درونی
او اندازه‌گیری گرانروی
او پایدارساز(عامل)
او جریان گرانرو
او ژلاتین آبی
او سیال‌شناسی
او سیالیت
او عدد پرانتل
او عدد رینولدز
او گرانروی‌سنج
او مایع غیرنیوتنی
او ویسکوالاستیسیته
او ویسکوپلاستیسیته
ان *Viscosity*

گرانروی‌سنج

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او اندازه‌گیری گرانروی
او گرانروی
ان *Viscometers*

گرانروی‌سنجی

ب‌ک اندازه‌گیری گرانروی

گرانروی گازها

اع۱ گرانروی
اع۲ ویژگی ترابرد
اع۳ ویژگی فیزیکی
او دینامیک سیالات
او گاز
ان *viscosity of gases*

گرانروی مایعات

اع۱ گرانروی
اع۲ ویژگی ترابرد
اع۳ ویژگی فیزیکی
او روان‌سازی
او مایع
او هیدرودینامیک
ان *viscosity of liquids*

گرانش

ب‌ج *گرانی*
او اثر گرانشی
او آونگ
او بی‌وزنی
او فرایند خردگرانی
او گرانی‌سنج
او موج گرانی
ان *Gravitation*

گرانی

ب‌ک گرانش

گرانیت

اع۱ سنگ آذرین
اع۲ سنگ بلوری
اع۳ سنگ
اع۳ مواد بلوری
او فلدسپار
او کوارتز
او میکا
ان *Granite*

گرانی‌سنج

اع۱ سنج‌افزار

اع۲ تجهیزات
او زمین‌فیزیک
او شتاب‌سنج
او گرانش
ان *Gravimeter*

گرانی‌سنجی
ب‌ک تجزیه وزنی

گرانی ویژه
ب‌ک چگالی(گرانی ویژه)

گرداب
ب‌ک شارش گردابی

گردایش
ب‌ج *انبوهش*
اع۱ عملیات شیمیایی
اخ۱ انعقاد
او ته‌نشینی(شیمیایی)
او دانه‌سازی
او دلمه‌شدگی
او رسوب‌گذاری
او غلظت(فرایند)
او گندله‌سازی
او متراکم‌شدگی
ان *Agglomeration*

گرد زغال
اع۱ گرد و غبار
اع۲ مواد
او احتراق زغال‌سنگ
او آلودگی هوا
ان *Coal dust*

گردش خون
ب‌ک مطالعه حرکت خون

گردگیر
اع۱ تجهیزات کنترل آلودگی هوا
اع۲ تجهیزات کنترل آلودگی
اع۳ تجهیزات کنترل
اع۱ جداساز
اع۲ تجهیزات
او غبار معدن
او کاهش گرد و غبار
او کنترل گرد و غبار
او گرد و غبار
ان *Dust collector*

گرد و غبار
اع۱ مواد
اخ۱ غبار معدن
اخ۱ گرد زغال
او پاشیدگی
او دود
او ذره(ماده معلق)
او کاهش گرد و غبار
او کنترل گرد و غبار
او گردگیر
او هوامیز
ان *Dust*

گرمااکسایش
اع۱ اکسایش
اع۲ واکنش شیمیایی
او اثر گرما
ان *Thermooxidation*

گرماالکتریکی
ب‌ج *اثر گرماالکتریکی*
اع۱ الکتریسیته
او تبدیل انرژی گرماالکتریک
او تجهیزات گرماالکتریکی
او ترموپیل
او ترموکوپل
او ویژگی الکتریکی
ان *Thermoelectricity*

گرمابرگردان
اع۱ مبادله‌کن گرما
اع۲ تجهیزات
او کوره روباز
ان *Regenerator*

گرماپس‌ده
اع۱ کوره
اع۲ تجهیزات احتراق

اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات گرمایش
اع۳ تجهیزات
ان *Recuperator*

گرماتابی

اع۱ درخشایی
اع۲ گسیل نور
اع۳ گسیل موج الکترومغناطیسی
او دمانگاری
او ویژگی ترمودینامیکی
ان *Thermoluminescence*

گرماسخت

بج *رزین گرماسخت*
اع۱ بسپار آلی
اع۲ بسپار
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ رزین آلکید
اخ۱ رزین آلیل
اخ۱ رزین اوره فرم‌آلدهید
اخ۱ رزین فنلی
اخ۱ رزین فوران
اخ۱ رزین ملامین فرم‌آلدهید
او سیلیکون
او قالب‌گیری انتقالی
ان *Thermoset*

گرماسنج

ی‌د برای اندازه‌گیری کیفیت گرما
اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او سنج‌افزار اندازه‌گیری دما
او گرماسنجی
ان *Calorimeters*

گرماسنجی

اع۱ اندازه‌گیری
اخ۱ گرماسنجی پویشی تفاضلی
او ارزش گرمایی
او تجزیه گرمایی
او گرماسنج
ان *Calorimetry*

گرماسنجی پویشی تفاضلی

اع۱ گرماسنجی
اع۲ اندازه‌گیری
او تجزیه گرمایی تفاضلی
او گرمای ویژه
او واکنش شیمیایی
ان *Differential scanning calorimetry*

گرماکشسانی

اع۱ ویژگی فیزیکی
او اثر حافظه شکلی
او تنش گرمایی
او رسانندگی گرمایی
او کشسانی
ان *Thermoelasticity*

گرماگیر

اع۱ مبادله‌کن گرما
اع۲ تجهیزات
اخ۱ پره(تبدیل گرما)
او جذب انرژی
او سیستم سرمایش
او عایق‌کاری گرمایی
ان *Heat sink*

گرمانرم

بج *رزین گرمانرم*
اع۱ بسپار آلی
اع۲ بسپار
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ آکریلیک
اخ۲ پلی‌آکریلونیتریل
اخ۲ پلی‌آکریلیت
اخ۲ پلی‌متیل متاکریلات
اخ۱ پلی‌آمید
اخ۲ بسپار نایلونی
اخ۲ پلی‌سولفون‌آمید
اخ۱ پلی‌اتر اتر کتون
اخ۱ پلی‌اترایمید
اخ۱ پلی‌استر

اخ۲ پلی‌اتیلن ترفتالات
اخ۱ پلی‌استیرن
اخ۱ پلی‌اولفین
اخ۲ پلی‌اتیلن
اخ۳ پلی‌اتیلن با چگالی زیاد
اخ۳ پلی اتیلن با چگالی کم
اخ۳ پلی‌اتیلن با چگالی متوسط
اخ۳ پلی‌اتیلن با وزن مولکولی بسیار بالا
اخ۲ پلی‌بوتن
اخ۲ پلی‌پروپیلن
اخ۱ پلی‌سولفون
اخ۱ پلی‌کربنات
اخ۱ رزین وینیلی
اخ۲ پلی‌وینیل استات
اخ۲ پلی‌وینیل الکل
اخ۲ پلی‌وینیل کلرید
اخ۲ پلی‌وینیلیدن کلرید
اخ۱ کشپار گرمانرم
اخ۲ پلی‌ایزوپرن
او شکل‌دهی گرمایی
ان *Thermoplastic*

گرمانگاری(تصویرسازی)

اع۱ تصویرسازی مادون قرمز
اع۲ فن تصویرسازی
او تشخیص(پزشکی)
او دمانگاری
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Thermography (imaging)*

گرماوزنی

ب‌ک تجزیه گرماوزنی

گرمای بازمانده

اع۱ زباله
او آلودگی گرمایی
او گرمایش
ان *Waste heat*

گرمایش

اخ۱ گرمایش آب گرم
اخ۱ گرمایش آیرودینامیکی
اخ۱ گرمایش الکتریکی
اخ۲ گرمایش القایی
اخ۲ گرمایش دی‌الکتریکی
اخ۲ گرمایش ریزموجی
اخ۲ گرمایش فضای الکتریکی
اخ۱ گرمایش پلاسما
اخ۱ گرمایش تابشی
اخ۲ گرمایش خورشیدی
اخ۲ گرمایش مادون قرمز
اخ۱ گرمایش زمین‌گرمایی
اخ۱ گرمایش صنعتی
اخ۲ پیش‌گرمایش
اخ۱ گرمایش فضا
اخ۲ گرمایش فضای الکتریکی
اخ۲ گرمایش ناحیه‌ای
اخ۱ گرمایش گازی
اخ۱ گرمایش هوای گرم
او اتلاف گرما
او اثر گلخانه‌ای
او احتراق
او انتقال گرما
او اندازه‌گیری متغیر گرمایی
او بار گرمایی
او به‌کاربری گرمای بازمانده
او بوته
او تبخیر
او تبدیل انرژی حرارتی اقیانوس
او تجهیزات گرمایش
او ترمودینامیک
او تهویه مطبوع
او چرخش گرمایی
او خشک‌سازی
او درگاشت
او دما
او دیگ بخار
او ذخیره حرارتی
او سرمایش
او عایق‌کاری گرمایی
او عمل‌آوری مواد غذایی
او کنترل آب‌وهوا
او کنترل دما
او کنترل متغیر گرمایی
او گرمای بازمانده
او مهندسی محیط
او ویژگی ترمودینامیکی
ان *Heating*

گرمایش آب گرم

ی‌د فقط گرمایش فضا

ب‌ج *گرمایش هیدرونیکی*
اع۱ گرمایش
او آب‌گرمکن
او سیستم پخش آب گرم
او گرمایش فضا
ان *Hot water heating*

گرمایش آیرودینامیکی
اع۱ گرمایش
او آیرودینامیک
او بازگشت(فضانوردی)
او مساله گرما
ان *Aerodynamic heating*

گرمایش القایی
ب‌ج *گرمایش جریان گردابی*
اع۱ گرمایش الکتریکی
اع۲ گرمایش
او جریان گردابی
او کوره الکتریکی
ان *Induction heating*

گرمایش الکتریکی
ی‌د یک اصطلاح خیلی عام است، ترجیحا روش یا نوع خاصی از گرمایش را به کار برید.
اع۱ گرمایش
اخ۱ گرمایش القایی
اخ۱ گرمایش دی‌الکتریکی
اخ۱ گرمایش ریزموجی
اخ۱ گرمایش فضای الکتریکی
او اجاق
او المنت گرمایش الکتریکی
او سیستم تلمبه گرما
او کوره الکتریکی
او گرمایش صنعتی
ان *Electric heating*

گرمایش پلاسما
اع۱ گرمایش
او پلاسما
او تشدید سیکلوترونی
او واکنشگاه هم‌جوشی
او یونش
ان *Plasma heating*

گرمایش تابشی
اع۱ گرمایش
اخ۱ گرمایش خورشیدی
اخ۱ گرمایش مادون قرمز
او گرمایش فضا
ان *Radiant heating*

گرمایش جریان گردابی
ب‌ک گرمایش القایی

گرمایش خورشیدی
اع۱ گرمایش تابشی
اع۲ گرمایش
او تجهیزات خورشیدی
او حوضه خورشیدی
ان *Solar heating*

گرمایش دی‌الکتریکی
اع۱ گرمایش الکتریکی
اع۲ گرمایش
او ابزار دی‌الکتریک
او مواد دی‌الکتریک
ان *Dielectric heating*

گرمایش ریزموجی
ب‌ج *گرم‌کن ریزموجی*
اع۱ گرمایش الکتریکی
اع۲ گرمایش
او گرمایش صنعتی
ان *Microwave heating*

گرمایش زمین‌گرمایی
اع۱ گرمایش
او انرژی زمین‌گرمایی
ان *Geothermal heating*

گرمایش صنعتی
اع۱ گرمایش
اخ۱ پیش‌گرمایش
او اجاق
او خشک‌سازی
او خشک‌سازی مادون قرمز
او کوره صنعتی
او گرمایش الکتریکی

او گرمایش ریزموجی
او گرمایش گازی
او گرمایش مادون قرمز
ان *Industrial heating*

گرمایش فضا

اع۱ کنترل آب‌وهوا
اع۲ کنترل
اع۱ گرمایش
اخ۱ گرمایش فضای الکتریکی
اخ۱ گرمایش ناحیه‌ای
او گرمایش آب گرم
او گرمایش تابشی
او گرمایش گازی
او گرمایش هوای گرم
او مهندسی محیط
ان *Space heating*

گرمایش فضای الکتریکی

اع۱ گرمایش الکتریکی
اع۲ گرمایش
اع۱ گرمایش فضا
اع۲ کنترل آب‌وهوا
اع۳ کنترل
اع۲ گرمایش
ان *Electric space heating*

گرمایش گازی

اع۱ گرمایش
او گرمایش صنعتی
او گرمایش فضا
ان *Gas heating*

گرمایش مادون قرمز

اع۱ گرمایش تابشی
اع۲ گرمایش
او تابش مادون قرمز
او خشک‌سازی مادون قرمز
او کوره مادون قرمز
او گرمایش صنعتی
او لامپ مادون قرمز
ان *Infrared heating*

گرمایش ناحیه‌ای

اع۱ گرمایش فضا
اع۲ کنترل آب‌وهوا
اع۳ کنترل
اع۲ گرمایش
او نیروگاه همزایشی
ان *District heating*

گرمایش هوای گرم

اع۱ گرمایش
او گرمایش فضا
ان *Hot air heating*

گرمایش هیدرونیکی

ب‌ک گرمایش آب گرم

گرمای کل

ب‌ک آنتالپی

گرمای ویژه

ب‌ج *ظرفیت گرمایی*
اع۱ ویژگی ترمودینامیکی
اخ۱ گرمای ویژه جامدات
اخ۱ گرمای ویژه گازها
اخ۱ گرمای ویژه مایعات
او رسانندگی گرمایی
او گرماسنجی پویشی تفاضلی
ان *Specific heat*

گرمای ویژه جامدات

اع۱ گرمای ویژه
اع۲ ویژگی ترمودینامیکی
او جامد
ان *Specific heat of solids*

گرمای ویژه گازها

اع۱ گرمای ویژه
اع۲ ویژگی ترمودینامیکی
او گاز
ان *Specific heat of gase*

گرمای ویژه مایعات

اع۱ گرمای ویژه
اع۲ ویژگی ترمودینامیکی
او مایع

ان *Specific heat of liquids*

گرم‌شدن کره‌زمین

اع۱ تغییر آب‌وهوا

ان *Global warming*

گرم‌کاری

ب‌ج *احیای داغ*

اع۱ فلزکاری

اع۲ فراورش

اع۳ ساختن

اغ۱ نورد گرم

او افزایش مقطع(شکل‌دهی)

او آهنگری

او آهنگری سرد

او پرس‌کاری داغ

او تاب‌گیری

او سردکاری

او شکل‌دهی انبساطی

او شکل‌دهی چرخشی فلز

او کشش ژرف

او مهرزنی فلز

ان *Hot working*

گرم‌کن خودرو

اع۱ تجهیزات گرمایش

اع۲ تجهیزات

اع۱ قطعات و تجهیزات خودرو

اع۲ خودرو

اع۳ وسیله نقلیه زمینی

اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی

اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه

او رادیاتور خودرو

ان *Automobile heater*

گرم‌کن ریزموجی

ب‌ک گرمایش ریزموجی

گروه نقطه‌ای

ب‌ک تقارن بلور

گرهک منگنز

اع۱ ذخیره منگنز

اع۲ کانسار

اع۳ منبع معدنی

اع۱ منبع معدنی زیرآبی

اع۲ منبع معدنی

اع۳ منبع طبیعی

او منگنز

ان *Manganese nodule*

گریس

ب‌ک گریس روان‌سازی

گریس روان‌سازی

ب‌ج گریس

اع۱ روان‌ساز

اع۲ مواد

او روغن روان‌سازی

ان *Lubricating grease*

گزارش‌ساز

اع۱ زبان برنامه‌نویسی رایانه

او سیستم عامل رایانه

ان *Report generator*

گزینش

اغ۱ گزینش کارکنان

او گزینش و ارزشیابی رایانه‌ای

او گزینش و ارزشیابی نرم‌افزار رایانه‌ای

ان *Selection*

گزینش‌پذیری کاتالیزور

او فعالیت کاتالیزور

او کاتالیزور

ان *Catalyst selectivity*

گزینش کارکنان

اع۱ گزینش

او آزمون استخدامی کارکنان

او کارکنان

ان *Personnel selection*

گزینش محل

ب‌ج *گزینش محل کارخانه*

او تسهیلات

او تغییر محل

او ساختمان

او سازه
او مکان‌یابی
او نیروگاه
او واحد صنعتی
ان *Site selection*

گزینش محل کارخانه
ب‌ک گزینش محل

گزینش و ارزشیابی رایانه‌ای
او ارزشیابی
او رایانه
او گزینش
او مدیریت
ان *Computer selection and evaluation*

گزینش و ارزشیابی نرم‌افزار رایانه‌ای
او ارزشیابی
او گزینش
او نرم‌افزار رایانه
ان *Computer software selection and evaluation*

گسترش کارخانه
او واحد صنعتی
ان *Plant expansion*

گسیل الکترون
او الکترود
او الکترون
او باریکه الکترون
او پدیده سطحی
او کاتد
ان *Electron emission*

گسیل صوتی
ب‌ج *گسیل موج تنشی*
او آزمایش گسیل صوتی
او صوت‌شناسی
ان *Acoustic emission*

گسیل فوتونی
اع۱ فوتوالکتریسیته
اع۲ ویژگی الکتریکی
اع۳ ویژگی فیزیکی
او ابزار گسیل فوتونی
او کاتد فوتوالکتریک
ان *Photoemission*

گسیل گاز
او خروجی گازی
او گاز
ان *Gas emission*

گسیل موج الکترومغناطیسی
اخ۱ گسیل نور
اخ۲ درخشایی
اخ۳ الکترورخشانی
اخ۳ درخشایی جامد
اخ۳ درخشایی صوتی
اخ۳ درخشایی گاز
اخ۳ درخشایی مالشی
اخ۳ درخشایی محلول و مایع
اخ۳ درخشایی نوری
اخ۳ روشنایی کاتدی
اخ۳ شب‌تابی
اخ۳ فلورسانس
اخ۳ گرماتابی
اخ۳ نورافشانی شیمیایی
او انتقال الکترون
ان *Electromagnetic wave emission*

گسیل موج تنشی
ب‌ک گسیل صوتی

گسیل نور
اع۱ گسیل موج الکترومغناطیسی
اخ۱ درخشایی
اخ۲ الکترورخشانی
اخ۲ درخشایی جامد
اخ۳ درخشایی جامد آلی
اخ۳ درخشایی جامد غیر آلی
اخ۲ درخشایی صوتی
اخ۲ درخشایی گاز
اخ۲ درخشایی مالشی
اخ۲ درخشایی محلول و مایع
اخ۲ درخشایی نوری
اخ۲ روشنایی کاتدی
اخ۲ شب‌تابی

اخ۲ فلورسانس
اخ۲ گرماتابی
اخ۲ نورافشانی شیمیایی
او انتقال الکترون
او نور
ان *Light emission*

گشتاور دوقطبی مغناطیسی
ب‌ک گشتاور مغناطیسی

گشتاورزای مکانیکی
اع۱ مبدل گشتاور نیرو
اع۲ محرک
اع۳ اجزای ماشین
ان *Mechanical torque converter*

گشتاورسنج
اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او اندازه‌گیری گشتاور نیرو
او توان‌سنج
ان *Torque meter*

گشتاور مغناطیسی
ب‌ج *گشتاور دوقطبی مغناطیسی*
او تشدید مغناطیسی
او مغناطش
او مغناطیس
او ویژگی مغناطیسی
ان *Magnetic moment*

گشتاور نیرو
او اندازه‌گیری گشتاور نیرو
او کنترل گشتاور نیرو
او مبدل گشتاور نیرو
او ویژگی مکانیکی
ان *Torque*

گفتار
او ارتباط گفتاری
او ارتباطات زیستی
او انتشار موج صوتی
او بازشناسی گفتار
او پردازش گفتار
او تجزیه و تحلیل گفتار
او ترکیب گفتار
او رمزگذاری گفتار
او زبان‌شناسی
او شنوایی
او هوشمندی گفتار
ان *Speech*

گل حفاری
ب‌ج *گل حفاری دورانی*
اع۱ سیال
اع۲ مواد
اخ۱ محیط دورانی
او تجهیزات حفاری
او جفاری
او حفاری چاه
او حفاری چاه گاز طبیعی
او حفاری چاه نفت
او مته‌کاری سنگ
او مواد خنک‌کاری
او نگاربرداری گازهای گل
ان *Drilling fluid*

گل حفاری دورانی
ب‌ک گل حفاری

گلخانه
اع۱ تسهیلات
او ساختمان کشاورزی
ان *Greenhouse*

گلوکز
اع۱ قند
اع۲ کربوهیدرات
اع۳ ترکیبات آلی
او حس‌گر گلوکز
او قندی‌شدگی
ان *Glucose*

گلوله سوختی اندوده
اع۱ سوخت
اع۲ مواد
او سوخت هسته‌ای
او مواد اندوده

ان *Coated fuel particle*

گلیسرول

بج *گلیسیرین*
اع۱ الکل
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او مواد کمکی نساجی
ان *Glycerol*

گلیسیرین
ب‌ک گلیسرول

گلیکول

اع۱ الکل
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
ان *Glycol*

گمانه‌زنی زیرآبی

او اکتشاف منبع طبیعی
او تجهیزات زیرآبی
او دید زیرآبی
او کاوند
او مهندسی اقیانوس
ان *Underwater probing*

گنبد

بج *سد بادشونده*
اع۱ سازه
ان *Dome*

گنجایش حمل(کابل الکتریکی)
ب‌ک ظرفیت عبور جریان الکتریکی(کابل)

گندزدا

اع۱ پادزیست
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او تجهیزات زیست‌پزشکی
او تمیزکاری
او ضدعفونی
ان *Disinfectant*

گندله کان‌سنگ

اع۱ کان‌سنگ
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اخ۱ گندله کان‌سنگ آهن
او گندله‌سازی
ان *Ore pellet*

گندله‌سازی

اع۱ عملیات شیمیایی
او خشته‌سازی
او فشرده‌سازی
او گردایش
او گندله کان‌سنگ
او متالورژی پودر
او متراکم‌شدگی
او مواد دانه‌ای
ان *Pelletizing*

گندله کان‌سنگ آهن

اع۱ گندله کان‌سنگ
اع۲ کان‌سنگ
اع۳ کانی
او کان‌سنگ آهن
ان *Iron ore pellet*

گواهی‌نامه‌دهی(راننده خودرو)
ب‌ک گواهی‌نامه رانندگی دادن

گواهی‌نامه رانندگی دادن

بج *گواهی‌نامه‌دهی(راننده خودرو)*
او راننده خودرو
ان *Driver licensing*

گودبردار

بج *بیل مکانیکی*
اع۱ ماشین‌آلات خاک‌برداری
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ لای‌روب
اخ۲ لای‌روب موقت
او گودبرداری
ان *Excavator*

گودبرداری

اخ۱ تراشه‌زنی
اخ۱ تونل‌سازی
اخ۱ چاه‌کنی
اخ۲ سیمان‌کاری
اخ۳ سیمان‌کاری چاه
اخ۱ لای‌روبی
او انفجار (ترکشی)
او انفجار هسته‌ای
او بستاب
او پی
او چاه آزمایشی
او حفاری
او حفره‌کنی
او ساخت
او گودبردار
او ماشین‌آلات خاک‌برداری
او معدن‌کاری
ان *Excavation*

گوس‌زدایی

اع۱ وامغناطش
ان *Degaussing*

گوشت

اع۱ فراورده غذایی
او کارگاه بسته‌بندی
ان *Meat*

گوشی

اع۱ تراگذار برقاصوتی
اع۲ تراگذار صوتی
اع۳ ابزار صوتی
اع۳ تراگذار
او دستگاه تلفن
او کمک‌شنوایی
او هدفون
ان *Earphone*

گوشی استحفاظی

اع۱ ابزار ایمنی
اع۲ تجهیزات
او پوشاک محافظ
او شنوایی
ان *Ear protector*

گوگرد

اع۱ نافلز
اع۲ عنصر شیمیایی
او ذخیره گوگرد
او گوگردزدایی
ان *Sulfur*

گوگردزدایی

اع۱ عملیات شیمیایی
او تعیین گوگرد
او خالص‌سازی سوخت گازی
او فولادسازی
او گداز
او گوگرد
ان *Desulfurization*

گوهر

ب‌ج *جواهر*
ب‌ج *سنگ گرانبها*
اع۱ مواد
اخ۱ الماس
اخ۲ الماس سنتزی
اخ۲ الماس صنعتی
اخ۳ الماس‌پوسه
اخ۲ الماس نیم‌رسانا
اخ۱ توپاز
اخ۱ گارنت
اخ۱ گوهر صنعتی
اخ۲ الماس صنعتی
اخ۳ الماس‌پوسه
اخ۱ گوهر طبیعی
اخ۱ گوهر مصنوعی
اخ۱ یاقوت
اخ۱ یاقوت کبود
او زیرکن
او ساختن جواهرآلات
او کهربا
او کوارتز
ان *Gem*

گوهر صنعتی

اع۱ گوهر
اع۲ مواد
اخ۱ الماس صنعتی
اخ۲ الماس‌پوسه

او توپاز
او گارنت
ان *Industrial gem*

گوهر طبیعی
اع۱ گوهر
اع۲ مواد
ان *Natural gem*

گوهر مصنوعی
اع۱ گوهر
اع۲ مواد
ان *Synthetic gem*

گیاه
اخ۱ جلبک
اخ۲ جلبک دریایی
اخ۱ خیزران
اخ۱ قارچ
اخ۲ مخمر
او زیست‌توده
او زیست‌شناسی
او کشت یاخته گیاهی
ان *Plant (botany)*

گیت منطقی
اع۱ ابزار منطقی
اع۲ تجهیزات
او مدار منطقی
ان *Logic gate*

گیت(ترانزیستور)
اع۱ ترانزیستور اثر میدانی
اع۲ ابزار نیم‌رسانای اثر میدانی
اع۳ ابزار نیم‌رسانا
ان *Gate (transistor)*

گیرانشگر
ب‌ک یک‌سوساز بخار جیوه‌ای

گیرش(سیمان)
اع۱ جامدسازی
اع۲ گذار فاز
او بتن
او سیمان
ان *Setting*

گیرنده رادار
اع۱ تجهیزات رادار
اع۲ بردیاب
اع۳ سنج‌افزار
اع۱ گیرنده سیگنال
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او تجهیزات رادیویی
او تقویت‌کننده ویدئو
ان *Radar receiver*

گیرنده صوتی
ی‌د تجهیزاتی که امواج رادیویی را می‌گیرند و به امواج صوتی تبدیل می‌کنند.
اع۱ تجهیزات صوتی
اع۲ تجهیزات
اع۱ گیرنده سیگنال
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او آرایه صوتی
او صدابر
ان *Acoustic receiver*

گیرنده(بارگنج)
اع۱ بارگنج
ان *Receiver (container)*

گیرنده تک‌باندکناری
اع۱ گیرنده رادیویی
اع۲ تجهیزات رادیویی
اع۳ تجهیزات مخابراتی
اع۲ گیرنده سیگنال
اع۳ تجهیزات مخابراتی
ان *Single sideband receiver*

گیرنده تلویزیون رنگی
اع۱ گیرنده تلویزیونی
اع۲ تجهیزات تلویزیونی
اع۳ تجهیزات مخابراتی
اع۲ گیرنده سیگنال
اع۳ تجهیزات مخابراتی
او تلویزیون رنگی

او فرستنده تلویزیون رنگی
ان *Color television receiver*

گیرنده تلویزیونی

اع۱ تجهیزات تلویزیونی
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ گیرنده سیگنال
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اخ۱ تلویزیون با صفحه تصویر بزرگ
اخ۱ گیرنده تلویزیون رنگی
او آنتن تلویزیون
او پرده فلورسانس
او تلویزیون
او صدابر
او کوک
او کوک‌کن
او کیفیت تصویر تلویزیون
او گیرنده چندآوا
او مدارمجتمع
او یوغ انحراف
ان *Television receiver*

گیرنده چندآوا

اع۱ گیرنده سیگنال
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او پخش رادیویی چندآوا
او گیرنده تلویزیونی
او گیرنده رادیویی
ان *Stereophonic receiver*

گیرنده رادیویی

اع۱ تجهیزات رادیویی
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ گیرنده سیگنال
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اخ۱ گیرنده تک‌باندکناری
اخ۱ گیرنده و فرستنده
او ابربازتولید
او بلندگو
او پالایه الکتریکی
او پخش رادیویی
او تجهیزات رادیویی کوچک
او تقویت‌کننده(الکترونیکی)
او تلفن رادیویی
او تلگراف رادیویی
او تولید دوباره صدا
او دریافت چندبرابر
او سیستم رادیویی سیار
او کوک
او کوک‌کن
او کیفیت دریافت
او گیرنده چندآوا
او مدارمجتمع
او نوسانگر(الکترونیک)
او نوفه سیگنال مزاحم
او وامدوله‌ساز
او وامدوله‌سازی
ان *Radio receiver*

گیرنده سیگنال

اع۱ تجهیزات مخابراتی
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ ترانسپوندر
اخ۱ گیرنده رادار
اخ۱ گیرنده صوتی
اخ۱ گیرنده تلویزیونی
اخ۲ تلویزیون با صفحه تصویر بزرگ
اخ۲ گیرنده تلویزیون رنگی
اخ۱ گیرنده چندآوا
اخ۱ گیرنده رادیویی
اخ۲ گیرنده تک‌باندکناری
اخ۲ گیرنده و فرستنده
او آشکارساز
او آشکارسازی سیگنال
او آنتن
او آنتن گیرنده
او تقویت‌کننده(الکترونیکی)
او تکرارکننده مخابراتی
او دورچاپگر
او شبکه(مدار)
او فرستنده
او کنترل بهره
او کوک
او کوک‌کن
او کیفیت دریافت

او مدار محدودساز
او وامدوله‌ساز
او وامدوله‌سازی
ان *Signal receiver*

گیرنده و فرستنده

اع۱ فرستنده رادیویی
اع۲ تجهیزات رادیویی
اع۳ تجهیزات مخابراتی
اع۲ فرستنده
اع۳ تجهیزات مخابراتی
اع۱ گیرنده رادیویی
اع۲ تجهیزات رادیویی
اع۳ تجهیزات مخابراتی
اع۲ گیرنده سیگنال
اع۳ تجهیزات مخابراتی
ان *Transceiver*

گیره

اع۱ تجهیزات
او ابزار
او ابزار گیرش
او جیگ
او نشانه‌گذاری(فلزکاری)
ان *Fixture (toolsing)*

لاستیک

بج *لاستیک طبیعی*
اع۱ بسپار طبیعی
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
اع۱ مواد
او آزمایش لاستیک
او افزودنی لاستیک
او آمیزه‌کاری لاستیک
او بارگنج لاستیکی
او رنگ لاستیکی کلرینه
او روکش لاستیکی
او شیرابه
او صنعت لاستیک
او عامل کف‌زای
او فراورده لاستیکی
او قالب شکل‌دهی لاستیک
او کاربرد لاستیک
او کارخانه لاستیک‌سازی
او کشتزار کائوچو
او لاستیک اسفنجی
او لاستیک سنتزی
او ماشین‌آلات لاستیک
او مصالح راه‌سازی
او وولکانش
ان *Rubber*

لاستیک اسفنجی

بج *لاستیک فومی*
اع۱ اسفنج
اع۲ مواد متخلخل
اع۳ مواد
او عامل کف‌زای
او فراورده اسفنجی
او لاستیک
او لاستیک سنتزی
ان *Foamed rubber*

لاستیک چرخ

بج *تایر لاستیکی*
بج لاستیک چرخ خودرو
اع۱ فراورده لاستیکی
اع۱ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ وسیله نقلیه
اخ۱ رشته لاستیک چرخ
اخ۱ لاستیک چرخ بی‌تویی
اخ۱ لاستیک چرخ شعاعی
او چرخ
او روکش‌سازی
او صنعت لاستیک چرخ
او قالب
او مقاومت سرش
او مقاومت غلتشی
او نیروی غلتش(اصطکاک)
ان *Tire*

لاستیک چرخ بی‌تویی

اع۱ لاستیک چرخ
اع۲ فراورده لاستیکی
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ وسیله نقلیه
ان *Tubeless tire*

لاستیک چرخ خودرو
ب‌ک لاستیک چرخ

لاستیک چرخ شعاعی
اع۱ لاستیک چرخ
اع۲ فراورده لاستیکی
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ وسیله نقلیه
ان *Radial tire*

لاستیک سنتزی
اع۱ کشپار
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
اخ۱ پلی‌بوتادین
اخ۱ پلی‌سولفید
او بوتادی‌ان
او پلی‌ایزوپرن
او شیرابه
او لاستیک
او لاستیک اسفنجی
ان *Synthetic rubber*

لاستیک طبیعی
ب‌ک لاستیک

لاستیک فومی
ب‌ک لاستیک اسفنجی

لاک
اع۱ اندود آلی
اع۲ اندود
اع۳ مواد
او حلال
او رنگ
او رنگدانه
او روغن جلاء
ان *Lacquer*

لاک‌زنی
اع۱ فن اندایش
اع۲ نهشت
او رنگ‌کاری
ان *Lacquering*

لاگون فاضلاب
اع۱ تصفیه‌خانه فاضلاب
اع۲ واحد صنعتی
او تصفیه فاضلاب
او فاضلاب
او مخزن فاضلاب
ان *Sewage lagoon*

لامپ
ب‌ک لامپ الکتریکی

لامپ موج الکترونی
اع۱ لامپ ریزموجی
اع۲ ابزار ریزموج
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ لامپ الکترونی
اع۳ دستگاه الکترونی
اع۱ لامپ گرمایونی
اع۲ لامپ الکترونی
اع۳ دستگاه الکترونی
اخ۱ لامپ کلیسترون
اخ۱ لامپ مدوله‌سازی سرعت
اخ۱ لامپ موج پیشرونده
اخ۲ لامپ موج پس‌سو
اخ۱ مگنترون
ان *Electron wave tube*

لامپ الکترونی
ب‌ج *لامپ خلائ*
اع۱ دستگاه الکترونی
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ اجزای لامپ الکترونی
اخ۲ تفنگ الکترونی
اخ۲ گازربا
اخ۲ یوغ انحراف
اخ۱ تریود
اخ۱ تکثیرکن الکترون
اخ۲ تکثیرکن فوتونی
اخ۱ دیود لامپ الکترونی
اخ۱ لامپ پنج قطبی
اخ۱ لامپ چهار الکترودی
اخ۱ لامپ ذخیره

اخ۲ لامپ ذخیره تصویر
اخ۱ لامپ ریزموجی
اخ۲ ارتعاش‌سنج دیاپازونی
اخ۲ لامپ موج الکترونی
اخ۳ لامپ کلیسترون
اخ۳ لامپ مدوله‌سازی سرعت
اخ۳ لامپ موج پیشرونده
اخ۳ مگنترون
اخ۱ لامپ کاتد سرد
اخ۲ فوتولوله
اخ۳ تکثیرکن فوتونی
اخ۲ لامپ شمارش
اخ۱ لامپ گرمایونی
اخ۲ تیراترون
اخ۲ لامپ موج الکترونی
اخ۳ لامپ کلیسترون
اخ۳ لامپ مدوله‌سازی سرعت
اخ۳ لامپ موج پیشرونده
اخ۳ مگنترون
اخ۲ لامپ پرتو ایکس
اخ۲ لامپ پرتو کاتدی
اخ۳ لامپ تصویر تلویزیون
اخ۳ لامپ دوربین تلویزیونی
اخ۳ لامپ ذخیره تصویر
اخ۳ مبدل تصویر
اخ۱ لوله تخلیه گازی
اخ۲ تیراترون
اخ۲ یک‌سوساز بخار جیوه‌ای
او ابزار پارامتری
او آزمایش لامپ الکترونی
او الکترود
او الکترودینامیک
او بار فضای الکتریکی
او باریکه الکترون
او تشدید سیکلوترونی
او تولید لامپ الکترونی
او رسانایی متقابل
او فناوری خلاء
او کاربرد خلاء
او نوفه سیگنال مزاحم
ان *Electron tube*

لامپ الکتریکی

ب‌ج لامپ
اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اع۱ چشمه نور
اخ۱ چراغ جلو
اخ۱ چراغ راهنمای هواگرد
اخ۱ درخش
اخ۱ لامپ تخلیه
اخ۲ بالاست(لامپ)
اخ۲ لامپ با بخار فلز
اخ۳ لامپ بخار جیوه‌ای
اخ۲ لامپ فلورسانت
اخ۲ لامپ قوسی
اخ۱ لامپ زیرآبی
اخ۱ لامپ فرابنفش
اخ۱ لامپ مادون قرمز
اخ۱ لامپ معدنچی
اخ۱ لامپ معمولی
اخ۲ رشته(لامپ)
اخ۱ نورافکن
او آویزنورسان
او روشنایی
او روشنایی اضطراری
او روشنایی الکتریکی
او روشنایی الکتریکی فضای باز
او نور
او نورافکنی
او نورشناسی
ان *Electric lamp*

لامپ با بخار فلز

اع۱ لامپ تخلیه
اع۲ لامپ الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ چشمه نور
اخ۱ لامپ بخار جیوه‌ای
ان *Metal vapor lamp*

لامپ بخار جیوه‌ای

ب‌ج *لامپ جیوه‌ای*
اع۱ لامپ با بخار فلز
اع۲ لامپ تخلیه
اع۳ لامپ الکتریکی
او جیوه(فلز)
ان *Mercury vapor lamp*

لامپ پرتو ایکس

اع۱ دستگاه پرتو ایکس

اع۲ تجهیزات
اع۱ لامپ گرمایونی
اع۲ لامپ الکترونی
اع۳ دستگاه الکترونی
او پرتونگاری پرتو ایکس
او تحلیل پرتو ایکس
او تولید پرتو ایکس
ان *X ray tube*

لامپ پرتو کاتدی

اع۱ لامپ گرمایونی
اع۲ لامپ الکترونی
اع۳ دستگاه الکترونی
اخ۱ لامپ تصویر تلویزیون
اخ۱ لامپ دوربین تلویزیونی
اخ۱ لامپ ذخیره تصویر
اخ۱ مبدل تصویر
اخ۲ تقویت‌کننده تصویر(لامپ الکترونی)
او ابزار نمایش
او باریکه الکترون
او پرتو کاتدی
او پرده فلورسانس
او تجهیزات تلویزیونی
او تفنگ الکترونی
او صفحه نمایش رادار
او عدسی مغناطیسی
او لرزش‌نگار پرتو کاتدی
او نورشناسی الکترونی
ان *Cathode ray tube*

لامپ پنج قطبی

اع۱ لامپ الکترونی
اع۲ دستگاه الکترونی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او لامپ گرمایونی
ان *Pentode*

لامپ تخلیه

ب‌ج *لامپ تخلیه پرتوی*
ب‌ج *لامپ تخلیه گازی*
اع۱ لامپ الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ چشمه نور
اخ۱ بالاست(لامپ)
اخ۱ لامپ با بخار فلز
اخ۲ لامپ بخار جیوه‌ای
اخ۱ لامپ فلورسانت
اخ۱ لامپ قوسی
او تخلیه الکتریکی
او تخلیه پرتوی
او لوله تخلیه گازی
ان *Discharge lamp*

لامپ تخلیه پرتوی
ب‌ک لامپ تخلیه

لامپ تخلیه گازی
ب‌ک لامپ تخلیه

لامپ تصویر
ب‌ک لامپ ذخیره تصویر

لامپ تصویر تلویزیون

اع۱ تجهیزات تلویزیونی
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ لامپ پرتو کاتدی
اع۲ لامپ گرمایونی
اع۳ لامپ الکترونی
او ابزار نمایش
او شب‌تاب
او کیفیت تصویر تلویزیون
ان *Television picture tube*

لامپ جیوه‌ای
ب‌ک لامپ بخار جیوه‌ای

لامپ چهار الکترودی

اع۱ لامپ الکترونی
اع۲ دستگاه الکترونی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او لامپ گرمایونی
ان *Tetrode*

لامپ حرارتی
ب‌ک لامپ معمولی

لامپ خلاء

ب‌ک لامپ الکترونی

لامپ دوربین تلویزیونی

اع۱ تجهیزات تلویزیونی
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ لامپ پرتو کاتدی
اع۲ لامپ گرمایونی
اع۳ لامپ الکترونی
او لامپ ذخیره تصویر
ان *Television camera tube*

لامپ ذخیره

اع۱ لامپ الکترونی
اع۲ دستگاه الکترونی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اخ۱ لامپ ذخیره تصویر
او ذخیره انرژی الکتریکی
ان *Storage tube*

لامپ ذخیره تصویر

ب‌چ لامپ تصویر
اع۱ لامپ پرتو کاتدی
اع۲ لامپ گرمایونی
اع۳ لامپ الکترونی
اع۱ لامپ ذخیره
اع۲ لامپ الکترونی
اع۳ دستگاه الکترونی
او لامپ دوربین تلویزیونی
ان *Image storage tube*

لامپ ریزموجی

اع۱ ابزار ریزموج
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ لامپ الکترونی
اع۲ دستگاه الکترونی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اخ۱ ارتعاش‌سنج دیاپازونی
اخ۱ لامپ موج الکترونی
اخ۲ لامپ کلیسترون
اخ۲ لامپ مدوله‌سازی سرعت
اخ۲ لامپ موج پیشرونده
اخ۳ لامپ موج پس‌سو
اخ۲ مگنترون
ان *Microwave tube*

لامپ زیرآبی

اع۱ تجهیزات زیرآبی
اع۲ تجهیزات
اع۱ لامپ الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ چشمه نور
ان *Underwater lamp*

لامپ شمارش

اع۱ لامپ کاتد سرد
اع۲ لامپ الکترونی
اع۳ دستگاه الکترونی
او آشکارساز
او تابش‌شمار
او شمارگر گیگر
او مدار شمارش
ان *Counting tube*

لامپ فرابنفش

اع۱ لامپ الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ چشمه نور
او ابزار فرابنفش
او تابش فرابنفش
ان *Ultraviolet lamp*

لامپ فلورسانت

اع۱ ابزار درخشایی
اع۲ چشمه نور
اع۱ لامپ تخلیه
اع۲ لامپ الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ چشمه نور
او روشنایی خیابان
او فلورسانس
ان *Fluorescent lamp*

لامپ قوسی

اع۱ لامپ تخلیه
اع۲ لامپ الکتریکی

اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ چشمه نور
او قوس الکتریکی
ان *Arc lamp*

لامپ کاتد سرد

اع۱ لامپ الکترونی
اع۲ دستگاه الکترونی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اخ۱ فوتولوله
اخ۲ تکثیرکن فوتونی
اخ۱ لامپ شمارش
ان *Cold cathode tube*

لامپ کلیسترون

اع۱ لامپ موج الکترونی
اع۲ لامپ ریزموجی
اع۳ ابزار ریزموج
اع۳ لامپ الکترونی
اع۲ لامپ گرمایونی
اع۳ لامپ الکترونی
او بازآواگر کاواکی
او نوسانگر(الکترونیک)
ان *Klystron*

لامپ گرمایونی

اع۱ لامپ الکترونی
اع۲ دستگاه الکترونی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اخ۱ تیراترون
اخ۱ لامپ موج الکترونی
اخ۲ لامپ کلیسترون
اخ۲ لامپ مدوله‌سازی سرعت
اخ۲ لامپ موج پیشرونده
اخ۳ لامپ موج پس‌سو
اخ۲ مگنترون
اخ۱ لامپ پرتو ایکس
اخ۱ لامپ پرتو کاتدی
اخ۲ لامپ تصویر تلویزیون
اخ۲ لامپ دوربین تلویزیونی
اخ۲ لامپ ذخیره تصویر
اخ۲ مبدل تصویر
اخ۳ تقویت‌کننده تصویر(لامپ الکترونی)
او تریود
او کاتد گرمایونی
او لامپ پنج قطبی
او لامپ چهار الکترودی
ان *Thermionic tube*

لامپ مادون قرمز

اع۱ لامپ الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ چشمه نور
او ابزار مادون قرمز
او گرمایش مادون قرمز
ان *Infrared lamp*

لامپ مدوله‌سازی سرعت

اع۱ لامپ موج الکترونی
اع۲ لامپ ریزموجی
اع۳ ابزار ریزموج
اع۳ لامپ الکترونی
اع۲ لامپ گرمایونی
اع۳ لامپ الکترونی
او مدوله‌سازی
ان *Velocity modulation tube*

لامپ معدنچی

اع۱ لامپ الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ چشمه نور
او تجهیزات معدن‌کاری
ان *Miner lamp*

لامپ معمولی

بج لامپ *حرارتی*
اع۱ لامپ الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ چشمه نور
اخ۱ رشته(لامپ)
ان *Incandescent lamp*

لامپ موج پس‌سو

اع۱ لامپ موج پیشرونده
اع۲ لامپ موج الکترونی
اع۳ لامپ ریزموجی

اع۳ لامپ گرمایونی
ان *Backward wave tube*

لامپ موج پیشرونده
اع۱ لامپ موج الکترونی
اع۲ لامپ ریزموجی
اع۳ ابزار ریزموج
اع۳ لامپ الکترونی
اع۲ لامپ گرمایونی
اع۳ لامپ الکترونی
اع۱ لامپ موج پس‌سو
ان *Traveling wave tube*

لامپ نوری ضربگر
ب‌ک تکثیرکن فوتونی

لامپ یکسوساز
ب‌ک یک‌سوساز لامپی الکترونی

لانتانید
ب‌ک عنصر خاکی کمیاب

لانتان
اع۱ عنصر خاکی کمیاب
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آلیاژ لانتان
او ترکیبات لانتان
ان *Lanthanum*

لای
اع۱ خاک
ان *Silt*

لای‌روب
ب‌ج *لای‌روب گازوئیلی*
اع۱ گودبردار
اع۲ ماشین‌آلات خاک‌برداری
اع۳ ماشین‌آلات
اع۱ لای‌روب موقت
او تجهیزات ساخت
او لای‌روبی
ان *Dredg*

لای‌روب گازوئیلی
ب‌ک لای‌روب

لای‌روب موقت
اع۱ لای‌روب
اع۲ گودبردار
اع۳ ماشین‌آلات خاک‌برداری
او شناور ته‌پهن
ان *Pontoon dredge*

لای‌روبی
اع۱ گودبرداری
او انفجار
او حفاری
او راه آبی درون‌مرزی
او کنترل رودخانه
او لای‌روب
ان *Dredging*

لایه ابررسانشی
اع۱ فیلم
اع۲ مواد
اع۱ مواد ابررسانا
اع۲ مواد
او دمای گذار ابررسانش
او فیلم نازک
ان *Superconducting film*

لایه اف.
ب‌ک منطقه اف.

لایه اوزون
ب‌ج *کره اوزون*
اع۱ جو زمین
او اوزون
او تابش فرابنفش
او جو بالا
ان *Ozone layer*

لایه ای.
ب‌ک منطقه ای.

لایه‌بندی گرمایی
او آب

او انتقال گرما
او توزیع دما
او جو زمین
او دریاچه
او دمای جوی
او شیب گرمایی
او منبع ذخیره‌سازی آب
او نیروی موج
او ویژگی ترمودینامیکی
ان *Thermal stratification*

لایه تک‌مولکولی
ب‌ک تک‌لایه‌ای

لایه دی‌الکتریک
اع۱ فیلم
اع۲ مواد
اع۱ مواد دی‌الکتریک
اع۲ مواد
او فیلم نازک
او فیلم نوری
ان *Dielectric film*

لایه سلولزی
اع۱ فیلم
اع۲ مواد
او سلولز
ان *Cellulose film*

لایه ضخیم مغناطیسی
اع۱ فیلم ضخیم
اع۲ فیلم
اع۳ مواد
اع۱ فیلم مغناطیسی
اع۲ فیلم
اع۳ مواد
اع۲ مواد مغناطیسی
اع۳ مواد
او لایه نازک مغناطیسی
ان *Magnetic thick film*

لایه فلزی
اع۱ فیلم
اع۲ مواد
او ابرشبکه فلزی
او فلز
او فیلم ضخیم
او فیلم نازک
ان *Metallic film*

لایه کنترل خورشیدی
ب‌ج *لایه کنترل نور*
اع۱ فیلم
اع۲ مواد
او اندود
او اندود بازتابگر
او پنجره
ان *Solar control film*

لایه کنترل نور
ب‌ک لایه کنترل خورشیدی

لایه‌لایه‌شدگی
او انتشار ترک
او پوسته‌پوسته‌شدگی
او چندلا
او سطح مشترک(مواد)
او مقاومت مصالح
ان *Delamination*

لایه مرزی
او انتقال گرما
او آیرودینامیک
او جریان لایه مرزی
ان *Boundary layer*

لایه نازک مغناطیسی
اع۱ فیلم مغناطیسی
اع۲ فیلم
اع۳ مواد
اع۲ مواد مغناطیسی
اع۳ مواد
اع۱ فیلم نازک
اع۲ فیلم
اع۳ مواد
اع۱ مواد مغناطیسی
اع۲ مواد
او ابزار با لایه نازک مغناطیسی

او لایه ضخیم مغناطیسی
ان *Magnetic thin film*

لایه نیم‌رسانا

اع۱ فیلم
اع۲ مواد
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
او تک‌لایه‌ای
او فیلم نازک
او نهشت با بخار شیمیایی آلی فلزی
او همبافتی فاز بخار آلی فلزی
ان *Semiconducting film*

لایی(ریخته‌گری)
ب‌ک لایی ریخته‌گری فشاری

لایی ریخته‌گری فشاری

ب‌ج *لایی(ریخته‌گری)*
اع۱ قطعه ریختگی فشاری
اع۲ قطعه ریختگی فلزی
اع۳ قطعه ریختگی
ان *Die casting insert*

لایی فلزی

اع۱ اجزا
ان *Shim*

لبنیات

اع۱ فراورده غذایی
اع۱ فراورده کشاورزی
اخ۱ کازئین
او تخمیر
او کارخانه لبنیات‌سازی
او نوشابه
ان *Dairy products*

لجن زغالی

اع۱ دوغاب
اع۲ جامدات معلق(سیالات)
اع۳ پاشیدگی
او آمیزه آبی زغال‌سنگ
او آمیزه روغنی زغال‌سنگ
او خط‌لوله دوغابی
او زغال‌سنگ
ان *Coal slurry*

لجن فاضلاب

اع۱ فاضلاب
اع۲ زباله
او دفع لجن
او هضم لجن
ان *Sewage sludge*

لحیم
ب‌ک آلیاژ لحیم‌کاری

لحیم‌کاری

اع۱ پیوندزنی
اخ۱ لحیم‌کاری سخت
اخ۲ لحیم‌کاری الکتریکی
اخ۲ لحیم‌کاری با باریکه الکترونی
اخ۲ لحیم‌کاری در خلاء
او اتصال لحیم‌شده
او آلیاژ لحیم‌کاری
او جوشکاری
او درزبندی
او فلزکاری
او قلع‌اندودی
او گدازآور
ان *Soldering*

لحیم‌کاری الکتریکی

اع۱ لحیم‌کاری سخت
اع۲ لحیم‌کاری
اع۳ پیوندزنی
ان *Electric brazing*

لحیم‌کاری با باریکه الکترونی

اع۱ لحیم‌کاری سخت
اع۲ لحیم‌کاری
اع۳ پیوندزنی
او باریکهٔ الکترون
ان *Electron beam brazing*

لحیم‌کاری در خلاء

اع۱ کاربرد خلاء
اع۲ کاربرد

اع۱ لحیم‌کاری سخت
اع۲ لحیم‌کاری
اع۳ پیوندزنی
ان *Vacuum brazing*

لحیم‌کاری سخت

اع۱ لحیم‌کاری
اع۲ پیوندزنی
اخ۱ لحیم‌کاری الکتریکی
اخ۱ لحیم‌کاری با باریکه الکترونی
اع۱ لحیم‌کاری در خلاء
او جوشکاری
او فلز پرکننده لحیم‌کاری
او گدازآور
ان *Brazing*

لرزش(آیرودینامیک)

بج *لرزش هوانوردی*
اع۱ آیرودینامیک
اع۲ دینامیک گازها
اع۳ دینامیک سیالات
او بالگرد
ان *Flutter (aerodynamics)*

لرزش بتن

ی‌د به عنوان یک فرایند، نه یک پدیده
بج *ارتعاش بتن*
اع۱ ساخت بتنی
اع۲ ساخت بنایی
اع۳ ساخت
اع۲ صنعت بتن
اع۳ صنعت
او ارتعاش(مکانیکی)
ان *Concrete vibrating*

لرزش‌نگار پرتو کاتدی

بج *نوسان‌سنج ذخیره رقمی*
بج *نوسان‌سنج(پرتو کاتدی)*
اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او ابزار نمایش
او پرتو کاتدی
او لامپ پرتو کاتدی
او نوسان‌نگار
ان *Cathode ray oscilloscope*

لرزش هوانوردی
ب‌ک لرزش(آیرودینامیک)

لرزه‌شناسی

بج *زلزله‌شناسی*
اع۱ زمین‌فیزیک
اع۲ فیزیک
اع۳ علوم طبیعی
او اکتشاف لرزه‌ای
او تحلیل طیف
او زلزله
او زمین(سیاره)
او لرزه‌نگار
او موج شوکی
او موج لرزه‌ای
ان *Seismology*

لرزه‌نگار

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
او اندازه‌گیری متغیر صوتی
او زلزله
او لرزه‌شناسی
او موج لرزه‌ای
ان *Seismograph*

لعاب

اع۱ اندود
اع۲ مواد
او رنگ
او رنگدانه
او روغن جلاء
او فراورده سرامیکی
ان *Enamel*

لکوموتیو

اع۱ خط نورد راه‌آهن
اع۲ وسیله نقلیه زمینی
اع۳ وسیله نقلیه
اخ۱ لکوموتیو با توربین گازی

اخ۱ لکوموتیو بخار
اخ۱ لکوموتیو برقی
اخ۱ لکوموتیو دیزلی
اخ۱ لکوموتیو صنعتی
اخ۲ لکوموتیو معدن
او آموزش رانندگی
او سوزن‌بانی(خط نورد)
او کمپرسور پیستون آزاد
او محور
او میله اتصال
او نیروی غلتش(اصطکاک)
او واگن تخت(خط نورد راه‌آهن)
او وسیله نقلیه هسته‌ای
ان *Locomotive*

لکوموتیو با توربین گازی

اع۱ لکوموتیو
اع۲ خط نورد راه‌آهن
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
او توربین گازی
ان *Gas turbine locomotive*

لکوموتیو بخار

اع۱ لکوموتیو
اع۲ خط نورد راه‌آهن
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
او ماشین بخار
ان *Steam locomotive*

لکوموتیو برقی

اع۱ لکوموتیو
اع۲ خط نورد راه‌آهن
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اع۱ وسیله نقلیه الکتریکی
اع۲ وسیله نقلیه
او راه‌آهن برقی
او موتور الکتریکی
ان *Electric locomotive*

لکوموتیو دیزلی

ب‌ج *لوکوموتیو برقی دیزلی*
اع۱ لکوموتیو
اع۲ خط نورد راه‌آهن
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
او کشش برقی دیزلی
او موتور دیزل
ان *Diesel locomotive*

لکوموتیو صنعتی

اع۱ لکوموتیو
اع۲ خط نورد راه‌آهن
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اخ۱ لکوموتیو معدن
او راه‌آهن صنعتی
او صنعت
ان *Industrial locomotive*

لکوموتیو معدن

اع۱ لکوموتیو صنعتی
اع۲ لکوموتیو
اع۳ خط نورد راه‌آهن
او ترابری معدن
او ماشین‌آلات معدن‌کاری
ان *Mine locomotive*

لنت ترمز

اع۱ آستره
اع۱ ترمز
اع۲ تجهیزات
ان *Brake lining*

لنگر

اع۱ تجهیزات کشتی
اع۲ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات آب‌پیما
اع۳ آب‌پیما
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ کشتی
اع۳ آب‌پیما
او کابل لنگر
ان *Anchor*

لنگرگاه(پی)

اع۱ پی
اع۲ سازه
او طراحی سازه
ان *Anchorage (foundation)*

لوازم

اخ۱ لوازم آنتن
اخ۲ اتصال زمین آنتن
اخ۲ بازتابگر آنتن
اخ۲ پوشش آنتن
اخ۲ عامل تغذیه آنتن
اخ۱ لوازم شتاب‌دهنده ذره
اخ۱ لوازم عکاسی
اخ۱ لوازم لیزر
اخ۲ پنجره لیزری
او اجزا
ان *Accessories*

لوازم آنتن

اع۱ لوازم
اخ۱ اتصال زمین آنتن
اخ۱ بازتابگر آنتن
اخ۱ پوشش آنتن
اخ۱ عامل تغذیه آنتن
او آنتن
ان *Antenna Accessories*

لوازم شتاب‌دهنده ذره

اع۱ لوازم
او شتاب‌دهنده ذره
ان *Particle accelerator accessories*

لوازم عکاسی

اع۱ تجهیزات عکاسی
اع۲ تجهیزات
اع۱ لوازم
او ابزار نوری
او پرده تصویراندازی
او پروژکتور نوری
او سنج‌افزار نوری
او عکاسی
ان *Photographic accessories*

لوازم لیزر

اع۱ لوازم
اخ۱ پنجره لیزری
او آینه
او لیزر
او مدوله‌ساز نوری
او مدوله‌سازی نوری
او موجبر نوری
ان *Laser accessories*

لوتتیم

اع۱ عنصر خاکی کمیاب
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آلیاژ لوتتیم
او ترکیبات لوتتیم
ان *Lutetium*

لودر

اع۱ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۲ تجهیزات
اخ۱ ماشین حفار بارکننده
اخ۲ معدن‌کار پیوسته(ماشین)
ان *Loader*

لورنسیم

اع۱ عنصر فرااورانیوم
اع۲ آکتینید
اع۳ عنصر پرتوزا
اع۳ فلز غیرآهنی
ان *Lawrencium*

لوکوموتیو برقی دیزلی

ب‌ک لکوموتیو دیزلی

لولا

اع۱ اجزا
او چفت
او در
ان *Hing*

لوله

ی‌د برای لوله در حال استفاده، اصطلاح "خط لوله" یا "سیستم لوله‌کشی" را به کار برید.
اع۱ اجزا
اخ۱ آستره لوله
اخ۱ اتصال لوله
اخ۱ بارناو
اخ۱ رایزر دریایی
اخ۱ لوله آلومینیومی
اخ۱ لوله بتنی
اخ۱ لوله چدنی

اخ۱ لوله حفاری
اخ۱ لوله رسی
اخ۱ لوله سیمان پنبه نسوز
اخ۱ لوله فولادی
اخ۱ لوله گرمارسان
اخ۱ لوله مسی
اخ۱ لوله مومسان
اخ۱ لوله نیکلی
اخ۱ متعلقات لوله
او تجهیزات جابه‌جایی مواد
او حفاظ چاه نفت
او خط‌لوله
او دوبه لوله‌گذاری
او سیستم لوله‌کشی
او شارش سیال
او لوله(اجزا)
ان *Pipe*

لوله ابرگرم‌کن

اع۱ ابرگرم‌کن
اع۲ مولد بخار
اع۳ تجهیزات گرمایش
اع۱ لوله(اجزا)
اع۲ اجزا
ان *Superheater tube*

لوله(اجزا)

اع۱ اجزا
اخ۱ حفاظ چاه نفت
اخ۱ لوله ابرگرم‌کن
اخ۱ لوله چگالنده
اخ۱ لوله شوک
اخ۱ لوله قابل انبساط
اخ۱ لوله قابل کشش
اخ۱ لوله متلاشی‌شدنی
اخ۱ لوله مویین
اخ۱ لوله هوای فشرده
او توربین لوله‌ای
او جریان در لوله
او خمش(شکل‌دهی)
او سازه فولادی لوله‌ای
او شلنگ
او لوله
او مبادله‌کن گرما
او مصالح لوله‌سازی
ان *Tube (components)*

لوله آلومینیومی

بج *خط‌لوله آلومینیومی*
اع۱ لوله
اع۲ اجزا
او آلومینیوم
ان *Aluminum pipe*

لوله بتنی

بج *خط‌لوله بتنی*
اع۱ فراورده بتنی
اع۱ لوله
اع۲ اجزا
ان *Concrete pipe*

لوله تخلیه

ب‌ک لوله تخلیه گازی

لوله تخلیه گازی

بج *لوله تخلیه*
اع۱ لامپ الکترونی
اع۲ دستگاه الکترونی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اخ۱ تیراترون
اخ۱ یک‌سوساز بخار جیوه‌ای
او ابزار نمایش
او لامپ تخلیه
ان *Gas discharge tube*

لوله ترمز

اع۱ ترمز
اع۲ تجهیزات
اع۱ شلنگ
اع۲ تجهیزات
ان *Brake hose*

لوله چدنی

بج *خط‌لوله چدنی*
اع۱ لوله
اع۲ اجزا
او چدن ریخته‌گری
ان *Cast iron pipe*

لوله چگالنده

اع۱ چگالنده بخار
اع۲ خنک‌کن(مایع‌کن)
اع۳ تجهیزات شیمیایی
اع۱ لوله(اجزا)
اع۲ اجزا
ان *Condenser tube*

لوله حفاری

اع۱ تجهیزات حفاری
اع۲ تجهیزات
اع۱ لوله
اع۲ اجزا
او تجهیزات حفاری چاه نفت
او مته
ان *Drill pipe*

لوله حفاظ الکتریکی

ب‌ج *مجرای کابل*
اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
او انتقال نیروی الکتریکی
او توزیع نیروی برق
او رسانای الکتریکی
او غلاف کابل
او کابل الکتریکی
ان *Electric conduit*

لوله رسی

اع۱ فراورده رسی
اع۱ لوله
اع۲ اجزا
او رس
ان *Clay pipe*

لوله سیمان پنبه نسوز

اع۱ لوله
اع۲ اجزا
او سیمان پنبه نسوز
ان *Asbestos cement pipe*

لوله شوک

ب‌ج *فوق‌گرم‌کن موجی*
ب‌ج *لوله شوک الکترومغناطیسی*
اع۱ لوله(اجزا)
اع۲ اجزا
او آیرودینامیک
او تونل باد
او جریان فراصوتی
او موج شوکی
ان *Shock tube*

لوله شوک الکترومغناطیسی

ب‌ک لوله شوک

لوله فولادی

اع۱ لوله
اع۲ اجزا
او فولاد
ان *Steel pipe*

لوله قابل انبساط

اع۱ لوله(اجزا)
اع۲ اجزا
ان *Expandable tube*

لوله قابل کشش

اع۱ لوله(اجزا)
اع۲ اجزا
ان *Extendable tube*

لوله‌کشی

او بست لوله‌کشی
او خط‌لوله آب
او سیستم لوله‌کشی آب
او ضربه قوچ
ان *Plumbing*

لوله‌کشی فشار قوی

اع۱ سیستم لوله‌کشی
ان *High pressure piping*

لوله گاز طبیعی

ی‌د برای موارد انتقال به کار برید. برای موارد توزیع اصطلاح "خط لوله گاز" را به کار برید.
اع۱ خط‌لوله
او ترابری گاز طبیعی
او عبور خط‌لوله

ان *Natural gas pipeline*

لوله‌گذاری

او خط‌لوله

ان *Pipeline laying*

لوله گرمارسان

اع۱ لوله

اع۲ اجزا

اع۱ مبادله‌کن گرما

اع۲ تجهیزات

او انتقال گرما

ان *Heat pipe*

لوله متلاشی‌شدنی

اع۱ لوله(اجزا)

اع۲ اجزا

ان *Collapsible tube*

لوله مسی

ب‌ج *خط‌لوله مسی*

اع۱ لوله

اع۲ اجزا

او مس

ان *Copper pipe*

لوله مومسان

اع۱ فراورده مومسان

اع۱ لوله

اع۲ اجزا

ان *Plastic pipe*

لوله مویین

اع۱ لوله(اجزا)

اع۲ اجزا

او جریان مویین

او ماشین‌آلات یخچال‌دار

او مویینگی

ان *Capillary tube*

لوله نوری

ب‌ک نورشناسی تارها

لوله نیکلی

اع۱ لوله

اع۲ اجزا

او نیکل

ان *Nickel pipe*

لوله هوای فشرده

اع۱ تجهیزات جابه‌جایی مواد بادی

اع۲ تجهیزات بادی

اع۳ تجهیزات

اع۲ تجهیزات جابه‌جایی مواد

اع۳ تجهیزات

اع۱ لوله(اجزا)

اع۲ اجزا

او باربر نقاله‌ای بادی

ان *Pneumatic tube*

لیپید

اع۱ ترکیبات آلی

اع۲ ترکیبات شیمیایی

اخ۱ موم

او استر

او اسید چرب

او روغن و چربی

او کلسترول

ان *Lipid*

لیتوگرافی با باریکه الکترونی

اع۱ چاپ سنگی

او باریکه الکترون

ان *Electron beam lithography*

لیتیم

اع۱ فلز قلیایی

اع۲ فلز غیرآهنی

اع۳ فلز

او آلیاژ لیتیم

او باتری لیتیمی

او ترکیبات لیتیم

او ذخیره لیتیم

او فلزنگاری لیتیم

ان *Lithium*

لیزر پیوندی

ب‌ک لیزر نیم‌رسانا

لیزر

ب‌ج *میزر نوری*
اع۱ تقویت‌کننده نور
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ چشمه نور
اع۱ تشدیدکننده لیزری
اع۱ لیزر اکسیمر
اع۱ لیزر الکترون آزاد
اع۱ لیزر انرژی بالا
اع۱ لیزر با امواج پیوسته
اع۱ لیزر با سوئیچ Q
اع۱ لیزر پرتو ایکس
اع۱ لیزر پرقدرت
اع۱ لیزر پس‌خورد گسترده
اع۱ لیزر حالت جامدی
اع۲ لیزر نئودیمیم‌دار
اع۲ لیزر تاری
اع۱ لیزر حلقوی
اع۱ لیزر رنگینه‌ای
اع۱ لیزر شیمیایی
اع۱ لیزر گازی
اع۲ لیزر دینامیک گازی
اع۲ لیزر کربن دی‌اکسید
اع۲ لیزر هلیم‌نئون
اع۱ لیزر مایع
او الکترونیک کوانتومی
او آلودگی
او برشکاری با باریکه لیزری
او تپ لیزری
او تشخیص لیزری
او تمام‌نگاری
او تنظیم لیزری
او تولید هماهنگ دوم
او ثبت لیزری
او جراحی لیزری
او جوشکاری با باریکه لیزری
او دمش باریکه الکترون
او دمش نوری
او دمش(لیزر)
او شیمی لیزر
او فرساب لیزر
او کاربرد لیزر
او لوازم لیزر
او مد بستن لیزری
او مد لیزری
او مدوله‌ساز نوری
او مدوله‌سازی نوری
او مولد پالس نوری
او میزر
او نظریه لیزری
او نور همدوس
او نورشناسی لیزری
ان *Laser*

لیزر نئودیمیم‌دار

اع۱ لیزر حالت جامدی
اع۲ ابزار حالت جامد
اع۳ دستگاه الکترونی
اع۲ لیزر
اع۳ تقویت‌کننده نور
اع۳ چشمه نور
ان *Neodymium laser*

لیزر اکسیمر

اع۱ لیزر
اع۲ تقویت‌کننده نور
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ چشمه نور
او لیزر گازی
ان *Excimer laser*

لیزر الکترون آزاد

اع۱ لیزر
اع۲ تقویت‌کننده نور
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ چشمه نور
ان *Free electron laser*

لیزر انرژی بالا

اع۱ لیزر
اع۲ تقویت‌کننده نور
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ چشمه نور
ان *High energy laser*

لیزر با امواج پیوسته

اع۱ لیزر
اع۲ تقویت‌کننده نور
اع۳ تجهیزات الکترونیکی

اع۲ چشمه نور
ان *Continuous wave laser*

لیزر با پالس بزرگ
ب‌ک لیزر با سوئیچ Q

لیزر با سوئیچ Q
ب‌ج *لیزر با پالس بزرگ*
اع۱ لیزر
اع۲ تقویت‌کننده نور
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ چشمه نور
او ابزار الکترونوری
او سودهی Q
ان *Q switched laser*

لیزر پرتو ایکس
اع۱ لیزر
اع۲ تقویت‌کننده نور
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ چشمه نور
او دستگاه پرتو ایکس
ان *X ray laser*

لیزر پرقدرت
اع۱ لیزر
اع۲ تقویت‌کننده نور
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ چشمه نور
ان *High power laser*

لیزر پس‌خورد گسترده
ب‌ج *لیزر دی.اف.بی.*
اع۱ لیزر
اع۲ تقویت‌کننده نور
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ چشمه نور
او لیزر رنگینه‌ای
او لیزر نیم‌رسانا
او نورشناسی مجتمع
ان *Distributed feedback laser*

لیزر تاری
اع۱ لیزر حالت جامدی
اع۲ ابزار حالت جامد
اع۳ دستگاه الکترونی
اع۲ لیزر
اع۳ تقویت‌کننده نور
اع۳ چشمه نور
او تار نوری
او نورشناسی تارها
ان *Fiber laser*

لیزر تزریقی
اع۱ لیزر نیم‌رسانا
اع۲ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ ابزار حالت جامد
ان *Injection laser*

لیزر چاه کوانتمی
اع۱ لیزر نیم‌رسانا
اع۲ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ ابزار حالت جامد
او چاه کوانتمی نیم‌رسانا
ان *Quantum well laser*

لیزر حالت جامدی
اع۱ ابزار حالت جامد
اع۲ دستگاه الکترونی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ لیزر
اع۲ تقویت‌کننده نور
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ چشمه نور
اخ۱ لیزر نئودیمیم‌دار
اخ۱ لیزر تاری
ان *Solid state laser*

لیزر حلقوی
ب‌ج *ژیروی لیزری*
اع۱ لیزر
اع۲ تقویت‌کننده نور
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ چشمه نور
او ژیروسکپ
ان *Ring laser*

لیزر دی.اف.بی.

ب‌ک لیزر پس‌خورد گسترده

لیزر دینامیک گازی

اع۱ لیزر گازی
اع۲ لیزر
اع۳ تقویت‌کننده نور
اع۳ چشمه نور
ان *Gas dynamic laser*

لیزر دیودی

ب‌ک لیزر نیم‌رسانا

لیزر رنگینه‌ای

اع۱ لیزر
اع۲ تقویت‌کننده نور
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ چشمه نور
او لیزر پس‌خورد گسترده
او لیزر مایع
ان *Dye laser*

لیزر شیمیایی

اع۱ لیزر
اع۲ تقویت‌کننده نور
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ چشمه نور
او تجهیزات شیمیایی
او لیزر گازی
ان *Chemical laser*

لیزر کربن دی‌اکسید

بچ *لیزر گازی کربن دی‌اکسید*
اع۱ لیزر گازی
اع۲ لیزر
اع۳ تقویت‌کننده نور
اع۳ چشمه نور
او کربن دی‌اکسید
ان *Carbon dioxide laser*

لیزر گازی

اع۱ لیزر
اع۲ تقویت‌کننده نور
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ چشمه نور
اخ۱ لیزر دینامیک گازی
اخ۱ لیزر کربن دی‌اکسید
اخ۱ لیزر هلیم‌نئون
او لیزر اکسیمر
او لیزر شیمیایی
ان *Gas laser*

لیزر گازی کربن دی‌اکسید

ب‌ک لیزر کربن دی‌اکسید

لیزر مایع

اع۱ لیزر
اع۲ تقویت‌کننده نور
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ چشمه نور
او لیزر رنگینه‌ای
او مایع
ان *Liquid laser*

لیزر نیم‌رسانا

بچ *دیود لیزری*
بچ *لیزر پیوندی*
بچ *لیزر دیودی*
اع۱ ابزار نیم‌رسانا
اع۲ ابزار حالت جامد
اع۳ دستگاه الکترونی
اخ۱ لیزر تزریقی
اخ۱ لیزر چاه کوانتمی
او چاه کوانتمی نیم‌رسانا
او سیم کوانتمی نیم‌رسانا
او لیزر پس‌خورد گسترده
او نقطه کوانتومی نیم‌رسانا
ان *Semiconductor laser*

لیزر هلیم‌نئون

اع۱ لیزر گازی
اع۲ لیزر
اع۳ تقویت‌کننده نور
اع۳ چشمه نور
ان *Helium neon laser*

لیسپ(زبان برنامه‌نویسی)

اع۱ زبان‌های پردازش لیست
اع۲ زبان سطح بالا

اع۳ زبان برنامه‌نویسی رایانه
ان *LISP (programming language)*

لیگنیت

بچ *زغال‌سنگ قهوه‌ای*
اع۱ زغال‌سنگ
اع۲ سوخت فسیلی
اع۳ سوخت
اع۳ منبع انرژی
او خشته
او معدن لیگنیت
او میعان
او میعان لیگنیت
ان *Lignite*

لیگنین

اع۱ بسپار طبیعی
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
او زیست‌توده
او سلولز
ان *Lignin*

ماتریس

ب‌ک جبر ماتریسی

ماتریس پایداری

ب‌ک ماتریس سفتی

ماتریس سفتی

بچ *ماتریس پایداری*
اع۱ جبر ماتریسی
اع۲ جبرخطی
اع۳ جبر
او تحلیل سازه
او سفتی
ان *Stiffness matrix*

مات‌شدگی گرمایی

اع۱ نورشناسی غیرخطی
اع۲ نورشناسی
اع۳ فیزیک
او باریکه لیزری
او کانونی‌سازی
ان *Thermal blooming*

ماحصل سوخت و ساز

بچ *متابولیت*
اع۱ مواد زیست‌شناختی
اع۲ مواد
او سوخت و ساز
ان *Metabolite*

مادون قرمز

ب‌ک تابش مادون قرمز

مارتنزیت

اع۱ فاز فلزنگاری
او تبدیل مارتنزیتی
او سخت‌گردانی
او فلزنگاری فولاد
ان *Martensite*

ماسک

او ابزار نیم‌رسانا
او چاپ سنگی
او چاپ سنگی پرتو ایکس
او چاپ نوری
او مدارمجتمع
او نمودار شمایی
ان *Mask*

ماسک گاز

اع۱ ابزار ایمنی
اع۲ تجهیزات
او پوشاک محافظ
او تجهیزات نظامی
ان *Gas mask*

ماسه

اع۱ مواد
اع۱ ماسه ریخته‌گری
اع۱ ماسه سیلیسی
او استخراج روباز
او خاک
او سنگ
او سیلیس

او شن
او کارگاه شن و ماسه
او ماسه‌سنگ
او معدن روباز
او مواد دانه‌ای
ان *Sand*

ماسه‌پاش ریلی
ب‌ک تجهیزات ماسه‌گذاری

ماسه ریخته‌گری
ب‌ج *ماسه قالب‌گیری*
ب‌ج *ماسه ماهیچه*
اع۱ ماسه
اع۲ مواد
او بست‌مایه
او بنتونیت
او زبرجد
او فرایند ریخته‌گری
او قالب
او قالب‌گیری
ان *Foundry sand*

ماسه‌سختی
او بهره‌برداری از چاه نفت
او تکمیل چاه
او چاه گاز طبیعی
او چاه نفتی
او زمین‌شناسی
ان *Sand consolidation*

ماسه‌سنگ
اع۱ سنگ رسوبی
اع۲ سنگ
اع۳ مواد
او ماسه
ان *Sandstone*

ماسه سیلیسی
اع۱ ماسه
اع۲ مواد
او سیلیس
ان *Silica sand*

ماسه قالب‌گیری
ب‌ک ماسه ریخته‌گری

ماسه ماهیچه
ب‌ک ماسه ریخته‌گری

ماسه نفت‌دار
اع۱ ذخیره سوخت فسیلی
اع۲ منبع معدنی
اع۳ منبع طبیعی
او بازیافت گرمایی نفت
او پالایش ماسه نفت‌دار
او پلمه‌سنگ نفتی
او سوخت فسیلی
او صنعت نفت
او نفت خام
ان *Oil sand*

ماشین برش(معدن‌کاری)
اع۱ تجهیزات برش
اع۲ تجهیزات
اع۱ ماشین‌آلات معدن‌کاری
اع۲ تجهیزات معدن‌کاری
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ چاله‌کن دستی
اخ۱ ماشین حفار بارکننده
اخ۲ معدن‌کار پیوسته(ماشین)
ان *Cutting machine (mining)*

ماشین پرچ‌کاری
اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
او دست‌افزار
ان *Riveting machine*

ماشین تونل‌سازی
اع۱ ماشین‌آلات
او تونل‌سازی
ان *Tunneling machine*

ماشین حفاری زمین

اع۱ تجهیزات حفاری
اع۲ تجهیزات
او حفاری چاه
او مته‌کاری سنگ
ان *Earth boring machine*

ماشین شیردوشی

اع۱ ماشین‌آلات کشاورزی
اع۲ ماشین‌آلات
ان *Milking machine*

ماشین ویرایش تصویر متحرک

اع۱ ماشین‌آلات
او تصویر متحرک
ان *Motion picture editing machine*

ماشین‌آلات

اخ۱ آسیاب
اخ۲ آسیاب گلوله‌ای
اخ۲ پودرکننده زغال‌سنگ
اخ۱ اجزای ماشین
اخ۲ بادامک
اخ۲ پیستون موتور
اخ۲ تسمه
اخ۳ تسمه سایا
اخ۳ تسمه سیمی
اخ۲ چرخ‌دنده
اخ۳ چرخ‌دنده جلزونی
اخ۲ راه‌انداز
اخ۲ صفحه(اجزای ماشین)
اخ۳ صفحه چرخان
اخ۳ صفحه گسیختگی
اخ۲ غلتک(اجزای ماشین)
اخ۲ قفل گاردان
اخ۲ محرک
اخ۳ رانه الکتریکی
اخ۳ مبدل گشتاور نیرو
اخ۳ محرک بادی
اخ۳ محرک با سرعت وردش‌پذیر
اخ۳ محرک مکانیکی
اخ۳ محرک هیدرولیکی
اخ۲ محور(اجزای ماشین)
اخ۳ پیچ جلوبر
اخ۳ میل‌لنگ
اخ۲ میل بادامک
اخ۲ نمدساز
اخ۲ نورد(اجزای ماشین)
اخ۲ هزارخار
اخ۲ یاتاقان(قسمت‌های ماشین)
اخ۳ بالشتک یاتاقان
اخ۳ یاتاقان آب‌ایستایی
اخ۳ یاتاقان پیشرانه
اخ۳ یاتاقان راه‌آهن
اخ۳ یاتاقان سر محور
اخ۳ یاتاقان صفحه‌ای
اخ۳ یاتاقان ضداصطکاک
اخ۳ یاتاقان غیرفلزی
اخ۳ یاتاقان کوچک
اخ۳ یاتاقان مغناطیسی
اخ۱ بالابر
اخ۲ کابل بالابر
اخ۱ پله‌برقی
اخ۱ پنکه
اخ۲ دمنده
اخ۳ دوده‌دم
اخ۱ تراکم‌ساز هوا
اخ۲ پرخوران
اخ۲ کمپرسور پیستون آزاد
اخ۱ دانه‌ساز
اخ۱ روزن‌ران
اخ۲ دستگاه روزن‌زانی عایق سیم
اخ۲ روزن‌ران پلاستیک
اخ۲ قالب روزن‌زانی
اخ۱ ساز و کار
اخ۲ میله اتصال
اخ۱ سنگ‌شکن
اخ۱ غلتک
اخ۱ ماشین تونل‌سازی
اخ۱ ماشین ویرایش تصویر متحرک
اخ۱ ماشین‌آلات الکتریکی
اخ۲ اجزای ماشین‌آلات الکتریکی
اخ۳ سیم‌پیچ ماشین
اخ۳ عایق‌بندی ماشین الکتریکی
اخ۲ ماشین‌آلات جریان متناوب
اخ۳ ماشین‌آلات ناهمگام
اخ۳ ماشین‌آلات همگام
اخ۳ موتور جریان متناوب
اخ۳ مولد جریان متناوب
اخ۲ ماشین‌آلات جریان مستقیم
اخ۳ جابه‌جاگر الکتریکی
اخ۳ موتور جریان مستقیم

اخ۳ مولد جریان مستقیم
اخ۲ مولد الکتریکی
اخ۳ مگنتو
اخ۳ مولد الکتروستاتیکی
اخ۳ مولد توربینی
اخ۳ مولد جریان متناوب
اخ۳ مولد جریان مستقیم
اخ۳ مولد موتور الکتریکی
اخ۳ مولد هیدروالکتریکی
اخ۱ ماشین‌آلات پلاستیک
اخ۲ پرس پلاستیک
اخ۲ روزن‌ران پلاستیک
اخ۲ قالب شکل‌دهی پلاستیک
اخ۲ ماشین شکل‌دهی سرد
اخ۲ ماشین قالب‌گیری پلاستیک
اخ۱ ماشین‌آلات توربو
اخ۲ پره ماشین توربو
اخ۲ تلمبه توربینی
اخ۲ توربین
اخ۳ توربین بادی
اخ۳ توربین بخار
اخ۳ توربین گازی
اخ۳ توربین هیدرولیکی
اخ۳ حلقه توربین
اخ۲ ماشین‌آلات توربوی جریان شعاعی
اخ۲ ماشین‌آلات توربوی کوچک
اخ۲ ماشین‌آلات توربینی جریان مجوری
اخ۲ ماشین‌آلات توربینی فشار قوی
اخ۲ مته توربینی
اخ۲ مولد توربینی
اخ۱ ماشین‌آلات چاپ
اخ۲ ماشین چاپ
اخ۱ ماشین‌آلات چرخان
اخ۲ تقویت‌کننده مغناطیسی چرخان
اخ۱ ماشین‌آلات خاک‌برداری
اخ۲ گودبردار
اخ۳ لای‌روب
اخ۱ ماشین‌آلات راه‌سازی
اخ۲ غلتک(ماشین‌آلات راه‌سازی)
اخ۱ ماشین‌آلات سیکل بسته
اخ۱ ماشین‌آلات کاغذسازی
اخ۲ پایانه تر(ماشین‌آلات کاغذسازی)
اخ۱ ماشین‌آلات کشاورزی
اخ۲ تراکتور
اخ۲ ماشین شیردوشی
اخ۲ ماشین خرمن‌کوب

اخ۲ ماشین درو
اخ۱ ماشین‌آلات لاستیک
اخ۱ ماشین‌آلات معدن‌کاری
اخ۲ بالابر معدن
اخ۳ بالابر استخراج کوئیه
اخ۳ دکل سر چاه
اخ۲ ماشین برش(معدن‌کاری)
اخ۳ چاله‌کن دستی
اخ۳ ماشین حفار بارکننده
اخ۲ مته معدن‌کاری
اخ۱ ماشین‌آلات نساجی
اخ۲ بوبین
اخ۲ چرخ خیاطی
اخ۲ ماشین بافندگی
اخ۱ ماشین‌آلات ورقه‌سازی
اخ۱ ماشین‌آلات همگذاری
اخ۱ ماشین‌آلات هیدرولیکی
اخ۲ انباشتگر هیدرولیکی
اخ۲ محرک هیدرولیکی
اخ۳ مبدل گشتاور هیدرولیکی
اخ۱ ماشین‌آلات یخچال‌دار
اخ۲ سیستم لوله‌کشی یخچال‌دار
اخ۲ یخچال
اخ۱ ماشین‌ابزار
اخ۲ ابزار فلزکاری
اخ۳ اره فلزکاری
اخ۳ تیغه فرز
اخ۳ صفحه‌تراش افقی فلزکاری
اخ۳ صفحه‌تراش دروازه‌ای فلزکاری
اخ۲ پرس منگنه
اخ۲ پیچ جلوبر
اخ۲ دستگاه تراش
اخ۳ دستگاه تراش برجک‌دار
اخ۲ صفحه‌تراش دروازه‌ای
اخ۳ صفحه‌تراش دروازه‌ای فلزکاری
اخ۲ قالب آهنگری
اخ۳ قالب پیچ‌تراشی
اخ۳ قالب خمش
اخ۳ قالب روزن‌رانی
اخ۳ قالب سرامیک
اخ۳ قالب شکل‌دهی پلاستیک
اخ۳ قالب شکل‌دهی لاستیک
اخ۲ ماشین پرچ‌کاری
اخ۲ ماشین‌آلات نجاری
اخ۲ ماشین‌ابزار فراصوتی
اخ۲ ماشین‌ابزار مخصوص

اخ۲	ماشین برش اکسیژنی
اخ۲	ماشین پرداخت
اخ۲	ماشین جلاکاری
اخ۲	ماشین جوشکاری
اخ۳	ماشین جوشکاری لیزری
اخ۳	ماشین جوش مقاومتی
اخ۲	ماشین چرخ‌دنده‌تراشی
اخ۲	ماشین حفاری(ابزار ماشینی)
اخ۲	ماشین حفره‌کنی(ابزار ماشینی)
اخ۲	ماشین خان‌کشی
اخ۲	ماشین سنگ‌زنی
اخ۳	سنگ‌زنی رزوه
اخ۲	ماشین سنگ‌کاری پرداخت
اخ۲	ماشین شکاف‌زنی
اخ۲	ماشین شیارزن
اخ۲	ماشین شیشه‌بری
اخ۲	ماشین صیقل‌کاری
اخ۲	مرکز ماشین‌کاری
اخ۱	ماشین بسته‌بندی
اخ۱	ماشین پیچش
اخ۱	ماشین تجاری
اخ۲	پایانه صندوق
اخ۲	دستگاه ثبت پول نقد
اخ۲	ماشین تحریر
اخ۳	دورچاپگر
اخ۳	صفحه‌کلید ماشین تحریر
اخ۳	ماشین تحریر الکتریکی
اخ۲	ماشین سخنگوی خودکار
اخ۲	ماشین گفته‌نگار
اخ۱	ماشین چمن‌زنی
اخ۱	ماشین خط‌کشی
اخ۱	ماشین رای‌گیری
اخ۱	ماشین ریسندگی
اخ۱	ماشین شکل‌دهی شیشه
اخ۱	ماشین شکل‌دهی فلز
اخ۲	پرس(ابزار ماشینی)
اخ۲	حلبی‌خم‌کن
اخ۲	ماشین پتک‌کاری افقی
اخ۲	ماشین تاب‌گیری
اخ۲	ماشین خم‌کن
اخ۳	ترمز خم‌کن
اخ۲	ماشین ریخته‌گری فشاری
اخ۲	ماشین شکل‌دهی سیم
اخ۳	ماشین مدل‌کشی نسیمی
اخ۱	ماشین علامت‌گذاری
اخ۱	ماشین فروش
اخ۲	ماشین تحویل بلیت
اخ۱	ماشین لباسشویی
اخ۲	ماشین شستشوی بطری
اخ۱	ماشین موازنه
اخ۱	موتور
اخ۲	موتور الکتریکی
اخ۳	موتور بی‌محور
اخ۳	موتور جریان متناوب
اخ۳	موتور جریان مستقیم
اخ۳	موتور خطی
اخ۳	موتور شناور
اخ۳	موتور گام‌زن
اخ۳	موتور مدار چاپی
اخ۳	موتور وسیله نقلیه
اخ۳	مولد موتور الکتریکی
اخ۲	موتور هوای فشرده
اخ۲	موتور هیدرولیکی
اخ۱	موتور(با منبع انرژی درونی)
اخ۲	پیشران
اخ۳	پیشران کشتی
اخ۳	ملخ هواپیما
اخ۲	چرخ طیار
اخ۳	انباشتگر هیدرولیکی
اخ۲	روتور
اخ۳	روتور بالگرد
اخ۲	سیستم فراراندی(موتور)
اخ۲	ماشین گرمایی
اخ۳	ماشین بخار
اخ۳	موتور درون‌سوز
اخ۲	محفظه میل‌لنگ
اخ۲	موتور بی‌دررو
اخ۲	موتور جت
اخ۳	موتور با فن کانالیزه
اخ۳	موتور توربوجت
اخ۳	موتور جت کوبه‌ای
اخ۲	موتور چرخشی
اخ۳	موتور وانکل
اخ۲	موتور دریایی
اخ۲	موتور دوسوخته
اخ۲	موتور مرکب
اخ۲	موتور موشک
اخ۳	فشارافزا(موشک)
اخ۳	محفظه احتراق
اخ۱	هم‌زن(ماشین‌آلات)
اخ۲	بتن‌ساز
او	ارتعاش ماشین

او تجهیزات جابه‌جایی مواد
او ترازیابی(ماشین‌آلات)
او روشنایی
او سوارش پادارتعاش
او طراحی ماشین
او فرسودگی
او قطعه مومسان
او مکانیزه‌کردن
او نمایشگاه ماشین‌آلات
او نوسازی
او هم‌خطی
او واحد صنعتی
ان *Machinery*

ماشین‌آلات القایی
ب‌ک ماشین‌آلات ناهمگام

ماشین‌آلات الکتریکی

ب‌چ *ماشین الکتریکی*
اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ ماشین‌آلات
اخ۱ اجزای ماشین‌آلات الکتریکی
اخ۲ سیم‌پیچ ماشین
اخ۳ ایستانه
اخ۳ روتور(سیم‌پیچ)
اخ۲ عایق‌بندی ماشین الکتریکی
اخ۱ ماشین‌آلات جریان متناوب
اخ۲ ماشین‌آلات ناهمگام
اخ۳ موتور القایی
اخ۳ مولد ناهمگام
اخ۲ ماشین‌آلات همگام
اخ۳ موتور همگام
اخ۳ مولد همگام
اخ۲ موتور جریان متناوب
اخ۳ موتور القایی
اخ۳ موتور مولد جریان متناوب
اخ۳ موتور همگام
اخ۲ مولد جریان متناوب
اخ۳ موتور مولد جریان متناوب
اخ۳ مولد ناهمگام
اخ۳ مولد همگام
اخ۱ ماشین‌آلات جریان مستقیم
اخ۲ جابه‌جاگر الکتریکی
اخ۲ موتور جریان مستقیم
اخ۳ موتور مولد جریان مستقیم
اخ۲ مولد جریان مستقیم
اخ۳ موتور مولد جریان مستقیم
اخ۱ مولد الکتریکی
اخ۲ مگنتو
اخ۲ مولد الکتروستاتیکی
اخ۳ مولد وان‌دوگراف
اخ۲ مولد توربینی
اخ۲ مولد جریان متناوب
اخ۳ موتور مولد جریان متناوب
اخ۳ مولد ناهمگام
اخ۳ مولد همگام
اخ۲ مولد جریان مستقیم
اخ۳ موتور مولد جریان متناوب
اخ۲ مولد موتور الکتریکی
اخ۲ مولد هیدروالکتریکی
او آزمایش ماشین‌آلات الکتریکی
او بهره‌برداری نیروی برق
او تبدیلگر چرخشی
او تحریک الکتریکی
او نظریه ماشین الکتریکی
ان *Electric machinery*

ماشین‌آلات پلاستیک

اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ پرس پلاستیک
اخ۱ روزن‌ران پلاستیک
اخ۱ قالب شکل‌دهی پلاستیک
اخ۱ ماشین شکل‌دهی سرد
اخ۱ ماشین قالب‌گیری پلاستیک
او پلاستیک
او دانه‌ساز
او روزن‌ران
او صنعت پلاستیک
او غلتک
او غلتک‌زنی
او کارخانه پلاستیک
او ماشین‌آلات ورقه‌سازی
او هم‌زن(ماشین‌آلات)
ان *Plastic machinery*

ماشین‌آلات توربو

اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ پره ماشین توربو
اخ۱ تلمبه توربینی

اخ۱ توربین
اخ۲ توربین بادی
اخ۲ توربین بخار
اخ۲ توربین گازی
اخ۳ توربین گازی زغال‌سنگ‌سوز
اخ۲ توربین هیدرولیکی
اخ۳ توربین فرانسیس
اخ۳ توربین کاپلان
اخ۳ توربین لامپی
اخ۳ توربین لوله‌ای
اخ۲ حلقه توربین
اخ۱ ماشین‌آلات توربوی جریان شعاعی
اخ۱ ماشین‌آلات توربوی کوچک
اخ۱ ماشین‌آلات توربینی جریان محوری
اخ۱ ماشین‌آلات توربینی فشار قوی
اخ۱ مته توربینی
اخ۱ مولد توربینی
او آبشار(مکانیک سیالات)
او افشانک(تلمبه)
او برگشت پیشرانه
او پرخوران
او تراکم‌ساز هوا
او تلمبه
او خلاءزایی
او دمنده
او روتور
او سیستم ورودی
او ماشین‌آلات سیکل بسته
او مبدل گشتاور هیدرولیکی
او موتور هوای فشرده
ان *Turbomachinery*

ماشین‌آلات توربوی جریان شعاعی

اع۱ ماشین‌آلات توربو
اع۲ ماشین‌آلات
او جریان شعاعی
ان *Radial flow turbomachinery*

ماشین‌آلات توربوی کوچک

اع۱ ماشین‌آلات توربو
اع۲ ماشین‌آلات
ان *Small turbomachinery*

ماشین‌آلات توربینی جریان محوری

اع۱ ماشین‌آلات توربو
اع۲ ماشین‌آلات
او جریان محوری
ان *Axial flow turbomachinery*

ماشین‌آلات توربینی فشار قوی

اع۱ ماشین‌آلات توربو
اع۲ ماشین‌آلات
ان *High.pressure turbomachinery*

ماشین‌آلات جریان متناوب

اع۱ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ ماشین‌آلات ناهمگام
اخ۲ موتور القایی
اخ۳ موتور قفس سنجابی
اخ۲ مولد ناهمگام
اخ۱ ماشین‌آلات همگام
اخ۲ موتور همگام
اخ۳ موتور پسماندی
اخ۳ موتور مقاومت مغناطیسی
اخ۲ مولد همگام
اخ۱ موتور جریان متناوب
اخ۲ موتور القایی
اخ۳ موتور قفس سنجابی
اخ۲ موتور مولد جریان متناوب
اخ۲ موتور همگام
اخ۳ موتور پسماندی
اخ۳ موتور مقاومت مغناطیسی
اخ۱ مولد جریان متناوب
اخ۲ موتور مولد جریان متناوب
اخ۲ مولد ناهمگام
اخ۲ مولد همگام
او ایستانه
او روتور(سیم‌پیچ)
او سیم‌پیچ الکتریکی
او سیم‌پیچ ماشین
ان *AC machinery*

ماشین‌آلات جریان مستقیم

اع۱ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات

اخ۱ جابه‌جاگر الکتریکی
اخ۱ موتور جریان مستقیم
اخ۲ موتور مولد جریان مستقیم
اخ۱ مولد جریان مستقیم
اخ۲ موتور مولد جریان مستقیم
ان *DC machinery*

ماشین‌آلات چاپ

اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ ماشین چاپ
او چاپ
او صفحه چاپ
ان *Printing machinery*

ماشین‌آلات چرخان

ب‌ج *ماشین‌آلات چرخشی*
اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ تقویت‌کننده مغناطیسی چرخان
او ایستانه
او روتور
ان *Rotating machinery*

ماشین‌آلات چرخشی
ب‌ک ماشین‌آلات چرخان

ماشین‌آلات خاک‌برداری

اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ گودبردار
اخ۲ لای‌روب
اخ۳ لای‌روب موقت
او تجهیزات جابه‌جایی مواد
او تجهیزات ساخت
او گودبرداری
او ماشین‌آلات راه‌سازی
او محور
ان *Earthmoving machinery*

ماشین‌آلات راه‌سازی

اع۱ تجهیزات ساخت
اع۲ تجهیزات
اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ غلتک(ماشین‌آلات راه‌سازی)
او بتن‌ساز
او جاده و خیابان
او ساختار راه
او ماشین خط‌کشی
او ماشین‌آلات خاک‌برداری
او هم‌زن(ماشین‌آلات)
ان *Roadbuilding machinery*

ماشین‌آلات روزن‌رانی
ب‌ک روزن‌ران

ماشین‌آلات سیکل بسته

اع۱ ماشین‌آلات
او توربین گازی
او ماشین‌آلات توربو
او یخچال
ان *Closed cycle machinery*

ماشین‌آلات کاغذسازی

اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ پایانه تر(ماشین‌آلات کاغذسازی)
او خشک‌کن(تجهیزات)
او غلتک
او کاغذ
او کاغذسازی
او نورد(اجزای ماشین)
ان *Papermaking machinery*

ماشین‌آلات کشاورزی

ب‌ج *تجهیزات کشاورزی*
اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ تراکتور
اخ۱ ماشین شیردوشی
اخ۱ ماشین خرمن‌کوب
اخ۱ ماشین درو
او ادوات کشاورزی
او کشاورزی
او ماشین چمن‌زنی
او مزرعه
او هدایت خودکار(ماشین‌آلات کشاورزی)
ان *Agricultural machinery*

ماشین‌آلات لاستیک

اع۱ ماشین‌آلات
او صنعت لاستیک
او قالب لاستیک

او کارخانه لاستیک‌سازی
او لاستیک
ان *Rubber machinery*

ماشین‌آلات معدن‌کاری

اع۱ تجهیزات معدن‌کاری
اع۲ تجهیزات
اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ بالابر معدن
اخ۲ بالابر استخراج کوئپه
اخ۲ دکل سر چاه
اخ۱ ماشین برش(معدن‌کاری)
اخ۲ چاله‌کن دستی
اخ۲ ماشین حفار بازکننده
اخ۳ معدن‌کار پیوسته(ماشین)
اخ۱ مته معدن‌کاری
او لکوموتیو معدن
ان *Mining machinery*

ماشین‌آلات ناهمگام

بج *ماشین‌آلات القایی*
اع۱ ماشین‌آلات جریان متناوب
اع۲ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ ماشین‌آلات
اخ۱ موتور القایی
اخ۲ موتور قفس سنجابی
اخ۱ مولد ناهمگام
او سیم‌پیچ ماشین
ان *Asynchronous machinery*

ماشین‌آلات نجاری

اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
او ابزار نجاری
او نجاری
ان *Woodworking machinery*

ماشین‌آلات نساجی

اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ بوبین
اخ۱ چرخ خیاطی
اخ۱ ماشین بافندگی
او خشک‌کن(تجهیزات)
او صنعت نساجی
او فرایند نساجی
او ماشین پیچش
او ماشین ریسندگی
او مصنوع نساجی
او نورد(اجزای ماشین)
ان *Textile machinery*

ماشین‌آلات ورقه‌سازی

اع۱ ماشین‌آلات
او ماشین‌آلات پلاستیک
او ورقه‌سازی
ان *Laminating machinery*

ماشین‌آلات همگام

اع۱ ماشین‌آلات جریان متناوب
اع۲ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ ماشین‌آلات
اخ۱ موتور همگام
اخ۲ موتور پسماندی
اخ۲ موتور مقاومت مغناطیسی
اخ۱ مولد همگام
ان *Synchronous machinery*

ماشین‌آلات همگذاری

اع۱ ماشین‌آلات
او همگذاری
او همگذاری آدمکی
او واحد صنعتی
ان *Assembly machine*

ماشین‌آلات هیدرولیکی

اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ انباشتگر هیدرولیکی
اخ۱ محرک هیدرولیکی
اخ۲ مبدل گشتاور هیدرولیکی
او تجهیزات کنترل هیدرولیکی
او تجهیزات هیدرولیکی
او سیال هیدرولیکی
او مدل هیدرولیکی
او معدن‌کاری هیدرولیکی
ان *Hydraulic machinery*

ماشین‌آلات یخچال‌دار

اع۱ سیستم سرمایش
اع۲ تجهیزات
اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ سیستم لوله‌کشی یخچال‌دار
اخ۱ یخچال
او پنکه
او پیستون
او تبخیرکننده
او تجهیزات گرماالکتریکی
او تراکم‌ساز هوا
او تلمبه
او تهویه مطبوع
او خنک‌کن(مایع‌کن)
او دمنده
او سردسازی
او کامیون یخچالی
او لوله مویین
او واگن یخچالی
ان *Refrigerating machinery*

ماشین آموزشی

ب‌ک بسط آموزش به کمک رایانه

ماشین‌ابزار

اع۱ ابزار
اع۲ تجهیزات
اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ ابزار فلزکاری
اخ۲ اره فلزکاری
اخ۲ تیغه فرز
اخ۲ صفحه‌تراش افقی فلزکاری
اخ۲ صفحه‌تراش دروازه‌ای فلزکاری
اخ۱ پرس منگنه
اخ۱ پیچ جلوبر
اخ۱ دستگاه تراش
اخ۲ دستگاه تراش برجک‌دار
اخ۱ صفحه‌تراش دروازه‌ای
اخ۲ صفحه‌تراش دروازه‌ای فلزکاری
اخ۱ قالب آهنگری
اخ۲ قالب انتقالی
اخ۲ قالب پیچ‌تراشی
اخ۲ قالب خمش
اخ۲ قالب روزن‌زنی
اخ۲ قالب سرامیک
اخ۲ قالب شکل‌دهی پلاستیک
اخ۲ قالب شکل‌دهی لاستیک
اخ۲ قالب کاربید
اخ۲ قالب کشش
اخ۱ ماشین پرچ‌کاری
اخ۱ ماشین‌آلات نجاری
اخ۱ ماشین‌ابزار فراصوتی
اخ۱ ماشین‌ابزار مخصوص
اخ۱ ماشین برش اکسیژنی
اخ۱ ماشین پرداخت
اخ۱ ماشین جلاکاری
اخ۱ ماشین جوشکاری
اخ۲ ماشین جوشکاری لیزری
اخ۲ ماشین جوش مقاومتی
اخ۱ ماشین چرخ‌دنده‌تراشی
اخ۱ ماشین حفاری(ابزار ماشینی)
اخ۱ ماشین حفره‌کنی(ابزار ماشینی)
اخ۱ ماشین خان‌کشی
اخ۱ ماشین سنگ‌زنی
اخ۲ سنگ‌زنی رزوه
اخ۱ ماشین سنگ‌کاری پرداخت
اخ۱ ماشین شکاف‌زنی
اخ۱ ماشین شیارزن
اخ۱ ماشین شیشه‌بری
اخ۱ ماشین صیقل‌کاری
اخ۱ مرکز ماشین‌کاری
او ابزار حفره‌کنی
او اره
او تکمیل
او چرخ‌دنده
او سوارش پادارتعاش
او فرسودگی
او کارگاه ماشینی
او ماشین‌کاری
او موادرسانی به فرایند
او نشانه‌گذاری(فلزکاری)
او هم‌خطی
ان *Machine tools*

ماشین‌ابزار فراصوتی

اع۱ تجهیزات فراصوتی
اع۲ تجهیزات صوتی
اع۳ تجهیزات
اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات

اع۲ ماشین‌آلات
ان *Ultrasonic machine tools*

ماشین‌ابزار مخصوص
اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
ان *Special purpose machine tools*

ماشین استنتاج
اع۱ سیستم خبره
اع۲ سیستم دانش بنیاد
ان *Inference engine*

ماشین الکتریکی
ب‌ک ماشین‌آلات الکتریکی

ماشین بافندگی
اع۱ ماشین‌آلات نساجی
اع۲ ماشین‌آلات
او بافندگی
ان *loom*

ماشین بانک اطلاعاتی
ب‌ک سیستم پایگاه داده‌ها

ماشین بخار
اع۱ ماشین گرمایی
اع۲ موتور(با منبع انرژی درونی)
اع۳ ماشین‌آلات
اخ۱ توربین بخار
او بخار(آب)
او دیگ بخار
او سوخت‌رسان کوره
او کشتی بخار
او لکوموتیو بخار
او موتور مرکب
ان *Steam engine*

ماشین برش اکسیژنی
اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
او برش اکسیژنی
او ماشین جوشکاری
ان *Oxygen cutting machine*

ماشین بسته‌بندی
اع۱ ماشین‌آلات
او بسته‌بندی
او تجهیزات جابه‌جایی مواد
ان *Packaging machine*

ماشین پتک‌کاری افقی
اع۱ ماشین شکل‌دهی فلز
اع۲ ماشین‌آلات
او آهنگری
او قالب آهنگری
ان *Forging machine*

ماشین پرداخت
اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
او پرداخت
او ماشین جلاکاری
او ماشین صیقل‌کاری
ان *Polishing machine*

ماشین پیچش
اع۱ ماشین‌آلات
او پیچه الکتریکی
او سیم
او ماشین‌آلات نساجی
ان *Winding machine*

ماشین تاب‌گیری
اع۱ ماشین شکل‌دهی فلز
اع۲ ماشین‌آلات
او تاب‌گیری
ان *Straightening machine*

ماشین تجاری
اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ پایانه صندوق

اخ۱ دستگاه ثبت پول نقد
اخ۱ ماشین تحریر
اخ۲ دورچاپگر
اخ۲ صفحه‌کلید ماشین تحریر
اخ۲ ماشین تحریر الکتریکی
اخ۱ ماشین سخنگوی خودکار
اخ۱ ماشین گفته‌نگار
او تجهیزات اداری
او داده‌پردازی
او رایانه
ان *Business machine*

ماشین تحریر
اع۱ تجهیزات اداری
اع۲ تجهیزات
اع۱ ماشین تجاری
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ دورچاپگر
اخ۱ صفحه‌کلید ماشین تحریر
اخ۱ ماشین تحریر الکتریکی
او چاپگر(رایانه)
او واژه‌پردازی
ان *Typewriter*

ماشین تحریر الکتریکی
اع۱ ماشین تحریر
اع۲ تجهیزات اداری
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین تجاری
اع۳ ماشین‌آلات
او صفحه‌کلید ماشین تحریر
ان *Electric typewriter*

ماشین تحویل بلیت
اع۱ ماشین فروش
اع۲ تجهیزات عملگر سکه‌ای
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
ان *Ticket issuing machine*

ماشین ترتیبی
اع۱ نظریه خودکارافزار
اع۲ نظریه محاسبه
اع۳ نظریه
ان *Sequential machine*

ماشین تورینگ
اع۱ نظریه خودکارافزار
اع۲ نظریه محاسبه
اع۳ نظریه
او رایانه رقمی
او منطق صوری
ان *Turing machine*

ماشین جلاکاری
اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
او جلاکاری
او دست‌افزار
او ماشین پرداخت
ان *Buffing machine*

ماشین جوشکاری
اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ ماشین جوشکاری لیزری
اخ۱ ماشین جوش مقاومتی
او جوشکاری
او جوشکاری نقطه‌ای
او ماشین برش اکسیژنی
ان *Welding machine*

ماشین جوشکاری لیزری
اع۱ ماشین جوشکاری
اع۲ ماشین‌ابزار
اع۳ ابزار
اع۳ ماشین‌آلات
او جوشکاری با باریکه لیزری
او کاربرد لیزر
ان *Laser welding machine*

ماشین جوش مقاومتی
اع۱ ماشین جوشکاری
اع۲ ماشین‌ابزار
اع۳ ابزار
اع۳ ماشین‌آلات
ان *Resistance welding machine*

ماشین چاپ

اع۱ ماشین‌آلات چاپ
اع۲ ماشین‌آلات
او چاپ
ان *Printing press*

ماشین چرخ‌دنده‌تراشی

اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
او چرخ‌دنده
او چرخ‌دنده‌تراشی
او دنده‌تراش
او ساختن چرخ‌دنده
ان *Gear cutting machine*

ماشین چمن‌زنی

اع۱ ماشین‌آلات
او ماشین‌آلات کشاورزی
ان *Lawn mower*

ماشین حساب جیبی

اع۱ سنج‌افزار ریاضی
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او رایانه
او ریزرایانه
ان *Pocket calculator*

ماشین حفار بارکننده

اع۱ لودر
اع۲ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۳ تجهیزات
اع۱ ماشین برش(معدن‌کاری)
اع۲ تجهیزات برش
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات معدن‌کاری
اع۳ تجهیزات معدن‌کاری
اع۳ ماشین‌آلات
اخ۱ معدن‌کار پیوسته(ماشین)
ان *Cutter loader*

ماشین حفاری(ابزار ماشینی)

اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
او حفاری
او دستگاه تراش
او ماشین حفره‌کنی(ابزار ماشینی)
ان *Drilling machine (machine tools)*

ماشین حفره‌کنی(ابزار ماشینی)

اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
او دستگاه تراش
او ماشین حفاری(ابزار ماشینی)
ان *Boring machine (machine tools)*

ماشین خان‌کشی

اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
او خان‌کش
او خان‌کشی
ان *Broaching machine*

ماشین خرمن‌کوب

ب‌ج *کمباین*
اع۱ ماشین‌آلات کشاورزی
اع۲ ماشین‌آلات
او درو
ان *Combine*

ماشین خط‌کشی

اع۱ ماشین‌آلات
او خط‌کشی بزرگراه
او ماشین‌آلات راه‌سازی
ان *Striping machine*

ماشین خم‌کن

اع۱ ماشین شکل‌دهی فلز
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ ترمز خم‌کن

او ابزار خم‌کاری
او خمش(شکل‌دهی)
او قالب خمش
ان *Bending machine*

ماشین درو

ب‌ج خرمن‌کوب
اع۱ ماشین‌آلات کشاورزی
اع۲ ماشین‌آلات
ان *Harvester*

ماشین رای‌گیری

اع۱ ماشین‌آلات
ان *Voting machine*

ماشین ریخته‌گری فشاری

اع۱ ماشین شکل‌دهی فلز
اع۲ ماشین‌آلات
او ریخته‌گری فشاری
ان *Die casting machine*

ماشین ریسندگی

ی‌د برای تبدیل الیاف و فیلامنتها به نخ
اع۱ ماشین‌آلات
او ریسندگی(الیاف)
او ماشین‌آلات نساجی
ان *Spinning machine*

ماشین سخنگوی خودکار

اع۱ ماشین تجاری
اع۲ ماشین‌آلات
او خودکارسازی
او رایانه
ان *Automatic teller machine*

ماشین سنگ‌زنی

اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ سنگ‌زنی رزوه
او دستگاه تراش
او سنگ‌زنی(تراشکاری)
ان *Grinding machine*

ماشین سنگ‌شکنی
ب‌ک سنگ‌شکن

ماشین سنگ‌کاری پرداخت

اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
او سنگ‌کاری پرداخت
ان *Honing machine*

ماشین شستشوی بطری

اع۱ ماشین لباسشویی
اع۲ ماشین‌آلات
او بطری
ان *Bottle washing machine*

ماشین شکاف‌زنی

اع۱ ابزار تراش
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات برش
اع۳ تجهیزات
اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
او شکاف‌زنی
او ماشین شیارزن
ان *Slitting machine*

ماشین شکل‌دهی سرد

اع۱ ماشین‌آلات پلاستیک
اع۲ ماشین‌آلات
او شکل‌دهی پلاستیک
ان *Cold forming machine*

ماشین شکل‌دهی سیم

اع۱ ماشین شکل‌دهی فلز
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ ماشین مدل‌کشی سیمی
او نورد سیم‌سازی
ان *Wire forming machine*

ماشین شکل‌دهی شیشه
اع۱ ماشین‌آلات
او فراوردن شیشه
ان *Glass forming machine*

ماشین شکل‌دهی فلز
اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ پرس(ابزار ماشینی)
اخ۱ حلبی‌خم‌کن
اخ۱ ماشین پتک‌کاری افقی
اخ۱ ماشین تاب‌گیری
اخ۱ ماشین خم‌کن
اخ۲ ترمز خم‌کن
اخ۱ ماشین ریخته‌گری فشاری
اخ۱ ماشین شکل‌دهی سیم
اخ۲ ماشین مدل‌کشی سیمی
او شکل‌دهی فلز
ان *Metal forming machine*

ماشین شیارزن
اع۱ ابزار تراش
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات برش
اع۳ تجهیزات
اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
او شیارزنی
او ماشین شکاف‌زنی
ان *Slotting machine*

ماشین شیشه‌بری
اع۱ ابزار تراش
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات برش
اع۳ تجهیزات
اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
ان *Glass cutting machine*

ماشین صیقل‌کاری
اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
او صیقل‌کاری
او ماشین پرداخت
ان *Lapping machine*

ماشین علامت‌گذاری
اع۱ ماشین‌آلات
او رمزینه
او نشان‌دارکردن
ان *Marking machine*

ماشین فروش
اع۱ تجهیزات عملگر سکه‌ای
اع۲ تجهیزات
اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ ماشین تحویل بلیت
ان *Vending machine*

ماشین قالب‌گیری پلاستیک
اع۱ ماشین‌آلات پلاستیک
اع۲ ماشین‌آلات
او قالب
ان *Plastic molding machine*

ماشین‌کاری
اخ۱ برقوزنی
اخ۱ پیچ‌تراشی
اخ۲ قلاویزکاری
اخ۱ تراشکاری
اخ۱ ریزماشین‌کاری
اخ۱ سنگ‌زنی(تراشکاری)
اخ۲ آسیاب‌کردن گلوله‌ای
اخ۲ سنگ‌زنی بی‌مرغک
اخ۱ صیقل‌کاری
اخ۱ فرزکاری(تراشکاری)
او برش
او تراشیدن
او حفره‌کنی
او خان‌کشی
او فرایند کارگاه ماشینی
او قابلیت ماشین‌کاری

او کارگاه ماشینی
او ماشین‌ابزار
او متالورژی
او نوردکاری پیچی
ان *Machining*

ماشین گرمایی

ب‌ج *موتور چرخه استرلینگ*
اع۱ موتور(با منبع انرژی درونی)
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ ماشین بخار
اخ۲ توربین بخار
اخ۱ موتور درون‌سوز
اخ۲ پس‌سوز(موتور)
اخ۲ پیستون موتور
اخ۲ خفه‌کن هوای ورودی
اخ۲ سوخت‌آما
اخ۲ سیستم افروزش
اخ۲ سیلندر موتور
اخ۲ شمع جرقه
اخ۲ صداخفه‌کن
اخ۳ اگزوز خودرو
اخ۲ مبدل کاتالیزوری
اخ۲ موتور بار لایه‌ای
اخ۲ موتور پیستون آزاد
اخ۲ موتور خودرو
اخ۳ چندراهه موتور خودرو
اخ۳ موتور خودروی کوچک
اخ۳ موتور خودروی مسابقه
اخ۲ موتور دیزل
اخ۲ موتور گازی
اخ۳ توربین گازی
اخ۳ موتور بادی
اخ۲ موتور وانکل
او چرخه استرلینگ
ان *Heat engine*

ماشین گفته‌نگار

اع۱ ماشین تجاری
اع۲ ماشین‌آلات
ان *Dictating machine*

ماشین لباسشویی

اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ ماشین شستشوی بطری
او تمیزکاری
او دستگاه الکتریکی
او شستشو
او وسیلهٔ خانگی
ان *Washing machine*

ماشین مدل‌کشی سیمی

اع۱ ماشین شکل‌دهی سیم
اع۲ ماشین شکل‌دهی فلز
اع۳ ماشین‌آلات
او مدل‌کشی سیمی
او نورد سیم‌سازی
ان *Wire drawing machine*

ماشین موازنه

اع۱ ماشین‌آلات
او موازنه
ان *Balancing machine*

ماکرو

اع۱ نرم‌افزار رایانه
او برنامه‌نویسی رایانه
او زیربرنامه
ان *Macro*

مالتوز

ب‌ج *قند مالت*
اع۱ قند
اع۲ کربوهیدرات
اع۳ ترکیبات آلی
ان *Maltose*

مالش

ب‌ک اصطکاک

مالکیت معنوی

ب‌ج *ویژگی صنعتی*
اخ۱ ثبت اختراع و اختراع
اخ۱ حق تالیف
اخ۱ علامت تجارتی
او قانون و قانونگزاری
ان *Intellectual property*

مالیات

ب‌ک مالیات‌بندی

مالیات‌بندی

ب‌ج *مالیات*
ب‌ج *مالیات شرکتی*
ب‌ج *وضع مالیات*
اع۱ امور مالی
او دستمزد و هزینه
او سیاست عمومی
ان *Taxation*

مالیات شرکتی

ب‌ک مالیات‌بندی

ماموریت قمری

ب‌ج *اکتشاف قمری*
او سفر فضایی
او فرود قمری
او فضاپیما
او کاوش سطحی قمری
او کره ماه
او مبنای قمری
او مدار
او مسیر
ان *Lunar mission*

مانع خوردگی

اع۱ عامل
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او حفاظت از خوردگی
ان *Corrosion inhibitor*

مانع هوایی

او تهویه مطبوع
او در
او کنترل آب‌وهوا
ان *Air curtain*

مانع‌یاب

ی‌د سیستم علامت‌دهی راه آهن
اع۱ آشکارساز
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۱ سیستم علائم راه‌آهن
اع۲ سیستم علائم
اع۳ سیستم ارتباطی
اع۲ کارخانه و ساختمان تجهیزات راه‌آهن
اع۳ تسهیلات
اع۳ راه‌آهن
ان *Obstacle detector*

مانیتور(رایانه)

ب‌ک نمایشگر رایانه

ماهواره

ب‌ج *قمر مصنوعی*
ب‌ج *ماهواره بادشونده*
اع۱ فضاپیما
اع۲ وسیله نقلیه
اخ۱ رصدخانه ماهواره‌ای
اخ۲ ماهواره نجومی
اخ۱ ماهواره زمین‌ساکن
اخ۱ ماهواره زمین‌سنجی
اخ۱ ماهواره مخابراتی
اخ۱ ماهواره نظامی
اخ۱ ماهواره هواشناسی
اخ۱ نیروگاه خورشیدی دوار
او اتصال ماهواره‌ای
او اشغال مسیر حرکت ماهواره
او انتقال مداری
او ایستگاه زمینی ماهواره
او بازگشت(فضانوردی)
او برخورد شهاب
او پرتاب
او تجهیزات دورسنجی
او چتر نجات
او دورسنجی
او ردیابی(مکان)
او سیستم ارتباطی ماهواره‌ای
او سیستم ناوبری
او شبیه‌ساز ماهواره
او فرایند خردگرانی
او فضاپیمای بین‌سیاره‌ای
او مدار
او مساله گرما
او مسیر
او ناوبری
او ناوبری کمکی ماهواره

ان *Satellite*

ماهواره بادشونده

ب‌ک تجهیزات بادشونده

ب‌ک ماهواره

ماهواره تدافعی

ب‌ک ماهواره نظامی

ماهواره زمین‌ساکن

اع۱ ماهواره

اع۲ فضاپیما

اع۳ وسیله نقلیه

او ماهواره مخابراتی

ان *Geostationary satellite*

ماهواره زمین‌سنجی

اع۱ ماهواره

اع۲ فضاپیما

اع۳ وسیله نقلیه

او زمین‌سنجی

ان *Geodetic satellite*

ماهواره مخابراتی

اع۱ تجهیزات مخابراتی

اع۲ تجهیزات الکترونیکی

اع۳ تجهیزات

اع۱ ماهواره

اع۲ فضاپیما

اع۳ وسیله نقلیه

او سیستم رله ماهواره

او فرستنده تلویزیونی هوابرد

او ماهواره زمین‌ساکن

ان *Communication satellite*

ماهواره نجومی

اع۱ رصدخانه ماهواره‌ای

اع۲ رصدخانه فضاپیما

اع۳ رصدخانه

اع۳ فضاپیما

اع۲ ماهواره

اع۳ فضاپیما

او اخترشناسی

او تلسکوپ هوابرد

ان *Astronomical satellite*

ماهواره نظامی

ب‌ج *ماهواره تدافعی*

اع۱ تجهیزات نظامی

اع۲ تجهیزات

اع۱ ماهواره

اع۲ فضاپیما

اع۳ وسیله نقلیه

او ارتباطات نظامی

ان *Military satellite*

ماهواره هواشناسی

اع۱ ماهواره

اع۲ فضاپیما

اع۳ وسیله نقلیه

او پیش‌بینی هوا

او سنج‌افزار هواشناسی

او موشک گمانه‌زنی

ان *Weather satellite*

ماهیچه‌زنی

اع۱ فرایند ریخته‌گری

ان *Coremaking*

ماهی‌رو

ب‌ج *نردبان ماهی*

اع۱ سد

اع۲ سازه آبی

اع۳ سازه

ان *Fishway*

مایع

ی‌د یک اصطلاح خیلی عام است. ترجیحا ماده خاصی را به کار برید.

اع۱ سیال

اع۲ مواد

اخ۱ شکر مایع

اخ۱ فلز مذاب

اخ۱ گاز مایع

اخ۲ گاز طبیعی مایع

اخ۲ گاز نفتی مایع

اخ۲ متان مایع

اخ۲ هلیم ابرسیال

اخ۱ مایع برودتی

اخ۱ مایع جوشان
اخ۲ جوشش هسته‌ای
اخ۱ مایع غیرنیوتنی
اخ۱ مایع نیم‌رسانا
اخ۱ مایع نیوتنی
اخ۱ محلول
اخ۲ محلول آبکاری برقی
اخ۲ محلول ضدیخ
اخ۱ مواد مذاب
او آب
او اتم‌سازی
او امولسیون‌شکنی
او انجماد
او پخش گرمایی در مایعات
او پخشیدگی در مایع
او تراکم‌پذیری مایع
او تراوش(سیال)
او تشکیل حباب
او جرقه‌زنی الکتریکی مایعات
او چگالی مایع
او حباب(در سیال)
او درخشایی محلول و مایع
او رسانایی الکتریکی مایعات
او رسانندگی گرمایی مایعات
او شارش سیال
او کسر حجمی
او کشش سطحی
او کلسترول
او کنترل کف
او گرانروی مایعات
او گرمای ویژه مایعات
او لیزر مایع
او معادله حالت مایع
او مکانیک‌سیالات
او موج مایع
او هیدرودینامیک
او ویژگی دی‌الکتریکی مایع
او یونش مایع
ان *Liquid*

مایعات بدن

اع۱ مواد زیست‌شناختی
اع۲ مواد
اخ۱ خون
او زیست‌شیمی
ان *Body fluids*

مایع برودتی

اع۱ مایع
اع۲ سیال
اع۳ مواد
او سرمایش‌شناسی
ان *Cryogenic liquid*

مایع جوشان

ب‌ج جوشش
اع۱ مایع
اع۲ سیال
اع۳ مواد
اخ۱ جوشش هسته‌ای
او انتقال گرما
او تبخیر
ان *Boiling liquid*

مایع‌شدگی خاک

اع۱ میعان
او پایداری شیب
او خاک
او زمین‌لغزه
او نشین سازه
ان *Soil liquefaction*

مایع غیرنیوتنی

اع۱ مایع
اع۲ سیال
اع۳ مواد
او جریان غیرنیوتنی
او سل
او سیال‌شناسی
او کلوئید
او گرانروی
ان *Non Newtonian liquid*

مایع‌کن

ب‌ک خنک‌کن(مایع‌کن)

مایع نیم‌رسانا

اع۱ مایع
اع۲ سیال
اع۳ مواد
اع۱ مواد نیم‌رسانا

اع۲ مواد
او رسانایی الکتریکی مایعات
ان *Semiconducting liquid*

مایع نیوتنی

اع۱ مایع
اع۲ سیال
اع۳ مواد
او جریان نیوتنی
ان *Newtonian liquid*

مبادله‌کن گرما

اع۱ تجهیزات
اخ۱ برج سرمایش
اخ۲ برج سرمایش آبی
اخ۱ پیش‌گرم‌کن
اخ۱ پیش‌گرم‌کن هوا
اخ۱ تابشگر
اخ۲ رادیاتور خودرو
اخ۱ سیستم تلمبه گرما
اخ۱ گرمابرگردان
اخ۱ گرماگیر
اخ۲ پره(تبدیل گرما)
اخ۱ لوله گرمارسان
او ابرگرم‌کن
او آب‌گرمکن
او انتقال گرما
او به‌کاربری گرمای بازمانده
او پیش‌گرم‌کن آب مصرفی
او تجهیزات گرمایش
او چگالنده بخار
او خنک‌کن(مایع‌کن)
او سیستم سرمایش
او لوله(اجزا)
او مولد بخار
ان *Heat exchanger*

مبدل اسباب الکتریکی

بج *مبدل جریان*
بج *مبدل دستگاه*
اع۱ اجزای سنج‌افزار
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۱ مبدل الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
ان *Electric instrument transformer*

مبدل الکتریکی

بج *ترانسفورماتور*
اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ خودمبدل الکتریکی
اخ۱ سیم‌پیچ مبدل
اخ۱ عایق‌کاری مبدل الکتریکی
اخ۱ مبدل اسباب الکتریکی
اخ۱ مبدل بسامد بالا
اخ۱ مبدل تپ
اخ۱ مبدل جریان مستقیم
اخ۱ مبدل روغنی
اخ۱ مدار مغناطیسی مبدل
او اتلاف الکتریکی
او آزمایش مبدل الکتریکی
او القاگر الکتریکی
او ایستگاه فرعی مبدل
او بار مبدل الکتریکی
او پیچه الکتریکی
او تجهیزات رادیویی
او تخلیه هاله‌ای
او تقویت‌کننده(الکترونیکی)
او کنترل ولتاژ
او محافظت مبدل
او مدار منبع تغذیه
او موج برخورد الکتریکی
او هسته مغناطیسی
ان *Electric transformer*

مبدل بسامد بالا

اع۱ مبدل الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
ان *High frequency transformer*

مبدل تپ

اع۱ مبدل الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
ان *Pulse transformer*

مبدل تصویر

اع۱ لامپ پرتو کاتدی
اع۲ لامپ گرمایونی
اع۳ لامپ الکترونی
اخ۱ تقویت‌کننده تصویر(لامپ الکترونی)
او حس‌گر تصویر
ان *Image converter*

مبدل تناسبی منفی
ب‌ک تبدیلگر پاگیری منفی

مبدل جریان
ب‌ک مبدل اسباب الکتریکی

مبدل جریان مستقیم
اع۱ مبدل الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
ان *DC transformer*

مبدل خلاء
اع۱ تراگذار فشاری
اع۲ تراگذار
اع۳ تجهیزات
او کاربرد خلاء
ان *Vacuum transducer*

مبدل دستگاه
ب‌ک مبدل اسباب الکتریکی

مبدل رمز
اع۱ سخت‌افزار رایانه
اع۲ رایانه
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او داده‌پردازی
او رمز(نماد)
او مخابرات
او نظریه اطلاعات
ان *Code converter*

مبدل روغنی
بج *مبدل عایق‌شدهٔ با روغن*
اع۱ مبدل الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
او روغن عایق
ان *Oil filled transformer*

مبدل عایق‌شده با روغن
ب‌ک مبدل روغنی

مبدل فراصوتی
اع۱ ابزار فراصوتی
اع۲ ابزار صوتی
اع۳ تجهیزات صوتی
اع۲ تجهیزات فراصوتی
اع۳ تجهیزات صوتی
اع۱ تراگذار صوتی
اع۲ ابزار صوتی
اع۳ تجهیزات صوتی
اع۲ تراگذار
اع۳ تجهیزات
او ابزار پیزوالکتریکی
او ابزار صوتی ریزموج
ان *Ultrasonic transducer*

مبدل کاتالیزوری
اع۱ موتور درون‌سوز
اع۲ ماشین گرمایی
اع۳ موتور(با منبع انرژی درونی)
او تجهیزات کنترل آلودگی هوا
او کاتالیز
او کاتالیزور
ان *Catalytic converter*

مبدل گشتاور نیرو
اع۱ محرک
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
اع۳ ماشین‌آلات
اخ۱ گشتاورزای مکانیکی
اخ۱ مبدل گشتاور هیدرولیکی
او ابزار کنترل نهایی غیرالکتریکی
او تبدیلگر توان
او جعبه‌دنده
او جعبه‌دنده وسیله نقلیه
او کنترل گشتاور نیرو
او گشتاور نیرو
ان *Torque converter*

مبدل گشتاور هیدرودینامیکی
ب‌ک مبدل گشتاور هیدرولیکی

مبدل گشتاور هیدرولیکی
ب‌ج *مبدل گشتاور هیدرودینامیکی*
اع۱ مبدل گشتاور نیرو
اع۲ محرک
اع۳ اجزای ماشین
اع۱ محرک هیدرولیکی
اع۲ ماشین‌آلات هیدرولیکی
اع۳ ماشین‌آلات
اع۲ محرک
اع۳ اجزای ماشین
او ماشین‌آلات توربو
ان *Hydraulic torque converter*

مبدل مغناطوهیدرودینامیک
ب‌ج *مولد مغناطوهیدرودینامیک*
اع۱ تبدیلگر مستقیم انرژی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
او ابزار پلاسما
او تولید نیروی مغناطوهیدرودینامیک
او مغناطوهیدرودینامیک
او نیروگاه مغناطوهیدرودینامیک
ان *Magnetohydrodynamic converter*

مبدل موجبر
اع۱ اجزای موجبر
اع۲ اجزا
اع۲ موجبر
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
ان *Waveguide transformer*

مبلمان خودرو
اع۱ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۲ خودرو
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
ان *Automobile furnishings*

مبنای قمری
اع۱ تسهیلات
او اتصال ارتباطی برون‌زمینی
او ایستگاه فضایی
او سفر فضایی
او فرود قمری
او کاربرد فضایی
او کره ماه
او ماموریت قمری
ان *Moon base*

متابولیت
ب‌ک ماحصل سوخت و ساز

متابولیسم
ب‌ک سوخت و ساز

متالورژی
اع۱ پالایش فلز
اع۲ پالایش آلومینیوم
اع۲ پالایش سرب
اع۲ پالایش طلا
اع۲ پالایش قلع
اع۲ پالایش نقره
اع۲ پالایش نیکل
اع۲ پالایش نیوبیم
اع۲ تصفیه روی
اع۱ تخلیه فلز مذاب(کوره)
اع۱ تف‌متالورژی
اع۱ ذوب فلز
اع۲ ذوب با باریکهٔ الکترون
اع۲ ذوب با قوس پلاسما
اع۲ ذوب بستر سیال
اع۲ ذوب تعلیقی
اع۲ ذوب مجدد
اع۲ ذوب منطقه‌ای
اع۱ ریخته‌گری فلز
اع۲ ریخته‌گری با قالب دائم
اع۳ ریخته‌گری فشاری
اع۲ ریخته‌گری بسته
اع۲ ریخته‌گری پیوسته
اع۲ ریخته‌گری در قالب پوسته‌ای
اع۲ ریخته‌گری دقیق
اع۲ ریخته‌گری گرانی صفر
اع۲ سرچکیده‌گیری داغ
اع۲ فرایند سدیم سیلیکات
اع۲ فرایند شاو

اخ۲	فرایند کربن دی‌اکسید
اخ۲	مذاب‌ریزی فشاری
اخ۱	فلزکاری آهن
اخ۲	کارگاه ریخته‌گری آهن
اخ۳	کارگاه ریخته‌گری آهن چکش‌خور
اخ۲	متالورژی پودر آهن
اخ۱	فلزکاری ژرمانیم
اخ۱	فلزکاری طلا
اخ۲	پالایش طلا
اخ۱	متالورژی آلومینیوم
اخ۲	پالایش آلومینیوم
اخ۲	فرایند ریخته‌گری آلومینیم
اخ۲	متالورژی پودر آلومینیوم
اخ۱	متالورژی آنتیموان
اخ۱	متالورژی استخراجی
اخ۲	آب‌متالورژی
اخ۲	متالورژی برقی
اخ۱	متالورژی اورانیم
اخ۲	متالورژی پودر اورانیم
اخ۱	متالورژی ایندیم
اخ۱	متالورژی بریلیم
اخ۲	متالورژی پودر بریلیم
اخ۱	متالورژی بیسموت
اخ۱	متالورژی پاتیلی
اخ۱	متالورژی پودر
اخ۲	متالورژی پودر آلومینیوم
اخ۲	متالورژی پودر آهن
اخ۲	متالورژی پودر اورانیم
اخ۲	متالورژی پودر بریلیم
اخ۲	متالورژی پودر تانتال
اخ۲	متالورژی پودر تنگستن
اخ۲	متالورژی پودر توریم
اخ۲	متالورژی پودر تیتانیم
اخ۲	متالورژی پودر روی
اخ۲	متالورژی پودر زیرکونیم
اخ۲	متالورژی پودر سرب
اخ۲	متالورژی پودر فولاد
اخ۲	متالورژی پودر قلع
اخ۲	متالورژی پودر کبالت
اخ۲	متالورژی پودر کروم
اخ۲	متالورژی پودر مس
اخ۲	متالورژی پودر منیزیم
اخ۲	متالورژی پودر مولیبدن
اخ۲	متالورژی پودر نقره
اخ۲	متالورژی پودر نیکل
اخ۲	متالورژی پودر نیوبیم
اخ۱	متالورژی تنگستن
اخ۲	متالورژی پودر تنگستن
اخ۱	متالورژی تیتانیم
اخ۲	متالورژی پودر تیتانیم
اخ۱	متالورژی روی
اخ۲	فرایند ریخته‌گری روی
اخ۲	متالورژی پودر روی
اخ۱	متالورژی زیرکونیم
اخ۲	متالورژی پودر زیرکونیم
اخ۱	متالورژی سرب
اخ۲	فرایند ریخته‌گری سرب
اخ۲	متالورژی پودر سرب
اخ۱	متالورژی فولاد
اخ۲	فرایند ریخته‌گری فولاد
اخ۲	فولادسازی
اخ۳	فرایند احیای مستقیم
اخ۳	فرایند اکسیژن قلیایی
اخ۳	فرایند بسمر
اخ۳	فرایند روباز
اخ۳	فرایند ریخته‌گری الکتریکی
اخ۳	فولادسازی بادی
اخ۲	متالورژی پودر فولاد
اخ۱	متالورژی قلع
اخ۲	متالورژی پودر قلع
اخ۱	متالورژی کادمیم
اخ۱	متالورژی کبالت
اخ۲	متالورژی پودر کبالت
اخ۱	متالورژی کروم
اخ۲	متالورژی پودر کروم
اخ۱	متالورژی مس
اخ۲	پالایش مس
اخ۲	فرایند ریخته‌گری مس
اخ۲	متالورژی پودر مس
اخ۱	متالورژی منگنز
اخ۱	متالورژی منیزیم
اخ۲	فرایند ریخته‌گری منیزیم
اخ۲	متالورژی پودر منیزیم
اخ۱	متالورژی مولیبدن
اخ۲	متالورژی پودر مولیبدن
اخ۱	متالورژی نقره
اخ۲	متالورژی پودر نقره
اخ۱	متالورژی نیکل
اخ۲	متالورژی پودر نیکل
اخ۱	متالورژی نیوبیم
اخ۲	متالورژی پودر نیوبیم
اخ۱	متالورژی وانادیم

اخ۱ مقاوم‌سازی(فلز)
او اضافات خاک کمیاب
او آلیاژسازی
او آنالیز فلز
او پیرسختی
او جوش
او زمان‌دهی مصالح
او شیمی‌فیزیک
او عملیات حرارتی
او عملیات سطحی
او فرایند ریخته‌گری
او فلزتراشی
او فلزکاری
او کک متالورژی
او گداز
او ماشین‌کاری
او نمودار فازی
ان *Metallurgy*

متالورژی آلومینیوم

اع۱ متالورژی
اخ۱ پالایش آلومینیوم
اخ۱ فرایند ریخته‌گری آلومینیم
اخ۱ متالورژی پودر آلومینیوم
او آلومینیوم
او عمل‌آوری کان‌سنگ بوکسیت
او فلزنگاری آلومینیوم
او کارخانه آلومینیوم
ان *Aluminum metallurgy*

متالورژی آنتیموان

اع۱ متالورژی
او آنتیموان
او عمل‌آوری کان‌سنگ آنتیموان
ان *Antimony metallurgy*

متالورژی استخراجی

اع۱ متالورژی
اخ۱ آب‌متالورژی
اخ۱ متالورژی برقی
او پالایش فلز
او عمل‌آوری کان‌سنگ
او کاهش
ان *Extractive metallurgy*

متالورژی اورانیم

اع۱ متالورژی
اخ۱ متالورژی پودر اورانیم
او اورانیم
او عمل‌آوری کان‌سنگ اورانیم
او فلزنگاری اورانیم
ان *Uranium metallurgy*

متالورژی ایندیم

اع۱ متالورژی
او ایندیم
او فلزنگاری ایندیم
ان *Indium metallurgy*

متالورژی برقی

اع۱ متالورژی استخراجی
اع۲ متالورژی
او برق‌کافت
ان *Electrometallurgy*

متالورژی بریلیم

اع۱ متالورژی
اخ۱ متالورژی پودر بریلیم
او بریلیم
او عمل‌آوری کان‌سنگ بریلیم
او فلزنگاری بریلیم
ان *Beryllium metallurgy*

متالورژی بیسموت

اع۱ متالورژی
او بیسموت
او عمل‌آوری کان‌سنگ بیسموت
او فلزنگاری بیسموت
ان *Bismuth metallurgy*

متالورژی پاتیلی

اع۱ متالورژی
او فولادسازی
ان *Ladle metallurgy*

متالورژی پودر

ب‌ج *متالورژی پودر سیلیسیم*
اع۱ متالورژی
اخ۱ متالورژی پودر آلومینیوم

اع۱ متالورژی پودر آهن
اع۱ متالورژی پودر اورانیم
اع۱ متالورژی پودر بریلیم
اع۱ متالورژی پودر تانتال
اع۱ متالورژی پودر تنگستن
اع۱ متالورژی پودر توریم
اع۱ متالورژی پودر تیتانیم
اع۱ متالورژی پودر روی
اع۱ متالورژی پودر زیرکونیم
اع۱ متالورژی پودر سرب
اع۱ متالورژی پودر فولاد
اع۱ متالورژی پودر قلع
اع۱ متالورژی پودر کبالت
اع۱ متالورژی پودر کروم
اع۱ متالورژی پودر مس
اع۱ متالورژی پودر منیزیم
اع۱ متالورژی پودر مولیبدن
اع۱ متالورژی پودر نقره
اع۱ متالورژی پودر نیکل
اع۱ متالورژی پودر نیوبیم
او آلیاژسازی مکانیکی
او پرس‌کاری آب‌ایستایی
او پرس‌کاری داغ
او پرس‌کاری همفشار داغ
او پودر آهن
او پودر فلز
او پودر مس
او پودر منیزیم
او پیرسختی
او جامدسازی سریع
او خطر آتش‌سوزی
او سرمت
او فراورده فلزی پودری
او کلوخه‌سازی
او گندله‌سازی
او مواد منفجره
ان *Powder metallurgy*

متالورژی پودر آلومینیوم

اع۱ متالورژی آلومینیوم
اع۲ متالورژی
اع۱ متالورژی پودر
اع۲ متالورژی
ان *Aluminum powder metallurgy*

متالورژی پودر آهن

اع۱ فلزکاری آهن
اع۲ متالورژی
اع۱ متالورژی پودر
اع۲ متالورژی
او متالورژی پودر فولاد
ان *Iron powder metallurgy*

متالورژی پودر اورانیم

اع۱ متالورژی اورانیم
اع۲ متالورژی
اع۱ متالورژی پودر
اع۲ متالورژی
ان *Uranium powder metallurgy*

متالورژی پودر بریلیم

اع۱ متالورژی بریلیم
اع۲ متالورژی
اع۱ متالورژی پودر
اع۲ متالورژی
ان *Beryllium powder metallurgy*

متالورژی پودر تانتال

اع۱ متالورژی پودر
اع۲ متالورژی
او تانتال
ان *Tantalum powder metallurgy*

متالورژی پودر تنگستن

اع۱ متالورژی پودر
اع۲ متالورژی
اع۱ متالورژی تنگستن
اع۲ متالورژی
ان *Tungsten powder metallurgy*

متالورژی پودر توریم

اع۱ متالورژی پودر
اع۲ متالورژی
ان *Thorium powder metallurgy*

متالورژی پودر تیتانیم

اع۱ متالورژی پودر
اع۲ متالورژی
اع۱ متالورژی تیتانیم

اع۲ متالورژی
ان *Titanium powder metallurgy*

متالورژی پودر روی
اع۱ متالورژی پودر
اع۲ متالورژی
اع۱ متالورژی روی
اع۲ متالورژی
ان *Zinc powder metallurgy*

متالورژی پودر زیرکونیم
اع۱ متالورژی پودر
اع۲ متالورژی
اع۱ متالورژی زیرکونیم
اع۲ متالورژی
ان *Zirconium powder metallurgy*

متالورژی پودر سرب
اع۱ متالورژی پودر
اع۲ متالورژی
اع۱ متالورژی سرب
اع۲ متالورژی
ان *Lead powder metallurgy*

متالورژی پودر سیلیسیم
ب‌ک سیلیسیم
ب‌ک متالورژی پودر

متالورژی پودر فولاد
اع۱ متالورژی پودر
اع۲ متالورژی
اع۱ متالورژی فولاد
اع۲ متالورژی
او امتالورژی پودر آهن
ان *Steel powder metallurgy*

متالورژی پودر قلع
اع۱ متالورژی پودر
اع۲ متالورژی
اع۱ متالورژی قلع
اع۲ متالورژی
ان *Tin powder metallurgy*

متالورژی پودر کبالت
اع۱ متالورژی پودر
اع۲ متالورژی
اع۱ متالورژی کبالت
اع۲ متالورژی
ان *Cobalt powder metallurgy*

متالورژی پودر کروم
اع۱ متالورژی پودر
اع۲ متالورژی
اع۱ متالورژی کروم
اع۲ متالورژی
ان *Chromium powder metallurgy*

متالورژی پودر مس
اع۱ متالورژی پودر
اع۲ متالورژی
اع۱ متالورژی مس
اع۲ متالورژی
ان *Copper powder metallurgy*

متالورژی پودر منیزیم
اع۱ متالورژی پودر
اع۲ متالورژی
اع۱ متالورژی منیزیم
اع۲ متالورژی
اع۲ منیزیم
اع۳ فلز قلیایی خاکی
ان *Magnesium powder metallurgy*

متالورژی پودر مولیبدن
اع۱ متالورژی پودر
اع۲ متالورژی
اع۱ متالورژی مولیبدن
اع۲ متالورژی
ان *Molybdenum powder metallurgy*

متالورژی پودر نقره
اع۱ متالورژی پودر
اع۲ متالورژی
اع۱ متالورژی نقره
اع۲ متالورژی
ان *Silver powder metallurgy*

متالورژی پودر نیکل

اع۱ متالورژی پودر
اع۲ متالورژی
اع۱ متالورژی نیکل
اع۲ متالورژی
ان *Nickel powder metallurgy*

متالورژی پودر نیوبیم
اع۱ متالورژی پودر
اع۲ متالورژی
اع۱ متالورژی نیوبیم
اع۲ متالورژی
ان *Niobium powder metallurgy*

متالورژی تنگستن
اع۱ متالورژی
اخ۱ متالورژی پودر تنگستن
او تنگستن
او عمل‌آوری کان‌سنگ تنگستن
او فلزنگاری تنگستن
ان *Tungsten metallurgy*

متالورژی تیتانیم
اع۱ متالورژی
اخ۱ متالورژی پودر تیتانیم
او تیتانیم
او عمل‌آوری کان‌سنگ تیتانیم
او فلزنگاری تیتانیم
ان *Titanium metallurgy*

متالورژی روی
اع۱ متالورژی
اخ۱ فرایند ریخته‌گری روی
اخ۱ متالورژی پودر روی
او روی‌گدازی
او عمل‌آوری کان‌سنگ روی
او فلزنگاری روی
ان *Zinc metallurgy*

متالورژی زیرکونیم
اع۱ متالورژی
اخ۱ متالورژی پودر زیرکونیم
او زیرکونیم
او عمل‌آوری کان‌سنگ زیرکونیم
او فلزنگاری زیرکونیم
ان *Zirconium metallurgy*

متالورژی سرب
اع۱ متالورژی
اخ۱ فرایند ریخته‌گری سرب
اخ۱ متالورژی پودر سرب
او خیساندن
او سرب
او عمل‌آوری کان‌سنگ سرب
او فلزنگاری سرب
او گداز سرب
ان *Lead metallurgy*

متالورژی فولاد
اع۱ متالورژی
اخ۱ فرایند ریخته‌گری فولاد
اخ۱ فولادسازی
اخ۲ فرایند احیای مستقیم
اخ۲ فرایند اکسیژن قلیایی
اخ۳ فولادسازی افشانه‌ای
اخ۲ فرایند بسمر
اخ۲ فرایند روباز
اخ۲ فرایند ریخته‌گری الکتریکی
اخ۲ فولادسازی بادی
اخ۱ متالورژی پودر فولاد
او فلزکاری آهن
او فلزنگاری فولاد
او فولاد
او کارخانه ذوب آهن
ان *Steel metallurgy*

متالورژی قلع
اع۱ متالورژی
اخ۱ متالورژی پودر قلع
او عمل‌آوری کان‌سنگ قلع
او فلزنگاری قلع
او قلع
او گداز قلع
ان *Tin metallurgy*

متالورژی کادمیم
اع۱ متالورژی
او عمل‌آوری کان‌سنگ کادمیم
او فلزنگاری کادمیم
او کادمیم

ان *Cadmium metallurgy*

متالورژی کبالت

اع۱ متالورژی
اخ۱ متالورژی پودر کبالت
او عمل‌آوری کان‌سنگ کبالت
او فلزنگاری کبالت
او کبالت
ان *Cobalt metallurgy*

متالورژی کروم

اع۱ متالورژی
اخ۱ متالورژی پودر کروم
او عمل‌آوری کان‌سنگ کروم
او فلزنگاری کروم
او کروم
ان *Chromium metallurgy*

متالورژی مس

اع۱ متالورژی
اخ۱ پالایش مس
اخ۱ فرایند ریخته‌گری مس
اخ۱ متالورژی پودر مس
او عمل‌آوری کان‌سنگ مس
او فلزنگاری مس
او گداز مس
او مس
ان *Copper metallurgy*

متالورژی منگنز

اع۱ متالورژی
او عمل‌آوری کان‌سنگ منگنز
او فلزنگاری منگنز
او منگنز
ان *Manganese metallurgy*

متالورژی منیزیم

اع۱ متالورژی
اع۱ منیزیم
اع۲ فلز قلیایی خاکی
اع۳ فلز غیرآهنی
اخ۱ فرایند ریخته‌گری منیزیم
اخ۱ متالورژی پودر منیزیم
او ساختارشناسی منیزیم
او عمل‌آوری کان‌سنگ منیزیت
او قطعه ریختگی منیزیمی
او منیزیم
ان *Magnesium metallurgy*

متالورژی مولیبدن

اع۱ متالورژی
اخ۱ متالورژی پودر مولیبدن
او عمل‌آوری کان‌سنگ مولیبدن
او فلزنگاری مولیبدن
او مولیبدن
ان *Molybdenum metallurgy*

متالورژی نقره

اع۱ متالورژی
اخ۱ متالورژی پودر نقره
او عمل‌آوری کان‌سنگ نقره
او فلزنگاری نقره
او نقره
ان *Silver metallurgy*

متالورژی نیکل

اع۱ متالورژی
اخ۱ متالورژی پودر نیکل
او پالایش نیکل
او عمل‌آوری کان‌سنگ نیکل
او فلزنگاری نیکل
او گداز نیکل
او نیکل
ان *Nickel metallurgy*

متالورژی نیوبیم

اع۱ متالورژی
اخ۱ متالورژی پودر نیوبیم
او پالایش نیوبیم
او عمل‌آوری کان‌سنگ نیوبیم
او فلزنگاری نیوبیم
او نیوبیم
ان *Niobium metallurgy*

متالورژی وانادیم

اع۱ متالورژی
او عمل‌آوری کان‌سنگ وانادیم
او فلزنگاری وانادیم

او وانادیم
ان *Vanadium metallurgy*

متامغناطیس
اع۱ مغناطیس
او پادفرومغناطیس
او فرومغناطیس
او مواد مغناطیسی
ان *Metamagnetism*

متان
اع۱ هیدروکربن
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ متان مایع
او بیوگاز
او پارافین
او گاز زغال
او گاز طبیعی
او متان‌زا
او متان‌سازی
ان *Methane*

متان‌زا
پ‌ج *متانوژن*
اع۱ میکروارگانیسم
او باکتری
او تخمیر
او متان
ان *Methanogen*

متان‌سازی
اع۱ واکنش شیمیایی
او تولید گاز سنتز
او گاز سنتز
او گازکردن زغال‌سنگ
او متان
ان *Methanation*

متان مایع
اع۱ گاز مایع
اع۲ مایع
اع۳ سیال
اع۱ متان
اع۲ هیدروکربن
اع۳ ترکیبات آلی
او گاز طبیعی مایع
ان *Liquid methane*

متانوژن
پ‌ک متان‌زا

متانول
پ‌ج *الکل چوب*
پ‌ج *متیل الکل*
اع۱ الکل
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او حلال
او حلال آلی
او سوخت متانولی
او گازول
ان *Methanol*

متراکم‌ساز جریان گاز
پ‌ک گازسنج

متراکم‌سازی داده‌ها
اع۱ پردازش سیگنال
اع۱ داده‌پردازی
اخ۱ تراکم تصویر
اخ۲ کوانتش برداری
او نظریه اطلاعات
ان *Data compression*

متراکم‌شدگی
او تحکیم
او خشته‌سازی
او فشرده‌سازی
او گردایش
او گندله‌سازی
ان *Densification*

مترجم برنامه
اع۱ پردازشگر برنامه
اع۲ نرم‌افزار رایانه
او برنامه‌نویسی سیستم رایانه
ان *Program translator*

مترو

اع۱	راه‌آهن
اخ۱	ایستگاه مترو
اخ۱	سیستم علائم مترو
او	برنامه‌ریزی شهری
او	ترابری انبوه
او	تندگذری
او	راه‌آهن برقی
او	گذر ریلی سبک
او	واگن مترو
ان	*Subway*

متعلقات لوله

اع۱	لوله
اع۲	اجزا
ان	*Pipe fittings*

متغیر مکانیکی

ب‌ک	ویژگی مکانیکی

متل

اع۱	مسکن
اع۲	ساختمان
اع۳	سازه
او	سیستم ذخیره جا
او	هتل
ان	*Motel*

متمرکزکننده(مخابرات)

ب‌ک	تجهیزات همتافتگری

متمرکزکننده انرژی خورشیدی

ب‌ک	متمرکزکننده خورشیدی

متمرکزکننده خورشیدی

ب‌چ	*متمرکزکننده انرژی خورشیدی*
اع۱	تجهیزات خورشیدی
اع۲	تجهیزات
او	تابش خورشیدی
ان	*Solar concentrator*

متناوب ساز(مولد)

ب‌ک	مولد همگام

متن‌نما

ب‌چ	*پیام‌نما*
اع۱	خدمات مخابراتی
اع۲	مخابرات
اع۳	ارتباط
او	اشاعه اطلاعات
او	خدمات اطلاعاتی
او	خودکارسازی اداره
او	سیستم ارتباط داده‌ای
او	سیستم تلفن
او	کاربرد تلویزیون
ان	*Videotex*

مته

اع۱	ابزار تراش
اع۲	ابزار
اع۳	تجهیزات
اع۲	تجهیزات برش
اع۳	تجهیزات
اخ۱	دریل هیدرولیکی
اخ۱	دستگاه حفاری چاه نفت
اخ۱	مته الکتریکی
اخ۱	مته الماسی
اخ۱	مته بادی
اخ۱	مته توربینی
اخ۱	مته سنگ‌شکن
اخ۱	مته معدن‌کاری
او	حفاری
او	حفاری چاه
او	سرمته
او	لوله حفاری
او	مته معدن‌کاری
ان	*Drill*

مته الکتریکی

اع۱	مته
اع۲	ابزار تراش
اع۳	ابزار
اع۳	تجهیزات برش
ان	*Electric drill*

مته الماسی

اع۱	ابزار تراش الماسه
اع۲	ابزار تراش
اع۳	ابزار

اع۳ تجهیزات برش
اع۱ مته
اع۲ ابزار تراش
اع۳ ابزار
اع۳ تجهیزات برش
او حفاری الماسه
ان *Diamond drill*

مته بادی

اع۱ تجهیزات بادی
اع۲ تجهیزات
اع۱ مته
اع۲ ابزار تراش
اع۳ ابزار
اع۳ تجهیزات برش
ان *Pneumatic drill*

مته توربینی

اع۱ ماشین‌آلات توربو
اع۲ ماشین‌آلات
اع۱ مته
اع۲ ابزار تراش
اع۳ ابزار
اع۳ تجهیزات برش
او توربین
او حفاری
او دستگاه حفاری چاه نفت
ان *Turbodrill*

مته سنگ‌شکن

اع۱ مته
اع۲ ابزار تراش
اع۳ ابزار
اع۳ تجهیزات برش
او ارتعاش(مکانیکی)
او تجهیزات حفاری
او سنگ
او مته‌کاری سنگ
ان *Rock drill*

مته‌کاری سنگ

اع۱ حفاری
او حفاری انفجاری
او حفاری جهشی
او حفاری چاه
او حفاری زیرآبی
او گل حفاری
او ماشین حفاری زمین
او مته سنگ‌شکن
او محیط دورانی
ان *Rock drilling*

مته معدن‌کاری

اع۱ ماشین‌آلات معدن‌کاری
اع۲ تجهیزات معدن‌کاری
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
اع۱ مته
اع۲ ابزار تراش
اع۳ ابزار
اع۳ تجهیزات برش
او چاله‌کن
او مته
ان *Mining drill*

متیل اتیلن

ب‌ک پروپیلن

متیل الکل

ب‌ک متانول

مثلث‌بندی

او بررسی
او سنج‌افزار نقشه‌برداری
او ناوبری
او نقشه‌برداری
ان *Triangulation*

مجتمع مسکونی

ب‌ک کاشانه

مجتمع‌سازی مقیاس‌بزرگ

ب‌ک مدار ال.اس.آی.

مجرا

اع۱ تجهیزات
اخ۱ مجرای تهویه
اخ۱ مجرای تهویه مطبوع
او افشان(مایع)

او انتقال گرما
او روزنه
ان *Duct*

مجرای تهویه
اع۱ مجرا
اع۲ تجهیزات
او تهویه
او روزنه تهویه
ان *Ventilation duct*

مجرای تهویه مطبوع
اع۱ مجرا
اع۲ تجهیزات
او تهویه مطبوع
ان *Air conditioning duct*

مجرای کابل
ب‌ک لوله حفاظ الکتریکی

مجموعه فازی
ب‌ج *منطق فازی*
اع۱ نظریه مجموعه‌ها
اع۲ فن ریاضی
اع۲ نظریه
او تابع عضویت
او کنترل فازی
او منطق احتمالاتی
او منطق صوری
ان *Fuzzy set*

مجموعه کاراکتر
او بازشناسی کاراکتر
او چاپ
او داده‌پردازی
ان *Character set*

محاسبات
اخ۱ محاسبات شبکه انتقال
او فن ریاضی
ان *Calculations*

محاسبات شبکه انتقال
اع۱ محاسبات
او تحلیل شبکه الکتریکی
او تحلیلگر شبکه الکتریکی
او جریان بار الکتریکی
او شبکه انتقال نیروی برق
ان *Transmission network calculations*

محاسبه‌پذیری و تصمیم‌پذیری
اع۱ منطق صوری
اع۲ نظریه محاسبه
اع۳ نظریه
او پیچیدگی محاسبه‌ای
او نظریه خودکارافزار
ان *Computability and decidability*

محاسبه روان‌شناسی
اع۱ کاربرد رایانه
اع۲ کاربرد
او داده‌پردازی
ان *Psychology computing*

محاسبه علم رفتاری
ب‌ک محاسبه علوم اجتماعی

محاسبه علمی
ب‌ک محاسبه علوم طبیعی

محاسبه علوم اجتماعی
ب‌ج *محاسبه علم رفتاری*
اع۱ کاربرد رایانه
اع۲ کاربرد
او داده‌پردازی
او علوم اجتماعی
ان *Social sciences computing*

محاسبه علوم طبیعی
ب‌ج *محاسبه علمی*
اع۱ کاربرد رایانه
اع۲ کاربرد
او تحلیل عددی
او داده‌پردازی
او علوم طبیعی
ان *Natural sciences computing*

محاسبه مقاومت در برابر خرابی

ب‌ک سیستم رایانه‌ای مقاوم در برابر خرابی

محاسبه موازی

ب‌ک سیستم پردازش موازی

محاسبه نوری

ب‌ک داده‌پردازی نوری

محافظ تابش

اع۱ حفاظ
اع۲ تجهیزات
اخ۱ حفاظ الکترومغناطیسی
اخ۲ سپر رادار
اخ۱ حفاظت واکنشگاه
اخ۱ حفاظ شتاب‌دهنده
او اثر تابش
او آسیب تابشی
او تابش
او حفاظت تابشی
ان *Radiation shielding*

محافظت از آذرخش

اع۱ حفاظت
او آذرخش
او برق‌گیر
او حفاظت موج برخورد
او محافظت تجهیزات الکتریکی
ان *Lightning protection*

محافظت الکتروموتور

ب‌ک محافظت تجهیزات الکتریکی

محافظت تجهیزات الکتریکی

بج *حفاظت مولد*
بج *محافظت الکتروموتور*
بج *محافظت ماشین‌آلات الکتریکی*
بج *نگهداری ماشین‌آلات*
اع۱ حفاظت
اخ۱ محافظت مبدل
اخ۱ هماهنگی عایق‌بندی الکتریکی
او اتصال زمین الکتریکی
او الکترود اتصال زمین
او ایستانه
او تجهیزات الکتریکی
او جرقه الکتریکی
او جریان معیوب الکتریکی
او جهش جرقه
او حفاظت از خوردگی
او حفاظت تابشی
او رله الکتریکی
او روتور(سیم‌پیچ)
او سیستم اخطار
او سیم‌پیچ ماشین
او عایق‌بندی الکتریکی
او فیوز
او کنترل ولتاژ
او محافظت از آذرخش
او مدارشکن الکتریکی
او مواد عایق‌بندی الکتریکی
او مولد الکتریکی
ان *Electric equipment protection*

محافظت سیستم نیروی برق

اع۱ حفاظت
او سیستم امنیتی
او سیستم نیروی برق
ان *Electric power system protection*

محافظت ماشین‌آلات الکتریکی

ب‌ک محافظت تجهیزات الکتریکی

محافظت مبدل

اع۱ محافظت تجهیزات الکتریکی
اع۲ حفاظت
او مبدل الکتریکی
ان *Transformer protection*

محترق‌کننده

اع۱ تجهیزات احتراق
اع۲ تجهیزات
اخ۱ کوره با بستر شاراننده
او توربین گازی
او مشعل سوختی
ان *Combustor*

محدودساز ریزموج

اع۱ ابزار ریزموج
اع۲ تجهیزات الکترونیکی

اع۳ تجهیزات
اع۱ مدار محدودساز
اع۲ شبکه(مدار)
او اجزای موجبر
او مدار ریزموج
ان *Microwave limiter*

محرک

ی‌د یک اصطلاح خیلی عام است، ترجیحا نوع خاصی از محرک یا کاربردهای آن را به کار برید. برای محرک‌هایی که وسایل نقلیه را حرکت می‌دهند، اصطلاح "پیشرانش" را به کار برید.

اع۱ اجزای ماشین
اع۲ اجزا
اع۲ ماشین‌آلات
اع۱ رانه الکتریکی
اع۱ مبدل گشتاور نیروی
اع۲ گشتاورزای مکانیکی
اع۲ مبدل گشتاور هیدرولیکی
اع۱ محرک بادی
اع۱ محرک با سرعت وردش‌پذیر
اع۱ محرک مکانیکی
اع۲ جعبه‌دنده
اع۳ جعبه‌دنده با سرعت وردش‌پذیر
اع۳ جعبه‌دنده وسیله نقلیه
اع۱ محرک هیدرولیکی
اع۲ مبدل گشتاور هیدرولیکی
او بهره‌برداری نیروی برق
او پیشرانش
او چرخ‌دنده
او کلاچ
ان *Drive*

محرک الکتریکی

اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
او آنتن
او تحریک الکتریکی
او راه‌انداز
او فرستنده
او مولد الکتریکی
ان *Electric exciter*

محرک بادی

اع۱ تجهیزات بادی
اع۲ تجهیزات
اع۱ محرک
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
اع۳ ماشین‌آلات
او پیشرانش بادی
او محرک با سرعت وردش‌پذیر
ان *Pneumatic drive*

محرک با سرعت وردش‌پذیر

اع۱ محرک
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
اع۳ ماشین‌آلات
او رانه الکتریکی
او محرک بادی
او محرک مکانیکی
او محرک هیدرولیکی
او موتور جریان متناوب
ان *Variable speed drive*

محرک ماشین‌ابزار مکانیکی
ب‌ک محرک مکانیکی

محرک مکانیکی

ب‌ج *تسمه‌ران*
ب‌ج *زنجیرکاری*
ب‌ج *محرک ماشین‌ابزار مکانیکی*
اع۱ محرک
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
اع۳ ماشین‌آلات
اخ۱ جعبه‌دنده
اخ۲ جعبه‌دنده با سرعت وردش‌پذیر
اخ۲ جعبه‌دنده وسیله نقلیه
اخ۳ جعبه‌دنده خودرو
او تسمه
او چرخ
او چرخ‌دنده
او زنجیر
او محرک با سرعت وردش‌پذیر
ان *Mechanical drive*

محرک هیدرولیکی

اع۱ ماشین‌آلات هیدرولیکی

اع۲ ماشین‌آلات
اع۱ محرک
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
اع۳ ماشین‌آلات
اخ۱ مبدل گشتاور هیدرولیکی
او پیشرانش جت هیدرولیکی
او سیال هیدرولیکی
او محرک با سرعت وردش‌پذیر
ان *Hydraulic drive*

محصورسازی پلاسما

بچ *محفظه ایمنی پلاسما*
او ابزار پلاسما
او ابزار توکامک
او اثر تنگش
او پایداری پلاسما
او پلاسما
او پوشینه پلاسمایی
او تشدید سیکلوترونی
او موج شوکی پلاسما
او میدان مغناطیسی
او نوسان پلاسما
او واکنشگاه هم‌جوشی
ان *Plasma confinement*

محصول تقطیر نفت

بچ *برش نفتی*
اع۱ مواد
اخ۱ نفتا
او سوخت
او نفت خام
ان *Petroleum distillate*

محصول زراعی

بک زراعت

محصول شکافت هسته‌ای

اع۱ مواد پرتوزا
اع۲ مواد
او پرتوزایی
او پسمانده پرتوزا
او سوخت مصرف‌شده
او واکنش شکافت هسته‌ای
او واکنشگاه هسته‌ای
ان *Fission product*

محفظه پرفشار

اع۱ تجهیزات زیست‌پزشکی
اع۲ تجهیزات
ان *Hyperbaric chamber*

محفظه احتراق

اع۱ تجهیزات احتراق
اع۲ تجهیزات
اع۱ موتور موشک
اع۲ موتور(با منبع انرژی درونی)
اع۳ ماشین‌آلات
او کوره
ان *Combustion chamber*

محفظه ایمنی

اع۱ واکنشگاه هسته‌ای
اع۲ تسهیلات
ان *Containment vessel*

محفظه ایمنی پلاسما

بک محصورسازی پلاسما

محفظه محیطی

اع۱ شبیه‌ساز
اع۲ مدل
اخ۱ شبیه‌ساز فضایی
او شبیه‌ساز ماهواره
او مهندسی محیط
ان *Environmental chamber*

محفظه میل‌لنگ

اع۱ موتور(با منبع انرژی درونی)
اع۲ ماشین‌آلات
او موتور درون‌سوز
ان *Crankcase*

محکم‌کردن پیچ

او پیچ نر
ان *Bolt tightening*

محل اتصال کابل

بک اتصال کابل

محل برخورد فضایی

او انتقال مداری
او سفر فضایی
او فضاپیما
او مدار
او مسیر
ان *Space rendezvous*

محل نشستن معلولین

اع۱ صندلی
اع۲ تجهیزات
او تجهیزات توانبخشی انسانی
او مهندسی توانبخشی انسانی
ان *Seating for disabled persons*

محلول

ب‌ج *محلول آبی*
اع۱ آمیزه
اع۲ مواد
اع۱ مایع
اع۲ سیال
اع۳ مواد
اخ۱ محلول آبکاری برقی
اخ۱ محلول ضدیخ
او ابرسیری
او استخراج
او اشباع(ترکیب مواد)
او انحلال‌پذیری
او اوتکتیک
او تبادل یونی
او تعادل فاز
او حلال
او خیساندن
او درخشایی محلول و مایع
او شستشو
او ویژگی دی‌الکتریکی مایع
ان *Solution*

محلول آبکاری برقی

اع۱ محلول
اع۲ آمیزه
اع۳ مواد
اع۲ مایع
اع۳ سیال
او آبکاری الکتریکی
ان *Electroplating solution*

محلول آبی

ب‌ک محلول

محلول جامد

اع۱ جامد
اع۲ مواد
او ابرسیری
او ابرشبکه
او آلیاژ
او آلیاژ دوتایی
او آلیاژسازی
او اوتکتیک
او جامدسازی
او زمان‌دهی مصالح
او نمودار فازی
ان *Solid solution*

محلول ضدیخ

اع۱ محلول
اع۲ آمیزه
اع۳ مواد
اع۲ مایع
اع۳ سیال
او مواد شیمیایی
ان *Antifreeze solution*

محور

اع۱ اجزا
او تکیه‌گاه
او چرخ
او چرخ وسیله نقلیه
او خط نورد راه‌آهن
او قطعات و تجهیزات خودرو
او لکوموتیو
او ماشین‌آلات خاک‌برداری
او واگن تخت(خط نورد راه‌آهن)
او واگن راه‌آهن
ان *Axle*

محور(اجزای ماشین)

اع۱ اجزای ماشین
اع۲ اجزا

اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ پیچ جلوبر
اخ۱ میل‌لنگ
او بوش
او تاب‌گیری
او جابه‌جایی محور
او هزارخار
ان *Shaft (machine components)*

محوطه اعزام قطار

اع۱ پایانه و محوطه راه‌آهن
اع۲ کارخانه و ساختمان تجهیزات راه‌آهن
اع۳ تسهیلات
اع۳ راه‌آهن
ان *Classification yard*

محیط دورانی

ی‌د به کار رفته در حفاری
اع۱ گل حفاری
اع۲ سیال
اع۳ مواد
او حفاری چاه نفت
او مته‌کاری سنگ
ان *Circulating medium*

مخابرات

ی‌د یک اصطلاح خیلی عام است، ترجیحا نوع خاصی را به کار برید.
ب‌ج *ارتباط دوربرد*
اع۱ ارتباط
اخ۱ ارتباط حاملی
اخ۲ ارسال حامل روی خط انتقال نیرو
اخ۲ انتقال دیپلکس
اخ۲ تلفن حاملی
اخ۲ تلگراف حاملی
اخ۱ ارتباط دیداری
اخ۱ ارتباط رادیویی
اخ۲ ارتباط طیف گسترده
اخ۲ پخش رادیویی
اخ۱ ارتباط نوری
اخ۱ ارتباط هواگردی
اخ۱ انتقال گفتار
اخ۱ تراکم پهنای نوار
اخ۱ تلفن
اخ۲ برخوانی فراهمایی
اخ۲ تلفن حاملی
اخ۲ تلفن رادیویی
اخ۳ تلفن رادیویی همتافت
اخ۱ تلگراف
اخ۲ تلگراف حاملی
اخ۲ تلگراف رادیویی
اخ۱ تلویزیون
اخ۲ تلویزیون اشتراک‌دار
اخ۲ تلویزیون دقت‌بالا
اخ۲ تلویزیون رنگی
اخ۲ تلویزیون مادون قرمز
اخ۱ خدمات مخابراتی
اخ۲ پخش
اخ۳ پخش تلویزیونی
اخ۳ پخش رادیویی
اخ۳ پخش رادیویی چندآوا
اخ۲ پست الکترونیکی
اخ۲ متن‌نما
اخ۲ نمابر
اخ۱ دورسخنی
اخ۱ دورسنجی
اخ۱ رادیو
اخ۲ دریافت چندبرابر
او تجهیزات مخابراتی
او تداخل در سیگنال
او خط ارتباط مخابراتی
او سیستم سودهی
او سیستم مخابراتی
او شدآمد مخابراتی
او صنعت الکترونیک
او ظرفیت کانال
او فناوری اطلاعات
او کنترل مخابراتی
او مبدل رمز
او مدوله‌سازی
او مهندسی الکترونیک
او موج الکترومغناطیسی
او نوفه سیگنال مزاحم
او همتافتگری
ان *Telecommunication*

مخابره ناهمگام

اع۱ همتافتگری تقسیم زمانی
اع۲ همتافتگری
او سودهی بسته‌بیتی
او سیستم ارتباطات صوتی‌داده‌ای

او شبکه باندپهن
ان *Asynchronous transfer mode*

مخروط
اع۱ مخروط دماغه
او جسم دوار
ان *Cone*

مخروط دماغه
اع۱ مخروط
او راکت
او شاتل فضایی
او موشک
ان *Nose cone*

مخزن(بارگنج)
اع۱ بارگنج
اخ۱ آستره مخزن
اخ۱ مخزن آب
اخ۱ مخزن بالاست
اخ۱ مخزن بتنی
اخ۱ مخزن پلشتی
اخ۱ مخزن تعادل
اخ۱ مخزن ته‌نشینی
اخ۲ مخزن ته‌نشینی فاضلاب
اخ۱ مخزن سوخت
اخ۲ مخزن سوخت خودرو
اخ۲ مخزن سوخت هواگرد
اخ۱ مخزن فاضلاب
اخ۲ مخزن ته‌نشینی فاضلاب
اخ۱ مخزن فولادی
اخ۱ مخزن نفت
اخ۲ سیستم خروج
او اتلاف گرما
او بام
او جابه‌جایی مواد
او دیگ فشار
او روزنه تهویه
او سازه آبی
ان *Tank (container)*

مخزن آب
اع۱ مخزن(بارگنج)
اع۲ بارگنج
او آب‌رسانی
او برج آب
او سیستم توزیع آب
ان *Water tank*

مخزن بالاست
اع۱ تجهیزات کشتی
اع۲ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات آب‌پیما
اع۳ آب‌پیما
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۲ کشتی
اع۳ آب‌پیما
اع۱ مخزن(بارگنج)
اع۲ بارگنج
ان *Ballast tank*

مخزن بتنی
اع۱ مخزن(بارگنج)
اع۲ بارگنج
او ساخت بتنی
ان *Concrete tank*

مخزن پخش‌کن
اع۱ بارگنج
او روغن‌زن
ان *Dispenser*

مخزن پلشتی
اع۱ مخزن(بارگنج)
اع۲ بارگنج
او تصفیه فاضلاب
او تصفیه‌خانه فاضلاب
او دفع پسمانده
او فاضلاب‌رو
او مخزن فاضلاب
ان *Septic tank*

مخزن تعادل
اع۱ سازه آبی
اع۲ سازه
اع۱ مخزن(بارگنج)
اع۲ بارگنج
او انباشتگر هیدرولیکی
او تنظیم فشار

او تنظیم‌گر فشار
او خیزاب خط‌لوله
او فشار
ان *Surge tank*

مخزن ته‌نشینی

بج *حوضچه ته‌نشینی*
بج *حوضچه رسوب‌گیر*
اع۱ جداساز
اع۲ تجهیزات
اع۱ مخزن(بارگنج)
اع۲ بارگنج
اخ۱ مخزن ته‌نشینی فاضلاب
او رسوب‌گذاری
ان *Settling tank*

مخزن ته‌نشینی فاضلاب

اع۱ مخزن ته‌نشینی
اع۲ جداساز
اع۳ تجهیزات
اع۲ مخزن(بارگنج)
اع۳ بارگنج
اع۱ مخزن فاضلاب
اع۲ مخزن(بارگنج)
اع۳ بارگنج
ان *Sewage settling tank*

مخزن زیرزمینی

اع۱ سازه زیرزمینی
اع۲ سازه
اع۱ منبع ذخیره‌سازی آب
اع۲ سازه آبی
اع۳ سازه
او مخزن کم‌تراوا
ان *Underground reservoir*

مخزن سوخت

اع۱ مخزن(بارگنج)
اع۲ بارگنج
اخ۱ مخزن سوخت خودرو
اخ۱ مخزن سوخت هواگرد
او دستگاه سوخت‌رسانی
ان *Fuel tank*

مخزن سوخت خودرو

اع۱ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۲ خودرو
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۱ مخزن سوخت
اع۲ مخزن(بارگنج)
اع۳ بارگنج
ان *Automobile fuel tank*

مخزن سوخت هواگرد

اع۱ مخزن سوخت
اع۲ مخزن(بارگنج)
اع۳ بارگنج
ان *Aircraft fuel tank*

مخزن فاضلاب

اع۱ مخزن(بارگنج)
اع۲ بارگنج
اخ۱ مخزن ته‌نشینی فاضلاب
او استخر تثبیت
او تصفیه فاضلاب
او فاضلاب
او لاگون فاضلاب
او مخزن پلشتی
ان *Sewage tank*

مخزن فولادی

اع۱ مخزن(بارگنج)
اع۲ بارگنج
ان *Steel tank*

مخزن کم‌تراوا

او تراوایی مکانیکی
او مخزن زیرزمینی
او مخزن نفت(خام)
ان *Low permeability reservoir*

مخزن گاز

اع۱ بارگنج
او ذخیره سوخت گازی
ان *Gas holder*

مخزن مدل کشتی

اع۱ تسهیلات آزمون
اع۲ تسهیلات
او آزمایشگاه
او شبیه‌سازی
او کشتی
او مدل کشتی
او موج آب
ان *Ship model tank*

مخزن نفت

اع۱ مخزن(بارگنج)
اع۲ بارگنج
اخ۱ سیستم خروج
او تجهیزات گرمایش
او رسوب‌گذاری پارافین
او روکش‌کاری آلومینیومی
ان *Oil tank*

مخزن نفت(خام)

اع۱ ذخیره نفتی
اع۲ ذخیره سوخت فسیلی
اع۳ منبع معدنی
اخ۱ منطقه چندگانه
او ارزیابی مخزن نفت
او تجهیزات گرمایش
او میدان نفتی
ان *Petroleum reservoir*

مخلوط

ب‌ک آمیزه

مخلوط سازی

اع۱ آمیختگی
اع۲ عملیات شیمیایی
او آماده‌سازی زغال‌سنگ
او پلاستیک
او فراورده نفتی
او مخلوط بسپاری
او مخلوط نساجی
ان *Blending*

مخلوط بسپاری

اع۱ بسپار آلی
اع۲ بسپار
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ شبکه بسپاری درهم
او پلاستیک
او مخلوط سازی
او مخلوط نساجی
او هم‌بسپار پیوندی
ان *Polymer blend*

مخلوط خودروغنکار

اع۱ مواد مختلط
اع۲ مواد
او روان‌سازی
ان *Self lubricating composites*

مخلوط‌کن بتن

ب‌ک بتن‌ساز

مخلوط ملات سرامیکی

اع۱ مواد مختلط
اع۲ مواد
او الیاف سرامیکی
او تیتانیم کاربید
او سرمت
او سیلیسیم نیترید
او فولادگذاری
او مواد سرامیکی
ان *Ceramic matrix composite*

مخلوط ملات غیرفلزی

اع۱ مواد غیرفلزی
اع۲ مواد
اع۱ مواد مختلط
اع۲ مواد
ان *Nonmetallic matrix composite*

مخلوط نساجی

اع۱ مصنوع نساجی
اع۲ مواد
او الیاف طبیعی
او الیاف مصنوعی

او مخلوط بسپاری
او مخلوط سازی
ان *Textile blend*

مخمر
اع۱ قارچ
اع۲ گیاه
او تخمیر
او میکروارگانیسم
ان *Yeast*

مدار
اع۱ مسیر
او اخترفیزیک
او پرواز بین‌سیاره‌ای
او سفر فضایی
او فضاپیما
او ماموریت قمری
او ماهواره
او محل برخورد فضایی
او ناوبری
ان *Orbit*

مدار آشکارساز
اع۱ شبکه(مدار)
او ابربازتولید
او وامدوله‌ساز
او وامدوله‌سازی
ان *Detector circuit*

مدار آمیزش
ب‌ک مدار آمیزشگر

مدار آمیزشگر
ب‌ج *مدار آمیزش*
اع۱ شبکه(مدار)
او پردازش سیگنال
او مدار واگردان بسامد
او مدوله‌ساز
او ناهم‌فرکانسی
او نوسانگر(الکترونیک)
او وامدوله‌ساز
ان *Mixer circuit*

مدار ازدیاد بسامد
ب‌ج *دوبرابرساز بسامد*
ب‌ج *سه‌برابرکننده بسامد*
اع۱ مدار واگردان بسامد
اع۲ شبکه(مدار)
اع۲ واگردان بسامد
اع۳ تبدیلگر الکتریکی
او پردازش سیگنال
او چندلرزشی
او واراکتور
ان *Frequency multiplying circuit*

مدار ال.اس.آی.
ب‌ج *مجتمع‌سازی مقیاس‌بزرگ*
اع۱ مدار مجتمع تک‌پارچه‌ای
اع۲ مدارمجتمع
اع۳ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ شبکه(مدار)
اخ۱ مدار وی.ال.اس.آی.
اخ۲ مدار دبلیو.اس.آی.
اخ۲ مدار یو.ال.اس.آی.
او تراشه ریزپرداز
او مدار منطقی تزریق مجتمع
ان *LSI circuit*

مدار الکترونیکی
ب‌ک شبکه(مدار)

مدار الکتریکی
ب‌ک شبکه(مدار)

مدار انتقال فاز
ب‌ک انتقال‌دهنده فاز

مدار انتقال فاز الکتریکی
ب‌ک انتقال‌دهنده فاز

مدار انتگرال
اع۱ شبکه(مدار)
او پردازش سیگنال
ان *Integrating circuit*

مدار انطباقی
اع۱ مدار تپ

اع۲ شبکه(مدار)
او مدار شمارش
او همگام‌سازی
ان *Coincidence circuit*

مدار بافر
اع۱ شبکه(مدار)
او تقویت‌کننده بافر
ان *Buffer circuit*

مدار پل
اع۱ شبکه(مدار)
ان *Bridge circuit*

مدار تاخیری
اع۱ شبکه(مدار)
اخ۱ خط تاخیر الکتریکی
او مدار مقایسه‌گر
ان *Delay circuit*

مدار تپ
اع۱ شبکه(مدار)
اخ۱ تقویت‌کننده تپ
اخ۱ مدار انطباقی
اخ۱ مدار شکل‌دهی تپ
اخ۱ مدار شمارش
اخ۱ مولد تپ
اخ۲ مولد پالس نوری
او مدار رقمی
او مدار سودهی
او مدار مقایسه‌گر
او مدار منطقی
ان *Pulse circuit*

مدار تثبیت ولتاژ
اع۱ تنظیم‌گر ولتاژ
اع۲ تجهیزات کنترل الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات کنترل
ان *Voltage stabilizing circuit*

مدار تحلیل تپ
اع۱ شبکه(مدار)
ان *Pulse analyzing circuit*

مدار ترتیبی
اع۱ مدار منطقی
اع۲ شبکه(مدار)
اخ۱ منطق ترتیبی ناهمگام
او سودهی ترتیبی
او مدار ترکیبی
ان *Sequential circuit*

مدار ترکیبی
اع۱ مدار منطقی
اع۲ شبکه(مدار)
او مدار ترتیبی
او مدار شمارش
ان *Combinatorial circuit*

مدار تشدید
اع۱ شبکه(مدار)
او تشدید مدار
او تشدیدگر
ان *Resonant circuit*

مدار تغییر فاز
اع۱ شبکه(مدار)
او انتقال فاز
او انتقال‌دهنده فاز
ان *Phase changing circuit*

مدار تقسیم بسامد
بج *تقسیم‌کننده(بسامد)*
اع۱ مدار واگردان بسامد
اع۲ شبکه(مدار)
اع۲ واگردان بسامد
اع۳ تبدیلگر الکتریکی
او چندلرزشی
ان *Frequency dividing circuit*

مدار تقسیمی(محاسباتی)
اع۱ مدار رقمی
اع۲ شبکه(مدار)
او حساب رقمی
ان *dividing circuit (arithmetic)*

مدار تلفن
اع۱ شبکه(مدار)

ان *Telephone circuit*

مدار تلگراف

اع۱ شبکه(مدار)

ان *Telegraph circuit*

مدار جاروب

اع۱ شبکه(مدار)

او مولد تپ

ان *Sweep circuit*

مدار جفت‌شدگی

ب‌ک مدار جفت‌شده

مدار جفت‌شده

ب‌ج *تزویج مدار*

ب‌ج *مدار جفت‌شدگی*

اع۱ شبکه(مدار)

او جفت‌ساز موجبر

او نظریه مدار

ان *Coupled circuit*

مدار جمع‌زنی

اع۱ شبکه(مدار)

او جمع‌زن

او مدار رقمی

ان *Summing circuit*

مدار جهش

ب‌ک مدار دیفرانسیل

مدار چاپی

اع۱ شبکه(مدار)

اع۱ تخته مدار چاپی

او آزمایش مدار چاپی

او بسته‌بندی الکترونیکی

او تجهیزات الکترونیکی

او تولید مدار چاپی

او چاپ پرده‌ای

او چاپ سنگی

او چاپ نوری

او حکاکی(با اسید)

او سیم‌کشی الکتریکی

او طراحی مدار چاپی

او فناوری نصب سطحی

او موتور مدار چاپی

او نورمقاوم

ان *Printed circuit*

مدار چکانشی

اع۱ مدار سودهی

اع۲ شبکه(مدار)

او چندلرزشی

او مدار فیلیپ فلاپ

او مدار منطقی

ان *Trigger circuit*

مدار چندبرابرکننده

اع۱ مدار رقمی

اع۲ شبکه(مدار)

او حساب رقمی

او رایانه قیاسی

ان *Multiplying circuit*

مدار چندپایداره

اع۱ شبکه(مدار)

ان *Multistable circuit*

مدار حمل

ب‌ک جمع‌زن

مدار دبلیو.اس.آی.

اع۱ مدار وی.ال.اس.آی.

اع۲ مدار ال.اس.آی.

اع۳ مدار مجتمع تک‌پازچه‌ای

ان *WSI circuit*

مدار دیفرانسیل

ب‌ج *مدار جهش*

اع۱ شبکه(مدار)

ان *Differentiating circuit*

مدار رادار

اع۱ تجهیزات رادار

اع۲ بردیاب

اع۳ سنج‌افزار

اع۱ شبکه(مدار)

ان *Radar circuit*

مدار رایانه

اع۱ سخت‌افزار رایانه
اع۲ رایانه
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ شبکه(مدار)
او مدار رقمی
او مدار زمان‌گیری
او مدار منطقی
ان *Computer circuit*

مدار رقمی

اع۱ شبکه(مدار)
اخ۱ جمع‌زن
اخ۱ مدار تقسیمی(محاسباتی)
اخ۱ مدار چندبرابرکننده
اخ۱ مدار مجتمع رقمی
اخ۲ آرایه یاخته‌ای
اخ۳ آرایه سیستولی
اخ۲ تراشه ریزپردازنده
اخ۳ ترنسپیوتر
او ابزار رقمی
او تجهیزات جانبی رایانه
او تداخل بین نمادی
او حساب رقمی
او سیستم مخابراتی رقمی
او شبکه هوشمند
او مدار تپ
او مدار جمع‌زنی
او مدار رایانه
او مدار سودهی
او مدار منطقی
ان *Digital circuit*

مدار ریزموج

اع۱ شبکه(مدار)
اخ۱ مدار مجتمع ریزموج
اخ۲ مدار مجتمع ریزموج تک‌پارچه‌ای
او پالایه ریزموج
او تقویت‌کننده ریزموج
او خط ریزنوارکی
او شبکه پارامتر توزیع‌شده
او شبکه غیرفعال
او محدودساز ریزموج
او نوسانگر ریزموجی
ان *Microwave circuit*

مدار زمان‌گیری

اع۱ شبکه(مدار)
ان *Timing circuit*

مدار سنج‌افزار

اع۱ اجزای سنج‌افزار
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۱ شبکه(مدار)
ان *Instrument circuit*

مدار سودهی

اع۱ شبکه(مدار)
اخ۱ برشگر(مدار)
اخ۱ مدار چکانشی
او تجهیزات سودهی تلفن
او رله الکتریکی
او سوده الکتریکی
او سودهی
او سیستم سودهی
او شبکه سودهی
او مدار تپ
او مدار رقمی
او مدار منطقی
او مدار منطقی ترانزیستور دیود
او مدار منطقی تزویج گسیلنده
او مدارشکن الکتریکی
او نظریه سودهی
ان *Switching circuit*

مدار شکل‌دهی تپ

اع۱ مدار تپ
اع۲ شبکه(مدار)
او پردازش سیگنال
او مولد تپ
ان *Pulse shaping circuit*

مدارشکن

ب‌ک مدارشکن الکتریکی

مدارشکن هواانفجار

اع۱ مدارشکن الکتریکی
اع۲ سوده الکتریکی
اع۳ سوده

ان *Air blast circuit breaker*

مدارشکن الکتریکی

ب‌ج *مدارشکن*
اع۱ سوده الکتریکی
اع۲ سوده
اع۳ تجهیزات
اخ۱ مدارشکن هواانفجار
اخ۱ مدارشکن روغنی
اخ۱ مدارشکن هگزافلورید گوگردی
او رله الکتریکی
او شبکه(مدار)
او قوس مدارشکن
او محافظت تجهیزات الکتریکی
او مدار سودهی
ان *Electric circuit breaker*

مدارشکن روغنی

اع۱ مدارشکن الکتریکی
اع۲ سوده الکتریکی
اع۳ سوده
او روغن عایق
ان *Oil circuit breaker*

مدارشکن هگزافلورید گوگردی

اع۱ مدارشکن الکتریکی
اع۲ سوده الکتریکی
اع۳ سوده
او ترکیبات گوگرد
ان *Sulfur hexafluoride circuit breaker*

مدار شمارش

اع۱ مدار تپ
اع۲ شبکه(مدار)
او آشکارساز ذره‌ای
او جمع‌زن
او حساب رقمی
او لامپ شمارش
او مدار انطباقی
او مدار ترکیبی
او واگردانی رقمی به قیاسی
او واگردانی قیاسی به رقمی
ان *Counting circuit*

مدار غیرفعال

ب‌ک شبکه غیرفعال

مدار فشرگستر

اع۱ تجهیزات مخابراتی
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ شبکه(مدار)
او تجهیزات تلفن
او تداخل تلفنی
او کاهش تداخل
او مدوله‌سازی رمز تپ
ان *Compandor circuit*

مدار فیلم‌ضخیم

اع۱ مدارمجتمع
اع۲ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ ابزار حالت جامد
اع۲ شبکه(مدار)
او ابزار فیلم‌ضخیم
او فیلم ضخیم
ان *Thick film circuit*

مدار فیلم‌نازک

اع۱ مدارمجتمع
اع۲ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ ابزار حالت جامد
اع۲ شبکه(مدار)
او ابزار فیلم‌نازک
او فیلم نازک
او کریوترون
ان *Thin film circuit*

مدار فیلیپ فلاپ

ب‌ج *فیلیپ فلاپ*
ب‌ج *نوسانساز دوپایا*
اع۱ چندلرزشی
اع۲ شبکه(مدار)
او ذخیره رقمی
او مدار چکانشی
او مدار منطقی
او نوسانگر(الکترونیک)
ان *Flip flop circuit*

مدارمجتمع

ی‌د یک اصطلاح خیلی عام است، ترجیحا نوع خاصی را به کار برید.

اع۱ ابزار نیم‌رسانا

اع۲ ابزار حالت جامد

اع۳ دستگاه الکترونی

اع۱ شبکه(مدار)

اخ۱ مدار فیلم‌ضخیم

اخ۱ مدار فیلم‌نازک

اخ۱ مدار مجتمع تک‌پارچه‌ای

اخ۲ مدار ال.اس.آی.

اخ۳ مدار وی.ال.اس.آی.

اخ۲ مدار مجتمع ریزموج تک‌پارچه‌ای

اخ۲ مدارمجتمع سی‌ماس

اخ۲ مدارمجتمع کاربردویژه

اخ۱ مدار مجتمع خطی

اخ۱ مدار مجتمع دو رگه

اخ۱ مدار مجتمع دو قطبی

اخ۱ مدار مجتمع رقمی

اخ۲ آرایه یاخته‌ای

اخ۳ آرایه سیستولی

اخ۲ تراشه ریزپرداز

اخ۳ ترنسپیوتر

اخ۱ مدار مجتمع ریزموج

اخ۲ مدار مجتمع ریزموج تک‌پارچه‌ای

اخ۱ مدار مجتمع نورالکترونیکی

اخ۱ مدار یکپارچه خطی

او ابزار سرباریکه‌ای

او آزمایش مدارمجتمع

او بستر

او بسته‌بندی الکترونیکی

او تولید مدارمجتمع

او طرح کلی مدار مجتمع

او گیرنده تلویزیونی

او گیرنده رادیویی

او ماسک

او مهاجرت الکتریکی

او میکروالکترونیک

ان *Integrated circuit*

مدار مجتمع تک‌پارچه‌ای

اع۱ مدارمجتمع

اع۲ ابزار نیم‌رسانا

اع۳ ابزار حالت جامد

اع۲ شبکه(مدار)

اخ۱ مدار ال.اس.آی.

اخ۲ مدار وی.ال.اس.آی.

اخ۳ مدار دبلیو.اس.آی.

اخ۳ مدار یو.ال.اس.آی.

اخ۱ مدار مجتمع ریزموج تک‌پارچه‌ای

اخ۱ مدارمجتمع سی‌ماس

اخ۱ مدارمجتمع کاربردویژه

او مدار مجتمع نورالکترونیکی

ان *Monolithic integrated circuit*

مدار مجتمع خطی

اع۱ مدارمجتمع

اع۲ ابزار نیم‌رسانا

اع۳ ابزار حالت جامد

ان *Linear integrated circuit*

مدار مجتمع دو رگه

اع۱ مدارمجتمع

اع۲ ابزار نیم‌رسانا

اع۳ ابزار حالت جامد

اع۲ شبکه(مدار)

او ابزار سرباریکه‌ای

ان *Hybrid integrated circuit*

مدار مجتمع دو قطبی

اع۱ مدارمجتمع

اع۲ ابزار نیم‌رسانا

اع۳ ابزار حالت جامد

اع۲ شبکه(مدار)

او ترانزیستور دوقطبی

او ترانزیستور دوقطبی با پیوندگاه ناهمگون

ان *Bipolar integrated circuit*

مدار مجتمع رقمی

اع۱ مدار رقمی

اع۲ شبکه(مدار)

اع۱ مدارمجتمع

اع۲ ابزار نیم‌رسانا

اع۳ ابزار حالت جامد

اع۲ شبکه(مدار)

اخ۱ آرایه یاخته‌ای

اخ۲ آرایه سیستولی

اخ۱ تراشه ریزپرداز

اخ۲ ترنسپیوتر

او مدار منطقی تزریق مجتمع

او مدار منطقی تزویج گسیلنده

او مدارمجتمع کاربردویژه
او مدارمنطقی ترانزیستوری ترانزیستور
ان *Digital integrated circuit*

مدار مجتمع ریزموج

اع۱ مدار ریزموج
اع۲ شبکه(مدار)
اع۱ مدارمجتمع
اع۲ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ ابزار حالت جامد
اع۲ شبکه(مدار)
اغ۱ مدار مجتمع ریزموج تک‌پارچه‌ای
او خط مخابرات نواری
ان *Microwave integrated circuit*

مدار مجتمع ریزموج تک‌پارچه‌ای

اع۱ مدار مجتمع تک‌پارچه‌ای
اع۲ مدارمجتمع
اع۳ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ شبکه(مدار)
اع۱ مدار مجتمع ریزموج
اع۲ مدار ریزموج
اع۳ شبکه(مدار)
اع۲ مدارمجتمع
اع۳ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ شبکه(مدار)
ان *Monolithic microwave integrated circuit*

مدار مجتمع سفارشی

ب‌ک مدارمجتمع کاربردویژه

مدارمجتمع سی‌ماس

ب‌ج *مدارمجتمع نیمه‌هادی اکسید فلزی مکمل*
اع۱ مدار مجتمع تک‌پارچه‌ای
اع۲ مدارمجتمع
اع۳ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ شبکه(مدار)
ان *CMOS integrated circuit*

مدارمجتمع کاربردویژه

ب‌ج *مدار مجتمع سفارشی*
اع۱ مدار مجتمع تک‌پارچه‌ای
اع۲ مدارمجتمع

اع۳ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ شبکه(مدار)
او طراحی منطقی
او مدار مجتمع رقمی
او مدار وی.ال.اس.آی.
ان *Application specific Integrated circuit*

مدار مجتمع نورالکترونیکی

اع۱ ابزار دیدالکترونیک
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ مدارمجتمع
اع۲ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ ابزار حالت جامد
اع۲ شبکه(مدار)
او آشکارساز نوری
او تجهیزات ارتباط نوری
او ترانزیستور نوری
او تولید مدارمجتمع
او دیود نورگسیل
او دیود نوری
او مدار مجتمع تک‌پارچه‌ای
او نورشناسی مجتمع
او هم‌پیوند نوری
ان *Integrated optoelectronic circuit*

مدارمجتمع نیمه‌هادی اکسید فلزی مکمل

ب‌ک مدارمجتمع سی‌ماس

مدار محدودساز

اع۱ شبکه(مدار)
اغ۱ محدودساز ریزموج
او گیرنده سیگنال
او وامدوله‌ساز
ان *Limiter*

مدار مغناطیسی

اع۱ شبکه(مدار)
اغ۱ مدار مغناطیسی مبدل
او آهنربا
او پیچه الکتریکی
او سیم‌پیچ الکتریکی
او میدان مغناطیسی
او هسته مغناطیسی
ان *Magnetic circuit*

مدار مغناطیسی مبدل

اع۱	مبدل الکتریکی
اع۲	تجهیزات الکتریکی
اع۳	تجهیزات
اع۱	مدار مغناطیسی
اع۲	شبکه(مدار)
ان	*Transformer magnetic circuit*

مدار مقایسه‌گر

ب‌ج	*مقایسه‌گر ولتاژ*
اع۱	شبکه(مدار)
اخ۱	مقایسه‌گر فاز
او	جداکننده
او	چندارزشی
او	خط تلفن
او	مدار تاخیری
او	مدار تپ
او	واگردانی قیاسی به رقمی
ان	*Comparator circuit*

مدار منبع تغذیه

اع۱	شبکه(مدار)
او	الکترونیک قدرت
او	مبدل الکتریکی
او	یک‌سوساز الکتریکی
ان	*Power supply circuit*

مدار منطقی

اع۱	شبکه(مدار)
اخ۱	مدار ترتیبی
اخ۲	منطق ترتیبی ناهمگام
اخ۱	مدار ترکیبی
اخ۱	مدارمنطقی ترانزیستوری ترانزیستور
اخ۱	مدار منطقی تزریق مجتمع
اخ۱	مدار منطقی تزویج گسیلنده
اخ۱	مدار منطقی دیود
اخ۲	مدار منطقی ترانزیستور دیود
اخ۱	مدار نند
او	ابزار منطقی
او	ثبات انتقال
او	جمع‌زن
او	طراحی منطقی
او	گیت منطقی
او	مدار تپ
او	مدار چکانشی
او	مدار رایانه
او	مدار رقمی
او	مدار سودهی
او	مدار فیلیپ فلاپ
او	مدار منطقی حمل
او	منطق احتمالاتی
او	منطق ارجحیت
او	منطق آستانه‌ای
او	منطق چندارزشی
او	نظریه سودهی
ان	*Logic circuit*

مدار منطقی ترانزیستور دیود

اع۱	مدار منطقی دیود
اع۲	مدار منطقی
اع۳	شبکه(مدار)
او	دیود
او	مدار سودهی
ان	*Diode transistor logic circuit*

مدارمنطقی ترانزیستوری ترانزیستور

اع۱	مدار منطقی
اع۲	شبکه(مدار)
او	مدار مجتمع رقمی
ان	*Transistor transistor logic circuit*

مدار منطقی تزریق مجتمع

اع۱	مدار منطقی
اع۲	شبکه(مدار)
او	مدار ال.اس.آی
او	مدار مجتمع رقمی
ان	*Integrated injection logic circuit*

مدار منطقی تزویج گسیلنده

اع۱	مدار منطقی
اع۲	شبکه(مدار)
او	مدار سودهی
او	مدار مجتمع رقمی
ان	*Emitter coupled logic circuit*

مدار منطقی حمل

اع۱	حساب رقمی
اع۲	فن ریاضی
او	جمع‌زن

او طراحی منطقی
او مدار منطقی
ان *Carry logic*

مدار منطقی دیود
اع۱ مدار منطقی
اع۲ شبکه(مدار)
اخ۱ مدار منطقی ترانزیستور دیود
ان *Diode logic circuit*

مدار نند
اع۱ مدار منطقی
اع۲ شبکه(مدار)
ان *NAND circuit*

مدار واگردان بسامد
اع۱ شبکه(مدار)
اع۱ واگردان بسامد
اع۲ تبدیلگر الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اخ۱ مدار ازدیاد بسامد
اخ۱ مدار تقسیم بسامد
او مدار آمیزشگر
ان *Frequency converter circuit*

مدار وی.ال.اس.آی.
اع۱ مدار ال.اس.آی.
اع۲ مدار مجتمع تک‌پارچه‌ای
اع۳ مدارمجتمع
اخ۱ مدار دبلیو.اس.آی.
اخ۱ مدار یو.ال.اس.آی.
او مدارمجتمع کاربردویژه
ان *VLSI circuit*

مدار هم‌ارز
اع۱ شبکه(مدار)
او پارامتر شبکه الکتریکی
او تحلیل شبکه الکتریکی
او سنتز شبکه الکتریکی
او مدل ابزار نیم‌رسانا
ان *Equivalent circuit*

مدار یکپارچه خطی
اع۱ مدارمجتمع
اع۲ شبکه(مدار)
ان *Linear integrated circuit*

مدار یک‌سوساز
اع۱ شبکه(مدار)
او الکترونیک قدرت
او پرکردن(باتری)
او تجهیزات رادیویی
او یک‌سوساز الکتریکی
ان *Rectifying circuit*

مدار یو.ال.اس.آی.
اع۱ مدار وی.ال.اس.آی.
اع۲ مدار ال.اس.آی.
اع۳ مدار مجتمع تک‌پارچه‌ای
ان *ULSI circuit*

مد بستن
ب‌ک مد بستن لیزری

مد بستن لیزری
ب‌ج مد بستن
او لیزر
او مد لیزری
او مدوله‌ساز نوری
او مدوله‌سازی نوری
ان *Laser mode locking*

مد صوتی(بلور)
ب‌ک ارتعاش شبکه

مدل
ی‌د مدل فیزیکی. برای مدل ریاضی، اصطلاح "مدل ریاضی" را به کار برید.
ب‌ج *مدل‌سازی(فیزیکی)*
اخ۱ خودروی مدل
اخ۱ ساختمان مدل
اخ۱ سازه مدل
اخ۱ شبیه‌ساز
اخ۲ شبیه‌ساز پرواز
اخ۲ شبیه‌ساز خودرو
اخ۲ شبیه‌ساز راداری
اخ۲ شبیه‌ساز راننده خودرو
اخ۲ شبیه‌ساز کشتی

اخ۲ شبیه‌ساز ماهواره
اخ۲ شبیه‌ساز واکنشگاه هسته‌ای
اخ۲ محفظه محیطی
اخ۳ شبیه‌ساز فضایی
اخ۱ مدل کشتی
اخ۱ مدل انسانی
اخ۱ مدل زمین‌شناختی
اخ۱ مدل فیزیک‌درمانی
اخ۱ مدل واقعی
اخ۲ مدل واقعی کشتی
اخ۲ مدل واقعی هواگرد
اخ۱ مدل هواگرد
اخ۱ مدل هیدرولیکی
او برنامه‌ریزی ریاضی
او پاسخ پله‌ای
او ساز و کار
او سیستم کنترل بهینه
او شبیه‌سازی
او شبیه‌سازی رایانه‌ای
او شناسایی(سیستم کنترل)
او نظریه سیستمی
او نظریه کنترل
ان *Model*

مدل کشتی

اع۱ مدل
او آزمایش کشتی
او شبیه‌ساز کشتی
او کشتی
او مخزن مدل کشتی
او مدل واقعی کشتی
ان *Ship model*

مدل واقعی کشتی

اع۱ مدل واقعی
اع۲ مدل
او شبیه‌ساز کشتی
او مدل کشتی
ان *Ship mockup*

مدل ابزار نیم‌رسانا

اع۱ مدل ریاضی
او ابزار نیم‌رسانا
او مدار هم‌ارز
ان *Semiconductor device model*

مدل انسانی

اع۱ مدل
او شبیه‌ساز راننده خودرو
او مدل فیزیک‌درمانی
او مهندسی فاکتورهای انسانی
ان *Human form model*

مدل داده‌ها

ب‌ک ساختار داده‌ها

مدل ریاضی

اخ۱ مدل ابزار نیم‌رسانا
او برنامه‌ریزی ریاضی
او برنامه‌نویسی غیرخطی
او پیش‌بینی
او تجزیه و تحلیل سیستم‌ها
او تحقیق در عملیات
او تحلیل عددی
او خطرپذیری
او روندنما
او شبیه‌ساز
او شبیه‌سازی
او مهندسی سیستم‌ها
او نظریه تصمیم
او نظریه گراف
او نظریه نابسامانی
ان *Mathematical model*

مدل زمین‌شناختی

اع۱ مدل
او زمین‌شناسی
ان *Geologic model*

مدل‌سازی(رایانه)

ب‌ک شبیه‌سازی رایانه‌ای

مدل‌سازی(فیزیکی)

ب‌ک مدل

مدل فیزیک‌درمانی

اع۱ مدل
او فیزیک‌درمانی
او مدل انسانی
او مهندسی زیست‌پزشکی

ان *Physiological model*

مدل‌کشی سیمی

اع۱ مدل‌کشی فلزی
اع۲ شکل‌دهی فلز
اع۳ شکل‌دهی
اع۲ کشش(شکل‌دهی)
اع۳ شکل‌دهی
او سیم
او ماشین مدل‌کشی سیمی
ان *Wire drawing*

مدل‌کشی فلزی

اع۱ شکل‌دهی فلز
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
اع۱ کشش(شکل‌دهی)
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
اخ۱ کشش ژرف
اخ۱ مدل‌کشی سیمی
او روان‌ساز
او روزن‌رانی فلز
او مهرزنی فلز
ان *Metal drawing*

مدل مغز

اع۱ سیبرنتیک
اع۲ علم سیستم‌ها
او سیستم یادگیری
او شبکه عصبی
او مغز
او هوش مصنوعی
ان *Brain model*

مدل واقعی

اع۱ مدل
اخ۱ مدل واقعی کشتی
اخ۱ مدل واقعی هواگرد
ان *Mockup*

مدل واقعی هواگرد

اع۱ مدل واقعی
اع۲ مدل
او مدل هواگرد
ان *Aircraft mockup*

مدل هواگرد

ب‌ج *هواپیمای مدل*
اع۱ مدل
او مدل واقعی هواگرد
او هواگرد
ان *Aircraft model*

مدل هیدرولیکی

اع۱ مدل
او ماشین‌آلات هیدرولیکی
او هیدرولیک
ان *Hydraulic models*

مد لیزری

او لیزر
او مد بستن لیزری
ان *Laser mode*

مدولاسیون بسامد

اع۱ مدوله‌سازی
اخ۱ سودهی انتقال بسامدی
او مدوله‌ساز
ان *Frequency modulation*

مدول کپه‌ای
ب‌ک ضریب کشسانی

مدوله‌زدای ریزموج

اع۱ ابزار ریزموج
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ وامدوله‌ساز
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
ان *Microwave demodulator*

مدوله‌ساز

اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ مدوله‌ساز نوری
اخ۱ مودم

او تجهیزات تلویزیونی
او تجهیزات رادیویی
او حلقه قفل فاز
او فرستنده
او مدار آمیزشگر
او مدولاسیون بسامد
او مدولەسازی
او مدولەسازی تپ
او مدولەسازی دامنه
او مدولەسازی دامنه تپ
او مدولەسازی رمز تپ
او مدولەسازی زمانی تپ
او مدولەسازی عرضی تپ
او مدولەسازی فاز
او وامدولەساز
ان *Modulator*

مدولەساز صوتی‌نوری
ب‌ک پیل براگ

مدولەساز نوری
اع۱ مدولەساز
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او ابزار الکترونوری
او اثر الکترونوری
او اثر صوتی‌نوری
او تجهیزات ارتباط نوری
او لوازم لیزر
او لیزر
او مد بستن لیزری
او مدولەسازی نوری
او نورشناسی
ان *Light modulator*

مدولەسازی
اخ۱ مدولاسیون بسامد
اخ۲ سودهی انتقال بسامدی
اخ۱ مدولەسازی تپ
اخ۲ مدولەسازی دامنه تپ
اخ۲ مدولەسازی رمز تپ
اخ۲ مدولەسازی زمانی تپ
اخ۳ مدولەسازی عرضی تپ
اخ۲ مدولەسازی مثلثی
اخ۱ مدولەسازی دامنه

اخ۱ مدولەسازی فاز
اخ۲ سودهی انتقال فاز
اخ۱ مدولەسازی متقابل
اخ۱ مدولەسازی نوری
او ارسال رادیویی
او حلقهٔ قفل فاز
او فرستنده
او لامپ مدولەسازی سرعت
او مخابرات
او مدولەساز
او موج الکترومغناطیسی
او نظریه اطلاعات
او وامدولەسازی
ان *Modulation*

مدولەسازی تپ
اع۱ مدولەسازی
اخ۱ مدولەسازی دامنه تپ
اخ۱ مدولەسازی رمز تپ
اخ۱ مدولەسازی زمانی تپ
اخ۲ مدولەسازی عرضی تپ
اخ۱ مدولەسازی مثلثی
او تداخل بین نمادی
او دورسنجی
او راذار
او مدولەساز
او نمونه‌برداری
او همتافتگری تقسیم زمانی
او وامدولەساز
ان *Pulse modulation*

مدولەسازی دامنه
اع۱ مدولەسازی
او مدولەساز
او وامدولەساز
او وامدولەسازی
ان *Amplitude modulation*

مدولەسازی دامنه تپ
اع۱ مدولەسازی تپ
اع۲ مدولەسازی
او مدولەساز
او وامدولەساز
ان *Pulse amplitude modulation*

مدوله‌سازی رمز تپ

اع۱ مدوله‌سازی تپ
اع۲ مدوله‌سازی
او خط ارتباط مخابراتی
او خط پیوند مدوله‌سازی رمز تپ
او رمزگذاری
او مدار فشرگستر
او مدوله‌ساز
او مدوله‌سازی مثلثی
او وامدوله‌ساز
ان *Pulse code modulation*

مدوله‌سازی زمانی تپ

اع۱ مدوله‌سازی تپ
اع۲ مدوله‌سازی
اخ۱ مدوله‌سازی عرضی تپ
او مدوله‌ساز
او وامدوله‌ساز
ان *Pulse time modulation*

مدوله‌سازی عرضی تپ

اع۱ مدوله‌سازی زمانی تپ
اع۲ مدوله‌سازی تپ
اع۳ مدوله‌سازی
او مدوله‌ساز
او وامدوله‌ساز
ان *Pulse width modulation*

مدوله‌سازی فاز

اع۱ مدوله‌سازی
اخ۱ سودهی انتقال فاز
او انتقال فاز
او مدوله‌ساز
او وامدوله‌ساز
او وامدوله‌سازی
ان *Phase modulation*

مدوله‌سازی متقابل

اع۱ مدوله‌سازی
او اندازه‌گیری مدوله‌سازی متقابل
او واپیچش سیگنال
او وامدوله‌سازی
ان *Intermodulation*

مدوله‌سازی مثلثی

ب‌ج *مدوله‌سازی مثلثی تطبیقی*
اع۱ مدوله‌سازی تپ
اع۲ مدوله‌سازی
او مدوله‌سازی رمز تپ
ان *Delta modulation*

مدوله‌سازی مثلثی تطبیقی

ب‌ک مدوله‌سازی مثلثی

مدوله‌سازی نوری

اع۱ مدوله‌سازی
او اثر الکترونوری
او اثر صوتی‌نوری
او لوازم لیزر
او لیزر
او مد بستن لیزری
او مدوله‌ساز نوری
او نورشناسی
ان *Light modulation*

مدیر

ب‌ک کارکنان سرپرستی

مدیریت

ب‌ج *اداره*
اخ۱ اداره بزرگراه
اخ۱ تجزیه و تحلیل شغل
اخ۱ حسابداری هزینه
اخ۱ کنترل بودجه
اخ۱ کنترل موجودی
اخ۱ مدیریت اطلاعات
اخ۱ مدیریت انرژی
اخ۱ مدیریت بار الکتریکی
اخ۲ پیش‌بینی بار الکتریکی
اخ۲ تقسیم بار الکتریکی
اخ۲ توزیع بار الکتریکی
اخ۱ مدیریت تحقیق و توسعه
اخ۱ مدیریت رکوردها
اخ۱ مدیریت صنعتی
اخ۲ روابط صنعتی
اخ۲ کنترل تولید
اخ۳ تولید درست به موقع
اخ۲ مدیریت کارخانه
اخ۱ مدیریت طرح

اخ۲ زمان‌بندی
اخ۱ مدیریت کیفیت جامع
اخ۱ مطالعه زمان و حرکت
او استخدام
او اقتصاد
او امور مالی
او برنامه‌ریزی
او برنامه‌ریزی راهبردی
او پیش‌بینی
او تخصیص منابع
او تصمیم‌گیری
او تضمین کیفیت
او خرید
او خودکارسازی اداره
او داده‌پردازی اداری
او رضایت شغلی
او زمان تخلیه و بارگیری
او سیستم بازیابی اطلاعات
او سیستم پشتیبانی تصمیم
او طرح بازنشستگی
او علم اطلاع‌رسانی
او علم مدیریت
او قرارداد
او کارایی
او کارکنان
او کارکنان سرپرستی
او کاهش بها
او گزینش و ارزشیابی رایانه‌ای
او مهندسی سیستم‌ها
او نظام اطلاعات مدیریت
ان *Management*

مدیریت اطلاعات

اع۱ مدیریت
او سیستم بازیابی اطلاعات
او علم اطلاع‌رسانی
او نظام اطلاعات مدیریت
ان *Information management*

مدیریت انرژی

اع۱ مدیریت
او بقای انرژی
او ساختمان هوشمند
او منبع انرژی
ان *Energy management*

مدیریت بار الکتریکی

ب‌چ *مدیریت تقاضا*
اع۱ مدیریت
اخ۱ پیش‌بینی بار الکتریکی
اخ۱ تقسیم بار الکتریکی
اخ۱ توزیع بار الکتریکی
او بار الکتریکی
ان *Electric load management*

مدیریت پژوهش صنعتی
ب‌ک مدیریت تحقیق و توسعه

مدیریت تحقیق و توسعه

ب‌چ *مدیریت پژوهش صنعتی*
اع۱ مدیریت
او پژوهش صنعتی
او پیش‌بینی
ان *Research and development management*

مدیریت تقاضا
ب‌ک مدیریت بار الکتریکی

مدیریت رکوردها

اع۱ مدیریت
او سیستم بازیابی اطلاعات
ان *Records management*

مدیریت صنعتی

اع۱ مدیریت
اخ۱ روابط صنعتی
اخ۱ کنترل تولید
اخ۲ تولید درست به موقع
اخ۱ مدیریت کارخانه
او اثربخشی هزینه
او استخدام
او بیمه صنعتی
او تحقیق در عملیات
او حسابداری هزینه
او داده‌پردازی اداری
او روابط عمومی
او کارایی
او کنترل بودجه
او کنترل فرایند

او کنترل موجودی
او هزینه
او واحد صنعتی
ان *Industrial management*

مدیریت طرح

اع۱ مدیریت
اخ۱ زمان‌بندی
او مهندسی
ان *Project management*

مدیریت کارخانه

اع۱ مدیریت صنعتی
اع۲ مدیریت
او کنترل تولید
او کنترل فرایند
او واحد صنعتی
ان *Plant management*

مدیریت کیفیت جامع

اع۱ مدیریت
او روش آماری
او کنترل کیفیت
ان *Total quality management*

مذاب‌ریزی فشاری

اع۱ ریخته‌گری فلز
اع۲ ریخته‌گری
اع۳ شکل‌دهی
اع۲ متالورژی
او فرایند ریخته‌گری
ان *Pressure pouring*

مراجعه به جدول

اع۱ داده‌گردانی
اع۲ داده‌پردازی
ان *Table lookup*

مراقبت بهداشتی

ب‌ج *مراقبت پزشکی*
اخ۱ تغذیه
او آمبولانس
او بهداشت
او بهداشت صنعتی
او بیمارستان
او بیمه درمانی
او پرستاری
او پزشکی
او خطر بهداشتی
او خطرپذیری بهداشتی
او فراورده تشخیصی
او مساله پزشکی
او همه‌گیری‌شناسی
او واگن آمبولانس
ان *Health care*

مراقبت پرواز

اع۱ کنترل شدآمد
اع۲ کنترل
او اجتناب از تصادف
او ارتباط هواگردی
او برج مراقبت
او برخاست
او پشتیبانی زمینی هوافضا
او ترابری هوایی
او سیستم فرود هواگرد
او فرود هواگرد
او ناوبری هوایی
او هواپیمایی
ان *Air traffic control*

مراقبت پزشکی
ب‌ک مراقبت بهداشتی

مراقبت فضایی

او پژوهش فضایی
او عملیات نظامی
او فتوگرامتری
او فضاپیما
ان *Space surveillance*

مرتب‌سازی

اع۱ داده‌گردانی
اع۲ داده‌پردازی
او ادغام
ان *Sorting*

مرز دانه‌ای

اع۱ سطح مشترک(مواد)
اع۱ نقص بلور
اع۲ نقص
او رشد دانه‌ای
او شکل و درشتی ذرات
او فلزنگاری
ان *Grain boundary*

مرز فلزی نیم‌رسانا

ب‌چ *مرز مشترک نیم‌رسانای فلزی*
او ابزار نیم‌رسانا
او دیود سد شاتکی
او ساختار ابزار نیم‌رسانا
او فلز
او مواد نیم‌رسانا
ان *Semiconductor metal boundary*

مرز مشترک عایق فلزی

او ابزار حالت جامد
او ابزار نیم‌رسانا
ان *Metal insulator boundary*

مرز مشترک نیم‌رسانای فلزی
ب‌ک مرز فلزی نیم‌رسانا

مرسریزه‌کردن

اع۱ تکمیل نساجی
اع۲ تکمیل
اع۳ فراورش
اع۲ فرایند نساجی
اع۳ فراورش
ان *Mercerization*

مرطوب‌شدن
ب‌ک ترشدگی

مرکز اطلاع‌رسانی
ب‌ک خدمات اطلاعاتی

مرکز تلفن

اع۱ سیستم تلفن
اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
اخ۱ مرکز تلفن خصوصی
اخ۱ مرکز تلفن خودکار
اخ۱ مرکز تلفن نظامی
اخ۱ مرکز تلفن همراه
او تجهیزات تلفن
او تجهیزات سودهی تلفن
او تلفن
او خط تلفن
او ضبط‌کردن شدآمد تلفن
ان *Telephone exchange*

مرکز تلفن الکترونیکی
ب‌ک مرکز تلفن خودکار

مرکز تلفن خصوصی

اع۱ مرکز تلفن
اع۲ سیستم تلفن
اع۳ سیستم مخابراتی
ان *Private telephone exchange*

مرکز تلفن خودکار

ب‌چ *مرکز تلفن الکترونیکی*
اع۱ سیستم تلفن خودکار
اع۲ سیستم تلفن
اع۳ سیستم مخابراتی
اع۱ مرکز تلفن
اع۲ سیستم تلفن
اع۳ سیستم مخابراتی
ان *Automatic telephone exchange*

مرکز تلفن نظامی

اع۱ تجهیزات نظامی
اع۲ تجهیزات
اع۱ مرکز تلفن
اع۲ سیستم تلفن
اع۳ سیستم مخابراتی
او ارتباطات نظامی
ان *Military telephone exchange*

مرکز تلفن همراه

اع۱ سیستم مخابراتی سیار
اع۲ سیستم مخابراتی
اع۳ سیستم ارتباطی
اع۱ مرکز تلفن
اع۲ سیستم تلفن

اع۳ سیستم مخابراتی
ان *Mobile telephone exchange*

مرکز خرید
بج *بازار*
اع۱ فروشگاه خرده‌فروشی
او برنامه‌ریزی منطقه‌ای
او ساختمان فروشگاهی
ان *Shopping center*

مرکز رنگ
اع۱ نقص نقطه‌ای
اع۲ نقص بلور
اع۳ نقص
او تشدید پارامغناطیسی
ان *Color center*

مرکز علائم و کنترل
اع۱ کنترل
او سیستم علائم
او سیستم علائم راه‌آهن
ان *Centralized signal control*

مرکزگریز
بج *جداساز مرکزگریز*
اع۱ جداساز
اع۲ تجهیزات
او شبیه‌ساز فضایی
او مرکزگریزانی
ان *Centrifuges*

مرکزگریزانی
اع۱ جداسازی
اع۲ عملیات شیمیایی
او آب‌زدایی
او استخراج
او پالیدن
او مرکزگریز
ان *Centrifugation*

مرکز ماشین‌کاری
اع۱ ماشین‌ابزار
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
ان *Machining center*

مرمت
او بازسازی(سازه‌ای)
او ترمیم
او نگهداشت
او نوسازی
ان *Restoration*

مرمر
اع۱ سنگ دگرگونی
اع۲ سنگ بلوری
اع۳ سنگ
اع۳ مواد بلوری
او سنگ آهک
او مرمر مصنوعی
او مصالح ساختمانی
ان *Marble*

مرمر مصنوعی
اع۱ مواد
او مرمر
او مصالح ساختمانی
ان *Synthetic marble*

مزد
بج *حقوق*
اع۱ حقوق و مزایا(کارکنان)
او کارکنان
ان *Wage*

مزرعه
اخ۱ باغ میوه
اخ۱ ساختمان کشاورزی
اخ۲ انبار غله(کشاورزی)
اخ۱ کشتزار کائوچو
او کشاورزی
او ماشین‌آلات کشاورزی
او منطقه روستایی
ان *Farm*

مزه
بج *طعم*

اع۱ افزودنی مواد غذایی
اع۲ افزودنی
اع۳ مواد شیمیایی
اع۲ فراورده غذایی
ان *Flavor*

مس

اع۱ فلز واسطه
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او آبکاری مس
او آلیاژ مس
او پودر مس
او ترکیبات مس
او خوردگی مس
او ذخیره مس
او عمل‌آوری کان‌سنگ مس
او فرایند ریخته‌گری مس
او فلزنگاری مس
او فولاد روکش‌مسی
او قراضه مس
او لوله مسی
او متالورژی مس
او معدن مس
ان *Copper*

مساله معکوس

اع۱ فن ریاضی
او حرکت‌شناسی معکوس
ان *Inverse problem*

مساله آب‌وهوای سرد

او اثر سردی
او اثر یخبندان
او باتلاق
او برداشتن برف و یخ
او برف
او خاک یخزده
او سازه زیر برف
ان *Cold weather problem*

مساله آب‌وهوای گرم

او اثر گرما
او استوا
او ساختمان گرمسیری
او مهندسی گرمسیری
ان *Hot weather problem*

مساله پارافین

او بهره‌برداری از چاه نفت
او پارافین
او پارافین جامد
او رسوب‌گذاری پارافین
ان *Paraffin problem*

مساله پزشکی

او بهداشت
او بهداشت صنعتی
او پزشکی
او مراقبت بهداشتی
ان *Medical problem*

مساله شوک

او آزمایش شوک
او بسته‌بندی
او جابه‌جایی مواد
ان *Shock problem*

مساله گرما

ب‌ج *مساله گرمایش*
او اثر گرما
او راکت
او گرمایش آیرودینامیکی
او ماهواره
او موشک
ان *Heat problem*

مساله گرمایش
ب‌ک مساله گرما

مساله مقدار مرزی

اع۱ معادله دیفرانسیل
اع۲ فن ریاضی
او تابع گرین
او تحلیل عددی
او روش اجزای محدود
او روش اجزای مرزی
او روش عددی
او معادله دیفرانسیل جزئی

ان *Boundary value problem*

مساله هواشناسی

او پیش‌بینی هوا
او تعدیل آب‌وهوا
او فضاپیما
او هواشناسی
او هواگرد
ان *Meteorological problem*

مساله یخ

او برداشتن برف و یخ
او کشتی
او کنترل یخ
او یخ
ان *Ice problem*

مستخدم
ب‌ک کارکنان

مستندسازی برنامه

اع۱ برنامه‌نویسی رایانه
اخ۱ مستندسازی برنامه سیستم
او جدول تصمیم
ان *Program documentation*

مستندسازی برنامه سیستم

اع۱ مستندسازی برنامه
اع۲ برنامه‌نویسی رایانه
او برنامه‌نویسی سیستم رایانه
او تجزیه و تحلیل سیستم‌ها
ان *System program documentation*

مسکن

ی‌د یک اصطلاح خیلی عام است، ترجیحا نوع خاصی از مسکن را به کار برید.
اع۱ ساختمان
اع۲ سازه
اخ۱ خانه
اخ۲ خانه سیار
اخ۱ کاشانه
اخ۱ متل
اخ۱ هتل
او برنامه‌ریزی شهری
او ساختمان هوشمند
ان *Housing*

مسمومیت جیوه‌ای
ب‌ک جیوه(فلز)
ب‌ک سم صنعتی

مسمومیت سربی
ب‌ک سم صنعتی

مسمومیت کاتالیزور

او بازسازی کاتالیزور
او خنثی‌سازی کاتالیزور
او فعالیت کاتالیزور
او کاتالیزور
ان *Catalyst poisoning*

مسیر

اخ۱ مدار
او اخترفیزیک
او انتقال مداری
او پرواز بین‌سیاره‌ای
او راکت
او سفر فضایی
او فضاپیما
او ماموریت قمری
او ماهواره
او محل برخورد فضایی
او موشک
او ناوبری
ان *Trajectory*

مسیر ترابری

او ترابری
او ترابری موتوری
او ترابری هوایی
او جاده و خیابان
او راه آبی درون‌مرزی
او سیستم بزرگراه
ان *Transportation route*

مسیر جهت‌گرد

اع۱ جاده و خیابان
اع۲ امکانات همگانی

او سیستم بزرگراه
ان *Reversible lane*

مسیر خودرو
اع۱ جاده و خیابان
اع۲ امکانات همگانی
او پیاده‌رو
ان *Driveway*

مسیر راه‌آهن
اع۱ کارخانه و ساختمان تجهیزات راه‌آهن
اع۲ تسهیلات
اع۲ راه‌آهن
اخ۱ ریل‌بند
اخ۱ سوزن راه‌آهن
او پارسنگ(ریل راه‌آهن)
او ریل
او ریل‌گذاری
او واگن آزمون مسیر
ان *Railroad track*

مسیر کابلی
اع۱ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۲ تجهیزات
ان *Cableway*

مشاهده‌پذیری
اع۱ نظریه کنترل
او پایداری
او پایداری سیستم
او روش فضای حالت
او سیستم کنترل
ان *Observability*

مشبک‌کاری
اع۱ شکل‌دهی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او برش
او پرس‌کاری فلز
او حفاری
او حفره‌کنی
او سوراخ‌کاری
او منگنه‌کاری
ان *Perforating*

مشبک‌کاری چاه
اع۱ تکمیل چاه
او چاه گاز طبیعی
او چاه نفتی
او سوراخ‌کن
ان *Well perforation*

مشتقات
بج *مشتقات شیمیایی*
اع۱ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ مشتقات سلولز
اخ۲ رزین سلولزی
اخ۲ نیتروسلولز
ان *Derivatives*

مشتقات سلولز
اع۱ مشتقات
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ رزین سلولزی
اخ۱ نیتروسلولز
او الیاف نساجی
او سلولز
او کلوئید محافظ
ان *Cellulose derivative*

مشتقات شیمیایی
بک مشتقات

مشتق‌گیری(حساب)
بج *حساب دیفرانسیل*
اع۱ فن ریاضی
او تحلیل عددی
او معادله دیفرانسیل
ان *Differentiation (calculus)*

مشخصات
او ارزشیابی
او استاندارد
او استانداردکردن
او بازرسی
او تضمین کیفیت
او عملکرد

او قابلیت اطمینان
او نگهداشت
ان *Specifications*

مشخص‌سازی

او ترکیب(نسبت اجزای سازنده)
ان *Characterization*

مشخصه ولتاژ جریان

او مواد نیم‌رسانا
ان *Current voltage characteristic*

مشدد کاواکی

ب‌ک بازآواگر کاواکی

مشعل

ب‌ک مشعل سوختی

مشعل سوختی

ب‌ج *مشعل*
اع۱ کوره
اع۲ تجهیزات احتراق
اع۳ تجهیزات
اخ۱ مشعل گازی
اخ۱ مشعل دوسوخته
اخ۱ مشعل نفت‌سوز
او دستگاه سوخت‌رسانی
او محترق‌کننده
ان *Fuel burner*

مشعل گازی

اع۱ مشعل سوختی
اع۲ کوره
اع۳ تجهیزات احتراق
او سوخت
او سوخت گازی
او کوره گازسوز
ان *Gas burner*

مشعل پلاسمایی

اع۱ ابزار پلاسما
اع۲ تجهیزات
او برش با قوس پلاسما
او کاربرد پلاسما
ان *Plasma torche*

مشعل دوسوخته

اع۱ مشعل سوختی
اع۲ کوره
اع۳ تجهیزات احتراق
ان *Dual fuel burner*

مشعل نفت‌سوز

اع۱ مشعل سوختی
اع۲ کوره
اع۳ تجهیزات احتراق
او روغن سوختی
او کوره نفتی
ان *Oil burner*

مصالح استراتژیک

ب‌ک مصالح راهبردی

مصالح بنایی

اع۱ مصالح ساختمانی
اع۲ مواد
اخ۱ آجر
اخ۲ آجر آهکی
اخ۲ آجر سیلیسی
اخ۱ بتن
اخ۲ بتن پیش‌تنیده
اخ۲ بتن پیش‌ریخته
اخ۲ بتن سبک
اخ۲ بتن مسلح
اخ۲ بتن منبسط شونده
اخ۲ بتن نسوز
اخ۲ سنگدانه بتن
اخ۱ ملات
او ساخت بنایی
ان *Masonry materials*

مصالح پیش‌تنیده

اع۱ مصالح ساختمانی
اع۲ مواد
اخ۱ بتن پیش‌تنیده
او پیش‌تنیدگی
او تیر و شاه‌تیر پیش‌تنیده
ان *Prestressed materials*

مصالح ترد
ب‌ک شکنندگی

مصالح راهبردی
ب‌ج *مصالح استراتژیک*
ب‌ج *مواد بحرانی*
اع۱ مواد
او عملیات نظامی
او کبالت
او کروم
او منگنز
ان *Strategic materials*

مصالح راه‌سازی
اع۱ مصالح ساختمانی
اع۲ مواد
او آهک
او بتن
او جاده و خیابان
او خاکستر سبک
او رزین اپوکسی
او سنگ آهک
او شن
او لاستیک
او مصالح سنگی
او مواد فرش‌کردن قیری
ان *Roadbuilding materials*

مصالح ساختمانی
ب‌ج *مصالح سازه‌ای*
اع۱ مواد
اخ۱ بلوک بتنی
اخ۱ تخته خرده‌چوب
اخ۱ روکار سیمانی
اخ۱ سرامیک سازه‌ای
اخ۱ سیمان
اخ۲ افزودنی سیمان
اخ۲ بتونه
اخ۲ پوزولان
اخ۲ خاک سیمان
اخ۲ سیمان پرتلند
اخ۲ سیمان پنبه نسوز
اخ۲ سیمان سرباره‌ای
اخ۲ سیمان ضدآب
اخ۱ فلز سازه‌ای
اخ۱ کاشی
اخ۱ مصالح بنایی
اخ۲ آجر
اخ۳ آجر آهکی
اخ۳ آجر سیلیسی
اخ۲ بتن
اخ۳ بتن پیش‌تنیده
اخ۳ بتن پیش‌ریخته
اخ۳ بتن سبک
اخ۳ بتن مسلح
اخ۳ بتن منبسط شونده
اخ۳ بتن نسوز
اخ۳ سنگدانه بتن
اخ۲ ملات
اخ۱ مصالح پیش‌تنیده
اخ۲ بتن پیش‌تنیده
اخ۱ مصالح راه‌سازی
اخ۱ مصالح ساختمانی سبک
اخ۲ بتن سبک
اخ۱ مصالح ساختمانی مومسان
اخ۱ مصالح کشتی‌سازی
او تخته چندلا
او چندلای چوبی
او درزبند
او ساختمان
او سازه
او سنگ لوح
او شن
او طراحی سازه
او گچ
او مرمر
او مرمر مصنوعی
ان *Building materials*

مصالح ساختمانی سبک
اع۱ مصالح ساختمانی
اع۲ مواد
اخ۱ بتن سبک
او سازه سبک
ان *Light weight building materials*

مصالح ساختمانی مومسان
اع۱ فراورده مومسان
اع۱ مصالح ساختمانی
اع۲ مواد

ان *Plastic building materials*

مصالح سازه‌ای

ب‌ک مصالح ساختمانی

مصالح سنگی

اع۱ مواد

اخ۱ سنگدانه بتن

او مصالح راه‌سازی

او مواد متخلخل

ان *Aggregates*

مصالح صداگیر

ب‌ج *مصالح عایق‌کاری صوتی*

اع۱ مصالح عایق‌کاری

اع۲ مواد

او تجهیزات کنترل آلودگی نوفه

او جذب موج صوتی

او صداگیری

او کاهش نوفه

ان *Sound Insulating materials*

مصالح عایق‌کاری

اع۱ مواد

اخ۱ مصالح صداگیر

اخ۱ مصالح عایق‌کاری دمایی

اخ۱ مواد عایق‌بندی الکتریکی

اخ۲ روکش عایق الکتریکی

اخ۲ مصالح عایق‌کاری مایع

اخ۳ روغن عایق

او پلاستیک اسفنجی

او عایق‌کاری

او گذردهی الکتریکی

ان *Insulating materials*

مصالح عایق‌کاری دمایی

اع۱ مصالح عایق‌کاری

اع۲ مواد

او پنبه نسوز

او رسانندگی گرمایی

او عایق‌کاری گرمایی

او فراورده اسفنجی

ان *Thermal insulating materials*

مصالح عایق‌کاری صوتی

ب‌ک مصالح صداگیر

مصالح عایق‌کاری مایع

اع۱ مواد عایق‌بندی الکتریکی

اع۲ مصالح عایق‌کاری

اع۳ مواد

اخ۱ روغن عایق

ان *Liquid insulating materials*

مصالح کشتی‌سازی

اع۱ مصالح ساختمانی

اع۲ مواد

او کارخانه کشتی‌سازی

او کشتی

او کشتی‌سازی

ان *Shipbuilding materials*

مصالح لوله‌سازی

اع۱ مواد

او شلنگ

او لوله(اجزا)

او مواد خودرو

ان *Tubing*

مصالح هوشمند

اع۱ مواد

او اثر حافظه شکلی

او سازه هوشمند

او مواد پیزوالکتریکی

او مواد مختلط

ان *Intelligent materials*

مصب رودخانه

ب‌ج *دهانه رودخانه مستغرق*

ب‌ج *منبع آب مصب رودخانه*

اع۱ آب سطحی

او رودخانه

او منبع آب سطحی

ان *Estuary*

مصرف انرژی

ب‌ک به‌کاربری انرژی

مصرف سوخت

او اقتصاد سوخت
او سوخت
او عملکرد
ان *Fuel consumption*

مصنوع نساجی

اع۱ مواد
اخ۱ توری سیمی
اخ۱ مخلوط نساجی
اخ۱ مصنوع نساجی فلزی
اخ۱ مصنوع نساجی نایلونی
اخ۱ مصنوع نساجی نظامی
اخ۱ منسوجات
اخ۲ پارچه کتانی
اخ۲ منسوجات ابریشم مصنوعی
اخ۲ منسوجات بی‌بافت
اخ۳ چرم مصنوعی
اخ۳ نمد
اخ۲ منسوجات پشمی و فاستونی
اخ۲ منسوجات تریکو
اخ۲ منسوجات خودرو
اخ۲ منسوجات هواگرد
اخ۱ منسوجات پنبه‌ای
او الیاف مصنوعی نساجی
او الیاف نساجی
او برگشت چین
او پرزدهی مصنوع نساجی
او پنبه
او تکمیل نساجی
او جمع‌شدگی
او چرم
او خشک‌شویی
او رنگرزی
او سرعت رنگ‌کردن
او سفیدشویی
او سیستم شماره‌گذاری نساجی
او صنعت نساجی
او عامل ضدثبات
او ماشین‌آلات نساجی
او مواد کمکی نساجی
او نخ
ان *Textile*

مصنوع نساجی فلزی

اع۱ مصنوع نساجی
اع۲ مواد
او فلز
ان *Metallic textiles*

مصنوع نساجی نایلونی

اع۱ مصنوع نساجی
اع۲ مواد
او الیاف مصنوعی
او الیاف نساجی
او بسپار نایلونی
ان *Nylon textiles*

مصنوع نساجی نظامی

اع۱ مصنوع نساجی
اع۲ مواد
او تجهیزات نظامی
او عملیات نظامی
او مهندسی نظامی
ان *Military textiles*

مطالعه حرکت خون

بج *گردش خون*
بج *همودینامیک*
اخ۱ ریزگردش
او جریان مویین
او دستگاه قلبی-عروقی
او فیزیک‌درمانی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Hemodynamics*

مطالعه خطرپذیری

بک خطرپذیری

مطالعه دستگاه‌های زنده

اع۱ تجربه
اع۲ پژوهش
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Living systems study*

مطالعه زمان و حرکت

بج *زمان‌سنجی*
اع۱ مدیریت
او اندازه‌گیری زمان

او تجزیه و تحلیل شغل
او ساده‌سازی کار
او مهندسی صنعتی
او مهندسی فاکتورهای انسانی
او واحد صنعتی
ان *Time and motion study*

مطالعه غدد داخلی
اع۱ پزشکی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Endocrinology*

معادله انتگرالی
اع۱ فن ریاضی
اخ۱ معادله انتگرودیفرانسیل
او تحلیل عددی
ان *Integral equation*

معادله انتگرودیفرانسیل
اع۱ معادله انتگرالی
اع۲ فن ریاضی
اع۱ معادله دیفرانسیل
اع۲ فن ریاضی
ان *Integrodifferential equation*

معادله تفاضلی
اع۱ تحلیل عددی
اع۲ فن ریاضی
اع۱ معادله دیفرانسیل
اع۲ فن ریاضی
او تبدیل زد.
او روش اجزای محدود
او روش اجزای مرزی
او روش تفاضل متناهی
او سیستم کنترل بهینه
او فن خطی قطعه‌دار
ان *Difference equation*

معادله حالت
اع۱ فن ریاضی
اخ۱ معادله حالت جامد
اخ۱ معادله حالت گاز
اخ۱ معادله حالت مایع
او ترمودینامیک
او گذار فاز
ان *Equations of state*

معادله حالت جامد
اع۱ معادله حالت
اع۲ فن ریاضی
او جامد
ان *Equations of state of solid*

معادله حالت گاز
اع۱ معادله حالت
اع۲ فن ریاضی
او گاز
او نظریه جنبشی گازها
ان *Equations of state of gas*

معادله حالت مایع
اع۱ معادله حالت
اع۲ فن ریاضی
او مایع
ان *Equations of state of liquid*

معادله حرکت
اع۱ معادله دیفرانسیل
اع۲ فن ریاضی
اخ۱ معادله ناویر استوکس
او پایداری
او دینامیک جریان محاسبه‌ای
ان *Equations of motion*

معادله دیفرانسیل
اع۱ فن ریاضی
اخ۱ تابع گرین
اخ۱ مساله مقدار مرزی
اخ۱ معادله انتگرودیفرانسیل
اخ۱ معادله تفاضلی
اخ۱ معادله حرکت
اخ۲ معادله ناویر استوکس
اخ۱ معادله دیفرانسیل جزئی
اخ۲ معادله ماکسول
اخ۱ معادله ریکاتی
او پایداری مجانبی
او تحلیل عددی
او دینامیک جریان محاسبه‌ای

او روش اجزای محدود
او روش اجزای مرزی
او شرط مرزی
او ضریب لاگرانژ
او مشتق‌گیری(حساب)
ان *Differential equation*

معادله دیفرانسیل جزئی

اع۱ معادله دیفرانسیل
اع۲ فن ریاضی
اخ۱ معادله ماکسول
او مساله مقدار مرزی
او ویژه‌مقدار و ویژه‌تابع
ان *Partial differential equation*

معادله ریکاتی

اع۱ معادله دیفرانسیل
اع۲ فن ریاضی
او برآورد
او نظریه کنترل
ان *Riccati equation*

معادله غیرخطی

اع۱ فن ریاضی
او تحلیل عددی
او دوشاخه‌شدگی(ریاضیات)
او سولیتون
ان *Nonlinear equation*

معادله ماکسول

ب‌ج *معادله میدان الکترومغناطیسی*
ب‌ج *معادله میدانی ماکسول*
اع۱ معادله دیفرانسیل جزئی
اع۲ معادله دیفرانسیل
اع۳ فن ریاضی
او الکترومغناطیس
او موج الکترومغناطیسی
او میدان الکتریکی
او میدان مغناطیسی
ان *Maxwell equation*

معادله میدان الکترومغناطیسی
ب‌ک معادله ماکسول

معادله میدانی ماکسول
ب‌ک معادله ماکسول

معادله ناویر استوکس

اع۱ معادله حرکت
اع۲ معادله دیفرانسیل
اع۳ فن ریاضی
او پسار
او جریان گرانرو
او دینامیک سیالات
او نظریه جنبشی گازها
ان *Navier Stokes equation*

معبر پل
ب‌ک راه پل

معدن

اع۱ تسهیلات
اخ۱ چاه معدن
اخ۲ آستر چاه معدن
اخ۱ معدن کروم
اخ۱ معدن آنتیموان
اخ۱ معدن آهن
اخ۱ معدن الماس
اخ۱ معدن اورانیم
اخ۱ معدن بوکسیت
اخ۱ معدن بیسموت
اخ۱ معدن پتاس
اخ۱ معدن پلاتین
اخ۱ معدن پنبه نسوز
اخ۱ معدن تالک
اخ۱ معدن تانتال
اخ۱ معدن تنگستن
اخ۱ معدن تیتانیم
اخ۱ معدن جیوه
اخ۱ معدن روباز
اخ۱ معدن روی
اخ۲ معدن مس و روی
اخ۳ معدن روی و سرب و مس
اخ۱ معدن زغال‌سنگ
اخ۲ معدن لیگنیت
اخ۱ معدن سرب
اخ۲ معدن روی و سرب و مس
اخ۱ معدن طلا
اخ۲ معدن مس و طلا

اخ۲ معدن نقره و طلا
اخ۱ معدن فسفات
اخ۱ معدن قلع
اخ۱ معدن کبالت
اخ۱ معدن متروک
اخ۱ معدن مس
اخ۲ معدن مس و روی
اخ۳ معدن روی و سرب و مس
اخ۲ معدن مس و طلا
اخ۱ معدن منگنز
اخ۱ معدن منیزیت
اخ۱ معدن مولیبدن
اخ۱ معدن نقره
اخ۲ معدن نقره و طلا
اخ۱ معدن نمک
اخ۱ معدن نیکل
اخ۱ معدن نیوبیم
او آتش‌سوزی معدن
او احیای زمین
او ارزیابی منبع
او اکتشاف منبع طبیعی
او انفجار معدن
او تکیه‌گاه سطح جاده
او تهویه معدن
او سازه زیرزمینی
او سیلاب‌روبی معدن
او غبار معدن
او فرونشینی
او فشار سنگ
او کنترل سقف معدن
او گاز زغال
او معدنچی
او معدن‌کاری
او مقررات و قوانین معدن‌کاری
ان *Mine*

معدن کروم

اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
او ذخیره کرومیت
او کروم
او کرومیت
ان *Chromium mine*

معدن آنتیموان

اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
او آنتیموان
او ذخیره آنتیموان
ان *Antimony mine*

معدن آهن

اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
او آهن
او ذخیره آهن
او صنعت آهن و فولاد
ان *Iron mine*

معدن الماس

اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
او الماس
ان *Diamond mine*

معدن اورانیم

اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
او اورانیم
او ذخیره اورانیم
ان *Uranium mine*

معدن بوکسیت

اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
او آلومینیوم
او ذخیره بوکسیت
ان *Bauxite mine*

معدن بیسموت

اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
او بیسموت
ان *Bismuth mine*

معدن پتاس

اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
او پتاس

او پتاسیم
او ذخیره پتاس
ان *Potash mine*

معدن پلاتین
اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
او پلاتین
ان *Platinum mine*

معدن پنبه نسوز
اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
او پنبه نسوز
او ذخیره پنبه نسوز
ان *Asbestos mine*

معدن تالک
اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
او تالک
او ذخیره تالک
ان *Talc mine*

معدن تانتال
اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
او تانتال
او ذخیره تانتال
ان *Tantalum mine*

معدن تنگستن
اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
او تنگستن
او ذخیره تنگستن
ان *Tungsten mine*

معدن تیتانیم
اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
او تیتانیم
او ذخیره تیتانیم
ان *Titanium mine*

معدن جیوه
اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
او جیوه(فلز)
او ذخیره جیوه
ان *Mercury mine*

معدنچی
اع۱ کارکنان
او معدن
او معدن‌کاری
ان *Miner*

معدن روباز
اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
او استخراج روباز
او سنگ
او شن
او ماسه
ان *Quarry*

معدن روی
اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
اخ۱ معدن مس و روی
اخ۲ معدن روی و سرب و مس
او ذخیره روی
او ذخیره روی و سرب
او روی
ان *Zinc mine*

معدن روی و سرب و مس
اع۱ معدن سرب
اع۲ معدن
اع۳ تسهیلات
اع۱ معدن مس و روی
اع۲ معدن روی
اع۳ معدن
اع۲ معدن مس
اع۳ معدن
او ذخیره روی و سرب و مس
او معدن سرب
او معدن مس و روی
ان *Copper lead zinc mine*

معدن زغال‌سنگ

اع۱	معدن
اع۲	تسهیلات
اخ۱	معدن لیگنیت
او	پسمانده زغال‌سنگ
او	زغال‌سنگ
او	صنعت زغال‌سنگ
ان	*Coal mine*

معدن سرب

اع۱	معدن
اع۲	تسهیلات
اخ۱	معدن روی و سرب و مس
او	خیساندن
او	سرب
او	معدن روی و سرب و مس
ان	*Lead mine*

معدن طلا

اع۱	معدن
اع۲	تسهیلات
اخ۱	معدن مس و طلا
اخ۱	معدن نقره و طلا
او	ذخیره طلا
او	طلا
ان	*Gold mine*

معدن فسفات

اع۱	معدن
اع۲	تسهیلات
او	ذخیره فسفات
او	فسفات
او	فسفر
او	کانی فسفاتی
ان	*Phosphate mine*

معدن قلع

اع۱	معدن
اع۲	تسهیلات
او	ذخیره قلع
او	قلع
ان	*Tin mine*

معدن‌کار پیوسته(ماشین)

اع۱	ماشین حفار بارکننده
اع۲	لودر
اع۳	تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۲	ماشین برش(معدن‌کاری)
اع۳	تجهیزات برش
اع۳	ماشین‌آلات معدن‌کاری
ان	*Continuous miner*

معدن‌کاری

اع۱	تولید
اخ۱	استخراج پلکانی
اخ۱	استخراج روباز
اخ۱	ترابری معدن
اخ۲	ترابری معدن زیرزمینی
اخ۲	ترابری معدن سطحی
اخ۱	شمع‌کنی
اخ۱	کنترل سقف معدن
اخ۱	معدن‌کاری اتاق و پایه
اخ۱	معدن‌کاری انحلالی
اخ۱	معدن‌کاری پلاسری
اخ۱	معدن‌کاری روباز
اخ۱	معدن‌کاری هیدرولیکی
او	آتش‌سوزی معدن
او	احیای زمین
او	اکتشاف منبع طبیعی
او	انفجار
او	انفجار معدن
او	بررسی معدنی
او	پیچ‌کردن سنگ
او	تجهیزات معدن‌کاری
او	تکیه‌گاه سطح جاده
او	تنگ‌هم‌چینی(معدن)
او	تهویه معدن
او	تونل‌سازی
او	دوغاب‌ریزی
او	زمین‌لغزه
او	سازه زیرزمینی
او	سنگ‌پکش
او	سیلاب‌روبی معدن
او	عمل‌آوری کان‌سنگ
او	غبار معدن
او	فرونشینی
او	فشار سنگ
او	گاز زغال
او	گازپکش
او	گودبرداری

او معدن
او معدنچی
او مقررات و قوانین معدن‌کاری
او مکانیک سنگ
او مهندسی معدن
او مواد منفجره
او نجات در معدن
او هوای فشرده
ان *Mining*

معدن‌کاری اتاق و پایه
اع۱ معدن‌کاری
اع۲ تولید
او شمع‌کنی
ان *Room and pillar mining*

معدن‌کاری انحلالی
اع۱ معدن‌کاری
اع۲ تولید
او خیساندن
ان *Solution mining*

معدن‌کاری پلاسری
اع۱ معدن‌کاری
اع۲ تولید
ان *Placer mining*

معدن‌کاری روباز
ب‌ج *معدن‌کاری سطحی*
اع۱ معدن‌کاری
اع۲ تولید
ان *Open pit mining*

معدن‌کاری سطحی
ب‌ک معدن‌کاری روباز

معدن‌کاری هیدرولیکی
اع۱ معدن‌کاری
اع۲ تولید
او تجهیزات هیدرولیکی
او ماشین‌آلات هیدرولیکی
ان *Hydraulic mining*

معدن کبالت
اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
او ذخیره کبالت
او کبالت
ان *Cobalt mine*

معدن لیگنیت
اع۱ معدن زغال‌سنگ
اع۲ معدن
اع۳ تسهیلات
او لیگنیت
ان *Lignite mine*

معدن متروک
اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
ان *Abandoned mine*

معدن مس
اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
اخ۱ معدن مس و روی
اخ۲ معدن روی و سرب و مس
اخ۱ معدن مس و طلا
او ذخیره مس
او ذخیره نقره و مس
او مس
ان *Copper mine*

معدن مس و روی
اع۱ معدن روی
اع۲ معدن
اع۳ تسهیلات
اع۱ معدن مس
اع۲ معدن
اع۳ تسهیلات
اخ۱ معدن روی و سرب و مس
او ذخیره روی و مس
او معدن روی و سرب و مس
ان *Copper zinc mine*

معدن مس و طلا
اع۱ معدن طلا
اع۲ معدن

اع۳ تسهیلات
اع۱ معدن مس
اع۲ معدن
اع۳ تسهیلات
او ذخیره طلا
او ذخیره مس
ان *Copper gold mine*

معدن منگنز

اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
او ذخیره منگنز
او منگنز
ان *Manganese mine*

معدن منیزیت

اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
اع۱ منیزیم
اع۲ فلز قلیایی خاکی
اع۳ فلز غیرآهنی
او منیزیت
او منیزیم
ان *Magnesite mine*

معدن مولیبدن

اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
او ذخیره مولیبدن
او مولیبدن
ان *Molybdenum mine*

معدن نقره

اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
اخ۱ معدن نقره و طلا
او ذخیره نقره
او ذخیره نقره و مس
او نقره
ان *Silver mine*

معدن نقره و طلا

اع۱ معدن طلا
اع۲ معدن

اع۳ تسهیلات
اع۱ معدن نقره
اع۲ معدن
اع۳ تسهیلات
او ذخیره طلا
او ذخیره نقره
ان *Silver gold mine*

معدن نمک

اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
او ذخیره نمک
او سدیم کلرید
ان *Salt mine*

معدن نیکل

اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
او ذخیره نیکل
او نیکل
ان *Nickel mine*

معدن نیوبیم

اع۱ معدن
اع۲ تسهیلات
او ذخیره نیوبیم
او نیوبیم
ان *Niobium mine*

معده و روده‌شناسی

اع۱ پزشکی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Gastroenterology*

معلول

بج *اشخاص ازکارافتاده*
او توانبخشی بیمار
او کارکنان
او مهندسی توانبخشی انسانی
ان *Handicapped person*

معماری

اخ۱ صوت‌شناسی ساختمانی
اخ۱ طراحی معماری

او ساخت
او ساختمان
او ساختمان مدل
او سازه
ان *Architecture*

معماری دریایی

او قایق
او کشتی
او کشتی‌سازی
او مهندسی دریایی
ان *Naval architecture*

معماری رایانه

او برنامه‌نویسی رایانه
او رایانه
او ریزبرنامه‌نویسی
او طراحی منطقی
ان *Computer architecture*

معیار پایداری

او پایداری سیستم
او مکان ریشه
ان *Stability criteria*

مغز

او ثبت نوار مغزی
او جراحی اعصاب
او عصب‌شناسی
او فیزیک‌درمانی اعصاب
او مدل مغز
ان *Brain*

مغناطش

او آهنربا
او بازماند
او پسماند مغناطیسی
او حباب مغناطیسی
او حوزه مغناطیسی
او گشتاور مغناطیسی
او مغناطیس
او میدان مغناطیسی
او نیروی وادارنده
او وامغناطش
او ویژگی مغناطیسی
ان *Magnetization*

مغناطوپلاسما

اع۱ پلاسما
ان *Magnetoplasma*

مغناطومقاومت

ب‌ک مقاومت مغناطیسی

مغناطوهیدرودینامیک

اع۱ اثر میدان مغناطیسی
اع۲ اثر
اع۱ هیدرودینامیک
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
اع۳ مکانیک‌سیالات
او تولید نیروی مغناطوهیدرودینامیک
او مبدل مغناطوهیدرودینامیک
او نیروگاه مغناطوهیدرودینامیک
او یونش
ان *Magnetohydrodynamics*

مغناطیس

ی‌د پدیده. برای فرایند یا حالت، اصطلاح "مغناطش" را به کار برید.
اخ۱ الکترومغناطیس
اخ۱ پادفرومغناطیس
اخ۱ پارامغناطیس
اخ۱ دیامغناطیس
اخ۱ زمین‌مغناطیس
اخ۱ فرومغناطیس
اخ۱ فری‌مغناطیس
اخ۱ متامغناطیس
او الکترودینامیک
او الکتریسیته
او اندازه‌گیری متغیر مغناطیسی
او آهنربا
او حفاظ مغناطیسی
او شکل‌دهی مغناطیسی
او کنترل متغیر مغناطیسی
او گشتاور مغناطیسی
او مغناطش
او مغناطیس‌شناسی ساکن
او مواد مغناطیسی

او میدان مغناطیسی
او نشت مغناطیسی
او واهلش مغناطیسی
او ویژگی مغناطیسی
ان *Magnetism*

مغناطیس‌پذیری
ب‌ک تراوایی مغناطیسی

مغناطیس زمین
ب‌ک زمین‌مغناطیس

مغناطیس‌سنج
ب‌چ *مغناطیس‌نگار*
اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری مغناطیسی
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او اندازه‌گیری میدان مغناطیسی
او سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
ان *Magnetometer*

مغناطیس‌شناسی ساکن
اع۱ فیزیک
اع۲ علوم طبیعی
او الکترومغناطیس
او مغناطیس
او میدان مغناطیسی
ان *Magnetostatics*

مغناطیس‌نگار
ب‌ک مغناطیس‌سنج

مفتول انفجاری
اع۱ سیم
اع۲ مواد
او انفجار (ترکشی)
ان *Exploding wire*

مفتول جوشکاری
اع۱ الکترود جوشکاری
اع۲ الکترود
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او الکترود سیمی اندوده
او جوشکاری برقی
او سیم
او فلز پرکننده
ان *Welding rod*

مفسر برنامه
اع۱ پردازشگر برنامه
اع۲ نرم‌افزار رایانه
ان *Program interpreter*

مفصل(تشریح)
اع۱ دستگاه عضلانی‌اسکلتی
او زیست‌مکانیک
ان *Joint (anatomy)*

مفصل ران مصنوعی
ب‌ک برسازه مفصل خاصره‌ای-رانی

مقاومت
اع۱ اجزای شبکه
اع۲ اجزا
اع۲ شبکه(مدار)
اخ۱ پتانسیل‌سنج(مقاومت)
اخ۱ پوزیستور
اخ۱ فوتومقاومت
اخ۱ مقاومت گرمایی
اخ۱ وارسیتور
او القاگر الکتریکی
او تجهیزات رادیویی
او تقسیمگر ولتاژ
او رسانای الکتریکی
او عدد ترجیحی
ان *Resistor*

مقاومت الکتریکی
اع۱ پاگیری الکتریکی
اع۲ ویژگی الکتریکی
اع۳ ویژگی فیزیکی
اخ۱ مقاومت منفی
او اندازه‌گیری مقاومت الکتریکی
ان *Electric resistance*

مقاومت اوزون
اع۱ مقاومت شیمیایی
او خورندگی شیمیایی

او مقاومت در برابر خوردگی
ان *Ozone resistance*

مقاومت برشی

اع۱ مقاومت مصالح
اع۲ ویژگی مکانیکی
او تنش برشی
او خاک
او خستگی مصالح
ان *Shear strength*

مقاومت ترکیدگی

ب‌چ *تاب ترکیدگی*
ب‌چ *مقاومت در برابر انفجار*
اع۱ ویژگی مکانیکی
او انفجار
او انفجار (ترکشی)
او طراحی سازه
ان *Blast resistance*

مقاومت تسلیم

ب‌ک تنش تسلیم

مقاومت تنظیم‌پذیر

ب‌ک پتانسیل‌سنج(مقاومت)

مقاومت حرارتی

او ابرآلیاژ
او مواد نسوز
ان *Heat resistance*

مقاومت حساس به نور

ب‌ک فوتومقاومت

مقاومت خستگی

ب‌ک خستگی مصالح
ب‌ک مقاومت مصالح

مقاومت در برابر آتش

اخ۱ مقاومت در برابر شعله
او آتش‌سوزی
او بازدارنده شعله
او حفاظت در مقابل آتش‌سوزی
او ضدآتش‌کردن
او طراحی سازه
او قابلیت اشتعال
ان *Fire resistance*

مقاومت در برابر اسید

اع۱ مقاومت شیمیایی
او اسید
او مقاومت در برابر خوردگی
ان *Acid resistance*

مقاومت در برابر اکسایش

اع۱ مقاومت در برابر خوردگی
او اکسایش
او آلیاژ مقاوم در برابر خوردگی
او بازدارنده خوردگی
ان *Oxidation resistance*

مقاومت در برابر انفجار

ب‌ک مقاومت ترکیدگی

مقاومت در برابر تندباد

او اثر تندباد
او تندباد
او ساختمان
او سازه
او طراحی سازه
ان *Hurricane resistance*

مقاومت در برابر خوردگی

اخ۱ مقاومت در برابر اکسایش
او اثر خوردگی
او آلیاژ مقاوم در برابر خوردگی
او بازدارنده خوردگی
او حفاظت از خوردگی
او خوردگی
او مقاومت اوزون
او مقاومت در برابر اسید
او مقاومت شیمیایی
ان *Corrosion resistance*

مقاومت در برابر روغن

اع۱ مقاومت شیمیایی
ان *Oil resistance*

مقاومت در برابر زلزله

او اثر زلزله
او حفاظت
او دیوار برشی
او زلزله
او طراحی سازه
ان *Earthquake resistance*

مقاومت در برابر سایش

اع۱ ویژگی مکانیکی
او سایش مواد
او سختی
ان *Wear resistance*

مقاومت در برابر شعله

اع۱ مقاومت در برابر آتش
او بازدارنده شعله
ان *Flame resistance*

مقاومت در برابر قارچ

او حفاظت از قارچ
او حمله قارچ
او قارچ
ان *Fungus resistance*

مقاومت در برابر موریانه

او حفاظت از موریانه
او کنترل حشره
ان *Termite resistance*

مقاومت در برابر یخبندان

او اثر یخبندان
او حفاظت از یخبندان
ان *Frost resistance*

مقاومت سرش

او پیشگیری حادثه
او جاده و خیابان
او حادثه بزرگراهی
او سرش
او لاستیک چرخ
ان *Skid resistance*

مقاومت شیمیایی

اخ۱ مقاومت اوزون
اخ۱ مقاومت در برابر اسید
اخ۱ مقاومت در برابر روغن
او خورندگی شیمیایی
او مقاومت در برابر خوردگی
او مواد مقاوم شیمیایی
ان *Chemical resistance*

مقاومت ضربه‌ای

او آزمایش ضربه
او چغرمگی شکست
او طراحی سازه
ان *Impact resistance*

مقاومت ضریب دمایی مثبت

ب‌ک پوزیستور

مقاومت ظاهری الکتریکی

ب‌ک پاگیری الکتریکی

مقاومت ظاهری صوتی

ب‌ک پاگیری صوتی

مقاومت غلتشی

ی‌د در لاستیک چرخ
اع۱ اصطکاک
اع۲ دینامیک
اع۳ مکانیک
او لاستیک چرخ
او نیروی غلتش(اصطکاک)
ان *Rolling resistance*

مقاومت فشردگی

ب‌چ *استقامت خردشدگی*
اع۱ مقاومت مصالح
اع۲ ویژگی مکانیکی
او آزمایش فشردگی
او تراکم‌پذیری جامد
ان *Compressive strength*

مقاومت گرمایی

ب‌چ *مقاومت گرمایی با ضریب گرمایی منفی*
اع۱ مقاومت
اع۲ اجزای شبکه

اع۳ اجزا
اع۳ شبکه(مدار)
او ابرآلیاژ
او دماپای
او مواد نسوز
ان *Thermistor*

مقاومت گرمایی با ضریب گرمایی منفی
ب‌ک مقاومت گرمایی

مقاومت مصالح
ب‌ج *استحکام مکانیکی*
ب‌ج *مقاومت خستگی*
اع۱ ویژگی مکانیکی
اخ۱ استقامت چسبندگی(مصالح)
اخ۱ استقامت خمشی
اخ۱ مقاومت برشی
اخ۱ مقاومت فشردگی
او تنش
او شکست(مکانیکی)
او لایه‌لایه‌شدگی
ان *Strength of materials*

مقاومت مغناطیسی
ب‌ج *مغناطومقاومت*
ب‌ج *مقاومت مغناطیسی ویژه*
اع۱ اثر گالوانومغناطیسی
اع۲ اثر میدان مغناطیسی
اع۳ اثر
ان *Magnetoresistance*

مقاومت مغناطیسی ویژه
ب‌ک مقاومت مغناطیسی

مقاومت منفی
اع۱ مقاومت الکتریکی
اع۲ پاگیری الکتریکی
اع۳ ویژگی الکتریکی
او دیود تونلی
او نوسانگر(الکترونیک)
ان *Negative resistanc*

مقاومت ویژه الکتریکی
ب‌ک رسانایی الکتریکی

مقاوم‌سازی(فلز)
اع۱ متالورژی
او چغرمه‌سازی
او سخت‌گردانی
او عملیات حرارتی
ان *Strengthening (metal)*

مقایسه‌گر(نوری)
اع۱ سنج‌افزار نوری
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اخ۱ رنگ‌سنج
او بازتاب‌سنج
او نورچگالی‌سنج
او نورسنج
ان *Comparator (optical)*

مقایسه‌گر فاز
اع۱ مدار مقایسه‌گر
اع۲ شبکه(مدار)
او فازسنج
ان *Phase comparator*

مقایسه‌گر ولتاژ
ب‌ک مدار مقایسه‌گر

مقدار تابش
ب‌ک مقدارسنجی

مقدار ترجیحی
ب‌ک عدد ترجیحی

مقدارسنج
ب‌ج دزسنج
ب‌ج *مقدارسنج تابش*
اع۱ سنج‌افزارگزینی هسته‌ای
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او اثر تابش
او آشکارساز تابش
او آشکارساز ذره‌ای
او اندازه‌گیری پرتوزایی
او تابش‌شمار
او مقدارسنجی

ان *Dosimeter*

مقدارسنج تابش
ب‌ک مقدارسنج

مقدارسنجی
ب‌ج *مقدار تابش*
ب‌ج *مقدارسنجی تابشی*
اع۱ اندازه‌گیری
او اثر تابش
او آشکارساز ذره‌ای
او پرتودرمانی
او حفاظت تابشی
او درمان فتودینامیک
او مقدارسنج
ان *Dosimetry*

مقدارسنجی تابشی
ب‌ک مقدارسنجی

مقررات
ب‌ک قانون و قانونگزاری

مقررات و قوانین معدن‌کاری
اع۱ قانون و قانونگزاری
او معدن
او معدن‌کاری
ان *Mining laws and regulations*

مقوا
اع۱ مواد
اخ۱ کاغذ مقوایی کرافت
اخ۱ مقوای موج‌دار
او جعبه مقوایی
او کاغذ
ان *Paperboard*

مقوای موج‌دار
اع۱ مقوا
اع۲ مواد
اع۱ مواد موج‌دار
اع۲ مواد
ان *Corrugated paperboard*

مقیاس دما
اع۱ استاندارد
او اندازه‌گیری دما
او دما
ان *Temperature scale*

مقیاس سنج‌افزار
اع۱ سیستم بازخوانی
اع۲ اجزای سنج‌افزار
اع۳ سنج‌افزار
ان *Instrument scale*

مکان دفن بهداشتی زباله
اع۱ دفع زباله
اع۲ دفع پسمانده
او احیای زمین
او ایستگاه انتقال زباله
او ترکیبات آلی فرار
ان *Land fill*

مکان ریشه
او پایداری
او تحلیل حوزه بسامد
او تحلیل سیستم کنترل
او ترکیب سیستم کنترل
او سیستم کنترل
او قطب و صفر
او معیار پایداری
او نظریه اعداد
ان *Root loci*

مکان‌یابی
ید مکان‌یابی تسهیلات
ب‌ج *مکان‌یابی کارخانه*
اخ۱ تغییر محل
او خط‌لوله
او گزینش محل
او واحد صنعتی
ان *Location*

مکان‌یابی پویا
اع۱ پیشرانی کشتی
اع۲ پیشرانش
ان *Dynamic positioning*

مکان‌یابی عیب

ب‌ک مکان‌یابی عیب الکتریکی

مکان‌یابی عیب الکتریکی

ب‌چ *مکان‌یابی عیب*

او آزمایش عایق‌بندی الکتریکی

او جریان معیوب الکتریکی

او خط الکتریکی

او کابل الکتریکی

ان *Electric fault location*

مکان‌یابی کارخانه

ب‌ک مکان‌یابی

مکانیزه‌کردن

او ابزار

او خودکارسازی

او داده‌پردازی

او سیستم انسان و ماشین

او ماشین‌آلات

او مهندسی سیستم‌ها

ان *Mechanization*

مکانیسم فرمان‌یار

اع۱ تجهیزات کنترل

اع۲ تجهیزات

اخ۱ تقویت‌کننده فرمان‌یار

اخ۱ فرمان هیدرولیکی

اخ۱ مکانیسم فرمان‌یار بادی

اخ۱ موتور فرمان‌یار

اخ۲ همگام‌ساز

او آدمک

او سنجش وضعیت

او کارانداز

او کنترل وضعیت

ان *Servomechanism*

مکانیسم فرمان‌یار بادی

اع۱ تجهیزات کنترل بادی

اع۲ تجهیزات بادی

اع۳ تجهیزات

اع۲ تجهیزات کنترل مکانیکی

اع۳ تجهیزات کنترل

اع۱ مکانیسم فرمان‌یار

اع۲ تجهیزات کنترل

اع۳ تجهیزات

ان *Pneumatic servomechanism*

مکانیسم واکنش

ب‌ک واکنش شیمیایی

مکانیک

ب‌چ *مکانیک کاربردی*

اخ۱ حرکت‌شناسی

اخ۲ پرتاب‌شناسی

اخ۳ پرتاب‌شناسی زیرآبی

اخ۲ حرکت‌شناسی معکوس

اخ۱ دینامیک

اخ۲ ارتعاش(مکانیکی)

اخ۳ ارتعاش ماشین

اخ۲ اصطکاک

اخ۳ اصطکاک درونی

اخ۳ مقاومت غلتشی

اخ۳ نیروی غلتش(اصطکاک)

اخ۲ الکترودینامیک

اخ۲ چرخش

اخ۲ دینامیک باریکه ذره‌ای

اخ۲ دینامیک سیالات

اخ۳ پسار

اخ۳ تلاطم

اخ۳ خیزاب(سیال)

اخ۳ دینامیک جریان محاسبه‌ای

اخ۳ دینامیک گازها

اخ۳ شارش سیال

اخ۳ هیدرودینامیک

اخ۲ شارش جامد

اخ۳ جریان مومسان

اخ۲ نظریه جنبشی

اخ۳ نظریه جنبشی گازها

اخ۱ زیست‌مکانیک

اخ۲ جویدن

اخ۲ حرکت با دوپا

اخ۳ تحلیل گام

اخ۲ مکانیک تنفسی

اخ۱ سیال‌شناسی

اخ۱ مکانیک آماری

اخ۱ مکانیک پیوستاری

اخ۱ مکانیک خاک

اخ۱ مکانیک سنگ

اخ۱ مکانیک‌سیالات
اخ۲ آبشار(مکانیک سیالات)
اخ۲ بادگان‌شناسی
اخ۲ تخلیه(مکانیک سیالات)
اخ۲ تشکیل حباب
اخ۲ خلاءزایی
اخ۲ دینامیک سیالات
اخ۳ پسار
اخ۳ تلاطم
اخ۳ دینامیک جریان محاسبه‌ای
اخ۳ هیدرودینامیک
اخ۲ هیدرولیک
اخ۱ مکانیک شکست
اخ۱ میرایی
اخ۱ نیروی وان‌دروالس
او اندازه‌گیری متغیر مکانیکی
او درجه آزادی(مکانیک)
او طراحی سازه
او کنترل متغیر مکانیکی
او مهندسی مکانیک
او موج شوکی
او نظریه کوانتومی
او نورمکانیک
او ویژگی مکانیکی
ان *Mechanics*

مکانیک آماری

بج *ترمودینامیک آماری*
اع۱ مکانیک
او ترمودینامیک
او روش آماری
او نظریه جنبشی
او نظریه کوانتومی
ان *Statistical mechanics*

مکانیک پیوستاری

بج *مکانیک کلاسیک محیط پیوسته*
بج *نظریه میدان کلاسیک*
اع۱ مکانیک
او کشسانی
او مکانیک‌سیالات
او مومسانی
ان *Continuum mechanics*

مکانیک تنفسی

اع۱ زیست‌مکانیک
اع۲ مکانیک
او تنفس‌درمانی
او دستگاه تنفس مصنوعی
ان *Respiratory mechanic*

مکانیک خاک

اع۱ مکانیک
او آزمایش بارگذاری
او برهم‌کنش ساختار خاک
او حفاظت خاک
او خاک
او مکانیک سنگ
ان *Soil mechanics*

مکانیک سنگ

اع۱ مکانیک
او زمین‌شناسی
او سنگ
او سنگ‌پکش
او سنگ‌شناسی
او معدن‌کاری
او مکانیک خاک
او منبع ذخیره‌سازی آب
او مهندسی معدن
ان *Rock mechanics*

مکانیک‌سیالات

اع۱ مکانیک
اخ۱ آبشار(مکانیک سیالات)
اخ۱ بادگان‌شناسی
اخ۱ تخلیه(مکانیک سیالات)
اخ۱ تشکیل حباب
اخ۱ خلاءزایی
اخ۱ دینامیک سیالات
اخ۲ پسار
اخ۲ تلاطم
اخ۳ تلاطم پلاسما
اخ۳ تلاطم جوی
اخ۲ دینامیک جریان محاسبه‌ای
اخ۲ هیدرودینامیک
اخ۳ الکتروهیدرودینامیک
اخ۳ مغناطوهیدرودینامیک
اخ۳ هیدرودینامیک کشسانی
اخ۱ هیدرولیک

او تراکم‌پذیری گاز
او تراکم‌پذیری مایع
او تماس(مکانیک سیالات)
او حباب(در سیال)
او زاویه تماس
او سیال
او شناوری
او فشار آب‌ایستایی
او گاز
او مایع
او مکانیک پیوستاری
او مووینگی
ان *Fluid mechanics*

مکانیک شبکه
ب‌ک ارتعاش شبکه

مکانیک شکست
اع۱ مکانیک
او شکستگی
ان *Fracture mechanics*

مکانیک کاربردی
ب‌ک مکانیک

مکانیک کلاسیک محیط پیوسته
ب‌ک مکانیک پیوستاری

مکانیک کوانتومی
ب‌ک نظریه کوانتومی

مگنترون
اع۱ ابزار مغناطیسی
اع۲ تجهیزات
اع۱ لامپ موج الکترونی
اع۲ لامپ ریزموجی
اع۳ ابزار ریزموج
اع۳ لامپ الکترونی
اع۲ لامپ گرمایونی
اع۳ لامپ الکترونی
او بازآواگر کاواکی
او کند و پاش مگنترون
او نوسانگر(الکترونیک)
ان *Magnetron*

مگنتو
ب‌ج *مولد مغناطوالکتریکی*
اع۱ ابزار مغناطیسی
اع۲ تجهیزات
اع۱ مولد الکتریکی
اع۲ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ ماشین‌آلات
ان *Magneto*

مگنتیت
اع۱ اکسید آهن
اع۲ اکسید
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ ترکیبات آهن
اع۳ ترکیبات فلز واسطه
اع۱ کان‌سنگ آهن
اع۲ کان‌سنگ
اع۳ کانی
اع۱ کانی اکسیدی
اع۲ اکسید
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۱ مواد فرومغناطیسی
اع۲ مواد مغناطیسی
اع۳ مواد
او ذخیره آهن
ان *Magnetite*

ملات
اع۱ مصالح بنایی
اع۲ مصالح ساختمانی
اع۳ مواد
او سیمان
او سیمان پرتلند
ان *Mortar*

ملاس
اع۱ فراورده غذایی
او قند(ساکاروز)
ان *Molasse*

ملامین

اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
او رزین ملامین فرم‌آلدهید
ان *Melamine*

ملخ هواپیما
اع۱ پیشران
اع۲ موتور(با منبع انرژی درونی)
اع۳ ماشین‌آلات
اع۱ قطعات و تجهیزات هواگرد
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ هواگرد
او پیشرانش هواگرد
ان *Aircraft propeller*

ملغمه جیوه
اع۱ آلیاژ فلز سنگین
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
اع۱ آلیاژ فلز واسطه
اع۲ آلیاژ
اع۳ مواد
اخ۱ ملغمه دندانی
او ترکیبات جیوه
او جیوه(فلز)
ان *Mercury amalgam*

ملغمه دندانی
اع۱ ملغمه جیوه
اع۲ آلیاژ فلز سنگین
اع۳ آلیاژ
اع۲ آلیاژ فلز واسطه
اع۳ آلیاژ
اع۱ مواد دندانپزشکی
اع۲ مواد زیستی
اع۳ مواد
ان *Dental amalgam*

منبع آب
اع۱ منبع طبیعی
اخ۱ منبع آب زمین‌گرمایی
اخ۲ چاه زمین‌گرمایی
اخ۱ منبع آب زیرزمینی
اخ۱ منبع آب سطحی

او آب
او آب آشامیدنی
او آب شور
او آب‌باخت
او آب‌پخشان
او آب‌رسانی
او آب‌شناسی
او اکتشاف منبع آب
او اندازه‌گیری بارش برف
او بازگردانی آب
او بقای آب
او تجدید بارگیری(آب زیرزمینی)
او ترابری آبی
او چشمه(آب)
او خشکسالی
او رواناب
او زمین(سیاره)
او منطقه خشک
او نفوذ آب نمک
ان *Water resource*

منبع آب زمین‌گرمایی
اع۱ منبع آب
اع۲ منبع طبیعی
اخ۱ چاه زمین‌گرمایی
او انرژی زمین‌گرمایی
او پی‌جویی زمین‌گرمایی
او چشمه آب گرم
او چشمه زمین‌گرمایی
او چشمه گرم
او میدان زمین‌گرمایی
ان *Geothermal water resource*

منبع آب زیرزمینی
اع۱ منبع آب
اع۲ منبع طبیعی
او آب زیرزمینی
او آب‌خیز
او آلودگی آب زیرزمینی
او تجدید بارگیری(آب زیرزمینی)
او جریان آب زیرزمینی
او چاه آب
ان *Groundwater resource*

منبع آب سطحی

ب‌ج *منبع آب مصب رودخانه*
اع۱ منبع آب
اع۲ منبع طبیعی
او آب سطحی
او دریاچه
او رودخانه
او مصب رودخانه
ان *Surface water resource*

منبع آب مصب رودخانه
ب‌ک مصب رودخانه
ب‌ک منبع آب سطحی

منبع انرژی
اخ۱ سوخت چوبی
اخ۱ سوخت فسیلی
اخ۲ زغال‌سنگ
اخ۳ آنتراسیت
اخ۳ زغال قیری
اخ۳ لیگنیت
اخ۲ زغال‌سنگ نارس
اخ۲ نفت پلمه‌سنگ
اخ۲ نفت خام
اخ۱ سوخت هسته‌ای
اخ۲ حبه سوخت هسته‌ای
اخ۲ سوخت اکسیدی مخلوط
اخ۲ سوخت مصرف‌شده
اخ۲ عنصر سوخت هسته‌ای
اخ۱ منبع تجدیدشدنی انرژی
اخ۲ انرژی خورشیدی
اخ۲ انرژی زمین‌گرمایی
اخ۳ میدان زمین‌گرمایی
اخ۲ زیست‌توده
اخ۲ نیروی آب
اخ۳ توان هیدروالکتریکی
اخ۳ قدرت کشندی
اخ۳ نیروی موج
اخ۲ نیروی باد
او به‌کاربری انرژی
او ذخیره سوخت فسیلی
او سیاست انرژی
او مدیریت انرژی
او منبع طبیعی
ان *Energy resource*

منبع پلاسما
او پلاسما
او چشمه یونی
ان *Plasma source*

منبع تجدیدشدنی انرژی
اع۱ منبع انرژی
اخ۱ انرژی خورشیدی
اخ۱ انرژی زمین‌گرمایی
اخ۲ میدان زمین‌گرمایی
اخ۳ سیستم ضخره گرم‌خشک
اخ۱ زیست‌توده
اخ۱ نیروی آب
اخ۲ توان هیدروالکتریکی
اخ۲ قدرت کشندی
اخ۲ نیروی موج
اخ۱ نیروی باد
او تولید نیرو
او چوب
او سوختن سوخت درجه پایین
ان *Renewable energy resource*

منبع تغذیه فضاپیما
اع۱ تجهیزات فضاپیما
اع۲ تجهیزات
اع۲ فضاپیما
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ تجهیزات
اع۳ وسیله نقلیه
او باتری الکتریکی
او پیشران(مواد)
او پیل سوختی
او تبدیل مستقیم انرژی
ان *Spacecraft power supply*

منبع ذخیره‌سازی آب
اع۱ سازه آبی
اع۲ سازه
اخ۱ پوشش مخزن
اخ۱ مخزن زیرزمینی
اخ۱ ورودی مخزن
او آب آشامیدنی
او آب‌رسانی
او باکتری‌شناسی آب

او تراوش
او تسهیلات تفریحی
او جلبک
او دریاچه
او سد
او کنترل علف هرز
او لایه‌بندی گرمایی
او مکانیک سنگ
ان *Reservoir (water)*

منبع طبیعی

اخ۱ انرژی زمین‌گرمایی
اخ۲ میدان زمین‌گرمایی
اخ۳ سیستم صخره گرم‌خشک
اخ۱ منبع آب
اخ۲ منبع آب زمین‌گرمایی
اخ۳ چاه زمین‌گرمایی
اخ۲ منبع آب زیرزمینی
اخ۲ منبع آب سطحی
اخ۱ منبع معدنی
اخ۲ ذخیره الماس
اخ۲ ذخیره پتاس
اخ۲ ذخیره پنبه نسوز
اخ۲ ذخیره تالک
اخ۲ ذخیره تلوریم
اخ۲ ذخیره رس
اخ۲ ذخیره سوخت فسیلی
اخ۳ پلمه‌سنگ نفتی
اخ۳ ذخیره زغال‌سنگ
اخ۳ ذخیره گاز طبیعی
اخ۳ ذخیره نفتی
اخ۳ ماسه نفت‌دار
اخ۲ ذخیره فسفات
اخ۲ ذخیره فلدسپار
اخ۲ ذخیره فلئوراسپار
اخ۲ ذخیره کوارتز
اخ۲ ذخیره کیانیت
اخ۲ ذخیره گوگرد
اخ۲ ذخیره میکا
اخ۲ ذخیره نمک
اخ۲ کانسار
اخ۳ پلاسر
اخ۳ ذخیره آنتیموان
اخ۳ ذخیره آهن
اخ۳ ذخیره استرونسیم
اخ۳ ذخیره اسکاندیم
اخ۳ ذخیره اورانیم
اخ۳ ذخیره ایتریم
اخ۳ ذخیره بریلیم
اخ۳ ذخیره بور
اخ۳ ذخیره بوکسیت
اخ۳ ذخیره تانتال
اخ۳ ذخیره تنگستن
اخ۳ ذخیره توریم
اخ۳ ذخیره تیتانیم
اخ۳ ذخیره جیوه
اخ۳ ذخیره روی
اخ۳ ذخیره زیرکن
اخ۳ ذخیره ژرمانیم
اخ۳ ذخیره سدیم
اخ۳ ذخیره سرب
اخ۳ ذخیره طلا
اخ۳ ذخیره قلع
اخ۳ ذخیره کبالت
اخ۳ ذخیره کرومیت
اخ۳ ذخیره کورندوم
اخ۳ ذخیره لیتیم
اخ۳ ذخیره مس
اخ۳ ذخیره منگنز
اخ۳ ذخیره منیزیم
اخ۳ ذخیره مولیبدن
اخ۳ ذخیره مونازیت
اخ۳ ذخیره نقره
اخ۳ ذخیره نیکل
اخ۳ ذخیره نیوبیم
اخ۳ ذخیره وانادیم
اخ۳ سنگ دیواره
اخ۲ منبع معدنی زیرآبی
اخ۳ گرهک منگنز
او آب‌پخشان
او اقیانوس‌شناسی
او اکتشاف منبع طبیعی
او بقاء
او خاک
او زمین(سیاره)
او زمین‌شناسی
او سنگ
او منبع انرژی
ان *Natural resource*

منبع معدنی

ب‌ج *نهشت کانی*

اع۱	منبع طبیعی
اخ۱	ذخیره الماس
اخ۱	ذخیره پتاس
اخ۱	ذخیره پنبه نسوز
اخ۱	ذخیره تالک
اخ۱	ذخیره تلوریم
اخ۱	ذخیره رس
اخ۱	ذخیره سوخت فسیلی
اخ۲	پلمه‌سنگ نفتی
اخ۲	ذخیره زغال‌سنگ
اخ۲	ذخیره گاز طبیعی
اخ۳	میدان گاز طبیعی
اخ۲	ذخیره نفتی
اخ۳	مخزن نفت(خام)
اخ۳	میدان نفتی
اخ۲	ماسه نفت‌دار
اخ۱	ذخیره فسفات
اخ۱	ذخیره فلدسپار
اخ۱	ذخیره فلئوراسپار
اخ۱	ذخیره کوارتز
اخ۱	ذخیره کیانیت
اخ۱	ذخیره گوگرد
اخ۱	ذخیره میکا
اخ۱	ذخیره نمک
اخ۱	کانسار
اخ۲	پلاسر
اخ۲	ذخیره آنتیموان
اخ۲	ذخیره آهن
اخ۲	ذخیره استرونسیم
اخ۲	ذخیره اسکاندیم
اخ۲	ذخیره اورانیم
اخ۲	ذخیره ایتریم
اخ۲	ذخیره بریلیم
اخ۲	ذخیره بور
اخ۲	ذخیره بوکسیت
اخ۲	ذخیره تانتال
اخ۲	ذخیره تنگستن
اخ۲	ذخیره توریم
اخ۲	ذخیره تیتانیم
اخ۲	ذخیره جیوه
اخ۲	ذخیره زوی
اخ۳	ذخیره روی و سرب
اخ۳	ذخیره روی و مس
اخ۲	ذخیره زیرکن
اخ۲	ذخیره ژرمانیم
اخ۲	ذخیره سدیم
اخ۲	ذخیره سرب
اخ۳	ذخیره روی و سرب
اخ۳	ذخیره سرب و مس
اخ۲	ذخیره طلا
اخ۲	ذخیره قلع
اخ۲	ذخیره کبالت
اخ۲	ذخیره کرومیت
اخ۲	ذخیره کورندوم
اخ۲	ذخیره لیتیم
اخ۲	ذخیره مس
اخ۳	ذخیره روی و مس
اخ۳	ذخیره سرب و مس
اخ۳	ذخیره نقره و مس
اخ۳	ذخیره نیکل و سرب
اخ۲	ذخیره منگنز
اخ۳	گرهک منگنز
اخ۲	ذخیره منیزیم
اخ۲	ذخیره مولیبدن
اخ۲	ذخیره مونازیت
اخ۲	ذخیره نقره
اخ۳	ذخیره نقره و مس
اخ۲	ذخیره نیکل
اخ۳	ذخیره نیکل و سرب
اخ۲	ذخیره نیوبیم
اخ۲	ذخیره وانادیم
اخ۲	سنگ دیواره
اخ۱	منبع معدنی زیرآبی
اخ۲	گرهک منگنز
او	اکتشاف منبع طبیعی
او	زمین(سیاره)
او	صنعت معدنی
او	کانی‌شناسی
او	مواد اولیه
ان	*Mineral resource*

منبع معدنی زیرآبی

اع۱	منبع معدنی
اع۲	منبع طبیعی
اخ۱	گرهک منگنز
او	حفاری زیرآبی
او	کانساز
او	کانی‌شناسی زیرآبی
او	مهندسی اقیانوس
ان	*Underwater mineral resource*

منبع نور تک‌رنگ
ب‌ک تک‌فام‌ساز

منبع نوری
ب‌ک چشمه نور

مندلویم
اع۱ عنصر فرااورانیوم
اع۲ آکتینید
اع۳ عنصر پرتوزا
اع۳ فلز غیرآهنی
ان *Mendelevium*

منسوجات
اع۱ مصنوع نساجی
اع۲ مواد
اخ۱ پارچه کتانی
اخ۱ منسوجات ابریشم مصنوعی
اخ۱ منسوجات بی‌بافت
اخ۲ چرم مصنوعی
اخ۲ نمد
اخ۱ منسوجات پشمی و فاستونی
اخ۱ منسوجات تریکو
اخ۱ منسوجات خودرو
اخ۱ منسوجات هواگرد
او الیاف
او تولید فرش
او کاغذ
او نخ
ان *Fabrics*

منسوجات ابریشم مصنوعی
اع۱ منسوجات
اع۲ مصنوع نساجی
اع۳ مواد
او ابریشم مصنوعی
او الیاف مصنوعی
او نخ ابریشم مصنوعی
ان *Rayon fabrics*

منسوجات بی‌بافت
اع۱ منسوجات
اع۲ مصنوع نساجی
اع۳ مواد
اخ۱ چرم مصنوعی
اخ۱ نمد
ان *Nonwoven fabrics*

منسوجات پشمی و فاستونی
اع۱ منسوجات
اع۲ مصنوع نساجی
اع۳ مواد
او الیاف پشمی
او پشم
او کارگاه پشمی و فاستونی
او نخ پشمی و فاستونی
ان *Woolen and worsted fabrics*

منسوجات پنبه‌ای
اع۱ مصنوع نساجی
اع۲ مواد
او الیاف پنبه‌ای
او پنبه
او نخ پنبه‌ای
ان *Cotton fabrics*

منسوجات تریکو
اع۱ منسوجات
اع۲ مصنوع نساجی
اع۳ مواد
او پرزدهی مصنوع نساجی
ان *Knit fabrics*

منسوجات خودرو
اع۱ منسوجات
اع۲ مصنوع نساجی
اع۳ مواد
او قطعات و تجهیزات خودرو
ان *Automobile fabrics*

منسوجات هواگرد
اع۱ منسوجات
اع۲ مصنوع نساجی
اع۳ مواد
او قطعات و تجهیزات هواگرد
ان *Aircraft fabrics*

منشور

ب‌ج *منشور نوری*
اع۱ ابزار نوری
اع۲ تجهیزات
او قطبش نور
ان *Prism*

منشور نوری
ب‌ک منشور

منطق آستانه‌ای
اع۱ منطق صوری
اع۲ نظریه محاسبه
اع۳ نظریه
او عنصر آستانه‌ای
او مدار منطقی
ان *Threshold logic*

منطق احتمالاتی
اع۱ منطق صوری
اع۲ نظریه محاسبه
اع۳ نظریه
او احتمال
او مجموعه فازی
او مدار منطقی
او نظریه خودکارافزار
ان *Probabilistic logic*

منطق ارجحیت
اع۱ منطق صوری
اع۲ نظریه محاسبه
اع۳ نظریه
او افزونگی
او مدار منطقی
او نظریه سودهی
ان *Majority logic*

منطق ترتیبی ناهمگام
اع۱ مدار ترتیبی
اع۲ مدار منطقی
اع۳ شبکه(مدار)
او سودهی
او سودهی ترتیبی
او نظریه سودهی
ان *Asynchronous sequential logic*

منطق چندارزشی
اع۱ منطق صوری
اع۲ نظریه محاسبه
اع۳ نظریه
او مدار منطقی
ان *Many valued logic*

منطق ریاضی
ب‌ک منطق صوری

منطق صوری
ب‌ج *منطق ریاضی*
اع۱ نظریه محاسبه
اع۲ نظریه
اخ۱ تابع بازگشتی
اخ۱ تابع بولی
اخ۱ محاسبه‌پذیری و تصمیم‌پذیری
اخ۱ منطق آستانه‌ای
اخ۱ منطق احتمالاتی
اخ۱ منطق ارجحیت
اخ۱ منطق چندارزشی
او اثبات نظریه
او جبر بولی
او زبان صوری
او ماشین تورینگ
او مجموعه فازی
او نظریه خودکارافزار
او نظریه سودهی
او هوش مصنوعی
ان *Formal logic*

منطق طراحی به کمک رایانه
ب‌ک طراحی منطقی به کمک رایانه

منطق فازی
ب‌ک مجموعه فازی

منطقه خدماتی بزرگراه
اع۱ سیستم بزرگراه
اع۲ امکانات همگانی
ان *Highway service area*

منطقه روستایی
ب‌ج *روستا*

او جاده روستایی
او کشاورزی
او مزرعه
ان *Rural area*

منطقه اف.

بج *لایه اف.*
اع۱ یون‌کره
اع۲ جو بالا
اع۳ جو زمین
ان *F region*

منطقه ای.

بج *لایه ای.*
اع۱ یون‌کره
اع۲ جو بالا
اع۳ جو زمین
ان *E region*

منطقه‌بندی

او برنامه‌ریزی شهری
او برنامه‌ریزی منطقه‌ای
او قانون و قانونگزاری
او کاربری زمین
ان *Zoning*

منطقه جغرافیایی

اخ۱ استوا
اخ۱ زون ساحلی
اخ۱ کشور در حال توسعه
اخ۱ منطقه خشک
ان *Geographical region*

منطقه چندگانه

اع۱ مخزن نفت(خام)
اع۲ ذخیره نفتی
اع۳ ذخیره سوخت فسیلی
ان *Multiple zone*

منطقه خشک

اع۱ منطقه جغرافیایی
او اکتشاف منبع آب
او منبع آب
ان *Arid region*

منطقه دی.

اع۱ یون‌کره
اع۲ جو بالا
اع۳ جو زمین
ان *D region*

منظومه شمسی

اخ۱ خورشید
اخ۱ زمین(سیاره)
اخ۱ سیاره
اخ۱ کره ماه
او اخترشناسی
او پرواز بین‌سیاره‌ای
او پژوهش فضایی
ان *Solar system*

منگنز

اع۱ فلز غیرآهنی
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اع۱ فلز واسطه
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او آلیاژ منگنز
او ترکیبات منگنز
او ذخیره منگنز
او عمل‌آوری کان‌سنگ منگنز
او فلزنگاری منگنز
او گرهک منگنز
او متالورژی منگنز
او مصالح راهبردی
او معدن منگنز
او منگنززدایی(تصفیه آب)
ان *Manganese*

منگنززدایی(تصفیه آب)

اع۱ جداسازی شیمیایی(تصفیه آب)
اع۲ تصفیه آب
اع۲ جداسازی
اع۳ عملیات شیمیایی
اع۲ دورسازی
او منگنز
ان *Manganese removal (water treatment)*

منگنه‌کاری

اع۱ شکل‌دهی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او برش(چینشی)
او پرس منگنه
او پرس‌کاری فلز
او سردکاری
او سوراخ‌کاری
او مشبک‌کاری
او مهرزنی
او مهرزنی فلز
ان *Punching*

منیزی

بج *اکسید منیزیم*
اع۱ اکسید
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات منیزیم
اع۲ ترکیبات فلز قلیایی خاکی
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۲ منیزیم
اع۳ فلز قلیایی خاکی
او مواد نسوز دارای اکسید منیزیم
ان *Magnesia*

منیزیت

اع۱ ترکیبات منیزیم
اع۲ ترکیبات فلز قلیایی خاکی
اع۳ جسم مرکب فلزی
اع۲ منیزیم
اع۳ فلز قلیایی خاکی
اع۱ کانی کربناتی
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۲ کربنات
اع۳ ترکیبات معدنی کربن
او عمل‌آوری کان‌سنگ منیزیت
او معدن منیزیت
او مواد نسوز دارای کربنات منیزیم
ان *Magnesite*

منیزیم

اع۱ فلز سبک
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
اع۱ فلز قلیایی خاکی
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
اخ۱ آلیاژ منیزیم
اخ۱ پودر منیزیم
اخ۱ ترکیبات منیزیم
اخ۲ کانی کلریتی
اخ۲ منیزی
اخ۲ منیزیت
اخ۱ ذخیره منیزیم
اخ۱ ساختارشناسی منیزیم
اخ۱ صفحه چاپ منیزیمی
اخ۱ عمل‌آوری کان‌سنگ منیزیت
اخ۱ فرایند ریخته‌گری منیزیم
اخ۱ قطعه ریختگی منیزیمی
اخ۱ متالورژی منیزیم
اخ۲ فرایند ریخته‌گری منیزیم
اخ۲ متالورژی پودر منیزیم
اخ۱ معدن منیزیت
او آلیاژ منیزیم
او پودر منیزیم
او ترکیبات منیزیم
او خطر آتش‌سوزی
او ذخیره منیزیم
او ساختارشناسی منیزیم
او صفحه چاپ منیزیمی
او عمل‌آوری کان‌سنگ منیزیت
او فرایند ریخته‌گری منیزیم
او قطعه ریختگی منیزیمی
او متالورژی منیزیم
او معدن منیزیت
ان *Magnesium*

مواد

ی‌د یک اصطلاح خیلی عام است، در صورت امکان اصطلاح خاصی را به کار برید.
اخ۱ آلیاژ
اخ۲ آلیاژ ایندیم
اخ۲ آلیاژ آلومینیوم
اخ۳ آلیاژ آلومینیم مس
اخ۲ آلیاژ اریخت
اخ۲ آلیاژ اورانیم
اخ۲ آلیاژ پلوتونیم
اخ۲ آلیاژ پلونیوم

آلیاژ توریم	اخ۲
آلیاژ خاک کمیاب	اخ۲
آلیاژ اربیم	اخ۳
آلیاژ اروپیم	اخ۳
آلیاژ ایتربیم	اخ۳
آلیاژ پرازئودیمیم	اخ۳
آلیاژ تربیم	اخ۳
آلیاژ تولیم	اخ۳
آلیاژ دیسپروزیم	اخ۳
آلیاژ ساماریم	اخ۳
آلیاژ سریم	اخ۳
آلیاژ گادولینیم	اخ۳
آلیاژ لانتان	اخ۳
آلیاژ لوتتیم	اخ۳
آلیاژ نئودیمیم	اخ۳
آلیاژ هولومیم	اخ۳
آلیاژ دندانسازی	اخ۲
آلیاژ دوتایی	اخ۲
آلیاژ ژرمانیم	اخ۲
آلیاژ سیلیسیم	اخ۲
آلیاژ فلز سنگین	اخ۲
آلیاژ آنتیموان	اخ۳
آلیاژ بیسموت	اخ۳
آلیاژ تالیم	اخ۳
آلیاژ سرب	اخ۳
آلیاژ قلع	اخ۳
آلیاژ کادمیم	اخ۳
ملغمه جیوه	اخ۳
آلیاژ فلز قلیایی	اخ۲
آلیاژ پتاسیم	اخ۳
آلیاژ روبیدیم	اخ۳
آلیاژ سدیم	اخ۳
آلیاژ سزیم	اخ۳
آلیاژ لیتیم	اخ۳
آلیاژ فلز قلیایی خاکی	اخ۲
آلیاژ استرون‌سازیسم	اخ۳
آلیاژ باریم	اخ۳
آلیاژ بریلیم	اخ۳
آلیاژ کلسیم	اخ۳
آلیاژ منیزیم	اخ۳
آلیاژ فلز واسطه	اخ۲
آلیاژ آهن	اخ۳
آلیاژ اسکاندیم	اخ۳
آلیاژ ایتریم	اخ۳
آلیاژ تیتانیم	اخ۳
آلیاژ روی	اخ۳
آلیاژ زیرکونیم	اخ۳
آلیاژ فلز گرانبها	اخ۳
آلیاژ کادمیم	اخ۳
آلیاژ کبالت	اخ۳
آلیاژ مس	اخ۳
آلیاژ منگنز	اخ۳
آلیاژ نسوز	اخ۳
آلیاژ نیکل	اخ۳
آلیاژ هافنیم	اخ۳
ملغمه جیوه	اخ۳
آلیاژ گالیم	اخ۲
آلیاژ مقاوم در برابر خوردگی	اخ۲
ابرآلیاژ	اخ۲
استلیت	اخ۳
بین‌فلزی	اخ۲
بین‌فلزی نیم‌رسانا	اخ۳
فروآلیاژ	اخ۲
آمیزه	اخ۱
آزئوتروپ	اخ۲
آمیزه آبی زغال‌سنگ	اخ۲
آمیزه دوتایی	اخ۲
آمیزه روغنی زغال‌سنگ	اخ۲
محلول	اخ۲
محلول آبکاری برقی	اخ۳
محلول ضدیخ	اخ۳
اصلاح‌کننده خاک	اخ۱
الیاف	اخ۱
الیاف طبیعی	اخ۲
ابریشم	اخ۳
الیاف پشمی	اخ۳
الیاف پنبه‌ای	اخ۳
الیاف گیاهی	اخ۳
کتان	اخ۳
الیاف مصنوعی	اخ۲
ابریشم مصنوعی	اخ۳
الیاف سرامیکی	اخ۳
الیاف شیشه‌ای	اخ۳
الیاف قیراندود	اخ۳
الیاف کربنی	اخ۳
الیاف مصنوعی نساجی	اخ۳
پشم معدنی	اخ۳
تار نوری	اخ۳
رشته مومسان	اخ۳
الیاف نساجی	اخ۲
الیاف مصنوعی نساجی	اخ۳
الیاف نساجی مدول بالا	اخ۳

اخ۱	اندود
اخ۲	اندود الکتروفورتیک
اخ۲	اندود سایا
اخ۲	اندود سرامیکی
اخ۲	اندود سیاه
اخ۲	اندود معدنی
اخ۲	اندود آلی
اخ۳	روغن جلاء
اخ۳	لاک
اخ۲	اندود افشانه‌ای
اخ۲	اندود الکترواستاتیکی
اخ۲	اندود بازتابگر
اخ۲	اندود بورید
اخ۲	اندود پودری
اخ۲	اندود درخشنده
اخ۳	شبرنگ
اخ۲	اندود سیلیکونی
اخ۲	اندود فسفاتی
اخ۲	اندود قیری
اخ۲	اندود کروماتی
اخ۲	اندود محافظ
اخ۳	اندود ضدآب
اخ۳	رنگ ضدخزه
اخ۳	روکش عایق الکتریکی
اخ۲	اندود موقتی
اخ۲	اندود مومسان
اخ۲	اندود نفوذی
اخ۲	اندود نواری
اخ۲	اندود نوری
اخ۳	اندود ضدبازتاب
اخ۲	اندود نهشته در خلاء
اخ۲	رنگ
اخ۳	رنگ ضدخزه
اخ۳	رنگ کازئینی
اخ۳	رنگ لاستیکی کلرینه
اخ۳	شبرنگ
اخ۲	روکش لاستیکی
اخ۲	لعاب
اخ۲	یخ‌شیشه
اخ۱	بسپار
اخ۲	بسپار آلی
اخ۳	بسپار آروماتیکی
اخ۳	بسپار آلی فلزی
اخ۳	بسپار اشباع‌نشده
اخ۳	بسپار حاوی کلر
اخ۳	بسپار طبیعی
اخ۳	بسپار فلئوردار
اخ۳	بسپار نیم‌رسانا
اخ۳	پلی‌اتر
اخ۳	پلی‌استیلن
اخ۳	پلی‌الکترولیت
اخ۳	پلی‌اورتان
اخ۳	پلی‌ایمید
اخ۳	رزین تبادل یونی
اخ۳	رزین نیتریلی
اخ۳	کشپار
اخ۳	کم‌پار
اخ۳	گرماسخت
اخ۳	گرمانرم
اخ۳	مخلوط بسپاری
اخ۳	هم‌بسپار
اخ۳	یونپار
اخ۲	بسپار بلوری مایع
اخ۲	بسپار معدنی
اخ۳	پلی‌سیلان
اخ۳	سیلیکون
اخ۱	بست‌مایه
اخ۱	بلور
اخ۲	بلور مولکولی
اخ۲	تک‌بلور
اخ۳	تاره بلور
اخ۲	چندبلور
اخ۱	پارسنگ(ریل راه‌آهن)
اخ۱	پلاستیک
اخ۲	اندود مومسان
اخ۲	پلاستی‌سول
اخ۲	پلاستیک اسفنجی
اخ۳	پلاستیک اسفنجی انعطاف‌پذیر
اخ۳	پلاستیک اسفنجی صلب
اخ۲	پلاستیک تقویت‌شده
اخ۳	پلاستیک تقویت‌شده رشته‌ای
اخ۳	پلاستیک تقویت‌شده سیمی
اخ۲	پلاستیک رسانا
اخ۲	چندلای مومسان
اخ۲	رشته مومسان
اخ۲	فیلم مومسان
اخ۳	سلوفان
اخ۲	ورقه مومسان
اخ۱	پنبه نسوز
اخ۱	پودر
اخ۲	پودر فلز
اخ۳	پودر آهن

اخ۳	پودر مس
اخ۳	پودر منیزیم
اخ۱	پیشران(مواد)
اخ۲	پیشران جامد
اخ۲	پیشران مایع
اخ۱	تالک
اخ۱	ترکیبات قالب‌گیری ورقه‌ای
اخ۱	تعدیل‌کنندهٔ
اخ۱	تفاله نیشکر
اخ۱	جاذب سطحی
اخ۲	الک مولکولی
اخ۲	جاذب کربن‌دار
اخ۲	خاک رنگ‌بر
اخ۱	جامد
اخ۲	شبه‌بلور
اخ۲	محلول جامد
اخ۱	جذب‌کننده خورشیدی
اخ۱	جوهر
اخ۱	چرم
اخ۱	چسب
اخ۲	چسب مذاب داغ
اخ۲	چسب مومسان
اخ۲	سیمان استخوان
اخ۱	چگالش بخار
اخ۱	چندلا
اخ۲	چندلای چوبی
اخ۳	تخته چندلا
اخ۲	چندلای کاغذی
اخ۲	چندلای مغناطیسی
اخ۲	چندلای مومسان
اخ۲	مواد مرکب ورقه‌ای
اخ۱	چوب
اخ۱	خشته
اخ۱	خشک‌کن(ماده)
اخ۱	خمیر کاغذ
اخ۲	خمیر کاغذ رنگبری‌شده
اخ۲	خمیر کاغذ رنگبری‌نشده
اخ۲	خمیر کاغذ سولفاتی
اخ۲	خمیر کاغذ سولفیتی
اخ۲	خمیر کاغذ شیمیایی
اخ۲	خمیر کاغذ کرافت
اخ۲	خمیر کاغذ مکانیکی
اخ۳	خمیر کاغذ ترمومکانیکی
اخ۲	مواد خمیر کاغذ
اخ۱	درزبند
اخ۲	بتونه
اخ۱	دوفلزی
اخ۱	رسانای آلی
اخ۱	رسوب
اخ۱	رنگدانه
اخ۲	سبزینه
اخ۲	هموگلوبین
اخ۱	روان‌ساز
اخ۲	روان‌ساز سنتزی
اخ۲	روان‌کننده جامد
اخ۲	روغن روان‌سازی
اخ۲	گریس روان‌سازی
اخ۱	روغن تال
اخ۱	ریسمان چندلا
اخ۱	زیست‌توده
اخ۱	ساینده
اخ۱	سنگ
اخ۲	سنگ بلوری
اخ۳	سنگ آذرین
اخ۳	سنگ دگرگونی
اخ۲	سنگ رسوبی
اخ۳	پلمه‌سنگ
اخ۳	سنگ آهک
اخ۳	ماسه‌سنگ
اخ۱	سوخت
اخ۲	آمیزه روغنی زغال‌سنگ
اخ۲	افزودنی سوخت
اخ۳	ترکیبات ضدکوبش
اخ۲	جانشین گاز طبیعی
اخ۲	سوخت پودرشده
اخ۲	سوخت چوبی
اخ۲	سوخت خودرو
اخ۲	سوخت دیزلی
اخ۲	سوخت فسیلی
اخ۳	زغال‌سنگ
اخ۳	زغال‌سنگ نارس
اخ۳	نفت پلمه‌سنگ
اخ۳	نفت خام
اخ۲	سوخت کوره
اخ۲	سوخت گازی
اخ۳	سوخت گازی مخلوط
اخ۳	گاز طبیعی
اخ۲	سوخت مایع
اخ۳	بنزین
اخ۳	پیشران مایع
اخ۳	روغن سوختی
اخ۳	گازول

اخ۳ نفت سفید
اخ۲ سوخت مصنوعی
اخ۳ سوخت الکلی
اخ۳ سوخت هیدروژنی
اخ۲ سوخت هسته‌ای
اخ۳ حبه سوخت هسته‌ای
اخ۳ سوخت اکسیدی مخلوط
اخ۳ سوخت مصرف‌شده
اخ۳ عنصر سوخت هسته‌ای
اخ۲ سوخت هواگرد
اخ۲ گلوله سوختی اندوده
اخ۱ سیال
اخ۲ سیال سازندشکافی
اخ۲ سیال مغناطیسی
اخ۲ سیال هیدرولیکی
اخ۲ گاز
اخ۳ بخار
اخ۳ گاز بی‌اثر
اخ۳ گاز پرتوزاد
اخ۳ گاز خروجی
اخ۳ گاز زغال
اخ۳ گاز زغال‌سنگ
اخ۳ گاز سنتز
اخ۲ گل حفاری
اخ۳ محیط دورانی
اخ۲ مایع
اخ۳ شکر مایع
اخ۳ فلز مذاب
اخ۳ گاز مایع
اخ۳ مایع برودتی
اخ۳ مایع جوشان
اخ۳ مایع غیرنیوتنی
اخ۳ مایع نیم‌رسانا
اخ۳ مایع نیوتنی
اخ۳ محلول
اخ۳ مواد مذاب
اخ۲ مواد خنک‌کاری
اخ۲ هوا
اخ۳ هوای فشرده
اخ۱ سیم
اخ۲ سیم الکتریکی
اخ۳ سیم ابررسانشی
اخ۳ سیم عایق‌کاری
اخ۳ سیم ورودی
اخ۲ مفتول انفجاری
اخ۱ شب‌تاب

اخ۱ شن
اخ۱ طناب
اخ۲ طناب سیمی
اخ۱ عایق‌کاری
اخ۲ صداگیری
اخ۲ عایق‌بندی الکتریکی
اخ۳ عایق‌بندی ماشین الکتریکی
اخ۳ عایق‌کاری مبدل الکتریکی
اخ۲ عایق‌کاری گرمایی
اخ۱ غشاء
اخ۲ پوسته رشته‌ای
اخ۲ غشای بسپاری
اخ۲ غشای تبادل یونی
اخ۲ غشای تراوای گاز
اخ۳ غشای تراوای اکسیژن
اخ۲ غشای دوورقه‌ای
اخ۲ غشای دیالیز
اخ۲ غشای زیست‌شناختی
اخ۳ غشای یاخته
اخ۲ غشای گذرندگی
اخ۲ غشای مایع
اخ۲ غشای نفوذگزین
اخ۲ غشای نورساخت
اخ۲ غشای یون‌گزین
اخ۱ فراورده جنبی
اخ۲ فراورده جانبی زغال
اخ۳ خاکستر زغال
اخ۱ فراورده نفتی
اخ۲ بنزین
اخ۲ روغن معدنی
اخ۲ سوخت دیزلی
اخ۲ قطران نفت
اخ۲ گاز نفتی مایع
اخ۲ گازوئیل
اخ۲ مواد پتروشیمیایی
اخ۱ فلز پرکننده
اخ۲ آلیاژ لحیم‌کاری
اخ۲ فلز پرکنندهٔ لحیم‌کاری
اخ۱ فلز سازه‌ای
اخ۱ فلز صفحه‌ای
اخ۱ فلز قراضه
اخ۲ فولاد قراضه
اخ۲ قراضه آهن
اخ۲ قراضه روی
اخ۲ قراضه مس
اخ۱ فلز گالوانیزه

اخ۱	فلز نواری
اخ۱	فلز ورق
اخ۲	حلبی
اخ۲	فلز موج‌دار
اخ۲	ورق آلومینیوم
اخ۳	ورقه آلومینیومی
اخ۲	ورق تنگستن
اخ۲	ورق تیتانیم
اخ۲	ورق فلزی
اخ۳	ورق قلع
اخ۳	ورقه آلومینیومی
اخ۲	ورق فولادی
اخ۱	فولادگذاری بتن
اخ۱	فیلم
اخ۲	الماس‌پوسه
اخ۲	زیست‌لایه
اخ۲	فیلم ضخیم
اخ۳	لایه ضخیم مغناطیسی
اخ۲	فیلم اریخت
اخ۲	فیلم رسانا
اخ۲	فیلم عکاسی
اخ۳	خردورقه
اخ۳	فیلم پرتو ایکس
اخ۳	فیلم رنگی
اخ۲	فیلم لاستیکی
اخ۲	فیلم لانگمویر بلاگت
اخ۲	فیلم مغناطیسی
اخ۳	لایه ضخیم مغناطیسی
اخ۳	لایه نازک مغناطیسی
اخ۲	فیلم مومسان
اخ۳	سلوفان
اخ۲	فیلم نازک
اخ۳	لایه نازک مغناطیسی
اخ۲	فیلم نوری
اخ۲	لایه ابررسانشی
اخ۲	لایه دی‌الکتریک
اخ۲	لایه سلولزی
اخ۲	لایه فلزی
اخ۲	لایه کنترل خورشیدی
اخ۲	لایه نیم‌رسانا
اخ۱	قطران
اخ۲	قطران زغال‌سنگ
اخ۲	قطران نفت
اخ۱	کاغذ
اخ۲	چاپ روزنامه
اخ۲	چندلای کاغذی
اخ۲	کاغذ باطله
اخ۲	کاغذ کرافت
اخ۲	کاغذ مومی
اخ۲	ورق‌سازی کاغذ
اخ۱	کانی
اخ۲	کان‌سنگ
اخ۳	ایلمنیت
اخ۳	باریت
اخ۳	فلئوراسپار
اخ۳	کان‌سنگ آهن
اخ۳	کان‌سنگ غیرفلزی
اخ۳	کرومیت
اخ۳	کلوخه کان‌سنگ
اخ۳	گندله کان‌سنگ
اخ۳	مونازیت
اخ۲	کانی کاربیدی
اخ۲	کانی هالیدی
اخ۳	کانی فلوریدی
اخ۳	کانی کلریدی
اخ۲	کانی آرسناتی
اخ۲	کانی آلی
اخ۲	کانی اکسیدی
اخ۳	ایلمنیت
اخ۳	پروفسکیت
اخ۳	خاک کمیاب
اخ۳	کوارتز
اخ۳	کوروندوم
اخ۳	مگنتیت
اخ۲	کانی اورانیتی
اخ۲	کانی بریلیوم
اخ۲	کانی بوراتی
اخ۲	کانی تانتالیتی
اخ۲	کانی تنگستاتی
اخ۲	کانی تیتانیتی
اخ۲	کانی ژرمانیتی
اخ۲	کانی سولفاتی
اخ۳	ژیپس
اخ۲	کانی سولفیدی
اخ۲	کانی سیلیکاتی
اخ۳	بنتونیت
اخ۳	توپاز
اخ۳	زبرجد
اخ۳	زیرکن
اخ۳	سرپنتین
اخ۳	فلدسپار
اخ۳	کانی رسی

اخ۳ کانی کلریتی
اخ۳ کیانیت
اخ۳ میکا
اخ۲ کانی فسفاتی
اخ۲ کانی کربناتی
اخ۳ منیزیت
اخ۲ کانی نیوباتی
اخ۲ کانی وانادیتی
اخ۲ کلسیت
اخ۱ کک
اخ۲ کک متالورژی
اخ۲ کک نفت
اخ۱ کود شیمیایی
اخ۲ کود شیمیایی پتاسیم‌دار
اخ۲ کود شیمیایی فسفات‌دار
اخ۲ کود شیمیایی نیتروژن‌دار
اخ۳ کود شیمیایی اوره‌دار
اخ۱ گچ
اخ۱ گدازآور
اخ۱ گرافیت
اخ۲ الیاف گرافیتی
اخ۲ گرافیت ساختگی
اخ۲ گرافیت کلوئیدی
اخ۱ گرد و غبار
اخ۲ غبار معدن
اخ۲ گرد زغال
اخ۱ گوهر
اخ۲ الماس
اخ۳ الماس سنتزی
اخ۳ الماس صنعتی
اخ۳ الماس نیم‌رسانا
اخ۲ توپاز
اخ۲ گارنت
اخ۲ گوهر صنعتی
اخ۳ الماس صنعتی
اخ۲ گوهر طبیعی
اخ۲ گوهر مصنوعی
اخ۲ یاقوت
اخ۲ یاقوت کبود
اخ۱ لاستیک
اخ۱ ماسه
اخ۲ ماسه ریخته‌گری
اخ۲ ماسه سیلیسی
اخ۱ محصول تقطیر نفت
اخ۲ نفتا
اخ۱ مرمر مصنوعی

اخ۱ مصالح راهبردی
اخ۱ مصالح ساختمانی
اخ۲ بلوک بتنی
اخ۲ تخته خرده‌چوب
اخ۲ روکار سیمانی
اخ۲ سرامیک سازه‌ای
اخ۲ سیمان
اخ۳ افزودنی سیمان
اخ۳ بتونه
اخ۳ پوزولان
اخ۳ خاک سیمان
اخ۳ سیمان پرتلند
اخ۳ سیمان پنبه نسوز
اخ۳ سیمان سرباره‌ای
اخ۳ سیمان ضدآب
اخ۲ فلز سازه‌ای
اخ۲ کاشی
اخ۲ مصالح بنایی
اخ۳ آجر
اخ۳ بتن
اخ۳ ملات
اخ۲ مصالح پیش‌تنیده
اخ۳ بتن پیش‌تنیده
اخ۲ مصالح راه‌سازی
اخ۲ مصالح ساختمانی سبک
اخ۳ بتن سبک
اخ۲ مصالح ساختمانی مومسان
اخ۲ مصالح کشتی‌سازی
اخ۱ مصالح سنگی
اخ۲ سنگدانه بتن
اخ۱ مصالح عایق‌کاری
اخ۲ مصالح صداگیر
اخ۲ مصالح عایق‌کاری دمایی
اخ۲ مواد عایق‌بندی الکتریکی
اخ۳ روکش عایق الکتریکی
اخ۳ مصالح عایق‌کاری مایع
اخ۱ مصالح لوله‌سازی
اخ۱ مصالح هوشمند
اخ۱ مصنوع نساجی
اخ۲ توری سیمی
اخ۲ مخلوط نساجی
اخ۲ مصنوع نساجی فلزی
اخ۲ مصنوع نساجی نایلونی
اخ۲ مصنوع نساجی نظامی
اخ۲ منسوجات
اخ۳ پارچه کتانی

منسوجات ابریشم مصنوعی	اخ۳
منسوجات بی‌بافت	اخ۳
منسوجات پشمی و فاستونی	اخ۳
منسوجات تریکو	اخ۳
منسوجات خودرو	اخ۳
منسوجات هواگرد	اخ۳
منسوجات پنبه‌ای	اخ۲
مقوا	اخ۱
کاغذ مقوایی کرافت	اخ۲
مقوای موج‌دار	اخ۲
مواد آتش‌گیر	اخ۱
مواد ابررسانا	اخ۱
ابررسانای اکسیدی	اخ۲
ابررسانای دمای بالا	اخ۲
لایه ابررسانشی	اخ۲
مواد اریخت	اخ۱
آلیاژ اریخت	اخ۲
سیلیسیم اریخت	اخ۲
شیشه	اخ۲
الیاف شیشه‌ای	اخ۳
شیشه منقوش	اخ۳
شیشه ایمنی	اخ۳
شیشه بورسیلیکات	اخ۳
شیشه بورفسفات	اخ۳
شیشه درخشان	اخ۳
شیشه نورحساس	اخ۳
شیشه نوری	اخ۳
شیشه نیم‌رسانا	اخ۳
کنترل روشنی شیشه	اخ۳
شیشه فلزی	اخ۲
فیلم اریخت	اخ۲
مواد اصطکاکی	اخ۱
مواد الکترونوری	اخ۱
مواد اندوده	اخ۱
فلز پیش‌اندوده	اخ۲
فلز روکش‌دار	اخ۲
فولاد روکش‌مسی	اخ۳
فلز گالوانیزه	اخ۲
فولاد آلومینیم‌اندود	اخ۲
مواد اولیه	اخ۱
مواد بسته‌بندی	اخ۱
نواربندی	اخ۲
مواد بلوری	اخ۱
سنگ بلوری	اخ۲
سنگ آذرین	اخ۳
سنگ دگرگونی	اخ۳
مواد چندبلوری	اخ۲
مواد پرتوزا	اخ۱
آلیاژ استرون‌سازیسم	اخ۲
آلیاژ اورانیم	اخ۲
آلیاژ توریم	اخ۲
ایزوتوپ پرتوزا	اخ۴
تریتیم	اخ۳
پسمانده پرتوزا	اخ۲
ترکیبات استرونسیم	اخ۲
ترکیبات اورانیم	اخ۲
اورانیم دی‌اکسید	اخ۳
اورانیم کاربید	اخ۳
کانی اورانیتی	اخ۳
ردیاب پرتوزا	اخ۲
عنصر پرتوزا	اخ۲
آکتینید	اخ۳
استاتین	اخ۳
استرونسیم	اخ۳
رادون	اخ۳
رادیم	اخ۳
محصول شکافت هسته‌ای	اخ۲
مواد خطرناک	اخ۱
آفلاتوکسین	اخ۲
سم صنعتی	اخ۲
مواد خودرو	اخ۱
مواد دانه‌ای	اخ۱
مواد درخشان	اخ۱
اندود درخشنده	اخ۲
شبرنگ	اخ۳
مواد دی‌الکتریک	اخ۱
الکترت	اخ۲
لایه دی‌الکتریک	اخ۲
مواد پیزوالکتریکی	اخ۲
مواد فروالکتریکی	اخ۲
مواد رسانا	اخ۱
برق‌کاف	اخ۲
الکترولیت جامد	اخ۳
پلی‌الکترولیت	اخ۳
پلاستیک رسانا	اخ۲
فیلم رسانا	اخ۲
مواد زیست‌شناختی	اخ۱
آمینواسید	اخ۲
آنزیم	اخ۲
کوآنزیم	اخ۴
اسید هسته‌ای	اخ۲
آر.ان.آ.	اخ۳

اخ۳ دی.ان.آ
اخ۲ بافت(زیست‌شناختی)
اخ۳ استخوان
اخ۳ رباط
اخ۳ عضله
اخ۳ غضروف
اخ۳ کیتین
اخ۳ وتر
اخ۲ پادگن
اخ۲ پوست
اخ۲ زیست‌بسپار
اخ۳ اسید هسته‌ای
اخ۳ پروتئین
اخ۳ هورمون
اخ۲ غشای زیست‌شناختی
اخ۳ غشای یاخته
اخ۲ کلسترول
اخ۲ ماحصل سوخت و ساز
اخ۲ مایعات بدن
اخ۳ خون
اخ۲ مینای دندان
اخ۲ یاخته
اخ۳ غشای یاخته
اخ۳ کروموزوم
اخ۱ مواد زیستی
اخ۲ برسازه دریچه قلب
اخ۲ برسازه زگ خونی
اخ۲ جانشین خون
اخ۲ سیمان استخوان
اخ۲ عدسی داخل چشمی
اخ۲ کاشت(جراحی)
اخ۲ مواد دندانپزشکی
اخ۳ آلیاژ دندانسازی
اخ۳ برسازهٔ دندانی
اخ۳ سیمان دندانسازی
اخ۳ ملغمه دندانی
اخ۱ مواد سرامیکی
اخ۲ الیاف سرامیکی
اخ۲ چینی
اخ۲ سرامیک سازه‌ای
اخ۲ کف سرامیک
اخ۱ مواد شیمیایی
اخ۲ افزودنی
اخ۳ آلودن(مواد اضافی)
اخ۳ اضافات خاک کمیاب
اخ۳ افزودنی بتن
اخ۳ افزودنی بسوخت
اخ۳ افزودنی سیمان
اخ۳ افزودنی لاستیک
اخ۳ افزودنی مواد غذایی
اخ۳ رایحه
اخ۳ فروآلیاژ
اخ۳ کدرساز
اخ۳ مواد اضافی نفت
اخ۲ پادزیست
اخ۳ آفت‌کش
اخ۳ گندزدا
اخ۲ پرکننده
اخ۳ پرکننده پلاستیک
اخ۲ حلال
اخ۳ حلال آلی
اخ۳ رقیقگر رنگ
اخ۲ رنگینه
اخ۳ رنگ آزو
اخ۳ رنگینه خمره‌ای
اخ۲ سردکننده
اخ۳ آب سرمایش
اخ۳ سردکن
اخ۲ سرطانزا
اخ۳ آفلاتوکسین
اخ۳ نیتروزامین
اخ۲ شناساگر(شیمیایی)
اخ۲ عامل
اخ۳ آغازگر(شیمیایی)
اخ۳ اکسیژن‌زدا
اخ۳ بازدارنده شعله
اخ۳ پاداکسنده
اخ۳ پایدارساز(عامل)
اخ۳ جهش‌زا
اخ۳ عامل ضدثبات
اخ۳ عامل کف‌زای
اخ۳ عامل رهاکننده قالب
اخ۳ عامل شناورکن
اخ۳ عامل وولکانش
اخ۳ کاتالیزور
اخ۳ مانع خوردگی
اخ۳ مواد فعال سطحی
اخ۳ نرم‌کننده
اخ۳ وسیله مقابله
اخ۲ مواد شیمیایی آلی
اخ۲ مواد شیمیایی چوب
اخ۲ مواد شیمیایی معدنی

مواد غیرفلزی	اخ۱
مخلوط ملات غیرفلزی	اخ۲
مواد غیرهمجنس	اخ۱
فلزهای ناهمسان	اخ۲
مواد فرسایی	اخ۱
مواد فوتورسانش	اخ۱
مواد قیری	اخ۱
آسفالت	اخ۲
الیاف قیراندود	اخ۲
اندود قیری	اخ۲
کروژن	اخ۲
مواد فرش‌کردن قیری	اخ۲
مواد کاغذی غیرلیفی	اخ۱
مواد کمکی نساجی	اخ۱
مواد متخلخل	اخ۱
آهن اسفنجی	اخ۲
اسفنج	اخ۲
پلاستیک اسفنجی	اخ۳
کف سرامیک	اخ۳
لاستیک اسفنجی	اخ۳
زیرکونیم اسفنجی	اخ۲
سیلسیم متخلخل	اخ۲
مواد مختلط	اخ۱
بتن	اخ۲
بتن پیش‌تنیده	اخ۳
بتن پیش‌ریخته	اخ۳
بتن سبک	اخ۳
بتن مسلح	اخ۳
بتن منبسط شونده	اخ۳
بتن نسوز	اخ۳
سنگدانه بتن	اخ۳
پلاستیک تقویت‌شده	اخ۲
پلاستیک تقویت‌شده رشته‌ای	اخ۳
پلاستیک تقویت‌شده سیمی	اخ۳
ترکیبات کربنی	اخ۲
سرمت	اخ۲
مخلوط خودروغنکار	اخ۲
مخلوط ملات سرامیکی	اخ۲
مخلوط ملات غیرفلزی	اخ۲
مواد تقویت‌شده رشته‌ای	اخ۲
پلاستیک تقویت‌شده رشته‌ای	اخ۳
فلز تقویت‌شده رشته‌ای	اخ۳
مواد مرکب ورقه‌ای	اخ۲
مواد مغناطیسی	اخ۱
چندلای مغناطیسی	اخ۲
سیال مغناطیسی	اخ۲
فیلم مغناطیسی	اخ۲
لایه ضخیم مغناطیسی	اخ۳
لایه نازک مغناطیسی	اخ۳
لایه نازک مغناطیسی	اخ۲
مواد پادفرومغناطیسی	اخ۲
مواد فرومغناطیسی	اخ۲
مگنتیت	اخ۳
مواد فری‌مغناطیسی	اخ۲
فریت	اخ۳
نوار مغناطیسی	اخ۲
نیم‌رسانای مغناطیسی	اخ۲
هسته مغناطیسی	اخ۲
هسته مغناطیسی پودری	اخ۳
مواد مقاوم شیمیایی	اخ۱
مواد منفجره	اخ۱
خرج شکل‌دار	اخ۲
مواد موج‌دار	اخ۱
فلز موج‌دار	اخ۲
مقوای موج‌دار	اخ۲
مواد نسوز	اخ۱
آجر آهکی	اخ۲
آجر سیلیسی	اخ۲
آلیاژ نسوز	اخ۲
آلیاژ تانتال	اخ۳
آلیاژ تنگستن	اخ۳
آلیاژ رنیم	اخ۳
آلیاژ کروم	اخ۳
آلیاژ مولیبدن	اخ۳
آلیاژ نیوبیم	اخ۳
آلیاژ وانادیم	اخ۳
بتن نسوز	اخ۲
ترکیبات فلزی دیرگداز	اخ۲
ترکیبات تانتال	اخ۳
ترکیبات تنگستن	اخ۳
ترکیبات رنیم	اخ۳
ترکیبات کروم	اخ۳
ترکیبات مولیبدن	اخ۳
ترکیبات نیوبیم	اخ۳
ترکیبات وانادیم	اخ۳
خاک نسوز	اخ۲
زیرکونیای نسوز	اخ۲
مواد نسوز دارای اکسید منیزیم	اخ۲
مواد نسوز دارای کربنات منیزیم	اخ۲
مواد نسوز کربن‌دار	اخ۲
مواد نوری	اخ۱
شیشه نوری	اخ۲

اخ۲ فیلم نوری
اخ۲ مواد حساس به نور
اخ۳ امولسیون عکاسی
اخ۳ فیلم عکاسی
اخ۱ مواد نیم‌رسانا
اخ۲ آنتیموان نیم‌رسانا
اخ۲ الماس نیم‌رسانا
اخ۲ ایندیم نیم‌رسانا
اخ۲ بور نیم‌رسانا
اخ۲ بین‌فلزی نیم‌رسانا
اخ۲ پلاسمای نیم‌رسانا
اخ۲ ترکیبات آلومینیم نیم‌رسانا
اخ۲ ترکیبات آلی نیم‌رسانا
اخ۳ بسپار نیم‌رسانا
اخ۲ ترکیبات آنتیموان نیم‌رسانا
اخ۲ ترکیبات ایندیم نیم‌رسانا
اخ۳ فسفید ایندیم نیم‌رسانا
اخ۲ ترکیبات بیسموت نیم‌رسانا
اخ۲ ترکیبات تلوریم نیم‌رسانا
اخ۲ ترکیبات روی نیم‌رسانا
اخ۲ ترکیبات ژرمانیم نیم‌رسانا
اخ۲ ترکیبات ساماریم نیم‌رسانا
اخ۲ ترکیبات سرب نیم‌رسانا
اخ۲ ترکیبات سلنیم نیم‌رسانا
اخ۲ ترکیبات سیلیکون نیم‌رسانا
اخ۲ ترکیبات قلع نیم‌رسانا
اخ۲ ترکیبات کادمیم نیم‌رسانا
اخ۲ ترکیبات گالیم نیم‌رسانا
اخ۳ آرسنید گالیم نیم‌رسانا
اخ۲ ترکیبات منگنز نیم‌رسانا
اخ۲ ترکیبات نقره نیم‌رسانا
اخ۲ تلوریم نیم‌رسانا
اخ۲ حامل بار
اخ۳ حامل انرژی زیاد
اخ۲ ژرمانیم نیم‌رسانا
اخ۲ سلنیم نیم‌رسانا
اخ۲ سیلیکون نیم‌رسانا
اخ۳ ویفر سیلیسیمی
اخ۲ شیشه نیم‌رسانا
اخ۲ گالیم نیم‌رسانا
اخ۲ لایه نیم‌رسانا
اخ۲ مایع نیم‌رسانا
اخ۲ نیم‌رسانای مغناطیسی
اخ۱ مواد هواگرد
اخ۱ ناخالصی
اخ۲ ناخالصی بلور
اخ۱ نخ
اخ۲ رشته لاستیک چرخ
اخ۲ نخ ابریشم مصنوعی
اخ۲ نخ پشمی و فاستونی
اخ۲ نخ پنبه‌ای
اخ۱ نوار
اخ۲ نوار مغناطیسی
اخ۲ نوار مومسان
اخ۱ یخ
اخ۲ یخ دریایی
او آزمایش مواد
او بستر
او جابه‌جایی مواد
او رشد(مواد)
او روان‌ساز
او ریخته‌گری
او علم مواد
ان *Materials*

مواد آتش‌گیر

ب‌ج *مواد اشتعال‌پذیر*
اع۱ مواد
او قابلیت اشتعال
ان *Flammable materials*

مواد آرسنید گالیم
ب‌ک آرسنید گالیم نیم‌رسانا

مواد ابررسانا

ب‌ج *ابررسانا*
اع۱ مواد
اخ۱ ابررسانای اکسیدی
اخ۱ ابررسانای دمای بالا
اخ۱ لایه ابررسانشی
او ابررسانایی
او ابزار ابررسانشی
او جریان بحرانی
او چگالی جریان بحرانی(ابررسانایی)
او دمای گذار ابررسانش
او رسانای الکتریکی
او رسانای آلی
او سیم ابررسانشی
ان *Superconducting materials*

مواد اریخت

اع۱ مواد
اخ۱ آلیاژ اریخت
اخ۱ سیلیسیم اریخت
اخ۱ شیشه
اخ۲ الیاف شیشه‌ای
اخ۲ شیشه منقوش
اخ۲ شیشه ایمنی
اخ۲ شیشه بورسیلیکات
اخ۲ شیشه بورفسفات
اخ۲ شیشه درخشان
اخ۲ شیشه نورحساس
اخ۲ شیشه نوری
اخ۲ شیشه نیم‌رسانا
اخ۲ کنترل روشنی شیشه
اخ۱ شیشه فلزی
اخ۱ فیلم اریخت
او اریخت‌سازی
ان *Amorphous materials*

مواد اشتعال‌پذیر
ب‌ک مواد آتش‌گیر

مواد اصطکاکی
اع۱ مواد
او اصطکاک
او اصطکاک‌شناسی
او ترمز
ان *Friction materials*

مواد اضافی نفت
اع۱ افزودنی
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او فراورده نفتی
ان *Petroleum additive*

مواد الکترونوری
اع۱ مواد
ان *Electrooptical materials*

مواد اندوده
اع۱ مواد
اخ۱ فلز پیش‌اندوده
اخ۱ فلز روکش‌دار
اخ۲ فولاد روکش‌مسی
اخ۱ فلز گالوانیزه
اخ۱ فولاد آلومینیم‌اندود
او الکترود سیمی اندوده
او اندود
او اندود سایا
او فن اندایش
او گلوله سوختی اندوده
ان *Coated materials*

مواد اولیه
اع۱ مواد
او ساختن
او منبع معدنی
ان *Raw materials*

مواد بحرانی
ب‌ک مصالح راهبردی

مواد بسته‌بندی
اع۱ مواد
اخ۱ نواربندی
او بارگنج
او بسته‌بندی
او ریسمان چندلا
ان *Packaging materials*

مواد بلوری
اع۱ مواد
اخ۱ سنگ بلوری
اخ۲ سنگ آذرین
اخ۳ سنگ آتشفشانی
اخ۳ گرانیت
اخ۲ سنگ دگرگونی
اخ۳ استاتیت
اخ۳ سنگ لوح
اخ۳ مرمر
اخ۱ مواد چندبلوری
او بلور
او تبلور
ان *Crystalline materials*

مواد پادفرومغناطیسی
اع۱ مواد مغناطیسی

اع۲ مواد
او پادفرومغناطیس
او نیم‌رسانای مغناطیسی
ان *Antiferromagnetic materials*

مواد پتروشیمیایی

اع۱ فراورده نفتی
اع۲ مواد
او بوتادی‌ان
او پلاستیک
او مواد شیمیایی آلی
او واحد پتروشیمی
ان *Petrochemicals*

مواد پرانرژی

ب‌ک مواد منفجره

مواد پرتوزا

اع۱ مواد
اخ۱ آلیاژ استرون‌سازیسم
اخ۱ آلیاژ اورانیم
اخ۱ آلیاژ توریم
اخ۱ ایزوتوپ پرتوزا
اخ۲ تریتیم
اخ۱ پسمانده پرتوزا
اخ۱ ترکیبات استرونسیم
اخ۱ ترکیبات اورانیم
اخ۲ اورانیم دی‌اکسید
اخ۲ اورانیم کاربید
اخ۲ کانی اورانیتی
اخ۱ ردیاب پرتوزا
اخ۱ عنصر پرتوزا
اخ۲ آکتینید
اخ۳ آکتینیم
اخ۳ اورانیم
اخ۳ پروتاکتینیم
اخ۳ توریم
اخ۳ عنصر فرااورانیوم
اخ۲ استاتین
اخ۲ استرونسیم
اخ۲ رادون
اخ۲ رادیم
اخ۱ محصول شکافت هسته‌ای
او آلودگی آب
او پرتوزایی
او جابه‌جایی بی‌خطر
او خطر بهداشتی
او گاز پرتوزاد
او مواد خطرناک
ان *Radioactive materials*

مواد پیزوالکتریکی

اع۱ مواد دی‌الکتریک
اع۲ مواد
او ابزار پیزوالکتریکی
او انقباض الکتریکی
او پیزوالکتریسیته
او تراگذار پیزوالکتریکی
او مصالح هوشمند
او مواد سرامیکی
او مواد نیم‌رسانا
ان *Piezoelectric materials*

مواد تقویت‌شده رشته‌ای

ب‌ج *آرایش رشته‌ای*
ب‌ج *تقویت رشته‌ای*
اع۱ مواد مختلط
اع۲ مواد
اخ۱ پلاستیک تقویت‌شده رشته‌ای
اخ۲ پلاستیک تقویت‌شده با الیاف شیشه‌ای
اخ۲ پلاستیک مسلح فیبر کربنی
اخ۳ پلاستیک تقویت‌شده با الیاف گرافیتی
اخ۱ فلز تقویت‌شده رشته‌ای
او الیاف
ان *Fiber reinforced materials*

مواد چندبلوری

اع۱ مواد بلوری
اع۲ مواد
او چندبلور
ان *Polycrystalline materials*

مواد حساس به نور

اع۱ مواد نوری
اع۲ مواد
اخ۱ امولسیون عکاسی
اخ۱ فیلم عکاسی
اخ۲ خردورقه
اخ۳ خردفیلم
اخ۲ فیلم پرتو ایکس

اخ۲ فیلم رنگی
او نورحساسی
او نوررنگی
ان *Light sensitive materials*

مواد خروجی

اع۱ زباله
اخ۱ خروجی گازی
اخ۱ خروجی گرمایی
او پالیدن
او پسمانده صنعتی
او تصفیه مواد خروجی
او رسوب‌گذاری
او فاضلاب
او واحد صنعتی
ان *Effluent*

مواد خطرناک

پ‌ج *پسمانده سمی*
پ‌ج *مواد سمی*
اع۱ مواد
اخ۱ آفلاتوکسین
اخ۱ سم صنعتی
او پسمانده شیمیایی
او پسمانده صنعتی
او پنبه نسوز
او خطر
او خطر بهداشتی
او سرریز مواد خطرناک
او سرطانزا
او گازیاب
او مواد پرتوزا
او مواد شیمیایی
ان *Hazardous materials*

مواد خمیر کاغذ

اع۱ خمیر کاغذ
اع۲ مواد
او الیاف کنف
او پنبه
او تفاله نیشکر
او چوب
او خاک اره
او خیزران
او کاغذ باطله
او کاه
ان *Pulp materials*

مواد خنک‌کاری

اع۱ سیال
اع۲ مواد
او برش
او تجهیزات برش
او سردکننده
او گل حفاری
ان *Cutting fluids*

مواد خودرو

اع۱ مواد
او خودرو
او فلز سبک
او قطعات و تجهیزات خودرو
او مصالح لوله‌سازی
ان *Automobile materials*

مواد دانه‌ای

اع۱ مواد
او اندازه‌گیری سطح رویه
او پودر
او پودر فلز
او تحکیم
او تراوایی مکانیکی
او جابه‌جایی مواد
او خاک
او ذره(ماده معلق)
او شارش جامد
او شارش سیال
او گندله‌سازی
او ماسه
ان *Granular materials*

مواد درخشان

اع۱ مواد
اخ۱ اندود درخشنده
اخ۲ شبرنگ
ان *Luminous materials*

مواد دندانپزشکی

اع۱ مواد زیستی

اع۲ مواد
اخ۱ آلیاژ دندانسازی
اخ۱ برساده دندانی
اخ۱ سیمان دندانسازی
اخ۱ ملغمه دندانی
او دندانپزشکی
او سیمان استخوان
ان *Dental materials*

مواد دی‌الکتریک

پ‌ج *دی‌الکتریک*
اع۱ مواد
اخ۱ الکترت
اخ۱ لایه دی‌الکتریک
اخ۱ مواد پیزوالکتریکی
اخ۱ مواد فروالکتریکی
او ابزار دی‌الکتریک
او پلاستیک
او خط ریزنوارکی
او شیشه
او عایق‌بندی الکتریکی
او گرمایش دی‌الکتریکی
او مواد سرامیکی
او مواد عایق‌بندی الکتریکی
ان *Dielectric materials*

مواد رسانا

اع۱ مواد
اخ۱ برق‌کاف
اخ۲ الکترولیت جامد
اخ۲ پلی‌الکترولیت
اخ۱ پلاستیک رسانا
اخ۱ فیلم رسانا
او اثر پوسته
او جریان گردابی
او رسانای الکتریکی
او رسانایی الکتریکی
ان *Conductive materials*

موادرسانی به فرایند

اع۱ جابه‌جایی مواد
او ماشین‌ابزار
ان *Feeding*

مواد زیست‌شناختی

اع۱ مواد
اخ۱ آمینواسید
اخ۱ آنزیم
اخ۲ کوآنزیم
اخ۳ آدنوزین تری فسفات
اخ۱ اسید هسته‌ای
اخ۲ آر.ان.آ.
اخ۲ دی.ان.آ.
اخ۱ بافت(زیست‌شناختی)
اخ۲ استخوان
اخ۲ رباط
اخ۲ عضله
اخ۲ غضروف
اخ۲ کیتین
اخ۲ وتر
اخ۱ پادگن
اخ۱ پوست
اخ۱ زیست‌بسپار
اخ۲ اسید هسته‌ای
اخ۲ پروتئین
اخ۳ آنزیم
اخ۳ اینترفرون
اخ۳ پادتن
اخ۳ زئین
اخ۳ کازئین
اخ۳ کولاژن
اخ۳ هموگلوبین
اخ۲ هورمون
اخ۱ غشای زیست‌شناختی
اخ۲ غشای یاخته
اخ۱ کلسترول
اخ۱ ماحصل سوخت و ساز
اخ۱ مایعات بدن
اخ۲ خون
اخ۱ مینای دندان
اخ۱ یاخته
اخ۲ غشای یاخته
اخ۲ کروموزوم
اخ۳ ژن
او باکتری
او باکتری‌شناسی
او سنجش زیستی
او میکروارگانیسم
او نگهداری مواد زیست‌شناختی
او ویروس
ان *Biological materials*

مواد زیستی

اع۱ مواد
اخ۱ برسازه دریچه قلب
اخ۱ برسازه رگ خونی
اخ۱ جانشین خون
اخ۱ سیمان استخوان
اخ۱ عدسی داخل چشمی
اخ۱ کاشت(جراحی)
اخ۱ مواد دندانپزشکی
اخ۲ آلیاژ دندانسازی
اخ۲ برسازه دندانی
اخ۲ سیمان دندانسازی
اخ۲ ملغمه دندانی
او برسازه مفصل
او برسازه مفصل خاصره‌ای-رانی
او پروستتیک
او پروستتیک میوالکتریکی کنترل‌شده
او سازگاری زیستی
او ضربان‌ساز
او گرافت
ان *Biomaterials*

مواد سرامیکی

ب‌ج *سرامیک*
اع۱ مواد
اخ۱ الیاف سرامیکی
اخ۱ چینی
اخ۱ سرامیک سازه‌ای
اخ۱ کف سرامیک
او آتش‌زنی(مصالح)
او اکسید
او الکترت
او باریم تیتانات
او بور نیترید مکعبی
او پرس‌کاری آب‌ایستایی
او پرس‌کاری داغ
او تیتانیم کاربید
او رس
او سرمت
او سوخت اکسیدی مخلوط
او سیلیسیم نیترید
او فراورده سرامیکی
او کاشی
او گچ
او مخلوط ملات سرامیکی
او مواد پیزوالکتریکی
او مواد دی‌الکتریک
او مواد فروالکتریکی
او مواد نسوز
ان *Ceramic materials*

مواد سمی

ب‌ک مواد خطرناک

مواد شیمیایی

اع۱ مواد
اخ۱ افزودنی
اخ۲ آلودن(مواد اضافی)
اخ۳ آلودن نیم‌رسانا
اخ۲ اضافات خاک کمیاب
اخ۲ افزودنی بتن
اخ۲ افزودنی سوخت
اخ۳ ترکیبات ضدکوبش
اخ۲ افزودنی سیمان
اخ۲ افزودنی لاستیک
اخ۲ افزودنی مواد غذایی
اخ۳ مزه
اخ۳ نگهدارنده مواد غذایی
اخ۲ رایحه
اخ۲ فروآلیاژ
اخ۲ کدرساز
اخ۲ مواد اضافی نفت
اخ۱ پادزیست
اخ۲ آفت‌کش
اخ۳ حشره‌کش
اخ۳ علف‌کش
اخ۳ قارچ‌کش
اخ۲ گندزدا
اخ۱ پرکننده
اخ۲ پرکننده پلاستیک
اخ۱ حلال
اخ۲ حلال آلی
اخ۲ رقیقگر رنگ
اخ۱ رنگینه
اخ۲ رنگ آزو
اخ۲ رنگینه خمره‌ای
اخ۱ سردکننده
اخ۲ آب سرمایش
اخ۲ سردکن
اخ۱ سرطانزا

اخ۲ آفلاتوکسین
اخ۲ نیتروزامین
اخ۱ شناساگر(شیمیایی)
اخ۱ عامل
اخ۲ آغازگر(شیمیایی)
اخ۲ اکسیژن‌زدا
اخ۲ بازدارنده شعله
اخ۲ پاداکسنده
اخ۲ پایدارساز(عامل)
اخ۳ پایدارساز حرارتی
اخ۲ جهش‌زا
اخ۲ عامل ضدثبات
اخ۲ عامل کف‌زای
اخ۲ عامل رهاکننده قالب
اخ۲ عامل شناورکن
اخ۲ عامل وولکانش
اخ۲ کاتالیزور
اخ۳ کاتالیزور زیستی
اخ۲ مانع خوردگی
اخ۲ مواد فعال سطحی
اخ۳ شوینده
اخ۲ نرم‌کننده
اخ۲ وسیله مقابله
اخ۱ مواد شیمیایی آلی
اخ۱ مواد شیمیایی چوب
اخ۱ مواد شیمیایی معدنی
او پسمانده شیمیایی
او صنعت شیمیایی
او محلول ضدیخ
او مواد خطرناک
او واحد صنعتی شیمیایی
ان *Chemicals*

مواد شیمیایی آلی

اع۱ مواد شیمیایی
اع۲ مواد
او اندود آلی
او ترکیبات آلی
او مواد پتروشیمیایی
ان *Organic chemical*

مواد شیمیایی چوب

اع۱ مواد شیمیایی
اع۲ مواد
او چوب
او فراورده چوبی
ان *Wood chemicals*

مواد شیمیایی معدنی

اع۱ مواد شیمیایی
اع۲ مواد
ان *Inorganic chemical*

مواد عایق‌بندی الکتریکی

اع۱ مصالح عایق‌کاری
اع۲ مواد
اخ۱ روکش عایق الکتریکی
اخ۱ مصالح عایق‌کاری مایع
اخ۲ روغن عایق
او تخلیه سطحی
او تخلیه هاله‌ای
او روغن جلاء
او شیشه
او عایق الکتریکی
او عایق‌بندی الکتریکی
او قوس الکتریکی
او محافظت تجهیزات الکتریکی
او مواد دی‌الکتریک
او میکا
ان *Electric insulating materials*

مواد غیرفلزی

اع۱ مواد
اخ۱ مخلوط ملات غیرفلزی
او چرخ‌دنده غیرفلزی
او کان‌سنگ غیرفلزی
او یاتاقان غیرفلزی
ان *Nonmetallic materials*

مواد غیرهمجنس

اع۱ مواد
اخ۱ فلزهای ناهمسان
ان *Dissimilar materials*

مواد فرسابی

اع۱ مواد
او فرساب
ان *Ablative materials*

مواد فرش‌کردن قیری

ب‌ج *باند پرواز قیری*
اع۱ مواد قیری
اع۲ مواد
او آسفالت
او مصالح راه‌سازی
ان *Bituminous paving materials*

مواد فروالکتریکی

ب‌ج *فروالکتریک*
اع۱ مواد دی‌الکتریک
اع۲ مواد
او باریم تیتانات
او پیزوالکتریسیته
او دستگاه فروالکتریکی
او فروالکتریسیته
او مواد سرامیکی
ان *Ferroelectric materials*

مواد فرومغناطیسی

ب‌ج *فلز فرومغناطیسی*
اع۱ مواد مغناطیسی
اع۲ مواد
اخ۱ مگنتیت
او آهنربا
او فرومغناطیس
او نیم‌رسانای مغناطیسی
او هسته مغناطیسی
ان *Ferromagnetic materials*

مواد فری‌مغناطیسی

اع۱ مواد مغناطیسی
اع۲ مواد
اخ۱ فریت
او فری‌مغناطیس
او نیم‌رسانای مغناطیسی
ان *Ferrimagnetic materials*

مواد فعال سطحی

اع۱ عامل
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
اخ۱ شوینده
اخ۲ صابون(شوینده)
او نرم‌کننده
ان *Surface active agent*

مواد فوتورسانش

ب‌ج *فوتورسانا*
اع۱ مواد
او ابزار فوتورسانش
او آشکارساز نوری
او فوتوالکتریسیته
او فوتورسانندگی
او مواد نیم‌رسانا
ان *Photoconducting materials*

مواد قیری

اع۱ مواد
اخ۱ آسفالت
اخ۱ الیاف قیراندود
اخ۱ اندود قیری
اخ۱ کروژن
اخ۱ مواد فرش‌کردن قیری
او افزودنی لاستیک
او قطران
ان *Bituminous materials*

مواد کاغذی غیرلیفی

اع۱ مواد
او کاغذ
او کاغذسازی
ان *Nonfibrous paper materials*

مواد کمکی نساجی

اع۱ مواد
او روغن و چربی
او گلیسرول
او مصنوع نساجی
ان *Textile auxiliary materials*

مواد متخلخل

ی‌د موادی که ساختار یاخته‌ای بازدارند
اع۱ مواد
اخ۱ آهن اسفنجی
اخ۱ اسفنج
اخ۲ پلاستیک اسفنجی
اخ۳ پلاستیک اسفنجی انعطاف‌پذیر
اخ۳ پلاستیک اسفنجی صلب

اخ۲	کف سرامیک
اخ۲	لاستیک اسفنجی
اخ۱	زیرکونیم اسفنجی
اخ۱	سیلسیم متخلخل
او	آغشته‌سازی
او	تراوایی مکانیکی
او	کلوخه‌سازی
او	مصالح سنگی
او	نفوذپذیری سطحی
ان	*Porous materials*

مواد مختلط

اع۱	مواد
اخ۱	بتن
اخ۲	بتن پیش‌تنیده
اخ۲	بتن پیش‌ریخته
اخ۲	بتن سبک
اخ۲	بتن مسلح
اخ۲	بتن منبسط شونده
اخ۲	بتن نسوز
اخ۲	سنگدانه بتن
اخ۱	پلاستیک تقویت‌شده
اخ۲	پلاستیک تقویت‌شده رشته‌ای
اخ۳	پلاستیک تقویت‌شده با الیاف شیشه‌ای
اخ۳	پلاستیک مسلح فیبر کربنی
اخ۲	پلاستیک تقویت‌شده سیمی
اخ۱	ترکیبات کربنی
اخ۱	سرمت
اخ۱	مخلوط خودروغنکار
اخ۱	مخلوط ملات سرامیکی
اخ۱	مخلوط ملات غیرفلزی
اخ۱	مواد تقویت‌شده رشته‌ای
اخ۲	پلاستیک تقویت‌شده رشته‌ای
اخ۳	پلاستیک تقویت‌شده با الیاف شیشه‌ای
اخ۳	پلاستیک مسلح فیبر کربنی
اخ۲	فلز تقویت‌شده رشته‌ای
اخ۱	مواد مرکب ورقه‌ای
او	آلیاژ
او	آلیاژسازی مکانیکی
او	تیر و شاه‌تیر مختلط
او	چسب
او	چسبندگی
او	خردمکانیک مختلط
او	سازه مختلط
او	سازه مطبق
او	فلز
او	فولادگذاری
او	کشش‌رانی
او	مصالح هوشمند
ان	*Composite materials*

مواد مذاب

اع۱	مایع
اع۲	سیال
اع۳	مواد
او	ذوب
ان	*Molten materials*

مواد مرکب ورقه‌ای

اع۱	چندلا
اع۲	مواد
اع۱	مواد مختلط
اع۲	مواد
او	ورقه‌سازی
ان	*Laminated composite*

مواد مغناطیسی

اع۱	مواد
اخ۱	چندلای مغناطیسی
اخ۱	سیال مغناطیسی
اخ۱	فیلم مغناطیسی
اخ۲	لایه ضخیم مغناطیسی
اخ۲	لایه نازک مغناطیسی
اخ۱	لایه نازک مغناطیسی
اخ۱	مواد پادفرومغناطیسی
اخ۱	مواد فرومغناطیسی
اخ۲	مگنتیت
اخ۱	مواد فری‌مغناطیسی
اخ۲	فریت
اخ۱	نوار مغناطیسی
اخ۱	نیم‌رسانای مغناطیسی
اخ۱	هسته مغناطیسی
اخ۲	هسته مغناطیسی پودری
او	ابزار مغناطیسی
او	الکترومغناطیس
او	اندازه‌گیری متغیر مغناطیسی
او	آهنربا
او	بازماند
او	پارامغناطیسن
او	تراوایی مغناطیسی
او	حباب مغناطیسی

او خوزه مغناطیسی
او دگرسانی مغناطیسی
او دیامغناطیس
او فراورده لاستیک مغناطیسی
او فرومغناطیس
او فری‌مغناطیس
او گارنت
او متامغناطیس
او مغناطیس
او نیروی وادارنده
او ویژگی مغناطیسی
ان *Magnetic materials*

مواد مقاوم شیمیایی

اع۱ مواد
او آلیاژ مقاوم در برابر خوردگی
او مقاومت شیمیایی
ان *Chemical resistant materials*

مواد منفجره

ب‌ج *مواد پرانرژی*
اع۱ مواد
اخ۱ خرج شکل‌دار
او انفجار (ضربه‌ای)
او پیشران(مواد)
او متالورژی پودر
او معدن‌کاری
ان *Explosive*

مواد موج‌دار

اع۱ مواد
اخ۱ فلز موج‌دار
اخ۱ مقوای موج‌دار
او بارگنج موج‌دار
ان *Corrugated materials*

مواد نسوز

ب‌ج *دیرگداز*
اع۱ مواد
اخ۱ آجر آهکی
اخ۱ آجر سیلیسی
اخ۱ آلیاژ نسوز
اخ۲ آلیاژ تانتال
اخ۲ آلیاژ تنگستن
اخ۳ استلیت
اخ۲ آلیاژ رنیم
اخ۲ آلیاژ کروم
اخ۳ استلیت
اخ۲ آلیاژ مولیبدن
اخ۲ آلیاژ نیوبیم
اخ۲ آلیاژ وانادیم
اخ۱ بتن نسوز
اخ۱ ترکیبات فلزی دیرگداز
اخ۲ ترکیبات تانتال
اخ۳ تانتال کاربید
اخ۳ کانی تانتالیتی
اخ۲ ترکیبات تنگستن
اخ۳ تنگستن کاربید
اخ۳ کانی تنگستاتی
اخ۲ ترکیبات رنیم
اخ۲ ترکیبات کروم
اخ۳ کرومات
اخ۳ کرومیت
اخ۲ ترکیبات مولیبدن
اخ۲ ترکیبات نیوبیم
اخ۲ ترکیبات وانادیم
اخ۳ کانی وانادیتی
اخ۱ خاک نسوز
اخ۱ زیرکونیای نسوز
اخ۱ مواد نسوز دارای اکسید منیزیم
اخ۱ مواد نسوز دارای کربنات منیزیم
اخ۱ مواد نسوز کربن‌دار
او آتش‌زنی(مصالح)
او آجر
او بریلیا
او پرس‌کاری آب‌ایستایی
او پرس‌کاری داغ
او تیتانیم نیترید
او سرمت
او سیلیسیم نیترید
او فلز دیرگداز
او کلوخه‌سازی
او کیانیت
او مقاومت حرارتی
او مواد سرامیکی
ان *Refractory materials*

مواد نسوز دارای اکسید منیزیم

اع۱ مواد نسوز
اع۲ مواد
او ترکیبات منیزیم

او منیزی
ان *Magnesia refractories*

مواد نسوز دارای کربنات منیزیم

اع۱ مواد نسوز
اع۲ مواد
او ترکیبات منیزیم
او منیزیت
ان *Magnesite refractories*

مواد نسوز کربن‌دار

اع۱ مواد نسوز
اع۲ مواد
او ترکیبات معدنی کربن
او کربن
او گرافیت
ان *Carbonaceous refractory*

مواد نوری

اع۱ مواد
اخ۱ شیشه نوری
اخ۱ فیلم نوری
اخ۱ مواد حساس به نور
اخ۲ امولسیون عکاسی
اخ۲ فیلم عکاسی
اخ۳ خردورقه
اخ۳ فیلم پرتو ایکس
اخ۳ فیلم رنگی
او ابزار نوری
او آینه
او بسپار
او سنج‌افزار نوری
او عدسی
او نورشناسی
ان *Optical materials*

مواد نیم‌رسانا

ب‌ج *نیم‌رسانا*
اع۱ مواد
اخ۱ آنتیموان نیم‌رسانا
اخ۱ الماس نیم‌رسانا
اخ۱ ایندیم نیم‌رسانا
اخ۱ بور نیم‌رسانا
اخ۱ بین‌فلزی نیم‌رسانا
اخ۱ پلاسمای نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات آلومینیم نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات آلی نیم‌رسانا
اخ۲ بسپار نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات آنتیموان نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات ایندیم نیم‌رسانا
اخ۲ فسفید ایندیم نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات بیسموت نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات تلوریم نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات روی نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات ژرمانیم نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات ساماریم نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات سنژنت نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات سلنیم نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات سیلیکون نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات قلع نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات کادمیم نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات گالیم نیم‌رسانا
اخ۲ آرسنید گالیم نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات منگنز نیم‌رسانا
اخ۱ ترکیبات نقره نیم‌رسانا
اخ۱ تلوریم نیم‌رسانا
اخ۱ حامل بار
اخ۲ حامل انرژی زیاد
اخ۱ ژرمانیم نیم‌رسانا
اخ۱ سلنیم نیم‌رسانا
اخ۱ سیلیکون نیم‌رسانا
اخ۲ ویفر سیلیسیمی
اخ۱ شیشه نیم‌رسانا
اخ۱ گالیم نیم‌رسانا
اخ۱ لایه نیم‌رسانا
اخ۱ مایع نیم‌رسانا
اخ۱ نیم‌رسانای مغناطیسی
او ابزار نیم‌رسانا
او اثر برقاصوتی
او اثر زنر
او اثر فوتوولتایی
او اثر گان
او آلودن نیم‌رسانا
او بلور
او پخش متقابل(جامدات)
او پلاسما
او پیزوالکتریسیته
او تراز انرژی الکترونی
او تونل‌زنی الکترونی
او رسانایی الکتریکی
او رشد بلور از راه ذوب

او رشد نیم‌رسانا
او ساختار نواری
او غلظت حامل
او فوتورسانندگی
او کشت یونی
او مرز فلزی نیم‌رسانا
او مشخصه ولتاژ جریان
او مواد پیزوالکتریکی
او مواد فوتورسانش
ان *Semiconductor materials*

مواد هواگرد

اع۱ مواد
او فلز سبک
او قطعات و تجهیزات هواگرد
ان *Aircraft materials*

موازنه

او ارتعاش(مکانیکی)
او کنترل ارتعاش
او ماشین موازنه
ان *Balancing*

موازی‌ساز نوری

اع۱ ابزار نوری
اع۲ تجهیزات
او سنج‌افزار نوری
ان *Optical collimator*

موافقتنامه

ب‌ک قرارداد

موترک

ب‌ک نقص

موتور

اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ موتور الکتریکی
اخ۲ موتور بی‌محور
اخ۲ موتور جریان متناوب
اخ۳ موتور القایی
اخ۳ موتور مولد جریان متناوب
اخ۳ موتور همگام
اخ۲ موتور جریان مستقیم
اخ۳ موتور مولد جریان مستقیم
اخ۲ موتور خطی
اخ۲ موتور شناور
اخ۲ موتور گام‌زن
اخ۲ موتور مدار چاپی
اخ۲ موتور وسیله نقلیه
اخ۲ مولد موتور الکتریکی
اخ۱ موتور هوای فشرده
اخ۱ موتور هیدرولیکی
او موتور(با منبع انرژی درونی)
ان *Motor*

موتور(با منبع انرژی درونی)

اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ پیشران
اخ۲ پیشران کشتی
اخ۲ ملخ هواپیما
اخ۱ چرخ طیار
اخ۲ انباشتگر هیدرولیکی
اخ۱ روتور
اخ۲ روتور بالگرد
اخ۱ سیستم فراراندی(موتور)
اخ۱ ماشین گرمایی
اخ۲ ماشین بخار
اخ۳ توربین بخار
اخ۲ موتور درون‌سوز
اخ۳ پس‌سوز(موتور)
اخ۳ پیستون موتور
اخ۳ خفه‌کن هوای ورودی
اخ۳ سوخت‌آما
اخ۳ سیستم افروزش
اخ۳ سیلندر موتور
اخ۳ شمع جرقه
اخ۳ صداخفه‌کن
اخ۳ مبدل کاتالیزوری
اخ۳ موتور بار لایه‌ای
اخ۳ موتور پیستون آزاد
اخ۳ موتور خودرو
اخ۳ موتور دیزل
اخ۳ موتور گازی
اخ۳ موتور وانکل
اخ۱ محفظه میل‌لنگ
اخ۱ موتور بی‌دررو
اخ۱ موتور جت
اخ۲ موتور با فن کانالیزه
اخ۲ موتور توربوجت

اخ۳ موتور توربوفن
اخ۳ موتور توربینی ملخ‌دار
اخ۲ موتور جت کوبه‌ای
اخ۱ موتور چرخشی
اخ۲ موتور وانکل
اخ۱ موتور دریایی
اخ۱ موتور دوسوخته
اخ۱ موتور مرکب
اخ۱ موتور موشک
اخ۲ فشارافزا(موشک)
اخ۲ محفظه احتراق
او ترمودینامیک
او تلمبه سوخت
او دسته موتور
او موتور
او میل‌لنگ
ان *Engine*

موتور آدیاباتیک
ب‌ک موتور بی‌دررو

موتور احتراق چرخشی
ب‌ک موتور وانکل

موتور القایی
ب‌ج *موتور بسته*
ب‌ج *موتور ناهمگام*
اع۱ ماشین‌آلات ناهمگام
اع۲ ماشین‌آلات جریان متناوب
اع۳ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۱ موتور جریان متناوب
اع۲ ماشین‌آلات جریان متناوب
اع۳ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۲ موتور الکتریکی
اع۳ موتور
اخ۱ موتور قفس سنجابی
ان *Induction motor*

موتور الکتریکی
اع۱ موتور
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ موتور بی‌محور
اخ۱ موتور جریان متناوب
اخ۲ موتور القایی
اخ۳ موتور قفس سنجابی
اخ۲ موتور مولد جریان متناوب
اخ۲ موتور همگام
اخ۳ موتور پسماندی
اخ۳ موتور مقاومت مغناطیسی
اخ۱ موتور جریان مستقیم
اخ۲ موتور مولد جریان مستقیم
اخ۱ موتور خطی
اخ۱ موتور شناور
اخ۱ موتور گام‌زن
اخ۱ موتور مدار چاپی
اخ۱ موتور وسیله نقلیه
اخ۱ مولد موتور الکتریکی
او ابزار کنترل الکتریکی نهایی
او رانه الکتریکی
او لکوموتیو برقی
ان *Electric motor*

موتور بادی
اع۱ موتور گازی
اع۲ موتور درون‌سوز
اع۳ ماشین گرمایی
او تراکم‌ساز هوا
او چرخه استرلینگ
ان *Air engine*

موتور بار لایه‌ای
اع۱ موتور درون‌سوز
اع۲ ماشین گرمایی
اع۳ موتور(با منبع انرژی درونی)
او احتراق
او تزریق سوخت
او خودرو
او سوخت خودرو
ان *Stratified charge engine*

موتور با فن کانالیزه
اع۱ موتور جت
اع۲ موتور(با منبع انرژی درونی)
اع۳ ماشین‌آلات
اع۲ هواپیمای جت
اع۳ هواگرد
او موتور توربوفن
ان *Ducted fan engine*

موتور بسته

ب‌ک موتور القایی

موتور بی‌دررو

ی‌د موتور گرمایی یا سیستم ترمودینامیکی که بدون افزونی یا اتلاف گرما عمل می‌کند.

ب‌ج *موتور آدیاباتیک*

اع۱ موتور(با منبع انرژی درونی)

اع۲ ماشین‌آلات

او تزمودینامیک

او موتور درون‌سوز

ان *Adiabatic engine*

موتور بی‌محور

اع۱ موتور الکتریکی

اع۲ موتور

اع۳ ماشین‌آلات

ان *Shaftless motor*

موتور پسماندی

اع۱ موتور همگام

اع۲ ماشین‌آلات همگام

اع۳ ماشین‌آلات جریان متناوب

اع۲ موتور جریان متناوب

اع۳ ماشین‌آلات جریان متناوب

اع۳ موتور الکتریکی

او پسماند

ان *Hysteresis motor*

موتور پیستون آزاد

اع۱ موتور درون‌سوز

اع۲ ماشین گرمایی

اع۳ موتور(با منبع انرژی درونی)

او توربین گازی

او کمپرسور پیستون آزاد

ان *Free piston engine*

موتور توربوجت

اع۱ موتور جت

اع۲ موتور(با منبع انرژی درونی)

اع۳ ماشین‌آلات

اع۲ هواپیمای جت

اع۳ هواگرد

اخ۱ موتور توربوفن

اخ۱ موتور توربینی ملخ‌دار

او توربین گازی

ان *Turbojet engine*

موتور توربوفن

اع۱ موتور توربوجت

اع۲ موتور جت

اع۳ موتور(با منبع انرژی درونی)

اع۳ هواپیمای جت

او موتور با فن کانالیزه

او موتور توربینی ملخ‌دار

ان *Turbofan engine*

موتور توربینی

ب‌ک توربین

موتور توربینی ملخ‌دار

اع۱ موتور توربوجت

اع۲ موتور جت

اع۳ موتور(با منبع انرژی درونی)

اع۳ هواپیمای جت

او موتور توربوفن

ان *Turboprop engine*

موتور جت

اع۱ موتور(با منبع انرژی درونی)

اع۲ ماشین‌آلات

اع۱ هواپیمای جت

اع۲ هواگرد

اخ۱ موتور با فن کانالیزه

اخ۱ موتور توربوجت

اخ۲ موتور توربوفن

اخ۲ موتور توربینی ملخ‌دار

اخ۱ موتور جت کوبه‌ای

او پیشرانش هسته‌ای

او جت

او موتور هواگرد

ان *Jet engine*

موتور جت کوبه‌ای

اع۱ موتور جت

اع۲ موتور(با منبع انرژی درونی)

اع۳ ماشین‌آلات

اع۲ هواپیمای جت

اع۳ هواگرد

اع۱ موتور هواگرد

اع۲ قطعات و تجهیزات هواگرد
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ هواگرد
ان *Ramjet engine*

موتور جریان متناوب
ب‌ج *موتور وارنشی*
اع۱ ماشین‌آلات جریان متناوب
اع۲ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ ماشین‌آلات
اع۱ موتور الکتریکی
اع۲ موتور
اع۳ ماشین‌آلات
اخ۱ موتور القایی
اخ۲ موتور قفس سنجابی
اخ۱ موتور مولد جریان متناوب
اخ۱ موتور همگام
اخ۲ موتور پسماندی
اخ۲ موتور مقاومت مغناطیسی
او ایستانه
او روتور(سیم‌پیچ)
او سیم‌پیچ ماشین
او محرک با سرعت وردش‌پذیر
ان *AC motor*

موتور جریان مستقیم
اع۱ ماشین‌آلات جریان مستقیم
اع۲ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ ماشین‌آلات
اع۱ موتور الکتریکی
اع۲ موتور
اع۳ ماشین‌آلات
اخ۱ موتور مولد جریان مستقیم
ان *DC motor*

موتور چرخشی
اع۱ موتور(با منبع انرژی درونی)
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ موتور وانکل
ان *Rotary engine*

موتور چرخه استرلینگ
ب‌ک ماشین گرمایی

موتور خطی
اع۱ موتور الکتریکی
اع۲ موتور
اع۳ ماشین‌آلات
او خودروی برقی
او کشش الکتریکی
ان *Linear motor*

موتور خودرو
اع۱ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۲ خودرو
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۱ موتور درون‌سوز
اع۲ ماشین گرمایی
اع۳ موتور(با منبع انرژی درونی)
اخ۱ چندراهه موتور خودرو
اخ۱ موتور خودروی کوچک
اخ۱ موتور خودروی مسابقه
او ساختن موتور خودرو
او وسیله نقلیه هسته‌ای
ان *Automobile engine*

موتور خودروی کوچک
اع۱ موتور خودرو
اع۲ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۳ خودرو
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۲ موتور درون‌سوز
اع۳ ماشین گرمایی
ان *Small automobile engine*

موتور خودروی مسابقه
اع۱ موتور خودرو
اع۲ قطعات و تجهیزات خودرو
اع۳ خودرو
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اع۲ موتور درون‌سوز
اع۳ ماشین گرمایی
او خودروی مسابقه
ان *Racing automobile engine*

موتور درون‌سوز
اع۱ ماشین گرمایی

اع۲ موتور(با منبع انرژی درونی)
اع۳ ماشین‌آلات
اخ۱ پس‌سوز(موتور)
اخ۱ پیستون موتور
اخ۱ خفه‌کن هوای ورودی
اخ۱ سوخت‌آما
اخ۱ سیستم افروزش
اخ۱ سیلندر موتور
اخ۱ شمع جرقه
اخ۱ صداخفه‌کن
اخ۲ اگزوز خودرو
اخ۱ مبدل کاتالیزوری
اخ۱ موتور بار لایه‌ای
اخ۱ موتور پیستون آزاد
اخ۱ موتور خودرو
اخ۲ چندراهه موتور خودرو
اخ۲ موتور خودروی کوچک
اخ۲ موتور خودروی مسابقه
اخ۱ موتور دیزل
اخ۱ موتور گازی
اخ۲ توربین گازی
اخ۳ توربین گازی زغال‌سنگ‌سوز
اخ۲ موتور بادی
اخ۱ موتور وانکل
او انفجار (ضربه‌ای)
او بیرون‌رانی دود
او پرخوران
او پیش‌افروزش
او تجهیزات احتراق
او تزریق آب
او تزریق سوخت
او تلمبه سوخت
او حباب‌بند
او حلقه پیستون
او دستگاه سوخت‌رسانی
او راه‌انداز
او راه‌اندازی
او سوارش پادارتعاش
او سیستم فراراندی(موتور)
او ضربه احتراق
او گاز خروجی
او محفظه میل‌لنگ
او موتور بی‌دررو
او موتور دریایی
او موتور دوسوخته
او موتور مرکب
او موتور هواگرد
او میل‌لنگ
او میله اتصال
او واشر فیبری
ان *Internal combustion engine*

موتور دریایی

بچ *موتور قایق دیزلی*
اع۱ قطعات و تجهیزات آب‌پیما
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ وسیله نقلیه
اع۱ موتور(با منبع انرژی درونی)
اع۲ ماشین‌آلات
او پیشرانی کشتی
او مهندسی دریایی
او موتور درون‌سوز
ان *Marine engine*

موتور دوسوخته

اع۱ موتور(با منبع انرژی درونی)
اع۲ ماشین‌آلات
او موتور درون‌سوز
ان *Dual fuel engine*

موتور دیزل

بچ *موتور روغنی*
بچ *موتور قایق دیزلی*
اع۱ موتور درون‌سوز
اع۲ ماشین گرمایی
اع۳ موتور(با منبع انرژی درونی)
او پیشرانش دیزلی
او سوخت دیزلی
او کشش برقی دیزلی
او لکوموتیو دیزلی
او نیروگاه ترکیبی توربین گازی و دیزل
او نیروگاه ترکیبی هیدروالکتریک و دیزل
ان *Diesel engine*

موتور روغنی

بک موتور دیزل

موتورسیکلت

اع۱ وسیله نقلیه زمینی
اع۲ وسیله نقلیه
ان *Motorcycle*

موتور شناور
اع۱ موتور الکتریکی
اع۲ موتور
اع۳ ماشین‌آلات
او تلمبه شناور
ان *Submersible motor*

موتور فرمان‌یار
اع۱ مکانیسم فرمان‌یار
اع۲ تجهیزات کنترل
اع۳ تجهیزات
اخ۱ همگام‌ساز
او سنجش وضعیت
او کارانداز
او کنترل وضعیت
ان *Servomotor*

موتور قایق دیزلی
ب‌ک موتور دریایی
ب‌ک موتور دیزل

موتور قفس سنجابی
اع۱ موتور القایی
اع۲ ماشین‌آلات ناهمگام
اع۳ ماشین‌آلات جریان متناوب
اع۲ موتور جریان متناوب
اع۳ ماشین‌آلات جریان متناوب
اع۳ موتور الکتریکی
ان *Squirrel cage motor*

موتور گازی
اع۱ موتور درون‌سوز
اع۲ ماشین گرمایی
اع۳ موتور(با منبع انرژی درونی)
اخ۱ توربین گازی
اخ۲ توربین گازی زغال‌سنگ‌سوز
اخ۱ موتور بادی
ان *Gas engine*

موتور گام‌زن
اع۱ موتور الکتریکی
اع۲ موتور
اع۳ ماشین‌آلات
ان *Stepping motor*

موتور مدار چاپی
اع۱ موتور الکتریکی
اع۲ موتور
اع۳ ماشین‌آلات
او مدار چاپی
ان *Printed circuit motor*

موتور مرکب
اع۱ موتور(با منبع انرژی درونی)
اع۲ ماشین‌آلات
او ماشین بخار
او موتور درون‌سوز
او موتور هواگرد
ان *Compound engine*

موتور مقاومت مغناطیسی
ب‌ج *موتور مقاومت مغناطیسی زیرهمگام*
اع۱ موتور همگام
اع۲ ماشین‌آلات همگام
اع۳ ماشین‌آلات جریان متناوب
اع۲ موتور جریان متناوب
اع۳ ماشین‌آلات جریان متناوب
اع۳ موتور الکتریکی
ان *Reluctance motor*

موتور مقاومت مغناطیسی زیرهمگام
ب‌ک موتور مقاومت مغناطیسی

موتور موشک
اع۱ موتور(با منبع انرژی درونی)
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ فشارافزا(موشک)
اخ۱ محفظه احتراق
او پیشران(مواد)
او پیشرانش الکترومغناطیسی
او پیشرانش الکتریکی
او پیشرانش فتونی
او پیشرانش یونی
او تزریق سوخت

او سیستم فراراندی(موتور)
ان *Rocket engine*

موتور مولد جریان متناوب

اع۱ موتور جریان متناوب
اع۲ ماشین‌آلات جریان متناوب
اع۳ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۲ موتور الکتریکی
اع۳ موتور
اع۱ مولد جریان متناوب
اع۲ ماشین‌آلات جریان متناوب
اع۳ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۲ مولد الکتریکی
اع۳ ماشین‌آلات الکتریکی
او نیروگاه ذخیره تلمبه‌ای
ان *AC generator motor*

موتور مولد جریان مستقیم

اع۱ موتور جریان مستقیم
اع۲ ماشین‌آلات جریان مستقیم
اع۳ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۲ موتور الکتریکی
اع۳ موتور
اع۱ مولد جریان مستقیم
اع۲ ماشین‌آلات جریان مستقیم
اع۳ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۲ مولد الکتریکی
اع۳ ماشین‌آلات الکتریکی
او نیروگاه ذخیره تلمبه‌ای
ان *DC generator motor*

موتور ناهمگام

ب‌ک موتور القایی

موتور وارنشی

ب‌ک موتور جریان متناوب

موتور وانکل

ب‌چ *موتور احتراق چرخشی*
اع۱ موتور چرخشی
اع۲ موتور(با منبع انرژی درونی)
اع۳ ماشین‌آلات
اع۱ موتور درون‌سوز
اع۲ ماشین گرمایی
اع۳ موتور(با منبع انرژی درونی)
ان *Wankel engine*

موتور وسیله نقلیه

اع۱ موتور الکتریکی
اع۲ موتور
اع۳ ماشین‌آلات
او راه‌آهن برقی
او کشش الکتریکی
ان *Traction motor*

موتور همگام

اع۱ ماشین‌آلات همگام
اع۲ ماشین‌آلات جریان متناوب
اع۳ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۱ موتور جریان متناوب
اع۲ ماشین‌آلات جریان متناوب
اع۳ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۲ موتور الکتریکی
اع۳ موتور
اغ۱ موتور پسماندی
اغ۱ موتور مقاومت مغناطیسی
ان *Synchronous motor*

موتور هواگرد

اع۱ قطعات و تجهیزات هواگرد
اع۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ وسیله نقلیه
اع۲ هواگرد
اغ۱ موتور جت کوبه‌ای
او تولید موتور هواگرد
او موتور جت
او موتور درون‌سوز
او موتور مرکب
ان *Aircraft engine*

موتور هوای فشرده

ب‌چ *توربین هوایی*
اع۱ موتور
اع۲ ماشین‌آلات
او تراکم‌ساز هوا
او ماشین‌آلات توربو
او هوای فشرده
ان *Compressed air motor*

موتور هیدرولیکی

ی‌د غیر از توربین هیدرولیکی
اع۱ تجهیزات کنترل هیدرولیکی
اع۲ تجهیزات کنترل مکانیکی
اع۳ تجهیزات کنترل
اع۲ تجهیزات هیدرولیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ موتور
اع۲ ماشین‌آلات
ان *Hydraulic motor*

موج

اخ۱ جبهه موج
اخ۱ موج مکانیکی
اخ۲ موج کشسانی
اخ۳ موج شوکی
اخ۳ موج صوتی
اخ۳ موج لرزه‌ای
اخ۲ موج گرانی
اخ۲ موج مایع
اخ۳ موج آب
اخ۱ موج الکترومغناطیسی
اخ۲ پالس الکترومغناطیسی
اخ۲ پرتو ایکس
اخ۲ پرتو گاما
اخ۲ تابش آنتن
اخ۳ شکلوارهٔ جهتی(آنتن)
اخ۲ تابش سنکروترون
اخ۲ تابش سیکلوترون
اخ۲ تابش گرمایی
اخ۳ تابش جو
اخ۲ ریزموج
اخ۲ موج میلیمتری
اخ۲ نور
اخ۳ تابش فرابنفش
اخ۳ تابش مادون قرمز
اخ۳ درخشش
اخ۳ نور پرشدت
اخ۳ نور هرز
اخ۳ نور همدوس
اخ۲ هلیکون
اخ۱ موج پلاسمایی
اخ۲ موج شوکی پلاسما
اخ۱ موج سطحی
او اثر دوپلر
او اثر موج
او انتشار موج
او انتقال فاز
او انتقال موج
او بازتاب
او پاشیدگی(موج)
او تابش
او تداخل موج
او تضعیف
او شکست
او نوسان
او واپیچش(موج)
ان *Wave*

موج مکانیکی

اع۱ موج
اخ۱ موج کشسانی
اخ۲ موج شوکی
اخ۳ موج شوکی پلاسما
اخ۲ موج صوتی
اخ۳ موج صوتی یونی
اخ۳ موج فراصوتی
اخ۳ نوفه صوتی
اخ۲ موج لرزه‌ای
اخ۱ موج گرانی
اخ۱ موج مایع
اخ۲ موج آب
اخ۳ دریالرزه‌موج
او موج سطحی
ان *Mechanical wave*

موج آب

ب‌ج *موج اقیانوس*
اع۱ موج مایع
اع۲ موج مکانیکی
اع۳ موج
اخ۱ دریالرزه‌موج
او آب
او اثر موج آب
او اقیانوس‌شناسی
او تندباد
او جریان اقیانوسی
او کشند
او مخزن مدل کشتی
او هیدرودینامیک
ان *Water wave*

موج اقیانوس
ب‌ک موج آب

موج الاستیک
ب‌ک موج کشسانی

موج الکترومغناطیسی
ب‌ج *انرژی الکترومغناطیسی*
ب‌ج *تابش الکترومغناطیسی*
ب‌ج *موج الکتریکی*
ب‌ج *موج رادیویی*
اع۱ تابش
اع۱ موج
اخ۱ پالس الکترومغناطیسی
اخ۱ پرتو ایکس
اخ۱ پرتو گاما
اخ۱ تابش آنتن
اخ۲ شکلواره جهتی(آنتن)
اخ۱ تابش سنکروترون
اخ۱ تابش سیکلوترون
اخ۱ تابش گرمایی
اخ۲ تابش جو
اخ۱ ریزموج
اخ۱ موج میلیمتری
اخ۱ نور
اخ۲ تابش فرابنفش
اخ۲ تابش مادون قرمز
اخ۲ درخشش
اخ۲ نور پرشدت
اخ۲ نور هرز
اخ۲ نور همدوس
اخ۳ باریکه لیزری
اخ۱ هلیکون
او اثر دوپلر
او الکترومغناطیس
او بازتاب موج الکترومغناطیسی
او برهم‌کنش پلاسمای موجی
او پالایه موج
او پراش موج الکترومغناطیسی
او پراکندگی موج الکترومغناطیسی
او پس‌پراکندگی موج الکترومغناطیسی
او تضعیف موج الکترومغناطیسی
او جذب موج الکترومغناطیسی
او حفاظ الکترومغناطیسی
او حفاظ الکتریکی
او حفاظ مغناطیسی
او رادیو
او شکست موج الکترومغناطیسی
او طیف‌نمایی اتمی
او طیف‌نمایی مولکولی
او قطبش موج الکترومغناطیسی
او مخابرات
او مدوله‌سازی
او معادله ماکسول
او میدان الکترومغناطیسی
او میدان الکتریکی
او نظریه میدان الکترومغناطیسی
ان *Electromagnetic wave*

موج الکتریکی
ب‌ک موج الکترومغناطیسی

موجبر
ب‌ج موجبر *هم‌صفحه*
اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ اجزای موجبر
اخ۲ پیوندگاه موجبر
اخ۲ تضعیفگر موجبر
اخ۲ جداساز موجبر
اخ۲ جفت‌ساز موجبر
اخ۲ دایره‌زن موجبر
اخ۲ مبدل موجبر
اخ۱ موجبر پلاسمایی
اخ۱ موجبر دایره‌ای
اخ۱ موجبر دی‌الکتریک
اخ۲ موجبر نوری
اخ۱ موجبر مارپیچی
اخ۱ موجبر مستطیلی
او ابزار ریزموج
او انتشار موج الکترومغناطیسی هدایت‌شونده
او آنتن
او خط ارتباط مخابراتی
او خط تلفن
او ژیراتور
او عامل تغذیه آنتن
او کابل هم‌محور
ان *Waveguide*

موجبر استوانه‌ای

ب‌ک موجبر دایره‌ای

موجبر پلاسمایی

اع۱ ابزار پلاسما
اع۲ تجهیزات
اع۱ موجبر
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او پلاسما
او کاربرد پلاسما
ان *Plasma filled waveguide*

موج برخورد الکتریکی

اع۱ جریان الکتریکی
اع۲ الکتریسیته
او جالت گذرا
او حفاظت موج برخورد
او خط الکتریکی
او مبدل الکتریکی
ان *Electric surge*

موجبر دایره‌ای

ب‌ج *موجبر استوانه‌ای*
اع۱ موجبر
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او موجبر مارپیچی
ان *Circular waveguide*

موجبر دی‌الکتریک

اع۱ ابزار دی‌الکتریک
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ موجبر
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ موجبر نوری
ان *Dielectric waveguide*

موج برشی

ب‌ک موج کشسانی

موجبر مارپیچی

اع۱ موجبر
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او موجبر دایره‌ای
ان *Helical waveguide*

موجبر مستطیلی

اع۱ موجبر
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
ان *Rectangular waveguide*

موجبر نوری

اع۱ ابزار نوری
اع۲ تجهیزات
اع۱ موجبر دی‌الکتریک
اع۲ ابزار دی‌الکتریک
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۲ موجبر
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او انتقال نور
او تار نوری
او تجهیزات ارتباط نوری
او لوازم لیزر
او نور
او نورشناسی مجتمع
ان *Optical waveguide*

موجبر هم‌صفحه

ب‌ک موجبر

موج پلاسمایی

اع۱ موج
اخ۱ موج شوکی پلاسما
او پلاسما
او نوسان پلاسما
ان *Plasma wave*

موج پیچشی

ب‌ک موج کشسانی

موج خمشی

ب‌ک موج کشسانی

موج رادیویی

ب‌ک موج الکترومغناطیسی

موج سطحی

اع۱ پدیده سطحی
اع۱ موج
او موج مکانیکی
ان *Surface wave*

موج‌سنج

اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او اندازه‌گیری ریزموجی
او بسامدسنج
ان *Wavemeter*

موج‌شکن

اع۱ سازه آبی
اع۲ سازه
اخ۱ موج‌شکن شناور
او اسکله کوچک
او اقیانوس‌شناسی
او حفاظت ساحل
او مهندسی ساحل
ان *Breakwater*

موج‌شکن شناور

اع۱ موج‌شکن
اع۲ سازه آبی
اع۳ سازه
ان *Floating breakwater*

موج شوکی

اع۱ موج کشسانی
اع۲ موج مکانیکی
اع۳ موج
اخ۱ موج شوکی پلاسما
او انتشار موج صوتی
او انفجار (ترکشی)
او انفجار (ضربه‌ای)
او انفجار هسته‌ای
او آیرودینامیک
او جریان هماصوتی
او دینامیک سیالات
او سرعت موج صوتی
او سولیتون
او صوت‌شناسی
او فراصوت‌شناسی
او لرزه‌شناسی
او لوله شوک
او مکانیک
او موج صوتی
او نوفه صوتی
ان *Shock wave*

موج شوکی پلاسما

اع۱ موج پلاسمایی
اع۲ موج
اع۱ موج شوکی
اع۲ موج کشسانی
اع۳ موج مکانیکی
او پلاسما
او جریان پلاسما
او محصورسازی پلاسما
ان *Plasma shock wave*

موج صوتی

ب‌ج صوت
اع۱ موج کشسانی
اع۲ موج مکانیکی
اع۳ موج
اخ۱ موج صوتی یونی
اخ۱ موج فراصوتی
اخ۱ نوفه صوتی
اخ۲ نوفه صوتی سفید
او اثر دوپلر
او اثر موج صوتی
او ارتعاش شبکه
او ارتعاش(مکانیکی)
او اعوجاج صوتی
او آلودگی نوفه
او انتشار موج صوتی
او بازتاب موج صوتی
او پاشیدگی صوتی
او پراش موج صوتی
او پراکندگی موج صوتی
او پس‌پراکندگی

او سرعت موج صوتی
او شکست موج صوتی
او صوت‌شناسی
او فونون
او موج شوکی
ان *Acoustic wave*

موج صوتی یونی

اع۱ موج صوتی
اع۲ موج کشسانی
اع۳ موج مکانیکی
او انتشار موج
ان *Ion acoustic wave*

موج فراصوتی

اع۱ موج صوتی
اع۲ موج کشسانی
اع۳ موج مکانیکی
او اثر فراصوتی
او انتشار فراصوتی
او انتقال فراصوتی
او بازتاب فراصوتی
او پاشندگی فراصوتی
او پراش فراصوتی
او پراکندگی فراصوتی
او جذب فراصوتی
او سرعت فراصوتی
او شکست فراصوتی
او فراصوت‌شناسی
او کاربرد فراصوتی
او واپیچش فراصوتی
ان *Ultrasonic wave*

موج کشسانی

ب‌ج موج الاستیک
ب‌ج موج برشی
ب‌ج موج پیچشی
ب‌ج موج خمشی
اع۱ موج مکانیکی
اع۲ موج
اخ۱ موج شوکی
اخ۲ موج شوکی پلاسما
اخ۱ موج صوتی
اخ۲ موج صوتی یونی
اخ۲ موج فراصوتی
اخ۲ نوفه صوتی
اخ۳ نوفه صوتی سفید
اخ۱ موج لرزه‌ای
او ارتعاش(مکانیکی)
او فونون
او کشسانی
او هیدرودینامیک کشسانی
ان *Elastic wave*

موج کشندی
ب‌ک دریالرزه‌موج

موج گرانی

اع۱ موج مکانیکی
اع۲ موج
او گرانش
ان *Gravity wave*

موج لرزه‌ای

اع۱ موج کشسانی
اع۲ موج مکانیکی
اع۳ موج
او انتقال موج صوتی
او دریالرزه‌موج
او زلزله
او لرزه‌شناسی
او لرزه‌نگار
ان *Seismic wave*

موج مادون قرمز
ب‌ک تابش مادون قرمز

موج مایع

اع۱ موج مکانیکی
اع۲ موج
اخ۱ موج آب
اخ۲ دریالرزه‌موج
او دینامیک سیالات
او مایع
او هیدرودینامیک
ان *Liquid wave*

موج میلیمتری

اع۱ موج الکترومغناطیسی

اع۲ تابش
اع۲ موج
او ریزموج
ان *Millimeter wave*

موجودات دریایی چوب‌خوار
او رنگ ضدخزه
او زیست‌شناسی دریایی
او سازه بندر
او کشتی
او کنترل آفت
ان *Marine borer*

موج هدایت‌شونده
ب‌ک انتشار موج الکترومغناطیسی هدایت‌شونده

مودم
اع۱ تجهیزات ارتباط داده‌ها
اع۲ تجهیزات مخابراتی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ مدوله‌ساز
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ وامدوله‌ساز
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
ان *Modem*

مودولا(زبان برنامه‌نویسی)
اع۱ زبان سطح بالا
اع۲ زبان برنامه‌نویسی رایانه
ان *Modula (programming language)*

موزه
اع۱ تسهیلات
او افلاک نما
ان *Museum*

موسسه
ب‌ک انجمن و موسسه

موسیقی رایانه‌ای
اع۱ کاربرد رایانه
اع۲ کاربرد
او اثر ویژه
او آلات موسیقی الکترونیکی
او نرم‌افزار رایانه
ان *Computer music*

موشک
اع۱ ساز و برگ جنگی
اع۲ تجهیزات نظامی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ موشک دریایی
اخ۲ موشک پرتاب‌شده از زیر آب
اخ۳ اژدر
او پرتاب
او پرتابه
او حفاظ گرمایی
او راکت
او ردیابی(مکان)
او سیستم موشک‌اندازی
او سیستم هدایت الکترونیکی
او مخروط دماغه
او مساله گرما
او مسیر
ان *Missile*

موشک تدافعی
ب‌ک راکت نظامی

موشک پرتاب‌شده از زیر آب
اع۱ موشک دریایی
اع۲ موشک
اع۳ ساز و برگ جنگی
اخ۱ اژدر
او پرتاب‌شناسی زیرآبی
او جنگ دریایی
ان *Underwater launched missile*

موشک چندبارمصرف
اع۱ راکت
اع۲ تجهیزات
ان *Reusable rocket*

موشک دریایی
اع۱ موشک
اع۲ ساز و برگ جنگی

اع۳ تجهیزات نظامی
اخ۱ موشک پرتاب‌شدهٔ از زیر آب
اخ۲ اژدر
او جنگ دریایی
ان *Marine missile*

موشک گمانه‌زنی

ب‌ج *موشک هواشناسی*
اع۱ راکت
اع۲ تجهیزات
او رادیوسوند
او سنج‌افزار هواشناسی
او ماهواره هواشناسی
ان *Sounding rocket*

موشک هواشناسی
ب‌ک موشک گمانه‌زنی

موشی(دستگاه جنبی رایانه)

اع۱ ابزار برهم‌کنشی
اع۲ تجهیزات جانبی رایانه
اع۳ بسته‌افزار رایانه
او پایانه رایانه
او قلم نوری
ان *Mouse (computer peripheral)*

مولد القایی
ب‌ک مولد ناهمگام

مولد الکتروستاتیکی

اع۱ دستگاه الکترواستاتیک
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ مولد الکتریکی
اع۲ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ ماشین‌آلات
اخ۱ مولد وان‌دوگراف
او الکترواستاتیک
ان *Electrostatic generator*

مولد الکتریکی

اع۱ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ مگنتو
اخ۱ مولد الکتروستاتیکی
اخ۲ مولد وان‌دوگراف
اخ۱ مولد توربینی
اخ۱ مولد جریان متناوب
اخ۲ موتور مولد جریان متناوب
اخ۲ مولد ناهمگام
اخ۲ مولد همگام
اخ۱ مولد جریان مستقیم
اخ۲ موتور مولد جریان مستقیم
اخ۱ مولد موتور الکتریکی
اخ۱ مولد هیدروالکتریکی
او تبدیل مستقیم انرژی
او تجهیزات کنترل الکتریکی
او محافظت تجهیزات الکتریکی
او محرک الکتریکی
ان *Electric generator*

مولد بخار

اع۱ تجهیزات گرمایش
اع۲ تجهیزات
اخ۱ ابرگرم‌کن
اخ۲ لوله ابرگرم‌کن
اخ۱ دیگ بخار
اخ۲ بخارجمع‌کن
اخ۲ جوشاننده چرخندی
اخ۲ دیگ بخار آماده
اخ۲ دیگ بخار با سوخت پودرشده
اخ۲ دیگ بخار دریایی
اخ۲ دیگ بخار زغال‌سنگ‌سوز
اخ۲ دیگ بخار فشار قوی
اخ۲ دیگ بخار کک‌سوز
اخ۲ دیگ بخار گازسوز
اخ۲ دیگ بخار لوله آتشین
اخ۲ دیگ بخار لوله‌ای
اخ۲ دیگ بخار نفت‌سوز
اخ۲ سنج‌افزار کنترل دیگ بخار
او انتقال گرما
او بخار(آب)
او پیش‌گرم‌کن
او دیگ فشار
او مبادله‌کن گرما
ان *Steam generator*

مولد پالس نوری

اع۱ مولد تپ
اع۲ مدار تپ
اع۳ شبکه(مدار)
اع۲ مولد تابع
اع۳ مولد سیگنال
او لیزر
ان *Light pulse generator*

مولد تابع

اع۱ مولد سیگنال
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ مولد تپ
اخ۲ مولد پالس نوری
اخ۱ مولد موج مربعی
او رایانه قیاسی
ان *Function generator*

مولد تابع شیب

ب‌ک مولد شیب

مولد تپ

اع۱ مدار تپ
اع۲ شبکه(مدار)
اع۱ مولد تابع
اع۲ مولد سیگنال
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اخ۱ مولد پالس نوری
او چندلرزشی
او مدار جاروب
او مدار شکل‌دهی تپ
او مولد موج مربعی
ان *Pulse generator*

مولد توربینی

اع۱ ماشین‌آلات توربو
اع۲ ماشین‌آلات
اع۱ مولد الکتریکی
اع۲ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ ماشین‌آلات
او توربین
او توربین بخار
او توربین گازی
او مولد هیدروالکتریکی
ان *Turbogenerator*

مولد جریان متناوب

اع۱ ماشین‌آلات جریان متناوب
اع۲ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ ماشین‌آلات
اع۱ مولد الکتریکی
اع۲ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ ماشین‌آلات
اخ۱ موتور مولد جریان متناوب
اخ۱ مولد ناهمگام
اخ۱ مولد همگام
او ایستانه
او روتور(سیم‌پیچ)
او سیم‌پیچ الکتریکی
او سیم‌پیچ ماشین
ان *AC generator*

مولد جریان مستقیم

ب‌ج *دینام*
اع۱ ماشین‌آلات جریان مستقیم
اع۲ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ ماشین‌آلات
اع۱ مولد الکتریکی
اع۲ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ ماشین‌آلات
اخ۱ موتور مولد جریان مستقیم
ان *DC generator*

مولد سیگنال

اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ بسامدساز
اخ۲ آلات موسیقی الکترونیکی
اخ۱ مولد تابع
اخ۲ مولد تپ
اخ۳ مولد پالس نوری
اخ۲ مولد موج مربعی
اخ۱ مولد سیگنال کمکی
اخ۱ مولد شیب

اخ۱ مولد نوفه
او پردازش سیگنال ویدئویی
او تجهیزات فراصوتی
او چندلرزشی
او مولد صوتی
او نوسانگر(الکترونیک)
ان *Signal generator*

مولد سیگنال کمکی

اع۱ مولد سیگنال
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او ساعت الکتریکی
ان *Ancillary signal generator*

مولد شیب

ب‌ج *مولد تابع شیب*
اع۱ مولد سیگنال
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
ان *Ramp generator*

مولد صوتی

ی‌د تولیدکننده امواج صوتی
اع۱ تجهیزات صوتی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ آلات موسیقی
اخ۲ آلات موسیقی الکترونیکی
اخ۲ ارگ(آلات موسیقی)
اخ۱ بلندگو
اخ۲ بلندگوی الکترواستاتیکی
اخ۱ تابشگر صوتی
اخ۱ زنگ
اخ۱ سیرن
او اثر نوری‌صوتی
او آرایه صوتی
او ارتعاشگر
او فرستنده
او مولد سیگنال
ان *Acoustic generator*

مولد عدد تصادفی

اع۱ فن ریاضی
او روش آماری
او فرایند تصادفی
او نظریه اعداد
ان *Random number generation*

مولد گاز

اع۱ تجهیزات
او زایگر گاز
او ساختن سوخت گازی
او گاز
ان *Gas generator*

مولد مغناطوالکتریکی

ب‌ک مگنتو

مولد مغناطوهیدرودینامیک

ب‌ک مبدل مغناطوهیدرودینامیک

مولد موتور الکتریکی

اع۱ موتور الکتریکی
اع۲ موتور
اع۳ ماشین‌آلات
اع۱ مولد الکتریکی
اع۲ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ ماشین‌آلات
ان *Electric motor generator set*

مولد موج مربعی

اع۱ مولد تابع
اع۲ مولد سیگنال
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او چندلرزشی
او مولد تپ
ان *Square wave generator*

مولد ناهمگام

ب‌ج *مولد القایی*
اع۱ ماشین‌آلات ناهمگام
اع۲ ماشین‌آلات جریان متناوب
اع۳ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۱ مولد جریان متناوب
اع۲ ماشین‌آلات جریان متناوب
اع۳ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۲ مولد الکتریکی
اع۳ ماشین‌آلات الکتریکی

او سیم‌پیچ الکتریکی
او سیم‌پیچ ماشین
ان *Asynchronous generator*

مولد نوفه

اع۱ مولد سیگنال
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او اندازه‌گیری نوفه سیگنال
او نوفه سیگنال مزاحم
ان *Noise generator*

مولد وان‌دوگراف

اع۱ مولد الکتروستاتیکی
اع۲ دستگاه الکترواستاتیک
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۲ مولد الکتریکی
اع۳ ماشین‌آلات الکتریکی
ان *Van de Graaff generator*

مولد هال

ب‌ک ابزار اثر هال

مولد همگام

ب‌ج *متناوب ساز(مولد)*
اع۱ ماشین‌آلات همگام
اع۲ ماشین‌آلات جریان متناوب
اع۳ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۱ مولد جریان متناوب
اع۲ ماشین‌آلات جریان متناوب
اع۳ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۲ مولد الکتریکی
اع۳ ماشین‌آلات الکتریکی
ان *Synchronous generator*

مولد هیدروالکتریکی

اع۱ مولد الکتریکی
اع۲ ماشین‌آلات الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ ماشین‌آلات
او توربین هیدرولیکی
او مولد توربینی
ان *Hydroelectric generator*

مولکول

اع۱ درشت‌ملکول
اع۲ اسید هسته‌ای
اع۳ آر.ان.آ.
اع۳ دی.ان.آ.
او اتم
او دینامیک مولکولی
او رادیکال آزاد
او ساختار مولکولی
او صورتبندی
او طیف‌نمایی مولکولی
او غشای نفوذگزین
او فیزیک مولکولی
او نظریه جنبشی
او وزن مولکولی
ان *Molecule*

مولیبدن

اع۱ فلز دیرگداز
اع۲ فلز واسطه
اع۳ فلز
اع۱ فلز غیرآهنی
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او آبکاری مولیبدن
او آلیاژ مولیبدن
او ترکیبات مولیبدن
او ذخیره مولیبدن
او عمل‌آوری کان‌سنگ مولیبدن
او فلزنگاری مولیبدن
او متالورژی مولیبدن
او معدن مولیبدن
ان *Molybdenum*

موم

اع۱ لیپید
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او کاغذ مومی
ان *Waxe*

موم‌زدایی

اع۱ پالایش نفت
اع۲ پالایش هیدروکربن
اع۳ پالایش

اع۱ جداسازی
اع۲ عملیات شیمیایی
ان *Dewaxing*

مومسانی

اع۱ ویژگی مکانیکی
اخ۱ ابرمومسانی
او آزمایش دمای بالا
او آزمایش مومسانی
او تغییرشکل
او تغییرشکل مومسان
او جریان مومسان
او چکش‌خواری
او خزش
او سختی
او سیال‌شناسی
او شارش جامد
او شکل‌پذیری
او شکنندگی
او کرنش
او مکانیک پیوستاری
او ویسکوپلاستیسیته
ان *Plasticity*

مونازیت

اع۱ کان‌سنگ
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
او توریم
او ذخیره مونازیت
او عنصر خاکی کمیاب
ان *Monazite*

مونتاژ تجهیزات

ب‌ک سوارش

مویینگی

اع۱ پدیده سطحی
او تخلخل
او تراوش(سیال)
او ترشدگی
او جریان مویین
او زاویه تماس
او سیال‌شناسی
او کشش سطحی
او لوله مویین
او مکانیک‌سیالات
ان *Capillarity*

مه

اع۱ جو زمین
او بخار(آب)
او پراکندگی مه
او هواشناسی
ان *Fog*

مهاجرت الکتریکی

اع۱ اثر میدان الکتریکی
اع۲ اثر
او پخشیدگی
او سطح مشترک(مواد)
او مدارمجتمع
او ویژگی سطح
ان *Electromigration*

مهار آنزیم

او آنزیم
ان *Enzyme inhibition*

مهاربند(ساخت بتنی)

اع۱ تجهیزات ساخت
اع۲ تجهیزات
او ساخت بتنی
ان *Anchorage (concrete construction)*

مهاربند(سازه)

اع۱ سازه بندر
اع۲ سازه
او راه آبی درون‌مرزی
ان *Dolphin (structure)*

مهار تک‌نقطه‌ای

اع۱ مهار کشتی
اع۲ اتصال
او قایق
او کشتی
او کشتی بادبانی
ان *Single point mooring*

مهار کشتی

اع۱ اتصال
اخ۱ مهار تک‌نقطه‌ای
او طناب کشتی
او قایق
او کشتی
ان *Mooring*

مهرزنی

اع۱ شکل‌دهی
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
اخ۱ مهرزنی فلز
اخ۲ سکه‌زنی
او پرس‌کاری(شکل‌دهی)
او کشش(شکل‌دهی)
او منگنه‌کاری
ان *Stamping*

مهرزنی فلز

اع۱ شکل‌دهی فلز
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
اع۱ مهرزنی
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
اخ۱ سکه‌زنی
او آهنگری
او پرس‌کاری فلز
او گرم‌کاری
او مدل‌کشی فلزی
او منگنه‌کاری
ان *Metal stamping*

مهره(چفت)

اع۱ چفت
اع۲ اجزا
او پیچ نر
ان *Nut (fastener)*

مهمات

اع۱ ساز و برگ جنگی
اع۲ تجهیزات نظامی
اع۳ تجهیزات
او پرتابه
ان *Ammunition*

مهندس

اع۱ کارکنان
او ثبت‌نام مهندسان
او زندگی‌نامه
او مهندسی
ان *Engineer*

مهندسی

ی‌د یک اصطلاح خیلی عام است، ترجیحا رشته خاصی از مهندسی را به کار برید.
اخ۱ پژوهش مهندسی
اخ۱ زمین‌شناسی مهندسی
اخ۱ مهندسی ارزش
اخ۱ مهندسی اقیانوس
اخ۱ مهندسی الکترونیک
اخ۱ مهندسی بخار
اخ۱ مهندسی برق
اخ۱ مهندسی به کمک رایانه
اخ۱ مهندسی تاسیسات شهری
اخ۱ مهندسی توانبخشی انسانی
اخ۱ مهندسی تولید
اخ۱ مهندسی خودرو
اخ۱ مهندسی دریایی
اخ۱ مهندسی دقت
اخ۱ مهندسی دمای بالا
اخ۱ مهندسی راه و ساختمان
اخ۲ مهندسی بهداشت
اخ۲ مهندسی راه
اخ۲ مهندسی ساحل
اخ۱ مهندسی روشنایی
اخ۱ مهندسی زیست‌پزشکی
اخ۱ مهندسی سیستم‌ها
اخ۱ مهندسی شمالگان
اخ۱ مهندسی شیمی
اخ۲ مهندسی بیوشیمی
اخ۱ مهندسی صنعتی
اخ۱ مهندسی فاکتورهای انسانی
اخ۲ ارگونومی
اخ۱ مهندسی فرایند
اخ۱ مهندسی فرودمایی
اخ۱ مهندسی فشار قوی
اخ۱ مهندسی کشاورزی
اخ۱ مهندسی گاز

اع۱	مهندسی گرمسیری
اع۱	مهندسی محیط
اع۱	مهندسی معدن
اع۱	مهندسی مکانیک
اع۱	مهندسی نظامی
اع۱	مهندسی نفت
اع۲	مهندسی مخزن نفتی
اع۱	مهندسی نوررسانی
اع۱	مهندسی نوری
اع۱	مهندسی هسته‌ای
اع۱	مهندسی هوافضا
او	آموزش مهندسی
او	پژوهش
او	تاریخ
او	تسهیلات مهندسی
او	تضمین کیفیت
او	ثبت اختراع و اختراع
او	جنبه فلسفی
او	دستینه
او	طراحی به کمک رایانه
او	طراحی سازه
او	طراحی ماشین
او	فناوری
او	مدیریت طرح
او	مهندس
او	نظریه
او	نگهداشت‌پذیری
او	نمایشگاه مهندسی
او	نوشتن فنی
ان	*Engineering*

مهندسی ارزش

اع۱	مهندسی
او	استاندارد
او	بهینه‌سازی
او	تجزیه و تحلیل سیستم‌ها
او	تحقیق در عملیات
او	کنترل کیفیت
ان	*Value engineering*

مهندسی اقیانوس

اع۱	مهندسی
او	اقیانوس‌شناسی
او	انفجار زیرآبی
او	بررسی آب‌نگاری
او	برش زیرآبی
او	تبدیل انرژی حرارتی اقیانوس
او	تجهیزات اقیانوس‌شناسی
او	تجهیزات زیرآبی
او	جوشکاری زیرآبی
او	حفاری زیرآبی
او	زیستگاه اقیانوس
او	ساخت زیرآبی
او	ساختار اقیانوس
او	سازه زیرآبی
او	سکوی تولید
او	کاربرد دریایی
او	گمانه‌زنی زیرآبی
او	منبع معدنی زیرآبی
او	نیروگاه زیرآبی
ان	*Ocean engineering*

مهندسی الکترونیک

اع۱	مهندسی
او	الکترونیک هوایی
او	تجهیزات الکترونیکی
او	مخابرات
ان	*Electronics engineering*

مهندسی ایمنی

ب‌ک	پیشگیری حادثه

مهندسی بخار

اع۱	مهندسی
او	بخار(آب)
او	جدول و نمودار بخار
ان	*Steam engineering*

مهندسی برق

اع۱	مهندسی
ان	*Electrical engineering*

مهندسی بهداشت

اع۱	مهندسی راه و ساختمان
اع۲	مهندسی
او	مهندسی تاسیسات شهری
او	مهندسی محیط
ان	*Sanitary engineering*

مهندسی به کمک رایانه

اع۱ کاربرد رایانه
اع۲ کاربرد
اع۱ مهندسی
او تولید به کمک رایانه
او سیستم خبره
او طراحی به کمک رایانه
ان *Computer aided engineering*

مهندسی بیوشیمی

اع۱ مهندسی شیمی
اع۲ مهندسی
او زیست‌شیمی
ان *Biochemical engineering*

مهندسی تاسیسات شهری

اع۱ مهندسی
او برنامه‌ریزی شهری
او مهندسی بهداشت
او مهندسی راه و ساختمان
ان *Municipal engineering*

مهندسی توانبخشی انسانی

اع۱ مهندسی
او ابزار کنترل چشم
او اندام حرکتی مصنوعی
او پس‌خورد حسی
او تجهیزات توانبخشی انسانی
او تحریک عصبی کنشی
او تشخیص کنشی
او تغذیه
او توانبخشی بیمار
او توانبخشی عصبی‌عضلانی
او جانشین صفحه‌کلید رایانه(خدمات معلولین)
او چرخک
او خدمات ارتباطی برای ناشنوایان
او خدمات تولید گفتار
او سیستم زندگی مستقل
او فیزیوتراپی
او کاردرمانی
او کمک سیار برای روشن‌دل
او کمک‌حسی
او کمک‌راه‌رفتن
او کمک‌یادگیری برای معلول
او محل نشستن معلولین
او معلول
ان *Human rehabilitation engineering*

مهندسی تولید

اع۱ مهندسی
او استانداردکردن
او تولید
او کنترل تولید
او مهندسی فرایند
ان *Production engineering*

مهندسی خودرو

اع۱ مهندسی
او خودرو
او ساختن خودرو
ان *Automotive engineering*

مهندسی دانش

اع۱ هوش مصنوعی
اع۲ سیبرنتیک
اع۳ علم سیستم‌ها
اخ۱ کسب دانش
اخ۱ نمایش دانش
او سیستم دانش بنیاد
ان *Knowledge engineering*

مهندسی دریایی

اع۱ مهندسی
او بیمه دریایی
او قایق
او کاربرد دریایی
او کشتی
او معماری دریایی
او موتور دریایی
او ناوگان بازرگانی
ان *Marine engineering*

مهندسی دقت

اع۱ مهندسی
ان *Precision engineering*

مهندسی دمای بالا

اع۱ مهندسی
او اثر دمای بالا

او عملکرد دمای بالا
او کاربرد دمای بالا
او ویژگی دمای بالا
ان *High temperature engineering*

مهندسی راه

ب‌ج *طراحی بزرگراه*
اع۱ مهندسی راه و ساختمان
اع۲ مهندسی
او اداره بزرگراه
او جاده و خیابان
او سیستم بزرگراه
ان *Highway engineering*

مهندسی راه و ساختمان

ب‌ج *مهندسی عمران*
اع۱ مهندسی
اخ۱ مهندسی بهداشت
اخ۱ مهندسی راه
اخ۱ مهندسی ساحل
او برنامه‌ریزی شهری
او سازه
او طراحی سازه
او مهندسی تاسیسات شهری
ان *Civil engineering*

مهندسی روشنایی

اع۱ مهندسی
او بینایی
او چشمه نور
او دید
او روشنایی الکتریکی
او مهندسی محیط
او نورپردازی طبیعی
او نورسنجی
ان *Illuminating engineering*

مهندسی زیست‌پزشکی

اع۱ مهندسی
او ارتباطات زیستی
او ارتوپدی
او آزمایشگاه پرتو ایکس
او آلرژی
او الکترومیوگرافی
او اورولوژی
او اینترفرون
او برش‌نگاری رایانه‌ای
او برق‌درمانی
او پایش بیمار
او پایش جنینی
او پایش نوزاد
او پتانسیل زیست‌الکتریک
او پدیده زیست‌الکتریک
او پروستتیک
او پروسیجر پزشکی غیر تهاجمی
او پزشکی
او پزشکی زنان
او پزشکی سوزنی
او پزشکی کودکان
او پزشکی هسته‌ای
او پژوانگاری قلب
او پیوندکردن(جراحی)
او تثبیت شکستگی
او تجهیزات پزشکی الکترونیکی
او تجهیزات زیست‌پزشکی
او تشخیص(پزشکی)
او تصویربرداری تشدید مغناطیسی
او تنفس‌درمانی
او توانبخشی بیمار
او ثبت نوار مغزی
او جراحی
او جراحی اعصاب
او جراحی الکتریکی
او جراحی قلب و عروق
او چشم‌پزشکی
او خطایابی به کمک رایانه
او دارودرمانی
او درمان بیمار
او درون‌بینی
او دندانپزشکی
او رگ‌نگاری
او رگ‌نگاری قلب
او ریزگردش
او زایمان‌پزشکی
او زیستارشناسی
او زیست‌شناسی
او زیست‌فناوری
او زیست‌مکانیک
او سترون‌سازی(تمیزکاری)
او سرطان‌شناسی
او سرماجراحی

او سرمادرمانی
او عصب‌شناسی
او فیزیک‌درمانی اعصاب
او فیزیک‌درمانی الکتریکی
او فیزیوتراپی
او قلب‌پزشکی
او قلب‌نگاری
او کاربرد پزشکی
او کاشت(جراحی)
او کالبدشکافی
او کنترل بیماری
او کنترل زیستی
او کنترل مالاریا
او گرمانگاری(تصویرسازی)
او مدل فیزیک‌درمانی
او مطالعه حرکت خون
او مطالعه دستگاه‌های زنده
او مطالعه غدد داخلی
او معده و روده‌شناسی
او مهندسی فاکتورهای انسانی
او مهندسی محیط
او هوشبری‌شناسی
او هیپوترمی
او یاخته‌شناسی
ان *Biomedical engineering*

مهندسی ژنتیک

اع۱ زیست‌فناوری
اع۲ فناوری
اخ۱ هم‌گروه‌سازی
او جهش‌زایی
ان *Genetic engineering*

مهندسی ساحل

اع۱ مهندسی راه و ساختمان
اع۲ مهندسی
او اسکله کوچک
او حفاظت ساحل
او دریاکنار
او زون ساحلی
او سازه بندر
او کرانه‌داری
او موج‌شکن
ان *Coastal engineering*

مهندسی سازه

ب‌ک طراحی سازه

مهندسی سیستم‌ها

اع۱ مهندسی
او ارگونومی
او تجزیه و تحلیل سیستم‌ها
او تحقیق در عملیات
او تصمیم‌گیری
او رایانه
او زمان‌بندی
او سیستم انسان و ماشین
او مدل ریاضی
او مدیریت
او مکانیزه‌کردن
ان *Systems engineering*

مهندسی شمالگان

ب‌ج *مهندسی منطقه سرد*
اع۱ مهندسی
او ساختمان شمالگان
او سازه زیر برف
او مهندسی فرودمایی
او وسیله نقلیه شمالگان
او یخبندان دائمی
او یخچال طبیعی
ان *Arctic engineering*

مهندسی شیمی

اع۱ مهندسی
اخ۱ مهندسی بیوشیمی
او شیمی
او شیمی‌فیزیک
او صنعت شیمیایی
او عملیات شیمیایی
او نمایشگاه شیمیایی
ان *Chemical engineering*

مهندسی صنعتی

اع۱ مهندسی
او ساده‌سازی کار
او صنعت
او مطالعه زمان و حرکت
ان *Industrial engineering*

مهندسی عمران

ب‌ک مهندسی راه و ساختمان

مهندسی فاکتورهای انسانی

اع۱ مهندسی
اع۱ ارگونومی
او اثر موج صوتی
او ادراک حسی
او آزمایش شایستگی
او آزمون استخدامی کارکنان
او آزمون ذهنی
او آلودگی نوفه
او برانگیختگی
او بی‌وزنی
او پزشکی سالمندان
او پژوهش خواب
او پژوهش رفتاری
او پس‌خورد زیستی
او تجزیه و تحلیل شغل
او زمان واکنش انسانی
او زمان‌بندی کار-استراحت
او سفر فضایی
او سیستم انسان و ماشین
او فیزیک‌درمانی روانی
او کاهش نوفه
او کنترل دستی
او مدل انسانی
او مطالعه زمان و حرکت
او مهندسی زیست‌پزشکی
او مهندسی محیط
او نوفه صوتی
او هوشمندی گفتار
ان *Human engineering*

مهندسی فرایند

اع۱ مهندسی
او فراورش
او کنترل فرایند
او مهندسی تولید
ان *Process engineering*

مهندسی فرودمایی

اع۱ مهندسی
او اثر فرودمایی
او پدیده فرودما
او تولید فرودما
او سرماچال
او سرمایش‌شناسی
او عملیات فرودمایی
او مهندسی شمالگان
او ویژگی دمای پایین
ان *Low temperature engineering*

مهندسی فشار قوی

اع۱ مهندسی
او اثر فشار قوی
ان *High pressure engineering*

مهندسی کشاورزی

اع۱ مهندسی
او کشاورزی
ان *Agricultural engineering*

مهندسی گاز

اع۱ مهندسی
ان *Gas engineering*

مهندسی گرمسیری

اع۱ مهندسی
او استوا
او تهویه مطبوع
او ساختمان گرمسیری
او کنترل رطوبت
او کنترل رطوبت (محیط)
او مساله آب‌وهوای گرم
ان *Tropical engineering*

مهندسی محیط

اع۱ مهندسی
او اتاق شستشو
او احیای زمین
او ارگونومی
او آزمایش محیطی
او آلودگی آب
او آلودگی هوا
او برنامه‌ریزی منطقه‌ای
او بوم‌سامانه
او بوم‌شناسی
او پیشگیری حادثه

او تهویه
او تهویه مطبوع
او توزیع دما
او جنگلبانی
او حفاظت ساحل
او حفاظت محیط زیست
او دفع زباله
او روشنایی
او سرمایش
او علوم زمین
او کاهش دود
او کاهش نوفه
او کرانه‌داری
او کنترل آلودگی
او کنترل دما
او کنترل سیل
او کیفیت آب
او کیفیت هوا
او گرمایش
او گرمایش فضا
او محفظه محیطی
او مهندسی بهداشت
او مهندسی روشنایی
او مهندسی زیست‌پزشکی
او مهندسی فاکتورهای انسانی
او مهندسی نوررسانی
او نشانزد محیطی
او هواشناسی
ان *Environmental engineering*

مهندسی مخزن نفتی

اع۱ مهندسی نفت
اع۲ مهندسی
او بررسی مغزه
او چاه نفتی
او میدان نفتی
ان *Petroleum reservoir engineering*

مهندسی معدن

اع۱ مهندسی
او معدن‌کاری
او مکانیک سنگ
ان *Mining engineering*

مهندسی مکانیک

اع۱ مهندسی
او آزمایش مکانیکی
او تحلیل تنش
او طراحی نازه
او مکانیک
او ویژگی مکانیکی
ان *Mechanical engineering*

مهندسی منطقه سرد

ب‌ک مهندسی شمالگان

مهندسی نرم‌افزار

ب‌ج *توسعه نرم‌افزاری*
اع۱ کاربرد رایانه
اع۲ کاربرد
اخ۱ پیش‌نمونه نرم‌افزار
اخ۱ مهندسی نرم‌افزار به کمک رایانه
ان *Software engineering*

مهندسی نرم‌افزار به کمک رایانه

ب‌ج *ابزار نرم‌افزار*
اع۱ مهندسی نرم‌افزار
اع۲ کاربرد رایانه
اع۳ کاربرد
او برنامه‌نویسی شی‌گرا
او قابلیت حمل نرم‌افزار رایانه
او نرم‌افزار رایانه
ان *Computer aided software engineering*

مهندسی نظامی

اع۱ مهندسی
او ارتباطات نظامی
او پادسنجش الکترونیکی نظامی
او پرتاب‌شناسی
او پنهان‌کردن تجهیزات جنگی
او تجهیزات ساخت نظامی
او تدارک‌رسانی نظامی
او تهیه نقشه نظامی
او جنگ الکترونیکی
او جنگ دریایی
او داده‌پردازی نظامی
او دفاع غیرنظامی
او زمین‌شناسی نظامی
او عملیات نظامی
او فرودگاه نظامی

او کاربرد نظامی
او مصنوع نساجی نظامی
او نیروگاه نظامی
ان *Military engineering*

مهندسی نفت
اع۱ مهندسی
اع۱ مهندسی مخزن نفتی
او صنعت نفت
او نفت خام
ان *Petroleum engineering*

مهندسی نگهداشت
ب‌ک نگهداشت‌پذیری

مهندسی نوررسانی
اع۱ مهندسی
او بینایی
او چشمه نور
او دید
او روشنایی الکتریکی
او مهندسی محیط
او نورپردازی طبیعی
او نورسنجی
ان *Illuminating engineering*

مهندسی نوری
اع۱ مهندسی
او نورشناسی
ان *Optical engineering*

مهندسی هسته‌ای
اع۱ مهندسی
او انرژی هسته‌ای
او سوخت هسته‌ای
او صنعت هسته‌ای
او نیروگاه هسته‌ای
ان *Nuclear engineering*

مهندسی هوافضا
ب‌ج *مهندسی هوانوردی*
اع۱ مهندسی
او کاربرد هوافضایی
ان *Aerospace engineering*

مهندسی هوانوردی
ب‌ک مهندسی هوافضا

میان‌پرده
ب‌ج *دیافراگم*
اع۱ اجزا
او تراگذار فشاری
او تلمبه
او سوپاپ
او گذرندگی
او نشت‌بند
ان *Diaphragm*

میخ
اع۱ چفت
اع۲ اجزا
ان *Nail*

میدان اسکیت‌بازی
اع۱ تسهیلات
او تسهیلات تفریحی
او تفریحگاه
ان *Skating rink*

میدان الکتروستاتیک
ب‌ک میدان الکتریکی

میدان الکترومغناطیسی
او الکترومغناطیس
او اندازه‌گیری میدان الکترومغناطیسی
او تشدید سیکلوترونی الکترون
او موج الکترومغناطیسی
او میدان الکتریکی
او میدان مغناطیسی
او نظریه میدان الکترومغناطیسی
ان *Electromagnetic field*

میدان الکتریکی
ب‌ج *میدان الکتروستاتیک*
او ابزار نیم‌رسانای اثر میدانی
او اثر میدان الکتریکی
او الکترت
او الکترواستاتیک
او اندازه‌گیری میدان الکتریکی

او توزیع نیروی برق
او جریان الکتریکی
او حفاظ الکتریکی
او دستگاه الکترواستاتیک
او معادله ماکسول
او موج الکترومغناطیسی
او میدان الکترومغناطیسی
ان *Electric field*

میدان زمین‌گرمایی

اع۱ انرژی زمین‌گرمایی
اع۲ منبع تجدیدشدنی انرژی
اع۳ منبع انرژی
اع۲ منبع طبیعی
اخ۱ سیستم صخره گرم‌خشک
او چاه زمین‌گرمایی
او چشمه زمین‌گرمایی
او منبع آب زمین‌گرمایی
ان *Geothermal field*

میدان گاز طبیعی

اع۱ ذخیره گاز طبیعی
اع۲ ذخیره سوخت فسیلی
اع۳ منبع معدنی
او بهره‌برداری از چاه گاز طبیعی
او گاز طبیعی
ان *Natural gas field*

میدان مغناطیسی

او اثر تنگش
او اثر میدان مغناطیسی
او اندازه‌گیری میدان مغناطیسی
او آهنربا
او تعلیق مغناطیسی
او حفاظ مغناطیسی
او عدسی مغناطیسی
او محصورسازی پلاسما
او مدار مغناطیسی
او معادله ماکسول
او مغناطش
او مغناطیس
او مغناطیس‌شناسی ساکن
او میدان الکترومغناطیسی
او وامغناطش
ان *Magnetic field*

میدان مغناطیسی زمین

اع۱ جو بالا
اع۲ جو زمین
اخ۱ کمربند تابشی
او زمین‌مغناطیس
او یون‌کره
ان *Magnetosphere*

میدان نفت دریایی

اع۱ میدان نفتی
اع۲ ذخیره نفتی
اع۳ ذخیره سوخت فسیلی
او اکتشاف نفت دریایی
او تولید چاه نفت دریایی
او چاه نفت دریایی
او حفاری دریایی
او خطلوله دریایی
ان *Offshore oil field*

میدان نفتی

اع۱ ذخیره نفتی
اع۲ ذخیره سوخت فسیلی
اع۳ منبع معدنی
اخ۱ میدان نفت دریایی
او آب نمک
او ارزیابی مخزن نفت
او ارزیابی منبع
او پایانه خطلوله
او توسعه میدان نفتی
او دفع پساب
او صنعت نفت
او مخزن نفت(خام)
او مهندسی مخزن نفتی
او نسبت ذخیره به تولید
او نفت خام
ان *Oil field*

میرایی

اع۱ مکانیک
او ارتعاش(مکانیکی)
او اصطکاک درونی
او بسامد طبیعی
او پاسخ دینامیکی
او پایداری
او پایداری سیستم

او پسماند
او تابع انتقال
او جذب انرژی
او ضربه‌گیر
او کنترل ارتعاش
او نوسان
ان *Damping*

میزر

اع۱ تقویت‌کننده ریزموج
اع۲ ابزار ریزموج
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تقویت‌کننده(الکترونیکی)
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او ابزار پارامتری
او الکترونیک کوانتومی
او اندازه‌گیری زمان
او بازآواگر کاواکی
او ساعت اتمی
او لیزر
او نوسانگر(الکترونیک)
ان *Maser*

میزر نوری
ب‌ک لیزر

میسل

اع۱ کلوئید
اع۲ پاشیدگی
او غلظت حدی میسلی
ان *Micelle*

میعان

اخ۱ مایع‌شدگی خاک
اخ۱ میعان زغال‌سنگ
اخ۱ میعان گاز
اخ۱ میعان لیگنیت
او سوخت مایع
او لیگنیت
ان *Liquefaction*

میعان زغال‌سنگ

اع۱ میعان
او زغال‌سنگ
او سوخت مصنوعی
او واحد صنعتی میعان زغال‌سنگ
ان *Coal liquefaction*

میعان گاز

اع۱ گذار فاز
اع۱ میعان
او چگالش
او گاز
او گاز مایع
ان *Liquefaction of gas*

میعان لیگنیت

اع۱ میعان
او لیگنیت
ان *Lignite liquefaction*

میکا

اع۱ کانی سیلیکاتی
اع۲ سیلیکات
اع۳ ترکیبات سیلیسیم
اع۲ کانی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
او ذخیره میکا
او گرانیت
او مواد عایق‌بندی الکتریکی
ان *Mica*

میکروارگانیسم

اخ۱ الکترود میکروبی
اخ۱ باکتری
اخ۲ باکتری کلی‌فرم
اخ۱ تک‌یاخته
اخ۱ متان‌زا
اخ۱ ویروس
اخ۲ باکتری‌خوار
اخ۲ ویروس سرطانزا
او الکترود میکروبی
او باکتری‌شناسی
او پادزی
او جلبک
او قارچ
او مخمر
او مواد زیست‌شناختی

او میکروب‌شناسی
ان *Microorganism*

میکروالکترونیک
اع۱ صنعت الکترونیک
اع۲ صنعت
او پردازش میکروالکترونیکی
او مدارمجتمع
ان *Microelectronics*

میکروب‌شناسی
اع۱ زیست‌شناسی
اع۲ علوم طبیعی
اخ۱ باکتری‌شناسی
اخ۲ باکتری‌شناسی آب
اخ۲ باکتری‌شناسی فاضلاب
او قارچ
او میکروارگانیسم
او ویروس
ان *Microbiology*

میکروترون
اع۱ سیلکوترون
اع۲ شتاب‌دهنده ذره
اع۳ تجهیزات
ان *Microtron*

میکروسکپی نیروی اتمی
اع۱ آزمون میکروسکپی
او ساختار اتمی بلور
او ساختار سطحی
او میکروسکوپی الکترونی
او میکروسکوپی الکترونی انتقالی
او میکروسکوپی تونل‌زنی روبشگری
او میکروسکوپی روبشگری الکترون
ان *Atomic force microscopy*

میکروسکوپ
اع۱ سنجافزار
اع۲ تجهیزات
اخ۱ میکروسکوپ الکترونی
اخ۱ میکروسکوپ پرتو ایکس
اخ۱ میکروسکوپ صوتی
اخ۱ میکروسکوپ فتوالکتریک
اخ۱ میکروسکوپ میدان‌گسیل
اخ۱ میکروسکوپ یونی
او آزمون میکروسکپی
او تقویت‌کننده تصویر(حالت جامد)
او تقویت‌کننده تصویر(لامپ الکترونی)
ان *Microscope*

میکروسکوپ الکترونی
اع۱ میکروسکوپ
اع۲ سنجافزار
اع۳ تجهیزات
او پراش الکترون
او میکروسکوپی الکترونی
او میکروسکوپی الکترونی انتقالی
او میکروسکوپی روبشگری الکترون
او نورشناسی الکترونی
ان *Electron microscope*

میکروسکوپ پرتو ایکس
اع۱ دستگاه پرتو ایکس
اع۲ تجهیزات
اع۱ میکروسکوپ
اع۲ سنجافزار
اع۳ تجهیزات
ان *X ray microscope*

میکروسکوپ صوتی
اع۱ تجهیزات صوتی
اع۲ تجهیزات
اع۱ میکروسکوپ
اع۲ سنجافزار
اع۳ تجهیزات
او فن تصویرسازی
ان *Acoustic microscope*

میکروسکوپ فتوالکتریک
اع۱ ابزار فتوالکتریکی
اع۲ ابزار دیدالکترونیک
اع۳ ابزار نوری
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ میکروسکوپ
اع۲ سنجافزار
اع۳ تجهیزات
ان *Photoelectric microscope*

میکروسکوپ میدان‌گسیل

اع۱ میکروسکوپ
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
ان *Field emission microscope*

میکروسکوپی

ب‌ک آزمون میکروسکپی

میکروسکوپی الکترونی

اع۱ آزمون میکروسکپی
اخ۱ میکروسکوپی الکترونی انتقالی
اخ۱ میکروسکوپی روبشگری الکترون
او آماده‌سازی نمونه
او پراش الکترون
او فلزنگاری
او میکروسکپی نیروی اتمی
او میکروسکوپ الکترونی
او میکروسکوپی تونل‌زنی روبشگری
او نورشناسی الکترونی
ان *Electron microscopy*

میکروسکوپی الکترونی انتقالی

اع۱ میکروسکوپی الکترونی
اع۲ آزمون میکروسکپی
او میکروسکپی نیروی اتمی
او میکروسکوپ الکترونی
ان *Transmission electron microscopy*

میکروسکوپی تونل‌زنی روبشگری

اع۱ آزمون میکروسکپی
او تونل‌زنی الکترونی
او ساختار سطحی
او میکروسکپی نیروی اتمی
او میکروسکوپی الکترونی
ان *Scanning tunneling microscopy*

میکروسکوپی روبشگری الکترون

اع۱ میکروسکوپی الکترونی
اع۲ آزمون میکروسکپی
او آماده‌سازی نمونه
او میکروسکپی نیروی اتمی
او میکروسکوپ الکترونی
ان *Scanning electron microscopy*

میکروسکوپی نوری

اع۱ آزمون میکروسکپی
او فلزنگاری
ان *Optical microscopy*

میکروسکوپ یونی

اع۱ میکروسکوپ
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او باریکه یونی
ان *Ion microscope*

میل مشعل

اع۱ پالایشگاه نفت
اع۲ واحد صنعتی
ان *Flare stack*

میل بادامک

اع۱ اجزای ماشین
اع۲ اجزا
اع۲ ماشین‌آلات
او بادامک
ان *Camshaft*

میل‌لنگ

اع۱ محور(اجزای ماشین)
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
اع۳ ماشین‌آلات
او موتور درون‌سوز
او موتور(با منبع انرژی درونی)
او میله اتصال
ان *Crankshaft*

میله(فلز)

او دستگاه نورد
او شمشال
او شمشه(فلز)
او فرایند دستگاه نورد
ان *Bar (metal)*

میله اتصال

اع۱ ساز و کار
اع۲ ماشین‌آلات

او پیستون
او لکوموتیو
او موتور درون‌سوز
او میل‌لنگ
ان *Connecting rod*

میله جریان
اع۱ رسانای الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
ان *Busbar*

میله کنترل
اع۱ تجهیزات کنترل
اع۲ تجهیزات
اع۱ واکنشگاه هسته‌ای
اع۲ تسهیلات
ان *Control rod*

میناکاری
اع۱ فن اندایش
اع۲ نهشت
او رنگ‌کاری
ان *Enameling*

مینای دندان
اع۱ مواد زیست‌شناختی
اع۲ مواد
او دندانپزشکی
ان *Tooth enamel*

میوه
اع۱ فراورده غذایی
اع۱ فراورده کشاورزی
او آب‌میوه
او باغ میوه
ان *Fruit*

می‌هانیت
ب‌ک چدن ریخته‌گری

نابجایی(بلور)
اع۱ نقص بلور
اع۲ نقص
او نقص روی‌هم‌چینی
ان *Dislocation (crystal)*

نابسامانی
ب‌ک نظریه نابسامانی

نابسامانی نوری
ب‌ک نظریه نابسامانی

ناپایداری
ب‌ک پایداری

ناحیه حرارت‌دیده
ی‌د در جوشکاری
او جوش
او جوشکاری
ان *Heat affected zone*

ناخالصی
ب‌ج *آلوده‌گر*
اع۱ مواد
اع۱ ناخالصی بلور
او آلوده‌شدن
او تجزیه شیمیایی
او درونمانده
ان *Impurity*

ناخالصی بلور
اع۱ ناخالصی
اع۲ مواد
او بلور
او نقص بلور
او نقص نقطه‌ای
ان *Crystal impurity*

نازل
اع۱ اجزا
او جت
او روزنه
او روزنه تهویه
او شارش سیال
ان *Nozzle*

ناشفافی

ب‌ج *توان گسیل نوری*
اع۱ ویژگی نوری
اع۲ ویژگی فیزیکی
او چگالی(نوری)
او شفافیت
او کدرساز
او نور
او نورچگالی‌سنج
ان *Opacity*

نافلز

اع۱ عنصر شیمیایی
اخ۱ اکسیژن
اخ۲ اوزون
اخ۱ سلنیم
اخ۲ سلنیم نیم‌رسانا
اخ۱ شبه فلز
اخ۲ آرسنیک
اخ۲ بور
اخ۳ بور نیم‌رسانا
اخ۲ پولونیم
اخ۲ تلوریم
اخ۳ تلوریم نیم‌رسانا
اخ۲ ژرمانیم
اخ۳ ژرمانیم نیم‌رسانا
اخ۲ سیلیسیم
اخ۳ سیلسیم متخلخل
اخ۳ سیلیسیم اریخت
اخ۳ سیلیکون نیم‌رسانا
اخ۱ عنصر هالوژنی
اخ۲ استاتین
اخ۲ برم
اخ۲ فلئور
اخ۲ کلر
اخ۲ ید
اخ۱ فسفر
اخ۱ کربن
اخ۲ الماس
اخ۳ الماس سنتزی
اخ۳ الماس صنعتی
اخ۳ الماس نیم‌رسانا
اخ۲ الیاف کربنی
اخ۳ الیاف گرافیتی
اخ۲ دوده کربنی
اخ۲ زغال چوب
اخ۲ کربن فعال‌شده
اخ۲ گرافیت
اخ۳ الیاف گرافیتی
اخ۳ گرافیت ساختگی
اخ۳ گرافیت کلوئیدی
اخ۱ گاز بی‌اثر
اخ۲ آرگون
اخ۲ رادون
اخ۲ زنون
اخ۲ کریپتون
اخ۲ نئون
اخ۲ هلیم
اخ۳ هلیم ابرسیال
اخ۱ گوگرد
اخ۱ نیتروژن
اخ۱ هیدروژن
او کان‌سنگ غیرفلزی
ان *Nonmetal*

ناقل تک‌ریلی

اع۱ باربر نقاله‌ای
اع۲ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۳ تجهیزات
او تک‌ریلی
ان *Monorail conveyor*

ناقل پل

اع۱ باربر نقاله‌ای
اع۲ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۳ تجهیزات
ان *Bridge conveyor*

ناقل زنجیری

اع۱ باربر نقاله‌ای
اع۲ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۳ تجهیزات
ان *Chain conveyor*

ناقل کان‌سنگ

اع۱ کشتی
اع۲ آب‌پیما
اع۳ وسیله نقلیه
ان *Ore carrier*

ناقل گرانی

اع۱ باربر نقاله‌ای
اع۲ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۳ تجهیزات
ان *Gravity conveyor*

نام‌گذاری
ب‌ک اصطلاح‌شناسی

نانوایی
اع۱ واحد صنعتی فراورده غذایی
اع۲ واحد صنعتی
او اجاق صنعتی
ان *Bakery*

ناوبر اینرسی
ب‌ک سیستم ناوبری اینرسی

ناوبری
اخ۱ ناوبری رادیویی
اخ۱ ناوبری هوایی
او اثر دوپلر
او اجتناب از تصادف
او آدمک
او اندازه‌گیری مسافت
او ردیابی(مکان)
او زاویه‌یاب
او زمان‌سنج
او ژیروسکپ
او سفر فضایی
او سونار
او سیستم ناوبری
او سیستم ناوبری اینرسی
او قابل دوام در دریای طوفانی
او ماهواره
او مثلث‌بندی
او مدار
او مسیر
او نمودار ناوبری
ان *Navigation*

ناوبری کمکی ماهواره
ی‌د استفاده از ماهواره به عنوان کمک به ناوبری.
اع۱ سیستم ناوبری
اع۲ تجهیزات
اخ۱ سیستم مکان‌یابی سراسری
او ماهواره
ان *Satellite navigation aids*

ناوبری رادیویی
اع۱ ناوبری
او ترانسپوندر
او رادار
او رادیو
او سیستم بزرگراه وسیله نقلیه هوشمند
او سیستم جهت‌یابی رادیویی
او سیستم مکان‌یابی سراسری
ان *Radio navigation*

ناوبری هوایی
اع۱ ناوبری
اع۱ هواپیمایی
او ارتباط هواگردی
او سیستم ناوبری اینرسی
او مراقبت پرواز
او هواگرد
ان *Air navigation*

ناوگان بازرگانی
او ترابری آبی
او کشتی
او مهندسی دریایی
ان *Merchant marine*

ناهمسانگردی
اع۱ ویژگی فیزیکی
اخ۱ ناهمسانی مغناطیسی
او اثر کر نوری
او بافت
او شکل‌پذیری
او فلزنگاری
ان *Anisotropy*

ناهمسانی مغناطیسی
اع۱ ناهمسانگردی
اع۲ ویژگی فیزیکی
اع۱ ویژگی مغناطیسی
اع۲ ویژگی فیزیکی
ان *Magnetic anisotropy*

ناهم‌فرکانسی

اع۱ پردازش سیگنال
او مدار آمیزشگر
ان *Heterodyning*

نپتونیم

اع۱ عنصر فراورانیوم
اع۲ آکتینید
اع۳ عنصر پرتوزا
اع۳ فلز غیرآهنی
ان *Neptunium*

نجات در معدن

او آتش‌سوزی معدن
او انفجار معدن
او پوشاک محافظ
او خطر
او سیلاب‌روبی معدن
او معدن‌کاری
ان *Mine rescue*

نجاری

اع۱ ساختن
اع۲ تولید
او ابزار نجاری
او فراورده چوبی
او ماشین‌آلات نجاری
ان *Woodworking*

نخ

اع۱ مواد
اخ۱ رشته لاستیک چرخ
اخ۱ نخ ابریشم مصنوعی
اخ۱ نخ پشمی و فاستونی
اخ۱ نخ پنبه‌ای
او الیاف نساجی
او ریسمان چندلا
او ریسندگی(الیاف)
او مصنوع نساجی
او منسوجات
ان *Yarn*

نخ ابریشم مصنوعی

اع۱ نخ
اع۲ مواد
او ابریشم مصنوعی
او الیاف مصنوعی
او منسوجات ابریشم مصنوعی
ان *Rayon yarn*

نخ پشمی و فاستونی

اع۱ نخ
اع۲ مواد
او الیاف پشمی
او پشم
او کارگاه پشمی و فاستونی
او منسوجات پشمی و فاستونی
ان *Woolen and worsted yarn*

نخ پنبه‌ای

اع۱ نخ
اع۲ مواد
او الیاف پنبه‌ای
او پنبه
او منسوجات پنبه‌ای
ان *Cotton yarn*

ندامتگاه

ب‌ک زندان

نرخ برق

اع۱ نرخ بهره‌برداری
اع۲ دستمزد و هزینه
اع۳ امور مالی
او خدمات برق‌رسانی
ان *Electric rate*

نرخ بهره‌برداری

اع۱ دستمزد و هزینه
اع۲ امور مالی
اخ۱ نرخ برق
اخ۱ هزینه تخلیه فاضلاب
اخ۱ هزینه تصفیه فاضلاب
او کنتور آب
ان *Utility rate*

نردبان

اع۱ تجهیزات

او پله
ان *Ladder*

نردبان ماهی
ب‌ک ماهی‌رو

نرده
ب‌ج *نرده مخصوص دستگیره*
اع۱ عضو سازه‌ای
اع۲ اجزا
اع۲ سازه
اخ۱ نرده شبرنگ
اخ۱ نرده شبرنگ
او اجزای ساختمان
او پل
ان *Railing*

نرده شبرنگ
اع۱ نرده
اع۲ عضو سازه‌ای
اع۳ سازه
او اندود درخشنده
ان *Luminous railing*

نرده محافظ
اع۱ جاده و خیابان
اع۲ امکانات همگانی
او ابزار ایمنی
او سیستم بزرگراه
ان *Guard rail*

نرده مخصوص دستگیره
ب‌ک نرده

نرده شبرنگ
اع۱ نرده
اع۲ عضو سازه‌ای
اع۳ اجزا
او اندود درخشنده
ان *Luminous railing*

نرم‌افزار آدمک
ب‌ک نرم‌افزار رایانه

نرم‌افزار رایانه
ب‌ج *نرم‌افزار آدمک*
اخ۱ الگوریتم موازی
اخ۱ برنامه سودمند
اخ۱ برنامه مجری و ناظر
اخ۲ برنامه چندپردازشی
اخ۲ برنامه اشتراک زمانی
اخ۱ پردازشگر برنامه
اخ۲ اسمبلر برنامه
اخ۲ کامپایلر برنامه
اخ۲ مترجم برنامه
اخ۲ مفسر برنامه
اخ۱ زیربرنامه
اخ۱ سیستم عامل رایانه
اخ۲ برنامه درونداد-برونداد
اخ۲ داس(سیستم عامل)
اخ۲ یونیکس(سیستم عامل)
اخ۱ صورت برنامه رایانه
اخ۱ ماکرو
اخ۱ ویرایشگر پرونده
او آدمک صنعتی
او برنامه‌نویسی رایانه
او برنامه‌نویسی سیستم رایانه
او رایانه
او سیستم پردازش خط‌لوله‌ای
او سیستم رایانه‌ای
او گزینش و ارزشیابی نرم‌افزار رایانه‌ای
او مهندسی نرم‌افزار به کمک رایانه
او موسیقی رایانه‌ای
او نظریه برنامه‌نویسی
او نگاره‌سازی رایانه‌ای
ان *Computer software*

نرم‌کننده
اع۱ عامل
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او افزودنی
او پلاستی‌سول
او پلاستیک
او حلال
او مواد فعال سطحی
ان *Plasticizer*

نسبت ابعاد

او اندازه‌گیری متغیر فضایی
ان *Aspect ratio*

نسبت ذخیره به تولید

او میدان نفتی
ان *Reserves to production ratio*

نسبت سیگنال به نوفه

او نظریه سیگنال
او نوفه سیگنال مزاحم
ان *Signal to noise ratio*

نسبیت

او اخترشناسی
او اخترفیزیک
او فیزیک
ان *Relativity*

نشاسته

اع۱ پلی‌ساکارید
اع۲ بسپار طبیعی
اع۳ بسپار آلی
اع۲ کربوهیدرات
اع۳ ترکیبات آلی
او فراورده غذایی
ان *Starch*

نشان‌دارکردن

او برچسب
او بسته‌بندی
او جابه‌جایی مواد
او چاپ
او دستگاه شماره‌گذاری
او فرایند نساجی
او قانون و قانونگزاری
او ماشین علامت‌گذاری
ان *Labeling*

نشانزد محیطی

ب‌ج *اثر محیطی*
او حفاظت محیط زیست
او مهندسی محیط
ان *Environmental impact*

نشانگر(سنج‌افزار)

اع۱ سنج‌افزار
اع۲ تجهیزات
اخ۱ سرعت‌نما
اخ۲ بادسنج
اخ۲ دورسنج
اخ۱ سنجنده موج ایستاده
اخ۱ نشانگر سطح مایع
اخ۲ باران‌سنج
اخ۲ درجه سوخت
اخ۱ نشانگر عمق
اخ۱ نشانگر فشار سیال کاری
اخ۱ نشانگر همجواری
او تجهیزات کنترل
او داده‌برداری
او سیستم اخطار
او سیستم بازخوانی
ان *Indicator (instrument)*

نشانگر برخاست

اع۱ سنج‌افزار هواگرد
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات هواگرد
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ هواگرد
او برخاست
ان *Takeoff indicator*

نشانگر توالی

ب‌ک نشانگر توالی فاز

نشانگر توالی فاز

ب‌ج *نشانگر توالی*
اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او فازسنج
ان *Phase sequence indicator*

نشانگر سطح مایع

اع۱ پیمانه
اع۲ سنج‌افزار

اع۳ تجهیزات
اع۱ نشانگر(سنج‌افزار)
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اخ۱ باران‌سنج
اخ۱ درجه سوخت
ان *Liquid level indicator*

نشانگر عمق

بج *عمق‌یاب*
اع۱ نشانگر(سنج‌افزار)
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او اندازه‌گیری فشار
او پیمانه فشار
او کشتی ماهی‌گیری
ان *Depth indicator*

نشانگر فشار سیال کاری

بج *شاخص موتور*
اع۱ تراگذار فشاری
اع۲ تراگذار
اع۳ تجهیزات
اع۱ نشانگر(سنج‌افزار)
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
ان *Working fluid pressure indicator*

نشانگر همجواری

اع۱ بردیاب
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۱ سنج‌افزار هواگرد
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ قطعات و تجهیزات هواگرد
اع۳ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اع۳ هواگرد
اع۱ نشانگر(سنج‌افزار)
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او اندازه‌گیری مسافت
او حس‌گر همجواری
ان *Proximity indicator*

نشانه‌گذاری(فلزکاری)

اع۱ فراورش
اع۲ ساختن
اع۳ تولید
او ابزار
او گیره
او ماشین‌ابزار
ان *Indexing (materials working)*

نشت(مایع)

اع۱ نقص
او آب‌ایستی
او آسترہ
او تخلخل
او تراوش
او خط‌لوله
او سرریز مواد خطرناک
او نشت‌یابی
ان *Leakage (fluid)*

نشت‌بند

اع۱ اجزا
اخ۱ آب‌بندی
اخ۱ حلقه پیستون
اخ۱ واشر فیبری
او اتصال(اجزای سازه‌ای)
او چسب
او درزبند
او درزبندی
او سوپاپ
او میان‌پرده
او نوار
ان *Seal*

نشت مغناطیسی

بج *تلفات مغناطیسی*
او الکترومغناطیس
او حفاظ مغناطیسی
او مغناطیس
ان *Magnetic leakage*

نشت‌یابی

او آشکارساز
او پیشگیری حادثه
او حادثه

او نشت(مایع)
ان *Leak detection*

نشر
اع۱ اشاعه اطلاعات
اع۲ ارتباط
اخ۱ نشر الکترونیکی
اخ۱ نشر رومیزی
او خردورقه
او کپی‌برداری نوری
ان *Publishing*

نشر الکترونیکی
اع۱ نشر
اع۲ اشاعه اطلاعات
اع۳ ارتباط
او نشر رومیزی
ان *Electronic publishing*

نشر رومیزی
اع۱ نشر
اع۲ اشاعه اطلاعات
اع۳ ارتباط
او نشر الکترونیکی
او واژه‌پردازی
ان *Desktop publishing*

نشین سازه
او برهم‌کنش ساختار خاک
او پی
او ساختمان
او سازه
او مایع‌شدگی خاک
ان *Settlement of structure*

نظام اطلاعات مدیریت
اع۱ داده‌پردازی اداری
اع۲ داده‌پردازی
اخ۱ سیستم پشتیبانی تصمیم
او تجزیه و تحلیل اطلاعات
او سیستم پایگاه داده‌ها
او علم مدیریت
او مدیریت
او مدیریت اطلاعات
ان *Management information system*

نظام تولید انعطاف‌پذیر
اع۱ ساختن
اع۲ تولید
او واجد صنعتی
ان *Flexible manufacturing system*

نظریه
اخ۱ نظریه اعتمادپذیری
اخ۱ نظریه اعداد
اخ۱ نظریه اندازه
اخ۱ نظریه پلاسما
اخ۱ نظریه تقریب
اخ۲ تقریب چبیشف
اخ۲ تقریب کمترین توان‌های دوم
اخ۲ خطی‌سازی
اخ۱ نظریه رادار
اخ۱ نظریه سیستمی
اخ۱ نظریه صف
اخ۱ نظریه کوانتومی
اخ۱ نظریه لیزری
اخ۱ نظریه ماشین الکتریکی
اخ۱ نظریه مجموعه‌ها
اخ۲ مجموعه فازی
اخ۱ نظریه محاسبه
اخ۲ اثبات نظریه
اخ۲ پیچیدگی محاسبه‌ای
اخ۲ دنباله دوگانی
اخ۲ زبان‌شناسی رایانه‌ای
اخ۳ دستور زبان رایانه‌ای
اخ۲ منطق صوری
اخ۳ تابع بازگشتی
اخ۳ تابع بولی
اخ۳ محاسبه‌پذیری و تصمیم‌پذیری
اخ۳ منطق آستانه‌ای
اخ۳ منطق احتمالاتی
اخ۳ منطق ارجحیت
اخ۳ منطق چندارزشی
اخ۲ نظریه برنامه‌نویسی
اخ۲ نظریه خودکارافزار
اخ۳ ماشین ترتیبی
اخ۳ ماشین تورینگ
اخ۱ نظریه مدار
اخ۲ پارامتر شبکه الکتریکی

اخ۲ تحلیل شبکه الکتریکی
اخ۳ تجزیه شبکه خطی
اخ۳ تجزیه و تحلیل شبکه به کمک رایانه
اخ۳ تجزیه و تحلیل شبکه غیرخطی
اخ۲ توپولوژی شبکه الکتریکی
اخ۲ سنتز شبکه الکتریکی
اخ۳ ترکیب شبکه خطی
اخ۳ ساخت شبکه غیرخطی
اخ۲ نظریه خط انتقال
اخ۲ نظریه سودهی
اخ۳ تابع سودهی
اخ۳ کمینه‌سازی شبکه سودهی
اخ۱ نظریه میدان الکترومغناطیسی
اخ۱ نظریه نابسامانی
او پژوهش
او جنبه فلسفی
او فیزیک
او مهندسی
ان *Theory*

نظریه ارتباطات
ب‌ک نظریه اطلاعات

نظریه اصطکاک
ب‌ک اصطکاک‌شناسی

نظریه اطلاعات
ب‌چ *نظریه ارتباطات*
اخ۱ آشوب(نظریه اطلاعات)
اخ۱ کانال ارتباطی(نظریه اطلاعات)
اخ۱ نظریه همبستگی
او احتمال
او آشکارسازی سیگنال
او افزونگی
او پردازش سیگنال
او پردازش سیگنال رقمی
او تجزیه و تحلیل سیستم‌ها
او تحقیق در عملیات
او تراکم پهنای نوار
او تصحیح خطا
او تصفیه و پیش‌بینی سیگنال
او رمز(نماد)
او ریاضیات ترکیبی
او ظرفیت کانال
او علم اطلاع‌رسانی
او فرایند تصادفی
او مبدل رمز
او متراکم‌سازی داده‌ها
او مدوله‌سازی
او نظریه بازی
او نظریه تصمیم
او نظریه سیستمی
او نظریه سیگنال
او نظریه گراف
او هوشمندی گفتار
او وامدوله‌سازی
ان *Information theory*

نظریه اعتمادپذیری
اع۱ نظریه
او آزمون آماری
او تحلیل خرابی
او روش آماری
او قابلیت اطمینان
ان *Reliability theory*

نظریه اعداد
اع۱ فن ریاضی
اع۱ نظریه
او حساب رقمی
او مکان ریشه
او مولد عدد تصادفی
ان *Number theory*

نظریه اندازه
اع۱ نظریه
او اندازه‌گیری
او خطای اندازه‌گیری
ان *Measurement theory*

نظریه بازی
اع۱ روش آماری
اع۲ فن ریاضی
او احتمال
او برنامه‌ریزی ریاضی
او زمان‌بندی
او سیستم کنترل بهینه
او نظریه اطلاعات
او نظریه تصمیم
ان *Game theory*

نظریه برنامه‌نویسی
اع۱ نظریه محاسبه
اع۲ نظریه
او برنامه‌نویسی رایانه
او زبان برنامه‌نویسی رایانه
او نرم‌افزار رایانه
او هندسه تحلیلی
ان *Programming theory*

نظریه پلاسما
اع۱ فیزیک
اع۲ علوم طبیعی
اع۱ نظریه
او پلاسما
ان *Plasma theory*

نظریه پیش‌بینی
ب‌ک تصفیه و پیش‌بینی سیگنال

نظریه تصمیم
ب‌ج *تحلیل تصمیم*
ب‌ج *نظریه و تحلیل تصمیم*
اع۱ علم سیستم‌ها
او احتمال
او برنامه‌ریزی پویا
او پردازش سیگنال
او تجزیه و تحلیل سیستم‌ها
او جدول تصمیم
او حل مساله
او زمان‌بندی
او سیستم کنترل بهینه
او فرایند تصادفی
او کنترل کیفیت
او مدل ریاضی
او نظریه اطلاعات
او نظریه بازی
ان *Decision theory*

نظریه تقریب
اع۱ فن ریاضی
اع۱ نظریه
اخ۱ تقریب چبیشف
اخ۱ تقریب کمترین توان‌های دوم
اخ۱ خطی‌سازی
او درون‌یابی
او روش اجزای محدود
او روش اجزای مرزی
ان *Approximation theory*

نظریه جنبشی
ب‌ج *جنبش‌شناسی*
اع۱ دینامیک
اع۲ مکانیک
اخ۱ نظریه جنبشی گازها
او حرکت‌شناسی
او مکانیک آماری
او مولکول
او ویژگی ترابرد
ان *Kinetic theory*

نظریه جنبشی گازها
ب‌ج *سینتیک گاز*
اع۱ نظریه جنبشی
اع۲ دینامیک
اع۳ مکانیک
او حرکت براونی
او گاز
او معادله حالت گاز
او معادله ناویر استوکس
ان *Kinetic theory of gases*

نظریه خط انتقال
اع۱ نظریه مدار
اع۲ نظریه
او خط الکتریکی
او شبکه پارامتر توزیع‌شده
ان *Transmission line theory*

نظریه خودکارافزار
اع۱ نظریه محاسبه
اع۲ نظریه
اخ۱ ماشین ترتیبی
اخ۱ ماشین تورینگ
او آدمک
او آدمک‌شناسی
او برنامه‌نویسی غیرمستدل
او دستور زبان رایانه‌ای
او رده هم‌ارزی
او سیستم تطبیقی
او سیستم یادگیری

او محاسبه‌پذیری و تصمیم‌پذیری
او منطق احتمالاتی
او منطق صوری
ان *Automata theory*

نظریه رادار

اع۱ نظریه
او رادار
او فیزیک
ان *Radar theory*

نظریه سودهی

اع۱ نظریه مدار
اع۲ نظریه
اخ۱ تابع سودهی
اخ۱ کمینه‌سازی شبکه سودهی
او توپولوژی
او سنتز شبکه الکتریکی
او سوده
او سودهی
او سودهی ترتیبی
او سودهی ترکیبی
او سیستم سودهی
او شبکه سودهی
او شبکه سودهی تکراری
او طراحی منطقی
او مدار سودهی
او مدار منطقی
او منطق ارجحیت
او منطق ترتیبی ناهمگام
او منطق صوری
او نظریه محاسبه
ان *Switching theory*

نظریه سیستمی

اع۱ علم سیستم‌ها
اع۱ نظریه
او الگوشناسی
او شبیه‌سازی
او شناسایی(سیستم کنترل)
او مدل
او نظریه اطلاعات
او هوش مصنوعی
ان *System theory*

نظریه سیگنال

او پردازش سیگنال
او نسبت سیگنال به نوفه
او نظریه اطلاعات
او نوفه سیگنال مزاحم
ان *Signal theory*

نظریه شبکه

ب‌ک نظریه مدار

نظریه صف

اع۱ فرایند تصادفی
اع۱ نظریه
او احتمال
او ارزشیابی
او تحقیق در عملیات
او روش آماری
او عملکرد
ان *Queueing theory*

نظریه قید

اع۱ علم سیستم‌ها
او برنامه‌ریزی پویا
او برنامه‌ریزی خطی
او برنامه‌نویسی غیرخطی
او بهینه‌سازی
او تحقیق در عملیات
ان *Constraint theory*

نظریه کنترل

اخ۱ پاسخ پله‌ای
اخ۱ تحلیل سیستم کنترل
اخ۱ ترکیب سیستم کنترل
اخ۱ تغییرناپذیری
اخ۱ کنترل‌پذیری
اخ۱ مشاهده‌پذیری
او پایداری سیستم
او پس‌خورد
او سیبرنتیک
او سیستم غیرخطی
او سیستم کنترل
او شبیه‌سازی
او کنترل
او مدل
او معادله ریکاتی

ان *Control theory*

نظریه کوانتومی

ب‌ج *مکانیک کوانتومی*
اع۱ فیزیک
اع۲ علوم طبیعی
اع۱ نظریه
او الکترونیک کوانتومی
او تابع گرین
او ذره بنیادی
او مکانیک
او مکانیک آماری
ان *Quantum theory*

نظریه گراف

اع۱ توپولوژی
اع۲ فن ریاضی
اع۱ ریاضیات ترکیبی
اع۲ فن ریاضی
اخ۱ درخت(ریاضیات)
او تحلیل شبکه الکتریکی
او سنتز شبکه الکتریکی
او مدل ریاضی
او نظریه اطلاعات
او هندسه تحلیلی
ان *Graph theory*

نظریه لیزری

اع۱ فیزیک
اع۲ علوم طبیعی
اع۱ نظریه
او جذب موج الکترومغناطیسی
او لیزر
او نور همدوس
ان *Laser theory*

نظریه ماشین

ب‌ک نظریه ماشین الکتریکی

نظریه ماشین الکتریکی

ب‌ج *نظریه ماشین*
اع۱ نظریه
او ماشین‌آلات الکتریکی
ان *Electric machine theory*

نظریه مجموعه‌ها

اع۱ فن ریاضی
اع۱ نظریه
اخ۱ مجموعه فازی
او جبر بولی
او ریاضیات ترکیبی
ان *Set theory*

نظریه محاسبه

ب‌ج *فوق قضیه رایانه*
اع۱ نظریه
اخ۱ اثبات نظریه
اخ۱ پیچیدگی محاسبه‌ای
اخ۱ دنباله دوگانی
اخ۱ زبان‌شناسی رایانه‌ای
اخ۲ دستور زبان رایانه‌ای
اخ۳ دستور زبان بافتآزاد
اخ۳ دستور زبان بافت‌حساس
اخ۱ منطق صوری
اخ۲ تابع بازگشتی
اخ۲ تابع بولی
اخ۲ محاسبه‌پذیری و تصمیم‌پذیری
اخ۲ منطق آستانه‌ای
اخ۲ منطق احتمالاتی
اخ۲ منطق ارجحیت
اخ۲ منطق چندارزشی
اخ۱ نظریه برنامه‌نویسی
اخ۱ نظریه خودکارافزار
اخ۲ ماشین ترتیبی
اخ۲ ماشین تورینگ
او جبر بولی
او زبان الگوریتمی
او علم رایانه
او نظریه سودهی
ان *Computation theory*

نظریه مدار

ب‌ج *شبکه الکتریکی*
ب‌ج *نظریه شبکه*
اع۱ نظریه
اخ۱ پارامتر شبکه الکتریکی
اخ۱ تحلیل شبکه الکتریکی
اخ۲ تجزیه شبکه خطی
اخ۲ تجزیه و تحلیل شبکه به کمک رایانه
اخ۲ تجزیه و تحلیل شبکه غیرخطی

اخ۱ توپولوژی شبکه الکتریکی
اخ۱ سنتز شبکه الکتریکی
اخ۲ ترکیب شبکه خطی
اخ۲ ساخت شبکه غیرخطی
اخ۱ نظریه خط انتقال
اخ۱ نظریه سودهی
اخ۲ تابع سودهی
اخ۲ کمینه‌سازی شبکه سودهی
او پالایه الکتریکی
او تبدیل زد
او تبدیل لاپلاس
او تقویت‌کننده(الکترونیکی)
او شبکه پارامتر توزیع‌شده
او شبکه پارامتر فشرده
او شبکه متغیر با زمان
او شبکه(مدار)
او مدار جفت‌شده
ان *Circuit theory*

نظریه میدان الکترومغناطیسی

اع۱ فیزیک
اع۲ علوم طبیعی
اع۱ نظریه
او الکترومغناطیس
او انتشار موج الکترومغناطیسی
او موج الکترومغناطیسی
او میدان الکترومغناطیسی
ان *Electromagnetic field theory*

نظریه میدان کلاسیک

ب‌ک مکانیک پیوستاری

نظریه نابسامانی

ب‌ج *نابسامانی*
ب‌ج *نابسامانی نوری*
اع۱ نظریه
او احتمال
او دیده‌وری کوانتمی
او روش آماری
او فرایند تصادفی
او مدل ریاضی
ان *Chaos theory*

نظریه و تحلیل تصمیم

ب‌ک نظریه تصمیم

نظریه همبستگی

اع۱ نظریه اطلاعات
او روش آماری
او روش همبستگی
ان *Correlation theory*

نفت

ب‌ک نفت خام

نفتا

اع۱ محصول تقطیر نفت
اع۲ مواد
او فراورده نفتی
او کراکینگ با بخار
ان *Naphtha*

نفتالین

اع۱ هیدروکربن آروماتیک
اع۲ هیدروکربن
اع۳ ترکیبات آلی
ان *Naphthalene*

نفت پلمه‌سنگ

اع۱ سوخت فسیلی
اع۲ سوخت
اع۳ مواد
اع۲ منبع انرژی
او پلمه‌سنگ نفتی
ان *Shale oil*

نفت خام

ب‌ج *نفت*
ب‌ج *نفت سنگین*
اع۱ سوخت فسیلی
اع۲ سوخت
اع۳ مواد
اع۲ منبع انرژی
او بازیابی افزوده‌شده
او پلمه‌سنگ نفتی
او تجزیه نفت
او خط‌لوله نفت
او ذخیره نفتی
او زمین‌شناسی نفت
او شیمی نفت

او صنعت نفت
او ماسه نفت‌دار
او محصول تقطیر نفت
او مهندسی نفت
او میدان نفتی
ان *Crude petroleum*

نفت سفید
ب‌ج *پارافین مایع*
اع۱ سوخت مایع
اع۲ سوخت
اع۳ مواد
او پارافین
او گازوئیل
ان *Kerosene*

نفت سنگین
ب‌ک نفت خام

نفت‌کش
ب‌ک کشتی مخزن‌دار

نفت کوره
ب‌ک روغن سوختی

نفلومتر
اع۱ سنج‌افزار نوری
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او تحلیل درشتی ذره
او کدری‌سنج
او نورچگالی‌سنج
ان *Nephelometer*

نفوذ
اع۱ عملیات شیمیایی
اخ۱ جذب
اخ۲ جذب آب
اخ۲ جذب گاز
اخ۱ جذب سطحی
اخ۲ جذب سطحی گاز
اخ۱ جذب شیمیایی
اخ۱ واجذبی
او تجزیه کروماتوگرافیک
او ویژگی سطح
ان *Sorption*

نفوذ آب نمک
ب‌ج *پیشروی آب دریا*
او سد آب شور
او منبع آب
ان *Salt water intrusion*

نفوذپذیری سطحی
او آغشته‌سازی
او تخلخل
او تراوایی مکانیکی
او تراوش
او تراوش(سیال)
او خاک
او خیساندن
او مواد متخلخل
ان *Infiltration*

نقاله پیچی
اع۱ باربر نقاله‌ای
اع۲ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۳ تجهیزات
ان *Screw conveyor*

نقاله تسمه‌ای
اع۱ باربر نقاله‌ای
اع۲ تجهیزات جابه‌جایی مواد
اع۳ تجهیزات
او تسمه
ان *Belt conveyor*

نقره
اع۱ فلز گرانبها
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
اع۲ فلز واسطه
اع۳ فلز
او آلیاژ نقره
او پالایش نقره
او ترکیبات نقره
او ذخیره نقره
او سیم‌اندودکاری

او عمل‌آوری کان‌سنگ نقره
او فلزنگاری نقره
او متالورژی نقره
او معدن نقره
او نقره‌آلات
ان *Silver*

نقره‌آلات

او سیم‌اندودکاری
او نقره
ان *Silverware*

نقشه

او بررسی
او تهیه نقشه
او روش گرافیکی
او نقشه‌برداری
او نمودار ناوبری
ان *Map*

نقشه‌برداری

ی‌د مکان‌های جغرافیایی
او اکتشاف منبع طبیعی
او اندازه‌گیری
او بررسی
او تهیه نقشه
او داده‌برداری
او روش آماری
او زمین‌سنجی
او زمین‌فیزیک
او ساخت
او سنج‌افزار نقشه‌برداری
او ضبط‌کردن
او فتوگرامتری
او مثلث‌بندی
او نقشه
او هندسه
ان *Surveying*

نقشه‌کشی

ب‌ک تهیه نقشه

نقشه‌نگاری

ب‌ک تهیه نقشه

نقص

ب‌چ موترک
اخ۱ ترک
اخ۲ ریزترک
اخ۱ تغییر رنگ
اخ۱ نشت(مایع)
اخ۱ نقص بلور
اخ۲ مرز دانه‌ای
اخ۲ نابجایی(بلور)
اخ۲ نقص روی‌هم‌چینی
اخ۲ نقص نقطه‌ای
اخ۳ مرکز رنگ
او آزمایش مواد
او پوسته‌شدگی
او درونمانده
ان *Defect*

نقص الکتریکی

ب‌ک جریان معیوب الکتریکی

نقص بلور

ب‌چ *نقص شبکه‌ای*
ب‌چ *نقص نیم‌رسانا*
اع۱ نقص
اخ۱ مرز دانه‌ای
اخ۱ نابجایی(بلور)
اخ۱ نقص روی‌هم‌چینی
اخ۱ نقص نقطه‌ای
اخ۲ مرکز رنگ
او ارتعاش شبکه
او بلور
او بلورنگاری پرتو ایکس
او درونمانده
او رشد بلور
او ریزساختار بلور
او ساختار بلور
او فلزنگاری
او ناخالصی بلور
ان *Crystal defect*

نقص روی‌هم‌چینی

اع۱ نقص بلور
اع۲ نقص
او نابجایی(بلور)
ان *Stacking fault*

نقص شبکه‌ای
ب‌ک نقص بلور

نقص نقطه‌ای
اع۱ نقص بلور
اع۲ نقص
اخ۱ مرکز رنگ
او شبکه بلور
او ناخالصی بلور
ان *Point defect*

نقص نیم‌رسانا
ب‌ک نقص بلور

نقطه کوانتومی
ب‌ک نقطه کوانتومی نیم‌رسانا

نقطه کوانتومی نیم‌رسانا
ب‌ج *نقطه کوانتومی*
او پیوند نیم‌رسانا
او چاه کوانتمی نیم‌رسانا
او سیم کوانتمی نیم‌رسانا
او لیزر نیم‌رسانا
ان *Semiconductor quantum dot*

نگاربرداری(جنگلبانی)
ب‌ج *قطع الوار*
اع۱ جنگلبانی
او الوار
او کارخانه چوب‌بری
ان *Logging (forestry)*

نگاربرداری القایی
اع۱ نگاربرداری الکتریکی
اع۲ چاه‌نگاری
اع۳ ضبط‌کردن
او چاه‌نگاری گاز طبیعی
او نگاربرداری چاه نفت
ان *Induction logging*

نگاربرداری الکترومغناطیسی
اع۱ چاه‌نگاری
اع۲ ضبط‌کردن
او پی‌جویی الکترومغناطیسی
او چاه‌نگاری گاز طبیعی
او نگاربرداری الکتریکی
او نگاربرداری چاه نفت
ان *Electromagnetic logging*

نگاربرداری الکتریکی
اع۱ چاه‌نگاری
اع۲ ضبط‌کردن
اخ۱ نگاربرداری القایی
اخ۱ نگاربرداری پتانسیل خودزاد
اخ۱ نگاربرداری قطبش القاشده
او پی‌جویی الکتریکی
او چاه‌نگاری گاز طبیعی
او نگاربرداری الکترومغناطیسی
او نگاربرداری چاه نفت
ان *Electric logging*

نگاربرداری پتانسیل خودزا
ب‌ک نگاربرداری پتانسیل خودزاد

نگاربرداری پتانسیل خودزاد
ب‌ج *نگاربرداری پتانسیل خودزا*
اع۱ نگاربرداری الکتریکی
اع۲ چاه‌نگاری
اع۳ ضبط‌کردن
ان *Spontaneous potential logging*

نگاربرداری پرتوزا
اع۱ چاه‌نگاری
اع۲ ضبط‌کردن
اخ۱ نمودارگیری نوترونی
او پی‌جویی پرتوزا
ان *Radioactivity logging*

نگاربرداری جهتی
اع۱ چاه‌نگاری
اع۲ ضبط‌کردن
او چاه‌نگاری گاز طبیعی
او حفاری جهتی
او نگاربرداری چاه نفت
ان *Directional logging*

نگاربرداری چاه نفت
اع۱ چاه‌نگاری

اع۲ ضبط‌کردن
او چاه نفتی
او نگاربرداری القایی
او نگاربرداری الکترومغناطیسی
او نگاربرداری الکتریکی
او نگاربرداری جهتی
او نگاربرداری صوتی
او نگاربرداری قطبش القاشده
او نگاربرداری گازهای گل
او نگاربرداری مغناطیسی هسته‌ای
او نمودارگیری نوترونی
ان *Oil well logging*

نگاربرداری زمین‌گرمایی

اع۱ چاه‌نگاری
اع۲ ضبط‌کردن
او پی‌جویی زمین‌گرمایی
ان *Geothermal logging*

نگاربرداری صوتی

اع۱ چاه‌نگاری
اع۲ ضبط‌کردن
او چاه‌نگاری گاز طبیعی
او زمین‌شناسی نفت
او سنگ
او نگاربرداری چاه نفت
ان *Acoustic logging*

نگاربرداری قطبش القاشده

اع۱ نگاربرداری الکتریکی
اع۲ چاه‌نگاری
اع۳ ضبط‌کردن
او چاه‌نگاری گاز طبیعی
او نگاربرداری چاه نفت
ان *Induced polarization logging*

نگاربرداری گازهای گل

اع۱ چاه‌نگاری
اع۲ ضبط‌کردن
او گل حفاری
او نگاربرداری چاه نفت
ان *Mud logging*

نگاربرداری گرمایی

اع۱ چاه‌نگاری
اع۲ ضبط‌کردن
ان *Thermal logging*

نگاربرداری مغناطیسی هسته‌ای

ب‌ج *نمودارگیری هسته‌ای*
اع۱ چاه‌نگاری
اع۲ ضبط‌کردن
او چاه‌نگاری گاز طبیعی
او نگاربرداری چاه نفت
ان *Nuclear magnetic logging*

نگاره‌سازی رایانه‌ای

اع۱ کاربرد رایانه
اع۲ کاربرد
اخ۱ گرافیک رایانه‌ای برهم‌کنشی
اخ۱ گرافیک رایانه‌ای سه‌بعدی
اخ۱ گرافیک رنگی رایانه
او اثر ویژه
او برازش خم
او پادشکستگی
او پویانمایی
او تجهیزات نگاره‌سازی رایانه‌ای
او روش گرافیکی
او سیمابین کاربر گرافیکی
او شبیه‌سازی
او طراحی به کمک رایانه
او نرم‌افزار رایانه
او هندسه تحلیلی
او واقعیت مجازی
ان *Computer graphics*

نگاشت همدیس

اع۱ تبدیل ریاضی
اع۲ تابع
اع۳ فن ریاضی
اع۲ فن ریاضی
اع۱ تهیه نقشه
اع۲ روش گرافیکی
ان *Conformal mapping*

نگهدارنده سقف معدن

اع۱ تجهیزات معدن‌کاری
اع۲ تجهیزات
اع۱ تکیه‌گاه

اع۲ اجزا
ان *Mine roof support*

نگهدارنده مواد غذایی
اع۱ افزودنی مواد غذایی
اع۲ افزودنی
اع۳ مواد شیمیایی
اع۲ فراورده غذایی
او نگهداری مواد غذایی
ان *Food preservative*

نگهدارنده بیتی
اع۱ ابزار تراش
اع۲ ابزار
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات برش
اع۳ تجهیزات
ان *Bit holder*

نگهداری چوب
او چوب
او فراورده چوبی
ان *Wood preservation*

نگهداری کشتی جنگی
او عملیات نظامی
ان *Warship preservation*

نگهداری ماشینآلات
ب‌ک محافظت تجهیزات الکتریکی

نگهداری مواد غذایی
اع۱ عمل‌آوری مواد غذایی
او نگهدارنده مواد غذایی
ان *Food preservation*

نگهداری مواد زیست‌شناختی
او مواد زیست‌شناختی
ان *Biological materials preservation*

نگهداشت
اع۱ سنگ‌تیزکنی
اع۱ نگهداشت مسیر
او از کاراندازی موقت
او اصلاح
او بازسازی(سازه‌ای)
او پیشگیری
او تحلیل خرابی
او ترمیم
او تمیزکاری
او حوض خشک
او روان‌ساز
او روکش پیاده‌رو
او عملکرد
او قابلیت اطمینان
او کارگذاری
او مرمت
او مشخصات
او نگهداشت‌پذیری
او نوسازی
او هم‌خطی
ان *Maintenance*

نگهداشت‌پذیری
ب‌ج *مهندسی نگهداشت*
او تحلیل خرابی
او دسترسی
او عملکرد
او قابلیت اطمینان
او مهندسی
او نگهداشت
ان *Maintainability*

نگهداشت مسیر
ی‌د راه آهن
اع۱ نگهداشت
او برداشتن برف و یخ
او کارخانه و ساختمان تجهیزات راه‌آهن
او کنترل علف هرز
ان *Maintenance of way*

نمابر
ب‌ج *ارسال نمابر*
ب‌ج *دورنگار*
اع۱ خدمات مخابراتی
اع۲ مخابرات
اع۳ ارتباط
او پست الکترونیکی
او تجهیزات نمابر

او خودکارسازی اداره
او روبشگری
ان *Facsimile*

نماد نقشه
اع۱ رمز(نماد)
او تهیه نقشه
ان *Map symbol*

نمای ساختمان
ب‌ج *روی‌کار ساختمان*
اع۱ اجزای ساختمان
اع۲ ساختمان
اع۳ سازه
او رخ‌پوش
ان *Façade*

نمایش دانش
اع۱ مهندسی دانش
اع۲ هوش مصنوعی
اع۳ سیبرنتیک
او سیستم دانش بنیاد
ان *Knowledge representation*

نمایش‌سرا(قانونی)
اع۱ تسهیلات
او تالار سخنرانی
او ساختمان اپرا
او صحنه
ان *Theater (legitimate)*

نمایش‌سرای سینمایی
اع۱ تسهیلات
اخ۱ نمایش‌سرای سینمایی روباز
او اتاق تصویراندازی
او پرده تصویر متحرک
او تصویر متحرک
ان *Motion picture theater*

نمایش‌سرای سینمایی روباز
اع۱ نمایش‌سرای سینمایی
اع۲ تسهیلات
او نمایش‌سرای سینمایی
ان *Outdoor motion picture theater*

نمایش فنی
ب‌ج *کارگاه آموزشی(هم‌اندیشی)*
ب‌ج *هم‌اندیشی*
او اشاعه اطلاعات
او آموزش
او تدریس
ان *Technical presentation*

نمایشگاه
اخ۱ نمایشگاه شیمیایی
اخ۱ نمایشگاه ماشین‌آلات
اخ۱ نمایشگاه مهندسی
اخ۱ نمایشگاه خودرو
اخ۱ نمایشگاه هواگردی
او ساختمان نمایشگاه
ان *Exhibition*

نمایشگاه شیمیایی
اع۱ نمایشگاه
او شیمی
او مهندسی شیمی
ان *Chemical exhibition*

نمایشگاه ماشین‌آلات
اع۱ نمایشگاه
او ماشین‌آلات
او نمایشگاه خودرو
او نمایشگاه هواگردی
ان *Machinery exhibition*

نمایشگاه مهندسی
اع۱ نمایشگاه
او مهندسی
ان *Engineering exhibition*

نمایشگاه خودرو
اع۱ نمایشگاه
او خودرو
او نمایشگاه ماشین‌آلات
ان *Automobile exhibition*

نمایشگاه هواگردی
اع۱ نمایشگاه
او نمایشگاه ماشین‌آلات

او هواگرد
ان *Aircraft exhibition*

نمایشگر
پ‌ک ابزار نمایش

نمایشگر(صفحه‌تصویر)
پ‌ک ابزار نمایش

نمایشگر بلور مایع
اع۱ ابزار نمایش
اع۲ تجهیزات
او ابزار الکترونوری
او بلور مایع
ان *Liquid crystal display*

نمایشگر رایانه
پ‌ج *مانیتور(رایانه)*
اع۱ ابزار برهم‌کنشی
اع۲ تجهیزات جانبی رایانه
اع۳ سخت‌افزار رایانه
اع۱ ابزار نمایش
اع۲ تجهیزات
ان *Computer monitor*

نمایشگر سنج‌افزار
اع۱ ابزار نمایش
اع۲ تجهیزات
اع۱ اجزای سنج‌افزار
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۱ صفحه نمایش رادار
او تجهیزات جانبی رایانه
او سنج‌افزار نوری
او سیستم بازخوانی
ان *Instrument display*

نمایشگر غیرمخرب
او ذخیره رقمی
ان *Nondestructive readout*

نمد
اع۱ منسوجات بی‌بافت
اع۲ منسوجات

اع۳ مصنوع نساجی
او پشم
ان *Felt*

نمدساز
اع۱ اجزای ماشین
اع۲ اجزا
اع۲ ماشین‌آلات
ان *Felt*

نم‌سنج
ی‌د سنج‌افزاری برای اندازه‌گیری رطوبت نسبی محیط
اع۱ سنج‌افزار هواشناسی
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۱ نم‌سنج دمایی
او رطوبت‌سنج
ان *Hygrometer*

نم‌سنج دمایی
اع۱ نم‌سنج
اع۲ سنج‌افزار هواشناسی
اع۳ سنج‌افزار
او رطوبت هوا
او رطوبت‌سنج
ان *Psychrometer*

نم‌سنج خاک
اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری شارش
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او اندازه‌گیری شارش
او تراوایی مکانیکی
او تراوایی‌سنج(تراوایی مکانیکی)
او تراوش(سیال)
ان *Lysimeter*

نمک
اع۱ ترکیبات شیمیایی
اع۱ سدیم کلرید
اع۱ نمک مذاب
او اتر
او استر
او ترکیبات آمونیم

او کتون
او هیدارت
ان *Salt*

نمک مذاب
اع۱ نمک
اع۲ ترکیبات شیمیایی
او برق‌کاف
ان *Fused salt*

نمک تارتار
ب‌ک پتاس

نمک‌زدایی
ی‌د گرفتن نمک آب
اع۱ استخراج نمک
اع۲ جداسازی
اع۳ عملیات شیمیایی
او آب دریا
او تبخیر
او تصفیه آب
او تقطیر
او سدیم کلرید
او گذرندگی
ان *Desalination*

نمودار بد
او پاسخ بسامدی
او پایداری سیستم
او تحلیل سیستم کنترل
او ترکیب سیستم کنترل
او تقویت
او روش گرافیکی
ان *Bode diagram*

نمودار شمایی
ب‌چ *شمای شبکه الکتریکی*
او روش گرافیکی
او شبکه(مدار)
او ماسک
ان *Schematic diagram*

نمودار فازی
او آلیاژ دوتایی
او انحلال‌پذیری
او تعادل فاز
او روش گرافیکی
او سیستم سه‌تایی
او سیستم(متالورژیکی)
او گذار فاز
او متالورژی
او محلول جامد
ان *Phase diagram*

نمودارگیری نوترونی
اع۱ نگاربرداری پرتوزا
اع۲ چاه‌نگاری
اع۳ ضبط‌کردن
او چاه‌نگاری گاز طبیعی
او نگاربرداری چاه نفت
ان *Neutron logging*

نمودارگیری هسته‌ای
ب‌ک نگاربرداری مغناطیسی هسته‌ای

نمودار ناوبری
او روش گرافیکی
او سفر فضایی
او سیستم ناوبری
او ناوبری
او نقشه
ان *Navigation chart*

نمودار نایکوئیست
او پایداری سیستم
او تابع توصیفی
او تحلیل حوزه بسامد
او تحلیل سیستم کنترل
او ترکیب سیستم کنترل
او روش گرافیکی
ان *Nyquist diagram*

نموگرام
ب‌ک فرمول نگاشت

نمونه‌برداری
اع۱ نمونه‌برداری کان‌سنگ
او احتمال

او استاندارد
او بازرسی
او تجزیه شیمیایی
او تجزیه و تحلیل
او روش آماری
او سیستم کنترل داده‌های نمونه‌ای
او عیار
او قابلیت اطمینان
او کنترل کیفیت
او مدوله‌سازی تپ
او نمونه مغزه
ان *Sampling*

نمونه‌برداری کان‌سنگ
اع۱ نمونه‌برداری
او تجزیه کان‌سنگ
او کان‌سنگ
ان *Ore sampling*

نمونه‌سازی
اع۱ قالب‌گیری
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
او ریخته‌گری
او فرایند ریخته‌گری
ان *Patternmaking*

نمونه مغزه
او بررسی مغزه
او حفاری مغزه
او زمین‌شناسی
او نمونه‌برداری
ان *Core sample*

نوار
اع۱ مواد
اع۱ نوار مغناطیسی
اع۱ نوار مومسان
او اندود نواری
او درزبند
او نشت‌بند
ان *Tape*

نوار انرژی
ب‌ک ساختار نواری

نواربندی
اع۱ مواد بسته‌بندی
اع۲ مواد
او چفت
ان *Strapping*

نوارپیچی کابل
او کابل الکتریکی
ان *Cable taping*

نوار قلب
ب‌ک قلب‌نگاری

نوارگردان
اع۱ تجهیزات جانبی رایانه
اع۲ سخت‌افزار رایانه
اع۳ رایانه
او ذخیره نوار مغناطیسی
ان *Tape drive*

نوار مغزی
ب‌ک ثبت نوار مغزی

نوار مغناطیسی
اع۱ مواد مغناطیسی
اع۲ مواد
اع۱ نوار
اع۲ مواد
او ذخیره نوار مغناطیسی
او ضبط‌کردن مغناطیسی
ان *Magnetic tape*

نوار مومسان
اع۱ فراورده مومسان
اع۱ نوار
اع۲ مواد
ان *Plastic tape*

نوبلیم
اع۱ عنصر فرااورانیوم
اع۲ آکتینید
اع۳ عنصر پرتوزا

اع۳ فلز غیرآهنی
ان *Nobelium*

نوترون
اع۱ ذره بنیادی
او بازتاب نوترون
او بازتابگر واکنشگاه هسته‌ای
او پخش نوترونی
او پراش نوترونی
او تجزیه نوترونی
او تشعشع نوترونی
او جذب نوترون
او چشمه نوترونی
او دستگاه پرتوگیری نوترون
او طیف‌سنج نوترونی
او نوترون‌بین
ان *Neutron*

نوترون‌بین
اع۱ آشکارساز ذره‌ای
اع۲ آشکارساز تابش
اع۳ آشکارساز
اع۲ سنج‌افزارگزینی هسته‌ای
اع۳ سنج‌افزار
او نوترون
ان *Neutron detector*

نور
ی‌د طیف مرئی
ب‌ج *باریکه(نور)*
اع۱ موج الکترومغناطیسی
اع۲ تابش
اع۲ موج
اخ۱ تابش فرابنفش
اخ۱ تابش مادون قرمز
اخ۱ درخشش
اخ۱ نور پرشدت
اخ۱ نور هرز
اخ۱ نور همدوس
اخ۲ باریکه لیزری
اخ۳ تپ لیزری
او اثر دوپلر
او اثر صوتی‌نوری
او ارتباط نوری
او آشکارساز نوری
او انتقال نور
او اندازه‌گیری متغیر نوری
او بازتاب نور
او پراکندگی نور
او پیوند نوری
او تحلیل طیف
او تشدیدگر نوری
او جبهه موج
او جذب نور
او چرخش نوری
او دوشکستی
او دید
او رنگ(فام)
او روشنایی
او سرعت نور
او سنج‌افزار نوری
او شکست نور
او فوتون
او قطبش نور
او گسیل نور
او لامپ الکتریکی
او موجبر نوری
او ناشفافی
او نورسنجی
او نورشناسی
او نورشناسی تارها
او واکنش نورشیمیایی
ان *Light*

نورافشانی شیمیایی
اع۱ درخشایی
اع۲ گسیل نور
اع۳ گسیل موج الکترومغناطیسی
او واکنش نورشیمیایی
ان *Chemiluminescence*

نورافکن
اع۱ لامپ الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ چشمه نور
ان *Searchlight*

نورافکنی
اع۱ روشنایی الکتریکی

اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ روشنایی
او لامپ الکتریکی
ان *Floodlighting*

نورپردازی طبیعی

اع۱ روشنایی
او پنجره
او تابش خورشیدی
او شبیه‌سازی روشنایی روز
او مهندسی روشنایی
او مهندسی نورزسانی
ان *Daylighting*

نور پرشدت

اع۱ نور
اع۲ موج الکترومغناطیسی
اع۳ تابش
اع۳ موج
ان *High intensity light*

نورچگالی‌سنج

ب‌ج *اندازه‌گیری ناشفافی*
ب‌ج *تجهیزات اندازه‌گیری چگالی نوری*
اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری چگالی
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۱ سنج‌افزار نوری
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او حساسیت‌سنج
او فیلم عکاسی
او مقایسه‌گر(نوری)
او ناشفافی
او نفلومتر
او نورسنج
ان *Densitometer*

نورحساسی

ب‌ج *حساسیت نوری*
اع۱ ویژگی نوری
اع۲ ویژگی فیزیکی
او امولسیون عکاسی
او ترانزیستور نوری
او حساسیت‌سنج
او شیشه نورحساس
او فیلم رنگی
او فیلم عکاسی
او مواد حساس به نور
او واکنش نورشیمیایی
ان *Photosensitivity*

نورد(اجزای ماشین)

اع۱ اجزای ماشین
اع۲ اجزا
اع۲ ماشین‌آلات
او غلتک(اجزای ماشین)
او ماشین‌آلات کاغذسازی
او ماشین‌آلات نساجی
ان *Roll (machine components)*

نورد سیم‌سازی

اع۱ واحد صنعتی
او سیم
او فراورده سیمی
او ماشین شکل‌دهی سیم
او ماشین مدل‌کشی سیمی
ان *Wire mill*

نوردکاری پیچی

اع۱ غلتش
اع۲ شکل‌دهی فلز
اع۳ شکل‌دهی
او پیچ
او پیچ‌تراشی
او تراشکاری
او رزوه پیچ
او ماشین‌کاری
او نوردکاری سرد
ان *Thread rolling*

نوردکاری سرد

اع۱ سردکاری
اع۲ فلزکاری
اع۳ فراورش
اع۱ فرایند دستگاه نورد
او دستگاه نورد سرد
او نوردکاری پیچی
ان *Cold rolling*

نورد گرم
اع۱ فرایند دستگاه نورد
اع۱ گرم‌کاری
اع۲ فلزکاری
اع۳ فراورش
او دستگاه نورد گرم
ان *Hot rolling*

نوررسانی
ب‌ک روشنایی

نورزنگی
اع۱ ویژگی نوری
اع۲ ویژگی فیزیکی
او زنگ(فام)
او مواد حساس به نور
او واکنش نورشیمیایی
ان *Photochromism*

نورساخت
ب‌ج فتوسنتز
اع۱ سنتز(شیمیایی)
اع۲ واکنش شیمیایی
اع۱ واکنش نورشیمیایی
اع۲ واکنش شیمیایی
او زیست‌آمایی
او سبزینه
او غشای نورساخت
ان *Photosynthesis*

نورسنج
اع۱ سنج‌افزار نوری
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اخ۱ افروزسنج
اخ۱ اکسیژن‌سنج
اخ۱ طیف‌نورسنج
اخ۲ طیف‌نورسنج پرتو ایکس
اخ۲ طیف‌نورسنج فرابنفش
اخ۲ طیف‌نورسنج مادون قرمز
او آشکارساز فرابنفش
او آشکارساز نوری
او بازتاب‌سنج
او پرتوسنج
او پرتوسنجی
او پیل فتوالکتریک
او طیف‌سنج
او عکاسی
او قطبش‌سنج
او مقایسه‌گر(نوری)
او نورچگالی‌سنج
او نورسنجی
ان *Photometer*

نورسنجی
اع۱ اندازه‌گیری متغیر نوری
اع۲ اندازه‌گیری
اخ۱ طیف‌نورسنجی
او پرتوسنجی
او تجزیه شیمیایی
او روشنایی
او طیف‌سنجی
او کنترل نوردهی
او مهندسی روشنایی
او مهندسی نوررسانی
او نور
او نورسنج
ان *Photometry*

نورشناسی
ی‌د نورشناسی فیزیکی و هندسی
ب‌ج *اپتیک*
ب‌ج *خردنورشناسی*
اع۱ فیزیک
اع۲ علوم طبیعی
اخ۱ اکروی
اخ۱ دیده‌وری کوانتمی
اخ۱ رنگ‌پذیر
اخ۱ نورشناسی آماری
اخ۱ نورشناسی تارها
اخ۱ نورشناسی تطبیقی
اخ۱ نورشناسی جوی
اخ۱ نورشناسی ذره‌ای
اخ۲ نورشناسی الکترونی
اخ۱ نورشناسی صنعتی
اخ۱ نورشناسی غیرخطی
اخ۲ اختلاط چهارموجی
اخ۲ تبدیل بسامد نوری
اخ۲ مات‌شدگی گرمایی
اخ۱ نورشناسی فضایی

اخ۱ نورشناسی فوریه
اخ۱ نورشناسی لیزری
اخ۱ نورشناسی مجتمع
اخ۱ نورشناسی هندسی
او ابزار صوتی‌نوری
او ابزار نوری
او ارتباط نوری
او آزمایش نوری
او اندازه‌گیری متغیر نوری
او آینه
او بیراهی
او بینایی
او تابع انتقال نوری
او تمام‌نگاری
او سنج‌افزار نوری
او سیستم نوری
او طراحی نوری
او عدسی الکترونی
او عکاسی
او فیلم نوری
او قدرت جداکنندگی نوری
او کانونی‌سازی
او کنترل متغیر نوری
او لامپ الکتریکی
او مدوله‌ساز نوری
او مدوله‌سازی نوری
او مهندسی نوری
او مواد نوری
او نور
او نورمکانیک
او ویژگی نوری
ان *Optics*

نورشناسی آماری

اع۱ نورشناسی
اع۲ فیزیک
اع۳ علوم طبیعی
او روش آماری
ان *Statistical optics*

نورشناسی الکترونی

اع۱ نورشناسی ذره‌ای
اع۲ نورشناسی
اع۳ فیزیک
او اثر الکترونوری
او الکترودینامیک
او باریکه الکترون
او بتاترون
او پراش الکترون
او پرتو کاتدی
او طیف‌سنج پرتو بتا
او عدسی الکترواستاتیکی
او عدسی مغناطیسی
او کانونی‌سازی
او لامپ پرتو کاتدی
او میکروسکوپ الکترونی
او میکروسکوپی الکترونی
ان *Electron optics*

نورشناسی تارها

ب‌ج *لوله نوری*
اع۱ نورشناسی
اع۲ فیزیک
اع۳ علوم طبیعی
او اجزای تار نوری
او ارتباط نوری
او الیاف شیشه‌ای
او انتقال نور
او تار نوری
او تجهیزات ارتباط نوری
او حس‌گر تار نوری
او حس‌گر شیمیایی تار نوری
او درمان فتودینامیک
او شیشه نوری
او لیزر تاری
او نور
ان *Fiber optics*

نورشناسی تارها در پزشکی

ب‌ک کاربرد پزشکی

نورشناسی تطبیقی

اع۱ نورشناسی
اع۲ فیزیک
اع۳ علوم طبیعی
او سیستم تطبیقی
او سیستم نوری
ان *Adaptive optics*

نورشناسی جوی

ی‌د برای اثرات و ویژگی نوری جو زمین یا برون زمین به کار برید.
اع۱ نورشناسی
اع۲ فیزیک
اع۳ علوم طبیعی
او بازتاب نور
او پراکندگی نور
او جذب نور
او جو برون زمینی
او جو زمین
او دید
او طیف جوی
او هواشناسی
او ویژگی نوری
ان *Atmospheric optics*

نورشناسی ذره‌ای

اع۱ نورشناسی
اع۲ فیزیک
اع۳ علوم طبیعی
اخ۱ نورشناسی الکترونی
او اثر میدان الکتریکی
او اثر میدان مغناطیسی
او الکترودینامیک
او باریکه اتمی
او باریکه ذره‌ای
او بیراهی
او ذره بنیادی
او شتاب‌دهنده ذره
او طیف‌سنج ذره‌ای
او عدسی الکتروستاتیکی
او عدسی مغناطیسی
او فیزیک انرژی بالا
او کانونی‌سازی
ان *Particle optics*

نورشناسی صنعتی

اع۱ نورشناسی
اع۲ فیزیک
اع۳ علوم طبیعی
او کاربرد صنعتی
ان *Industrial optics*

نورشناسی غیرخطی

اع۱ نورشناسی
اع۲ فیزیک
اع۳ علوم طبیعی
اخ۱ اختلاط چهارموجی
اخ۱ تبدیل بسامد نوری
اخ۱ مات‌شدگی گرمایی
او اثر الکترونوری
او پدیده فراسریع
او دوپایداری نوری
او طیف‌نمایی رامان
ان *Nonlinear optics*

نورشناسی فضایی

اع۱ نورشناسی
اع۲ فیزیک
اع۳ علوم طبیعی
او پژوهش فضایی
او تلسکوپ هوابرد
او سفر فضایی
ان *Space optics*

نورشناسی فوریه

اع۱ نورشناسی
اع۲ فیزیک
اع۳ علوم طبیعی
او تبدیل فوریه
او تصویر پردازی
او داده‌پردازی نوری
ان *Fourier optics*

نورشناسی لیزری

اع۱ نورشناسی
اع۲ فیزیک
اع۳ علوم طبیعی
او باریکه لیزری
او لیزر
ان *Laser optics*

نورشناسی مجتمع

اع۱ نورشناسی
اع۲ فیزیک
اع۳ علوم طبیعی
او فیلم نوری
او لیزر پس‌خورد گسترده
او مدار مجتمع نورالکترونیکی
او موجبر نوری

او هم‌پیوند نوری
ان *Integrated optics*

نورشناسی هندسی
اع۱ نورشناسی
اع۲ فیزیک
اع۳ علوم طبیعی
ان *Geometrical optics*

نورشیمی
ب‌ک واکنش نورشیمیایی

نور قطبیده
ب‌ک قطبش نور

نورکافت
اع۱ تجزیه
اع۲ واکنش شیمیایی
اع۱ واکنش نورشیمیایی
اع۲ واکنش شیمیایی
او شیمی تابش
ان *Photolysis*

نورکشسانی
اع۱ ویژگی مکانیکی
او تحلیل تنش
او دوشکستی
او قطبش نور
او کشسانی
او ویژگی نوری
ان *Photoelasticity*

نورمغناطیسی
ب‌ک اثر نورمغناطیسی

نورمقاوم
اع۱ چاپ نوری
اع۲ چاپ سنگی
او تولید ابزار نیم‌رسانا
او تولید مدارمجتمع
او مدار چاپی
ان *Photoresist*

نورمکانیک
او مکانیک
او نورشناسی
ان *Photomechanics*

نور هرز
اع۱ نور
اع۲ موج الکترومغناطیسی
اع۳ تابش
اع۳ موج
ان *Stray light*

نور همدوس
ب‌ج همدوسی
ب‌ج همدوسی نوری
اع۱ نور
اع۲ موج الکترومغناطیسی
اع۳ تابش
اع۳ موج
اخ۱ باریکه لیزری
اخ۲ تپ لیزری
او اثر صوتی‌نوری
او پیسه
او دیده‌وری کوانتمی
او لیزر
او نظریه لیزری
او ویژگی نوری
ان *Coherent light*

نوری‌صوتی
ب‌ک اثر نوری‌صوتی

نوسازی
او پیرایش
او ساختمان
او فرسودگی
او کوره
او ماشین‌آلات
او مرمت
او نگهداشت
او واحد صنعتی
ان *Modernization*

نوسان
اخ۱ نوسان پلاسما

اع۱ نوسان مدار
او ارتعاش(مکانیکی)
او آونگ
او پایداری
او تشدید
او تشدید مدار
او تشدیدگر
او شارش تپشی
او موج
او میرایی
او نوسانگر(الکترونیک)
او نوسانگر(مکانیکی)
ان *Oscillation*

نوسان پلاسما

اع۱ نوسان
او پایداری پلاسما
او پلاسما
او محصورسازی پلاسما
او موج پلاسمایی
ان *Plasma oscillation*

نوسان‌ساز بلوری

اع۱ نوسانگر(الکترونیک)
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
ان *Crystal oscillator*

نوسان‌ساز پارامتری

اع۱ ابزار پارامتری
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ نوسانگر(الکترونیک)
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او نوسانگر(الکترونیک)
ان *Parametric oscillator*

نوسان‌ساز حالت جامد

اع۱ ابزار حالت جامد
اع۲ دستگاه الکترونی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ نوسانگر(الکترونیک)
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
ان *Solid state oscillator*

نوسانساز دوپایا

ب‌ک مدار فیلیپ فلاپ

نوسان‌ساز گان

اع۱ نوسانگر ریزموجی
اع۲ ابزار ریزموج
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ نوسانگر(الکترونیک)
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او ابزار گان
او اثر گان
او دیود گان
ان *Gunn oscillator*

نوسان‌ساز وقفه‌ای

اع۱ نوسانگر(الکترونیک)
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او چندلرزشی
ان *Relaxation oscillator*

نوسان‌سنج(پرتو کاتدی)

ب‌ک لرزش‌نگار پرتو کاتدی

نوسان‌سنج ذخیره رقمی

ب‌ک لرزش‌نگار پرتو کاتدی

نوسانگر(الکترونیک)

اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ نوسان‌ساز بلوری
اخ۱ نوسان‌ساز پارامتری
اخ۱ نوسان‌ساز حالت جامد
اخ۱ نوسان‌ساز وقفه‌ای
اخ۱ نوسانگر با بسامد وردش‌پذیر
اخ۱ نوسانگر دیود تونلی
اخ۱ نوسانگر ریزموجی
اخ۲ نوسان‌ساز گان
اخ۱ نیم‌رسانای نوسانگر
او ابزار نیم‌رسانا
او استاندارد بسامد
او بازآواگر کاواکی

او بسامد طبیعی
او بسامدساز
او پایداری بسامدی
او تجهیزات رادیویی
او تشدیدگر
او تولید هماهنگ
او چندلرزشی
او شبکه فعال
او فرستنده
او فرستنده رادیویی
او کوک
او کوک‌کن
او گیرنده رادیویی
او لامپ کلیسترون
او مدار آمیزشگر
او مدار فیلیپ فلاپ
او مقاومت منفی
او مگنترون
او مولد سیگنال
او میزر
او نوسان
ان *Oscillator (electronic)*

نوسانگر(مکانیکی)

اع۱ تجهیزات
اخ۱ ارتعاشگر
او استاندارد بسامد
او آونگ
او بسامد طبیعی
او نوسان
ان *Oscillator (mechanical)*

نوسانگر با بسامد وردش‌پذیر

اع۱ نوسانگر(الکترونیک)
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
ان *Variable frequency oscillator*

نوسانگر دیود تونلی

اع۱ نوسانگر(الکترونیک)
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
او دیود تونلی
ان *Tunnel diode oscillator*

نوسانگر ریزموجی

اع۱ ابزار ریزموج
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ نوسانگر(الکترونیک)
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ نوسان‌ساز گان
او تجهیزات رادار
او تولید ریزموج
او مدار ریزموج
ان *Microwave oscillator*

نوسان مدار

اع۱ نوسان
او شبکه(مدار)
ان *Circuit oscillation*

نوسان‌نگار

اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۱ سنج‌افزار ثبات
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او اندازه‌گیری زمان
او لرزش‌نگار پرتو کاتدی
ان *Oscillograph*

نوشابه

اع۱ فراورده غذایی
اخ۱ آب‌میوه
اخ۱ شراب
او تاسیسات بطری‌سازی
او کارخانه آبجوسازی
او لبنیات
ان *Beverage*

نوشتن فنی

اع۱ اشاعه اطلاعات
اع۲ ارتباط
او مهندسی
ان *Technical writing*

نوفه الکترونیکی تصادفی
ب‌ک نوفه سیگنال مزاحم

نوفه دستگاه الکترونی
ب‌ک نوفه سیگنال مزاحم

نوفه سفید
او تداخل رادیویی
او تولید پارازیت
او نوفه سیگنال مزاحم
ان *White noise*

نوفه سیگنال مزاحم
ب‌ج *نوفه الکترونیکی تصادفی*
ب‌ج *نوفه دستگاه الکترونی*
ب‌ج *نوفه گوسی(الکترونیک)*
اخ۱ نوفه شلیک
اخ۱ نوفه گرمایی
او ابزار نیم‌رسانا
او ارسال رادیویی
او اندازه‌گیری نوفه سیگنال
او تداخل در سیگنال
او تلفن رادیویی
او کاهش تداخل
او گیرنده رادیویی
او لامپ الکترونی
او مخابرات
او مولد نوفه
او نسبت سیگنال به نوفه
او نظریه سیگنال
او نوفه سفید
او واپیچش سیگنال
ان *Spurious signal noise*

نوفه شاتکی
ب‌ک نوفه شلیک

نوفه شلیک
ب‌ج *اثر شلیک*
ب‌ج *نوفه شاتکی*
اع۱ نوفه سیگنال مزاحم
ان *Shot noise*

نوفه صوتی
اع۱ موج صوتی
اع۲ موج کشسانی
اع۳ موج مکانیکی
اخ۱ نوفه صوتی سفید
او ارتعاش(مکانیکی)
او آلودگی نوفه
او اندازه‌گیری نوفه صوتی
او تداخل موج صوتی
او جذب موج صوتی
او شدت صوتی
او شنوایی
او صداخفه‌کن
او صوت‌شناسی ساختمانی
او کاهش نوفه
او مهندسی فاکتورهای انسانی
او موج شوکی
ان *Acoustic noise*

نوفه صوتی سفید
اع۱ نوفه صوتی
اع۲ موج صوتی
اع۳ موج کشسانی
ان *White acoustic noise*

نوفه گرمایی
اع۱ نوفه سیگنال مزاحم
او اثر گرما
ان *Thermal noise*

نوفه گوسی(الکترونیک)
ب‌ک نوفه سیگنال مزاحم

نوکلید
ب‌ک ایزوتوپ

نوموگراف
ب‌ک فرمول نگاشت

نهر آبیاری
اع۱ کانال
اع۲ راه آبی درون‌مرزی
او آبیاری
او کشاورزی
ان *Irrigation canal*

نهشت

اخ۱ رسوب‌گذاری
اخ۲ رسوب‌گذاری پارافین
اخ۱ فن اندایش
اخ۲ آبکاری
اخ۳ آب طلاکاری
اخ۳ آبکاری آلومینیوم
اخ۳ آبکاری آهن
اخ۳ آبکاری الکتریکی
اخ۳ آبکاری ایریدیم
اخ۳ آبکاری ایندیم
اخ۳ آبکاری بدون برق
اخ۳ آبکاری برنج
اخ۳ آبکاری برنز
اخ۳ آبکاری بیسموت
اخ۳ آبکاری تنگستن
اخ۳ آبکاری تیتانیم
اخ۳ آبکاری رنیم
اخ۳ آبکاری رودیم
اخ۳ آبکاری سرب
اخ۳ آبکاری مس
اخ۳ آبکاری مولیبدن
اخ۳ آب‌کبالت‌دهی
اخ۳ آب‌کرم‌کاری
اخ۳ آب‌نیکل‌کاری
اخ۳ اندود روی
اخ۳ سیم‌اندودکاری
اخ۳ قلع‌اندودی
اخ۳ کادمیم‌کاری
اخ۲ اندایش کاغذ
اخ۲ پاشیدن مشعلی
اخ۲ پلاسماافشانی
اخ۲ رنگ‌کاری
اخ۳ رنگ‌افشانی
اخ۲ روکش‌کاری(پوشش)
اخ۳ پوشش سوخت هسته‌ای
اخ۳ روکش فلز
اخ۲ سخت‌پوشی
اخ۲ فلزپوشی
اخ۲ کپسولی‌کردن
اخ۳ کپسولی‌کردن پسمانده پرتوزا
اخ۲ لاک‌زنی
اخ۲ میناکاری
اخ۱ نهشت با اتم‌پاشی
اخ۱ نهشت با بخار
اخ۲ نهشت با بخار شیمیایی
اخ۳ نهشت با بخار شیمیایی آلی فلزی
اخ۱ نهشت برقی
اخ۲ آبکاری الکتریکی
او اندود نوری
او ته‌نشینی(شیمیایی)
ان *Deposition*

نهشت با اتم‌پاشی

اع۱ اتم‌پاشی
اع۱ نهشت
او فلزپوشی
او فن اندایش
او فیلم نازک
ان *Sputter deposition*

نهشت با بخار

ب‌ج *آبکاری در خلأ*
اع۱ نهشت
اخ۱ نهشت با بخار شیمیایی
اخ۲ نهشت با بخار شیمیایی آلی فلزی
او آلیاژسازی گاز
او بستر
او تبخیر
او رشد همبافته
او فلزپوشی
او فن اندایش
او فیلم نازک
ان *Vapor deposition*

نهشت با بخار شیمیایی

اع۱ نهشت با بخار
اع۲ نهشت
اخ۱ نهشت با بخار شیمیایی آلی فلزی
او اندود
او فیلم
او همبافتی فاز بخار
ان *Chemical vapor deposition*

نهشت با بخار شیمیایی آلی فلزی

اع۱ نهشت با بخار شیمیایی
اع۲ نهشت با بخار
اع۳ نهشت
او ترکیب آلی‌فلزی
او رشد نیم‌رسانا
او لایه نیم‌رسانا

ان *Metallorganic chemical vapor deposition*

نهشت برق‌کافتی
ب‌ک نهشت برقی

نهشت برقی
ب‌چ *نهشت برق‌کافتی*
اع۱ نهشت
اخ۱ آبکاری الکتریکی
او آبکاری
او الکتروشیمی
او برق‌کافت
او شکل‌دهی الکترولیتی
او فن اندایش
ان *Electrodeposition*

نهشت کانی
ب‌ک منبع معدنی

نهشته
اخ۱ نهشته دیگ بخار
او جرم‌گرفتگی
ان *Deposit*

نهشته دیگ بخار
اع۱ نهشته
او خوردگی دیگ بخار
او دیگ بخار
ان *Boiler deposit*

نیاز زیست‌شیمیایی به اکسیژن
اع۱ نیاز شیمیایی به اکسیژن
او تصفیه فاضلاب
او هضم بی‌هوازی
ان *Biochemical oxygen demand*

نیاز شیمیایی به اکسیژن
اخ۱ نیاز زیست‌شیمیایی به اکسیژن
او تصفیه فاضلاب
ان *Chemical oxygen demand*

نیترات
اع۱ ترکیبات نیتروژن
اع۲ ترکیبات شیمیایی
او شوره‌سازی
او نیترودارکردن
ان *Nitrate*

نیترات‌زدایی
اع۱ واکنش شیمیایی
او تصفیه آب
او نیتروژن
ان *Denitrification*

نیترودارکردن
اع۱ واکنش شیمیایی
او نیترات
ان *Nitration*

نیتروزامین
اع۱ آمین
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ ترکیبات نیتروژن
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات نیتروژن
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ سرطانزا
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
ان *Nitrosamine*

نیتروژن
اع۱ نافلز
اع۲ عنصر شیمیایی
او تثبیت نیتروژن
او ترکیبات نیتروژن
او رفع نیتروژن
او کود شیمیایی نیتروژن‌دار
او نیترات‌زدایی
ان *Nitrogen*

نیتروژن‌دهی
اع۱ عملیات حرارتی
او سخت‌کاری سطحی
او سیانورکاری
او عملیات سطحی

ان *Nitriding*

نیتروسلولز

ب‌ج *سلولز نیترات*
اع۱ استر
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات نیتروژن
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ مشتقات سلولز
اع۲ مشتقات
اع۳ ترکیبات شیمیایی
ان *Nitrocellulose*

نیترید

اع۱ ترکیبات نیتروژن
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ بور نیترید مکعبی
اخ۱ تیتانیم نیترید
اخ۱ سیلیسیم نیترید
ان *Nitride*

نیتریک‌اسید

اع۱ اسید معدنی
اع۲ اسید
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ ترکیبات معدنی هیدروژنی
اع۳ ترکیبات معدنی
ان *Nitric acid*

نیروگاه

اع۱ واحد صنعتی
اخ۱ آزمایشگاه نیروگاه
اخ۱ اتاق کنترل(نیروگاه)
اخ۱ نیروگاه دریایی
اخ۱ نیروگاه زیرآبی
اخ۱ نیروگاه زیرزمینی
اخ۱ نیروگاه نظامی
اخ۱ نیروگاه با توربین گازی
اخ۱ نیروگاه بخار
اخ۱ نیروگاه برق
اخ۲ تجهیزات نیروگاه
اخ۲ نیروگاه آبی
اخ۳ نیروگاه ذخیره تلمبه‌ای
اخ۳ نیروگاه کشندی
اخ۲ نیروگاه الکتریکی سیار
اخ۲ نیروگاه برقی دیزلی
اخ۲ نیروگاه گرماالکتریکی
اخ۲ نیروگاه همزایشی
اخ۳ سیستم چرخه روبی
اخ۳ سیستم چرخه زیری
اخ۱ نیروگاه ترکیبی بخار و هیدروالکتریکی
اخ۱ نیروگاه ترکیبی توربین گازی و دیزل
اخ۱ نیروگاه ترکیبی توربین هیدروالکتریکی و گازی
اخ۱ نیروگاه ترکیبی هسته‌ای و هیدروالکتریک
اخ۱ نیروگاه ترکیبی هیدروالکتریک و دیزل
اخ۱ نیروگاه خورشیدی
اخ۲ نیروگاه خورشیدی دوار
اخ۱ نیروگاه دیزلی
اخ۲ نیروگاه برقی دیزلی
اخ۱ نیروگاه زمین‌گرمایی
اخ۱ نیروگاه سوخت فسیلی
اخ۱ نیروگاه سیار
اخ۲ نیروگاه الکتریکی سیار
اخ۱ نیروگاه سیکل ترکیبی
اخ۱ نیروگاه شناور
اخ۱ نیروگاه کوچک
اخ۱ نیروگاه معدن
اخ۱ نیروگاه مغناطوهیدرودینامیک
اخ۱ نیروگاه هسته‌ای
اخ۱ ورودی نیروگاه
او از کارانداری موقت
او پیش‌گرم‌کن
او پیش‌گرم‌کن آب مصرفی
او تلمبه آب مصرفی
او خروجی گرمایی
او دمنده
او دیگ بخار
او گزینش محل
ان *Power plant*

نیروگاه دریایی

اع۱ سازه نزدیک ساحل
اع۲ سازه
اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
ان *Offshore power plant*

نیروگاه زیرآبی

اع۱ سازه زیرآبی

اع۲ سازه
اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
او تجهیزات زیرآبی
او مهندسی اقیانوس
ان *Underwater power plant*

نیروگاه زیرزمینی

اع۱ سازه زیرزمینی
اع۲ سازه
اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
ان *Underground power plant*

نیروگاه نظامی

اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
او تجهیزات نظامی
او عملیات نظامی
او مهندسی نظامی
ان *Military power plant*

نیروگاه آبی

اع۱ نیروگاه برق
اع۲ نیروگاه
اع۳ واحد صنعتی
اخ۱ نیروگاه ذخیره تلمبه‌ای
اخ۱ نیروگاه کشندی
او بارناو
او توان هیدروالکتریکی
او توربین
او راهگذر سرریز
او سد
او طرح حوضه رودخانه
او ورودی نیروگاه
ان *Hydroelectric power plant*

نیروگاه الکتریکی سیار

اع۱ نیروگاه برق
اع۲ نیروگاه
اع۳ واحد صنعتی
اع۱ نیروگاه سیار
اع۲ نیروگاه
اع۳ واحد صنعتی
ان *Mobile electric power plant*

نیروگاه با توربین گازی

اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
او توربین گازی
او تولید نیرو
او نیروگاه برق
ان *Gas turbine power plant*

نیروگاه بخار

اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
او بخار(آب)
او تصفیه آب مصرفی
او توربین بخار
او چرخه بازگرمایش
او نیروگاه برق
او ورودی نیروگاه
ان *Steam power plant*

نیروگاه برق

اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
اخ۱ تجهیزات نیروگاه
اخ۱ نیروگاه آبی
اخ۲ نیروگاه ذخیره تلمبه‌ای
اخ۲ نیروگاه کشندی
اخ۱ نیروگاه الکتریکی سیار
اخ۱ نیروگاه برقی دیزلی
اخ۱ نیروگاه گرماالکتریکی
اخ۱ نیروگاه همزایشی
اخ۲ سیستم چرخه رویی
اخ۲ سیستم چرخه زیری
او از کاراندازی موقت
او تولید نیروی الکتریکی
او سیستم نیروی برق
او نیروگاه با توربین گازی
او نیروگاه بخار
او نیروگاه خورشیدی
او نیروگاه سوخت فسیلی
او نیروگاه هسته‌ای
او نیروی باد
ان *Electric power plant*

نیروگاه برقی دیزلی

اع۱ نیروگاه برق

اع۲ نیروگاه
اع۳ واحد صنعتی
اع۱ نیروگاه دیزلی
اع۲ نیروگاه
اع۳ واحد صنعتی
ان *Diesel.electric power plant*

نیروگاه ترکیبی بخار و هیدروالکتریکی

اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
او توربین بخار
ان *Hydroelectric and steam combined power plant*

نیروگاه ترکیبی توربین گازی و دیزل

اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
او توربین گازی
او موتور دیزل
ان *Diesel and gas turbine combined power plant*

نیروگاه ترکیبی توربین هیدروالکتریکی و گازی

اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
او توربین گازی
ان *Hydroelectric and gas turbine combined power plant*

نیروگاه ترکیبی هسته‌ای و هیدروالکتریک

اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
ان *Hydroelectric and nuclear combined power plant*

نیروگاه ترکیبی هیدروالکتریک و دیزل

اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
او موتور دیزل
ان *Diesel and hydroelectric combined power plant*

نیروگاه خورشیدی

اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
اخ۱ نیروگاه خورشیدی دوار
او انرژی خورشیدی
او پیل خورشیدی
او تجهیزات خورشیدی
او تولید نیروی خورشیدی
او نیروگاه برق
ان *Solar power plant*

نیروگاه خورشیدی دوار

اع۱ ماهواره
اع۲ فضاپیما
اع۳ وسیله نقلیه
اع۱ نیروگاه خورشیدی
اع۲ نیروگاه
اع۳ واحد صنعتی
ان *Orbiting solar power plant*

نیروگاه دیزلی

اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
اخ۱ نیروگاه برقی دیزلی
او سوخت دیزلی
ان *Diesel power plant*

نیروگاه ذخیره تلمبه‌ای

اع۱ نیروگاه آبی
اع۲ نیروگاه برق
اع۳ نیروگاه
او تاسیسات تلمبه‌زنی
او تلمبه
او توان هیدروالکتریکی
او توربین هیدرولیکی
او موتور مولد جریان متناوب
او موتور مولد جریان مستقیم
ان *Pumped storage power plant*

نیروگاه زمین‌گرمایی

اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
او انرژی زمین‌گرمایی
ان *Geothermal power plant*

نیروگاه سوخت فسیلی

اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
او سوخت فسیلی
او گازکردن زغال‌سنگ
او نیروگاه برق
ان *Fossil fuel power plant*

نیروگاه سیار
اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
اخ۱ نیروگاه الکتریکی سیار
ان *Mobile power plant*

نیروگاه سیکل ترکیبی
اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
او توربین بخار
ان *Combined cycle power plant*

نیروگاه شناور
اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
ان *Floating power plant*

نیروگاه کشندی
اع۱ نیروگاه آبی
اع۲ نیروگاه برق
اع۳ نیروگاه
او قدرت کشندی
او کشند
ان *Tidal power plant*

نیروگاه کوچک
اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
ان *Small power plant*

نیروگاه گرماالکتریکی
اع۱ نیروگاه برق
اع۲ نیروگاه
اع۳ واحد صنعتی
او تبدیل انرژی گرماالکتریک
او تجهیزات گرماالکتریکی
ان *Thermoelectric power plant*

نیروگاه معدن
اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
او تجهیزات معدن‌کاری
ان *Mine power plant*

نیروگاه مغناطوهیدرودینامیک
اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
او تولید نیروی مغناطوهیدرودینامیک
او مبدل مغناطوهیدرودینامیک
او مغناطوهیدرودینامیک
ان *Magnetohydrodynamic power plants*

نیروگاه هسته‌ای
ب‌ج *ایستگاه نیروی هسته‌ای*
اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
او انرژی هسته‌ای
او پرتابه دیوباد
او دفع پساب
او صنعت هسته‌ای
او مهندسی هسته‌ای
او نیروگاه برق
او واکنشگاه هسته‌ای
ان *Nuclear power plant*

نیروگاه همزایشی
اع۱ نیروگاه برق
اع۲ نیروگاه
اع۳ واحد صنعتی
اخ۱ سیستم چرخه روبی
اخ۱ سیستم چرخه زیری
او گرمایش ناحیه‌ای
ان *Cogeneration plant*

نیرو محرکه بین‌سیاره‌ای
ب‌ک فضاپیمای بین‌سیاره‌ای

نیروی آب
اع۱ منبع تجدیدشدنی انرژی
اع۲ منبع انرژی
اخ۱ توان هیدروالکتریکی
اخ۱ قدرت کشندی

اخ۱ نیروی موج
او آب
او تولید نیرو
ان *Water power*

نیروی انسانی
ب‌ک کارکنان

نیروی باد
اع۱ منبع تجدیدشدنی انرژی
اع۲ منبع انرژی
او توربین بادی
او تولید نیرو
او نیروگاه برق
ان *Wind power*

نیروی خورشیدی
ب‌ک انرژی خورشیدی

نیروی غلتش(اصطکاک)
اع۱ اصطکاک
اع۲ دینامیک
اع۳ مکانیک
او تجهیزات ماسه‌گذاری
او لاستیک چرخ
او لکوموتیو
او مقاومت غلتشی
او وسیله نقلیه
ان *Traction (friction)*

نیروی موج
ی‌د غیر از قدرت کشند
اع۱ نیروی آب
اع۲ منبع تجدیدشدنی انرژی
اع۳ منبع انرژی
او آب دریا
او تبدیل انرژی موج
او تولید نیرو
او قدرت کشندی
او لایه‌بندی گرمایی
ان *Wave power*

نیروی وادارنده
او بازماند
او پسماند مغناطیسی
او مغناطش
او مواد مغناطیسی
او ویژگی مغناطیسی
ان *Coercive force*

نیروی وان‌درووالس
اع۱ مکانیک
او شیمی‌فیزیک
ان *Van der Waals force*

نیروی هسته‌ای
ب‌ک انرژی هسته‌ای

نیشکر
اع۱ فراورده کشاورزی
او صنعت قندسازی
او قند(ساکاروز)
ان *Sugar cane*

نیکل
اع۱ فلز غیرآهنی
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اع۱ فلز واسطه
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او آبکاری با قلع و نیکل
او آب‌نیکل‌کاری
او آلیاژ نیکل
او پالایش نیکل
او ترکیبات نیکل
او ذخیره نیکل
او عمل‌آوری کان‌سنگ نیکل
او فلزنگاری نیکل
او لوله نیکلی
او متالورژی نیکل
او معدن نیکل
ان *Nickel*

نیم‌رسانا
ب‌ک مواد نیم‌رسانا

نیم‌رسانای آلی

ب‌ک ترکیبات آلی نیم‌رسانا

نیم‌رسانای مغناطیسی

اع۱ مواد مغناطیسی
اع۲ مواد
اع۱ مواد نیم‌رسانا
اع۲ مواد
او مواد پادفرومغناطیسی
او مواد فرومغناطیسی
او مواد فری‌مغناطیسی
ان *Magnetic semiconductor*

نیم‌رسانای نوسانگر

اع۱ ابزار نیم‌رسانا
اع۲ ابزار حالت جامد
اع۳ دستگاه الکترونی
اع۱ نوسانگر(الکترونیک)
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
ان *Oscillistor*

نیمه‌غوطه‌ور

او آب‌خاک‌پیما
او سازه نزدیک ساحل
او شناور
ان *Semisubmersible*

نیمه‌فلز

ب‌ک شبه فلز

نیوبیم

ب‌ج *کلومبیم*
اع۱ فلز دیرگداز
اع۲ فلز واسطه
اع۳ فلز
اع۱ فلز غیرآهنی
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او آلیاژ نیوبیم
او پالایش نیوبیم
او ترکیبات نیوبیم
او ذخیره نیوبیم
او عمل‌آوری کان‌سنگ نیوبیم
او فلزنگاری نیوبیم
او کانی نیوباتی
او متالورژی نیوبیم
او معدن نیوبیم
ان *Niobium*

نئوپان

ب‌ک تخته خرده‌چوب

نئودیمیم

اع۱ عنصر خاکی کمیاب
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آلیاژ نئودیمیم
او ترکیبات نئودیم
ان *Neodymium*

نئون

اع۱ گاز بی‌اثر
اع۲ گاز
اع۳ سیال
اع۲ نافلز
اع۳ عنصر شیمیایی
ان *Neon*

واپاشی(آلی)

اع۱ تجزیه
اع۲ واکنش شیمیایی
او چوب
او فروپاشی
ان *Decay (organic)*

واپیچش

ب‌ک واپیچش(موج)

واپیچش(موج)

ب‌ج *واپیچش*
اخ۱ اعوجاج صوتی
اخ۲ واپیچش فراصوتی
اخ۱ واپیچش الکتریکی
اخ۱ واپیچش سیگنال
او انتشار موج
او موج
ان *Distortion (wave)*

واپیچش الکتریکی

اع۱ واپیچش(موج)
او برابرساز
ان *Electric distortion*

واپیچش سیگنال

اع۱ واپیچش(موج)
او پردازش سیگنال
او تداخل در سیگنال
او تقویت‌کننده(الکترونیکی)
او تلفن
او کیفیت دریافت
او مدوله‌سازی متقابل
او نوفه سیگنال مزاحم
ان *Signal distortion*

واپیچش فراصوتی

اع۱ اعوجاج صوتی
اع۲ واپیچش(موج)
او موج فراصوتی
ان *Ultrasonic distortion*

وات‌ساعت‌سنج

اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او اندازه‌گیری توان الکتریکی
ان *Watt hour meter*

وات‌سنج

اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
او اندازه‌گیری توان الکتریکی
ان *Wattmeter*

واجذبی

اع۱ نفوذ
اع۲ عملیات شیمیایی
او جذب
او جذب سطحی
او واجذبی برنامه‌ریزی‌شده دما
ان *Desorption*

واجذبی برنامه‌ریزی‌شده دما

او آزمایش مواد
او واجذبی
ان *Temperature programmed desorption*

واحد صنعتی بنزین طبیعی

اع۱ واحد صنعتی
او بنزین طبیعی
ان *Natural gasoline plant*

واحد صنعتی کک‌سازی

اع۱ واحد صنعتی
اع۱ اجاق کک‌سازی
او برج خاموش‌کننده کک
او ساختن کک
او کک‌سازی
او واگن خاموش‌کنی کک
ان *Coke plant*

واحد الکتریکی

ب‌ک یکای اندازه‌گیری

واحد پتروشیمی

اع۱ واحد صنعتی شیمیایی
اع۲ واحد صنعتی
او پالایشگاه نفت
او صنعت نفت
او مواد پتروشیمیایی
ان *Petrochemical plant*

واحد تقطیر جزء به جزء

اع۱ جداساز
اع۲ تجهیزات
او پالایشگاه نفت
او تقطیر جزء به جزء
ان *Fractionating unit*

واحد ذخیره داده‌ها

ب‌ک تجهیزات ذخیره داده‌ها

واحد رابط رایانه

ب‌ک واسط(رایانه)

واحد صنعتی

ب‌ج *کارخانه*

اخ۱ بخش پزشکی(کارخانه صنعتی)

اخ۱ پالایشگاه نفت

اخ۲ میل مشعل

اخ۱ تاسیسات تولید الکتریکی

اخ۱ تصفیه‌خانه فاضلاب

اخ۲ استخر تثبیت

اخ۲ حوضچه دانه‌گیری

اخ۲ لاگون فاضلاب

اخ۱ دستگاه نورد

اخ۲ آسیاب لوله‌ای

اخ۲ دستگاه نورد آلومینیوم

اخ۲ دستگاه نورد سرد

اخ۲ دستگاه نورد گرم

اخ۳ دستگاه نورد تختال

اخ۳ دستگاه نورد شمشال

اخ۳ دستگاه نورد شمشه

اخ۲ دستگاه نورد نوار ورق

اخ۱ ساخت کاغذ و خمیر چوب

اخ۱ کارخانه آسفالت

اخ۱ کارخانه ژیپس

اخ۱ کارخانه آلومینیوم

اخ۲ دستگاه نورد آلومینیوم

اخ۱ کارخانه پالایش فلز

اخ۲ کوره متالورژی

اخ۳ تبدیلگر اکسیژن قلیایی

اخ۳ کوره بلند

اخ۳ کوره روباز

اخ۳ کوره فولادسازی

اخ۱ کارخانه پلاستیک

اخ۱ کارخانه چوب‌بری

اخ۱ کارخانه خودروسازی

اخ۱ کارخانه ذوب آهن

اخ۱ کارخانه سرامیک‌سازی

اخ۱ کارخانه سنگ‌شکنی

اخ۱ کارخانه سیمان

اخ۱ کارخانه شیشه

اخ۱ کارخانه صنعتی قابل حمل

اخ۱ کارخانه فراورده سنگی

اخ۱ کارخانه کشتی‌سازی

اخ۱ کارخانه گاز

اخ۱ کارخانه لاستیک‌سازی

اخ۱ کارخانه مشروب‌سازی

اخ۱ کارخانه هواگرد

اخ۱ کارگاه آبکاری الکتریکی

اخ۱ کارگاه جوشکاری

اخ۱ کارگاه ریخته‌گری

اخ۱ کارگاه شن و ماسه

اخ۱ کارگاه لباس‌شویی

اخ۱ کارگاه ماشینی

اخ۱ کارگاه نساجی

اخ۲ کارگاه پشمی و فاستونی

اخ۲ کارگاه جوراب‌بافی

اخ۱ نورد سیم‌سازی

اخ۱ نیروگاه

اخ۲ آزمایشگاه نیروگاه

اخ۲ اتاق کنترل(نیروگاه)

اخ۲ نیروگاه دریایی

اخ۲ نیروگاه زیرآبی

اخ۲ نیروگاه زیرزمینی

اخ۲ نیروگاه نظامی

اخ۲ نیروگاه با توربین گازی

اخ۲ نیروگاه بخار

اخ۲ نیروگاه برق

اخ۳ تجهیزات نیروگاه

اخ۳ نیروگاه آبی

اخ۳ نیروگاه الکتریکی سیار

اخ۳ نیروگاه برقی دیزلی

اخ۳ نیروگاه گرماالکتریکی

اخ۳ نیروگاه همزایشی

اخ۲ نیروگاه ترکیبی بخار و هیدروالکتریکی

اخ۲ نیروگاه ترکیبی توربین گازی و دیزل

اخ۲ نیروگاه ترکیبی توربین هیدروالکتریکی و گازی

اخ۲ نیروگاه ترکیبی هسته‌ای و هیدروالکتریک

اخ۲ نیروگاه ترکیبی هیدروالکتریک و دیزل

اخ۲ نیروگاه خورشیدی

اخ۳ نیروگاه خورشیدی دوار

اخ۲ نیروگاه دیزلی

اخ۳ نیروگاه برقی دیزلی

اخ۲ نیروگاه زمین‌گرمایی

اخ۲ نیروگاه سوخت فسیلی

اخ۲ نیروگاه سیار

اخ۳ نیروگاه الکتریکی سیار

اخ۲ نیروگاه سیکل ترکیبی

اخ۲ نیروگاه شناور

اخ۲ نیروگاه کوچک

اخ۲ نیروگاه معدن

اخ۲ نیروگاه مغناطوهیدرودینامیک

اخ۲ نیروگاه هسته‌ای
اخ۲ ورودی نیروگاه
اخ۱ واحد صنعتی بنزین طبیعی
اخ۱ واحد صنعتی کک‌سازی
اخ۲ اجاق کک‌سازی
اخ۱ واحد صنعتی شیمیایی
اخ۲ واحد پتروشیمی
اخ۱ واحد صنعتی فراورده غذایی
اخ۲ تاسیسات بطری‌سازی
اخ۲ کارخانه آبجوسازی
اخ۲ کارخانه قند
اخ۲ کارخانه لبنیات‌سازی
اخ۲ کارگاه بسته‌بندی
اخ۲ نانوایی
اخ۱ واحد صنعتی فراورده دارویی
اخ۱ واحد صنعتی گازسازی از زغال‌سنگ
اخ۱ واحد صنعتی میعان زغال‌سنگ
اخ۱ واحد نیمه‌صنعتی
او ازدیاد عمر تاسیسات
او آزمایشگاه صنعتی
او آموزش کارکنان
او بیمه صنعتی
او پژوهش صنعتی
او پسمانده صنعتی
او پیشگیری حادثه
او تجهیزات
او توقف کارخانه
او خطر
او خودکارسازی کارخانه
او داده‌پردازی تولیدی
او راه‌اندازی کارخانه
او روابط صنعتی
او روابط عمومی
او روندنما
او ساختمان
او سازه
او سم صنعتی
او صنعت
او طراحی کارخانه
او فراورده جنبی
او قرارداد
او کاربرد صنعتی
او کارکنان
او کامیون صنعتی
او کنترل
او کنترل تولید
او کنترل کیفیت
او کنترل موجودی
او کنترل یکپارچه
او گزینش محل
او گسترش کارخانه
او ماشین‌آلات
او ماشین‌آلات همگذاری
او مدیریت صنعتی
او مدیریت کارخانه
او مطالعه زمان و حرکت
او مکان‌یابی
او مواد خروجی
او نظام تولید انعطاف‌پذیر
او نوسازی
ان *Industrial plant*

واحد صنعتی دارویی
ب‌ک واحد صنعتی فراورده دارویی

واحد صنعتی شیمیایی
اع۱ واحد صنعتی
اخ۱ واحد پتروشیمی
او صنعت شیمیایی
او مواد شیمیایی
ان *Chemical plant*

واحد صنعتی فراورده غذایی
اع۱ واحد صنعتی
اخ۱ تاسیسات بطری‌سازی
اخ۱ کارخانه آبجوسازی
اخ۱ کارخانه قند
اخ۱ کارخانه لبنیات‌سازی
اخ۱ کارگاه بسته‌بندی
اخ۱ نانوایی
او عمل‌آوری مواد غذایی
او فراورده غذایی
او کارخانه مشروب‌سازی
ان *Food product plant*

واحد صنعتی فراورده دارویی
ب‌ج *واحد صنعتی دارویی*
اع۱ واحد صنعتی
او فراورده دارویی
ان *Drug products plant*

واحد صنعتی گازسازی از زغال‌سنگ

اع۱ واحد صنعتی
او زایگز گاز
او گازکردن زغال‌سنگ
ان *Coal gasification plant*

واحد صنعتی میعان زغال‌سنگ

اع۱ واحد صنعتی
او میعان زغال‌سنگ
ان *Coal liquefaction plant*

واحد عملیات(چاه نفت)

اع۱ بهره‌برداری از چاه نفت
اع۲ تولید
ان *Unit operations (oil well)*

واحد نیمه‌صنعتی

اع۱ واحد صنعتی
ان *Pilot plant*

واراکتور

اع۱ خازن
اع۲ ابزار دی‌الکتریک
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۲ دستگاه الکترواستاتیک
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۲ واکنشگاه الکتریکی
اع۳ اجزای شبکه
اع۱ دیود نیم‌رسانا
اع۲ ابزار نیم‌رسانا
اع۳ ابزار حالت جامد
اع۲ دیود
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
او تقویت‌کننده پارامتری
او تولید هماهنگ
او شبکه متغیر با زمان
او مدار ازدیاد بسامد
ان *Varactor*

وارسیتور

اع۱ مقاومت
اع۲ اجزای شبکه
اع۳ اجزا
اع۳ شبکه(مدار)
ان *Varistor*

وارونگر الکتریکی

بج *وارونگر جریان مستقیم به متناوب*
اع۱ تبدیلگر الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
او اجزای ماشین‌آلات الکتریکی
او الکترونیک قدرت
او برشگر(مدار)
ان *Electric Inverter*

وارونگر جریان مستقیم به متناوب

ب‌ک وارونگر الکتریکی

واریستور

اع۱ ابزار نیم‌رسانا
اع۲ ابزار حالت جامد
اع۳ دستگاه الکترونی
ان *Varistor*

واژه‌پردازی

اع۱ داده‌پردازی
او ایستگاه‌کار رایانه
او چاپ
او خودکارسازی اداره
او داده‌پردازی اداری
او ماشین تحریر
او نشر رومیزی
ان *Word processing*

واژه‌نامه

ب‌ک اصطلاح‌شناسی

واسط(رایانه)

بج *رابط شبکه*
بج *واحد رابط رایانه*
اخ۱ سیمابین کاربر
اخ۲ سیمابین کاربر گرافیکی
او پردازشگر برنامه
او تجهیزات جانبی رایانه
او خط ارتباط مخابراتی
او داده‌پردازی نوری
او راه ارتباط(شبکه رایانه‌ای)

او همپذیر شبکه
او واگردانی رقمی به قیاسی
ان *Interfaces (computer)*

واشر
اع۱ چفت
اع۲ اجزا
او پیچ
او پیچ نر
ان *Washer*

واشر فیبری
اع۱ نشت‌بند
اع۲ اجزا
او اتصال لوله
او موتور درون‌سوز
ان *Gasket*

واقعیت مجازی
او سیمابین کاربر
او شبیه‌ساز پرواز
او نگاره‌سازی رایانه‌ای
ان *Virtual reality*

واکسن
اع۱ فراورده دارویی
او ایمن‌سازی
او ایمنی‌شناسی
او سازگاری زیستی
ان *Vaccine*

واکنش افزایشی
اع۱ واکنش شیمیایی
ان *Addition reaction*

واکنش اکسایش‌کاهش
اع۱ واکنش شیمیایی
او اکسایش
او کاهش
ان *Redox reaction*

واکنش ایمنی
ب‌ک واکنش پادگن‌پادتن

واکنش برق‌کافتی
ب‌ک برق‌کافت

واکنش تجمعی
اع۱ واکنش شیمیایی
ان *Association reaction*

واکنش رادیکالی
اع۱ واکنش شیمیایی
اخ۱ بسپارش رادیکالی
او رادیکال آزاد
ان *Free radical reaction*

واکنش شیمیایی
ب‌ج *فرایند واحد*
ب‌ج *مکانیسم واکنش*
اخ۱ آبپوشی
اخ۱ آب‌گیری
اخ۱ آروماتیک‌کردگی
اخ۱ آسیل‌دارکردگی
اخ۱ آلکیل‌دارکردگی
اخ۱ آمین‌دارکردگی
اخ۱ آهکی‌شدن(زیست‌شیمی)
اخ۱ احتراق
اخ۲ احتراق بستر سیال
اخ۲ احتراق خودبه‌خود
اخ۲ احتراق در جا
اخ۳ احتراق در جای زغال
اخ۲ احتراق زغال‌سنگ
اخ۲ احتراق معکوس
اخ۲ افروزش
اخ۳ پیش‌افروزش
اخ۲ خاکسترسازی پسمانده
اخ۳ خاکسترسازی زباله
اخ۱ استری‌کردن
اخ۱ استیل‌دارکردگی
اخ۱ افت
اخ۲ هوازدگی
اخ۱ اکسایش
اخ۲ اکسایش آندی
اخ۲ اکسایش درونی
اخ۲ گرمااکسایش
اخ۱ برق‌کافت
اخ۱ بسپارش
اخ۲ بسپارش آنیونی

اخ۲	بسپارش الکتریکی
اخ۲	بسپارش امولسیونی
اخ۲	بسپارش تراکمی
اخ۲	بسپارش حلقه‌گشا
اخ۲	بسپارش رادیکالی
اخ۲	بسپارش کاتیونی
اخ۲	سه‌بسپارش
اخ۲	هم‌بسپارش
اخ۱	پخت
اخ۱	پیوندزنی(شیمیایی)
اخ۱	تبادل یونی
اخ۱	تبدیل زیستی
اخ۲	فساد زیستی
اخ۱	تثبیت نیتروژن
اخ۱	تجزیه
اخ۲	آب‌کافت
اخ۳	قندی‌شدگی
اخ۲	تفکافت
اخ۳	ترک‌خوردگی(شیمیایی)
اخ۲	تقطیر پلمه‌سنگ نفتی
اخ۲	نورکافت
اخ۲	واپاشی(آلی)
اخ۱	تخمیر
اخ۱	تشکیل اتصال عرضی
اخ۱	تفکیک
اخ۱	زغال‌دارشدگی
اخ۲	تقطیر تخریبی زغال‌سنگ
اخ۳	تقطیر تخریبی زغال در دمای پایین
اخ۲	کک‌سازی
اخ۱	زغال‌زدایی
اخ۱	سنتز(شیمیایی)
اخ۲	زیست‌آمایی
اخ۲	نورساخت
اخ۱	سولفوردارکردگی
اخ۱	شوره‌سازی
اخ۱	شیشه‌درآمیزی
اخ۲	شیشه‌درآمیزی پسمانده پرتوزا
اخ۱	صابونی‌شدگی
اخ۱	فعال‌سازی شیمیایی
اخ۱	کاتالیز
اخ۱	کاهش
اخ۲	احیای برق‌کافتی
اخ۲	احیای کان‌سنگ
اخ۳	احیای کان‌سنگ آهن
اخ۱	کربنات‌سازی
اخ۱	کربوکسیل‌دارکردگی
اخ۱	کربونیل‌دارکردگی
اخ۱	کلات‌شدگی
اخ۱	کمپلکس‌شدن
اخ۱	متان‌سازی
اخ۱	نیترات‌زدایی
اخ۱	نیترودارکردن
اخ۱	واکنش افزایشی
اخ۱	واکنش اکسایش‌کاهش
اخ۱	واکنش تجمعی
اخ۱	واکنش رادیکالی
اخ۲	بسپارش زادیکالی
اخ۱	واکنش کوئوردیناسیون
اخ۱	واکنش استخلافی
اخ۱	واکنش تبدیل
اخ۱	واکنش تراکمی
اخ۱	واکنش نورشیمیایی
اخ۲	نورساخت
اخ۲	نورکافت
اخ۱	وولکانش
اخ۱	هالوژن‌دارکردن
اخ۲	کلردارکردگی
اخ۱	هالوژن‌زدایی
اخ۱	همپارش
اخ۱	هیدرواکسیل‌دارکردن
اخ۱	هیدروژن‌دهی
اخ۲	هیدروژن‌دهی زغال‌سنگ
اخ۱	هیدروژن‌زدایی
اخ۱	یونش
اخ۲	فوتویونش
اخ۲	یونش جامد
اخ۲	یونش گاز
اخ۳	یونش جو
اخ۲	یونش مایع
او	استوکیومتری
او	انتقال بار
او	تجهیزات شیمیایی
او	ترمودینامیک
او	جداسازی
او	جذب شیمیایی
او	خشک‌سازی
او	سینتیک واکنش
او	شیمی
او	شیمی تابش
او	شیمی‌فیزیک
او	گرماسنجی پویشی تفاضلی
او	واکنشگاه شیمیایی

او واهلش شیمیایی
او یون
ان *Chemical reaction*

واکنش کوئوردیناسیون
اع۱ واکنش شیمیایی
ان *Coordination reaction*

واکنش استخلافی
ب‌ج *استخلاف*
اع۱ واکنش شیمیایی
ان *Substitution reaction*

واکنش پادگن‌پادتن
ب‌ج *واکنش ایمنی*
او آلرژی
او ایمنی‌شناسی
او پادتن
او پادگن
او سازگاری زیستی
او واکنش میزبان درمقابل پیوند
ان *Antigen-antibody reaction*

واکنش‌پذیری(هسته‌ای)
ب‌ج *واکنش‌پذیری واکنشگاه هسته‌ای*
او حالت بحرانی(شکاف هسته‌ای)
او واکنشگاه هسته‌ای
ان *Reactivity (nuclear)*

واکنش‌پذیری نوری
اع۱ ویژگی نوری
اع۲ ویژگی فیزیکی
او واکنش نورشیمیایی
ان *Photoreactivity*

واکنش‌پذیری واکنشگاه هسته‌ای
ب‌ک واکنش‌پذیری(هسته‌ای)

واکنش تبدیل
اع۱ واکنش شیمیایی
او پالایش نفت
او شکست کاتالیزوری
ان *Reforming reaction*

واکنش تراکمی
اع۱ واکنش شیمیایی
ان *Condensation reaction*

واکنش شکافت هسته‌ای
ب‌ج *شکافت هسته‌ای*
او انرژی هسته‌ای
او انفجار هسته‌ای
او فیزیک هسته‌ای
او محصول شکافت هسته‌ای
او واکنشگاه هسته‌ای
ان *Fission reaction*

واکنش فعال‌سازی
ب‌ک فعال‌سازی شیمیایی

واکنشگاه شیمیایی
ب‌ج *راکتور شیمیایی*
اع۱ تجهیزات شیمیایی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ زیست واکنشگاه
اخ۲ ایستاشیمی
اخ۲ ظرف تخمیر
او اتوکلاو
او شیمی
او واکنش شیمیایی
ان *Chemical reactor*

واکنشگاه آب تحت فشار
اع۱ واکنشگاه خنک‌شده با آب
اع۲ واکنشگاه هسته‌ای
اع۳ تسهیلات
ان *Pressurized water reactor*

واکنشگاه آب جوشان
اع۱ واکنشگاه خنک‌شده با آب
اع۲ واکنشگاه هسته‌ای
اع۳ تسهیلات
ان *Boiling water reactor*

واکنشگاه آب سبک
اع۱ واکنشگاه خنک‌شده با آب
اع۲ واکنشگاه هسته‌ای
اع۳ تسهیلات

ان *Light water reactor*

واکنشگاه آب سنگین

اع۱ واکنشگاه خنک‌شده با آب
اع۲ واکنشگاه هسته‌ای
اع۳ تسهیلات
ان *Heavy water reactor*

واکنشگاه آزمونی

اع۱ واکنشگاه هسته‌ای
اع۲ تسهیلات
ان *Experimental reactor*

واکنشگاه اشباع‌پذیر

ب‌ک واکنشگاه هسته‌ای اشباع‌پذیر

واکنشگاه الکتریکی

ب‌چ *راکتور الکتریکی*
اع۱ اجزای شبکه
اع۲ اجزا
اع۲ شبکه(مدار)
اخ۱ القاگر الکتریکی
اخ۲ القاگر توان
اخ۱ بوبین محدودساز جریان
اخ۱ خازن
اخ۲ خازن برق‌کافتی
اخ۲ خازن سرامیکی
اخ۲ خازن کاغذی
اخ۲ واراکتور
اخ۱ واکنشگاه هسته‌ای اشباع‌پذیر
او توان واکنشی
ان *Electric reactor*

واکنشگاه پژوهشی

اع۱ واکنشگاه هسته‌ای
اع۲ تسهیلات
او پژوهش
او فیزیک اتمی
او فیزیک هسته‌ای
ان *Research reactor*

واکنشگاه خنک‌شده با آب

اع۱ واکنشگاه هسته‌ای
اع۲ تسهیلات
اخ۱ واکنشگاه آب تحت فشار
اخ۱ واکنشگاه آب جوشان
اخ۱ واکنشگاه آب سبک
اخ۱ واکنشگاه آب سنگین
ان *Water cooled reactor*

واکنشگاه خنک‌شده گازی

اع۱ واکنشگاه هسته‌ای
اع۲ تسهیلات
ان *Gas cooled reactor*

واکنشگاه دمای بالا

اع۱ واکنشگاه هسته‌ای
اع۲ تسهیلات
او عملکرد دمای بالا
او کاربرد دمای بالا
ان *High temperature reactor*

واکنشگاه زاینده

اع۱ واکنشگاه هسته‌ای
اع۲ تسهیلات
او پوشش زایش
ان *Breeder reactor*

واکنشگاه زیرآبی

اع۱ سازه زیرآبی
اع۲ سازه
اع۱ واکنشگاه هسته‌ای
اع۲ تسهیلات
او تجهیزات زیرآبی
ان *Underwater reactor*

واکنشگاه سردشده فلز مذاب

اع۱ واکنشگاه هسته‌ای
اع۲ تسهیلات
ان *Liquid metal cooled reactor*

واکنشگاه سریع

اع۱ واکنشگاه هسته‌ای
اع۲ تسهیلات
ان *Fast reactor*

واکنشگاه شکافت هسته‌ای

ب‌ک واکنشگاه هسته‌ای

واکنشگاه گرمایی فرایند

اع۱ واکنشگاه هسته‌ای
اع۲ تسهیلات
ان *Process heat reactor*

واکنشگاه لوله تحت فشار

اع۱ واکنشگاه هسته‌ای
اع۲ تسهیلات
ان *Pressure tube reactor*

واکنشگاه هسته‌ای

پج *راکتور هسته‌ای*
پج *واکنشگاه شکافت هسته‌ای*
اع۱ تسهیلات
اخ۱ بازتابگر واکنشگاه هسته‌ای
اخ۱ پوشش زایش
اخ۱ تزریقگر ذره
اخ۱ محفظه ایمنی
اخ۱ میله کنترل
اخ۱ واکنشگاه آزمونی
اخ۱ واکنشگاه پژوهشی
اخ۱ واکنشگاه خنک‌شده با آب
اخ۲ واکنشگاه آب تحت فشار
اخ۲ واکنشگاه آب جوشان
اخ۲ واکنشگاه آب سبک
اخ۲ واکنشگاه آب سنگین
اخ۱ واکنشگاه خنک‌شده گازی
اخ۱ واکنشگاه دمای بالا
اخ۱ واکنشگاه زاینده
اخ۱ واکنشگاه زیرآبی
اخ۱ واکنشگاه سردشده فلز مذاب
اخ۱ واکنشگاه سریع
اخ۱ واکنشگاه گرمایی فرایند
اخ۱ واکنشگاه لوله تحت فشار
اخ۱ واکنشگاه هسته‌ای آموزشی
اخ۱ واکنشگاه هسته‌ای سیار
اخ۱ واکنشگاه هسته‌ای کوچک
اخ۱ هسته واکنشگاه
او از رده خارج‌سازی(واکنشگاه هسته‌ای)
او امتیازدهی واکنشگاه هسته‌ای
او پوشش سوخت هسته‌ای
او پیشرانش هسته‌ای
او تجدید سوخت واکنشگاه
او تعدیل‌کننده
او حادثه شکننده هسته
او حادثه واکنشگاه هسته‌ای
او حالت بحرانی(شکاف هسته‌ای)
او حالت گذرا
او حفاظت مواد هسته‌ای
او حفاظت واکنشگاه
او خاموشی واکنشگاه
او خسارت حوادث خنک‌کننده
او دیگ فشار
او ذوب هسته‌ای
او راه‌اندازی واکنشگاه
او سنج‌افزار گزینی هسته‌ای
او سوخت مصرف‌شده
او سوخت هسته‌ای
او شبیه‌ساز واکنشگاه هسته‌ای
او صنعت هسته‌ای
او عمل واکنشگاه
او عنصر سوخت هسته‌ای
او محصول شکافت هسته‌ای
او نیروگاه هسته‌ای
او واکنش شکافت هسته‌ای
او واکنش هم‌جوشی
او واکنش‌پذیری(هسته‌ای)
ان *Nuclear reactor*

واکنشگاه هسته‌ای آموزشی

اع۱ واکنشگاه هسته‌ای
اع۲ تسهیلات
او آموزش
ان *Educational nuclear reactor*

واکنشگاه هسته‌ای اشباع‌پذیر

پج *واکنشگاه اشباع‌پذیر*
اع۱ واکنشگاه الکتریکی
اع۲ اجزای شبکه
اع۳ اجزا
اع۳ شبکه(مدار)
او پیچه الکتریکی
او تقویت‌کننده مغناطیسی
او هسته مغناطیسی
ان *Saturable core reactor*

واکنشگاه هسته‌ای سیار

اع۱ واکنشگاه هسته‌ای
اع۲ تسهیلات
ان *Mobile nuclear reactor*

واکنشگاه هسته‌ای کوچک
اع۱ واکنشگاه هسته‌ای
اع۲ تسهیلات
ان *Small nuclear reactor*

واکنشگاه هم‌جوشی
اع۱ تسهیلات
اخ۱ ابزار توکامک
او گرمایش پلاسما
او محصورسازی پلاسما
او هم‌جوشی محصورسازی لختی
او واکنش هم‌جوشی
ان *Fusion reactor*

واکنش گداخت هسته‌ای
ب‌ک واکنش هم‌جوشی

واکنش گرماهسته‌ای
اع۱ واکنش هم‌جوشی
او انفجار هسته‌ای
ان *Thermonuclear reaction*

واکنش میزبان درمقابل پیوند
او ایمنی‌شناسی
او پیوند
او پیوندکردن(جراحی)
او گرافت
او واکنش پادگن‌پادتن
ان *Graft vs. host reaction*

واکنش نورشیمیایی
ب‌ج *فوتوبسپارش*
ب‌ج *نورشیمی*
اع۱ واکنش شیمیایی
اخ۱ نورساخت
اخ۱ نورکافت
او پیل الکترونورشیمیایی
او شکل‌دهی نورشیمیایی
او شیشه نورحساس
او شیمی جو
او عکاسی
او فیلم عکاسی
او نور
او نورافشانی شیمیایی
او نورحساسی
او نوررنگی
او واکنش‌پذیری نوری
ان *Photochemical reaction*

واکنش هم‌جوشی
ب‌ج *گداخت هسته‌ای سرد*
ب‌ج *هم‌جوشی*
ب‌ج *واکنش گداخت هسته‌ای*
اخ۱ گداخت لیزری
اخ۱ واکنش گرماهسته‌ای
اخ۱ هم‌جوشی محصورسازی لختی
او انرژی هسته‌ای
او انفجار هسته‌ای
او فیزیک هسته‌ای
او واکنشگاه هسته‌ای
او واکنشگاه هم‌جوشی
ان *Fusion reaction*

واگردان بسامد
ب‌ج *تغییردهنده بسامد*
اع۱ تبدیلگر الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اخ۱ مدار واگردان بسامد
اخ۲ مدار ازدیاد بسامد
اخ۲ مدار تقسیم بسامد
او تبدیل بسامد نوری
ان *Frequency converter*

واگردان رقمی به قیاسی
ب‌ک واگردانی رقمی به قیاسی

واگردانی رقمی به قیاسی
ب‌ج *واگردان رقمی به قیاسی*
اع۱ داده‌پردازی
او رایانه دو رگه
او رایانه رقمی
او رسام(رایانه)
او مدار شمارش
او واسط(رایانه)
ان *Digital to analog conversion*

واگردانی قیاسی به رقمی

پ‌چ رقمی‌سازی
اع۱ داده‌پردازی
او تصویر پردازی
او رایانه دو رگه
او رایانه قیاسی
او مدار شمارش
او مدار مقایسه‌گر
ان *Analog to digital conversion*

واگن
پ‌ک واگن راه‌آهن

واگن غذاخوری قطار
اع۱ واگن راه‌آهن
اع۲ خط نورد راه‌آهن
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
ان *Dining car*

واگن آزمون مسیر
اع۱ دستگاه آزمایش مواد
اع۲ تجهیزات
اع۱ واگن راه‌آهن
اع۲ خط نورد راه‌آهن
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
او آزمایش تجهیزات
او مسیر راه‌آهن
ان *Track test car*

واگن آمبولانس
اع۱ واگن راه‌آهن
اع۲ خط نورد راه‌آهن
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
او آمبولانس
او مراقبت بهداشتی
ان *Ambulance car*

واگن باری
اع۱ واگن راه‌آهن
اع۲ خط نورد راه‌آهن
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اخ۱ واگن پستی
اخ۱ واگن توشه
اخ۱ واگن زباله
اخ۱ واگن قیفی
اخ۱ واگن مخزنی
اخ۱ واگن یخچالی
او ترابری باری
او واگن معدن
ان *Freight car*

واگن پستی
اع۱ واگن باری
اع۲ واگن راه‌آهن
اع۳ خط نورد راه‌آهن
او جابه‌جایی پستی
او خدمات پستی
ان *Postal car*

واگن تخت(خط نورد راه‌آهن)
اع۱ خط نورد راه‌آهن
اع۲ وسیله نقلیه زمینی
آع۳ وسیله نقلیه
او چرخ
او لکوموتیو
او مجور
ان *Bogie (railroad rolling stock)*

واگن تک‌ریلی
اع۱ واگن راه‌آهن
اع۲ خط نورد راه‌آهن
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
او تک‌ریلی
او راه‌آهن برقی
ان *Monorail car*

واگن توشه
اع۱ واگن باری
اع۲ واگن راه‌آهن
اع۳ خط نورد راه‌آهن
ان *Baggage car*

واگن خاموش‌کنی کک
او واحد صنعتی کک‌سازی
ان *Coke quenching car*

واگن خدمت
اع۱ واگن راه‌آهن
اع۲ خط نورد راه‌آهن

اع۳ وسیله نقلیه زمینی
ان *Caboose*

واگن راه‌آهن

ب‌ج *واگن*
اع۱ خط نورد راه‌آهن
اع۲ وسیله نقلیه زمینی
اع۳ وسیله نقلیه
اخ۱ تجهیزات واگن راه‌آهن
اخ۲ ضربه‌گیر واگن راه‌آهن
اخ۲ ضربه‌گیر هوایی
اخ۲ قلاب واگن راه‌آهن
اخ۱ واگن غذاخوری قطار
اخ۱ واگن آزمون مسیر
اخ۱ واگن آمبولانس
اخ۱ واگن باری
اخ۲ واگن پستی
اخ۲ واگن توشه
اخ۲ واگن زباله
اخ۲ واگن قیفی
اخ۲ واگن مخزنی
اخ۲ واگن یخچالی
اخ۱ واگن تک‌ریلی
اخ۱ واگن خدمت
اخ۱ واگن مترو
اخ۱ واگن محرک
اخ۱ واگن مسافری
اخ۲ واگن قطار خیابانی
اخ۱ واگن معدن
او کیفیت سواری
او محور
ان *Railroad car*

واگن زباله

اع۱ واگن باری
اع۲ واگن راه‌آهن
اع۳ خط نورد راه‌آهن
ان *Dump car*

واگن قطار خیابانی

اع۱ واگن مسافری
اع۲ واگن راه‌آهن
اع۳ خط نورد راه‌آهن
او گذر ریلی سبک
ان *Trolley car*

واگن قیفی

اع۱ واگن باری
اع۲ واگن راه‌آهن
اع۳ خط نورد راه‌آهن
او دهانه باردهی
او واگن معدن
ان *Hopper car*

واگن مترو

اع۱ واگن راه‌آهن
اع۲ خط نورد راه‌آهن
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
او مترو
ان *Subway car*

واگن محرک

اع۱ واگن راه‌آهن
اع۲ خط نورد راه‌آهن
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
ان *Rail motor car*

واگن مخزنی

اع۱ واگن باری
اع۲ واگن راه‌آهن
اع۳ خط نورد راه‌آهن
او ترابری نفت
او ذخیره سوخت گازی
ان *Tank car*

واگن مسافری

اع۱ واگن راه‌آهن
اع۲ خط نورد راه‌آهن
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
اخ۱ واگن قطار خیابانی
ان *Passenger car*

واگن معدن

اع۱ واگن راه‌آهن
اع۲ خط نورد راه‌آهن
اع۳ وسیله نقلیه زمینی
او تجهیزات جابه‌جایی مواد
او تجهیزات معدن‌کاری
او ترابری معدن زیرزمینی
او واگن باری

او واگن قیفی
ان *Mine car*

واگن یخچالی
اع۱ واگن باری
اع۲ واگن راه‌آهن
اع۳ خط نورد راه‌آهن
او جابه‌جایی باری یخچالی
او سردسازی
او ماشین‌آلات یخچال‌دار
ان *Refrigerator car*

والک کردن(نساجی)
ب‌ک تکمیل نساجی

وامدوله‌ساز
ب‌ج *آشکارساز رادیویی*
اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ مدوله‌زدای ریزموج
اخ۱ مودم
او تجهیزات رادیویی
او جداکننده
او حلقه قفل فاز
او شبکه(مدار)
او گیرنده رادیویی
او گیرنده سیگنال
او مدار آشکارساز
او مدار آمیزشگر
او مدار محدودساز
او مدوله‌ساز
او مدوله‌سازی تپ
او مدوله‌سازی دامنه
او مدوله‌سازی دامنه تپ
او مدوله‌سازی رمز تپ
او مدوله‌سازی زمانی تپ
او مدوله‌سازی عرضی تپ
او مدوله‌سازی فاز
او وامدوله‌سازی
ان *Demodulator*

وامدوله‌سازی
او آشکارساز
او آشکارسازی سیگنال
او رمزگشایی
او گیرنده رادیویی
او گیرنده سیگنال
او مدار آشکارساز
او مدوله‌سازی
او مدوله‌سازی دامنه
او مدوله‌سازی فاز
او مدوله‌سازی متقابل
او نظریه اطلاعات
او وامدوله‌ساز
ان *Demodulation*

وامغناطش
اخ۱ گوس‌زدایی
او مغناطش
او میدان مغناطیسی
او ویژگی مغناطیسی
ان *Demagnetization*

وانادیم
اع۱ فلز دیرگداز
اع۲ فلز واسطه
اع۳ فلز
او آلیاژ وانادیم
او ترکیبات وانادیم
او ذخیره وانادیم
او عمل‌آوری کان‌سنگ وانادیم
او فلزنگاری وانادیم
او کانی وانادیتی
او متالورژی وانادیم
ان *Vanadium*

واهلش تنش
اع۱ فرایند واهلش
او تابکاری
او خزش
او عملیات حرارتی
او واهلش ناکشسان
او ویژگی مکانیکی
او ویسکوالاستیسیته
ان *Stress relaxation*

واهلش دی‌الکتریکی
اع۱ فرایند واهلش
او ویژگی دی‌الکتریکی
ان *Dielectric relaxation*

واهلش شیمیایی
اع۱ فرایند واهلش
او شیمی
او واکنش شیمیایی
ان *Chemical relaxation*

واهلش فراصوتی
اع۱ فرایند واهلش
او انتشار فراصوتی
ان *Ultrasonic relaxation*

واهلش مغناطیسی
اع۱ فرایند واهلش
او اندازه‌گیری واهلش مغناطیسی
او تشدید مغناطیسی
او مغناطیس
او ویژگی مغناطیسی
ان *Magnetic relaxation*

واهلش مکانیکی
ب‌ک واهلش ناکشسان

واهلش ناکشسان
ب‌ج *واهلش مکانیکی*
اع۱ فرایند واهلش
او اصطکاک درونی
او خزش
او کشسانی
او واهلش تنش
ان *Anelastic relaxation*

وتر
اع۱ بافت(زیست‌شناختی)
اع۲ مواد زیست‌شناختی
اع۳ مواد
اع۱ دستگاه عضلانی‌اسکلتی
ان *Tendon*

وردسپهر
اع۱ جو زمین
ان *Troposphere*

وردش‌سنج
ب‌ک القاگر الکتریکی

ورزشگاه
ب‌ج *تسهیلات ورزشی*
اع۱ تسهیلات
او تسهیلات تفریحی
ان *Gymnasium*

ورشو
اع۱ آلیاژ روی
اع۲ آلیاژ فلز واسطه
اع۳ آلیاژ
اع۱ آلیاژ مس
اع۲ آلیاژ فلز واسطه
اع۳ آلیاژ
اع۱ آلیاژ نیکل
اع۲ آلیاژ فلز واسطه
اع۳ آلیاژ
ان *Nickel silver*

ورق آلومینیوم
اع۱ فلز ورق
اع۲ مواد
اخ۱ ورقه آلومینیومی
او آلومینیوم
ان *Aluminum sheet*

ورق تنگستن
اع۱ فلز ورق
اع۲ مواد
او تنگستن
ان *Tungsten sheet*

ورق تیتانیم
اع۱ فلز ورق
اع۲ مواد
او تیتانیم
ان *Titanium sheet*

ورق‌سازی کاغذ
اع۱ کاغذ
اع۲ مواد
ان *Paper sheeting*

ورق فلزی
ب‌ج *ورق نازک*

اع۱ فلز ورق
اع۲ مواد
اخ۱ ورق قلع
اخ۱ ورقه آلومینیومی
او یاتاقان صفحه‌ای
ان *Metal foil*

ورق فولادی
اع۱ فلز ورق
اع۲ مواد
او فولاد
ان *Steel sheet*

ورق قلع
اع۱ ورق فلزی
اع۲ فلز ورق
اع۳ مواد
او قلع
ان *Tin foil*

ورق نازک
ب‌ک ورق فلزی

ورقه مومسان
اع۱ پلاستیک
اع۲ مواد
او ترکیبات قالب‌گیری ورقه‌ای
او فراورده مومسان
او فیلم مومسان
ان *Plastic sheet*

ورقه آلومینیومی
اع۱ ورق آلومینیوم
اع۲ فلز ورق
اع۳ مواد
اع۱ ورق فلزی
اع۲ فلز ورق
اع۳ مواد
او آلومینیوم
ان *Aluminum foil*

ورقه‌سازی
اع۱ پیوندزنی
او پیوندزنی نوردی
او چسب
او چسب‌زنی
او چسبندگی
او چندلا
او روکش کاری(پوشش)
او فن اندایش
او ماشین‌آلات ورقه‌سازی
او مواد مرکب ورقه‌ای
ان *Laminating*

ورودی(ابزار)
ب‌ک سیستم ورودی

ورودی(مخزن)
ب‌ک ورودی مخزن

ورودی فعال صدا
اع۱ ابزار برهم‌کنشی
اع۲ تجهیزات جانبی رایانه
اع۳ سخت‌افزار رایانه
او جانشین صفحه‌کلید رایانه(خدمات معلولین)
ان *Voice activated input device*

ورودی مخزن
ب‌ج *ورودی(مخزن)*
اع۱ منبع ذخیره‌سازی آب
اع۲ سازه آبی
اع۳ سازه
ان *Reservoir inlet*

ورودی نیروگاه
اع۱ نیروگاه
اع۲ واحد صنعتی
او نیروگاه آبی
او نیروگاه بخار
ان *Power plant intake*

وزن مولکولی
او توزیع وزن مولکولی
او مولکول
او یکای اندازه‌گیری
ان *Molecular weight*

وسایل کنترل نهایی

اع۱ تجهیزات کنترل
اع۲ تجهیزات
اخ۱ ابزار کنترل الکتریکی نهایی
اخ۱ ابزار کنترل نهایی غیرالکتریکی
او ترمز
او تنظیم‌گر سرعت
او سوده
او کارانداز
او کلاچ
ان *Final control device*

وسیله نقلیه

اخ۱ آب‌پیما
اخ۲ قایق
اخ۳ تجهیزات قایق
اخ۳ دوبه
اخ۳ شناور
اخ۳ قایق آزمایشی
اخ۳ قایق ترابری
اخ۳ قایق تفریحی
اخ۳ قایق جنگی
اخ۳ قایق موتوری
اخ۳ قایق نجات
اخ۳ قایق یدک‌کش
اخ۳ کشتی ماهی‌گیری
اخ۲ قطعات و تجهیزات آب‌پیما
اخ۳ پایدارساز(کشتی دریایی)
اخ۳ تجهیزات کشتی
اخ۳ دیگ بخار دریایی
اخ۳ موتور دریایی
اخ۲ کشتی
اخ۳ بدنه(کشتی)
اخ۳ تجهیزات کشتی
اخ۳ زیردریایی
اخ۳ عرشه(کشتی)
اخ۳ کابل‌گذار
اخ۳ کشتی کمکی زیردریایی
اخ۳ کشتی بخار
اخ۳ کشتی پیش‌ساخته
اخ۳ کشتی حفاری
اخ۳ کشتی مخزن‌دار
اخ۳ کشتی یخ‌شکن
اخ۳ ناقل کان‌سنگ
اخ۲ کشتی بادبانی
اخ۲ کشتی نجات
اخ۱ آب‌خاک‌پیما
اخ۲ خودروی آبی‌خاکی
اخ۲ هواگرد آبی‌خاکی
اخ۱ فضاپیما
اخ۲ آزمایشگاه مداری
اخ۲ ایستگاه فضایی
اخ۲ تجهیزات فضاپیما
اخ۳ سنج‌افزار فضاپیما
اخ۳ سیستم پشتیبانی حیاتی(فضاپیما)
اخ۳ سیستم گریز فضاپیما
اخ۳ منبع تغذیه فضاپیما
اخ۲ رصدخانه فضاپیما
اخ۳ رصدخانه ماهواره‌ای
اخ۲ سکوی فضایی
اخ۲ شاتل فضایی
اخ۲ فضاپیمای بین‌سیاره‌ای
اخ۲ کاوند فضایی
اخ۲ ماهواره
اخ۳ رصدخانه ماهواره‌ای
اخ۳ ماهواره زمین‌ساکن
اخ۳ ماهواره زمین‌سنجی
اخ۳ ماهواره مخابراتی
اخ۳ ماهواره نظامی
اخ۳ ماهواره هواشناسی
اخ۳ نیروگاه خورشیدی دوار
اخ۱ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه
اخ۲ برف‌پاک‌کن
اخ۲ تجهیزات فضاپیما
اخ۳ سنج‌افزار فضاپیما
اخ۳ سیستم پشتیبانی حیاتی(فضاپیما)
اخ۳ سیستم گریز فضاپیما
اخ۳ منبع تغذیه فضاپیما
اخ۲ تجهیزات قایق
اخ۳ دکل(قایق)
اخ۳ سنج‌افزار قایق
اخ۳ ضربه‌گیر(قایق)
اخ۲ تجهیزات واگن راه‌آهن
اخ۳ ضربه‌گیر واگن راه‌آهن
اخ۳ ضربه‌گیر هوایی
اخ۳ قلاب واگن راه‌آهن
اخ۲ جعبه‌دنده وسیله نقلیه
اخ۳ جعبه‌دنده خودرو
اخ۲ چرخ‌آویز وسیله نقلیه
اخ۳ چرخ‌آویز خودرو
اخ۲ چرخ وسیله نقلیه
اخ۲ شیشه جلو
اخ۳ شیشه جلوی خودرو

اخ۳ شیشه جلوی هواگرد
اخ۲ فنر وسیله نقلیه
اخ۳ فنر خودرو
اخ۲ قطعات و تجهیزات آب‌پیما
اخ۳ پایدارساز(کشتی دریایی)
اخ۳ تجهیزات کشتی
اخ۳ دیگ بخار دریایی
اخ۳ موتور دریایی
اخ۲ قطعات و تجهیزات وسیله نقلیه زمینی
اخ۳ قطعات و تجهیزات خودرو
اخ۲ قطعات و تجهیزات هواگرد
اخ۳ ابزار گریز هواگرد
اخ۳ ارابه فرود(هواگرد)
اخ۳ بال
اخ۳ بدنه(هواگرد)
اخ۳ پیکر(هواگرد)
اخ۳ تجهیزات رادار هواگرد
اخ۳ چراغ راهنمای هواگرد
اخ۳ خروج اضطراری هواگرد
اخ۳ دم(هواگرد)
اخ۳ سنج‌افزار هواگرد
اخ۳ شیشه جلوی هواگرد
اخ۳ صندلی هواگرد
اخ۳ کابین(هواگرد)
اخ۳ کابین خلبان(هواگرد)
اخ۳ ملخ هواپیما
اخ۳ موتور هواگرد
اخ۲ لاستیک چرخ
اخ۳ رشته لاستیک چرخ
اخ۳ لاستیک چرخ بی‌تویی
اخ۳ لاستیک چرخ شعاعی
اخ۱ وسیله نقلیه با پیشرانش چرخزادی
اخ۱ وسیله نقلیه سبک
اخ۲ تریلر سبک
اخ۱ وسیله نقلیه شمالگان
اخ۱ وسیله نقلیه نظامی
اخ۲ تانک(ارتشی)
اخ۱ وسیله نقلیه الکتریکی
اخ۲ خودروی برقی
اخ۲ لکوموتیو برقی
اخ۱ وسیله نقلیه اورژانسی
اخ۲ آمبولانس
اخ۱ وسیله نقلیه با بالشتک هوا
اخ۱ وسیله نقلیه زمینی
اخ۲ اتوبوس
اخ۲ تانک(ارتشی)
اخ۲ تراکتور
اخ۲ خط نورد راه‌آهن
اخ۳ جرثقیل لکوموتیو
اخ۳ خط نورد تشبک
اخ۳ لکوموتیو
اخ۳ واگن تخت(خط نورد راه‌آهن)
اخ۳ واگن راه‌آهن
اخ۲ خودرو
اخ۳ تاکسی
اخ۳ خودروی آبی‌خاکی
اخ۳ خودروی برقی
اخ۳ خودروی دیفرانسیل جلو
اخ۳ خودروی مسابقه
اخ۳ خودروی موتور عقب
اخ۳ خودروی مینیاتوری
اخ۳ قطعات و تجهیزات خودرو
اخ۲ دوچرخه
اخ۲ کامیون
اخ۳ اتاقک راننده کامیون
اخ۳ انتقال نیرو
اخ۳ کامیون خدماتی
اخ۳ کامیون زباله
اخ۳ کامیون صنعتی
اخ۳ کامیون مخزن‌دار
اخ۳ کامیون یخچالی
اخ۳ یدک‌کش
اخ۲ موتورسیکلت
اخ۱ وسیله نقلیه هسته‌ای
او پیشرانش
او ترابری
او سوخت‌گیری
او سیستم بزرگراه وسیله نقلیه هوشمند
او سیستم ناوبری
او کیفیت سواری
او نیروی غلتش(اصطکاک)
ان *Vehicle*

وسیله نقلیه با پیشرانش چرخزادی

اع۱ وسیله نقلیه
ان *Cycloidal propulsion vehicle*

وسیله نقلیه سبک

اع۱ وسیله نقلیه
اخ۱ تریلر سبک
ان *Light weight vehicle*

وسیله نقلیه شمالگان
ب‌ج *وسیله نقلیه قطب جنوب*
ب‌ج *وسیله نقلیه منطقه سرد*
اع۱ وسیله نقلیه
او سازه زیر برف
او مهندسی شمالگان
ان *Arctic vehicle*

وسیله نقلیه قطب جنوب
ب‌ک وسیله نقلیه شمالگان

وسیله نقلیه منطقه سرد
ب‌ک وسیله نقلیه شمالگان

وسیله نقلیه نظامی
ی‌د برای استفاده روی زمین
اع۱ تجهیزات نظامی
اع۲ تجهیزات
اع۱ وسیله نقلیه
اخ۱ تانک(ارتشی)
او خودرو
ان *Military vehicle*

وسیله نقلیه هوشمند
ب‌ک سیستم بزرگراه وسیله نقلیه هوشمند

وسیله خانگی
اع۱ تجهیزات
او آب‌گرمکن
او تهویه
او دستگاه الکتریکی
او ماشین لباسشویی
او وسیله گازی
ان *Domestic appliance*

وسیله گازی
اع۱ تجهیزات
اخ۱ بخاری گازی
اخ۱ چراغ شمعک
او تنظیم‌گر فشار
او دودکش کوره
او روزنه تهویه
او سوخت گازی
او وسیله خانگی
ان *Gas appliance*

وسیله مقابله
ب‌ج *عامل جلوگیرنده از عبور اشعه*
اع۱ عامل
اع۲ مواد شیمیایی
اع۳ مواد
او پرتونگاری
او پرتونگاری تشخیصی
او پرتونگاری صنعتی
او ترکیبات باریم
او رگ‌نگاری
او رگ‌نگاری قلب
ان *Contrast medium*

وسیله نقلیه الکتریکی
اع۱ وسیله نقلیه
اخ۱ خودروی برقی
اخ۱ لکوموتیو برقی
او راه‌آهن برقی
او کشش الکتریکی
ان *Electric vehicle*

وسیله نقلیه اورژانسی
اع۱ وسیله نقلیه
اخ۱ آمبولانس
ان *Emergency vehicle*

وسیله نقلیه با بالشتک هوا
ب‌ج *هواناو*
اع۱ وسیله نقلیه
او اثر زمین
او بدنه(کشتی)
او برگه آب‌بر
او قایق
ان *Air cushion vehicle*

وسیله نقلیه زمینی
اع۱ وسیله نقلیه
اخ۱ اتوبوس
اخ۱ تانک(ارتشی)
اخ۱ تراکتور
اخ۱ خط نورد راه‌آهن
اخ۲ جرثقیل لکوموتیو

اخ۲ خط نورد سبک
اخ۲ لکوموتیو
اخ۳ لکوموتیو با توربین گازی
اخ۳ لکوموتیو بخار
اخ۳ لکوموتیو برقی
اخ۳ لکوموتیو دیزلی
اخ۳ لکوموتیو صنعتی
اخ۲ واگن تخت(خط نورد راه‌آهن)
اخ۲ واگن راه‌آهن
اخ۳ تجهیزات واگن راه‌آهن
اخ۳ واگن غذاخوری قطار
اخ۳ واگن آزمون مسیر
اخ۳ واگن آمبولانس
اخ۳ واگن باری
اخ۳ واگن تک‌ریلی
اخ۳ واگن خدمت
اخ۳ واگن مترو
اخ۳ واگن محرک
اخ۳ واگن مسافری
اخ۳ واگن معدن
اخ۱ خودرو
اخ۲ تاکسی
اخ۳ تاکسی‌متر
اخ۲ خودروی آبی‌خاکی
اخ۲ خودروی برقی
اخ۲ خودروی دیفرانسیل جلو
اخ۲ خودروی مسابقه
اخ۲ خودروی موتور عقب
اخ۲ خودروی مینیاتوری
اخ۲ قطعات و تجهیزات خودرو
اخ۳ ابزار ایمنی خودرو
اخ۳ اگزوز خودرو
اخ۳ بدنه خودرو
اخ۳ برف‌پاک‌کن خودرو
اخ۳ تجهیزات الکترونیکی خودرو
اخ۳ تجهیزات الکتریکی خودرو
اخ۳ تجهیزات فرمان خودرو
اخ۳ جعبه‌دنده خودرو
اخ۳ چرخ‌آویز خودرو
اخ۳ داشبورد خودرو
اخ۳ سپر خودرو
اخ۳ سخت‌افزار خودرو
اخ۳ سنج‌افزار خودرو
اخ۳ سیستم سرمایش خودرو
اخ۳ شیشه جلوی خودرو
اخ۳ صندلی خودرو
اخ۳ ضربه‌گیر خودرو
اخ۳ فنر خودرو
اخ۳ گرم‌کن خودرو
اخ۳ مبلمان خودرو
اخ۳ مخزن سوخت خودرو
اخ۳ موتور خودرو
اخ۱ دوچرخه
اخ۱ کامیون
اخ۲ اتاقک راننده کامیون
اخ۲ انتقال نیرو
اخ۲ کامیون خدماتی
اخ۲ کامیون زباله
اخ۲ کامیون صنعتی
اخ۳ بارکش معدن
اخ۲ کامیون مخزن‌دار
اخ۲ کامیون یخچالی
اخ۲ یدک‌کش
اخ۱ موتورسیکلت
او پیشرانش وسیله نقلیه زمینی
ان *Ground vehicle*

وسیله نقلیه هسته‌ای

اع۱ وسیله نقلیه
او پیشرانش هسته‌ای
او لکوموتیو
او موتور خودرو
ان *Nuclear powered vehicle*

وسیله نقلیه هوافضایی

اع۱ هواگرد
او ردیابی(مکان)
او فضاپیما
ان *Aerospace vehicle*

وضع مالیات
ب‌ک مالیات‌بندی

ولت‌آمپر واکنشی
ب‌ک توان واکنشی

ولتاژ فروریزش
ب‌ک جرقه‌زنی الکتریکی

ولتاسنجی چرخه‌ای

او الکترود
او الکتروشیمی
ان *Cyclic voltammetry*

ولت‌سنج
اع۱ سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اخ۱ پتانسیل‌سنج(سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی)
اخ۱ ولت‌سنج الکترونیکی
اخ۱ ولت‌سنج رقمی
او آمپرسنج
او اندازه‌گیری ولتاژ
ان *Voltmeter*

ولت‌سنج الکترونیکی
اع۱ تجهیزات الکترونیکی
اع۲ تجهیزات
اع۱ ولت‌سنج
اع۲ سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ سنج‌افزار
ان *Electronic voltmeter*

ولت‌سنج رقمی
اع۱ سنج‌افزار رقمی
اع۲ سنج‌افزار
اع۳ تجهیزات
اع۱ ولت‌سنج
اع۲ سنج‌افزار اندازه‌گیری الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۳ سنج‌افزار
او ابزار رقمی
ان *Digital voltmeter*

وولکانش
اع۱ واکنش شیمیایی
او بسپار
او پخت
او عامل وولکانش
او کشسار
او لاستیک
ان *Vulcanization*

ویتامین
اع۱ فراورده دارویی
او تغذیه
او فراورده غذایی
ان *Vitamin*

ویرایشگر پرونده
اع۱ نرم‌افزار رایانه
او داده‌پردازی
ان *File editor*

ویروس
اع۱ میکروارگانیسم
اخ۱ باکتری‌خوار
اخ۱ ویروس سرطانزا
او اینترفرون
او مواد زیست‌شناختی
او میکروب‌شناسی
ان *Viruses*

ویروس باکتریایی
ب‌ک باکتری‌خوار

ویروس رایانه‌ای
اع۱ جرم رایانه‌ای
او دیسک یک‌بار مصرف رایانه
ان *Computer viruse*

ویروس سرطانزا
اع۱ ویروس
اع۲ میکروارگانیسم
او سرطانزا
او سرطان‌شناسی
ان *Oncogenic viruse*

ویژگی خوردگی
ب‌ک اثر خوردگی

ویژگی کششی
اع۱ ویژگی مکانیکی
اخ۱ استحکام کششی
او آزمایش کششی
او پسماند
او خزش

او خستگی مصالح
ان *Tensile property*

ویژگی کک‌سازی

او زغال‌سنگ
او کک
ان *Coking property*

ویژگی مکانیکی

ب‌ج متغیر *مکانیکی*
اخ۱ اثر حافظه شکلی
اخ۱ تراکم‌پذیری جامد
اخ۱ تراوایی مکانیکی
اخ۲ هواتراوی
اخ۱ تنش تسلیم
اخ۱ چغرمگی
اخ۲ چغرمگی شکست
اخ۱ چکش‌خواری
اخ۱ چگالی(گرانی ویژه)
اخ۲ چگالی گاز
اخ۳ چگالی پلاسما
اخ۳ چگالی جوی
اخ۲ چگالی مایع
اخ۱ سختی
اخ۱ سفتی
اخ۱ شکل‌پذیری
اخ۲ جوش‌پذیری
اخ۲ قابلیت ماشین‌کاری
اخ۱ شکنندگی
اخ۱ ضریب کشسانی
اخ۱ ظرفیت بارپذیری
اخ۱ کرنش
اخ۱ کشسانی
اخ۱ مقاومت ترکیدگی
اخ۱ مقاومت در برابر سایش
اخ۱ مقاومت مصالح
اخ۲ استقامت چسبندگی(مصالح)
اخ۲ استقامت خمشی
اخ۲ مقاومت برشی
اخ۲ مقاومت فشردگی
اخ۱ مومسانی
اخ۲ ابرمومسانی
اخ۱ نورکشسانی
اخ۱ ویژگی کششی
اخ۲ استحکام کششی
اخ۱ ویسکوالاستیسیته
اخ۱ ویسکوپلاستیسیته
او اصطکاک
او انتشار ترک
او اندازه‌گیری متغیر مکانیکی
او بار(نیرو)
او بازرسی
او بافت
او تراکم‌پذیری
او ترکیب(نسبت اجزای سازنده)
او خردمکانیک مختلط
او خزش
او خستگی مصالح
او سایش مواد
او سرعت
او شکستگی
او کنترل متغیر مکانیکی
او گشتاور نیرو
او مکانیک
او مهندسی مکانیک
او واهلش تنش
او ویژگی سطح
ان *Mechanical property*

ویژگی الکترونیکی

اخ۱ ویژگی فیزیکی
ان *Electronic property*

ویژگی الکتریکی

اخ۱ ویژگی فیزیکی
اخ۱ اثر زنر
اخ۱ اثر گان
اخ۱ پاگیری الکتریکی
اخ۲ مقاومت الکتریکی
اخ۳ مقاومت منفی
اخ۱ توان واکنشی
اخ۱ رسانایی الکتریکی
اخ۲ ابررسانایی
اخ۲ رسانایی الکتریکی جامدات
اخ۲ رسانایی الکتریکی گازها
اخ۲ رسانایی الکتریکی مایعات
اخ۲ فوتورسانندگی
اخ۱ رسانایی یونی
اخ۲ رسانایی یونی در جامد
اخ۱ ظرفیت

اخ۱ فوتوالکتریسیته
اخ۲ اثر الکترونورمغناطیسی
اخ۲ اثر فوتوولتایی
اخ۲ فوتورسانندگی
اخ۲ گسیل فوتونی
اخ۱ ویژگی دی‌الکتریکی
اخ۲ پیزوالکتریسیته
اخ۲ تف‌الکتریسیته
اخ۲ فروالکتریسیته
اخ۲ گذردهی الکتریکی
اخ۲ ویژگی دی‌الکتریکی جامد
اخ۲ ویژگی دی‌الکتریکی گاز
اخ۲ ویژگی دی‌الکتریکی مایع
او الکتریسیته
او تخلیه الکتریکی
او ترکیب(نسبت اجزای سازنده)
او گرماالکتریکی
او ویژگی ترابرد
ان *Electric property*

ویژگی ترابرد

اخ۱ ویژگی فیزیکی
اخ۱ رسانندگی گرمایی
اخ۲ رسانندگی گرمایی جامدات
اخ۲ رسانندگی گرمایی گازها
اخ۲ رسانندگی گرمایی مایعات
اخ۱ گرانروی
اخ۲ گرانروی گازها
اخ۲ گرانروی مایعات
او انتقال جرم
او پخشیدگی
او طیف‌سنجی جرمی
او نظریه جنبشی
او ویژگی الکتریکی
ان *Transport property*

ویژگی ترابرد الکترون

او الکترون
ان *Electron transport property*

ویژگی ترمودینامیکی

بج *فعالیت(گرماپویایی)*
اخ۱ آنتالپی
اخ۱ ارزش گرمایی
اخ۱ انبساط گرمایی
اخ۱ انرژی آزاد
اخ۱ انرژی آزاد گیبس
اخ۱ انرژی سطح مشترک
اخ۱ پایداری ترمودینامیکی
اخ۱ تف‌الکتریسیته
اخ۱ درگاشت
اخ۱ رسانندگی گرمایی
اخ۲ رسانندگی گرمایی جامدات
اخ۲ رسانندگی گرمایی گازها
اخ۲ رسانندگی گرمایی مایعات
اخ۱ فشار بخار
اخ۱ گرمای ویژه
اخ۲ گرمای ویژه جامدات
اخ۲ گرمای ویژه گازها
اخ۲ گرمای ویژه مایعات
او آزمایش حرارت پایین
او آزمایش دمای بالا
او اندازه‌گیری متغیر گرمایی
او ترمودینامیک
او تنش گرمایی
او دما
او شیب گرمایی
او کنترل متغیر گرمایی
او گرماتابی
او گرمایش
او لایه‌بندی گرمایی
ان *Thermodynamic property*

ویژگی چاپ

او چاپ
او کاغذ
ان *Printing property*

ویژگی دمای بالا

اع۱ ویژگی فیزیکی
او کاربرد دمای بالا
او مهندسی دمای بالا
ان *High temperature property*

ویژگی دمای پایین

اع۱ ویژگی فیزیکی
او اثر سردی
او مهندسی فرودمایی
ان *Low temperature property*

ویژگی دی‌الکتریکی

اع۱	ویژگی الکتریکی
اع۲	ویژگی فیزیکی
اخ۱	پیزوالکتریسیته
اخ۱	تف‌الکتریسیته
اخ۱	فروالکتریسیته
اخ۱	گذردهی الکتریکی
اخ۱	ویژگی دی‌الکتریکی جامد
اخ۱	ویژگی دی‌الکتریکی گاز
اخ۱	ویژگی دی‌الکتریکی مایع
او	واهلش دی‌الکتریکی
ان	*Dielectric property*

ویژگی دی‌الکتریکی جامد

اع۱	ویژگی دی‌الکتریکی
اع۲	ویژگی الکتریکی
اع۳	ویژگی فیزیکی
او	جامد
ان	*Dielectric property of solid*

ویژگی دی‌الکتریکی گاز

اع۱	ویژگی دی‌الکتریکی
اع۲	ویژگی الکتریکی
اع۳	ویژگی فیزیکی
او	گاز
ان	*Dielectric property of gas*

ویژگی دی‌الکتریکی مایع

اع۱	ویژگی دی‌الکتریکی
اع۲	ویژگی الکتریکی
اع۳	ویژگی فیزیکی
او	مایع
او	محلول
ان	*Dielectric property of liquid*

ویژگی سطح

اع۱	ویژگی فیزیکی
او	اصطکاک
او	اصطکاک‌شناسی
او	اندازه‌گیری سطح رویه
او	بافت
او	پخشیدگی
او	پدیده سطحی
او	تخلخل
او	خوردگی
او	رنگ(فام)
او	رویه
او	سطح مشترک(مواد)
او	مهاجرت الکتریکی
او	نفوذ
او	ویژگی مکانیکی
ان	*Surface property*

ویژگی صنعتی

ب‌ک	مالکیت معنوی

ویژگی صوتی

اع۱	ویژگی فیزیکی
اخ۱	پاگیری صوتی
اخ۱	شدت صوتی
او	اندازه‌گیری متغیر صوتی
او	صوت‌شناسی
او	کنترل متغیر صوتی
ان	*Acoustic property*

ویژگی فیزیکی

اخ۱	ارزش گرمایی
اخ۱	تخلخل
اخ۱	سیالیت
اخ۱	قابلیت اشتعال
اخ۱	قطبش
اخ۲	قطبش آندی
اخ۲	قطبش موج الکترومغناطیسی
اخ۳	قطبش نور
اخ۱	گرماکشسانی
اخ۱	ناهمسانگردی
اخ۲	ناهمسانی مغناطیسی
اخ۱	ویژگی الکترونیکی
اخ۱	ویژگی الکتریکی
اخ۲	اثر زنر
اخ۲	اثر گان
اخ۲	پاگیری الکتریکی
اخ۳	مقاومت الکتریکی
اخ۲	توان واکنشی
اخ۲	رسانایی الکتریکی
اخ۳	ابررسانایی
اخ۳	رسانایی الکتریکی جامدات
اخ۳	رسانایی الکتریکی گازها
اخ۳	رسانایی الکتریکی مایعات
اخ۳	فوتورسانندگی

اخ۲ رسانایی یونی
اخ۳ رسانایی یونی در جامد
اخ۲ ظرفیت
اخ۲ فوتوالکتریسیته
اخ۳ اثر الکترونورمغناطیسی
اخ۳ اثر فوتوولتایی
اخ۳ فوتورسانندگی
اخ۳ گسیل فوتونی
اخ۲ ویژگی دی‌الکتریکی
اخ۳ پیزوالکتریسیته
اخ۳ تف‌الکتریسیته
اخ۳ فروالکتریسیته
اخ۳ گذردهی الکتریکی
اخ۳ ویژگی دی‌الکتریکی جامد
اخ۳ ویژگی دی‌الکتریکی گاز
اخ۳ ویژگی دی‌الکتریکی مایع
اخ۱ ویژگی ترابرد
اخ۲ رسانندگی گرمایی
اخ۳ رسانندگی گرمایی جامدات
اخ۳ رسانندگی گرمایی گازها
اخ۳ رسانندگی گرمایی مایعات
اخ۲ گرانروی
اخ۳ گرانروی گازها
اخ۳ گرانروی مایعات
اخ۱ ویژگی دمای بالا
اخ۱ ویژگی دمای پایین
اخ۱ ویژگی سطح
اخ۱ ویژگی صوتی
اخ۲ پاگیری صوتی
اخ۲ شدت صوتی
اخ۱ ویژگی مغناطیسی
اخ۲ تراوایی مغناطیسی
اخ۲ ناهمسانی مغناطیسی
اخ۱ ویژگی نوری
اخ۲ اثر صوتی‌نوری
اخ۲ اثر کر نوری
اخ۲ الکتروکرومیسم
اخ۲ چرخش نوری
اخ۲ چگالی(نوری)
اخ۲ دوشکستی
اخ۲ رنگ(فام)
اخ۲ شفافیت
اخ۲ ضریب شکست
اخ۲ ناشفافی
اخ۲ نورحساسی
اخ۲ نوررنگی
اخ۲ واکنش‌پذیری نوری
او بازرسی
او ترکیب(نسبت اجزای سازنده)
او جوش‌پذیری
ان *Physical property*

ویژگی مغناطیسی

اغ۱ ویژگی فیزیکی
اخ۱ تراوایی مغناطیسی
اخ۱ ناهمسانی مغناطیسی
او اثر مغناطوالکتریکی
او اثر میدان مغناطیسی
او اثر نورمغناطیسی
او اندازه‌گیری متغیر مغناطیسی
او تشدید مغناطیسی
او کنترل متغیر مغناطیسی
او گشتاور مغناطیسی
او مغناطش
او مغناطیس
او مواد مغناطیسی
او نیروی وادارنده
او وامغناطش
او واهلش مغناطیسی
ان *Magnetic property*

ویژگی نوری

اغ۱ ویژگی فیزیکی
اخ۱ اثر صوتی‌نوری
اخ۱ اثر کر نوری
اخ۱ الکتروکرومیسم
اخ۱ چرخش نوری
اخ۱ چگالی(نوری)
اخ۱ دوشکستی
اخ۱ رنگ(فام)
اخ۱ شفافیت
اخ۱ ضریب شکست
اخ۱ ناشفافی
اخ۱ نورحساسی
اخ۱ نوررنگی
اخ۱ واکنش‌پذیری نوری
او اثر الکترونوری
او اثر نورمغناطیسی
او اندازه‌گیری متغیر نوری
او دید
او شیشه نوری

او کنترل روشنی شیشه
او کنترل متغیر نوری
او نور همدوس
او نورشناسی
او نورشناسی جوی
او نورکشبانی
ان *Optical property*

ویژگی هسته‌ای
اع۱ تشدید مغناطیسی هسته
او فیزیک هسته‌ای
ان *Nuclear property*

ویژه‌بردار
ب‌ک ویژه‌مقدار و ویژه‌تابع

ویژه‌تابع
ب‌ک ویژه‌مقدار و ویژه‌تابع

ویژه‌مقدار و ویژه‌تابع
ب‌ج *ویژه‌بردار*
ب‌ج *ویژه‌تابع*
اع۱ جبرخطی
اع۲ جبر
اع۳ فن ریاضی
او بردار
او روش عددی
او معادله دیفرانسیل جزئی
ان *Eigenvalue and eigenfunction*

ویسکوالاستیسیته
اع۱ ویژگی مکانیکی
او آزمایش حرارت پایین
او آزمایش دمای بالا
او اصطکاک درونی
او خزش
او سیال‌شناسی
او فرایند واهلش
او کشسانی
او گرانروی
او واهلش تنش
او ویسکوپلاستیسیته
ان *Viscoelasticity*

ویسکوپلاستیسیته
اع۱ ویژگی مکانیکی
او سیال‌شناسی
او گرانروی
او مومسانی
او ویسکوالاستیسیته
ان *Viscoplasticity*

ویسکوزیته
ب‌ک گرانروی

ویفر سیلیسیمی
اع۱ سیلیکون نیم‌رسانا
اع۲ سیلیسیم
اع۳ شبه فلز
اع۲ مواد نیم‌رسانا
اع۳ مواد
او تولید ابزار نیم‌رسانا
او فیلم نازک
ان *Silicon wafer*

ویلچر
ب‌ک چرخک

هافنیم
اع۱ فلز غیرآهنی
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اع۱ فلز واسطه
اع۲ فلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او آلیاژ هافنیم
او ترکیبات هافنیم
ان *Hafnium*

هالوژن‌دارکردن
اع۱ واکنش شیمیایی
اع۱ کلردارکردگی
او ترکیبات هالوژنی
او عنصر هالوژنی
او هالوژن‌زدایی
ان *Halogenation*

هالوژن‌زدایی

اع۱ واکنش شیمیایی
او ترکیبات هالوژنی
او عنصر هالوژنی
او هالوژن‌دارکردن
ان *Dehalogenation*

هتل

اع۱ مسکن
اع۲ ساختمان
اع۳ سازه
او سیستم ذخیره جا
او متل
ان *Hotel*

هدایت(الکترونیکی)

ب‌ک سیستم هدایت الکترونیکی

هدایت خودکار(ماشین‌آلات کشاورزی)

اع۱ کنترل
او خودکارسازی
او ماشین‌آلات کشاورزی
ان *Automatic guidance (agricultural machinery)*

هدایت فضاپیما

ب‌ک سیستم هدایت الکترونیکی

هدایت موشک

ب‌ک سیستم هدایت الکترونیکی

هدف

اع۱ شتاب‌دهنده ذره
اع۲ تجهیزات
او انرژی هسته‌ای
او پراکندگی
ان *Target*

هدفون

اع۱ تجهیزات شنیداری
اع۲ تجهیزات الکترونیکی
اع۳ تجهیزات
اع۱ تراگذار برقاصوتی
اع۲ تراگذار صوتی
اع۳ ابزار صوتی
اع۳ تراگذار
او دستگاه تلفن
او گوشی
ان *Headphone*

هد مغناطیسی

اع۱ ذخیره مغناطیسی
اع۲ ابزار مغناطیسی
اع۳ تجهیزات
اع۲ تجهیزات ذخیره داده‌ها
اع۳ سخت‌افزار رایانه
او ضبط‌کردن مغناطیسی
ان *Magnetic head*

هزارخار

اع۱ اجزای ماشین
اع۲ اجزا
اع۲ ماشین‌آلات
او جفت‌ساز
او چفت
او محور(اجزای ماشین)
ان *Spline*

هزینه

اع۱ امور مالی
او اثربخشی هزینه
او حسابداری هزینه
او مدیریت صنعتی
ان *Cost*

هزینه ترابری

ب‌ج *کرایه(ترابری)*
اع۱ دستمزد و هزینه
اع۲ امور مالی
او ترابری
ان *Transportation charge*

هزینه تخلیه فاضلاب

اع۱ نرخ بهره‌برداری
اع۲ دستمزد و هزینه
اع۳ امور مالی
او تصفیه‌خانه فاضلاب
ان *Sewage disposal charge*

هزینه تصفیه فاضلاب

اع۱ نرخ بهره‌برداری
اع۲ دستمزد و هزینه
اع۳ امور مالی
او تصفیه فاضلاب
او تصفیه‌خانه فاضلاب
ان *Sewage treatment charge*

هسته‌بندی

او انجماد
او بارورسازی ابر
او تبلور
او جوشش هسته‌ای
او چگالش
او رشد بلور
او عملیات حرارتی
ان *Nucleation*

هسته پودری
ب‌ک هسته مغناطیسی پودری

هسته کابل

اع۱ بافه
اع۲ فراورده سیمی
او طناب سیمی
ان *Cable core*

هسته مغناطیسی

اع۱ مواد مغناطیسی
اع۲ مواد
اخ۱ هسته مغناطیسی پودری
او ابزار فریتی
او ابزار مغناطیسی
او آهنربا
او آهنربای الکتریکی
او پیچه الکتریکی
او ذخیره هسته مغناطیسی
او مبدل الکتریکی
او مدار مغناطیسی
او مواد فرومغناطیسی
او واکنشگاه هسته‌ای اشباع‌پذیر
ان *Magnetic core*

هسته مغناطیسی پودری

ب‌ج هسته پودری
اع۱ هسته مغناطیسی
اع۲ مواد مغناطیسی
اع۳ مواد
او ابزار فریتی
او فریت
ان *Powder magnetic core*

هسته واکنشگاه

اع۱ واکنشگاه هسته‌ای
اع۲ تسهیلات
او تعدیل‌کننده
او حادثه شکننده هسته
او ذوب هسته‌ای
او عنصر سوخت هسته‌ای
ان *Reactor core*

هضم بی‌هوازی

اع۱ بهسازی پسمانده
او تصفیه زیست‌شناختی فاضلاب
او کنترل بو
او نیاز زیست‌شیمیایی به اکسیژن
ان *Anaerobic digestion*

هضم لجن

اع۱ بهسازی پسمانده
او دفع لجن
او لجن فاضلاب
ان *Sludge digestion*

هلیکون

ی‌د امواج الکترومغناطیسی کم‌بسامد
اع۱ موج الکترومغناطیسی
اع۲ تابش
اع۲ موج
ان *Helicon*

هلیم

اع۱ گاز بی‌اثر
اع۲ گاز
اع۳ سیال
اع۲ نافلز
اع۳ عنصر شیمیایی
اخ۱ هلیم ابرسیال

ان *Helium*

هلیم ابرسیال
اع۱ گاز مایع
اع۲ مایع
اع۳ سیال
اع۱ هلیم
اع۲ گاز بی‌اثر
اع۳ گاز
اع۳ نافلز
او ابررسانایی
او سرماچال
او سرمایش‌شناسی
ان *Superfluid helium*

همامیزی
او کلوئید
ان *Coalescence*

هم‌اندیشی
ب‌ک نمایش فنی

هماهنگی عایق‌بندی الکتریکی
اع۱ محافظت تجهیزات الکتریکی
اع۲ حفاظت
او عایق‌بندی الکتریکی
ان *Electric insulation coordination*

همبافتی
ب‌ک رشد همبافته

همبافتی باریکه مولکولی
اع۱ همبافتی فاز بخار
اع۲ رشد همبافته
اع۳ رشد بلور
او باریکه مولکولی
او برآرایی باریکه شیمیایی
ان *Molecular beam epitaxy*

همبافتی فاز بخار
اع۱ رشد همبافته
اع۲ رشد بلور
اع۳ رشد(مواد)
اخ۱ برآرایی باریکه شیمیایی
اخ۱ همبافتی باریکه مولکولی
اخ۱ همبافتی فاز بخار آلی فلزی
او نهشت با بخار شیمیایی
ان *Vapor phase epitaxy*

همبافتی فاز بخار آلی فلزی
اع۱ همبافتی فاز بخار
اع۲ رشد همبافته
اع۳ رشد بلور
او ترکیب آلی‌فلزی
او رشد نیم‌رسانا
او لایه نیم‌رسانا
ان *Metallorganic vapor phase epitaxy*

همبافتی فاز مایع
ب‌ج *رشد همبافته فاز مایع*
اع۱ رشد همبافته
اع۲ رشد بلور
اع۳ رشد(مواد)
او رشد بلور از راه ذوب
ان *Liquid phase epitaxy*

هم‌بسپار
اع۱ بسپار آلی
اع۲ بسپار
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ سه‌بسپار
اخ۲ رزین آبی.اس.
اخ۱ هم‌بسپار پیوندی
اخ۱ هم‌بسپار دسته‌ای
او هم‌بسپارش
ان *Copolymer*

هم‌بسپار پیوندی
ب‌ج *بسپار پیوندی*
اع۱ هم‌بسپار
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
او پیوندزنی(شیمیایی)
او تبادل یونی
او سه‌بسپار

او مخلوط بسپاری
ان *Graft copolymer*

هم‌بسپار دسته‌ای
بچ *بسپار دسته‌ای*
اع۱ هم‌بسپار
اع۲ بسپار آلی
اع۳ بسپار
اع۳ ترکیبات آلی
او سه‌بسپار
ان *Block copolymer*

هم‌بسپارش
اع۱ بسپارش
اع۲ واکنش شیمیایی
او سه‌بسپارش
او هم‌بسپار
ان *Copolymerization*

همبستگی نوری
اع۱ داده‌پردازی نوری
اع۲ داده‌پردازی
اع۱ روش همبستگی
اع۲ روش آماری
اع۳ فن ریاضی
او تمام‌نگاری
ان *Optical correlation*

همبسته‌ساز
اع۱ آشکارساز همبستگی
اع۲ آشکارساز
اع۳ سنج‌افزار
ان *Correlator*

همپارش
اع۱ واکنش شیمیایی
او ساختار مولکولی
ان *Isomerization*

همپذیر
ب‌ک همپذیر شبکه

همپذیر ارتباطی
ب‌ک همپذیر شبکه

همپذیر شبکه
ب‌ج همپذیر
ب‌ج *همپذیر ارتباطی*
او استاندارد
او سیستم ارتباط داده‌ای
او شبکه رایانه‌ای
او واسط(رایانه)
ان *Network protocol*

هم‌پیوند نوری
او ارتباط نوری
او بست الکتریکی
او تار نوری
او تولید مدار مجتمع
او عنصر نوری تمام‌نگاری
او مدار مجتمع نورالکترونیکی
او نورشناسی مجتمع
ان *Optical interconnect*

همتافتگری
اخ۱ همتافتگری تقسیم بسامدی
اخ۱ همتافتگری تقسیم زمانی
اخ۲ سودهی بسته‌بیتی
اخ۲ مخابره ناهمگام
او ارسال رادیویی همتافت
او پردازش سیگنال
او تجهیزات همتافتگری
او تلفن رادیویی همتافت
او سیستم ارتباط داده‌ای
او مخابرات
ان *Multiplexing*

همتافتگری تقسیم بسامدی
اع۱ همتافتگری
ان *Frequency division multiplexing*

همتافتگری تقسیم زمانی
اع۱ همتافتگری
اخ۱ سودهی بسته‌بیتی
اخ۱ مخابره ناهمگام
او دورسنجی
او مدوله‌سازی تپ
ان *Time division multiplexing*

هم‌جوشی
ب‌ک واکنش هم‌جوشی

هم‌جوشی محصورسازی لختی
اع۱ واکنش هم‌جوشی
او واکنشگاه هم‌جوشی
ان *Inertial confinement fusion*

هم‌خطی
او تاب‌گیری
او ترازیابی(ماشین‌آلات)
او جابه‌جایی محور
او سنج‌افزار نوری
او ماشین‌ابزار
او ماشین‌آلات
او نگهداشت
ان *Alignment*

هم‌دما
اخ۱ تکدمای جذب سطحی
او دما
ان *Isotherm*

همدوسی
ب‌ک نور همدوس

همدوسی نوری
ب‌ک نور همدوس

همرفت آزاد
ب‌ک همرفت طبیعی

همرفت طبیعی
ب‌ج *همرفت آزاد*
اع۱ همرفت گرما
اع۲ انتقال گرما
ان *Natural convection*

همرفت گرما
ب‌ج *همرفت واداشته*
اع۱ انتقال گرما
اخ۱ همرفت طبیعی
او شارش سیال
او عدد پرانتل
او عدد نوسلت
ان *Heat convection*

همرفت واداشته
ب‌ک همرفت گرما

هم‌روزن‌رانی
اع۱ روزن‌رانی
اع۲ شکل‌دهی
اع۳ ساختن
او روزن‌ران
او روکش‌کاری(پوشش)
ان *Coextrusion*

هم‌زن(ماشین‌آلات)
اع۱ ماشین‌آلات
اخ۱ بتن‌ساز
او آمیختگی
او ماشین‌آلات پلاستیک
او ماشین‌آلات راه‌سازی
ان *Mixer (machinery)*

همسانی
ب‌ک شبیه‌سازی

هم‌شنوی
اع۱ تداخل در سیگنال
او تداخل تلفنی
او تلفن رادیویی
ان *Crosstalk*

همفشاری داغ
ب‌ک پرس‌کاری داغ

همکاری بین‌المللی
ب‌ج *قرارداد بین‌المللی*
او انرژی هسته‌ای
او تجارت بین‌المللی
او قانون بین‌المللی
ان *International cooperation*

همگام‌ساز
اع۱ موتور فرمان‌یار
اع۲ مکانیسم فرمان‌یار

اع۳ تجهیزات کنترل
ان *Synchro*

همگام‌سازی
او اندازه‌گیری زمان
او اندازه‌گیری فاز
او پردازش سیگنال ویدئویی
او تشدید
او چرخش‌سنج
او سیستم کنترل
او کنترل
او کنترل هم‌زمانی تقریبی
او کوک
او مدار انطباقی
ان *Synchronization*

همگذاری
اع۱ تولید
اخ۱ همگذاری آدمکی
او اتاق شستشو
او تولید مدارچاپی
او جابه‌جایی مواد
او ساخت(تولید)
او ساختن تجهیزات الکترونیکی
او فناوری نصب سطحی
او کارگذاری
او ماشین‌آلات همگذاری
ان *Assembly*

همگذاری آدمکی
اع۱ کاربرد آدمک
اع۲ کاربرد
اع۱ همگذاری
اع۲ تولید
او آدمک صنعتی
او آدمک‌شناسی
او ماشین‌آلات همگذاری
ان *Robotic assembly*

همگرایی روش‌های عددی
بج *ثبات عددی*
بج *ثبات(روش‌های عددی)*
اع۱ روش عددی
اع۲ فن ریاضی
ان *Convergence of numerical method*

هم‌گروه‌سازی
اع۱ مهندسی ژنتیک
اع۲ زیست‌فناوری
اع۳ فناوری
ان *Cloning*

همودینامیک
بک مطالعه حرکت خون

هموگلوبین
بج *جانشین خون بر پایه هموگلوبین*
اع۱ پروتئین
اع۲ زیست‌بسپار
اع۳ بسپار طبیعی
اع۳ مواد زیست‌شناختی
اع۱ رنگدانه
اع۲ مواد
او خون
ان *Hemoglobin*

همه‌گیری‌شناسی
بج *اپیدمیولوژی*
اع۱ پزشکی
او بیماری
او کنترل بیماری
او مراقبت بهداشتی
ان *Epidemiology*

همه‌نگاری صوتی
اع۱ تمام‌نگاری
اع۲ فن تصویرسازی
او تصویرسازی صوتی
او صوت‌شناسی
ان *Acoustic holography*

هندسه
اع۱ فن ریاضی
اخ۱ جسم دوار
اخ۲ استوانه
اخ۲ کره
اخ۱ هندسه تحلیلی
او بررسی
او رویه
او سه‌بعدی

او نقشه‌برداری
ان *Geometry*

هندسه تحلیلی

اع۱ هندسه
اع۲ فن ریاضی
او دید رایانه‌ای
او طراحی به کمک رایانه
او نظریه برنامه‌نویسی
او نظریه گراف
او نگاره‌سازی رایانه‌ای
ان *Computational geometry*

هوا

اع۱ سیال
اع۲ مواد
اخ۱ هوای فشرده
او تراکم‌ساز هوا
او جو زمین
او خالص‌سازی هوا
او کیفیت هوا
او گاز
ان *Air*

هواپالا

ب‌ج *خالص‌ساز هوا*
اع۱ تجهیزات
اخ۱ پالایه هوا
او آلودگی هوا
او آلودگی هوای محیط کار
او خالص‌سازی
او خالص‌سازی هوا
او زیردریایی
او کیفیت هوا
ان *Air cleaner*

هواپیما

ب‌ک هواگرد

هواپیما بانیروی انسانی

اع۱ هواگرد
ان *Man powered aircraft*

هواپیمای ترابری

اع۱ هواگرد
او هواگرد باری
ان *Transport aircraft*

هواپیمای جت

اع۱ هواگرد
اع۱ بالگرد پیشران جتی
اع۱ موتور جت
اع۲ موتور با فن کانالیزه
اع۲ موتور توربوجت
اع۳ موتور توربوفن
اع۳ موتور توربینی ملخ‌دار
اع۲ موتور جت کوبه‌ای
او هواپیمای زیرصوت
او هواپیمای شناسایی
ان *Jet aircraft*

هواپیمای دریایی

اع۱ هواگرد
اع۱ هواپیمای دریایی شناور
اع۱ هواپیمای دریایی نظامی
او برگه آب‌بر
او پیشرانش هسته‌ای
او شناور ته‌پهن
ان *Seaplane*

هواپیمای دریایی شناور

اع۱ هواپیمای دریایی
اع۲ هواگرد
او شناور
ان *Submersible seaplane*

هواپیمای دریایی نظامی

اع۱ تجهیزات نظامی
اع۲ تجهیزات
اع۱ هواپیمای دریایی
اع۲ هواگرد
اع۱ هواپیمای نظامی
اع۲ تجهیزات نظامی
اع۳ تجهیزات
اع۲ هواگرد
ان *Military seaplane*

هواپیمای زیرصوت

ب‌ج *هواگرد هماصوتی*
اع۱ هواگرد
او آیرودینامیک زیرصوتی
او جریان زیرصوت
او هواپیمای جت
او هواگرد پژوهشی
او هواگرد جنگنده
ان *Supersonic aircraft*

هواپیمای شناسایی
اع۱ هواگرد
او هواپیمای جت
ان *Reconnaissance aircraft*

هواپیمای مدل
ب‌ک مدل هواگرد

هواپیمای نظامی
اع۱ تجهیزات نظامی
اع۲ تجهیزات
اع۱ هواگرد
اخ۱ بالگرد نظامی
اخ۱ بمب‌افکن
اخ۲ ابزار نشانه‌روی بمب
اخ۱ هواپیمای دریایی نظامی
اخ۱ هواگرد جنگنده
اخ۱ هواگرد ضدزیردریایی
او فرود سطحی هواپیما
او هواپیمایی نظامی
ان *Military aircraft*

هواپیمایی
ب‌ج *هوانوردی*
اخ۱ ناوبری هوایی
اخ۱ هواپیمایی نظامی
او ارتباط هواگردی
او برخاست
او پزشکی هواپیمایی
او فرود
او مراقبت پرواز
او هواگرد
او هوانورد
ان *Aviation*

هواپیمایی نظامی
اع۱ عملیات نظامی
اع۱ هواپیمایی
او عملیات زمینی
او هواپیمای نظامی
ان *Military aviation*

هواتراوی
اع۱ تراوایی مکانیکی
اع۲ ویژگی مکانیکی
ان *Air permeability*

هوادهی آب
اع۱ تصفیه آب
او آب
ان *Water aeration*

هوادهی فاضلاب
اع۱ تصفیه فاضلاب
اع۲ بهسازی پسمانده
او فاضلاب
ان *Sewage aeration*

هوازدگی
ب‌ج *تخریب محیطی*
اع۱ افت
اع۲ واکنش شیمیایی
او اثر تابش
او آزمایش محیطی
او اکسایش
او آماس
او تجزیه
او ترشدگی
او ترک‌خوردگی تنشی
او خوردگی
او خیساندن
او رطوبت
او زمان‌دهی مصالح
او زمین‌شناسی
او سنگ
او فرسایش
او فروپاشی
ان *Weathering*

هواشکن

اع۱	اجزا
اخ۱	بال
اخ۱	شهپر جت
او	آبشار(مکانیک سیالات)
او	آیرودینامیک
او	برآر
او	برگه آب‌بر
او	قطعات و تجهیزات هواگرد
ان	*Airfoil*

هواشناسی

اع۱	علوم زمین
اع۲	علوم طبیعی
اخ۱	آب‌وهواشناسی
او	ابر
او	اثر تندباد
او	الکتریسیته جوی
او	اندازه‌گیری بارش برف
او	باران
او	بارش(هواشناسی)
او	بارورسازی ابر
او	برف
او	پیش‌بینی هوا
او	تابش جو
او	ترکیب جوی
او	ترمودینامیک جو
او	تعدیل آب‌وهوا
او	تلاطم جوی
او	تندباد
او	توفان
او	توفان تندری
او	جو برون زمینی
او	جو زمین
او	چگالی جوی
او	حرکت جوی
او	خشکسالی
او	خوردگی جوی
او	دمای جوی
او	دیوباد
او	رادار هواشناسی
او	رطوبت هوا
او	ساختار جوی
او	سنج‌افزار هواشناسی
او	شیمی جو
او	فشار جو
او	مسالهٔ هواشناسی
او	مه
او	مهندسی محیط
او	نورشناسی جوی
او	یخ
او	یونش جو
ان	*Meteorology*

هواکش

اع۱	تجهیزات
او	جت
ان	*Air ejector*

هواکشسانی

ب‌ک	آیرودینامیک

هواگرد

ی‌د	یک اصطلاح خیلی عام است، ترجیحاً نوع خاصی از هواگرد را به کار برید.
ب‌ج	*هواپیما*
اخ۱	بادپر
اخ۱	بالگرد
اخ۲	بالگرد پیشران جتی
اخ۲	بالگرد مرکب
اخ۲	بالگرد نظامی
اخ۲	جرثقیل بالگرد
اخ۲	روتور بالگرد
اخ۱	بالون
اخ۲	بالون رادیویی
اخ۲	بالون هواشناسی
اخ۱	فرود سطحی هواپیما
اخ۱	قطعات و تجهیزات هواگرد
اخ۲	ابزار گریز هواگرد
اخ۲	ارابه فرود(هواگرد)
اخ۳	ابزار جلوگیری‌کننده(هواگرد)
اخ۳	ابزار جمع‌کردن ارابه فرود
اخ۲	بال
اخ۲	بدنه(هواگرد)
اخ۲	پیکر(هواگرد)
اخ۲	تجهیزات رادار هواگرد
اخ۲	چراغ راهنمای هواگرد
اخ۲	خروج اضطراری هواگرد
اخ۲	دم(هواگرد)
اخ۲	سنج‌افزار هواگرد

اخ۳ ابزار نشانه‌روی بمب
اخ۳ الکترونیک هوایی
اخ۳ پیلوت خودکار
اخ۳ شاخص زاویه حمله
اخ۳ نشانگر برخاست
اخ۳ نشانگر همجواری
اخ۲ شیشه جلوی هواگرد
اخ۲ صندلی هواگرد
اخ۲ کابین(هواگرد)
اخ۲ کابین خلبان(هواگرد)
اخ۲ ملخ هواپیما
اخ۲ موتور هواگرد
اخ۳ موتور جت کوبه‌ای
اخ۱ کشتی هوایی
اخ۱ وسیله نقلیه هوافضایی
اخ۱ هواپیما بانیروی انسانی
اخ۱ هواپیمای ترابری
اخ۱ هواپیمای جت
اخ۲ بالگرد پیشران جتی
اخ۲ موتور جت
اخ۳ موتور با فن کانالیزه
اخ۳ موتور توربوجت
اخ۳ موتور جت کوبه‌ای
اخ۱ هواپیمای دریایی
اخ۲ هواپیمای دریایی شناور
اخ۲ هواپیمای دریایی نظامی
اخ۱ هواپیمای زیرصوت
اخ۱ هواپیمای شناسایی
اخ۱ هواپیمای نظامی
اخ۲ بالگرد نظامی
اخ۲ بمب‌افکن
اخ۳ ابزار نشانه‌روی بمب
اخ۲ هواپیمای دریایی نظامی
اخ۲ هواگرد جنگنده
اخ۲ هواگرد ضدزیردریایی
اخ۱ هواگرد آبی‌خاکی
اخ۱ هواگرد آموزشی
اخ۱ هواگرد باری
اخ۱ هواگرد بال‌پیشران
اخ۱ هواگرد بال مثلثی
اخ۱ هواگرد بی‌بال
اخ۱ هواگرد پژوهشی
اخ۱ هواگرد شخصی
اخ۱ هواگرد نوبک عمودپرواز
او ارتباط هواگردی
او آیرودینامیک
او برخاست
او پیشرانش هواگرد
او چتر نجات
او دینامیک پرواز
او ذخیره اکسیژن
او رزمایش‌پذیری
او ساختن هواگرد
او سوخت هواگرد
او سوخت‌گیری هواگرد
او سیستم فرود هواگرد
او سیستم ناوبری
او سیستم نیروی کمکی
او شبیه‌ساز پرواز
او فرود هواگرد
او کارخانه هواگرد
او مدل هواگرد
او مساله هواشناسی
او ناوبری هوایی
او نمایشگاه هواگردی
او هواپیمایی
ان *Aircraft*

هواگرد آبی‌خاکی

اع۱ آب‌خاک‌پیما
اع۲ وسیله نقلیه
اع۱ هواگرد
ان *Amphibious aircraft*

هواگرد آموزشی

اع۱ هواگرد
او آموزش کارکنان
او هوانورد
ان *Training aircraft*

هواگرد باری

اع۱ هواگرد
او ترابری باری
او جابه‌جایی بار
او هواپیمای ترابری
ان *Cargo aircraft*

هواگرد بال‌پیشران

اع۱ هواگرد
او پیشرانش هواگرد
ان *Propulsive wing aircraft*

هواگرد بال مثلثی
اع۱ هواگرد
ان *Delta wing aircraft*

هواگرد بی‌بال
اع۱ هواگرد
ان *Freewing aircraft*

هواگرد پژوهشی
اع۱ هواگرد
او پژوهش
او هواپیمای زبرصوت
ان *Research aircraft*

هواگرد جنگنده
اع۱ هواپیمای نظامی
اع۲ تجهیزات نظامی
اع۳ تجهیزات
اع۲ هواگرد
او هواپیمای زبرصوت
ان *Fighter aircraft*

هواگرد شخصی
اع۱ هواگرد
ان *Personal aircraft*

هواگرد ضدزیردریایی
اع۱ هواپیمای نظامی
اع۲ تجهیزات نظامی
اع۳ تجهیزات
اع۲ هواگرد
ان *Antisubmarine aircraft*

هواگرد عمودپرواز
ب‌ک هواگرد نوبک عمودپرواز

هواگرد نوبک
ب‌ک هواگرد نوبک عمودپرواز

هواگرد نوبک عمودپرواز
ب‌ج *هواگرد عمودپرواز*
ب‌ج *هواگرد نوبک*
اع۱ هواگرد
او بالگرد مرکب
او خدمات هواگرد نوبک عمودپرواز
ان *VTOL/STOL aircraft*

هواگرد هماصوتی
ب‌ک هواپیمای زبرصوت

هوامیز
ب‌ج *آیروسل*
اع۱ کلوئید
اع۲ پاشیدگی
اع۱ هوامیز جوی
او اتم‌سازی
او اسفنج
او آلودگی هوا
او خاکستر سبک
او دود
او ذره(ماده معلق)
او رویت‌سازی شارش
او سل
او غبار اتمی
او فرئون
او کدری‌سنج
او کنترل غبار شیمیایی
او گرد و غبار
ان *Aerosol*

هوامیز جوی
اع۱ هوامیز
اع۲ کلوئید
اع۳ پاشیدگی
او آلودگی هوا
او جو زمین
ان *Atmospheric aerosol*

هواناو
ب‌ک وسیله نقلیه با بالشتک هوا

هوانورد
اع۱ کارکنان ترابری
اع۲ کارکنان
او هواپیمایی
او هواگرد آموزشی
ان *Aviator*

هوانوردی

ب‌ک هواپیمایی

هوای فشرده

اع۱ هوا
اع۲ سیال
اع۳ مواد
او بادگان‌شناسی
او تراکم‌ساز هوا
او فشار
او معدن‌کاری
او موتور هوای فشرده
ان *Compressed air*

هورمون

اع۱ زیست‌بسپار
اع۲ بسپار طبیعی
اع۳ بسپار آلی
اع۲ مواد زیست‌شناختی
اع۳ مواد
اخ۱ انسولین
ان *Hormone*

هوشبری‌شناسی

اع۱ پزشکی
او داروی بیهوشی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Anesthesiology*

هوش مصنوعی

اع۱ سیبرنتیک
اع۲ علم سیستم‌ها
اخ۱ مهندسی دانش
اخ۲ کسب دانش
اخ۲ نمایش دانش
او اثبات نظریه
او آدمک
او آدمک‌شناسی
او انتشار برگشتی
او برنامه‌ریزی حرکت
او برنامه‌نویسی غیرمستدل
او برنامه‌نویسی منطقی
او حل مساله
او سیستم تطبیقی
او سیستم خبره
او سیستم یادگیری
او شبکه عصبی
او مدل مغز
او منطق صوری
او نظریه سیستمی
ان *Artificial intelligence*

هوشمندی گفتار

ب‌ج *پوشش صوتی*
او بازشناسی گفتار
او شنوایی
او گفتار
او مهندسی فاکتورهای انسانی
او نظریه اطلاعات
ان *Speech intelligibility*

هولمیم

اع۱ عنصر خاکی کمیاب
اع۲ فلز غیرآهنی
اع۳ فلز
او آلیاژ هولومیم
او ترکیبات هولمیم
ان *Holmium*

هولوگرافی تولیدشده با رایانه

اع۱ تصویر پردازی
اع۲ پردازش سیگنال
اع۱ تمام‌نگاری
اع۲ فن تصویرسازی
اع۱ کاربرد رایانه
اع۲ کاربرد
ان *Computer-generated holography*

هیپوترمی

او اثر سردی
او مهندسی زیست‌پزشکی
ان *Hypothermia*

هیدارت

اع۱ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ گاز هیدرات
او آبپوشی
او نمک
ان *Hydrate*

هیدرازین
اع۱ ترکیبات معدنی هیدروژنی
اع۲ ترکیبات معدنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات نیتروژن
اع۲ ترکیبات شیمیایی
ان *Hydrazine*

هیدرواکسیل‌دارکردن
اع۱ واکنش شیمیایی
ان *Hydroxylation*

هیدروالاستیسیته
ب‌ک کشسانی

هیدروالکتریکی
ب‌ک توان هیدروالکتریکی

هیدرودینامیک
اع۱ دینامیک سیالات
اع۲ دینامیک
اع۳ مکانیک
اع۲ مکانیک‌سیالات
اع۳ مکانیک
اخ۱ الکتروهیدرودینامیک
اخ۱ مغناطوهیدرودینامیک
اخ۱ هیدرودینامیک کشسانی
او آیرودینامیک
او برخورد ته کشتی با آب
او برگه آب‌بر
او برهم‌کنش ساختمان سیال
او پسار
او جت
او جریان آب
او جوشکاری هیدرودینامیک
او حرکت جوی
او شارش سیال
او ضربه قوچ
او گرانروی مایعات
او مایع
او موج آب
او موج مایع
او هیدرولیک
ان *Hydrodynamics*

هیدرودینامیک کشسانی
اع۱ هیدرودینامیک
اع۲ دینامیک سیالات
اع۳ دینامیک
اع۳ مکانیک‌سیالات
او روغنکاری هیدرودینامیک کشسانی
او موج کشسانی
ان *Elastohydrodynamics*

هیدروژن
اع۱ نافلز
اع۲ عنصر شیمیایی
او پروتون
او ترکیبات معدنی هیدروژنی
او تریتیم
او دوتریم
او سوخت هیدروژنی
ان *Hydrogen*

هیدروژن پروکسید
اع۱ پروکسید
اع۲ اکسید
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات معدنی هیدروژنی
اع۲ ترکیبات معدنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
ان *Hydrogen peroxide*

هیدروژن‌تردی
اع۱ تردی
اع۲ زوال
او خستگی خوردگی
او خوردگی
ان *Hydrogen embrittlement*

هیدروژن‌دهی
اع۱ واکنش شیمیایی
اخ۱ هیدروژن‌دهی زغال سنگ
او پالایش نفت
او روغن و چربی
او هیدروژن‌زدایی
ان *Hydrogenation*

هیدروژن‌دهی زغال سنگ

اع۱ هیدروژن‌دهی
اع۲ واکنش شیمیایی
او زغال‌سنگ
او گازکردن زغال‌سنگ
ان *Coal hydrogenation*

هیدروژن‌زدایی

اع۱ واکنش شیمیایی
او ترک‌خوردگی(شیمیایی)
او هیدروژن‌دهی
ان *Dehydrogenation*

هیدروژن سولفورید

اع۱ ترکیبات گوگرد
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اع۱ ترکیبات معدنی هیدروژنی
اع۲ ترکیبات معدنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او جداسازی سولفید هیدروژن(تصفیه آب)
او گاز ترش
ان *Hydrogen sulfide*

هیدروفلئوریک اسید

اع۱ اسید معدنی
اع۲ اسید
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ ترکیبات معدنی هیدروژنی
اع۳ ترکیبات معدنی
اع۱ ترکیبات فلئور
اع۲ ترکیبات هالوژنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
ان *Hydrofluoric acid*

هیدروفون

اع۱ تراگذار برقاصوتی
اع۲ تراگذار صوتی
اع۳ ابزار صوتی
اع۳ تراگذار
او اقیانوس‌شناسی
او سونار
او صدابر
ان *Hydrophone*

هیدروکربن

اع۱ ترکیبات آلی
اع۲ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ اتر
اخ۱ استیلن
اخ۱ اولفین
اخ۲ اتیلن
اخ۲ بوتن
اخ۲ پروپیلن
اخ۱ بنزین طبیعی
اخ۲ گاز نفتی مایع
اخ۱ بوتادی‌ان
اخ۱ بیوگاز
اخ۱ پارافین
اخ۲ اتان
اخ۲ بوتان
اخ۱ پارافین جامد
اخ۱ روغن عایق
اخ۱ فرئون
اخ۱ قطران گاز
اخ۲ پروپان
اخ۱ متان
اخ۲ متان مایع
اخ۱ هیدروکربن آروماتیک
اخ۲ بنزن
اخ۲ تولوئن
اخ۲ کسیلن
اخ۲ نفتالین
او پالایش هیدروکربن
او ترک‌خوردگی(شیمیایی)
او سوخت فسیلی
او فلئوروکربن
او کراکینگ هیدروژنی
ان *Hydrocarbon*

هیدروکربن آروماتیک

اع۱ هیدروکربن
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ بنزن
اخ۱ تولوئن
اخ۱ کسیلن
اخ۱ نفتالین
او آروماتیک‌کردگی
ان *Aromatic hydrocarbon*

هیدروکربن آروماتیک

اع۱ ترکیبات آروماتیک
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
ان *Aromatic hydrocarbon*

هیدروکلریک اسید

اع۱ اسید معدنی
اع۲ اسید
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۲ ترکیبات معدنی هیدروژنی
اع۳ ترکیبات معدنی
ان *Hydrochloric acid*

هیدرولیک

اع۱ مکانیک‌سیالات
اع۲ مکانیک
او تجهیزات کنترل هیدرولیکی
او جهش هیدرولیکی
او سیلان‌شناسی
او شارش سیال
او مدل هیدرولیکی
او هیدرودینامیک
ان *Hydraulics*

هیدرومتر

ی‌د سنج‌افزاری برای اندازه‌گیری چگالی یا گرانی ویژه مایعات
اع۱ چگالی‌سنج
اع۲ سنج‌افزار اندازه‌گیری چگالی
اع۳ سنج‌افزار
او چگالی مایع
ان *Hydrometer*

هیدرید

اع۱ ترکیبات معدنی هیدروژنی
اع۲ ترکیبات معدنی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اخ۱ سیلان
ان *Hydride*

یاتاقان(قسمت‌های ماشین)

ب‌ج *یاتاقان دماپایین*
ب‌ج *یاتاقان کاغذی*
اع۱ اجزای ماشین
اع۲ اجزا
اع۲ ماشین‌آلات
اخ۱ بالشتک یاتاقان
اخ۱ یاتاقان آب‌ایستایی
اخ۱ یاتاقان پیشرانه
اخ۱ یاتاقان راه‌آهن
اخ۱ یاتاقان سر محور
اخ۱ یاتاقان صفحه‌ای
اخ۱ یاتاقان ضداصطکاک
اخ۲ یاتاقان خودروغن‌کار
اخ۲ یاتاقان روغنکاری‌شده گازی
اخ۲ یاتاقان ساچمه‌ای
اخ۲ یاتاقان غلتکی
اخ۱ یاتاقان غیرفلزی
اخ۱ یاتاقان کوچک
اخ۱ یاتاقان مغناطیسی
او آب‌بندی
او روان‌سازی
او روانکاری هوایی
او سوارش یاتاقان
ان *Bearing (machine parts)*

یاتاقان آب‌ایستایی

اع۱ یاتاقان(قسمت‌های ماشین)
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
اع۳ ماشین‌آلات
ان *Hydrostatic bearing*

یاتاقان پیشرانه

اع۱ یاتاقان(قسمت‌های ماشین)
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
اع۳ ماشین‌آلات
او یاتاقان ساچمه‌ای
او یاتاقان ضداصطکاک
او یاتاقان غلتکی
ان *Thrust bearing*

یاتاقان خودروغن‌کار

اع۱ یاتاقان ضداصطکاک
اع۲ یاتاقان(قسمت‌های ماشین)
اع۳ اجزای ماشین
ان *Self lubricating bearing*

یاتاقان دماپایین
ب‌ک تجهیزات برودتی
ب‌ک یاتاقان(قسمت‌های ماشین)

یاتاقان راه‌آهن
اع۱ یاتاقان(قسمت‌های ماشین)
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
اع۳ ماشین‌آلات
ان *Railroad bearing*

یاتاقان روغنکاری‌شده گازی
اع۱ یاتاقان ضداصطکاک
اع۲ یاتاقان(قسمت‌های ماشین)
اع۳ اجزای ماشین
او روان‌سازی
ان *Gas lubricated bearing*

یاتاقان ساچمه‌ای
اع۱ یاتاقان ضداصطکاک
اع۲ یاتاقان(قسمت‌های ماشین)
اع۳ اجزای ماشین
او یاتاقان پیشرانه
او یاتاقان غلتکی
ان *Ball bearing*

یاتاقان سر محور
اع۱ یاتاقان(قسمت‌های ماشین)
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
اع۳ ماشین‌آلات
او یاتاقان صفحه‌ای
او یاتاقان ضداصطکاک
ان *Journal bearing*

یاتاقان صفحه‌ای
اع۱ یاتاقان(قسمت‌های ماشین)
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
اع۳ ماشین‌آلات
او ورق فلزی
او یاتاقان سر محور
ان *Foil bearing*

یاتاقان ضداصطکاک
اع۱ یاتاقان(قسمت‌های ماشین)
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
اع۳ ماشین‌آلات
اخ۱ یاتاقان خودروغن‌کار
اخ۱ یاتاقان روغنکاری‌شده گازی
اخ۱ یاتاقان ساچمه‌ای
اخ۱ یاتاقان غلتکی
او یاتاقان پیشرانه
او یاتاقان سر محور
ان *Antifriction bearing*

یاتاقان غلتکی
اع۱ یاتاقان ضداصطکاک
اع۲ یاتاقان(قسمت‌های ماشین)
اع۳ اجزای ماشین
او یاتاقان پیشرانه
او یاتاقان ساچمه‌ای
ان *Roller bearing*

یاتاقان غیرفلزی
اع۱ یاتاقان(قسمت‌های ماشین)
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
اع۳ ماشین‌آلات
او مواد غیرفلزی
ان *Nonmetallic bearing*

یاتاقان کاغذی
ب‌ک فراورده کاغذی
ب‌ک یاتاقان(قسمت‌های ماشین)

یاتاقان کوچک
اع۱ یاتاقان(قسمت‌های ماشین)
اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
اع۳ ماشین‌آلات
ان *Miniature bearing*

یاتاقان مغناطیسی
اع۱ ابزار مغناطیسی
اع۲ تجهیزات
اع۱ یاتاقان(قسمت‌های ماشین)

اع۲ اجزای ماشین
اع۳ اجزا
اع۳ ماشین‌آلات
ان *Magnetic bearing*

یاخته
ب‌ج *سلول*
اع۱ مواد زیست‌شناختی
اع۲ مواد
اخ۱ غشای یاخته
اخ۱ کروموزوم
اخ۲ ژن
او کشت یاخته
او یاخته‌شناسی
ان *Cell*

یاخته‌شناسی
اع۱ زیست‌شناسی
اع۲ علوم طبیعی
او مهندسی زیست‌پزشکی
او یاخته
ان *Cytology*

یادگیری آدمک
اع۱ سیستم یادگیری
اع۲ علم سیستم‌ها
او آدمک
او آدمک صنعتی
ان *Robot learning*

یادگیری ماشین
ب‌ک سیستم یادگیری

یاقوت
اع۱ گوهر
اع۲ مواد
او کورندوم
ان *Ruby*

یاقوت کبود
اع۱ گوهر
اع۲ مواد
او کورندوم
ان *Sapphire*

یخ
اع۱ مواد
اخ۱ یخ دریایی
او آب
او انبساط گرمایی
او انجماد
او برداشتن برف و یخ
او سردکن
او کنترل یخ
او مساله یخ
او هواشناسی
او یخچال طبیعی
ان *Ice*

یخبندان دائمی
اع۱ خاک یخ‌زده
اع۲ خاک
او باتلاق
او مهندسی شمالگان
ان *Permafrost*

یخچال
اع۱ ماشین‌آلات یخچال‌دار
اع۲ سیستم سرمایش
اع۳ تجهیزات
اع۲ ماشین‌آلات
او برفک‌زدایی
او تراکم‌ساز هوا
او سردسازی
او سردکن
او ماشین‌آلات سیکل بسته
ان *Refrigerator*

یخچال طبیعی
او آب
او زمین‌شناسی یخچالی
او مهندسی شمالگان
او یخ
ان *Glacier*

یخ دریایی
اع۱ یخ
اع۲ مواد
او آب دریا
او اقیانوس‌شناسی

او انجماد
ان *Sea ice*

یخ‌شیشه
اع۱ اندود
اع۲ مواد
او رنگ
او رنگ‌کردن
او روغن جلاء
ان *Glaze*

ید
اع۱ عنصر هالوژنی
اع۲ نافلز
اع۳ عنصر شیمیایی
او ترکیبات ید
ان *Iodine*

یدک‌کش
اع۱ کامیون
اع۲ وسیله نقلیه زمینی
اع۳ وسیله نقلیه
ان *Tractos (truck)*

یکای اندازه‌گیری
ب‌ج *واحد الکتریکی*
اخ۱ سیستم متریک
او استاندارد
او اصطلاح‌شناسی
او اندازه‌گیری
او اندازه‌گیری زمان
او توزین
او وزن مولکولی
ان *Units of measurement*

یک‌سوساز الکتریکی
اع۱ تجهیزات الکتریکی
اع۲ تجهیزات
اخ۱ یک‌سوساز بخار جیوه‌ای
اخ۱ یک‌سوساز حالت جامد
اخ۱ یک‌سوساز لامپی الکترونی
او ابزار نیم‌رسانا
او انتقال نیروی الکتریکی
او ایستگاه فرعی یک‌سوساز
او تبدیلگر چرخشی
او تیراترون
او تیریستور
او دیود
او مدار منبع تغذیه
او مدار یک‌سوساز
ان *Electric rectifier*

یک‌سوساز بخار جیوه‌ای
ب‌ج *گیرانشگر*
ب‌ج *یک‌سوساز قوس جیوه*
اع۱ تبدیلگر توان
اع۲ تبدیلگر الکتریکی
اع۳ تجهیزات الکتریکی
اع۱ لوله تخلیه گازی
اع۲ لامپ الکترونی
اع۳ دستگاه الکترونی
اع۱ یک‌سوساز الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
او جیوه(فلز)
ان *Mercury vapor rectifier*

یکسوساز بلوری
ب‌ک دیود نیم‌رسانا

یک‌سوساز حالت جامد
اع۱ ابزار حالت جامد
اع۲ دستگاه الکترونی
اع۳ تجهیزات الکترونیکی
اع۱ یک‌سوساز الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی
اع۳ تجهیزات
او ابزار نیم‌رسانا
او دیود نیم‌رسانا
ان *Solid state rectifier*

یک‌سوساز قوس جیوه
ب‌ک یک‌سوساز بخار جیوه‌ای

یک‌سوساز لامپی الکترونی
ب‌ج *سوپاپ یکسوساز*
ب‌ج *لامپ یکسوساز*
اع۱ یک‌سوساز الکتریکی
اع۲ تجهیزات الکتریکی

اع۳ تجهیزات
او دیود
ان *Electron tube rectifier*

یوغ انحراف

اع۱ اجزای لامپ الکترونی
اع۲ اجزا
اع۲ لامپ الکترونی
اع۳ دستگاه الکترونی
او گیرنده تلویزیونی
ان *Deflection yoke*

یون

اع۱ ذره باردار
اع۲ ذره بنیادی
او اتاقک یونش
او اتم
او الکترود یون‌گزین
او برق‌کاف
او بمباران یونی
او پروتون
او پیشرانش یونی
او تبادل یونی
او ترانزیستور اثر میدانی حساس یونی
او چشمه یونی
او حکاکی یونی واکنش‌پذیر
او داروی یونی
او ذره آلفا
او رسانایی یونی
او غشای یون‌گزین
او قدرت یونی
او کشت یونی
او کلات‌شدگی
او کمپلکس‌شدن
او واکنش شیمیایی
او یونپار
او یونش
ان *Ion*

یونپار

اع۱ بسپار آلی
اع۲ بسپار
اع۳ ترکیبات شیمیایی
اع۳ مواد
اع۲ ترکیبات آلی
اع۳ ترکیبات شیمیایی
او یون
او یونش
ان *Ionomer*

یونش

اع۱ واکنش شیمیایی
اخ۱ فوتویونش
اخ۱ یونش جامد
اخ۱ یونش گاز
اخ۲ یونش جو
اخ۱ یونش مایع
او اتاقک یونش
او انتقال بار
او تخلیه الکتریکی
او تخلیه هاله‌ای
او تفکیک
او جرقه الکتریکی
او قوس الکتریکی
او گرمایش پلاسما
او مغناطوهیدرودینامیک
او یون
او یونپار
ان *Ionization*

یونش جامد

اع۱ یونش
اع۲ واکنش شیمیایی
او جامد
ان *Ionization of solid*

یونش جو

ی‌د برای یونش جو زمین یا جو برون زمینی به کار برید.
اع۱ یونش گاز
اع۲ یونش
اع۳ واکنش شیمیایی
او الکتریسیته جوی
او جو زمین
او فوتویونش
او هواشناسی
او یون‌کره
ان *Atmospheric ionization*

یونش گاز

پ‌ج *یونش گازی*

اع۱ یونش
اع۲ واکنش شیمیایی
اخ۱ یونش جو
او تخلیه الکتریکی
او گاز
ان *Ionization of gas*

یونش گازی
ب‌ک یونش گاز

یون‌شمار
ب‌ک تابش‌شمار

یونش مایع
اع۱ یونش
اع۲ واکنش شیمیایی
او مایع
ان *Ionization of liquid*

یون‌کره
اع۱ جو بالا
اع۲ جو زمین
اخ۱ منطقه اف.
اخ۱ منطقه ای.
اخ۱ منطقه دی.
او الکتریسیته جوی
او انتشار موج الکترومغناطیسی یون‌کره‌ای
او اندازه‌گیری یون‌کره‌ای
او میدان مغناطیسی زمین
او یونش جو
ان *Ionosphere*

یونیکس(سیستم عامل)
اع۱ سیستم عامل رایانه
اع۲ نرم‌افزار رایانه
او سی(زبان برنامه‌نویسی)
ان *UNIX*

Title: Thesaurus of Engineering
Compilers: Moluksadat Hosseini Beheshti, Maryam Noroozi Eghbali, Mehrdad Noroozi Eghbali
Publisher: Iranian Information and Documentation Center (IRANDOC)
Circular: 500
Printing: 1st
Printing house: IRANDOC
Date: 2003
Price: $ 50.00
ISBN: 964-91798-9-5

Ministry of Science, Research and Technology
Iranian Information & Documentation Center
Terminology Research Group

Thesaurus of Engineering

Compiled by:
Moluksadat Hosseini Beheshti
Maryam Noroozi Eghbali
Mehrdad Noroozi Eghbali

Vol. 1